جهان اسلام

اقتباس و نگارش

عمادزاده

مقدمه مؤلف

درخلال مطالعات ممتده غیر منقطع خودگاهی محتاج بیك مطالبی میشدم که هرچند بیشتر تفحص میکردم کمتر می یافتم وچون منظور حاصل نمیشد رغبت ومیل بحصول آن تقویت میگردید تابجائی که اندیشه خلجان پیدا میکرد مطالب مجهول رابنیروی استطاعت فکری وعقلی استنباط نموده برشته تألیف ونگارش درمی‌آوردم این فکر هرچه بیشتر بکارمی‌افتاد ودر دریای کتب مختلف وخطوط وسبك ونگارش بامشکلات خواندن آن غوروغواصی بیشتر میشد وبمنظور پیدا کردن مجهولات علمی وتاریخی از معلومات ومسلمیات منظور تألیف ناگفته ها کمك فراوانی میکرد تادر نتیجه برحسب ذوق واستعداد در مدت نیم قرن کتبی که درفهرست آخر کتاب مشاهده میگردد تألیف وطبع ونشر یافت(۱)

در سال ۱۳۷۰ قمری بخواهش برخی‌از دوستان بتألیف‌این کتاب پرداخته ولی دربدایت‌امر مشکلاتی در پیش بود که‌هیچ‌نویسنده فکرمشکلات را نکرده واین‌اندیشه برایش حاصل نمیشود که ممکن است درکار تاچه حد بمشکلات برخورد نماید اما چون شروع بکار کرد وخواست نوشته های خود را براساس تحقیق وتتبع واستنباط وتقوی مبتنی برمدارك ومنابع موثقی قرار دهد متوجه میشود که چه مشکلاتی در پیش است.

آری ترجمه وتألیف آنهم دریك موضوع بکرو بی‌سابقه موجباتی میخواهدکه تامهیا وآماده نشود نویسنده از عهده برنخواهد آمد.

---

۱ - یکی ازدوستان را بران داشتم که این اقرار واعتراف هاراجمع آوری نماید تاکنون‌بیش از پانصد نویسنده وفیلسوف وپرفسور وپاپ و اسقف دانشمند عزیز مسلمان بـاین حقیقت اعتراف واذعان کرده‌اندکه تمدن دنیا مدیون ووارث تمدن وعلوم مسلمان است.

نگارنده وقتی بتألیف این کتاب پرداخت که بیش از سی مجلد کتاب تألیف وطبع ونشر نموده بود اندیشه این همه مشکلات جدید را نمیکرد - ولی علاقه وعشق بمطالعه وتحقیق محرك وشوق مؤلف بود که بافقدان وسایل وعدم موجبات کار از تصمیم خود منصرف نشوم .

تألیف ونگارش محتاج بکتابخانه هائی است که در کشور مابدان معنی وجود ندارد باآنکه مثلا در کتابخانه **مراغه چهارصد هزار جلد کتاب** بوده وکتابخانه **اصفهان زمان سلاجقه وصفویه ششصد هزار جلد کتاب** داشته دراسلامبول هشتاد کتابخانه عمومی درمساجد بود که هریك بیش ازده هاهزار جلد کتاب داشته آنروزها چاپ و چاپخانه نبود !!

ولی امروز در سرتاسر کشور ما باکمال تاسف یك کتابخانه صد هزار جلدی وجود ندارد و کتابخانه های عمومی هم آنقدر تشریفات دارد که سبب انصراف مراجعه بدان میگردد - بعلاوه این کتاب که باید از جهان اسلام وصف کند نیازمند بوقوف چندین زبان است که نگارنده نه خود میدانست ونه استطاعت براستخدام چندین مترجم داشت .

همه این مشکلات در یکطرف وتحولات زندگانی عمومی نیم قرن اخیر که دوجنگ جهانی در آن رخ داد . ازنظر مضیقه معیشت عمومی وناملایمات محیط - پاره شدن رشته اجتماع ملی ووحدت فکری - تحقیر دانشمندان وتجلیل وتقدیر ازبی خردان وفرومایگان وهزاران مصائب اجتماعی دیگر که بیان آن موجب تالم خواطر خوانندگان میگردد موجبات یاس ونا امیدی را فراهم میساخت .

اما از تعلیم قرآن درباره هرکار و کوشش بمنطوق **فاستعینوا بالصبر والصلوة** استفاده نموده باغریزه نیرومندی که در تحصیل وتحقیق ومطالعه کتب وتتبع واستنباط بلطف الهی پیدا کرده ازباب **فاما بنعمة ربك فحدث** باهمه دشواریها ومشکلات از کتب واطلاعات دوستان واستمداد از سفارتخانه های اسلامی وکتابخانه های ایران وعراق ومصروسوریه ولبنان وهند وپاکستان وافغانستان وترکیه استفاده نموده واز رنج وزحمت مطالعه وتحقیق وجمع آوری آثار ابنیه وتمدن وعلوم آنها فارغ ننشسته وبکار خود ادامه دادم .

یکی دیگر از عوامل محرك ومشوق من انحراف نسل جدید ودانشجویان عزیز از دانشگاه حقیقی اسلام بود که از معارف وعلوم وروش پرورش واصول وفروع دین اسلام بی خبر مانده وتمام وجهه همت آنها صرف گرفتن مطالب ملل اروپائی وامریکائی گردید این بی وقوفی نسل جوان نگارنده را برآن داشت که باین کتاب از نظر علم وفضیلت اسلامی و تاریخ مفصل اسلام وادوار علوم و معارف مسلمین دست زده وثابت نمود که مسلمین چه خدماتی بجهان بشریت وعلم وادب وفنون وحرف را زنده کرده نهضتی براساس تحقیق علمی نمود - بطوریکه دانشمندان ملل اروپائی خود اعتراف کرده اند که مدیون اسلام هستند !!

غربیها خودرا وارث علوم وتمدن اسلام میدانند

نگارنده باآنکه خود اعتراف دارد که وجهه همت مصروف گذشته کردن دردی برای آینده مادوا نمیکند ولی نمیتواند ناگفته بگذرد که مسلمین همه چیز داشته تنها انحراف استعماری آنها را از سیادت وبزرگی منحرف کرده وباین روز انداخته است وبرای آنکه پرده های تاریك تاریخ را از پیش چشم آنها برداشته عظمت تمدن اسلام را باسرعت نفوذی که داشته وخدمات علمی وفرهنگی مسلمین که بعالم بشریت کرده اند وخود را در تمام امکنه مسکونی کره زمین

بعظمت فکر و اندیشه ونبوغ وقدرت علمی معرفی نمودند برای این طبقه وعموم مسلمین امروز جهان روشن سازم باین وظیفه سنگین بافقدان وسایل ومشکلات طاقت فرسا قیام نمودم .

زحماتی که در راه تالیف وترجمه مندرجات این اوراق تحمل شد . واشکالاتی که در تهیه مطالب این کتاب در پیش بوده که برای تتبع وتحقیق واطلاع روشن است ونیازمند بتشریح نیست نگارش یك کتابی که قلمرو اسلام را برای خوانندگان تشریح کند مستلزم یك مسافرت طولانی باتمام وسایل وآشنائی بهمه زبانهای زنده جهان است که تاکنون برای کسی کمتر روی داده است کار آسانی نیست ناچار باید در متون کتب وتواریخ ممالك جهان وکلیه مطبوعات وجراید خارجی و استعلام از سفارتخانه های ممالك اسلامی ومطبوعات آنها اطلاعاتی بدست آورد واین عمل تاچه اندازه مشکل ومحتاج بمرور زمان واستمرار در مطالعه وتحقیق است

کسانی که قلم دست گرفته شرح حال پدر خود را مینویسند یایك صفحه از زندگانی خودرا ثبت کند تایك موضوعی را تحقیق نماید میداند تاچه اندازه تألیف این کتاب مشکل وطاقت فرسا میباشد .

نگارنده خود معترف است که این کتاب در حال حاضر چه نقیصهٔ دارد ولیکن حقیقت این است که بادر نظر گرفتن موضوع کتاب وامتناع استقصا بیش از امکان واضح شود واگر هم قرار شود بتمام کتب تاریخ وجغرافیای ممالك روی زمین مراجعه شود تامطلوب حاصل گردد برفرض آنکه هر کشوری تاریخ وجغرافیای خود را هرسال تجدید نموده باشد تاچند حدودو زمان برای مطالعه آن کتب لازم است که بهدف رسیم .

نگارش این کتاب برای نویسنده حکم تصور یك نقشهٔ را دارد که مهندس اول در ذهن ترسیم میکند وپس از آن روی کاغذ می برد وتا باطول مدت درخارج بصورت یك بنای زیبائی در آید همه این مطالعات مقدمه حسن تنظیم مهندس یك کشوراسلامی است تمام روی کره زمین را بگیرد چنانچه در حدیث نبوی از پیغمبر اکرم ص روایت شده که فرموده .

سیفتح علیکم الآفاق ... بزودی آفاق وهمه اراضی مسکونی زمین برای شما فتح میگردد تاعالم اسلام واسلام را در جهان بمردم معرفی نمایند .

مشکلاتی که درکار تألیف این کتاب بود برای خوانندگان ناچارم برخی را مورد بحث قرارداده تانسل آینده شاید بهتر وخوب تر تحقیق کند وبتکمیل این تألیف بپردازد .

در خلال مطالعاتی که داشتم سالها افکارم متوجه سرعت نفوذ اسلام در جامعه پهناور بشریت بوده وهمواره فکر خود را در بدست آوردن اوضاع عمومی زندگی ملل مختلف جهان بکار برده ودر این راه خلجان میکرد که آیا چگونه این حقیقت را میتوان دریافت .

وضع مسلمین را در صدر اسلام **یاقرون وسطی میتوان از متون کتب مختلف تاریخ مانند فتوح وتقاویم ومؤلفات ابن اثیر - ابن خلدون - ابن خلکان - مقریزی - سیوطی - ابن خرداذبه - یاقوت - اصطخری - کتب ادب ابوالفرج اصفهانی - ابونعیم اصفهانی عقد الفرید ابن عبدربه - وکتب تفاسیر و احادیث وغیره اوضاع اجتماعی و تطورات** تاریخی و تحولات ملی و نژادی مسلمین جهان را میتوان بدست آورد ولی برای وضع حاضر بااین پیش آمد دوجنگی که ازسال ۱۹۱۴ تاسال ۱۹۱۸ واز سال ۱۹۴۲ تاسال ۱۹۴۵

در جهان بشریت رخ داده تحولی عظیم در وضع عمومی مسلمین پیدا شد که مهمتر از همه تلاشی امپراطوری عثمانی بوده وعظمت اسلام در نظر جهانیان وارتباط کامل بشر باهم ووقوف مردم جهان براوضاع تاریخی وجغرافیائی بشریت - واختراع طیاره ووسایل حمل ونقل ومهمتر ازهمه اختراع رادیو که بهترین رابطه بین ممالك بشری بوده که میتوانست کتب کتابخانه های جهان را بهم معرفی نمایدولی متأسفانه از رادیو درجهان استفاده علمی وتعلیم وتربیتی نشده ونمیشود .

این ها همه موجباتی بوده که نهضتی عظیم برای بشر بوجود آورد ومسلمین نیز از این جنبش حداکثر استفاده راکردند ومیتوان از روی مطالعه وتحقیق گفت دراین نیم قرن اخیر تحقیقاً صد ملیون بر مسلمین جهان افزون گشته است وتا حدی وضع مسلمانان در برخی از ممالك روشن شد .

نگارنده برای بدست آوردن احصائیه ملل مسلمان از نژاد های مختلف بشری وآمار صحیح از جمعیت های ممالك اسلامی که بااختلافات فاحشی نقل شده ناچار شدم جغرافیای ممالك را از نظروسعت خاك وجمعیت وتعداد مسلمانان وآثار ومآثر آنها درنظر گرفته وروی حساب نسبتاًصحیحتری که مورد اعتماد است بدست دهم واین زحمت را بانقل وانتقال قاره های کره زمین واینکه هرقاره چند کشور و چند شهر دارد وهر شهری چقدر جمعیت دارد و باچه شرایطی زیست میکنند همه را نقل نمایم .

نویسنده این کتاب را براساس آموزش متین اسلام وتعلیمات قرآن گذاشته جنبش دینی ونهضت علمی وجهانگیری وفتوحات مسلمین وتمدن وسیاست اسلام وآثار و مأثر مسلمانان در آسیا - افریقا اروپا اقیانوسیه امریکا وابنیه وقصور ومساجد ومدارس وشاهیر بزرگی که از مسلمین در دنیا باقی است مورد بحث وتحقیق قرار داده ودر باره علوم اسلامی و کتب سلمین که کتابخانه های اروپا را پر کرده وتعداد آن در هر کشور از یك تا ٤ ملیون میگذرد اذهان خوانندگان را روشن نموده - تعداد مسلمین جهان را در کشورهای - ایران - عراق - حجاز - سوریه -لبنان - اردن هاشمی - افغانستان - ترکیه مصر - مراکش - لیبی - طرابلس - حبشه - یمن - افریقای جنوبی - روسیه - ژاپن - چین - ممالك بالکان - فرانسه - آلمان - انگلستان ایتالیا - سویس . وامریکاء - جزایر اقیانوسیه وسایر ممالك اسلامی با اوضاع فعلی وآثار ومساجد ومدارس ومقام علمی آنها برای مسلمین روشن سازم وسلاطین کنونی ممالك اسلامی را بااهمیت سیاسی ومقام اجتماعی واوضاع داخلی ومقدار ومساحت کشور هریك را باجمعیت هر مملکت وسطح فرهنك و معارف وخدمات آنها بجامعه بشریت باطلاع عموم مسلمانان میرسانیم تابدانند تعداد مسلمین در چه مقداراز زمین‌های روی کره مسکن عمومی ملل اسلامی است و مسلمانان دنیا چه مقامی را احراز کرده و در چه حال هستند وطریقه اتحاد واتفاق را که مورد اعتراف وتصدیق همه فلاسفه دنیا باشد بنکارم ونغمه اتحاد ملل اسلامی را براساس متین وقابل بقاء ودوام روشن وتقدیم خوانندگان نمایم .

وهدف خود را که نشر معارف اسلام است وآن ضامن سعادت وسیادت وموفقیت وکامکاری بشر میگردد برجهانیان عرضه نموده افکار را برای حل وهضم علوم اسلامی که باراقی ترین عقول بشری همه روش است بمیان نهاده ودیگران را شرکت در این ذخیره آسمانی دهم .

مشکل دیگر تهیه **عکس های مساجد ومدارس وابنیه تاریخی مهم اسلامی و نقشه کشورها وعکس وضع حاضرمسلمین است در حال نماز ودرس خواندن وفعالیت های اجتماعی** که شکی نیست تهیه این همه عکس از وضع حاضر مسلمانان تاچه اندازه مشکل است وعشق وعلاوه مؤلف تحمل هر گونه مخرج ورنجی را برخود استوار نموده تاتوانسته از اکثرمساجد ومدارس وسلاطین ورجال ودانشمندان و کتابخانه ها وغیره عکس بدست آورده از نظر خوانندگان عزیز بگذراند واین مشکلات را برای این متذکر گردیدم که خوانندگان عزیز بدانند کتابی که از نظر آنها میگذرد باچه اندازه مشقت وزحمت تألیف ونگارش یافته است .

جهان اسلام
اسلام در جهان

یاتاریخ جغرافیائی ممالك اسلامی یاجغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی منظور از این کتاب نشان دادن سیرتاریخی اسلام است که در جهان بشریت چگونه طلوع کرده ونشو ونما یافته و بکجا رسیده و کشور هائی که مسلمین گرفته وتمدنی که آنها بجا گذاشتند وتاریخی که درسیر عالم وجود بخود اختصاص دادند تاچه حدو چه پایه بوده است این تاریخ جغرافیائی یااین جغرافیای تاریخی که بنام جهان اسلام واسلام در جهان نام گذارده‌ایم شرح اوضاع واحوال مسلمین را باعلوم ومعارف اسلام که در سایه قرآن نشو و ارتقا یافته از نظر خوانندگان عزیز میگذراند پذیرش آن بسته بذوق وسلیقه خوانندگان است .

تاچه قبول افتد وچه در نظر آید

تاریخ

کلمه تاریخ عربی است وشاید از فارسی آن که تاریك است گرفته شده باشدوچون تاریخ همین کلمه هم تاریك است نمیدانیم اولین کسی که تاریخ نوشت از کدام قوم وملتی بوده است ولی آنچه مسلم است تاریخ از عرب وتاریك از عجم است وچون راه‌راروشن میکند تاریخ گفته‌اندو معنی لغوی تاریخ برمفهوم حوادث مجموع روز وهفته وماه وسال اطلاق میشود ودر اصطلاح آئینه سرتا پانمای تجارب گذشته گان در شؤن مختلف زندگی انسانی است تاریخ سرگذشتهای مختلف نشان میدهد وتاریکی های گذشته را برای آینده گان روشن میسازد.

جغرافیا

این کلمه از اصل **ژؤ گرافی** لاتینی اتخاذ شده ودر اصطلاح عربی معارف بمسالك وممالك ووقوف باوضاع واحوال زمین از طبیعی وسیاسی واجتماعی وآب وهوا ومحصول ومعادن ومکاسب و متاجر و غیره است وچون ما در این کتاب جغرافیای تاریخی کشور های اسلامی را شرح میدهیم ازتاریخ فتح وتحولات سیاسی واجتماعی ورجال علم وفرهنك وتعداد جمعیت وآثار تمدن که مساجد ومدارس در رأس آن قرار گرفته بحث میکنیم وتاریکی های این وضع را روشن میسازیم وامیداست بتوانیم سررشته را بدست ارباب علاقه سپرده ونقیصه این بحث را تکمیل نمایند .

منطقه نفوذ مسلمین

دانش مسلمین از آندونزی پیش رفته ازشمال بسپریه و از جنوب بزنگبار بردند ـ هر کسی میرفته فتح و ظفر برآنها مسلم بود اما مذهب را بلافاصله تغییر نمیدادنددرتغییر مذهب روشهای مختلف بکاررفته ـ در خود عربستان هنوزپیغمبر خدا زنده بود که تمام آنشبه‌جزیره مسلمان شدند مصر وشام که مسیحی بودند دشمنان کینه توز روم شرقی بتدریج اما بطیب خاطر

دین اسلام را پذیرفتند ـ طوایف دیگر مسیحی مانند طایفه رومانی وقبطی مدتها بدین خود باقی ماندند وزردشتی های ایران نیز از ارفاق فرماندهان عرب در امان ماندند وپس از قرنها متدرجاً همه مسلمان شدند جزاندکی که بسیار ناچیزند بربریان افریقای شمالی ومسیحیان اسپانیا وکلیمیان آن دو منطقه مختار بودند که مسلمان شوند یادر کیش خود بمانند اما اکثریت آنها جز عدهٔ معدود که لجوج وعنود بودند مابقی باسلام گرویدند . اهالی ماوراءالنهر وترکستان باآنکه مکرراز دین دست کشیدند بدین سابق خود بازگشته ولی نسل جدید همه مسلمان شدندقبایل ترکستان شمالی این دین را بعد از قرن سیزدهم هجری پذیرفتند .

مسلمانان هندوستان با کمال میل اسلام راپذیرفتند ـ واسلام بنیروی خود وقدرت وقوت علمی واخلاقی درهند جاگرفت ومردم آنسرزمین را تمایل باسلام نموده واین طریق بهترین راه نفوذ اسلام بوده که تاکنون بیش از پنجاه ملیون طبق آمار خودشان مسلمان شده اند .

در افریقای مرکزی هم این روش معمول گردید وبه دین اسلام بنرمی وملایمت خود بخوددر آنجا جاگرفت ودرافریقای خاوری وچین عده معدودی مسلمان شدندومدتی طول کشیده تابرکارهای عمومی سیطره ونفوذ یافتند .

اندونزی که جمعیت مسلمانان آنجا پس از پاکستان از همه جا بیشتر است در پرتوتبلیغات تجارتی نفوذ یافت و مردم باسلام گرویدند .

مردم شبه جزیره بالا وقسمت عمده افریقای مرکزی خاوروباختر افریقاء در قرن ۱۲ هجری که خرید وفروش برده الغاء شد مردم همه باسلام گرویدند وچون مسلمان نباید مسلمان دیگری را برده خود سازد از مسلمان شدن بت‌پرستان که برده‌گی خرید وفروش میشدند جلوگیری کرده بودند در افریقای جنوبی مزدوران مالایائی وهندی اهل آنجا را بدین اسلام آشنا کردند . ترکان عثمانی ضمن فتوحاتی که در بالکان ومجارستان کردندبرای انتشاراسلامی سعی کافی مبذول نداشتند وتنها سرزمینی که دین اسلام را پذیرفت آلبانی وبوسنه **ودوبرجه** ومقدونیه شمالی و ترکیه بوده گذشته از قفقاز بااینکه درخاك روسیه دسته های کوچکی مسلمان پراکنده هستند دیگر اثر در آنجا از حکمرانی تاتار های مسلمان باقی نمانده است .

مسلمانان اسپانیا در زیر فشار دستگاه تفتیش عقاید یابکیش سابق خود مسیحیت بازگشتند یامجبور بجلاء وطن شدند در شهر های امریکای شمالی وجنوبی وجزایر هند غربی وژاپن وجزائر **هاوانی** اخیراً دستجاتی از مسلمانان توطن اختیار کردند .

ولی تقریباً تمام مسلمانان که تخمیناً یك هفتم کل نفوس جهان را تشکیل میدهند وحداکثر توالد وتناسل را دارا هستند در آسیا وآفریقا واروپای جنوبی ساکن میباشندبنابراین اسلام ازشبه ـ جزیره عربستان طلوع کرده واز شمال وجنوب وشرق وغرب پیش رفت تابیش از نیمی کره راگرفت و۴۶ کشور پهناور در منطقه نفوذ مسلمین اداره میشد وبرتمام آبهای پهناور جهان حکومت یافت قریب هزار ملیون از مردم دنیا در زیر سیطره حکومت اسلامی اداره میشدند .

این تألیف ناچیز چون بی‌سابقه وراستی میوه تحقیق‌وتتبع سی سال مطالعه ویاد داشت است باهمه نواقص‌مقدمهٔ برای‌علاقمندان‌علم وصاحبان‌همت بلند ومؤلفین‌عالیقدر اسلامی‌است که‌درهر کجای قلمرو اسلام هستند این ذریعه را بنای کار خود قرار داده روی این شالوده اطلاعات بسیطه فراهم و مکمل عمل‌ناقص این بنده قراردهند ـ وتاریخ تحولات نفوذ تمدن اسلام را درسرتاسر جهان بشریت

تکمیل وتشریح کرده بدست ملل اسلام بسپارند ومخصوصاً روش پرورش اسلام را که مقرون بسعادت است نشر دهد .

نمیتوان گفت که این تالیف ناچیز میتواند منبع اطلاع مؤلفین فاضل متبحر قرار گیرد زیرا این ارزش را ندارد ولی میتوان گفت که این اثر ناچیز میتواند محرك وراهنمای اندیشه های عالی ارباب فضیلت قرار گرفته تا کتبی در این باره تألیف وتصنیف فرمایند ودر نتیجه مسلمین جهان را در شرق و غرب وشمال وجنوب ـ صحرا ودریا ـ وجزیره ـ همه را بهم مربوط و معرفی کرده واز اوضاع عمومی زبان وخط ومذهب وسیروسلوك هر ملل وقومی آگاه نمایند .

هرگز نمیگویم این تألیف ابتکاری بوده که توفیق نگارش آن نصیب این بنده شده است اما ناگفته هم نمیتوان گذشت که این اوراق نتیجه مطالعه وتحقیق وتتبع واستنباط ونگارش وتعلیم وتعلم است واین غریزه در تمام مدت عمر بکار بوده وهیچ گاه تعطیل نشده بحالوقفه نمانده وآنچه بیشتر نویسنده را برنگارش کتب دینی مقدم داشت این بوده که راه نیل بکمال را در این جهان آشفته منحصر بتعالیم عالیه ائمه دین واجرای قوانین قرآن مجید دانسته بگفته فلاسفه شرق وغرب جهان قرآن را کاملترین قوانین اجتماع بشری میشناخته وائمه اطهارعلیهم صلوات الله اجمعین را فاضلترین پیشوایان ومفسرین وعاملین وراهنمایان بقرآن دانسته وعقیده برآن است که باید حقیقت کمال مطلوب را در خلال زندگی آنها که از عمل بقرآن تفکیك نداشته اند جستجو کرد .

بااعتراف باین حقیقت غیر قابل انکار پیدا کردن راه حقیقت را از متون احادیث و کتب اخبار نبوی باید جست وتحولات تمدن ملل اسلامی را باید در خلال وضع واجرای احکام اسلام در میان آنها تشخیص داده واین کتاب هم بدین منظور تالیف ونگارش یافت امید است در پیشگاه ارباب خرد ودانش مورد قبول افتد وهرجا هر نقیصه بنظرشان رسید بنشانی نویسنده فوری مرقوم فرمایند تارفع نقیصه آن بشود ـ من الله التوفیق وعلیه التکلان ـ

بسم الله الرحمن الرحیم

عظمت اسلام و رشد علمی مسلمین

اقراء باسم ربك الذی خلق ـ خلق الانسان من علق ـ اقراء وربك الاکرم ـ الذی علم بالقلم علم الانسان مالم یعلم ..

ای محمد (ص) بخوان بنام پروردگارت که آفرید « همه جهانرا » وآفریدانسان را ازخون بسته بخوان که پروردگارت اکرم است. آن پروردگاری که نوشتن وخواندن راآموخت وآموخت بانسان آنچه را که نمیدانست

خلقت وآفرینش از خدای آفریننده دانای توانا از نوشتن وخواندن شروع شد واین موهبت عظمی نشان میدهد که خلقت انسان از خون بسته برای فراگرفتن خواندن ونوشتن بود تابتمام علوم ومعارف دین واسرار ورموز آفرینش واقف گردد وباسیر مراحل تکاملی ازجماد ونبات وحیوان وانسان بگذرد صفوف فرشته گان راهم طی کند تابسرحد کمال وآنچه اندر وهم ناید برسد.

بنابراین علت غائی خلقت علم وفضیلت بود چنانچه خود پیغمبر ص فرموده **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق** ـ سیر تکاملی اخلاق اززمان نبوت آدم شروع تاخاتم النبیین تتمیم وتکمیل گردید.

طلب العلم فریضة علی کل «مسلم و مسلمة»

بهمین جهات بود که پیشوای اسلام طلب علم و تحصیل دانش را برهر مسلمان خواه زن یا مرد عرب یا عجم (مراد از عجم غیراز عرب است) شرقی یا غربی وسیاه یاسفید درهر نژاد وهررنك و هرلهجه و زبان بود چون مسلمان شد واجب است آموزش و پرورش اسلام را فرا گیرد وشکی نیست دراین تعلیم وتربیت که ازفرایض شمرده شده وصدها حدیث دیگر درتشویق وترغیب آن فرمود تمام نیازمندی بشر از **ذره تا دره** ملحوظ گردیده ودر این نشئه عالم طبع که سرراه عالم آخرت ومجردات است آنچه لازمه وسیله کمال وزیب وزینت جمال انسانیت بود آموخته‌اند سطح فکر واندیشه رابالابرده افق دانش و بینش در کمال روشنائی قرار گرفته ابهام و اکراهی درکار نیست تا قافله بشری از کتم عدم بعرصه ظهور وبروز برسد واین طرق سهل وممتنع را بادستور دین اسلام که سهل است می‌پیمایند وزو بکمال مطلوب میروند لحظه‌ای سکوت و آرامش ندارد دائماً در حرکت جوهری و عرضی پیش میروند تا شاید مقصود را در آغوش گیرند،

العلم علمان علم الابدان وعلم الادیان

احادیث نبوی لحن آسمانی و وحی الهی است ودر این بیان حق کلیه جهات علمی وفنی واسرار ورموز علم الاجتماع وروح الاجتماع مورد توجه قرار گرفته است و این که پیغمبر علم را منحصر کرد باالف ولام بدو علم درآن نکات و اسراری نهفته است . حکیم نظامی ترجمه کرده گوید.

گفت پیغمبر که علم علمان	**علم الابدان وعلم الادیان**
درنفس دوعلم بوی طبیب است	**آن هردو فقیه یا طبیب است**
میباش طبیب عیسوی هش	**اما نه طبیب آدمی کش**
میباش فقیه طاعت اندوز	**اما نه فقیه حیلت آموز**

علوم عالم بشریت درلسان شرع منحصر بدوعلم اساسی شناخته شده که علم‌دین وعلم بدنست و تمام علوم دیگر منشعب و متفرع این دو علم است و اثبات این حقیقت در این اوراق روشن شده است .

حکماء و فلاسفه قبل‌از اسلام هم‌این معنی را توجه داشته نهایت بلفظ مصطلح عصر خود که حکمت است مبداءاساسی قرارداده وتقسیم کرده‌اند چنانچه در علوم فلسفی و تاریخ فلسفه اثبات نموده‌ایم آنها گویند مراد ازعلم وحکمت یافلسفه رسیدن بحقایق اشیاء است وموضوع این علم‌اگر بماده ومدت باشد طبیعی‌است واگر بین‌ماده وتصور باشد ریاضی است واگر نه‌ماده ونه‌مدت داشته باشد وفقط بتصور وتعقل درك‌شده حکمت الهی گویند.

علم‌هم بهمین تقسیم یامربوط باصلاح وتهذیب مزاج است آنرا علم‌طبیعی وعلم ابدان خوانند که شامل تمام ابدان، ازمبداء تامنتهای آفرینش است، یاعلم اصلاح وتهذیب روح است که آنرا علم‌دین گویند وشامل همه‌ادیان است.

فهم قرآن مستلزم دانستن چندین رشته ازعلوم است

قرآن که آخرین کتاب آسمانی است شامل هر دو علم است هم دستورات حفظ صحت مزاج وتر کیبی وعنصری راداده وهم تعلیم روش پرورش روحانی را که ذی المقدمه است داده پس علوم عالم بدون تردید باین دوعلم اساسی تقسیم شده **علم دین وعلم طب** آنهم برای همیشه وهمه ادیان وبرای همهٔ امکنه وازمنه وهمهٔ ابدان است زیرارعایت تناسب وتأثیر هرآب وهوا ومحیط وماکول و مشروب منطقه را نموده وعلوم دیگر نبات شناسی وحیوان شناسی وانسان شناسی همه متضمن علوم ابدان است وعلم ادب و منطق وحکمت در تضمین علم ادیان است وفهم قرآن هم مبتنی و مستلزم دانستن چندین رشته از علوم است چنانچه توصیف و تشریح خواهد شد.

لا تؤدبوا اولادکم باخلاقکم انهم خلقو لغیر زمانکم

از گفتار حضرت علی بن ابیطالب ع

در این بیان مستدل مولای متقیان که می فرماید اولاد خود را بعادات و آداب زمان خود تربیت نکنید زیرا آنها برای محیط دیگری پس از شما خلق شده اند و شاید آنروز آداب وعادات دیگری ظهور وبروز کند که آداب عصر شما باآن سازش نداشته باشد والبته این تأدیب غیراز آداب دینی است که باید در تمام مسلمانان یکنواخت بوده و وحدت اخلاقی پیدا کنند ودر این تعلیم وتربیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ع مکتبی خاص دارد که مافوق تمام مکتب های تربیتی عالم بشریت است واین کلمه هم تراوش فوق افق آموزش وپرورش عمومی میباشد ولذا فرموده تربیت اخلاق وآداب اولاد واخلاف ونسل آینده شما باید منطبق بااخلاق عمومی آنعصر ومحیط گردد این لطیفه رایکی از شعرای حساس و خوش سلیقه باذوق سلیم خود ترجمه کرده گفت:

طبعی بهم رسان که بسازی بعالمی یاهمتی که ازسر عالم توان گذشت

واین حقیقت غیراز اصول عقاید و معتقدات ثابت صحیح است که باید ارکان آن آهنین باشد ودرهیچ محیط وعصر وزمانی تحت تأثیر زمان ومکان ومقام ومنصب واقع نمیگردد - چه مرد باید دردین ثابت قدم باشد چنانچه خدای عالم بپیغمبرش فرمود **فاستقم کما امرت** اما اخلاق عمومی اجتماعی باید بنحوی باشد که بتواند باهمه سازش کند ودر همه اثر بخشد اما تحت تأثیر کسی قرار نگیرد

بیان مطلب

در این حدیث شریف که پیغمبر ص فرموده علم دو علم است یکی **علم ابدان ودیگر علم ادیان** لطایف ودقایقی است که هر کس متوجه نمیگردد بهترین تعریف تقسیم علم آنست **که جامع و مانع باشد** همین است وعلم بدن نفرمود بلکه **علم ابدان** بجمع گفت که شامل تمام ابدان باشد و ابدان ملازم بازندگی دارد واین ابدان برای موجودیت خود باید همه چیز داشته باشد زندگانی یك بدن و یکنفر مستلزم کار وفعالیت ششصد تا ششهزار نفر است که یك شخص نتواند زندگانی متمدنی داشته باشد زیرا آدمی مدنی بالطبع است وتنها نمیتواند زیست کند زندگانی اجتماعی هم نیازمند بهمه عوامل واسباب حیات است که باید از **همه علوم وفنون** در ایجاد آن استفاده کرد بنا بر این **علم ابدان** که فرموده یعنی تمام علوم مادی نشئهٔ طبع جهان واین دقیقه لطیفی است که علم ابدان را مقدم برادیان داشت زیرا تابدن وزندگی وسلامتی وامنیت وصمیمیت ورفاه وارتقاء وصلح اجتماعی نباشد دین نمیتواند جای خود را باز کند بهمین جهت در حدیث دیگر فرموده **من لامعاش له لامعاد له** کسی که معیشت او برقرار نیست معاد او

که از ارکان اصول عقیده وحاصل مبداء ایمان اومیباشد متزلزل است ومعیشت بازهمه چیز میخواهد چنانچه بوذرجمهر حکیم هم گفته بود **همه چیز را همه کس دارد** وهمه این علوم وفنون دنیا مال همه افراد آدمیان است که حاصل همه چیز معیشت همه کس است وتامعیشت وزندگی مصونیت نداشته باشد دین تأثیر خود را نمی بخشد زیرا شرط تقوی شکم سیر وخیال راحت وآسایش وآرامش فکر است چنانچه سلمان فارسی گفته اگر معیشت مختل باشد اندیشه وعقیده هم ناراحت است سعدی گفته .

باگرسنگی قوت پرهیز نماند　　　افلاس عنان از کف تقوی بستاند

بنابراین علم ابدان یعنی همه عوامل معیشت که بدست همه کسی میباشد وباید همه کار کنند تایك تن ویك بدن بسلامت باشد لطیفه ملیحه این حدیث این است که بدن را بجمع آورد ابدان فرموده که همه کس همه چیز را لازم دارد وهمه چیز در همه علوم وفنون است .

پس علم ابدان منحصر بطب ودستور علاج نیست علم ابدان علم تمام موجبات زندگانی از تولید ومصرف است ابدان در سایه علوم ریاضی وطبیعی وادبی وفلکی ونحومی وهیئت واخلاق وفضیلت ودیانت زنده وپایدار است .

ولذا نگارنده معتقد است پیشوای اسلام وشارع مقدس دین بتمام علوم عالم بشریت توجه داشته وقرآن تمام علوم را ازنظر طریقیت بتوحید که بزرگترین هدف پیغمبران بوده تدریس ضمنی وتصدیق تلویحی فرموده است باید عالم بابدان عالم بتمام علوم باشد ولذا اطبای قدیم یونان و روم وایران وهند را حکیم میگفتند وحکیم که امروز فیلسوف مینامند کسی است که دارای تمام علوم وفنون باشد واطبای اسلام دارای اطلاعات کافی در تمام علوم بوده اند .

ابوعلی سینا وابوبکر زکریای رازی وخواجهٔ نصیرالدین طوسی ومحمد نصیر اصفهانی سید احمد هاتف اصفهانی وحتی در اواخر معاصر ما مرحوم میرزا ابوالقاسم افلاطون اصفهانی ومعتضدالاطبای تهرانی واکثر اطبای جهان مانند افلاطون وبقراط وغیره همه علوم ابدان را میدانستند

اما علم ادیان فرموده. نه علم دین زیرا تکامل روحی وتهذیب نفسانی بشر بوسیله ادیان اسمانی که از سنتر بوبی است وباخلقت بشر همدوش بوده صورت گرفته که اول آنها آدم وآخر آنها حضرت محمد ص خاتم النبیین بوده است وآنچه که پیغمبر اسلام ازعلم وصنعت وفن وهنر برای نتیجه نهائی تأثیر دین ومذهب لازم بوده اشارتاً و تلویحاً از قصص گذشته گان وسیر تطور وتکامل ونشو وارتقاء آنها و حساسترین نکات تدریس انبیاء سلف را بجامعه بشر وآموختن فنون علم وهنر یاد فرموده که :

آبادانی مسکن را از آدم وپختن ودوختن را از شیث کشتی ساختن ودریانوردی را از نوح ویونس- استخدام قوای نامرئی وازوحوش وطیور را ازسلیمان واستدلال والمنطق تجربی را برای استکمال ازابراهیم وتطور رقاء علمی وعقلی را ازپیغمبران سلف یادفرمود

وفهم این قرآن بازمستلزم دانستن علوم دیگر است که درمقدمه این حدیث اشاره بعلم الابدان فرموده تاتأمین معیشت وزندگی آدمی را بنماید چنانچه درفهم مسائل طهارت مستلزم شناختن آب وحفر قنوات وتنقیه چاهها وبیرون آوردن آب است واستفاده از آن وفهم اوقات نماز و شناختن قبله مستلزم دانستن تاریخ وجغرافیا وهیئت ونجوم است.

باید حساب وهندسه بدانند تاطول وعرض جغرافیائی وبالاخره قبله‌را خوب بشناسند باید اختر شناس داشته باشد که دربیابانی مانند وقبله‌نما وجمعیتی نبود بتوانند ازستاره‌ها ویاازگیاهها شرق وغرب وبالاخره قبله‌را دریابند.

مخصوصاً درفهم مسائل‌ارث وفرایض خمس وزکوة ونصاب آن وحساب تصاعدی نصاب زکوة بایدبنیروی حساب واعداد واعمال اصلیه وتناسب وجذروکعب ومعادلات این‌مسائل ریاضی درک‌شود واجرا گردد

اگرکسی هندسه خواند ازخانه مسکونی خود وطرق وشوارع وعبورومرور وبالاخره ازحسن انتظام عالم که بمنظومهٔ شمسی کمال‌یافته بی‌خبر نیست.

بدون علم‌حساب اصول معاملات واقتصاد وبازرگانی واحصائیه اجتماع ونیاز آنها وتولید و مصرف مختل خواهد ماند.

باید ناگزیر ادبیات زبان‌خود وعربی‌را بدانند تاازتعالیم عالیه قرآن واصول توحید ونبوت عامه‌وخاصه ودقایق آن استفاده کنند.

این لطایف درقرآن باشاره ملیحی جلب‌توجه مسلمین ودانشمندان رانمود مثلادرباره اعتقاد بتأثیرفرعی وواسطی نجوم‌وفواید هیئت میفرماید:

فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم-وعلامات وبالنجم هم یهتدون که‌ستارگان باوضع و محاذات خود علامات ونصبی‌برای ارشاد وهدایت بشر میباشد ودرآیه شریفه **وفی اختلاف اللیل و النهار آیات لاولی الالباب** جلب توجه خردمندان وعلمارا نمود وآنها را بگردش منظومه ها و پیدایش شب‌وروز رهبری فرموده است ودرآیه کریمه **وفی انفسکم افلا تبصرون** جلب بصیرت و بینائی دلرا درنفوس خودکه عالم صغیر است کرده تابعلم تشریح وحفظ بهداشت و عظمت آفرینش هیکل‌انسان‌توجه‌شود ولطایف ودقایق خلقت‌را دراین پیکر عنصری دریابد.

وعلوم طبیعی که برای این‌معرفت بوجود آمده همه‌درسایه خودشناسی وخویشتن شناسی است وازمجموع این‌علوم علم‌ادیان بدست میآید که سرحلقه اصول انتظام ورقاء وتکامل نفس‌است که اگر انسان به‌احکام شریعت که برای آرامش فکروآسایش زندگی وتأمین معیشت واصلاح دراصطلاک‌بین منافع مادی ومعنوی بشر درزندگی رخ میدهد وضع شده عمل نکنند امور اجتماع به‌نزاع وهرج ـ مرج وفساد میکشد.

قرآن‌مجید تعلیمات عالیه‌را برای اصلاح مفاسد اخلاقی وتکمیل مدارج‌علمی مسلمین‌فرموده است مثلادر روانشناسی وحفظانتظام اجتماع فرمود **و لکم فی القصاص حیوة یااولی الالباب** لطیفهٔ است که شئون ونفوس اجتماع مصون‌بماند وبرای حفظ عواطف متبادله اخلاقی میفرماید: **لن تنالو البر حتی تنفقوا مما تحبون** که روح مساوات ومواسات وبرادری واخوت راتعلیم میفرماید وازکلمهٔ شریفه **کلوا من طیبات مارزقناهم وازکلمه ممارزقناهم ینفقون** وروش ائمهٔ دین‌از بهترین غذای خود ببرادران مستمند وبینوا اطعام میکردند.

مثلا تلگراف ازمخترعات اروپانیست زیرا ما درباره جام جم جمشیدمیخوانیم که‌باداشتن آن‌جام بهمه‌جا واقف‌میشدوازکلام‌ابوعلی‌سیناوخواجه نصیرالدن طوسی درشرح برمقامات‌العارفین شیخ الرئیس که میگوید شیخ در قصه سلامان و ابسال که از شاهکار های روانشناسی و فلسفی است مینویسد:

وكان للملك آلة يطلع بها على الاقاليم و يتصرف فى اهاليها كه سلاطين بزرك براقاليم وشهرهاى متصرفى خود بدانوسيله مطلع وواقف ميشدند وتصرف وفرمان درباره آنها صادرميكردند كه بهمين صنعت امروزى بى‌سيم شبيه بوده است واين بيان راسخ در قرن چهارم فرمود وخواجه در قرن هفتم تأييد كرده درحالى كه هردواز بزركان بشرمحسوب ميشوند،

وباز كشف امريكا براى اروپائيان تازكى داشته دراخبار اسلام سابقه دارد كه اسكندر ذوالقرنين بنقل عجايب المخلوقات باين قطعه واقف بوده و كفته‌اند قطعه ديكرى غيراز اروپا وآسيا و افريقا بايد باشد - وباعلم هيئت وجغرافيا توضيح و تشريح نموده‌اند كه ملل اروپائى باسابقه اين علوم ازآن استفاده كردند.

باتطبيق علوم ابدان وعالم صغير ياعالم كبير هزارها نكات ودقايق لطيفى كه درارتباط عروق وشرائين ولوله كشى بدن وطبقات مكشوفه وغيرمكشوفه وهزاران لطايف ديكر كه در تفسير طنطاوى ذكرشده علوم ابدان كاشف علوم تاريخ وجغرافيانيز ميكردد واز روانشناسى اين بدن بروانشناسى عالم كبير ميتوان پى بردتلكراف باسيم وبى‌سيم ازهمان ارتباط عروق وشرائين ونيروى احساسات وادراكات سريع كشف شده است.

بدون ترديد علم، درعلم الابدان مراد جميع علوم وابسته بحيات است زيرا **مصدر منكر مضاف الى الجمع است** وافاده عموم ميكند ومعنى علم الابدان يعنى علومى كه بدان ابدانرا ميتوان حفظ كرد.

علم زراعت .. فلاحت - ملاحى - نساجى - معمارى - مهندسى - بنائى - حفرقنوات - غرس اشجار - كشف معادن - ذوب فلزات - ايجاد صنايع وتوسعهٔ تجارت وعوامل نقل وانتقال مال التجاره ازطرف مختلف خشكى وآب وهوا همه علومى است كه براى حفظ صحت وبهداشت بدن كه زنده موجود است لازم است وفن طب يكى از آن فنون علم ابدان است،

لذاهمه اطباء دانش خودرا فن شناخته ودراصل علوم طبيعى كه همه اين فنون درتحت عنوان و تقسيم آنست قرارداده‌اند. وتقدم وتأخر علمى بسته بمراحل قرب وبعداز مرتبه توحيد است مثلافلسفه براى رسيدن بحقايق اشياء كه قريب بالهيات است نزديكتر و هندسه كه درهيئت منظومه عالم شمسى رهبر بتوحيد مقدم است وعلم طب كه راهنماى بتوحيد مقدم است وعلم طب همينطور مقدم بكشاورزى وغيره است چنانچه ابن رشد اندلسى كويد **من لم يعرف الطب والهيئة لم يعرف الله** كه مرادش مرحله كمال توحيد است كه بايد ازدانستن هيئت وطب حاصل كردد.

بااين مقدمه ثابت است كه علم طب تنها علم ابدان نيست طبيب حاذق كسى است كه حرام وحلال رابشناسد كياهان وجواهر ومعادن وعناصر وخواص آنهارا بانسبت مستقيم آب وهوا درمزاج مردم هرنقطه وچه تأثير مستقيمى دارد وبايد باوقوف بتجزيه وتحليل شيميائى وخواص فلزات ومكانيك و همچنين اعدادوهندسه ورياضيات وغيره بتواندصحت مزاج ابدان را أمين كند روانشناسى وعلم النفس وروابط اجسادواجسام راباارواح ونفوس وآثاراصوات والحان وغنارا درحال مزاج اشخاص درمواقع خاص بداند وتشخيص دهد تاقدرت برتأمين صحت عمومى داشته باشد،

ازعلم جو هواشناسى وآب شناسى وعناصر ديكر وتأثير آن درنفوس و همچنين درتركيب حبوبات وبقولات وسبزيجات ولبنيات و كوشت حيوانات وغيره همه مستلزم علم بخواص آن قسمت است تا

طبیب حاذق بتواند ازحیوانات دریائی برای امراض جلدی مثلا استفاده کند ودرتربیت ارواح و نفوس وتسخیر آنها درمواقع لازم برای بهداشت بهره‌مند گردد.

ولذا یکی از بزرگان این فن میفرماید قسمتی از علم ادیان هم داخل علوم ابدان است زیرا معاملات وعقود وایقاعات وسیاسات وحتی حدودودیات وقصاص وغیره داخل علم ابدان است چه اگر قاعده کلی بین مردم برای حسن انتظام نباشد ویك ضابطه برای عقود وایقاعات نباشد امور مردم در اصطکاك منافع منجر بنزاع ومناقشه وخلل بارکان اجتماع خواهدشد ونزاع ومناقشه که موجب خشم وغضب وجنحه وجنایات میگردد مضر بابدان است وحد آزادی درافعال بدلیل اصل اباحه تاجائی است که منتهی بحرمت شرعی نشود وحد توقف و ترك افعال بدلیل اصل برائت تاآنجا است که بوجوب شرعی نرسد.

اما عبادات واحکام و تربیت روحی داخل ادیان است ولذا هیچ طبیبی باتمام حذاقت واحاطه علمی خود بحد رتبه انبیاء که مربی نفوس وارواح بشری بوده‌اند نرسیده‌اند وهیچ قانونی برای اداره امور بشری از نظر حفظ ومصونیت جسم وجان خلایق بجامعیت قوانین آسمانی که جامعتر **وکاملتر وآخرین آنها قرآن مجید است نرسیده ونخواهد رسید.**

واحاطه علمی وارتباط نفسانی پیغمبران بمقام قرب ربوبی موجب اعلام **لو کشف الغطاء عن بصری ما از ددت. یقیناً** واتصال بلوح محفوظ سبب اعلان **سلونی قبل ان تفقدونی** گردید که آنها عالم بماکان ومایکون وماهوکائن الی یوم القیمه بوده اند.

فقها گویند تعیین موضوعات از وظیفه شارع خارج است یعنی شارع مقدس اسلام برای تدریس فیزیك وشیمی ونجوم وهیئت وجبر ومقابله وغیره نیامده بلکه هدف مقدس عالیتری داشته که آن ارشاد وهدایت بشر براه کوتاه مستقیم روشن است که پایانش شاهد بمقصود است وفقط بااین راه میتوان بکمال مطلوب رسید ولذا فرموده **ستفترق امتی علی ثلث وسبعین فرقة کلهم فی النار الا الواحدة** آن یك فرقه که رستگارند کسانی هستند که آن راه مستقیم روشن را می‌پیمایند.

وبیان نکردن موضوع دلیل بر عدم اطلاع آن نیست **چه اثبات شیئی نفی ماعدا نمیکند** علوم در قبال دین ناچیز ترهستند ودر خلال بیان این آموخته شده پیشوای اسلام دقت خود را صرف احکام که بالاتر وبرتر ازفنون است نموده وآن دین است که همه چیز درآن نهفته است اگر میخواست وقت خود را بصرف ونحو ـ معانی وبیان اشتقاق بدیع ـ صنایع لفظی ـ معنوی ـ لغوی وفنون وضع لغت وغیره ودر علم فیزیك وشیمی انواع واقسام آن ومیکانیك نجوم ـ هیئت ـ حساب وهندسه ـ جبر ومقابله ـ اختر شناسی طلسمات ـ اعداد ـ جفر ـ رمل اسطرلاب وحفاری ـ کشاورزی آبیاری غرس اشجار، نبات شناسی حیوان شناسی دامپروری ... علوم روانشناسی و صدها رشته دیگر از علوم که کار پیغمبران نیست ومحققین ودانشمندان متخصصی درهرفن این وظیفه را در هر جامعه وقومی انجام میدهند وپیغمبر موظف است همه این علوم را که از دین غیر قابل تفکیك است بنظر طریقیت دین وتوحید منذکر گردد نه از لحاظ موضوع وارد بحث علمی شده بلکه ازجهت شواهد و دلایل حسی وتجربی که بهترین راه علم وفضیلت است افاده فرموده چنانچه باکمال استعجاب واستعلام میفرماید:

افی الله شك فاطر السموات والارض.

آیا بادیدن این عوالم ملك وملکوت وتوجه بآفرینش آسمانها وزمین وعالم صغیر وکبیر واین

همه مواليدوعناصر وطبايع بازهم شك داريددر خداوندى كه آفريننده‌اين‌عوالم بى‌حد و انتهاست . ؟!

وچون هدف اصلى هدايت بود علومى كه ارتباط باهدايت داشته بارعايت الاهم فالاهم بناء مصلحت ارشاد بنحو - اخفاء واسهاء بيان فرموده است وگاهى برسم تجلى و استتار بيان فرموده چنانچه در فصل بدا گفته‌ايم كه لوح محفوظ را گاهى مقابل‌چشم پيغمبران‌ميگذاردو گاهى آنرامستور ميدارد وفقط لوح محو واثبات را بنظر آنها ميرساند زيرا هدف صرف غيب گوئى نيست بلكه تعليم دين ومصالح رقاء عقلى‌بشراست ولذا شارع مقدس كه‌عالم بماكان ومايكون وماهوكائن الى يوم القيمه ميباشد وقرآن هم‌تصريح دارد كه **لايعزب عنه شي** معذلك گاهى براى مصلحت موضوع از نظرمقدس اسلام اخفا ميگردد وگاهى تجلى مينمايد كه مولوى گفته .

گهى برطارم اعلى نشينند گهى تاپشت پاى خود نبينند

يكروز على برساق عرش بادست يلى‌الربى ميگرفته وميداد يكروز متوجه پاى خود نبوده كه پيكان ازآن برآورند ودر حقيقت هردو دريك حال آسمانى انجام يك وظيفه بوده است بهمين جهات علماء در باب علم امام اختلاف كرده كه آيا حضورى ياحصولى است وگفته‌اند .

مشاهدة الابرار بين التجلى والاستار واين حقيقت را قرآن در صدها آية باجمال وتفصيل بيان فرموده مثلا در آيه شريفه .

خلق السموات السبع ومن الارض مثلهين يتنزل الامر بينهن .

بيان اجمال هيئت وساختمان منظوم شمسى را باكرات سبعه سياره عالم فرموده است وحضرت امام رضا ع در تفسير همين آيه فرموده است زمين‌هم داراى هفت كره‌است كه ستاره نبطون واورانوس از همين بيان استفاده وكشف گرديده .

وباز در پاسخ فضل بن سهيل كه در حضور مأمون‌در مرو خراسان تفسير **ولااليل سابق النهار** ميفرمايد شب برروز سابقه نداشته يعنى در گردش منظومه شمس شب وروز پيدا ميشود وآفرينش عالم باسازمان‌گردش ستارگان براى ايجاد شب وروز بوده است .

ودر آيات **فلااقسم برب المشارق والمغارب** - بيان شرق وغرب كه از حركت زمين پيدا ميشود - **وعلامات وبالنجم هم يهتدون** اشاره اجماليه بعلم هيئت واختر شناسى فرموده كه باآن ميتوان اوقات را شناخت وراهها را دريافت وازبيان **يسئلونك عن الاهله قل هى مواقيت للناس** بيان اجمالى هلال وبدر وگردش ماه‌خورشيد وزمين براطراف آن تصريح‌شده‌ودر آيه كريمه **فنظر نظرة فى النجوم فقال انى سقيم** - چه رمز لطيفى براى استخراج احكام وآثار علم نجوم بكار برده شده است .

ودر آيه **رب المشرقين ورب المغربين - ومشارق الارض ومغاربها** ودر آيه **وفى الارض آيات للموقنين** نكات بديعه‌اى براى تعليم وتذكر بعلم هيئت وجغرافياى عالم و بلاد مختلفه وطول وعرض جغرافيائى واختر شناسى‌وگردش از شرق بغرب وتوجه بستارگان ثابت وسيار وشهب ثاقب همه براى جلب توجه بشر بعلم افلاك است كه هدف آن توحيد و خدا شناسى است .

قرآن براى توجه دادن افكار بشر بحساب وهندسه جلب توجه باين آيه وافى هداية فرموده كه **لتعلموا عدد السنين والحساب** پايه ومايه زندگانى بشرى وآفرينش عالم برروى حساب بوده

وبازگشت بشر برروی حساب است وبمنظور حساب کشیدن از مردم متجاسر میباشد واستخراج مسائل وقواعد حساب وهندسه درکلمات عالیات قرآن صرفاً بمنظور جلب توجه بشر برای کارو زندگی وتعالی وتکامل است .

اگرحساب نبود بشرموجود نمیشد وتمام علوم وفنون عالم وآفرینش ازمبداء تامعاد وهمچنین تکامل شئون زندگی همه روی مبانی حساب بوده وحتی ساختمان وگردش عالم کبیر ومنظومه های شمس ووضع ومحاذات آنها باکرات دیگر وایجاد وتکامل وترقی وتعالی بشر برای عالم وسعتری همه روی حساب بوده چنانچه در آیه مبارکه دیگر میفرماید .

وحملنا ذريتهم في الفلك المشحون وخلقنا لهم من مثله ما يركبون دشت وسیع پهناور آب وخاک وساحل وجزایر واوضاع جغرافیائی زمین وارتباط آن باافلاک را بیان فرموده ودر همین اشاره غیبیه که برای بشر مانند کشتی ومرکبی دیگر بفکر آن الهام خواهدشد که در بالای سطح کره زمین حرکت کنند واین حساب در موشک های قاره پیما وموشک های ماه پیما ومریخ پیما باحساب دقیقی روشن شده که بدانند باندك اختلاف حساب صدها فرسنگ از هدف دور میگردد در آئینه غیب نمای قرآن باشاره وکنایه که ابلغ من التصریح است توصیف فرموده ودرآیه مبارکه **وسابقوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها کعرض السماء والارض اعدت للذین امنوا بالله ورسله** .

لب لباب علم وفضیلت را در کلمه عرضها کعرض السماء والارض معین فرموده تاخردمندان بدانند ودریابند که بهشت عنبر سرشت بربالای فضائی است که وسعت آن از عرض وطول مانند زمین وآسمان است که برای مؤمنین وگرویدگان بخدا ورسول آماده شده **وباید وسعت بهشت باندازه قسمت نفوس بشری درمیدان عمل نفسانی آن باشد** در لسان شرع بهشت را در عالم بالا وجهنم را در **اسفل السافلین زمین** معرفی فرموده عرض وطول جهنم را نگفته مانند عرض وطول وآسمان وزمین است بلکه این قسمت میدان ووسعت عمل برای بهشت است که متناسب باکار کرد ونفوس بشر باشد .

هرکه را اسرارحق آموختند　　　**مهر کردند ودهانش دوختند**

بیان این حقیقت مستلزم ادراک فهم مخاطب است تامتکلم بمقدار استعداد مخاطب نطق پیدا کند زیرا پیغمبران هم فرموده **کلم الناس علی قدر عقولهم** - چون بشر در مراحل علمی نشئهٔ عالم طبع برای وقوف بعالم آفرینش چون طفل مبتدی است .

چونکه با کودك سروکارت فتاد　　　پس زبان کودکی باید گشاد

قرآن در وصف جهنم میفرماید :

ولکن حق القول منی لاملئن جهنم من الجنة والناس اجمعین که حق قول را در پر کردن جهنم از جن وآنچه مخفی وناپیدا ونامعلوم است وهنوز بمرحله رشد شخصیت نرسیده آنها را در جهنم جایگاه معین فرمود ونار را این جا مراد بشر ناگرویده است که جایش در جهنم است وجهنم دوزخ وطبیعت منظلمه برای خامی وناپخته معین گردیده - که در آن صحبت از عرض وطول وقسمت میدان نیست بلکه از حفره ها وگودالهای سیاه وتاریك آتشین است که درقعر زمین جادارد وبدیهی است هر جرم بی اثری باید بسوزدوهر خامی باید گداخته شود تاغل وغش آن گرفته وخالص گردد

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز　　کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند　　آنرا که خبر شد خبری باز نیامد

منظور آنست که دین علوم را بمنظور طریقیت تایید توحید اشاره کرده نه برای تعیین موضوعیت علمی خود و تشریح مصادیق آن .

علمای علم الاجتماع و روانشناسی خوب میدانند که در آیه شریفه **ولکم فی القصاص حیوت یا اولی الالباب لعلکم تتقون** چه نکات و دقایقی لطیف برای بقای نوع و حسن سیاست و انتظام عالم بکار برده است .

انبیاء مهندسین عالم توحید

انبیاءِ عظام چون مهندسین هستند که کاخ زندگانی بشر را بر روی فضیلت اساس و عقیده و عمل صالح بناء یگذارند و در هر دوری که این بناء مصلحتی از نظر شرایط زمان بمقتضای کهنگی و فرسودگی لازم بتجدید باشد از سنن ربوبی است که پیغمبری را برای تجدید آن بفرستد .

بدیهی است ساکنین باین بنا با سابقه انس و الفت حاضر بنقل مکان نیستند ولی غافل از تزلزل ریشه بعلت عوامل کون تعلل در نقل مکان و اطاعت امر پیغمبران کرده‌اند چه اگر میدانستند درنگ در اطاعت نمیکردند .

حکماء و علما و فضلا و دانشمندان مانند معمار و نقاش و نازک کار این کاخ حیات میباشند که بنابر استنباط آیات و احکام الهی بسبک این روز و در خور استفاده روحی طرح نقاش و رنگ آمیزی و نازک کاری های آنرا دستور میدهند و ملت بمنزله عمال و کارگران این ساختمان هستند که تحت فرمان بناء باید مصالح را بدست او نزدیک نمایند تا در نتیجه همه آن افراد در سایه این کاخ هستی زیست و آسایش نمایند .

در نبوت خاصه که ختم بوجود پیغمبر ص خاتم النبیین گردید طرح بنای هستی بنحوا کمل ریخته شد و دیگر بنای زندگی مهندس نمیخواهد مگر در ادوار مختلف کهنه و فرسوده گردد مجددی باید تا آن طرح را از نو ریخته و بهمان دستور تجدید بنا کند باقتضای مصالح نفوس بصلاح ملت تجدید مطلع نموده روش پرورش کمال نفس را در سیر زندگی بیاموزد و این عمل درباره انبیاء تغییر بنسخ شده و نسخ بمعنی کمال است نه نسخ متعارض و متضاد یعنی از نظر نتیجه نهائی بیک هدف میرسند و بعد از خاتم الانبیاء ائمه هدی آنرا تجدید میکنند و لذا در زیارت حضرت ولی عصر صاحب الزمان عج میفرماید السلام علی صاحب الدین المأثور و الکتاب المسطور السلام علی الحق الجدید و العالم الذی علمه لا یبید که اشاره بهمان شریعت عزای خاتم الانبیاء است فقط تجدید میشود دین و حکم و شریعت تازهٔ نیست از بس پیرایه و بران بستند کهنه و فرسوده و مکتوم و مستور مانده حقیقت آن از دست رفته است و لذا او را مجدد دین و صاحب کتاب مسطور یعنی قرآن مبین و مبین حق جدید و عالم بعلمی که هرگز اصل آن فرسوده نگردد خوانده و در دعای ندبه میفرماید **این المجدد للفرائض و السنن** کجاست مجدد فرائض و واجبات و سنن پیغمبر ص که تجدید کند آن روش پرورش حقیقی دین اسلام را .

منتظران را بلب آمد نفس　　ای ز تو فریاد بفریاد رس

بنابراین تمام پیغمبران دراصل وریشهٔ کاخ توحید که هدف اصلی یکصد وبیست وچهارهزار پیغمبر بوده اختلافی نداشته و نسخ در این حقیقت رخ نداده فقط در روش تجربه و استدلال وبرهان‌حسی وتجزیه وتحلیل عقلی آن ادوار مختلفی طی شده است تا بکمال خطاب الیوم اکملت لکم دینکم رسید وپس از آن رنگ آمیزی طرق واستدلال وتجربهٔ حسی والوان وانواع واقسام و ابواب آن بسته بنظر علماء و فقهاء و دانشمندان هرعصر است که بر حسب تمایز عقول خود رنگ‌دلربائی نموده جلب‌توجه ناظرین را بنمایند که‌امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام میفرماید عقل دوتااست‌عقل‌مطبوع و مسموع تفسیر وترجمهٔ مولوی.

عقل دوعقل است اول‌مکسبی	تو بیاموزی بمکتب ای صبی
عقل دو بخشش یزدان بود	چشمهٔ او درمیان جان‌بود

برای فهم مدارج تکامل این حقیقت توحید بمکتب‌پیغمبران گذشته از نظرسبك استدلال بر گردیم اوراق را ورق بزنیم خواهیم دید هرعصری بمقتضای دستورات مردم آنعصر یك نحوه آراء و استدلالی برای فهماندن توحید عرضه شده که عصر دیگران رانسخ‌ومتروك گذاشته‌اند یابمنزله کلاس اول ودوم دوره حس وشهودتحلیلی شناخته‌اند و استدلال تازه کرده‌اندوفقهای‌هرعصر اراء و استنباط فقهای گذشته را تطابق باآراء خود نداده نسخ کرد آراء و افکار ودلایل وبراهینی مستدل تر وعمیقتر وروشن تر و روش‌حسی وتجربی بهتری انتخاب کرده‌اند مثلا درکرویت زمین و حرکت ارض بطلمیوس وعلمای یونان عقیده داشتندو بعد این عقیده‌نسخ‌شد و یا باجمال وطفره بر گذار شد تاکپرنیك درقرن نهم پیدا شد وحرکت زمین را بدور آفتاب ثابت کرد وعلمای‌اسلام با استناد ازقرآن‌حرکت‌زمین را یقین کرده بودند دراین ادوار عقائد استدلال مختلف بودتابرهان قطعی اثبات گردید.

وشیخ بهاء الملة والدین علامهٔ حلی درشرح تجرید خواجه درباب‌حرکت و سکون زمین میفرماید خلاف است برخی حرکت سفلی دانسته و بعضی حرکت علوی، شناخته و جمعی حرکت استدارئی گفته اند واین‌عقیده در قرن هفتم از علمای اسلامی ابراز شده که‌طریقیت موضوعی‌برای توحید داشته‌درحالی که ملل اروپائی بخواب‌خرگوشی بودند با این‌مقدمه باین نتیجهٔ قطعی‌میرسیم که هدف اصلی یکی است وآن آموختن مراتب‌توحیداست ولی استدلال در طریق مختلف است و انبیاء علوم را از نظر طریقیت آموختند نه برای‌موضوعیت جای کمال شگفتی‌است که برخی بی‌خبران از علوم وفنون وتلازم آن بااین گمان کرده‌اند که‌علم‌منحصر بعلم‌دین وعلم‌بدن نیست برای‌علم قدیم‌و جدید قائل‌هستند در حالیکه علم قدیم و جدید ندارد همیشه همانطور که گفتیم علوم ابدان‌ازآغاز آفرینش موردتوجه بوده و بشر تا زنده است با نهایت شدت وضعف داشته ولی‌البته بشردرادوار مختلف‌رشتهٔ عقلی خود کشفیات بیشتری کرده که دراصل علم اثری نداشته است و بناء بر این همه طلاب ومحصلین ودانش آموزان و دانش‌جویان متنفذ ولائق فراگرفتن طرق مختلف‌علمی‌هستند و همان تعلل و تسامح‌بعض‌بهای پیشین که‌علم‌را منحصر درفقه واصول دانسته موجب بتجدید ونهضت علمی واصول فنی تعلیم فنون گردید وبصورت درس کلاسیك در آمد که از دو هزار سال قبل سابقه داشته است.

و پیغمبران وانبیاء معمار بنای عالم بوده اند که کلیات رشد عقلی وتنویر فکری را آموخته وعلماء وفقهاء وحکماء نقاشان ورنك آمیزان این بناء عالی مصالح اجتماع بشری‌هستندولی اگر بنای ارکان عمارت خلل پیدا کند رنك آمیزی نتیجه ندارد باید در تحکیم مبانی اصول عقاید سعی بذل شود و بعد بطور استحسان واستدلال واقامه براهین تزئین گردد که گفته‌اند :

خانه از پای بست ویرانست　　　خواجه در بند نقش ایوانست

پایان مقدمه

اقتباس و نگارش

«عماد زاده»

جهان اسلام اسلام در جهان

نماینده اوضاع و احوال و فتوحات و تطورات و تحولات مسلمین در جهان و جغرافیای تاریخی ممالک اسلامی و آثار و مآثر مدنیت اسلام و روش آموزش و پرورش مسلمین با پانصد عکس است.

ناشر مرتضوی

قال النبیؐ: زُویت لی الارض فأریت ومغاربها
وسیبلغ سلک امتی ما زوی لی منها خلفاء - حدیث نبوی

سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها فأُریت
مشارقها ومغاربها - (حدیث نبوی)

آورنده اسلام

ما كان محمد(ص) ابا احد من رجالكم و لكن
رسول الله و خاتم النبيين

تروى بمولود اضائت بنوره
جميع فجاج الارض بالشرق والغرب
ومات له الاوثان زادوا ارعدت
قلوب ملوك الارض جمعاً من الرعب

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد
مولای زمان مهتر صاحب دل امجد
آن سید مسعود و خداوند مؤید
پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد ص
وصفش نتوان گفت بهفتاد مجلد
این بس که خدا گوید (ما كان محمد) ص
بر منزلت و قدرش یزدان کند اقرار

در محیط تاریك و پر آشوب شبه جزیره عربستان که ایمنی و عفت وفتنه و فساد مردم را در خود فرو برده بود و اوضاع همسایگان شرق و غرب که هردو خراجگیر جهان بودند آشفته تر و از هم گسیخته تر بود- هفت قرن ازمیلاد مسیح میگذشت انقلاب و اختلافات طبقاتی سرتاسر جهان را گرفته بود درهمان ظلمات و نگرانی های روحی وجسمی یك روزنه امیدی درخشیدن گرفت و آن ستاره درخشانی بود که ازشعب ابوطالب ازطایفه قریش از خاندان ابوطالب ازافق مکه پرتوافکن گردید .

شب میلادش چهارواقعه مهم درآسیا رخ داد که خردمندان ملل زنده حمل بریك واقعه حادثه بزرگی نمودند وبمرور صیت میلاد این مولود آسمانی دراقطار جهان طنین اندازشد .

۱- چهارده کنگره از ایوان کسری کاخ عظیم ساسانیان شکست وفروریخت .

۲ - آتشکده فارس که دوهزار سال روشن بود و لحظهٔ خاموش نشده بود ناگهان لهیب آتشش فرو نشست و برای همیشه خاموش شد .

۳ -- رودخانه ساوه که بر دریاچه کویر نمك میریخت ناگهان خشکید و دیگر اثری از آن نیست .

۴- سیزده بت بزرك که بردیوار خارجی کعبه آویخته بودند ناگهان فرو ریخت .

این حوادثی که دریك شب رخ داد مردم جهان را متوجه یك واقعه مهمی نمود و منتظر شنیدن یك خبر بزرگی بودند .

منجمین و کهنه و رهبانان خبر دادند که در سرزمین تهامه در شهر مکه مولودی بدنیا خواهد آمد که تابش انوار وجودی او عالم را منور خواهد ساخت و فرمانش از شرق و غرب خواهد گذشت .

نور جمال محمد بن عبدالله ص از مشرق دامان آمنه بنت وهب افق کعبه را روشن و منور نمود . آنشب مرغان سفیدی اطراف شعب ابوطالب بال و پر میگشودند که مردم مکه از این حرکت خارق العاده سخت متحیر مانده بودند ـ صفا و مروه ـ حجر و کعبه یك روشنائی مخصوص بخود دید .

فاطمه ثقفیه گفت آن شبی که آمنه وضع حمل نمود در آسمان نگریستم ستارگان را دیدم که میل بجانب زمین میکنند و بطرف خانه ابوطالب فرود می آیند و چشم بدنبالهٔ حرکت ستارگان داشتم که دیدم نوری از خانه آمنه پرتو افکن شد و بطرف آسمان بالا رفت و اوج گرفت و شهر مکه را تا شام منور نمود .

مادر عبدالرحمن بن عوف قابله آمنه بود گفت چون محمد (ص) متولد شد نوری از جبینش ساطع گردید و بر آسمان بالا رفت و صدائی شنیدم که گفته شد **یرحمك ربك** بقدری نور او عالم گیر شد که ما قصرهای شام را دیدیم ! !!

فردای آنروز احبار و کهنه یهود نزد عبدالمطلب آمدند گفتند ای بزرگ قریش ای پرده دار کعبه آیا در خاندان تو مولودی متولد شده ؟ گفت یکی از زنان ما حامله بود اما خبر ندارم گفتند در تورات دیده‌ایم که دیشب شب ولادت **سید اولین و آخرین خاتم النبیین بوده است** عبدالمطلب کسی نزد آمنه فرستاد تا از او خبری گیرد که زنی خبر آورد آمنه پسری آورده که آثار غیرعادی از او بظهور همیرسد.

گفتند این مولود ختنه کرده ، ناف بریده و پاك و پاکیزه است و چون متولد شد بر زمین افتاد سجده کرد . عبدالمطلب برخاست رفت بخانه آمنه یتیم فرزندش را گرفت مقابل کعبه آورد و این رجز را خواند :

الحمد لله الذی اعطانی　　　هذا الغلام الطیب الاودان
قد شاء فی المهد علی الغلمان　　　اعیذه بالبیت ذی ارکان
من ذی اراه تابع الشیطان　　　اعیذه من شر ذی شیان
من حاسد مضطرب فوان

و دستور داد برای ولیمه او چند شتر ذبح کردند و اقوام عرب را بمبارکی و میمنت مولود خود اطعام و ضیافت فرمود .

علی بن ابراهیم روایت میکند که روز سوم یوسف احبار یهودی در ایوان قریش آمد پرسید از خاندان کدامیك شما مولودی جدید بدنیا آمده گفتند از عبدالمطلب . یوسف نزد او رفت بعبدالمطلب گفت : این مولود را بمن نشان ده . فرمود قنداقه را آوردند گفت کنفین او را بمن نشان ده دید در چشمان او نگریست خندید. گفت بحق خدا قسم این همان مولودی است که صاحب شمشیر است و از شرق و غرب عالم را خواهد گرفت .

حسان بن ثابت شاعر شهیر طلوع اسلام گفت دیدم مردی یهودی صدا میکند ای معشر یهود وای برشما دیشب ستاره احمد طالع گردید و این ستاره پیغمبران است و پیغمبری جز احمد باقی نمانده و **یقیناً این همان احمد خاتم النبیین است** .

پدر و مادر پدرش عبدالله بشرحی که در **کتاب پیشوای اسلام** مفصل نوشته‌ام در سن ۲٤ سالگی پس از مراجعت از تجارت شام در ینبوع درگذشت .

یتیم عبدالله پنجماه پس از فوت پدر روز جمعه ۱۷ ربیع الاول عام‌الفیل سال ۶۷۰ میلادی بودکه متولد گردید .

پنج سال یابیشتر ازعمر او گذشت که مادرش ازدنیا رفت وباردیگری از مصیبت بر دوش آن کودك نهاده شد هشت‌سال گذشت که جدش ابوطالب‌درگذشت وتعب بی‌سروری را تحمل کرد- هرروز خرق عاداتی وحالتی عجیب وشگفت‌آور از اودیده میشد . عمویش ابوطالب سرپرست او گردید واورا دریك سفر که هنوز بالغ نبود بهمراه خود بشام برد ورهبانان آن جا اورا شناختند. وبعظمت تجلیل نمودند .

زناشوئی درسن ۲۳ سالگی سفری بنمایندگی خدیجه‌دختر خویلد برای تجارت بشام نمود. وسودی فراوان آورد که ازبرجسته‌ترین سطورزندگانی اوست-درسن ۲٤ سالگی خدیجه‌اورا بشوهری تقاضا کرد وبرای اولین بارزن چهل ساله‌ای‌را درسن ۲٤ سالگی بازدواج در آورد- ۱۵ سال روزها شاهدوناظرجریان‌مجامع عرب بود وحوصله‌اش ازگفتارو کردار نامربوط مردم تنك میشد. بغار کوه‌حرا که‌درشرق‌مکه بودبالا میرفت‌وباغذای بسیار ساده قناعت میکرد وآنجا بعبادت خداوند می‌پرداخت و برای اصلاح مفاسد اجتماع فکر میکرد تاسنش بچهل رسید .

بعثت و رسالت درحین مراجعت‌ازغارروزی شنید کسی‌باو میگوید **یامحمد انت‌رسول‌الله وخاتم‌النبیین** ازهرطرف‌نگریست کسی‌را ندید ولی‌صدا را وندارامیشنید.

روز ۲۷ ماه رجب سال چهلم سلطنت انوشیروان بودکه فرشتهٔ راسفیدپوش دید او را در آغوش کشید وفشرد **وگفت اقرأ** (بخوان) پاسخ داد **ماانابقاریء**(خواندن نمیدانم) بار سوم سخت او را فشرد و گفت **اقرأ باسم ربك الذی خلق - خلق الانسان من‌علق اقرأ و ربك‌الاکرم الذی علم بالقلم - علم‌الانسان مالم یعلم .**

بااین حرکت و این تلقین گویا وضع ومحاذات قلب پاك پیغمبر بامنبع نور وحی الهی چنان منطبق گردید که افاضات اشراقیه علوم آسمانی همه بر قلب اومنعکس شد واز این ساعت مردی آسمانی بایك نورانیت وروحانیت دیگر بود بخانه خدیجه بر گشت - خدیجه گفت امروز تو را بیك قیافه نورانی می‌بینم که‌ابر بالای سرتو سایه افکنده ونور جبینت کاشانهٔ مرا روشن ساخته- جریان رابااو بمیان گذاشت وگفت‌من خسته‌ام آن گلیم مرا بیاور اندکی استراحت کنم .

محمد (ص) راخوابانید وخود شتابان بخانه ورقةبن نوفل پسرعمویش رفت واقعه را با او **گفت ورقه‌پاسخ داد اگرچنین‌است حتماً او پیغمبرخاتم‌النبیین است .**

خدیجه بخانه‌برگشت‌دیدمحمدبیدار شده باکسی سخن میگوید شنید که باو گفته میشود **یاایهاالمدثر قم فانذرو ربك فکبر و ثیابك فطهر و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربك فاصبر**

ای دثار بخود پیچیده بر خیز مردم را از این سیل خطرناك بترسان وخدای بزرك را بایشان بشناسان. وخودرا بفضیلت‌ظاهروباطن‌نشان د.وشکیبا باش

سه سال دعوت خودرا مخصوص نزدیکان‌قرار داد تاخطاب وحی رسید **فانذر عشیرتك الاقربین** بالای کوه‌صفا اقوام خودرا دعوت کرد فرمود ای خویشاوندان من مرا چگونه شناخته‌اید وسخن مراچطور تلقي میکنید گفتند: **تو محمد امینی** و سخن تو راست و درست است گفت

بدانید **که من رسول خدا وخاتم النبیین هستم .** بیائید ازمن پیروی کنید سخن من این است که خداوند یگانه وشریك ونظیری ندارد **قولوا لااله الاالله تفلحوا.** رستگاری دراقرار بتوحید است

هر کس پیشی گیرد وسبقت نماید کلام مرا بپذیرد و مرا یاری کند او وزیرو خلیفه وجانشین و وصی من خواهد بود هیچکس ازنزدیکانش پاسخی مناسب ندادند جز علی که ۱٦ ساله بود. برخاست گفت من تورا یاری میکنم وفرمان تورا اجرا مینمایم وآنی از اطاعت توسر نمی‌پیچم .

ابولهب برادرش ابوطالب را بگفتار فرزندش استهزاء وسخریه نمود - او وعلی بدعوت و ارشاد وهدایت پرداختند .

بیست و سه سال باعرب منافق و کفار قریش ویهود ونصاری مبارزه کردند **سیزده سال** درمکه بود که اورا با پیروانش بانواع زجر وعذاب رنج دادند تبعید کردند و محروم نمودند - پیروانش را شلاق زدند زیرپاره سنگها گذاشتند ازخرید وفروش غذا منع کردند .

اشراف قریش بوسیله ابوطالب باو گفتند ما آنقدردینار طلا بتو میدهیم که بی‌نیاز شوی و از این کار دست برداری فرمود اگرماه را دریکدست من وخورشیدرادر دست دیگرمن بگذاریدازاین انجام وظیفه آسمانی خودداری نمیتوانم کرد .

متفق برکشتن محمد (ص) شدند **چهل شمشیر زن ازچهل عشیره** انتخاب کردند که شبانه بدن اورا درخواب طعمه شمشیر کنند که خونش لوث شود و هیچ فامیلی بردیگری بخون خواهی اوقیام نکند آن شبی بود که **علی بن ابی‌طالب ع) دربستر او خوابید و جانفشانی وفداکاری را بسرحد کمال رسانید .** تاپیغمبر خداجان بسلامت بدربرد وخود با چندنفر بر حسب بیعت زیرشجره با مردم مدینه بسوی یثرب رهسپار شد .

متحدین شمشیرزن آمدند محمدرا نیافتند متعرض علی نشدند ودانستند محمد مهاجرت کرده است .

درظرف دهسال باقشون جراری ۸۴ جنك بادشمنان نمود تابضرب **بازوی علی بن ابیطالب** بینی گردنکشان عرب‌را بخاك مالیدند وبرهمه آنها بتاییدات الهی ظفریافت .

سال هشتم هجرت بود که مکه، همان‌شهری که اورا بیرون کرده بودند گرفت وفتح مکه درخشان ترین سطورتاریخ زندگانی پیغمبر است .

گذشت و بزرگواری وسیاست و تدبیر ومهرو محبت بیعلاقگی او بمال دنیااست که بذل و بخشش غنائم صفحه رخشنده زندگی و آینه سر تا پای **مفهوم حقیقی (انك لعلی خلق عظیم) بوده است .**

در این فتح در خیمه او یك تلی ازطلا و نقره و مسکوك انبوه شده بود و بیرون خیام او درخارج شهرمکه بیش ازصد و بیست هزار گوسفند و بیش ازچهل هزار شتر باتمام وسایل از غنائم کفار بدست اوافتاد که همه را برمردم تازه مسلمان تقسیم کرد . وخود باهمان لباس کرباس ونان وخرمای بکمربسته قناعت نمود .

اینجابود که ابوسفیان پس‌از ۲۱ سال کشتارهائی که از مسلمین کرد ناگزیر به تسلیم شد وقتی این‌تل دینار ودرهم طلا ونقره وبیابان پراز گوسفند وگاورا دید گفت ای محمد کارت بالا گرفت واکنون آنقدرمسکوك طلاونقره واغنام واحشام داری که هیچ سلطانی روی زمین ندارد وباکمال وقاحت تقاضای سهمی کرد وپیغمبر بزرگواری که اورا پس از ۲۱ سال خصومت درجنك وپیکار آزار

کرد سهمی‌هم باو وپسرش یزید وزنش‌هند که جگر عموی پیغمبرحمزه‌را ازشکمش درآوردو بدندان گرفت،داد. این بود یکی ازهزاران صفات فاضله پیغمبر خدا .

هشتاد وچهارجنگ‌دفاعی‌تمام‌عربستان‌را برای او صاف کرد ومطیع‌ساخت ازسال پنجم‌سلاطین دنیارا بدعوت کتبی باسلام خواند .

سال دهم **حجة‌الوداع** گذارد ودرمراجعت باحضور **یکصد و بیست هزار نفر** درکراع غدیر خم پسرعمویش علی‌بـن ابیطالب‌را **بفرمان یاایهاالرسول بلغ ماانزل الیك** بخلافـت و جانشینی وصی ووزیر وخلیفه خودازجانب خدا رسماً قرارداد **وآیه‌الیوم اکملت لکم دینکم** براو نازل شد ۸۱ روز هم‌پس از این‌واقعه بزرك چشم ازجهان بربست . درحالیکه بیش ازده میلیون پیرو داشـت و ۱۴ هزار صحابـی داشت واهل بیـت او و قرآن مرکز ثقل هدایت بشر برای همیشه باقی ماند .

بمنطوق **انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی** ـ قرآن وعترت او که مفسر و مبین قرآن وشارح دین بودند مرجع وملجاء مردم قرارداد .

اصول‌دعوت‌پیغمبرخاتم‌النبیین (ص)

درمدت بیست‌وسه‌سال قرآن برپیغمبر نازل شد واوپنج اصل‌را برنامه‌دعوت‌خودقرارداد که اگر نخبه خردمندان بشری جمع‌شوند بهتر ازاین نمیتوانند برنامه اصلاح‌مفاسد اجتماع‌بشری راتدوین و تنظیم نمایند . چنانچه منشورمللهای‌متفق نتوانستند عرضه اندامی نمایند

اصل اول ـ توحید بتمام مراتب: توحید ذات‌ـ توحید صفات ـ توحید افعـال ـ توحید عبادات .

بشربا عقیده بتوحید بتمام کمالات متصوره خود خواهـد رسیدو امروز جامعه تسلیحـات اخلاقی اروپا باین حقیقت رسیده‌اند . (۱)

اصل دوم ـ نبوت بتقسیم نبوت عامه و نبوت خاصه و شرایط نبی وپیغمبر وختم نبوت که بوجود خوداوشدبشربا راهنمائی پیغمبران واوصیاء آنها میتوانند بکمال مطلوب خود درسعادت دین و دنیا وآخرت موفق ورستگار گردید . (۲)

اصل سوم ـ معاد : بشراشرف مخلوقات است وبرای محیط دیگری خلق شده که‌باید منازلی راطی کند که یکی ازآن منازل دنیاست و بسرمنزل اصلی خود که **منه لخرج والیه نعید** بر گردد وباعقیده بمعاد تمام حوادث این عالم حل وهضم وآسان میگردد . (۳)

اصل چهارم ـ عدل است که‌بـایدبشر معتقد بعدل الهی‌بـاشد وعدل جز اصول عقاید بداند تـادر کسر ونقصـان امور زندگی تحمل وصبر نشان‌دهد و بداند هرچه به‌آدمی میرسد روی عدالت وحکمت و مصلحت است .

اصل پنجم ـ امـامت است که بشربـاید مؤمن بگفتـار پیغمبرش بـاشد که اوپس ازخود علی‌بن ابیطـالب را جانشین وخلیفه دومی‌خود قرارداد واوبود اول کسی که ایمان آورد و سایه صفت

۱ـ درکتاب اصول دین مفصل انواع توحید را مستدلا بتمام عقاید موحدین‌دنیانقل کرده‌ام

۲ـ درتاریخ انبیاء وسیره پیشوای اسلام نبوت خاصه وعامه رامبرهن نموده و حق مطلب را ادا کرده‌ام .

۳ـ درباره معاد درکتاب اصول دین‌معادرا با هشتصدآیه که دربارهٔ آنست‌مفصل نقل نموده‌ام .

دنبال پیغمبر میرفت و **باب مدینه علم رسول** خدا بود و باچهل سال شمشیرزدن بینی گردنکشان کفار عرت را بزمین مالید . تامنصب (والشجاعة الحیدریه) گرفت و بت‌های کعبه را فروریخت وبت‌پرستی رابکلی محوو نابود ساخت .

علی بن ابیطالب بایازده نفر اولادش دوازده امام وجانشین منصوب و منصوص آسمانی بوده‌اند که درمدت سه‌قرن کلیه احکام وعلوم ومعارف دین‌را تعلیم وتشریح نموده دیگر هیچ جای ابهامی باقی نگذاشته اند و اکنون هم‌امام دوازدهم غایب ازنظراست **که داخل فی الاجتماع لا بالممازجه وخارج من الاجتماع لا بالمزایله** چشم‌ها و گوش‌ها متناسب دیدن وشنیدن آن شخصیت آسمانی نیست که خواجه نصیرالدین گفت **وجوده لطف وعنایته لطف آخر وغیبته منا** ودیگران غاصب این حق آسمانی بوده وسبب انحراف و عقب افتادن مسلمین تنها همین سر پیچی از اصل پنجم است .

آئین نامه زندگی

پیغمبرا کرم(ص) برای زندگی بشر و آسایش خاطراو ومصونیت در اصطکاك زندگی **ده ماده** برای آرامش وتسهیل شئون زندگی بشری معین فرموده که امکان ندارد بهتر از این آئین نامه برای اداره امور دین و دنیای بشری تدوین و تنظیم کرد پیغمبر اکرم (ص) در ضمن **٢٣** سال دعوت خود این برنامه را بنام فروع دین تعلیم فرمود :

١- نماز - برهر مسلمانی واجب است درهر شبانه روز پنج‌بار باطهارت ظاهروباطن در پیشگاه حق بادب بایستد ونماز بشرحی که خود پیغمبر عمل کرده بگذارد .

مولوی گوید

اگر نه روی دل‌اندر برابرت دارم — من این نماز حساب‌نماز نشمارم
مرا غرض‌زنماز آن بود که پنهانی — حدیث درد فراق تو با تو بگذارم
وگرنه‌این‌چه‌نمازی‌بود که‌من با تو — نشسته روی به‌محراب ودل بیازارم
نماز کن بصفت‌چون‌فرشته‌ماندومن — هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم
ازاین نمازریائی چنان‌خجل‌شده‌ام — که در برابر رویت نظر نمی آرم

٢- روزه - هرمسلمان باید سالی یکبار یکماه روزه بگیرد و غذای یکدفعه خود را به‌ساکین بدهد وآخر ماه‌هم جشن گرفته فطرهٔ باندازه یکروزه بمستحقین فطر پردازد.

٣- خمس - هرمسلمان باید ازغنائم ومعادن‌وطلاونقره وغیره از هفت چیزطبق کتب‌فقهی یك پنجم مال خودرا بسادات وبرای مصرف تعظیم شعائر دین ونشر علوم ومعارف‌به‌پردازد.

٤- زکوة - هرمسلمان باید از مزروعات میوه، گندم وجووموېزو خرما از حیوانات ومواد گوشت گاوو گوسفند وشترازمعادن طلا ونقره طبق دستور وشرایط حدنصاب ازمواد معین‌زکوة بردازد واین زکوة با قبول نماز ملازمه دارد ومستحقین آن هشت طایفه‌اند :

٥- حج - هرمسلمان باید در عمر یکبار بشرط استطاعت جانی ومالی بمکه برود و حج خانه خدا که جامع‌ترین عبادات وبزرگترین‌مکتب تعلیم وتربیت است بگذارد .

٦-جهاد - هرمسلمان درحضور امام باید باجازه امام جهاد کند ودرغیاب امام از حقوق خود ومیهن و اجتماع دفاع نماید .

٧- امربمعروف - هرمسلمان باید خود نیکوکار باشد وترجمان نیکوئی گرددوامر بنیکی

نماید تا همه راه نیکی بروند .

۸- نهی از منکر - هرمسلمان باید معایب یکدیگررا چون آئینه در خود ببیند خود را اصلاح و دیگران را هم از ارتکاب منهیات منع نموده تا بکلی معایب و نقیصه اخلاقی برطرف گردد .

۹- تولی - هرمسلمان باید دردوستی ثابت قدم باشد هر روز روبه کسی نرود و چون شاخ سست باهر بادی حرکت ننماید ومحکم وثابت دردوستی باشد .

۱۰ - تبری - هرمسلمان باید از خصومت وتیره‌دلی خود داری کند وبا ضمیر روشن خود در دوستی ودشمنی ثابت قدم باشد دورنگی ونفاق بدترین صفات است .

ودر قرآن تعلیمات اخلاقی بسیار داده ودر احکام و حدود و آیات قوانین لایتغیر ثابتی مقرر فرموده عقود وایقاع مردمرا بریك پایه سخت آهنین استوار فرموده است و در کتب فقه اسلامی شصت باب ازطهارت تادیات معین وتعلیم فرموده است که جامعترین احکام آسمانی است و عقلا امکان بهتر ازاین نیست .

با این اصول وبرنامه مسلمین بیك تربیت بی‌نظیری مهذب شدند و شگفتی اینجاست که همان افراد سخت خشن ونادرست وجنایتکار وبزه کار بنفس قدسی وتربیت فاضلانه اسلام راه کمال را پیمودند ونهضتی براساسی دین وفضیلت نموده باهمه دوست شدند اندیشه وگفتار و کردار آنها جز برای خدا نبود اموال خودرا باهم بمواسات ومساوات تقسیم میکردند حتی انصار بمهاجرین که زن نداشتند زنان متعدد خودرا طلاق میدادند وبامهریه خود به آنها عقد می‌بستند درهمان‌خانه خود جامی‌دادند .

معتقد شدند که اگر بکشند یا کشته شوند بهشت میروند . داماد شب عروسی راطی کرد وصبحگاه بمیدان جنك رفت شهیدشد پسرها باپدرها در میدان جنك مقابله میکردند و بروی هم بخاطر دین وفضیلت برای رضای خدا شمشیر میکشیدند .

اشراف درجه اول دختران خود را بغلامان زر خرید تازه مسلمان میدادند . اختلاف طبقاتی بکلی برطرف شد - جوان بیست ساله فرمانده قوا میشد وپیرمردان کارآزموده به‌اطاعت امر پیغمبر اطاعت میکردند - دروغ ودغل ودوروئی ونادرستی در میان آنها راه نداشت . قناعت پیشه آنها بوده‌درمیدان جنك سالخوردگان باحترام جوانان وجوانان باحترام پیران سرسفره‌دست دراز نمیکردند بایك خرما چند نفر تغییر ذائقه میدادند وبمیدان جنك میرفتند درحال‌جان کندن که ازفشار زخم‌های دلدوز تشنه میشدند آب میخواستند چون آب‌برای آنها می بردند دیگران را برخود مقدم میداشتند ایثار میکردند - گذشت ومردانگی فتوت‌وعلو روح ومقام شامخ انسانیت آنهارا بکمال فضیلت سوق داد(۱)وباهمین صفات بجهانگیری پرداختنددرظرف کمتر ازنیم قرن بر بزرگترین امپراطوری های جهان سلطه یافتند هشتصد سال خلافت و سلطنت مطلق نمودند چهار صدسال برآب‌های جهان فرمانروائی یافتندپرچم‌اسلام‌بالای هر کوه وتپه وبرفراز هر قله و جبالی و کنار هرمرز وساحلی وبربالای هر کاخ وشهری دراهتزاز بود - بزرگترین کتابخانه‌های جهان از مسلمین بود - عمیق‌ترین تالیفات درعلوم ومعارف ازمسلمین بود - شصت ملیون عرب هشتاد میلیون فارسی زبان شصت میلیون ترك همه وهمه دین اسلام را ازجان ودل پذیرفتند. وبراساس علم‌وفضیلت بشرحی که درمتن کتاب خواهیم گفت پیش رفتند .

۱- برای شناختن روش پرورش اسلام بمکتب اسلام مراجعه شود .

اسلام دین فطرت است

فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التی فطار الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون . آیه ۲۹ سورهٔ روم

اسلام دینی است منطبق با آفرینش عالم کبیر وعالم صغیر که نقشه تکوینی عالم وجود با نقشه تدوینی شریعت کاملا منطبق وفطری است چیزی خارج از جاذبه فطرت وقبول آن دراسلام نیست و همان دین‌فطری است که حضرت ابراهیم خلیل الرحمن ع باین دین مفاخره و مباهات نمود وقرآن میگوید **ماكان ابراهيم يهوديا ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما و ماكان من المشركين .** آیه ٦١ سوره آل عمران

ابراهیم یهودی ونصرانی نبود بلکه مسلمان بود وازمشرکین هم نبوده است . این‌عبارت قدح دین‌حقیقی نصرانیت ویهودیت‌را نمی کندبلکه‌میخواهد عظمت واهمیت اسلام‌را از نظرفطرت‌بیان کند زیرا حضرت ابراهیم توحید را ازراه فطرت وتوجه بآسمان وزمین استدلال فرموده و پیغمبر خاتم النبیین(ص)هم افتخار میفرماید که‌سنت جدش ابراهیم راپیروی وزنده و برقرار داشته است - واو خود فرمود برادرم حضرت موسی (ع) از دیده راست وبرادر دیگرم‌عیسی (ع) از دیده‌چپ‌نابینا بود ولی دین اسلام دین‌معتدل ومستقیم وفطرت است **که لا شرقية ولا غربية** یعنی نه‌افراط مادیت یهود ونه تفریط رهبانیت نصاری هیچ یك را ندارد - نه اینکه واقعا ازیك چشم نابینا بوده باشند پیغمبران در خلقت کامل بوده وهیچ نقیصه دروجودشان نبوده است.

قال (ص) **كل مولود يولد على الفطره و لكن ابواه يهودانه او ينصرانه او يمجسانه .**

هر بشری‌بردین‌اسلام‌وسلم و تسلیم وسلامت متولد میگردد ولکن‌پدرومادرش‌اورا یهودی‌یا نصرانی یا مجوسی مینمایند. انحراف دراثر محیط است و گرنه همه بتوحید فطری تولد و نشو ونمای طبیعی دارند - این است معنی فطرت دین اسلام واگر زندگی هرفردی از بشر را در هر محیطی وزبانی وقومی که باشند مورد مطالعه قرار دهیم می‌بینیم همه بتوحید و یگانگی حق قائل هستند وآن فطرت آفرینش است .

الاسلام يعلو ولا يعلى عليه دین اسلام چون برمقتضی‌فطرت وضع شده‌واحتیاجات غرائز طبیعی‌درآن منظور گردیده‌بامترقی ترین ملل جهان سازگار است‌و هیچ تمدن‌وترقی بالاتورفیع‌تروسیع تر ازاسلام‌نخواهد گشت واسلام بالاتر و برتر وعالیتر وباعلوتر ازهرچیزوهر تمدن میباشد .

سید جمال‌الدین‌اسدآبادی می گوید **الدين قوام الامم وبه فلاحها**

اسلام دارای یك‌علو معنوی است ، یك‌علو وبلندی رتبهٔ که‌هیچ رتبه ومقامی بالاتر از آن نخواهد رسید - واذا عزت‌را خالق عالمیان مخصوص مسلمین گردانید ودیگران‌درقبال اسلام‌خوار و خفیف وذره وبی مقدارند .

العزة لله ولرسوله وللمؤمنين .

اسلام درقانونگزاری خود سرنوشت تمام‌بشر رادر دست گرفته که در مقررات دنیا مؤثر بوده وخط سیر بشررا عوض کرده مرغ فکر بشر را پر و بال داده و توانائی بخشیده و در اوج

آسمان سعادت بطرف کمال مقصود هدایت ورهبری کرده شمع‌فروزان دین اسلام بوده که تاریکی‌های جهان‌را روشنی بخشود وفرزندان بشررا بپیشوائی اهل بیت‌عترت‌وطهارت‌بسوی شاهد مقصود و غایت منظور سوق دادند . سلمان گوید :

ابی‌الاسلام لااب لی سواه   اذافتخروا بقیس اوتمیم

شاعر فارسی ترجمه کرده گوید :

هان ای پسر اگرپدرت نان وآب‌داد   استاد در نهاد تو علم وادب نهاد
حقا که آب ونان ندهد هیچ فائده   تا علم و دین‌و شرع‌نخوانی براوستاد

قرآن درآیات دیگرهم بشررا باین عزت وعلو وبرتری تشویق وترغیب میفرماید که‌هان ای مسلمانان علو وبرتری ازآن شماست تسامح ومجامله ـ تعلل وتکامل راکنار بگذارید و با ایمان باشید تابمقام شامخ آدمیت وعالیترین رتبه‌انسانیت برسید . **فلا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مؤمنین** پیغمبر (ص) فرموده **لاشرف اعلی من الاسلام .**

مسلمین صدر اسلام بتمام احکام عمل میکردند مصداق حقیقی مسلم درباره آنها صدق میکرد ولی هراندازه بنی‌امیه بیشتر دراحکام دین تفرقه انداختند وجعالین‌حدیث‌را تشویق کردند کارمسلمین بنفاق‌واختلاف کشید.

اسلام دین آزادی‌است

یکی ازمزایای اسلام‌آزادی عمل‌است دردین برخلاف مذاهب نصرانیت و یهود که این‌آزادی عمل را ندارد اسلام دین‌فطری وطبیعی است که فشار و اکراه واجباردرامرقبول‌دین ندارد ـ پروردگار منان بپیغمبرش فهمانید که‌منظوردین‌اسلام‌تقویت رشد عقلی وتعمق‌اندیشه‌وحدت‌ذهن وجودت فهم و ذکاوت است بنا براین اکراه و اجباری در قبول دین برای کسی نیست. اسلام میخواهد غرائزطبیعی‌بشررا بیدار کند و ازراه رشد عقلی‌آنهارا بمصالح زندگی هدایت نماید ولذا درآیات قرآن فشار وزور در اسلام ممنوع شده وبرای قبول دین‌خطاب شد :

ولو شاء ربك لامن من فی‌الارض کلهم جمیعا. افانت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین- وماکان لنفس‌ان تؤمن الا باذن‌الله ویجعل الرجس علی الذین لایعقلون ـ قل انظروا ماذافی السموات والارض وماتغنی‌الایات والنذرعن‌قوم لایؤمنون

سوره ۱۰ ـ آیه۹۹

عقول وافکار بشر درفهمیدن دین و تشخیص تطبیق‌آن‌باطبیعت خود و احتیاج فطری با هم تفاوت دارد تمیز آنها درآیات فرق میکند بعضی‌سریع‌الانتقال وباذکاوت وبرخی کندذهن‌وبطیء الفهمند لذا ایمان آوردن یابحال کفرباقی ماندن افرادبشر یك‌نسبت مستقیم بافهم وعقل و شعور آنها دارد ـ وایمان مسلمانان بستگی وارتباط کامل بااندیشه وعقل‌آنهاداشته‌وآنهاکه تمیزمیدادند رستگار میشدند .

این آزادی عمل دراندیشه وخرد برای ایمان وقبول اسلام دراختیار مردم است وهیچ زور و فشاری نبوده‌ودرصدر اسلام باکمال میل‌وعلاقه‌ازروی برهان وحس دین‌را استقبال‌میکردند.

بنی نضیر ازملل یهودی حجاز بودند ومسلمین اولاد خودرا بآنها سپرده بودندچون قرار شدیهود ازحجاز بیرون بروند مسلمین خواستند اولاد خودرا پس‌بگیرند برخی‌بدین یهود گرویده بودند وآن‌ها می‌خواستند اطفال مسلمانان را ببرند و مسلمین میخواستند پس بگیرند این آیه نازل شد **لااکراه فی‌الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله**

فقد استمسك بالعروة الوثقى لاانفصام لها .

پیغمبر (ص) بیاران فرمود اولاد خودرا مخیر کنید تاهر کس دیانت یهودرا خواست اورا براسلام مجبور نکنید وبگذارید بابنی‌نضیر ازحجاز خارج شوند و هر کس مایل باشد باختیار و میل باسلام بر گردد وبامسلمین درحجاز بماند . (۱)

پیشوای اسلام میدانست درنتیجه همه باسلام خواهند گروید نهایت دیرو زود دارد هر کس اسلام راقبول کند رستگار و سعادتمند میشود وآنگاه دیرتر بپذیرد بزحمت می‌افتدلذا نباید فشار وزور واجبار در کارباشد باید اندیشه مسلمین وافکار آنهاتقویت گردد واسلام‌را ازروی برهان‌حسی قبول کنند و درجنگهای اولیه که همه حال مدافعه داشته هیچگاه دعوت اسلام اجباری نبود بعد هم که خلفا بجهانگیری قیام کردند اسلام اجباری نبود ومسلمین مردم مغلوب را مخیر بین پذیرفتن اسلام ودادن جزیه می‌نمودند .

اسلام هیچگاه درتسلط دینی بشررا مقهور عقیده خود نساخت بلکه بمحال دعوت وارامنه دلیل وبرهان وخیر وصلاح ازراه قرآن اسلام رابجهانیان معرفی کرد . پیغمبر اکرم (ص) درزمان حیات خود وائمهٔ طاهرین علیهم صلوات‌الله‌اجمعین همه براین‌سیره پیش میرفتند وباموعظه و نصیحت وارقام دلایل وحجة مردم اسلام را قبول میکردند . ودرآیه ۲۲ سوره۸۸ می‌فرماید :

فذکر انما انت مذکر لست علیهم بمسیطر

تو ای‌پیغمبر پاك باید تذکر بدهی زیرا برای سیطره و تسلط نیامدی بلکه برای ایجاد ارشاد وشد عقلی آمدی وباید غرائز طبیعی‌ومعنوی‌بشررا بیدارو‌تحریك وتقویت نمائی تاباتشخیص ومیل دین اسلام را بپذیرند ومصالح خودرا ازروی حس وشهود تشخیص دهند .

دراین پرورش آسمانی معلوم شد که پیغمبر خاتم النبیین مرد مهاجم و سلطان جهانگیر وفاتح حمله‌وری نبود که بخواهد برنفوس بشری سلطه یابد بلکه او پیغمبری بود که دینی آورده خاتم ادیان وقانونی کاملترین قوانین آسمانی وتمدنی استوارتر ازهمه مدنیت ها اما میخواست مردم باآزادی فکرواندیشه فارغ وخاطری آسوده دین‌را ازروی فهم وتتبع و تحقیق بشناسند وقبول کنند وبهمین دلیل‌بود که دین اسلام بزور شمشیر پیش نرفت بلکه بامنطق استدلال وبرهان قوی جهانگیر شدشمشیر برای منافقین و کفار وبت پرستان لجوج وعنود بود برای مردم دنیا دعوت علمی وعقلی درسایه آزادی عمل‌میشد دعوت کتبی نبود که همه سلاطین دنیااز علماء وحکماءوفلاسفه عالم استدلال وبرهان توحیدرا بپرسند وازروی معرفت قبول کنند بنا براین دین اسلام دین آزادی وعقل وبرهان واستدلال بوده‌است .

اسلام بشررا مکلف باداء وظیفه نموده است .

مکلف کسی‌است که‌بالغ‌وعاقل وآزادباشد وتکلیف‌آن‌بدین شرح است :

واجب - حرام - مستحب - مکروه - مباح

درباره وظایف اجتماعی و شئون اداری بشر این پنج اصل تکلیف هر فرد را معین کرده وچنانچه معرفت بشناختن این‌پنج اصل داشته باشد وهر کدام را بجای‌خوداعمال کندبرای همیشه ازعذاب وعقاب درامان خواهدبود وازنزاع و کشمکش واختلاف وارتکاب جنحه و جنایت مصون خواهد گردید وانجام‌این‌وظایف روی آزادی اندیشه وفکراست باید خود بشر بعقل خویش

۱- صفحه ۲۷۳ وحی محمدی

منافع ومضار راطبق این دستور تشخیص دهد وباتصادم شرور بشرهم اگر اصطکاك پیدا کرد بآداب شریعت رفتار کند تااز شرور آنها هم درامان بماند ودرحقیقت همانطور که فرمودند دین اسلام بشر رابا آزادی درتمام احتیاجات صوری ومعنوی مادی وروحی بی‌نیاز ساخته وراه وصول کمال حقیقت راباو نشان داده وازشرور وآفات وعاهات وفتن و حوادث نجات بخشوده است.

اسلام دین اندیشه ودانش است.

دین فکر و عقل است

اسلام دین علم وفضیلت ـ دین اندیشه وفکر ـ دین دانائی وتوانائی ـ دین علمی وتفقه ـ دین تحلیل وتجزیه ـ دین رشد عقلی ورشد علمی است. این‌ها یك سلسله حقایقی است که در طول ۱۴ قرن بظهور پیوسته.

درقرآن نام علم بصورت معرفه ونکره بیش از در ۲۳ جاو صدها آیات مختلفه ذکر شده ومشتقات این لفظ بمراتب بیشتر ازآن آمده ـ لفظ علم ودانش درقرآن بمعنای اعم خود آمده وبرعلوم دین ودنیا اطلاق میشود. درعلومی که بیشتر درقرآن توجه بشررا جلب کرده علم ماوراء الطبیعه و علوم وصنایع است که ۲۹ آیه‌دراین باره واردشد وعلم نجوم وهیئت وفلکیات که ۲۷ آیه درباره آن نازل شده است:

یکی ازمواردی که علم بمعنای عمومی ومطلق ذکر شده و متضمن ستایش وپند هائی است، می‌فرماید:

ولا تقف مالیس لك به‌علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه‌مسئولا

آیه ۱۷ـ ۳۷ سوره اسراء

آن چه‌را از روی بصیرت علم به‌آن نداری پیروی مکن ومقصود ازبصیرت دراینجا دیدن و شنیدن وبزبان واستدلال است تابرمعلوم خود محقق الوقوع باشد واگر جزاین‌شد ازتمام اعضای بدن توبازخواست میشود زیرا همه مسئول هستند.

راغب اصفهانی وبیضاوی مفسر معروف میگویند: «در تفسیر (لاتقف) گویندازروی پیروی و تقلید یابحدس وگمان ازچیزی که علم به‌آن حاصل نکردهٔ پیروی‌مکن» بلکه باید تتبع و تحقیق نموده مطالب را ازهم تفکیك کرده تجزیه وتحلیل نموده‌وهضم کرد.

درباره علم تاریخی میفرماید ـ **ائتونی بکتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان کنتم صادقین.**

درباره علم مادی میفرماید: **ولکن اکثرالناس لایعلمون ـ یعلمون ظاهراً من الحیاة الدنیا ۳۰ - ۶**

درباره علم روحی‌میفرماید: **ویسئلونك عن الروح قل الروح من امرربی وما اوتیتم من العلم الا قلیلا ۱۷ - ۸۵**

این آیات ضعف دانش بشر وکم‌مایگی آنهارا درعلوم وفنون معنوی نشان می دهد.

شافعی می گوید:

کلما ادبنی الدهر ارانی نقص عقلی ـ واذا ما ازددت علما زادنی علماً بجهلی

هرقدر زمانه بیشتر مرا ادب‌می کند نقص عقل وخرد برمن آشکار می گردد وهرقدر بر دانش خود می‌افزایم پی‌بنادانی خود میبرم.

قرآن درعلوم‌عقلی وعلم نظری میفرماید: راهنمائی بدین علوم بادین ووحی است ودرباره

علوم طبیعی در آیه ۳۰_۲۲ میفرماید آثار طبیعی موجودات عالم بزرگترین آیات الهی است که خردمندان وبندگان صاحب نظربدان پی‌میبرند .

اسلام قدر ومنزلت علم‌را باندازهٔ بالابرده که برتر وبالاتر ازآن متصور نیست زیرا علماء راپس ازخودو فرشتگان‌نام‌برده ودر درجه سوم قرار داده و پیغمبران وفرستادگان خدا و حکماء و فلاسفه دراین طبقه هستند.

شهد الله انه لااله الا هووالملائکةواولو العلم قائماً بالقسط ـ ۳ـ ۱۸

یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات ۵۸_۱۱

بازهم علماءرا مورد احترام قرارداده برای دعا و نیازمندی دستور داده که‌اینطور بگویند. **وقل رب زدنی علماً** و طلب افزونی علم‌را برتر وبهتر ازهرچیز قلمداد کـرده است و همه چیز وهمه سعادت را درسایه علم ودانش شناخته درآیاتی بی‌شمار مقام علم وتشویق بتحصیل‌آن را تأیید کرده میفرماید :

ومایتبع اکثرهم الاظناً ـ ان الظن لایغنی من الحق شیئاً ۱۰_۳۶

درباره علوم منطقی وبرهانی قرآن بقدری قائل بتعظیم شده که باز داشتن و شرك بخدا را که بزرگترین گناهان وبدترین درجات کفر است بآن مقید کرده .

قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها ومابطن والاثم والبغی بغیرالحق و ان تشرکوا بالله مالم ینزل به‌سلطاناً وان تقولو اعلی الله مالا تعلمون ۷_۳۴

درخصوص حکمت مطلق و تعظیم شأن حکماء فرموده است : **یؤتی الحکمةمن یشاءومن یؤت الحکمةفقداوتی خیراً کثیرا ومایذکرالااولوا الالباب(سوره ۲_۲۶۹)**

واین معنی‌را ازوظیفه پیغمبران قرارداده که‌دربعثت حضرت رسول (ص)میفرماید: برای‌آن اورا مبعوث کردیم که‌آیات مارا برمردم بخواند وآنهارا تزکیه وتهذیب نماید_علم کتاب‌وحکمت را بآنها بیاموزد ـ بآنهائی که قبل ازفراگرفتن این‌علم وحکمت گمراه ودر تاریکی بوده انـد . (سوره ۱۶_ ۱۲۵) .

بپیغمبرش خطاب میفرماید: **ادع الی سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنه** ـ مردم را بطرف فضیلت وکمال بخوان وآنهارا از پلیدی و فساد عقیده وکارهای ناشایست باز میدار و علل وعواقب وخیم گمراهی را بآنها نشان ده .

قرآن اول کتاب‌را که عبارت از تربیت دینی است مقدم داشته و پس از آن علم و حکمت تأکید وتشویق فرموده است زیرا حکمت اخص ازعلم است وآن عبارت ازپی‌بردن بحقیقت‌اشیاءاست و معنی فلسفه عملی که عبارت از روانشناسی وعلم اخلاق وپی‌بردن باسرار مخلوق واوضاع اجتماعی است برآن منطبق میشود.

اسلام میخواست فاصله علم وعمل‌را کوتاه کند و دانش را ببینش بپیوندد و کلمه فقه و تفقه که فهمیدن حقایق اشیاءاست وبصیرت کامل درآن است وجنبه تحقیق ودلیل وبرهان دارد در قرآن زیاد است .

چنانچه ده‌آیه درباب تفقه وفهمیدن احادیث وآثارومطالب علمی وکتاب آسمانی نازل‌شده است درسوره انعام‌آیه ۶۵ میفرماید **قل هوالقادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم اومن تحت ارجلکم اویلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم بأس بعض انظر کیف نصرف الایات لعلهم یفقهون.**

اسلام دین برهان و استدلال است

درسوره ٤ آیه ٧٣ میفرماید : **یا ایهاالناس قدجائکم برهان من ربکم وانزلنا الیکم نوراً مبیناً** این برهان روشن ودلیل متقن برقدرت آفرینش خداوند است که یك نوری بصورت کتاب مبین بر شما نازل فرموده .

درسوره نمل میفرماید : **امن یبدؤا الخلق ثم یعیده ومن یرزقکم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین** - سوره ٢٧ آیه ٦٤

با این آیات مقام استدلال وبرهان درعلم وحکمت وکتاب آسمانی بخوبی روشن است که اسلام دین برهان وگواه دین شاهد استدلال است ونخواسته بشررا کورکورانه وجاهلانه مطیع و پیرو سازد وهمین دلایل منطقی و براهین فلسفی درآفرینش و تحولات جهان طبیعت بهترین گواه حقیقت این دین و تفوق آن برسایر ادیان آسمانی ومتضمن سعادت ابدی بشری میباشد .

اسلام دین عقل وخرد - دین قلب ووجدان - دین ضمیرروشن واندرون صاف است ودرقرآن بیش از صد مورد قلب ودل ذکر شده ومحل تابش نور قرآن را در آن ضمیر پاك معرفی کرده چنانچه می فرماید :

ان فی ذلك لذکری لمن کان له قلب اوالقی السمع وهو شهید - سوره ن آیه ٢٧

در سوره شعرا آیه ٨٨ میفرماید :

یوم لاینفع مال ولابنون الامن اتی الله بقلب سلیم -

در اکثر ازاین آیات دلهای مؤمنین رابخشوع و اطاعت وتوجه نسبت بپروردگار جلب کرده وپاك شدن ازتمام آلوده گی ها وشبهات را باین صفای درونی دانسته وقلوب کفار ومنافقین رابغل و غش و نقطه های سیاه سختی توصیف فرموده که تا ایمان نیاورند و توجه نکنند سفید و نورانی نمیشود .

بنابراین اسلام دین عقلی وبرهانی ودلیل آزادی وصفای باطن است وهرکس اسلام را پذیرفته از روی میل واراده وآزادی وعقل و برهان بوده هیچکس ازبشر اسلام را ازروی کراهت و اجبار قبول نکرده است.

اسلام تقلید وپیروی ازپدران ونیاکان را نیز منع کرده و آزادی اندیشه و فکر رابرای گرویدگان باسلام اختصاص داده .

اسلام برتری علم را برهرچیز برای حصول یقین و بدست آوردن استقلال عقل و فکر و آزادی وجدان وخواستن دلیل وبرهان ثابت کرده ولزوم دین را باعلم وایمان و با تهذیب نفس ثابت کرده است .

اسلام درعین حال جنبه عدالت ومیانه روی را در تمام امور وشئون اجتماع رعایت کرده وافراط وتفریط را در هرحال منع فرموده است :

اگر ماامروز باندازه نسبی جمعیت مسلمین دانشمند کافی داشتیم که اسلام را بصورت حقیقتی علمی و عقلی خود جلوه میدادند قطعا مردمان آزاد جهان وعلماء ودانشمندان ملل دیگر گروه گروه باسلام می گرویدند . زیرا امروز روش پرورش وآموزش درتمام عالم براساس آزادی فکر واندیشه ووجود دلیل وبرهان ومنطق قوی قرار گرفته و جوانان و مردان امروز از جمود و رکود عقلی وفکری بعالم آزادتری قدم گذارده اند واگر حقیقت به آنها گفته شود می توانند آن رادرك کنند .

این وظیفه علماء بزرك ومفتیان درجه اول وپیشوایان روشن فکراست که‌اول اسلام را بصورت حقیقی خود درآورند واز تعینات وپیرایه های بی‌مورد که‌بدین وعلماء تعلق گرفته‌جلوگیری نمایند و شاخ‌وبرگهای عاری رابرطرف کنندوهمان دین فطری‌حقیقی‌عقلی‌راکه‌منطبق بسرشت‌بشری وضع شده وپیغمبر اکرم (ص) بمردم می‌آموخت بمردم نشان دهندودرراه نشراین‌حقیقت فداکاری نمایند تاببینند چگونه دنیا بزودی از اسلام استقبال می‌نمایند وآنگاه همای سعادت دین اسلام بالای سربشر بال‌وپر میگشاید .

در اثبات حقیقت اسلام

قل‌الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر انا اعتدنا للظالمین نارا احاط بهم سرادقها وان یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه بئس الشراب وسائت مرتفقا آیه ۲۹ سوره کهف

حقیقت رابگوئید برای تمایلات نفسانی خود ودیگران کتمان حق نکنید -حق‌رابگوئید تامردم بشنوندهر که بخواهد ایمان آورد وهر که نخواهد کافرشود . ماهستیم که‌برای ستمکاران آتش برافروخته آماده ساخته‌ایم که سراپرده آنهارا احاطه کند وکفار رادرمیان گیرد واگر فریاد واستغاثه کنند باآبی که چون فلز گداخته است صورت‌آنها رابریان کنند واین بدتکیه گاهی‌است و بد آب آشامیدنی است - این‌است جرم کتمان حق وتکذیب حقیقت که آن هم بدست خود فراهم میکنند .

این درس قرآن است که باید حقیقت‌را گفت یك‌روزی‌فردیااجتماعی باین گفتارپی‌میبرند وتشخیص حق میدهند - باید اتمام حجت کرد تاعذری درمحکمه عدل الهی ودیوان محاسبات حق نباشد وهمین حقیقت مارابرآن داشت که‌این اوراق را بنگاریم وملل عالم رابااین‌حقیقت دعوت کنیم وهمه مذاهب رابسلم وصلح وصفای اسلام بخوانیم و مطمئن هستیم و یقین داریم که‌روزی همه بشر درسایه سلم وصلح اسلام پناه خواهند آورد .

اکنون بیك‌زبان ساده حقانیت اسلام وبرتری ورجحان آن را برسایرادیان بیان میکنیم :

هرعاقل وخردمندی، هردانشمند ومتفکری معتقد و متفق است براین که‌اثر بدون مؤثر نیست مصنوع بدون صانع محال عقلی است وبااین حس‌عقلی وجود تمام ممکنات ومخلوقات باید مصنوع‌و مخلوق خالقی باشد وآن صانع‌وآفریننده‌هم باید عالم، وقادر و حکیم بالذات باشد تانیازی بکمك وشریك ومعاونت نداشته بااراده ومشیت مطلقه خود موجودات رااز کتم عدم بعرصه وجودآورد لباس امکان بپوشاند ویقیناً همانطورکه این اطاق یکروزی نبوده و امروز باین صورت حافظ مااز سرما و گرما وحوادث است ومصالح ساختمانی آنهم نبوده بوجود آورده وساخته‌اند.

یکروزی عالم کبیر وعالم‌صغیر هم‌نبوده ومصالح **اولیه آن باراده مطلقه الهیه که: اذااراد شیئاً ان یقول له کن فیکون** از نیستی هست شده و باینصورت منظومه های شمسی درآمده وزمین مرکز آفرینش عناصر وموالید گردیده واشرف مخلوقات آدم شده‌است و برای حفظ نظام اجتماع عالم ونتیجه آفرینش وجلوگیری ازوقوع قتل‌وفساد وتعدی وتجاوز بیکدیگروبرای آنکه هر بشری حدود خودرا بداند وازحد تجاوز نکند ووظیفه‌خودرا بشناسدواقدام بانجام‌آن بنمایدبایدحدودوتکالیف هرکس بوسیله یك‌شخصیت برگزیدهٔ ازجنس خود بشر باقوانینی که ازمخزن علوم غیبی باو تلقین و وحی شده باشد معین وبدون نظر ابلاغ نماید.

درنظام اجتماع بشری این وظیفه بزرك تعبیر بسنت آسمانی‌شده که پیغمبرانی برای ارشاد و هدایت بشر یکی پس‌از دیگری فرستاده‌اند وهریك وظیفه خودرا درابلاغ رسالت انجام داده‌اند چون باید پیغمبر ازجنس خود بشر باشد تاباحواس‌ظاهره‌وادراکات باطنه اورا به‌بینند وبشناسند ودرك کنند وسخنان اورا بگیرند وسرمشق قراردهندقرآن‌صریحاً بیان‌فرموده: **هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق .**

هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین ۳ سوره جمعه

وچون بنی‌آدم بمنطوق **ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر** برسایر مخلوق بادراکات عقلانی تقدم و تفوق داشت سرحلقه ولایت مطلقه الهیه را باو داد و برگزیدگانی از اولادآدم را مأمور ارشاد وهدایت فرمود تابمقتضای حکمت‌الهی‌وعقل‌وظیفه‌تبلیغ‌را انجام‌دهندخداوند میدانست هرکس را چگونه وبرای‌چه‌کاری برمیگزیند وانتخاب ومأمور میفرماید که **الله اعلم حیث یجعل رسالته** این رسول وپیغام آور رابنام خلیفه و نماینده در مکتب ربوبی خود تربیت کرد تااز هرحیث کامل ومکمل گردید وبابیان **انی جاعل فی الارض خلیفة** صفوفی ازانبیاء ورسل بپیشوائی بشر برانگیخت تاراه وروش تکامل وسعادت را بیاموزند.

درتمام ادوار عالم آفرینش سلسله انبیاء بایك هدف ویك وحدت کلامی متفق‌القول بشر را دعوت بتوحید و یگانگی خدا نموده وروش پرورش سعادت آمیزرا ابلاغ کرده‌اند. این طایفه فاضله بشری عالم **بماکان ومایکون وماهو کائن الی یوم القیمة** بوده‌همه در وحدت فکر وقول وعمل بدون کوچکترین نقطه ابهام و اختلافی در طول هزاران سال آدمیان را بکمال مطلوب خود راهنمائی کرده‌اند .

پیغمبران کوشیده‌اند که مفاسد اخلاقی بشر را اصلاح نموده ورفتار آدمیان را براهی که متضمن سعادت آنها باشد رهبری کنند.

بنابراین منظور از ارسال رسل وانزال کتب آسمانی رهبری بطریقه توحید بود که درسایه‌آن آن‌میتوان‌بسعادات دیگر نائل گردید و چون توحید تثبیت شد بحث‌رسالت پیش میآید که بشرمعتقد برسالت انبیاء گردد وآنها هستند که بایك جنبه یلی‌الحق ازجانب خدا گرفته‌وبجنبه‌یلی‌الخلقی ببشر ابلاغ کرده‌اند.

برای معرفی خود از همان علم واراده الهی استفاده کرده قدرت وخرق عادت نشان میدهند تابشر آنهارا برسالت بشناسد ولذا هرپیغمبری معجزهٔ داشته که دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند وهمین اعجاز سبب اطاعت وپیروی مردم گردیده است و این سنت ازآدم ابوالبشر تاخاتم الانبیاء بمرور زمان ادامه داشته و برازندگان این طبقه بنام اولوالعزم عبارت از حضرت نوح و ابراهیم وموسی وعیسی ومحمدبن عبدالله خاتم‌النبیین بوده‌اند وچون مراتب توحید باقانون گزاری آسمانی ازنظر حفظ انتظام امور اجتماع بشری مقرون برتحکیم مبانی قانونی بوده اورا خاتم نبوت قرار داده‌اند وقران که حاوی تمام نیازبشری درشئون مختلف زندگی میباشد معجزه خالده باقیه او قرار داده وبافصاحت و بلاغتی که عرب بفهمد وتعقل نماید بآنها آموخت که **انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون**

دراین قرآن همان وحدت کلمه و وحدت نظر پیغمبران سلف که نامشان تا۳۵ نفر درقرآن

بالصراحه نقل شده ازقصص واخبار امم وملتهای گذشته و کشف اسرار ونیات مردم و اخبار بمغیبات واطلاع برعلوم ومعارف واحکام واخبار از نصرت پیغمبران مخصوصاً پیغمبر خاتم در غزوات ومواطن کثیره و تعیین کعبه بقبله‌معظمه برای توجه مردم درعبادات تاروز قیامت وبیان بعثت و معاد و حشرو نشر همه مراحل تکاملی‌را ازمبدأ تامعاد صریحاً بیان فرموده است آنگاه تصریح کرده که **ان‌الدین عندالله الاسلام** واضافه فرموده که **ومن یبتغ غیرالاسلام دیناً فلن یقبل منه وهوفی‌الاخرة من‌الخاسرین** هر کس غیراز این دین که امروز تکمیل‌شد دینی بپذیرد ازاو قبول نیست‌و زیان کار است وبرای تحکیم مبانی این گفتار قرآن‌را بعظمت یاد کرده بصورت تحدی فرموده **بگو: قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القران لایأتون بمثله ولوکان بعضهم لبعض ظهیراً**.

ای‌پیغمبر بگو اگر جن‌وانس جمع شوند که قرآنی یا آیه‌ای مثل‌این قرآن بیاورند نخواهند توانست حتی‌یك آیه‌بیاورند اگرچه همه پشتیبان یکدیگر قرار گیرند وما شرح اعجاز قرآن و عظمت آنرا درکتاب پیشوای اسلام وتاریخ قرآن نگاشته‌ایم.

قرآن میفرماید اگرمردم دراین حقیقت شکی‌دارند بروند وبکمك وحمایت هم‌یك آیه‌مثل‌آن رابیاورند وازاهل کتابهای سابق بپرسند آیامیشود باقرآن‌معارضه کرد؟؟

وان کنتم فی‌ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله اگر در شك و تردید هستید براین قران‌که فرستاده بامر بنده و رسول ما میباشد شما هم یك آیه مثل آن را بیاورید.

این دلایل وبراهین برتمام عقلا و دانشمندان ملل و پیروان مذاهب مختلفه ثابت گردیده و جای ابهام ونقطهٔ تاریکی ندارد مگر جهل برقران ودین اسلام حتی- اهل کتاب یعنی‌یهود و نصاری توصیف وتمجید پیغمبر خاتم‌النبیین‌رادر کتاب خود دیده وخوانده بودند وچون پیغمبر اسلام ظهور کرد آثاراورا منطبق بابشارات تورات وانجیل دیدند وعلمای آنها یقین‌حاصل کردندکه این همان **محمدخاتم‌النبیین** است اما جمعی از آنهاکه روی حقد و حسد بنفاق وشقاق پرداختند، بآنها خطاب شد:

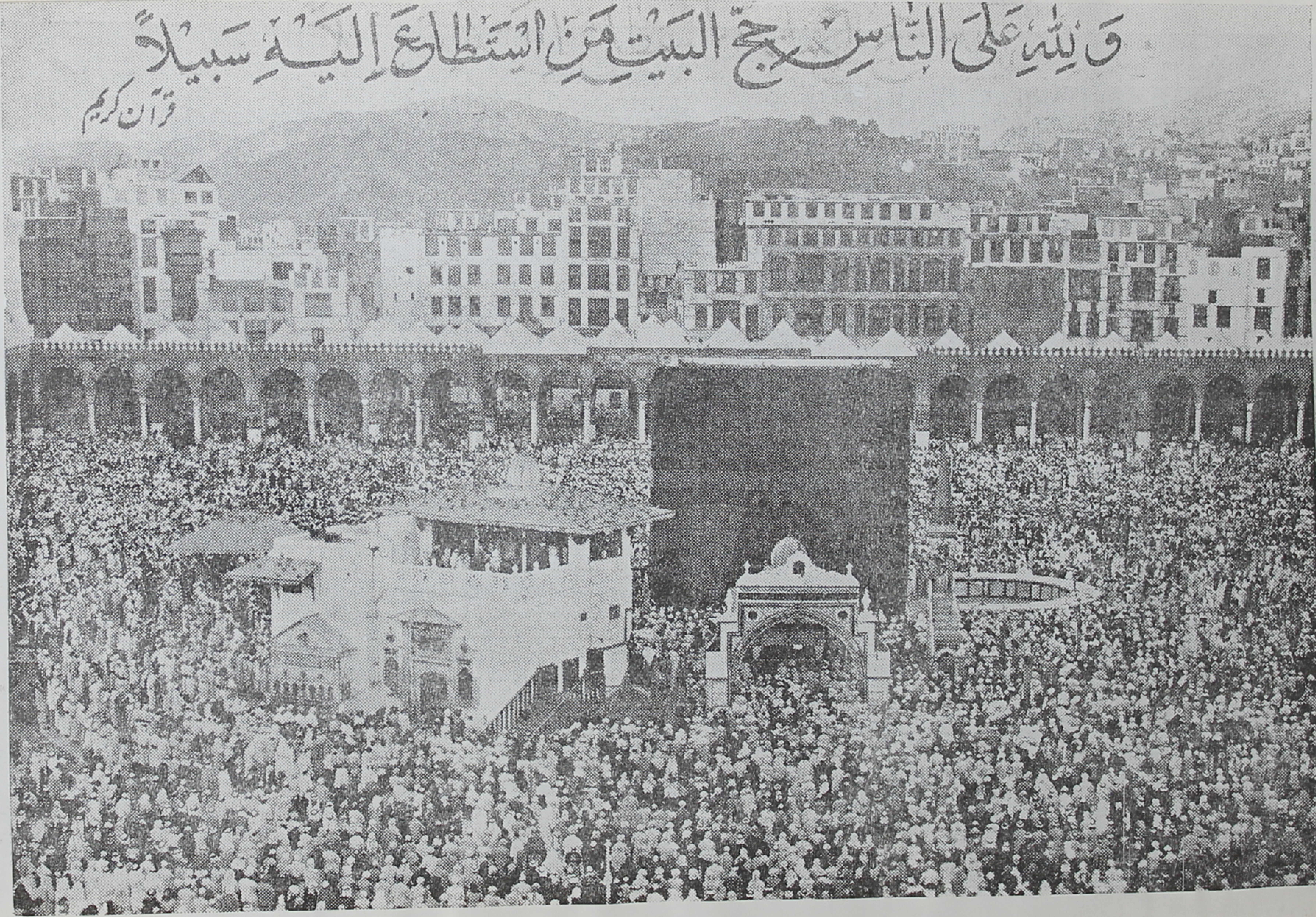
ان‌الدین عندالله الاسلام وما اختلف الذین‌اوتوا الکتاب الامن بعدماجائهم العلم بغیاً بینهم ومن یکفر بآیات‌الله ان‌الله سریع الحساب

فرمود دین پس‌از خاتم‌النبین فقط‌اسلام است و کسانی که ازروی حقدوحسد وحب‌جاه اختلاف نموده وآیات قرآن را انکار کرده وکافر شدند بدانندکه خداوند سریع الحساب است وبرای‌آنها که‌حق را کتمان میکنند عذاب الیمی مهیاست‌که آنهارا فراخواهد گرفت.

فمن‌حاجك فیه‌من بعدماجائك من العلم‌فقل تعالوا ندع ابنائناوابنائکم‌ونسائناونسائکم وانفسناوانفسکم ثم نبتهل و نجعل لعنةالله علی الکاذبین

ای‌حبیب‌مامحمد (ص) هر کس باتو درباره دین وقرآن احتجاج کرد وباآنکه بدلیل وبرهان ومنطق روشن حقایق برآنها روشن شده بگو مباهله میکنیم شما زن و فرزند خود را بیاورید منهم زن‌وفرزند خودرا میآورم تابه‌بینیم خداوندکدام یك‌مارا مقدم میدارد.

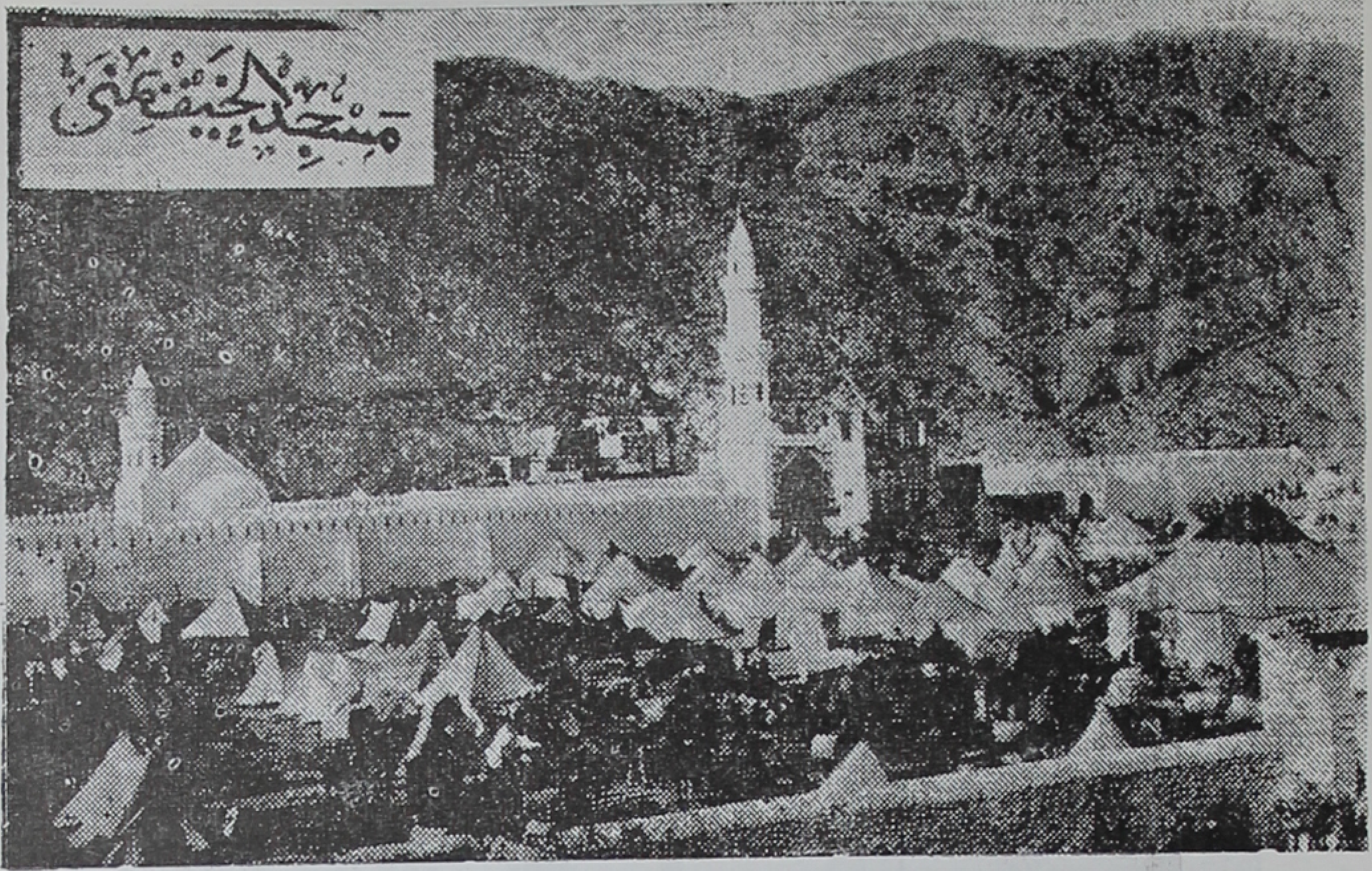
نصاری‌چون دیدند پیغمبر بادخترش فاطمه وداماداش‌علی ودو فرزندش حسنین قدم بمیدان مباهله‌گذارد همه دهشتناك معذرت خواسته واکثریت آنها اسلام را از جان ودل



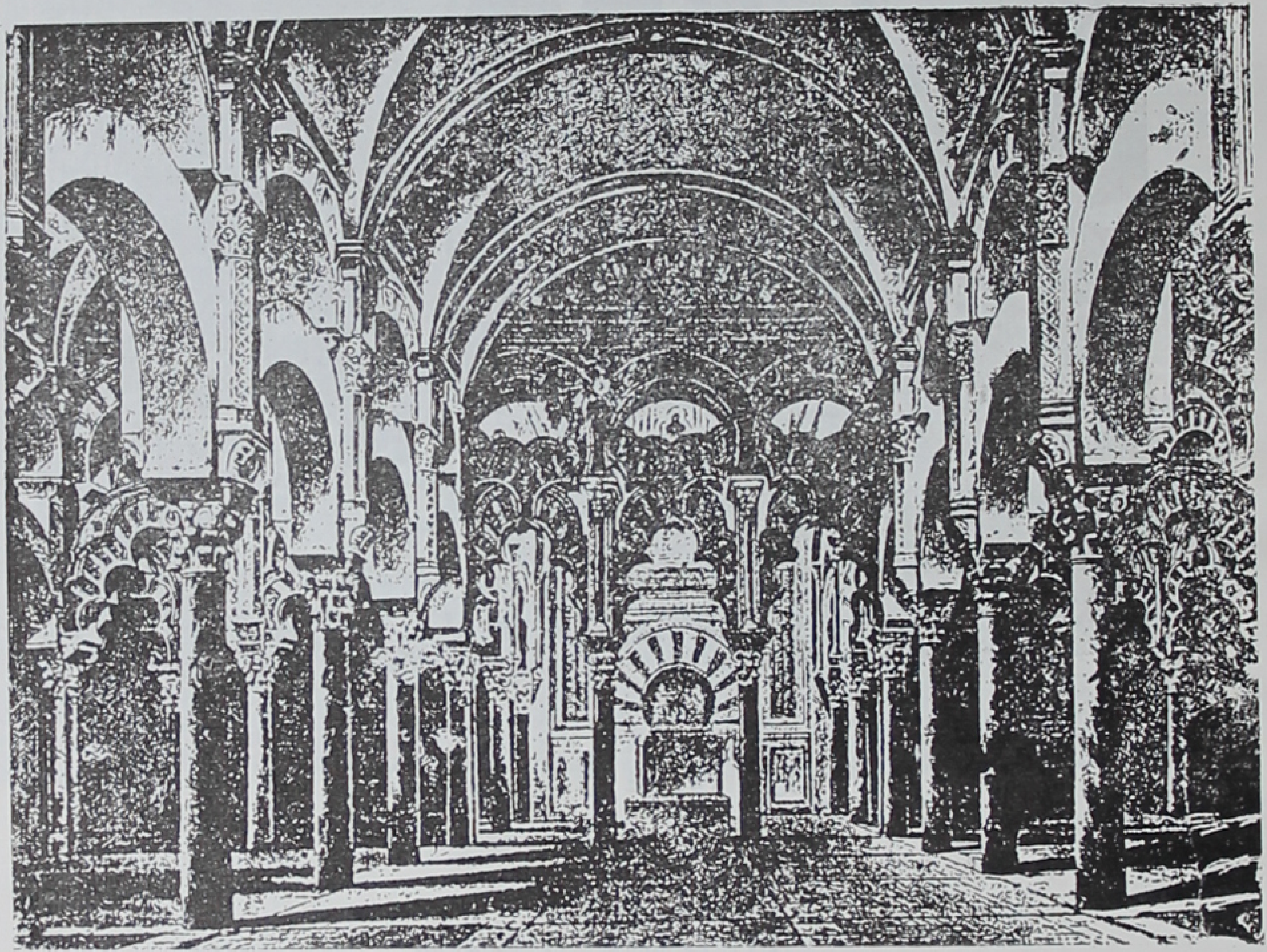
اولین مسجدی که درروی کره زمین ساخته شده است ومطاف مسلمین جهان است



عرفات محلی که قریب دو کرور مسلمان در آن



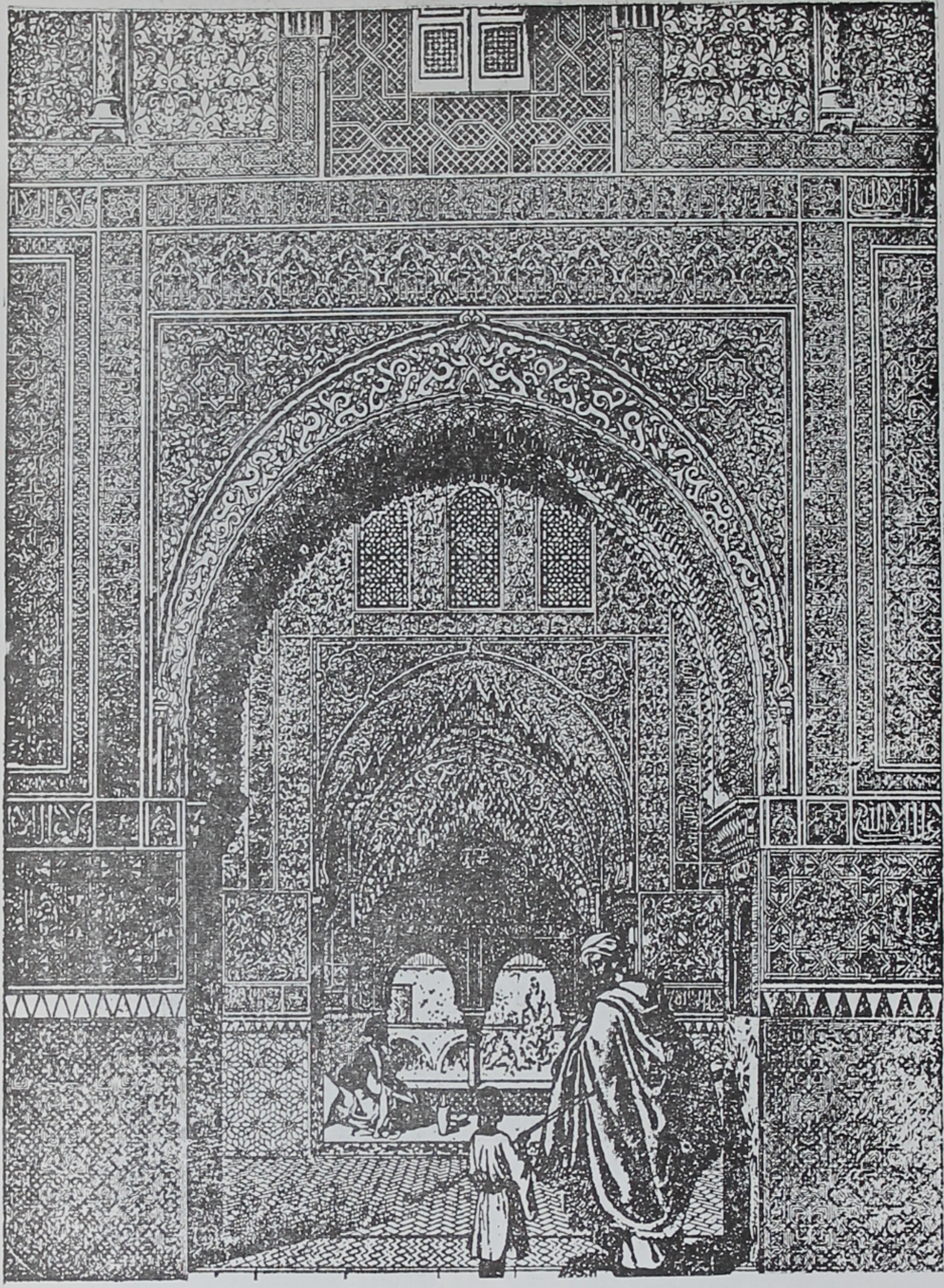
مسجد خیف دردامنه کوههای مکه معبد پیغمبران بود



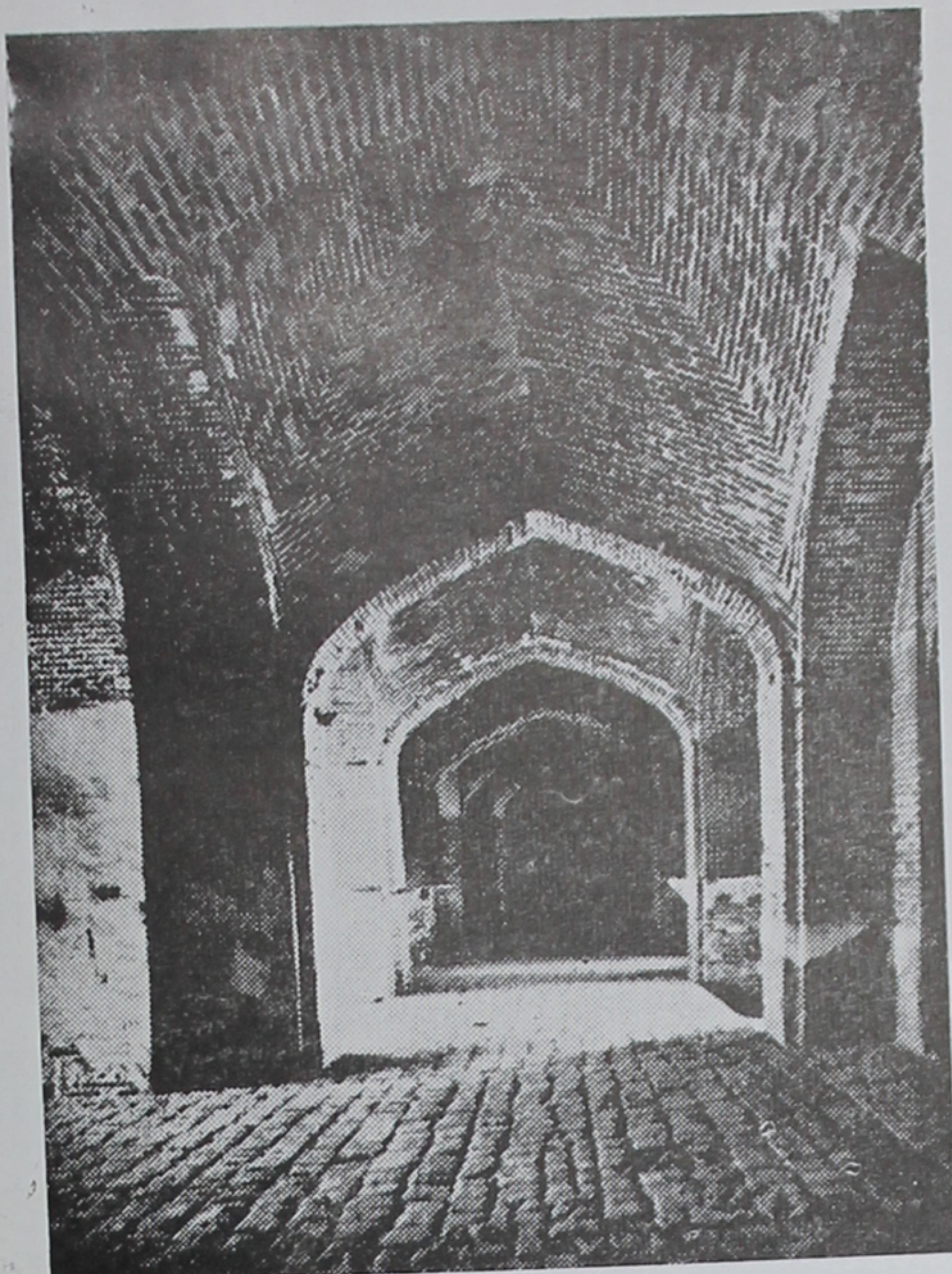
داخل مسجد قرطبه که اکنون بکلیسای اعظم تبدیل یافته



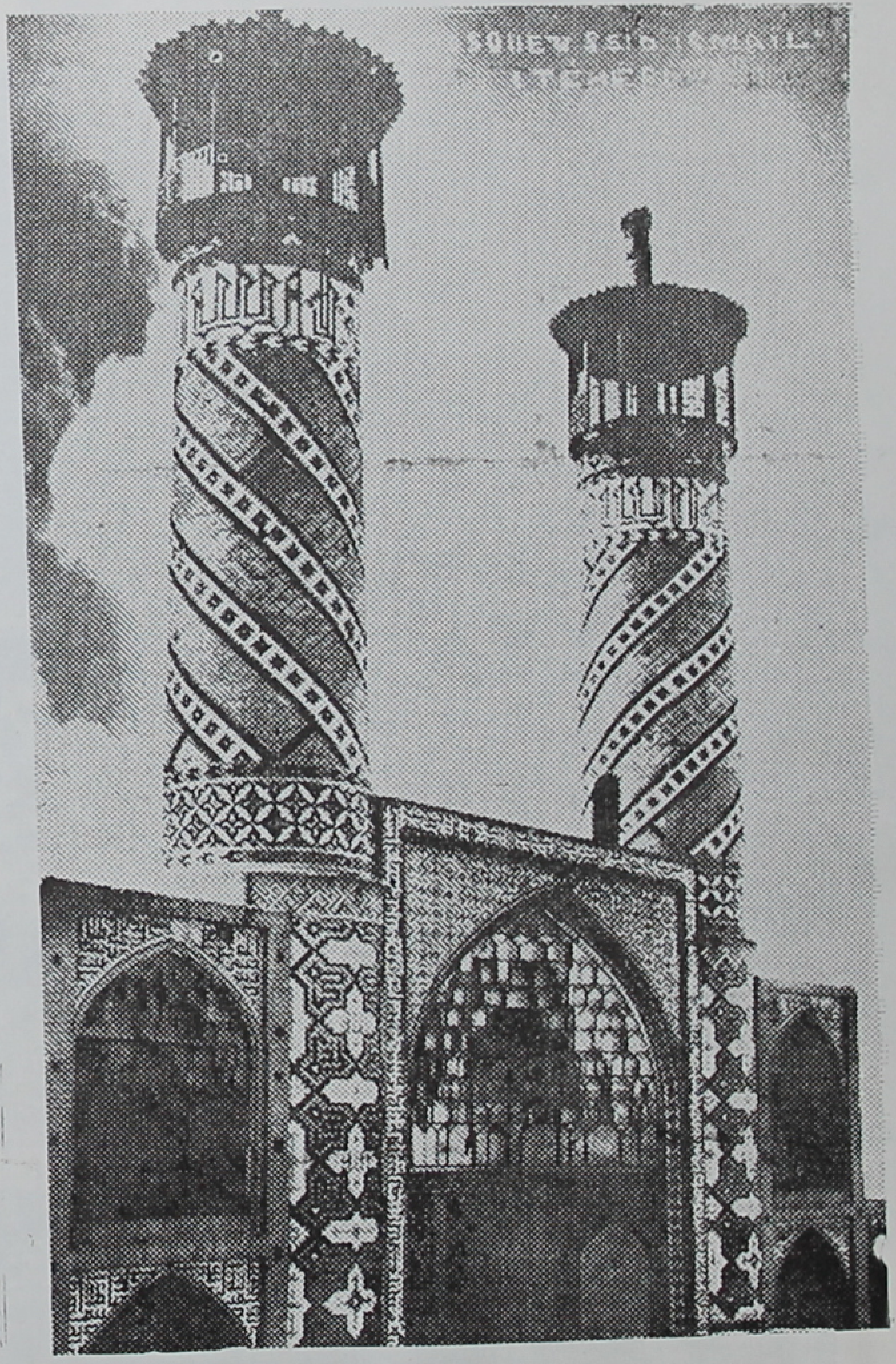
مسجد خالدی در غرناطه اندلس



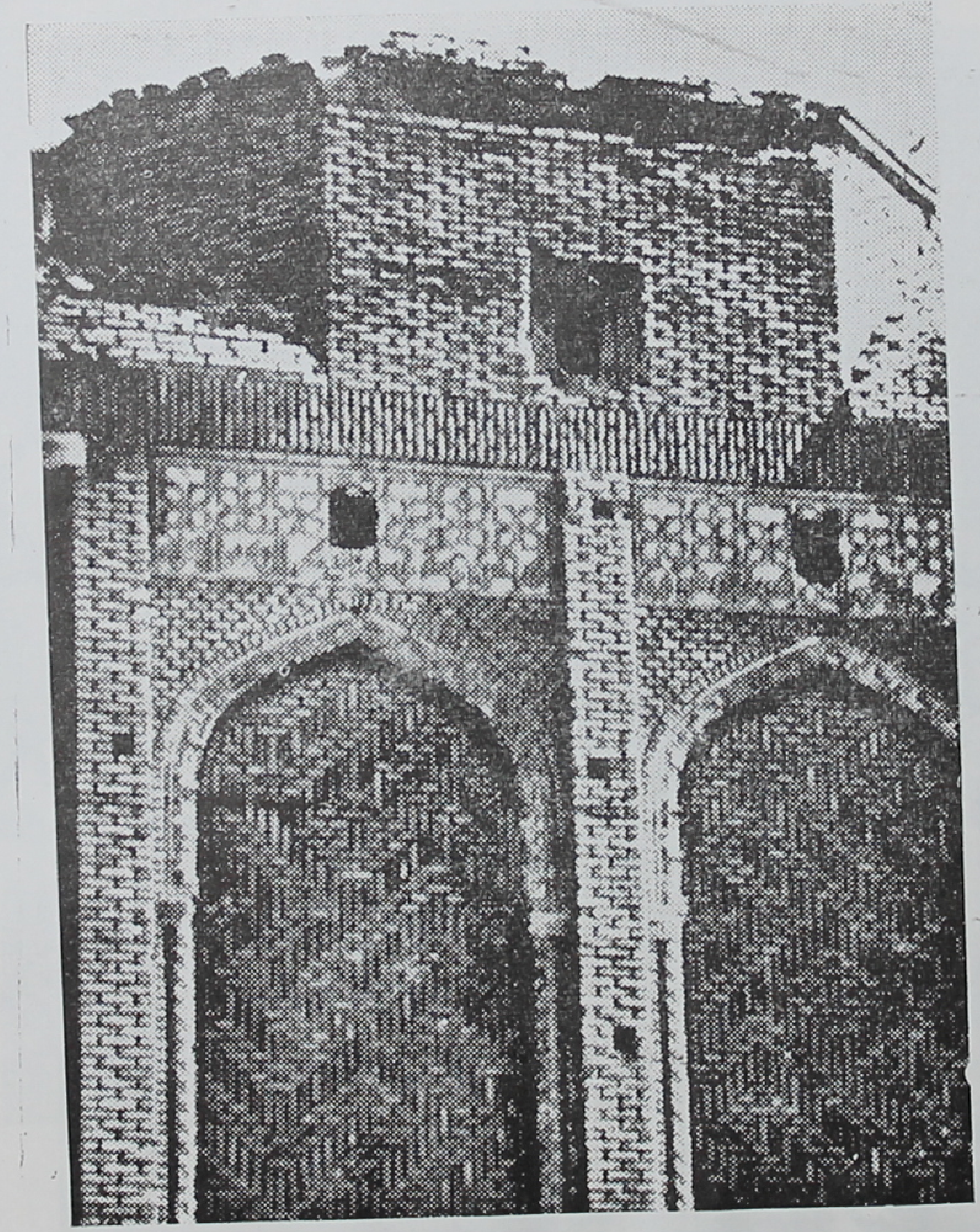
تالار دوخواهر درالحمراء



مسجد جامع قزوین



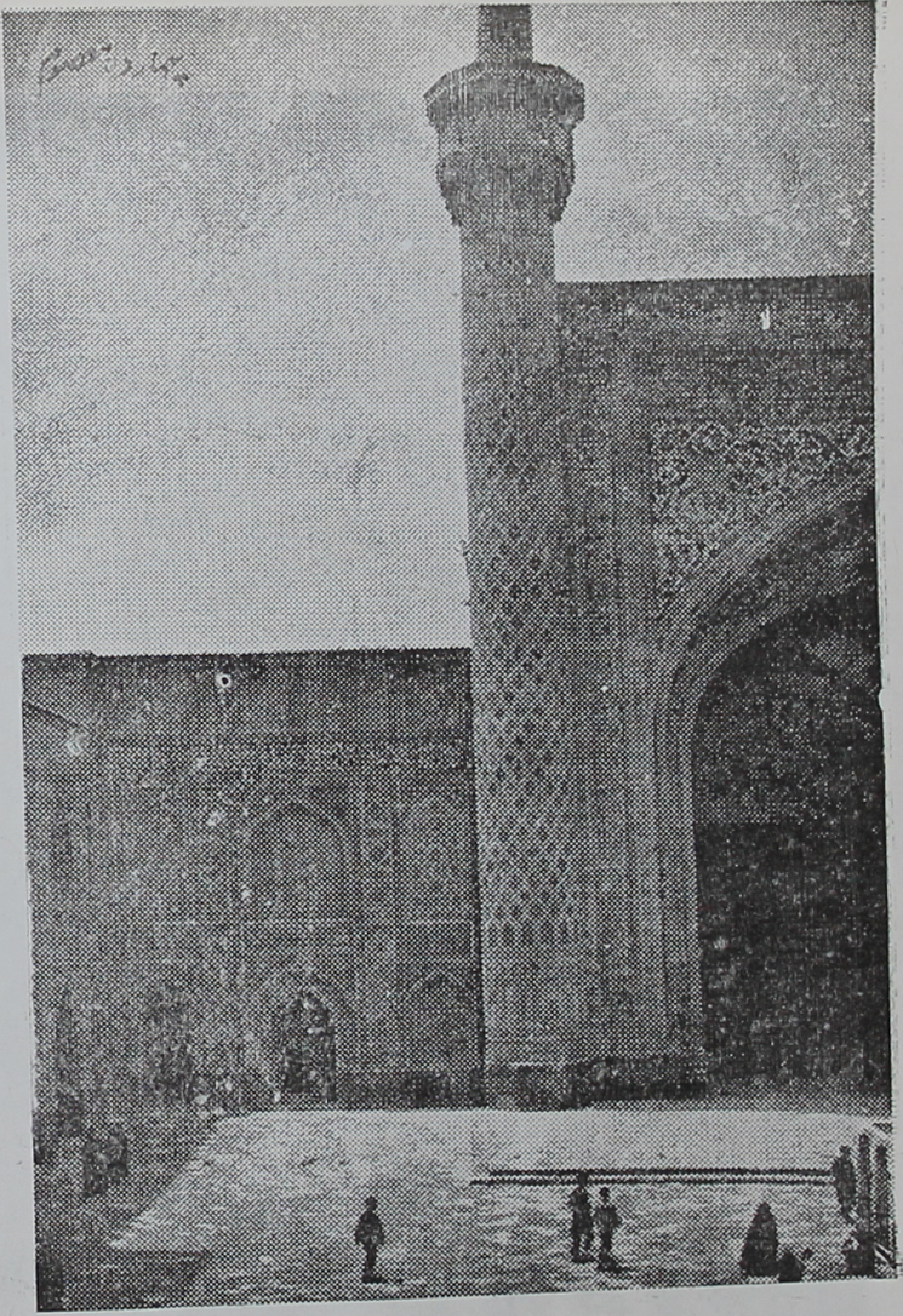
قم



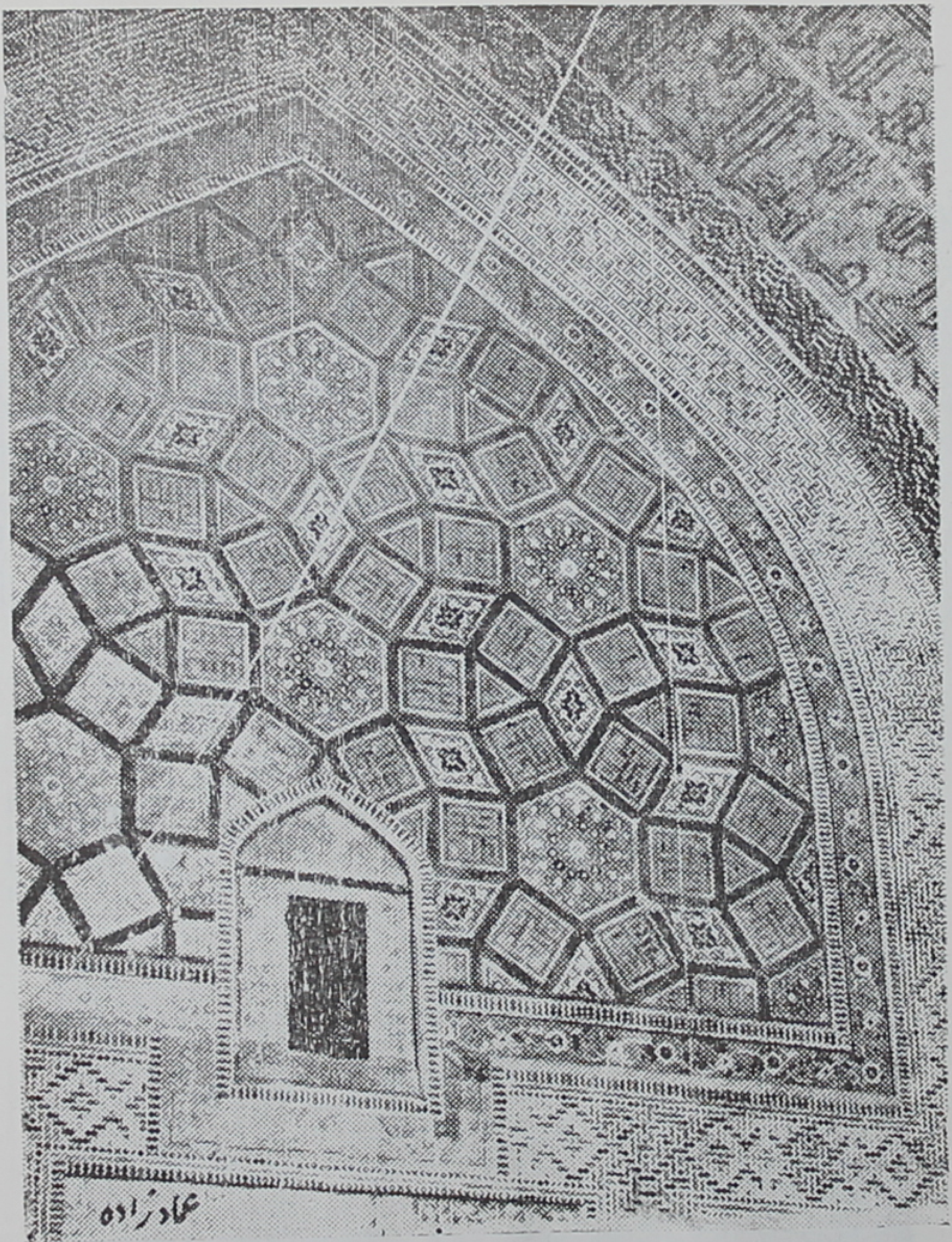
مسجد مراغه



مسجد حنیف در منی که مقبره هفتاد پیغمبر است و محل ذبح اسماعیل بود

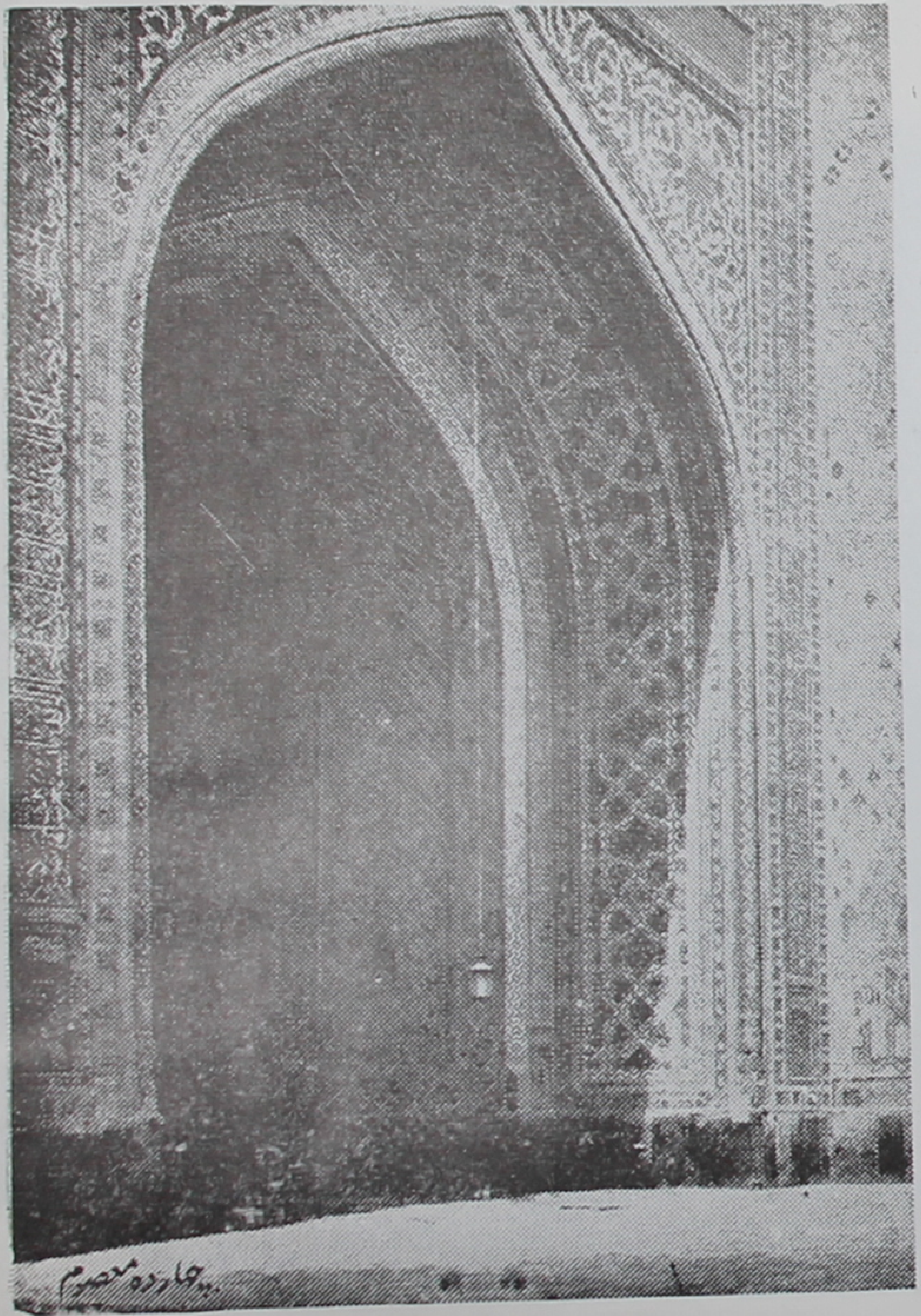


مسجد مشهد

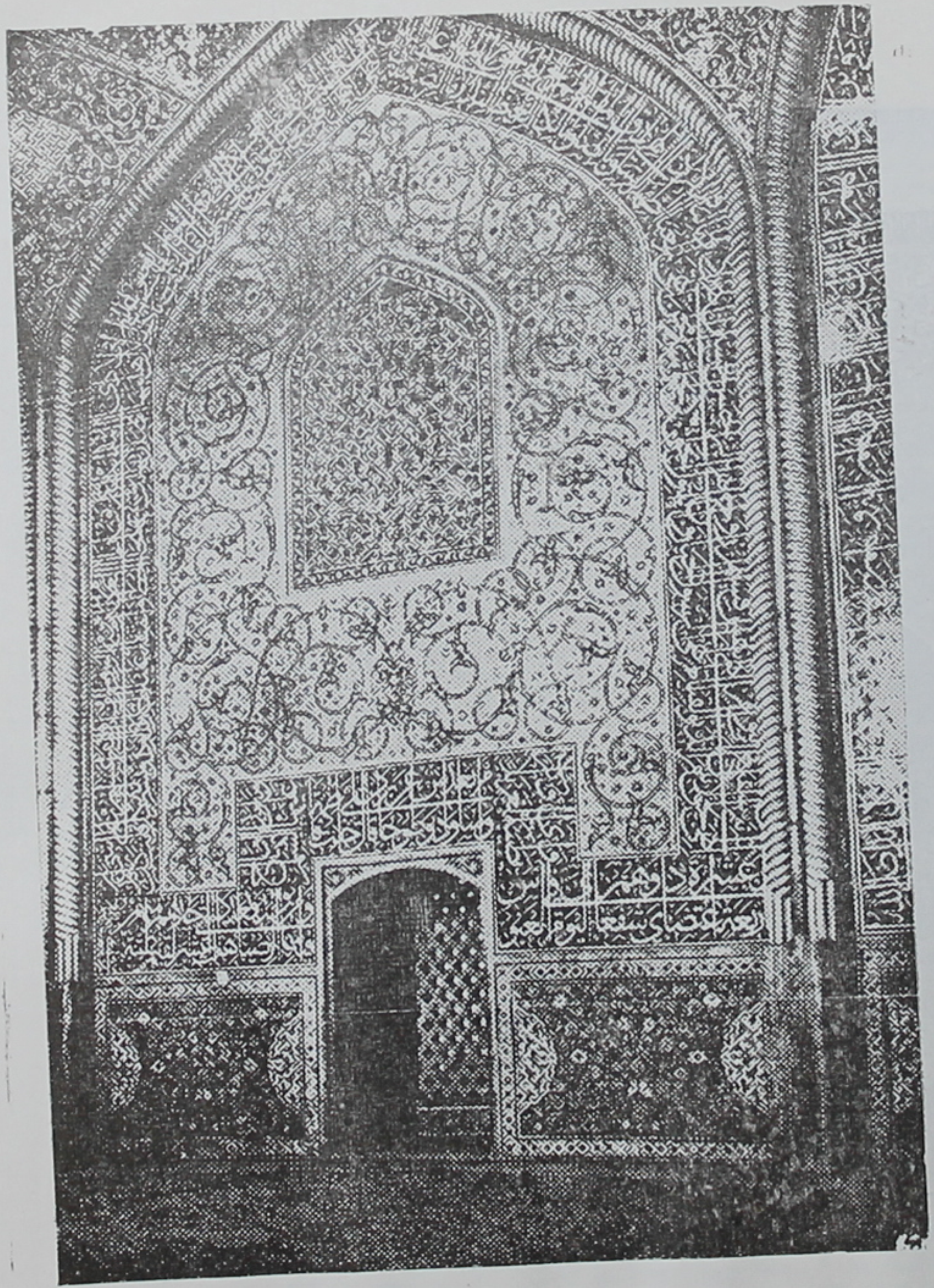


کاشی کاری مسجد گوهرشاد مشهدرضوی

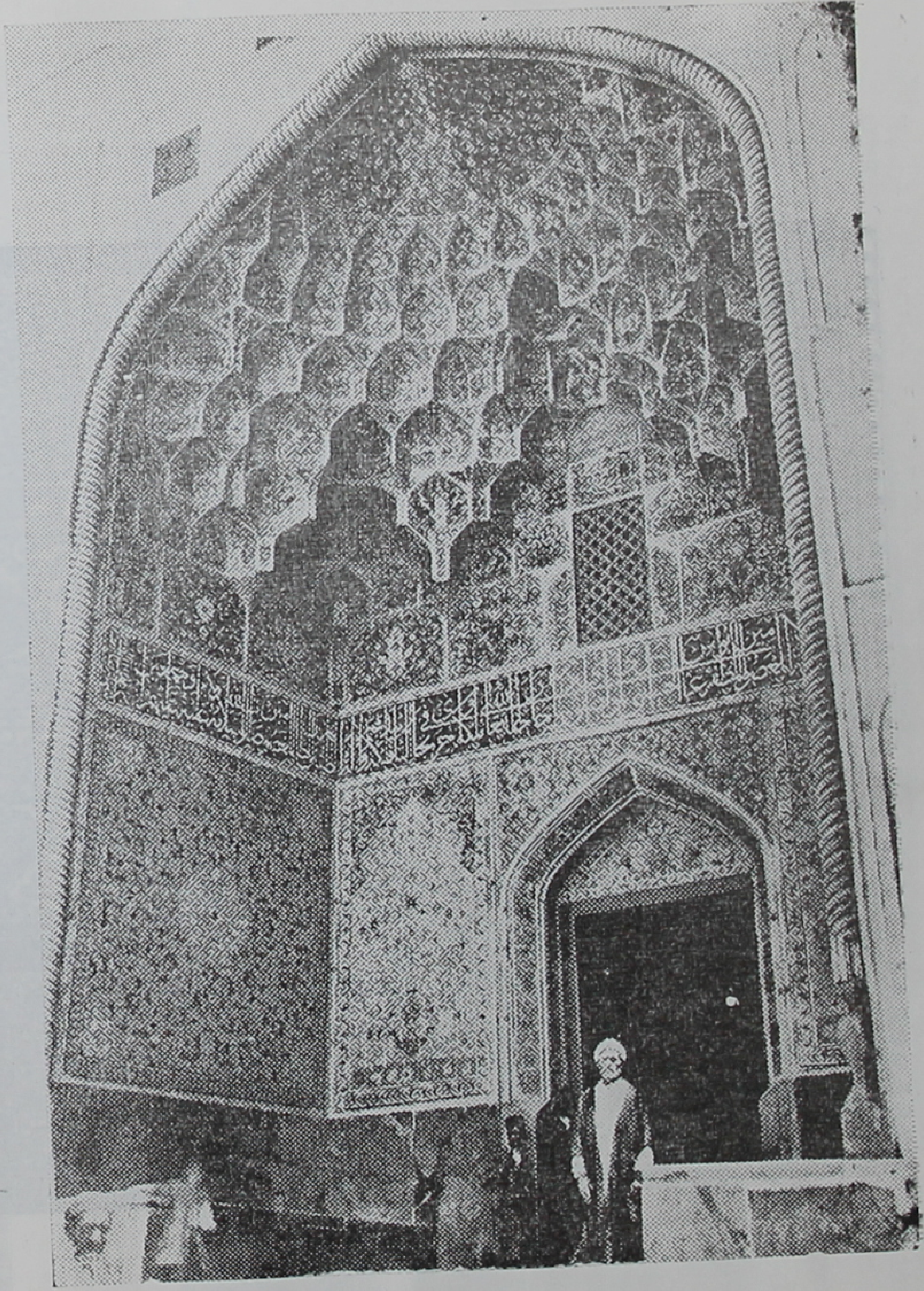




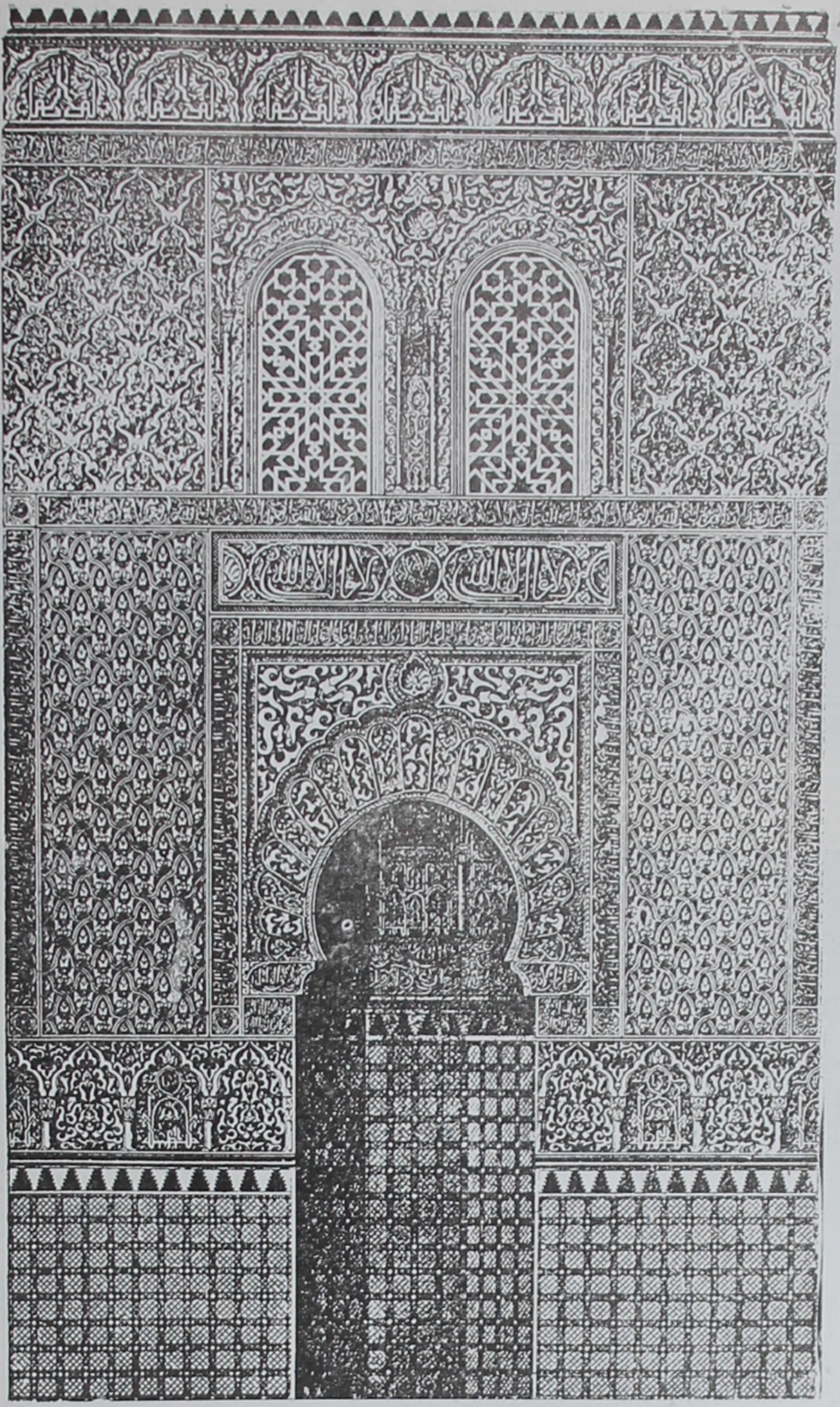
مسجد گوهرشاد



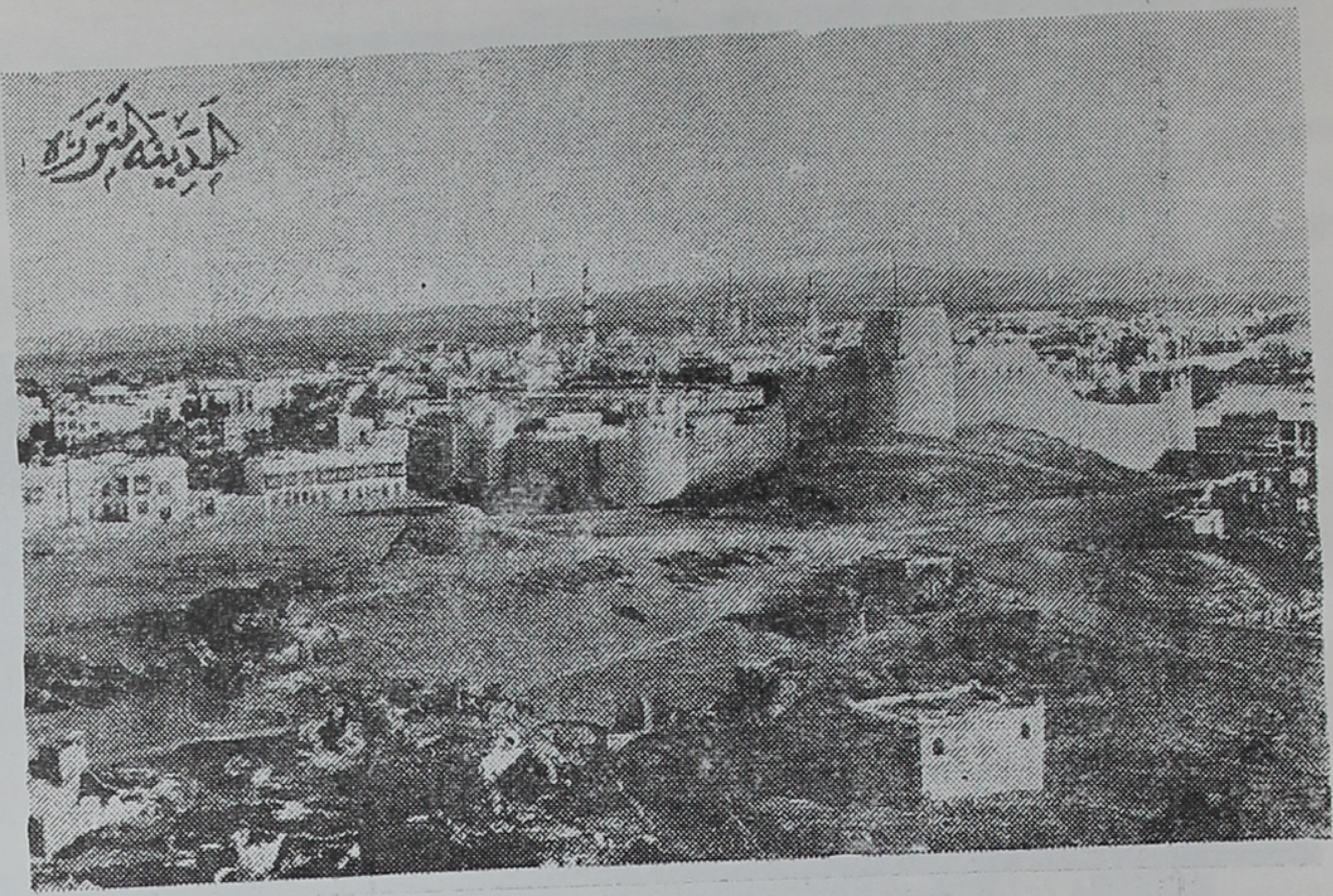
مسجد شیخ لطف‌الله

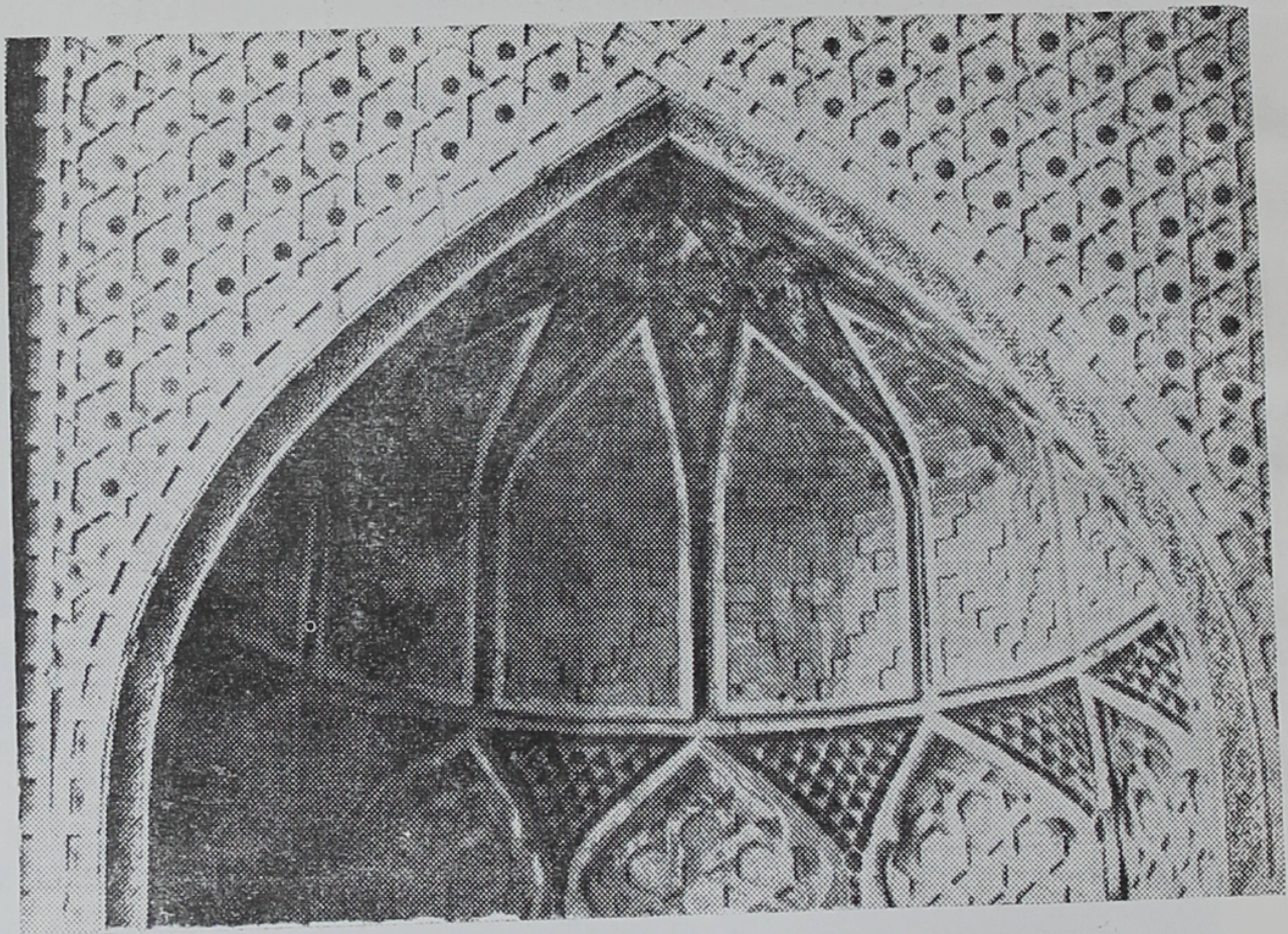


مسجد شیخ لطف‌الله

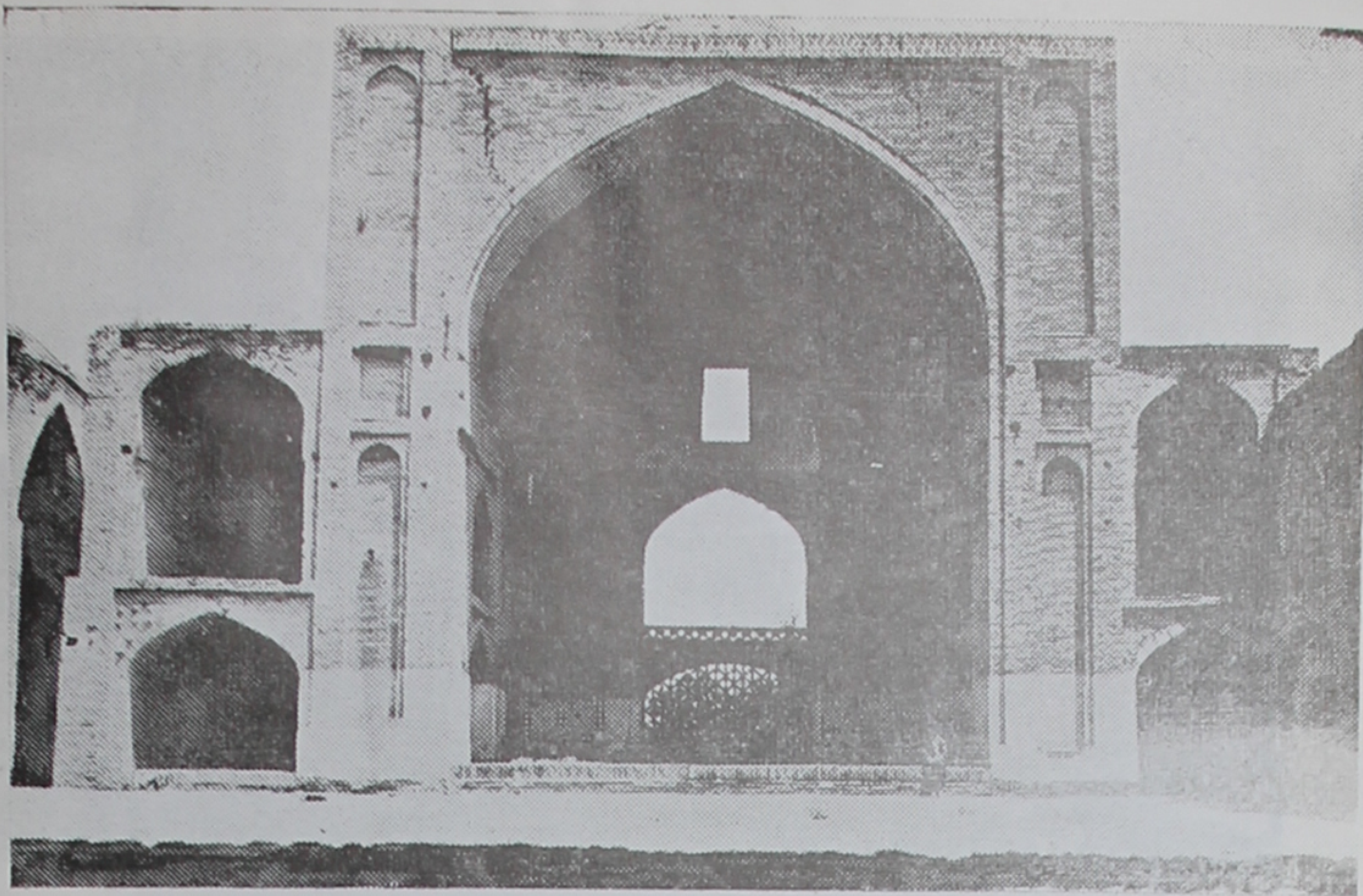


محراب مسجد مقدس الحمراء در قرناطه شاهکار فن معماری و هنر

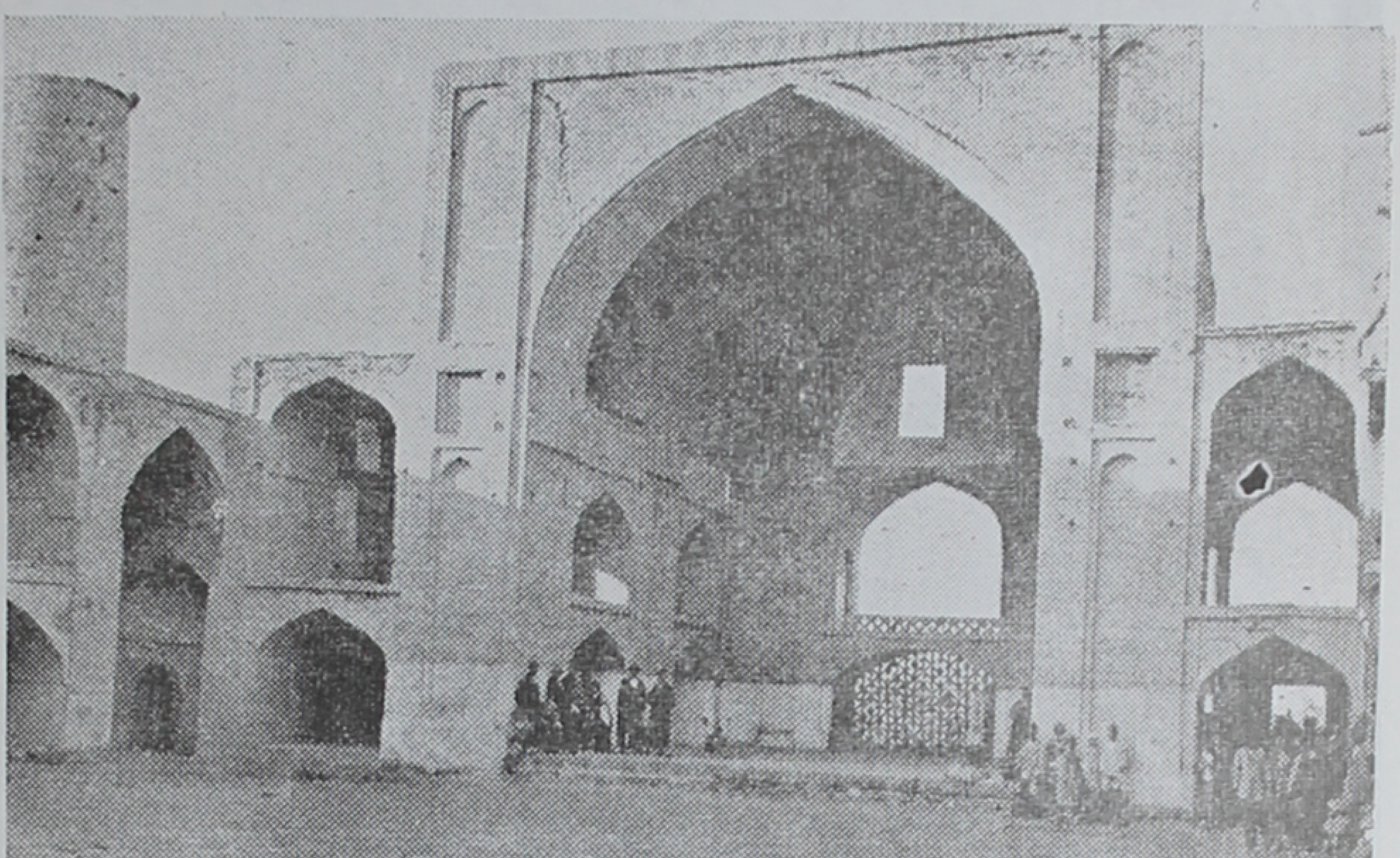




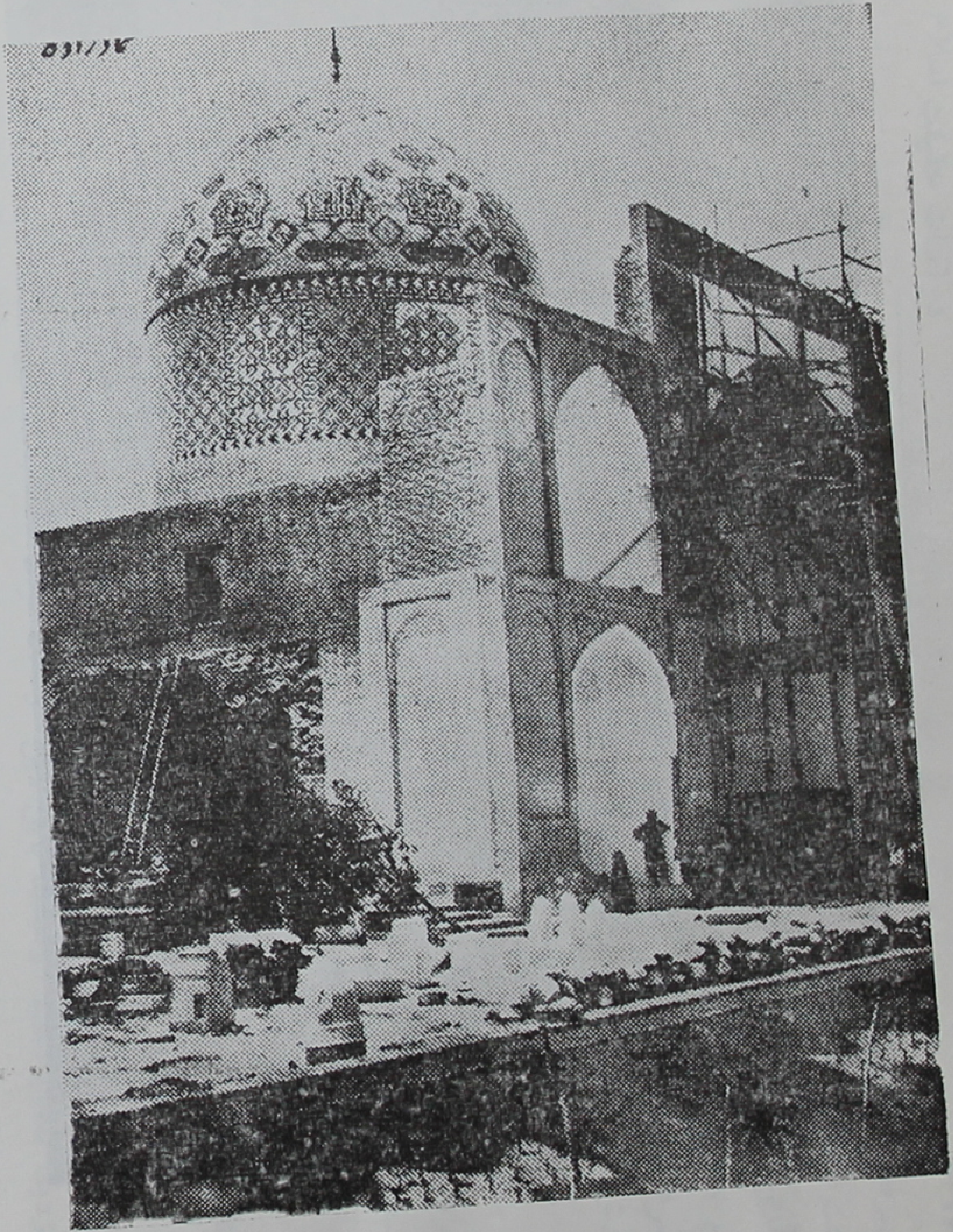
مسجد



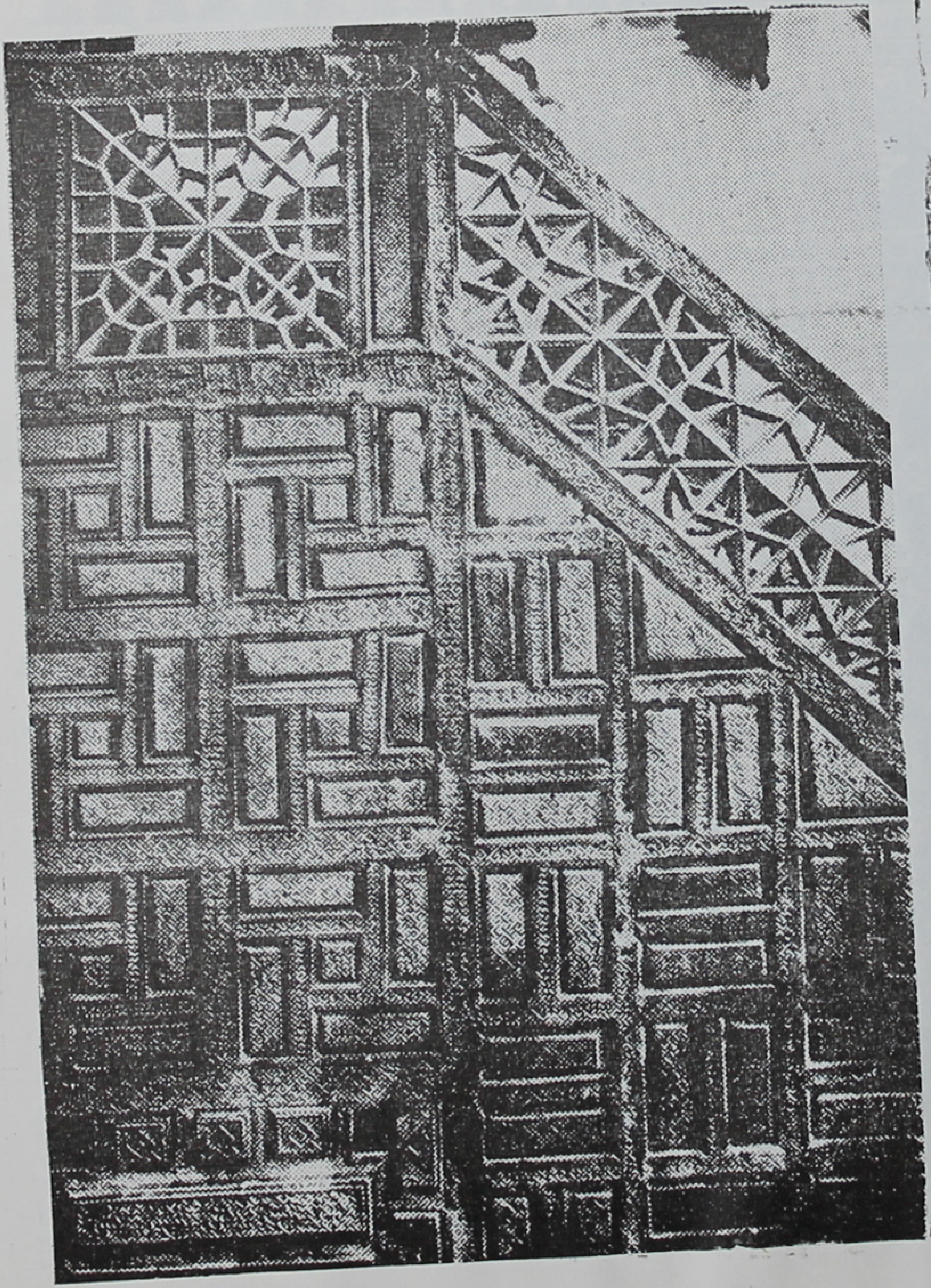
مسجد جامع آردستان



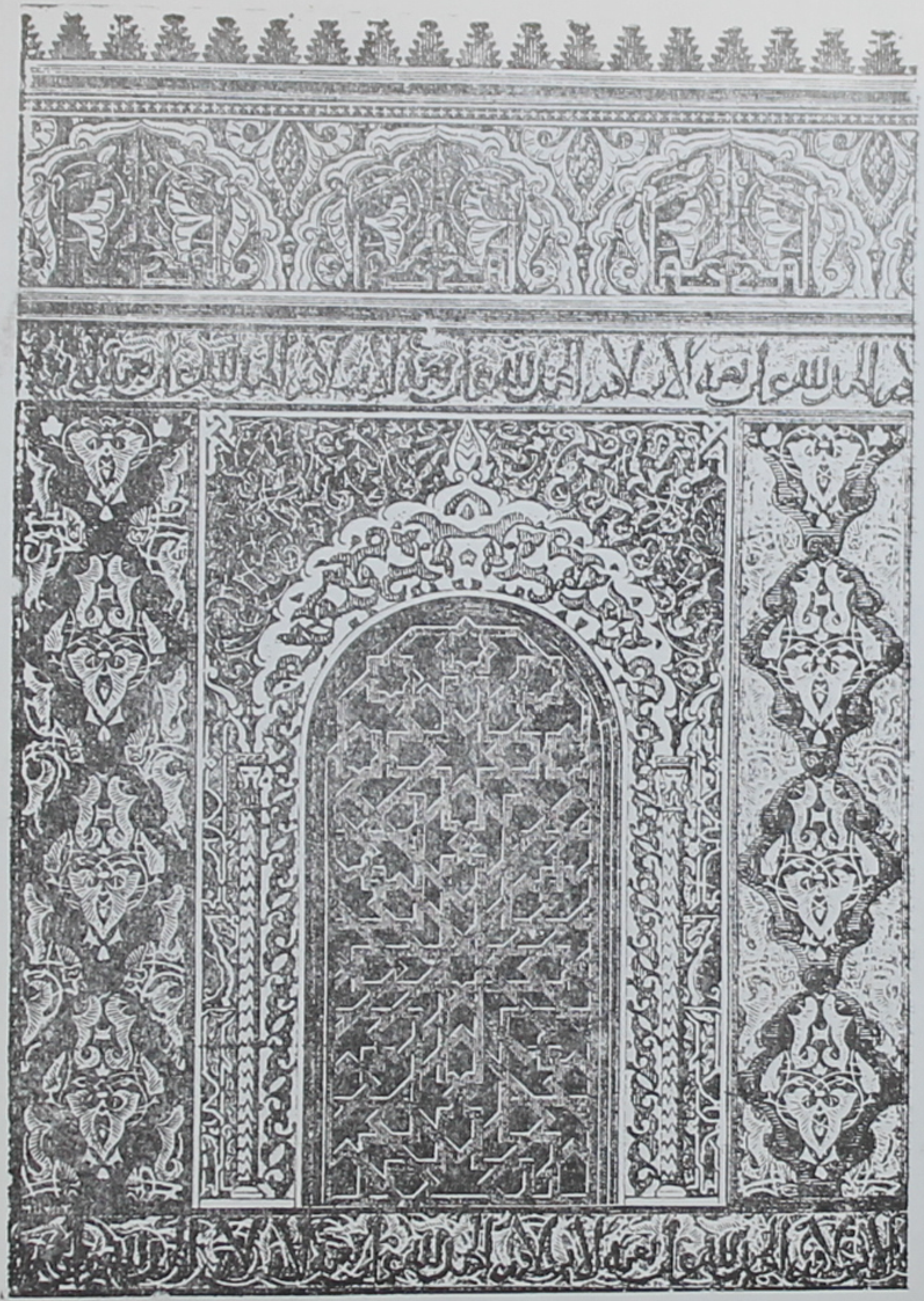
مسجد جامع اردستان



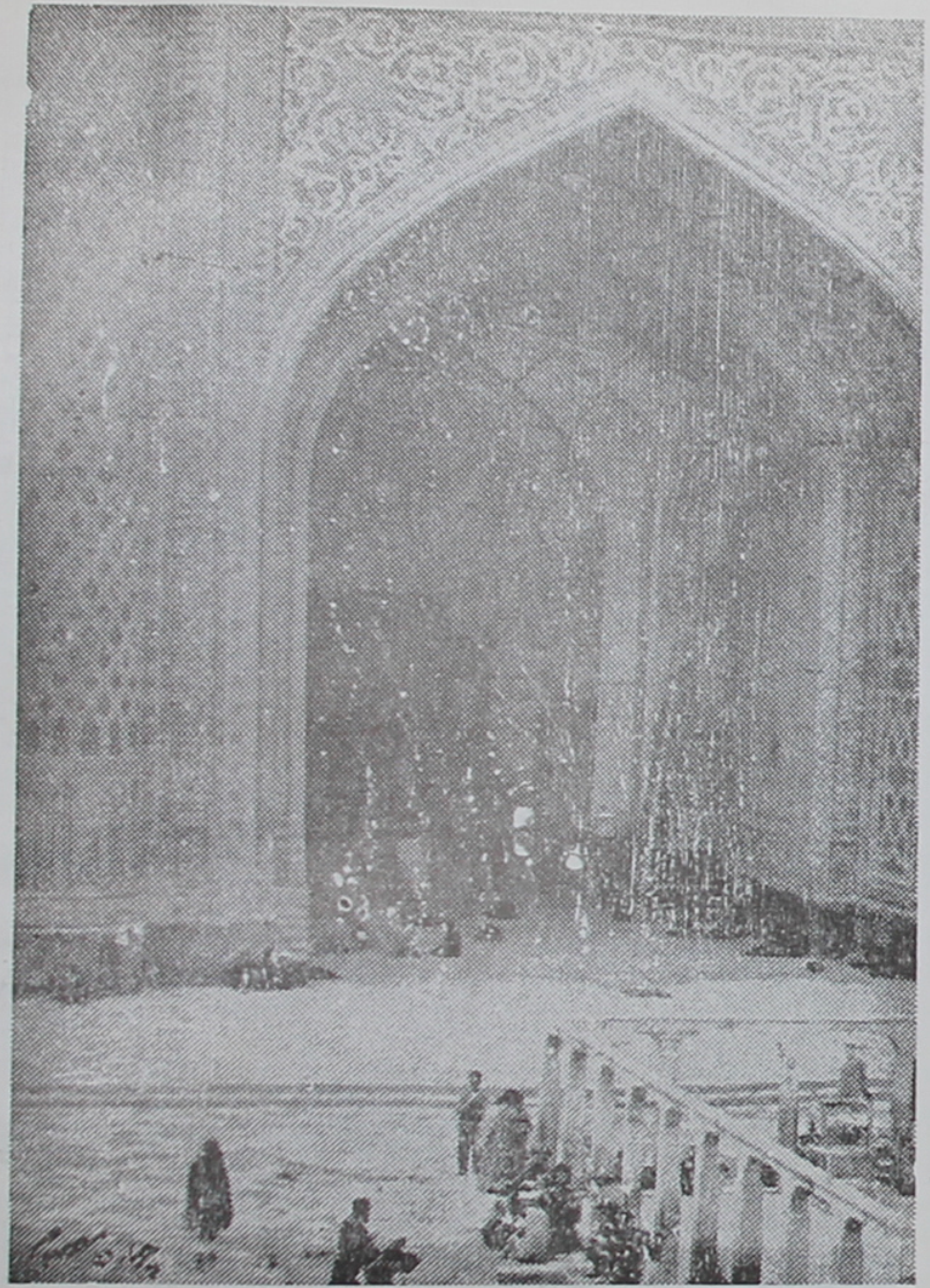
گنبد مسجدامامزاده محروق نیشابور



مسجدجامع واردستان ه، رمسجد جامع نائین



پنجره مسجد الحمراء درغرناطه



مسجد گوهرشاد

پذیرفتند و آنها که بدین اسلام نگرویدند بدادن جزیه موظف شدند وخداوند آنها را که سابقه بعثت پیغمبر آخرالزمان رادرکتب آسمانی دیده بودند وتکذیب کردند مخاطب قرار داده فرمود **الذین تتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التورات والانجیل یأمرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر ویحل لهم الطیبات ویحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم فالذین آمنوا به وعزروه و نصروه واتبعوا النور الذی انزل معه اولئك هم المفلحون.**

خداوند برای تقویت روحی پیغمبر خود ازاین کفران وتکذیب اهل کتاب میفرماید: کسانی که سابقه تاریخی برانگیختن پیغمبر خاتم‌النبیین رادرکتب آسمانی دیده‌اند وخداوند آنهارا امر بمعروف یعنی قبول اسلام ونهی ازمنکر یعنی تکذیب پیغمبر میفرماید وبرای آنهاطیبات را حلال دانسته وخبائث راحرام کرده وعمل بتمامی احکام شریعت راوظیفه آنها قرار داده تا آنجاکه می فرماید این‌طبقه رستگارند.

اما کسانی که تکذیب‌میکنند ای حبیب‌من قبل‌از تو هم پیغمبران دیگر مارا تکذیب کردند دل‌تنك مدار آنها خودشان راتکذیب نموده‌اند.

وان یکذبوك فقد کذبت رسل من قبلك وبااین استدلال مسلم شد که محمدبن عبدالله (ص) پیغمبر خاتم‌النبیین است ودین‌او منحصر بفرد است وتنهاراه‌روش‌اوصراط مستقیم هموار وکوتاه و نزدیك بمقصد است وتمسك باین دین وتحت لوای اسلام زیستن بشر را بسوی سعادت سوق میدهد.

ودر تعریف وتوصیف مقام ومنزلت خاتم‌النبیین فرموده **وما محمد الا رسول قدخلت من قبله الرسل** یعنی محمد رسول ونبی‌و فرستاده من است وپیغمبرانی هم قبل از او آمده ورفته‌اند ودیگر پس‌از اوپیغمبری نخواهدآمد.

ماکان محمد اباا حد من رجالکم ولکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله علیماً حکیماً محمد تنهاپدریکی‌ازافراد شمانیست بلکه‌او رسول‌ما وخاتم انبیا میباشدوخداوند درکارخود دانا وبیناست.

رسول‌الله‌هم درمدت ۲۳سال‌تمام‌ما انزل‌الله رابمردم ابلاغ کرد واحکام وقوانین‌وعقودو ایقاعات ومکاسب ومتاجر وحدود ودیات‌را طبق‌فهرست کتب فقه‌اسلام همه‌را بمردم ابلاغ کرد وعملاآموخت ومفاسد اخلاقی اجتماع رابآن اخلاق عالیه **انك لعلی خلق عظیم** بفضلیت مهذب ومزکی‌فرموده وبشر را ازضلالت وگمراهی نجات داده توحید ومبانی فضیلت رابآنها آموخت تاازافواه‌واذهان عمومی لقب بزرگترین منجی عالم بشریت رایافت.

چون خبر ازمرگش‌رسید مردم‌را دعوت بحج کرد ومراسم ومناسك حج‌را آموخت وپس‌ازآن درکراع غدیرخم درحضور ۱۲۰۰۰۰ هزار نفر بامر الهی‌خلیفه پس‌از خودرا معرفی فرموده که **یاایها الرسول بلغ ماانزل الیك من ربك وان لم تفعل فمابلغت رسالته والله یعصمك من الناس.**

پیغمبر این سابقه تاریخی وسنت الهی رادر باره پیغمبری و اوصیاء آنها ابلاغ فرموده ودر ظرف نیمساعت دردامنه کوهستان که سخت هواگرم بود دستور داد منبری از جهاز شتران تشکیل دادند وخطبهٔ مفصل که چندساعت طول کشید ایراد فرموده وهفتادو دوبار مردم‌را بنام معاشر الناس

مخاطب ساخته فضایل علی را باسابقه خدمات او در اسلامیت متذکر گردید و فرمود **ایها الناس من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله.**

هر که را من هستمش مولا و دوست ابن عم من علی مولای اوست
یارب یاری کن هر آنکه او را یاور یارب خواری ده هر آنکه او را دشمن

بااین جریان علی بن ابیطالب داماد و پسر عم خودرا بامر الهی بخلافت و وصایت ووزارت منصوب فرمود وقربت و منزلت اورا در پیشگاه حق تذکر داد که این آیه آمد **الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا**

پس باابلاغ ولایت وخلافت علی بن ابیطالب احکام وقوانین دین تمام وبکمال رسید وپس از ۸۱ روز دعوت حق را لبیك گفت ودر این مدت تمام شب وروز بمواعظ ونصایح و اصلاح مفاسد اخلاقی مردم بذل سعی نموده میفرمود.

ایملت اسلام بخود آئید- ازخواب غفلت بیدار شوید- مرتکب معاصی نگردید- از مقررات دین منحرف نشوید- اگر دین وقانون را نمی‌شناسید آنها را سخت‌سست وبیهوده مپندارید- جهل بقانون موجب تخفیف جرم نیست- مسلمان باید در اندیشه و گفتار و کردار خود رضای خدارا برضای خلق مقدم دارد.

احکام قرآن راعمل کنید قبل از آنکه دیگران عمل کنند وبرشماپیشی بگیرند

اگر قرآن حاکم میان شما باشد م‌تعدی وظلم وجور واسراف وافراط و اجحاف بکسی نمیشود سعادت و رستگاری وفوزوفلاح درسایه دین وقرآن تأمین وتضمین شده‌است.

سیادت وبزرگواری تاروزی است که بقرآن عمل کنید ذلت و خواری وقتی رخ میدهد که از قرآن منحرف گردید ومانند دوره جاهلیت خود سر وخود مختار باشید.

ای‌مردم مسلمان باآنکه خداوند ازنظر حسن نظام اجتماع بمنطوق قرآن شمارا بچیزهائی در این نشأه‌عالم‌طبع علاقمند ساخته ولی بدانید آنهاباقی نیستند فانی خواهند شد آنچه باقی خواهد ماند قابل توجه‌است.

زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطره من الذهب والفضه والخیل المسومه والانعام والحرث ذلك‌متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب

زن -فرزند - مرکوب- طلا ونقره‌درهم ودینار- خدم وحشم- ضیاع‌وعقار- مال‌و منال- مقام‌وجاه امتعه این عالم است که باید بشرآنها ازنظرحسن نظام اجتماع بخواهد وازمیان آن گروه بساحل موفقیت بشتابد دراین‌امورافراط نکندعلاقه همیشگی نشان ندهد‌دل‌بستن باین امور سبب محرومیت ازآخرت میگردد- پیغمبر ص فرمود:

ان شر من باع آخرته لدنیا واشر من ذلك من باع آخرته لدنیاغیره بدترین‌معاملات این است کسی آخرت رابدنیای خود بفروشد وبدتر وشرورتر آنست کسی آخرت خودرا بدنیای دیگری بفروشد که خسر الدنیاوالاخره گردد - این درس فضیلت برای آنستکه حق رابگوئید کتمان حق نکنید برای آنکه دیگری بکام خود برسد شما کتمان حقیقت نکنید و آخرت خودرا از دست ندهید وبااین بی‌اعتباری دنیا اعمال واندیشه وافکار وگفتار خودرا بررسی کنید تملك نفس پیدا کنید عنان‌دل را بدست هوی وهوس نسپارید - علی‌بن‌ابیطالب ع فرمود:

عبادالله زنوا انفسکم قبل ان توزنوا وحاسبوها قبل ان تحاسبوا و اعلموا ان غدا من الیوم قریب ماسرعت الساعات وماسرعت الایام فی الشهور وماسرعت الشهور فی السنین وماسرعت السنون فی العمر

ای بندگان الهی نفسهای خودرا میزان کنید بسنجید قبل ازآنکه بسنجند ووزن کنید خودتان بحسابتان برسید قبل ازآنکه بحسابتان برسند بدانید که فردا نزدیك امروزاست زود ساعات روزها وروزهارا هفته‌ها وهفته‌هارا ماهها وماههارا سالها وسالهارا عمر انسان می پیماید وخاتمه میدهد وشما بایدقبل ازمرك اعمال خودرا میزان کنید بحساب آن برسید راهی پرخوف وخطر که خواه وناخواه درتکامل دارید درنظر بگیرید وبرای تسهیل وآسایش آن راه زاد وتوشه که تقوی باشدتهیه کنید که درمیزان عدالت وديوان محاسبات الهی باعمال رسیدگی میکنند .

الناس مجزیون باعمالهم ان کان خیراً فخیر او ان کان شراً فشراً (هرکسی آن درود عاقبت کارکه کشت) سیدقریشی وسیاه حبشی باهم امتیازی ندارند **جز تقوی فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرة شراً یره** پاداش وکیفر روی عمل است همه مردم درآنجا مسئول اعمال خودمیباشند **وقفوهم انهم مسئولون مالکم لاتناصرون بل هم الیوم مستسلمون** - آیه ۲۷ سوره صافات یعنی آنانرا نگهدارید وسئوال کنید که چه شده است شما رابیکدیگر یاری نمیکنید دردنیا که همه رعایا و عشیره وخویشاوندداشته وصاحب مقامات ومناصب بودید چطورشدامروزبهیچ چیز قدرت ندارید وکاملا تسلیم شده‌اید .

انسان عاجز فرصت را ازدست داده وعمرخویش را بانافرمانی حق گذرانیده وامروز نادم و پشیمان شده‌است وآنوقت است که تمنی وآرزوی بازگشت بدنیا برای عمل خیر میکند **رب ارجعونی لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت کلا** پروردگارا برگردان مرا بدنیا تاشاید عمل نیکو کنم. ولی خطاب میشود ساکت شودردنیا حجت رابرتوتمام کردیم عمرومهلت، عقل وحس و حرکت دادیم پیغمبر ظاهر ورسول باطن فرستادیم تاتورا ازشرورشیاطین حفظ کند ولی پیرونشدی وبالبخند سخریه واستهزاء بآنها نگریستی .

الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین وان اعبدونی هذا صراط مستقیم مگرباتوپیمان نبستیم که پیروشیطان نشوی وحال آنکه اودشمن توبود و گفتیم مارا بندگی کن وستایش نما - که این راه مستقیم سعادت وکامیابی است .

هرکسی سخن مارا نشنود وکتمان حق نماید بمعصیت ضنك و مصیبت زندگی مادی گرفتار میگردد **ومن اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیمته اعمی** معیشت ضنك این است که بشردراین دنیا همه چیزداشته باشد ولی نتواند ازآنها استفاده کند ودردنیا و آخرت زیان وخسران نماید - وچون درآخرت بپرسد چراکور محشورشده‌ام خطاب میشود دردنیاهم کور بودی آثار ما را نمیدیدی واین جرم آن بی‌اعتنائی کوری دنیاست. این بود حقیقت اسلام ازاصول و ترویج وسیر تکاملی دین برای سیر تکاملی نظام اجتماع و حصول فوزو فلاح اکنون این راه و این موجبات سعادت تاپارکه را خواهدو میلش بکه باشد.

وجعلناکم امة وسطاً

قرآن مجید

اسلام دین معتدل ودین عدالت اجتماعی است

ازمزایای اسلام اعتدال ومیانه‌روی است وچون اسلام متضمن سعادت و ارتقاء بشری و خاتم ادیان است قهراً بایدافراط وتفریط راتعدیل نماید وتسهیلی‌دراجراء وظایف محوله مکلفین‌بوجود آورد تابرای همیشه این دین مورد قبول عامه خلق درهمه، اقطار و امصار قرار گیرد.

دین اسلام وملت اسلام‌هردو معتدل ودروسط اجتماع بشری قرار گرفته‌اند عربستان که‌مطلع دین است درقلب اراضی مسکونه بشراست وملت اسلام دردل توده انبوه مردم آسیاکه پرجمعیت‌ترین قاره روی زمین است قرار گرفته ودین ازلحاظ قوانین واصول وفروع‌واحکام وعقود وایقاع و حدود و دیات دین معتدل بدون افراط و تفریط است‌وقتی‌باحکام عبادات وقوانین موجود یهودیت‌ونصرانیت مینگریم این حقیقت برماآشکارمیگردد که دین اسلام دین میانه‌رو ومعتدل است وازعدل‌الهی که ازاصول دین بشمارمیرود‌سرچشمه گرفته نه آن مادیت حضرت‌موسی ویهودرا دارد نه رهبانیت‌حضرت مسیح ومسیحیت را دارد **لاشرقية ولاغربية** افراط وتفریط مادی وروحی درآن نیست اعتدال لفظ ومعنی وماده وروح وتعادل‌بین‌عبادات‌وفعالیت‌های زندگی رادرنظر گرفته است.این مزیت‌واختصاص درهیچ یك ازادیان آسمانی نیست قوانین بشری که درسطح نازله افکار سخیف‌ومحدود قرار گرفته- مراعات میانه روی درتمام شئون اجتماعی زندگانی بشری دراسلام شده‌است .

درخلقت بمنطوق قرآن ملت اسلام را امت وسط ومیانه قرارداده که شاید برای‌آنست که در خاورمیانه قرار گرفته تاواسطه بین مادیت صرف کلیمی وروحانیت صرف مسیحی شود وجهانیان را ازافراط وتفریط بیمناك ساخته اعلام خطر درعدم اعتدال بنمایند.

اسلام بین دین ودنیا بین دنیا وآخرت بین‌مال وعبادت بین آبادی دنیا وتامین آخرت‌جمع کرده است‌ـتربیت جسم را با تقویت روح‌بهم آمیخته آبادانی جهان را باسعی‌وکوشش‌درجمیع‌شئون اجتماع حفظ‌نموده مبداء رابامعادبهم مربوط ومتصل نموده‌درتقویت روح وتکامل نفس وتفاضل اخلاقی ازخطمشی خود عدول نکرد.معاش رابامعاد ارتباط داده و گرنه بشر باید ازراه ماده بکمال خویش که تعالی روحانی باشدبرسد پس‌اگر ماده برای این راه مصرف شود امر آخرت است واگرصرف مال درراه هوی وهوس بذل شد دنیای مذموم است .

اسلام تعلیمات‌خودرا برروی دواصل‌ودوهدف قرارداد که آن معاش‌ومعاد است‌وتصریح‌فرمود که **من لامعاش له لامعاد له** هر کس‌معاشش متزلزل است معادش مخدوش است هر کس عمرخودراصرف رهبانیت‌کند عمرتلف کرده نه رخصت انزواواعتکاف‌ورهبانیت داده نه اجازه‌اشتغال‌بشهوات وتمایلات نفسانی داده است .

اسلام ارتقاء ومدنیت تکامل روح وتقویت نفس رادرحلقه اجتماع‌بشری قرارداده وقسمت عمده عبادت واطاعت را درخدمت بخلق مقررداشته است .

اسلام شبانه روزرا بسه‌قسمت کرده:هشت ساعت‌برای‌کار و کوشش در کسب‌معیشت و هشت‌ساعت درعبادت وتزکیه نفس وتحصیل علم و تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی وخدمت بخلق ـ هشت ساعت

دیگر برای استقرار آرامش بدن واستراحت تن وآرامش عضلات واعصاب معین فرمود وحتی درکار معیشت وزندگی برخی‌ازفعالیت را عبادت قرارداده تامیل و اشتیاق مردم بکارو کوشش‌تشدید گردد وموجبات تسهیل امرارمعاش بشرتأمین گردد.

این تقسیم عادلانه است که بشررا ازرنج وزحمت بازمیدارد ازافراط وتفریط نگاه میداردداز تعب وخستگی اعصاب وتکراراعمال و زیان مکررات مصون میدارد- دریکجا میفرماید **لارهبانیة فی الاسلام** گوشه نشینی‌وانزوا وسربارجامعه‌شدن دراسلام ننك است-هر کس باید درخوراستعدادو قوای نفسانی خودکار کند ونان بخورد.

دریکجا میفرماید **ولاتنس نصیبك من الدنیا** هرکس‌باید نصیب وبهره خودرا ازدنیابر گیرد وداثرکار وفعالیت ازامتعه عالم لذت‌برد ودفع‌الم کند وبازمیفرماید: **لیس للانسان الاماسعی** وظیفه بشرسعی و کوشش است این سعی‌و کوشش باید بصورت ایمان بکارو کوشش‌درآید تاقدم‌بقدم‌درکارخدا راشاهد وناظر گرفته‌کاررا خوب انجام دهد واز ملامت بداندیشان درراه موفقیت وصحت‌عمل‌نهراسد وکاررا خوب وباعتدال بین خود وحق انجام دهدوانتظار اجرت صحت‌کاررا ازخدا داشته باشدالبته نتیجه دنیوی آنراهم خواهد دید.

دریکجا میفرماید: ای پیغمبر گرامی بگو: چه کسی‌حرام کرد زینتهائی که خدا برای‌شمافراهم کرده است. باید آن خزینه جواهرات و کانون تجمل و زینتهای جهان راباکلیدفکر و اندیشه و باهمت بلند وکوشش خستگی‌ناپذیربدست آورد وازآن التذاذ برد **دریك حدیث میفرماید عبادت ده جزءاست که۹جزء آن درتجارت وکاراست باکاروفعالیت میتوان برهبری فکر** وخرد برخزاین و معادن جواهرات عالم دست یافت.

خالق عالمیان درشکم کوهها ودل خاك آنقدراسباب زینت وتجمل آفریده‌است، وآنقدر درقرآن بشررابفکر و تدبر وگردش درکوهها وصحراها ودریاها موظف فرموده‌تازندگانی را برخود آسان گردانند وحوائج را مرتفع سازند و درعین حال روحانیت و معنویت و معاد را فراموش‌نکنند.

دریك حدیث ازرسول اکرم‌ودریك‌خطبه ازحضرت‌علی میفرماید: برای‌دنیا آنقدرسعی‌وکوشش کنیدکه‌گویا همیشه زنده و جاوید هستید و باید اسباب زندگی جمع شود و برای آخرت آنقدر متوجه باشید که‌گوئی‌فردا خواهیدمرد زادوتوشه‌آنسرای‌راحاضر گردانید. اسلام‌درخوردن وآشامیدن که‌ازضروریات‌سته‌میباشد میفرماید. **کلوا واشربوا ولاتسرفوا**

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندانکه ازضعف جانت برآید

آنگاه اسراف‌کنندگان را و همچنین تبذیر کنندگان را سرزنش میفرماید وازلطف ومحبت خود محروم میسازد. وآنهارا برادر شیطان که رانده دربار الهی است معرفی میفرماید.

درانفاق وبخشش میفرمایدنه‌آنقدر بخشش کنید که خودتان‌درعسرت معیشت باشید ونه آنقدر امساك نمائید که همسایه شما گرسنه بخوابد «**ولاتجعل یدك مغلولة الی عنقك ولاتبسطها کل البسط**»

لم یحر تفریط لناولاشطط جعلنا الله من امته وسط

اسلام عزت وشرافترا درکار وفعالیت وامیدواری قرارداد -حزن والم‌واندوه کم‌وبیش را سبب بی‌خردی دانسته است میفرماید ای ملت اسلام شما دارای شرافت وعزت ذاتی هستید و اگر ایمان

نیرومند داشته باشید علومقام، ارتقاء ومدنیت نصیب‌شما میباشد. ذلت‌وزبونی - خفت وخواری برای مسلمانان‌نیست‌اگرایمان داشته باشند. **ولاتهنوا ولاتحزنوا وانتم الاعلون‌ان کنتم مؤمنین .** این کار و کوشش برای موفقیت نهائی است ومشروط براعتدال اخلاقی است . عدالت درخلقت عالم وفطرت بشرجزو خمیره آدمی است - سلامت مزاج ونشاط روح دراثراعتدال عناصر و بعقیده قدما اخلاط اربعه است هرگاه یکی‌از عناصر یااخلاط درمزاج یایکی ازقوای روحانی مانند شهوت وعقل ازحد اعتدال خارج شدکارخانه بدن دچار وقفه و متوجه نیستی میگردد :

چهار طبع مخالف سر کش — چند روزی شوندباهم خوش

چون‌یکی‌زین‌چهارشد غالب — جان شیرین برآید از قالب

درامرازدواج وانتخاب همسر وبقاء نسل‌این حقیقت بقدری‌جالب توجه استکه اگر از دایره عدالت خارج شود سعادت ورفاه وآسایش زندگانی رامبدل بیك بدبختی غیرقابل جبران مینماید - عدالت احتماعی ازمیان عدالت‌ومیانه‌روی‌اسلام بیشترازهریك‌مورد‌توجه‌وموثردرکامیابی یاشقا وبدبختی است .

درگفتن وشنیدن باید این خطوسط رعایت گردد :

دوچیزتیره عقل است‌دم‌فروبستن — بوقت گفتن‌وگفتن بوقت خاموشی

زیادحرف زدن وپرگوئی نشانه بی‌خردی است نظامی فرماید :

کم‌گوی وگزیده گوی چون در — کز اندك تو جهان شود پر

درحرکت وسکون:خواب‌زیاد وحرکت بیش‌ازحدانسان رامریض‌میکند که گفته‌اند:«عقل‌سالم دربدن سالم است» چون‌تن رنجور وضعیف شد خرد واندیشه نیروی‌کار وفعالیت ندارد - دردوستی و دشمنی‌عدالت باید ملحوظ گردد وعلل‌بروزاین دوضعف راباید جست وازنظر نتیجه نهائی دربارهٔ‌آن قضاوت کرد . این است که حکماء عشق راکه محبت شدید درحال افراط است مرض شناخته ومردمان‌بی‌محبت‌را نیزتشبیه بکدوی‌بی‌مغز کرده‌اند ... اسلام‌بااین عدالت اجتماعی و بااین‌فضایل نفسانی که‌تعلیم فرموده سعادت‌وخیروبرکت وکامیابی‌ورستکاری‌رادرسایه اطاعت دین میداندوهرکس ازاین دایره خارج شود خودرا بهلاکت انداخته .وبدست خود موجبات مرك ونیستی را فراهم‌کرده است. صریحا میفرماید **ان‌الله‌لایغیرمابقوم حتی یغیروا ماا بانفسهم** - اسلام شاهراه هدایت را باشمع فروزان عقل ودین دراختیارجامعهٔ‌بشر گذاشته‌وهدف‌آدمی‌راکه‌تکامل‌ملکات‌نفسانی‌است‌تعیین فرموده‌امااگرکسی دربین راه ازخط مشی روشن وروحانی عدول و انحراف جست بدست خود در ورطه هلاکت ونیستی افتاده است .

ولاتلقوابایدیکم‌الی التهلکه- اسلام منطق وعمل رابهم‌آمیخته است هرکس بگویدونکند بی‌خرد وهرکس عمل کند عمل خودسرانه وجاهلانه بهدف نرسد - دوکس‌رنج بیهوده بردیکی‌آنکه اندوخت ونخورد ودیگرآنکه آموخت وعمل نکرد .

علم چندانکه بیشتر خوانی — چون عمل در تونیست نادانی

یکرکعت نماز عالم باهفتادسال نمازعابد مساوی است - ودر اخبار زیاد دستور داریم که علم برای عمل است و عمل برای موفقیت ونیل بسعادت است باید متکی بتقوی وپرهیز وخالی ازافراط وتفریط باشد . احادیث نبوی و کلمات‌قصار پیشوای بزرك وآن منجی‌عالم بشریت همه مشحون عدل وداد است .

دین اسلام‌دین‌عدالت وداد گستری‌است. اغلب گفتارهای‌حضرت امیرالمؤمنین‌علی‌ع دربارهٔ‌عدل وداد وعدالت‌اجتماعی‌است هرجاعلی‌ع مکاتبه‌فرموده‌اول‌ازعدالت اجتماعی وحفظ حقوق مردم سپس از

تقوی و پرهیزکاری و توحید فرموده است .

درخطب مهیج حضرت ابی‌عبدالله ع که دقت کنیم همه جا ازعدالت اجتماعی سخن رانده و مردم رابعدل وداد ومعدلت واحسان وتقوی توصیه فرموده است .

پرورش عقیده در اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم - الم - ذالك الكتاب لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقنا هم ینفقون والذین یؤمنون بما انزل الیك وما انزل من قبلك و بالاخرة هم یوقنون .

اسلام دارای تربیت پاکی بود که پیروان خودرا بفضیلت پرورش مهذبی آموخت - تربیت مهذب و پاك اسلام درمحیط تاریك خرافاتی جهان آن عصر یك آفتاب درخشندهٔ بود که از پرتو آن جهانی را روشن ساخت واین شمع فروزان از کوه حرا پرتوافروز شد ودر ظرف ۳۲ سال تمام عربستان را ازتاریکی جهالت وضلالت نجات داد وپرتو عالم افروز خودرا پس از رحلت پیشوای محبوب اسلام بجهانیان تابش داد تا کمتر ازیك قرن ونیم توانست تمام دنیای آن عصر راباستثنای قسمت کوچکی که هنوز درتوحش باقی بودند بمدنیت وتربیت اسلام آشناسازد .

وقتی باصول تعلیم وتربیت اسلام نگاه میکنیم می‌بینیم اسلام آموزش و پرورش خود را روی دواصل برد: **عقیده وعمل** و درآیه فوق معنی عقیده وعمل راروشن فرموده‌است.

میفرماید این است کتابی که بدون شك شمع فروزان هدایت است واین شمع جلوپای پرهیز- کاران افروخته‌تر میگردد آنها که ایمان بغیب دارند ونماز برپا مینمایند واز روزی خودانفاق میکنند آنها که ایمان بآیات نازله برتوای پیغمبراکرم دارند وبکتب آسمانی قبل از تونیز ایمان دارند و آنها که بمعادو آخرت یقین نموده‌اند.

ارکان عقیده دراین آیات برپایه ایمان بخدا ونبوت ومعاد است وعمل باقامه نماز واداء زکوة وفضیلت اخلاقی است.

عقیده مهمترین اصول اسلام اعتقاد بتوحید خداوند است- واین عقیده در تمام افراد ملل جهان وجود دارد که یك خدا رامی‌پرستند .

نهایت در صفات او عقاید مختلف دارند ولی اسلام خداوند را بصفات ممتازهٔ که نظیر ندارد بیان فرمود.

وقتی ازپیغمبر می‌پرسند شناسنامه خدارا برای ما بگو- میفرماید **قل هوالله احد - الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد**

بگو خداوند یکی است خدائی که تهی و پر نیست زائیده نشده وزاینده نیست نه پدری داشته ونه فرزندی برای اوشبیه ونظیر ومثل و مانندی وجود ندارد- وقتی یهودااین پاسخ را شنیدند همه ایمان آوردند ویقین کردند آورنده این عقیده پیغمبر خدا و خاتم النبیین است .

اسلام عقایدرا پرورش میداد وافکار رامهیا وتقویت مینمود استعدادهارا بظهور میرسانید وهمه این امور تربیتی درسایه توحید بود.

فکر مستقیم وجمع . آماده برای حرکت فکری ازمبدأ تامعاددرسایه توحید موفقیت آمیز است

وبرخلاف آن انحراف انگیز وبپرتگاه لغزش وخطا ومحو ونیستی میکشاند.

پرورش افکار وهدایت وتنویر اندیشه درسایه ارشاد عقیده ورشد عقلی بود که اسلام این طریقه رابهترین راه نیل بکمال شناخته ومسلمین را باین ترتیب پرورش داد.

درمیان فرق اسلامی معنی توحیدرا آنطور که فرقه شیعه امامیه اثنی عشریه بیان کرده اند هیچ یك از فرق اسلامی بیان نکرده اند توحید ذات - توحید صفات - توحید عبادات - توحید افعال

ومادرسیره زندگانی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ویازده نفر اولادش که همه مبین وشارح و مفسر قرآن بوده اند درس توحید را درنهایت کمال دقت تعلیم وتشریح وتجزیه وتحلیل نموده ایم که هیچ جای ابهامی باقی نمانده است. آنچه در عالم است فرمانبردار اوست - **لله مافی السموات و ما فی الارض**

اوست که تمام موجودات را خلق فرمود - **هوالذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا - و الذی خلق السموات والارض و ما بینهما.** او کسی است که پروردگار شماوآفریننده پدران شما واولین وآخرین است- **الله ربکم ورب آبائکم الاولین** آنچه درعالم است باراده او پدیدآمده است

الله الذی سخر لکم الارض . والقی فی الارض رواسی ان تمید بکم الله الذی رفع السموات بغیرعمد ترونها- و هوالذی یرسل الریاح بشراً بین یدی رحمته والله جعل لکم الارض بساطاً- و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً - والله انبتکم من الارض نباتاً

اوست که تمام موالید وعناصر رامسخر شما کرده است- اوست که درزمین کوههای بزرگی مانند میخهای آهنین برای استواری زمین نصب کرده است - اوست که آسمانرا بدون ستون بالای سرشما قرار داده - اوست که بادهارا برای رسانیدن رحمت ونعمت خود بعموم مخلوق مامورحرکت فرموده است - اوست که بساط زمین راچون سماط نعم گسترده است- اوست که شمابشر رااز زن ومرد جفت آفریده تاکار خانه خلقت اوهمچنان درجریان باشد. اوست که اززمین نباتات را میرویاند که حیوانات همه از آن تغذیه کنند.

باین ترتیب عقاید مردم را بپروردگار تربیت و تقویت کرد و فرمود - هیچ چیز ازعلم و قدرت خدا خارج نیست واوز همه چیز وهمه جا آگاه است.

و عنده مفاتح الغیب لایعلمها الا هوویعلم مافی البروالبحرولارطب ولا یابس الافی کتاب مبین .

کلید کلیه دانشها بدست اوست ازغیب جزاو کسی چیزی نمیداند آنچه دردریاها واقیانوس ها و کوهها وصحرا ها ازتر وخشك موجود است درنزد اوآشکار و هویداست .

که داند بجز ذات پروردگار — کهفردا چه بازی کند روزگار

ان الله بکل شیئ علیم - ان الله علیم بذات الصدور - والله علی کل شیئی قدیر - ان ربك هوالقوی العزیز

اوبتمام چیزها آگاه است- او بتمام اندیشهها و افکار واقف است - او برهر چیز وقدرت و توانائی و سلطه دارد - او خدائی است که قوی ونیرومند وغالب وعزیزواست استیلا برهمه چیز و همه کس دارد .

سپس فرمود :

فاعلم انه لا اله الاالله - ومامن اله الااله واحد وقال الله لاتتخذوا الهین اثنین انما

هواله واحد واعبدوالله ولا تشرکوا به شیئاً

خدا یکی است ـ یزدان و اهریمنی درکار نیست خدای خیروشر وجود ندارد ـ رب‌النوع و ارباب انواع خرافات است ـ خدای جمال وخدای بادبوخدای آب وخدای آتش وموهومات است ـ خداوندی که جمال وآب وباد وآتش وخاك وعناصر آسمان وزمین موالیدرا خلق کرده خدای واحد احد یکتای بی‌همتائی است که شریك ونظیر ومعاون وکمکی ندارد.

آن خدای یگانه استکه باتعدد وتنوع خدایان مخالف است ونظام عالم‌را باحساب بسیار دقیق آفریده وبحرکت انداخته وهمچنین اوست که حساب وبازخواست دارد روز قیامت و روز مکافات و مجازات خواهد داشت ودرآن روز رستاخیز بحساب‌همه رسیدگی میکند وهر کس بد یاخوب نتیجه عمل خودرا خواهد دید ـ وبهشت‌ودوزخ آفریده‌تانیکوکاران‌را پاداش‌خیردهد وتبه‌کاران راکیفرشر خود بنماید ونفس‌را دراین حوادث ازامتحان درآورد و ببقای جاودانی خود برساند که فرموده:

من یعمل مثقال ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرة شراً یره

وپیغمبر فرمود **الناس مجزیون باعمالهم ان کان خیراً فخیراً وان کان شراً فشرا**

تربیت اسلام برارکان عقیده وعمل استوار گشت ـ عقیده بتوحید درنبوت وعدالت پروردگار ومعاد وسزاو جزا بود.

وعمل عبارت ازعقیده باطاعت از اوامر پیغمبر است که تعبیر بفروع دین شده . وآن: نماز ـ روزه ـ خمس ـ زکوة ـ حج ـ جهاد ـ امر بمعروف ونهی‌ازمنکر است ـ که گفتیم **ده ماده** قانون‌نظام اجتماع بشر است درعقود وایقاع و قوانین جنحه و جنایت وحدود ودیات و احکام که همه‌را پیغمبر اسلام جزء **عبادات** شمرد. یعنی هرمسلمان مکلف بعمل آن‌میباشد.

وآنچه که درعمل‌منظور بود مکارم اخلاق است که بعثت پیغمبر (ص) براساس آن‌بود که فرمود **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق**

در اسلام اخلاق دوقسم شده است یکی آداب زندگی که در قران باصول آن اشاره وتصریح فرموده است :

و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها و هر گاه با کسی بر خورد کردیدبا او بتحیت و درودی برتر و بالاتر از او احترام کنید .

لا تدخلوا بیوتاً غیربیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها ـ وارد خانه کسی بدون اجازه نشوید و هر کجا خواستید بر هر کس وارد شوید براو سلام کنید وبراهل او بفضیلت اخلاقی انس بگیرید.

خداوند عالم یك‌سوره بنام حضرت لقمان حکیم درقرآن مبادی اخلاقی‌را یك یك‌شرح ووصف فرموده که بهتر از این میسر نیست ـ بشر اگر خود را بدان تعلیمات عالیه بیارایید بکمال فضیلت رسیده است .

قسم دیگر مبادی فاضله اخلاقی است مانند صبر ـ وفاء بعهد ـ عدالت ـ عفو ـ عفت ـ کظم غیظ وغیره که‌میفرماید: شرط‌بندگی‌واطاعت امراین‌است که

والموفون بعهدهم‌اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس

مسلمان بعهد خود وفا کند ومقید بپیمان وتعهدات خود باشد وصبر در سختی وناگواری نماید ودرحین بأس‌شاکر وصابر ومتحمل وبردبار باشد.

ان الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی

خداوند بندگان را بعدالت ونیکوکاری امرفرموده باید خویشاوندان رابنیکوئی یاد نمایند وازبدیها بازدارند وازرشتی‌ها وعداوتها. حقد وحسد وکینه وضلالت وجهالت نجات دهند

خذالعفو وامر بالعرف واعرض عن الجاهلین

فرمود عفوو گذشت پیدا کنید بنیکوئی و خوبی‌خو عمل کنید دیگران راامر نمائید وازجهالت ولغو ولهو ولعب برحذر باشید دروغ نگوئید غل و غش درمعاملات نکنید- حیله‌ومکر و غدر بکار نبرید از نابخردی و نادانی اعتراض نمائید همه بـا هم چون برادر یار و مهربان ورؤف وعلاقمندومشترك المنافع باشیدمواسات و مساوات کنید تااخوت وبرادری شما محفوظ بماند- اندیشه بددرحق کسی نکنید که **ان بعض الظن اثم** اسلام فکر بد را گناه شناخته وعقوبت میکند عمل بدرامجازات وعقاب میفرماید-مادر کتاب مکتب اسلام چهارصد موضوع اخلاقی و اوامر ونواهی قرآن را مفصلا مورد بحث قرارداده بتفصیل تشریح کرده‌ایم که اینجانمیخواهیم روش پرورش اسلام را تجدید کنیم .

تأثیر تعلیم وتربیت اسلام درعرب و جهان

آموزش و پرورش اسلام عقل عرب را پرورانیده و ترقی‌داده‌صفاتی راکه اسلام برای خدای آفریننده عالم قائل‌شد عرب‌را ازبت پرستی وپستی‌نجات‌داد - بعبادت پروردگار که بالاتر وبرتر از هرچیز است هدایت وارشاد کرد.

عرب یقین کرد که خداوند بهمه اعمال وافعال وحتی باندیشه وافکار او دانا و بیناست - او می بیندولی بشر نمیبینند.

لاتدرکه الابصار و هویدرك الابصار

اسلام خداوند راآفریننده‌تمام کائنات وخالق کلیه موجودات دانسته بدین سبب فکر عـرب توسعه یافت وسطح معرفت عرب بالارفت- اسلام پرده رابالازد وماورای‌ماده رانشان عرب داد - قدرت علم - نیروی بی‌نهایت راباو شناسانید- وباو فهمانید که تمام‌عناصر و خزائن عالم در اختیار تست وکلیدش بفکر توتسلیم شده‌است. خلقت‌الاشیاء لاجلك وخلقتك‌لاجلی

اسلام بعرب‌وجهانیان‌آموخت که **آئین محمدی ص بهترین کیش‌هاومفیدترین آئین‌هاست که با بالاترین سطح عقل‌وخردواندیشه وافکار ملل راقی منطبق و باهیچ تمدن‌ورقاء ملی مخالفتی ندارد بلکه موجد رشد عقلی ورقاء ملی است.**

اسلام بعرب فهماند که تمام مردم گمراهند وپیغمبر اسلام برای هدایت تمام‌ملل مبعوث شده است و عرب در هدایت بشر جانشین پیغمبرخود هستند که میبایستی دین‌اسلام‌را توسعه دهندو بدنیا منتشر کنند.

همین عقیده موجب شد که اعراب بملل‌دیگر درسایه قران‌هجوم آوردند وآنهارا بکیش خویش دعوت میکردند پس‌از جنك وغارت هر که داخل دین اسلام میشد باآنها یکسان میگردید - اعتقاد بدوزخ وبهشت‌نیز بزرگترین موجبات شتاب اعراب بجنك وستیز گردید زیرا بـرای تحصیل ثواب جان خودرا بهای بهشت داده بنشر اسلام میکوشیدند.

ان الله‌اشتری من‌المؤمنین انفسهم و اموالهم بـان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقاً فی التورات والانجیل والقرآن ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروابیعکم الذی بایعتم به و ذالك هوالفوزالعظیم

خداوند بااین تعلیمات فرمود مااز مؤمنین خریدار جان ومال آنها هستیم که درراه رشد عقلی وتربیت ملی با کفار نابخرد جهاد کنند ودرراه خداوند شمشیر بزنند و بکشند و کشته‌شوند ودرمقابل این‌معامله بهشت عدن بآنها اعطا میگردد وعده خداوند راست ودرست است خلفی ندارد درتورات وانجیل سابقه راستی ودرستی‌داردوهر کس وفاءبعهد کند اورا بشارت بنعیم بهشتی میدهد و این است معنی فوزوفلاح و رستگاری که بشر معامله خودرا باخدای خود بمیان بگذارد تاسود فراوان ببرد .

اسلام دارای تأثیر مهمی بود اخلاق عمومی‌را تغییر داده ازقیمت بعضی چیزها کاست وبرقیمت بعضی چیزها افزود .

اسلام عرب ومسلمین رااز زندگانی جاهلیت واخلاق فاسده بعالم اسلام برد و بکار و کوشش وعقیده وایمان مشغول کرد ـ سطح فکر واندیشه عرب رابالا برد ازبدویت و توحش بتمدن ورقاء ملی ورشد عقلی رسانید.

مسلمین درصدر اسلام بازحمات طاقت‌فرسا مواجه شدند ولی گوی سعادت راربودند.

ابن‌عباس میگوید مشرکین بمسلمین انواع واقسام‌زجروتهدید، شکنجه وعذاب را میدادند بلکه آنهارا بت‌پرستی برگردانند ولی مسلمانان باگرسنگی‌وتشنگی وآوارگی زیر تخته سنگهای سنگین جان‌دادن ومتواری شدن ـ مسلوب‌الحقوق گشتند وبهمه‌چیز تن‌درداداند ولی ببت پرستی و جاهلیت برنگشتند گفتند اگر مارا قطعه‌قطعه کنید این‌عقیده پاکرا از دست نمیدهیم‌ـ اسلام عقل و آئین نوینی بعرب آموخت‌ـ اسلام آزادی ومالکیت شخصی را محترم شمرد ـ اسلام زنان راکه‌سهیم زندگی بودند ازبدبختی وشقاوت بیرون آورد و حقوقی برای آنها قائل شد که‌تا قبل‌از اسلام فاقد آن‌بودند. بهترین وصف برای‌تباین‌دوره‌جاهلیت بااسلام همان تعریفی است که جعفربن ابیطالب برای نجاشی کرد‌ـ بموجب روایاتی که متواتراً نقل‌شده چون‌جعفربن ابیطالب بسرپرستی مسلمین بحبشه مهاجرت کردند ودرحقیقت تبعیدشده‌اند نجاشی ازوضع مسلمین‌پرسید‌ـ جعفر چنین پاسخ داد:

ماگروهی جاهل وبت‌پرست ومرده خوار بودیم ازفسق وفجور و آزار همسایه خودداری نمیکردیم‌ـ قوی ضعیف را میخورد چنین بودیم تاآنکه خداوند از میان ما پیغمبری برگزیدکه مانسب اورا میشناسیم واورا راستگو وامین و عفیف میدانیم مارا بتوحید خداوند دعوت کردکه معبود خود وپدران خویش راکه عبارت از سنك و بت میباشند بدرودگوئیم.

راستی وامانت داری ونوازش خویش و نیکی نسبت بهمسایگان وپرهیز ازحرام وخودداری ازخونخواری واحتراز ازخوردن مال‌یتیم وعدم ارتکاب فسق وگفتن‌زور وتهمت‌واحتراز از زناء محصنه‌رابما دستورداد وعبادت‌خداوندبی‌شریك رابما آموخت ونماز وروزه و زکوة رابرما واجب نمود.

ماهم باو ایمان آوردیم بدین سبب قوم ما برما شوریده ما را تحت‌فشار گذاشتند ودچار آزارنمودندکه‌دین‌خودرا ترك گوئیم‌ودوباره بت‌پرستی رابجای‌خداپرستی کیش خویش بنمائیم. چون مارا تحت‌فشار گذاشتند وبماظلم بسیار نمودند ناگزیر برای حفظ

دین خویش بدین کشور مهاجرت نمودیم ۱-

بااین بیان اختلاف بین جاهلیت واسلام رامیتوان کاملا شناخت وبادله و براهینی کـه در دست است عقل وزندگی دوره جاهلیت رابااندیشه وفکر وروش اسلام ازیکدیگر تمیز داد.

یکی‌از مستشرقین بنام «جولدزیهر» در خصوص اختلاف بین‌اسلام وجاهلیت کتابی تحت عنوان «دین ومروت» نگاشته است که مفاد آن این‌است:

مایه زندگانی‌اسلام‌غیر‌ازحیات جاهلیت است‌برای هریکی‌ازدو زندگی متباین‌مثالی‌آورده‌است که مبادی هردو باهم‌شباهت ندارد بلکه اختلاف وتناقضی دارد.

شجاعت شخصی شهامت عرب جاهلیت که محدود ومعلوم نبود یا کرم که بحد اسراف وتبذیر میرسید یاپرستش قبیله وقساوت وانتقام وکین‌خواهی ودشمنی باهر که نسبت بقبیله اندك توهینی کند خواه بعمل وخواه بسخن وامثال اینهامایه فضیلت اعراب جاهلیت محسوب میشد.

امافضیلت اسلام عبارت ازطاعت خداوند وصبر در سختی‌ها وفرو نشانـدن طمع وفدا کردن شخص ومنفعت قبیله‌برای مبادی دین وقناعت وعدم‌تکبر وخودخواهی وتفاخر وادعای فزونی مال و جاه اینها مایه‌حیات اسلام‌است.

اگر کسی بخواهد مابین اصول زندگی اسلام و مبادی حیات جاهلیت کاملا مقایسه کند این آیه را بخواند:

لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولکن البر من آمن بالله والیوم الاخر والملائکة والکتاب والنبیین وآتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب و اقام الصلوة وآتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی الباساء والضراء وحین الباس اولئك الذین صدقوا واولئك هم المتقون. (آیه ۱۷۲ سوره بقره)

میفرماید نیکوئی آن نیست که رو را بطرف راست وچپ بگردانی بلکه برونیکوئی آن است که ایمان بخدا وروز جزا وبملائکه وکتب آسمانی وپیغمبران ایمان‌داشته‌باشد.

برونیکو آن‌است که ازمال خودت بپاس دوستی خداوند بخویشاوندان وایتام ومساکین وگم شده‌گان ووامانده‌گان ابناء‌السبیل ودرخواست کننده‌گان وگرفتاران دربند برای‌خلاصی آنها کمك وحمایت نماید.

برونیکو آن‌است که نمازرا برپا دارد وزکوة را بدهد وتعهدات خود را بپردازد ودر پیمان ثابت‌قدم وپابرجا باشد ودرسختی ورنجوری وفقر و بی‌چیزی بردباری و شکیبائی نمایدودر هنگام جنك وجهاد با استقامت وپافشار باشد اینها هستند کسانی که نیکوکارند و راست میگویندوآنها هستند که پرهیزکار ورستکار میباشند.

این آیه شریفه روش پرورش رابسه قسمت نمود.

۱ـ ایمان بخدا وفرشته‌گان رابطه نیروی عالم بزرك وکتب آسمانی وپیغمبران ومعاد

۱ـ برخی این روایت را جعلی‌میدانند واستشهاد میکنند که روزه درآن موقع نبود که نامی‌از روزه برده شده‌است درحالی کـه روزه درتمام ادیـان بود وخود پیغمبر اسلام‌هم قبل‌از بعثت روزه میگرفته نهایت کیفیت روزه باین نحو نبوده که خود او در اسلام وضع کرد روزه فقط امساك بقصد قربت و تقرب الی‌الله بوده‌است.

۲ ـ عمل به‌عبادات اقامه‌نمازودادن‌زکوةو وفای بعهد و بردباری درجنك و تحمل‌درمجروح شدن وکشته شدن وغیره

۳ ـ عمل اخلاقی که دستگیری مستمند ومستضعف وبینوایان وبیچارگان‌باشد که باانجام این سه وظیفه مسلمأن موفق و رستگار و مظفر فاتح در دنـیا و دین و آخرت بکمال مطلوب خود برسد .

روش پرورش درمکتب‌اسلام

چون شود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثـر باشد

اگر حمل برمبالغه نشود میگوئیم که روش پرورش درمکتب اسلام کاملترین و بهترین تعلیم و تربیت است و این سخن بگزاف گفته نمیشود بلکه باتوجه باصول تعلیم وتربیت مللرا قیه و قوافل متمدن ترقی‌بشری باجرئت وشهامت بیان‌میگردد.

زیرا تمام ملل عالم گفته‌اند روش پرورش بشرط پـاکی گوهر ذات مفید است ولی اسلام یك اصل تازهٔ در این باب بازکرده و آن ایجاد گوهر پاك و تهذیب اصل وجود است .

روش پرورش در مکتب تربیتی اسلام براساس، تهذیب نفس است و تهذیب نفس‌هم با ریاضات شرعیه که شریعت اسلام درضمن اوامر و نواهی بیان فرمود حاصل میگردد بنابر این هرکجا تربیت بیك‌سدی برخورد دین اسلام برای رفع آن دستوری‌داده تا نفس مهذب گردد وآنگاه قابل پذیرفتن هرگونه نقش‌تعلیم وتربیتی بشود:

تربیت نفس ـ تقویت عقل ـ هدایت افکار ـ پرورش عقیده ـ بروز استعداد بقوه آوردن لیاقت و تکامل ورشد عقلی وظیفه وبرنامه مکتب اسلام بوده که قرن‌ها عمل‌میشد .

اما اینکه بخواهید حقیقت تعلیم و تربیت اسلام را از اخلاق و رفتار مسلمین استنباط نمائید این عمل نادرست و خلاف واقع است زیرا اگر یکدسته از مسلمین منحرف شدند یاسیاست استثمار واستعمار آن‌هارا برنگی دیگر واداشت دلیل بدی‌اصول تعلیم وتربیت اسلامی نیست وکدام ملتی دردنیا شعار **انك لعلی خلق عظیم** را دارد که مسلمین دارند.

انسان معجونی ازطبیعت است که دراو عقل‌وجهل یعنی‌قوای مثبت ومنفی حکومت‌دارند

وماچون تمام‌مکتب‌هـای تربیتی‌رادر کتاب مکتب‌اسلام تعریف کرده‌ونتیجه حاصله هرمکتب رابامکتب اسلام مقایسه کرده‌ایم وثـابت نمودیم که مکتب اسلام درایجاد استعداد پرورش لیـاقت وتهذیب فکر وعقل وجسم وجسد وروح وروان بشربرتر وبالاتر ازتمام مکتبهای بشریست و خوانندگان عزیز را بآن کتاب مراجعه میدهیم :

فصل دوم

قرآن وجنبش دینی

پیشوای اسلام مسلمین را در رهبری قرآن
مجید بجنبش دینی گماشت و یك نهضتی
بر اساس تقوی و فضیلت نمودند که جز خدا
هدفی نداشتند و برای رضای خدا شمشیر
میزدند میکشتند کشته میشدند و پاداش
خود را بهشت عنبر سرشت میدانستند و همه
بشر را در سایه قرآن بدین و فضیلت دعوت
میکردند و اکنون سیر اجمالی و تطورات
تاریخی قرآن را نقل میکنیم تا بنهضت
علمی و حرکت فکری مسلمین برسیم

قرآن مجید

کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

این کتاب آسمانی آخرین ومحکمترین وکاملترین قوانین برای نظام اجتماع بشریست که هر قدر عقول بشر برقاء وارتقاء بالارود بپایه درس علم واخلاق قران نمی‌رسد وبدین جهت آخرین کتاب آسمانی گردید وبدان نبوت ختم شد و درس فصاحت وبلاغت واعجاز بپایان رسید.

قرآن در خودش بچندین اسم یاد شده **ام الکتاب** است که چون روح تمام کتب آسمانی و قوانین بشری درآن محتوی ومشحون است ام الکتاب گفته‌اند.

کتاب مبین است برای آنکه بیان او روش و مستدل است **ذکر** است برای آنکه همیشه در ذاکر وحافظه بشری مورد استیضاءه وبرکت وبهبودی علمی وشخصیت فردی واجتماعی است

فرقان است برای آنکه فرق بین حق وباطل گذاشته ودراین راه شمع فروزانی بلکه خورشید درخشان است که نقطه ابهامی باقی نگذاشته است. کتاب **عزیز** است برای آنکه غالب برتمام سخنان بشری ومافوق همه سخنان آسمانی قبل ازخود میباشد.

تبیان است برای آنکه درهرشیئی، وهرموضوعی که بشر بدان محتاج میباشد قرآن در کلیات و اصول آن درس وتذکری داده است.

بلاغ است برای آنکه سخن رسا وکامل است.

بصائر است برای آنکه بینائی دل بشر میباشد هر کس قرآن رابخواند وحفظ کند وممارست نماید بصیرتی یابد وضمیری روشن و دل پربها ومنور پیدا کند.

شفا ورحمة است زیرا اواصل روحانی ودردهای درونی را شفاء می بخشد چه شفا ازجهت راهنمائی وچه از جهت شفای آسمانی ازتأثیر ذاتی واثروضعی خود.

کتاب مبارك است برای آنکه برکت میدهد در علم و فضیلت و فکر واخلاق میمنت و مبارکی می آورد.

نور است که خود بتنهائی چراغ بلکه ذات نور ونور نور است که میفرماید **واتبعوا النور الذی...** وماکوری وبی سوادی را دیدیم که قران را می بینندواز حفظ میخواند و بین صدها کلمات بنور تشخیص میدهد ومکرر امتحانش کردیم گفت کلمات قران درچشم من نور و روشنائی مخصوصی را دارد که کلمات دیگر ندارد این نور ظاهری است ونور باطنی آنکه خانه دلرا روشن میسازدمعانی وروح ونورقرآن است.

حق است وچرا نباشد چه حق وحقیقتی بالاتر و مستدلتر وروشن تر وکاملتر از این قرآن میتواند بشررا هدایت نماید.

امام است برای آنکه هرقوم وملتی رادر هرزمان ومکانی درهر عصر و ادواری درهر نژاد و لغتی هدایت بکمال خود میکند.

بشیر و نذیر است زیرا ملل عالم را از انحراف و لغزش خود میترساند وبشاهد ومقصود و کمال ومطلوب بشارت میدهد.

کریم ومجید وعظیم وعلی وغیره بنام اسماءالحسنی آمده زیرا کلام اشخاص نمونه‌ای از

وجود اسخاص میباشند و قرآن مظهر کامل علم وقدرت وخلاقیت وعظمت وعلو وتمام صفات جمال وجلال است بشرحی که درترجمه اسماءالحسنی نگارش یافته است.

قرآن نوریست که یکجا برقلب پیغمبر تابش کرد وخانه‌دل او را پس از زدودن هرگونه علایق منور نمود ودرظرف ۲۳سال بتدریج آیات آن برحسب عال واسباب نزول وحی بموقع و بمقتضای حال و واحوال وزمان ومکان بوسیله جبرئیل فرشته مقرب الهی نازل گردید و رسول خدا آنرا بمردم ابلاغ فرمود. عرب که در صفاتی برتمام ملل دیگر برتری دارد از آنجمله حافظه است قرآن را حفظ کرد و چندنفرهم بنام کتاب وحی قرآن رامینوشتند که زنده‌دل ترین آنها وزیبا ترین خطوط آنها از علی بن ابیطالب داماد وپسرعم او بود که آثار خطش در همین کتاب دیده میشود و این قرآن بسرعت سینه بسینه و دست بدست برروی کتف استخوان وکاغذ و پوست آهو وپوست درختان وغیره نوشته میشد تابزودی مسلمانان کاغذرا اختراع کردند وقرآن تدوین وتنظیم گردید.

بشرحی که درکتاب پیشوای اسلام وسیر تاریخی قرآن نگاشته‌ام قرآن به‌اطراف عالم پرتو افکن شد وهر کجا رفت خانه‌دل مردم‌را روشن ساخت ومحیط تاریك آن ملت رابتمدن ومظاهرعالیه صفای کمال و جمال و جلال هدایت نمود **کلید فکر وعقل وعلم وفضیلت را بآنها رایگان اهدا کرد** وبزودی سرتاسر جهان تاعصر قرن دوم تاقرن هشتم زیر فرمان قرآن اداره میشد و پس ازتلاش امپراطوری اسلام امپراطوری عثمانی جای آنرا گرفت وهرکشور قرآن راامین سعادت وقانون اساس خود شناختند ودرسایه تعلیمات قرآن توسعه وتکامل یافتند تاقرآن باردوم بآرامش به‌اروپا راه یافت وبزبان های مردم آن‌سامان ترجمه‌شد.

تراجم قرآن در لغات اروپائی

قرآن درخشنده ترین آفتاب علم و دانش و فضیلت واخلاق شناخته شد، و اشعه تابناك او جامعه بشررا از ظلمات و تاریکی جهالت و ضلالت نجات بخشود واز جزیرةالعرب تابیدن گرفت هرقوم وملتی را بشاهراه هدایت و سعادت راهنمائی کرد وهرکجا پرتوش ضعیف‌شد یاافول کرد در سرزمین دیگر طلوع کرد وقوت گرفت وخردمندان دانشمندان جهان قرآن را قانون اساسی‌سعادت بشر وتنها وسیله تکامل عقول و علوم و معارف شناخته کلید فهم فرهنك و علوم را از قرآن اتخاذ کردند و بکمال مطلوب رسیدند.

تاآنجاکه امروز قرآن مجید ازتمام مکروفون های جهان حتی کمونیسم وامپریالیسم بحکم ضرورت صیت خود را ببهمه اخطار طنین‌انداز مینماید و همه جهان درنشر وطبع آن اقدام کرده و میکنند وغیراز ممالك اسلامی درممالك غیراسلامی‌هم قرآن بزبانهای زنده ترجمه وطبع ونشریافته وآنچه تخمین زده‌شده تاکنون بیش‌از ده‌هزاربار چاپ‌شده است.

اولین ترجمه قرآن بزبان اروپائی بنام **پتروس وترالی لبس** بوجود آمد یکنفرانگلیسی موسوم به **روبرت راتینی بهمراهی هرمان آلمانی** قرآن رابلغت لاتن ترجمه کرد، ودر سال ۱۱۴۱ میلادی این ترجمه تمام شد واین اثر چهار صد وچند سال از ترس بداندیشان مسیحی مختفی بود تادرسال ۱۵۴۳ بتوسط **تیودوربی بلیاندر درباسل** بچاپ‌رسید وپس‌از آن بزبانهای ایتالیائی وآلمانی وهلندی نقل‌شد.

درسال ۱۶۹۷ م مجدداً **لوئی مارکی** قرآن رابلاتین ترجمه کرد بضمیمه اصل‌عربی بابعضی ملاحظات وپاورقی **درپاووا** طبع‌ونشر یافت.

درسال ۱۶۴۶ م ترجمه بوستاس فردریك منتشر گردید .

اندره دوریرگو نسوال ژنرال فرانسه درمصر که ترکی وعربی راهم میدانست قرآن را بفرانسه ترجمه ودرسال **۱۶۴۷**م درپاریس چاپ شد.

این نسخه نواقص بسیار داشت وپس از آن ترجمه های **ساواری کاز یمریسکی پوتیه در** سالهای **۱۷۸۳ و۱۸۴۰ - ۱۸۴۱ - ۱۸۵۲ - ۱۸۷۵**م همه ساله چاپ ودرمعرض نشر واستفاده مردم اروپا گذاشته شد این ترجمه‌ها ازترجمه‌اندره ودربر صحیح‌تر وبهتر بود.

درسال **۱۸۷۴** قرآن رابسوئدی ترجمه کردند امامیگویند این ترجمه خالی از صحت است زیرا مترجم خوب عربی‌را نمیتوانسته بخواند.

درقرن سیزدهم **الفونس دهم** پادشاه اسپانیا حکم کرد سوره‌معراج‌را بزبان اسپانیولی‌ترجمه کرد **ودون** ابرهم طبیب این خدمت‌را انجام داد .

بااینکه اسپانیولیها ویونانیها چندین قرن بامسلمین مجاورومعاشر بودند معلوم میشودترجمه تمام‌قرآن راداشته‌اند وسوره معراج رااز نظرعلوم فلکی میخواستند.

نخستین ترجمه آلمانی که ازلاتین گرفته شده‌بود بعد ترجمه **سکوئر در نوزانبورك و فردریك دز فرانکفورت** چاپ شد بهترین ترجمه های آلمانی‌ترجمه **بویسین** وتازه‌ترین آنهامال **اولمان** است که درسال **۱۸۵۳**م‌تاحال چندین بار بچاپ‌رسیده وهرچاپی چندین هزار نسخه منتشر شده است .

مستشرق مشهور نولدکی میگوید درمیان ترجمه های آلمانی نسخه بدست نمی‌آید که صحت واتفاق تراجم انگلیسی شبیه‌بآن باشد.

ترجمه هلندی اولا درسال **۱۶۴۱**م درهامبورك پس‌ازآن ترجمه **گلاسماك** در سنوات ۱۶۵۸ و ۱۶۹۸ و**۱۷۳۴**م درلندن چاپ شد.

بهترین ترجمه هلندی قرآن اثر **دکتر کازیر** استاد شرع اسلامی دارالفنون درلغت است که درسال **۱۷۰۶** درهارلم چاپ گردیده است.

درسال **۱۸۰۶**م قرآن‌رادر **پتروگراد** بزبان روسی ترجمه وطبع نمودند ودرسال **۱۵۴۷**م آن را بایتالیا برده ترجمه کردند این ترجمه لغت ایتالیائی متعلق به **اکیلیو فراکاستی** ازمعلمین مدرسه صنایع میلان است.

درسال **۱۸۰۱**م **آندره آگولوتو دانشمند شهیرقرآن رابلغت عربی وفارسی وترکی ولاتین** دریك مجلد بچاپ رسانید این نسخه اکنون نادرالوجود است.

چندسال قبل قسمتی ازقرآن رابلغت «اسپرانتو» ترجمه کردند.

اولین ترجمه‌آن بلغت انگلیسی یادگار **الکساندر درس است** پس‌از او **سیل** ترجمه کرد این نسخه درسال **۱۷۳۴**م چاپ شد. و بایك مقدمه مبسوطی‌ازقلم مترجم شروع میشود.

درحواشی این‌نسخه قسمت هائی ازتفسیر بیضادی مندرج است وظاهراً این نسخه همانست که بیضادی نوشته ودرحاشیه ترجمه شده وا کنون‌هم بهترین‌تفسیر بیضاویست بهمان سبك چاپ‌شده و ازروی آن انگلیسیها بترجمه آن‌مبادرت کرده‌اند.

ترجمه‌**اورل** که سوره‌هارا بترتیب تاریخ واوقات نزول قید نموده‌اهمیت بسیار دارد واین نسخهٔ حتماًازنسخی است که ازروی قرآن امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب درعصر خلافت اواصحابش نوشته‌اند

وبدست ملل مسیحی افتاد و جزء ملیونها ذخایر وکتبی که بردند این نسخه راهم برده وترجمه کردند وگرنه در قرآن خلفا این سبك نبوده ونیست این سبك تنظیم قرآن مخصوص علی بن ابیطالب ها بوده است.

هنری پالمرو که درزبان عرب تبحر داشته بااهتمام دقیق درحفظ معانی اصلیه قرآن را بانگلسی ترجمه کرده و در سال ۱۸۳۳م بچاپ رسیده و ترجمه را در حاشیه قرار داده این ترجمه هم بنظرما ازبیضاوی است.

دو ترجمه دیگر تازه پیدا شده است یکی توسط دکتر محمد عبدالحمید خان دیگری توسط میرزا ابوالفضل که درسال ۱۹۰۵ و۱۹۱۱ بااصل عربی چاپ کردند. وکاملترین ترجمه قرآن است که انجمن ترقی اسلام دراروپا نشرداده است.

ریشارد برتن مدتی باجمعی همت گماشتند که قرآن را منظوماً ترجمه نمایند تااندازهٔ هم پیشرفت کردند ویك جزء ازاین ترجمه درمجله دینبورگ درسال ۱۸۶۶ میلادی منتشر شد.

در سال ۱۱۴۳ میلادی قرآن بلغت لاتین چاپ شد که ظاهراً مترجم همان روبرت انگلیس بود.

درسال ۱۵۰۹ **بلیب لیاندر** قرآنرا ترجمه کرده است.

درسال ۱۵۴۳ مسلمانی دیگر که زبان اروپائی میدانسته ترجمه کرد.

درسال ۱۵۹۷ بزبان انگیسی وفرانسه و آلمانی - ایتالیائی بلغت روس - سواحلی - بنگالی ترجمه وطبع ونشر یافته است.

درسال ۱۶۱۸ **لاویا بنوس** بازبانگلیسی ترجمه کرد که در لندن چاپ شد.

درهمین سال **ماردیس** بفرانسه ترجمه نمود ودرپاریس چاپ شد.

درسال ۱۸۶۱ **لردوال** بانگلیسی در۶۵۹ صفحه ترجمه کرده که آنهم چاپ شده و پس از او **ساواری** گویا همین ترجمه را درپاریس فرانسه چاپ نموده.

ترجمه انگلیسی **میرزا محمد خان بهادر** ابن ملا احمد منشی بوشهری درلندن چاپ شد.

ترجمهٔ بلغت فرانسه درسال ۱۸۷۰ نموده اند که درسال ۱۸۴۰ چاپ شد.

درسال ۱۷۴۰ **اپال سومی** ۱۸۷۰م بفرانسه ترجمه کرده که چاپ شده است.

ودرهمین نسخه درسال ۱۸۸۳ بانگلیسی هم درلندن چاپ شده است.

درسال ۱۹۳۱ قرآنی بلغت سواحلی درجنوب افریقا منتشر شد که **ازان بلیله** بفرانسه ترجمه کرده بود ودرلندن چاپ شده است.

درسال ۱۹۱۱ ترجمه های قرآن بانگلیسی باتصحیح میرزا ابوالفضل بنقل معجم المطبوعات در الهآباد هندطبع ونشرشد.

درسال ۱۸۳۶ **سل** انگلیسی قرآنرا ترجمه کرد وآنهم درهند چاپ شده است،

درسال ۱۷۶۳ م بنقل حاجی فرهاد میرزا قرآن رابلغت بنگالی وانگلیسی ترجمه کرده اند وبا خود قرآن بنقل معجم المطبوعات طبع ونشر یافته.

قرآن درلغات شرقیه

قران مجید در لغت عربی ترجمه های مختلف دارد که از دایرة المعارف یهود استفاده میشود ازهمان اوایل اسلام یهود قرآن رابعبری ترجمه کردند وبرخی ازاقسام این تراجم در کتابخانه **بوده لیان** آگسفورد نمره ۱۲۲۱

موجوداست یعقوب بن اسرائیل رئیس روحانی زنتی درسال ۱۶۳۴ قرآن رابعبری نقل کرد.

قدیمترین ترجمه های لغات شرقیه ترجمه شیخ عبدالقادر پسرشاه ولی اسد است که بلغت اردو دردهلی چاپ شد.

بعداز آن نسخه فارسی وعربی رادرسال ۱۸۳۱ م درکلکته نشردادند و باید متذکر شد که **مسیو برونه** بترجمه فارسی دیگری دراصفهان اشاره میکند.

دردهلی نسخه‌ای درچهار زبان درمطبعه ناورقی دهلی چاپ شده ودرسال ۱۳۱۵ هجری دکتر عماد ـ الدین در **آیریسته هند** قرآن رابزبان اردو ترجمه نمود این اولین قرآنی است که باحروف اردو واروپائی انتشار یافته است.

تفسیر بیضادی که جمله بجمله محتوی شرح و معانی قرآن است در زبان مآی بچاپ رسید.

در لغت پشتو وگجرات قرآن نیز ترجمه شده که نسخ آن موجود است ولی مترجم وزمان آن معلوم نیست. قراان در لغت چینی شرحی برآن نوشته شده که **فارزانل و ودات** انجام داده‌اند.

درسال ۱۹۱۳ شخصی از اهل جاوه که خودرا خادم سلطان عثمانی نامیده قرآن رابزبان جاوه ترجمه کرده ودرسال ۱۹۰۸ ویلیام **گودساك** قرآن را بزبان بنگالی درآورد درهند سید **اولاد حیدر ملقب بذوق البلکرامی** قرآن‌را بلغت اردو ترجمه وچاپ کرد.

درزمان سلطان عبدالحمید قرآن بترکی ترجمه‌شد اما انتشار آن ممنوع گردید تادر سال ۱۳۲۰ هجری نسخه نفیس آن بانسخه ترجمه ترکی دیگر دراسلامبول طبع ونشر یافت.

نویسنده نسخهٔ بزبان ژاپونی وروسی وانگلیسی وامریکائی لاتین اسپانیول و آلمانی دیده‌ام که در ایام جنك بایران آورده بودند وچند نسخه آن درکتابخانه وزارت کشور بود.

بنابراین اطلاعاتی که ماز روی دائرة‌المعارف و فهرست مطبوعاتی کتب شرقی لندن وپاریس ودرخلال کتب تاریخ بدست آورده‌ایم مسلم است که قرآن بیش‌از سایر کتب آسمانی طبع ونشر یافته وزبانهائیکه قرآن بدان چاپ‌شده بیش‌از زبانهائی است که تورات وانجیل بدان ترجمه ونشر یافته بعلاوه که قرآن کتاب زنده وجاودان وقانون اساسی‌قابل‌عمل است.

تحریف وتغییری درآن رخ‌نداده است واز قرن هشتم هجری که جنگهای صلیبی شروع شد و دانشمندان اروپائی جرئت کردند حقایق‌را بنویسند قرآن ترجمه شد ودر اولین روزهای **اختراع چاپ پس از توراة طبع رسید و بیش‌از هشتصد ملیون مردم مسلمان جهان که نسبت دانشمندان آن نسبت بسایر ملل ومذاهب بیشتر بودند قرآن راترجمه و تفسیر وطبع و نشر نمود بقدری قرآن‌نوشتند که ازشماره بیرونست.**

هرمرد مسلمان که سواد نوشتن وخط قابل خواندن داشت معتقدبود باید درخاندانش یك‌جلد قرآن باشد یاهرفرد متمکن مسلمان که سواد وخط نداشت مقیدبود پول‌بدهد کاتبی یك جلد قرآن برای اوتیمناً وتبرکاً بنویسند در خاندان آنها باشد و سلاطین اسلامی همه‌این سیره پسندیده را داشتند وروی این عقیده وایمان قرآنها نوشته شده وترجمه ها شده که برای خلوص نیت نام خود راهم پشت‌آن نمی‌نوشتند.

روی‌میز سلاطین وطاقچه اطاق آنها قرانهای سلطنتی مهذب ومذهب نوشته میشد وموجودبود

واین سیره دراروپاهم جاری شد که قرآن رابزبانهای اروپائی مسلمانان اروپائی مینوشتند ونام‌خود رانمی‌بردند لذانمیتوان ازتعداد چاپ و موجودی قرآن احصائیه‌ای برداشت و گنجینه های قرآن در مکه ـ مدینه ـ نجف ـ کربلا ـ کاظمین ـ سامرا ـ مشهد ـ تهران ـ قم ـ بیت‌المقدس ـ مساجددیگری که نام اکثررا برده‌ایم شاهد صادق این حقیقت است ودرتمام این مساجد ومدارس اولین وظیفه‌هر مسلمان نوشتن وخواندن وقرآن درس دادن‌است که جمعی‌زیاد ازمردم مسلمان ازوظایف اولیه‌خود میدانسته پس‌ازنماز آیات قرآن وتفسیربیان کنند ولذا مفسرین اسلام تفاسیروتراجم بسیار برقرآن نوشته‌اند وبشرحی که مادرتاریخ قرآن نوشتیم بیش‌از ۷۷۰ تفسیر علمای شیعه‌امامیه بتنهائی برقرآن نوشته‌اندوقریب ۱۹۲ تفسیر برآیات‌وسوره واجزاء قرآن‌نگاشته‌اند و۲۰۶ تفسیرتمام قرآن‌نوشته‌اند و۲۶۸ تفسیربرسورآن نوشته شده که‌ناقص‌مانده وبیش‌ازهمین اندازه هم‌ازمفسرین‌غیرامامیه در۷۲فرقه دیگرمسلمین تفسیر وقرآن نوشته‌اند .

دین اسلام برتروبالاترازهمه ادیان‌ومسلمین برای‌مشعلداری هدایت‌برگزیده شدند

کنتم خیرامه اخرجت‌للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن‌المنکر وتومنون بالله ـ والیوم‌الاخر ولوآمن‌اهل‌الکتاب‌لکان‌خیراًلهم‌منهم‌المؤمنون‌واکثر هم‌الفاسقون آیه ۱۹۷ سوره‌آل‌عمران

ان‌الدین‌عندالله الاسلام ومااختلف‌الذین اوتو ـ الکتاب‌الا من بعد ماجائهم العلم بغیاً بینهم‌ومن یکفر بآیات‌الله فان‌الله سریع‌الحساب
آیه ۱۸ سوره‌ال عمران

شما ای مسلمانان بهترین‌امتی‌هستید که برای امربمعروف ونهی‌ازمنکر انتخاب شده‌ایدشما ایمان بخداآورید اگرچه اهل کتاب «یهودونصاری» ایمان آوردند ولی جمعی‌ازآنها بهتراز سایر خویشاوندان خود گرویدند و ایمان آوردند اما بیشترین آنها فاسق هستند یعنی فرمان ـ بردار نیستند .

دراین‌آیه مسلمین‌بصفا ووفا وبرازندگی‌یادشدنداما بشرط تقوی و پارسائی وملازمت‌براطاعت وعبادت وپرهیزکاری ودرروایات وتفسیرآیه تصریح فرموده است که منظور ازاین است مسلمان مصفی ومنتخب پیروان علی‌بن‌ابیطالب هستند که بتمام احکام‌آسمانی سراطاعت وتسلیم فرودآورده ومهیای دعوت بشربفضیلت‌میباشند وقبل‌ازآنکه‌دیگران‌رادعوت کنند خودشان‌رابدستورات آسمانی آراسته‌اند وترجمان گفتار خود عملامیباشند ـ آنهاهستند مسلمانانی که قدرت دارند دنیای شرق و غرب رادر قبضه دعوت اخلاقی خودبیاورند .

زیرا دین درنزدخدای تعالی فقط اسلام پذیرفته است و کسانی که اختلاف دردین کرده‌اند پس‌ازخاتم نبوت وقرآن راه ضلالت رفته وآنکس که تکفیر وتکذیب کند این حقیقت راکافراست‌و خداوند سریع‌الحساب است بزودی بحساب منافقین و مکذبین رسیدگی میفرماید درقرآن مجید درباره دین ودیانت وجنبش دینی مسلمین ۳۲فصل مشحون‌بر۸۳۳آیه نازل شده که ۳۳ آیه درباره اسلام است .

مسلمین سعی‌وکوشش‌داشتند خودپیغمبردرظرف‌ده‌سال ۸۴ جنك کرد وهرجنگی باتوجه‌بوسایل سلاح آنروز ومرکب ووسایل نقلیه حائزاهمیت بود .

پیشوای اسلام درظرف یکماه خودبایاران وفادارش درحال روزه خندقی بطول چند کیلومترو بعرض دوازده‌متر وعمق دومتراطراف مدینه برای دفاع‌مسلمین وملیت درهوای گرم تابستان کندند ورسول خداص خودش سنك برشکمش می‌بست که گرسنگی براو سخت فشارنیاورد - مسلمین ازپای نایستادندهردسته دریك صف‌خدمت می کردند بلکه اصحاب پیغمبرص‌هم درهمه صفوف شرکت‌داشتند مجاهد درمیدان جنك - قاضی دربازارمعلم و مربی درخانواده وعابد وزاهد درمسجد - فعال‌وکاسب درشغل‌کار گروکارفرما وبرادرو برابر ورفیق ودوست بودند آنی فراغت نداشتند تافرمان جنك صادر میشدبی‌درنك‌سلاح جنك‌می پوشیدنداینهاعوامل‌جهانگیری‌وبزرگواری آنهابود تااکثرجهان‌را گرفتند وشروع‌بنقل زبان ولغت وعلوم وفنون گردند دوسال دراین‌کار رنج بردند تا سید و بزرك و پیشوای جهانیان شدند.

حضرت امام‌جعفرصادق ع پانصدرشته علم‌را بیکنفر ازشاگردانش‌بنام جابربن حیان که‌شهرت جهانی دارد آموخت ومسلمین درتمام این‌علوم فعالیت داشتند ودانشگاههای اسلامی درفنون‌وعلوم مختلف درس وبحث وعمل می کردند کتب دانشمندان بزرك اسلام درجبر وریاضیات طب و نجوم و فلکیات وغیره زنده وحاضر وموجوداست که بهترین شاهد صادق‌است.

جنبش دینی

مهمترین جنبشی که درعرب پدیدآمدودامنه‌آن‌بسایرملل اثر بخشیدجنبش دینی بود که مانند موجی ازدریای فکرواندیشه پیشوای اسلام درافق اندیشه وافکار مسلمین بوجود آمد وآنقدرقدرت ونیرو گرفت که دریای عمیق مواج عقل و خردرا تکان داد ویك نهضت عظیمی برپاکرد که همچنان نوسان آن موج درسطح افکارجهانیان درحرکت است ودامنه آن جنبش هنوزادامه دارد.

چون افق اجتماع بشرازپرتو خورشید درخشان دین اسلام روشن گشت مردم عربستان بفرا گرفتن آیات قرآن وتفسیرآن وفهم معانی‌آن واستخراج احکام دینی توجه‌کامل پیدا کردند و اسلام را استقبال کرده دین رافرا گرفتند.

درعلوم قرآن - تفسیرقرآن - حدیث - جبر - ریاضیات - طب - اعداد - علوم ظاهر و باطن فنون ابداع واختراع‌ازساعت وکاغذ و کشتی‌سازی وغیره درهمه فن جنبش خود رانشان داده و بیش ازهرچیز قرآن‌را درجنبش‌دینی‌مطلع‌حملات ودعوت‌خود قرارداد‌ند - وهر کس ازاحکام دین‌سرمیتافت می کشتند وباشمشیراوراهدایت می کردند اگرچه خلیفه بود .وجنبشی عظیم کردند

درحدیث درزمان خودپیغمبرص که ایمان وعقاید مسلمین درنهایت قوت وقدرت بود ودرفرا - گرفتن حدیث وتعلیم‌دادن آن وحفظ‌احادیث ونشرآن ایمان‌پیدا کردند که فرا گرفتن ونشرحدیث راه پیمودن بهشت است وبرای این عمل نهضتی کردند وحافظ بیانات پیشوای خود شدند احادیث را میخواندند حفظ میکردند برای یکدیگر نقل میکردند - گوش بگوش و سینه بسینه انتقال می‌دادند.

اصحاب پیغمبر ص که عدد آنها بالغ برصد و بیست هزار نفر شده بود و ۱۲ هزار نفر در ملازمت شخص پیغمبرص اسلام را داشتند همه‌برتوسعه‌آن افزودندواحادیث را بتابعین که پیغمبر را ندیده بودند سپردند وآنها بتابعین‌تابعین دادند و کتبی فراوان دراین باره‌نوشته شدکه ازمعروف ترین آنها صحاح‌سته‌سنت وکتب‌اربعمائهٔ فرقه‌شیعه امامیه‌است- که درباره آنها صحبت میکنیم

جنبش دینی علم ودانش را نیز جنبش وتوسعه داده دردوره امویه(۱) که دربار آنها مانندقیاصره رومیان تشکیل شده و اساس حکومت آنها برفشار وجبر وقهروخشونت گذاشته بود و برای جلب منافع وحفظ مقام حکومت خودرا ازهیچگونه جنایت وخیانتی خودداری نمی کردند وحتی از سر بریدن وقتل نفس دریغ نداشتند تابجائی که دخترزاده پیغمبر راباآن وضع فجیع بقتل رسانیدند وبااین وضع بعلم وفلسفه و دین توجهی نداشتند ولذتی نمی بردند ولذا دردوره اموی تخفیفی درنهضت دینی پدید آمد ولی در دوره بنی عباس نهضت دینی و علمی باز جنبشی کرد ودر نتیجه فتوحات اسلام بیشتر توسعه یافت و اختلاط و امتزاجی باملل متمدن دیگر دست داده که علماء و دانشمندان جهان باسلام گرویدند عقاید وآرائی ازمجموعه جنبش علمی حدیث واخبار پدیدار گردید. کتب عالیه بسیاری تصنیف وترجمه و تألیف شد: که امروز منبع علوم وسرچشمه دانش جهانیان است.

مرکز علم وعلم ودانش اسلام یامنبع حیات عقلی مسلمین **مکه ومدینه** بود که دانشگاه اسلام درآنجا تأسیس شد واشعه پرتوافروز علم ودین ازآنجا بجهان بشری اشعه تابناك خودرا افروخت ـ مکه ومدینه سرزمین زندگی ورشد آموزش و پرورش نظر **انا مدینة العلم و علی بابها** بودکه ازاطراف دنیا میآمدند علم ودین فرامیگرفتند بعظمت وتعمق و حقیقت علم ودین اعتراف میکردند تسلیم میشدندومسلمانان باطراف عالم برگشته دیگران راارشاد وهدایت میکردند.

مرکز حیات عقلی مسلمین پس از مکه بمدینه وپس از آن بکوفه و مدتی بشام و سپس بعراق و بغداد ـ بصره ـ نجف ومدتی خراسان مرکز علم ودین ودانشگاه اسلامی شدوپس از آن اندلس قلب ممالك اسلامی دراروپا وسپس مصر مرکزیت یافت که هم اکنون قلب ممالك اسلامی افریقااست.

دراین دانشگاه های بزرگی که یکی پس از دیگری تأسیس میشد مدار علوم روی حدیث و اخبار بود وبا تمدن ایران و روم و یونان آمیزش یافت و بنام تمدن اسلامی در سراسر جهان ریشه دوانید:

نهضت دینی درآغاز اسلام جنبش عظیم داشت و تمام علوم بصورت احادیث و اخبار در دریای علم ودانش اسلام فرورفته تحلیل شد وفلسفه وطب وحکمت و ریاضیات هم چندان ترقی نکرد تازمانی که بصورت اخبار دینی درآمد چنانچه عمر بن عبدالعزیز (۲) چون خواست یک جلد کتاب طب را منتشر کند بصورت اخبار واحادیث دینی منتشر کرد وتمام جنبش علمی روی سه اصل قرآن تفسیر ـ حدیث بود که در کتب مربوطه سیر کمالی آن ثبت شده است.

---

۱ ـ امیه ازغلامان رومی بود واساساً عرب نبودند وبدین وعلم و فضیلت بی علاقه بودند هدف آنها حکومت وسلطنت و اجرای تمایلات شهوانی بود و لذا دیدیم که نه تنها بادین بازی میکردند بلکه بااساس فضیلت و انسانیت وآدمیت هم مخالف بودند و جنایاتی کردندکه در کتب مربوطه مندرج است.

برای تحقیق این بیان بکتاب کامل بهائی عماد الدین حسن بن علی طبری معاصر خواجه نصیرالدین طوسی مراجعه شود کتابش را در ۶۷۵ تمام کرده.

دیگر قاضی نورالله درالزام النواصب وخالصی زاده درالعروبة فی دارالبوار که درجواب العروبه فی المیزان نوشته و کتاب استغاثه فی بدع الثلاثة مراجعه شود.

۲ـ (فجر الاسلام ص ۲۲۳)

مسلمین باجنبش دینی واجرای کامل:احکام اسلام جداً درنشر و توسعه منطقه دین تمام قدرت وقوت خودرا بکار بردند.

دراقامه نماز واداء زکوة وتلاوت قرآن وعمل باخلاقیات آن ودرس و بحث و فحص بعلوم افاضه قرآن بصورت دین پای‌از سر نشناختند تاشاهد موفقیت رادر آغوش گرفتند.

جنبش دینی مسلمین سرلوحه تمام نهضت های موفقیت آمیز آنها بود که درسایه دین و نشر توحید و دعوت بیگانگنی خداوند بمراحل فوزوفلاح رسیدند وچنان در اجرای دین کوشا بودند که‌هر کس منحرف میشد باشمشیر اورا براه‌راست ارشاد وهدایت می‌نمودند ومسلمانان خودترجمان این حقیقت بودند یعنی دین‌را برای دین و کمال نفس از روی عقیده و ایمان می‌پذیرفتند واز روی خلوص ارادت عمل میکردند ومصداق یك‌مسلمان کامل بمردم نشان میدادند و همین روش پرورش موجب استقبال وقبول ملل گردید که بسرعت برجهان چیره شدند.

جنبش دینی مسلمین آمیخته بحکومت عربی شد و تعصب ملی اموی تاپایان خلافت امویان خاتمه یافت وبعد جنبش دینی همدوش بانهضت علمی گردید ویك حرکت فکری بسیار عمیق بوجود آورد تاکم کم تربیت اسلامی باتمام آداب ورسوم ملل واقوام سازش نمود ویك پرورش مهذب‌جامعی ازهمه ملل بظهور رسانید که دردنیای بشریت سابقه نداشت و این موفقیت درزمانی کوتاه در سایه تعلیمات اخلاقی وروش پرورش دینی اسلام بود که همه‌را راضی وخشنود ساخت.

سازمان برادری وبرابری در اسلام

یاایهاالذین آمنو اتقوالله حق تقاته ولاتموتن الا و انتم مسلمون واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً و لاتفرقوا واذکروا ـ نعمت‌الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناًوکنتم علی شفاحفرة من النار فانقذکم منها کذلك یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون ولتکن منکم امة یدعون الی الخیرو یأمرون بالمعروف و ینهون‌عن المنکر واولئك هم‌المفلحون ولاتکونو کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد مـاجاءهم البینات و اولئك لهم عذاب عظیم

آیه ۱۰۲ سوره آل‌عمران

ای گرویدگان به‌اسلام پرهیزکار شوید واز خدا بترسید حق ترسیدن و نمیرید مگر مسلمان که دارای مزایائی درفوز وفلاح است.

متمسك شوید برشته الهی وهمه‌شما چنك بزنید بریسمان ارتباط باخالق خود ازهم تفرقه پیدا نکنید ازنعم الهی یاد کنید یادداریدکه درپرتگاه آتش عذاب دردناکی از اخلاق رذیله وتفرقه و اختلاف طبقاتی بودید.

واسلام شمارا رهائی بخشید وبلباس وحدت ظاهر وباطن متمسك گردانید و ایاتی از قدرت وعلم وحکمت خودبرای شما بیان کرد شاید هدایت شوید.

اکنون که هدایت شدید بایدشما امتی باشید که دعوت بخیر وامر بمعروف ونهی‌ازمنکر نمائید ومشعلدار ارشاد هدایت گردید که این قوم رستگارخواهند بود.

ای مسلمانان اکنون که هدایت شدید ازآن ملتی نباشید که پس ازایمان تفرقه یافتند وباهم بنفاق برخواستند واختلاف پیدانمودند وپس ازدیدن وشنیدن آیات الهی رو گردانیدند وآتشی بزرگ برای خودفراهم کردند.

پیغمبراسلام ص بااین آیات مبارکه پیروان خودرا متشکل ببرادری واخوت وبرابری کرده فرمودهمه متحد ومتفق چنگ برحبل الله المتین بزنیدو بایك آهنگ ویك فکر ویك هدف دراصلاح مفاسد اجتماع بشری بکوشید که حتماً رستگارخواهیدشد وخداوند شمارا برای اینکار آفریده علوو ارتقاء اعتلا حق شمااست تاروزی که درایمان باین حقیقت محکم و ثابت قدم وپابرجاباشید.

برابری دراسلام

انما المومنین اخوه فاصلحوا بین آخویکم واتقوالله لعلکم ترحمون

پیغمبراسلام سازمان اجتماع مسلمین رابراساس برادری وبرابری استوار کرد و میان مهاجر وانصار سال اول هجرت عقداخوت وبرادری خواند واین عقد در اسلام بجائی میرسد که پس از مراحل وراثت قابل ارث بردن میباشد وبنام ضامن جریره درفقه فصلی دارد - چون مسلمین درمدت ۱۳ سال مکه بین افرادی مختلف موردقبول واقع شدکه قبلا بااختلاف طبقاتی حاضرنبودند باهم دوش بدوش راه بروند دراسلام دوش بدوش هم می نشستند درصف نماز برابر وبرادرشدند ورسول الله ص هم برای تحکیم مبانی دوستی آنهاعقداخوت وبرابری وبرادری بست و هردونفر که اخلاقاً بهم از جهت تقوی نزدیك بودند باهم برادرنمود وعلی راهم برادر خود خواند . و در جنگها همه را در یك صف قرار داد وطبق احکام قرآن ازغنائم جنگی بهم بمساوات رفتار کرد وعدالت را درهمه آنها اجرانمود و جامعه مسلمین راکه آنروزاز ۳۱۳ نفر بچندهزار برابر رسید بصورت واحدی متشکر فرمود مواخات و مواسات ازمزایای اسلام است که بین پیروان دین بارعایت حقوق عمل میشد آنقدر روح برادری دربین مسلمین حکمفرما شد که عرب باآن نخوت وتکبرچون مسلمان شد حاضر گردید دخترخودرا بغلام سیاه خودبزنی عقدنماید و باهم دوش بدوش راه بروند باهم سریك سفره بنشیند درجنك هم دوش باشند گاهی اعیان واشراف باید مطیع غلام خود که فرمانده شده قرار گیرد وچون خلوص نیت وارادت و تقوی حکمفرمابود ناراضی پیدا نمیشد البته درهمه مردم این پیوستگی ووحدت وجود نداشت ولی بقدری برادری وبرابری حکمفرماشد که شیخ صدوق درسال ۳۸۱ کتابی درباره حقوق برادری دراسلام نوشت بنام **مصادقة الاخوان** که مادرمکتب اسلام مفصل شرح دادیم این کتاب ۴۳ باب شامل صد حدیث در حقوق فردی واجتماعی مسلمین است ودرحقیقت آئین نامه اجتماعات پیروان دین اسلام است که در حق یکدیگراجرامیکردند درمساوات برابری - قضاء حوایج - دیداربرادران - راستی گفتار - درستی کردار - علاقه باتحاد واتفاق وغیره میباشد .

حضرت امام جعفرصادق باسماعیل وصاف فرمود آیامیشناسی ازبرادران که لباس اضافی خویش رابیرادرمسلمان دیگر بدهد گفت میشناسم شخصی راکه دوعبا داشت یکی راخود ویکی را بمردی دیگرداد فرمود آنها مسلمان هستند .

امام زین العابدین بیکی ازاصحابش فرمودآیاشده که دروقت تنگدستی دست در جیب برادر مسلمان خود کنی بقدراحتیاج برداری وبعداز وسعت همان مبلغ رابجیب اوبگذاری واو نداند تو چقدربرداشتی وگذاشتی و اوبپرسد گفت نمیشناسیم فرمودهنوز برادرنشده اید .

مفضل بن عمر روایت میکند که امام ششم فرمود پیروان مارا بدوصفت میتوان شناخت یکی نمازخواندن بوقت دیگرمواسات با برادران خود. فرمود هر کس حدود دوستی را ادا کرد دوست است وبرادر و گرنه بیگانه است فرمود هرچه برای خود دوست دارید برای برادران خودهم بخواهید وهرچه برخودنمی‌پسندید برمسلمانان نپسندید .

پیغمبرص فرمود مومن مرآت وآینه سرتاپا نمای مومن است او میتواندخودرا درجمال برادرش ببیند ومعایب رارفع کند مومن سهل المونه کم‌خرج قانع دوست وامین و جلیل هم خوابه و گلستان است . امیرالمومنین علی برای همام علامات مومن رابیان فرموده همام غش کرد ومرد فرمودمومن همیشه حشاش وبشاش است .

حافظ

در بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست

یا سخن دانسته گوای مرد دانا یا خموش

بادل خونین لب خندان بیاور هم چو جام

نی اگر زخمت رسد آئی چوچنك اندرخروش

حضرت صادق ع فرمود شخصی آمد نزدامیرالمومنین ع دربصره پرسید علامات مومن را برای من بگو فرمود برادران تودودسته‌اند یك طبقه آنهائی که معتقد ومعتمد وامین هستندراست گو و درست کردار وطبقه دیگر آنهاکه خوشرو زودآشنا ولی پایدار نمیباشند طبقه اول مانند دست وپا وخانواده‌واعضا میباشند وچون برادری یافتند هرچه‌دارند بااودرمیان می‌نهند وگاهی ایثارمیکنند وطبقه دوم آنهاهستند که دیدارآنها برای توقع است از آنهاانتظار وفاداری نداشته باش - ولی از گشاده‌روئی وشیرین‌زبانی هم دریغ مکن رازخودرا باآنهابمیان مگذار.

رازخود بایارخود هرچند بتوانی مگوی یاررا یاری بود ازیار یار اندیشه‌کن

حضرت ابی‌عبدالله فرمود خداوند آن بندگان را دوست دارد که دلشان با برادرانشان صاف باشد .

امیرالمومنین فرموده است بندهٔ داخل بهشت نمیشود مگربوسیله راهنمائی یکی از اصحاب سئوال کرد هریك فردراهنما دارد فرمود آری راهنمای‌هرمسلمان مسلمان دیگریست که اورااززشتی بازدارد وبنیکی رهبری کند ولذا درحدیث دیگرفرمود روح اسلام جزامر بمعروف ونهی از منکر چیزی نیست !!

بازفرمود **کلکم راع وکل راع مسئول عن رعیته** هرمسلمانی یك مسئولیت فردی دارد و یك مسئولیت اجتماعی بایدهم خودش عمل ببرادری و برابری و مساوات و نیکوئی نماید هم برادرمومن خودرا بدین برنامه مجبور کند تاهمه موفق وکامیاب شوند زیرا بنی آدم اعضای یکدیگرند وچون عضوی بدردآمد تاثرات آن در اعضای دیگر موثراست ولذا اسلام پیروان خودرا مانند یك بنای محکم ویك پیکر مرتبط ومتصل بهم معرفی فرمود و وظیفه فردی و اجتماعی برای همه آنها قرارداد - تاباتفاق ریشه‌های فساد را بکنند وتخم اتحاد واتفاق را درعمل بفضیلت بنشانند و عظمت اصول وقوانین تغییرناپذیروراقی این دین را که مخالف باهیچ گونه ترقی وتکامل وتمدن متصور نیست برجهانیان عرضه کنند و ماهم جزاین غرض درتالیف این کتاب هدفی نداریم که به‌نسل آینده‌و اخلاف نشاندهیم اسلام درعلم وفضیلت برتر وبالاتر ازهردین آسمانی است وباهم آرادی و تکامل و رقاء و

اعتلا نه تنهامخالف نیست بلکه رهبر وراهنما ومشعلدار است .

تربیت دینی اسلام

مسلمین درمکتب فضیلت واخلاق پیشوای اسلام که مظهر کمال فرمان **انك لعلی خلق عظیم** بود مانند کودکی ساده‌لوح که آئینه سینه صافش مصفی وقابل پذیرفتن هر نقش ونگاراست دریچه دل‌خود را از پنجره‌های حواس باز کرده وآنچه ازاخلاق فاضله بود فرا گرفتند وپس‌ازفرا گرفتن هرصفت بعمل مبادرت کرده وبزودی توانستند ازراه خوشروئی وحوشخوئی مردم جهان را بآئین اسلام دعوت کنند این اهتمام بیشتر دین وحمایت اسلام وتوجه مردم بروحانیت وغذای معنوی که فرق جامعه آنروز گرسنه این متاع بودسبب شد که درهدایت امر کلیه عرب وپس‌ازآن ملل مجاور گروه گروه داخل دین اسلام شدند وچون پیغمبراکرم‌ص ازجهان رحلت کرد قریب ۵ ملیون ۵۰۰۰،۰۰۰ نفر ساکنین جزیرةالعرب وپنج‌ملیون ازمردم حبشه و یمن افراد ممالك مجاور باسلام گرویده بودند وبیش از ۱۱۴۰۰۰ فدائی داشت که بمعنی حقیقی مسلمان وتسلیم دین بودند .

نشردین اسلام علل‌واسباب فراوانی داشت که یکی‌ازآن فضیلت اخلاقی وملکات نفسانی‌مسلمین بوده . راستی گفتار.درستی کردار . قناعت . عزت‌نفس . تساوی حقوق . عاطفه و مهربانی نسبت‌بزیر دست . قدرت وقهرنسبت بدشمن . ایمان و یقین بمبدء و معاد که سرچشمه همه فضائل است . حفظ حقوق برابری وبرادری که بانهایت دقت در حیات و ممات در جنك صلح رعایت میشد - واین صفات وسجایا درتمام ملل‌دنیا وخردمندان عالم پسندیده وممدوح است :

اسلام چون‌طلوع کرد ونهضتی پرغوغا برپانمود مردم دنیاکاملا توجه نمودند که اسلام چگونه دینی است وچون این‌فضایل اخلاقی را درعرب‌دیدند درحالی که همه جوامع بشری محتاج این‌صفات حمیده وتحول‌اخلاقی بودند واسلام رایك دین ساده وبدون تکلف میدانستند وبرای قبول اسلام‌هم یك کلمه (**لااله‌الاالله‌محمدرسول‌الله**) کافی بود وتشریفاتی‌نداشت همه باسلام گرویدند دسته‌دسته فوج‌فوج مسلمان شدند - واسلام آوردن مانند مسیحیت تشریفاتی نداشت که بدست پاپ یاکشیش یا اشخاص مخصوص دین قبول نمایندبلکه همه جا بدست همه‌کس گرویدن باسلام میسر بود .

تفرقه واختلاف عقاید وآراء مسیحیت - نکبت و پلیدی زندگی یهودیت - رذیلت اخلاقی و عدم عدالت اجتماعی موجب‌شد که مردم گروه گروه- طبقه‌بطبقه باسلام پناه آوردند ومبادی‌تعلیمات اسلام راپذیرفتند وعقاید اسلامی راباعقل‌تطبیق کردندوبفامیل وآشنایان واقوام وعشایرخودساده گی وبی‌آلایشی دین اسلام رارسانیدند وآنهارا نیز دعوت باین ایمان وعقیده وفضایل اخلاقی نمودند - علماء وخردمندان . کهنه ورهبانان . فلاسفه وحکماء ازدریچه علم ودانش باسلام گرویدند و برای تطبیق عقاید اسلام کتب فلسفه و کلام‌یونان راترجمه ومطابقه کردعظمت دین‌اسلام را اعتراف‌نمودند وتمام رهبران ادیان گذشته که باسلام گرویدند ومفاسد اخلاقی وبی‌دینی وبی‌ایمانی ونفاق وشقاق‌را خودشان سالها مشاهده کردند درتربیت دینی اسلام اهتمام کامل نمود و بیش‌از هرراه بتربیت دینی مبادرت کردند ودراین راه‌مبارزه وفداکاری محیرالعقولی نشان دادند .

احمدامین مینویسد (۱) مرتضی میگوید «نظام کتب‌فلسفه رامطالعه کرده بود وچون وارد بصره شد باابوالهذیل علاف‌مباحثه ومحاوره نمود. اومیگوید من گمان میکردم که ابوالهذیل درعلم کلام دست ندارد چون بااومباحثه کردم دیدم درآن‌علم یدطولائی دارد . درجای دیگرمیگوید:

۱ - ص ۳۷۷

«نام ارسطاطالیس درحضور جعفر برمکی برده شد نظام گفت من فلسفه اورا نقض کرده‌ام جعفر باتعجب پرسید چگونه وحال آنکه آنرا نخوانده گفت آیامیخواهی آنرا ازاول تاآخر بخوانم یااز آخر تا باول - سپس جمله بجمله قرائت نمود و شروع بنقض ورد کرد - جعفر برمکی از او تعجب کرد » .

علماء اسلام در کیش‌های مختلف دیگر نظردقیق داشته وتطبیق میکردند - «مرتضی میگوید» نظام قرآن وانجیل وتفسیر هردورا حفظ کرده بود»

درباره واصل بن عطاء گوید - درهیچ کس بعلم کلام از اودانا‌تر نبود» وباهمه ادیان مباحثه و مناظره مینمودند وازراه «جادلهم بالتی‌هی‌احسن» همه را فریفته مکارم اخلاقی اسلام مینمودند - ابن خلکان میگوید واصل بن عطا کتابی درنشردعوت دین تالیف کرده است .

یکدسته ازمردم ازروی منطق علم و کلام دین‌اسلام راقبول کردند واکثریت بیشتری که پس‌از امپراطوری اسلام‌هم تاکنون باین طریق بود ازروی مکارم اخلاق وتاریخ ورفتار پیغمبر وصحابه‌وائمه دین‌علیهم صلوات الله اجمعین و طریقه سیروسلوك آنها دراین زندگی اجتماعی باسلام گرویده‌اند «ابن‌خلکان میگوید هنگام مرك احمدبن حنبل ۲۰ هزارشخص مجوس و مسیحی و کلیمی مسلمان شدند» ازراه تصوف یازهد وتقوی ووعظ واندرز نیز اسلام منتشرمیشد .

این عمل رااخیرا در رحلت آیت‌الله شیخ‌مرتضی انصاری قدس‌سره مشاهده کرده‌اند که گروهی بسیار ازروی زهد وتقوی‌این مجدددین وپیشوای بزرك باسلام گرویدند یهود گفتند مظهر کامل‌حضرت موسی نصاری‌میگفتند گوئی‌حضرت‌عیسی بوده‌است: نویسنده‌خود بسیاردیده که گروهی هنگام‌فوت‌بزرگان علمای اسلام قبول دین کرده‌اند .

درحلقه دروس وعظ ابوالقاسم جنید یك جوان مسیحی حاضرشد وهمانجا اسلام قبول کرد - و پس ازآن جمعیتی‌توسط ابی‌الفرج‌بن جوزی که ازمورخین بزرك اسلام است مسلمان شدند - خلفای بنی‌عباس برای نشر اسلام بهترین وهوشیارترین طبقات ودارای روحانیت وعلم و دانش بودند مامون نسبت بتمام خلفا بیشتردرنشردین وتربیت دینی میکوشید . ازیکطرف علماء و متکلمین اطراف او جمع شده ومبادی اسلام را درمعرض‌بحث وترویج میگذاشتند ، ازجهت دیگرخود اوباسپاه‌خویش بتوسعه ونشراسلام میکوشید بلاذری مینویسد چون خلافت بمامون رسید سپاه خود را برای جنك **سغد و اشروسنه**) وکسانیکه درفرغانه تمرد کرده بودند فرستاد وجنك درپی‌جنك - غارت درپی غارت برپابود ودرضمن این پیکارمردم انسر زمین را باسلام دعوت وتشویق میکردند ومردم‌خردمند را بکارمندی دولت خود دعوت میکرد که بشرط اسلام‌کارهای حساس بدهد وآنهارا مشمول عنایت و لطف خود قراردهد وچنین هم میکرد اینك برای نمونه یك بحث علمی اورا نقل‌میکنیم .

مناظره‌مامون باعلاءالدین درنشرحقایق‌اسلام(۱) درکتاب‌زندگانی امیرالمومنین(ع)وزندگانی امام‌رضا(ع) نقل کرده‌ایم .

مامون هرکس که بدست اواسلام قبول میکرد بسجده شکر می‌افتاد وبحاضرین میگفت - بی‌اندازه درحق این تازه‌مسلمان مهرومحبت نمایند مبادا دشمنان اسلام بگویند ازروی طمع یاترس مسلمان شده است :

اسلام دراواخرعباسیان همه جارا گرفته بود وعده مسیحیان نسبت‌بمسلمین خیلی کم بود .

۱- ازترجمه قضاء امیرالمومنین ع

«اگر جمعیت دنیا را در آنعصر یکهزار ملیون فرض کنیم تحقیقاً بیش از ۲/۳ آن ها مسلمان بودند»

زیرا غیر از چینی و ژاپنی و مقداری روسهای سفید و کمی از ملل مسیحی اروپا باکثر مردم آسیا - افریقا و بیشتر اروپا مسلمان بودند.» چه مردم اروپا که مرکزیت آنها در اسپانیا بود اکثر باسلام گرویدند وعدهٔ مسیحی بواسطه داخل شدن در دین اسلام کم شده بود و آنها اسلام را از روی اجبار و اکراه نپذیرفته بلکه چون کلیه ملل آزاد بودند ازروی میل و اراده باسلام روی میآوردند (۱) وبرخی برای احراز جاه ومقام که خلفا وعده میدادند اسلامی پذیرفتند مانند گاووس پادشاه اشروسنه و فرزندش حیدر افشین که اسلام را برای کرسی‌های ریاست پذیرفتند: وخلفاء چون آنها مقام خدمت داشتند محترم شمرد و بآنها منصب ومقامی داد.

جهشیاری نقل میکند که «فضل بن سهل مجوس کتابی از فارسی بتازی ترجمه و بنام یحیی بن خالد برمکی نمود یحیی خرسند شده باو گفت من ترا باهوش و لیاقت می‌بینم مقامات ارجمند خواهی رسید بشرط قبول اسلام - فضل گفت آری بدست توقبول دین میکنم یحیی گفت غلامش اورا نزد مامون برد که تحت سرپرستی او بود بدست مامون مسلمان شده واین مرد همان کس بود که بعد وزیر مامون شد وبلقب ذوالریاستین ملقب گردید،

تاثیر اسلام درمسیحیت ویهودیت بسیار عمیق بود وجنبشی بین دانشمندان آن دوقوم ایجاد کرد واین جنبشها همه بنفع اسلام تمام شد وبسیاری باسلام گرویدند ویکی از عوامل پیشرفت دین بت‌شکنی وحرمت مجسمه وتمثال وصلیب وصورت بت وغیره بود.

بخاری ومسلم هردو ازعایشه روایت کرده‌اند که پیغمبر اکرم ص ازسفر برگشته بود دید که من پردهٔ دارای چندصورت برجسته آویخته بودم آنرا انداخت وکشید ورنگش تغییر یافت سپس فرمود ای عایشه کسانیکه باخدا درخلقت مشارکت میکنند دچار سخت‌ترین عذاب‌ها خواهند شد - عایشه گفت آن پرده را پاره‌پاره کردیم وازآن بالش دوختیم(۲)

ازاین احادیث دراسلام بسیاراست که بابت‌پرستی وصورت مجسمه و تثلیث وغیره سخت مبارزه وپیکار کرده وبشر را بتوحید و کمال راهنمائی فرموده‌است باری ملل مختلف جهان که باسلام میگرویدند ساده گی دین وبی آلایش زندگی وآسانی فهم قرآن وحدیث وعمل پرهیزکارانه مسلمانان میدیدند وباسلام پناه میآوردند واین حدیث رانقل میکنند - فرموده «این دین سهل وآسان است هرکه بخواهد آنرا سخت نماید مغلوب میشود» ونیز فرمود.

ای مسلمانان این دین سهل وآسان است برخود سخت مگیرید تابرشما سخت نیاید زیرا قومی که درصومعه ودیرزیست میکنند بسختی زندگانی کرده برای خود رهبانیت انتخاب کرده‌اند ماچنین رسمی را برآنها تحمیل نکرده‌ایم»

قاسم بن محمد خز میپوشید. سالم بن عبدالله لباس پشمی داشت هردوهم درمسجد مدینه مینشستند هیچیک بردیگری ایراد نمیگرفتند.

عبدالله بن عمر روزه میگرفت وافطار نمیکرد شب‌هارا هم بعبادت زنده میداشت حق زن خودرا هم ادا نمیکرد پیغمبر ص را ازحالت او آگاه کردند فرمود «ای عبدالله تومقتدای خوبی داری که پیغمبر باشد باید ازاو پیروی کنی- پیغمبر روزه میگیرد وافطار میکند وگوشت میخورد وحق زن را ادا

۱- ضحی الاسلام صفحه ۳۸۱ ۲- ضحی اسلام صفحه ۳۸۴

مینماید . ای عبدالله بدان که خداحقی دارد ـ پیغمبرتوهم حقی‌دارد ـ زن توهم حقی دارد که باید تمام آنهارا اداکنی ..

پیشوای اسلام میفرمود اومیباید ازتمام غرائزطبیعی خود بدون فوت هیچیك حداکثراستفاده را درزندگانی فردی واجتماعی بنماید واین‌همان معنی‌آدمیت وانسانیت است :

درتربیت‌های دینی مهمترازهمه طریقه دعوت قرآن‌بود که بدوطریق بشررا باسلام دعوت‌میکرد یکی توجه بعالم وجود ودیگری بتاریخ چون انسان بعالم توجه و درخلقت تفکر کند ایمان او قوی میشود ـ توجه اندیشه وفکربشر رابعالم وموجودات جوی وبری و بحری جلب میکند ـ وزش باد جنبش‌ابر ـ خلقت شتر ـ بلندی آسمان ـ استواری کوهها ـ همواری زمین وغیره از یکطرف و سیر تاریخی روزگار ودعوت‌انبیاء عظام وتوجه بطبقات مختلفه بشر ازعالی ودانی ـ عالم ونادان واحتیاج مبرم تبلیغ روحی ودعوت معنوی تنها وسیله جلب مردم ونیت مسلمین بود تمام ملل‌اسلامی که‌تحت لوای اسلام زیست میکردندبقوانین ونظامات واصول آن عمل میکردند بدین سبب اختلاف وامتیاز وتباین مابین ملل اندك اندك ناپدید واتحاد اسلام ویگانگی یك ملت مسلمان جایگزین گردید این اتحاد که ملل مختلفه رابیك صورت ویك رنك درآورده بود درزمان بنی‌عباس توسعه‌کامل یافت و بادوره اموی که رنك دینی نداشت بسیار فرق وبس‌امتیازکامل پیدا کرد .

اسلام درشئون مختلفه مردم درسیاست واداره امور تاثیر مهم پیدا کرد مردم هم عادات ورسوم خودراداخل اسلام نمود ورنك اسلامی دادندوهمه با یك قانون اجتماعی دینی زندگانی‌میکردند اسلام درمکه دین‌محض وخالص بود درمدینه دین وحکومت بود ـ دربغداد دین وسیاست وتمدن‌بود وهمچنین درسایر ممالك که تحت اداره حکومت‌اسلامی‌بود مظهرتکامل دین وسیاست وتمدن گردیده وسبب توجه واستقبال ملل‌غیرمسلمان شد زیرا مردم هرجابودند آثار رافت،رحمت،شفقت ـ ساده گی . دین سیاست ـ مدنیت واحوال واوضاع و قوانین دین و تعلیمات قرآن را میدیدند و اسلام قبول میکردند درخانه وبازار وحمام وکوچه وخیابان وبیابان ـ در محاکم ـ درمعاملات تجاری ـ در تربیت وتعلیم وکلیه امور زندگی وشئون اجتماعی تحت‌تاثیراسلام واقع میشدند واسلام‌را از روی علاقه ومیل می‌پذیرفتند واین‌وضع‌قریب ده قرن است ادامه دارد وهرروز درجراید عالم میخوانیم که گروهی باسلام خود بخود گرویده‌اند و آداب و تعلیمات دینی را فرا گرفته و بدان عمل کرده‌اند .

تربیت دینی‌اسلام اختصاصی بآموزشگاه ومدرسه نداشت درتمام شئون زندگی ازدربار خلافت تاگوشه و زوایای بازار وبیرون شهر همه‌جا صحبت‌ازدین وتربیت دینی‌وتشویق وتحریض مردم ببیشتر علم ودین بود که **الناس‌علی دین‌ملوکهم** ولذا این‌سیره‌درتمام ۴۴ کشور اسلامی انعصرمیان‌همه‌مردم رواج‌کامل داشت وبیش‌ازششصدملیون. نفر مسلمانان دنیا همه‌جا ازدین وتربیت دینی سخن‌میراندند واین اثررا بجای گذاشت که امروز بزرگترین دین محکم بشری شناخته شده است .

اسلام درحملات مغول‌وچنگیزوتاتار که‌قوم وحشی‌صحرانشین بودنداثری عمیق کردجمعی بسیار ازآنهاباسلام گرویدند غازان‌خان مسلمانی‌شد که خدمات بسیاری‌باسلام نمود تیمورمسلمان‌متعصبی شد اولادش ازمفاخر مسلمین بشماررفتند ـ دراین عصرهم‌مردم جهان ازآلمانی وانگلیسی‌وامریکائی هرروزجمعی‌باسلام رومیاورند واین دین‌رااستقبال میکننند بدون‌آنکه مبلغی داشته باشد یاتظاهراتی

نشان دهد حقیقت دین خود بخود جای خود را در میان ملل مترقی باز کرده و روز افزون توسعه می‌یابد.

نمونهٔ از تربیت اسلام

روزی برای یکی‌از یاران پیغمبر ص کله گوسفندی ازطرف یکی‌از برادران متمکن او هدیه آوردند زن و فرزندانش که مدتها بود بواسطه مهاجرت وفاداری بخوراك گوشت دست نیافته بودند از رسیدن این تحفه بهدیه شادمان گردیدند.

لیکن آن‌مرد مسلمان اندکی اندیشید آنگاه نام‌یکی دیگر از یاران پیغمبر را یادکرد و بزن وفرزند خویش گفت که من آگاهم که آن برادر مسلمان ما نیازمند است وباین کله گوسفند بیش‌از مااحتیاج دارد ومدت جریان اواز ماطولانی‌تر است باکمال میل وخرمی گشاده روئی‌آن تحفه‌را برای شخص دیگر هدیه بردند اونیز باهمین حساب دیگری رامستحق‌تر تشخیص داد وخود وفرزندان راواز آن محروم ساخت وبرای شخص ثالثی فرستادکه مدتها بود پختنی نخورده بود و بهمین صورت وبرهمین روش این کله گوسفند تاده‌خانه گردش کرد وپس‌از آن بخانه شخص اولی هدیه فرستاده شد.

زیرا بنظر آن مسلمان دهمی استحقاق اولی بیشتر بود و چون همه براین قضیه واقف شدند باهم آن‌کله گوسفند رامصرف کردند.

ملاحظه کنید حس نوع دوستی وایثار ومقدم داشتن دیگری‌برخود درمیان مسلمین‌تاچه حدی بوده‌است‌روزی خبرآوردند که فرزندعمربرسم جاهلیت شراب خورده دستور داد اورا حدزدند.

روزی **جبلة بن ایهم** که از اشراف عرب وپادشاه قبیله غسان بود برای ملاقات عمر بمدینه آمد دربازار ازمردی عرب تنه‌خورد وبراو سیلی‌زد عرب نزدخلیفه‌شکایت کرد.

خلیفه جبله را دعوت برای محاکمه نمود و او را بین قصاص و رضایت عرب تکلیف کرد.

جمیله گفت مقام‌من بالاتر ازآن عرب است.

عمر گفت دربرابر قانون اسلام همه مساوی هستند قانون و حق و عدالت اسلامی فرقی میان او وآن شخص نگذاشته سیاه وسفید ـ شرقی وغربی ـ عالی ودانی پاذشاه ورعیت همه برابر قانون دوش بدوش‌هم باید بنشینند.

جبله فرار کرد وبروم رفت و آنجا دچار شکنجه های سخت شد وهمیشه براین فرار تأسف می خورد.

علی بن ابیطالب برادرش عقیل را که بیش از دیگران از صندوق بیت‌المال مطالبه میکرد دست اورا داغ نمود ـ ودخترش راکه گردن‌بندی‌از بیت المال بعاریه گرفته بود. تهدید فرمود

امیر المؤمنین علی‌ص در حکمی که بنام قثم بن عباس فرماندار حجاز صادر فرمود چنین فرمان میدهد.

برخیز آنچنانکه سزاوار است دامن برکمر زن وحقایق دین‌را بیان کن و اصول

برابری و مساوات و مواسات راکه سرلوحه قانون مقدس اسلام است در خاطر عموم بنشان.

مردی داشت بجنگ میرفت مادرش اجازه نمیداد نزد پیغمبر آمد وفرمود اول اجازه مادر را کسب کن وبعد بجنگ برو اگر مادر اجازه نداد نباید بمیدان جنك بروی.

مردی درجنك بدرمیدان آمده مبارز طلبید پیغمبر یکی از صحابه را فرمود بمیدان او برو چون نزدیك شدمعلوم شدپدرش میباشدخیلی بااوصحبت کردهیچکدام نتوانستندیکدیگرراقانع کنند. خواست او رابکشد دید بکشتن پدر بدون اجازه پیغمبر دلرا راضی نمیکند نزد رسول خدا رفت پیشوای اسلام فرمود تو پدر رامکش بگذار دیگری او را بکشد و صحابی دیگر رابمیدان او فرستاد آن کافر بت‌پرست را کشت.

از این نمونه های اخلاقی **در مکتب اسلام فراوان دیده میشود** مسلمین بااین ترتیب مهذب توانستند برجهان بشریت چیره گردند.

اخلاق وآداب وفضایل نفسانی بی‌نیازی و خلوص ارادت دینداری واقعی بی‌نظیری آنها بودکه هرملت مغلوبی راتسلیم فضایل نفسانی مسلمین میکرد. وآنها بزودی بردنیای آنعصر دست یافتند ودین مقدس اسلام درهر کشوری رفت باقی و برقرار ماند.

اصول دین اسلام که ارکان دانش وبینش است و فروع دین که آمیخته بعبادت وفضیلت است و قوانین حقوقی وجزائی وعقود وایقاعات واحکام وحدود اسلام که برای اداره امور معیشت‌بشر بهترین وجامع‌ترین برنامه زندگی وآئین سعادت وکامیابی بشر شناخته شد جلب توجه خردمندان جهان‌را کرد بطوری که از قرآن استقبال کردند وخود بخود باسلام گرویدند واز جان و دل دین مقدس اسلام راپذیرفتند ودرنشر وانتشار آن کوشیدند.

سیره اصحاب

محمد رشید رضا صاحب مجله المنار و کتاب وحی محمدی مینویسد:

درباره اصحاب ویاران پیغمبر گفته‌اند:

هر کس هنگام شب بر خانهای آنها میگذشت صدای تلاوت قرآن را میشنید وبعضی از آنها بقدری زیاده‌روی میکردند که تمام شب‌را بعبادت نماز و خواندن قرآن مشغول بودند تاآنکه زنهای آنها به‌پیغمبر ص شکایت کردند وپیغمبر ص آن هارا ازاین عمل منع کرد وآنهارا بکسب معاش و تقسیم کار روزانه موظف‌ومأمور فرمود.

خود پیغمبر درهرشبی ۱۱ رکعت نماز میخواند ودرنماز بقدری طول میداد که پنجه پاهایش باد آورد وبهمین جهت خداوند عالم برای ارفاق باوسوره (طه) رافرود آورد فرمود.

(طه) ما انزلنا علیك القرآن لتشقی الا تذکرة لمن‌یخشی آیه ۲۰-۲۱

این تربیت عالی که تمام مفاسد و تباهکاری های دوره جاهلیت و کفر را از وجود مسلمین و مخصوصاً یاران پیغمبر ص برطرف ساخت وآنهارا پاکیزه وبی‌آلایش نمود و بزرگترین کوشش و جنبش روحی واجتماعی ودینی رادر عالم‌ایجاد کرد. ص۱۶۰

مسلمین درهرحال قرآن میخواندند درراه رفتن- نشسته - خوابیده - درحین عمل بکاروکسب درمیدان جنك همواره باین تربیت عالی رشد ونمو کردند چنانچه قرآن‌هم میفرماید.

الذین یذکرون‌الله قیاماً وقعوداً وعلی جنوبهم ۱۳-۱۹۱

ان الذین یحادون الله ورسوله اولئك فی الاذلین کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ۲۱ سوره مجادله ۵۸

هر کس مخالفت کند اوامر خدا ورسول او را باذلت و زبونی دردنیا بسر خواهد برد و سیاه روی درآخرت خواهد شد.

در لوح محفوظ پروردگار نوشته شده است وحکم قطعی است که من بارسولان خود درهر حال غالب برمخالفین هستم آری پروردگار نیرومند وتوانا عزیز است.

الذین آمنو اولم یلبسو ایمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون ۸۲
و تلك حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه یرفع درجات من نشاء ان ربك حکیم علیم ۸۳ سوره انعام

ان کسانی که ایمان بوحدانیت خدا آورده‌اند و لباس ایمان خودرا بظلم و شرك نیامیخته‌اند آنها دارای امنیت وایمنی ازعذاب هستند وآنها رستگارند.

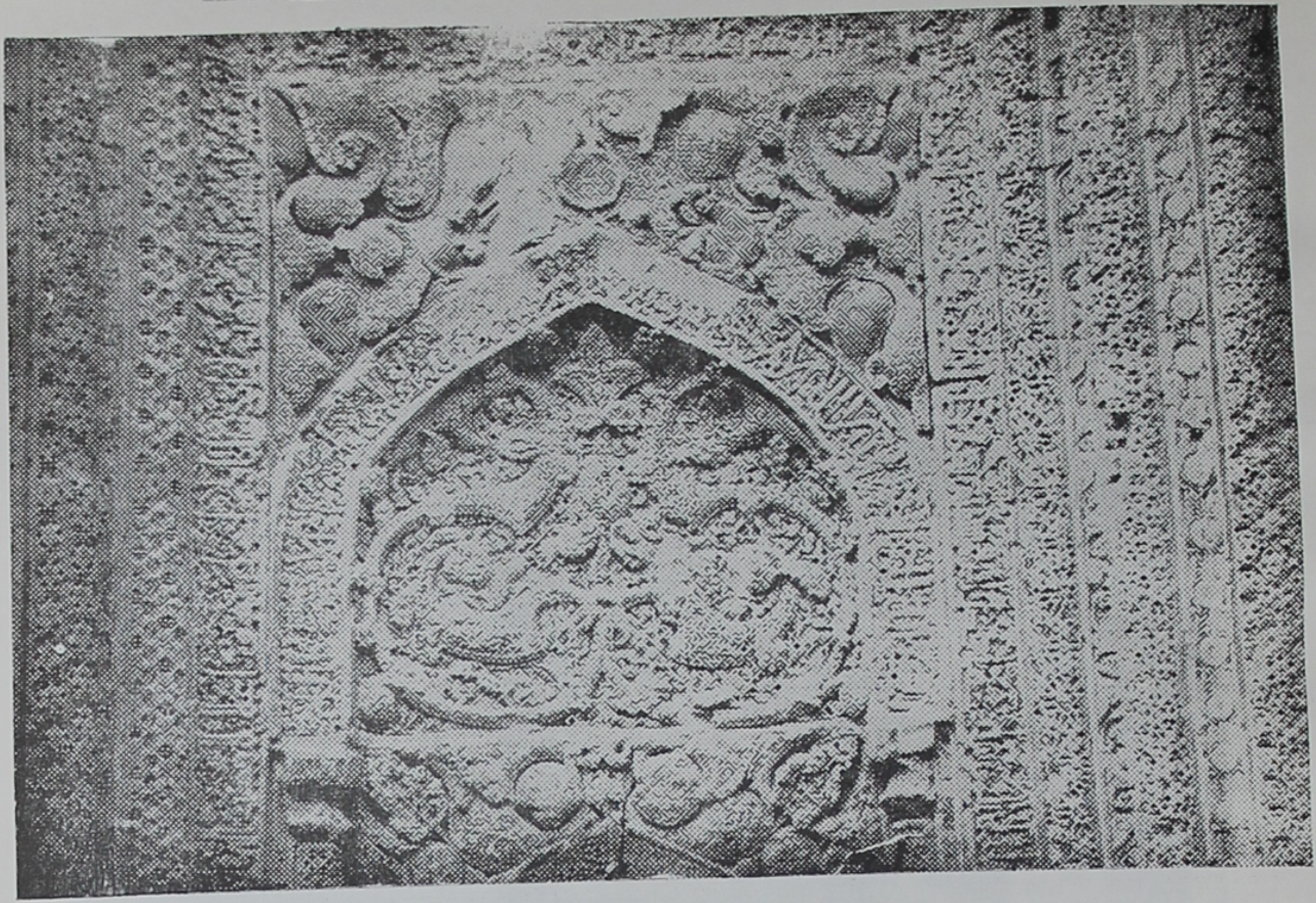
اینهاحجت ما بود که باابراهیم دادیم برقوم خود خواند ماهستیم که بلندمیکنیم درجات هر کس که شایستگی دارد پروردگار توای محمد حکیم وعلیم است.

مسلمین درفتوحات وجهانگیری آیات قرآن رامیخواندند و چیزی را فراموش نمیکردند بهم یادآور میشدند مخالفت باقران نمیکردند درغلبه غیراز هدف اصلی خودکه نشردین بود غرض نداشتند بمال ومکنت وجاه ومقام بی‌اعتنا بودند از کشتن و کشته‌شدن هراس نداشتند این جهاد مقدس رابمنت نهادن واذیت کردن نمی‌آلودند ستم‌وجور نمیکردند توقع مال ومقامی نداشتند مهم ترازهمه این بودکه بناموس ملت‌مغلوب ولواسیر باشد بچشم خصومت‌ودشمنی یاشهوت نمینگریستند باآن که‌درجنك بودندوازنان‌خوددور بودندو بزنان‌مغلوب دنیادست‌یافته‌بودند دیده‌وشنیده نشد که‌مرتکب خیانتی شوند ودرناموس‌تعدی‌واجحاف کنند دریك‌مورد که‌خالد بن‌ولیدنسبت بمالك بن نویره جسارت کرد پیغمبر ص ازاو بیزاری جست و او را بخدا واگذاشت فرمود من از عمل‌او راضی نیستم بناموس ملت‌مغلوب جسارت کنید دست تعدی بمال وزن وفرزند کسی هرگز دراز نمیکردند اموال ملل مغلوب را بغنیمت میبردند دربیت‌المال تاخلیفه تکلیف آن‌را معین کند و اسرارانیز باکمال مصونیت میبردندواکثر اسرا و مخصوصاً زنان آزاد میشدند هیچگاه مسلمین جنحه و جنایاتی که سایر مهاجمین جهان داشته مرتکب نشدند و این رمز موفقیت وپیشرفت اسلام بوده‌است.

ان هذه امتکم امة واحده

وحدت اسلام سبب فتوحات حیرت انگیز آنهاشد

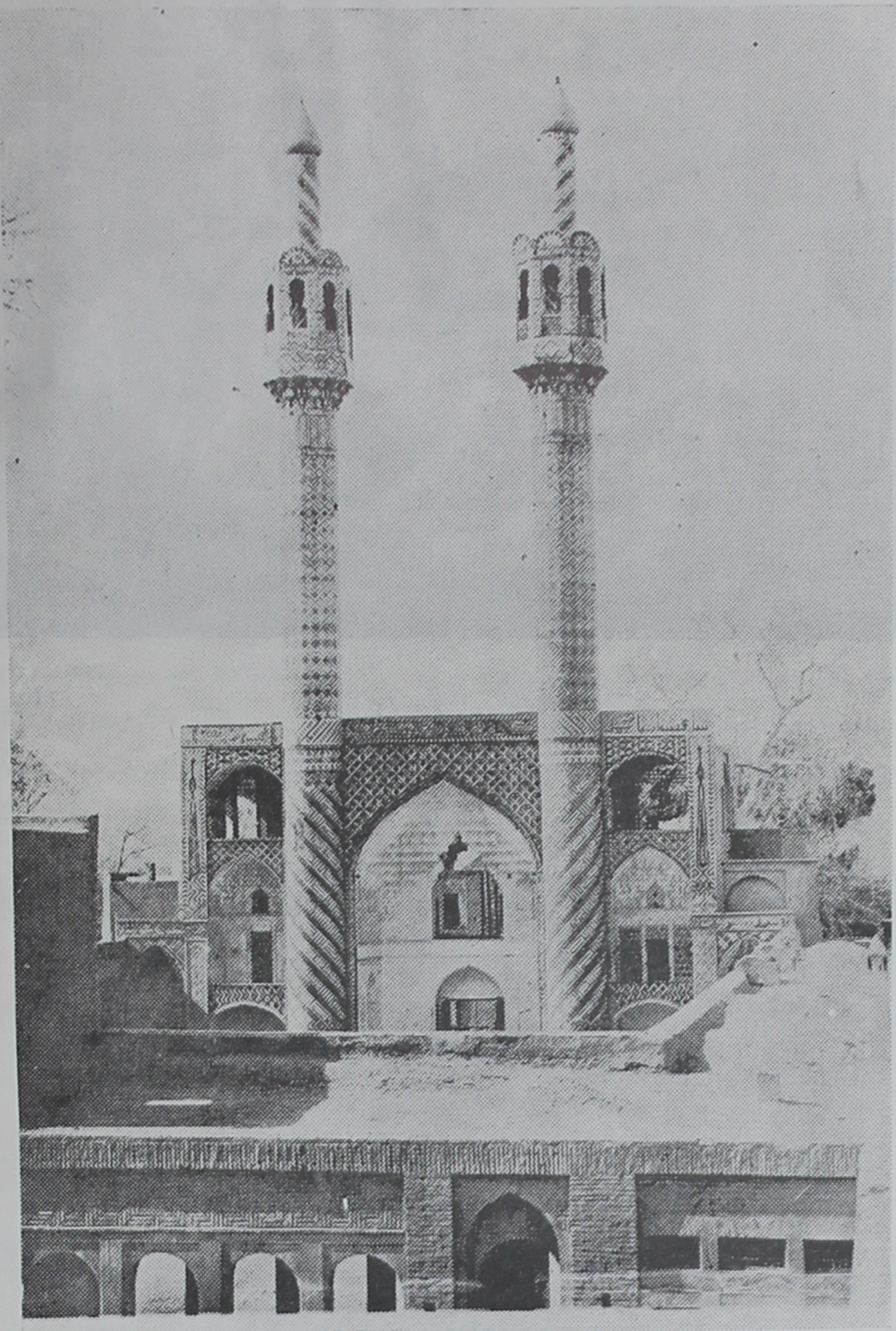
درباره وحدت پیشوای اسلام درخلال آیات کریمه قرآن واحادیث خود پیروان دین رایکرنگی ووحدت تشویق وترغیب فرمود وراز موفقیت رادر این اتحاد واتفاق قرار داده وفرمود توحید همان وحدت کلمه‌است که همه‌بشر بایك آهنك خدارا حقیقی بپرستند وعبادت کنند.



(ش۲۶) مسجد علومان همدان



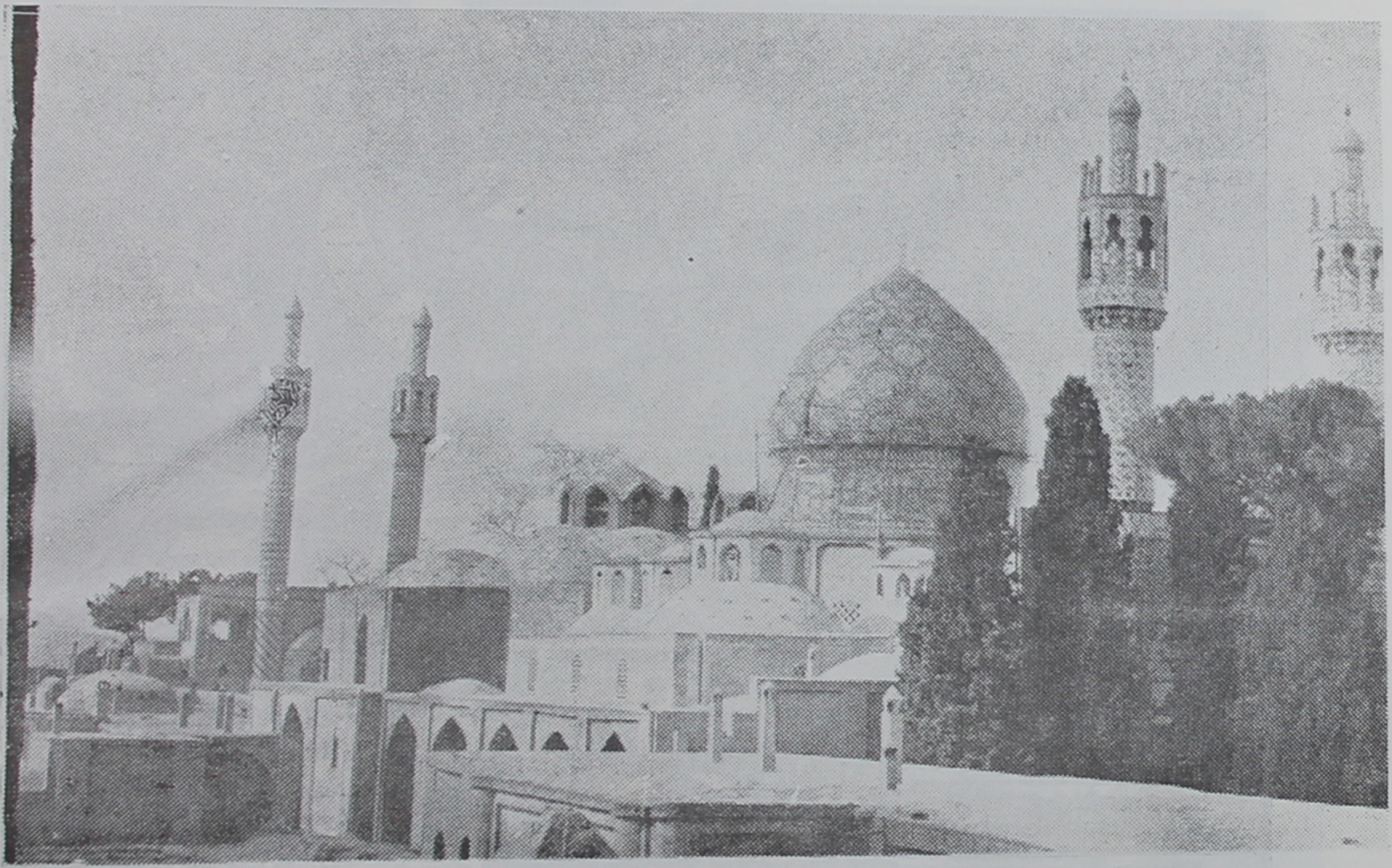
(ش۲۷) منار مسجدجامع نطنز



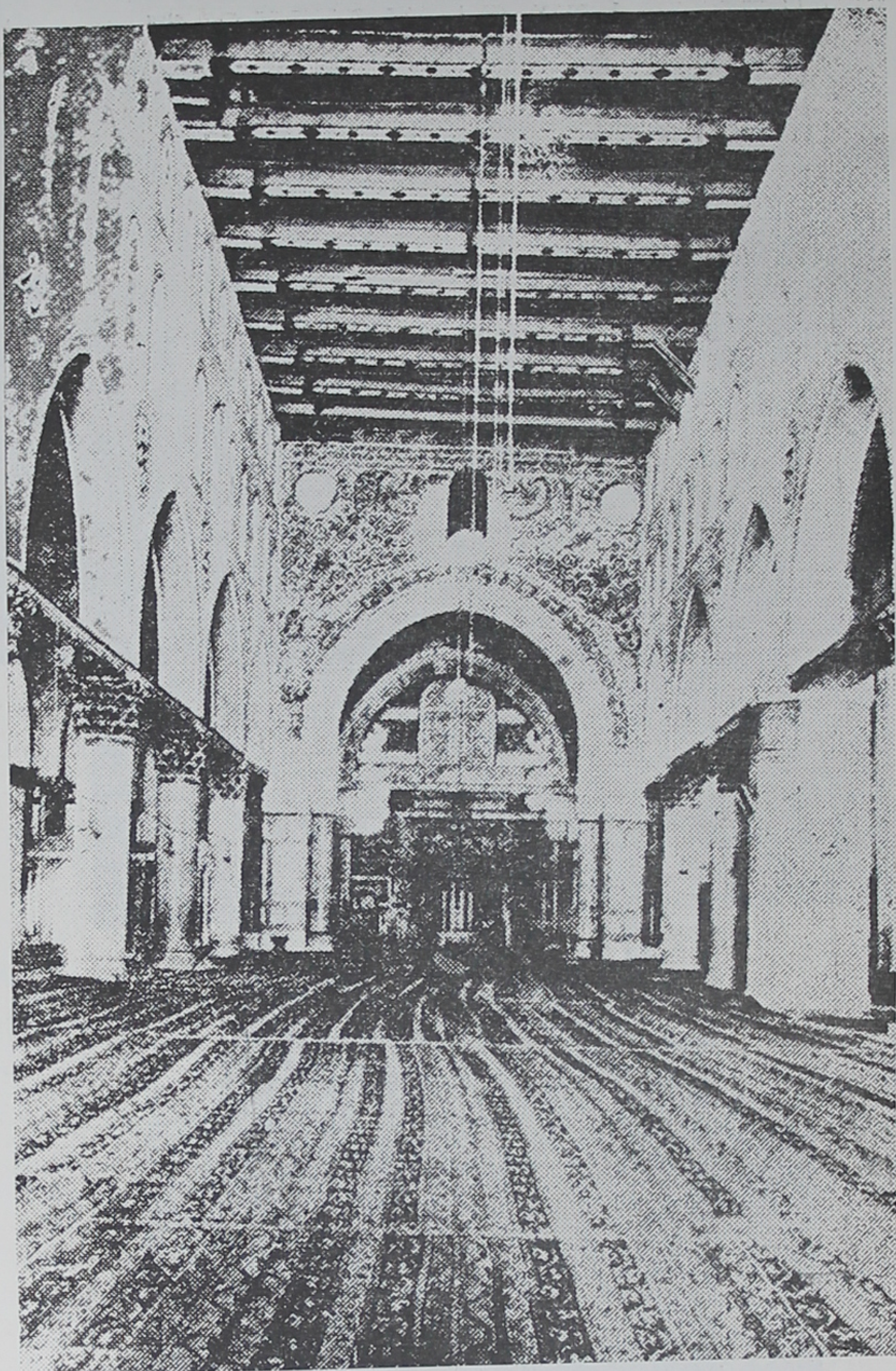
(ش۲۸) باغ ومنارهای مسجد تاریخی ماهان کرمان



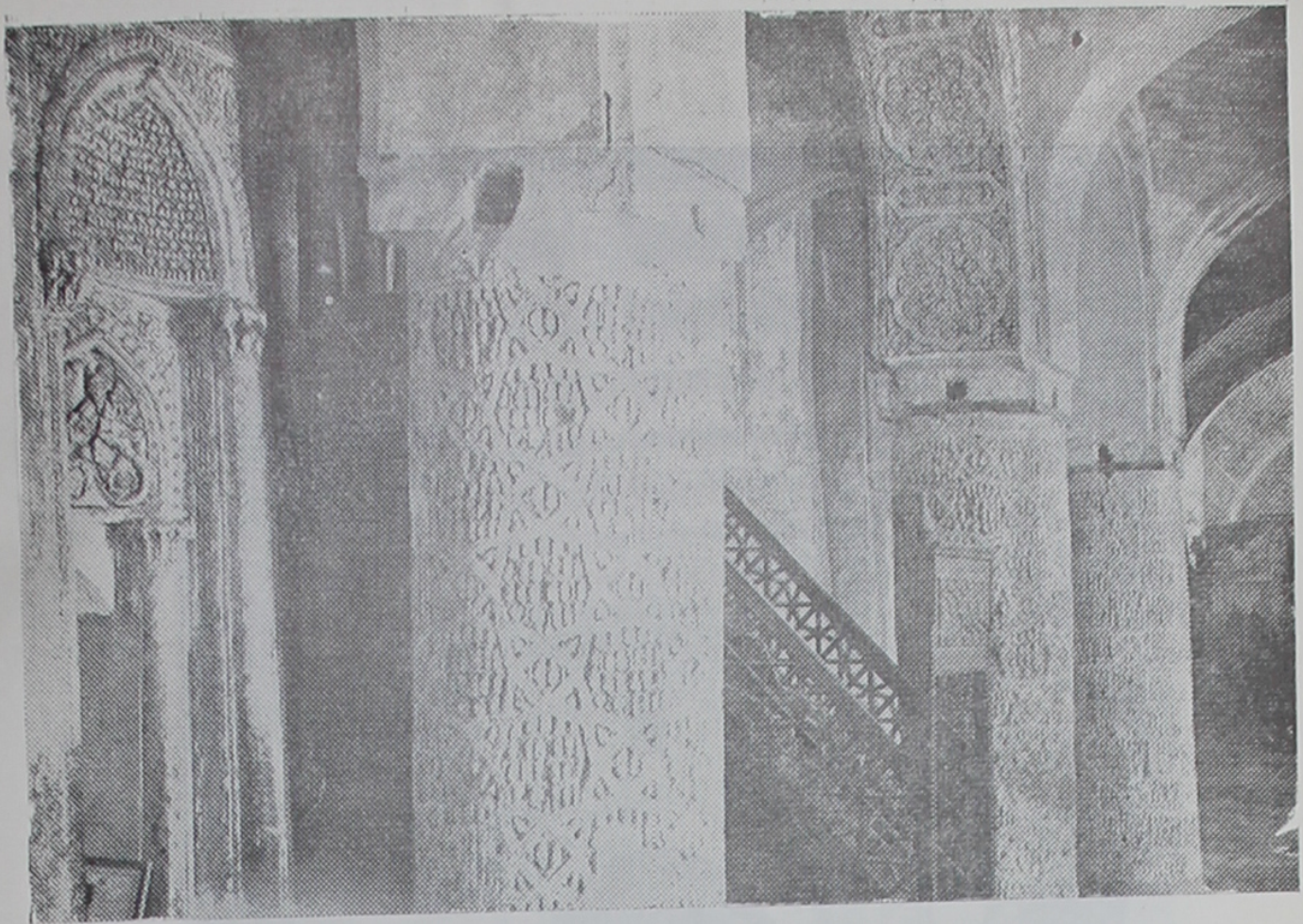
(ش۲۹) طاقهای مقدس مسجد قرطبه در اسپانیا



(ش ۳۰) مسجد ماهان کرمان و قبر شاه نعمت‌الله

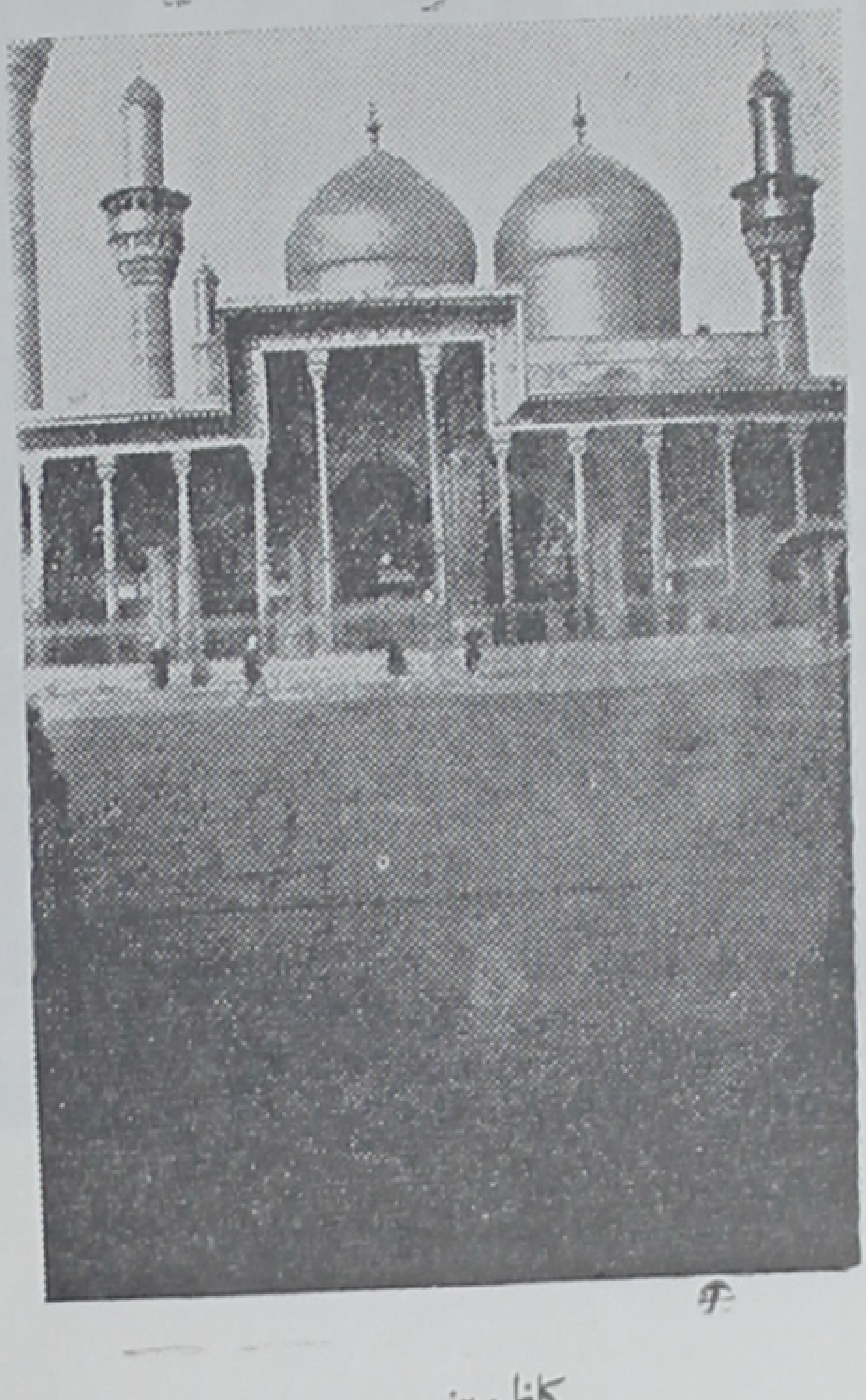


(ش ۳۱) داخل مسجد اقصی از آثار مسلمین



(ش۳۲)

مسجد نائین

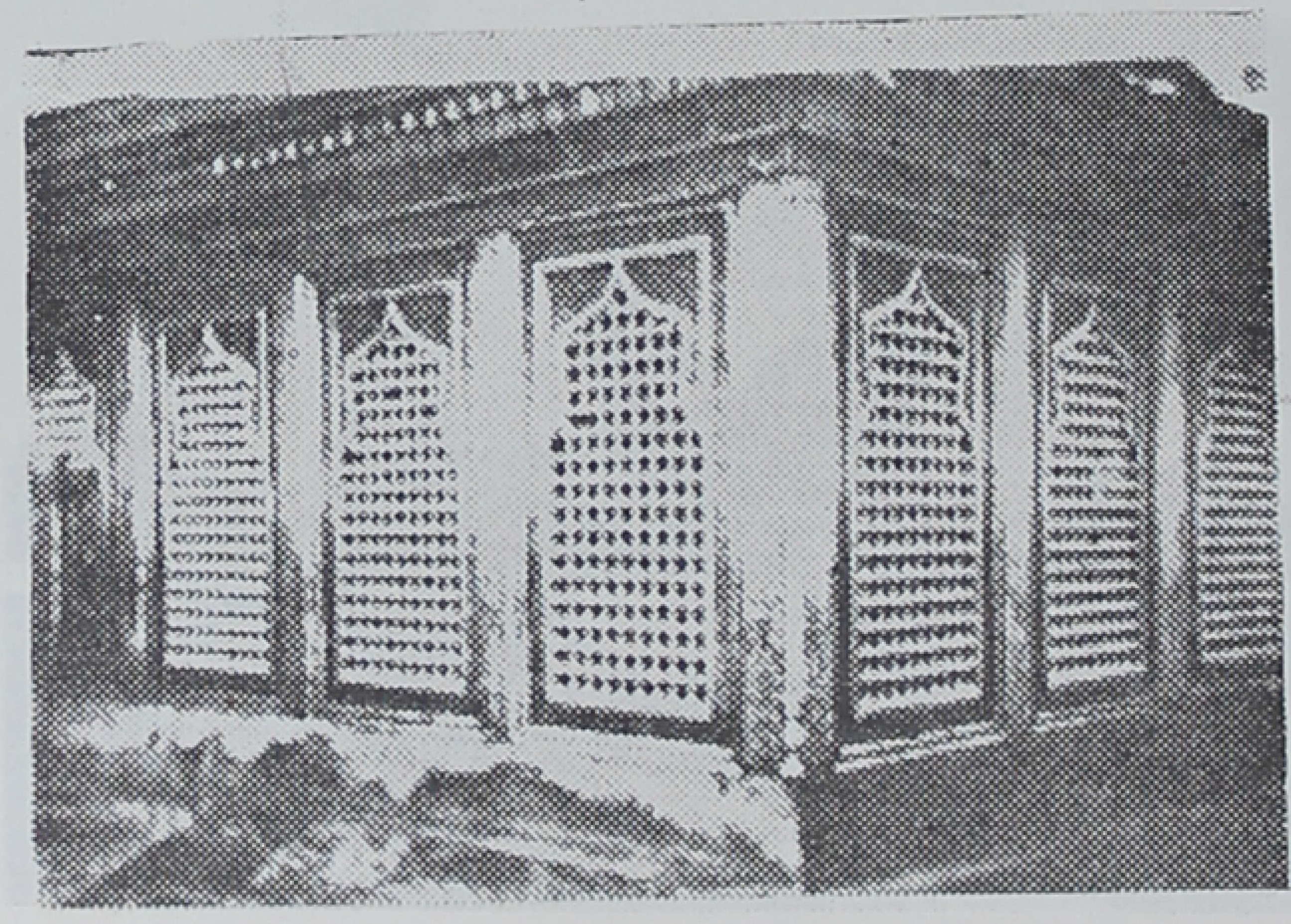


(ش۳۳)

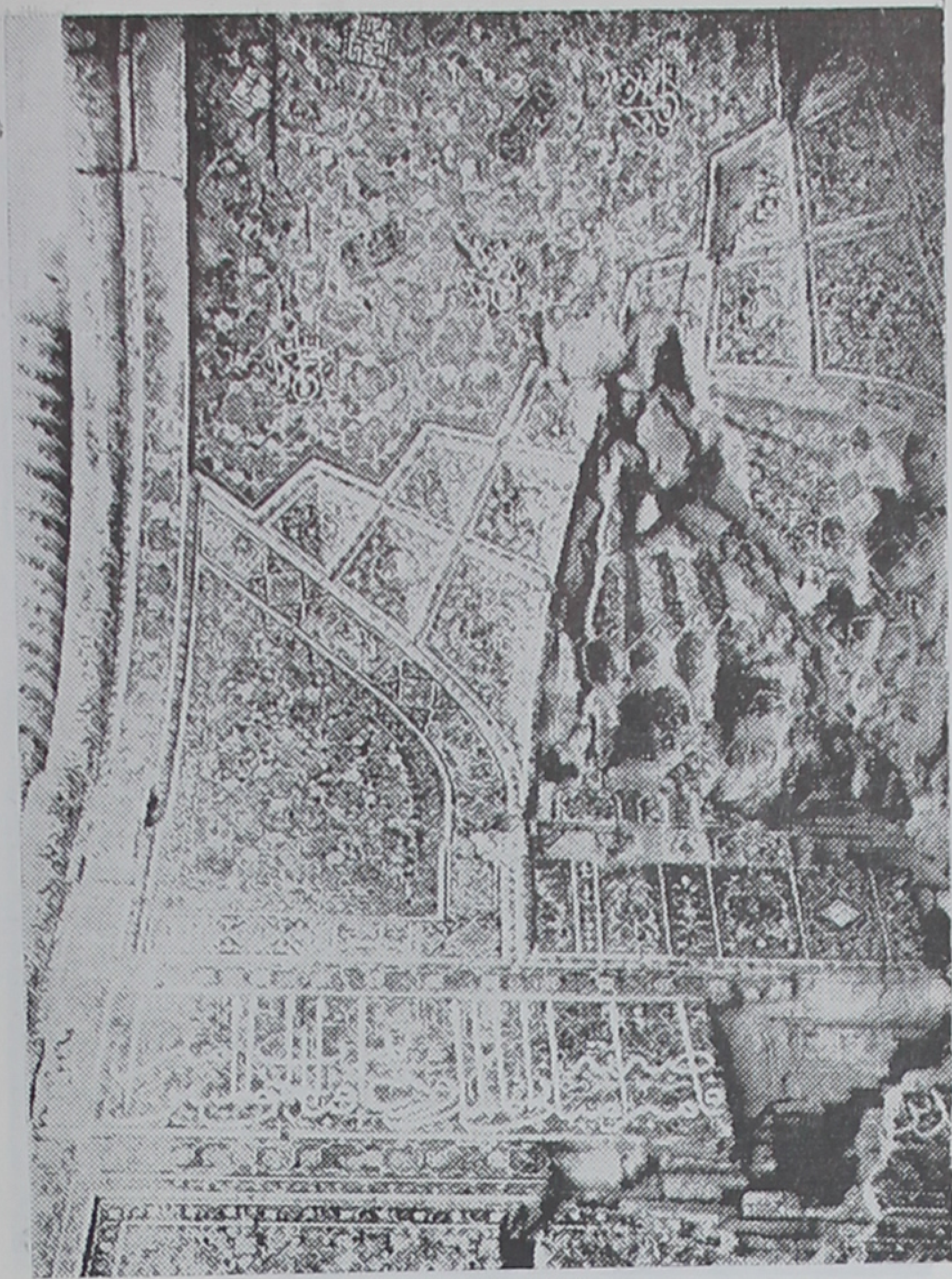
کاظمین



(ش ۳٤) مسجد حیدریه قزوین



(ش ۳٥) ضریح سیدالشهداء



(ش ۳۶) مسجد جامع تبریز



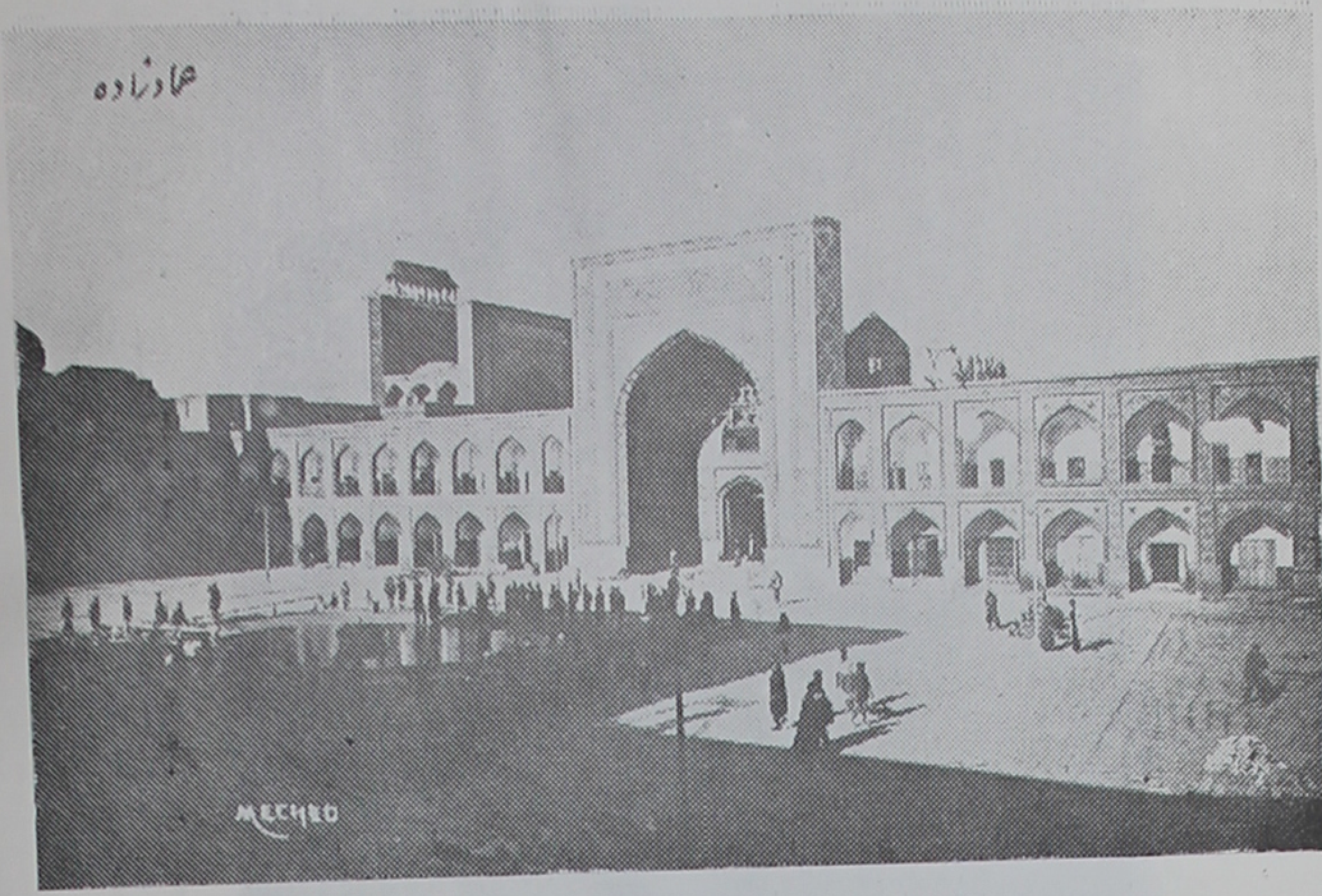
(ش ۳۷) کاظمین



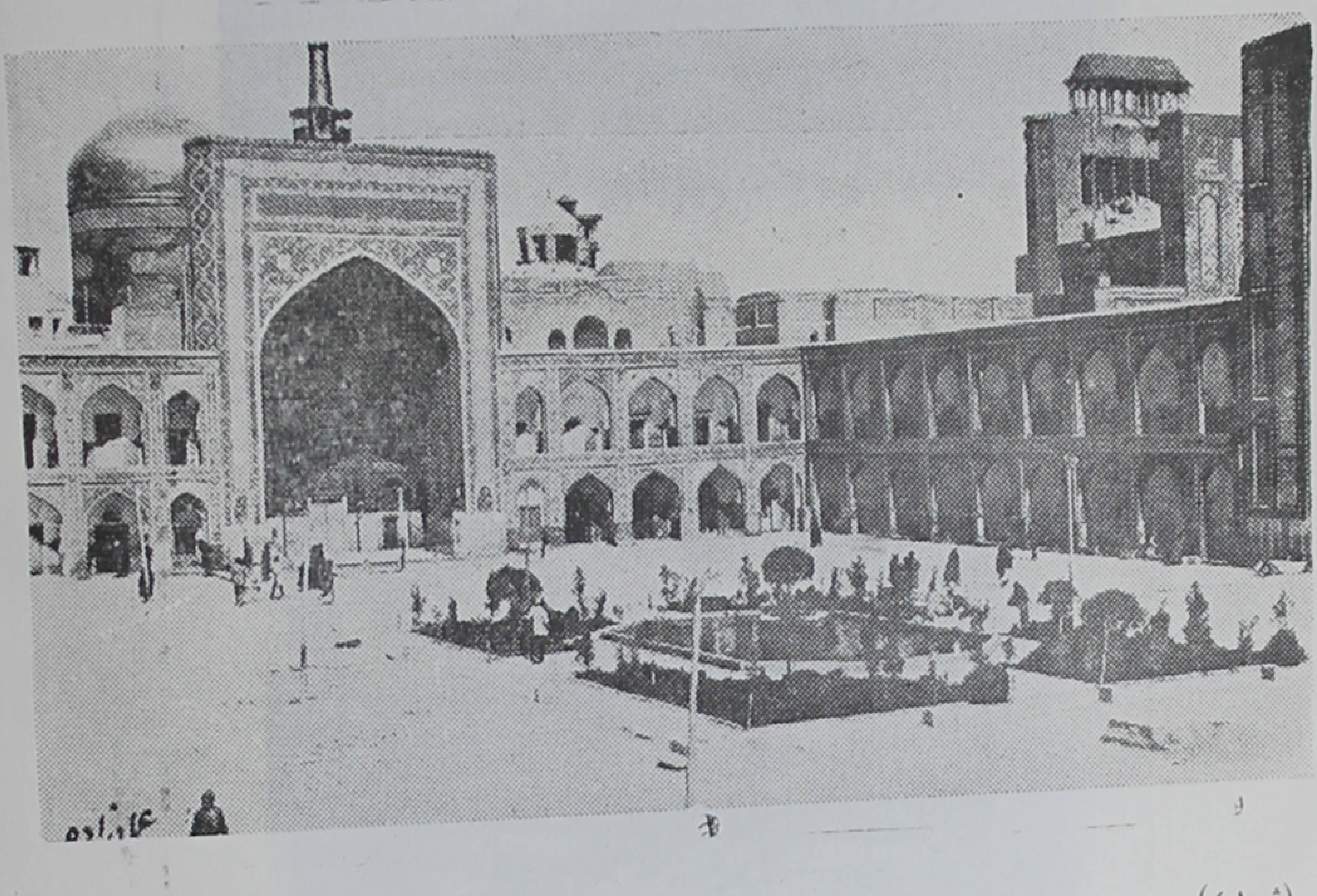
(ش۳۸) گنبد مسجد قدمگاه



(ش۳۹) ضریح امام حسین

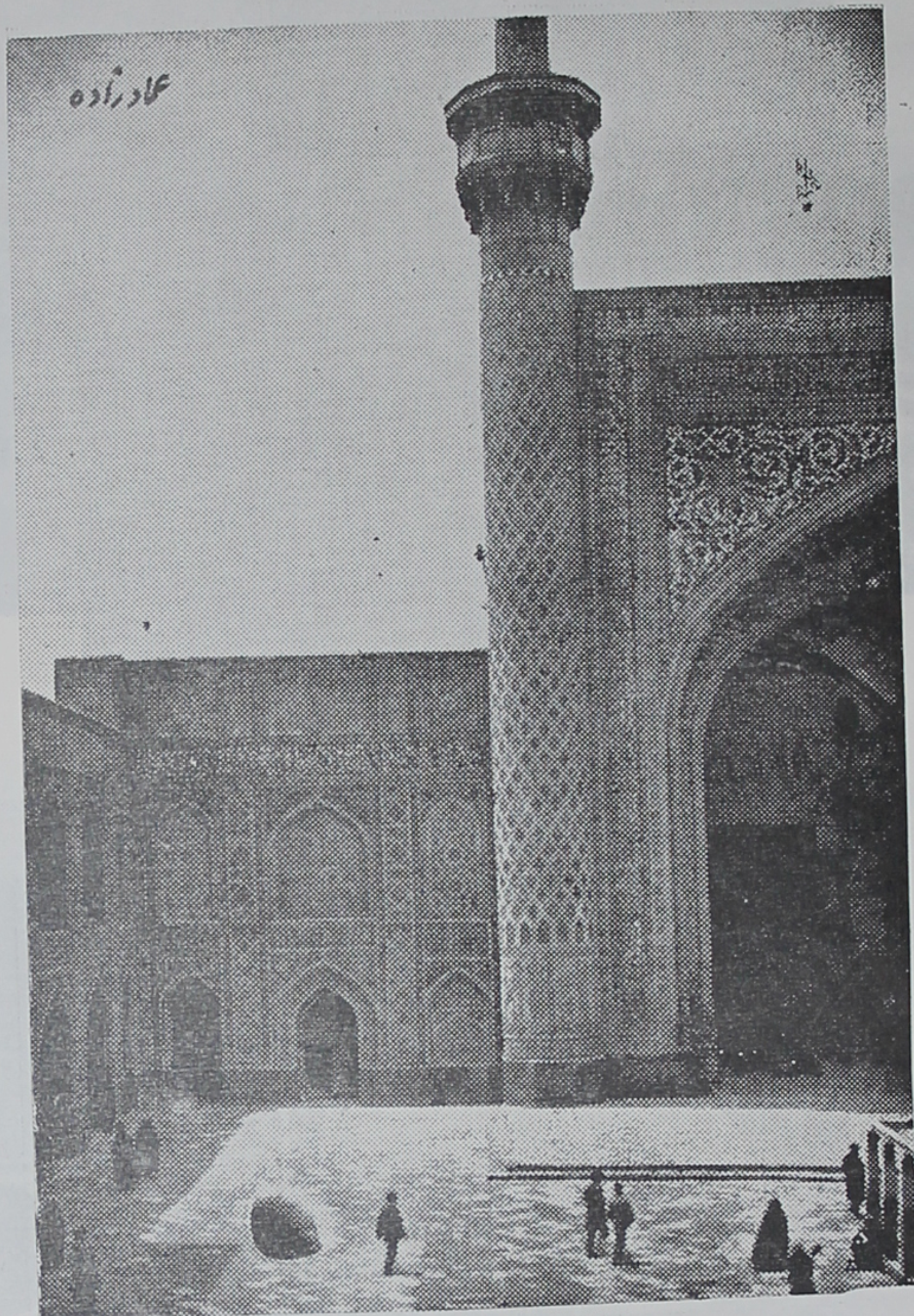


(ش ٤٠)

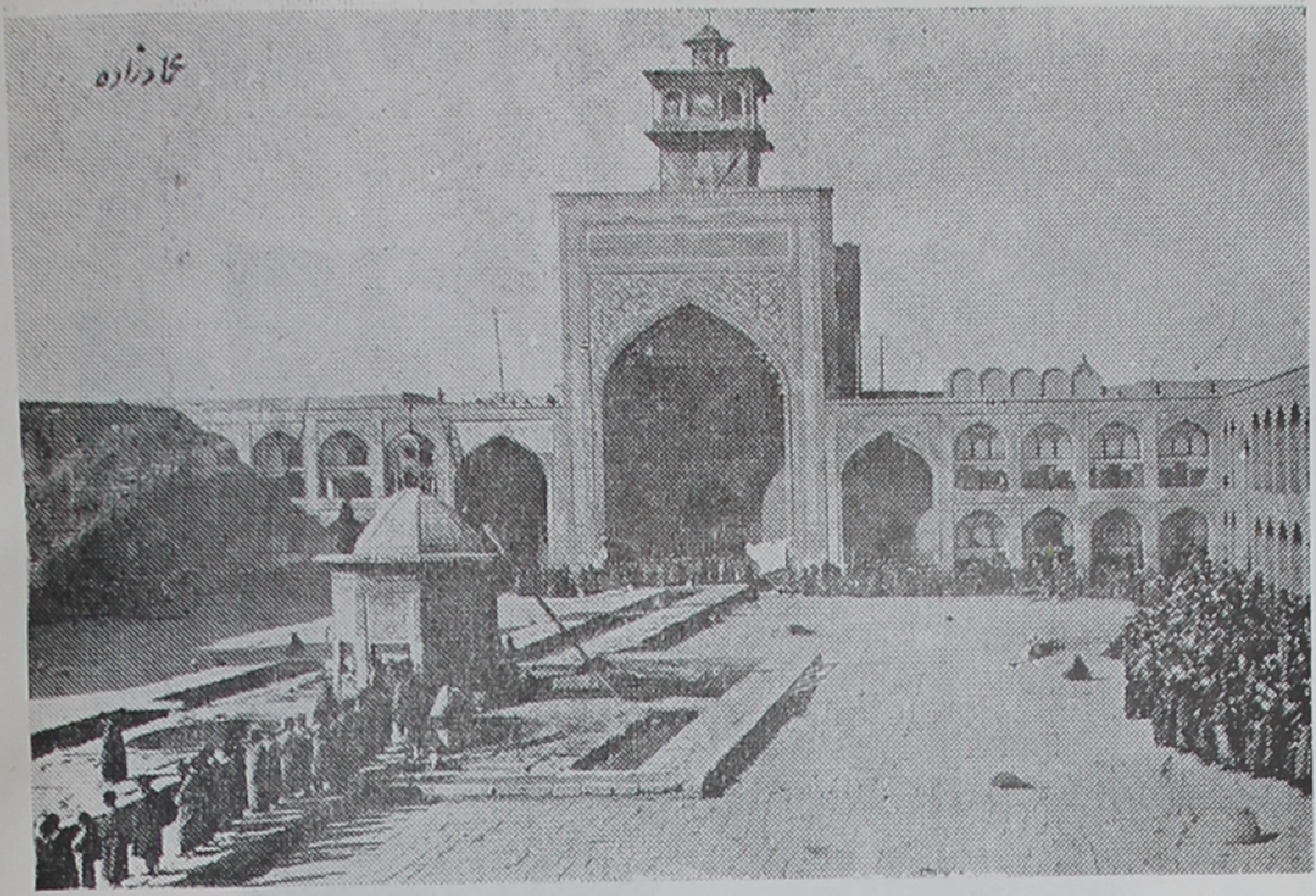


(ش ٤١)

مشهد



(ش ۴۲)



(ش۴۳) مشهد



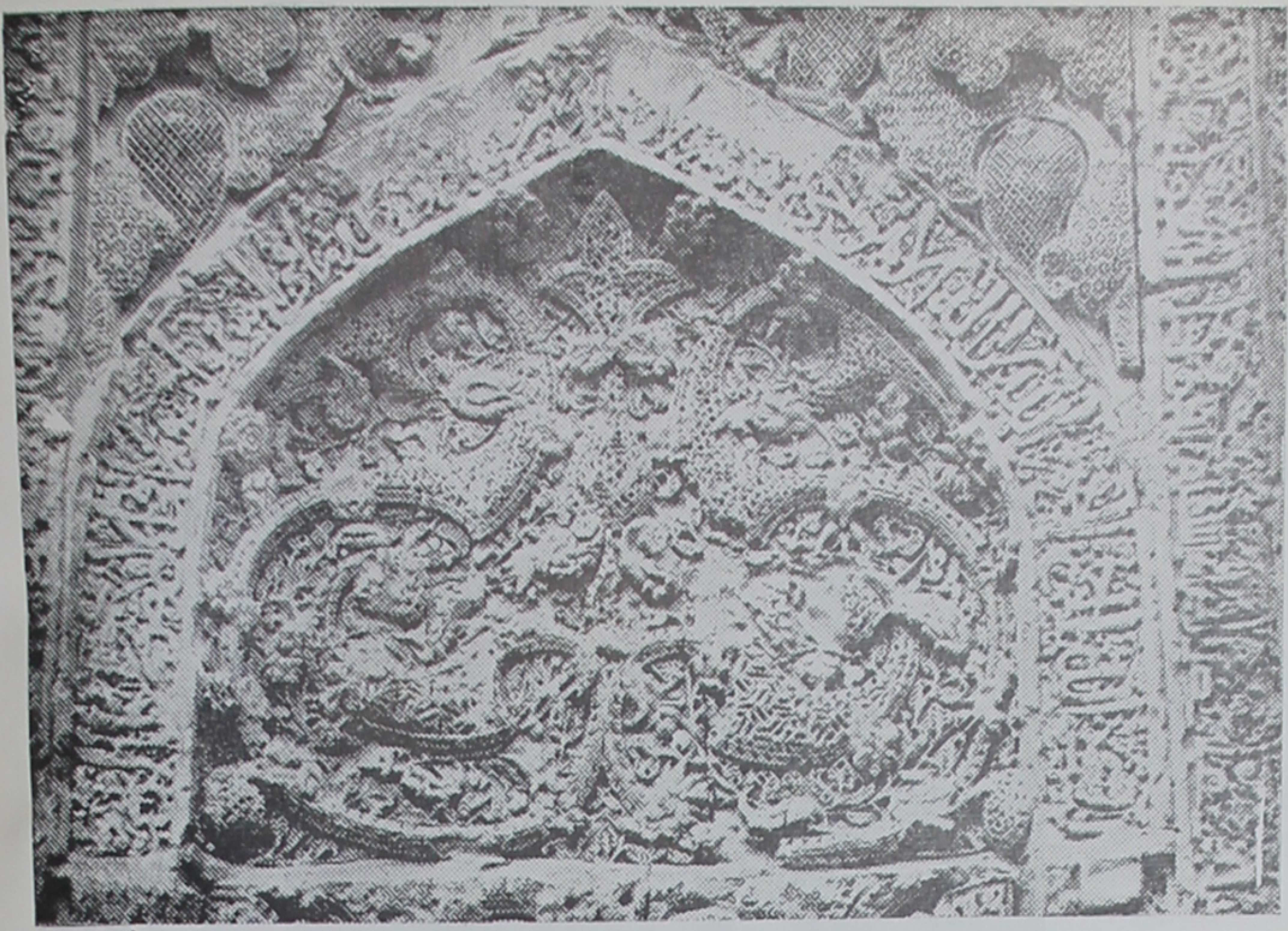
(ش٤٤) مسجد ورامین



(ش ٤٥) مسجد قدمگاه



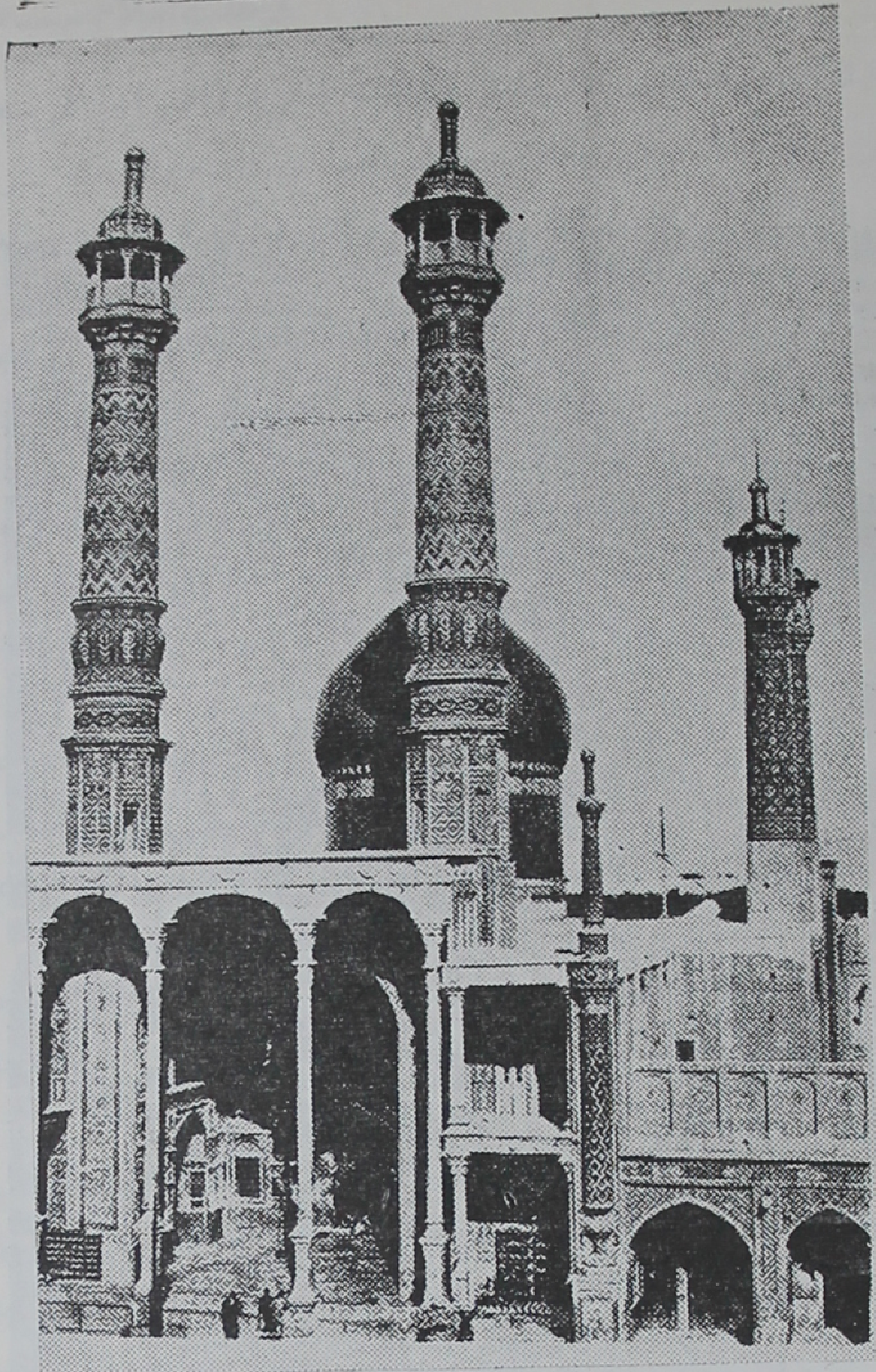
(ش ٤٦) خیمه گاه



(ش ۴۷) گنبد علویان همدان



(ش ۴۸) مسجد جامع



(ش۴۹) ایوان آینه حضرت معصومه قم



(ش۵۰)



(ش ۵۱)　　سردر ومحراب مسجدعلویان همدان ازآثارقرن ۴

درباره سعادت و کامیابی مسلمین میفرماید **سعادة الفرد (الفراد) فی سعادة الافراد** - آنگاه یکی از مسلمین میتواند زندگی سعادتمند و شرافتمندی داشته باشد که برای ایجاد سعادت جامعه مسلمین سهمی بسزا داشته باشد و خود از آن بهره کامل برگیرد زیرا روح ایمان و وحدت باید در همه باشد تا همه از آن برخوردار گردند.

مؤمنان بیحد ولی ایمان یکی است   **جسمشان بیحد ولیکن جان یکی است**

و لذا در تعیین تکالیف اجتماعی میفرماید **کلکم راع و کل راع مسئول عن رعیته**

همه مسئول حفظ یکدیگرند   **غافل از دیگری بسر نبرند**

در اتصال و ارتباط حقیقی آنها تشبیه بدندانه های شانه کرده میفرماید **انما المؤمنون کاسنان المشط** - و یکجا بخشت‌های یک بنا تشبیه فرموده که **المسلم للمسلم کالبنیان المرصوص یشد بعضه بعضاً** مسلمین در حفظ و حمایت یکدیگر همچون خشت های دیوارند که هر کدام در نگهداری یکدیگر سهم بسزائی دارند و بلکه بقاء وجود هریك بحفظ وجود بنا میباشد.

وچون یکی از اصحاب از ثغور و حدود اسلام سئوال میکند میفرماید شما افراد مسلمین هر یك مرز و سرحد اسلام هستید که تا آئین دین را حفظ کنید وقدم از ثغور دین فراتر نگذارید اسلام مشید واستوار است و اگر تجاوز وتعدی گردید ثغور اسلام متزلزل است- **انت ثغرة من ثغور الاسلام فلا یؤتینه من قبلك**

موج دریا همه دریا بود و دریا موج   **گرچه پیش نظر ازیکدیگر این هردو جداست**

در تحکیم مبانی دوستی بین افراد مسلمان میفرماید هرمسلمانی که انجام امور برادران مسلمان همت نگمارد مسلمان نیست.

من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم - اینجا شرط اسلامیت را در جامعه نماز وروزه وسایر واجبات قرار نداد بلکه همت برگره گشائی کار مسلمین راشرط اسلامیت قرار داده وبرای تشریح مطلب باز فرمود **لایشبع المؤمن دون جاره** مؤمن بدون سیر کردن همسایه سیر نخواهد شد وبهترین مؤمن کسی است که در خدمت برادران ایمانی خود بیشتر کمر خدمت بندد واز تحمل ورنج اجتماعی زانو خم نکند.

اسعی لخد متهم ادینهم - کسانیکه بیشتر خدمت میکنند که ایمان راسخ و استواری داشته باشند هر کس درایمان قویتر باشد درخدمت چابك‌تر ومهیاتر است واو زود آشنا و مأنوس و مهربان خواهد بود وهمواره دروداد و دوستی و الفت و مهربانی گرمتر و جوشان‌تر است فرمود **المؤمن الیف مألوف و بالمؤمنین رؤف**.

من زتو دور نیم خود تو زمن دور مباش   **دامن وصل بدست آور و مهجور مباش**

مؤمنین بهم نزدیك ومحبوب یکدیگرند یك جاذبه قوی بین مؤمنین برقرار است که همان روح توحید و وحدت است.

من خود او بودم اومن ولی از بهر صلاح   **تن خاکی بمیان من و او حایل بود**

شیخ سعدی در وحدت حقیقی گوید:

دوست نزدیکتر از من بمن است   **وین عجب‌تر که من از وی دورم**

چکنم باکه توان گفت که وی   **در کنار من و من مهجورم**

اگر ایمان نیرومند شد همه باهم نزدیك وبهم آشنا و آمیخته‌اند.

درتعریف مسلمان میفرماید ـ **المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه**ـ مسلمان کسی است که دیگران ازدست وزبانش آسوده باشند.

والمسلم اخ المسلم لایشتمه ولا یظلمه ـ مسلمان آن کسی است که برادر مسلمان خود رادشنام ندهد وشماتت نکند وستم ننماید.

درآیه قرآن میفرماید **اشداء علی الکفار رحماء بینهم** ـ مسلمان باهمکیش خود مهربان و رؤف است و نسبت بدشمن اسلام و کفار سخت گیر و بد اندیش وبدخواه است .

بازهم درباره مؤمنین میفرماید **المؤمن من امنه الناس علی انفسهم واعراضهم واموالهم** مؤمن کسی است که جامعه مؤمنین ازجهت عرض وناموس وجان ومال خود درامان او باشند وهمان طورکه اموال وناموس خودرا حفظ میکند جان ومال برادر مسلمان را حفظ کند آنگاه میفرماید هرکس این گونه عمل کند وحقوق افراد برادران وجامعه مسلمین راادا نماید خدا و رسول از او راضی باشند .

رضی الله عنکم ان تعبدوه ولاتشرکو ابه ولا تخالفوا فی دینه ـ معنی عبادت واطاعت که موجب رضایت خدا است اجرای مواد دینی است که در قانون اجتماع قرار داده شده است و چون یك‌فرد ازسنن اجتماعی خارج شد بمرگ ونابودی خود کمك کرده است.

آبی که نگشت همره رود قوی در خاك فرورفت وبدریا نرسید

اتحاد ووحدت شرط بقاء ملت و ملیت است درهر موجودی از نظر وجود نظر افکنید خواهید دید که اتحاد اعضاء و وحدت تام در آنها حکومت دارد بلکه باید گفت وحدت علت وجود است مثلا ریك‌های کوچك چون جمع‌شوند خطسیر سیل‌های بنیان کن راعوض میکنند ـ قطرات باران در پیوستگی بیکدیگر موج‌های کوه‌پیکری بوجود میاورد ـ درخت وهرنباتی شامل اجزائی است که‌بهم پیوسته سطح زمین راازساقه ودل خاك‌را ازریشه وفضارا ازبرك گرفته ودربخشی‌ازخاك های کره‌زمین خرمی و کمال بخشوده وبنام جنگل های طبیعی یامصنوعی مناظر زیبائی برای بشر بوجود آورده این منظره شکیل وزیبا درحمایت افراد شاخه ودرخت از یکدیگر بوجود آمده که درابقاء جامعه و موجودیت آن کمك مینمایند.

انسان‌نیز دارای همین مرتبه کمال است که اعضاء واجزاء بدن هرگاه در انجام وظیفه خود ساعی بودند واعتدال کاررا ازدست ندادند اتحاد واتفاق آنها درانجام وظیفه سبب بقاء وجود مجمع البحرین انسان میشود ولی هرگاه یکی‌از آنها ازدایره خدمت ویا اعتدال کار خارج شد یعنی از جرگه اتحاد و وحدت بیرون رفت نه‌تنها موجب خلع وقطع خود شده‌بلکه باعث ضعف و اضمحلال بدن‌نیز گشته است.

یك‌دسته ملخ یایك گروه پشه میتوانند پیل‌قوی جثه‌را ازپا درآورند یاکشوری را از محصول پاك وصاف کنند در حالی که یك‌یك از آن حیوانات قادر برحفظ جان خودهم نیستند.

همین حقیقت رادراتمام موجودات عالم‌قیاس کنید ودرجامعه بشری نیزتطبیق نمائید که اول‌یك آدم بود ازخاك پس‌ازآن حوائی بوجودآمده وازیکفرد یك خاندان وازخاندانی چندفامیل واز هر فامیل چند عشیره وقبیله وازهریك محله آکنده وانبوه ازجمعیت شده سپس شهرها وممالك و فرق‌و نژادها بوجود آمده‌اند تا امروزکه جمعیت دنیا بالغ بر دوبلیون و دویست ملیون نفربیشترمیشود که ازیکپدر ومادربوجودآمده آفریننده همه خدائی دانا وتوانا وحکیم وعلیم بوده که از کتم عدم

بعرصه بروز آورده وهمه این اجزاء را بوحدت ویکانگی دعوت وترغیب وتشویق نموده وسرموفقیت را در کلمه توحید قرار داده است بنابراین مقدمه که قرآن هم شاهد مقال است **ومن آیاته**

حیات اجتماعی وفردی بشردرتجمع وتمرکز ووحدت ومرك واضمحلال درتفرق و تجزیه است مادامیکه اجزاء وجود بشر باعضاء جامعه انسانیت ویایك اجزاء وجود يك موجود زنده که خواص ترکیبی خودرا از دست نداده درهمکاری وانجام وظیفه اشتغال دارد آن فرد یاجامعه یاموجودزنده است ولذا حکماء گفته‌اند **الموجودااذالم يتشخص لم يوجد** یعنی شخصیت وقتی وجودپیدامیکند که غرائز طبیعی بکارپردازند واستعدادهای لایقه را ازقوه بفعل درآورند وهرگاه اعضاء وجودبچنین وظیفه قیام کردند شخصیت وجودی ظاهر میشود وچون شخصیت پدیدار گردید وجود عرضه اندام میکند وهرآن که باین فعالیت خاتمه داده شد مرك پدیدارمیشود وچون مرك آمد اعلامیه تجزیه وترکیب است بااین وصف جای شك نیست که زندگانی مادی ومعنوی جامعه عبارت ازاجتماع عموم اعضاء است وشخصیت وبقاآن درفعالیت اجزامکنون است وهرگاه دراین دایره اجتماع رخنهٔ پدیدار شد همان مرك وتجزیه وتحلیل پیش‌میآید .

خوانندگان عزیز این حقیقت ساریه رادرتمام موجودات میتوان پیش‌آورد بازهم برای تاکید بیان مثال دیگری میزنیم وآن فلزات است .

البته میدانیدآهن دارای صلابت است وقوتی که دارد برای پیوستگی تام اجزای وجودومصالح ساختمانی آن است ولذا بااین صلابت دراکثراجسام ضخیم میتواند بسهولت نفوذکند وداخل‌شود ودرمیان فلزات‌طلا ازهمه اجسام باصلابت‌تر ومحکمتر وقویتراست که اجزای آن پیوستگی‌تامی‌دارند وبهمین‌جهت کمتر و گرانتراست دیرترعیب میکند واین فلز که صلابت آن مرهون جاذبه ذاتی وفقد خلل وفرج هوائی است درمقابل اکثر حوادث طبیعی ومرورزمان دوام وبقاء بیشتری مینماید واین صفت برجسته که بربهاء آن افزوده مدیون اتحاد اجزاء این فلزاست .

درنصایح پدران‌خودخوانده وشنیده‌ایم که يك شاخه چوب رامیتوان شکست ولی‌چون چندین شاخه بهم بسته شد برقدرت بشری فائق میآید مگرپس‌ازتفرقه آنها ولذا گفته‌اند .

صدهزاران خیط یکتارا نباشد قوتی　　　چون بهم برتافتی اسفند یارش‌نگسلد

اینهمه مظاهرتجلیات اتحاد وحدت اجتماعی است‌هیچ خردمندی دردنیا نیامده که دراینباب سخنی نگفته باشد وسردسته دانشمندان بشرانبیا هستند وسرحلقه انبیاء حضرت محمدص‌است که درقرآن میفرماید :

واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا

هیچ‌ریسمانی محکمتراز حبل‌الله‌المتین نیست آن رشته‌ایست ناگسستنی وبندی است غیرقابل اندراس‌وپاره‌شدن وهرکس دست توسل وتمسك باین کلمه توحید زند در ساحل کنار دریای موفقیت بسعادت فرودآید و چون شمع فروزان پرتوی پیدا کند که دیگران نیزاز آن استیضاءه و روشنی گیرند .

بااین اتفاق واتحاد مردم مسلمان بجهانگیری و جهانداری فائق آمدند و بااتکاء فرمان یدالله‌مع‌الجماعه در سایه دست قدرت حق ووعده‌های حمایت غیبی درتمام اقطارعالم بشری تمدن‌خود راگستردند وپرچم‌توحید رادراهتزاز درآوردند ـ وبااین‌مردانگی‌خودجهانگیران بشری وسرداران نامی وجنگجویان شهیردنیارا باتمام وقایع عظیم‌ملل عالم تحت‌الشعاع اتحاد واتفاق وپیشرفت‌خود

در آورده معنی حقیقی کلمه توحید واتحاد رادرعمل و گفتار و کردار خود بجهانیان ثابت کردند و دیدیم که یك ایرانی . ترك . قبطی . مراکشی . عراقی . حجازی . مصری . لبنانی . اروپائی غیره همه دریك صف بایك هدف بایك برنامه متحدالقول بذل مساعی میکردند .

ای بسا هندو و ترك همزبان   ای بسا دوترك چون بیگانگان

پس زبان محرمی خودد یگر است   همدلی از همزبانی بهتر است

مسلمین باهم همدل وهمزبان وهمفکر بوده ودرعمل بیعت باهم دریك صف پیش رفتند.

سر پیشرفت مسلمین

اسلام درامور اجتماعی تعالیم بسیار اخلاقی و مفیدی داشت که باراقیون ملل ساز گار بلکه سبب ارتقاء ملی ورشد عقلی میشد ـ دستورات اخلاقی وعملی صلح وسلم ـ سلام کردن و تحیت نمودن تعارف وهدیه وصدقات مهمانی نذر وبنده آزاد کردن ونماز روزه بکفاره گناهان خطا یا گرفتن و هجده نوع صدقات اسلامی مسلمین را بتربیت بی نظیری مجهز ومهذب گردانید.

دستوراسلام درفتح وجنك بیشتر ازهرملت موردتوجه ومحبوبیت واقع شد ـ اسلام دستورداداگر مسلمین بخواهند کشوری را تصرف کنند میبایستی اولا مردم آنکشور راباسلام دعوت کنند و تبلیغ بتوحید ووحدت ملی نمایند اگر اسلام قبول کردند باسایر مسلمین دریك حال برابر وبرادرخواهند شد . درحدیث نبوی فرموده :

بمن امرداده شد که بامردم جنك کنم تاآنکه کلمه لااله الاالله رابگویند . اگراین کلمه را بزبان بیاورند مال وخون آنها ازحمله من مصون وحساب آنهاهم باخداوند خواهد بود .»

اگراسلام راهم نپذیرفتند بایستی کشور خودرا تحویل مسلمین دهند وتحت تسلط ومسلمین درآیند وخود جزیه بدهند :

(جزیه یکنوع مالیات سالیانه است که از مردهای کلیمی ـ مسیحی ـ صائبه گرفته میشدوزن وکودك معاف بودند مبلغ آن نخست یك دینار «زر» طلابود سپس برآن افزودند تاحداکثر بچهار دینار رسید) .

کسانیکه این دعوت راقبول میکردنددرامور اجتماعی آزاد بودندومانند مسلمین آزادمیزیستند وحفظ وحمایت آنهانیز برعهده مسلمین بود وبدینجهت آنهارا **«اهل ذمه»** میگفتند اما اگراسلام راقبول نمیکردندوجزیه نمیدادند ودرحمایت اسلام وزیرفرمان حکومت دین اسلام نمیرفتندناگزیر باید باآنها جنگید .

امادرجنك برخلاف اصول پیکارهای ملل مترقی قبل ازاسلام سرمایه مسلمین رأفت و رحمت و سازگاری بود خاصه اگراز افراد مغلوب عالم دانشمند و فکور وجود داشت یاکسانی که ازاندیشه وفکر آنها میشد بنفع اسلام استفاده کرد باآنها مسالمت میکردند .

اگردشمنان اسلام صلح میخواستند فوری پیشوای مسلمین باآنهاباید صلح کند «وان جنحو للسلم فاجنح لها» آنگاه شرایط صلح کاملا انجام واجرا میشد اگرفتح شهر بدون صلح خاتمه مییافت مردم آنکشور دودسته بودند دسته که جنك کرده بودند اکنون حال اسیر حربی داشتند وجمعی که جنك نکرده بودند تحت تسلط واختیارمسلمین واقع میشدند .

درقرآن درباره اسراء چنین بیان فرموده:

ترجمه فجر الاسلام صفحه ۱۰۹

«حتی اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء»

یکی ازدوکاررا اسراء حربی بایدبکنند یااسراء را آزاد کنند یاآنها را درقبال فدیه که مال باشد رها نمایند یا هر یك از آنها را با یك اسیر مسلمان که درجنك بدست دشمن افـتاده معاوضه کنند .

مسلمین بااسراء دشمن خوشرفتاری میکردند بآنها آزادی میدادند یادرمقابل فدیه ومال کمی آنهارا رهامیکردند بندگان راآزاد میکردند .

بندگان وبرده گانرا که درسایرملل درنهایت سختی باآنها رفتارمیشد اسلام با آنها برافت و شفقت رفتارمیکرد آنهامانند خواجگان آزاد میزیستند - دراین آمیزش واختلاط وشفقت و مهربانی که بشربنده نیکوکاران است **الانسان عبید الاحسان** مسلمین بااسراء سایر ملل و بندگان و کنیزکان مواصلت کردند وپس ازفتوحات نسلی بوجود آمد که برخی ازآنها بهترین وبرگزیده‌ترین وپاکترین رجال اسلام بودند وبرخی درفش علم‌ودانش رابرافراشتند و خدمات بزرگی باسلامیت کردند که درجنش علمی بیان‌میشود مانند سالم‌بن عبدالله - حضرت زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین‌ها قاسم‌بن محمد که هرسه خاله‌زاده ومادران‌شان دختر یزدگرد پادشاه ایران بودند وهمچنین حضرت مهدی حجة بن‌حسن العسگری که ازدخترقیصر پادشاه روم‌بود وحضرت علی‌بن الحسین ع در معرفی خود فرموده .

انا بن الخیرتین من‌زاده برگزیده‌ترین دو ملت هستم که خاندان رسالت و خاندان سلطنت ساسانی بود بااین ترتیب پیشرفتی محیرالعقول نصیب مسلمین شد و محبوبیتی خاص بوجود آمد که همه مرهون مبانی اخلاقی تعلیمات اسلام بود. (۱)

اختلاط و آمیزش مسلمین با ملل راقی

دومین عامل پیشرفت مسلمین و دومین وسیله که سبب اختلاط ملل وعناصر مؤثر وکارگر بود این است که بسیاری ازاهالی ممالك مجاوراسلام تحت حمایت یاتسلط اسلام درآمدند مسلمان شده و باعرب آمیختند بطوریکه مانند خود عرب محسوب میشدند.

درفتوح البلدان بلاذری مینویسد - پرویز چهار هزار سپاهی ازدیلم داشت که چاکر مخصوص اوبودند آنها بعداز اوبحال خود مانده ودرجنك قادسیه بارستم بودند همینکه رستم کشته‌شد زردشتی‌ها برگشتند .

دیلمی‌ها گفتند ما پناه نداریم اعراب هم نسبت بما بدبین هستند که بهتر است که مادین اسلام راقبول کنیم تاباآنها یکسان باشیم بدین جهت آنها اسلام راپذیرفتند واز میدان جنك بیرون رفتند ودرجنك مدائن‌هم باعرب کمك کردند وسپس در کوفه اقامت گرفتند - ۲

عموم مورخین مینویسند چیزی که بیشتر سبب قبول کردن اسلام‌میشد ساده گی اصول اسلام‌و آسانی احکام‌آن‌بود و گروهی اززیربار سنگین جزیه شانه خالی میکردند وباسلام میگرویدند - در

۱ - کامل مبرد- عقدالفرید - طبری بنقل فجرالاسلام ص۱۱۵
۲- فتوح‌البلدان بلاذری ترجمه فجرالاسلام ص۱۱۶

زمان حجاج گروهی بی‌حد از اهل ذمه باسلام گرویدند بطوری که کارگذاران حجاج باو نوشتند مالیات روبکاهش گذاشته زیرا اهل‌ذمه مسلمان وشهرنشین شده‌اند.

موضوع دیگری که باسلام پذیرفتن کمك میکرد این بود که اسلام دین امرا و رجال دولت شده بود وهر کس منتسب بدان‌میشد ازذلت وخواری نجات پیدا میکرد مقرب و محبوب میشد که گفته‌اند **الناس علی دین ملوکهم** ولذا جمعی برای رهائی ازمذلت‌وحقارت اسلام را پذیرفتند بعضی ازامراهم برای توسعه وپیشرفت اسلام اثری عمیق بخشید.

اختلاط وآمیزش باملل راقی سبب‌شد که زودتر اسلام توسعه یافت زیرا دولت های راقی ایران وروم هم گرچه راقی ومتمدن وباعظمت بودند ولی اجتماع آنها روح‌نداشت زیرا مفاسد اخلاقی بر آنها غالب شده‌بود ودین وآئینی هم که بتواند آنهارا ازمحن وبلایا نجات بخشد نداشتند ولذا بمحض آنکه آفتاب اسلام تابیدن کرد ملل‌منحطه ازفرط عسرت ملل راقیة باختیار وحسن‌استقبال اسلام‌را پذیرفتند زیرا بافطرت بشر منطبق وداروی دردهای درونی آنها بود.

اشتراك محل سکنی

محمد امین در فجرالاسلام اختلاط واشتراك مسکن راهم ازملل پیشرفت اسلام عامل مؤثری بشمرده ولی چندین اشتباه بزرك کرده که در کتاب رایة‌الحق ذکرشده اومینویسد سومین عاملی که دراختلاط وآمیختگی مسلمین وتوسعه اسلام مؤثر گردید ـ محل سکونت بود که فاتحین اسلام باملل مغلوب دریك سامان میزیستند ودر جنبش اقتصادی واجتماعی وعلمی شرکت میکردند.

ولهوسن مستشرق ومؤرخ معروف‌میگوید بیشتر اهالی کوفه موالی بودند وصنعت‌وتجارت و پیشه‌های دیگر رادر دست داشتند وبیشتر آنها پارسی‌زبان وایرانی نژاد بودند که درجنك اسیرشده وبعد آزادگشته اسلام‌را پذیرفتند باما‌لکین اولی خودکه عرب بودند موالات نمودند که آنهارا موالی گفتند.

آنها پس‌از آزادگی بازهم بخواجگان اول خود پیوسته هنگام جنك و صلح باآنها بستگی و اتصال داشتند. سایر ممالك اسلام‌نیز چنین بود: که دونژاد عرب وبیگانه باهم مختلط وکاملا ممزوج شده بود ـ ۱

ایران وشام ـ مصر ـ مغرب‌زمین وحتی خود جزیرة‌العرب نام خود را ازدست داده بود ونام آنها جزیرة‌المسلمین محسوب میشد.

اختلاط مزبور درآمیختن عناصر تأثیر مهمی‌داشت زیرا عادات و اخلاق ایرانی‌و رومی با عادات عرب مخلوط شده ایرانی ورومی با ادب اسلام آمیختگی پیداکرد ولی‌احکام وقواعد قرآن حکمت پارس وفلسفه‌روم عقل‌عرب رادرخود تحلیل‌برد اصول حکمرانی روم باقواعد حکمرانی عرب بیك‌صورت درآمده‌بود بالجمله تمام‌اصول زندگانی اجتماعی ونظامات سیاسی تحت‌تأثیر اختلاط‌مزبور درآمده یك‌حیات دیگری ازآن پیداشده بود. ۲

مللی که تحت حکومت عرب درآمده بودند ازحیث عقل وفکر وتمدن و اجتماع نسبت بعرب برتری داشتند لذا بالطبع تمدن ونظامات وقواعد واصول زندگانی آنها برزندگانی عرب غلبه‌یافته

---

۱ ـ ص ۱۱۷ ترجمه فجرالاسلام ۲ـ این موضوع در مکتب اسلام بحث مفصلی دارد

و چون اعراب یك عنصر قوی وفاتح بنظر میآمدند تمام نظامات و اصول حیات را باروحیات خود موافقت داده بودند.

آنچه ازسازمان اداری درممالك متمدن قبل از اسلام جاری وبرقرار بود بعداز تسلط اعراب هم بهمان نحوومنوال دائر وبرقرار گردید ـ دیوان دولت باتمام قواعد ونظاماتی که داشت بحال خود بود حتی لغت پارس وحساب بوضع دیرین خود باقیماند و تازمان عبدالملك بن مروان که باعربی عوض شد برعادات دیرینه اجرامیشد.

بسیاری لزملل مغلوبه اسلام را پذیرفتند وآنها دارای حکمت وادب وشعر وداستان ومثل بودند بعضی دارای علوم بانظم وتربیت بودند تألیف وتصنیف وبحث ومطالعه وتحقیق از جمله مزایای همان مردم بود چون مسلمان شدند وبا کیش نوین آرام وانس گرفتند علوم خود را داخل دین اسلام کردند وآنچه که خود ونیاکان داشتند تجدید نمودند بطوریکه اسلام رابا اصول علمی خود تطبیق و بصورت تمدن تازهٔ درآوردند ـ ۱

اسلام تمام الوان ورنگها رادر یك رنك دینی خود فروبرد وتحلیل کرد قواعد و احکام اسلام ـ تعلیمات وتربیت اسلام طوری بود که تمام تعلیم وتربیت ملل متمدن دیگررا درخود فرو برد وبرنك خود در آورد .

اسلام درادب وتربیت و کیش وآئین دارای استقلال ورقاء ورشد کامل عقلی بود که نه تنها در دوران اجرای احکام وقواعد آن دراین آئین تحلیل نرفت بلکه مانند دریای جوشان وخروشان هر چه از علوم وفنون وادب وتربیت ونظام اجتماعی وسازمان اداری بودهمه را درخود فروبردوتحلیل کرد وپس از مدتی برنك خود رنك دین اسلام بجهانیان نمایش داد:

صبغة الله ومن احسن من الله صبغة ونحن له عابدون آیه ۱۳۲ سوره بقره

تاثیر تربیت مسلمین در فتوحات اسلامی

اسلام دارای مبادی فاضله اخلاقی بوده که مانند ستارگان درخشان هر کجا پرتوافکن میشد آنجا را روشن میساخت این مبادی که مایه فضیلت و اخلاق بود ومایه یگانی و وحدت مسلمین گشته بود در پیشرفت دین و فتوحات اسلامی اثری عمیق بخشید .

فتوحات اسلامی مانند فتوحات سایرممالك وادیان نبود که فقط شهریا کشوری رابگیرند و از مزایای مادی آنها بنفع خود استفاده کنند بلکه فتح نیروی خردوعقل بود فتح روح واندیشه وافکاربود که بطورمستقیم یاغیرمستقیم درعلم ودین اثر میبخشید .

چون پیشوای اسلام رحلت کرد اسلام تمام جزیرة العرب را متصرف شده بود و تربیت اسلام روحیه کلیه ساکنین آنقسمت را تحت اراده وخط مشی مستقلی که بنام دین اسلام خوانده میشد برده شده بود وچون پیغمبر(ص) امر کرده بود که جنك باملل همسایه رابمنظور نشرتعلیم و تربیت اسلام آغاز کنند لذا پس ازرحلت فتح و کشور گشائی باآن قدرت وقوت ایمانی که درافراد ایجاد شده بود آغاز گردید ومتواليا برتوسعهٔ ممالك اسلامی افزوده شد ـ عراق بتصرف مسلمین درآمددراینکشور

۱ـ بکتاب فتوح الشام وعقد الفرید و اخبار الطوال دینوری وفجر الاسلام ص۱۲۰ مراجعه شود .

قبایل ازعرب مانند ربیعه ومضرزیست میکردندوهمچنین ایرانیان وبومیان که ازقدیم درآنجازندگی میکردند جمعی ازآنها مسیحی وگروهی مزدکی وقومی زردشتی بودند . اعراب هم دو شهر کوفه و بصره راتاسیس کردند.

عمرشهر مدائن وقادسیه را درخورعرب ندید دستورداد که شهری احداث کنند که میان آن و جزیرةالعرب فاصله وحایلی ومانعی مانند رود ودریانباشد ومنظورش این بود که دوشهرلشکرگاه و جای سپاه باشد که افرادقشون درهوای آزادزندگی کنندوازجمعیت دورباشد بدین نظر بصره رادرسال ۱۵ وکوفه رادرسال ۱۷ هجری مطابق ۶۳۸ میلادی ساختند.

کشورایرانهم فتحشد درآنکشور پارسیان وگروه کمی کلیمیان وبرخی اررومیان که در جنگ ایران وروم اسیر شده بودند زیست میکردند .

مملکت شام هم بدست مسلمین افتاد درآن ملل مختلفه زندگانی میکردند تمدن ملل هم در آنسرزمین ازقدیم جایگزین بود. زیرامصریان ویونان ورومیان واعراب غسان برآن سامان تسلط داشتند ـ درعصرآخرهم تحت حکومت روم اداره میشد . بتربیتو تهذیب آنهاتمتع میکردند اهالی آن کشور بومی وارمن ویهود وگروهی اذروم وبرخی قبایل عرب بودند.

غسان ولخم وجذام وکلب وقضاعه وجمعی ازتغلب درعداد اعراب بشمارمیرفتند آنها درقسمت جنوبی شامات بیشترازقسمت شمالی زیست میکردند زیراقسمت مزبور بوطن اصلی آنهانزدیکتر بود اعراب مزکوربیك زبان مخصوصی که عربی مخلوط بودتکلم میکردند ـ موقعی که مسلمین قصدجنگ نمونه اعراب سوریه، خودرا بومی دانسته درصف روم داخل وبامسلمین جنك کردند .

مصر که مرکزتمدن قدیم بود بدست مسلمین گشوده شد ـ کشور مصردارای تمدن یونان و روم بود که برتمدن دیرین آن افزوده شد علاوه براین شهراسکندریه که مرکز فلسفه علوم دینیه و یگانه رابطه مابین افکار شرق وغرب محسوب میشد درهمان مملکت بود.

مغرب‌زمین هم از برقه وتونس گرفته تامراکش وجبل‌الطارق که سابقاً دردست روم بودبدست مسلمین افتاد .

درزمان ولید بن عبدالملك هم سند وبخاری وخوارزم وسمرقند تاکاشغر گشوده شد وبرممالك اسلامی افزوده گردید ـ همچنین اندلس و کشورهای غربی بدست مسلمین افتاد.

فتح اعراب وتسلط آنهابرممالك گوناگون باعث یك اختلاط مهم و آمیزش مابین ملل شده رگهارا بهم پیوستند وخونهای مختلف راداخل شرائین اقوام نمود نظام واصول اجتماع رابهم متصل ومختلط کرده افکاروآراء وخردهارا داخل هم نموده ادب وآداب رابهم آمیخته صووت دیگری ازاین وآن نمایش داده بود .

چیزی که دراختلاط وآمیزش موثروکارگر بود سه عامل است .

۱ـ مبادی تعلیمات‌اسلام است که تعلیم یك سلسله فضایل و منع ازارتکاب رذایل اخلاقی‌نمود .

۲ـ مسلمان شدن بسیاری ازملل مختلف که مغلوب شده بودند واسلام را استقبال کردند و جنبش علمی بوجود آوردند .

۳ـ اختلاط اعراب باملل دیگرواقامت آنهادرممالك مزبوره بود که ادب وآداب ملل دیگررا باادب وتربیت وتهذیب پاك اسلام آمیختند ویك تربیت مهذبی برنك دین بوجودآوردند که مورد استقبال همه جهانیان گردید:

فصل سوم

قرآن وجنبش علمی

جنبش علمی مسلمین — اطلبوا العلم من المهد الی اللحد

چنین گفت پیغمبر راستگوی — زگهواره تا گور دانش بجوی

بسم الله الرحمن الرحیم

اقرا باسم ربك الذی خلق ـ خلق الانسان من علق اقرا
وربك الاکرم الذی علم بالقلم ـ علم الانسان مالم یعلم

آیه از ۱ تا ۶ سوره خلق

ای محمد (ص) بخوان بنام پروردگارت پروردگاری که بوسیله قلم دانش آموخته وانسان را دانشی آموخته که نمیدانسته است ؟؟

آورنده قرآن مجید بشر را مخاطب ساخته وبتحصیل علم و دانش مامور فرموده است ومدت کسب دانش و بینش را از گهواره تا گور معین فرموده واین دستور آسمانی برای کسب کمال وتکامل نفس است واین تعلیم از مختصات اسلام است زیرا هیچ ملتی از ملل عالم پیروان خود را بعلم و دانش باینحد تحریض وترغیب نکرده است وتاریخ ادیان وملل حاکی استکه علم و دانش در ادیان دیگر ازطرف پیغمبران این آمیختگی والتزام را نداشته که دین اسلام دارد

دراسلام علم ودین ازهم تفکیک نشده ومسجد و مدرسه یکی بود و بمرور ایام جنب هم مسجد ومدرسه ساخته شده و غیر قابل تفکیک است .

بشرحی که درصفحات آینده خواهیم دید

قرآن عربی

ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین

آیه ۱۰۶ سوره النحل ۱۶

درشان نزول این آیه مفسرین نوشته‌اند که عامر حضرمی غلامی داشت بنام جبر وغلام دیگری که بنام یسار بود آنها اهل کتاب بودند وشغلشان این بود که شمشیرها راصیقل میزدند ودرحین کار و آغاز وانجام تورات وانجیل میخواندند چون پیغمبر اسلام بر آنها میگذشت وسخنان آنهارا میشنید وگوش میداد.

حویطب بن عبدالعزی نیز غلامی داشت بنام عایش که اوهم اهل کتاب بود و مسلمان شده بود.

سلمان فارسی هم ازمجوس‌ها بود که اسلام آورده بود شبها همه آنها می‌آمدند نزد پغمبر وقران فرا میگرفتند - کفارقریش گفتند محمداز آن دوجوان غلام سخنوری آموخته و کلمات کتب آسمانی آنهارا فراگرفته برای ماميخواند این آیه نازل شد که

ماميدانيم که آنهاميگويند غلامان عربی وعجمی محمدرا سخن می‌آموزند ولی باید بدانید کلام آنها عجمی است وبدون فصاحت وتعمق واعجاز واین قرآن که ماآموخته‌ایم کتاب عربی فصیح روشن درنهایت اعجاز وبلاغت که دیگران ازآوردن مثل آن عاجزند..

بااین تصریح قرآن منبع علوم ودانش و بینش غیبی است که موجی برقلب پاك پیغمبر خاتم - النبیین (ص) نازل شده ومشعل فروزان بشر درتکامل است.

جنبش علمی مسلمین درلغت ودین

دوچیز درعرب بود که برسایرملل تفوق یافتند اول لغت دوم دین -

۱- لغت عرب درسراسر ممالك اسلامی سیادت و برتری داشت هم اکنون هم $\frac{۱}{۱۳}$ زبان دنیا لغت عرب است و۷ کشور اسلامی کشور عربی است ودامنه این لغت وسیعترین دامنه های لغات است که أزشاخ وبرك آن لغتهای دیگری رشد ونمو کرده وازقواعد آن زبانهای دیگری قواعد و احکام گرفته است.

هر کس ازملل راقی میخواهد در کشوری نفوذ کند اول لغت خودرا درآنجا میفرستد و قرنها میگذرد تانفوذ لغوی وجنك لغت خاتمه یابد عرب در ۱٤ قرن قبل دارای لغت وسیعی بود که برهمه لغت‌های آن عصر رجحان داشت ولغات دیگررا ازبین بردولی زبان عرب بوسیله دین اسلام درجهان نفوذ کرد زبان سیاسی ولغت علمی هم منحصر بلغت عرب شده بود زیرا دستورقرآن بزبان عرب بود وغلبه زبان تاکنون هم بحال خود باقی است وزبانی است که کهنه نمیشود وازبین نمیرود وقابل پذیرفتن تمام معانی متصور وممکنه است که قرآن تضمین ابقاء آنرا کرده.

۲- کیش و آئین اسلام بود که بر کیش‌های دیگر برتری داشت و اکثر ممالك جهان آنعصر بتدریج اسلام را استقبال کردند کمتر کسی مانده بود که دین سابق خودرا داشته باشد - دین اسلام دین ساده وبی آلایش بوده که باهرفکر واندیشه راقی سازگار بوده لذاملل مترقی مغلوب کیش خود

را ازدست دادند ولی ادب وآداب خودرا بادستورات اسلام بهم آمیختند .

درنتیجه این موهبت بزرك جنبش‌های عقلی وفکری وعلمی بوجودآورد- ایرانیان دین‌وحکمت وعقل وخرد داشتند - رومیان فلسفه وعقل وعلم ودین داشتند و هردو دراسلام تحلیل رفتند و تاثیر عمیقی کردند عقل عرب دارای یك طبیعت ساده ومخصوص بوده است که بواسطه عوامل محیط و تاثیر جغرافیائی وزندگانی جاهلیت تکوین شده - دین اسلام هم برای این قوم یکنحو تربیت وتعلیم خوب ومبداء مقدس آورده که باوضع وحال جاهلیت تباین داشت .

فتوحات اسلامی هم کشور ایران ومستعمرات روم راتحت تسلط درآورده - دین وعلم و تمدن واجتماع ایران وممالك روم همه گداخته ودرقالب اسلام ریخته شد . ازتمام اینهایعنی ازعلم وتمدن وسیاست ایران وروم وازحالات عرب یکنحو زندگانی اجتماعی اسلامی و یکقسم تربیت نوین پدید آمده بود که برنك دین وباداب اسلام‌مزین گشت .

نتیجه‌این زندگی جنبش‌علمی‌بوده که با انتهای خلافت‌بنی‌امیه بپایان رسید ودر دوره‌بنی‌عباس جنبش‌علمی باجنبش‌دینی وظهورعقاید مذهبی همدوش شد وتادوقرن این جنبش درحال کمال بود و برتمام جهان تاچهارقرن حکومت داشت .

ازمزایای اسلام نسبت بسایرادیان وملل‌این بود که یك‌جنبش علمی بوجودآورد یعنی تمام‌علوم وفنون را بیکصورت منظم ومرتب درآورده است .

جنبش‌علمی وجنبش ادبی وعقاید مذهبی باهم شروع شد و تفسیر وتاریخ وحدیث و علوم ادب باقانونگزاری شروع برشد کرده ومبانی ومبادی همه این‌علوم قرآن وتعلیمات پیشوای اسلام وائمه اطهار باب مدینه علم بود.

لغت

برای آنکه پی بکیفیت جنبش علمی مسلمین ببریم باید وضع معارف وفرهنك محیط عرب را که آفتاب اسلام درآنجا طلوع کرد درنظر گرفت تابعظمت جنبش علمی مسلمین واقف گردید

درمحیط عربستان نادانی وبیسوادی حکمفرما بود-علم‌وفلسفه نداشتندولکن درشعروادب‌ونظم‌و ونثر وعقل واحساسات نیرومند بودند.

در میان عربستان فقط حارث‌بن کلده و نضربن حارث باچندین نفر دیگر باسواد و مطلع بودند .

ابن خلدون مینویسد اهل حجاز خط وکتاب را از اهل حیره آموختند آنهاهم از حمیریها گرفته بودند .

بلادزی درکتاب فتوح‌البلدان روایت میکند که چون اسلام ظهور کرد درمیان قریش ۱۷ نفر باسوادبودند که اسامی‌آنها ازاین قراراست :

۱-علی‌بن ابیطالب ۲- عمربن‌الخطاب ۳- عثمان‌بن عفان ٤- ابوعبیده‌بن‌الجراح ۵-طلحه ۶- یزیدبن‌ابی‌سفیان۷- ابوحذیفة بن عبدبن‌ربیعه۸- خاطب‌بن‌عمرو۹-ابوسلمة بن عبدالاسدمخزومی ۱۰- ابان‌بن‌سعیدبن‌العاص بن‌امیة ۱۱-برادراوخالدبن سعید۱۲- عبدالله‌بن سعدبن‌ابی‌سرح‌عامری ۱۳ - حویطب‌بن عبدالعزیز عامری ١٤- ابوسفیان‌بن‌حرب ۱۵- معاویة بن ابی‌سفیان ۱۶. جهم بن‌الصلت ۱۷- علاءبن حضرمی‌از زنهای عرب هم حفصه وام کلثوم که زن پیغمبر(ص) بودند وهمچنین

شفا بنت‌عبدالله عدوی ـ عائشه بنت ابی بکر داشته همین مورخ مینویسد خط میان اوس وخزرج هم (دوطایفه) کم بود وبرخی ازیهود خط عربی راآموخته بودند وبکودکان مدینه میآموختند

چون اسلام طلوع کرد درشهرمدینه ۱۱ نفرباسواد بودند هر کس که تیراندازی واسب سواری وشناوری رامیآموخت وسواد هم داشت اوراکامل میگفتند سعدبن‌عباده واسعدبن حضیر وعبدالله‌بن ابی لقب‌کامل داشتند . پیغمبراسلام‌ص باسوادان رابرای نوشتن قرآن برگزید ابی‌بن کعب انصاری‌پس ازعلی‌بن‌ابیطالب اولین نویسنده ومنشی قرآن ازاصحاب بود ودرغیاب اوزیدبن ثابت انصاری این وظیفه را انجام میداد .

اسلام موجد جنبش علمی شد

اسلام دینی بود که ازعلم منفك نبود وجنبش علمی را اسلام بوجودآورد . زیرا اسلام ملازم نوشتن وخواندن بود که در عربستان سابقه نداشت ـ آیات قرآن را مسلمین بریکدیگر بایدبخوانند وبیکدیگر بیآموزند ـ پیغمبراکرم طلب علم را برهرمسلمان واجب کرد ومردم رابآموختن خط وقرائت قرآن تشویق وتربیت فرموده‌و قول را ببهشت جاویدان وعده میداد .

پس‌ازجنك بدربرای تربیت اسلام دستوردادند برای رهائی هراسیری باید ۱۰ طفل از اهالی مدینه رانوشتن وخواندن آموخت ، دانشگاه اسلام بدینترتیب شروع بآموزش وپرورش کرد .

مسلمین را هم برای فراگرفتن دین احتیاج خودرا بعلم ودانش حس کردند وجدا درمقام‌فرا گرفتن علم برآمدند درکتاب صحیح بخاری اززیدبن ثابت روایت میکند میگوید پیغمبر ص مردم رابآموختن زبان خارجی تشویق میفرمود ـ میگویدمرانزد پیغمبر بردند گفتند این مرد ازبنی‌نجار است ۱۷ سوره قرآن آموخته است ـ منهم قرآنرا برای آنحضرت‌قرائت کردم تعجب فرموده وامر کرد خط ولغت یهود را بیاموزید زیرا من بآنها اطمینان ندارم مبادا کتاب مراتغییردهند ـ من هم مدت ۱۵ روزه بآموختن خط یهود مشغول شدم تا آنرا بخوبی یادگرفتم بعداز آن باهمان خط عهده‌دار تحریر مراسلات پیغمبر برای یهود شده بودم وهمچنین اگرنامه از آنها میرسید برای آنحضرت میخواندم»

زیدبن ثابت درروایت دیگری میگوید پیغمبرفرموده من برای قومی نامه میفرستم که ازآنها اندیشه دارم مبادا چیزی برآن بیفزایند یاازآن بکاهند . زیدهم زبان سریانی رادرمدت ۱۷ روزه آموخت » ۱

اعراب مسلمان درفراگرفتن نوشتن وخواندن ابرازاشتیاقی کردند واستقبال نمودندوبزودی خواندن ونوشتن وفراگرفتن زبانهای خارجی را فراگرفتند .

قانونگزاری اسلام

عرب چون ممالك‌اسلام رابنیروی دین گشود وزمام سیاست رابدست گرفت روزبروز برعده سوادداران اضافه میشدافرادی که از ممالك‌دیگر باسلام میگرویدند برای‌دین یابرای زندگی زبان‌عرب رافراگرفتند تاقواعد علوم ادب راآمرختند وبزودی رشدعلمی گرفتند .

اسلام عقل عرب راپرورش داد وبرخردآنهاافزودبداستانهای گذشته آشنا کردودرضمن‌قضیه‌آدم وابراهیم‌و یوسف‌و موسی ویونس وداود وسلیمان وانبیاء گذشته حال ملل مختلفه راباعبارات شیرین‌و

۱ـ فجرالاسلام صفحهٔ ۱۷۱

داستانهای شورانگیز باهزارها نکات تاریخی واجتماعی که همه درس رشد عقلی وارتقاء ملی بود برای مسلمین ذکر کردو آنهارا برتاریخ ملل گذشته ازیهودونصاری ومجوس وضبائین وسایرین واقف فرمود پیروان خودرا باوضاع دنیاآشنا کرد وبردانش آنها افزود:

پیشوای اسلام ازاساس دین که احکام امورزندگی بود ازازدواج وطلاق وشئون امور اجتماعی قانون مدنی وقضایای جنائی فقه راتعلیم داد وعلماء هم درآن مسائل که روی هم قانونگزاری اسلام است بحث کرده وفقه راتوسعه دادند وحوادث جدید وقدیم راباهم مقایسه کرد وبرای علوم و آداب اسلامی مایه مهمی ازعلم ودانش بدست مسلمین داد:

حرکت فکری

یکی ازقویترین عوامل جنبش علمی اسلام حرکت فکری بشر بود که بمسلمین آموخت اندیشه وافکار عقل وخرد مسلمین راتحریك كرد تادر کتاب آفاق وانفس نگاه کنند - حرکت فکری ازمزایای اختصاصی اسلام است درهیچ یك ازملل این حرکت فکری ورشد عقلی وجود نداشت - اسلام فکر بشررا متوجه مظاهر خلقت کرد ووصف قدرت پروردگار را در آیات الهی که همه جا بقدروفوردیده میشود درنظر مسلمین عظمت داد . وبیان توحید رادرنظر متفکرین تجلی داد ... وآنهارا درنظر دقت بآسمانها وزمین - وموالید وعناصر وجمادات ونباتات وحیوانات صحرائی ودریائی وخزندگان وچرندگان وپرندگان وطرز تغذیه آنها وخلقت حیوانات بزرك مانند شتر ونصب کوهها درزمین ومیوه‌های گوناگون درختان همه رادر نظرمردم مجسم فرموده . تابینند و مظاهرقدرت خدارا بشناسند.

قرآن مسلمین رادعوت کرد بحرکت فکری وپیغمبراندیشه وفکر دراین راهرا باثواب شصت سال عبادت مساوی دانسته **اولم ینظروافی ملکوت السموات والارض وماخلق الله من شیء** آیا نمینگرند درحجب آسمانها وزمین و آنچه بین این کرات است **فلینظر الانسان مم خلق** . یك نگاهی بخلقت وآفرینش خود کنید که چگونه خلق شده‌اید.

فلینظر الانسان الی طعامه انا جبنا الماء صباً ثم شققنا الارض شقاً فانبتنافیها حبا و عنباً وقضباًوزیتوناً ونخلا وحدائق غلباوفاکهة واباًمتاعاً لکم ولانعامکم

بخوراکتان وانواع ماکولات ومشروبات خودتوجه کنید.

لاالشمس ینغبی لهاان تدرك القمر ولااللیل سابق النهار و کل فی فلك یسبحون

از کجاآمده است درحالی که همه آنهاهیچ نمیدانند.

ان فی خلق السموات والارض و ختلاف الیل و النهار لایات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاماً وقعوداً وعلی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و ربنا ماخلقت هذا باطلا سجانك . ومن ایاته خلق السموات و الارض واختلاف السنتکم والوانکم

بآسمان وزمین و گردش منظومات شمس ونتیجه آن که شب وروز است نگاه کنید وفکر کنید و اختلاف السنه والوان وآداب ورسوم وشئون ملی اقوام راموردبررسی قراردهید.

افلاینظرون الی الابل کیف خلقت - والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت - آیه ۲۱ سوره غاشیه ۸۸

آیابشتر نمینگرندکه چگونه خلق شده بآسمان نمینگرندچگونه بالای سرشمابدون سقف قرار داده شد - بکوهها نگاه نمیکنند چگونه نصب شده وخاصیت آن چیست وچه مواد منابع وعناصرو

معادنی درشکم داردبزمین نمینگرند ببینید چگونه پهن و کشیده شده ـ درتمام این آیات توجه بشر رابرای علم ووقوف بآسمانها وزمینها جلب کرده تاازسازمان عالم کبیر وساختمان عناصر وموالیدان مطلع وواقف گردند ،

جنبش علمی مسلمین درتوجه و دقت نظر دردین وقرآن وآیات نازله بود آنها علم و حکمت نداشتند ولی قرآن علوم را ازجنبه طریقیت بتوحید متذکرمیشد و لذا تصریح در موضوع علوم نداشته بلکه جلب توجه بعلوم نمود تامبانی توحید راتحکیم فرماید ومادرآیات قرآن که مقداری از آن دراین صفحات نقل شده ثابت کرده ایم که قرآن بتمام علوم وفنون عالم بشری اشاره اجمالی فرمود وفقط ازجنبه تحکیم معانی گفتارمستدل خود دراحکام شریعت استفاده فرموده یا برای آنکه عرب نمی فهمیده تصریح برعلوم اسمی نکرده یابرای آنکه مبادا توجه بشر از دین واصل هدف منحرف بنوع وعلوم جزئی گردد علم وفن را فقط برای طریقیت وتایید مبانی توحید از راه استدلال و تجربی آورده است :

این قبیل آیات باعث تفکر خردمندان وفزونی عقل وعلم مسلمین شد وحرکت فکری مسلمین آغاز گردید وبدینترتیب اندیشه وافکارمسلمانان بحرکت افتاد ودرعالم تحقیق وتفکر و تحلیل علوم فعالیت زیادی کردند .

این نوع تفکر واندیشه که بدان وسیله اثبات وجود پرورگارا را بنمایند تعبیر بحکمت شده که درقرآن هم بنام حکمت واردشده **ولقد اتینا لقمان الحکمة** ـ پس ازتفکر درتمام آن مواد وصور آسمان وزمین حکمت میآموزد .

یوتی الحکمة من یشاء ومن یوتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً وهر کس راحکمت بیآموزد خیر کثیری عنایت نمود .

ولقد جائهم من الانباء مافیه مزدجر حکمة بالغة فماتغنی النذر

گاهی وحی هم بکلمه حکمت نازل میشد ،

ذلك مما اوحی الیك ربك من الحکمة این است آنچه وحی میشود بتو از حکمت وحقیقت ـ

وقتی ازمالك اشتر نخعی پرسیدند حکمت چیست ـ گفت شناختن دین و آموختن فقه وعمل بقواعد آن .

علم بمعنی دانش نیست بلکه بمعنی دانستن است که قرآن میفرماید **وفوق کل ذی علم علیم**

ومنکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا

که دراین آیات فلسفه وحکمت رابرای ایجاد روح بینش بشر تعلیم فرموده است .

قارون علم رابمعنی دانستن امورمادی نقل کرده که درقرآن ازقول اومیفرماید:

انما اوتیته علی علم عندی ـ

که توجه بشررا بعلوم اقتصادی وکیمیا وشیمی وغیره متوجه فرموده است .

یعنی من دارائی خودرا بوسیله دانستن راه کسب پول وگردآوردن مال جمع کرده ام

ولی آنچه که درحقیقت مراد از علم است معنی هدایت و ایمان است که بمفهوم حکمت هم نزدیکتر است .

انما یخشی الله من عباده العلماء ـ

نتیجه علم خشیت وخضوع بساحت حق است

وقد اتینا داود وسلیمان علماً

ومابداود علم ودانش آموخته‌ایم که مهندسی وساختمان وغیره است

ولئن اتبعت اهوائهم بعدالذی جائك من العلم ما لك من الله من ولی ولا نصیر

ازآیات مبارك فوق علم رابافراد بشر قبل‌ازطلوع اسلام ازنظرعلوم رسمی نقل فرموده که‌قارون شیمی وکیمیاگری فراگرفته درعلوم اقتصاد مهارت یافته ثروت انبوهی فراهم کرده و حضرت داود و سلیمان‌درمعماری ومهندسی‌وبنائی که حاصل حساب وهندسه وفیزیك ازجهت ذوب فلزات برای‌تحکیم بنای بیت‌المقدس بود یادآورشده که حتماً سبك ساختمان «بتون‌آرم» آهن وسیمان امروز و آنروز بنحو دیگری بود که تاریخ شاهد است فلزات را آب میکردند درپایه مسجداقصی میریختند که محکم گردد .

باهمه این مراحل باین نتیجه میرسیم که جنبش‌علمی اسلامی با حرکت فکری آنها توام بود وهردو بانهضت دینی همدوش بود وجنبش بسیاربزرگی درجامعه بشر بوجودآورد ـ که سلسله جنبان تمام غرائزدرونی وبیرونی بشر گردید .

تمام علوم وفنون وحکمت وفلسفه تحت‌سه عنوان مستقل ـ تفسیر ـ حدیث ـ فقه ـ منظم وموجب گردید وتوسعه پیداکرد تاتوانست میزانی ازعلم ودانش بجهانیان ارزانی داشت . و درسایه احکام شریعت ناچار ازفراگرفتن ادب وآداب وادبیات وریاضیات و طبیعیات و فلکیات بوده‌اند و بشرحی که داده خواهد شد .

جنبش‌علمی ازخط ولغت عربی شروع گردید

چنانچه دیدیم که جنبش‌دینی مستلزم علم‌واطلاع و قوف بلغات والسنه دیگران بود ولذا پیغمبراکرم (ص) دستورفرمودلغات عبری وسریانی‌وقبطی ویونانی وغیره را فراگیرند واصحاب‌بسرعت‌السنه مختلفه رافراگرفتند تامبادا غیرازمومنین بقرآن درترجمه ونقل معانی قرآن تعدی وتجاوز وخیانت عمداً یاسهواً بنمایند و لذا جنبش علمی اسلام ازخط شروع شد واول نوشتن وخواندن لغت عرب باصطلاح عصر طلوع اسلام و لغات ولهجه واستعمال حجاز ومکه وقریش شروع شد وبعدهم عربی وسریانی ـ فارسی ـ یونانی و غیره را فراگرفتندوقرآن ومکاتبات بدینصورت‌نقل وانتقال میشد واکنون برای آنکه فهرستی ازاین کتب درسیرتکاملی بیان شود ازخط شروع میکنیم .

خط ولغت

الفباء درایران

یکی ازبزرگترین اختراعات انسانی الفباست ومردم جهان از دیرزمانی باهمیت این اختراع پی‌برده ومخصوصا درقرن اخیرمیخواستند بدانند که الفباراکی وکجا وچگونه اختراع کرده است .

درتواریخ برخی ازاقوام راجع بپیداشدن الفباهای ناقص خود افسانه‌های آلوده بخواب وخیال ومعجزات وتعصبات ملی‌ملاحظه‌منماید .

اخیراً هم عدهٔ ازروی قیاس‌باخط مصری وچینی واستنباط برخی مدارك مشکوك حدسیاتی‌راجع بالفباءنوشته‌اند که هرحدس راحدس وتحقیقات تازه‌تری متزلزل ساخته است .

---

۱ ـ فجر الاسلام ۱۷۳ ص

قدرمسلم این است که ریشه‌های این الفباء درتمام جهان یکی بوده است وبمرور دهور قطع و وصل شده مثلا ریشه خط چینی ومصری یکی وهردو روی رسم اشکال بوده‌است .

مسعودی در کتاب **التنبیه والاشراف** که در حوالی سال ۳۴٤ هجری تالیف شده است درمدارك تاریخی الفبای ایران مینویسد ـ زردشت کتاب اوستای معروف خود را آورد و عدد سوره‌های آن ۲۱ بود وهرسورهٔ در ۲۰۰ ورق وعدد حروف واصواتش ٦۰ حرف وصوت و هرحرف و صوتی شکل جداگانهٔ داشت وازآنها حروفی تکرار وحروفی اسقاط میشوند زیرا که مخصوص زبان اوستاست این خط رازردشت احداث کرد ومجوس آنرا دین دبیره میگویند .

پس‌ازبیان مفصلی ازخط ایرانی مینویسد :

فارسیان غیرازاین خط خط دیگری احداث کرد که مجبوس آنرا کسب دبیره یعنی خط کلی و۱٦۰ حرف وصوت دارد وآنگاه اضافه میکنند غیرازاین دوخط پنج خط دیگر دارند .

حمزةاصفهانی‌متولدسوتی۳٦۵درکتاب**التنبیه علی حدوث التصحیف**نوشته

مهمترین کتابهای مردم جهان ازسکان شرق وغرب وشمال وجنوب ۱۲ دوازده نوع کتاب بود و آن عبارت است :

۱ـ عربی ۲ ـ حمیری ۳ ـ فارسی ۴ ـ عبرانی ۵ ـ سریانی ٦ ـ یونانی ۷ ـ رومی ۸ ـ قبطی ۹ـ بربری ۱۰ـ اندلس ۱۱ـ هندی ۱۲ـ چینی (ترکی‌ازسریانی گرفته شده)

پنج نوع اینحروف استعمالش مضمحل وباطل شده وکسانی که آنهارا میدانستند ازمیان رفته‌اند ـ وآن ۱ـ حمیری ۲ـ یونانی ۳ـ قبطی ٤ـ بربری ٥ـ اندلسی است سه نوع خط آنها در کشورهای خود استعمالش باقی است وکسی دربلاداسلام نیست که آنهارا بدانند وآن ۱ـ رومی ۲ـ هندی ۳ـ چینی است .

وچهارنوع خط‌آن دردست است که درکشور های اسلامی « درقرن٤ » مستعمل میباشد وآن عربی ـ فارسی ـ سریانی ـ عبرانی است .

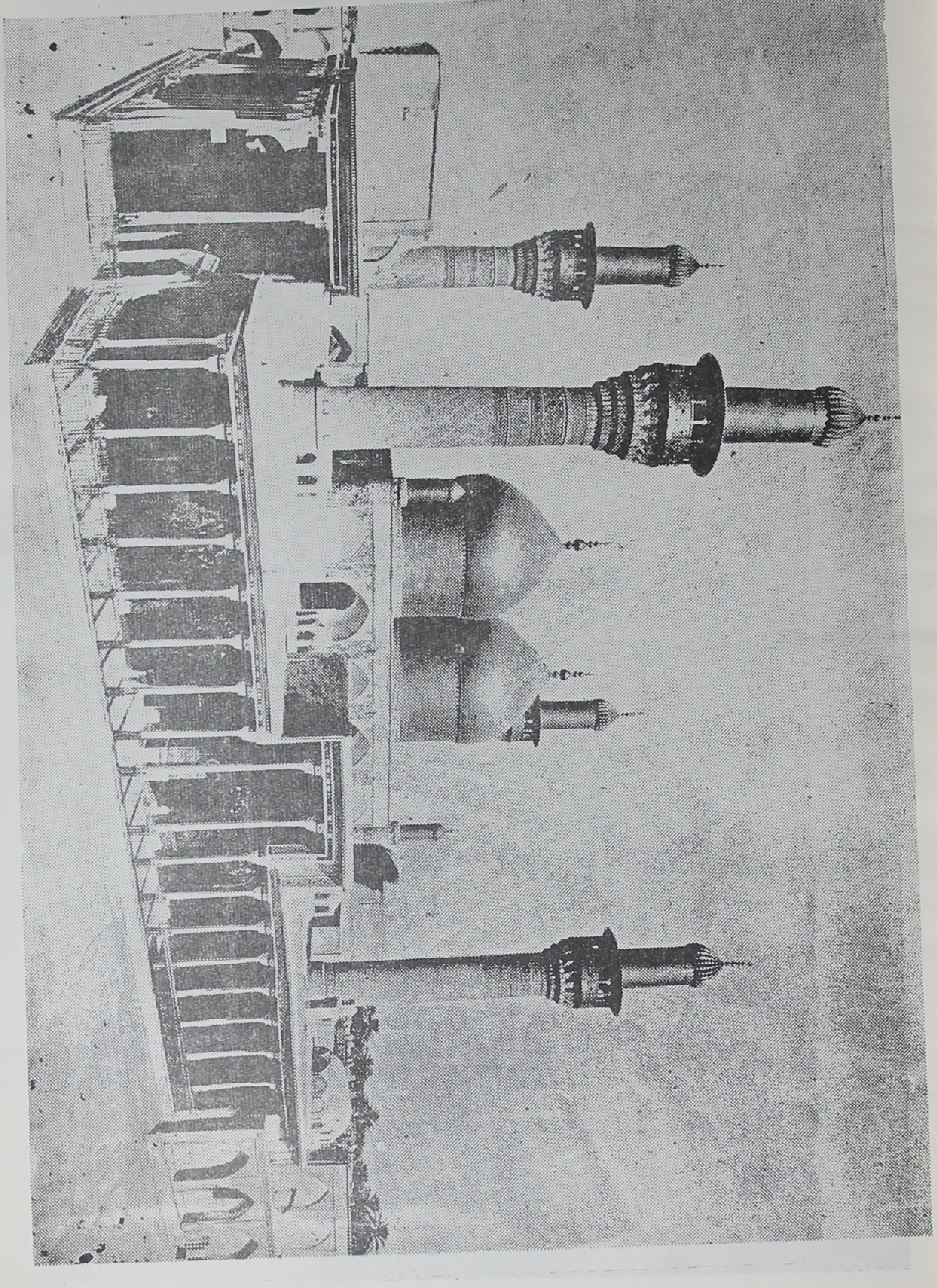
اما کتابت عربی یکنوع دارد ودرآن نظامی است که فقط قلمهای‌آن درحال‌تجوید وتعلیق‌تغییر میکنند ولی کتابت فارسی متنوع است و دارای هفت‌فن است (۱) که محمدموبد معروف بابوجعفر متوکلی ۲۵۰ هجری ذکر کرده است که درجزوه ۲ ایران کوده ازآن نقل کرده ص ۲٤

۱ـ درکتاب‌خط وفرهنك انجمن ایرانویج‌ایران کوده جزوه۸صفحه مینویسد ایرانیان هفت‌خط داشته‌اندکه یکی ازآنها خط «ویسپ‌دبیره» کلی وجامع همه خطوط بوده است بااین خط زبان‌رومی وقبطی ـ بربری ـ هندی ـ چینی ـ ترکی ـ نبطی ـ عربی وهراشاره وهرصدائی حتی صدای شرشر آب را مینوشته .

مسعودی این خط را ۱٦۰ حرف وابن ندیم ۳٦۵ حرف نوشته است .

وانجمن ایران‌کوده معتقد است که تمام خطوط‌جهان بشریت‌کنونی ازاین حروف ساخته‌شده است . صفحه ٦۸ ج ۲ ایران‌کوده

۲ـ ابن‌ندیم هم درفهرست ازقول این مقفع نوشته که فارسیان هفت‌نوع کتاب داشته‌اند خطاو خطاطان المنجدانواع خطوط عربی‌رانقل کرده است .

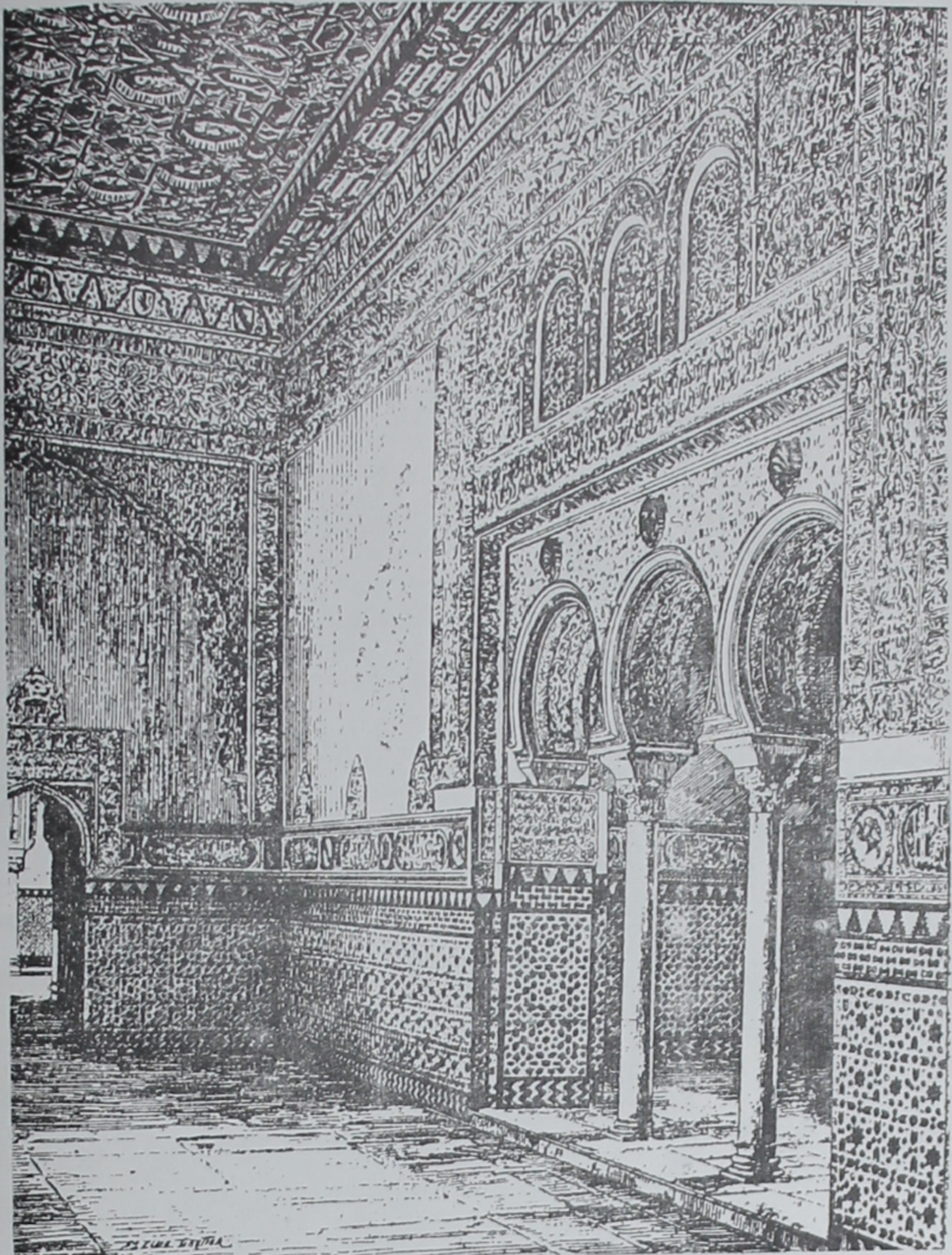




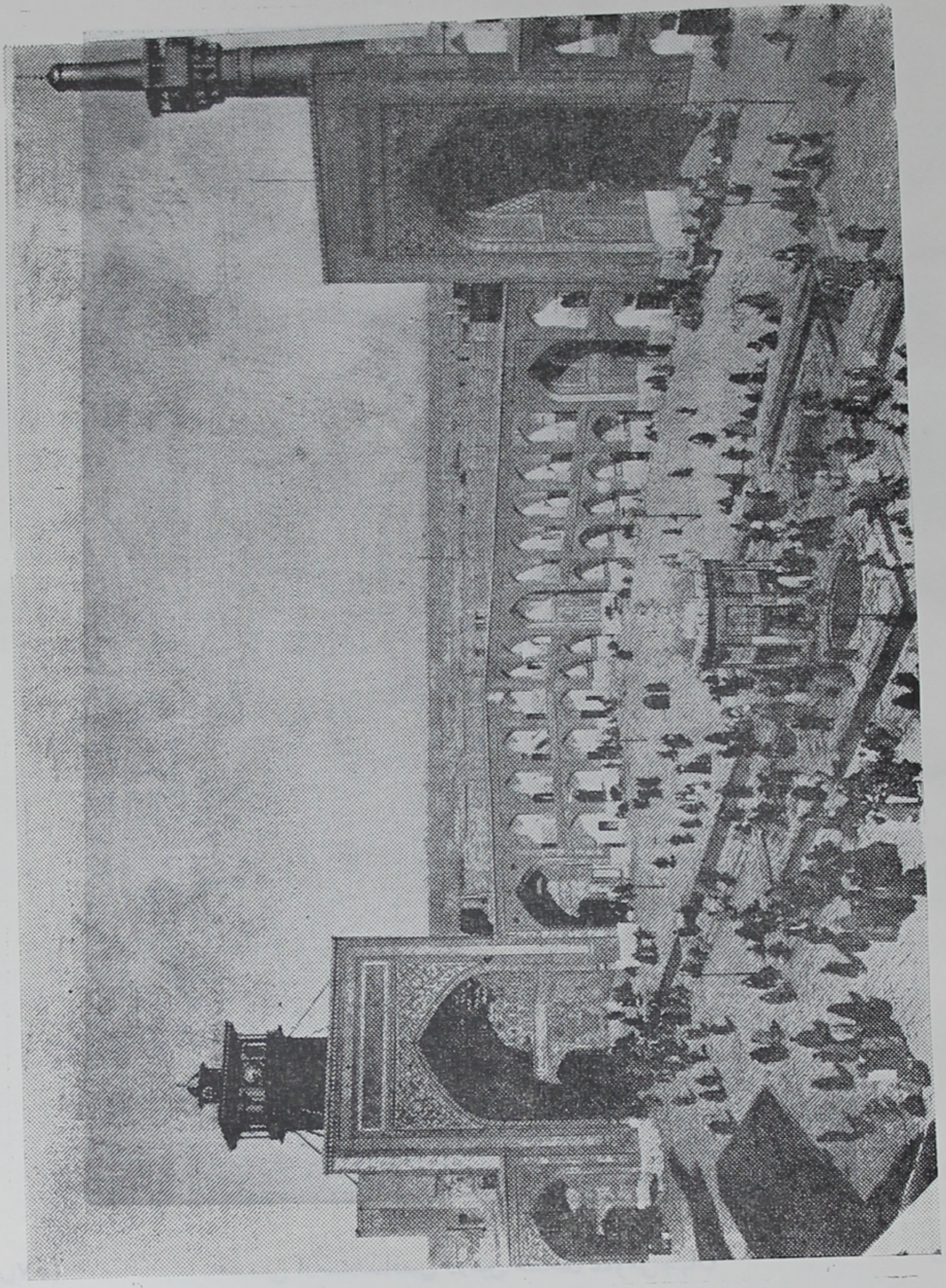
(ش ۵۳) شهر مقدس قم دانشگاه روحانی عالم تشیع



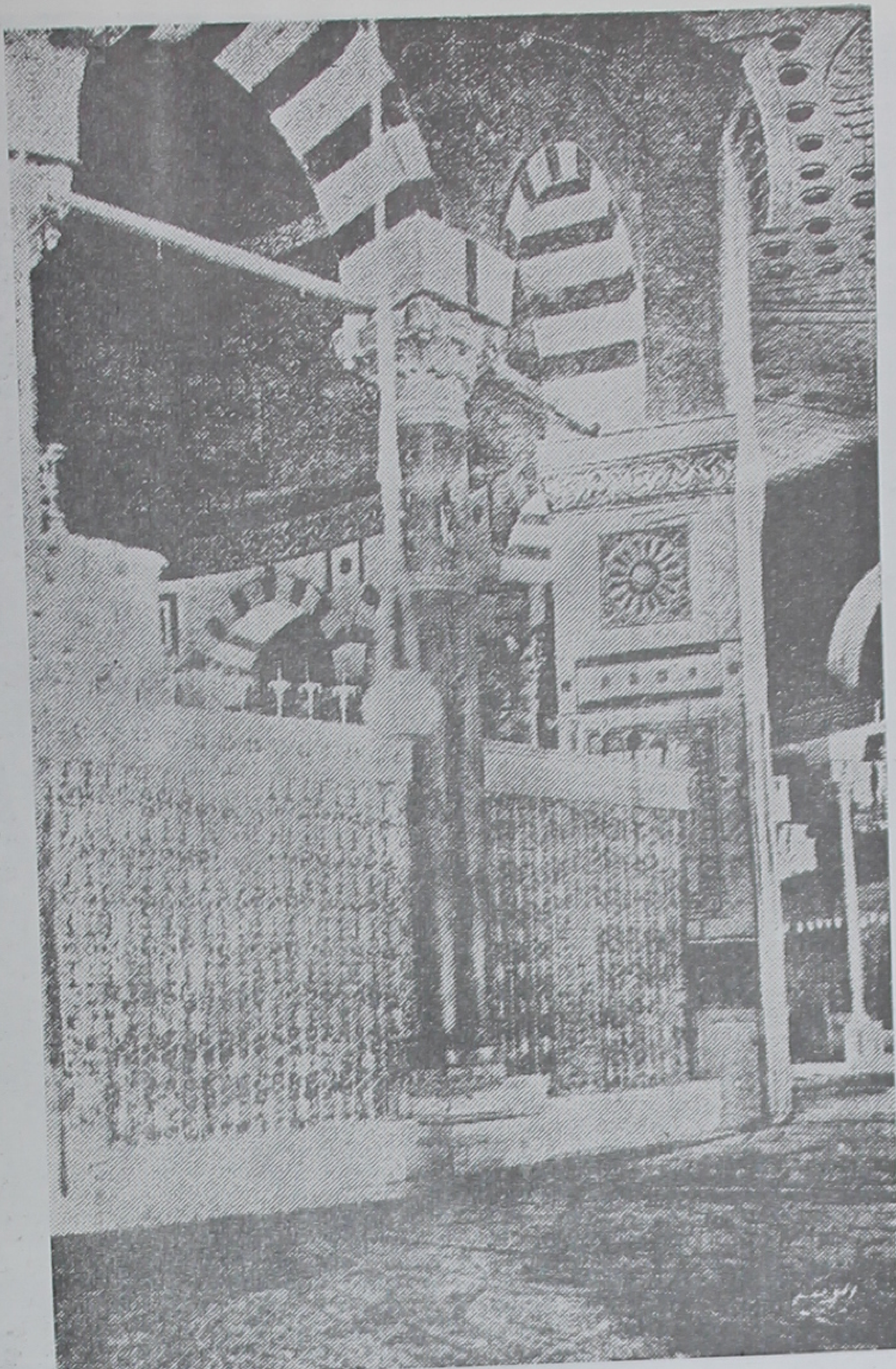
(ش٥٤) مشهد ضریح مقدس ورواق امام رضاع خراسان



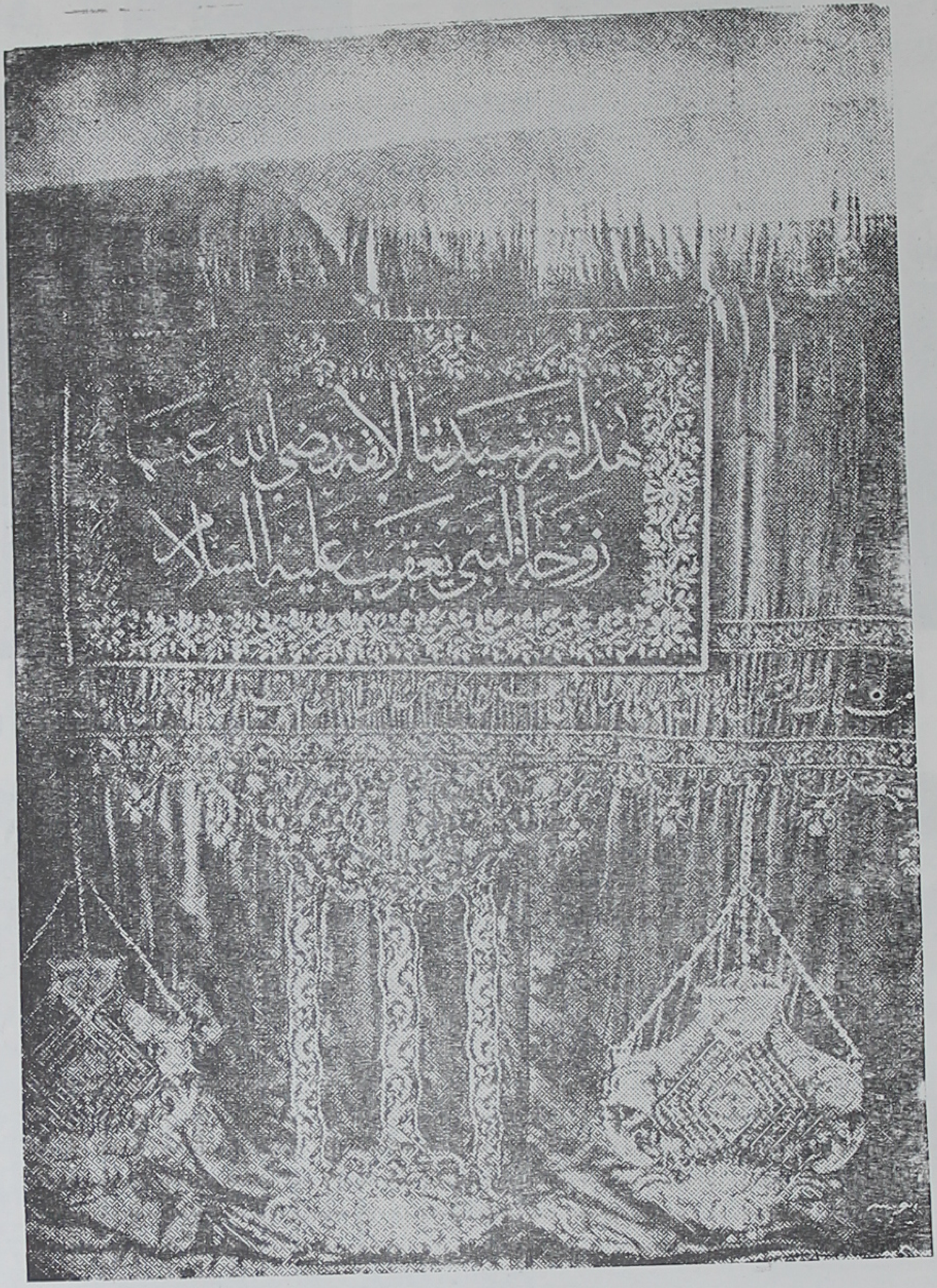
(ش ٥٤) مسجد خلفای سلاطین مر در المعمر مغرب



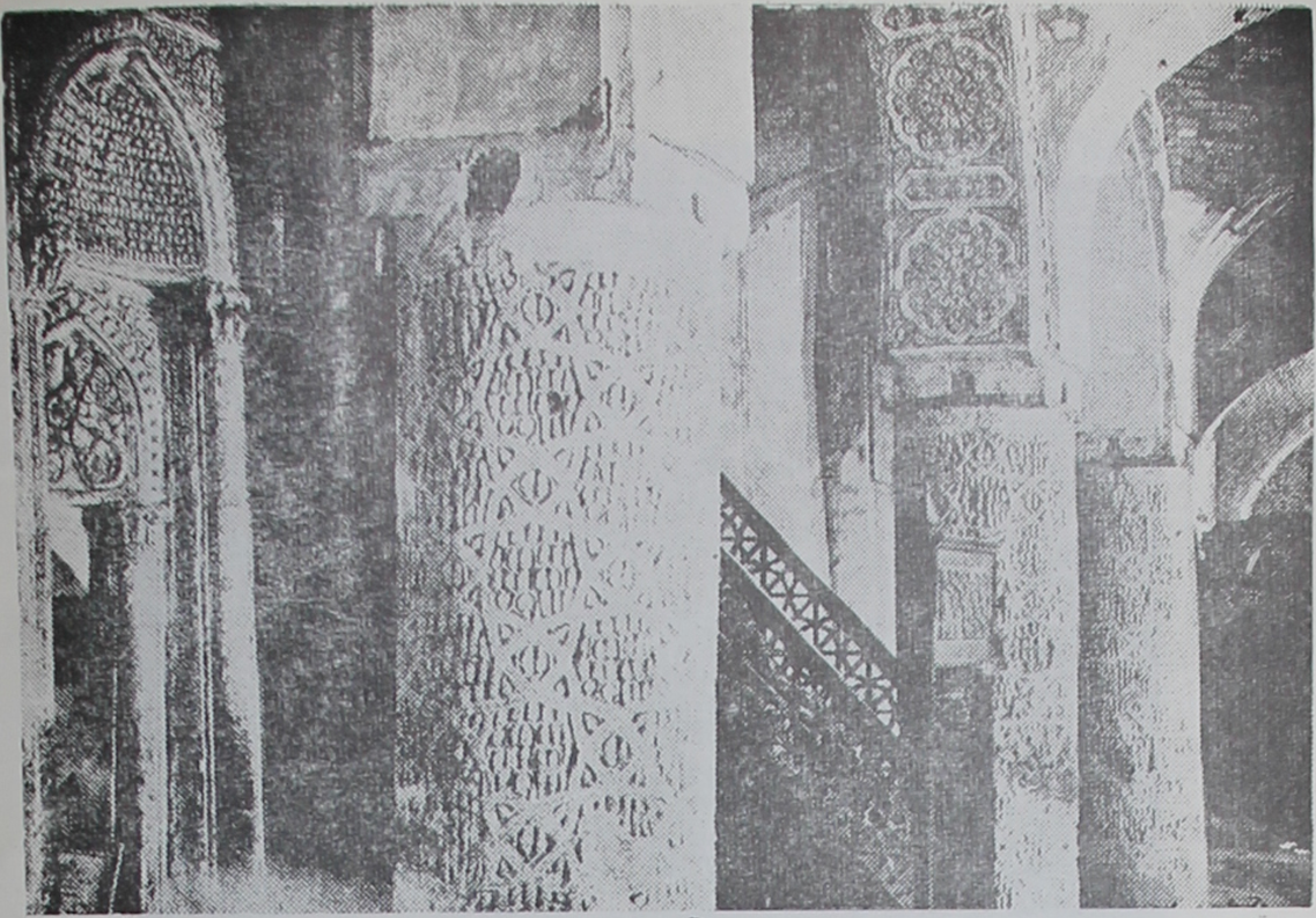
صحن قدیم مشهد وسقاخانه طلا (ش٥٦)



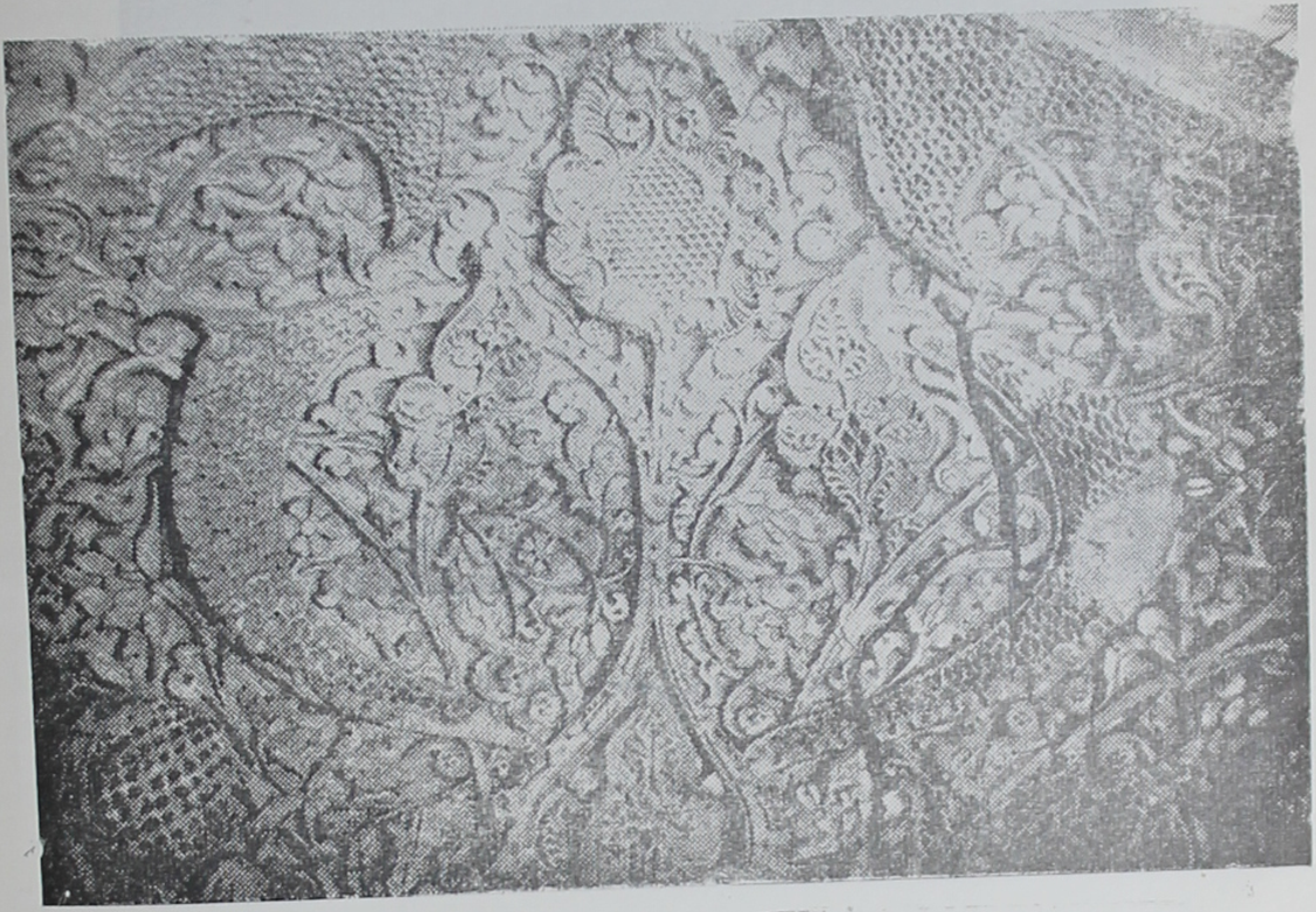
(ش ۵۷) قسمتی از مسجد اقصی دومین مسجد عمومی جهان



(ش ٥٨) مزارآتقه زن حضرت يعقوب دراردن



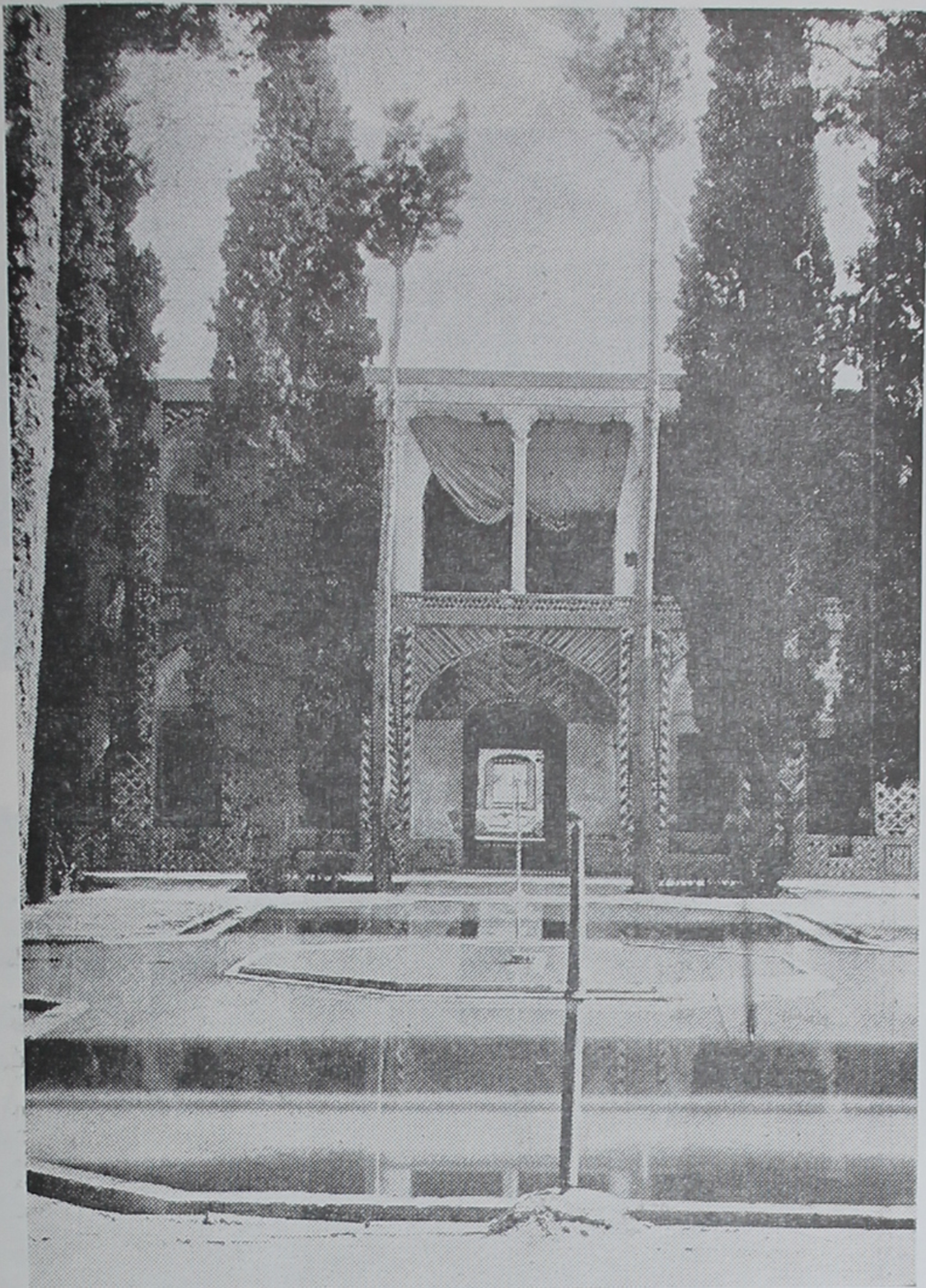
(ش۵۹   مسجد نائین



(ش۶۰   همدان مسجدعلویان



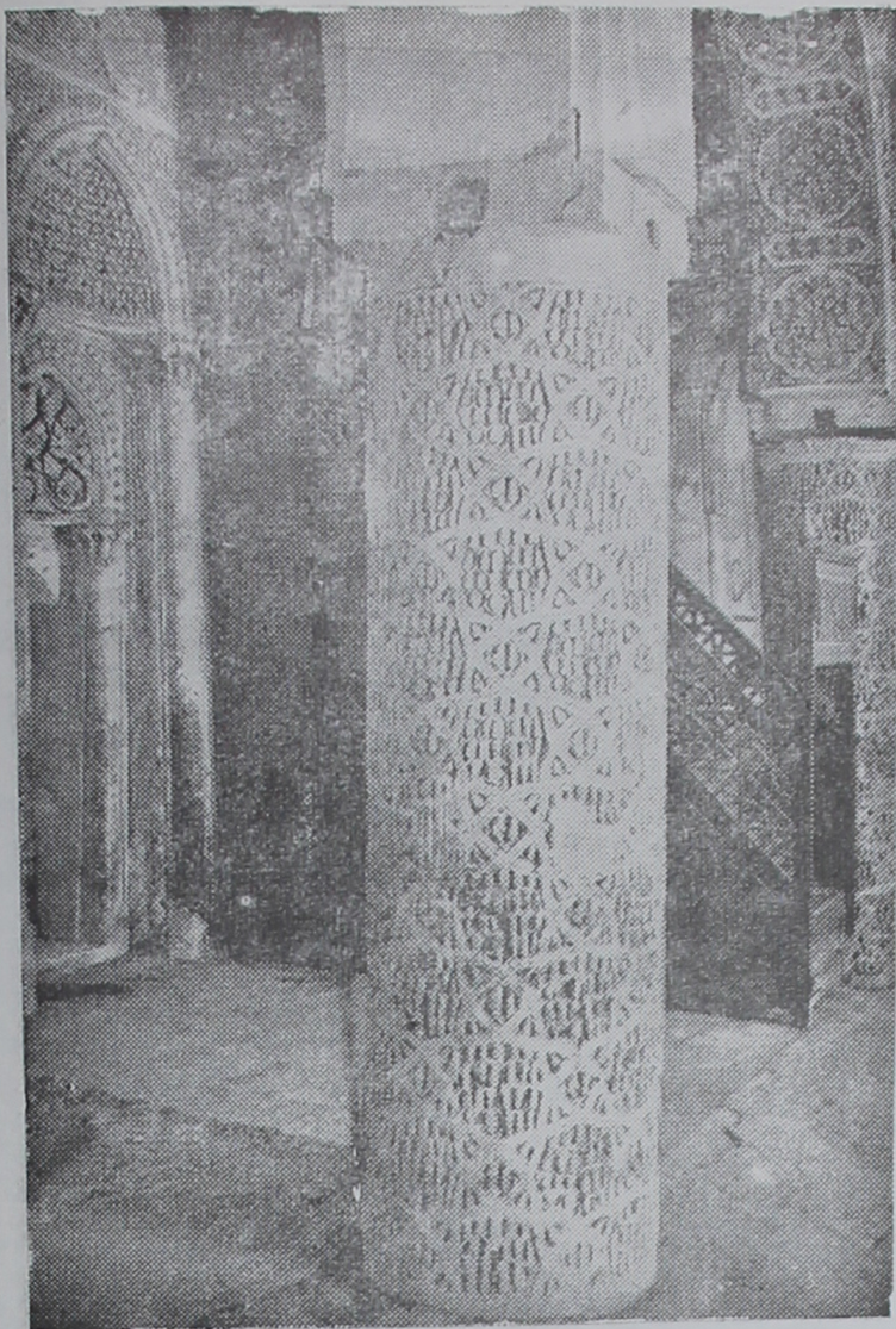
(ش٦١) مزار ساره زن حضرت ابراهیم خلیل درادرن



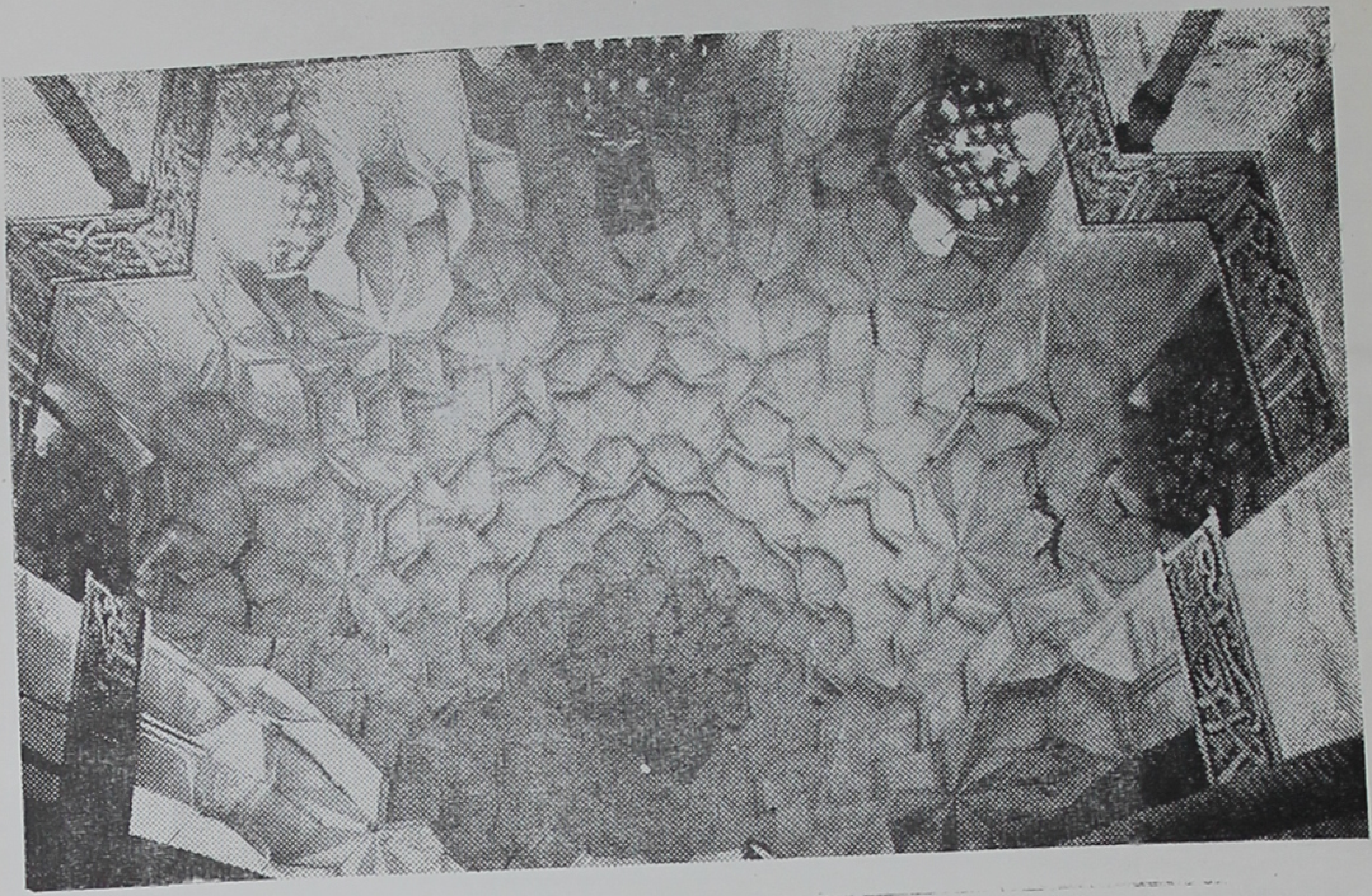
مسجد ماهان (ش ۶۲)

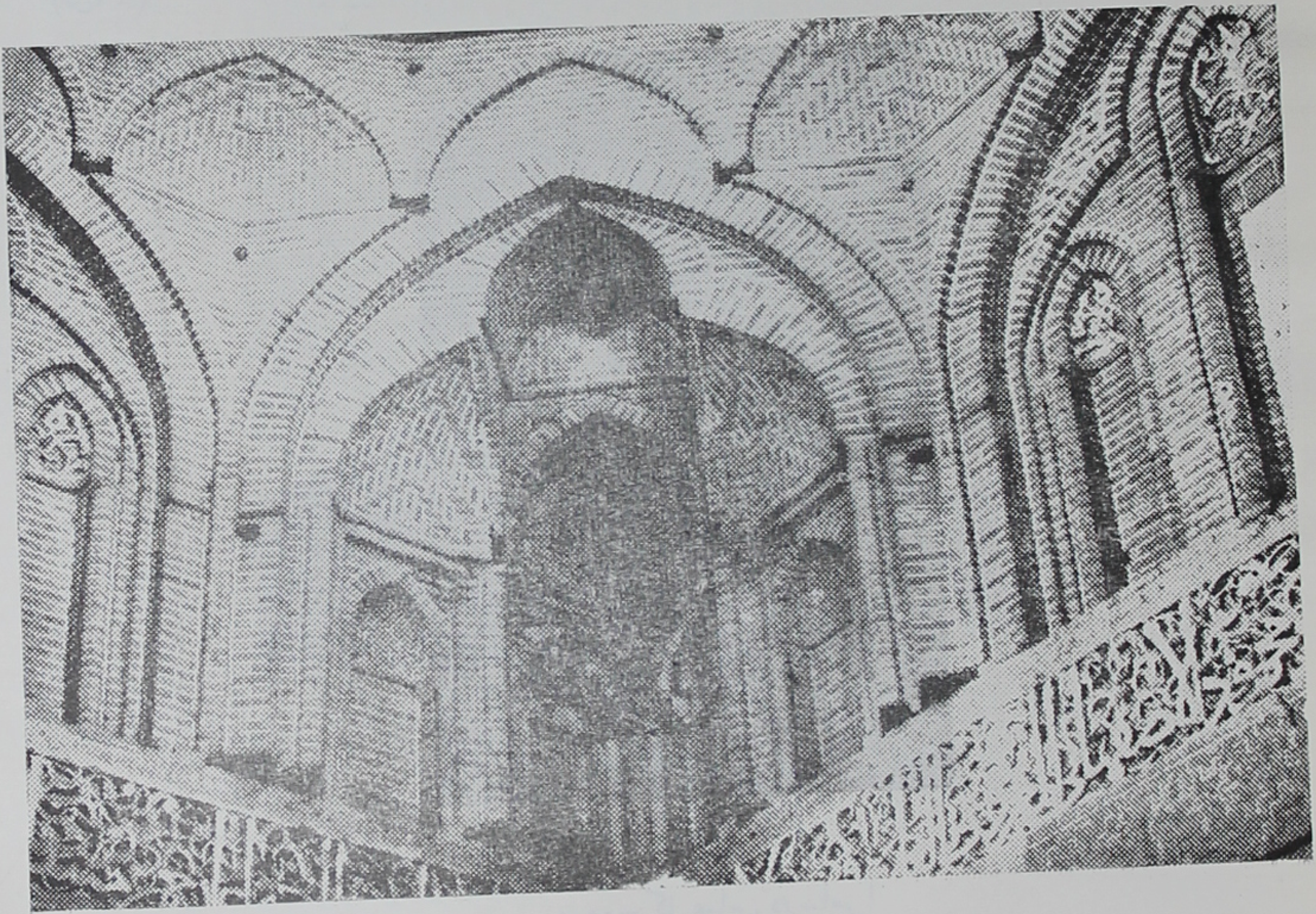


(ش ۶۳) مزار مقدس پیغمبر در اردن

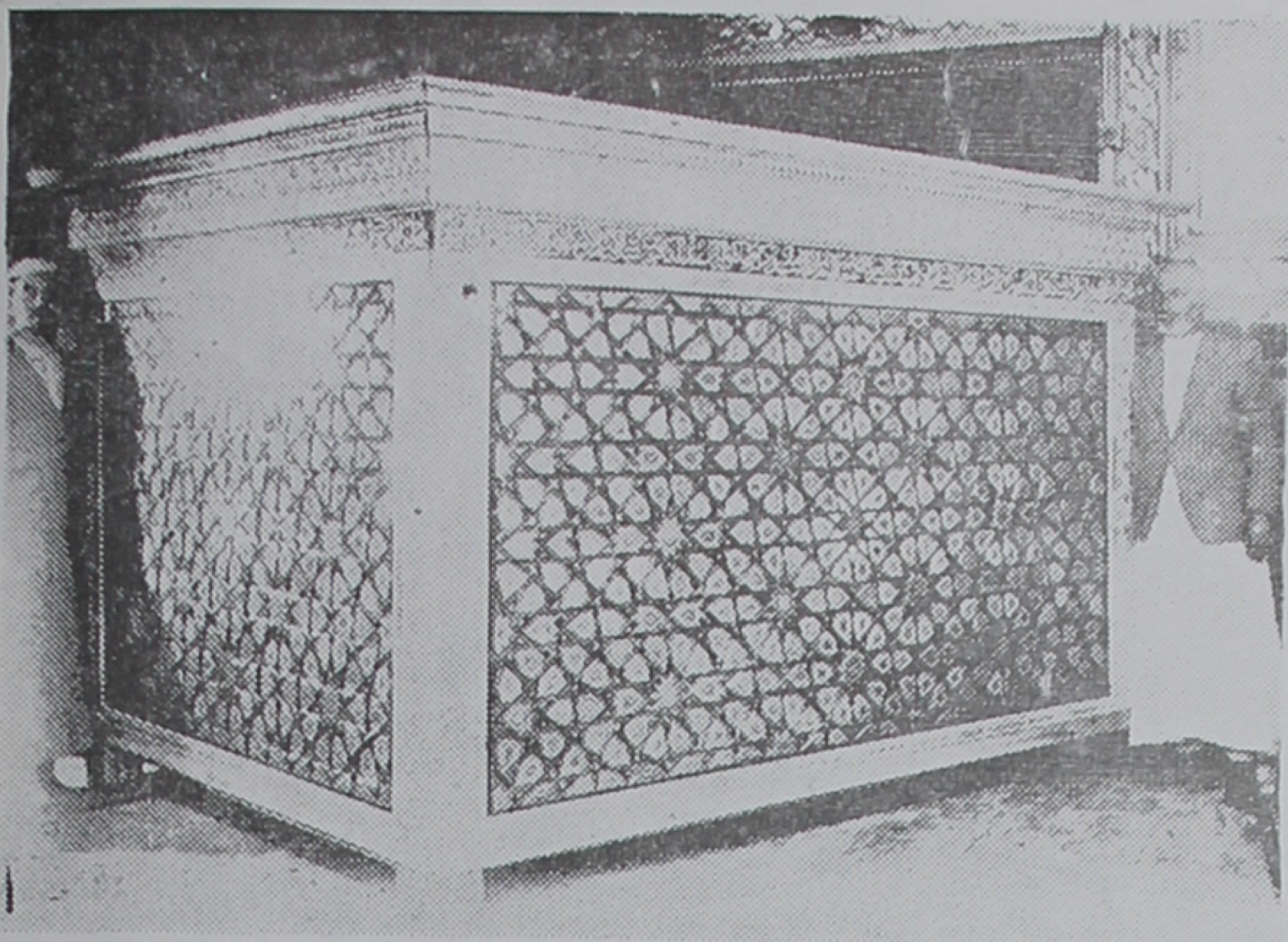


(ش٦٤) مسجدجامع نائین

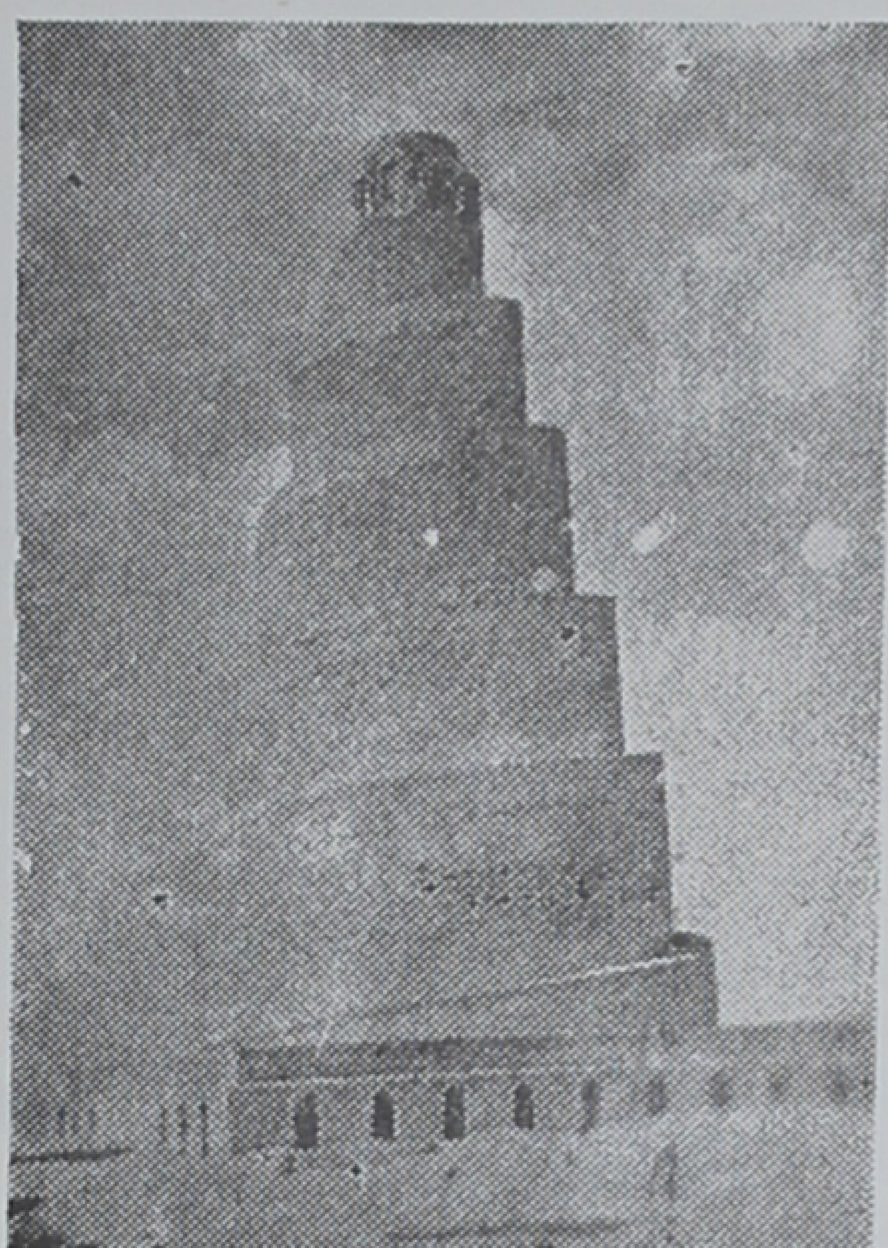




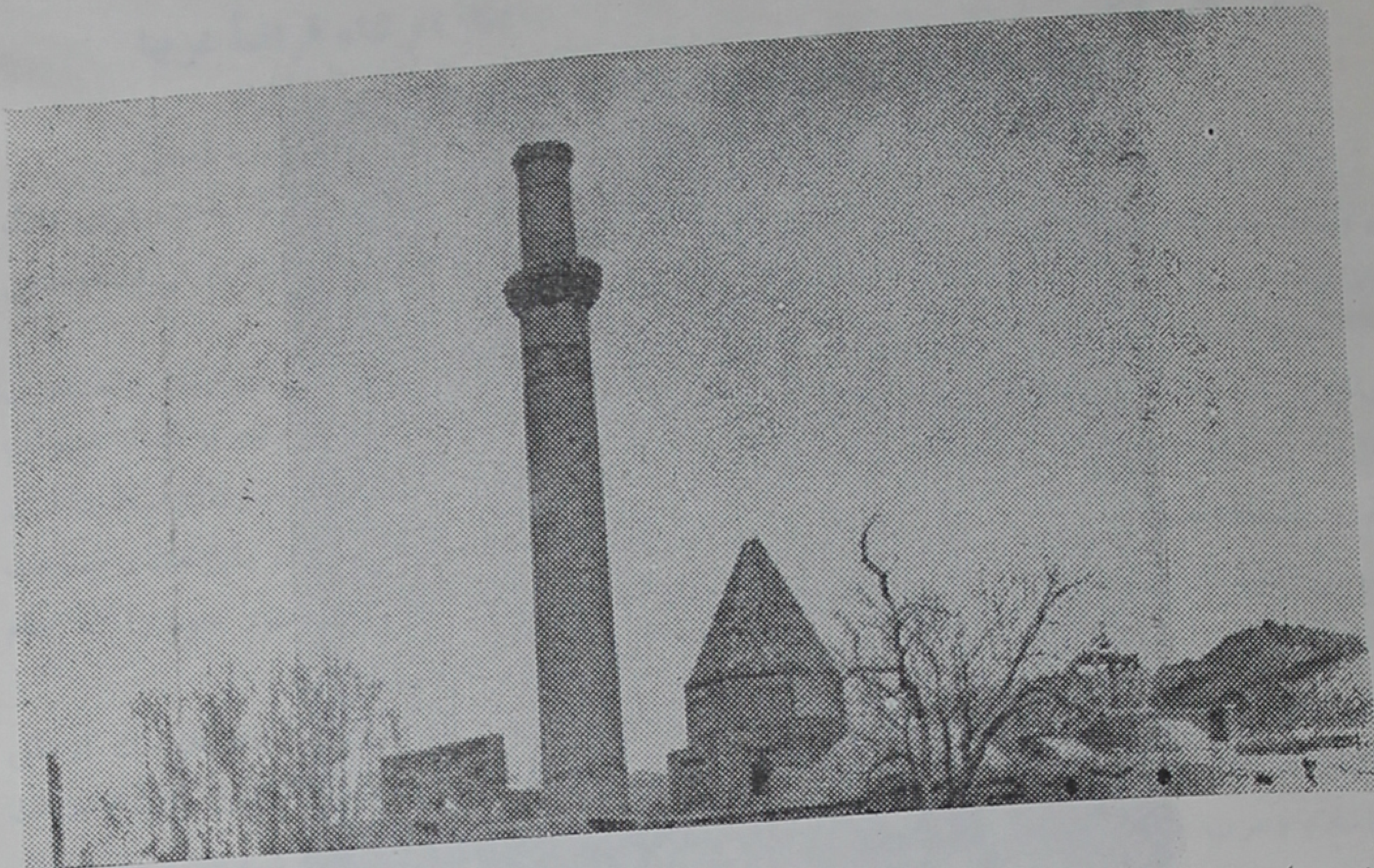
(ش ۶۵) مسجد جامع اردستان و مسجد شیخ عبدالصمد نطنز از آثار قرن



(ش٦٦)　　　صندوق ضریح حضرت ابوالفضل العباس ع



(ش٦٧)　　　برموج کل عباس درسامرا



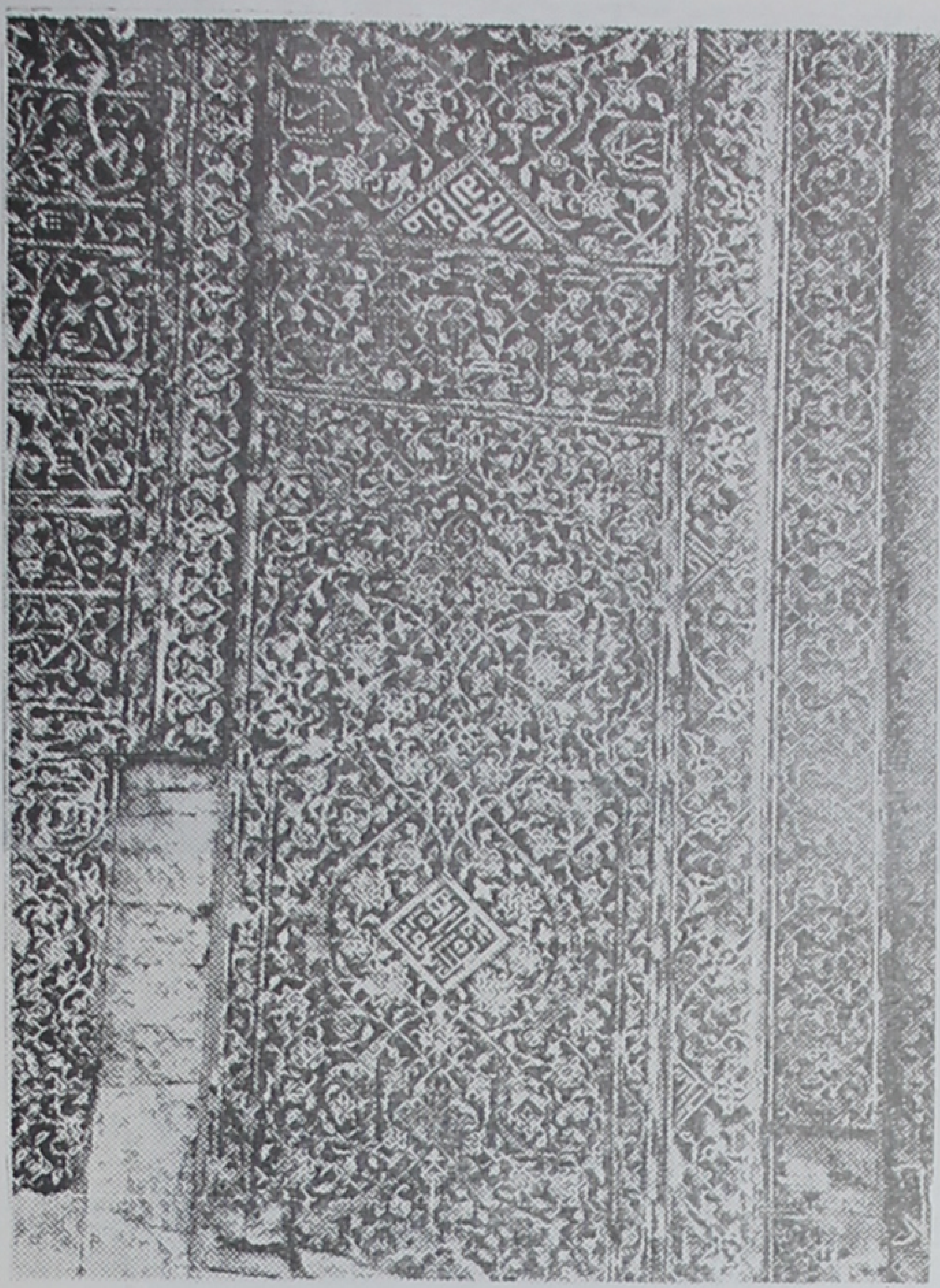
(ش۶۸)

مسجد جامع نطنز

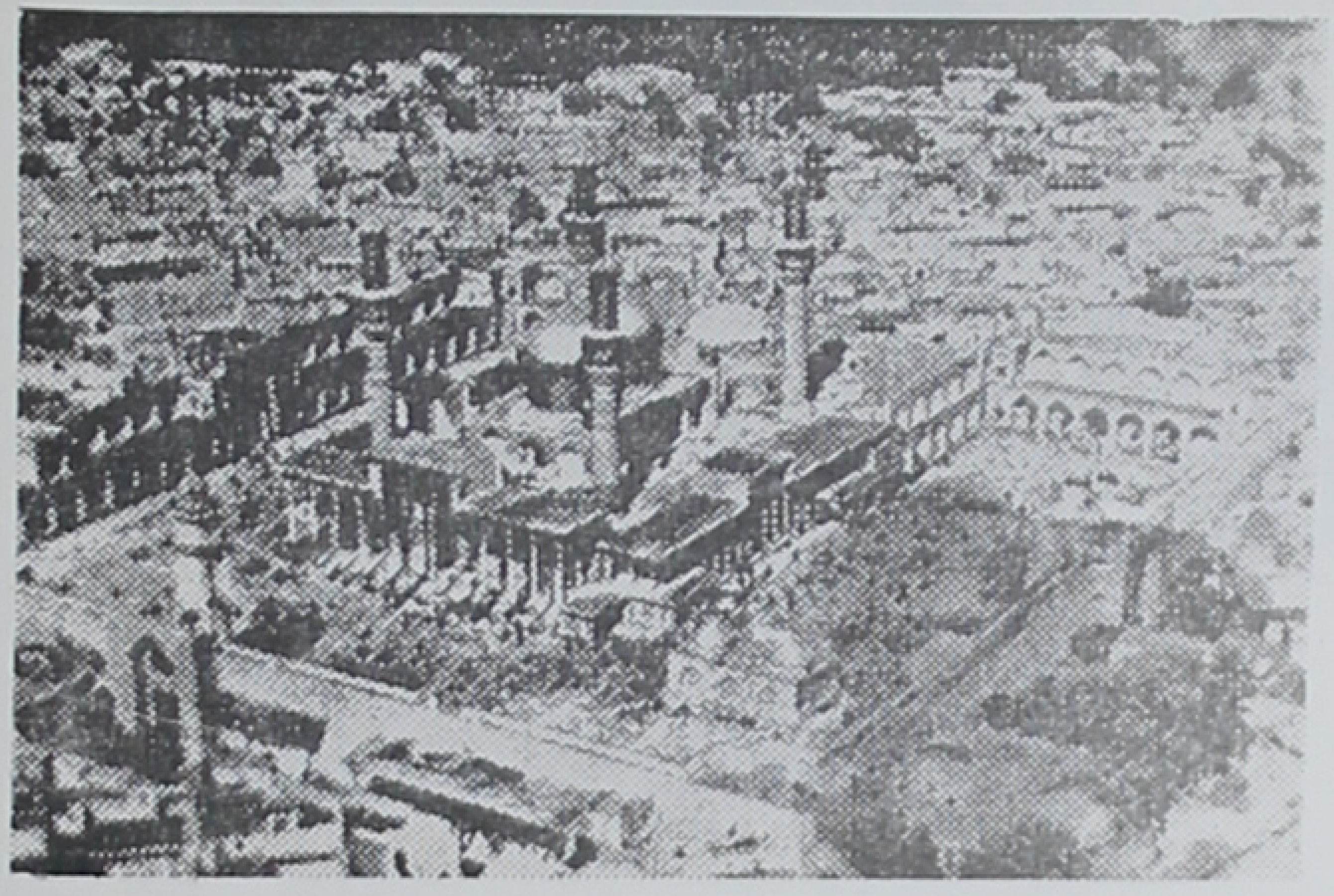


(ش۶۹)

نجف



(ش ۷۰) داخل مسجد کبود تبریز



(ش ۷۱) دور نمای کاظمین

نفوذ لغت عرب

انا انزلناه قرانا عربیا
لعلکم تعقلون

سوره قصص

یکی ازعوامل موثرپیشرفت دین اسلام لغت عرب و کتاب آسمانی است که بلغت عرب نازل شده ویکقسمت اعظم از کشورهای آسیا وافریقا بلغت عرب سخن میگویند ووحدت عربی در نفوذدین اسلام عامل بسیار موثربود .

چون آفتاب اسلام تابیدن گرفت وبلغت عرب آیات قرآن نازل شد برای نشرزبان ولغت عرب وآیات قرآن زحمتی نبود زیرا چندین کشور عربی که همه مجاوریکدیگر بودند باکمال سهولت قرآن را استقبال کرده ومعانی دقیقه والطاف رقیقه واحکام رفیعه آنرا میفهمیدند ودرك میکردند و نیازمند باستادمعلم وطول زمان فراگرفتن لغت نبودند ولذا چون آیات قرآن بابلاغت و فصاحت مخصوصی خود نازل میشد همه عرب آنرا اعجازشناختند وگفته‌های منظوم و منثور خود راکه بنام فصیحترین ودقیقترین آثار بدیوار کعبه آویخته بودند شبانه برداشتند ورفتند .

باری لغت عرب درانتشاردین اسلام باوحدت ملی عربی اثر عمیقی داشت که درهیچیك ازملل دیگر نظیر نداشته است درهیچ ملتی لغت خاصی ونوع خاصی ازآداب لغوی ونحوه کتابت وانشاء مانند دین اسلام وعرب نبود. چون قرآن نازل‌شد لغت عربی‌وخط عربی مانند برق ازشبه جزیره‌عربستان باطراف پرتوافکن شد .

چون تمام عرب اسلام رافراگرفتند وآنها فاتح اسلام بودند لغت وخط عربی در سایه نشر قرآن بجهانیان تعلیم شد واکثرملل غیرعرب‌مانند رومی‌وایرانی وترکی وبربری افریقائی - آسیائی هندی واروپائی بزبان عرب تالیف وتصنیف خودرا باقی گذاشته وگاهی تفوق براسانید خود جستند چنانچه بسیاری ازایرانیان فارسی‌زبان درلغت عرب برتری یافته ودرادبیات زبان تازی برعرب تقدم پیدا کردند وکتب نفیسی بزبان عربی‌باقی گذاشته و میتوان بامدارك مثبتهٔ که دردست است گفت در اینکار تقدم وتفوق علوم وفنون اسلامی بزبان عربی-ایرانیان وشیعه رشته اینکار را دردست داشته ودر کتب فجرالاسلام و ضحی‌الاسلام وعصرالمأمون والشیعه والفنون‌الاسلامی‌ودر کتاب **الذریعة الی تصانیف الشیعه** وکتب فهرست میبینم که اینکاردست شیعه بوده است وایرانیان وموالی سهم بزرگی دراین اینکار داشته‌اند .

عربی‌زبان دینی ملت اسلام است وهرفرد ازافراد میهن بااین زبان سروکار الزامی‌دارند زیرا کتاب آسمانی واحادیث نبوی واخبار وتفاسیر و رده از ائمه هدی علیهم‌صلوات‌الله اجمعین همه بزبان عربی است - گذشته ازآن‌انجام قسمتی از تکالیف دینی‌بدون عربیت صورت نمیپذیرد بنابراین‌هرفرد مسلمان که میخواهد وظایف دینی رابطورصحیح وبااطمینان قلب‌انجام دهدباید خواه وناخواه‌بتعلم زبان عربی تن دردهد واطلاع بقواعد آن باندازه ضرورت دینی پیدا کند تابتواند تکالیف واجبه را چنانکه شارع مقدس مقرره فرموده است بجابیاورد وحضرت‌صادق ع درحدیثی میفرماید.

تعلموالعربیه فانها کلام‌الله الذی یکلم به خلقه صفحه ٦٦ج١ بحار

درقرآن هم‌میفرماید **انانزلناه قراناً عربیاً لعلکم تعقلون**

ازهمه این مطالب گذشته لغت عرب دروسعت و کمال وتمامی فصاحت و بلاغت درصدر درجه‌اول لغات زنده عالم قراردارد وبداینجهت علما ودانشمندان ملل متمدنه عالم درهرعصری ازاعصار گذشته

اهمیت لغات عرب را دریافته وازلحاظ قواعد واستحکام اصول لغوی اول لغت دنیاشناخته‌اند و دراین باب گفته شد :

بقدر لغـات المرء یکثر نفعه و تلك له عند الشدائد اعوان
فبادر الی حفظ اللغات مسارعاً فکل لسان فی الحقیقة انسان

واضافه باید کرد که قسمتی مهم ازمفاخرملی وآثارتاریخی کشور ایران واکثر ممـالك اسلامی بلعت عرب است بلکه آثارتالیفی عربی وآثار کتب عربی جهان از لحاظ کیفیت قابل مقایسه باکتب سایرلغات جهان نیست وآنچه هم که دیگران دارند می‌بینم ترجمه از قرآن و احادیث وکتب لغت عرب است از این جهت مسلمان حاجت دارد بزبان عرب و باید مظاهر تکامل و رشد عقلی و مآثر نفیسه ملی اسلامی خودرا حفظ کند .

اسلام دینی است که لغتش وقرآنش ونمازش وحدیثش وقبله‌اش عربی است وصفات فاضله بشری درعرب تجلی دارد. وبهمین جهت فرموده قرآنرا بلغت عرب فرستادیم که مردم خوب بفهمند وتعقل وتفکر کردند والفاظ رسارا بامعانی بلند آن تطبیق نمایند ودرك کنند.

الفورد گیوم مدیردانشگاه گولهـام میگوید چون مسلمانان ازعربستان که مسقط‌الراس اسلام است طلوع کردند وزبان عربی سبب قابلیت تصریف وتغییر و انتظامیکه دراسماء وافعال دارد برتمام زبانهای اروپائی رجحان دارد اعراب کاملا باهمیت زبان وعظمت وسعت لغت خودآگاه بودند قواعد صرف ونحو آنرا ازقدیم میآموخته و همیشه مبل داشتند صحیح تلفظ کنند و بهمین جهات قرآن که بزبان عربی بود ومیدان وسیعی درلغت داشت دردنیا بسرعت نفوذ کـرد ومورد قبول تمام اعراب و تازی زبانان قرار گرفت بعدهم عجم که درلغـات عرب مشترك المعانی بودند آنرا استقبال کردند و ازخوشبختی آنها این است که علوم وصنایع هم باین زبان وبوسیله عرب زبـانان نشریافته است و ایرانیان وعجم یعنی غیرعرب هم آثارعلمی وتالیفات خودرا درلغت عربی تالیف ونشردادند.

زبان عربی و اهمیت آن

اکثر مستشرقین عقیده دکتر گوستا ولوبون را تایید میکنند که میگوید:

زبان عربی جزء السنه سامی محسوب وشباهت تامی بزبان عبری دارد - حروف چندی دراین زبان موجود است که صداهای آنها درالسنهٔ اروپا یافت نمیشود وازاین جهت تلفظ آن برای اجانب خیلی مشکل است .

از اشعار عرب پیدامیشود که تکامل زبان عربی یکقرن قبل‌ازاسلام بآخرین درجه کمال رسید وزبان شخص پیغمبر وقبیله‌اش خالص وفصیح بود وهمین زبان فصیح وشیرین بواسطه اشاعه قرآن‌درتمام جهان منتشروزبان عمومی مسلمین گردیده است .

اساساً زبان عربی ازجمله‌السنه‌ایست که اجزاء آن نهایت درجه باهم متحده و خالص میباشد ولی درتکلم‌وتلفظ اختلافی بین‌مردم‌وقبـایل دیده میشودمثل تکلم‌جزیرة‌العرب - شام -مصر-الجزائر باهم فرقی دارند ولی خیلی محدود که همه زبان یکدیگررا بخوبی میتوانندبفهمند .

بورکهارد ازکسانی است که بیش‌ازهمه کس از مستشرقین دراین فن مطالعه کرده میگوید زبان عربی که از موگادر تا مسقط محاورات یکدیگر را خوب میتوانند بفهمند.

اززمان پیغمبراسلام (ص) تـاکنون چندان فرقی درزبان عربی پیدا نشده لیکن در رسم‌الخط آن تغییر وتبدیلی رخ داده است

درابتدای طلوع اسلام خط کوفی معمول بود واین خط چون درکوفه اختراع شده بود کوفی میگفتند واعراب نداشت درقرن دوم هجری آنرا تغییردادند واعراب داخل آن کردند ودراغلب کتیبه‌های مساجد ومدارس اسلامی آثاراین خط هویدا وآشکارا وباقی است .

چنانچه از کتب تاریخ وملل ونحل بدست آمده است السنه جهان بشریت تاکنون درحدود ۲۶۰۰ زبان مستعمل تشخیص داده شده که ۸۶۰ زبان آن بشرفهمیدنی نیست زیرا بدوی استوبقیه السنه محلی است بدینصورت :

دراروپا ۴۸ زبان
آسیا ۱۵۳ »
افریقا ۱۱۸ »
آمریکا ۴۲۴ »
اقیانوسیه ۱۱۷ زبان

که زبان عرب ۱ السنه جهان ودرقواعد وشیرینی ووسعت لغت واشتراك معانی ولطافت و ۱۲

جذابیت برتمام السنه دنیا فوق وتقدم داشته ودارد وبهمین لحاظ مورد استفاده سیاسی هم قرارگرفته که ازپشت پرده هیکل وفرمانروای دنیای مسیحیت هم این لغت پراکنده میگردد درحالیکه هیچ لغتی باین لطف وعذوبت نیست واین سابقه را ندارد .

نشر زبان عربی

زبان عربی با نشر اسلام منتشر شد. موفقیتی که برای مسلمین درمذهب حاصل شد دراشاعت زبان نیزهمان موفقیت دست داد ـ هرملتی خواست درقومی رخنه کند باید اقلا یکقرن یایك نسل تعلیمی زبان ولغت خودرا قبلا درمیان آن قوم بفرستد وتاکنون هیچ فاتح وکشورگشائی نتوانسته است زبان خودرا درقوم مغلوب منتشرسازد . مگراسلام تنها اسلام بود که توانسته کاملا کامیابی حاصل نماید ودرتمام اقوام مغلوبه همانطور که مذهب اسلام را قبول نمودند زبان عربی را هم زبان معمول خود قراردادند و درممالك اسلامی تا ایندرجه زبان عربی توسعه پیدا نمود که تمام السنه قدیمه را ازقبیل سریانی ـ یونانی ـ قبطی ـ بربری از میان برد وخودبجای آنها قرارگرفت وحتی درایرانهم تامدتی عربی زبان رسمی کشورشد وایرانیان در زبان عرب تالیفات خودرا مینوشتند ودرادب وادبیات وفنون وعلوم ازعرب هم جلوافتادند وتمام کتب مذهبی ایرانیان هنوز عربی است .

ترکها هم ممالك اسلامی رابتصرف آوردند تحت همین تاثیر رفته زبان وخط عربی رااختیار کردند چنانچه اکنون درتمام نقاط ترکیه اشخاص بیسواد هم قران رابآسانی میتوانند بخوانند

این نفوذ درچین وژاپن هم اثربخشیده وباآن لغات وزبان سخت چینی وژاپنی قرآن رابعربی تلفظ میکنند واین اثرقرآن است که بمردم دنیا بخشیده شده وبالاخره یکقسمت اعظم از سرزمین آسیا زبان عربی همان نفوذ رادارد که دراروپا درقرون وسطی زبان لاتینی نفوذ داشته است ـ و گویا این لغت باروح مردم آشنائی دیرین دارد وبافطرت بشرمنطبق است .

مسلمین ازقرن دوم که دریای متوسط رامتصرف شدند ودرکشتیرانی وانتظامات نیروی دریائی تسلط یافتند لغاتی بجاگذاشته که تاکنون همان لغات تلفظ میشود ودرآمیزش باملل مختلف زبان عرب را درتمام شئون زندگی اجتماعی دریائی وصحرائی بدوی و مدنی بآنها آموختند ویکی از

۱ـ تاریخ تمدن گوستاولوبون

نویسندگان لغت عرب ابن‌سعداست که درسال ۱۰۶۵ اوایل قرن چهارم هجری وفات کرده کتاب لغتی بنام فرهنك درزبان عربی نوشته دربیت‌جلد بوده است (۱) و مادر کتاب فرهنك رجال اسلام اسامی نویسندگان کتب لغت عرب را نام برده‌ایم و با توجه بکتب لغت عرب بتنهائی که زبان قرآن است بالغات سایرملل و مذاهب زنده جهان بیشك وتردید هرخردمند منصف و واقف بلغات والسنه اعتراف میکند که اسلام درلغت وسیعترین السنه جهان است ودانشگاههای مجهز هزار ساله اسلام مانند **الازهر** مهیای ترجمه کتب جدیددنیا بزبان عربی هستند وکمتر کتابی است که در عالم نوشته شود وکمترازدوماه فاصله بزبان عربی منتشر نگردد وبااین وضع کنونی باید گفت همه لغات مشترك مللدنیا درعرب موجود است وماmعتقدیم که یکروز خواهدآمد که زبان تمام بشرزبان عربی قرآنی باشند وبیك لغت تکلم کنند وبایك ادب اسلام سیرتکامل نمایند ـ چنانچه اخبارظهور قائم‌آل‌محمد ص شاهد این حقیقت است .

خط عربی مادرخطوط مشرق زمین است

خطوط عربی درابتدا بدوقسمت منقسم بود خطیکه مشهور بخط کوفی است که قسمت شرقی خطوط‌عربی بود وازخط(سیریاك) سریانی‌زائیده ومنقبس گردیده‌این‌خط‌تا اوایل‌قرن‌دوم‌هجری‌مستعمل بود بواسطه کثرت صعوبت درنوشتن ومشکلات اودوامی پیدانکرد وخط نسخ جای اورابگرفت اما خط نسخ عبارت است ازقسمت غربی خط عربی بودکه اصلا درروی خط نبطی اقتباس وازخط کوفی استخراج شد وبمرورتکمیل گردید تاباوج ترقی وتکامل رسید .

وجه تسمیه کوفی

حیره یکی ازشهرهای معتبر (بین‌النهرین) بود ودرقرن چهارو پنج‌میلادی آبادان ومعموربود ـ پادشاهانش ازطرف سلاطین ساسانی نصب وعزل میشدند ـ این حیره بعد نامش بکوفه مبدل گشت و جمعی ازفضلای عرب بتکمیل خط کوفی که ازخط سیریاك اقتباس شده بودپرداخته وآنرا تحت‌قواعد و ضوابط صحیح درآوردند(۲)

وچون بتدریج از کوفه (جزیرة‌العرب) مکه ومدینه مسافرت کرد مشهور بخط کوفی شد و اول کسی که این‌خط رادرجزیرة‌العرب انتشارداد «**حرب‌ابن امیه‌بن‌عبدشمس** بود که برای‌فراگرفتن این‌خط ازمکه بحیره رفت وآنجااین خط رابیاموخت تاخود استادشد ۳ ـ این خط بتدریج درمکه رواج یافت ودراسلام معمول شد وبنقل ابن خلکان اول کسیکه در عرب بخط کوفی کتاب نوشت حرب‌بن‌امیه بود (٤) پس‌ازظهور اسلام چندنفر ازاو فراگرفتند که از آنجمله ابی‌بن کعب علی‌بن ابیطالب از پدرش ـ عثمان بن‌عفان ـ عمربن‌الخطاب ـ زیدبن‌ثابت بودند که عهده‌دار دیوان رسالت بودند ۵

جزیرة‌العرب یعنی مکه . طایف . تهامه . نجد . مدینه بخط کوفی آشنا شدند و چون بدون

۱ـ صفحه۵۸۳ تاریخ‌تمدن گ

۲ـنامه دانشوران ناصری ج ۱

۳ـ تاریخ الاوایل والاواخر

٤ـ ابن خلکان

۵ـ صفحه ٤۸ پیدایش خط وخطاطان

اعراب واعجام بود مواجه بامشکلاتی در قرائت شدند بالاخره پس‌ازپنجاه سال از هجرت ۷۰ یا ۸۰ هجری ابوالاسودالدؤلی که ازشاگردان حضرت‌علی مرتضی بوداین خط راتکمیل کرد وبنقل‌ابن ندیم بیشتر اصلاحات‌خط کوفی قدیم مرهون خدمات‌ابوالاسود است.

صاحب کتاب‌شرح‌اللمعة(الشهید)مینویسد که‌درصدراسلام نقطه برای‌حرکات‌استعمال‌میشدوواضع او **یعقوب‌رهاوی** است .

جرجی‌زیدان صاحب آداب‌اللغة مینویسد حرکات ضمه ـ پیش ـ فتحه ـ زبر ـ کسره ـ زیر میباشد .

وقرآن که درعهد خلفای راشدین وبنی‌امیه نوشته شد مظهرتکامل است و مؤلف کتاب خط و خطاطان اسامی کسانی که دراین باره کتبی نوشته‌اند نقل کرده است صفحه ۷۰

واکنون‌قرآنسکه‌درزمان‌عثمان وبخطاوبودویکقطره‌ازخون‌عثمان‌درروی‌یکی‌ازصفحات‌آن‌چکیده است دریزد وهم درکتابخانه استالینگراد موجود است .

تجوید در اسلام

چون بنای ما برنوشتن انواع حروف و تجوید و اصوات‌والفباهای مسلمین نیست‌بلکه منظوراشاره بعظمت علمی مسلمین وخدمات گرانبهای آنها است بنحواشاره گفته‌ومیگذریم وعلاقمندان رابکتب مربوطه حواله میدهیم (۱)

ازچندین قرن قبل‌ازمیلادمسیح تجویددرایران وهندبود باین معنی که ادعیه وسرودهای‌مذهبی را با زمزمه یاآهنگهای مخصوص زیروبم میخواندند ـ مردم این دو کشور از پیشوایان دینی خود باعلاقه‌مندی بسیارمیاموختند زیرا که عقیده داشته اگرسخنهای مقدس باتلفظ صحیح قدیمی‌وزیبای خود ادانشود تاثیری ندارد واین‌عقیده وعادت درایران وهند بهمان روش‌دیرینه خود در کناربتکده‌ها وصحن مسجدها معمول است این علم که ازمقاطع دهان وحروف هجا ومخرج وصفات هرحرف بحث میکند علم تجوید میباشد وکتب بینظیر این علم از۱۵ تا۵ قرن پیش‌از میلاد در هند نوشته شده و هم‌اکنون باقی است(۲) کتابهای تجوید قبل‌از اسلام مانند اصل کلیله ودمنه ـ هزارافسانه ـ صدها کتاب دیگر در حمله عرب و فتنه مغول از میان رفته ولی محتویات آن بعربی و فارسی محفوظ مانده است .

نویسندگان تذکره خوش‌نویسان

۱ـ تذکره خوش‌نویسان قاضی‌احمد معاصر نسخه آن کتابخانه داعی‌الاسلام بوده است مستخدم شاه عباس صفوی که کتب تذکره شعرا ـ خلاصة‌التواریخ را در شش جلد ـ مقدمه براشعار ابراهیم شیرازی شهید و اسکندرمنشی مؤلف عالم‌آراء شاگرد و بمنزله فرزند مؤلف بود نیز ازاوست .

۲ـ خط وخطاطان که درترکی وبفارسی در کلکته ترجمه شده

۳ـ تذکرة‌الخطاطین سنگلاخ

۴ـ پیدایش خط وخطاطان

۱ـ خط وخطاطین. پیدایش خط . ایران کوده در۸ج ـ کتب تجوید که دراول اکثرقرنهاهست

۲ـ ایران کوده ج ۲

تجوید - در اسلام

مسلمین ازنظر علاقه که بقرآن و آیات کلام‌الله داشته درمقام نوشتن تمام علوم وفنون حروف واعراب و اصوات و کلمات وآیات وسوروغیره بودند که در کتاب «سیرتاریخی قرآن» مفصل نگاشته‌ام در زمان حجاج دراواسط نیمه دوم قرن اول هجری درعراق اختلافات خونین میان مسلمانان درقرائت آیات قرآنی پیداشد - برای جلوگیری ازاختلافات حجاج ازکاتبهای ایرانی خود استمداد کرد در همین موقع حروف معجم کوفیکه ازخطوط قدیمی ایران اقتباس گردید - وخیلی شبیه بحروف اوستامیباشد.

از ترتیب تجوید آیات و عصریکه درآن قراء سبعه نشوونما کردند و مدارک تاریخی دیگر ظاهر است علم تجوید درحدود سال ۸۰ هجری درمیان مسلمانان رواج گرفته‌است.

وخلاصه مسلمانان ایران باسوابقی که از کتب دینی باستانی داشتند در تقسیم وتنظیم آهنگی آیات ونقل وتعریب اصطلاحات خدمت شایانی انجام دادند ودراین باره کتب بسیاری نگاشته‌اند که علامه بزرگوار آقای حاج شیخ آغابزرك تهرانی درجلد ۳ الذریعه الی تصانیف الشیعه از ص ۳۶۱ تا ص ۳۷٤.

بیش‌از ۵۵ جلد کتب تجوید القرآن فرقه شیعه‌را که دراین راه تقدم و تفوق داشته‌اند نام‌برده وآن غیراز کتب‌اهل سنت‌است.

دیوان وخط کوفی

از زمان خلافت عمر تافرمانداری حجاج بن یوسف یعنی هشتاد هجری همه دفاتر دیوان محاسبات کوفه بزبان فارسی نوشته میشد واصلاحات مهم دیوانی هم‌از قبیل دیوان دفتر فرد - سیاق وقلم و غیره که تاکنون معمول است کلمات فارسی میباشد.

قدیمترین سند تاریخی راجع بترجمه دفاتر دیوان محاسبات کوفه از فارسی بعربی . **کتاب فتوح البلدان بلاذری است** واو تفصیلی درباره کشته شدن زادان فروخ رئیس دیوان محاسبات کوفه نوشته است.

درهمان صد وهشتاد هجری صالح نامی از مردان سیستان گفته است که میتواند دفتر های محاسبانی راازفارسی بعربی ترجمه کند و تازادان فروخ زنده بود این ترجمه صورت نگرفت زیرا آن‌مخالف بود پس‌از کشته شدن زادان صالح سیستانی شروع بنقل وترجمه دفاتر از فارسی بعربی کرده است - ۱

درجزو ۸ ایران کوده مینویسد

صدا شناسی‌ازنظر علم صرف واشتقاق دراسلام قدرتی داشته زیرا دربسیاری از کتب نحو و صرف قدیم شرحهای مفصلی راجع بصداشناسی‌از نظر صرف و اشتقاق دیده میشود واز مشهور ترین این کتب « الکتاب سیبویه » و « شرح نظام نیشابوری » میباشد .

صداشناسی‌ازنظر تجوید عربی وفارسی بیشمار است وهمیشه تالیف این کتابها درایران بعربی وفارسی ونثر ونظم ادامه داشت.

---

۱ - بفتوای البلدان بلاذری در ص ٤۰۱ تاریخ تمدن جرجی زیدان و جزوه ۲ ایران کوده مراجعه شود ص٤٤ تاریخ‌سیستان‌ص ۸۲

در کتاب های تجوید ازعلم صداشناسی برای تلاوت قرآن استفاده شده است ودر مقدمه اکثر قرآنهای خطی وچاپی مختصری ازاصول این علم راشرح داده‌اند ۱

عوامل نفوذ اسلام - عواملی درنفوذ اسلام مؤثر بود که ما باترتیب متذکر میشویم .

۱ - یکی از عوامل نشر اسلام وموادی که درنفوذ لغت عرب ودین اثر بخشید قرآن بود:

قرآن آن معجزه باقیه اسلام است که بیان تعریف آن محتاج بیك کتاب مستقلی است و ما کتابی بنام سیر تاریخی قرآن نگاشته‌ایم و بیش از چهل معجزه قرآن رادرسیره پیغمبرص بنام پیشوای اسلام نوشته‌ایم که درسال ۱۳۶۸ چاپ شد .

قرآن دارای یك معنویت خاصی وقوه روحانی است که آنحقیقت دست نخورده وکافی است و برای نشر لغت عرب و اسلام قوی‌ترین و نیرومندترین عوامل زنده میباشد و تنها کتاب آسمانی بدون تحریف وتغییر ازدست بشر موجود است و۱۴ قرن از نزول آن گذشته مانند آب و آتش در جهان جای خودرا باز کرده ودر اعماق قلوب دانشمند ترین افراد بشر اثر بخشیده است .

۲ - دومین عامل نشر اسلام زبان عرب بود که بافتوحات اسلامی دوش بدوش بسرعت عجیبی پیش‌رفت و عنصر عربی بامهاجرت هائی که اعراب کردند لسان عرب را منتشر دادند وبافتوحات شگفت آمیزی درظرف دوقرن بجهانیان خودرا درسایه اسلام معرفی کردند، همین اعراب بودند که برای نشردین دسته‌دسته وقبیله قبیله بطرف شام و عراق مهاجرت کردند واز مراکش تااندونزی زبان عرب‌را منتشر ساختند.

این مهاجرت در قرون ممتده ادامه داشت ودوش بدوش فتوحات درجهان پهناور عالم رخنه میکرد وپس‌از فتوحات روی معنویت وادبیات زبان عرب برای فهم قران نفوذ خود را همچنان حفظ کرده چنانچه هم‌اکنون مورد توجه خاص دانشمندان جهان است.

درفتوحات اسلامی شعوب وقبایل غیرعرب‌هم شرکت‌داشتند مانند ترك وديلم - مغول و بربر که آنها باآنکه عرب نبودند ولی‌ازلغت عرب فقه‌وتعالیم اسلام را فراگرفته ولغت عرب‌را بقدر حاجت که‌از قوانین واحکام دین‌اسلام برخوردار شوند میدانستند بهمین‌جهت لغت عرب ازاین طرق داخل الفاظ ولغت‌ملل دیگرشد والفاظ عربی - لغات عربی - اصطلاحات عربی - امثال سائره عرب در سایه قرآن دراکثر شعب وقبایل غیرعربی رخنه کرد ومورد استقبال ملل زنده واقع گردید وگردن بتسلیم آن گذاشتند.

۳ - سومین عامل نفوذ اسلام و لغت عرب و عمومیت قواعد آن بود که میتوانست کلیه احتیاجات بشررا ازنظر لغوی تامین کند ولذا ملیونها بشر باین لغت سخن میگویند ووحدت لغوی عربی دروحدت ملی‌اسلامی اثری عمیق داشت زیرا لغات مختلفی مانند لغت رومی درشام فارسی در ایران وعراق وقبطی درمصر - وغیره ظهور داشت که درصدر اسلام ضعف ملل وانحطاط آنرا حتمی کرد ولی قدرت واستطاعت لغت عرب میتوانست همه این ملل رابزبان حاص عربی زنده قوی اداره کندواین لغت بودکه تاکنون حتی یکدفعه هم‌نمرده واز بین نرفته وهمیشه بحال قوت وقدرت و استطاعت باقی بوده است وحمزه اصفهانی مینویسد ۲

در صدر اسلام در جهان ۱۲ خط و لغت موجود و زنده بودکه کتب و مراسلات را بدان مینوشتند .

۲- کتاب التنبیه‌علی حدوث التصحیف حمزه اصفهانی ۱-ص۱۴۲ چ ۸ ایران کوده

۱ ـ حمیری ـ ۲ ـ بربری ـ ۳ ـ اندلسی ـ ۴ ـ قبطی ـ ۵ ـ یونانی ـ ۶ ـ رومی ـ ۷ ـ هندی ـ ۸ ـ چینی ـ ۹ ـ عربی ـ ۱۰ ـ عبری ـ ۱۱ ـ فارسی ۱۲ ـ سریانی

ازاین ۱۲ زبان هفت زبان از بین نرفت وپنج لغت ازبین رفت بدین شرح ـ حمیری ـ بربری ـ اندلسی قبطی ـ یونانی و سه زبان و لغت محدود در ممالك خودشان شد مانند رومی ـ هندی ـ چینی ـ وچهار لغت در کشور های اسلامی مستعمل است ـ عربی ـ عبری ـ فارسی ـ سریانی ویکی از فضلای معاصرین (آقای غلامرضا دبیران) تنظیم کرده گوید:

آنچه بوده است کتابت بجهان	**گویمت تاکه زبر بر خوانی**
حمیری بربری و اندلسی	**که دگر قبطی و هم یونانی**
رومی و هندی وچینی عربی	**عبری و فارسی و سریانی**
عربی باشد $\frac{1}{13}$ یك سیزدهم	**از زبانیکه کنون میدانی**
هفت کشور بزبان عربی	**هست گویا و همه قرآنی**

کشو هائیکه اکنون بزبان عربی سخن میگویند برچهارطبقه هستند.

ممالك عرب زبان

ساکنین سرزمینیکه لغت عربی درآنجا پدیدآمد ونشوونما یافت ولغت قدیمه عرب هم اکنون درآنجا باقی است مانند جزیرة العرب که بریك لهجه و یك لغت صحیح عربی صحبت میکنند و کشورهائیکه هم بدانها پیوسته که همه بیك آهنك سخن میگویند وتکلم میکنند ـ مانند عراق ـ شام ـ مصر ـ وقسمت اعظم افریقای شمالی

دوم ـ کشو هائیکه لغت عربی داخل لغت آنهاشده ولغات اصلی جای خود را بلغت عربی داده است وحکومت بالغت عربی است مانند ایران که اشتراك درلغت وکتب وتالیفات و ادبیات و علوم وفنون دارند باآنکه زبان آنها فارسی است ولی ریشه لغت عرب است و ۸۰ درصد کلمات عرب در لغت فرس استعمال میشود فتح عرب لغت و رسیرا ازبین نبرد ولی قرآن لغت عربی را برفارسی مسلط ونفوذ داده ولذا تکلم ایرانیان غیرازتکلم آنها قبل از اسلام بوده است.

سوم ـ طبقهٔ ازساکنین کشورهائی هستند که بزبان عرب سخن میگویند وآنها دولغت راخوب میدانند ودر لغت عربی مهارتی دارند مانند مهارتیکه درزبان خودشان یازبان ماوری داشته اند واینها اکثر اهالی افریقا میباشند مانند بربرطوارق . نوبیین . بیجاء که بلغت سواحلی معروف است و درسابق هم گفتیم.

چهارم ـ ساکنین اقطاردیگری اززمین هستند که لغت عرب درلغت آنهابسیار دیده میشود و زبان آنها پرازلغات واصطلاحات وامثال سایرعربی میباشد مانند ترك ـ هندی ـ جاوهٔ ـ ملایو (مالایا) وغیر که برای احتیاجیکه ازجهت آن دارند لغت عرب رافرا میگیرید.

تاثیرلغت عرب دراکثرلغات دنیا درافریقا . ترکیه . فارسی . اردو . هند . جزائرهندشرقی وعالم عربی وجود متنفذی دارد وعالم عربی میتواند هم اکنون ازاین مابه الاجتماع استفاده کرده و با سایر مسلمین هم آهنك وبازهم برجهان تسلط یابد یااقلا خود را در یك بلوك بزرگی مستقل معرفی کند . (۱)

---

۱ مواد این نفوذ اسلام از مقایسه درجغرافیة العالم الاسلامی العربی بقلم دکتر محمد عوض استاد جغرافیای الازهر باتصرفات بسیاری گرفته‌شد.

کتب این قبایل ولغات آنها وسایر آثار وصنایع وفنون مشحون آثار لغوی اسلامی است که بمیزان مختلف درلغات آنها جاگرفته واکثر وسائل زندگی آنها بلغت عربی است که بلهجه ولغت آنها داخل شده‌است .

٤ - یکی دیگرازعوامل نفوذاسلام وبقاءِ آن درجهان بشریت احادیث مسلسل نبوی است که هرفرد مسلمان موظف است اقلا چهل حدیث حفظ کرده وبدیگران بیاموزند ودراین باب احادیثی روایت شده که مورد اتفاق تمام علمای اسلام است ازآنجمله این است .

من حفظ اربعین حدیثاً وجبت له الجنه

یکی ازمبلغین بزرك مسیحی که بیش‌از۳ربع قرن درلباس آموزش وپرورش تبلیغ میکردمیگفت یکی ازعلل پیشرفت اسلام این است اخبارواحادیث مسلسل ومعنعن‌ومتواتر پیشوای خودرا سینه‌بسینه وگوش‌بگوش وپشت‌بپشت ونسل بنسل تحویل میدادندونقل وانتقال مینمایند وبعکس حواریون‌حضرت مسیح که‌بیانات پیغمبرخودرا تحریف کردند وازبین بردندودراختلاف کلمه خط مشیکه معین شده بود انحراف پیداکرد ولذا ماملیونها مصرف تبلیغ میکنیم باندازه یك‌مبلغ اسلام اثرنمیبخشد که یك حدیث نبوی بخواند احادیث مسلسل نبوی بیش‌از۱۳ قرن‌است‌که درمیان صدها ملیون بشردراقطار عالم انتشاریافته وهنوزهم چون خوانده میشودگوئی که خودگوینده است برمردم میخوانند .

مسلمین‌ازاینراه درآموزش وپرورش پاك اسلام رشد عقلی‌خودرا بدست آوردند وپیشرفت‌معنوی سریعی کردند که دنیای متمدن سرانگشت حیرت بدندان گرفته است .

سادات یانسل پیغمبر ص

جعلوا لابناءِالرسول علامة
ان العلامة شان من لم یشهر
نورالنبوة فی وسیم وجوههم
یغنی الشریف عن الطراز الاخضر

٥ - یکی دیگرازعوامل پیشرفت ونفوذ معنوی اسلام وبقاءِ آن ذراری و سادات هستند که از خاندان پیغمبر(ص) میباشند یکدختر ازاولادهای پیغمبر(ص) باقی مانده بود که تمام این سادات اولادهای اوهستند وآیه **انا اعطیناك الکوثر** بتفسیراکثرمفسرین ومخصوصا امام فخررازی منظور از کوثر حضرت فاطمه استکه خداوند برکتی باولاد ونسل اوداده است بسادات باآن محبت و علاقهٔ که‌مسلمین بپیغمبر(ص) خود داشتند بهمان نظرمحبت وعواطف وارادت و علاقه بذراری‌واهل بیت و عترت و اولاد و احفاد او نگاه میکنند و نکاه بسادات را سعادتی برای خودمیدانند و درهر کوی و برزنی درتمام مناطقیکه مسلمین زندگی میکننداولاد حضرت فاطمه یعنی سادات باللباس مخصوصیکه هنوز درممالك اسلامی دیده میشود مبرز وممتازهستندووجود آنها مردمرا بیادیك‌خاندانی میاندازد که درراه تهذیب‌نفس ناطقه‌بشری‌تاچه‌حدفداکاری کردند و درراه ایفاءِ دین مقدس اسلام تاچه میزان گذشت ومجاهدت نشان دادند .

امروز ۱۷ نفراز اولاد فاطمه بردنیاسلطنت وحکومت دارند - بزرگان علمای اسلام و زعمای فقهای مسلمین بیشترازسادات هستند - سادات حسنی - سادات حسینی - سادات‌زینبی - سادات‌زیدی سادات جعفری-سادات‌موسوی‌سادات‌رضوی‌دراطراف‌واکناف‌عالم‌پراکنده‌شده‌وهرکجارسیده‌اندازخود اثری گذاشته وهم‌اکنون سادات وعلمای این طبقه موردنهایت احترام مسلمین هستند که شجره نامهٔ نسب خودرا تاشخص پیغمبر (ص) اباعن جد حفظ کرده‌اند.

آیا خوانندگان درمیان بشر کدام سلسلهٔ راسراغ دارندکه توانسته باشند نسبت خودرا حفظ

کنند و ۱۴ قرن پدردرپدر انساب خاندان خودرا مینویسند و از آثار و کلمات و کتب و خیرات و صدقات آنها نام ببرند - درملت کهنسال چین‌هم چنین اسنادی وجود ندارد.

سلسله جلیله سادات بمفاد حدیث نبوی که فرمود **لا اسئلکم علیه اجراً الاالمودة فی القربی** وتمام مفسرین ذوی‌القربی بعترت واهل‌بیت واولاد پیغمبر(ص) تفسیر کرده‌اند ومسلمانان درتمام‌ادوار تاریخی نسبت بسادات وذراری پیغمبر(ص) همیشه احترام کرده وحق آنهارا اداء کرده‌اند .

در حدیث دیگر فرموده : **انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان یفترقا حتی یرداعلی الحوض** یکی‌ازمراکز ثقل‌اسلام همین‌اولاد وعترت واهل بیت هستند که از قرآن انفکاك ندارند تادرحوض کوثر بررسول‌الله (ص) وارد شوند .

برخی ازسادات برای‌جلب‌توجه مسلمین دارای همان فضایل اخلاقی‌وملکات نفسانی ومظهر کمال علم وفضیلت میباشند که گوئی آئینهٔ سرتاپا نمای‌اجداد طیبین وطاهرین خودمیباشند .

درکتاب فضایل‌السادات بیش‌از۵۰ فضیلت خاصه‌وممتاز برای سادات نقل کرده که درغیرسادات نیست و درحقیقت سادات وارث ملکات اخلاقی و سجایای نفسانی اجداد خود میباشند و در تعظیم شعائر دین بیش از دیگران بذل سعی نموده و در تجلیل و تبجیل مقام پیشوایان دین همتی صرف کرده‌اند .

علوم اسلامی

۶- علوم ائمه‌اطهاروذوی‌القربی‌واهل‌بیت پیغمبراسلام میباشد که‌درهیچ‌یك‌ازحواریون‌پیغمبرهای گذشته‌وجود نداشت .

عظمت مقام علمی و کمال رشد عقل‌که خلفای مخصوص پیغمبر (ص) و اهل بیت واولاد او داشتند دانشگاههای جهان را منور ساخته و تمام علوم و فنون اسلام مرهون افاضات ائمه اثنی‌عشر میباشد .

دانشگاههای جهان وموزه‌ها و کتابخانه‌های دنیا که قسمتی معظم آنرا آثاراسلامی تشکیل‌داده است باعتراف همه مستشرقین و کلیه علمای اسلام بزرگترین استاد دانشگاه اسلام حضرت‌علی‌است که‌پیغمبردرحق‌اوفرموده **انامدینة‌العلم‌وعلی بابها** وعمردرحق‌او۲۷ مرتبه گفت **لولاعلی لهلك‌عمر** وخودش درخطب خودفرموده سلونی‌قبل ان تفقدونی - قضاوتها و خطابه‌ها . نامه‌ها . کلمات قصار . صحیفه علوی . جامع علوی‌وغیره همه نمونه بارزی ازنهایت قدرت‌علمی‌علی‌است ۱۱ نفراولادآنحضرت همه در علم و دانش درتبحر وتتبع و تحقیق شاگرد مکتب پیغمبر وخلیفه بلافصل او بوده‌اند.

کلمات قصار حضرت مجتبی ع وسیاست‌ودرس‌جانبازی‌حضرت‌حسین ع که‌عملا بجهانیان‌آموخت قدرت املاء وانشاء حضرت زین‌العابدین ع درلباس رازونیاز وخطابه های آتشین آنحضرت درمسجد اموی بهترین نمونه قدرت علمی‌آنحضرت است :

وحضرت‌باقر بشکافتن علوم و فنون اسلامی **بباقرالعلوم** معروف گشت

حضرت امام‌جعفرصادق که ۱۲ هزارشاگرد داشت وچهارهزار نفر در یکوقت متحداً میگفتند حدثناجعفر بن‌محمدالصادق ع وآنهمه افاضات علمی وفنی ازجفر و رمل ریاضیات **وعلوم‌طبیعی وغیره** برتفسیر وحدیث افزوده شد ودنیاعلم ودانش‌درپیشگاهش بکرنش‌واعتراف افتادند.

حضرت موسی بن جعفر واحتجاجات علمی اودرخانه خدا وبیان علل احکام شریعت که بیشتر ازآنحضرت تعلیم‌شده .

حضرت ثامن الائمه واحتجاجات و مناظرات اوباکلیه علمای اسلام درحضور مامون‌الرشیدخلیفه عباسی درتوحید ورفع کلیه شبهات

حضرت جواد که ۲۵ هزار مسئله مشکله راجواب مقنع‌داد وتمام علمای عصر بعظمت مقام‌علمی اواعتراف کردند باآنکه سنش درحدودبلوغ بود.

حضرت علی‌بن‌محمدالهادی که چندین‌هزار مکتوب مسئله مشکله راجواب نوشت

حضرت عسکری که پاسخ مسائل مفصله علماء فریقین را داد.

وبهمین نسبت ولی‌عصر وقائم منتقم حقیقی اسلام که تربیت شده مهدنبوت و مکتب رسالت و دانشگاه ولایت بوده‌اند همه معلمین وآموزگاران این مکتب هستند .

ملیونها کتاب درسایه تعلیمات آنهانوشته شده است

درکدام رشته ازعلوم بود که ۱۳قرن‌پیش‌این خاندان وقوفی نداشته باشند؟!

همه این ادله وبراهین زنده و حساس نمونه آنست که اسلام نفوذ معنوی خود را دردنیا حفظ کرد تاکنون مورد استقبال واستفاده مردم جهان بوده وهست .

منبع دانش اهل بیت عترت بوده‌اند

شرقا او غربا فلن تجدوا علماً صحیحاً الاماخرج من اهل هذا بیت

معصوم

فرمود اگرشرق وغرب رابگردید هرگز علمی‌صحیح واستوار ومقرون بحقیقت منطبق باصحت نخواهید یافت مگرآنکه از خاندان رسالت واهل بیت عصمت صادرشده باشد ،

زیرا دراسلام شخص پیغمبرخاتم‌النبیین(ص)مدینه علم بود ودرب آن شهرعلم بنص‌صریح گفتار رسول‌الله که زبان وحی والهام بود شخص‌علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام است که‌فرمود **انامدینة‌العلم و علی بابها** ودرحدیث دیگرفرموده **انی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله وعترتی** که عترت رامبین و مفسروشارح ومشکل گشای غوامض علمی قرآن‌برای بشرقرارداده معرفی فرموده ولذا دراین‌حدیث واحادیث دیگر تصریح شده که علوم وفنون اسلامی راباید ازاهل‌بیت عترت وطهارت گرفت و ما در **کتاب زندگانی حضرت امام جعفرصادق ع** که‌پانصدرشته علم بجابربن‌حیان آن شیمیست ومخترع بزرك اسلام‌تعلیم فرموده که بهترین شاهد صادق‌ومصداق بارزاین احادیث نبویست ودر کتاب دیگر خودراجع باین حقیقت که علوم اسلامی وفنون بدیع بشری بیشتر ازطرف اهل‌بیت طاهرین پیغمبراسلام تعلم مسلمین گردیده مفصل دلایل وشواهد عقلی وعلمی وتاریخی با مصادق ومظاهران آورده‌ایم که جای هیچگونه شك وتردید درارتقاء وارتقاء علمی مسلمین برسایر ملل‌باقی نگذاشته و تمام شبهات مخالفین راریشه کن نموده‌ایم - درروزنامه ندای حق چندین مقاله مفصل درباره تفوق و تقدم علمی مسلمین برسایر ملل و مذاهب ودر مکتب اسلام باچهارصد موضوع اخلاقی که اسلام بپیراون خود آموخت و درسایر کتب حق مطلب ادا شده قضاوت آن باانصاف و وجدان پاك خوانندگانست .

منابع علمی مسلمین

روزی که مسلمین شروع بفتوحات خودنمودند یك پرتوضعیفی از دوتمدن قدیم ایران و روم

شرقی دردنیا باقی بودپیروان اسلام ازاین تمدن ضعیف حداکثر استفاده‌را کردند وباسرعتی‌سریعتر ازفتوحات خودباخذ علوم وادب وفنون متعلقه‌بآن که درحال نزع بودپرداختند ـ همان استعدادی که برای جهانگیری بکاربردند دراتخاذ علم ودانش صرف کردند ودرتحصیل علوم و فنون و هنرعین آن استعداد بروز وظهور رسید خلفای اسلامی بعداز تشییدمبانی حکومت بلافاصله مرکزی دربلاد و شهرهای بزرك اسلامی بمنظورتعلیم وتربیت تاسیس کردند وتمام فضلا و علمائی راکه ازعهده‌ترجمه کتب مشهوره مخصوصا تصانیف یونان برمیآمدند جمع‌آوری نمودند وحداکثر استفاده را از آنها کردند ـ چون تمام وسایل کاررا باآن قدرت علمی که دردست داشته دراختیار دانشمندان گذاشته تاعلوم‌وفنون‌و تصانیف‌یونانی‌همه بعربی نقل‌شده است.

جرجی زیدان در تشویق مترجمین‌مینویسدسالیانه‌مقرری‌جبریل بن بختیشوع‌طبیب‌هرون‌الرشید درسال ۱۲۰،۰۰۰ درهم نقد و۶۰،۰۰۰ درهم جیره یومیه بود واودرسال بالـغ بر۴،۹۰۰،۰۰۰ درهم مقرری میگرفت (۱)

مترجمین تمام کتب ارسطو ـ جالینوس- دیویس‌گردید را ازلغات سریانی ـ کلدانی وغیره ترجمه نمودند.

مسلمین وقتی شام وایران راگرفتند ودرآنجا قسمتی ازذخایرعلوم یونان رابدست آوردند کتب سریانیرا بعربی ترجمه کردندکه تاآنوقت ترجمه نشده بود.

مسلمین‌پس‌ازترجمه کتب یونانی بعربی‌زبان لاتینی وقسطلی رادراندلس آموختند وزبان‌یونانی رافراگرفتند چنانچه هم اکنون درکتابخانه اسکوریال کتب لغت عربی بیونانی ـ عربی بلاتینی ـ عربی باسپانیولی موجود است ومولفین‌آنکتب همه مسلمان بوده‌اند.

مسلمین نسبت بکتب یونانی حال‌شاگردرا دراستان‌معلم داشتند ولی‌نظربقوه ابداع‌واختراع وجوش و خروش وحرارتیکه در آموختن علم وهنر در آنان وجود داشت باین حالت تقلید ورتبه شاگردی قناعت نکرده باسرع وقت ازاین دائره بدائره تحقیق قدم گذاشتند. وجدیت مسلمین‌در فراگرفتن علوم بنقل‌گوستاولوبون حقیقة حیرت انگیزاست (۲) زیراهیچ‌قومی دردنیا پیدانشدندکه برمسلمین ازاین جهت تقدم جویند.

مسلمین هر کجاوارد میشدند قبل‌ازهرکار مسجدی بناء میکردند وآموزشگاهی ساخته‌چنانچه بنیامن تودل متوفی‌سال ۱۱۷۳م مینویسند که دراسکندریه تنها ۲۰ آموزشگاه دیده است

این آموزشگاهها در بغداد ـ قاهره ـ طلیطله ـ قرطبه و افریقا و غیره تاسیس کردندکه درآنجا لابراتوار ـ رصدخانه ـ کتابخانه‌های بزرك و سایر آلات و ادوات تحقیق مسائل وجود داشت چنانکه در اندلس هفتاد (۷۰) کتابخانه عمومی موجود بوده است.

بموجب نقل مورخین اسلام درقرطبه درکتابخانه الحاکم دوم ۶۰۰،۰۰۰ جلد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلدفهرست آن کتابخانه بود (۳)

صفحه ۱۱۰ ج۲ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان

۱ـ صفحه ۵۷۳ تاریخ تمدن

۲ـ صفحه ۵۷۴ تاریخ تمدن

۳ـ صفحه ۵۷۸ تاریخ تمدن

دکتر گوستاولوبون مینویسد شارل عاقل در ۴۰۰ سال بعدازاین تاریخ که کتابخانه دولتی پاریس را تأسیس نمود بعداززحمتهای زیاد فقط توانست ۹۰۰ جلد کتاب جمع آوری کند که یك ثلث آنهم کتابهای مذهبی بوده است . ازاینجا وسعت تعلیم وتربیت مسلمین واهمیت فرهنك و مصارف آنها روشن میشود .

تحقیقات علمی مسلمین

دکتر گوستاولوبون درفصل دوم تمدن اسلام درباره طرز تحقیقات مسائل علمی مسلمین در کتابخانه‌ها و لابراتوار وادوات دیگر مینویسد وسایل لازم دراختیار آنها بود وتحقیقات علمی علمای مسلمین مبنی برتجزیه ومشاهده بود برخلاف طریقه علمای مادرقرون وسطی که غیرازقرائت کتب و تکرار عقاید استادان چیزدیگری نبوده است .

دلامبر درکتاب تاریخ هیئت خود مینویسد : اگردرمیان یونانیان دویاسه نفریافت میشدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی درمیان علمای اسلام ازاین قبیل اشخاص بکثرت وجود داشته‌اند درمیان یونانیان شایدیکنفر هم پیدانشده است که درعلم شیمی ازطریق تجزیه وارد شده باشندولی دراسلام صدها ازاین قبیل اشخاص گذاشته‌اند .

خدمت مسلمین تنهااین نبودکه علم راازراه تحقیق واکتشاف ترقی دهند بلکه روح‌مخصوصی بقالب آن دمیده وبوسیله نوشتن وگفتن تحریرونگارش و مدارس عالیه آن رادردنیا اشاعه وانتشار دادند وبدنیای علوم ومعارف اروپا ازاین راه احسانی نمودندکه میتوان برآن حدی تصور کرد و مسلمین قرنها استاد علوم وفنون ملل اروپا بودند .

جرجی‌زیدان مینویسد اروپائیان دراین مدت ۳۰۰ کتاب مهم مسلمین راترجمه کردند ۹۰ کتاب درفلسفه وطبیعیات ۷۰ کتاب درریاضیات ونجوم ۹۰ کتاب درپزشکی و ۴۰ کتاب در شیمی و غیرازآن ازآداب وادبیات عربی وتاریخ وجغرافیا ترجمه ونقل کرده‌اند .

تمام دارالعلوم اروپا تاپانصد الی‌ششصد سال کتب مسلمین را ترجمه میکردند و اکثر کتب طبی ـ فلسفه ـ فیزیك ـ شیمی ـ مکانیك ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ وغیره راترجمه نمودند ومهمتر ازهمه تعلیمات اخلاقی مسلمین بود که کتب نفیس آنانرامانند کتب خواجه‌نصیرالدین‌طوسی ـ مکارم الاخلاق شیخ‌طبرسی‌وغیره ترجمه کردند .

مسلمین اروپائیان را تربیت کردند

یکی‌ازمستشرقین بنام ژورف‌ماك‌کاپ مینویسد مادر اینروزها برخود میبالیم که درعلوم تاریخ وسایر قسمتهای علمی را بواسطه کشف حقایق تازه وآراء باطل وممزوج باوهام گذشته‌گان تصحیح وروشن نموده‌ایم‌امابرای علل وعوامل بکشف این حقایق دقت وتوجهی‌نکرده‌اندکه ازکجا این فکر وحرکت اصلاحی‌برای اروپائی حاصل گردید باید باکمال‌صراحت لهجه گفت :

حقیقت این است که مورخین قرن گذشته ابداً باین نکته نپرداخته اند چقدر تمدن اروپائی مدیون ومقروض ومرهون مسلمین‌بود وحتی‌تاپنجاه سال پیش کسی نبودکه آگاه براین حقیقت‌باشد زیرا اغلب نویسندگان راه تعصب میپیمودند واول کسیکه‌این‌حقیقت راباشجاعتی بیان کرد واشنگتن اومینك بود که گفت کاخ تمدن مارا دستهای توانای باعلم وفن‌مسلمین بنانمودندوملل‌اروپائی‌ومسیحی هرکجا هستند مدیون مسلمین میباشند آنها درتربیت اروپائیان چقدراثر ونفوذ داشته و از ۳ راه تمدن مسلمین باروپارفت‌اول اسپانیا سیسیل خاورزمین‌است‌واسپانیا وسیسیل بودکه فردینا‌ندزحماتی

در نشر آن کشیده و دیدیم که ازسه راه از مسلمین ادب و تربیت آموختند ومهمتر ازهمه سیسیل بوده است .

دنیای کنونی وارث علوم وفنون اسلامی است

بقضاوت آثارموجوده ترقی وتعالی جهان کنونی فنون وصنایع و کتب ومطبوعات وآینه وعمارات مهم جهان اسلام نتیجه ومولود علوم اسلامی است که درتمام مراحل علمی وفنی بشرحی که داده میشود قدرت ونبوغی داشته تالیفات وتصنیفاتی کرده اند که آثارهمه آنها موجود است واگرهم درشرق کمتر باشد درخزائن غرب وموزه های اروپائی ونصرانی بسیاری از آثار مسلمین موجوداست کتابخانه لنین گراد واستالینگراد که بیش از ۱٤ ملیون کتاب دارد وکتابخانه امریکا که بیش ازیازده ملیون کتاب دارد و کتابخانه بریطانیای کبیر که ازچهارملیون کتب موجودآن بیش ازیکسوم $\frac{۱}{۳}$ از کتب شرقی است و موزه آن کشور قسمت اعظم آن ازآثاروصنایع مسلمین است که آنها بتدابیر وحیل خودرا وارث سیاسی مسلمانان جهان قرارداده اند وجواهرات و کتب وآثار ملی وقسمتی آنهارا ربوده اند و امروز افتخار بعالم میکنند درحالیکه اگرقسمت مهم مسلمانان رااز کتابخانه هاوموزه های فرانسه وآلمان وانگلیس امریکاوروسیه برداریم وتفکیک کنیم معلوم میشود خودشان چقدر ضعیف المزاج ازنظر علم وقدرت میباشند ملل اروپائی درسه جبهه ازمسلمین ارث بردند اول در آمیزش واختلاط دوم از مدارس سوم از کتب علمی آنها .

دانشگاههای معروف بزرك اسلام

یکی ازمستشرقین مینویسد مسلمین دارای دانشگاههای بزرگی بودند که علوم مختلفی جهان درآن تدریس میشد وچهارده رشته راخودآن مستشرقین بقلم چهارده نفر که حاوی کلیه علوم عالم است نقل کرده اند که از مسلمین باروپا رفته و از دانشگاههای مسلمانان در دنیا پراکنده گردیده است .

اولین دانشگاه مرکزی دولتی مسلمین معروف بنظامیه بغداداست که خواجه نظام الملك رفیق حکیم عمرخیام وزیر آلب ارسلان درسال ٤۵۷ هجری تاسیس کرد و مدت کوتاهی دانشگاههای دیگری درنیشابور - دمشق- بیت المقدس- قاهره - اسکندریه- قرطبه - غرناطه-شرق اقصی-وغیره تاسیس شد و بعدالمستنصر دانشگاه دیگری درسال ٦۳۱ دربغداد ساخت که بسیار باشکوه وعظمت بود این دانشگاه مصفا وزیبا دارای کلیه وسایل تحصیلی ومزین بانواع اثاثیه عالی درمحلی وسیع بناشده که نظیرآن دردنیا دیده نشده است آن دانشگاه چهارمدرسه داشتکه درچهارمذهب حقوق تدریس میشد وهرمدرسه ۷۵ شاگرد داشت ومجاناً تدریس میشد وهرشاگردیکه بسیصدنفر بودندیکدینار طلاحقوق میدادند آشپزخانه مجهزی داشت وکلیه وسایل فراهم وهمه دررفاه میزیستند حمام وبیمارستان - آسایشگاه و غیره آن مجهز بوده است .

میراث اسلام صفحه ۲۳۰

آنچه از آمیزش بامسلمین فراگرفتند

در درجه اول تجارت و زراعت وهنر وصنعت بود ـ کسب و حرفه درمیان مسلمین باعلا درجه ترقی و تعالی رسید اسلحه پارچه ـ حریر ـ وسایرمنسوجات ـ چرمهای دباغی شده ـ شکر بوسیله تجاربربر و یهود بافریقا و آسیا حمل میشد .

درامورعام‌المنفعةاقدامات بسیارسودمندی کرده‌اند که درهرطرف جاده‌ها ـ پلها ـکاروانسراها مسافرخانه‌ها ـ بیمارستانها ـ مساجد ـ مدارس بکثرت یافت میشدند وعلوم وادب آمیزش‌نزدیکی داشت ـ ترجمه کتب لاتینی ویونانی درمدارس ودارالفنون‌ها راهنمای ملل‌اروپائی گردید .

چون اسپانیا بدست مسلمین باتناسب محل موردتوجه مسلمین شد ودرظرف صدسال اوضاع کشاورزی . فرهنك . دانش‌ادب . بازرگانی . هنرصنعت تجلی روزافشانی داشت درحالیکه اروپادر تاریکی نادانی وبیخبری بسرمیبرد وکشیشان زبان لاتینی‌راهم بخوبی‌نمیدانسته چه جای ادبیات و کارآنهااین بود که درکتابخانه‌های اختصاصی کلیساهامیرفتند وکتب خطی‌را برداشته کلمات‌حکمت دین را که میفهمیدند برداشته بجای آن اورادی و مهملاتی مینوشتند واین کار روحانیون‌نصاری‌بود و درهمین اوقات دانشگاههای مسلمین در بغداد . قاهره . غرناطه . اشبیله . مکه . مدینه . نجف و کربلا وکاظمین . مشهد . قم وغیره هزاران محفل وبازارعلم رونق بسزاداشت

آنچه اروپا ازمدارس مسلمین آموختند

مورداتفاق مورخین است که اداره ترقی وتعالی وپیشرفت سریع‌السیر وشگفت آمیزمسلمین دراسپانیا و نشر صنایع آنان درآنجا سرتاسراروپا رافراگرفت ودر همگی کشورهای مغرب صیت تمدن وعلم وصنعت‌اسلامی طنین‌اندازگردید ـ افکارواندیشه‌ها همه متوجه علل واسباب این ترقی و تکامل شد وشکی نبودکه ازمدارس وازتعلیم وتربیت اسلامی سرچشمه گرفته است .

یاللعجب همین عقیده و افکاری که تاچندسال پیش برای مسلمین درباره یهود و نصاری بود آنوقت مسلمین نسبت بآموزشگاههای مسلمین داشتند یعنی مدارس مسلمانان را نجس میدانستند واولیاء کلیسا مردم نصرانی را از آمیزش بامسلمین منع میکردند ومسیحیین اجتناب‌میورزیدند ـ کم کم اینقدر کهنه وبی‌ارزش شد بزرگان علمای نصاری بامسلمین اسپانیا بنای آمیزش‌را گذاشته وبرای دیدن مدارس وروش پرورش آنها باسپانیارفت وآمدکردند ودارالعلمها وکتب و تهذیب و کمال آنهارا دیده پسندیدند و درعینحال هم که توده را از تقلید مسلمین باز میداشتند خودشان آمیزش نمود ومانوس‌شدند تاحسن‌ظنی‌یافته خوردخورد مردم هم بعلم‌وتربیت اسلامی آشناگردیدند واطفال خودرا بمدارس مسلمین فرستادند وهرسال عده زیادی ازایطالیا ـ انگلستان ـ فرانسه و آلمان وسایرممالك اروپا باسپانیا وارد ودرمدارس ودانشگاه مسلمین شرکت مینمودند درست عین وضعی که امروز ملل اسلامی نسبت بدانشگاههای ملل غربی دارند تجدید شده مهندسین بزرك ـ اطبای عالیقدر ـ حکماء ـ ریاضی‌دانها ـ علمای طبیعی ـ ادبا و شعراء وغیره ازدانشگاه اسپانیا فارغ‌التحصیل بممالك خویش برمیگشتند بااین تفاوت که امروزاکثر دانشجویان ازجنبه دینی‌ضعیف وازجهت اخلاقی فاسد شده برمیگردند درآنعصردانشجویان مسیحی باعلم وفضیلت ودیانت واخلاق وایمان بکاروکوشش بشهرهای خودبرمیگشتند ونتیجه آن آثارباقیمانده همین‌صورت اخلاقی ظاهری ملل امروزی اروپاست که نتیجه همان تعلیم وتربیت اسلامی است .

دارالفنون **تلد ـ کرناد ـ سیدیل** که ازدانشگاه اسپانیا منشعب میشد فارغ‌التحصیل های

دانشمند وکارآگاه واقف برموز واسرار بیرون میداد وتمام آن محصلین زبان عربی را مانند زبان انکلیسی امروز فرا گرفته بودند وروی همین اصل تائیر زبان وادبیات مسلمین در اروپا رونقی بسزا گرفت بطوریکه دکتر گوستاولوبون میگوید دواوین ومنظومات مسلمین بامنظومات تمام اقوام دنیا برابری میکند وازیاد کارهای قصه نویس درسبك رمانیك) مسلمین و اعراب کتاب مقامات احمدبن حسین معروف ببدیع الزمان همدانی است که باسبك مخصوص جملات منظم وعبارات مسجع را بارعایت محسنات لفظی ومعنوی سخن تلفیق وتنسیق نموده ودیگر مقامات حریریست که بدون اغراق از نظر صنعت ادبی بزرگترین شاهکار بینظیر ومعجزه قلم میتوان شمرد **کتاب الف لیله ولیله** است که به تعلیم عرب مسلمان مصری نوشته شده و شیرین تر نثر ونظم ادبای فارسی زبان است که دوش بدوش ادبیات عرب پیش رفته است .

بدینشرح بحکم ضرورت ضعیف تابع قویست ومسلمین آنروز مانند امریکای امروز قدرت علمی ومالی داشت ومردم خودرا ازلباس وخوراك وادب وشئون زندگانی مقلد مسلمین میدانستند لغات - اسلوب - سبك روش پرورش - تمدن وفضیلت ومحصوصا ادبیات بعالیترین درجه کمال رسیدند ابتکارات تازه مضامین نغز مطابق دقایق اندیشه وافکار همه درسخن تضمین میشد - درتاریخ عرب سابقه نداشت که عبارات شیرین وشیوای موشح - وجل - مسجع - موزون مقفی - باین قدرت و لطافت وباین سبك واسلوب درادب درج شود درحالیکه آنعصر اروپا ادبیاتی نداشت وشعر نمیدانست .

اشعار رزمی وبزمی وغزل ومطایبه ونصایح وپند واندرز وامثال وقصص وحکایات وافسانه سرائی دردوزبان شیرین فارسی وعربی ازمسلمین بتمام جهان منتقل گردید .

اصول شاعری اسپانیا وپروانس ازاعراب اسپانیول اقتباس شد . زیرا آرایش سخن ویا تشبیهات دلنشین وامثال سایره ولطایف نکته سنجی از مختصات لغت عرب وفارسی است که ۸۰ درصد باهم مشترك است.

برای آنکه ثابت شود جزئیات امر نظم ونثر ازمسلمین بغربیها بارث رسید نظریه یکی ازعلمای اروپا را ازنظر خوانندگان میگذرانیم .

مسیوسدی و مینویسد - از قرن هشتم میلادی مسلمانان دریای متوسط را بتصرف آوردند ودر کشتیرانی وانتظامات بحریه لغاتی که درفرانسه وایطالیا یافت واستعمال میشود تمام ماخوذ ازعرب است حتی لفظ بوسول آلت قطب نما که معروف است ازچینی ها گرفته شده اشتباه است ومسلماً ازعربها اقتباس شده وارتش اروپا هنگامیکه تحت نظام درآمد همه الفاظ متعلق بمناصب ودرجات نظامی رااز تازیان گرفتند حتی لفظ **باروت وبم گریاد** اصلا عربی است - و همچنین اصطلاحات متعلقه بکشاورزی ازقبیل **کابل تای تارین دوآن** وغیره را ازبغداد وقرطبه اخذ نمودند ولفظ تورنامنت که لغت نویسان بامبداء اشتقاق آنرالاتینی قرارمیدهند عربی ومشتق ازدوران یعنی چرخیدن دریك دائره وآن نوعی است ازورزش نظامی که درمسلمین معمول بوده است که اصل آن عربی میباشد بخصوص علم هیئت ونجوم پراز لغات عربی است حتی اسامی ستاره ها اغلب ماخوذ ازتازیست و همچنین لفظ **آسامن** که درزبان ماقاتلی را گویند که درنهانی کسیرا بقتل رساننده باشد مشتق از کلمه حشیش عربی است حشاشین که پیروان حسن صباح مخالفین خود راچنین میکشتند»

جرجی زیدان لغاتیرا که اروپائیان ازعرب اقتباس نموده اند درشماره الهلال سال ۱۳۳۲ نقل کرده است واین لغاتی است که پس ازهزارسال هنوز درعبارات آنها پدیدار است وطبق اصول روانشناسی وبدون تردید هرملت مغلوب تابع ومقلد ملت غالب ومتمدن عالم خواهد شد .

عربی	اسپانیائی	عربی	فرانسه
عصا	آسا	کافور	کامفر
السطل	استر	کهربا	کارابه
الدف	آدف	الاکسیر	الکزبر
البرکه	الرکا	شراب	سروب
الغرفه	الکرفا	طلق	تالک
الحاجه	آلهاجا	قهوه	کافه
الاساس	الیزاس	البیطار	البتار
المخزن	الماسن	القربه	الکاربا
المعدن	المادن	لیمون	لیمون
الطاحونه آسیا	اتاهوتا	یاسمین	ژاسمین
التجارة	آتیجارا	امیرالبحر	آمیرال

عربی	فرانسوی		
الجبر	الژبر	نسرین	نیزره
العیوق	الایوت	خطمی	کتمی
الطایر (نام ستاره)	التابیر	صندل	ساندال
الجدی	الژدی	زعفران	سافران
مهات نعش	مانت ناش	سمسار	سانسال
الکیمیا	ایشمی	شریف	شریف

عربی	اسپانیولی	فرانسوی
القبه	الکوبا	الکود
العضاده	آلیدادا	آلیداد
المعدیه	المادیا	آلمادی
قفص ـ قفس	کابازا	کابس
فندق	فونداژا	فوند
جلاب کلاب	ژولب	ژولب
جبه ر	ژوبا	ژوب

بدیهی است که ملت متمدن وعالم ومخترع لغاتی دارد که بالسنه عمومی جهان لغات استعمال میکنند چنانچه امروزهم اکثراختراعات از امریکا و اروپاست بهمان اسامی درهمه دنیا استعمال میشود و آنروز هم اختراعات مسلمین و لغات اختصاصی آنها بهمان وضع در میان همه ملل منتشر میشد.

علوم اسلامی درجهان

پی یر روسو
درکتاب تاریخ علوم خود صفحه ۱۳۰

مینویسد ـ اسلام که درنتیجه فتوحات پی‌درپی خود تاسرازیریهای پیرنه‌و تانوبی وهند کشیده شده بود بسهولت وباچالاکی فرهنگ ممالک دست نشانده راپذیرفت ودر اسپانیاچیزی بدست‌نیاورد (زیرا درآنجاعلم ودانش نبود) جزآنکه دانش خودرانیز بدانجا نقل کرد وبالعکس ازتماس باتمدن مصری ویونانی ـ تمدن بزرگ ایران وبین‌النهرین فواید بیشمارحاصل کرد وبالاخره ازروابط خود باهند نیزنتایج قابل ملاحظهٔ بدست آورد .

ازاین بیان هم روشن میشود که مللاروپا وارث علوم اسلامی در اسپانیا بودند وازخود چیزی نداشتند ـ و همان علوم مقدمه رنسانس نهضت‌علمی اخیرشد .

پی یرروسو درکتاب تاریخ علوم خود مینویسد :

مشعل علم بدست اعراب افتاد مابین رحلت محمد(ص) سال ۶۳۲ میلادی وشکست اعراب در پوآیته بوسیله شارل مارتل ۷۳۲ اعراب توانستند تمام ممالک افریقای ساحل مدیترانه واسپانیا و کشورهای آسیائی راتا هند متصرف شوند .

درتماس باملل متمدن مجاورذوق شدیدی درآموختن علوم درایشان بوجود آمد و اولین‌خلیفهٔ که این ذوق راتحریک کرد المنصورخلیفه عباسی ۷۲۵ ـ ۷۱۲ میلادی بود که شهر بغداد را درسال ۷۶۲ میلادی و ۱۰۰ هجری ساخت وامر کرد کتب یونانی‌رابعربی ترجمه نمایند .

هارون‌الرشید قهرمان کتاب هزارویکشب (۱۰۰۱) درسال ۸۰۹-۷۶۵ حمایت ازعلم و دانش راتوسعه بسیارداد وبرای شارلمانی‌ساعت زنگ‌داری بعنوان هدیه فرستاد که خودبخودکارمیکرد واهالی مغرب زمین آنرا هشتمین‌عجایب جهان پنداشته .

درزمان مامون سال ۸۳۳ ـ ۷۸۶ تمدن عرب بحد اعلای خودرسید وی آنقدر بعلوم علاقه داشت که چون برامپراطور شرق میشل سوم غلبه کرد یکی‌ازشرایط صلح‌را چنین نوشت .

... که پادشاه باید یك نسخه ازتمام کتب‌یونانی را بایشان بسپارد؛ بهمین دلیل بود که‌درسال ۸۱۳ اولین ترجمه عربی اصول اقلیدس و در سال ۸۲۷ اولین ترجمه مجسطی بعربی منتشر شد صفحه ۱۲۸

پی یردوهم درتاریخ علوم چنین مینویسد :

بدون شك علمی بنام علم‌عرب وجود ندارد ومادرهیچ تئوری جدیدی مدیون بغداد نمیباشیم . بااینحال اگر آنان فقط اکتفابایـن کرده بودند که قسمتی‌ازثروت دنیای عتیق را ازمهلکه نجات‌دهند مامیبایست فوق‌العاده نسبت بآنان حق‌شناس باشیم وباآنها نه تنهاعلوم قدیم راحفظ کردند مقدار زیادی نیز براین‌ثروت معنوی افزودند ـ مابین‌عرب ارشمیدس وهیپارك وبقراط وجود نداشت امامردان لایق و دانشمند متعدد دربین ایشان کم نبود بحدیکه سه قرن بعدازمرك پیغمبر اسلام شهرقرطبه یك ملیون جمعیت داشت وهشتادمدرسه عمومی وکتابخانه شامل ۶۰۰۰۰۰ جلد کتاب داشت وزبان عربی زبان علمی جهان شده بود .

آنگاه بعظمت علمی زکریای رازی ـ ابن سینا و ابن رشد ـ جابر بن حیان متوفی ۹۲۹م ـ احمد بن کثیر فرغانی متوفی سال ۸۳۳ پرداخته مینویسد جابر افتخار کشور اسلام است وی بزرك مردی از جمله اشراف بوده و بطلمیوس ارادت میورزید و خود ازلحاظ وقت درمطالعه تقدیم اعتدالین از بطلمیوس نیز بیشتر دقت و برتر از آنها گردید ـ او اولین کسی بود که درعلم مثلثات سینوس (حبیب) راجانشین وتر ساخت واین کاری بود که تمام مثلثات جدید رابوجود آورده ـ همچنین ثابت بن قره حرانی ۹۰۰ـ۸۳۵م ابوالوفا متوفی ۹۳۹۸ـ۹۳۹ م از بزرگان وحماةدین بودند که ریاست رصدخانه بغداد معین شده بود او بود که حرکت دیگری براه ماه غیرازحرکت کشف بطلمیوس کشف کرد .

گذشته ازاینها نورالدین ابواسحق الط. وش ابن یونس نجومی ـ ابراهیم زرقانی ابن هیثم وغیره رانام میبرد وازعظمت علمی آنهادراسلام ستایش مینماید.

مسلمین درادبیات

ادبیات اسلام ازشعروشاعری عرب وعجم آمیخته است و درصف اول ادبیات جهان واقع گشته ودراسلام ادبیات بمعنی حقیقی ادب وادبیات ظهورداشت وتمام غرائزطبیعی درونی وبیرونیرا شعرا و نویسندگان مطمع نظرقرارداد افکار بلندخودرا درآن میدان جولان میدادند ـ صفات وملکات وسجایارا مانند شجاعت ـ سخاوت ـ ستوده ودرباره زندگی وتربیت وتهذیب اسلامی قدرت ادبی خودرا بکار برده‌اند بیشتر ادبیات اسلام سهم ایرانیان بود وآثار شعراوعرفا وگویندگان ونویسندگان اسلامی بیش‌از احصاءِ وشماره است که ما برخی ازکتب تذکره رانام میبریم تاعظمت این فن دراسلام روشن گردد (۱) ومادرجلد سوم تاریخ مفصل اسلام ادوارعلوم ومعارف اسلامیرا مفصل شرح دادیم .

مسلمین درادبیات

دراین قسمت باید مللرا ازهم تجزیه نمود زیرا هرملت و قومی دارای ادبیاتی درزبان خودهستند وآنچه که مسلم است عرب که اطلاق برهمه عرب‌زبانان میگردد وعجم برهمه فارسی‌زبانان وغیرعرب میشود واین ملتها هریك دارای ادبیاتی شیوا درزبان خودهستند مخصوصاً عرب درتوسعه لغات و شعر که مظهرعلم وحکمت وادب و آداب اومیباشد وایرانی درلطافت وملاحت‌زبان شیرین فارسی ادبیاتی دارد که دردنیا سابقه تاریخی و جذابیت‌معروفی بجاگذاشته وازمجموعه این آداب ورسوم وشئون ملی که ازآمیزش اخلاقی عرب و عجم دراسلام تشکیل میشود ـ ادبیات آنهاسرمشق ادبیات جهان قرارگرفته است .

این ادبیات که شامل ۲۵ علم میباشد مللاروپائی ازمدارس مسلمانان اندلس آموختند ویااز کتب مسلمین که اکنون بیش‌ازچند ملیون کتاب درموزه بریطانیای کبیر فقط موجود است یابواسطه اصطکاك وآمیزش بامسلمین درممالك مختلفه ودرضمن جنگهای صلیبی فراگرفتند .

درقطعات اشعارویکتورهوگو کلمات قصرالحمراءِ ولطائف هنروصنعت مسلمین مشهود است ـ بحث دراین فن رابابد بتاریخ‌ادبیات‌اروپا وآنچه که‌ازمدارس ومکاتب وآداب وشئون اجتماعی‌مسلمین فراگرفته‌اند مراجعه کرد ومحتاج بکتابی است که البته نوشته شده و مافقط خواستیم متذکر این حقیقت بشویم .

مسلمین درقصص وداستان

مسلمین علاوه برنظم ونثر درداستان‌سرائی وحکایات عشق و عاشقی خاصه داستانهای بهادران و

۱ـ کتب ادبی وتذکره‌هارا درجلد سوم ادوار علوم اسلامی ودردائرةاللعارف رجال اسلام نگاشته‌ام

غیره مهارتی بسزا داشتند اگرچه دراین حکایات صفات وسجایای ذاتیه اشخاص خیلی کم ذکر شده ولی بواسطه وقایع و اتفاقات غریبه که درآنها درج است اصل حکایات درنظرخواننده بسیار مطبوع ودلچسب است ـ

نیروی متخلیه اعراب ومسلمین بقدری بود که بهرچیزی که دست میانداختند روح خاصی بآن داده مخصوصاًدرداستانهای متعلقه بدلاوران وبهادران بایدآنهارا موجددانست.

درمیان قصص وحکایات عربی مقامات حریری ومقامات بدیع الزمان ـ الف لیله ولیله بزرگترین ومعروفترین کتاب جهانی است که باکثرزبانها ترجمه شده است .

کتب حکم وامثال وتاریخ مسلمین امروز منبع اخبارمورخین جهان است هیچکس نمیتواند انکار کند که کتب حکم وامثال وتاریخ ازمسلمین بدنیاارزانی شده است ومجمع الامثال میدانی تاریخ طبری . مسعودی . ابن اثیر. ابوالفداء . نویری. ابن خلدون. ابن حجرعسقلانی. ودر رجال وفهرست مانند ابن ندیم حاجی خلیفه درفصاحت وبلاغت مانند نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) صحیفه علویه ـ سجادیه ـ فاطمیه ـ مهدویه بهترین کتاب درس مسلمین بود که صدها کتاب در شرح و آن ترجمه تالیف شده است (۲)

مسلمین درصنایع وفنون

ولقداتیناداودمنا فضلا یاجبال اوبی معه والطیر والناله الحدید ـ ان اعمل سابغات وقدرفی السرد واعملوا صالحاً انی بما تعملون بصیر ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها شهر واسلناله عین القطر ومن الجن من یعمل بین یدیه باذن ربه ومن یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر

آیه ۱۰ ـ ۱۱ سوره سبا

ما داود را بردیگران برتری دادیم بنبوت ـ زبور ـ پادشاهی ـ حسن خلق بارعیت . توفیق عمل در حکم ـ یابخشایش برعجزه و ضعفا ـ حلاوت مناجات علم بانکه جز بارگاه حق ملجاو پناهگاهی نیست .

ازمزایای داود حسن صوت است که چون زبور میخواند و حوش وطیور وجن وانس از شنیدن آن بیخود میشدند .

ومرادازفضل سیر او بکوهها بود وتسخیر مرغان هوا و اینکه او آهن را از دامنه کوهها بیرون می آورد وبقدرت حق دردستش نرم میشد وزره میساخت وازاینراه معیشت میکرد

وآهن دردست داود مانند موم نرم میشد وبهرصورت میخواست میساخت واو هرروز یك زره میساخت ـ وششهزاردرهم میفروخت چهارهزاردرهم تصدق میداد ودوهزاردرهم خرج نفقه خانه اوبود که خدم وحشم بسیارداشت وچون درگذشت هزارزره درخزانه او بود که فروختند ومسجد اقصی را ساختند وخطاب شدای داود عملی شایسته کن واومصمم مسجداقصی گردید که درگذشت و سلیمان پیغمبر ـ انمعبد رابنانهاد واتمام کرد که ازبناهای عالی جهان بشریت است .

ودردنباله آن میفرماید برای سلیمان بادرامسخر کردیم که راه یکماهه را یکشبه بپیماید که صبحگاه در شهری وشبانگاه درشهردیگری بود یکشب درفارس وشب بعد درکابل بود ومیفرماید برای سلیمان جاری کردیم چشمه‌ای ازمس گداخته که تا از معدن بیرون آمد چون آب روان بود ـ وآن

۲ـ صفحه ۵۹۹ تاریخ تمدن گ

معدن دریمن بود نزدیك صنعا که درماهی سه روز سیلان داشت و ازآن هرچه میخواستند میساختند -
وفرمود مسخر کردیم برای سلیمان ازجنیان کسانی که کار میکردند بفرمان او و هرگاه نافرمانی
میکر تازیانه‌ای ازآتش براومیزدند که اورامیسوخت آنها برای سلیمان هرچه میفرمود حاضرمیکردند
وهرچه میخواست میساختند .

از تمثالها و صور و مجسمه‌ها وهیاکل وصورغیرحیوان مانند اشجار وکاسه‌های چوبین وسنگی و
حوضهای بزرك که هزارنفر درآن میتوانستند بنشینند وغذابخورند و میساختند دیگهای بزرك که
هرروز دوازده هزارطباخ درآن دیگها طبخ میکردند واوبود که ساعات شب وروز را بکارهای صنعت ،
هنروکاروکوشش قسمت کرد واوباتمام اعضاءِ واجزاءِ خودشکر گذاری مکرد .

دراین آیات شریفه پیشوای اسلام بنام بیان قصص گذشتگان وشرح حال پیغمبران سلف درس
فیزیك وشیمی و گیاهشناسی وعلم بحرکات بادها وسیردر کوهستانها کوهکردی و دریانوردی و کشف
معادن واستخراج منابع فلزات ازنشیب وفراز کوهها و ساختمان اسلحه زندگی و سلاح جنگی و
مجسمه سازی وصنایع وفنون غیره درس کامل آموخته واز استخدام قوای نامرئی که بجن وجنیین تعبیر
شده واستفاده ازآن که حتماً برق بود بکنایه‌ا ابلغ من التصریح که باتازیانه آتشین برآنها میزدند و
خاکسترمیشداز برق استفاده کرده‌اند وکاملا درذوب فلزات وشناختن موالید وعناصردست قوی‌داشته‌اند
که قرآن بپیروان خود بمنظور تکمیل توحید چنین درس را آموخته است .

دل گفت مراعلم لدنی هوس است　　　تعلیم کن اگر ترا دسترس است
گفتم که الف گفت دگرهیچ مگوی　　　درخانه اگر کس است یکحرف بس است

درقرآن درباره علوم وصنایع ۱۲ فصل است وچندین آیه که درهمین رشته علوم طبیعی وریاضی
وفلکی را درخلال حال پیغمبران وملل بیان میفرماید .

صنایع مسلمین

مسلمین درصنایع دارای اسلوبی درخشان هستند که دنیای متمدن نمیتواند انکار عظمت فنون
وصنایع اسلامی رابنماید زیرادربیش‌ازپنجاه کشوربزرك آثاربرجسته‌مسلمین از درودیوارنمایش دارد
میگویند اسلام صنایع روم وبیزانت وایران و کلده و اشوررا بارث برد و مسلمین اسلوبهای فنی
کشورهائی که زیرفرمان داشتندفرا گرفتند وباذوق وهنر خودآمیخته فنون اسلامی را درجهان پدید
آوردند وانتشاردادند ودرصنایع باختری اثری شایان بخشیدند ویادگارهائی ازخود بجا گذاشته که
هنوزهم موجب افتخار ومباهات آنهاست و درهمین کتاب آثار صنایع هنرمندان وفنون کارگاهان
زیبائی وصنایع‌دیگر بنظرشمامرسد .

چون اسلام ظهورکرد تمدن هنری یونان و روم و ایران در حیطه تصرف مسلمین درآمد و
امپراطوری عرب وسعت یافت وبادوحلقه اتصال بین خاور وباخترصنایع و سرمشقهای فنی مسلمین
باروپارفت و دراسپانیا تمدن اسلام باوج شهرت و عظمت رسید و مسکوکات مسلمین سرمشق کار
دیگران شد .

قرطبه که آنرا کرد و میگفتند از تمام بلاد اروپا درتمدن و آبادی جلو افتاد و عصر ملوك
الطوایفی مراکز علم وصنعت درشبه جزیره اسپانیا متعدد گردید و پادشاهان مرابطین و موحدین
مسلمین اسپانیارا مجبوربمهاجرت کردند وآنها صنایع اسلامی رابشمال اروپا هجرت دادند و این
پیش‌آمدهم یکی‌از عوامل نشرتمدن ووسعت یافتن قلمرواسلام گردید .

مسلمین سبك هنری ایرانیان رابا سپانیا بردند وباسبك هنری روم ویونان که آنجا سابقه‌داشت بهم آمیخته و بایك سبك نوینی که خود بوجود آوردند بهر شهر و بلدی مسکن گرفتند رواج دادند .

سقوط طلیطله (تلد) درسال ۱۰۸۵ م و قرطبه (کردو) در ۱۲۳۹ م واشبیلیه (سوپل) در ۱۲۴۸ م بزرگترین عامل درآمیزش هنروران تازی نژاد و تازی منش بود سقوط غرناطه - کرناد در ۱۴۹۲ خاتمه عصرهنری اروپا ونشرآن درسایر کشورها گردید وهنرمندان اروپا ازمسلمین بسیاری ازدقایق فنی ورموز هنری صنایع طریقه را درساختمانها وفنون فرعیه وهنرهای زیباآموختند و شاید مهمترین مظاهراین امرطرزاسپانیائی است که بمدجنین منسوب است ومراد ازآن سبك مسلمانانی است که پس‌ازسقوط امپراطوری اسلام دراروپا بخدمت مسیحیین درآمدند .

مسلمین درفنون کاشی کاری بافندگی- نقش چوب خراطی منبت کاری خاتم‌سازی نبوغی نشان‌دادند که هنوزهم صنایع آنها سرمشق جهانیان است .

درفن معماری وبنائی آثار برجسته‌ای که عکس مساجد ومدارس آنرا دراین کتاب می‌بینید یادگار قدرت فنی مسلمین است کاخ‌اشبیلیه که برای بدرو درسال ۱۳۶۰ م ساختند وسالها بلکه قرنها مقر خاندان سلطنتی وسپس نمایشگاه کالای اسپانیا گردید شاهکاریست ازفن بدیع هنری ونقاشی و کاشی سازی وغیره اسپانیا وجزیره سیسیل درنقش تمدن جهان ونمایندگی نشرتمدن اسلام باصطلاح امروز رل مهمی را ایفاء نمود . جنگهای صلیبی درنقل صنایع و فنون اسلامیه باروپا در اعلی درجه اهمیت میباشند وبسیاری ازآلات وادوات جنگی که مسلمین مخترع آن بودند اروپائیان از آنها آموختند حتی همان اصطلاحات فنی وقواعد ثابته آن اسلحه آتشین درمغرب بکارمیرفت .

ملل اروپائی درنتیجه جنگهای صلیبی برای دادوستدخود بامسلمانان مسکوکاتی ازطلاساختند که علاوه برتاریخ هجری لغتهای تازی وآیات قرآنی بران ضرب وسکه نوشته شده بود .

عرب عمارت وبنا وکاخها راازنظر آنکه فاقدآن بودند بزرگترین هنرشناختند ودرایجادکاخها ومخصوصا مساجد ومدارس وعمران وآبادی وتزیین آنها مهارتی بسزا یافتند و تمام فنون زیبائی کشورهای دیگررا باذوق وهنروفن ظریف خود درآثار باقیه بکار بردند و اکنون هم که عکس آنرا مشاهده میکنید آثاربنای‌هزارساله‌مسلمین توجه آدمی راجلب وحیران هنر خود میسازد والحق‌همان طور که گفته‌اند .

هنرنزد ایرانیان (اسلامیان) است وبس

یکی از نویسندگان اروپائی مینویسد انصاف این است که بگوئیم مسلمین چند قرن پیش دوش‌بدوش اروپائیان امروز درصنایع وهنر واختراع بوده‌اند باضافه‌که آنها دربرخی ازفنون واختراعات مبتکروپیش‌قدم بوده ودرفضیلت سابقه دارند

مسلمین همه ملل زنده جهان را تقویت خیال و توسعه فکر و عظمت روح هدایت کرده بلکه مجبورنمود واین تصویر ونقوش که درروی سنگها وپارچه‌ها برای تزیین میکشیدند از اشکال هندسی برسم‌نباتات وصورحیوانات وخط کوفی ونسخ وغیره ازهمان‌فکرسرچشمه گرفته است

یکی ازغربیان میگوید مسلمین دراین فن مهاراتی داشتند ولی‌چون دردین اسلام نقاشی را حرام میدانستند کارنکردند!! ولی باید بآنها گفت که آنچه دراسلام حرام‌است مجسمه سازی سایه‌دار است‌از نظرقرب زمان به‌بت‌پرستی‌چه امروز یا هزارسال پیش ولی مسلمین درنقاشی مهارت خود را

حفظ کردند و خطوط تازه‌ای را اختراع کردند و صلیب ایرلندی را غربیها از هنرهای مسلمین اتخاذ کردند .

کلمه شریفه بسم‌الله بخط کوفی روی طلا وپارچه‌های ابریشمی و مسکوکات دیگری از پادشاهی بنام اوفا ازتاریخ ۷۵۷ تا۷۹۶ درفارس سلطنت کرده بتقلید ازمسلمین باقی است واین پادشاه ازیك اشرفی تازی که درسال ۷۷۴ ساخته شده تقلید نمود و تاریخ هجری وعبارت عربی برآن نوشته شده است وشکی نیست که درمسکوکات ومصنوعات اروپائیان لغت آنهابدون مفهوم بود فقط ازنظرزیبائی ونقاشی تقلید شده .

صنایع مسلمین ونقاشی آنهاکاشف ازوسعت فکر و پهناوری دامنه خیال ایرانیان میدانست و بطوریکه مقریزی مورخ شهیرمینویسد در سال ٤٦٠ هجری کاخ مستنصر بغارت رفت هزار طاقه قماش بیرون آوردند که درآنهاصورت خلفا وافسرهای‌نامی وناموران‌درباری اسلام منقوش بود ونیزخیمه‌های زربفت ومخمل وابریشمی یافت شدکه انواع واقسام صورآدمیان ویادیگرجانوران گوناگون برآنها نقش یافته بود ودرسقف بیت‌الشریعه قصرالحمراء صورت‌های مختلفه فراوانی ازقبیل مجلس شورای مسلمین یاغالب آمدن یکی‌ازسرداران اسلام‌بریکی از افسران مسیحی نگاشته شده‌است

کاشی‌کاری اسلامی چه ازجهت رنك و چه از جهت نقاشی‌ها و تصویرات روی آن تاثیر بزرگی درتطور این صنعت دراروپابخشید واروپائیان دورنك سفید و کبود راازچین میدانسته ولی‌بعد معلوم شدکه چینی‌ها درقرن‌هشتم ازمسلمین گرفتندو کبودرا زرق‌میگفتند وکاشیهای براق‌طلائی در اسپانیا بیش ازحد تصورترقی کرد وکارخانه‌های آن دارای چندین‌صدکارگر ونویسنده ومصوربود وشعب آن دراسپانیا . پرتقال: ایتالیا. فرانسه دائر گردید وصنعت‌کاشی‌سازی اسپانیائی عربی تاقرن‌دهم‌هجری رواج داشت وایتالیائی از قرن ۱۵ میلادی بفرا گرفتن هنر مسلمین پرداخت مسجدشاه اصفهان و مسجدشیخ‌لطف‌الله بهترین نماینده‌کامل دنیای زنده هنرکاشی‌سازی ورنك طبیعی و تصویر و زیبائی و غیره است بطوریکه یك باغوحشی روی کاشی‌در مسجد شاه جلب توجه میکند که چشم‌ها را خیره میسازد و طاوس هـای کاشی آن کـه ملیونها قیمت دارد همـه ذوق و هنر سرپنجه مسلمین و ایرانیان است ،

مسلمین
درصنایع مستظرفه

امروز برای اهمیت آثارصنعتی یکدوره فصلی ازتاریخ بازکرده‌اندکه ازروی ابنیه موجوده و آثارباقیه نسبت بملل گذشته قضاوت میکنند .

مدتهابودکه از حقیقت‌فنون عالیه وصنایع نفیسه مثل‌شاعری . نقاشی حجاری. حرف‌چنین‌تصور میشدکه کشف فلسفه این فنون جزءِ اسرار طبیعت شمرده شد و فهم آن خارج از دسترس علوم طبیعی میباشد .

تغییرات کواکب وتبدلات موجودات حیه وسقوط اجسام برای هریك قانون یاناموسی که مقرر است قابل درك بودولی قانونی که قوه احساس‌یکنفر شاعررا برای گفتن‌شعری برمی‌انگیزد ویایکنفر مصور ونقاش رابرای طرح یك تابلو ویامجسمهٔ‌مستعدوآماده میسازد ازجمله راز های سربسته شمرده میشد . یکنفرنقاش یاحجار دربکار بردن قوه متخیله آخرین درجه اقتدار رانشان میداد اما هیچ

قانونی نمیتوانست مارا بحقیقت آن رهبری کنند ولی ازوقتی که علوم طبیعی حرف وصنایع را تحت مطالعه آورد بتدریج پرده ازروی این راز برداشته شد و بوسیله تحقیقات علمی در اندك زمانی ثابت شد که صنعت وادب تراوش فکر و احساسات و نتیجه قریحه عمومی عصرحاصل میباشد.

ودرنشان دادن حالات اوضاع یکعصر نقاش وشاعران خدمت را انجام میدهند که صدها جلد کتاب ازعهده آن نمیتوانند بدانند.

شاعر ـ نقاش ۱ مشرب ومذاق عادات ورسوم عقاید وافکار بالاخره اصول احتیاجات عصرخود رابدون تغییر وتبدیل بقرون آتیه تحویل میدهند ـ ظاهر افکرهاشی وشاعری از اومطلوب شده چنین تصور میشود که آنها تحت تأثیر عوامل واقع نیستند ولی درحقیقت این طور نیست بلکه هردو تحت تأثیر افکار وعقاید شدید عصرخود واقع شده باسلاسل محکم حکایات وافسانه ها باآداب ورسوم عصر بستگی شدید دارند.

ادیب ـ صنعتگر از محسوسات و مشهوداتی که از هرسو آنهارا احاطه کرده متاثر شده و بالاخره همان عادات وآداب وعقاید وادراکات عصر آنها که جولانگاه فکر آنها میباشد وبعبارت دیگر محیط عواید وافکار متعلقه بیك عصر سرچشمه ایست که آثار فنی وادبی از آن تراوش مینماید **ولذا هرصنعتی حکایت میکند ازدوره‌ای که آن صنعت زائیده شدهٔ آن دوران است.**

مساجد وآموزشگاهها ومسافرخانه های اسلامی میوه اسلام وتدین وتمدن است و بدرجهٔ باهم امتزاج یافته که نمیتوان هیچیك را ازدیگری تفکیك نمود.

مثلا قصرالحمراء نمونه کامل علاقه مردم مسلمان اندلس است زیرا برونش با کمال ساده گی وبی آلایشی ساخته‌شده ودرونش درنهایت زیبائی ونقش ونگار وآرایش ونازك کاریست واز ملتی حکایت میکند که بزن علاقمند بود وزیرك وباهوش بود ولی ظاهر ساز نبودند آنها زندگی اندرونی پسند می‌نمودند فکری غیراز زمان حاضر نداشتند وآینده رابخدا واگذار میکردند.

مستشرقین عموماً میگویند **هیچ کتابی بقدر نقش ونگار یك سنك پرواضح و آشکار نیست** و تمام صنایع مسلمین اینطور باما سخن میگویند و بهترین مظهر تکامل روحی و قریحه مسلمین است.

سبك معماری عرب ـ حجاری ـ نقاشی ـ رنك آمیزی اسلوب بناهای مسلمین همه یکنواخت ونمونه بارز ومهارت وذوق وایمان است بانگاهی بمسجد غرناطه ـ مساجد مصر ـ ایران ـ شام ـ عراق ـ افریقا دارای یك روح ویك زبان خاص دیده میشود ـ ۱

مسلمین در نقش و تصویر

مسلمانان مخصوصاً ایرانیان ومصریان و هندیان باذوق و سلیقه هریك سبکی در آثار هنری خود از پیکر نگاری و نقوش وتصاویر برآن مخصوصاً درابنیه وساختمانهای کاخهای سلطنتی نهایت قدرت صنعت و فن هنری را در این قسمت بکار بردند بطوری که اروپائیان اساتید ویاشاگردان این فن را باتعهد مبالغ گزافی به‌اروپا بردند واکنون پیکر نگارانی ازمسلمین دراروپا وامریکا سراغ داریم که قدرت سرچشمه هنری خود را در فنون مختلفه تصاویر ونقوش وپیکر نگاری وحجاری ونقاشی و میناتوری وانواع فنون بدیعه و صنایع مستظرفه نشان میدهند.

ـــــــــــــ

۱ـ گوستاولوبن از ص۶۵۹ص۷۲۸ ۶۹ صفحه اختصاصی بانوع سبك‌های فنون درجهان داده است

دراروپا در قرن ۱۲ درکاخ روچر دوم پادشاه سیسیل نقوش وتصاویری برسنك های پرستشگاه پالرمی **مشهور بکابلا پلاتینا** بود که ازتزیینات اسلامی تقلید کرده بودند ودر شمال اروپا همان نقوش سرمشق شد.

ژرمنی‌ها با سیاحت درآسیا وافریقا ازاین گونه هنرها استفاده کامل نموده وتقلید میکردند و دربالکان آثار تا که ودر جزایر مجار و مجاوران ازصنایع وفنون هنر های ظریفه مسلمین بسیار دیده میشود که گردش روزگار هم‌هنوز آنهارا نفرسوده وازبین نبرده است ودر خود ممالك اسلامی تجلی شایانی دارد.

صنعت جلدسازی

یکی‌از صنایع‌ظریفه که مخصوص‌ایرانیان بود وذوق‌مردم اصفهان سرلوحه تخصص این‌فن بشمار میرودصنعت فن جلدسازی است و اسلوب های آن که بدون هیچ‌تغییری دراروپا رواج یافت ونتوانستند ازآن تقلید کنند **صنعت جلد سازی باقسام مختلف ساخته ـ تکه سازی ـ برجسته ـ تصویری روغنی و مینیاتوری** وغیره بود که کتب نفیس موزه های جهان وکتابخانه های مهم را تشکیل میدهد از مخصصات مسلمین بود وهنوز يك جلد قرآن یاکتب نفیس خطی قدیم راکه می‌بینیم بقدرت و سرپنجه هنری مسلمین احسنت میگوئیم.

ملل اروپائی ازجلدسازی درقرون اخیره تقلیدکردندولی دردفاتر تجارتی و غیره وبرخی از کتب مقدسه سبکی بنام **زبانه** ساختند.

نگارنده کتب بسیاری دیده‌ام که بخط خوش‌نویسان درجه‌اول هرعصر برای پادشاهان نوشته شده وبسرپنجه هنری صنعتگران بصنایع ظریفه دین و مذهب منقش گردیده که هریك آن امروز مایونها قیمت داشته‌است ازآن جمله مثنوی بخط میر ونقاشی علیرضا وجلد سازی استاد اصفهانی بود که قیمت آن بچهل‌هزار تومان رسید و دکتر حسین آزاد تبریزی خرید و بکتابخانه شخصی خود درپاریس برد شاهکاری ازادب وظرافت وهنر ونقاشی بود وهم‌اکنون ازآن نمونه‌ها درکتابخانه شخصی نگارنده یافت میشود.

مسلمین در صنایع فلزی

دراروپا قرون وسطی ظروفی بود که بشکل حیوانات ساخته شده بود آنرا **آلمامائیل** میگفتند و خطی روی آن نقش بسته بود وتصویرات زیبائی داشت که معلوم شد ازآثار صنایع فلزی مسلمین است که اشکال وجود جانوران راروی مس وبرونز میکشیدند واین همان **آفتابه لگن و ابریق وآفتابه است** که برای شستن دست بکار میرفت.

آنروز اروپا مثل امروز ماآن خطوط رانمیتوانستند بخوانند و نمیدانستند این صنعت برای چه‌کار است چنانچه امروز مابسیاری از ادوات و ابزار صنایع اروپا را نمیشناسیم وحروف آنها را نمیتوانیم بخوانیم.

عقاب مسین یاشمعدانها وگلدانها وگلاب پاشها وغیره ازآثار مسلمین در موزه های اروپا و ایران ومصر وعراق وهند وپاکستان فراوان دیده میشود که عکس طیور و نباتات و حیوانات عموماً روی ذوق صانع وهنرمند نقش می‌بسته است که درجنگهای صلیبی باروپا رفت و بعداز آن تاکنون

مشتری های فراوان پیدا کرده واکثر این آثار هنری رایهودی های سرگردان ازاطراف خانه های ایرانیان مخصوصاً اصفهان مرکزعلم وهنر وذوق وصنعت بثمن بخسی می خریدندومی بردند اروپا بقیمت گزافی میفروختند و کم کم یك نوع مال التجاره شگفت آمیزی شده بود که اخیراً ممنوع گردید.

این تجارت ایتالیائی درخاور عظمت یافت ودرقرون ۱۵ میلادی باوج عزت رسید و مغول که دمشق را غارت کرد واین صنعت مرد تابعد تیموریان باز مشوق این هنروصفعت مسلمین شدند و آثار بسیار نفیس درقرن نهم تایازدهم باقی وبجا مانده است که موجب حیرت وشگفتی است.

ملل اروپا رنجی فراوان بردند تابین ذوق عربی و صناعت و تزیین اسلامی وفق دادند و کارگرانی ازمشرق بمغرب بردند دربابدقیه - پیزا - ژنو - فلورانس وغیره درموزه هاومجامع باستان شناس خدمت میکردند وتحف گرانبهائی برای آنها تهیه می نمودند ومخصوصاً ابزار وآلات صنایع دستی وکار وزندگی مانند ابزار نجاری - خیاطی - بنائی وغیره مسلمین ایرانی وهنرمندان اصفهانی مخصوصا برای ملل اروپائی بهدیه بردند وبرای آنها آنجا ساختند وبهمین جهت اعتراف کرده‌اند که مغرب وارث مشرق وتمدن اسلامی است.

صندوق سازی

ازصنایع مسلمین صندوق سازی است که اول از چوبهای عادی وبعد ازچوبهای قیمتی ومعطروبارنك وتصویر و-پس ازعاج ساختند و اکنون در موزه‌های جهان نمونه‌های آن فراوان دیده میشود و باندازه‌های مختلف صندوق‌های سوخته ومنبت ومکلل وغیره میساختند و بیشتر بانقره و طلا بهم میکوبیدنــد مهمترین صندوقهای اسلامی که ازقرون وسطی باقی مانده است وقابل توجه میباشد صندوقهای مطهر مزارائمه معصومین است که آثار آن درمدینه ونجف وکربلا وکاظمین ومشهد وسامرا وقم وری وسایر امامزادگان شیراز واصفهان وغیره مشهود ومزار ملیونها نفرمسلمان میباشد و درقرون وسطی غربیـها ازمسلمین تقلید کردند وفرا گرفتند. . که وصف هریك رادر کتب تاریخ جغرافیائی مکه ومدینه و نجف و کربلا وسامرا ومشهد وقم وری نگاشته‌ام که درصنعت ازچوب فوفل وچوب خدنك وچوبهای بودار قیمتی الوان برنگهای سیاه وسرخ وقهوه استفاده میشد که چشم راحیران میسازد و صندوقهای طلا ونقره و مفرغ بسیار درموزه‌های ایران واروپا ازکارمسلمین موجود است که درتاریخ جغرافیائی مشهد مقدس رضوی عکس بسیاری ازآن آثارظریفه ضبط وثبت شده است.

منسوجات و بافته های اسلامی

یکی ازسرمشقهای ملل اسلامی برای ملل اروپائی بافته‌ها و منسوجات مسلمین است که مدك و راهنمای صنایع اروپاشد.

قبل ازاسلام فن بافندگی درایران ومصر وسوریه رونق و رواجی داشت اماچون اسلام ظهور کرد وخلفا وامراء و عمال آنها وبعدهم سلاطین اسلامی وحکام ازاین فن عملا تشویق وتقدیر کردندبطوریکه هرخلیفه درسال باید مقدارزیادی ازصنایع بافندگی خلعت وانعام نماید وهرقدر خلعتها وبخشش‌های خلفا بیشتراز جهت کمیت و کیفیت اهمیت داشت دلیل برعظمت او وتقویت بنیه صنعتی واقتصادی کشور بودبدینترتیب فن بافندگی درممالك اسلامی مخصوصا ایران و روم و مصر بقوت خود شدت نمود وامتعه بافته مسلمین از متاع ومال التجاره رسمی اسلامی گردید که درقرون وسطی جهت شهرت این پارچه‌ها در سرتاسر اروپاطنین گردید حتی بیشتر پارچه سایرممالك رابرای مرغوبیت بشهرهای اسلامی نسبت داده‌اند یا

بنام منسوجات شرقی فروخته‌اند وچون بازرگانان رونق این امتعه رادیدند بر آن شدند که کارخانجات پارچه بافی زیادی اطراف اروپا برقابت خاور نزدیك واسپانیا ایجادنمایند وعربهاکارخانه‌هائی بنام درجزیره سیسیل برپانمودند که مدتها پس ازسقوط سلطنت اسلامی هم درآنکشور رایج بود وایتالیائیها ازآنها اتخاذ کرده اسراربافت اسلامی وذوق وهنرورموز ودقایقرا ازمسلمین آموختند سپس بشهرهای ایتالیا نقل دادند ودرنتیجه منسوجات حریر ایطالیا درقرن ۱۴م ترتیبات و رنك آمیزیهای خاور را نشان میدادحتی نوشته‌های عربی و کوفی‌را با آنکه نمیتوانستند بخوانند برای زیبائی جلوه میدادند وازقرن ۱۶ میان ایتالیائی‌ها وترکان رقابت شدید فراهم آمد و ازهم تقلید میکردندبطوری که امتیازبین مصنوعات نسجی ایندو طایفه مشکل بود .

درآن عصر کمربندهائی ازقماش دربازارها پیدامیشد که ساخت اروپا ولی دارای نقش ونگار اسلامی وبسبك شرقی تهیه شده بود جانمازرا فرنگیان ازشرق فرا گرفتند واستادان اروپائی ساخت آنرا ازمسلمین آموختند وروزگاری درازبرآن مواظبت کردند وهمان اسلوبهای تازی برآن نقش‌ونگارمیشد .

درایران مخمل بافی شهرتی بسزاداشت مخمل کاشان واصفهان ازنفایس فن بافندگی ظریف و ابریشمی بکارمیرفت که سرمشق کاراروپا گردید ودرتیموریه عصر صفویه بنهایت کمال هنررسید و برآن اکثر نقوش وصور وخطوط و ترتیبات دیگر از تاروپود طلا ونقره بکار میرفت که هنوز باقی و برقرار است .

فن ترمه‌سازی کرمان ویزد واصفهان ازفنون بدیعه منسوجات است که تاکنون ادامه دارد و وترمه‌های دوران سابق بقیمت گزافی معامله میشود .

مسلمین در اسطرلاب

یکی ازآثارعلمی که اروپا ازمشرق اسلامی اتخاذ کرده اسطرلاب است وآن ابزاری است فلکی که درسنجش بعد کواکب بکارمیرود اغریقی نامی آنرا اختراع نمود وبطلمیوس جغرافیادان آنراخوب ساخت ودانشمندان اسلامی درتحسین وترتیبش کوشیدند آنگاه علماء اروپا درقرن دهم از مسلمین اقتباس کردند .

درموزه بریتانیا اسطرلابی است که در تاریخ ۹۸۴ هجری دو نفر ایرانی بنام احمد ومحمود فرزندان ابراهیم اصفهانی درشهر باعظمت اصفهان ساختند :

ودریانوردان اسلامی این ابزاررادرکارهای کشتیرانی وتغییرات جوی درددریا بکارمیبردند تاآنکه درقرن هجری اختراعات دیگری جای این صنعت راگرفت .

اسطرلاب اصفهانی

قدیمترین اسطرلابی که دراکسفور موجود است اسطرلابی است که درسال ۹۸۴ توسط دونفر استاد احمد ومحمود پسران ابراهیم اسطرلاب‌ساز اصفهانی ساخته شده است که درکتاب میراث‌اسلام ومجله بین‌المللی روزگارنو که زیرنظرچندنفر مستشرق تنظیم وطبع ونشرمیشده مینویسد در میان اسطرلابهائی که درموزه بریتانیا موجود است همین اسطرلاب اصفهانی‌است ودیگراسطرلابی‌است که انگلیس‌ها درسال ۱۲۶۰م ساخته‌اند وازروی همین اسطرلاب مسلمین تقلیدنموده‌اند ،

آرنولد مستشرق که باسیزده نفر مستشرق دیگر میراث اسلام را نوشته‌اند میگوید درمیان

اشیائیکه دانشجویان اروپائی ازدارالعلمهای اسلامی آورده بودند یکی اسطرلاب بود وآن آلتی است نجومی که یکی ازاختراعات قدیم است که مسلمین تکمیل نمودند و درقرن دهم باروپا آمد

استعمال اصلی آن درمشرق برای تعیین موقع نمازوجهت مکه بوده است ومسلمین برای مقاصد دیگر بکارمیرفت وآن پیدا کردن ساعت سعدونحس برای کارها بود . درقدیم باستاره‌شناس این کاررا انجام میدادند تامقدرات اشخاص رابدست آورند ـ واین اسطرلاب علاوه برشناختن اوضاع اجرام آسمانی برای وقوف بنکات حساس روحی وسعدونحس ویافتن خزائن وغیره مورد استفاده بوده است ولذا درنظرعوام مشئوم جلوه داده شد .

اسطرلاب برای ناوبانان بی‌اندازه لازم بود و تاقرن ۱۹ آنرا برای تشخیص راههای دریائی درمغرب بکارمیبردند تاآنکه اختراعات جدید جانشین آن گردید .

این آلت صنعتی وفنی علاوه براین استفاده‌ها یك شکل زیبا وجالب توجهی داشت که اغلب نقش ونگارهای حیرت‌انگیزدراینکار بکاربرده میشد وقرنها مورد استفاده واستعمال منجمین ودریانوردان وعلمای ریاضی وهیئت بود.

ابراهیم بن سعید متولد سال ۱۰۶۶ م اسطرلابی ساخت و اسطرلاب دیگری استاد معروف ایرانی عبدالحمید درسال ۱۷۱۵ ساخت که دارای نقش ونگارزیبائی بود.واین دوصنعت نماینده‌سلیقه وذوق یك مسلمان مغربی‌را بایك مسلمان شرقی نشان میدهد .

واکثر اسطرلابها روی فلزی بود که خودمسلمین میساختند وقابل حك‌ونقش و نگاربوده است چنانچه درجعبه‌های مسی وصندوقهای طلا ونقره ومفرغ بکارمیرفته وروی مقابر ومزارائمه معصومین و امامزادگانی که دراطراف واکناف عالم شهید شده ودرگذشته‌اند این صندوقها وزیارتنامه‌ها وآثار صنعتی قلمی مسلمین مشهود است .

یکی ازمستشرقین مینویسد درقرن دهم ژربرت که ازاهل اورنی‌بوده در۹۹۹ باسم سیلوستر دوم بمنصب پاپ رسید اینمرد اطلاع نجومیش زیاد بود ازاین جهت مردم اروپا میگفتند ازهنگامیکه در قرطبه اقامت داشته باشیاطین مربوط بود ـ ومرادآنها ازشیاطین علمای نجوم وهیئت واسطرلاب و منجمین وغیره بوده‌اند که غربیها آنهارا شیاطین میشناختند وعیناً این جریان پس‌از۱۳ قرن‌دوباره دربرخی ازممالك شرقی منعکس شدکه ملل غربی‌رشته‌علوم را ازشرقیان‌ومسلمانان گرفتند ومسلمین در سیر نزولی افتادند و غربیها دانشمند شدند در اوایل اختراعات و نهضت ملی آنها مردم‌مسلمان شرق آنهارا شیاطین لقب میدادند .

ویلیام ازاهل بالبرزی‌میگوید ژربرت دراستعمال اسطرلاب مهارتی یافته بود و ازخودبطلمیوس هم بیشترتجربه عملی داشت اوعلوم ریاضی رادرناحیه کل که مدتی مـردم ازترس روحانیون اروپـا بمطالعه آن نمیپرداختند رواج داد بعلاوه ویلیام میگویدکه ژربرت درعلم احضار ارواح نیزمهارت یافته بود واسطرلابی که متعلق باواخر قرن دهم است برای تعیین عرض جغرافیائی روم ساخته شده هنوز درفلورانس موجود است وبعضی معتقدند که این اسطرلاب متعلق بپاپ سیلوستر بود واز روی اسطرلاب مسلمین ساخت اصفهان تهیه وتنظیم گردیده است ،

اسطرلاب ایرانی

اسطرلاب کلمهٔ یونانیست، ومعنی آن ترازوی آفتاب است . در زمان پیشین اسطرلاب‌را ازبرای ارتفاع پیمودن آفتاب ومعین کردن اوقات روزوشب بکارمیبردند . بدیهیست که‌اسطرلاب آلت

علمی قدیمی است ویکی از گرانبها ومهمترین باستانی خاور میباشد که منجمان و استادان حاذق بیشتر اعمال نجومی را بواسطه آن استخراج میکردند .

برحسب کتب تاریخ اسطرلاب پیش اززمان پتولمی (ptolemg) منجم وجغرافی‌دان مشهوریونانی که درسنهٔ یکصدوسی قبل‌ازمیلاد دراسکندریه زندگی میکرد - اختراع شده است . موافق روایات طبری عربها دراول استعمال اسطرلاب را ازیونانیها اقتباس نموده ، آنرا از برای ستاره‌شناسی و پیدا کردن قبله واوقات صبح وشام و یاد کردن هیأت زمین وشهرهای معموره وحال طوالع ومطالع و آنچه بدان تعلق دارد تکمیل کردند ودرقرن دهم میلادی استعمال‌کامل آنرا باهل باختر تعلیم دادند امابرحسب کتاب اوستا (Anesta) واشارات راجع بدین زردشتیان ، ایرانیان بیشترازعربها ازعلم نجوم واستعمال اسطرلاب آگاهی داشتند .

ایرانیان باستان اسطرلاب را ازبرای شناختن وپیدا کردن دوری ونزدیکی وارتفاع آفتاب و ستارگان ودریافتن مسافتی که درمیان آنها است بکارمیبردند. این خودبدیهیست که خورشیددرآئین مزدیسنی عهدساسانیان مقام فایقی دارابوده است ، ومجوسیان ایران آفتاب را ستایش میکردند . پادشاهان ساسانی باین عبارت سوگند یادمینمودند .

«بآفتاب خدای بزرك که ازپرتوخویش جهانرا منور وازحرارت خود جمیع کاینات راگرم کرده است» ونصوص متعدده اوستا ثابت میکند که پرستش عناصر طبیعی ازاصول دیانت زردشتی بوده ، و آذریعنی آتش دراین آئین قدیم ایران خیلی مهمتر ازسایر عناصر بوده است . عیدآذر جشن اول زردشتیان درهفتم شهریور بود ومردمان درداخل خانه‌های خود ازبرای احترام آفتاب آتشهای بزرك میافروختند ودرستایش یزدان پاك وشکر نعمتهای بی‌پایان اومشغول ومشعوف میشدند ، بزرگترین و مهمترین آتشکده زردشتیان ایران ومحل استقامت‌معلم وموبد بزرك ایشان دربلخ بود وبلخ‌درزمان ساسانیان پایتخت باکتریا بوده است .

شهربلخ را درسنهٔ **۲۷** هجری عربها درتحت جنرالگری عبدالله‌بن‌امیر مسخر کرده ، آتشکده مذکوررااخراب نمودند. برحسب کتیبه‌های‌میخی(TuueiformTablets) که‌دراین‌دوقرن‌اخیردربین‌النهرین کشف شده است وترجمه وبیاناتیکه بخامهٔ خاورشناسان ومحققان آثارباستان نگارش یافته معلوم میشود، که بابلیان قدیم هم خدای «شمس» یعنی آفتاب رامیپرستیدند واز استعمال اسطرلاب آگاهی میداشتند . بنابراشعار شاهنامهٔ فردوسی ، ایرانیان باستان اسطرلاب را از برای پیدا کردن ساعت نیکو وسعادت بخش بکارمیبردند .

درحکایت جنگهای شاهپور اول ودوم وغلبهٔ آنها برقیصرروم استعمال اسطرلاب راذکر کرده است . ایضا فردوسی ازکیفیات نجومی وسیارات هفتگانه و دوازده برج واشکال ماه گفته -

«شمار ستاره ده و دو وهفت	همان ماه تابان زبرجی که رفت
چه زوایستاده چه‌مانده بپای	بدیدی بچشم سر اختر گرای
زشب نیزدیدی که‌چندی گذشت	سپهر ازبرخاك برچند گشت. »

دردایره‌ها وخطوط اسطرلاب تمامی افلاك بدوازده برج تقسیم‌شده است ، وهربرج بچندستاره منقسم است ، وهرستاره‌ئی بیك منزلی صورت گرفته است . دانایان اسطرلاب فلکی را عقیده برآن بوده که درفلك کرسی بیست وهشت منزل رامنقسم نمایند دوازده برج پیدا شود وتاثیرهرساعت‌میمون ونحس را از تاثیرات دوازده برج درك‌واقتباس میکردند وبواسطه اسطرلاب ساعتی که زهره بامشتری

سعادت گستر بود ، آنرا فرخنده فال دانسته از برای عقد ونکاح بستن ومواصلت پادشاهان ایران و توران اختیار مینمودند . ایضا اسطرلاب را ازبرای پیدا کردن گنج ویاچیزی که درزمین پنهان شده باشد استعمال میکردند .

آورده‌اند که سلطان ملکشاه سلجوقی باطناً ارادتی کامل بحضرات ائمه بهمرسانیده ، بسبب معجزات وحدیثهای پی‌درپی که شنیده بود ومعاشرت او باعلما زمان خود . ازجمله شبی بفکر افتاده که چون خود ازخدمت باسعادت امامان محروم گردیده کاشکی خط مبارك آن بزرگواران تحصیل میشد که بجهت فتح وظفر ونصرت براعداء وحفظ خزانه عامره ومحفوظ بودن اولاد و اقارب وعساکر مبارك ومیمون است . برحسب فرمان ملکشاه دانایان اسطرلاب نام بعضی شهرهارا پیدا کرده بعلماء زمان خود وحکمرانهای بلادما وراءالنهر وخراسان وقم وهمدان ونهاوند وبغداد وشام وحلب رقم ومراسله فرستادند . تاشبی ازشبهای شنبه سنهٔ چهارصدو پنجاه و پنج هجری بمدلول **«من طلب شیئا وجد وجد»** بخت سعید ازخواب بیدارشده ، نوشته‌ئی ازنزدحاکم قم رسید که بدولت اقبال دفینه‌ئی ظاهر گردیده مستدعی آنکه کسی ازمعتمدین دربار را فرستاده تا دفینهٔ مزبور را ضبط نماید . چون حسب‌الامر ملکشاه کسانیکه بجهت ضبط دفینه وارد قم شدند ، اول چیزیکه یافتند آن **سوره‌ئی بود که بخط امام حسن بن علی العسکری علیه‌السلام که حسب‌الخواهش** معتمد عباسی کتابت نموده بود آنرا بنظر سلطان رسانیدند ، و بشکرانهٔ این نعمت عظمی نصف آن خزانه را بفقرا و سادات و یتیمان قسمت کرد .

ازقصه‌های تاریخی معلوم میشود که پادشاهان قدیم همیشه چندنفر منجم ودانایان اسطرلاب در دربار خود داشته‌اند . امیرتیمور گورکانی ازبرای فتوحات دیارماوراءالنهر و فارس و آذربایجان و گرجستان وگیلانات و بلاد هند وسند و ملتان ساعات میمون که شایسته آن بود از اسطرلاب اختیار میکردند .

اهمیت علم اسطرلاب وردزبان مورخین ایرانی وعرب بوده، وشناختن اسطرلاب یکی ازمصطلحات رایجه شاعران ایران شده است ، یکنفرازدانایان اسطرلاب دردورهٔ صفویه رقعه‌ئی در القاب آلات و دایره‌ها وخطوط اسطرلاب بدین مضمون نوشته است . «ازتفاع کوکب مسعود، آن مرکز (۱) صفحه اسطرلاب که ام نامیده میشود وحجره وکرسی وعروه وحلقه راهنمایانند .

اسطرلاب شاه حسین صفوی (موزه بریطانیائی لندن)

دایره جود ، سرحلقه کرسی نشینان مقنطرات وجود مابدستیاری خط شعاعی ادراك ، و دست آویز اسطرلاب بینش ، بعدازطی عرض وطول دعا ، برصفحهٔ ضمیر دقیقه‌پذیر که از اسطرلاب جینها استنباط سرگذشت هرکس تواند کرد ، وازروی تقویم تنها استخراج احکام نیت دلها تواند نمود . پوشیده مباد که دراینوقت داعیرا باسطرلابی حاجت افتاده ، واسطرلابیکه خود دارد انتفاع ساقط شده . علاوه آن ازتارعنکبوت سستتر گشته ، وحلقهٔ آن بحلقهٔ زلف سلسله مویان شکستگی، وام داده حجرهٔ آن مانند حجرهٔ طالب علمان کج مدرسه مندرس شده .

« و مصداق حال آن اوهن البیوت لبیت العنکبوت» آمده . صفایح آن چون فلك اطلس ازخط و خال ساده افتاده وعضاده آن چون باروی ضعیفان بی‌قوت گشته ودولنبهٔ آن چون دوخشت خام ازهم بیخته . پشیزه آن بفلسی نیرزد، وفرس آن بااسب چوبین نرسد. پردهٔ دیده ازمشاهدهٔ آن مانند صفحهٔ عنکبوت مشبك گردیده . ودل پرخنه ازملاحظهٔ آن چون دفتان وسوراخ گشته . مجملا اگر دراینباب

بیست بابی بنویسم هنوزشرح آن نداده باشم» جلال‌الدین رومی درمثنوی دربیان « العاقل یکفیه - الاشاره» گفته ،

«تن چواسطرلاب باشد زاحتساب ... آیتـی از روح همچون آفتاب
آن منجم چون نباشد چشم تیز ... شرط باشد مرد اسطرلاب ریز
تا اسطرلابی کند از بهر او ... تا برد از حالت خورشید بو
جان کز اسطرلاب یابد اوصواب ... چه قدر داند ز چرخ و آفتاب
توکه ز اسطرلاب دیده بنگری ... درجهان دیدن یقین بس قاصری »

نظامی گفته :

«اگر دارد نمودار خدائی ... دراسطرلاب فکرت روشنائی
بهر نقشی که بنموداوجمالی ... گرفتنداختران زآن نقش‌فالی
یکی‌ده‌دانه‌جومحراب کرده ... یکی‌سنگی دواسطراب کرده
زگردشهای‌اینچرخ‌سبکرو ... همان آید کز آن‌سنك‌واز آنجو

چندین اسطرلابهای ممتاز وکارعالی ایرانی در نمایش صنایع ایران که در سال ۱۹۳۱ میلادی درلندن بازبود نشان داده شده ، وتاریخ وشرح مختصری ازآنها درکاتالوك رسمی چاپ شده است . درموزه بریتانیائی وموزهٔ ویکتوریا والبرت ، درلندن ، وموزهٔ ملی دریانوردی درگرین ایچ - (Greenwirh National Mariiime Museum,)ودر کلکسیون لویس‌ایوانز(Lewis Erans) دراکسفورد، مجموعه های خیلی عالی از اسطرلابهای ایرانی وکار کشورهای خاوریافت میشود .

بسیاری ازاسطرلابهای ایرانی که درموزه‌های انگلستـان وجود داردکاراسطرلابیون اصفهان‌است مهمترین وبزرگترین این اسطرلابهای ایرانی درموزهٔ بریتانیائی لندن است . این اسطرلاب یکی ازشاهکارهای فلزکاری ایران میباشد که ازبرای سلطان حسین صفوی ساخته شده وکتیبهٔ روی کرسی آن ازاینقراراست .

« هو. بموجب فرمان قضا جریان‌سلطان سلاطین زمان ، سیدخواقین دوران ، پشت وپناه‌اهل ایمان ولینعمت‌عالم وعـالمیان مدارسپهردولت‌وعدالت ، قطب فلك‌اعظم عظمت وجلالت‌اختردرخشان اوج گیتی ستانی مهرتابان وسطالسماء جهانبانی شاه‌سلطان حسین صفوی موسوی حسینی مدالله‌تعالی ظل معدلته علی‌رؤس الانام مدی‌اللیالی والایام این اسطرلاب تام صورت انجام یافت فی‌شهرشعبان ۱۱۲٤» باید یادآورشد که درکتیبهٔ فوق تمام کلمات موقروالقاب سلطان حسین اصطلاحات منجمی وراجع باستعمال صفحات اسطرلاب میباشد .

اسامی شهرهائیکه درآنها بواسطه عرض وطول این اسطرلاب تام قبله را میتوان پیدا کرداز این قرار است :

دایرهٔ بیرونی - مکه، مدینه ،کوفه ، بصره ، مصر ، مداین ، واسط ، موصل ، دمشق، حلوان رحبه ، مشهد ، نیشاپور، سبزوار ، دامغان ، سمنان ، مزینان ، بسطام ، آمل ، کجور ، خوار ، ری ، اسفراین ، قم ، رودسر ، بارفروش ، ساری ، فومن ، لاهیجان ، استرآباد ، جرجان، تورشیز هرات ، تون ؛ طبس ، سرخس ، مرو ، قاین ، قزوین ، الاموت ، طالقان ، ابهر، زنجان ، ساوه ، همدان ، نهاوند ، شهرزور ، گنجه ، بردع ، دربند ، تبریز ، سلماس ، نخچوان ، خوی ، مرند ، مراغه ، دینور ، دمدم ، کرمان ، سیرجان ، جیرفت ، هرموز ، قندهار ، کنابل ، ملتان ، لاهور ،

دبیل ، کشمیر ، عیدآباد ،

دایره اندرونی - هجر بحرین ، قطیف بحرین ، بغدادهٔ سرمن رای ، بیت‌المقدس ، طرابلس ، عموریه ، فاس‌طنجه ، منصوره ، اجین ، دهلی ، کیچ کمران ، ارگنج ، تفلیس ، اردبیل ، شماخی ، سلطانیه ، بست ، ماروچاق ، بادغیس ، آمد ، ارزنگان ، شوشتر ، فیروزآباد ، شابور ، اصطخر ، شیراز ، کرمانشاه ، کردستان ، گلپایگان ، سمیرم ، کاشان ، یزد ، اصفهان .

روی عنکبوت و بعضی آنرا شبکه خوانند منطقت البروج نقش شده است ، و آن از این قرار است .

(۱) حمل (۲) ثور (۳) جوزا (٤) سرطان (٥) اسد (٦) سنبله (۷) میزان (۸) عقرب (۹) قوس (۱۰) جدی (۱۱) دلو (۱۲) حوت

این اسطرلاب عالی‌کار دو برادران ، یکی صنعتگر ودیگری منجم ایرانی میباشد ، واسم آنها بدینقرار در پشت آن نقش شده است .

«صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمدالحزئی» . «نمقه اقل الطلبه اخ الصانع محمدباقر»

کهن‌سالترین اسطرلاب ایرانی درانگلستان درکلکسیون لویس ایوانز (LewisEuans) دراکسفورد یافت میشود .

تمام کتیبه‌های آن بخط کوفی است ، و بعقیده محققین واسطرلاب شناسان آن قدیمترین آلت علمی است که تاریخ واسامی سازندگان خودرا داراست ، وآن ازاینقرارمیباشد .

«بسم‌الله وبعون‌الله بالیمن والدوله والاقبال والسعادة البقا ، هذا اسطرلاب احمد ومحمود ابناء ابراهیم الاسطرلابیین الاصفهانیین ، سنه اربع وسعین وثلاثمائه» این اسطرلاب بسیاراهمیت دارد و عنکبوت آن ازبرای سی‌وهفت کواکب ساخته شده است .

اسطرلاب نمرهٔ (۱۸) درکلکسیون لویس ایوانز مانند اسطرلاب موزهٔ بریتانیالندن کاراستاد ماهرایرانی است ، وازبرای شاه عباس دوم (۱۰۷۸ ـ ۱۰۵۲ هجری) ساخته شده ، و کتیبهٔ آن ازاینقرار است .

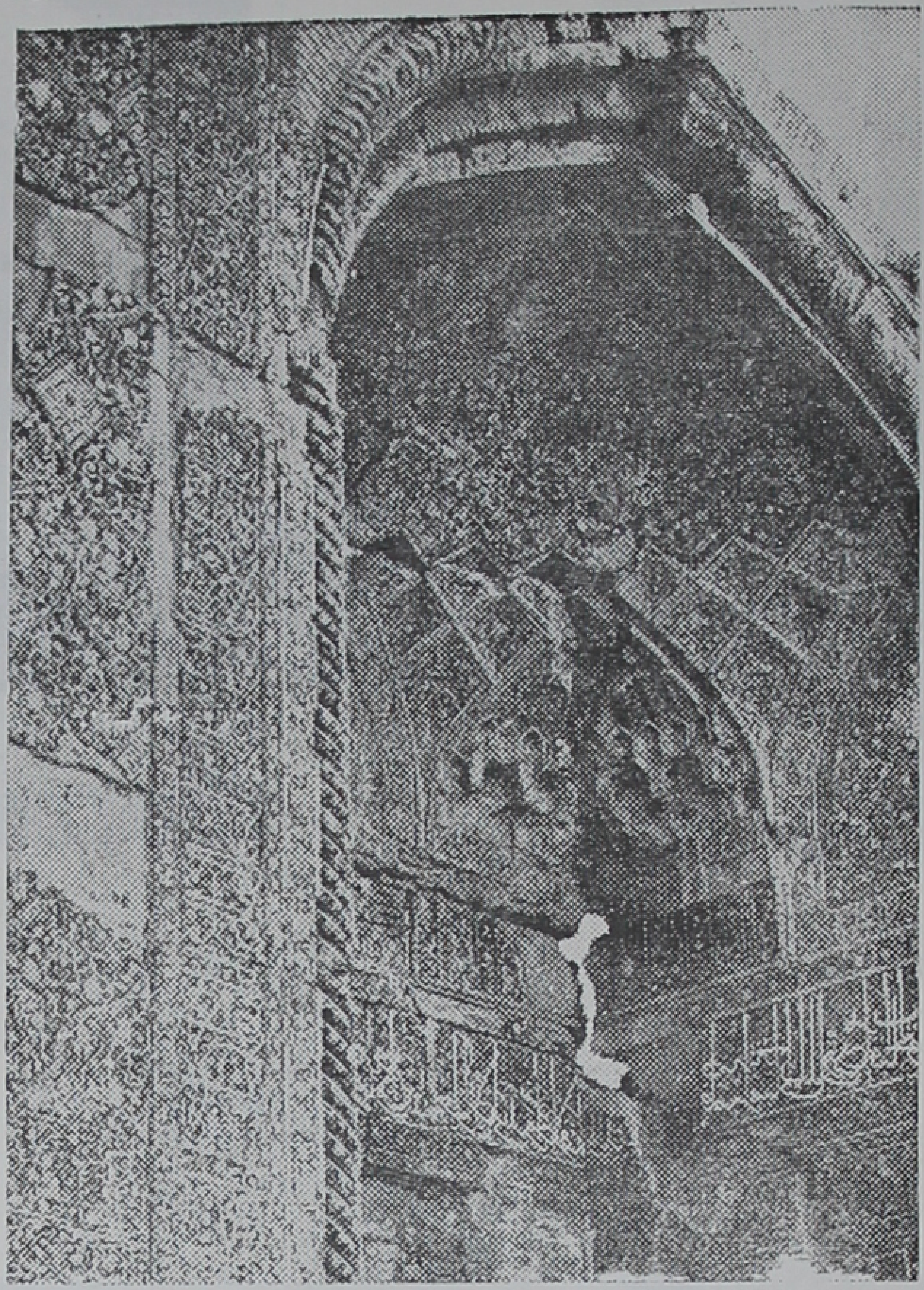
«قدامر السلطان الاعظم الاعدل الافخم مالك رقاب الامم ماحی اساس الظلم والطغیان ملك ملوك الزمان ابوالمظفر سلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی العالم بره وعدله واحسانه مادام الافلاك دوارة والنجوم سیارة بصنعة هذاالاسطرلاب»

ودرپشت ام آن کنده است .

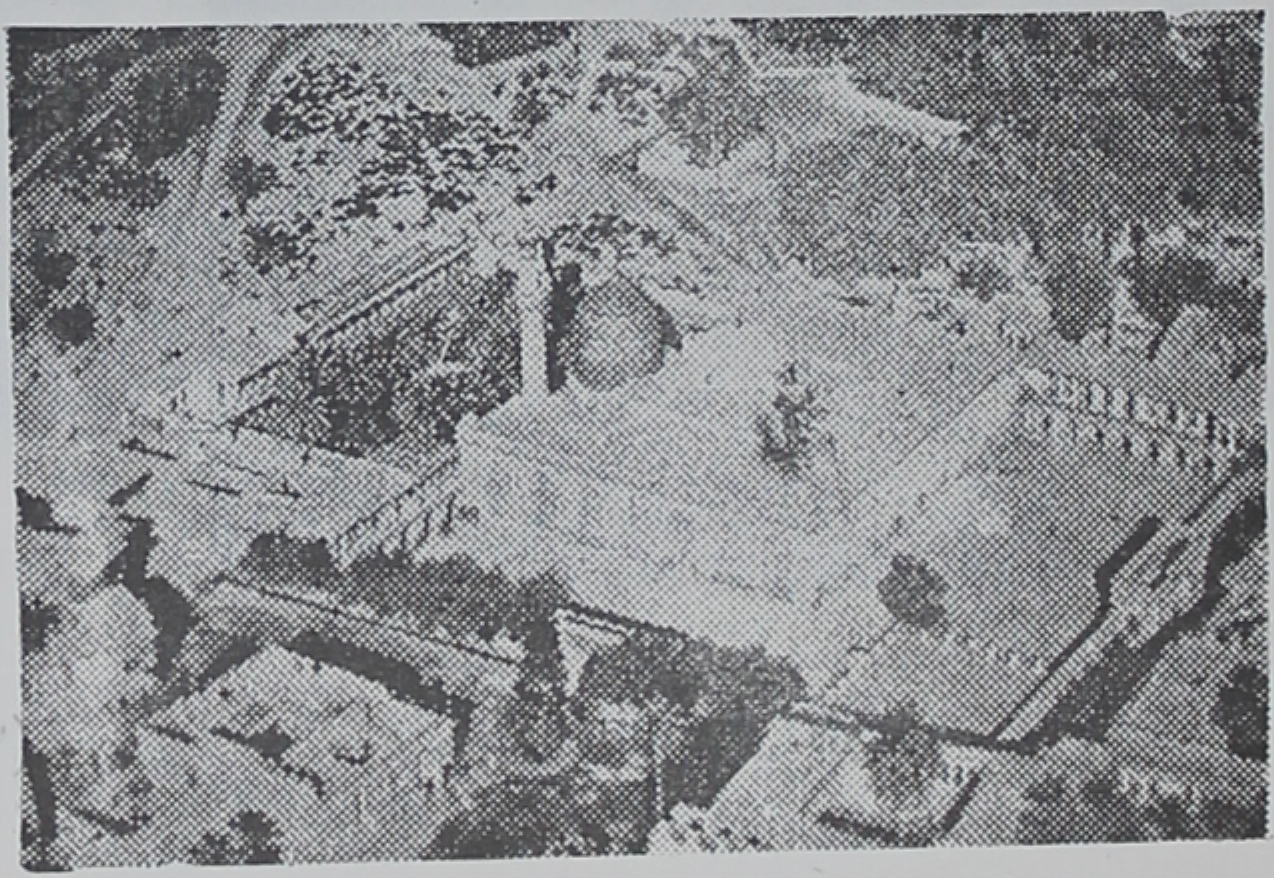
«بوقوف اقل عبید عتبة العالیة الخاقانیة محمدشفیع المنجم الجنابدی» «وقد صنعه محمد مقیم الیزدی فی سنة غنز الهجریة .» «غنز» حساب ابجد یکهزار و پنجاه و هفت میباشد . ۱۰۵۷

درکتابخانهٔ موزهٔ بریتانیائی ، یك نسخهٔ مهمی درشرح بیست باب کتاب ناصرالدین طوسی درمعرفت اسطرلاب ، بشماره «Add - ۲۲۷۵۲» یافت میشود .

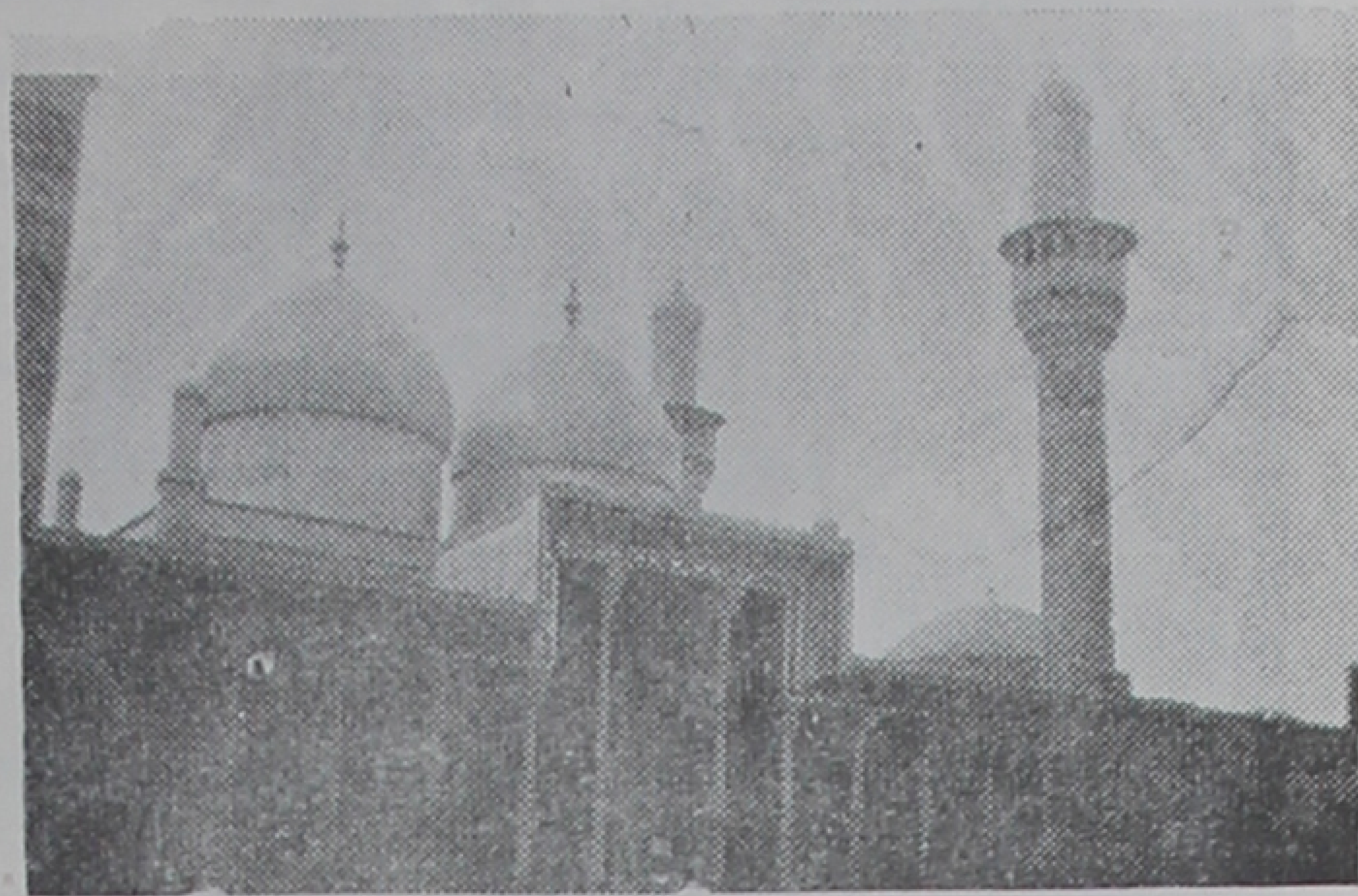
مؤلف آن نظام‌الدین عبدالعلی برجندی شیخ‌الاسلام هرات بوده ، که درسال ۹۱۶ هجری در - گذشت . آن‌عالم فاضل شرح مفصلی در تعریف زیج سلطان الغ بیك نوشته و مدلل نموده ، که آن بهترین وصحیح‌ترین زیجی است که بزبان فارسی تألیف گشته است . میگوید اززمان پیشین منجمان



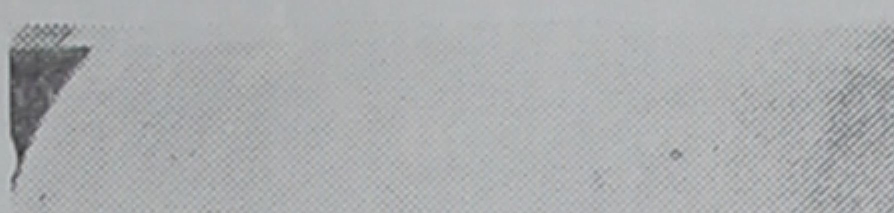
(ش۷۲)　　مسجد کبود تبریز



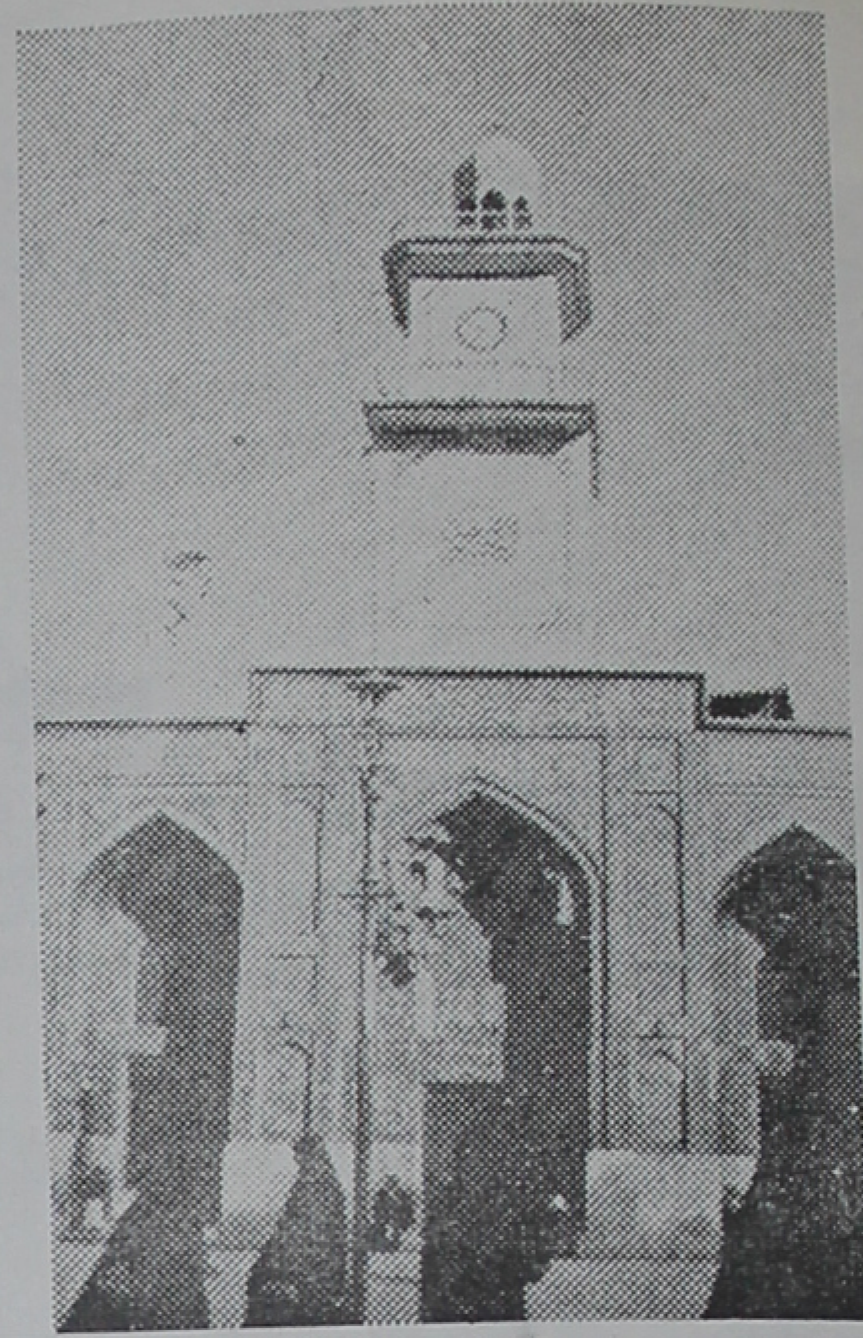
(ش۷۳)　　قصر متوکل سامرا



(ش ۷٤) کاظمین



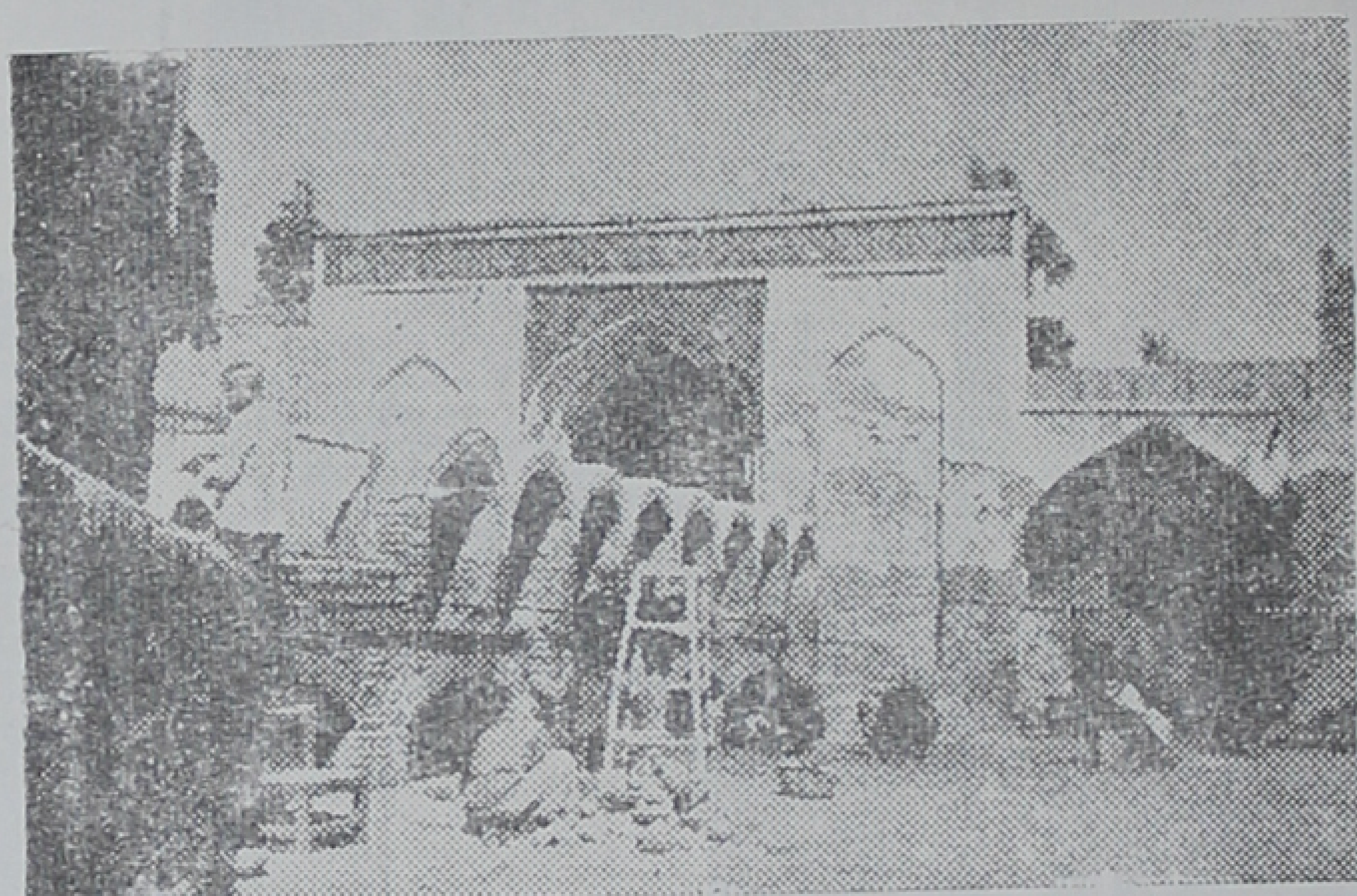
(ش ۷٥) بارگاه امام حسین کربلا



(ش۷۶) ساعت حضرت امام حسین کربلا



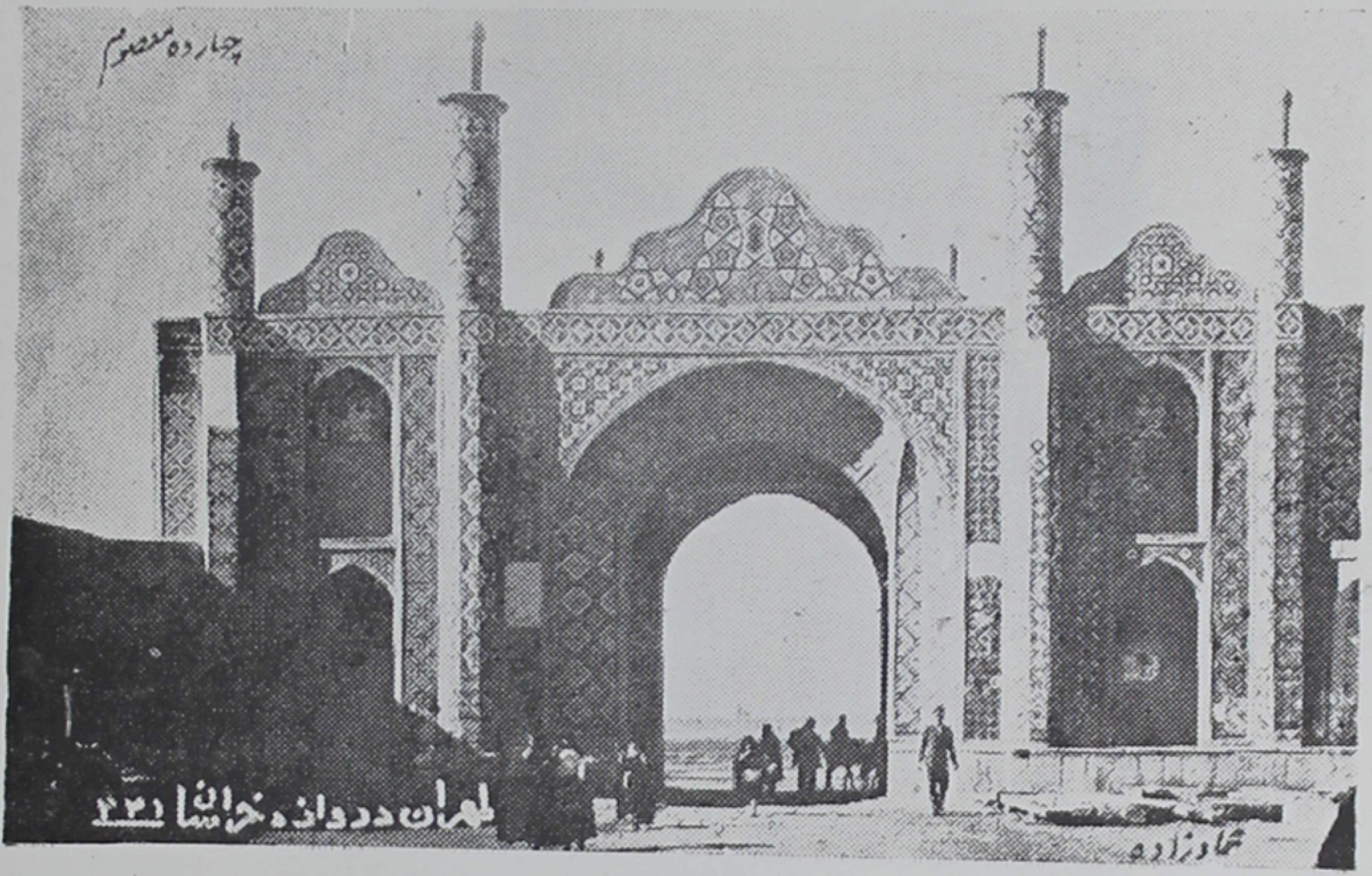
(ش۷۷) کاظمین



(ش۷۷) خارج جیحون


طوس - مقبره شاعر شهیر - فردوسی
Tous - Le tombeau de Ferdovsi

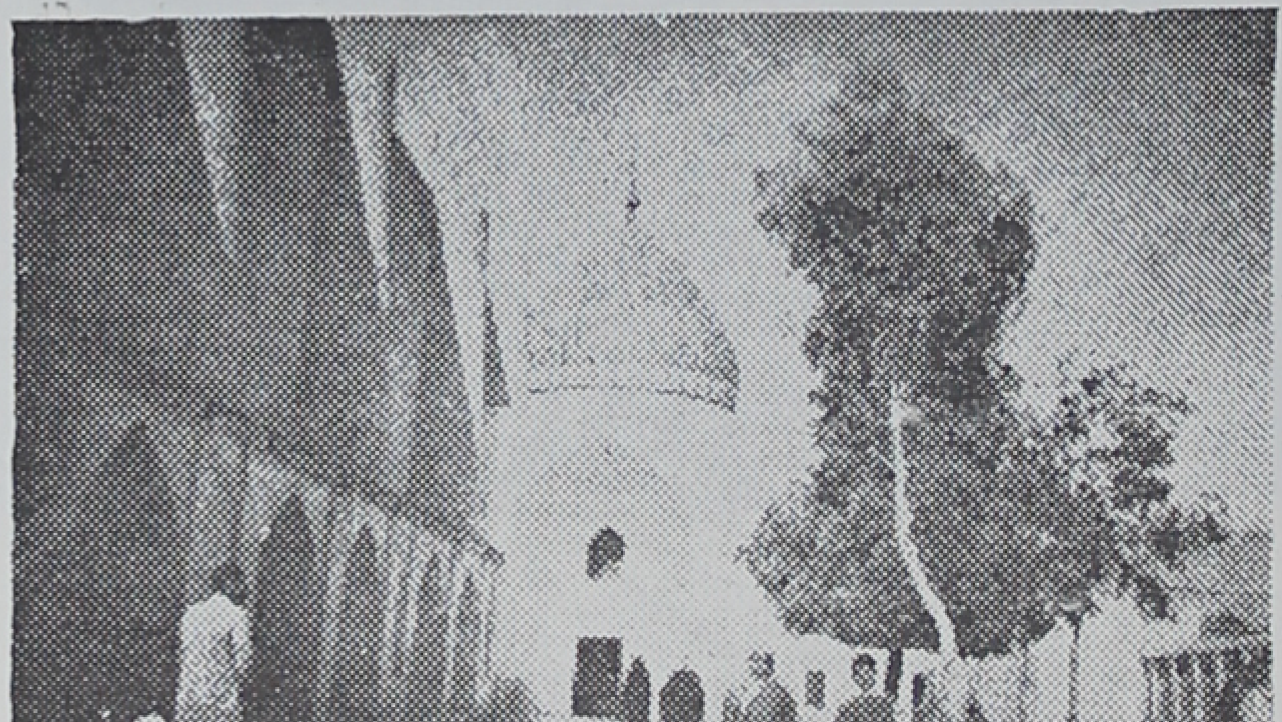
(ش ۷۸)


چهارده معصوم
طهران دروازه خراسان ۲۲۱
شاهزاده

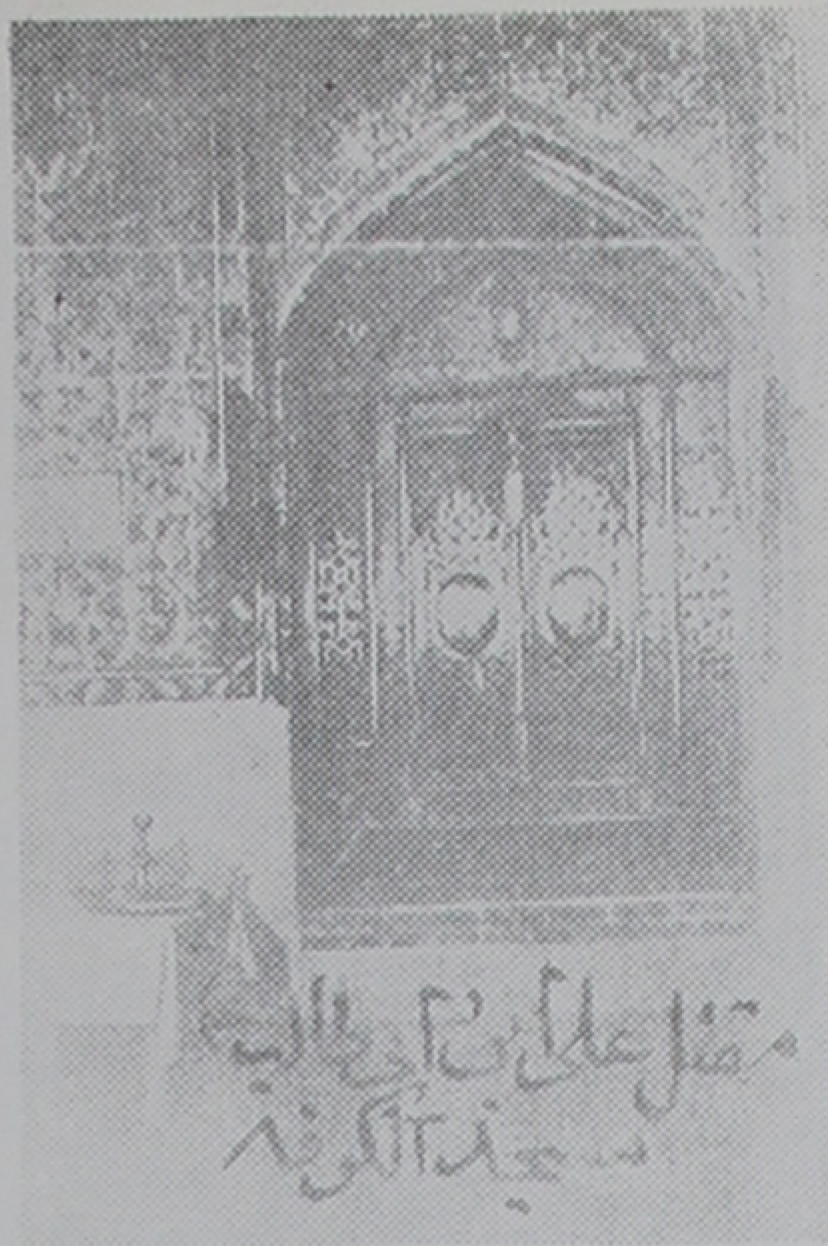
(ش ۷۹)



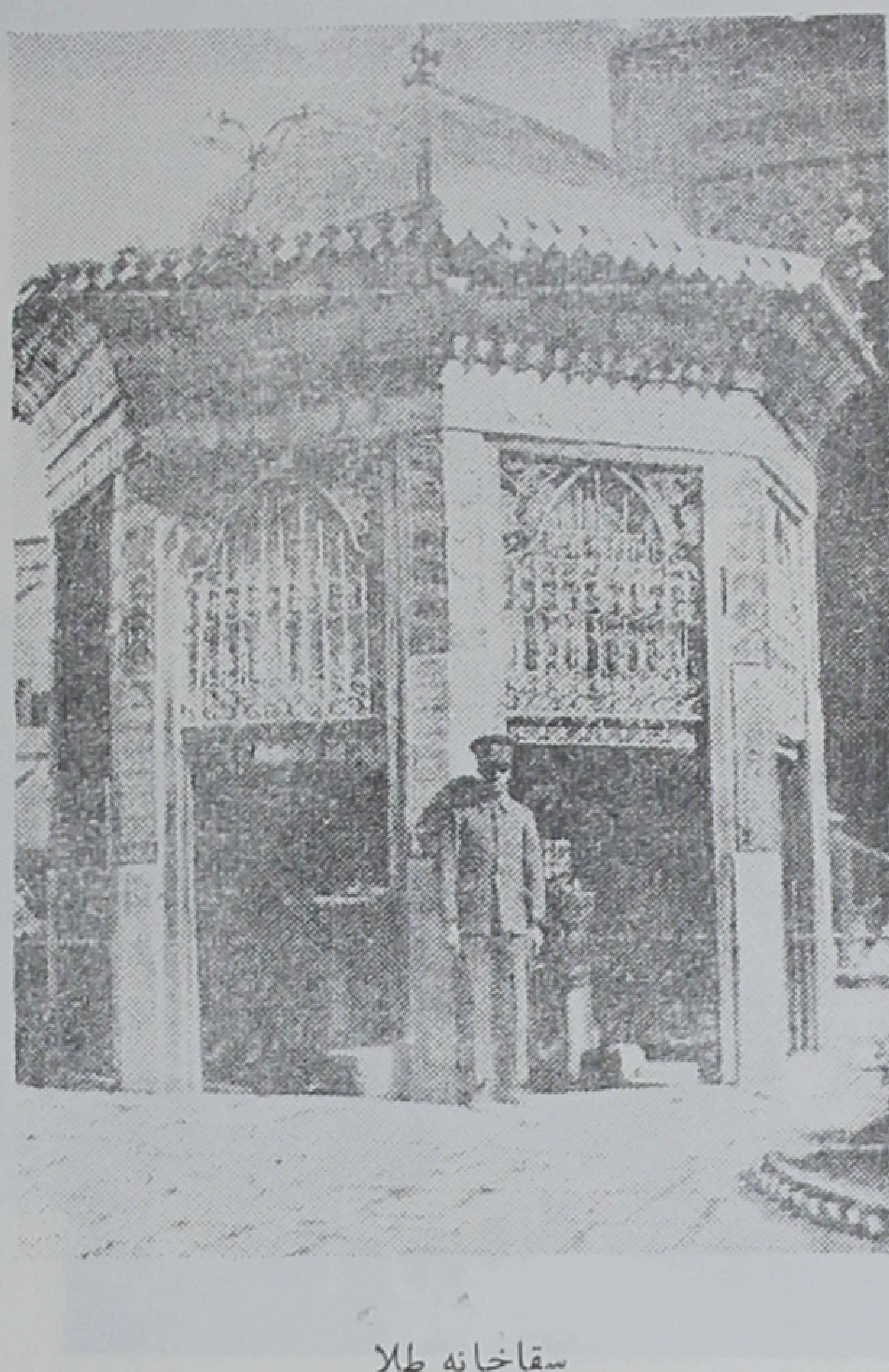
(ش ۸۰) برج مسجد سبزوار



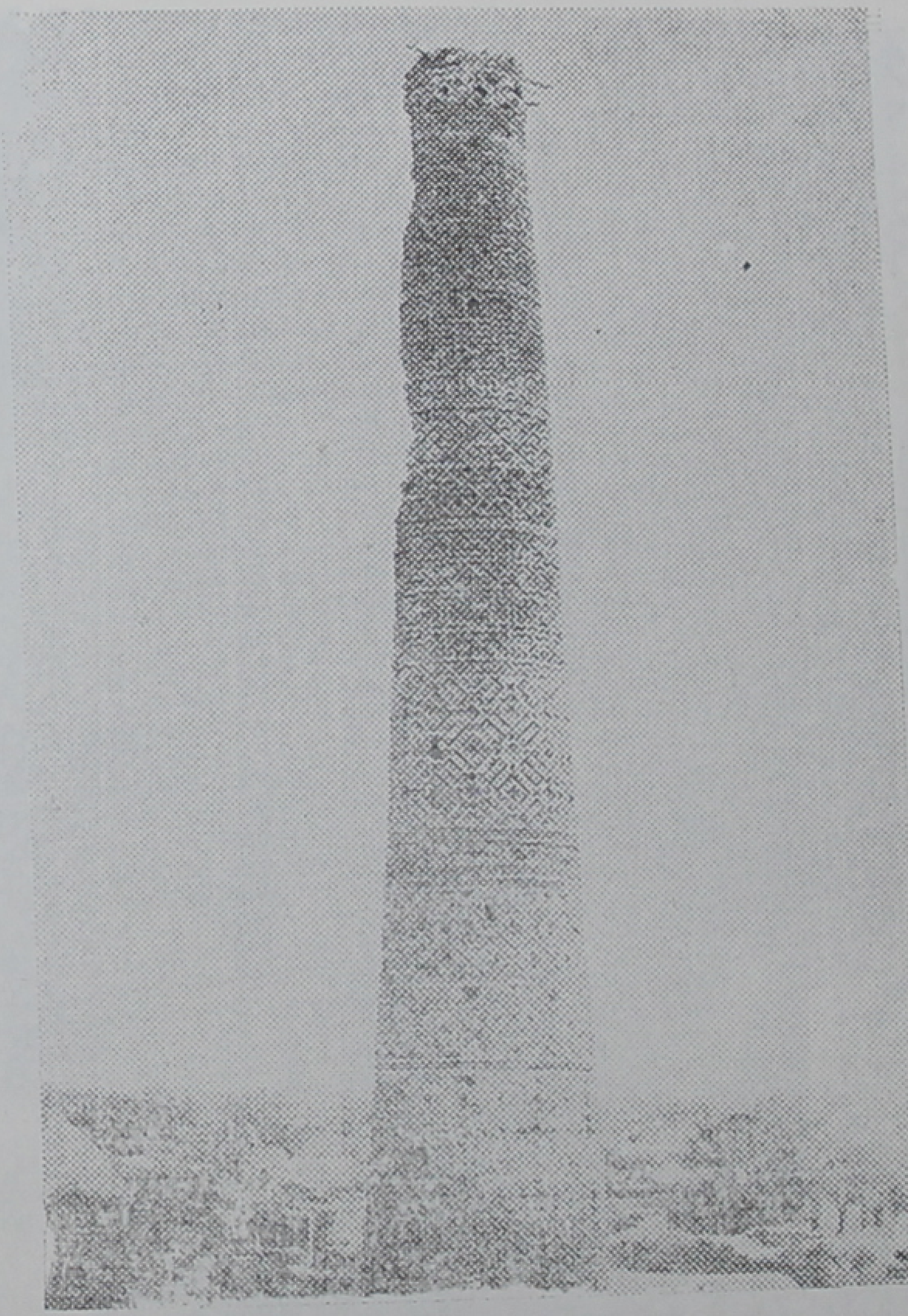
(ش ۸۱) هانی بن عروه >



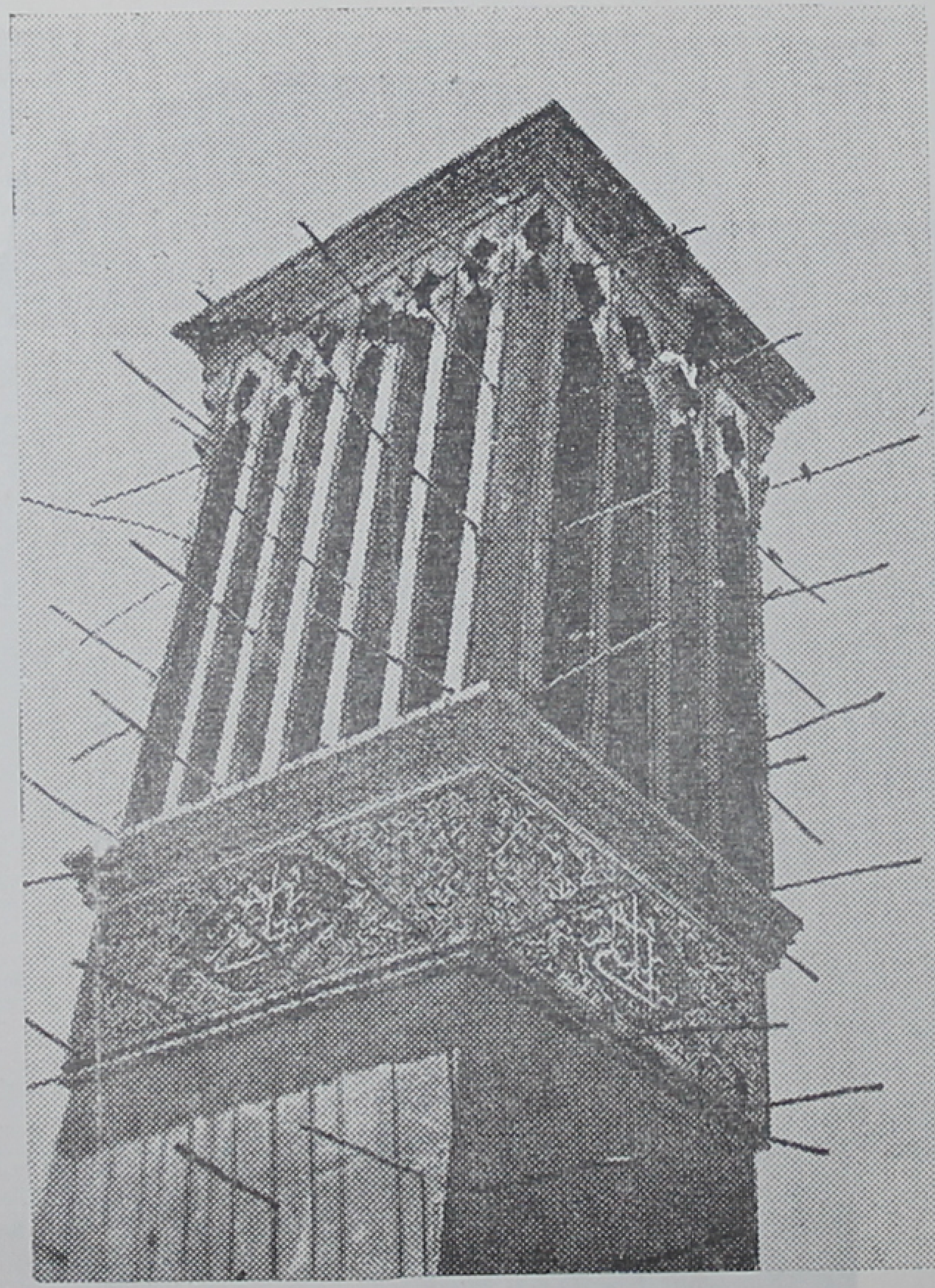
(ش ۸۳)



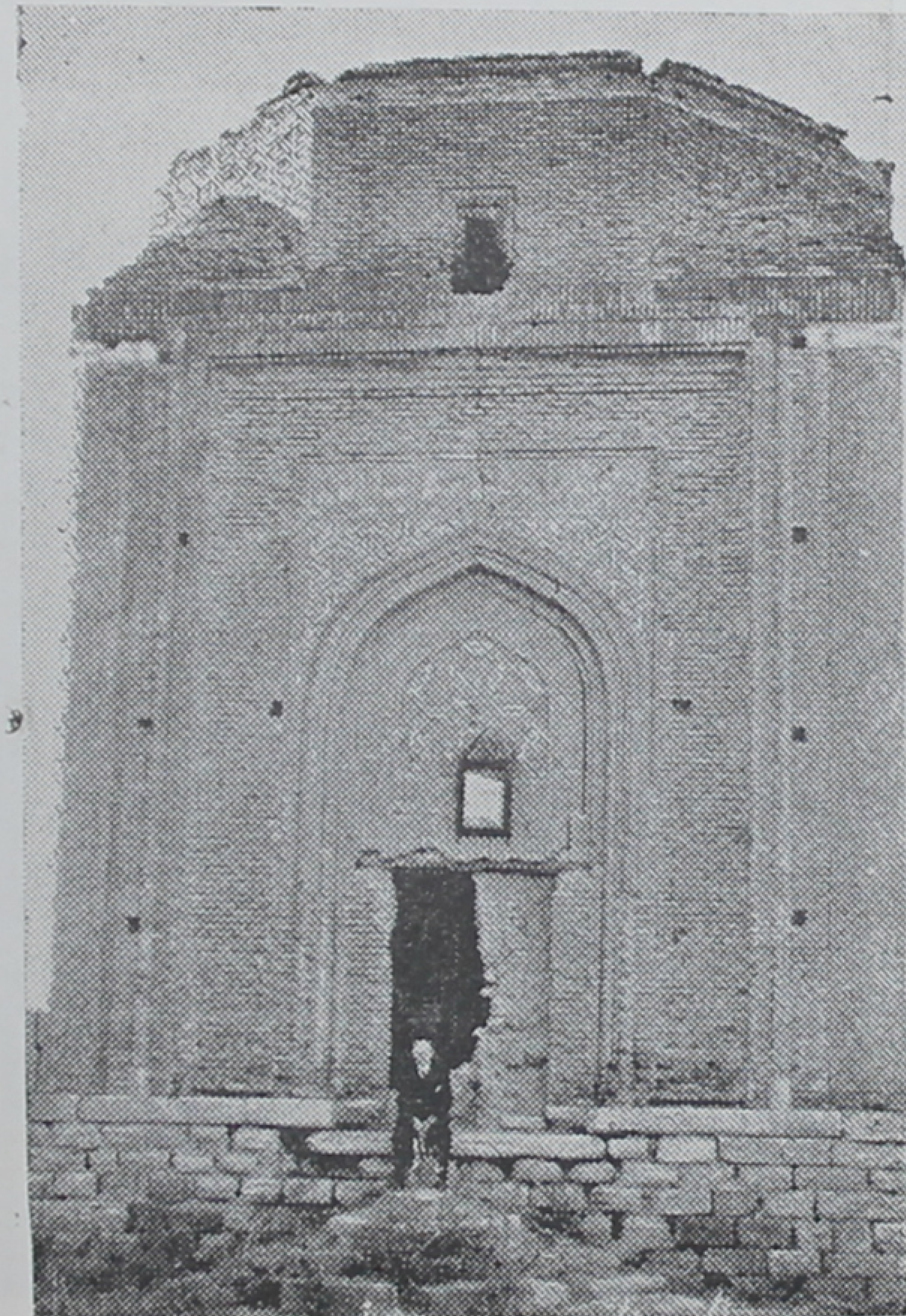
(ش ۸۲) سقاخانه طلا



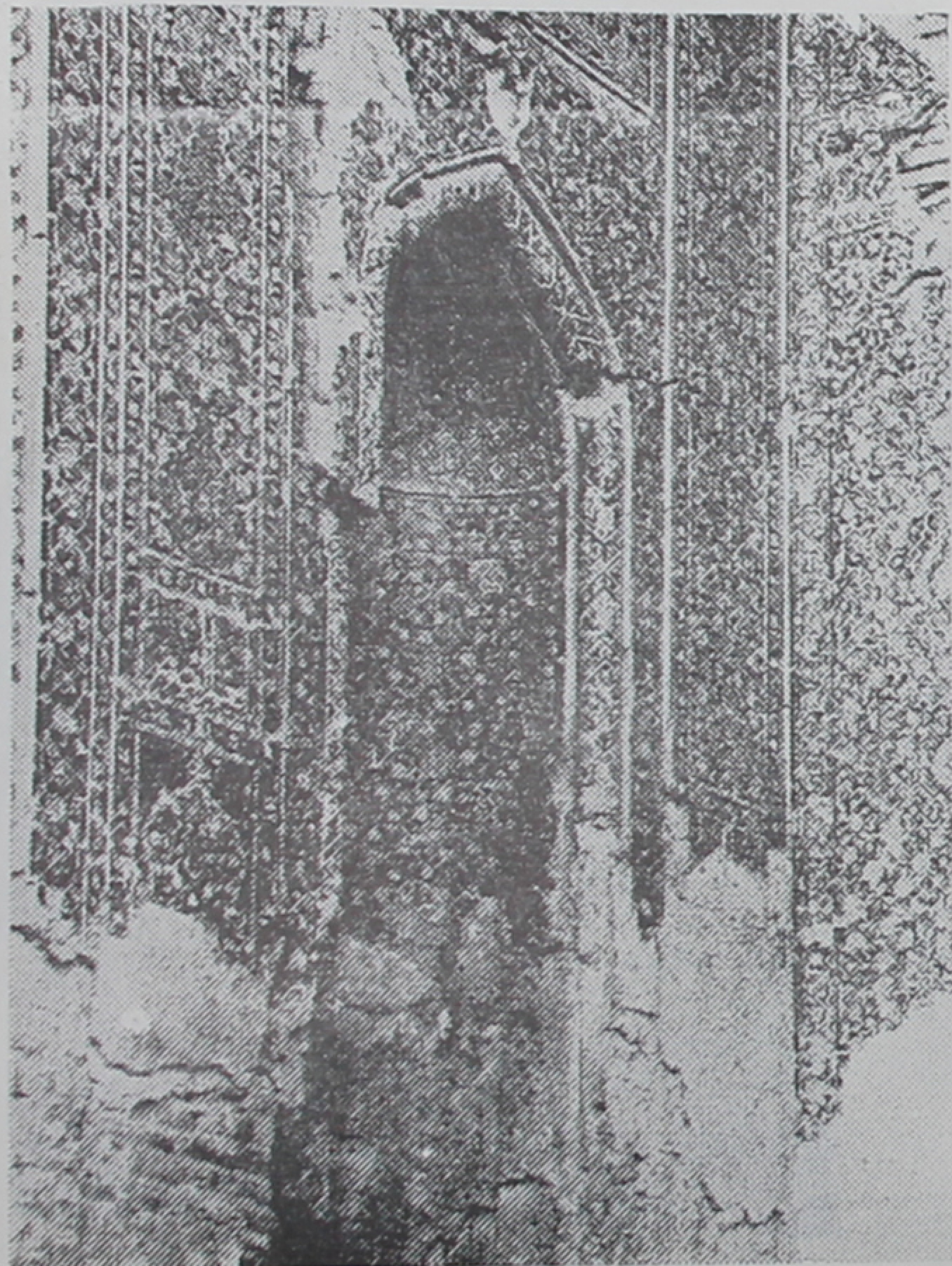
(ش ۸۴) منارهٔ تاریخی دامغان



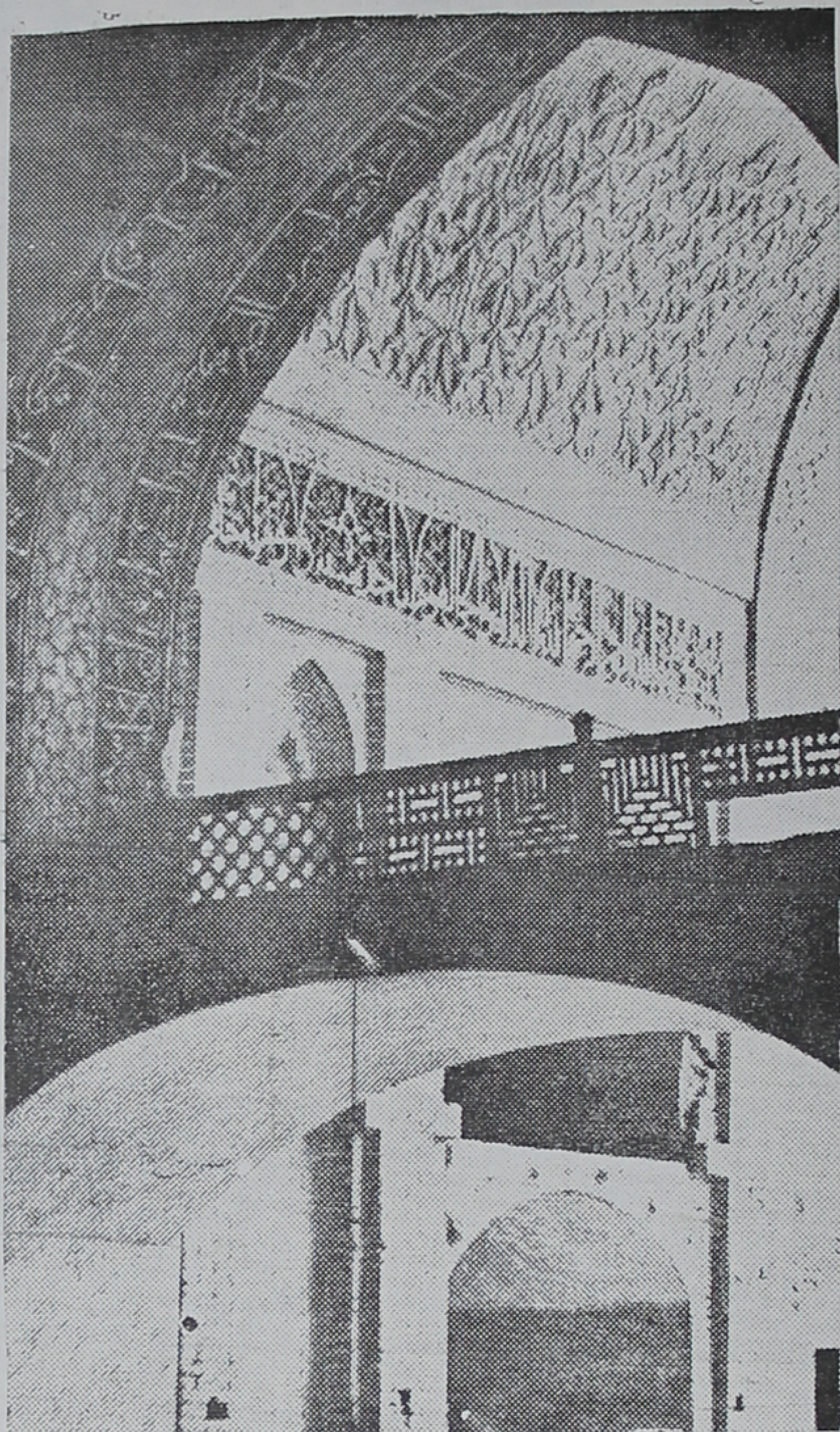
(ش ۸۵) مدرسهٔ ابراهیم‌خان کرمان



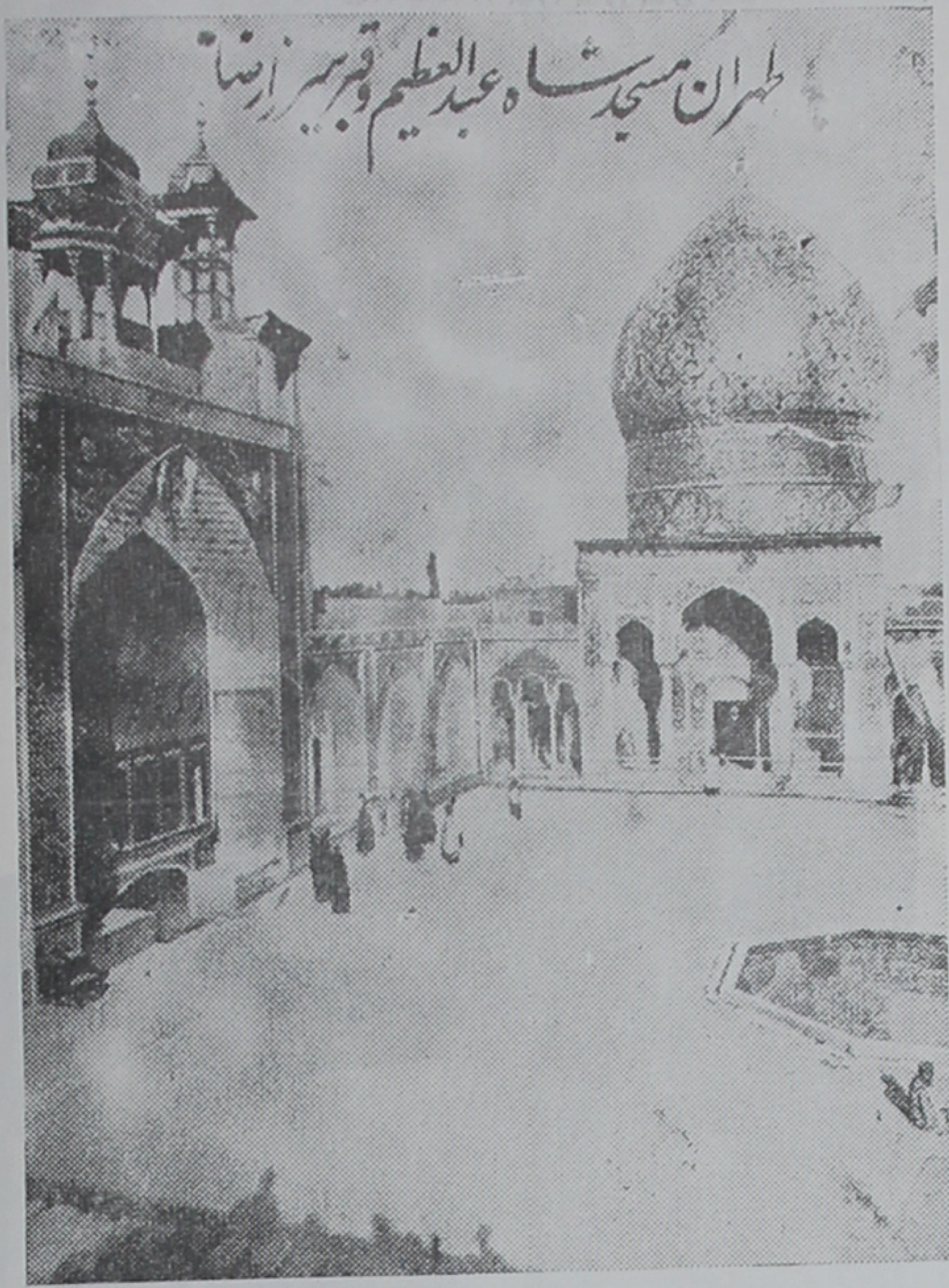
(ش۸۶) مسجد جامع ابرقو



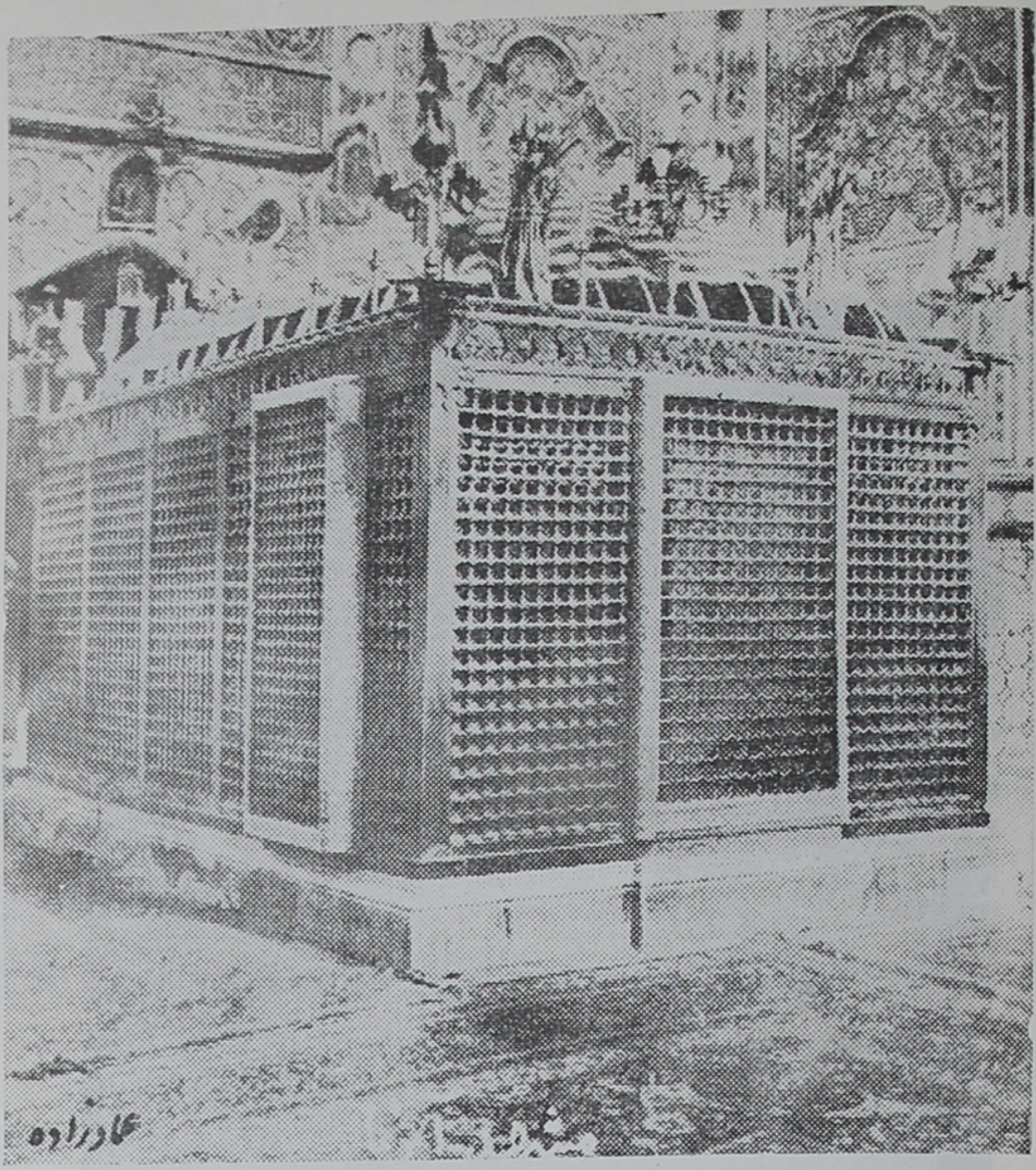
(ش۸۷) گچ‌بری مسجد کبود تبریز



(ش۸۹) مسجد جامع اردستان

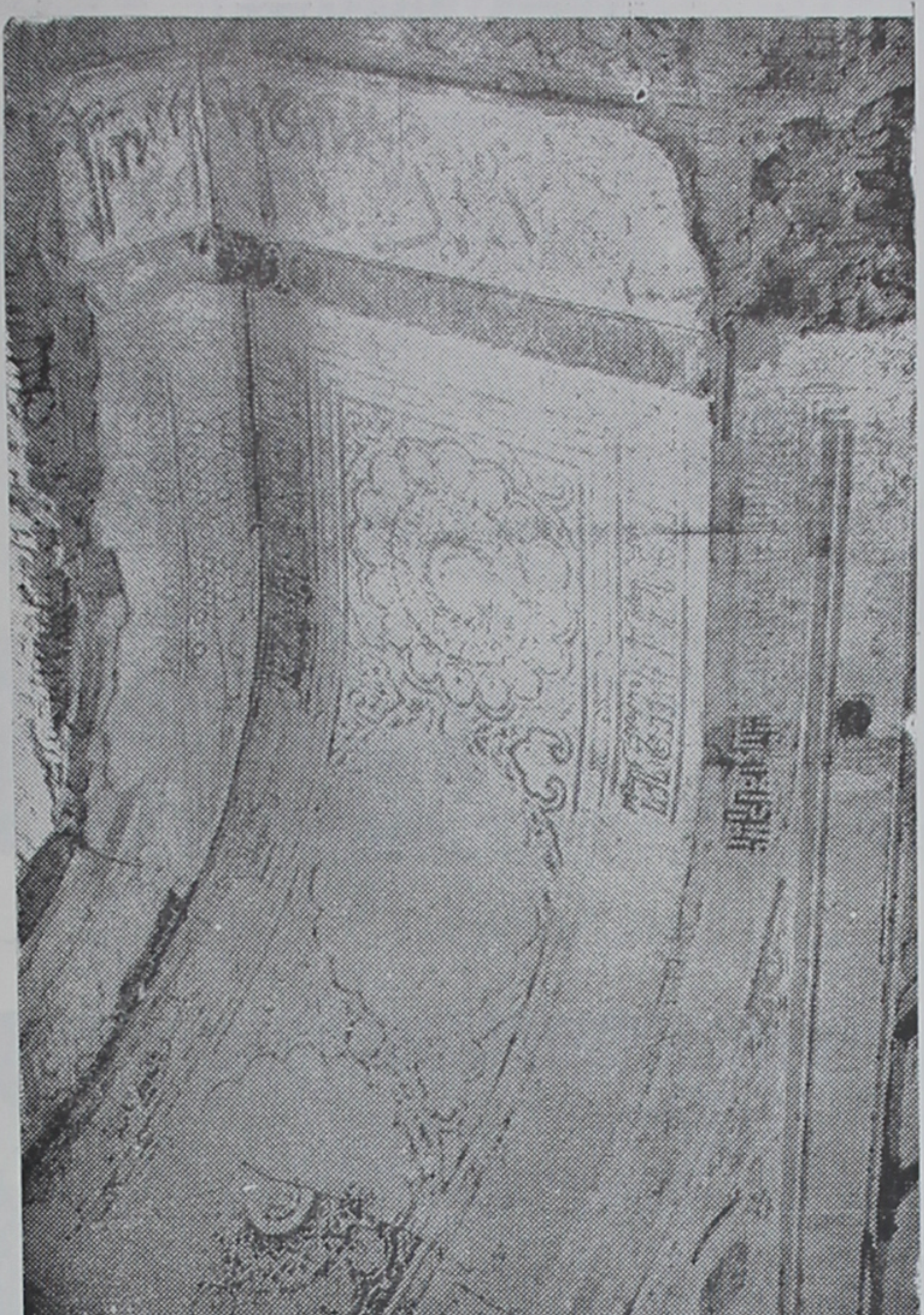


(ش ۹۰)



(ش ۹۱) ضریح امام رضا





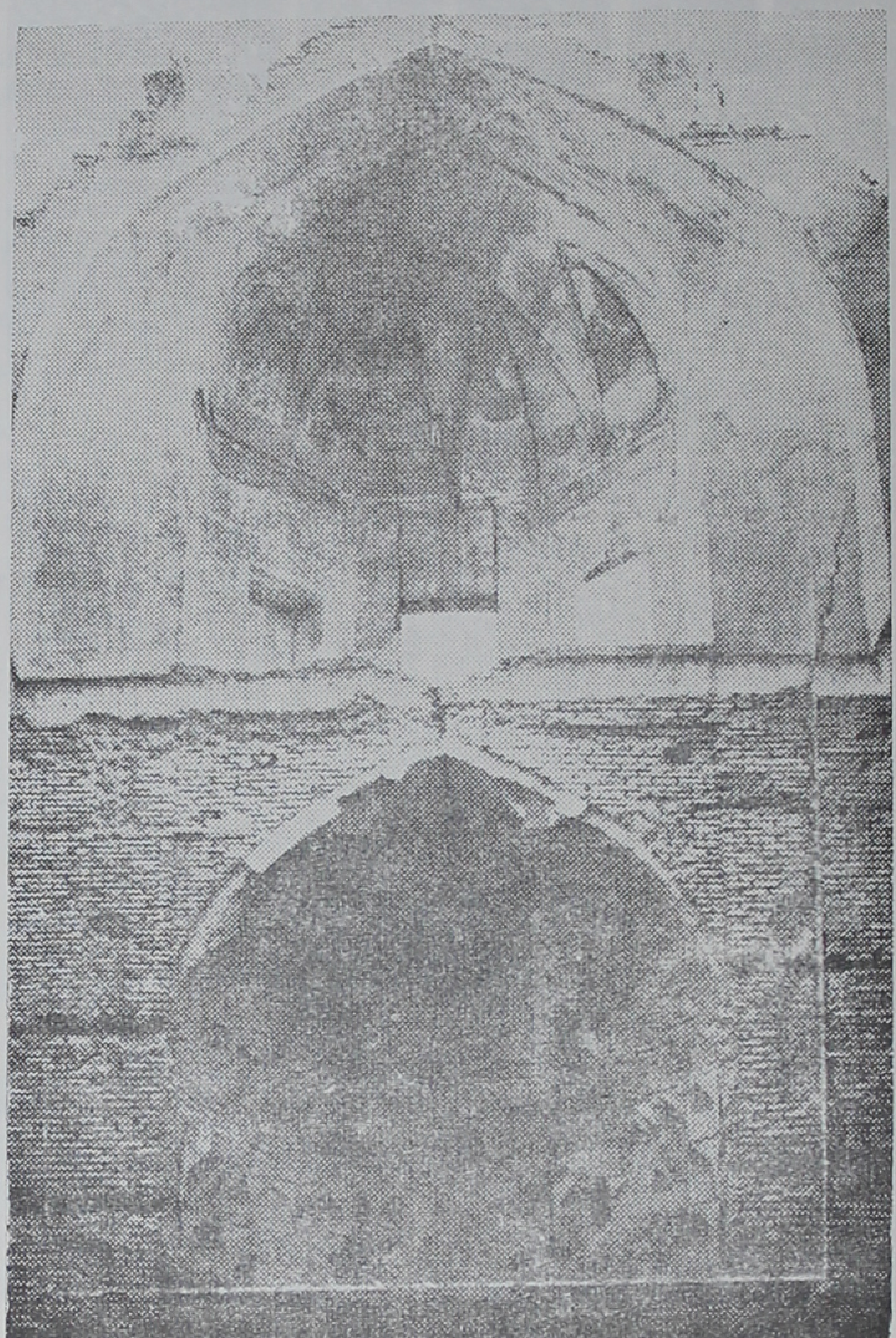
(ش۹۲) مسجد سلطانیه



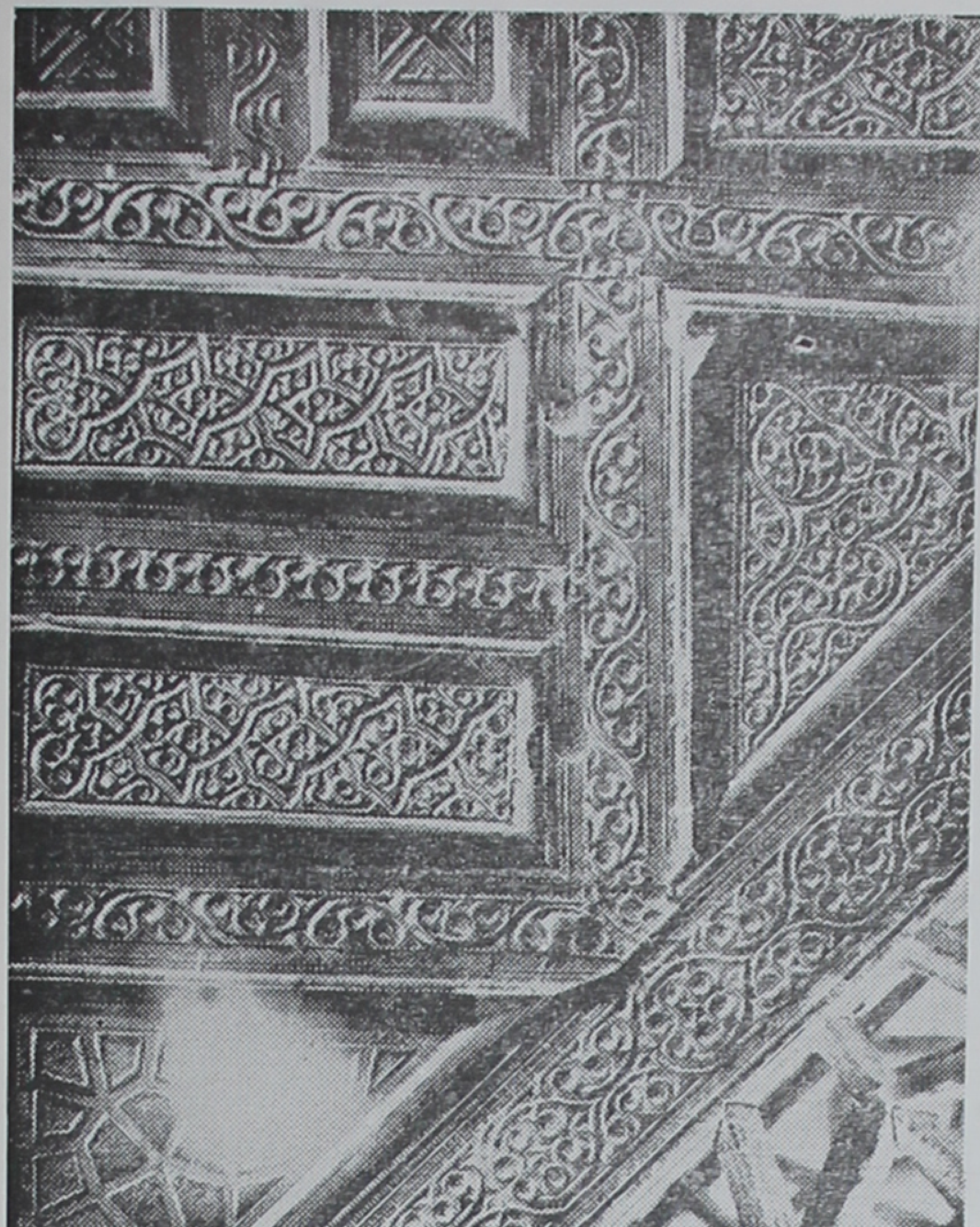
(ش۹۳) مسجد کبود تبریز



(ش ۹٤) مسجد نائین



(ش۹۵) سلطانیه



(ش ٩٦)　　مسجد نائين

ایرانی اسطرلاب رااز برای دانستن ارتفاع آفتاب وکواکب و مطالع بروج درخط استوا استعمال میکردند. وهمچنین بواسطهٔ اسطرلاب عرض‌وطول هرشهرویا کشوری راویاعمق‌چاه‌آب ویاطول‌مناره ویا دیوار و عمود کوه راپیدا میتوان کرد.

مسلمین درصنعت نجاری

مسلمین دراسلوب نجاری ودرودگری ونقش و تزیین و رنگ روغن دادن بچوب درشهرهای اروپاکه پیوستگی باعرب‌داشت مانند **اسپانیا وجنوب فرانسه جزیره سیسیل** - تأثیری بسزا کرده واز مسلمین تقلید نمودند واقسام در وپنجره و غیره‌را بسبک وسلیقه خود ساختند وفنون‌منبت کاری وخاتم سازی ونقش و نگار روی چوب و ساختن اشیاء مختلف ازچوب همه‌جزء صنایع مسلمین بشمار میرود که باروپا منتقل گردید واز قرن‌نهم ودهم پس‌از جنگهای صلیبی غربی‌ها شروع بساختن وتقلید نمودن از سبك نجاری مسلمین نمودند.

آثار صنایع ظریفه مسلمین درنجاری ازصندوق های نامی برمزار ائمه اطهار واماکن متبرکه واعتاب عالیه ومنبرهائی که درمساجد بزرك‌جهان ساخته‌اند ودروپیکری که درعمارات مجلل‌مسلمین درجهان باقی است مانند قصور سلطنتی سلاطین ایران وهند وعراق وحجاز وشامات وفلسطین وغیره همه‌شاهد وصادق نیروی صنعتی مسلمین است.

مسلمین در اختراع شیشه

یکی از اختراعات مسلمین شیشه‌سازی و فنون آرایش آن است که‌از مشرق اسلامی بمغرب اروپائی رفت.

مسلمین فن شیشه‌سازی را در قرن دوم تا پنجم اختراع و ابداع کردند واز ایران بیاندقیه رفت ودر قرن هفتم هجری درآنجا پیشرفتی کرد ومسلمین ساکن درآن شهر این هنررا آموختند واروپائیان از مسلمین فراگرفتندو دراین‌فن‌مهارتی بسزایافتند وآرایش والوان واشکال وصوران ازمسلمین‌درقاهره موجود است‌مخصوصاً در «**دارالاثار العربیه**» قاهره نمونه‌های بارزآن مشهود است.

مسلمین درهرشهری فن‌شیشه سازی راجزء کسب های عادی قرار داده و معمول بود اخیراً که نهضت صنعتی اروپا ظاهر شد این فن بصورت زیباتری درآمد و معذلك هنوز در اکثر شهر های اسلامی ٤٦ کشور جهان کارخانه های شیشه‌سازی موجود است که ازقرن دوم شروع گردیده‌و منتشر شده است:

مسلمین در صنعت کاغذ

دراین عصر که تمدن بکمال خود رسید . اهمیت کاغذ برهمه روشن است وباید گفت قوی‌ترین عوامل و بزرگترین موجبات تمدن وترقی وتعالی است.

تاریخ شاهد گفتار است که ملل اروپائی تاقرون وسطی مدتها تحریرات آنها روی پوست میشد وچین‌هم کاغذی ازابریشم اختراع کرده بود و متخصصین اروپا می گویند اولین کتابی که روی کاغذ آمده دراروپا ۱٤۹۸ میلادی است.

درحالی که کاغذ رامسلمین ازچین بسمرقند بردند و بافتح سمرقند این صنعت آنجا اقتباس شد وبجای پارچه وپوست مورد استفاده قرار گرفت و بسرعت بپایتخت خلفای عباسی رسانیدند و دفاتر دیوان خلافت باکاغذ ساخت مسلمین تنظیم وتدوین گردید وچون کم بود **فضل بن یحیی برمکی** دستور داد دربغداد کارخانجات کاغذ سازی بوجود آورند وخورد خورد رونق و توسعه یافت

واز عراق بشام رفت ودر مصرهم کاغذ سازی داشتند که باصنعت وفن جدید تکمیل گردید واز پنبه و کهنه کاغذ ساختند وبهترین کاغذی بود که هنوز کتب هزارسال پیش بلکه سیزده قرن پیش‌از قرآن ها وصحایف باقی‌است واین صنعت منتشرشد درخان بالغ وایران وهند رونقی بسزا یافت تاباسپانیا رفت وملل اروپائی کاغذرا ازمسلمین‌میگرفتند نهایت آنکه خط وسواد درآنها بسیار کم بود مانند عصر قبل‌از اسلام عربستان بوده واروپائیان موقعی از خواب بیدار شدند که مسلمین مراحل تکامل راپیموده‌بودند وبناچاردست احتیاج بسوی‌آنها دراز کرد و کتابی‌را که کاسپری درکتابخانه اسکوربان بدست آورد.

درتاریخ ۱۰۰۹ هجری نوشته‌شد درکتابخانه های اروپا قدیم‌ترین کتب خطی است وکاغذآن ساخت کارخانجات مسلمین است.

در هندوستان هنوز همان روش کاغذ سازی اسلامی که در عهد مغول بهند رفت ادامه دارد و آثار صنعت کاغذ ایران وافغان وعراق وخوارزم وماوراءالنهر وترکیه وغیره درکتابخانه های همان کشورها موجود است.

چنانچهٔ قرآن روی کاغذ اسلامی بخط عثمان که بخون آلوده شده موجود است و صدها بلکه هزارها کتب‌دیگر روی این‌کاغذ هاهست که همه معروف هنر وصنعت مسلمین میباشد.

آنچه ملل اروپا از کتب مسلمین فراگرفتند

درمورد تطورات وجنبشهای اسلامی آنها که با پیشرفت مسلمین معاصر بودند از آمیزش خود آنهایاازمدارس وآموزشگاههای آنهارافرا گرفتند وآنموقع که قطع روابط شد و جنگهای صلیبی فاصله انداخت بین مسلمین ونصاری علوم وتمدن اسلامی را ازکتب مسلمین فراگرفتند وآنچه از کتب آنهاگرفته‌اند اجمالا بدینترتیب است.

تاریخ وجغرافیا

درسابق تاریخ جزوعلوم شمرده نمیشد ولی امروزازعلوم‌مستقلی است که درمسیر علوم قابل استفاده بلکه شخص و ضمیر علوم و فنون است.

تاریخ بدینجهت که گویندگان اکثر آلوده باغراض بودند مورد اعتماد نبود وباآنکه‌آمیخته بتملق و رعب و یا تطمیع میشدند دربیان حقایق شك وتردید حاصل میشد ولی امروز دستهٔ‌محقق درهرملت هستند که باتوجه بتمام آثار وعلوم وفنون ومکتوبات ومطبوعات مخالف وموافق حقایق را استخراج میکنند وتاریخ خود مستقلا ازاینجهت علمی شده است که عوامل و علل مرعوب شدن یا مجذوب بودن را برطرف میسازد و بدون تمجید و تعریف و یا قدح وذم بی‌جا مطلب را کشف مینماید.

وچون تاریخ آئینه سرتاپانمای‌اوضاع واحوال گذشته‌گان است و حتی درکتب آسمانی هم از قصص واخبار گذشته‌گان‌برای تربیت اندیشه‌وتشحیذافکار بمنظورقضاوت درنتیجه نهائی حیات‌اجتماعی نقل اخبارشده نمیتوان ازتاریخ صرف‌نظر کرد وقرآن بشرحی که درتاریخ انبیاء نوشته بیش ازپنجاه پیغمبررا باملل گذشته یادآوری ازنظر نتیجه عملی آنها میفرماید و امام‌المتقین امیرالمومنین ع در نهج‌البلاغه میفرماید:

وان لکم‌فی القرون السالفه بعده گذشتن ایام روزگارپیشینیان‌عبرت‌واندرزوسرمشق‌است

و بحکم این سنت آسمانی که منبع اطلاعات جهانی است همه ملل بتاریخ علاقمند شده‌اند مسلمین که درفن کتابت وتالیف وتصنیف وجمع اخبار گذشته گان از ملوك وعلماء و اجتماع بشر تفوق وتقدم زمانی ومکانی وعلمی برملل اروپائی دارند از ۱٤ قرن پش اخبار وحکایات بسیار جمع آوری میکردند ـ کتب بسیاری ازمغازی وجنگهای پیغمبر را اصحاب نوشتند که تاکنون موجود است کتاب ابوجعفر محمدبن جریرطبری از کتب جامع ومقدم این فن بشمار میرود که از آغاز آفرینش تاقرن سوم هجری ۹۱٤م رانگاشته است تاریخ مسعودی مروج الذهب که باه ۲ سال رنج تهیه نموددرهمان قرن سوم از کتب نفیس تاریخ است که تا ۹٤۱ نوشته وماچون کتب تاریخ اسلامی را درجلد دوم تاریخ مفصل اسلام نقل کردیم اینجا تکرار نمیکنم آنچه مسلم است **حاجی خلیفه در کشف الظنون** یکهزار ودویست مورخ را یاد نموده ودر کتاب **الذریعه الی تصانیف الشیعه** قریب پانصد مورخ را از شیعه نام برده است .

بااین مقدمات باید گفت مسلمین درتاریخ هم تقدم وتفوق برملل دیگر داشته‌اند.

درفن جغرافیاهم که مستلزم باتاریخ است همین تقدم را داشته : **ابوالقاسم ابن حوقل** جغرافیدان مشهور اسلام درنتیجه ۲۸ سال مسافرت وسیاحت یگانه کتاب نفیس که مورد توجه جهانیان است اونوشت .

من روی زمین را طولا وعرضا بیان نموده‌ام عموم کشورهای اسلامی راشرح داده‌ام بهرمملکتی یك نقشه ضمیمه کرده وتمام اماکن مختلفه نشان داده‌ام مسائل متعلق بهر کشور از بیان مرزها ـ شهرستانها ـ قصبات شطها ـ نهرها ـ دریاها ـ محصولات انواع زراعات وغلات وطرق وشوارع وفواصل آن باکشورهای همسایه کالاهای بازرگانی وبالاخره هرچیزیکه علم جغرافیارا دردیدن پادشاهان وزراع مطبوع ومرغوب قرار دهد درکتاب من یافت میشود .

ابوریحان بیرونی که بامحمود غزنوی بهندوستان رفته تاریخ وجغرافیای هند را نگاشته است **ابوالحسن علی بن ابوالقاسم** که درقرن ششم میزیسته ازجهانگردان مشهوریست که بافریقای شمالی سفر کرده ازمراکش تامصر رابانقشه افریقا وتطبیق باحساب بطلمیوس نگاشته و عرض و طول ٤٤ مکان راتعین و کشف نمود.

ابن بطوطه سیاح معروف ـ ابن جیروغیره بسیاری ازسیاحان اسلامی تاریخ وجغرافیای ممالك اسلامی رانوشته‌اند که سرمشق تاریخ نویسان وجغرافی‌دانهای اروپاشد وقریب چندقرن کتب تاریخ وجغرافیای مسلمین دردانشگاههای اروپا تدریس میشد .

چیزیکه جالب توجه است این است که راجع بمنابع رودنیل اروپائیان بزحمت افتادند در حالی که ادریسی دریکی ازنقشه‌های خود آنرا نشان داده است وباید گفت هر کس مسلمین رادراین فنون انکار وتکذیب بنماید اوخود ازجهان اسلام و اسلام درجهان بی‌خبر است گوستاولوبون و جرجی‌زیدان حق مطلب را دراین فنون ادا کرده ونوشته‌اند آثار تاریخی وجغرافیائی مسلمین رادر تمدن اروپا نمیتوان تکذیب کرد وبقدری اطلاعات آنها از دنیا وسیع بود که قابل انکار نیست و مسلمین گوی سبقت را در همه فنون تمدن از سایر ملل ربوده‌اند ـ و همه ملل دیگر از آنها گرفته اند .

تحقیقات جغرافیائی مسلمین

مسلمانان درجهازرانی دلیر وهمیشه شجاع ومقتدر بوده‌اند واز فاصله‌های زیاد ومسافتهای خود هیچ اندیشهٔ نداشتند ایمان - صبر- حلم - سبکباری - قناعت - تحمل بررنج آنهارا دراین راه‌موفق ساخته حتی امروزهم بقصد زیارت مکه ممالك دوردست همیشه سختی قطع مینمایند تابمنظور برسند. اروپائیان که بزحمت زیادتاوسط افریقا میرسندکاروان مسلمین رامی‌بینند که برای مکه بایك نظرساده بسفرعادی تلقی کرده ودرحرکت هستند.

مسلمین دراوایل اسلام روابط وتعلیقات تجارتی خود را باممالك بعیده مانند چین و روسیه و نقاط غیرمعلوم افریقا برقرارنمودند درحالیکه اروپائیان آنروز ازآنجاها اطلاعی هم‌نداشتند.

ابتدای امرجهانگردان اسلام بنام بازرگانان بقصد تجارت مسافرت میکردند - واز آنجمله سلیمان یکنفر بازرگان عرب درقرن دوم هجری بچین مسافرتی نمود وسفرنامه نوشت که آنرااولین سفرنامه مسلمین باید شمرد این سفرنامه درسال ۸۵۱م نوشته شده و ابویزید یکی از هموطنان او ۲۳۱ه آنرا درسال ۸۸۰م تکمیل کرد وازحالات چین وجهانگردان مسلمین درسفرنامه خودبیاناتی دارد که شایان توجه است سلیمان ساکن بصره بود وچندین مرتبه بهندوچین سفرنمود ازکلیه‌سفرنامه اویك جلد درکتابخانه دولتی پاریس موجود است ومسیودینو درسال ۱۸۴۵م آنرا دردوجلدبفرانسه ترجمه وطبع کرده است (۱) سفرنامه سلیمان اولین کتابی‌است که راجع بچین دراروپا شایع گردید ودراوایل قرن ۱۹ ترجمه شده است مسعودی‌متوفی ۳۴۶ ازمشاهیر مورخین ودانشمندان بغداداست که ۲۵ سال اوقات خودرا بمسافرت مصروف داشته ونقاط اسلامی وممالك همجوارمثل هندوستان و غیره راگردش کرده است که مروج‌الذهب اخبارالزمان - التنبیه والاشراف وغیره ازآثار اوست

ابن‌خلدون نیزازمورخین‌مشهورجهان است که چهارصدسال پس‌ازمسعودی میزیسته وازکتاب مسعودی تقدیرمینماید ازعلمای جغرافیا ابن حوقل است که ۲۸ سا[ل م]سافرت و سیاحت کرده و چنین مینویسد.

«[م]ن روی زمین راطولا وعرضا بیان نمود وکلیه کشورهای و مرزهای اسلامیرا شرح داده‌ام - راجع بهرکشور یکنقشه ضمیمه آن میباشدکه درآن تمام اماکن‌مختلفه رانشان داده‌ام . مسائل متعلقه بهرکشوری ازبیان‌سرحدات - شهر - قصبات - شطوط انهار- بحار - محصولات اقسام زراعت - غلات - طرق - شوارع وفاصله آن باممالك همجوار اجناس تجارتی مهمه وبالاخره آنچه که علم جغرافیا رادرنظرسلاطین ووزرا یاافراد هرطبقه مطبوع ودلچسب قرارمیدهد درکتاب من یافت میشود»

ابن بطوطه جهانگرد نامی اسلامی‌است که ازسال ۷۰۵ه (۱۳۲۵م) شروع بگردش کرده از طنجه روانه افریقای شمالی - مصر - فلسطین - عراق عجم تاقسمت‌شمالی عربستان ومکه وازقسمت جنوبی‌روس وقسطنطنیه وغیره ببخارا وخراسان واز راه قندهار وارد هندوستان شده بدهلی که آنوقت پایتخت یکی ازپادشاهان اسلام بود ورود نمود - پادشاه آنجا اورا مامور دربار چین نمود بتوسط اوپیغامی

۱- صفحه ۶۱۸

بپادشاه آنجا فرستاد واو ازراه دریا بعدازدیدن سیلان ـ سوماترا وجاوه بشهری که حالیه نام آن پکن است رسید وپس‌ازانجام ماموریت دوباره ازطریق دریا بوطن خودبرگشت این سفراو ۲۴ سال طول کشید .

ابن‌بطوطه‌ازاین مسافرت طولانی ملالی حاصل نکرد وپس‌ازچندی عازم دیاراندلس گردید و ازداخل افریقا تابه (تمبکتو)سفرنمود ـ ابن‌بطوطه درسال ۱۳۷۷/۵۷۵۷ میلادی که تقریبا تمام ربع‌مسکون آنوقت راسیاحت کرده بود ودرفاصل ازجهان درگذشت واین سیاح‌دراسلام خدمتی بزرك بعلم‌تاریخ وجغرافیا نمود (۱)

ازکتب معروف جغرافیای اسلام ـ جغرافیای‌اصطخری‌ابواسحق‌الفارس‌اصطخری‌درسال ۹۵۱م/۳۳۰ھ و جغرافیای مقدس شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابی‌بکرنیشابوری مقدس صاحب کتاب احسن‌التقاسیم‌متوفی ۳۷۵ سفرنامه بسیارخوبی است .

مشهورترین علمای‌جغرافیای عرب‌ادریس است که‌کتب اودرلاتینی ترجمه شده ودرقرون‌وسطی تنها بوسیله‌کتب او اینعلم دراروپا شایع گردیده است وکتاب او بیش از سیصدسال جزکتب درسی اروپا بود ـ وکتاب خودرا دراندلس سال ۱۱۵۴م/۵۳۴ھ نوشت .

دیگر ازکتب معروف‌عجایب‌المخلوقات وآثارالیهود واخبارالعباد شیخ‌زکریای‌محمدالقزوینی است که درسال ۶۰۰ متولدشدو۶۸۲هوفات کرد.

وکتب ابوعبدالله یاقوت‌حموی بغدادی متوفی ۶۲۶ ـ المعجم‌البلدان‌ومعجم‌الادباء المشترك فی‌البلدان است

کتب رحله‌ها وسفرنامهٔ که بدست ما رسیده در منابع منذکرشده‌ایم

مستشرق ج . ه کریمرز مینویسد اگرمیخواستیم‌نقشه‌ای ازاوضاع سیاسی اروپا وافریقاوآسیای غربی دراواسط قرن دهم میلادی ترسیم نمائیم مشاهده میشد که قسمت اعظم دنیای مسکون‌انعصر بوسیله‌کشورهائی که حکومت اسلامی وتمدن اسلامی داشتند اشغال شده بود ـ این کشورها بازنجیر محکم ومتفق مذهب‌وفرهنك بیکدیگر مربوط گشته وتمام ساکنین آنهاچه مسلمان وچه غیرمسلمان حس میکردند عضو یك امپراطوری وسیعی هستند که مرکز روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسیش بغداد است این امپراطوری وسیع سه قرن متوالی همدوش فتح و ظفر پیش رفت .

ازمدینه مرکزعربستان شروع بپشرفت‌کرد تاسواحل شام ومصر و تمام سواحل افریقای شمالی بانضمام قسمتهائی ازسواحل‌اطلس تمام اسپانیا ـ جزایرسیسیلی ـ کوت ساردینیا ـ قبرس همه موردحمله مسلمین قرارگرفت وسواحل جنوبی ایتالیا هم‌تحت فرمانروائی مسلمین درآمد شمال عربستان سوریه وارمنستان ـ جنوب شرقی قفقاز از طرف شرق عراق ایران افغانستان دراختیار آنان بود درشمال این کشورها سمرقند ، بخارا بانضمام نواحی عربی ودرخوارزم درسمت مشرق تا کوههای فرغانه همه زیر

۱ـ صفحه ۶۲۰ تاریخ تمدن کوستاولوبون

نفوذ مسلمین بود باز ود ایندوس گذشتند ومسیر سفلای آن با سند جزو امپراطوری اسلام شد.

ابن حوقل جغرافیانویس سال ۹۷۵م میگوید:

امپراطوری اسلامی درایام حیات ما از کوههای فرغانه شروع شده ازخراسان الجبل (مدی) عراق - عربستان گذشته تاساحل یمن میرسد ومسافرت درطول این راه چهارماه طول میکشداین طول کشورهای امپراطوری اسلام بود.

اما عرض آن از کشور روم از امپراطوری رو، شرقی آغاز و ازسوریه عراق - فارس - کرمان گذشته تا دریای فارس و اقیانوس هند میرسد پیمودن این عرض امپراطوری نیز چهار ماه طول میکشد.

اضافه میکند که درطول امپراطوری اسلامی ذکری ازسرحدات مغرب «شمال افریقا» واندلس (اسپانیا) نکرده‌ام زیرا اینها شباهت بآستین جامه دارد ومن قسمت اصلی جامه را ذکر نموده‌ام بنابراین عرض وطول کشور پهناور اسلامی چهارماه درچهارماه راه بوده است وروی این عرض وطول نقشه کشور اسلامی تهیه شده است که دراین کتاب بنظرخوانندگان میرسد.

اولین نویسنده رساله جغرافیا ابوزید بلخی ازعلمای بزرك عصرساسانیان بوده است وسپس استخری وابن‌حوقل والمقدسی‌وغیره کتب جغرافیائی نگاشته‌اند که درکتاب دیگر شرح آن مفصل ثبت شده است.

حقیقت فلسفه دراسلام

تمام فلاسفه عالم درمیان تمام اقوام وملل بنی آدم درتعریف‌فلسفه‌این حقیقت راذکر کرده‌اند که **فلسفه رسیدن بحقایق موجود است واعیان عالم وجود است** این تعریف رابیش‌از یکصد وپنجاه نفرازفلاسفه اسلام وایران ویونان وروم وهندوغیره بیان نموده‌اندودراجرای آن ازدوراه بحقیقت‌راه یافته‌اند.

اول ازراه علم واستدلال که بشربوسیله تعقل وتفکر درحقایق اشیاء بحقیقت یعنی معنی‌فلسفه رسیده است که بنام فلسفه مشاء مستدلا نقل شده

دوم ازراه ریاضیات شاقه‌بحقایق رسیده‌اند که مرتاضین‌هند واشراقین وپهلویین ایران‌پیموده وبحقیقت رسیده‌اند واین دوراه بین ابوسعیدابوالخیر وابوعلی‌سینا شیخ‌الرئیس مو. گفتگو ومناظره قرارگرفت وایندوراه را قبل ازاسلام فلاسفه جهان میپیمودند که فروع آن علوم فیزیك و شیمی و مکانیك شده واروپائیان تحقیق درخواص اشیاء راکه مربوط باین علوم است بافلسفه که نیل بحقایق اشیا وبحث درحقیقت وماهیت ووجود است اشتباه کرده‌اند.

اما حقیقت فلسفه دراسلام این است که پیغمبراکرم (ص) پیروان خودرا برای رسیدن بحقایق ازبین این دوراه ،رد که اول عقیده وایمان باشد ودوم عمل صالح؛ یعنی مسلمین را ایمان و عقیده و اندیشه پاك تعلیم کرد وعمل صالح ازراه احکام شریعت آموخت طبق کتب فقه شیعه امامیه واین‌راه کوتاهترین وروشن‌ترین وصاف‌ترین‌راه‌رسیدن بحقایق اشیاء بود که بزودی مسلمین بحقیقت‌رسیدند ومشاهده حق وحقیقت نمودند واین بودفلسفه حقیقی اسلامی.

اسلام درفلسفه مباحث را ازنقطه نظرتاثیرنهائی زندگی موردبحث قرارداده است نه‌آنکه بحث فلسفی یافیزیکی یاشیمیائی رابمنظور خواص عنصری یاحقیقت‌شناسی ماهیت یاوجود آن بمیان آورده

باشد ـ ولذا میبینیم درقرآن مجید مباحث علمی درخلال بیان سر گذشت پیشنیان وقصص انبیاء و رسل وسر گذشت ملل واقوام پیشین بوده است که ازنظر نتیجه عمل وضع آنهارا کـه خواهی نخواهی درنشئه عالم طبع تحت تاثیر عوامل طبیعت قرارداده وازآن تعبیر بفلسفه وفیـزیك وشیمی و مکانیك و طبیعیات نمیشده‌اند .

وما برای نشان دادن یك نمونه کوجك علمی که ازنتیجه عمل بدوخوب اقوام گذشته بیان‌شده ولی تاثیراتم و بمب باران سرزمین های مسکونی را درخـلال بحث اساس دینـی تشریح و توصیف فرموده است .

اتم درنظر قرآن

قال الله تعالی فلما جاء امـ‌ـنـا جعلنا عالیها سافلها و امطرنا علیهم حجارة من سجیل منضود مسومة عند ربك وماهی من الظالمین ببعید   آیه ۸۵ سوره هود

قرآن درس‌فلسفه وفیزیك وشیمی وتجزیه وتحلیل نمیدهد امـا درضمن بیان حال اقوام گذشته سرنوشت آنهارا که تجری درمعصیت کردند وبآیات الهی وپیغامهای پیغمبران قانع وراضی و آرام نشدند آنها را بقدرت بی‌پایان خود باهمین عواملی که درعالم طبع آفریده زیروزبر ساخته ونـابود نمود وطریقه نابودی آنهارا بنحوبمباران اتمی وصف میفرماید که بایك مقدمه کوتاه این حقیقت را تشریح نمود.

درفلسفه نظری ثابت شده که دیدن اشیاء واحساس وادراك بشر دراین نشئه عالم طبع بمقدار استطاعت وقدرت وتوانائی بیننده است نه بمقدار واقعی و حقیقت آن زیرا وضع ومحاذات ومحل ملاقات وتلاقی ودیدن وحرکت همه موجود است درحال تغییر است که انشتین فرضیه خودرا باتوجه بهمین جهات بآزمایش گـذاشت و از راه فیزیك ثابت نمود ویك فرضیه نسبی مسلمی بعالم علم پیشنهاد کرد .

بنابراین همه‌چیز درحال تغییر وتبدیل وحرکت است هیچ موجودی آرام وساکن نیست .

شد مبدل آب این جو چند بار   عکس ماه وعکس اختر برقرار

دین مقدس اسلام که دین علم وعقل واستدلال و برهان است و اصول فلسفی رادر خلال احکام شریعت مورد بحث قرارداد.

ولی از نظر تأثیر عمل بمثال آورده که حد کمال رشد عقلی اسلامی را متضمن نقل اخبار گذشته‌گان بیان فرماید چنانچه قرآن مجید درسه سوره موضوع اتمرا ازجهت نتیجه واثری که در مواد عالم طبیعت بجا میگذارد بیان فرموده وآنرا ذخیره منبع غیبی برای انتقام از متجاوزین به حقوق بشری قرارداده تاخردمندان ومتفکر وروانشناسان جامعه ازاین تعلیمات دینی متضمن باصول علمی هدف اصلی‌را دریابند وچون درآن عصر بیان پیدایش واثر بمب اتمی غیرقابل درك بود بلکه قرنها بعدهم درك‌این آیات‌واخبار مفصله غیرقابل فهم‌بود بصورت یك‌خبر آسمانی دروصف گذشتگان ذکرشده ونتیجه‌حال ملل‌واقوام ظالم‌وستمگر بیان‌شده است.

شکی نیست که قبل‌از پیدایش برق اگر می گفتند بایك کلید چراغهای همه خانه ها روشن می‌شود یـامی گفتند یك‌دستگاه آهنی بدون اسب والاغ حرکت می کند یاچند آهن درفضا حرکت می کند قبول‌آن بسیار مشکل وگوینده را متهم بجنون میکردند ـ تاکم کم دیدیم وهضم و تحلیل شد وبااین مقدمه اگر آنروز میگفتند یك بمب اتمی می‌توانند یك‌شهری را نابود کند درك این

حقیقت بسیار دشوار بود لذا خدای عالمیان دروصف تأدیب متجاسرین بشری این حقیقت علمی را بیان فرمود.

درسوره ۱۵ والذاریات تاآیه ۳۵ می‌فرماید:

قالوا انا ارسلنا الی قوم مجرمین لنرسل علیهم حجارة من طین مسومة عند ربك للمسرفین فاخرجنا من کان فیها من المؤمنین.

یعنی ما فرستادیم حربه آتشین برای مجرمین و گناهکاران که پس از زیروزبر کردن آنها سنك ریزه هائی که ازخاك بآتش آمیخته است برای اسراف کنندگان درشهوات فرستادیم و مؤمنین را ازمیان آنها بیرون برده حفظ کردیم.

در سوره هود ۱۱ آیه ۸۴ در باره قوم لوط و اسراف آنها در نافرمانی و ارتکاب شنایع افعال فرمود.

قالوا یالوط انا رسل ربك لن یصلوا الیك فاسر باهلك بقطع من اللیل ولا یلتفت منکم احد الا امرائك انه مصیبها مااصابتهم ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها و امطرنا علیهم حجارة من سجیل منضود مسومة عند ربك وماهی من الظالمین ببعید

درتفسیر علی‌بن ابراهیم نوشته حضرت لوط پیغمبر هرچند مردم را ارشادودعوت‌بخدا وفضیلت اخلاقی کرد اورا اجابت نکردند وبخانه رفت تااز بیم‌دشمن محفوظ بماند. قوم‌هود درهاراشکستند دیوار راخراب کردند تااورا بکشند واز خداوند برای قوم خود تقاضای عذاب کرد جبرئیل آمد گفت موقع عذاب صبح‌است حضرت لوط گفت صبح دیر است جبرئیل گفت صبح نزدیك است چون صبح شد عذاب برایشان نازل شد وقرآن وصف عذاب نازل کرد نراچنین فرموده است.

ما امر فرمودیم شهر آنهارا زیرورو کنند و از سنگریزه های آتشین پی درپی بوسیله عوامل نامرئی وقوی جوی برآنها مثل باران فرو ریختند تانابود شدند واین «اتم» سنگریزه های آتشین که در ذخیره خانه عالم طبیعت بسیار وجود دارد از مردم ستمگر دور نیست ومستعد قیام و انتقام هستیم چنانچه در این آیات توجه شود وجود اتم وخاصیت آن وعوامل ریزش آن دربالای سراقوام ونتیجه آنکه زیر وزبر کردن یك‌شهر و نابود ساختن تمام مردم آن سرزمین است وصف شده است.

بحث فلسفی درباره اتم

تطوروارتقاء فلسفی ثابت کرده که جزءلایتجزی قدما فلاسفه باطل گردیده وآن عنصرجوهرفرد نه وجود ذهنی دارد نه‌وجود خارجی بلکه صرف تصوراست.

متاخرین آن تصور راباطل نموده‌وذره راهم قابل تجزیه وشکستن شناختند وثابت نموده‌اند آن ذره‌ای که بهراندازه کوچك باشد قابل‌تجزیه وشکستن است وهیچ‌چیزی‌درعالم بحال بساطت‌وجود ندارد تمام موالید وعناصر وجودتر کیبی دارند وصورت‌آنها خلع ولبس میشود صوروواعراض برماده وارد میگردد وهرموجود جدیدی که می‌بینند که صورت سابق خودرا ازدست داد. ولباس نوی‌پوشیده است ــ ولذا تفسیر بکون وفساد نموده‌اند که صورتها واعراض فاسد وخراب میگردد وصورت وعرض دیگرجانشین آنرا میگیردوتمام موجودات بهمین نحو در کون وفساد است درست مانند یك خانه‌ای

که روی یک‌قطعه زمین بناشود و بازخراب کنند و بسازند وهزارها بارخراب میشده وساخته شده مواد اولیه آن همان است که بود ولی صورت وعرض آن عوض میکردد.

هرزمان نومیشود دنیا وما غافلیم ازنوشدن واندربقا

وبااین مقدمه ثابت کرده‌اند که قوه متلاشی کردن کره آفتاب یاقوه متلاشی کردن یك ذره‌از آن کره متساوی است وبااین تجربه علمی بساطت وجودندارد وباتجزیه وتحلیل ترکیب آن بثبوت میرسد ودرمقام‌حکومت عقل ساختمان وجودی‌یکذره باساختمان وجودی‌یکدره‌ویاکره بزرك یکسان است چنانچه ساختمان وجود حیوانات یك سلولی ویاچند سلولی مانند هم است وهیئت یك پشه غیر- مرئی بایك فیل بآن عظمت‌درساختمان یکسانست وترکیب یکذره واتم هم باترکیب یك کره‌بزرك شبیه بهم است بطوری که اگر-

دل هرذره راکه بشکافی آفتابیش در میان بینی

یعنی منظومه شمس وجاذبه طبیعی آن باقوه منظومه شمس وجاذبه طبیعی یکذره که حاوی اتم است متنابه ومتماثل‌است.

وقصدما دراین بحث فقط بیان این حقیقت است که بگوئیم درعلوم اسلامی بحث اتمی سابقه داشته نهایت مقتضیات زمان ومکان درکشف آن حقیقت کافی‌نبوده است تاآنکه کشف این حقیقت‌شده است وآیات و احادیث و اخبار وحتی اشعار گویندگان متضمن این بیان فلسفی بوده است بدین شرح -

اتم درنظر مسلمین

اتم ازنظرفلسفی مانند سایراشیاء مرکب ازماده‌و صورت و عرض است و هریك از آن صور واعراض دارای خواص هستندومبادی فعل وانفعالات مختلفه دارند که بواسطه‌آن ازهم‌ممتازمیگردندودرحقیقت آنهاهم جنس ونوع وفصل دارند چنانچه درحیوانات ونباتات وعلوم طبیعی انواع و اجناس و فصول و امتیازات روشن ومعروف وازهم جداگردیده‌اند.

کشف اتم وتاثیرآن دراین اواخر وشکستن بمب اتمی که خاصیت آن آزمایش‌شد برای هر شاگرد مدرسه روشن گردیده.

درقرآن مجید سرگذشت ویرانی شهرهای قوم لوط ازیکطرف معلول زلزله و واژگون شدن آنشهر است وازطرف دیگرمنتسب بحرکات گلوله‌های ریزیاذراتی است که آنشهررا بمباران کرده‌اند هردوطریق ازنظرعلمی یکی است چه حرکت اولی که بزلزله تعبیرشده بمنزله حرکت طیاره است برای ریزش مواد انفجاری بمب‌اتمی‌وحرکت ثانوی تخریب وویرانی است که در اثر ریزش آن‌مواد محترقه صورت میگیرد و لطیفه این آیه این است که میفرماید و **ماهی من الظالمین ببعید** یعنی ساختمان این گلوله‌های آتش‌انگیز یابمب‌اتمی که هریك نوع مخصوص ونشانه مخصوصی دارندخواه بدست توانای وسائط مجرده الهی یعنی فرشتگان ساخته شده باشد ویابدست بشر تهیه شده باشد درهرصورت وسیله وآلت عذاب است که پیوسته موجود وبرای ریزش برسراقوام ظالم وستمکارمهیاو آماده است واین حقیقت درتفاسیر قرآن و فلسفه علمی بین مسلمین بیان شده چنانچه مولوی معنوی که تربیت شده‌مکتب قرآن‌است ومفهوم بسیاری ازآیات رادرقالب الفاظ ریخته منظم وموزون‌ساخته دردفترششم مثنوی درقرون وسطی اسلامی که هنوز اروپا درتاریکی جهالت سیرمیکرد گفته است

ما رمیت اذرمیت فتنته | صد هزاران خرمن اندر حفنه
آفتابی دریکی ذره نهان | ناگهان آن ذره بگشاید دهان
ذره ذره گرددافلاک وزمین | پیش آن خورشیدچون جست از زمین

قرآن درسوره حجر ۱۵ درآیه ۷۴ درباره قوم لوط بازمیفرماید

لعمرك انهم لفی سکرتهم یعمهون فاخذتهم الصیحة مشرقین فجعلنا عالیها سافلها وامطرنا علیهم من سجیل ان فی ذلك لایات للمتوسمین و انها لبسبیل مقیم ان فی ذلك لایة للمومنین .

فرمود ای محمد (ص) بجان توسوگند که این مردم درمستی گمراهی هستند وبانك لرزانندهٔ فرشته گان آنهارا تکان داد وفرا گرفت پس قراردادیم بالای آنهارا پائین وبرآنها باراندیم سنگهای ریزه بآتش آلوده وآتش خیز و این است نشانه قدرت الهی برای سالکین راه تکامل این است راه مستقیم واین است نمونه نیروی الهی برای گرویدگان

که دراین آیه مبارکه خرق عادت را بشنواندن صداهای غیرعادی بگوش گناهکاران بصورت عذاب بیان فرمود یعنی حواس ظاهری وباطنی آنهارا برای احساس قوای خارق العاده مهیاساخته تا بقدرت بی انتهای خالق عالمیان واقف گردند .

شیخ شبستری نیزهمین حقیقت را گفته است :

اگر یکذره را برگیری ازجای | خلل یابد همه عالم سراپای

که منظورش این است نظام عالم رانمیتوان بهم زد مگرآنکه باشکستن یك اتم ارکان هستی دیگرمواد ازهم پاشیده گردد .

این سطورفلسفی بایك حدیث دیگری که بیان وصف طیاره است گفتار مارا تایید میکند که علمای مسلمین ازاین حقایق علمی وکیفیات طبیعیِ عالم نشئه طبع واقف بوده‌اند .

حدیث پیدایش طیاره و بمباران هوائی

چنانچه گفته شد یك سلسله احادیثی دردست است که قدماچون نفهمیدند آن اخبار رابنام معضلات وبرخی‌را جعلیات نامیدند والبته درنفهمیدن آن گناهی نداشتند زیرا تصور این معانی درآن عصر مشکل بود و چنانچه دیدیم گوینده گان چنین اخبار بجنون وخبط دماغ متهم میشدند ووصف یك طیاره قابل درك وقبول نبود ولی چون دین اسلام دین عقل واستدلال وفکر وتعقل است .

آموزش وپرورش اوبرای همیشه جهان وهمه مردم عالم درتمام ازمنه و امکنه بوده است منحصر بزمان ومکانی نشود چنانچه این حدیث که ازپیغمبر اکرم ص در ۱۴ قرن پیش ۱۳۷۹ سال قبل صادر شده وعلمای بزرك درقرن سوم وچهارم وهفتم وهشتم نقل کرده ودر کتب خود نگاشته وضبط نموده‌اند پس از ۱۴ قرن امروز آن حدیث توصیف وتشریح میگردد .

عبدالله شعرانی ازاقطاب صوفیه واز علمای اهل سنت است کتابی بنام یواقیت تألیف کرد که درسال ۹۰۵ تکمیل شده که درآن ازاحوال متوفیات درآخرت نقل نموده

این کتاب ازکتاب **تذکرهٔ ابی عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر** انصاری خزرجی اندلسی قرطبی سرچشمه گرفته وآنجا درباب ذکر امور **تکوین بین الساعة** یعنی اخبار آخر الزمان از ابو نعیم اصفهانی که ازبزرگان علمای قرن چهارم بود این حدیث‌را نقل‌میکند.

رواه الحافظ ابو نعیم اصفهانی

ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لتقصدنکم ناراً هی الیوم خامدة فی واد یقال برهوت تغشی الناس فیها عذاب الیم تأکل الانفس والاموال تدور الدنیا کلها ثمانیة ایام تطیر له الریح و الحساب حرها باللیل اشد من حرها بالنهار و لها بین السماء و الارض دوی کدوی الرعد العاصف هی من رؤس الخلایق ادنی من العرش

فقال حذیفه یارسول الله ص اسلیمة هی یومئذ علی المؤمنین والمؤمنات؟! قال ص واین المؤمنون والمؤمنات الناس یومئذ شر من الحمر یتسافدون کما یتسافد البهائم و لیس هناك رجل یقول لاحدهم مه مه

ترجمه آن قریب بدین مضمون است.

جمعی از اصحاب نشسته بودند که حذیفه یمانی در آن میان بود پیغمبر ص فرمود در میان شما آتش پیدا میشود بی شعله وسرد وازسرزمینی برمیخیزد که آنجارا برهوت «اراضی امریکا» گویند، بسوی شما می آید مردم در آنعذاب دردناك دوچارمیکرداند.

این آتش سرد اموال ونفوس وجان شمارا میخورد - ودرتمام دنیا دورمیزنند ومدت گردش آن دور کره خاك هشت شبانه روز است -

این آتش درچیزیست که مانند مرغ پروازمیکند وطیران آن مانند گردش بادوابراست گرمی آن درشب افزونتر ازحرارت آن درروز است وآن بالای سرمردم بین زمین وآسمان ناهنجارازعرش طیران خواهد کرد - غرش وناله این طیاره مانند غرش وناله رعد وبرق عاصف است .

آنگاه حذیفه عرض کرد یارسول الله آیا آنروز مومنین ازاین آتش درامان خواهندبود؟؟

پیغمبر(ص) فرمود مومنین کجاهستند مردم آنروزخودسری که مانند بهائم دورهم جمع میشوند ومانند حیوانات سبع ودرنده سیرمیکنند و یکنفر نیست بآنها بگوید چراچنین شده اید؟؟!

چنانچه ملاحظه میشود دراین حدیث عجیب اعجاز نبوت بابیان این جزئیات ثابت میگردد که اوصاف طیاره راباخصوصیات آن تشریح وتوصیف میفرماید بمب افکنی اورا درشب وآتش انگیزی آنرا با گردش حداقل هشت شبانه روز وحداکثر چون بادوبرق یاغرش دنباله که از صدای خود مینماید و بالای سرمردم درزیر عرش یعنی درسیرمنظومه شمسی گردش میکند همه روشن گردیده .

ونظرم است وزیرفرهنگ درسال ۱۳۵۱ درکنفرانس مراجعت خود از اروپا دراختراع طیاره و توصیف خصوصیات آن گفت طیاره های اخیر در هشت شبانه روز تمام روی کره زمین را گردش می کنند .

بعد درجراید المرشد عراق واطلاعات ایران اینموضوع منعکس وبتواتر رسید ومادر عقیده خود باحادیث صادره نبوت که هنوزمعانی همه آنها معلوم نشده و روزی کشف خواهد شد تقویت شدیم و همان عقیده را داریم نهایت علمای ماتمام وقتشان صرف فقه واصول شده بکلی ازعلوم وفنون تعلیمی قرآن غافل مانده اند نسل جوان هم گمان میکند این همه علوم ازاروپا بدست آمده ومسلمین جز یك مشت عجز وبینوا وبیخبرازهمه جا نبوده ونیستند ؟؟!

مسلمین در فلسفه

فلسفه درتعریف اساسی که کلیه حکماء عالم کرده اند رسیدن بحقایق اشیاء است که بقدراستطاعت بشریت

واین تعلیمات را قرآن دراکثرموالید وعناصرداده وجز درذات مقدس حق که دستور داده اند فکر نکنید بلکه درآیات وآثاراو تفکر نمائید درباره تمام موجودات دستور فکر و نظر و توجه و تفکر

وتدبر وغیره دستورمؤکد صادرشده که ماهیت‌ووجود موجودات را موردبحث ودقت وتوجه قراردهند ومسلمین دراین‌فن نهایت مهارت‌را یافتند بعدهم که فلسفه یونانی وایرانی ترجمه شد با کلام بصورت خاصی درآمد وآنچه‌مسلم است متفکرین اسلامی درفلسفه بیشتر‌ازسایرملل جهان بوده‌اند - ودرسایر کشورها وملت‌ها فلسفه موجب بدبینی وتنفرشدید شد دراسلام که آن فلسفه مضر وارد شد مسامین بآن بدبین شدندوسوفیست یونان سبب تنفرفلسفه درمیان مسلمین شدند وعلمای اسلام فلسفه‌رامقدمه فلسفه آنها دانسته وهمه رابرای خداشناسی میخواندند ودررد فلسفه یونانی و موهومات وقیل وقال فلاسفه‌غیرمسلمان‌شیخ‌بهاءالدین عاملی‌فرموده‌است.

علمی که مجادله را سبب‌است — نورش ز چراغ ابولهب است
این علم دنی که تراجان است — فضلات فضایل یونان است

بدون شك فلسفه درایران قوتی داشته چنانچه درسیرتکامل آن درجای خود گفته شده و چون ایرانیان ناشر معارف اسلامی درجهان بودند فلسفه رامنتشر نمودند و فریدوجدی دردایرةالمعارف خود مینویسد مردم گمان میکنند نخستین مطلع فلسفه و اولین مشرق آن یونان است در حالی‌که ثابت است حکمت نخست در کشور های ایران و هند و مصر وچین طالع شد و از این کشورها بیونان رفت.

ابن ندیم از کتاب اختلاف الزیجات ابومعشر بلخی شرحی مینگارد که خلاصه آن‌بدین - مضمون است.

توجه وعنایات شاهان ایرانی بصیانت علوم بدان پایه رسید که پوست درخت خدنك راکه موسوم بتمبز ومحکمترین و بادوام ترین پوستهاست برای نوشتن علوم انتخاب کردند و پس‌ازآن دانشمندان آگاه را وادار کردند که شهرهای ایران رابدقت رسیدگی کنند وهرشهریکه آب‌وهوای آن بهتر واززلزله وخسف دورتراست واز حوادث و آفات محفوظ‌تر باشد تعیین نمایند تانامه‌های نامبرده رادرآنجا ذخیره ومدفون سازند.

نتیجه فحص وکاوش تحقیق دانشمندان این‌شد اصفهان ازتمام شهرهای ایران برای این‌مقصود بهتر ودربین بقاع اصفهان وازهمه بهتررستاق جی ودرمیان نقاط این رستاق مرکز وقصبه آن‌بهترین نقطه میباشدپس «قهندزی» کهن‌دژرا که دروسط شهرجی‌وبنام سارویدبود انتخاب نمودند ونوشته‌های مزبور را درآنجا دفن کردند.

میگویند ازجمله کتابهائیکه درآنجا دفن کرده بودند کتابی است که یکی ازحکماء وفلاسفه پیشین آنرا نگاشته ومردم زمان تهمورس وزمانهای پیش ازاو آنرابنام ادوارهزاره میخواندند.

ابن‌ندیم ازکتاب نهمطان تالیف ابوسهل‌بن نوبخت شرح مفصلی درخصوص کثرت علوم مدونه درازمنه بسیار قدیمه نوشته وپس‌ازآن عبارتی آورده است که خلاصه‌اش این است.

... تااینکه اسکندرازمقدونیه برای جنك بایران آمد ودارا راکشت و بناهای عالی راکه برسنك وچوب آن اصناف‌علوم منقوش بود ویران کرد وامرداد علوم مهمهٔ که دردواوین وخزائن شهر اصطخربود استنساخ و از زبان فارس بقبطی و رومی ترجمه کردند وآنچه را محل حاجت ندانست سوزانید وازجمله کتابی بوده است بنام کشج که گویا همان گشته وگردش و همان کتاب ادوارهزار است که حکیم نظامی هم چنین وصف میکند:

سخن رانشان جست بررهبری | ز یونانی و پهلوی و دری
از آن پارسی دفتر خسروان | که برباد بودش چوآب روان
بفرمود تا فیلسوفان همه | کنند آنچه دانش بود ترجمه
نخستین طرازیکه بست ازقیاس | کتابی است کان هست گیتی شناس

بدون شك فلسفه درایران بود که ایرانیان مسلمان شدند وبافلسفهٔ اسلامی بهم آمیختند و کلمات و لغات مستعمله کنونی هم که هنوز فارسی است نمونه بارز این حقیقت است.

ملمانان فسلفه یونانی- قبطی- هندی - ایرانی رادر دریای علم وفکر خود فروبرده برنك اسلامی بیرون آوردندکه دوره کتب اشارات و شفا و اسفار **ابوعلی سینا و ملا صدرا** بهترین نماینده فلسفه اسلامی است.

از مباحث وجود وعلوم طبیعی وعلم النفس وعلم الهی بکمال میرسد.

فلسفه اسلامی بمردم ثابت کرد که وحی باعقل و دین بافلسفه منافات ندارد بلکه علم از دین غیرقابل تفکیك است.

حقایق موجوده درعالم منحصر بحقایق محسوس ومعقول مانیست که بحس وادراك فهمیده شده بلکهٔ حقایق دیگری هم وجود دارد عقول بشر ازدرك آن عاجز است وباید آن حقایق راازاو تعلیمات وحی والهام آسمانی فراگرفت.

کتب فلسفه یونان درزمان ابوجعفر منصور دومین جلیفه عباسی ترجمه ونقل بزبان عربی شد و ایرانیان مسلمان بپیش آهنگان کاروان این راه هستند عبدالله بن مقفع منشی ابوجعفر بسیاری از مباحث منطق وفلسفه را ترجمه کرده است.

مسلمین درفلسفه پیشرفتی خاصل کردند و کتب تمام فلاسفه اسکندریه رابعربی ترجمه نمود و ازروی عمل وتجربه ترقی کرده وبراساتید خودتفوق حاصل کردند درفلسفه طبیعی ومخصوصاً فلسفه الهی وفلسفه ماوراء تبحری پیدا کردند و حرکت فکری مسلمین و تخصصات رشیقه آنها از کتب فلسفه اسلامی کاملا روشن میشود واز مشهورترین این فلاسفه فارابی- ابوعلی سینا- ابن رشد- ملا صدرا رامیتوان نام برد و کتاب تاریخ الحکماء ابق قفطی وشهرزوری بهترین معرف این علم وعلماء اسلام میباشد.

مسلمین در علوم ریاضی و فلکی

دربای علم نجوم وهیئت ۲۶ آیه درقرآن است.

هوالذی خلق لکم مافی الارض جمیعا ثم استوی الی السماء فسویهن سبع سموات وهو بکل شیئی علیم
آیه ۳۸ سوره بقره

قرآن درعلم ماوراء الطبیعه ۱۱ فصل
ودر علوم وصنایع ۱۲ فصل

درنجوم و هیئت درباره سموات و شهب ۲۱ آیه نازل شد که تعلیم ضمنی درخلال بیان توحید فرموده است و جلب توجه برای حساب منظومه‌ها شمسی نموده وازابعاد ومسافت واوزان آب وباد وهوا وافلاك سخن راند.

ترقی مسلمین درریاضیات

مسلمین در ریاضیات و هیئت و هندسه و نجوم‌هم دارای ابتکاراتی بود تقدم و تفوق خودرا ثابت کرده‌اند.

جرجی زیدان مینویسد علم هیئت و هندسه و دیگر ریاضیات را اروپائیان از مسلمین آموخته‌اند واصطلاحات این علوم در کشور های باختر بیشتر بعربی و تازی است مانند جبر که آنهم واضع قوانین علمی‌این فن بوده‌اند وآنرا تکمیل نمود برقواعد وقوانین تازه‌ایکه در سایر ریاضیات افزده‌اند واروپائیان این‌علم رااز آنها باهمان نام‌تازی آلژبر اتخاذ کرد ودر زبان اروپائی نشانةشایانی است که گردش‌چرخ وگذشتن روزگاز رابرمحوان توانائی نیست‌دان اثرارقامی است کهٔ فرنگیان دردادوستد خویش بکارمیبردند که آنها ازتازیان گرفته وارقام عربی مینامیدند و مسلمین چون ازهند گرفتند آن ارقام رابنام هندی نامیدند درحالی که همه ازمسلمین بود.

مسیو شامل یگود ادخال ظل در مثلثات که مسلمین اعما کردند یکقدم بسیار بزرگی بود که بوسیله آن اشکال پیچیده و مشکلی که درآنها جیب وسهم زاویه مجهول وجود داشته تمام متروك گردبد.

بکار بردن جبر ومقابله ازابتکارات مسلمین است مسلمانان بحدی باین دوعلم توجه داشتند و درنشر آنها جدیت میورزیدند که محمد بن موسی بامر مأمون عباسی کتابی در جبر و مقابله درقرن دوم تألیف نمود وسعی کرده بقدری آنرا ساده بنویسد که عموم جوانان ومبتدیان هم‌بفهمند وچون بیان اکتشافات مسلمین دراین فن‌موجب کسالت خوانندگان میگردد بهمین اندازه قناعت شد واین فهرست برای ابتکارات مسلمین خود مفاخره‌است.

۱ـ استعمال ظل درمحاسبات مثلثاتی بجای جیب‌ووتر

۲ـ بکار بردن جبرومقابله درهندسه

۳ـ حل معادلات درجه سوم

۴ـ تحقیقات وافیه درعلم مخروطات

۵ ـ بناء کردن اشکال در علم مثلث کروی برای حل مثلثات که اکنون هم مورد استفاده است.

مسلمین در علوم ریاضی

درریاضیات مسلمین دست قوی یافته ومخصوصاً درجبر و مقابله بدرجهٔ ترقی کردند که بنقل گوستارلوبون و سایر مستشرقین میتوان گفت موجد این علم شدند:

جبر و مقابله تااینجد مورد توجه مسلمانان واقع شدکه مأمون عباسی درقرن دوم میلادی محمد بن‌موسی که یکی‌از ریاضی دانهای دربار خود بود امر کرد کتاب ساده عام الفهمی درجبر و مقابله تالیف نماید واو کتابی درجبر ومقابله نوشت درعلم مثلثات کروی برای حل مثلثات اشکالی ساختندکه صورت این علم رابکلی منقلب نمود وتاکنون آن‌اشکال مورد استفاده جهانیان میباشد

مسیو شال درکتاب خود متعلق بتاریخ علم‌هندسه چنین میویسد:

ازاعمال اینطریقه عمده‌وعالی اشکال پیچیده و مشکلی که درآنها جیب وسهم وزاویه مجهوله وجود داشته تماماً متروك گردید واینطریقه پانصد سال میان‌ما جاری‌بود وصد سال بعد کپرنیك هم بدینطریقه واقف نگردید. (۱)

کتاب جبر حکیم عمرخیام بهترین نمونه ریاضیات اسلام است که تاکنون دردانشگاه های‌دنیا مورد استفاده قرارگرفته نام‌این علم‌از اسلام باقی‌است.

---

۱ ص۶۰۲ تاریخ تمدن گ

مسلمین و علم هیئت

قرآن درعلم هیئت و ماوراء الطبیه یازده فصل دارد که جلب توجه مسلمین را نمود.

مسلمین درعلم هیئت هم برتری وتفوق خودرا ثابت کردند وبا توجه بآیات قرآن واحادیث نبوی واخبار ائمه‌معصومین اهلبیت‌عترت و طهارت کلمات در سوره‌ایکه منطبق با تحقیقات علمی آخرین کشفیات هیئت از منظومه های فلکی باشد رنج فراوانی درآسیا واروپا و افریقا برده وخدماتی شایان بعالم بشریت کردند.

دانشگاه هیئت‌بغداد درسال ۷۵۰م یعنی اواخر نیمه‌قرن دوم‌هجری تاسیس شد ومدت هفت‌صد سال‌دایر بود واکثر خلفای اموی وعباسی‌هم باین‌علم معتقد بودند،

درقاهره واسپانیا نیزمدارس ودانشکده های علم‌هیئت برپاشد دردمشق وسمرقند وغرناطه و اشبلیه وایران مخصوصاً درمراغه واصفهان رصدخانه‌ها ساختند واز آسیای مرکزی تااقیانوس‌اطلس همه‌جا مدارس علوم ریاضی وفلکی و کتاب **زیجات مختلفه** مورد استفاده عموم علاقمندان باین فن بود وهمه مشکلات فلکی دانشمندان قدم دررصد خانه‌های بغداد ودمشق حل‌میشد.

یکی‌از دکترهای علم‌هیئت فرانسه نسبت بتحقیقات مسلمین و**زیجات مختلفه** مینویسد:

اهمیت وصحت تحقیقات این کتاب از این چامعلوم میشود که آنروزگار مثل منطقةالبرج را بیست‌وسه درجه رسمی وسی‌ودو دقیقه و۲۷ ثانیه معلوم کرده‌اند وباتحقیق امروز که ۲۳ درجه و۲۷ دقیقه میباشد نزدیك است بلکه‌دقیق‌تر است.

مسیو لالاند میگوید **محمد بن جابر بتانی** مؤلف کتاب شریف **علم‌النجوم** که بلاتین ترجمه ومیان مامشهور است یکی‌از چند هیئت‌دان معروف ونامی دنیاست.

محمد- احمد- حسن پسران موبن شاکر ازپهلوانان این‌فن بود وتحقیقات بکر وقابل‌اهمیتی دراین علم‌دارند وازجمله عرض‌شهر بغداد راکه آنها در۹۵۹ میلادی -۲۷۹ هجری ۳۳ درجه و۲۰ دقیقه قرارداده‌اند باآخرین تحقیقات امروزه منطبق است

نگارنده گوید نظرم است درکتاب دیگری این ده ثانیه راهم خطای متاخرین دانسته‌اندوآن تحقیق اولیه مسلمین رادرقرن سوم تایید کرده‌اند.

یکی دیگراز دانشمندان مبرز ونامی بغداد ابوالوفاست که اومرد بزرك ومحقق عقیده بطلمیوس را درحرکت قمر تخطئه کرده و کشف ویرانافص دانست وثابت کرد که علاوه بردوحرکت که بواسطه حادبه آفتاب وبیضوی بودن مدارآن درقمرموجود است یك احتلاف حرکت ثالثی نیزدرنتیجه فاصله اوباآفتاب وجود دارد.

وپس‌ازچندقرن اکتشافات وتحقیقات امروزه‌ثابت کرد که‌حرکت سومی وجود دارد وششصدسال بعدازاو تیکوبراهه آن عقیده راتایید کرد ابوزیجان بیرونی ندیم سلطان‌محمود غزنوی طول و عرض اماکن وبلاد معظم دنیارا تعیین وازهم‌جدا کرد وبسیار دقت وتحقیق دراین خصوص نمود و در غزوات سلطان محمود درهندوستان هادی همراه بود وآنان را ازتحقیقات علمای دارالخلافه آگاه ساخت در قرن سوم هجری که مصرازبغداد مجزی گشت خلفای فاطمی درپیشرفت علم هیئت قدمهای بلندی برداشته ودرنتیجه‌مدرسه‌هیئت مصر برابردانشگاه هیئت‌بغداد قرار گرفت‌وابن‌سنبدی که درسال ۱۰۴۰ درقاهره اقامت داشت ازطرف وزیرعلی‌بن‌محمدجرجانی مامورتنظیم خزانه کتب بود مینویسد در

کتابخانه این شهر **ششهزار و پانصد کتاب هیئت و ریاضی وفلسفه ودوکره فلکی موجود است .**

قوبلای قاآن برادرهلاکو که چین رافتح کرد کتب هیئت بغداد وقاهره رابدانجا خواست واین علم را درآنسرزمین منتشرساخت .

دراسپانیاهم تعداد کتب مسلمین کمترازاین نبود جز آنکه بعد عمال متعصب مسیحی کتابخانه اسپانیا راسوزانیدند .

باین ترتیب مسلم است که هیئت بوسیله مسلمانان درهمه جهان انتشاریافته است درسال ۱۰۷۹ حسب الامر ملکشاه سلجوقی اصلاحاتی درتقویم بعمل آمده که بدرجات از اصلاحات گریگوی که ششصد سال بعد میزیسته است بهتر ومهمتر بود زیرا او درده هزارسال سه روزخطامیکرده وآنان درهمین مدت دوروزاشتباه داشته‌اند .

مسیو سدیو از اسناد ومدارك علمی این استنباط رانمود که بیضوی بودن مدارسیاراست وحرکت زمین بدور آفتاب ازمسائلی است که بیش از بوجودآمدن کپلر و کپرنیك دانشمندان اسلام آنرا کشف کرده بودند ورنجهای عده‌ایکه بنام الفونس شهرت یافته تماماً ازمسلمانان گرفته شده‌است

هیویون افریقا مخصوصاً طنجه ـ فاس ـ مراکش هم دراین فن پایه کمی ازبغدادو اسپانیا ومصر نداشته

ابوعلی حسن مراکش ـ میان قاهره ومراکش بفاصله نهصدفرسخ چهل‌ویکشهری که بوده عرض وطول همه آنهارا تعیین وکتابی بنام جامع المبادی و الغایات تالیف نموده قسمتی ازآن بزبانهای خارجی ترجمه شده است .

مسلمین درعلم هیئت

مسلمین درعلم هیئت همان وقوفی راحاصل کردند که درسایرعلوم پیشرفت نمودند وهیئت ازجمله علومی است که اعراب بدواً دربغداد بانتشارآن پرداختند ودراین علم نه فقط بدرجه کمال رسیدند بلکه جانشینان آنها هم آنراتوسعه دادند وبپیشرفت نمایانی حاصل کردند والغ بیك نوه تیمور در ترقی این علم خدماتی شان کرد چنانچه زیچ اوتاکنون هم دردنیا مشهور وازتالیفات بغداد میباشد آموزشگاههای عالی ومهم بغداد در سال ۷۰۰م ـ ۱۳۰ه سال ۱۴۵۰ ـ ۸۳۰ه یعنی هفتصدسال دائر بوده است :

بغداد برای علم هیئت مرکز مهمی بود ودرنقاط دیگرهم تیز تعلم وتعلیم آن شایع بودبطوری که ازآسیای مرکزی تااقیانوس اطلس دمشق ـ سمرقند ـ قاهره ـ فاس ـ طلطله ـ قرطبه ـ درتمام این بلاد علمای هیئت بکثرت موجود ودربغداد ـ قاهره ـ اندلس ـ آموزشگاهائی وجود داشت که مقام وشهرت علمی راحائز بودند۱

برای تحقیق درمتن علوم وطریقه استخراج تقاویم وساختن اسطرلاب‌ها و زیجها وکتب علمی هیئت بتاریخ تمدن گوستاولوبون وجرجی زیدان مراجعه شود۲

۱ـ صفحه ۶۰۲ تاریخ تمدن گ

۲ـ صفحه ۶۰۱ تاصفحه ۶۱۵

بارون کارول دوبو مستشرق دانشمند درباره اخترشناسی و ریاضیات مسلمین مینویسد ما انتظار نداشتیم که درمیان اعراب همان قدرت و نبوغ فکری همان تصور و تفکر علمی همان شوق وذوق وابتکاری راکه مخصوص یونانیان بود مشاهده کنیم ولی باید گفت اعراب شاگردان یونانیان دراین فنون بوده وخوب پرداخته ونگاهداری کرده ونشو ونماداده‌اند ودر بعضی از موارد هم تکمیل کرده و برتری یافته‌اند - وهمان صفات را درمیان مسلمین بقدرت وقوت وتوسعهٔ و تکمیل بیشتری مشاهده کردیم تعلیمات اولیه - معرفت بالسنه - زندگانی اجتماعی طولانی - تملك وسایل کافی برای مسافرت جهت تهیه کتب وآلات - تشویق وترغیب دولتها وزمامداران تمام این وسایل برای مسلمین اولیه فراهم بود که امروز کمتر برای یکنفر جمع میشود - مسلمین دراین رشته هم مانند رشته‌های دیگری بحد کمال رسیدند وکامیابی کامل حاصل کردند .

آنها بودند که اعداد رابمردم آموختند باآنکه خودشان مبتکر وسازنده آن نبودند بانی حساب درزندگی روزانه شدند - مسلمین بودند که جبر ومقابله رابصورت صحیحی درآوردند وترقی دادند واساس هندسه تحلیلی رااستوار کردند وبدون شك مخترع مثلثات سطحی وکروی بودند که در یونان وجود نداشت ،

مسلمین دراخترشناسی قسمتهای قابل توجهی بجاگذاشته درترجمه‌های خود بسیاری از آثار یونانیان راکه اصل آن مفقودشده بود برای مانگاهداشته مخروطات اپولوینوس - گروبات منلاوس - جر و اثقال و مبحث خواص هوا و بخار فیلوازاهل بیزانس دررساله میزان الحکمه منسوب باقلیدس کتاب راجع بساعت منسوب بارشمیدس ازمسلمین باقی مانده ملل غربی که بمسلمین علاقمند بودند برای آنستکه آنها ازراه سیسیل درمغرب نفوذی عمیق نشان دادند وآثارعلمی بسیار بجاگذاشته که منبع علوم وفنون امروزی اروپائیان میباشد.

مسلمین دراختر شناسی درقرن نهم ودهم میلادی بحداعلای فعالیت وقدرت علمی رسیدند که تاقرن ۱۵ میلادی ادامه داشت اکثر کتب یونانی درعلوم هیئت وفلکیات ترجمه بعربی شد وشاید کتاب علمی دیگر نمانده بود که ترجمه نشده باشد .

مسلمین شعب مختلف علوم را نگاهداشته روح تجسس وتحقق را زنده نمودند حس کنجکاوی و دقت نظر رابیدار کردند ودر اختر شناسی ازصابئین هم که ستاره پرست بودند پیش افتاده ویکدسته نژادترك وفارس دیلمی تاتاری مغولی- خوارزمی -فرغانی -هندی- بربری - شامی - مصری- قبطی یونانی وغیره هم بهم آمیخته مسلمان دانشمند نابغه محقق حکیم فیلسوف ریاضی‌دان ستاره‌شناس وغیره گرویدند وبنام اسلام وحدت فکری نشان دادند.

یعقوب فزاری دانشمند ستاره شناس ومنجم اسلام اولین سازنده اسطرلاب وتهیه کننده حلقات نجومی بود وسال‌نامه‌هائی برطبق سالهای عربی تهیه کرد ابویحیی بطریق وماشاءالله نامی برجستهٔ - ترین کتب نجوم را ترجمه کرد وخود در باره نجوم واسطرلاب و هواشناسی کتابی تألیف نمود.

این نهضت در اوایل قرن دوم شروع گردید ومأمون شش کتاب دیگر برآن‌ها افزود وترجمه کرد واوج وحضیض ستاره قطبی را معین کردند بیك درجه ونتایج فاصله را بنسبت آن بسنجیدند و ثبت کردند .

دربغداد نزدیك دروازه شماسیه زیجی ساخته شده که بنای آنرا بسند بن علی یکنفر یهودی تازه مسلمان میدادند وپس از آن زیج مأمون تهیه گردید.

فرغانی اخترشناس مسلمان در مغرب شهرت عظیمی بدست آورد کتاب اخترشناسی‌او اثری گرانبها ازعلم نجوم اسلامی درمغرب بجا گذاشت.

درجبر وحساب وهندسه نیزمانند اخترشناس خوارزمی گوی سبقترا ربوده ورساله مهمی‌در این‌فن نوشت وسبکهای هندی ویونانی رانقل کرد وخود درجبر ومقابله تألیفی‌نمود.

کتاب جبرومقابله خوارزمی روشن ومنظم است ومعادلات درجه دوم را بضرب و تقسیم درجبر شرح می‌دهد وبعد اندازه گیری وسطوح وتقسیم اموال و املاك ومساحی و مسائل مختلف قانونی را می‌پردازد.

خوارزمی شش قسمت فن ریاضی رادر کتاب خود تعلیم کرده است که امروزهم دنیا بیش‌از آن نمی داند.

ابومعشر بلخی درسن صدسالگی درسال ۲۷۲ چهار کتاب‌درنجوم نوشت‌پس‌از اوثابت‌بن‌قره که اهل بین‌النهرین بود بزرگترین هندسه‌دان عرب‌است وشاگرد امام‌جعفر صادق‌ع هفت‌کتاب ازهشت کتاب مخروطات را اپولینوس یونانی‌را بعربی ترجمه‌کرد وبرادران موسی‌نیز کمك کردند کتب نجومی زبان سریانی ویونانی راترجمه نمودند.

حنین بن اسحق راجع بسایه شاخص وساعت آفتابی و هندسه وجبر واثقال کتابی نوشت که بلاتین ترجمه شده - و تعادل قوه جاذبه زمین را بخوبی تشریح کرد - و راجع باوزان بحث نموده است.

ثابت دربغداد بمطالعات نجومی ادامه‌داد ودرتعیین طول ساعت وارتفاع خورشید اهتمام کردو دنباله خدمات اورا بتانی گرفت و جداول نجومی را فراهم نمود و شصت سال پس از بتانی بوالوفا ظهور کرد و حالت سوم ماه را تشریح نمود در حالی‌که یونیان بیش‌از دو حالت از ماه وصف نکرده بودند.

این دانشمندان‌نیز درمثلثات یدی‌طولا داشتندوفرمولی برای جمع‌قوسها تهیه‌کرد وحکیم‌عمر خیام‌ابتکار جبرمقابله را نمود بقسی که تااواخردردانشگاههای دنیا بنام الژبر تدریس میشد - واین حکیم بزرك غیرازعمرخیام شاعر است رساله‌های فلسفی وعرفانی وریاضی‌او قابل‌تقدیر ونمایندهٔ ذوق و ابتکار بی‌نظیر اوست که ماچون شرح حال آنها را در کتابی مستقل نگاشته‌ایم نمیخواهیم اینجا تکرار شود.

عقاید هیویین درطلوع اسلام

آنچه اکنون تاریخ قبل‌از اسلام دو کشور بزرك راقی متمدن جهان بدست میآید دونظریه نسبت بهیئت بوده است عرب وعجم وملل‌عربی همه درزمان نزول آیات قرآن کریم درنظام عالم از این دوعقیده بیرون نیست.

یکی ازدو عقیده این بود که حکماء بنظام بطلمیوس معتقد بودند و دیگری عقیده عامه مردم بود که معتقد بودند زمین معلق درفضانیست و هوائی وفضائی براو احاطه نکرده آنها میگفتند بالای مااسمانی است بشکل طاق وستاره‌ها همه دراین طاق است وبالای این طاق چیز دیگری نیست.

اماعقیده بطلمیوس بطلمیوس صاحب کتاب مسطی است که قبل‌از میلاد مسیح درگذشته است او میگفت افلاك مانند پیاز درون‌هم واقع هستند وزمین مرکز آنهاست وسطح محدب هرفلکی مماس بسطح مقعر فلك دیگر است وهمه‌آنها اجسامی شفاف هستند.

اومیگفت ثوابت بااینکه ثخن میباشد هفت فلك رادرزیر دارند وفلك الافلاك برهمه آنها محیط است وآبستن بتمام آن افلاك است که هیچگاه نخواهند زائید وباحرکت بسیار سریعی گرد زمین میکردند وطلوع وغروب ستاره‌ها وخورشید وماه وستاره های **هفتگانه سیاره یعنی ماه وعطارد وزهره وشمس ومریخ - مشتری زهل را** بدین جهت سیاره گفتند که هر کدام سیر مخصوصی دارد برخلاف سیرفلك اصل این عقیده هم تا قبل از طلوع اسلام مورد قبول جهانیان بود تااسلام آن را باطل نمود .

شریعت اسلام این هردوعقیده راباطل نمود وگفته‌های آنهارا تکذیب کرد واصول هیئت را بشرحی بیان کرد که امروزپس از ۱٤ قرن باوسائل وسلاح مجهز همانرا دریافته‌اند و نکته دیگر که باید متذکرشد این است عقیده بطلمیوس موردقبول ریاضی‌دانان بودتاطلوع کپرنیك پروس ۱٥٤٤ میلادی که درقرن دهم هجری در گذشت واومعتقد باصول هیئت اسلام گردید.

کپرنیك اول کسی بود که رسما اعلان کرد زمین وباقی سیارات برگردآفتاب حرکت‌وضعی وانتقالی‌دارند ولی‌اورا بااین نظریه متهم‌بسفاهت ودیوانگی نمودند اما آن مرد خردمند مفکر در عقیده خود ثابت قدم بودتاکم کم ریاضی‌دانان وهیوبین جهان پیروعقیده اوشدند واورا موسسه هیئت جدید شناختند .

کپرنیك نظریه روشنی‌داشت اما ازخطا واشتباه هم خالی‌نبود چنانچه مدار سیاراترا بردور خورشید دایره حقیقی تصور کرده‌بود واین اشتباه را کپلر آلمانی صدسال بعدازاو ثابت نمود که‌مدار سیارات بیضی‌واهلیلجی‌است‌تاگالیله‌ایطالیائی‌دامن‌همتی‌بکمرزدو کره‌مصنوعی‌زمین را اختراع نمودوبر اهمیت این علم ونظریه کپرنیك و کپلرافزود وعلم‌هیئت‌جدیدرا روشن‌ساخت

اسلام‌این عقاید راروشن‌تربیان کرده‌بود امادرخلال عبارات‌آیات واحادیث وبمنظوربیان‌توحید بودکه اکنون برای تشریح‌مطلب باجمال بیان میکنیم ودلیل اینکه چرا اسلام تصریح بروشنی علم هیئت نکرد آنراهم بعرض خوانندگان میرسانیم تاهرمنصف‌دانائی وهرریاضی‌دان وفاضل باخبری‌از عالم تصدیق بعظمت اسلام نماید و بدانند این نظریه را در ۱٤ قرن بیش آیا غیراز اعجازی میتوان شناخت .

بیان قرآن در هیئت جدید

قرآن‌برای درس فیزیك وشیمی وریاضی وهیئت‌نازل نشدبلکه‌برای‌ارشادوهدایت بشرفرودآمده‌نهایت در خلال این حقیقت ازهرعلم وفنی خبرداده که‌بمنطوق **لارطب ولایابس الافی کتاب مبین** ازهمه چیز روی اصول صحیح مبانی محکم ومتقن خبر داده و نتیجه نهائی آن رابرای تحکیم وتشدید عقیده توحید قرارداده است.

آیه اول درسوره یس میفرماید : **والشمس تجری لمستقر لهاذلك تقدیرالعزیزالعلیم والقمرقدرناه‌منازل حتی‌عادکالعرجون‌القدیم - لاالشمس‌ینبغی‌لهاان‌تدرك‌القمرولااللیل سابق‌النهاروکل‌فی‌فلك‌یسبحون**

آفتاب میرودبرای قرارگاه‌خوداینست‌تقدیر کردن خدای‌غالب‌دانا وماه‌را تقدیر کردیم‌بمنزلها وقتیکه برگردد مانند چوب خرمای شش‌ماهه - نه آفتاب‌بماه‌برمیخورد ودرمی‌یابد ونه شب که‌پیشی

گیرد برروز بلکه همه درفلك خود شنا میکنند دراین آیات نکات و اسراری را ازهیئت افلاك روشن میسازد .

۱- نسبت دادن جریان ومجاری حرکت رابخود خورشید چنانچه هیئت جدید تصریح دارد که خورشید بشخصه متحرك استنه بتبع فلك ودوحرکت انتقالی ووضعی دارد .

۲- آنکه لام لمستقر اگر بمعنی الی باشد مستقر بمعنی قرارگاه است واگر بمعنی فی باشد چنانچه درعرف عرب است ولام لحیوتی درآیه شریفه یالیتنی قدمت لحیوتی چون مسلم است که خورشید را قرارگاهی درحرکاتش نیست وپیوسته متحرك است چنانچه اصحاب هردوهیئت قدیم وجدید عقیده دارند که خورشید دائماً درحرکت است و هیچ و قوفی وسکونی وآرامشی حتی لمحهٔ نداردبنابراین باید بمعنی فی باشد یعنی حرکت میکند درقرارگاه خودش واشاره بحرکت وضعی خورشید است که در ۲ه شبانه روز نصف تقریباً ازمغرب بمشرق بردورخود میچرخد .

۳- میفرماید **وکل فی فلك یسبحون** هرکدام ازماه و ستاره درفلك ومدار خود شناگرند واخیراً ثابت شده که شمس باتمام سیارات و اقمار منظومه شمسی برگرد مرکزی که هنوز مجهول است حرکت مینماید :

این حرکت اشاره بحرکت انتقالی شمس است که قبل ازقرآن وتااواخر جنبش علمی هم جز علمای اسلامی کسی خبر نداشت و مخیله احدی خطور نمیکرد وباید گفت این حرکت وضعی نیست زیرا حرکت وضعی خورشید د فلك نیست بلکه درگردخویش است .

٤- اشاره بمنازل ماه بردورزمین فرموده **بقوله عزوجل والقمرقدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم** این حرکت موجب ازدیاد ونقصان نورقمر است تابحالت اولیه برگردد

۵ - امااینکه میفرماید شایسته نیست ونشاید خورشیدماه رادریابد واصطکاك نماید و تماس حاصل کند اشاره است ببزرگی جثه خورشید وکوچکی ماه وقوت جاذبه که میفرماید خورشید باآن عظمت جثه وحدت وشدت جاذبه که داردماه باین ضعیفی وکوچکی رانتواند دریابد وبرباید وبسوی خویش بکشاند چنانچه شان وخاصیت هرجسم بزرك بخود کشیدن و جلب کردن جسم کوچك است بقوت جاذبه که خدای تعالی درآن قرارداده است ولی درمقابل جاذبه خورشید - بزمین هم جاذبه داده که چون نزدیکتراست مانع جذب خورشید میگردد .

وبرخی ادراك رابمعنی حرکت تندماه گرفته اند واین نظریه هم خلاف هیئت جدیدوهم خلاف معانی متبادره کلمات ولغات معموله است وقمرهم بیش ازیك حرکت انتقالی بردورزمین ندارد که درهر ثانیه ۱۰۱۷ مترطی میکند .

دراین آیات قرآن نگفته که خورشید دورزمین میگردد چنانچه قدمای علمای هیئت گفته اند و لمستقرحرکت دورخود اودرقرارگاه خودش میباشد واگردو زمین میگشت قرارگاهی نداشت که بدان طرف حرکت کند ولمستقراشاره بحرکت اوبر دورزمین باشد وچون این حرکت باطل شد پس شب وروزشدن مستند بحرکت اوبردورزمین باشد وچون این حرکت باطل شد پس شب وروز شدن مستند بحرکت زمین بردورخویش وزمستان وبهارمستند بحرکت اوبردورآفتاب خواهد بودو اساس هیئت بلکه خلاصه این علم ازاین آیه مستفادمیشودچه درصورتیکه خورشید بردورزمین نمیگردد وسایرستاره ها همچنین خواهد بود پس هرکدام آنها عالمی مستقل هستند ونسبت بحرکت بخودماه وفلك راچیزی فرض کرده که مانع ازحرکت مدار وشناکردن نباشدوهمان مداراست و قوه جاذبه

را اثبات فرموده اینها همه مخالف با قواعد هیئت قدیم و عقاید عامه قدما ومنطبق بر اراء جدید میباشد .

آیه دوم درسوره نمل میفرماید **وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شئی انه خبیر بما تفعلون** یعنی می بینی کوهها را میپنداری آنها ایستاده‌اند درحالیکه آنها درگذرند مانند گذشتن ابر این صنعت خدای آفریننده‌ایست که هرچیزرا محکم و بجای خود قرارداده وخود آگاه است بآنچه آفریده‌است ـ این آیه صریح درحرکت زمین است وچون حرکت زمین ثابت شد اصول هیئت جدید ثابت است و گفته شد که حرکت زمین بردور خورشید سبب بروز روزوشب وماه وسال است وخورشید مرکزحرکت سیارات است ـ وثوابت دیگرهم بمقایسه باخورشید عوالم مستقله خودهستند دوم آنکه ازبدیهیات است چیزمتحرك وقتی ساکن دیده میشود که بیننده در حرکت باوهمراهی کرده باشدواگر برساحل وخشکی بودمعقول نیست کشتی متحرك راساکن پندارد والحال ماکه زمین وکوه راساکن میپنداریم برای آنست که باآنهادرحرکتیم اگرماساکن بودیم وکوهها متحرك بودند لابدحرکت آنها محسوس ماميشد .

آیه سوم درسوره طه وزخرف میفرماید **الذی جعل لکم الارض مهداً** یعنی آنکس که قرارداد برای شمازمین‌را گهواره ـ تشبیه لابدباید خواص مشبه به‌را داشته باشد یعنی تشبیه آدم بشیراز جهت شجاعت اوباشد نه حیوانیت او وچون گهواره مجل حرکت دادن طفل است واوراحرکت تند ونرمی میدهد که موجب اصلاح حال ومزاج اوست وزمین هم که محل ومقر بنی آدم‌است حرکت تند و نرمی دارد که برای اصلاح حال مخلوق مفیداست واگرحرکت شبانه روزی وحرکت سالیانه زمین بردور آفتاب نبود موجب هلاك حیوان ونبات میشد واگرروزممتد بودحیوان ازچرا وانسان از شغل دست نمیکشید تا تباه میشد ـ یکنواخت بودن هوا وکار و حرارت سبب فساد زندگی است

آیه ۴ درسوه هل آتی در وصف بهشت میفرماید **لایرون فیها شمساً ولا زمهریرا** یعنی نمی بینند درآنجا خورشیدیرا تنوین تنگیر که داخل شمس شده واورا مقیدبقید وحدت نموده دلالت میکند بر کثرت شموس وبهمین جمله اصول هیئت جدید ثابت میگردد.

واما اینکه فرمود دربهشت خورشیدی دیده نمیشود درست مثل حال ما میباشد که اکنون بیش ازیك خورشید نمی بینیم درحالی که یقین داریم خورشیدهائی هستندوچون از مادورمیباشد آنهارا نمی بینیم درشب هم چون این خورشید ازما دور است او را جزمانند ستارهٔ نمی بینم یاآنکه بگوئیم بمنطوق آیه شریفه **واذا الشمس کورت** وتصریح حکمای امروزی نور خورشید تمام میگردد ولذا دیده نمیشود

آیه ۵ در سوره نحل آیه ۱۲ میفرماید **و سخر لکم اللیل والنهار و الشمس والقمر و النجوم مسخرات بامره الخ**

خداوند مسخر فرمود برای شما شب و روز خورشید و ماه و ستاره ها را که همه بفرمان او مسخرند .

دراین آیه تسخیررا متوجه ماه خورشید و ستاره میفرماید نه افلاك که هیئت جدید هم بران اعتراف نموده ودرهیئت قدیم ماه وخورشید وافلاك وستاره همه یك حکم داشتند امروزثابت شده که فلك غیرازماه و خورشید است وقرآن هم ماه وخورشید رامسخر آدمی کرده نه فلك را که بعد درباره آن بحث میکنیم ؟!

آیه ٦ درسوره عم میفرماید **والجبال اوتادا** آیاقرارندادیم کوهها را چون میخهای زمین که کوهها میخهای زمین برای گردش گهواره میباشد که درگردش گهواره را پرت نکنند و ساقط نسازد . ــ

کرویت زمین در قرآن

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمین

آیه ٥٢ سوره اعراف

درعلوم اسلام کرویت زمین ثابت ومسلم است چنانچه قرآن میفرماید :

اوست که آفرید آسمان وزمین رادرمقدار زمان معادل شش‌شبانه روز واین درس مهندسی را برای تکامل کار مبتنی برپایه واساس داده وباتانی وتامل بدون عجله وشتاب واوست که استیلادارد برعرش که عظیمترین مخلوقات اوست ومحیط برتمام افلاك است که منظومه های شمس در حیطه‌آن قرارگرفته است .

استیلا صنعتی‌است بلا کیف وبلاوصف مخصوص‌حق تعالی وازمتشابهات‌قرآن است که جزراسخین درعلم ازآن بی‌خبرند وآنچه مسلم است جزخدا کسی برعرش یعنی‌برتمام منظومه های عالم هستی استیلاواحاطه وتصرف‌ودخالت وامرندارد ــ انخداوند استکه شب‌تاریك‌را از روزروشن بیرون‌میکشد وعکس آنرا نفرموده که روز روشن را از شب تاریك بیرون میکند یعنی‌شب و روز ازپی‌هم میروند شتاب وحساب وشب درپی روز وروزدرپی‌شب بسرعت حرکت میکنند وآفتاب و ماه وستارگان را بیافرید وهمه مسخرامراوهستند وبرای‌اوست دوعالم امروخلق منظورازخلق آفریدن تمام‌حسمانیات است که محتاج بماده ومدت وشدت هستند ومجردات رابامر آفرید که آنها درلباس هستی‌پوشیدن نیاز بماده ومدت نداشته وندارند .

حضرت امام جعفرصادق (ع) بیعقوب‌بن شعیب فرمود **مسوا بالمغرب قلیلا فان الشمس تغیب من عندکم قبل ان تغیب من عندنا** یعنی‌شماتماس بامغرب کمترمیکنی‌زیرا آفتاب ازنزدتو زودترغایب میشود تاازنزدما که کرویت زمین‌را بااین تفاوت غروب ازغیب‌شدن‌خورشید ثابت‌میفرمایدوزمین نصف آن همیشه مستتیر بخورشید است که روزاست ونصف‌دیگران تاریك وشب است وچون درگردش‌است همیشه نصف تاریك ونصف روشن امادرنظرمرد همان شب روزآنهارا درمی‌یابد که شب‌درپی روز وروز ددپی شب میدوند ودرآفاق وبلاد غرب آفتاب دیرترغروب میکند چه دائره آنجا زیرتراست و لذا باطیاره میتوان همه جارا روزیاهمه جارا شب دریافت .

بازحضرت صادق(ع) بعبدالله‌بن زراره میفرماید صحبنی‌رجل کان‌یمسی بالمغرب ویغلس بالفجر و کنت‌انااصلی‌المغرب ازاغربت‌الشمس و اصلی‌الفجر اذااستبان‌الفجر الخ در کتاب مجالس در پاسخ مصاحبی که مغرب را تاخیرمیکرده وصبح راپیش‌ازطلوع فجرمیخواند بحضرت ایراد میکرد که شما چراچنین نمی‌نمائید چون خورشید پیش‌ازآنکه برماطلوع کند بردیگران طلوع میکند وپس‌ازآنکه برماغروب کند بردیگران طالع است .

حضرت فرموده مانمازرا بادرك وقت میخوانیم نمازشب راپس‌ازغروب آفتاب وصبح راقبل‌طلوع

آفتاب آنهم بافق خودمصلی نه بافق دیگران ـ

حضرت امیر(ع) درنهج البلاغه میفرماید فسکنت علی حرکتها ان تمید باهلها فسبحان من ان اسکنها مع موجان میاهها یعنی زمین ساکن شد با اینکه خودش متحرك است پس زمین با اینکه متحرك است سکونت پیدا کرد که با ساکنین خود درفضا مضمحل وپرت نشود ومقدس است آنکسی که زمین را با اهلش از موج زدن آبهای آن نگاه داشت و دراین خبر حرکت زمین ثابت شد ولی بنظر ساکن می آید با آنکه حرکت سریعی دارد ساکنین برآن مستقر هستند و حرکت آن را حس نمی کنند .

حشام بن حکم دراحتجاج ازحضرت صادق(ع) درپاسخ زندیقی که ازادله وجود خدا پرسید فرمود ازجمله آیات ادله وجود حق **تحرك الارض ومن علیها** حرکت زمین وآنچه برزمین است پس حرکت زمین واینکه تاریك وروشن میگردد وشب وروز میشود نشان میدهد که زمین کرویست و صدها دلیل جغرافیای دیگردارد که درکتب مربوطه روشن است ودراحادیث اسلامی سابقه دارد

نکته لطیفتر این استکه قرآن میفرماید همه چیزرا درآفرینش وخلقت کروی وگرد آفرید و همه جفت هستند واین لطیفه خود درعلوم طبیعی در موالید ثلاث هم ثابت شده است

فلك چیست؟

درقرآن مجید مراد ازفلك مدار سیارات است خط سیر کوکب در فضا را فلك گویند و این معنی در هیئت جدیدهم مورد اعتراف است .

ابن اثیر درکتاب نهایه گوید **والفلك مدار النجوم من السماء** فلك مدارستاره هاست

ضحاك گوید الفلك لیس بجسم و انهاهو مداره هذه النجوم فلك جسم نیست بلکه مدار ستاره هاست .

راغب اصفهانی گوید الفلك مجری الکواکب فلك مجرای حرکت ستاره هاست و قرآن که تصریح میفرماید **و کل فی فلك یسبحون** منظورانست که درخط سیرخود کواکب تسبیح وتقدیس خالق خودرا بزبان حال میگویند وجزمدار حرکتی نیست .

درتفسیرعلی بن ابراهیم نقل شده که **حضرت امام جعفر صادق(ع)** فرموده **واجراها فی الفلك** یعنی خداوند عزوجل آنهارا درفلك سیرداد وجاری فرمودودر کتاب احتجاج ازآنحضرت نقل شده که درپاسخ زندیقی فرموده **ومن تدبیر النجوم التی تسبح فی فلك** یعنی ازتدبیر نجوم آنستکه ستاره ها درفلك بشنا انداخت وعلامه مجلسی دربحار ازآنحضرت در دعای استخاره نقل میفرماید **اللهم انك خلقت اقواماً یلجئون الی مطالع النجوم لاوقات حرکاتهم وسکونهم** تا آنجا که میگوید **وانك قادرعلی نقلها فی مداراتها فی سیرها عن السعود العامه والخاصه الی النحوس** که اول آن این است که ای خداوند عالم تو توانائی براینکه ستاره ها رادرمدارخودشان نقل فرمائی وازسعد عام و خاص بنحس اثبات مدار ومسیردراین دعا تصریح بفلك شده وسما که بمعنی سمواست یعنی علو وبرتری وبالائی چنانچه درمجمع البیان گوید: «کل ماعلاك و اظلك فهوسماء و کل ما استقرقدمك فهوارض» هرچه سایه برسرت اندازد آسمان است وهرچه بتوان بران قدم نهادزمین است آسمان برخلاف مشهود جسم صلبی نیست ودرآیات قرآن آسمان بالا منظورشده چنانچه میفرماید «ان الله انزل من اسماء ماء» و معلوم است که باران ازابرمی بارد ولی چون ازبالاست اطلاق برآسمان شده واخبار دیگرهم درکتب تفسیر

وحدیث همه جا آسمان درمورد بالاآمده نه جسم صلب وسخت درآیات «وانزلنامن السماء ماءً بقدر

فاسکناه فی الارض و انزلنا من السماء ماءًا طهورا و ینزل علیکم ماءاً لیطهرکم به و یذهب عنکم رجزالشیطان و یوم تشقق السماء بالغمام که آسمان بابر شکافته میشود همه دلیل است براینکه آسمان همان فضا وهوا وطرف بالاست ودر آیه دیگری که **میفرماید الله الذی یرسل الریاح فتثیرسحابا فیبسطه فی السماء کیف یشاء ویجعله کسفاًفتری الودق یخرج من خلاله فاذا اصاب به من یشاء من عباده اذاهم یستبشرون**

دراین آیه خدای عزوجل باستایش خود درآفرینش این دستگاه باعظمت میفرماید بادها را میفرستد تاآن بادابرهارا برانگیزندو درآسمان بگسترند و گسترانیدن ومنبسط نمودن ابردرآسمان زیرطاق فقط گستردن درست نیست ولذاباید آسمان همان بالا باشد.

ودرآیه شریفه الم یرو الی الطیر مسخرات فی جوالسماء مایمسکهن الاالله ان فی ذلك لایات لقوم یومنون

محل طیران مرغان رادرهوا وفضا معین میفرماید ودرآن آیه **قدنری تقلب وجهك فی السماء** محل حرکت اورا درآسمان معین میفرماید وصعود وپرواز طیارات رادر آسمان وصف میفرماید که ازهمه این آیات معلوم میشود .

مراد بالاست - وزمین جسم سخت صعب ومحکم است وهر کوکب رافضا ومدار وفلکی است که درآن سیر حرکت میکنند چنانچه نظامی گوید.

شنیدستم که هر کوکب جهانی است جداگانه زمین وآسمانی است

پس ستاره‌ها باعتبار اینکه بالای سرما هستند وباعتبار آنکه زیرپای اهلش میباشند زمین هستند بشرحی که گفته‌اند آسمان عطارد آسمان زهره آسمان زمین آسمان مریخ آسمان مشتری آسمان زحل- آسمان اورانوس وغیره بشرحی که خواهیم گفت تعداد آنها برحسب اخبار واحادیث دوازده است که بقیه آن‌هم بمرور ایام کشف خواهدشد - وخلاصه آنکه هر کوکب آسمانی دارد وفلکی که درآن سیر میکند ودعای امام‌سجاد ع درتعیین وزن وتعداد آسمانها وزمینها وافلاك وکواکب وستاره هاوسیارات بهترین شاهد مدعی میباشد که اسلام نسبت‌بهمه این‌علوم دست قوی داشته‌است .

چرا اسلام تصریح بهیئت جدید نکرد

گفتیم که‌اسلام برای تدریس علوم و فنون نیامده بلکه غرض اصلی ارشاد و هدایت بشربحق و حقیقت است ولذا علوم و فنون رابنجو طریقیت دراثبات توحید بیان کرده است و بنام اصول کلی متذکر شده وعلوم تجربی را شاهد نیل بتوحید قرار داده است.

قرآن برای همیشه بشر وادوار مختلف عالم نازل‌شده وچون محکمات ومشابهات دارد باید باخبار وتفسیر کلیات ومشکلات آن تشریح و تصریح شود واخبار اسلامی‌هم که درسیاست احراز مقام خلفای اموی وعباسی قرار گرفت ومخلوط بصحیح وسقیم‌شد وماآن اخباری رامعتبر میدانیم که باعرضه باقرآن درست منطبق شود ومدلول آن‌مفهوم ومعلوم گردد.

دراین اخبار گروهی هست که باعلوم متصوره سطح‌فکرما مخالفتی ندارد وممکن است برخی ازآنها راما نشناسیم ونفهمیم وروزی بر گروه دیگر روشن گردد.

چنانچه اخبارملاحم واخبار غیب درآن‌عصرقبول آن مشکل بود حقیقت آن‌آشکار شد یامثل خبروجود

طياره وحركت آن بدور زمين وصداى آن وبمب‌افكن آن‌دريك عصرى كه طياره اختراع نشده بود قبول آن مشكل بود ولى بعد حقيقت آن روشن شد وباورنده آن‌حديث سرتعظيم فرود آوردند

قسمتى ازاين اخباررا نمى‌توانستند درآن عصر براى مردم روشن بيان كنند زيرا استعداد قبول آن‌سخنان‌پيداشد ويااللعجب كه درقرن دهم‌هجرى كه پر و تو نطقى‌مبنى برحركت زمين كرد او راتبعيد نمودند وسالها حبس كردند وكتبش راسوزانيدند وگاليله راكه گفت زمين متحرك است زندانى كردند وكپرنيك راديوانه خواندند.

بنابراين پيغمبرى كه موظف و مأمور **به كلم الناس على قدر عقولهم** بود چگونه خودرا در معرض حملات عامه‌خلق مى‌اندازد وحاشا وكلا آنها كه ازمنبع وحى سرچشمه گرفته بودند علوم و فنون رادرقالب الفاظ توحيد ونبوت وامامت وقدرت وخلقت بيان‌فرمودند واز اين قبيل‌است اخبارى كه زمين روى شاخ گاو ياماهى قرار گرفته كه ظل‌وسايه زمين درقبال نور آفتاب چون شاخ گاو يا ماهى ميشود وهمچنين قناديل وملكوت وافلاك همه تاويل وتفسير دارد كه در تحقيق صحيح و منطبق باحقيقت است.

وچون دربيان ملل‌يهود ونصارى جمود فكرى بود وملاها واحبار يهود وكشيش‌هاواسقف هاى نصارى بشرحى كه خواهيم گفت باعلم وعلماء دشمنى داشتند وآنهارا مانع دكان روحانيت ساختگى خود ميدانستند و اكثر كشتارى كه آنها از فتاوى خود نمودند بزرگترين جنايت تاريخى بشر محسوب گرديد.

پيغمبر اسلام كه براى اصلاح مفاسد عالم‌قيام كرد نميخواست بشررابهم بخصومت برانگيزد بلكه ميخواست باعلم ودانش تدريجى وتحليلى آنهارا بكمال خود سوق دهد ولذا بهترين راهى كه براى‌آنها پيشنهاد وتربيت نموده كه بسرعت برجهانيان فائق‌آمد ولذا بمسلمين‌علوم وفنون راتدريجاً درخلال احاديث واخبار وتفسير آيات آموخت وبعلاوه چون اسلام براى تدريس علوم وفنون نيامده بود خواست روحيه ونفوس بشررا مهذب نمايد لذا رشته هاى مختلف علوم وفنون كه مبناى تحكيم معيشت بشرى است درخلال احكامى ازحلال وحرام بيان‌فرمود تاموردحملات يهود ونصارى نگردد

شيمى = فيزيك
ميكانيك

مسلمين علم كيميا رابجاى شيمى‌وفيزيك وميكانيك بكارميبردند ودراين‌علم‌علوم‌ديگرى‌هم‌مراد بود وآن طلاسازى است اين‌عقيده كه ممكن است فلزى‌را بفلزديگر تبديل كرد درميان مسلمين بود وحتى اخيراً‌هم اين‌عقيده بقوت خود در مسلمين باقى است ومعتقدند كه بايك‌دأروئى كه تهيه آن‌صدها راه‌دارد ميتوان فلزى رابفلز ديگر تبديل نمود ونگارنده خود ازبسيارى كه دراين رشته‌كار كرده بودند.

شنيدم يكى‌از طرق‌آن شناختن گياهى بودكه روغن آنرا مى گرفتند وبظرف مس‌ميزدندطلا ميشد امايك‌نكته دراينجا بود وقابل توجه است.

كسانى‌موفق باين علم‌ميشدند كه تارك‌دنيابودند وعلم‌را براى كمال‌نفس خود ميخواستند نه براى ثروت اندوختن ولى اين‌نكته راهم بايدگفت كه برفرض صحت‌چنين قول‌وعملى اگر فكر سليم وراشدى بوداز اين‌عمل ميتوانست خدماتى بزرك بعالم بشريت مينمايد و صرف مس طلاساختن

كاری نبود كه اینهمه فعالیت روی آن انجام شود و ۹۹ . محرومیت داشته باشد خسر الدنیا والاخره گردد.

باری فكر تبدیل فلزی بفلز دیگر قرنها مورد آزمایش دانشمندان اسلام بود اگرچه باقواعد علمی امروز سازگار نیست ولی نتیجه‌ایكه آنها گرفتند وقوف دربسیاری ازنباتات وداروها و خواص آنها بود كه درطب مورد استفاده قرار گرفت وازاین راه بگنجی رسیدند شایدهم براستی و حقیقت افاضه این فكر برای كوشش و كاوش در راه تحقیق خواص نباتات داروها و تجزیه وتحلیل برخی از مواد حجری ومددی وغیره بوده‌است وشاید همین فكر باعث شد كه مسلمین بافداكاری درراه تحصیل عام تبدیل فلز بفلز دیگر موفق بكشف **جوهر شوره تیزاب - سلطانی- نوشادر- سنك جهنم جیوه قرمز** غیره شدند وموادی كه امروز درزندگانی بشر بیش‌از همه چیز مورد حاجت واستعمال است مانند **جوهر گوگرد - الكل** وغیره ازمكتشفات مسلمین‌است واروپائیان ازهمین مواداولیه بهزاران مواد داروئی دیگر پی بردند.

مسلمین ازهزارسال پیش دارای لابراتوارهای دقیق واكتشافات‌مهم بودند وآنروزملل‌اروپائی‌در تاریكی بسرمیبردند ولذاهیچ‌یك نمیتوانندانكار كنند كه تقطیر وتبخیروتبلورانحلال - تجزیه وامتحان وآزمایش ازمختصات مسلمین بوده وآنها بودند كه دررد علم كیمیای‌قدیم‌وابطال آن تالیفاتی‌نمودند

بزرگترین طبیب‌دانشمندایرانی محمدبن زكریای رازی متوفی‌سال ۹۴۰م درقرن سوم‌هجری دركتاب خودشرحی مبسوط درباره تركیبات شیمیائی نگاشته واستخراج جوهرگوگرد رااز تقطیر زاج سبز والكل راازتقطیر موادنشاسته وموادقندی تخمیرشده ثابت‌كرده است .

ابوموسی جابربن‌حیان خراسانی شاگرد امام‌جعفرصادق(ع) درنیمه دوم‌قرن دوم هجری وقرن هشتم میلادی‌ازبزرگترین مخترعین ومتخصصین‌علوم‌طبیعی‌است كه كتب اوبزبان لاتینی دراروپاترجمه شد وملل مغرب‌ازآنهااستفاده شایانی كردند مانندكتاب نتایج‌التكمیل كه درسال **۱۶۷۲** بفرانسه ترجمه شده ومدتها دراروپا موردعمل بود دكتر گوستادلوبون میگوید :

تصانیف جابربن‌حیان‌یك دائرة‌المعارف كامل علمی مشتمل برخلاصه‌ای از مجموع مسائل شیمی‌است كه جابرنگاشته واوازخواص‌بسیاری ازگازها واقف بود وازتركیبات شیمیاوی‌كتب مسلمین است ومیتوان ازاین كتاب قوت فكرودقت درعمل تجزیه و تحلیل مسلمین رابدست آورد كه تاچه پایه در۱۲قرن‌پیش وسعت داشته‌اند واواضافه میكند كه داروسازی ازمخترعات خاصه مسلمانان است

رنك سازی - استخراج فلزات ساختن فولادهای آبدارمانندشمشیرهای طلیطله (تولد) و یمن وچرمسازی وغیره‌نشان میدهد كه مسلمین درهرپیشه‌وری ازشیمی استفادد میكردند .

قرآن درباره‌این علوم فصولی دارد وآیاتی كه درضمن قصص انبیاء جلب‌توجه مسلمین راكرده واستخراج معادن وذوب‌فلزات واوزان ومقادیرمخصوص وحركت باد وتاثیراتش وسرعت وبطوءهریك را درعالم طبیعت‌كاملا بمنظور توحیدعالم بیان فرموده است .

فیزیك دراسلام

مسلمین‌درفن فیزیك‌هم‌بگفته علمای مغرب تقدم داشته واستادی آنها مورد تصدیق است .

مسیو **شاسل** كه ازمبرزین ونامیترین دانشمندان این علم است مینویسد كه اروپادرعلم‌مناظر معلوماتی كه حاصل كرده ماخذان‌ازتالیف الحسن‌است .

الحسن بن هیثم حکیم ریاضی‌دان مشهورجهان بود وتالیفات وی از پنجاه جلد تجاوز کرده کتاب مناظروی درزبان لاتینی وایتالیائی ترجمه شده واین همان کتابی است که گیلو بیش‌ازحد از آن بهره‌مندبوده‌است‌دراین کتاب ازکانون آینه‌ها ومحل‌ظهورصور درآنهاومسئله انکسار شعاع‌ومزایای صورمحققانه بحث کرده است.

این فکردرمسلمین بقوت بافی بود تادرجنگهای‌صلیبی که قدرت‌علمی ومالی آنهارا بتاراج بردند این فکرنیروی عمل نداشت ولذا بنام حکمت وفلسقه طبیعی وریاضی درمسائل مختلفه فلسفی بحث‌و تدقیق وتحقیق شگفت‌آمیزی کرده که نشان میدهدهمان قدرت حرکت فکری باقی‌بود نهایت آلات وابزاروموجبات عمل واستنتاج نداشته‌اند.

درشرح حال‌حضرت‌داود وسلیمان ازذوب‌فلزات وتاثیرترکیب آنها وآهن ومس وغیره‌وساختمان صنایع فیزیکی بمنظور بنای توحید اشاره اجمالی فرمود.

مکانیك اسلامی مترجمین قدیم‌این‌لفظ رابعلم‌الحیل ترجمه کرده‌اندومتاخرین جراثقال گفته‌اند برخی‌مانندمرحوم‌فروغی علم‌الحرکات‌شناخته وآنچه مسلم است علم‌آهنگری وآهن‌کاری واستفاده ازحرکات وجراثقال‌بود ومنجنیق همان لفظیونانی مکانیك است که اصلا منجنیق‌بود وبتصحیف واستعمال منجنیق شده وبعد مکانیك گشته ودرصدر اسلام هم خودمسلمین درعصرمعاویه بن‌یزید وهشام‌بن عبدالملك منجنیق برای تخریب کعبه ساخته‌اند ودر سایرجنگهاهم ازآن استفاده کرده‌اند ولی‌باکمال تاسف باید گفت فکربسیاری ازمسلمین منحرف‌شد بطوریکه تصوراین علم ولغت راهم نکرده فیروزآبادی درقاموس من‌چه نیك ترجمه کرد وچقدر ناجا وبی‌مورد است.

دریکی ازمجلات مصری‌راجع‌باین وسیله علمی‌مینویسد:

آنچه اروپادرقسمت پیشرفتهای صنعتی‌مکانیکی‌خودمرهون کوشش مسلمین است نمیتوان‌بآسانی شماره کرد ولی‌بطور کلی میشود گفت که مسلمین درهنرهای خود وعلم‌الحرکات باوج کمال رسیده و گیتی رامرهون‌زحمات واختراعات خویش‌ساختند زیرا دراین‌باره اختراعات شگفت‌انگیزوسحرآسا دارند که ازآثارهنرمندی تازیان دراین فن همان ساعتی‌است که آوازه آن دراقطار فرنك پیچیده و درکتب تواریخ اروپا مکررازآن نام برده‌اند **هارون‌الرشید برای شارلمان ارمغان فرستاد و امپراطور ورجال‌دولتش ازمشاهده آن درحیرت‌ودهشت‌افتادند.**

قسمت مهم این اکتشافات مربوط بقانون یگسانی مایعات هیدروستاتیك میباشد که دردانشگاه بغداد مدتها تدریس میشد.

درعصرالمستنصر بالله دربغداد اوایل قرن هفتم‌هجری بر یکی ازدیوارهای‌دانشگاه آن دایره ترسیم نمودند سیارات وافلاك رادرآن ممثل کرده بودند بدینترتیب که دردیوار طاقهای درب‌دار بود دربالای آنها وزنه‌های مسلمین قرارداده شده که دراوقات معین سقوط میکردند وبمحض افتادن‌وزنه یکی ازدرهای زیرین طاقها گشوده میشد وهرگاه یکساعت میگذشت وزنه درمیان دو پیاله از طلا می‌افتاد ووزنه‌های نامبرده هنگام فروافتادن دیده میشدند که ازدهان دوباز طلائی ساقط میشوند و پس‌ازسقوط متدرجاً بجای اولیه باز میگشتند.

ونیزدیده‌میشد که درآن فلك‌خورشیدهای زرین درآسمان کبود فام طلوع میکنند وچون آفتاب

میدرخشید این خورشیدهای طلائی بادوران آن می‌چرخند و باغروب آن ناپدید میگردند تاشب فرامیرسید بازماهها باروشنائی که قسمتی از دائره رامنورساخته بود طالع میشدند وهرساعت که سپری میشد روشنائی دایره فزونی میبافت .

تاآنکه تمام دایره‌ماههای اولیه روشن میگشت پس‌ازآن دائره‌دیگری بازپدیدمی آمدو بهمین ترتیب ادامه میبافت تاشب بپایان میرسید .

این هیئت منظومه شمسی دردیواردانشگاه بغداد بوده است .

ابن‌جبیر ازغرائب مصنوعات‌واختراعات محیرالعقول که مقارن قرن ششم میلادی درجامع‌اموی دمشق مشاهده کرده ساعتی است که آنرامنگنه مینامیدند که بردروازه جیرون بشکل طاق مدوری دارای دوصفحه معین بوده که بعددساعات روز منافذی درآن صفحه وجود داشته وباتدبیر هندسی بکار گذاشته شده بود.

چون یکساعت ازروزمیگذشت دو کلوله مسین‌ازدهان دوباز مسین دردوپیاله‌ای که جلوهریك ازآن دوبارا بکی‌قرارداشت‌می‌افتاد که دوپیاله‌نامبرده‌سوراخ‌بوده‌همینکه وزنه‌ها د. پیاله پرتاب‌میشدند فوری ازآن سوراخها داخل دیوارشده درب مخصوصی آنساعت بسته میشد درحین جریان این عمل شگفت‌انگیز دیده‌میشد که دوبازباطرزی عجیب گردنهای‌خودرا کشیده و گویای‌ازروی اراده‌واستادانه گلوله‌ها رابجایگاه مخصوصی آنهاپرتاب‌میکردند وتماشاچیان آن راجادومیپنداشتند وحمل برسحر میکردند اینهاآثارزنده مکانیکی علوم‌اسلامی درعصراول بود واین دوساعت موردتوجه سیاحان قرار گرفته وهمه نوشته‌اند - وهمچنین ادامه داشت تازمان خواجه نصیرالدین طوسی و بعدازاوهم‌همچنان ادامه داشت.

حضرت‌امام زین‌العابدین حقایق فیزیك و شیمی و مکانیك واوضاع و احوال علوم طبیعی رادر خلال دعا وراز ونیاز باخدا ازراه درس توحید بیان میفرماید - ودرضمن اشاره روشنی بوزن‌هواوآب واوزان مخصوص فلزات ونیروی غیرمرئی عالم طبیعت وحرکت افلاك وعناصر ومنظومه شمسی‌و تولید موالید ثلاث وغیره‌ازآب وباد - خاك‌وآتش وتاثیرعمومی‌آن درزندگی بشر بسبك اعجازآمیزی‌فرموده که خردمندان‌حقیقت‌جورادریافته‌اند .رآنعصر نمیشداین علوم رسما تعلیم شودظرفیت کسب ودریافت آن نبود امام هم بایك تاثرات قلبی که من جواهرخزائن علم خودرا مکتوم میکنم وباینصورت‌بیان علوم وفنون رافرموده است ومسلمین صدراسلام ازآن بهره‌مند شدند .

مسلمین در علوم طبیعی

قرآن مجید درعلوم طبیعی وماوراءِ طبیعت تصریحی نداردولی‌اشارات‌اجمالی‌بسیار نموده‌است که مسلمین استفاده کرده‌اند .

باتفاق همه مورخین شرق‌وغرب مسلمین درآغازخلافت‌بنی‌عباس یعنی ازاوایل قرن دوم‌هجری نهضت علمی راشروع کرده وبنقل کتب ملل دیگر پرداخته وبقول مستشرقین از ۷۵۰ تا ۹۰۰ میلادی تقریباً صدوپنجاه سال مرتب کتب یونانی - هندی - سریانی - عبری - فارسی را ترجمه کردند و شاخصترین رجال این فن جابربن حیان است که بصوفی لقب‌داده‌اند .

بطوری دراواخرقرن دوم زمان خلافت مامون بازارعلوم طبیعی درخراسان وبغداد بنهایت‌اوج رفعت رسید وعلمای بزرگی درخدمت مسلمانان بکارگماشته شدند وحتی علمای یهود ونصرانی نیز

برای نشرعلم ودانش استخدام شده و مورد احترام قرارگرفتند ـ پخیشوع ـ حسین بن اسحق از شاخصترین علمای دوره‌دوم نهضت ترجمه علمی میباشند که کتب فلسفی نجومی ـ فیزیکی ـ ریاضی یونان راترجمه کردند وکتب طبی زبان سریانی بعربی نقل شد وکتابخانه متوکل عباسی در بغداد بادار الترجمه اوبریاست حنین بن اسحق سپرده شده .

الکندی فیلسوف شهیر بتنهائی ۲۶۵ جلد کتاب ترجمه کرد که پانزده جلدآن مربوط بمعرفت ـ الجو وچندین کتاب درخصوص وزن مخصوص جزر ـ مد ـ مبحث نور ـ انکسار نور وهشت کتاب در موسیقی بوده است .

اولین کتاب درمکانیك بنام الحیل درقرن دوم سال ۸۶۰م توسط **احمد وحسن ومحمدوموسی** پسران شاکر ریاضی‌دانهای معروف ترجمه شده واین کتاب صداصل فنی‌داشت که ساختمان مکانیکی رانشان میداد ،

ازاستادان این فن درعلوم طبیعی اصمعی است که درنبات‌شناسی وحیوان شناسی وحجروسنك شناسی بسیارماهر ودرعینحال ادبیات‌اوغلبه‌برعلوم اوداشت وبدینجهت بادیب اصمعی شهرت یافته است و هنوز نام احجار بعربی برده ونوشته میشود مانند بارزکه پادزهراست وکامفور که کافور است و غیره .

الکندی رساله درآهن وفولاد ترجمه کرد که برای‌اسلحه سازی بسیارمفیدواقع شدمشعشعترین دوره ترقی ـ وعصرطلائی نهضت‌علمی‌مسلمین‌سال ۹۰۰ـ تا ۱۱۰۰م درقرن سوم وچهارهجری است که بزرگترین طبیب وحکیم‌وفقیه وشاعروادیب ومترجم وغیره دراین عصربظهورپیوستند وتمام رجال‌قرن چهارم نوابغ عالیقدر ودانشمندان بی‌نظیرعالم بشریت بوده‌اند ـ **حکیم‌عمرخیام ـ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا ـ ابوسعید ابوالخیر شیخ صدق ـ سیدرضی و مرتضی ـ حکیم‌ابوالقاسم فردوسی ـ ابوبکرزکریای رازی ـ مسعودی مورخ ـ ابن‌جریرطبری ـ ابن هیثم‌**وغیره که درجلدسوم تاریخ مفصل اسلام درادوارعلوم شرحی مفصل از آنهانوشته شده است.

وانحطاط آن ازحملات چنکیزشروع شدکه جنگهای صلیبی علوم وکتب وآثارتمدن‌مسلمین را باروپا انتقال داد ودرموزه‌های آنها موجوداست قابل‌انکارنیست و این مفاخرات بی‌جا نمیباشد و بدرد امروزآینده هم نمیخوردمگرآنکه مسلمین نهضتی براساس علم وفضیلت تجدیدنمایند.

مسلمین وعلوم طبیعی مانندفیزیك وجر واثقال

مسلمانان‌درکتب فیزیك‌وطبیعی وجرواثقال نیزدست‌داشتند حسن‌بن‌هیثم‌مقیم‌بصره‌متوفی سال ۱۰۳۹م ـ ۴۱۹ه ازعلمای بزرك این فن بودکه کتب ریاضی و فیزیك او بپنجاه جلد میرسید .

علم مناظر ـ که درآن ازشعاعهای منکسر ومستقیم ومنعکس وازتصاویز درآینه‌های مقعر بحث کرده وکتاب اومورد استفاده کپلر بوده است .

درجراثقال اطلاعات عملی مسلمین بدرجه‌کمال بود ازآلات چندی‌که تاکنون باقی مانده و درتاریخ نویسندگان قدیم میتوان فهمید که بچه حد ترقیات صنعتی عالی نصیب مسلمین شده است !

مسلمین وشیمی ـ درمیان علمای اسلام همانطورکه مسائل هیئت توام بانجوم بودعلم شیمی

هم بافن طلاسازی توام ومختلط بوده است ولی دراختلاط وتوام‌شدن موضوع یکی‌واقعی ودیگرخیالی هیچ تفاوتی وفرقی دراکتشافات وایجادات آنهاپیدانشد .

عرب‌شیمی و معلوماتیکه ازیونان حاصل نموده محدودبوده است وموادمهمهٔ که یونانیان از آنها بی‌اطلاع بودند مثل تیزاب‌سلطانی - الکل - جوهر گوگرد - تیزاب فاروق و غیره تماماً ازایجاد و اکتشافات مسلمین میباشد ۲ - آنهاعمل تقطیر وغیره راکه از عمل هـای اساس اینعلم است جاری ومعمول داشته اند .

مشهورترین علمای شیمیا (کیمیا) دراسلام ابوموسی جابر بن‌حیان است که شاگرد امام جعفر صادق(ع) بود ودر۷۶۵م - ۱۴۵ه میزیسته وقریب هزارجلد کتاب دراین باره نوشته است ومانند یك دائرة‌المعارف دراروپاموردتوجه است.

خودش میگوید امام جعفرصادق استادمن پانصد رشته علم بمن تعلیم فرمود که هزار ورق درباره آنها نوشته‌ام .

- ابوبکرمحمدبن زکریای‌رازی درطب وشیمی ازمشهورترین علمای ایرانی است که مقامی شامخ داشته .

جابر بن حیان

یکی ازمستشرقین درباره اومینویسد قدرت وعظمت وشکوه دنیای اسلامی بمنتها درجه رسید درآغاز طلوع ایندوره که ازبنی‌عباس‌شروع گردید یکنفرمسلمان بنام جابر که اوراصوفی‌میخواندند برعلوم قرون وسطی درمغرب سایه بلندی‌افکنده‌است ویونانیان ویرا بنام «جبر» میشناسند او پسر یکنفردواساز عرب بود که بطبابت اشتغال داشت ولی چیزی ازآثار تالیفات طبی اودردست نیست جز آنکه دراواخر کتابی از اوست بدست‌آمده که درآن‌شرحی راجع بمواد شیمی نوشته است ودرحدود ۱۱۰ جلد از کتب آن دراروپا تمرکز یافته که درفهرست‌ها نگاشته ومستشرقین تصریح نموده‌اند

جابر پدر کیمیای عرب است واین دانشمند باوزرای بزرك ایرانی یعنی‌برمکیان ارتباط داشت وچون آن وزراء ازمیان رفتنداو نیز بکوفه تبعیدشد ودرشهریکه پدرش تولدیافته بود بدرود زندگی گفت دویست سال بعد درخرابه های آنشهر آزمایشگاه «لابراتوار» اوراپیدا کردند ۱

نگارنده گوید کتب جابر که دردست است اکنون هم زیاد و درفنون مختلف میباشد مانند کتاب‌طالب که درکتابخانه نگارنده‌است .

مسلمین در فنون و اکتشافات

مسلمین نه تنها درجهانگیری واخذعلم ونشرآن قدرت‌ونیرو یافتند دراطلاعات فنی‌واکتشافات وتحقیقات علمی دوش‌بدوش هم‌پیش‌رفته‌اند. باروت‌جنك‌واسلحه‌نار به‌مقدار مصرف بااسلحه‌های آنعصر ازاکتشافات اسلامی است و از قراریکه در کتب تاریخ نوشته‌اند این اکتشافات بدست مسلمین انجام شده است .

۱- اطلاعات‌کامل دراصول طبیعیات خاصه درعلم مناظروایجاد آلات باریك جراثقال

---

۱ صفحه ۶۲۵ تاریخ تمدن گك

۲- صفحه ۷۲۷

۱- میراث اسلام تالیف سیزده‌نفر مستشرق صفحه ۱۰۴

۲ـ اکتشافات مواد اساس شیمیاوی مثل الکل - جوهر- جوهر- شوره - جوهر گوگرد واعمال اصیله آن ازقبیل تقطیر وغیره

۳ـ ازاصول کیمیا در دواسازی وحرفت خاصه در استمزاج معادن و ساختن فولاد و نیز درفن رنکسازی و گاز گرفتن .

٤ـ اختراع باروت واسلحه ناریه

۵ـ ساختن کاغذ از کهنه

٦ـ استعمال قطب نما ـ در کشتی رانی

که درتاریخ تمدن اشکال وتحقیقات رشیقه درهریك ازاین اختراعات واکتشافات کرده اند (۱)

مسلمین درفن معماری وساختمان

بهتراست تعریفی راکه مستشرق مارتین کرده نقل کنیم اومیکوید .

نکات مورد توجه درمعماری اسلامی برای ترقی وعظمتش نیست وبرای نفوذ سریع آن درترقی معماری دنیای غرب هم نیست بلکه بیشتر مربوط باصول معماری و ساختمانهای ابتدائی است که مسلمین مغرب رابعالم بشریت مدیون ساخت وشاید تایکقرن دیگر نتوانیم آنچه درعالم معماری و ساختمان بدنیای اسلامی مدیون هستیم باکمال اطمینان یقین واعتراف کنیم ...

اعراب درعرض نیم قرن مانند گردبادی خودرا بستونهای هرقل (جبل الطارق) درمغرب وسرحدات هندوستان درمشرق رسانیدند.

کشورهائی که تصرف کردند تمدن‌های مختلفی داشتند ودارای علوم گوناگونی بودند ومساحت کشور مسلمین ازمساحت امپراطوری روم افزون تر ووسیع تر بود سبك معماری که مسلمین بوجود آوردند قابل مقایسه باسبك ساختمانهای روم ویونان وغیره نیست . معماری غربی روی اصول رومی است ولی معماری مسلمین ساخته ومانع خودآنهاست وعاملی که تمام سبکهای ترکی وهندی وایرانی وعربی رابنام سبك اسلامی بوجود آورده ایمان مسلمین است که صورت زیبائی بساختمان‌ها داده است مساجد ومدارس وبیمارستانها وکتابخانه‌ها وقصوروکاخهای معظمی بهترین معرف سبك معماری اسلامی است که بقدر وفوردرتمام اقطارعالم موجود است .

بارزترین نمونه سبك معماری اسلامی وجالبترین صنعت بنائی دراسلام اول ساختمان مسجد مدینه است که شخص پیغمبرص خود ساخت ـ ودرمرورزمان تکمیل شد وامروزیکی ازبناهای باعظمت ومجلل وازمعابد بلادفاع بزرك اسلامی است ودیگر مسجدالحرام ومکه است که بدست مسلمین تعمیر وتوسعه وتزئین وتذهیب یافت وپس ازآن مسجد بیت المقدس ومسجدقبة الصخره است و مسجد کوفة ومسجد فسطاط قاهره که عمردرعصرخود ساخت ومسجداموی دمشق ـ مسجد خیف درمنی مسجد مشعرالحرام مزدلفه ومساجد دیگری که عکس آنها بازحمت زیادتهیه شده ودراین کتاب زینت بخش گردیده است .

یکی دیگرازآثار برجسته مسلمین درفن معماری مناره‌های بزرگی است که میساختند و درهر مسجد برای اذان گفتن ماذنه‌ای بلندوسبکی خاص که امروزهم دراقطارعالم موجود است مانندمناره مسجدبزرك قیروان نزدیك تونس که زمان خلفای بنی‌هشام درسال ۷۲٤ ساخته شده ومناره‌ها ماذنه‌های موجوده مکه ومدینه وشام ونجف وکربلا وکاظمین وسامرا وبغداد وتهران واصفهان وقاهره واندلس

۱ـ صفحه ٦۳۹ تاریخ تمدن گ

وقرطبه و غرناطه و مدینه‌الزهراء الجزایر وغیره که اکثرموجود است وساختمان دماغی مسلمین درفن معماریست .

نکات دقیق فن معماری وخورده‌کاریهای ظریف و دقایق موردتوجه آن را متخصصین فن شناخته وبعظمت آن پی برده‌اند که مثلا مسجدشاه‌اصفهان برجسته‌ترین‌مساجد جهان ازلحاظ بنائی‌ومعماری وفنی است ومسجدشیخ‌لطف‌الله دراصفهان زیباترین صنایع ظریفه را دارد .

مسلمین دردریانوردی

هوالذی یسیرکم فی البر و البحر حتی اذا کنتم فی الفلك وجرین بهم ریح طیبة وفرحوا بها جائتها ریح عاصف وجاءهم الموج من کل مکان وظنوا انهم احیط بهم دعوالله مخلصین له‌الدین لئن انجیتنا من‌هذه لنکونن من‌الشاکرین

آیه ۲۳ سوره یونس

خالق عالم وآدم کسی‌است که میگرداند وسیرمیدهدشمارادرصحرا ودریا وقتی‌در کشتی‌نشیند بادی میفرستد فرح‌انگیز ونشاط آمیز تاکشتی شمارا بانجاکه خواهیدبرد وچون تندبادستت‌بوزدو طوفان شود و برصات درردریا پدیدآید وامواج ازهرجانب روبکشتی‌آورد بدون‌شك چون دیدند که امواج برای بلع نمودن کشتی متوجه است وآنهارا احاطه کرده است بی‌اختیار خدارا میخوانند و ار اومدد ویاری میخواهند وماهستیم که آنهارا ازاین طوفان امواج که کشتی‌را دراوج وحضیض‌میبرد نجات میدهیم شاید سپاسگزارشوند .

سعدی :

خداکشتی آنجاکه خواهدبرد اگر ناخدا جامه برتن درد

فردوسی :

برد کشتی آنجاکه‌خواهدخدای اگر جامه برتن‌درد ناخدای

درباره کشتی و کشتی‌سازی وسیر دریاها ونجات ازطوفان چندین فصل در قرآن مجید مشحون برچندین آیه که درباره کشتی‌سازی حضرت‌نوح وآب‌شکنی حضرت‌موسی و کشتی‌سواری حضرت‌یونس ذکرشد وچنانچه گفتیم چون قرآن برای درس کشتی‌سازی و کشتی‌رانی وساحل گیری وغیره نیامده‌و درعین‌حال مسلمین رابااین‌علوم وفنون ازیادآوری انبیاء سلف درس علم وفضیلت میآموزد مسلمین هم دراین‌فن بمناسبت مجاورت‌درسواحل‌خلیج‌فارس‌ودریای‌هندومدیترانه‌توانستند بسرعت درزمان کوتاهی شگفت‌انگیز دریانوردی را باکامیابی انجام دهند و قریب چهارصدسال برآبهای دنیا فرمانروائی داشته و اینك باجمال فهرست دریانوردی مسلمین را برای اثبات غرض خویش بنظر خوانندگان میرسانیم تاشاید روح صمیمیت‌وغیرت آنها تحریك شود ولباس آسایش وتن‌پروری که بذلت و خواری آمیخته است ازتن بیرون کنند وبردنیای خود وزندگانی این عالم چیره گردند تابتوانند افتخار دو جهان را در رستگاری وسعادت وکامیابی ببرند.

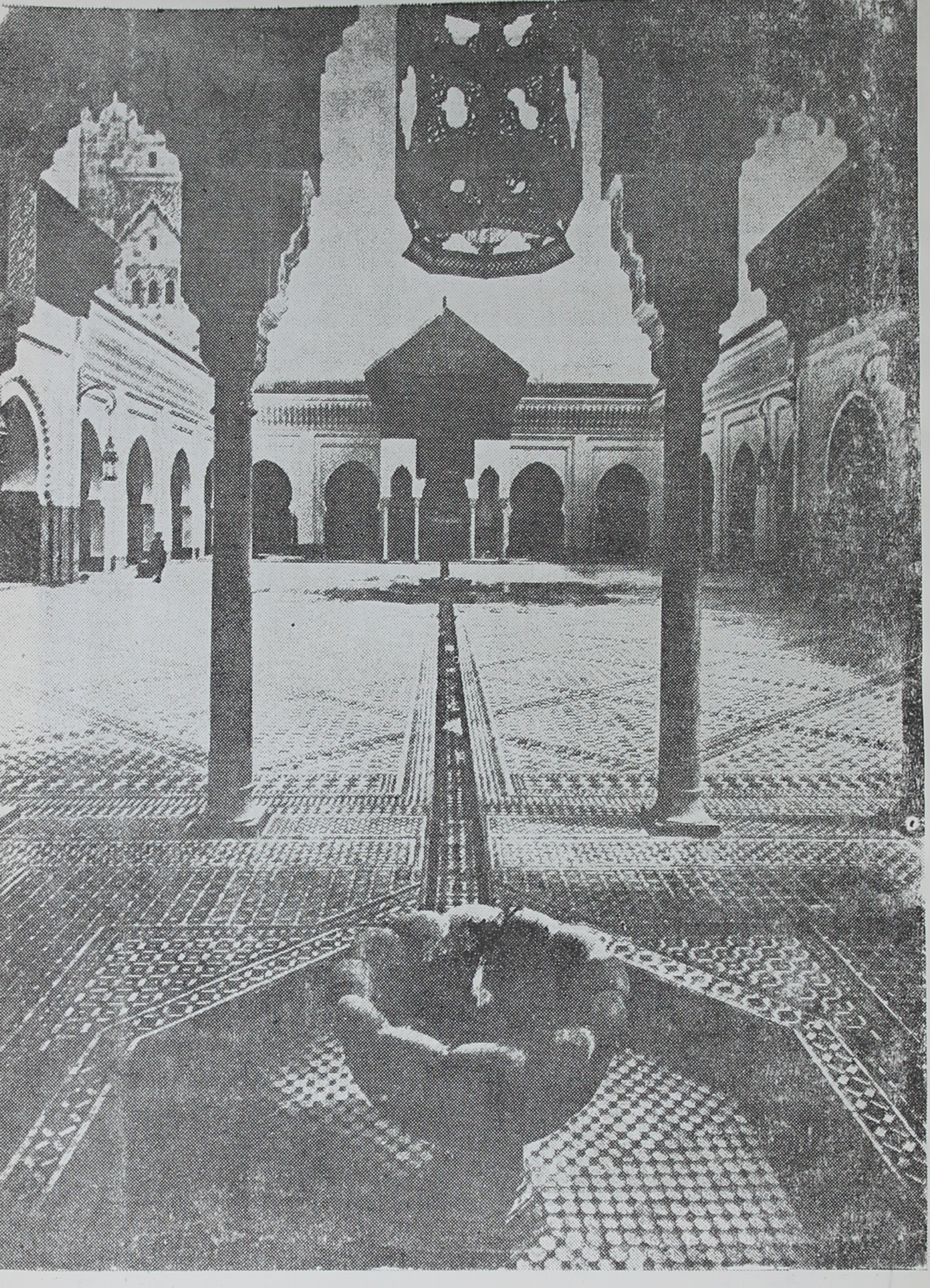
درباب دریاها درقرآن ۵ آیه است :

ربکم‌الذی یزجی لکم‌الفلك فی‌البحر لتبتغوا من فضله انه‌کان بکم‌رحیماً

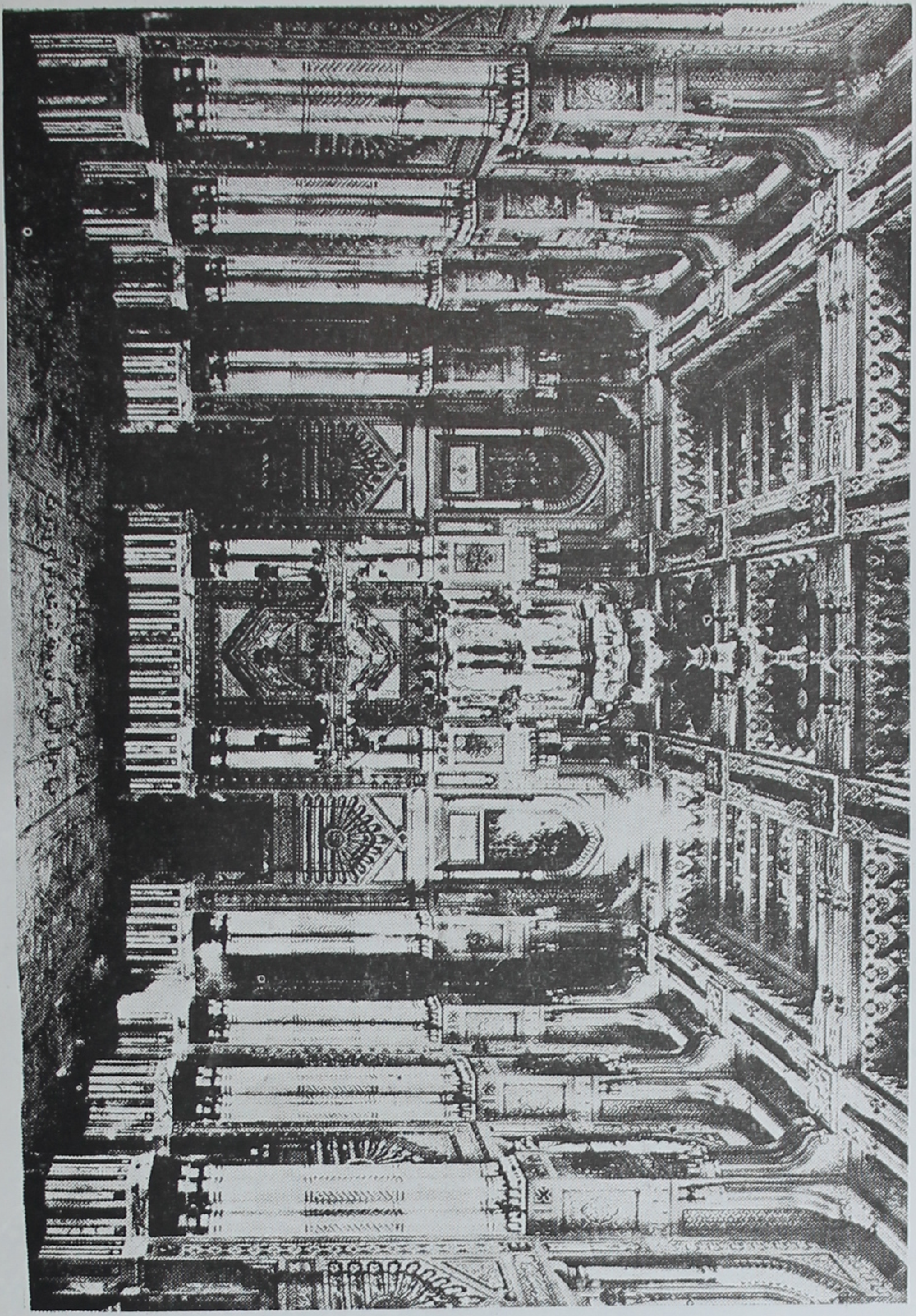
آیه ۶۹ سوره اسرافیل

الم‌تران‌الفلك تجری فی‌البحر بنعمةالله لیریکم من‌آیاته ان فی‌ذلك لایات لکل صبار شکور

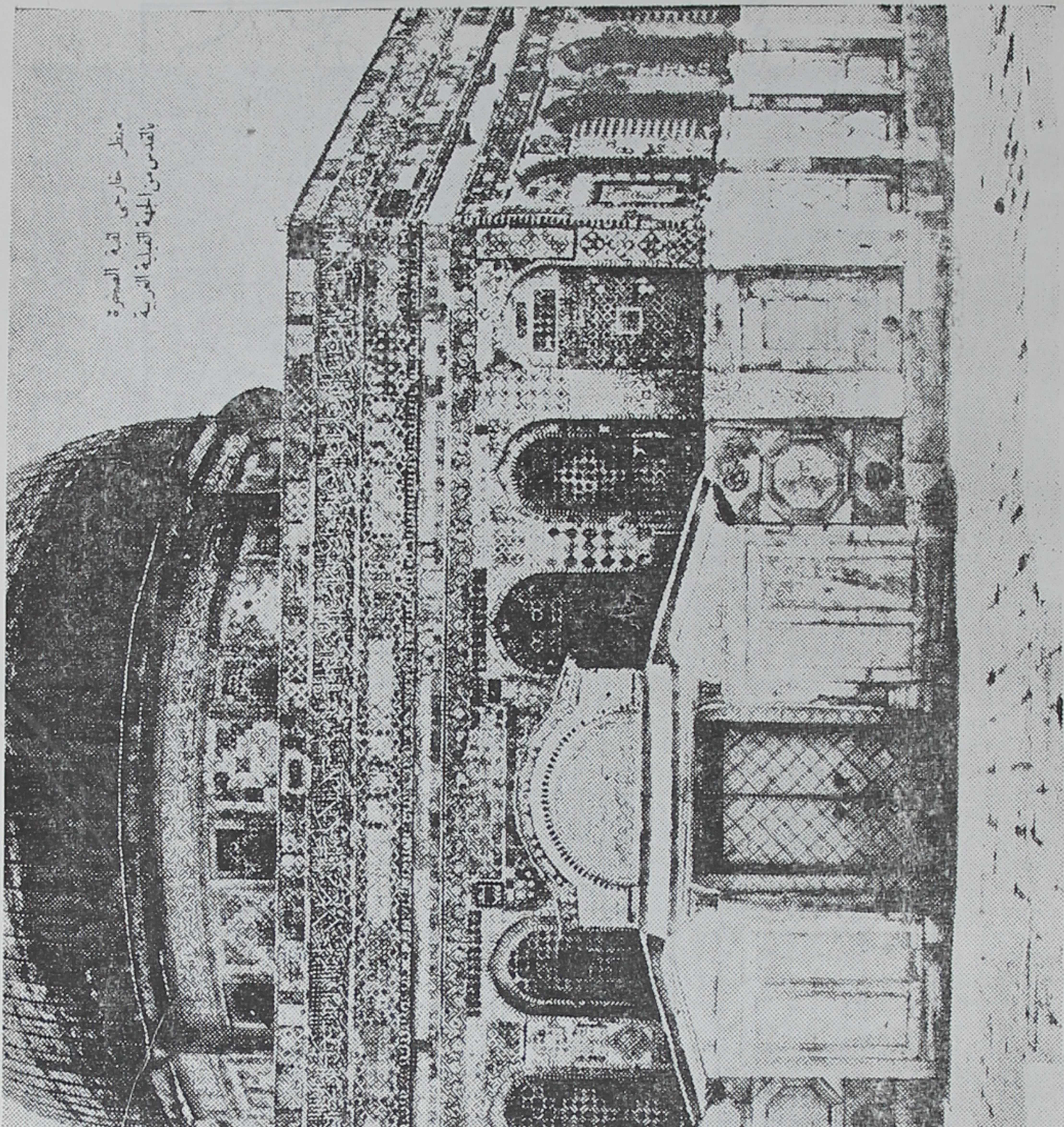
آیه ۳۵ سوره لقمان



(ش۹۷)　قسمت داخلی مسجد سلطان محمد درمراکش

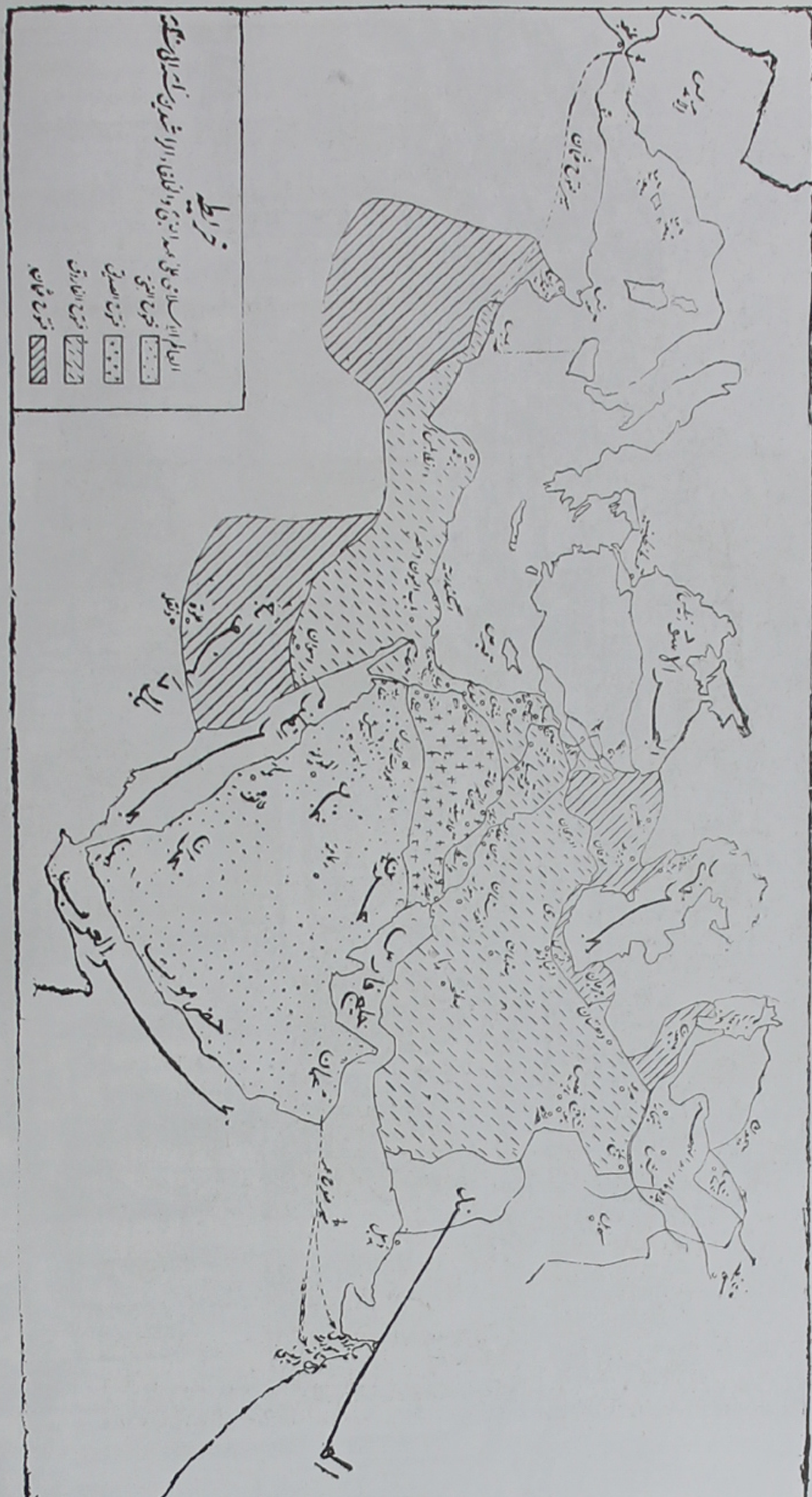


(ش ۹۸)　قصر عابد در مصر



منظر خارجي لقبة الصخرة
بالقدس من الجهة القبلية الغربية

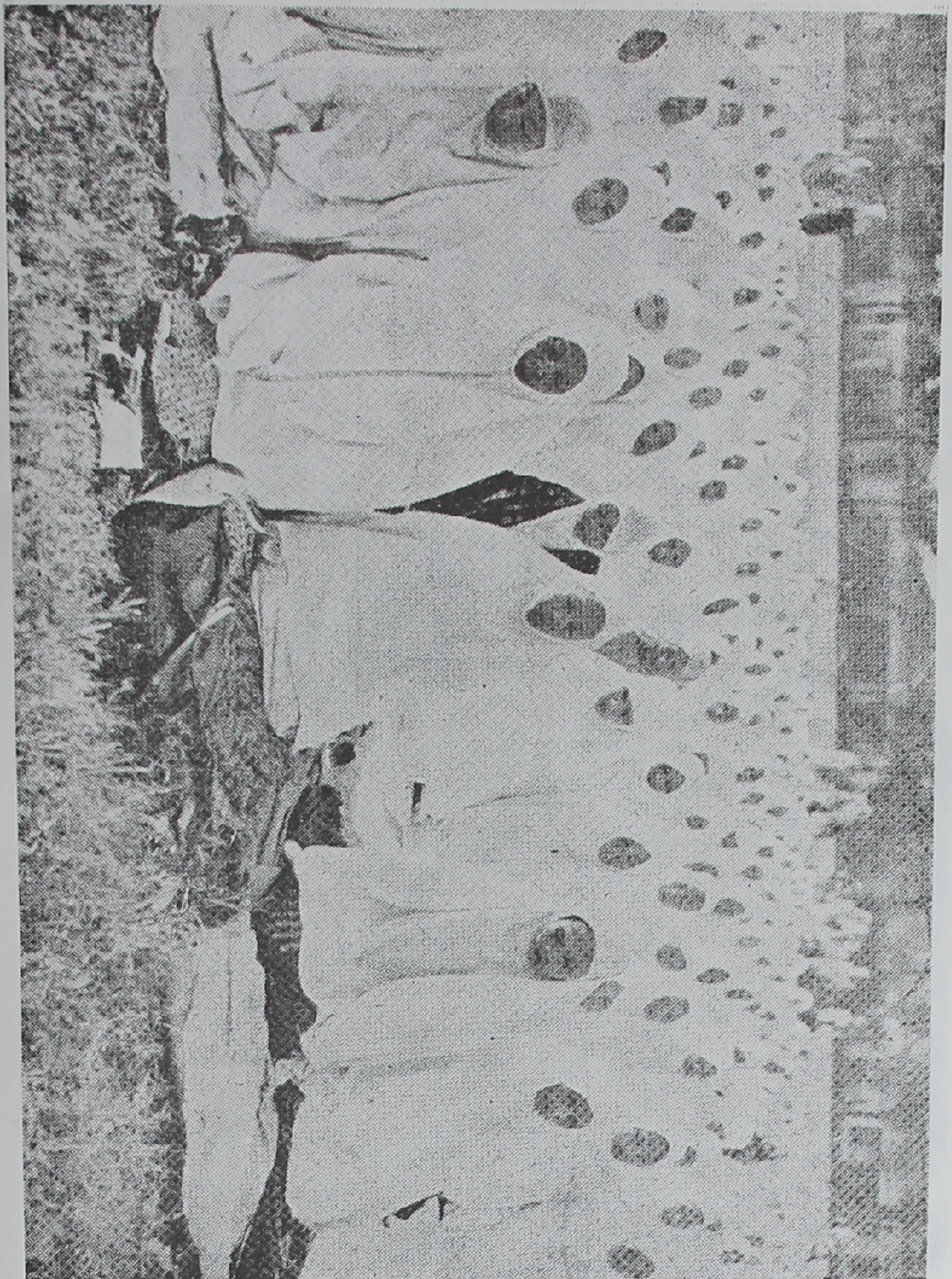
(ش٦٩)



(ش ۱۰۰) نقشه عالم اسلامی درعهد خلفاء راشدین



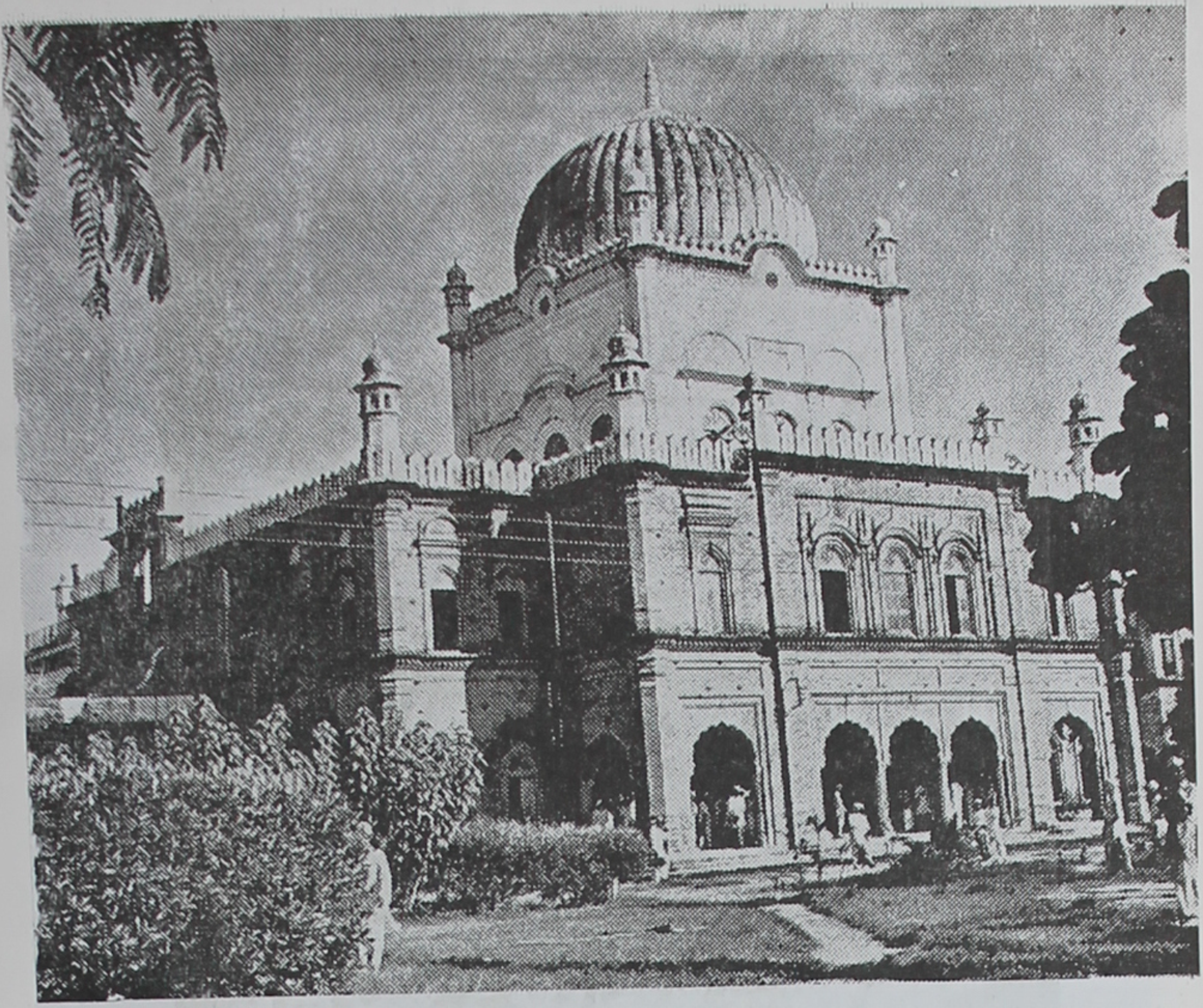
(ش ۱۰۱) یکی ازمناظر باشکوه مراسم مذهبی دراندونزی



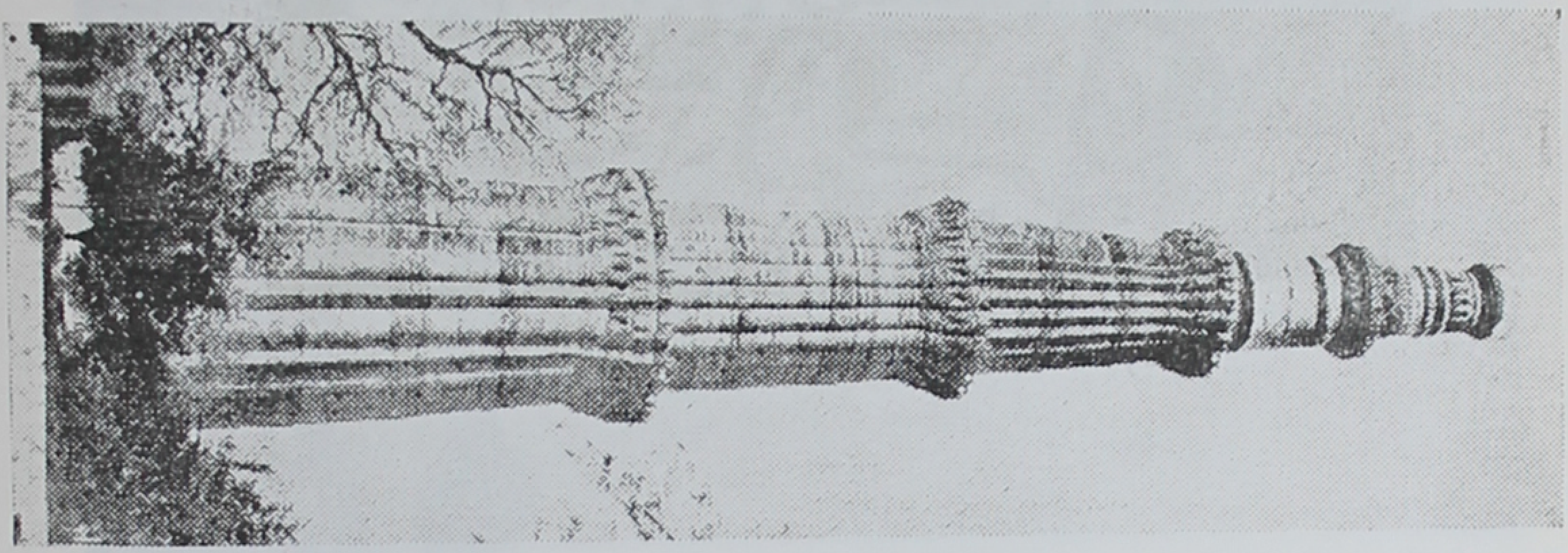
(ش۱۰۲) زنهای مسلمان درحال نماز



(ش۱۰۳) نوشته شاه اسماعیل دردانشگاه اسلامبول



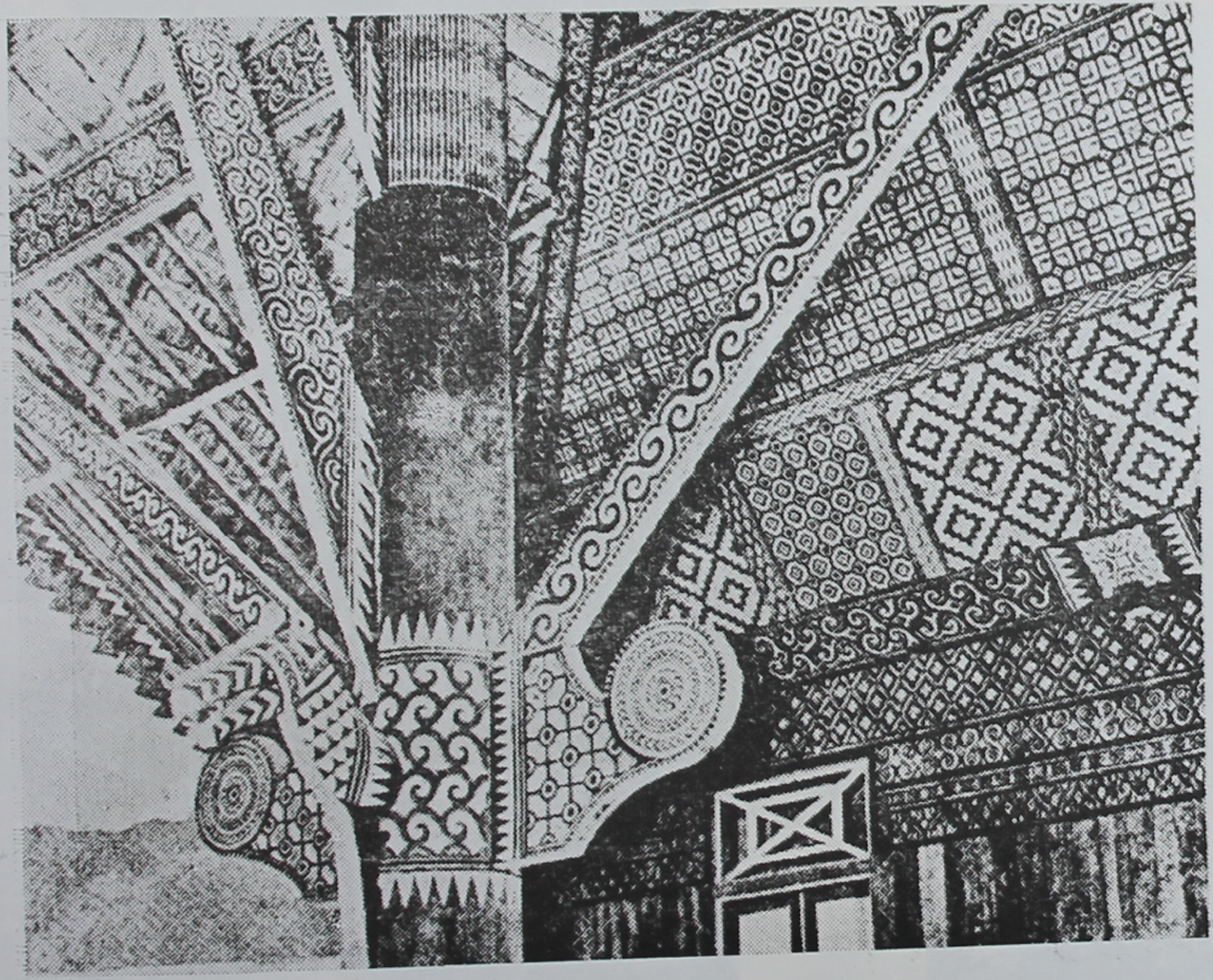
(ش ۱۰٤) د'ارالعلوم بویاند



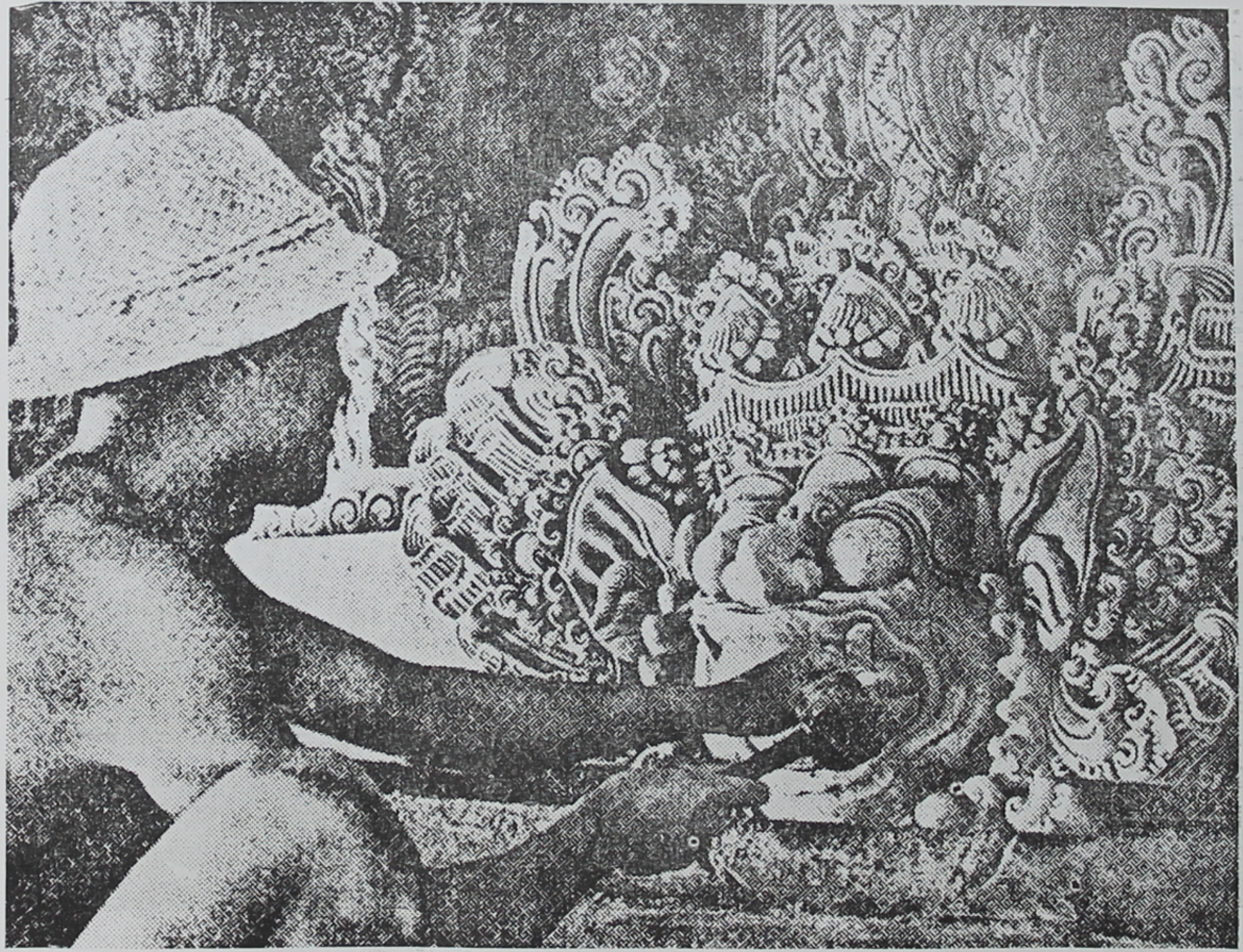
(ش ۱۰۵) یکی ازمناظرمهم دهلی



(ر ١٠٦) مقبره اورنك زيب



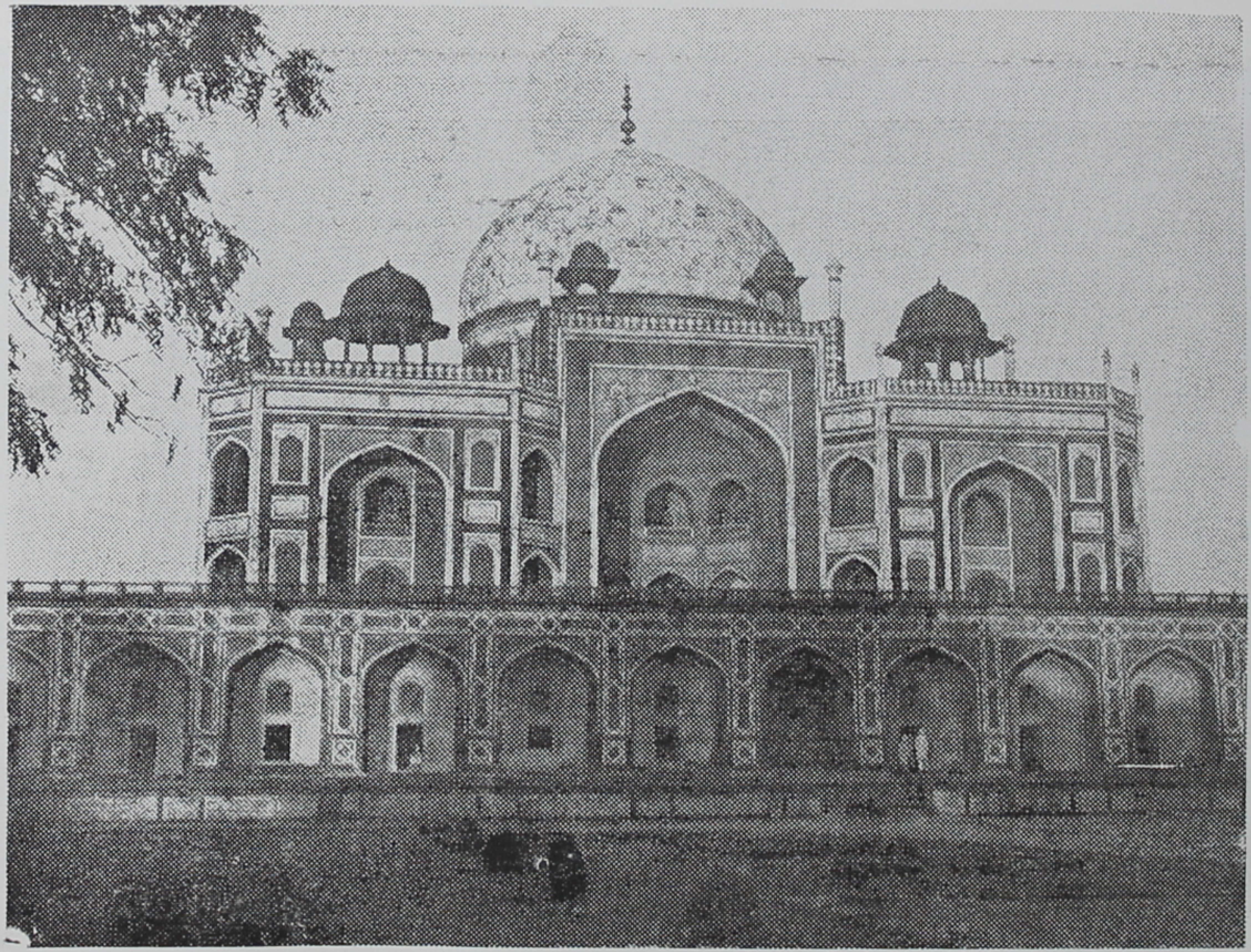
(ش ۱۰۷) آثار صنعتی جزیره سوماترا از عصر درخشان



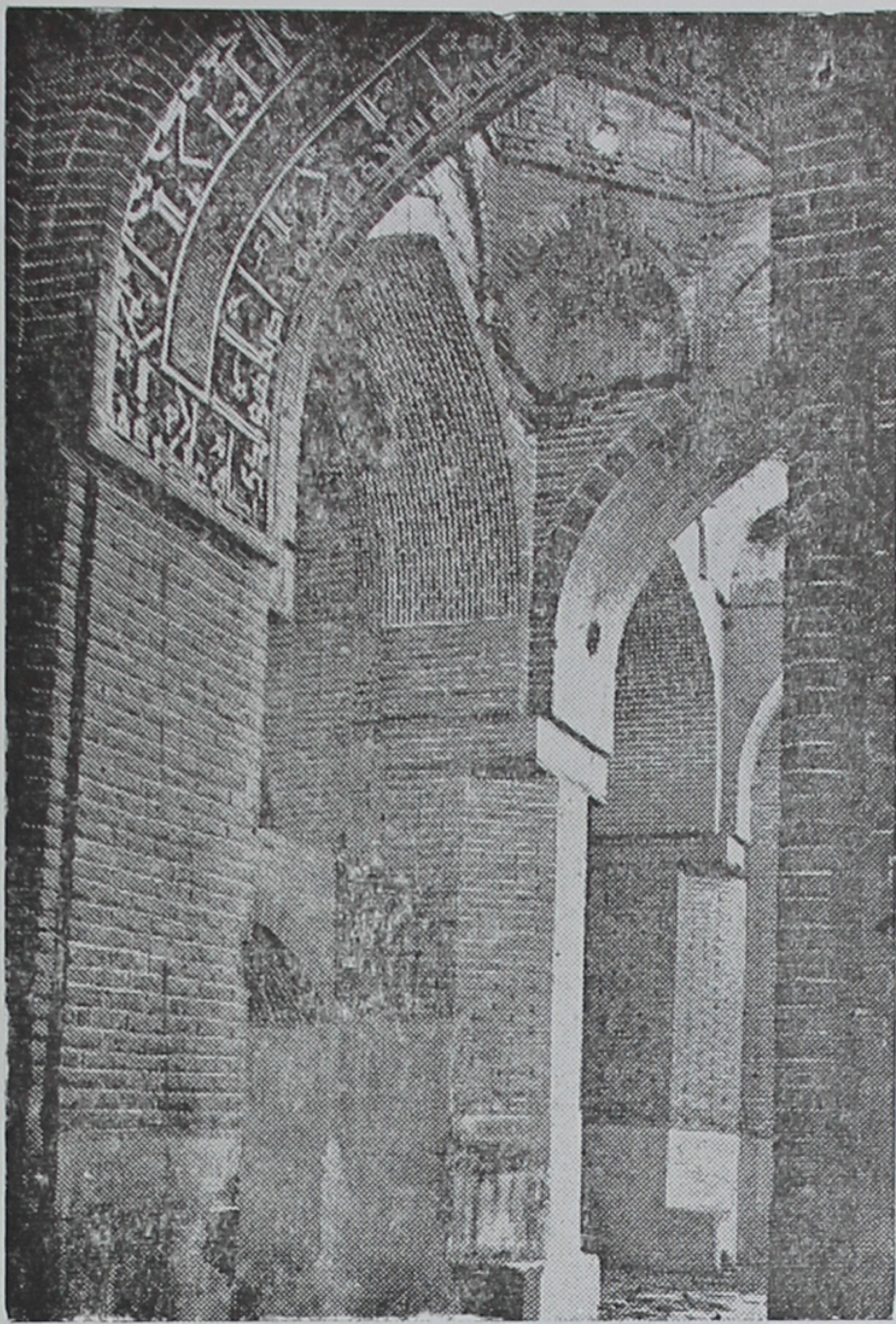
(ش ۱۰۸) تزئینات سنگی که درسنگهای سخت بادقت بسیار زیاد ایجاد میشود



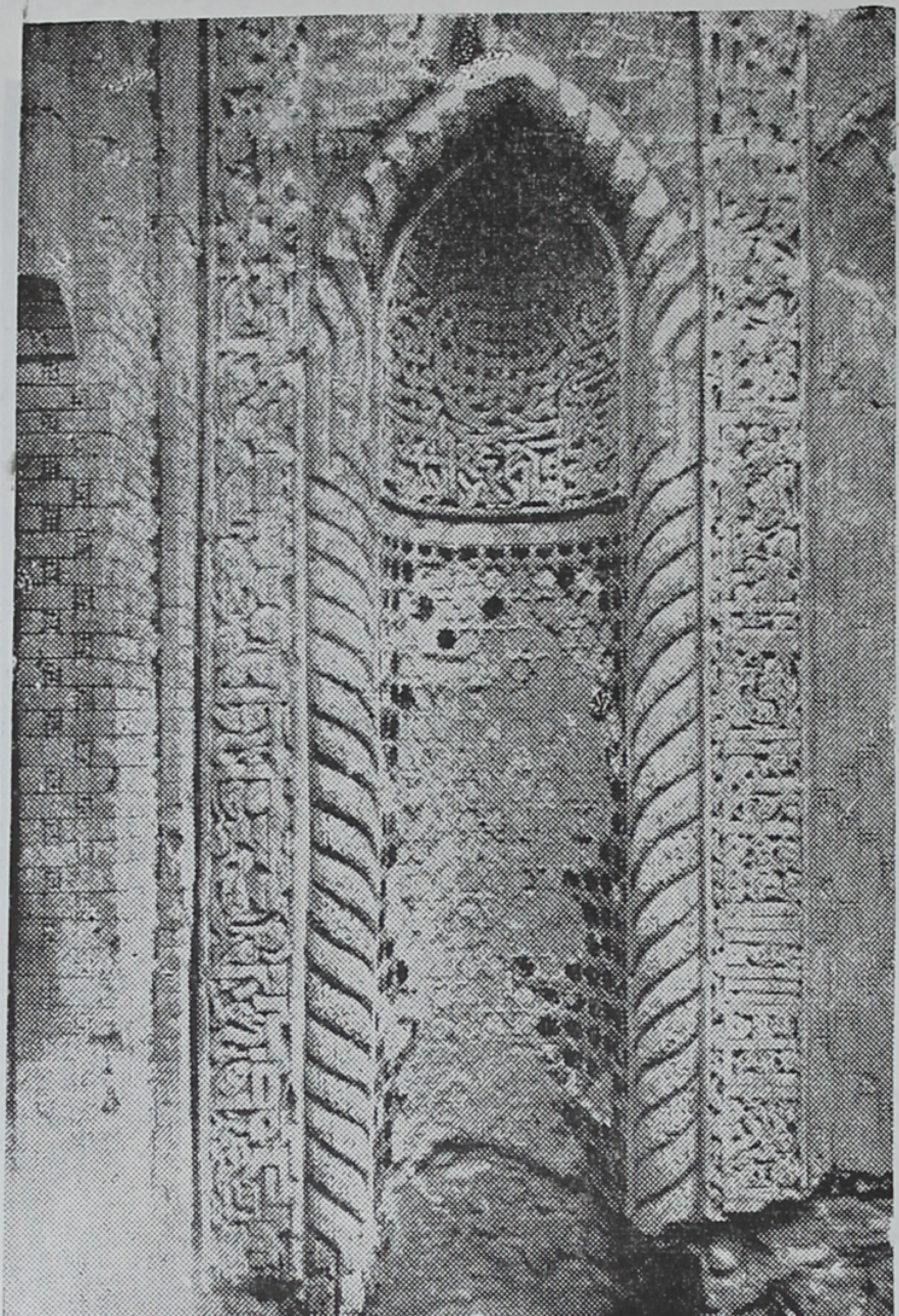
(ش۱۰۹) یکی‌ا مدارس اسلامی دراز ونزی



(ش۱۱۰) مقبره همایون دهلی جدید



(ش ۱۱۱)　　مسجد علویان



(ش۱۱۲) پیر بکران دامغان



(ش ۱۱۳) بانوان در جشن برقراری حجاب

نیروی دریائی اسلام

عرب قبل‌ازاسلام بقایقرانی عادت وخوگرفته‌بود ولی میدان دریاسواری آنها کوتاه بودبیشتر مابین حمیر وسبا درروزگار پادشاهان تبابعه برای تجارت کشتیرانی میکردند- اعراب حجازازقایق رانی بیم‌داشتندوازراه دریاسفر نمیکردند - درعراق نیز ازقدیم‌الایام قایقرانی ومرکب دریائی فقط برای‌شط فرات تامصب دریا وپیمودن شهرهای ساحلی خلیج‌فارس بود.

چون‌اسلام‌پدیدار ومسلمین کشتی‌های رومی‌ها رادرسواحل دریای روم مشاهده کردندوجنگهای دریائی‌رادیدند برخود لرزیده‌ولی‌جسارت‌یافته‌برای‌جنک دریائی‌حاضرشدند . اول کسی که این‌جرأت وشهامت رابخودداده وسوارمرکب دریائی‌برای نبرد وپیکارشد بنقل جرجی زیدان علاءبن‌الحضرمی عامل بحرین درزمان عمربن‌الخطاب بود این‌فرمانده شجاع بران‌شد که شهرهای ساحلی‌خلیج‌فارس را فتح کند وحکومت نماید - ازخلیفه استیذان کرد که قایقها و کشتی‌ها تهیه نماید وبپیشرفت‌خود ادامه دهد عمرموافقت نکرد - فرماندار‌بحرین ازمنع خلیفه سخت متاثر بود که درهمین ایام شنید سعدبن ابی‌وقاص امیر کوفه براین‌کارتصمیم گرفته خلیفه اوراهم منع نمود دردنباله این افکار معاویه فرماندارد‌مشق واردن که مردی حریص وپر آرزو بود خواست از کشتیهای رومیها برای ماوراء اردن استفاده کند یکنفرنماینده نزدعمر فرستاد که کسب اجازه نماید بازهم عمر او را منع نمود - عمرو فرماندارمصرهم این اجازه راخواسته بودعمردرجواب نامه اونوشت :

«دریادارای‌مخلوق‌زیادی هست و سوار کاران کشتی معدودی بیش‌نیستندد‌رآنجا جز‌آسمان وآب چیزی‌نیست اگر کشتی بسوی دریائی برخورد کندهمه محزون‌ومایوس میشدند واگرپیش‌رود عظمت‌دریا آنهارا بحیرت میاندازد - یقین آنها افزون میشود ولی شك آنها افزونترمیگردد - آنهامانند دودعود چرخ میزندتا اگردرنتیجه غرق شوند یانجات یابندجزضعف‌نفس چیزی تحصیل نخواهندکرد»

چون این نامه بمعاویه رسید گفت «**:الذی بعث محمداً بالحق لااحمل فیه مسلماً ابداً** » سوگند بپروردگاری که محمد را بحق برگزیده کـه بر کشتی سوارنمیشوم ویکنفر مسلمان را سوار نمیکنم ،

ازاین روایات ضعف نفس عمر و معاویه از نظرحفظ آمالها و آرزوهای خودپدیدارمیگردد

چون خلافت بعثمان رسید وفرمان داد که ازراه دریا بفتوحات بپردازند معاویه ازفشار عثمان قبول کرد لیکن‌شرط نمود که جنك‌دریائی‌دراختیار او باشد که اگرخواست جنك نکند واگرخواست قشون راسوار کشتیها نماید وآنرا حمایت کند .

معاویه خواه نـاخواه سوار کشتی‌شدوتاقبرس درسال ۲۸ هجری رفت و بامردم آنجا مصالحه نمود که درسال ۸۲۰۰ دینار جزیه بپردازند - این اولین غزوه و جنك دریائی و اولین سفرفتوحات مسلمین‌بود که ازراه دریا آغاز گردید - دراین سفرقدرت‌وشهامت - شجاعت‌ودلیری - مسلمین‌درسفر دریاافزون گشته ورغبت‌ومیل آنهاشدت کرد تاجائی که اگرجنك هم‌نبود درفصل پائیز وبهار کشتیرانی میکردند وتمرین داشتند - تاآنجا که سیادت دریائی‌در۴ قرن نصیب آنها شد.

باتوجه بفرمان خلیفه دوم که بیشتر تاکید مینمود محلی قشون فاتح اسلام انتخاب کنند که

بین خلیفه و عمال آب فاصله نباشد موید گفتار درضعف نفس و بیم خلیفه ازسفر دریااست.

ناورانی عرب

اعراب در گردنه مدیترانه پیاده شدند و این توفیق سبب شد که ازجنبش علمی وفنی ودینی آنهاثروت وفرهنك مصر و سوریه در دسترس آنها قرار گرفت .

امپراتوری روم سراسر آبگیرمدیترانه را دردست داشت که بازرگانی ازادخاورمیانه ازآبهای آنجا انجام میگرفت و چون اعراب آنجارا تصرف کردند ازتمام مزایای امپراطوری روم شرقی بهره‌مند گردیدند .

قبل ازعرب روم وایران دردریای هند ومدیترانه وحدت ویگانگی برای تجارت و بازرگانی یافته بودند وباجنگهائی‌هم که برای رقابت تجارت میکردند بازآبهای این قسمت دست آنها بود که مسلمین هردورا شکست‌داده وقدرت صحرائی ودریائی روم وایران را درهم شکستند وآثارتمدن آنها راگرفتند - باآنکه دین ایرانی ومسیحی‌دورقیب دوسمت دریای مدیترانه بودند ودوامپراطور بزرك باهم مصاف میدادند وبجای آنکه مدیترانه شاهراه بازرگانی باشد سرحد قدرت نهائی شده بود- ویکروز این دریای جنك پهناوری داشت که اسکندریه را دگرگون ساخت ودرقرن هفتم میلادی در زمان عمرخلیفه دوم بدست اعراب افتاد .

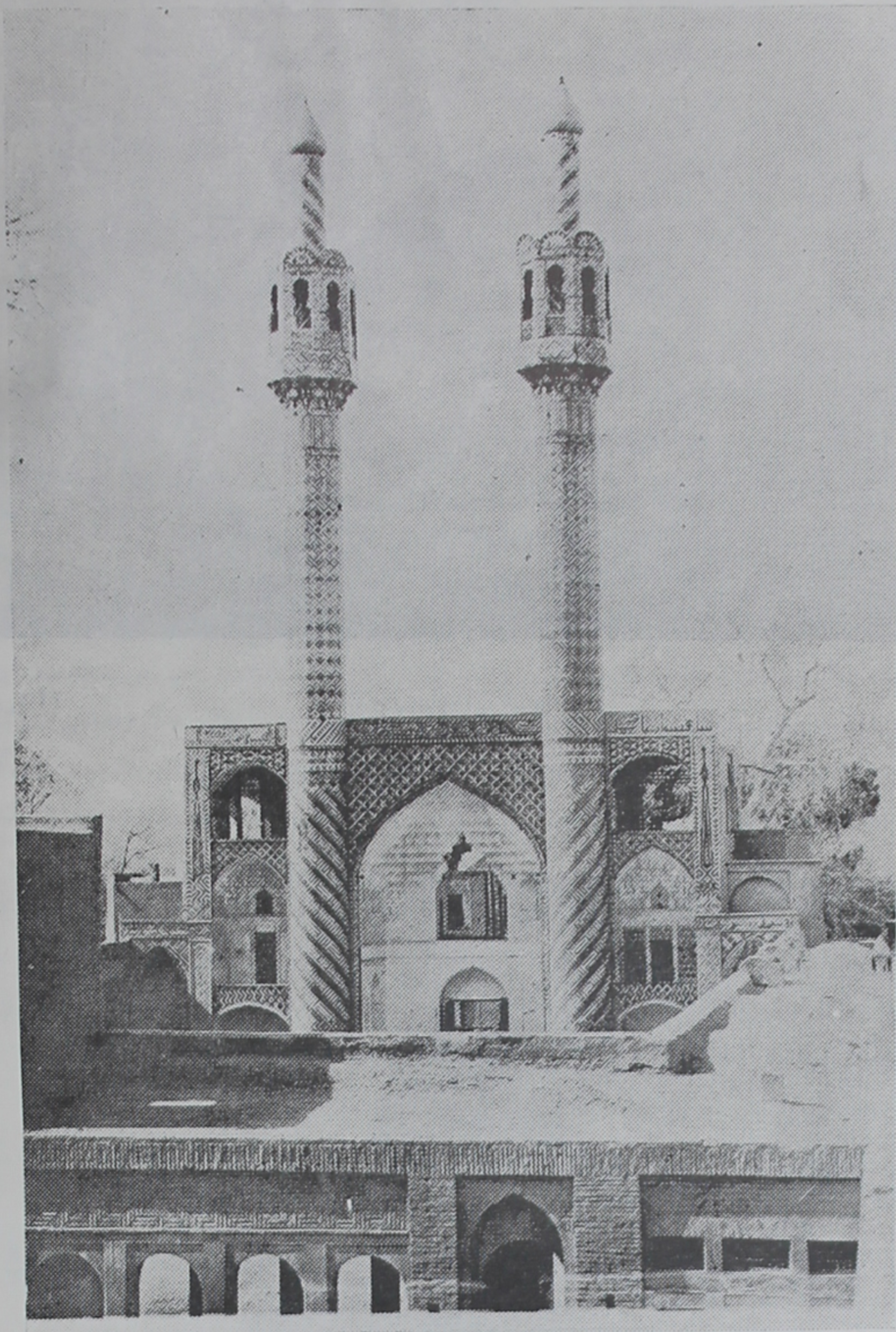
اعراب برای مبارزه ومعارضه بمثل بانیروی دریائی آن دو رقیب برومند یك چیز سودمندی بمدیترانه آوردند وآن بادبان‌لچکی بود که باآن برآب تسلط یافتند وهمه کرانه های خلیج‌فارس‌را دردست گرفتند وپیش‌رفتند وسرزمین‌های آسیای‌غربی رابامصر بهم متصل ساختند این‌حوزه‌اقتصادی که نخست بدست پارسیان بودودردست جانشینان اسکندردوقسمت شد باکوشش اعراب‌یکی گردید یعنی برای بازرگانی یکسراست - باشرق ازراه مصرودریای سرخ بهم متصل گردید .

سلاطین روم وایران واکاسره وقیاصره‌باهم برسراین راه تجارتی مبارزه داشتند ویکدسته تازه وارد غربی هم دخالت کردندمانندبطلیمها - سلوکیان - رومیان - پارتیان - غیر اینها - ساسانیان میخواستند سرحد غیرطبیعی بین سوریه وبین‌النهرین بوجود آورند که اعراب آمدند برسر آنها ریخته همه را ازمیدان بدر کردند .

خلیج فارس و دریای سرخ دیگر رقیب روم و قسطنطنیه نبودند و امپراطوری مسلمانان رونقی گرفت و بازرگانی بین خلیج فارس - هند - چین در زمان عباسیان تا وقتی که بغداد پایتخت شرق نزدیك بود بسیار رونق داشت وهمچنین میان خلیج‌فارس و افریقای شرقی آمدوشد معمول ورواج بود وراههای باستانی ازدریای سرخ دوباره جان گرفت.

تصرف وتفوق مسلمین دردریانوردی مایه‌امید و کامیابی ملل مجاورشد بحدی که ازآزمایش و بهره گیری درشرایط امکان موجود وجدوشوقی نشان‌میدادند ومانند سایر رشته‌های زندگی که تسلط و چیره گی یافته بودند در بازرگانی دریائی هم باوقوف کاملی که در جغرافیا و تاریخ داشتند کامیاب شدند .

مسلمین دردریا مانندصحرا همان روح جنگی وازخود گذشتگی رانشان دادند **عثمان ثقفی فرماندار بحرین درسال ۶۳۶م بعمان نزدیك یمن پیش رفت و برادر خود را بخلیج دیبل دردهانه سندفرستاد واز آب گذشت** ودرخشکی تااستخر پرسپولیس پیش‌رفت وبا آن که کشتی های او را ازبین بردند ودزدیدند اوسفر پرخطر بین بحرین وبصره راطی کرد سال ۶۳۸ وباآنکه



(ش ۲۸) باغ ومنارهای مسجد تاریخی ماهان کرمان

مصر که قلب اسلام درشرق بشمارمیرفت کشور صنعتگران کاروان دریائی بود و بی گمان قبطی ها ازدانش یونانی که اسکندریه اززمانی که بنیادش گذاشته شد مرکزآن بود بهره بسیار گرفته بودند ـ وتنها چیزیکه ازاین حیث مصر فقیر بود الوار چوب برای کشتی که از سوریه یا کشور باشند دیگری باید بیاورند.

بندرهای سوریه که عمده آن اکره «عکا» وصور است نیز پایگاههای دریائی مسلمین بود که از آنجا مقداری ناوگان بسوی ذات الصواری براه افتادند ولی در آن زمان کشتی سازی در کرانه سوریه نبود.

معاویه مرکزی برای کشتی سازی درآن کرانه درسال ۴۰-۵۰ هجری برقرار نمود وکارگران فارس را که در انطاکیه ـ حمص ـ بعلبك مانده بودند بصور و اکره و بندر های دیگرسوریه آورد وآنها کشتی‌سازان فنیقیه بودند که برای ناوگان بین‌النهرین کشتی میساختند وناوگان‌عرب قبل‌از اسلام همه‌بدست یونانیان افتاد که باخود برده بودند ومسلمین از نو ناوهائی ساختند وکشتی های تندرو سبك‌بایك یادوردیف پارو وبادبان های چهار گوش باستانی- مدیترانه رادرسفر دریائی بکار می بردند.

مسلمین درمصر ازقبطیها که‌سابقه کشتیرانی وملاحی وپاروزنی داشتند استفاده کردند وآنها را درنیروی دریائی بکار گماشته وبسوریه برای تکمیل اطلاعات ناوبانهای عرب میآوردند و ابن مقفع در سال ۲۳۴ راجع بکشتیرانی قبطی‌ها در سوریه از نظرخرج سفر و تجهیزات گله و شکوائیه نوشته است.

درهرحال مسلمین بجای یونانی وقبطی متصدی دریا نوردی شدند ولی‌کار راطریقت برای‌تکامل خودمیدانستند نه بعنوان موضوع‌کار ولذا درجریان ذات‌الصواری اعراب‌کاردریانوردی راپست‌شمرده بفتوحات‌مهمتری دست زدندودریاسالاران‌وناخدایان بزرك همه عرب بودند وکارگران و کارگردانان ازملل دیگر استخدام میشدند جنانچه دسته مصری زیر فرمان عبدالله‌بن‌ابی‌سرح فرماندار مصر و دسته سوم بسر کردگی ابوالاعور فرماندارسوریه بود وآنها بادوستان قبطی‌درقبال ناوگان بیزانس که همه یونانی بودند مقاومت میکردند ودرجنگهای دریائی ازمصر ۲۰۰ دویست کشتی و از سوریه شماره نامعلومی براه میافتاد و هدف آنهارسیدن بکرانه لیکیه و بریدن درختان سرو برای کشتی‌سازی بود،

درجنگهای دریائی اول مانند جنك درخشکی دوطرف یونانی وبیزانس‌دریك سمت کشتی‌هارا نگاه داشته بودند واعراب مسلمان دریکطرف وبعدمانند جنك درخشکی باشمشیرونیزه میجنگیدند وکشته‌ها درآب میافتاد وعربها دراین جنك پیروزشدند وکشتار بسیار نمودند درلیکیه پیاده شدند کاردانی قبطی‌ها درکشتیرانی وشمشیرزنی عربهاباهم کمك کردند وآنهاراافاتح‌ومظفر نمود (۱) اعراب پس‌ازپیروزی درکرانه سوریة بدریای سرخ راه یافتند ودربازارهای بابل ومصر وکناره قلزم(کلیما) وبندرینبوع وجده پیش رفتند. ۱

۱-اسناد خارجی بنقل دریانوردی‌عرب جرجف حورانی معادن‌الجوهر مسعودی در وقایع ۳۲۷ التنبیه والاشراف ۶۳۵ ـ مقدسی‌در۶۶۷ یعقوبی در۱۷۰ ابن‌قتیبه‌وابن‌حوقل واصطخری‌درقرن سوم ومروزی درگردآوری اخباردریائی مسلمین دراواخر قرن چهارم جزئیات جالب توجهی درباره نیروی دریائی

۱- طبری صفحه ۲۸۵ ج ۵ بلاذری صفحه ۱۱۷ ـ فتوح مصرابن‌عبدالکریم‌تاریخ‌عالم جلد۴-

عمروعاص در زمان حکومتش دستورداد که یك شاخه‌ای ازکانال دریاچه تمساح بسوی شمال بمدیترانه مانند کانال‌سوئز کنونی باز کنند ولی‌عمراز ترس آنکه مبادا ناوکان بیزانس ازدریای‌سرخ برانند وحج مسلمین رابرهم زنند اجازه نداد ولی‌بعد که تسلط کامل یافتند اقدام کردند و کشتیهای مسلمین درقلزم- فسطاط ـ مصر- اسکندریه کناره میگرفتند ومالك‌الرقاب این دریاها بودندوابواب تجارت برای پارسی وعربی وسایرملل مسلمان بازشد وازهمین راه بژاپون و چین دست یافتند واز خلیج‌فارس بکانتون دورترین راه دریائی بود که مسلمین طی میکردند واین رابطه بین ایران وچین ازموفقیتهائی بود که دراثربذل مساعی مسلمین بدست آمد وسرتاسر جهان اسلام ازاسپانی تاسند زیرفرمان خلفای اموی بود ودر دوره عباسیان افریقا وچین هم بامسلمین ارتباط کامل یافتند.

وایرانیان مسلمان بودند که بچین راه یافتند ونخستین سفری که ایرانی بچین کرد درسال ۶۷۱ میلادی‌یعنی درست درسال ۵۱ هجرت بود درکانتون بریك کشتی پوسه سوارشدند وبجنوب‌بهو که «پالمبانك» درسوماترای جنوب شرقی رفتندویك‌زردشتی‌هم درسال ۷۱۷ یعنی سال ۹۱ هجری‌با ۳۵ نفر بچین رفتند که درجلد دوم مفصل خواهیم گفت :

ویکدسته ازمسلمانان‌شیعه که درخراسان مورد زجروشکنجه بودند بطرف چین حرکت کردند وبنقل‌مروزی صفحه ۱۱۲ آنجا بودند و واسطه معاملات بین چین وعرب وایرانی میشدند تارسماً در قرن دوم اسلامی وقرن هشتم‌میلادی‌ابوعبیده‌واصل ازعمان بچین‌رفت‌وچوب‌عودخریدباری نیروی دریائی مسلمین چنانچه‌دیدیم‌ازخلیج‌فارس‌ودریای‌مدیترانه وساحل‌اسکندریه‌پیشرفت روزافزونی کرد تابچین وژاپون‌باکشتی‌رسیده وسرحد خشکی برای جهان‌اسلام‌ازبصره ـ اهواز- فارس ـ عمان- بهام- بحرین و کرانه‌های دجله وفرات تابغداد وموصل ودیاربکر ـ وربیعه وآذربایجان وارمنستان ودیارمضرورقه ـ سوریه ـ مرزمصر وافریقای شمالی باقایق پیش میرفتند.

فرات بوسیله چندکانال قابل ناورانی بادجله وصل میشد که یکی نهرعیسی ویارانش بغدادبود وطبری ازدهان منصورمیگوید «**این است دجله که میان ماوچین مانعی نیست** وهرچه دردریاست میتواند برروی آن نزدما بیاید».

مورخین همه اتفاق دارند که ایرانیان بامسلمان شدن‌خود اثرهای‌بسیاری درزندگانی دریائی آنروزگار بجاگذاشته. وازآنجمله‌اصطلاحات ولغات‌دریائی‌است که‌ازلغت ایرانی دردریانوردی عرب بجامانده‌است ودر کتاب‌عجایب‌الهندنام‌بسیاری ازناخدایان که فارسی بوده‌اندبرده شده وحتی‌چینیها عربها را بنام تاشیه که ازفارس‌تازیك ازقبیله ظمی میآیدمیشناختند و کشتیرانی‌مفصلی‌بین چین وهند میشد ـ ابن خردادبه‌ومورخین‌اخبار الصین‌والهند مینویسنددرقرن سوم کشتیرانی‌مرتبی بچین‌میشدو چون‌دریانوردان بحرین تجاهر بسرقت کردند نیروی‌دریائی‌اسلام‌ازایران وهند وچین برای کیفر دزدان دریائی بحرین کیفردادن آنهامتفق شدند ودزدان را ازبین بردند وپایگاههای سفردریائی مسلمین ازخلیج‌فارس تاچین امن وبرقرار بود که مسعودی‌وابن حرداذبه وغیره مفصل نقل‌اخبار آنرا نموده‌اند.

ـ مسلمین نوشته است ، **کتاب‌اخبارالصین‌والهند- عجایب‌الهند ـ صورة‌الارض‌ابن‌حوقل المسالك والممالك اصطخری. احسن‌التقاسیم فی‌معرفه‌التقاویم مقدسی- البلدان‌ابن‌فقیه المسالك والممالك‌ابن‌خرداذبه ـ الخراج‌قدامه ـ الاعلاق النفیسه یعقوبی- مروج‌الذهب مسعودی وغیره**

« بلاذری‌صفحه ۴۳۵ التبیه والاشراف صفحه ۵۵ طبری‌صفحه ۳۵۹» «یعقوبی کتاب‌البلدان صفحه ۲۳۷»

کشتی در اسلام

اگردرتاریخ کشتی‌رانی‌درجهان بشریت توجهی شود خواهیم دیدکه اول معلم این فن حضرت نوح پیغمبرع بود وعرب چون درخشکی تجارت میکرد کشتی‌سازی وملاحی نمیدانستند و برای فرا گرفتن این فن بزرك درحوزه حکومت اسلامی ازملاحان رومی واهل صنعت وهنرمتخصص استخدام کردند وازآنها آموختند ـ کشتی ـ و کشتی‌بان (ناخدا)وملاح وسلاح کش وظرفیت آن برای‌نبرد وطریقه جنگهای دریائی وتامین زادوتوشه وراهنما برای پیمودن راههای دوردریائی همه این فنون و اطلاعات را ازملاحان رومی اتخاذکردند وکشتیرا بنام **اساطیل** نامیدند و چون برای هربندر و ساحل دریائی مقداری کشتی وقائق اختصاص دادند بنام اساطیل بحرالروم و اساطیل بحرالفارس و غیره مینامیدند .

این‌ضعف وفن درعرب روزافزون قوت گرفت ـ اسطول‌لفظ یونانی‌بود که معرب کردندوایستگاه اساطیل مسلمین دربحرالروم وافریقا و اندلس بود .

اولین‌دارالصناعه‌وکارخانهٔ که برای کشتی‌سازی‌دراسلام رسماً افتتاح‌شد درتونس زمان‌عبدالملك بن مروان بودکه مقابل خودش حسان‌بن‌النعمان درافریقا دستورداد که دایره کشتی‌سازی را توسعه دهد و کشتیهای مجهز واسلحه بسیار برای فتوحات صقلیه (سیسیل) حاضرنماید. حسان شروع کرد کارخانه کشتی‌سازی رابزرك نمودومتخصصین بسیاراستخدام کرد ومسلمین رابرای تهیه کشتی‌واسلحه وملاح جنگجو ترغیب نمود تادرزمان اغالبه اسدبن‌الفرات درزمان زیادة بن‌ابرهیم‌بن‌الاغلب سبسیل رافتح کردند وفتح‌قوصره نیزباهمین کشتیها انجام گرفت .

ایی فتوحات پی‌درپی ازراه دربا بوسیله کشتی مسلمین راتشویق و علاقمند بسفر دریائی نمود تاجائیکه‌درساختن کشتی‌وتربیت ملاح‌وتجهیزات جنگی افراط کردند چنانچه جرجی‌زیدان‌مینویسد تعداد کشتیهای مسلمین دراندلس زمان عبدالرحمن ناصر دراواسط قرن چهارم هجری بالغ‌بر۲۰۰ کشتی بزرك بود و کشتیهای افریقا در همان عصربراین عدد می‌افزود و اداره کشتیرانی اندلس بزرگترین کارخانه کشتیرانی وکارکنان آن بیشترازهمه سواحل دریائی بودند ـ هرکشتی دارای‌یك رئیس ویك کشتیران ویك فرمانده جنگی وگروهی جنگجو و یك ناخدای شراع بآنکه بندهای شراع کشتی دست اوبود ویکنفرمتخصص وراهنما که قطب‌نما دست اوبود هرکشتی که بساحل میرسید امیر کشتی بافرمانده بزرك دریائی ـ امیرالبحر ـ دریاسالار باید همه جهات آنرا معاینه‌کند و برای حرکت خواه بمنظور جنك یاتفریح یاسفر تجارت هرچه باشد اجازه دهد و گرنه حرکت کشتی غیرممکن بود .

مصریها درفن کشتیرانی از اواخرقرن اول هجری شروع بتوسعه این مرکب دادند و اولین شخصیکه درساختن وبزرك کردن(اسطول) کشتی فرمان داد **عنبسة بن‌اسحق** درزمان‌المتوکل‌علی‌اله عباسی بود و توجه اوموقعی باین فن جلب شدکه رومیها بدمیاط درسال **۲۳۸**هـ وارد شدند وشروع بقتل وسب واذیت وآزار کردند این امرخیلی گران‌آمد امیرعنبسه فرمان داد تا کشتی‌بسیارساختند وملاحان فراوان تربیت کردند و تجهیزات سنگی برای جنك دریائی حاضر نمودند وآذوقه بسیار ذخیره کردند وآنهارا برای افریقای جنوبی و اندلس وشام فرستادند وجنگهای‌بزرك بین مسلمین و

رومیها درگرفت ومسلمین که اسراء بسیاری بدست رومیها داده بودند بادادن اموال بسیار گرفتند وبنام فداء نامیدند.

این علاقه خلفا وامراء وحس احتیاج بسنن «اساطیل» مردم رأبتربیت فرزندان خود تشویق کرد وتمام مسلمین موظف بودند همانطورکه درصدراسلام اسب‌سواری وتیراندازی را باید هرکس فرابگیرد دراین مواقع کشتیرانی وتیراندازی وظیفه هرجوانی بودکه باید فراگرفته وانواع جنگهاو پیکارهای دریائی رابیاموزند.

مصریها درعصرفاطمین که درافریقا حکومت بزرگی داشتنددرتوسعه وبزرك کردن کارخانه های کشتی‌سازی وتربیت ملاح وآموزشگاههای جنگی بذل سعی کافی نمودند ودراسکندریه ودمیاط ومصر نیروی مسلح ومجهزی درحدود ۵۰۰۰ نفرآماده داشته که ده نفررئیس ودریاسالار قهرمان و جنگجو فرمانده آنها بودند وهریك آنها ۲۰ دینارحقوق میگرفتند وهریك دارای چندفرمانده بودند که بنام ابواب الغزات‌مینامیدند ویك امیرالبحر برهمه آن دریاسالاران‌حکومت وفرمانروائی‌داشت - درایام المعزلدین‌الله اول که ازخلفا فاطمین مصربود عده این کشتیها به ۶۰۰ کشتی بالغ بود وخلیفه برای تشویق وتوسعه این هنردرساحل نیل (بالمقس) بیرون‌شهرقاهره اداره‌ای‌ساخته‌وهمه‌روزه ساعتی‌درآنجا بسر میبردند واز نزدیك وضع کشتیها و ملاحان وکارکنان آنجا را مشاهده کرده و فرمان لازم صادر میکردند.

درزمان صلاح‌الدین ایوبی‌اساساً وزارت‌خانه بنام‌وزارت دریائی‌ودیوان مخصوص برای(اساطیل) کشتیها تشکیل دادند.

فداء دراسلام

درخلال جنگهای مسلمین بارومیها گروهی مسلمان باسارت روم افتادند وبرای نجات‌آنهاقرار شد وجهی بدهند و اسراء را بگیرند این وجه رابنام (الفداء) مینامیدند.

اول کسی که برای اسراء مسلمین فداداد هارون‌الرشیدعباسی‌سال ۱۸۹ه بود قبل‌ازاو این‌فدا بنام مبادله اسراءصورت گرفت که یکنفر میدادندیکنفرمیگرفتند واین فداء از۱۳ نفرتجاوزنمیکرد اما درزمان هارون که اسرازیاد داده شد - خلیفه مقتدربا‌پول اسراء رامیگرفت.

درزمان المطیع‌درسال ۳۵۵ ه تعداد فدائی‌به ۵۰،۰۰۰ نفررسید که بیشتردرسواحل‌بحرالروم میرفتند بدست رومیها میافتادند وآنها‌بمنظور گرفتن پول اسیرمیگرفتند ودرظرف ده روز یاهفتادروز درسال تبادل اسراء صورت میگرفت واضافه آنراباوجه نقد میگرفتند - مسلمین دربحبوحه فتوحات بیش‌از ۵۰،۰۰۰ اسیردادند که بااسب سواری وحشم وغنم بدست رومیها میافتادند وچون وضع مالی رومیها خوب نبود باین‌کارتوجهی داشته تاوجهی بدست‌آورند وازاین عدد بیش‌از ۳۷۰۰ نفرازمردان مسلمان وجنگجوبودند که بسیاری ازآنها درزندانهای رومیان درگذشتند وشهید شدند مروان‌بن - ابی‌حفظه خطاب بهارون‌الرشید گفت:

وفککت‌بك الاسرای‌التی‌شیدت‌لها	محابس مافیها حمیم تزورها
علی حسین اعیا المسلمین فکاکها	وقالواسبحون‌المشرکین‌قبورها

آزاد شدند اسرای مسلمین که مبانی‌اسلام بدست آنهامشید واستوارشد چه مجلسهای گرم و

۱- صفحه ۱۹۷ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان

ناگواری را که در آن میزیستند - توئی آنکسیکه مسلمین را آزاد ساختی - گفته‌اند زندانهای مشرکین رومی قبور مجاهدین اسلام بود .

بنقل ابن‌طولون مسلمین ازقرن اول هجرت بر کشتی‌سازی شروع کردند وتاقرن چهارم بنهایت درجه عظمت وعزت‌دریائی‌رسیدند وبین فسطاط وقاهره واندلس‌وافریقا درسواحل دریای رومدرجریان بود و تا قرن ۹ بدست عثمانی ازاین کشتی‌ها «پس‌ازشکست‌ازاندلس» رسیدوبنام الاسطال- الشونه الحراقه - الطراده - العشاریات وغیره نامیده‌میشدو بنقل‌ابن‌خلدون صد کشتی ازمسلمین‌درجنگهای صلیبی بدست دشمن افتاد وبقیه بین دولتهای اسلامی تقسیم شد .

هزینه نیروئی دریائی اسلام درهرسال بالغ برصدهزار دینار بود

فتوحات دریائی مسلمین

مسلمین همان استعداد ومهارتی که درفتوحات ارضی نشان دادند درفتوحات دریائی نیز قدرت تحمل وشکیبائی برسختی وعشق مفرط در کشور گشائی وجهانگیری رانشان دادند - آموزشگاههای کشتیرانی وفنون جنگی دریائی ازعوامل موثرفتوحات دریائی مسلمین بود ودرتوسعه ممالك اسلامی اثرعمیقی داشت - ازاین مراکب دریائی **جزایر دریای روم و سردانیه (سردمینا وصقلیه (سیسیلیا) ومالطه‌واقریطش «گرید» قبرص وبسیاری دیگرازجزایر را تصرف کردند و پرچم توحید واسلام رابرفراز آنکشورها باهتزاز بالابردند** - تمام سواحل بحرالروم را تااروپا گرفتند و کشتیهای ملل اروپا راتصرف نمودندو نیروی‌اسلامی‌را که‌تازه نفس‌وشائق فتح وظفر و کارآزموده بودندهمه‌را این کشتیها سوار کرده ازصقلیه‌یا ایطالیا درشمال شرقی دریای روم پیش‌رفتند وبرپادشاهان فرنك تسلط پیدا کرده‌وبردشمن‌ظفریافتندوباکشتیهای‌فرنگی‌بطرف شمال شرقی دریای روم حکومت یافتند همانطور که درتمام اراضی آسیا وافریقا فرمانفرمائی پیدا کرده بودند

بنقل جرجی‌زیدان درتاریخ تمدن‌اسلام ودکتر گوستاولوبون واکثرمستشرقین جهان ومورخین محقق مسلمانان دردنیای آنعصرسلطان دریا وصحرا «بروبحر» گشتند - دولتهای اروپا روبضعف نهاد جز گل «قسمتی‌ازفرانسه» همه جای **اروپا بدست مسلمین فتح گردید وپرچم اسلام برفراز کوهها - دریاها - کشتی‌ها وهربنا وعمارتی بود دراهتزازآمد اینقدرت وسلطنت این حکومت وعدالت - این توحید وفضیلت درتمام آسیا - افریقا - دریاها وقسمت‌اعظم اروپانفوذ معنوی خودرا بمنصه ظهوررسانید وچهارصدسال ازقرن سوم تا قرن ۸ فرمان اسلام بر دنیای بشریت حکومت داشت (۱)**

۱- صفحه ۱۹۷ ج۱ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان عکس کشتیهای عربی‌صفحه۲۰۱ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان صفحه ۱۹۲ جرجی‌زیدان

مسلمین در کشتیرانی

مسلمین باوقوف بتاریخ وجغرافیا هنوزسیصد سال‌ازهجرت نگذشته بود که کشتیها و ناوهای آنها در کرانه‌های دژی هند وفارس وچین برفت وآمدپرداخت و حامل مال‌التجاره بازرگانی بود و بدینجهت نوابغی درجغرافیادانی درمیان مسلمین ظهور کردند که کشورها را دیده بودند وخود شاهد جریان‌کار بودند غیرازآنهائیکه ازروی کتاب وعکسبرداری نقشه بکشند وجغرافیا بنویسند مسلمین‌هر نقطه را دیده و بدقت توجه کرده وضع آنجارا زماناً ومکاناً نوشته‌اند سفرنامه ها ابوزید ـ سلیمان ـ عجایب‌الهندبزرك بن‌شهریار وغیره همه شاهداین حقیقت است ـ کتاب **نهضة‌المشتاق فی اختراق الافاق** مستند ومنبع‌علوم اروپائیان است .

وعکس کشتیهای اسلامی در کتب اروپائی موجود و کلمات وآثارلغوی واصطلاحات دریانوردان اسلامی در ابن موزه‌ها دیده میشود .

نیروی دریائی مسلمین

چرجی زیدان مینویسد اول‌دریانوردی مسلمان که در دریای روم شروع بکشتیرانی کرددرسال ۱۹۸ هجری‌بود ـ مسلمین درقرطبه علیه امیراندلس قیام کردند ۱ اوهم خانه‌ها را آتش زد وآنهارا ازاندلس بیرون نمود وبیشتر باسکندریه رفتند امیرقشون عبداله‌بن طاهر بود آنهارا بطرف جزیره کرت که دارای‌ثروت فراوانی بودراهنمائی کرد وآنها بریاست‌ابوحفص عمربلوطی کشتیران‌مشهورمسلمین که یونانیها بابوشانس اورا میخواندند باچهل کشتی بجزیره کرت آمدند ـ دولت‌بیزنطی بامپراطوری میخائیل دوم نتوانست ازمسلمین جلوگیری کند ابوحفص دستور داد کشتیها رابسوزانند مسلمین شکایت کردند گفت هرچه خواستند در این‌جا از اسراء میگیریم و استفاده میکنم .

مسلـمین ۱۳۵ سال بامقاومت درکرت مقام گرفتند تا یونانیهـا از اعراب کرت را پس گرفتند ۹۶۰ م

درسال ۸۸۱م یکی‌از امراء بـزرك مسلمین موسوم بطرطوس باسی کشتی بیرون رفت و بطرف شالیس وجنك بااونیانیس دولت‌بزیکی دست داد وطرطوس کشته شد بزرگترین بحرپیمای‌اسلام‌لیون طرابلس بود که پدرش نصرانی واسم عربی‌اوبدست نیامد اصلا ایتالیائی وبدین اسلام درآمده بودو اوخلیج طرطوس راکیفرگاه خود قرارداد وسیادت دریا آنروزبااوبود درسال ۹۰۴م قیام کرد و با ۵۴ کشتی وهر کشتی دویست قشون داشت واکثرمردان شجاع اسلام درطول جنك باوملحق شدند مورخ بیزنطی‌بوحنا مینویسد اسرائی که بدست مسلمین افتادند ازمرد وزن بزرك وکوچك ۲۲۰۰۰ نفربودند که باتمام غنائم بین قشونش تقسیم شد .

طرطوس‌مرکز استبدال اسراءِ مسلمین وبیزنطی بود و این جنك بزرگی است که مرحوم ادیب‌الممالك درقسمتی‌ازمسمط مشهورخود بدان‌اشارت‌میکند .

مائیم که ازپادشهان باج گرفتیم	زان‌پس که ازایشان کمروتاج گرفتیم
دیهیم‌وسریراز گهروعاج گرفتیم	اموال و ذخائرشان تاراج گرفتیم
وزپیکرشان‌دیبه ودیباج گرفتیم	مائیم کـه از دریا امواج گرفتیم

واندیشه نکردیم ز طوفان و زتیار

درچین وختن ولوله ازهیبت مابود	درمصروعدن‌غلغله ازشوکت‌مابود

۱ـ «شماره ٦ سال ۳۳ مجله‌الهلال»

درانداس وروم عیان قدرت ما بود — غرناطه و اشبیلیه درطاعت ما بود
صقلیه نهان در کنف رایت ما بود — فرمان همایون قضا آیت ما بود
جاری بزمین وفلك وثابت وسیار

وبالمال ازسال ۱۹۸ هجری تاقرون وسطی در جنگهای صلیبی سیادت‌دریائی بامسلمین بود و جنگهای دریانوردی درست کسانی مانند **ابوحفص عمر بلوطی** فاتح جزیره کرت - **اسدبن فرات** فاتح‌صقلیه - امیرالبحری مانندلیون طرابلسی-تاهرسالاتنیك وغیره‌بود.

درکتابی که‌بنام ابراهیم طرطوس بزرك طرطوس‌نگاشته شده ونسخه خطی آن متعلق‌بکتابخانه نگارنده است شرح این ماجرایرا مفصل درج نموده ومینویسدشکست وانحطاط دولت بیزنطی‌وضعف حکومت قسطنطنیه وازدست رفتن اراضی آنها براثر افراط دولت در تهیه وسایل شهوات بوده است بنای قصرهای عالی وکنیسه ها درجای استحکامات و جمع‌آوری قشون وتهیه وسایل خوشی آنها را مغلوب نمود .

مقایسه دین اسلام باعلوم و دین مسیحیت

دراین که آیا دین اسلام در تحمل معارف و علوم و فنون بطور کلی و عمومی وبافرهنك جدید بنحوخصوصی بردبارتر و آشناتر و مناسبتر است یادین مسیح بین علمای جهان مورد بحث بوده‌ودرمقایسه ادیان باین‌نتیجه رسیده‌اند که هیچیك ازادیان عالم‌باعلوم مانند دین اسلام تناسبی‌نداشته‌اند - این اعترافی است که دانشمندان عالم کرده‌اند امابرای علمای اسلام مسلم وثابت است که دین اسلام منضم بعلمو دانش است وعلم ودین غیرقابل تفکیك هستند دراسلام بهیچوجه نمیشود علم را ازدین جدا ساخت زیرا تمام علوم جهان دراسلام طریقیت برای توعیددارد وبدینجهت مورد قبول واحترام همه مسلمین‌است ومادر کتاب سیرحکمت دراسلام درباره علم ومفهوم آن ومقدمات و مقارنات ونتایج حاصله آن مفصل بحث کرده‌ایم که اینجا لزومی ندارد تکرارشود امابیك نکته تاریخی میپردازیم وآن این است علوم وفنون درهردین موجب رفعت وعظمت وقدرت میگردد ولی پاپهاملل نصاری باعلم و دانش مخالفت شدید کردند وبدینجهت علمای یهود و نصاری بمسلمین پناه آوردند مانند یوحناپسرماسویه آمد باسلام چون مردی دانشمند بود ناظرمدارس اسلامیه زمان رشید گردید و جورجیس بن بختیشوع در میان مسلمین مقامی رفیع یافت نوبخت منجم گبروپسرش ابوسهل منزلی عالی پیدا کردند بنوفیل نصرانی زمان مهدی عباسی مکانتی یافت - یوحنای بطریق وسهل‌بن شاپور نصرانی وپسرش شاپور و سلمویه‌بن بنان نصرانی وبختیشوع‌بن‌جبرئیل و حنین‌بن اسحق نصرانی ترجمه کتب یونانی ومتی‌بن یونس منطقی‌نسطوری‌وقسطامی نصرانی وبعلبکی ویحی‌بن عدی‌منطقی و ابوالفرج بن‌الطیب وثابت بن قره خراسانی صابی وپسران اوابراهیم وسنان وبسیاری دیگر ازعلمائی بودند که یهودی ونصرانی و مجوس بودند وچون ادیان آنها باعلم ودانش مخالفت داشت همه باسلام پناه آوردند و باحترام علم مورد توجه قرار گرفتند وباآزادی دین بامورعلمی گماشته شدند وباکمال حریت و عزت میزیستند واین احترام که بعلمای خارج‌ازدین مینمودند بعلمای مسلمان چقدراحترام میکردند وارزش وارج بعلوم وفنون میگذاشتندمانند **یعقوب کندی - بنی‌موسی بن شاکر فارابی شیخ‌الرئیس ابوعلی**

سینا - ابو العلاء معری - خواجه نصیر الدین طوسی وهزاران دانشمند دیگر که مورد کمال احترام مسلمین قرار گرفتند.

اما مسیحین و علمای نصاری

صفحات اوراق تاریخ مسیحیت را ورق بزنیم میبینیم همه برضد عواطف بشری بودند وازقدیم کنیسه‌ها و کلیساها باعلوم وفنون وعلماء ودانشمندان مخالفت کرده ونشر تعالیم دینی‌را منع میکردند تاآنجاکه درسال ۱۶۸۲ میلادی ستاره ذو دنب طلوع کرد در اروپا انقلاب شد وبپاپ پناهنده‌شدند واو بگمان خودآنرا ازآسمان دورنمود وحلق را آسوده‌ساخت ولی چون یلاج گفت مرگ پیش‌ازآدم ابوالبشر برحیوانات تحقق پیدا کرده غوغائی برپا نمودند تا آنکه امپراطور حکم کرد هر که این عقیده رادارد بکشند وکتب بطالسه ومصررا دراسکندریه‌زمان جول قیصرروم سوزانیدند.

چون صیت کرویت زمین طنین‌اندازشد همان نظریه‌ایکه علمای ریاضی اسلام برآن‌متفق‌بودند وهیچکس متعرض آنهانبود دراروپا زلزله وولوله درهرمرز و بوم برپاساخت **کریستف کلمب** کاشف امریکا مغضوب شدگالیله که نظام عالم رابروفق هیئت جدیداختیار کردمحکوم بمرگ شد-چنانچه‌تاریخ اروپا شاهداین حقایق است.

سبقت علمی مسلمین درعلوم

بدون شك درعالم تمدن مسلمین بر ملل غربی سبقت داشته زیراعلوم وکتاب ودانش دراروپا از ۱۵۹۸م ببعدپیداشد درحالیکه اسلام قریب۹قرن قبل‌ازآن دانشگاه داشت و خلفای عباسی مدارس بزرگی درطب ونجوم و فلسفه و علوم شریعت و ادبیات وغیره داشتند آنهابودند که کتاب بطلمیوس را ترجمه کردند ومجبسطی نامیدندوصدها کتاب از زبانهای سریانی ویونانی - رومی - هندی - پارسی‌وغیره بعربی نقل کردند و همه را ببغداد در دانشگاه مرکز خلافت جمع کردند وازآنجا دربلاد دیگراسلام منتشرشد وقرنها درعلوم وفنون‌عالم یگانه ومقتدای بشربودند ودرچند نقطه دانشگاه اسلام برپا و توسعه یافت مانندأسپانیا - غرناطه و قاهره - اندلس - شرق‌اقصی وایران وغیره که نوشته‌اند کتابخانه‌خلفادراندلس ششصدهزار۶۰۰،۰۰۰ جلد کتاب داشت که در۴۴ جلدفهرست آنرانوشته بودند چون رونیس گفت قوس وقزح کمان جنگی خدا نیست که برای انتقام‌بندگان مهیا شده باشد بلکه ازانعکاس نورخورشید درقطرات باران‌حادث میشود اورا زندانی کردند تامرد وپس‌از مردن بدن اورا باکتابهایش سوزانیدند.

مسیحین برای منازعه باعلوم وفنون محکمه تفتیش ایجاد کردند واز۱۴۸۱م تاسال ۱۴۹۹ م ۱۰۲۰۶ ده هزارودویست وشش نفررا زنده بآتش سوزانیدند و۶۸۶۰ ششهزار وهشتصدوشصت نفر را بس‌ازگردانیدن درشهرشکم آنهارا دریدند و۹۷۰۲۲ نودوهفتهزار وبیست وسه نفر را بعذابهای گوناگون معذب کردند.

این محکمه گناه علم راثابت میکرد وازروی اقرارخود گناهکار علماء را بعذابهای گوناگون معذب میساخت تابازهم محکمه تفتیش برشدت غضب خود افزود و درطلب اهل بدعت یعنی فنی و کسانیکه درفنون مهارتی داشتند فرستاد وآنهارا درسردابها و خانه‌ها گرفته کشتند هرجا متهمی

گرفتارمیشد باقرار درآورده همانروز حکم محکمه صادر واجرا میشد این محکمه چنان رعبی در دلهای علمای اروپا انداخته بود که هر کس فکری درعلوم وفنون داشت خود را باید درچنگال عقوبات آنمحکمه ببیند .

محکمه تفتیش علوم و فنون از روز تاسیس تاتلاشی آن سال ۱۸۰۸م بالغ برسیصد وچهلزار نفر را بجرم علم ودانش ومنبش گشت ۳۴۰،۰۰۰ ودویست هزار نفررا زنده زنده نابود کرد

مستشرق معروف دراپر امریکائی نوشته ماچون بافکار عرب و مسلمین برمیخوریم بوحشت و دهشت میافتیم زیرا گمان میکردیم این فکرمال خودما میباشد ولی در کتب آنها میبینیم که چندقرن قبل ازما نبوغ فکری داشته‌اند .

فیلسوف دیگری گوید علومی که یونانیان داشتند وآثارعلمی مللقبل‌ازاسلام نزدمسلمین قوت گرفت وتجلی پرتوافکنی نمود وسرمایه ثروت قدرت آنها شد .

زبان عرب باجمعیت مسلمین پیش رفت

از نکات جالب توجه این است زبان عرب با جمعیت مسلمین دردنیا پیش رفت ولی زبان مسیحیت با جمعیت مسیحیین تطابق نکرد بعلت این موفقیت برای مسلمین این بود که زبان عرب‌زبان دین‌وقرآن وعبادت وفضیلت وعلم وفن‌عربی بود که درتمام اقطارعالم‌نفوذ خوددرا بانهضت جهانگیری بجا گذاشت وهرمسلمان‌باید اقلا قرآن بخواند ونمازبخواند واین وظیفه درسایه علم‌بزبان عرب بود وهست وخواهد بود درحالی که مسیحیت علم وفنی نداشت تاباجمعیت مسیحی پیش برود اگر امروز کسی خواست مسیحی شود جزآنکه باب وابن و روح‌القدس قائل شود ودرنهایت تقوی باشد هفته یکروزهم در کلیسا برود چند دقیقه سکوت کند چیزی دیگر نیست ولی اسلام باعلم وفن وهنروصنعت وتمدن عربی با قرآن وقبله ونماز وادب‌وعبادات پیش رفت ولذا توسعه زبان عرب باوسعت نفوذ مسلمین یك نسبت مستقیمی‌دارد که هر گز خلاف نمیشود واین ازمختصات اسلام است که باید برای احراز موفقیت زبان‌آن دانست

مسلمین درقطب‌نما یاسوزن مغناطیسی

قطب‌نما را اول ملتی که اختراع کرد چینی‌ها بودند ولی چون در کشتیرانی مهارتی نداشتندو هیچگاه ازسواحل دورنمیشدند وقعی ننهادند اعراب که‌دریاهای‌مهم‌دنیارا پیمودندوچون قریب‌چهارصدسال‌مسلمین برآبهای‌عالم‌فرمانروائی یافتند محتاج باین وسیله شدند وازچینی‌ها گرفتند ودر کشتیرانی بکاربردند دردریای مدیترانه این وسیله بارث باروپائیان رسید ـ درقرن سیزدهم میلادی منتقل بازوپاشد ،

رقاصه

یکی ازمخترعات بزرك که دارای اهمیت فوق‌العاده در مکانیك نوین بود بنابرتحقیق مورخین و دانشمندانو از اختراعات مسلمین است. رقاصه نطب نما میباشد

دکتر برنارد استاددارالفنون آکسفورد مینویسد :

استعمال رقاصه در ساعت ازهنرهای مسلمین است که آنرا اختراع کردند وازجمله ابزاریست

که دراسپانیا بکاررفته وفرنگیان آنرادرضمن دیگر اشیاء ازمسلمین گرفتند و نخستین کسی کـه از اروپائیان آنرا توصیف نمود ومورد استفاده قرارداده گالیله است .

مسلمین در صنعت و اختراع باروت

درتمدن کنونی چه درجنك و چـه درصلح اهمیت باروت برهمه روشن است وباید اعتراف کرد که ازمهمترین اختراعات مسلمین بشمارمیرود برخی گمان کرده‌اند چینیان اختراع کردند ومخترع آنرا دمنوفادی نامیده در۱۸۵۰م وبعضی آلمانها رامخترع باروت میدانند وبنام شوارتز درسال ۱۷۱۹ دانسته‌اند درحالیکه تحقیقات بعدی ثابت کرد این صنعت ازاختراعات مسلمین است وچینی‌ها وژرمن‌ها ازمسلمین گرفته‌اند .

باروت راکه قوت‌پرتاب کردن دارد مسلمین سالها قبل‌ازچین وآلمان اختراع کردند وهمان اسلحه‌ناریه رابوجودآوردند .

مخترع باروت یکنفرمسلمان‌شامی بنام‌کالینکوس بود که درقرن هفتم میلادی واول هجری‌باین کار موفق شد .

مورخین‌اروپا که ازجهان اسلام بی‌خبرند گمان کرده‌اند اولین استعمال توپخانه‌درسال ۱۳۴۷م درجنـك کرسی بوده است درحالیکه کتب موجود نشان میدهـد مسلمین درقرن دهم میلادی توپ بکار برده‌اند ، یعنی‌سه‌قرن ازآنها توپ ساخته‌اند

درکتاب مجموعه کند که خطی ودرموزه اروپاست .

مینویسد امیریعقوب نام درسال ۱۲۰۵م دریکی ازبلادافریقا بنام ماهید را یکی‌از افسران‌طاغی رامحاصره کرد وباتوپ‌هائی مانند رعدشهررا گلوله‌باران نمود .

جرجی‌زیدان درمجله الهلال سال ۱۳۳۲ مینویسد ابن‌خلدون آمدن ابویوسف پادشاه‌مراکش رابرای فتح سلماسیه درسال ۱۲۷۳م مطابق۶۷۲ه بوسیله باروت گرفت واین استعمال قبل‌از اختراع سوژه‌های جنسی برای آتشبازی وقبل‌از شوارتز آلمانی بکاررفته است .

درجنگهای قرن نهم هجری که بین صفویه و خلفای عثمانی رخ داد توپخانه ترکها سبب فتح تبریز شد ،

دکتر گوستاولوبون فرانسوی مینویسد رجرباکن والبرت‌اعظم نسخه باروت را از روی کتب خطی مسلمین فراگرفته ودراروپا اختراع نمودند واین نسخه اختراع باروت است :

«شوره ده درم ـ ذغال دودرم ـ گوگرد یکدرم و نیم ـ آنهارا خیلی نرم‌سائیده در توپ بانـدازه یك ثلث آن پر کنند و باید بیشتر نبـاشد چه بیم آنست کـه لوله را بترکاند» .

جرجی زیدان میگوید تازیان درقرن ۱۳ میلادی ترکیب باروت را طوری توصیف کرده‌اند که باباروت امروز تفاوتی چندان ندارد .

مسلمین در تاریخ طبیعی

تردیدی نیست که طب یونان فقط تجربه بود و مسلمین صدراسلام اولین ملتی بودند که آزمایش وبررسی را در برابرپیروی وتقلیدپیشینیان‌وتبعیت ازقدما اساس‌تحقیقات علمی خود قراردادند .

هومیلد آلمانی سیاح ومحقق زبردست که درکتابی که

راجع بجهان نوشته وبزبانهای اروپائی ترجمه شده میگوید بالاترین ترقیات علمی آنستکه انسان باتجارب شخصی بتواند درخارج چیزهائی ایجاد کند ومسلمین ایندرجه راکه متقدمین فاقدآن بودند بدست آوردند .

آقای فروغی که درکتاب سیرحکمت دراروپا نوشته‌اند باکن انگلیسی پیشقدم مبتکردرتحقیق بود منظور درقاره اروپا وملل مغرب ولاتینی‌است بدلیل آنکه خوداو اعتراف کرده که تقدم علمی و تفوق تجربه تجزیه وتحلیل بامسلمین بوده است .

مسیوسمایو نوشته دردانشگاه بغدادچیزیکه بی‌نهایت مورداهمیت بود طرزاستدلال علوم‌است که مبنی براصول علمی مشاهده وتجزیه بوده و حرارت وقایع بطرز دقیق وصحیح باتصدیق و قبول مسائلی که‌ازروی آزمایش بثبوت رسیده بود تعلیم میشد واینطریق بهترین روش تعلیم وبسیارپرفایده وسودمند ونتیجه مقرون شد .

مسیودلامیرا نوشته اگردرمیان یونانیان دویاسه‌نفریافت میشدند که دارای جنبه تحقیق بودند ولی میان علمای مسلمین ازاین قبیل اشخاص بکثرت یافت شده‌اند .

مخصوصا درعلم شیمی که یونان یکنفر آزمایشگروتجربه‌کارهم نداشت ولی اسلام صدهامجرب ومحقق داشته ..

باید گفت بسیارجای تاسف است که سابقه درخشان علمی مسلمین بنام دیگران پرتو افکن شد مسلمین درباره نباتات ـ حیوانات ـ فلزات ـ احجار ـ مطالعات وتحقیق و تدقیق زیاد داشته و تالیفات فراوان دارند که هم‌اکنون موجود است مولفات قزوینی متوفی ۱۲۸۳م ازکتبی‌است که‌پس ازقرنها بوفن تحقیقاتی کرد وبا تعلیمات اومنطبق گردید .

جاحظ‌بزرگترین عالم‌طبیعی دررشته‌حیوان‌شناسی بود ومطالعاتی که اودر روح‌الاجتماع‌حیوانات نموده ملل غربی‌را حیران ساخته بشرحی که ادوارد براون نقل کرده است ،

هواس‌دینس ثووب استاددانشگاه لندن درفن مورچه شناسی میگوید برمن‌ثابت است که جاحظ در حقیقات خودگوی سبقت را ازهمه ربوده وبخطانرفته است ،

این از مفاخر اسلام است که درحکمت طبیعی مورد بحث بود وقتی تحقیقات آنها درست بعمل آمده که امروز اکتشافات و تجزیه و تحلیل باآن منطبق گردد و این مفاخرات برای‌مسلمین بسیار است ،

ابوعلی سینا درباب تکون جبال درکتاب (الاحجار) مینویسد کوهها غالبا بدو طریق تکون یافته‌اند یابواسطه اشتقاق زمین ازداخل بالاآمده ویاازجریان‌شدیدآبها پیداشده‌اند باین معنی که آنهاجری مختلف زمین رافروریخته دره‌هائی تشکیل داده‌اند ودراین بین نقاط مرتفعه‌ای پیدا شده و بحالت خودباقیمانده .

چه احجار برخی صلب وسخت وبعضی‌نرم وقابل تورق وبرش است و آب احجار اخیررا فرو ریخته قسمت اولی راکه درآن‌نتوانسته تاثیر کند بحال خودباقی گذاشته چنانچه اکثرمواضع مرتفعه ازهمین‌جا پیداشده‌اند معادن هم بهمین‌طور تکوین یافته‌اندکه درجبال ذکرشد ولی باید دانست که برای صورت گرفتن آن مدتی طولانی لازم است وممکن است که کوهها بمرورزمان ریزش کند و انخفاض پیدا نماید .

این بیان ابوعلی مقدمه زمین‌شناسی برای احجار ومعادن شد وباکشفیات وعملیات امروز هم

نه تنها مخالف نیست بلکه مقدمه اکتشافات امروز قرار گرفت.

علمای اسلام در تاریخ طبیعی بجماد ونبات وحیوان وفلزات - نباتات متحجر تصانیف زیادی از آنها موجود میباشد - یکی ازعلمای بزرك این فن که مقامی شامخ دارد قزوینی است که درسال ۱۲۸۳ ۶۶۳ه وفات یافته است . **ابوعلی سینا کتابی درالاحجار دارد که سرتکوین جبال شرح** مفصلی نگاشته است .

محققین اسلام در علم نباتات علی الخصوص آن نباتاتی که مربوط بعلم طب میباشد تحقیقات نموده ومخصوصا درمراکز مهمه همیشه باغهائی ترتیب داده ودران باغها اشجار غریبه ونایابی را پرورش میدادند درقرن چهارم درغرناطه وعبن الرحمن درقرطبه باغستان بسیارعالی داشته که متخصصین این علم اطراف شام وسایرممالك آسیا رواج دادند واقسام نباتات واشجار نایاب را ازهر کجا که ممکن بود جمع آوری کرده درباغ مزبورتربیت مینمودند (۱)

نبات شناسی

نبات شناسی که قسمت اعظم آن استفاده از شاخه وساقه وریشه و میوه نباتات در علاج امراض گوناگون است مورد توجه خاص مسلمین بودودرعلم نبات‌شناسی مخصوصا گیاههای طبی تحقیقات رشیقه نموده ودرمراکزعلمی دردانشگاههای بغداد - قاهره - غرناطه - ایران- هند- باغهای متعددی تهیه کرده ودرآن اشجارنادر ونایاب مورداستفاده طبی را غرس نموده پرورش میدادند مانند باغ معروف غرناطه (گرناد) درقرن چهارم وباغ قرطبه درعهدعبدالرحمن اول ودربغداد وایران هم سابقه تاریخی داشته ونامهای تازی ازگیاهها که درالسنه اروپائی دیده میشودپیداست که آنان درگیاه‌شناسی متنوع استاد ومتبوع ملل غربی بوده‌اند .

کتب طبی واسامی داروئی مولفات اسلامی زیاد است که ابن ندیم وحاجی خلیفه درفهرست خود بسیاری را نام برده‌اند و در الذریعه الی تصانیف الشیعه عده‌ای ازآن کتب نقل شده است .

مسلمین در بهداشت **نعمتهان مجهولتان الصحه والامان**

پیغمبراسلام(ص) فرموده دونعمت درمیان بشرمجهول است تا وقتیکه خلاف آن ظاهرشود از آن قدردانی نمایند اول صحت وبهداشت وسلامی مزاج فرد واجتماع است ودیگرامنیت وامان اجتماعی است که هرقوم وملتی درآسایش وآرامش خاطرزیست کنند - امنیت فردی همان صحت مزاج وامنیت اجتماعی بحث اجتماع است که بسلامت باشند .

درکتب طب النبی - طب الائمه قرآن که سرلوحه تعلیمات آسمانی است اصول بهداشت بمسلمین آموخته شده وپیغمبراسلام‌ص بیش‌ازهرچیز وقت صرف حفظ بهداشت میکرد تا بهداشت و صحت متزلزل نگردد که محتاج باعمال پس‌ازصحت باشد ودرباره این اصل اول زندگی دردوسوراخ مدخل ومخرج آدمی تعلیمات بهداشتی داد که دندانها شسته شود مسواك ازسنت های اولیه اسلام است وباید همیشه دهان ودندان پاك ونظیف باشد وسپس مخرج نیزکه موجب مباشرت بازمان و آمیخته بشهوات است بیشترمورد دستورحفظ صحت قرار گرفته یکروزدرمیان استحمام -شستوی مستمر روزانه وحفظ ازآلوده‌های بمکروبهای عارضی درحین جلق وحلق وانقدردرباره بهداشت این دومخرج ومدخل دستورموکدصادرفرموده که حتی بهداشت آنراجزء عبادات برده وفرموده هرکس حفظ فرج

۱- صفحه ۶۴۲ تاریخ تمدن

وحلق خودرا ازحرام وآلودگی بنماید اجروحسنه خواهد داشت اخبار و احادیث بهداشت انفرادی واجتماعی مسلمین ازحد بیرون است .

کتاب نفیس مکارم الاخلاق و آداب الشریعه وحلیة المتقین بهترین برنامه بهداشت مسلمین است تامریض بامراض داخلی وخارجی نگردند وطیب وطاهر وپاك وپاکیزه باشند ونسل آنها نیز باطهارت بهداشت طبی پاك وپاکیزه بوجود آید وزیست کنند .

قال امیرالمومنین (ع)

ان الله یبغض العبدالقـاذورة الذی یتاذی جلیسه من ریحه فامیطوا عنکم الاذی بهذا الماء -

خداوند دشمن میدارد بنده کثیفی‌راکهٔ همنشین او ازبوی بداو متاذی گردد پس کثافت را از خود باین آب زایل نمائید .

ان الله یحب التوابین ویحب المتطهرین

درروایت امام صادق (ع) فرموده هرکس مسواك نکند زانسانیت خارج است .

مسلمین دربهداشت وحفظ‌الصحه مافوق‌سطح بهداشت بشرمیباشد برتروبالاتر ازهمه ملل‌هستند شصت‌ملیون مسلمان درچین تمام اصول بهداشت وخوراك ونظافت چین رابعهده گرفتند و ژاپونیها خوراك ونظافت وبهداشت خودرا بمسلمین سپردند کتب فقه مسلمین ازطهارت آغاز میگردد اولین شرط انسانیت دراسلام پاکی وطهارت است .

مقدمه هرکار وکسب وتجارت وحتی‌مباشرت بازنان ونکاح ومعاملات وکسب وکاروعبادات همه درسرلوحه نظافت وطهارت‌شروع میشود صدها حدیث ازپیغمبراسلام درباره نظافت صادرشده‌ومسلمین رادرکمال طهارت بلکه طهارت ظاهر وباطن بوده آنهارا باصول بهداشت مقید ومعتقد ساخته‌است که حدوحصر ندارد .

مسلمین در علم طب

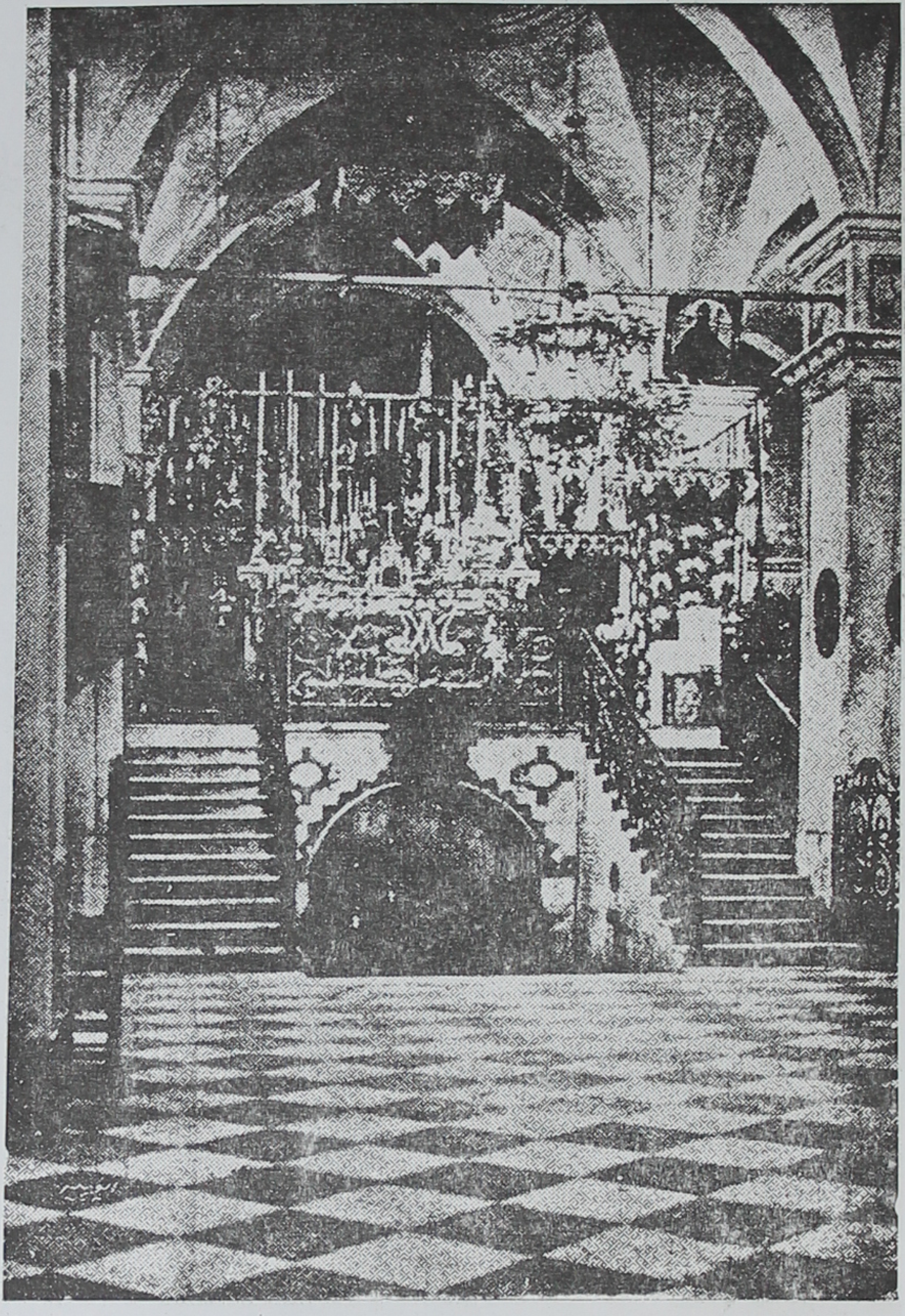
طب درمیان مسلمین مانند هیئت وریاضیات وشیمی وجراثقال ترقی وافری کرد ودراین رشته مطالعات عمیق نموده نتایج بزرگی ازآن بدست آوردند. کتب طبی عرب چون درالسنه اروپاترجمه شده لهذا بقدرسایرتصانیف مفقود نشده است .

وبرای شرح آن بهتراست بکتب عیون‌الانباء فی‌طبقات‌الاطباء شیخ‌موفق‌الدین احمدبن قاسم الخزرجی معروف بابن‌ابی‌اصیبعه مراجعه شود که مقام علم‌طب واطباء را ازآن‌کتاب میتوان بدست آورد وابوبکرمحمدابن زکریای رازی نیم‌قرن تمام دربغداد طبابت داشته وکتبی نفیس بجاگذاشته است که ازآن جمله حاوی‌الکبیر مشتمل برتمام مسائل طب - المنصوریه و غیره میباشد وپس‌ازآن ابوعلی‌سینا قانون انوشت که تااین اواخر دردانشگاههای طب دنیا موردتوجه وتدریس قرارداشت- برای اطلاع بیشتری بکتب‌تاریخ تمدن وتاریخ طب مراجعه شو: ۱

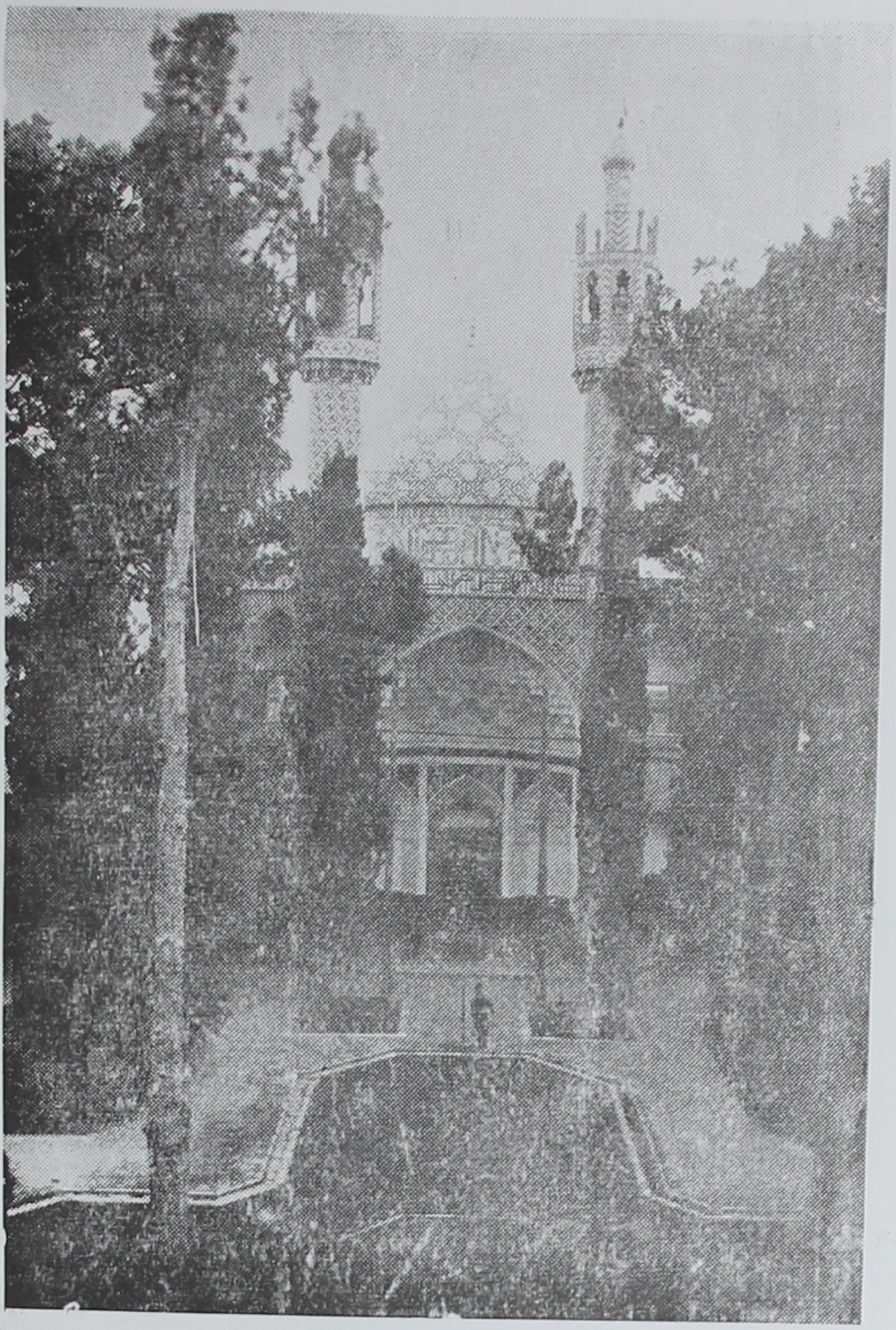
کتاب مطارح‌الانظار شرح‌حال اطبای قرون وسطی اسلامی نیزمویدگفتار است

---

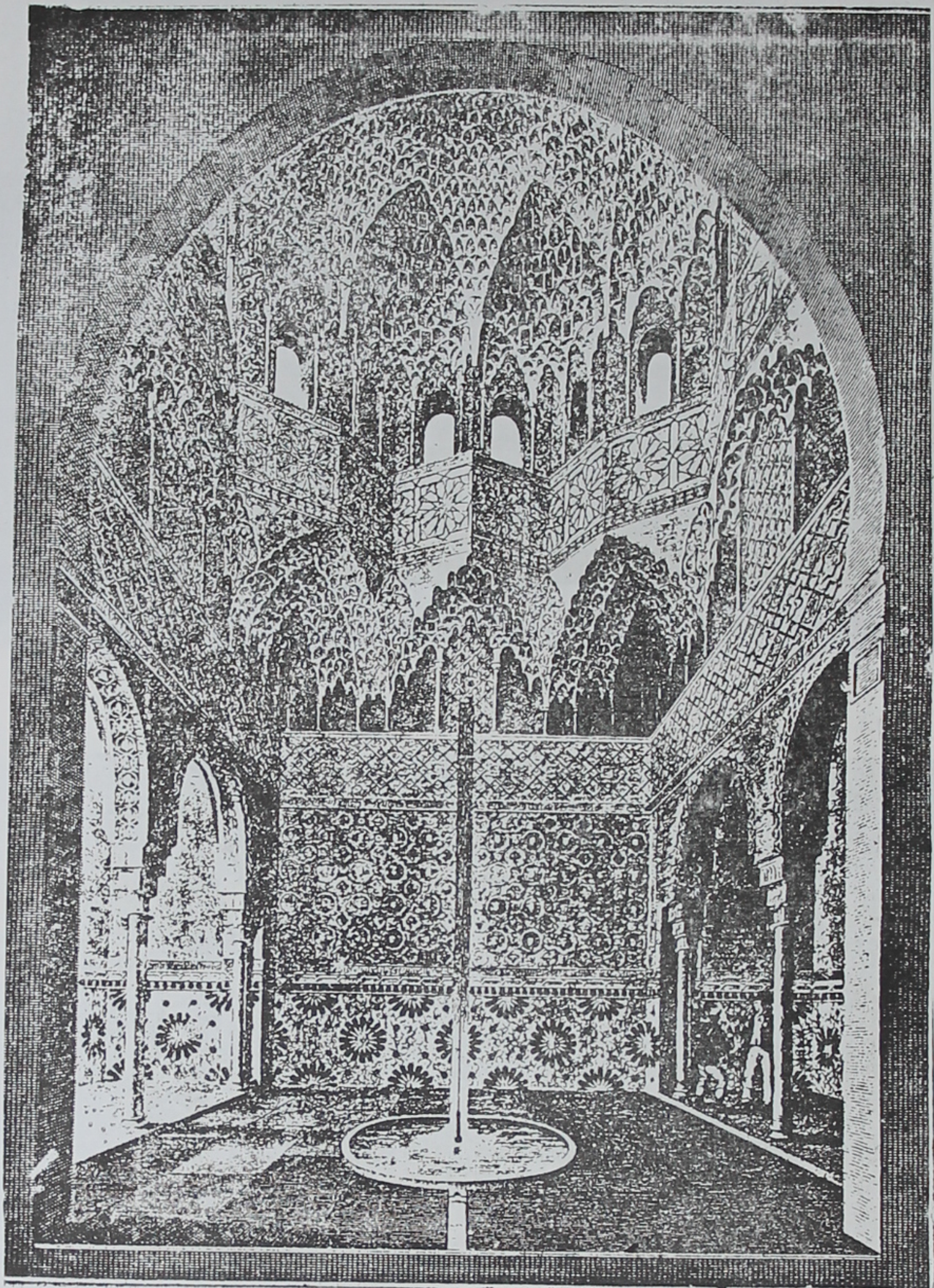
۱ صفحه ٦٤٦ تاریخ تمدن اسلام



(ش ١١٤) بيت اللحم



(ش ۱۱۵) مسجد ماهان

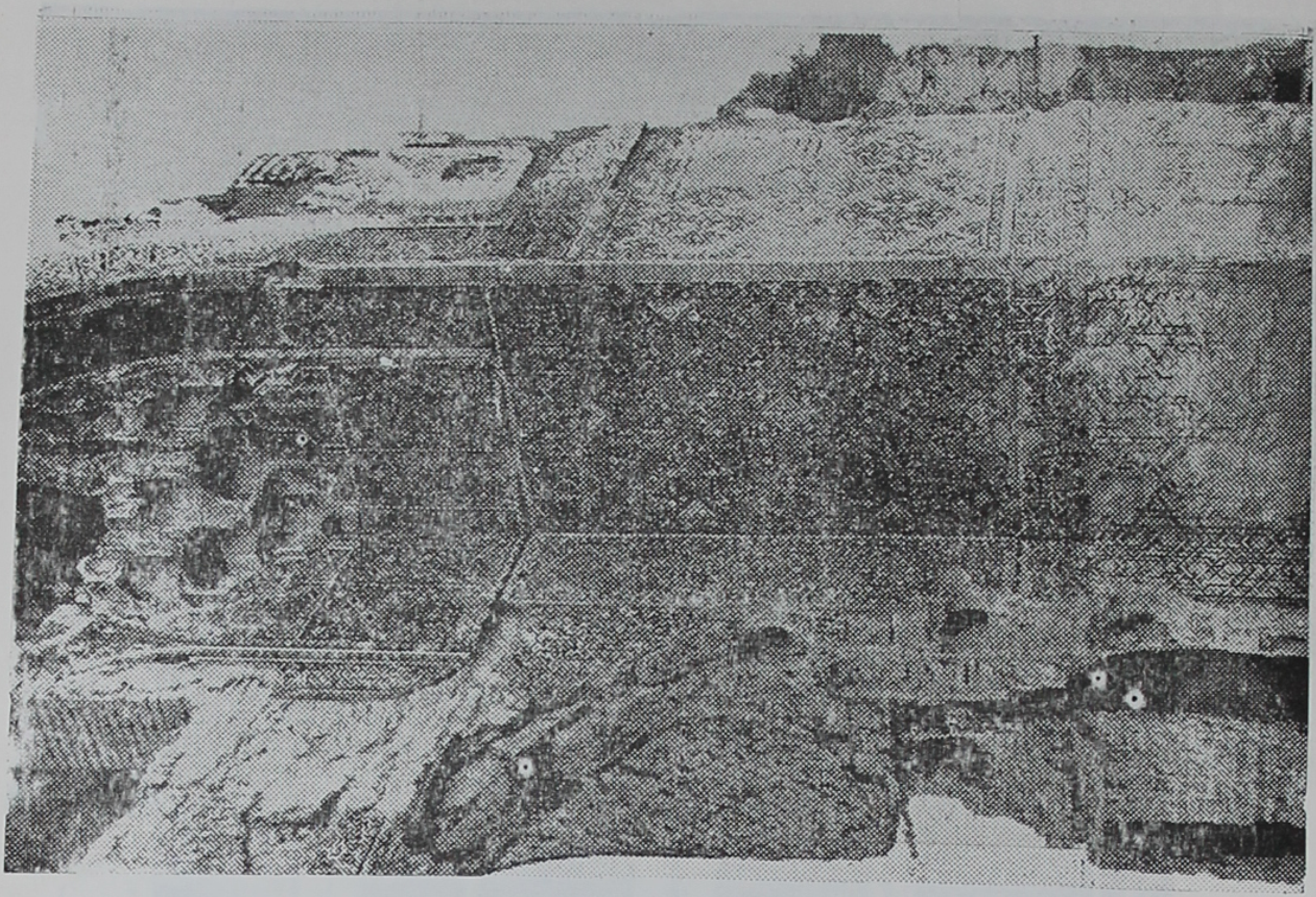


(ش۱۱٦) تالار بنی‌سراج در قصر الحمراء





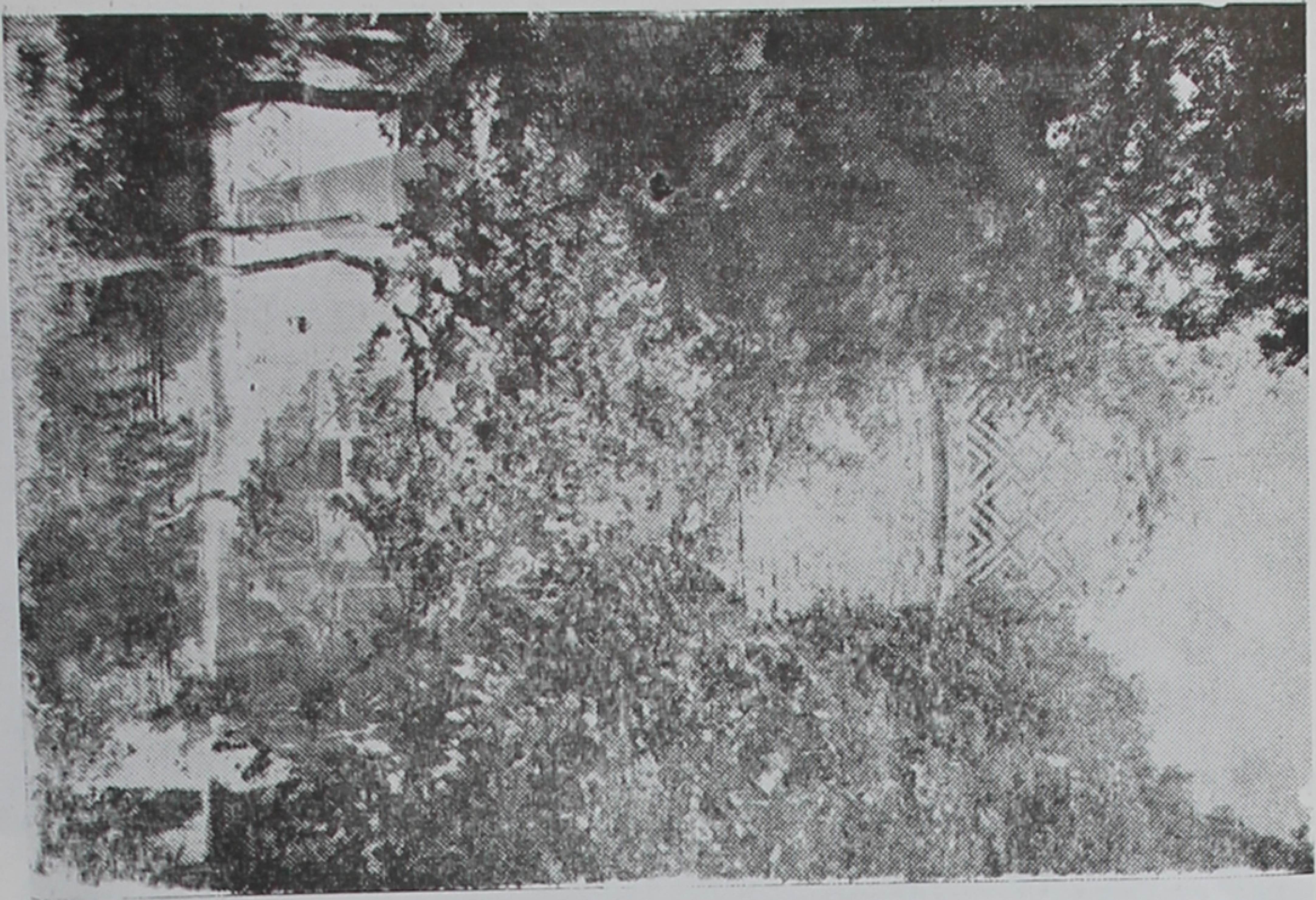
(ش۱۱۷) ضریح امام حسین



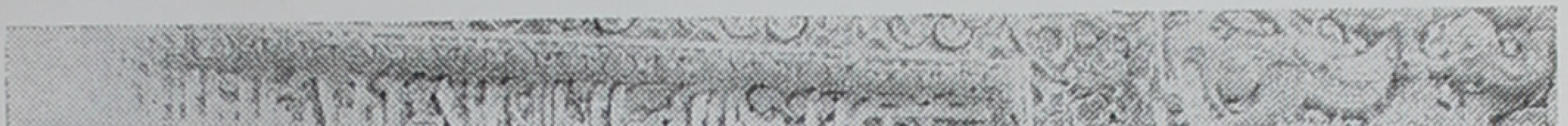
(ش۱۱۸) مسجد کبود تبریز



(ش ۱۱۹) مسجد جامع لاهیجان



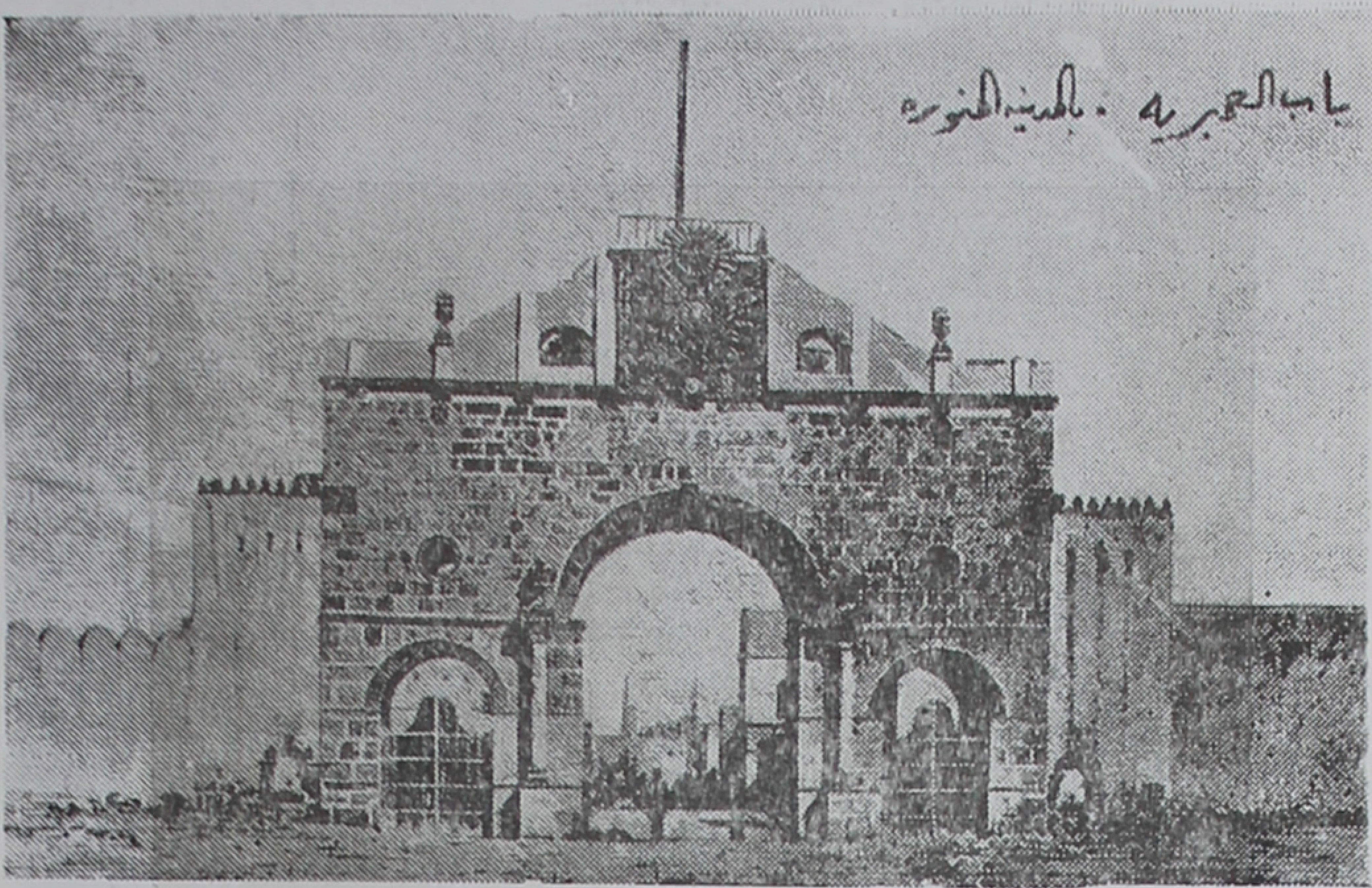
(ش ۱۲۰) مسجد بکران اصفهان



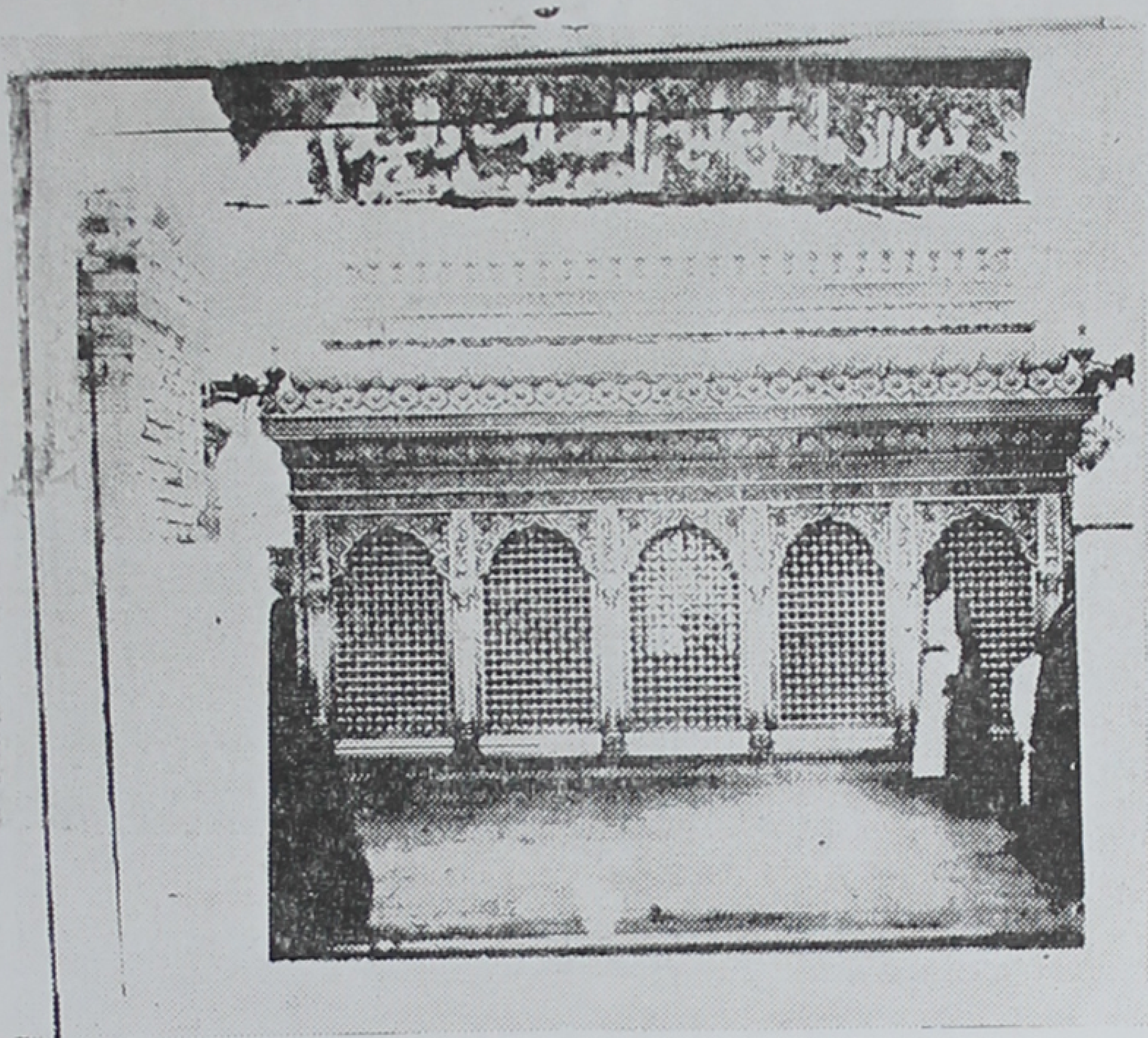
(ش۱۲۱) قدمگاه مشهد



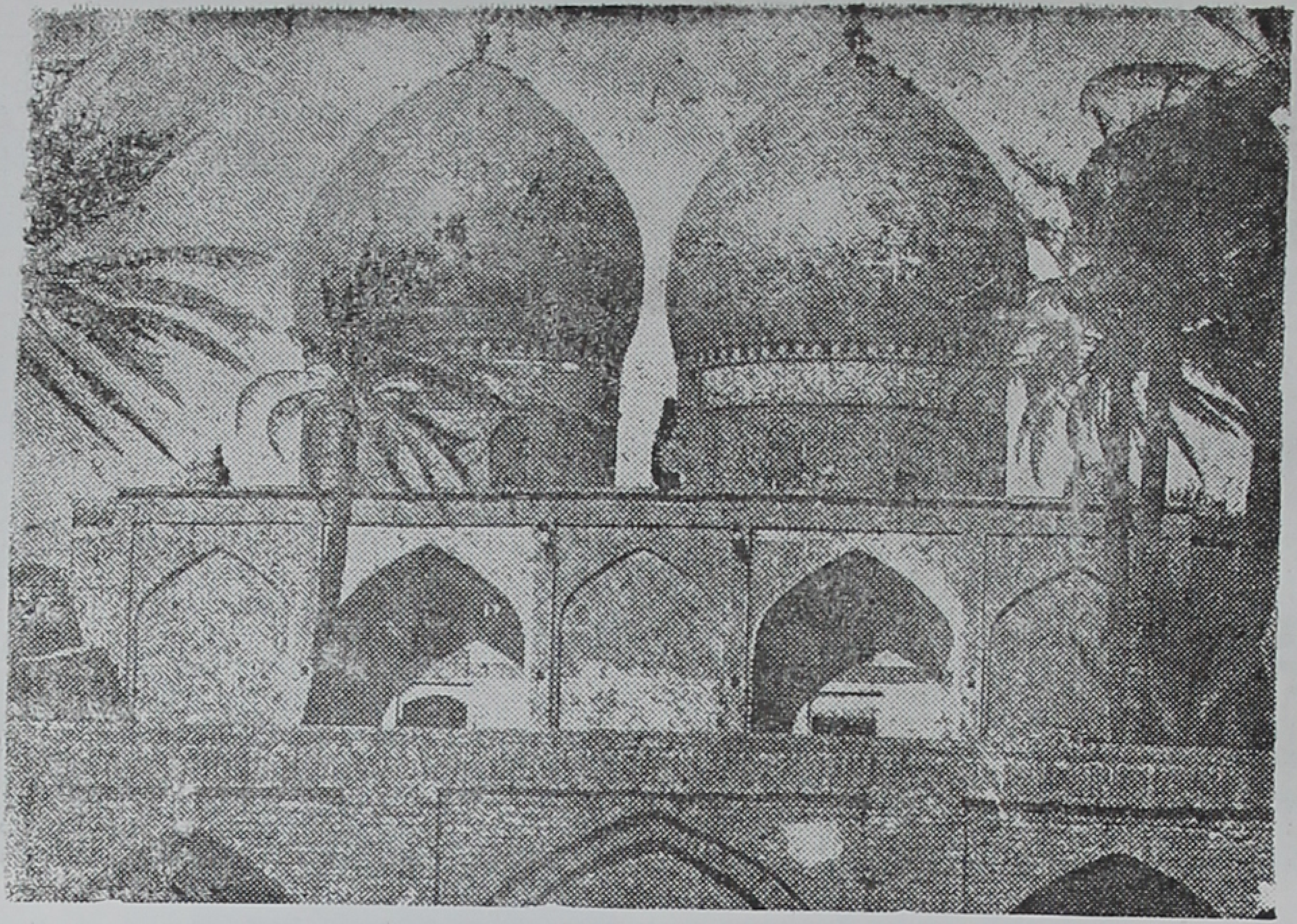
(ش۱۲۲) مسجد اسبلیه در اندلس



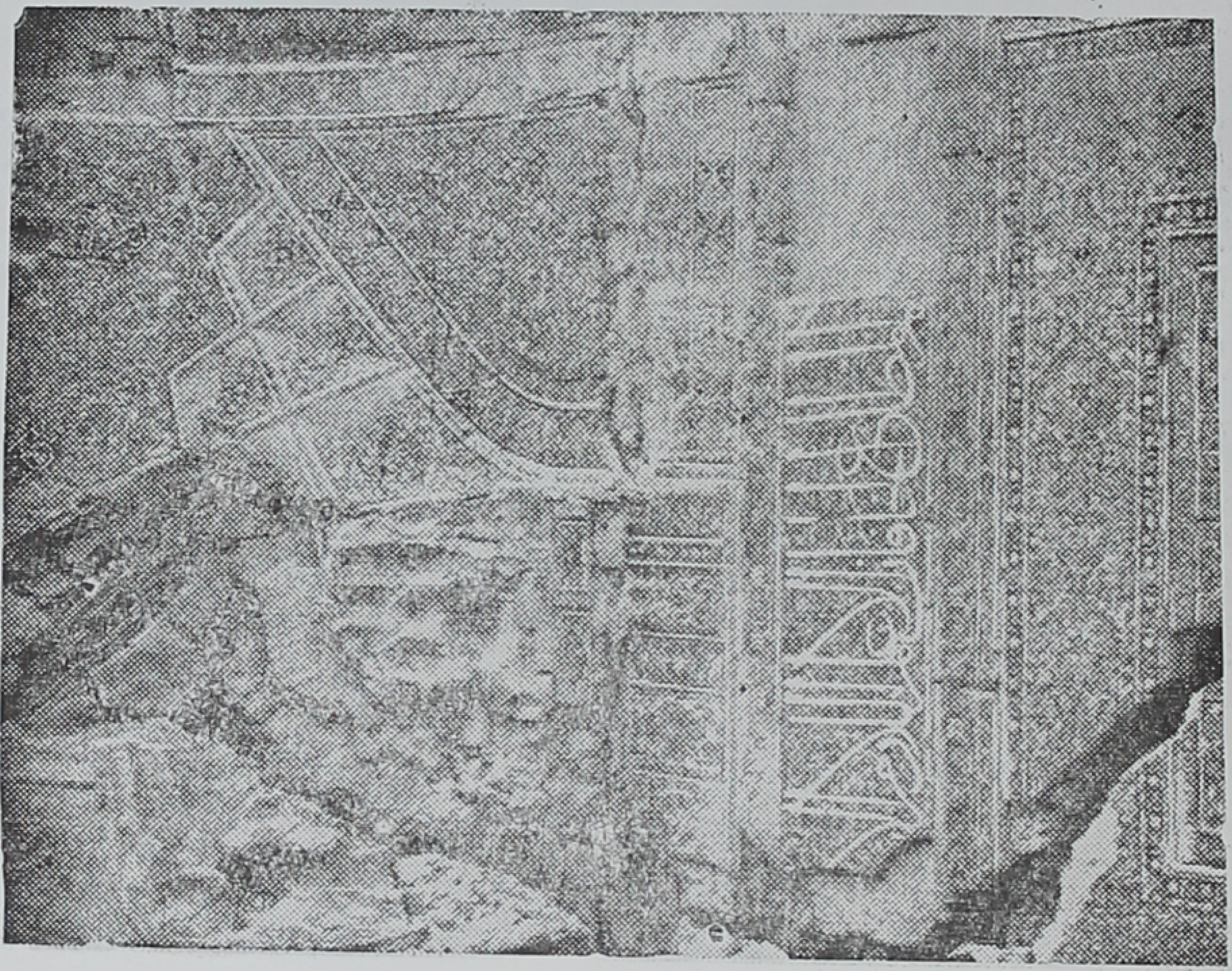
(ش۱۲۳) دروازه و دورنمای شهر مدینه آرامگاه بزرگترین منجی عالم بشریت



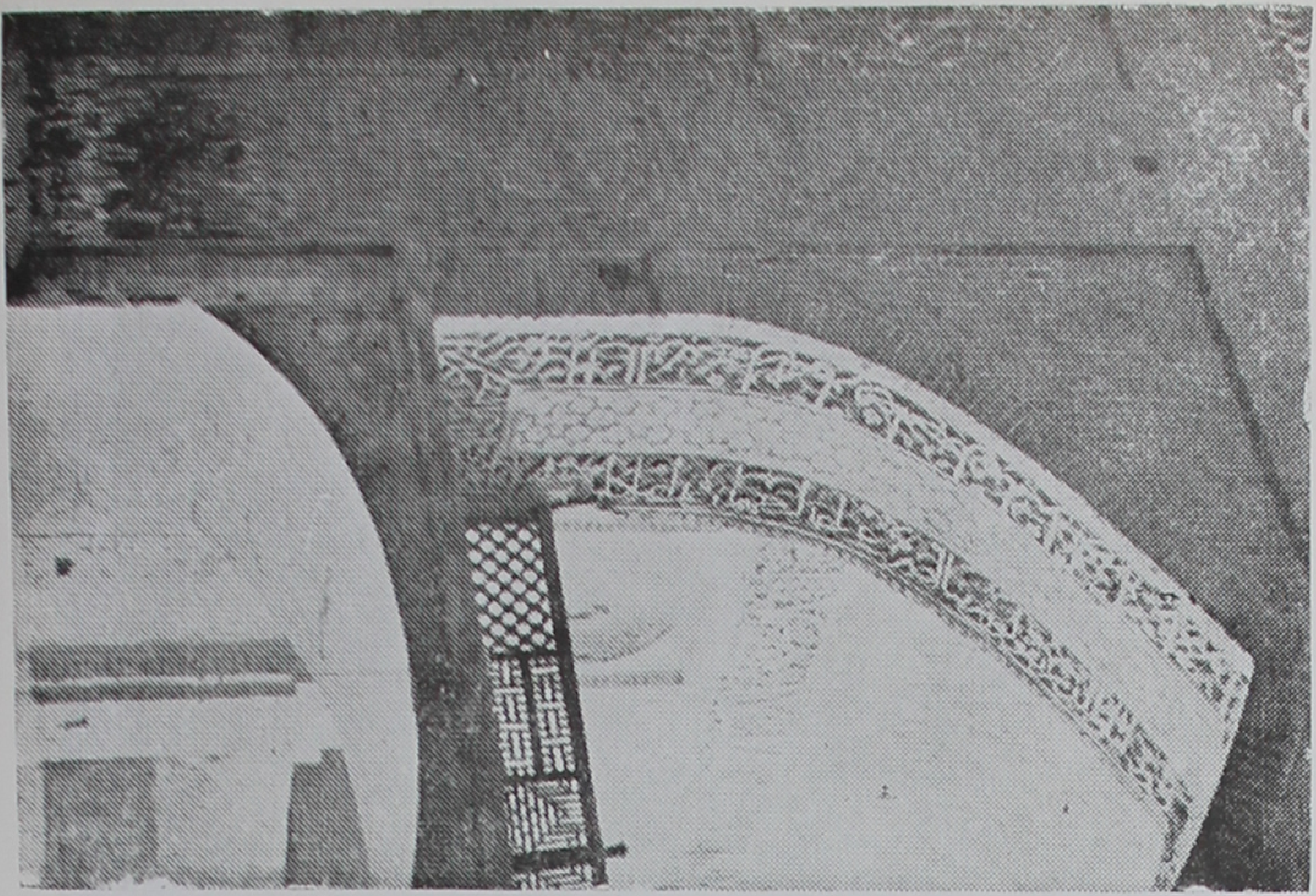
(ش۱۲٤) ضریح سیدالشهداء



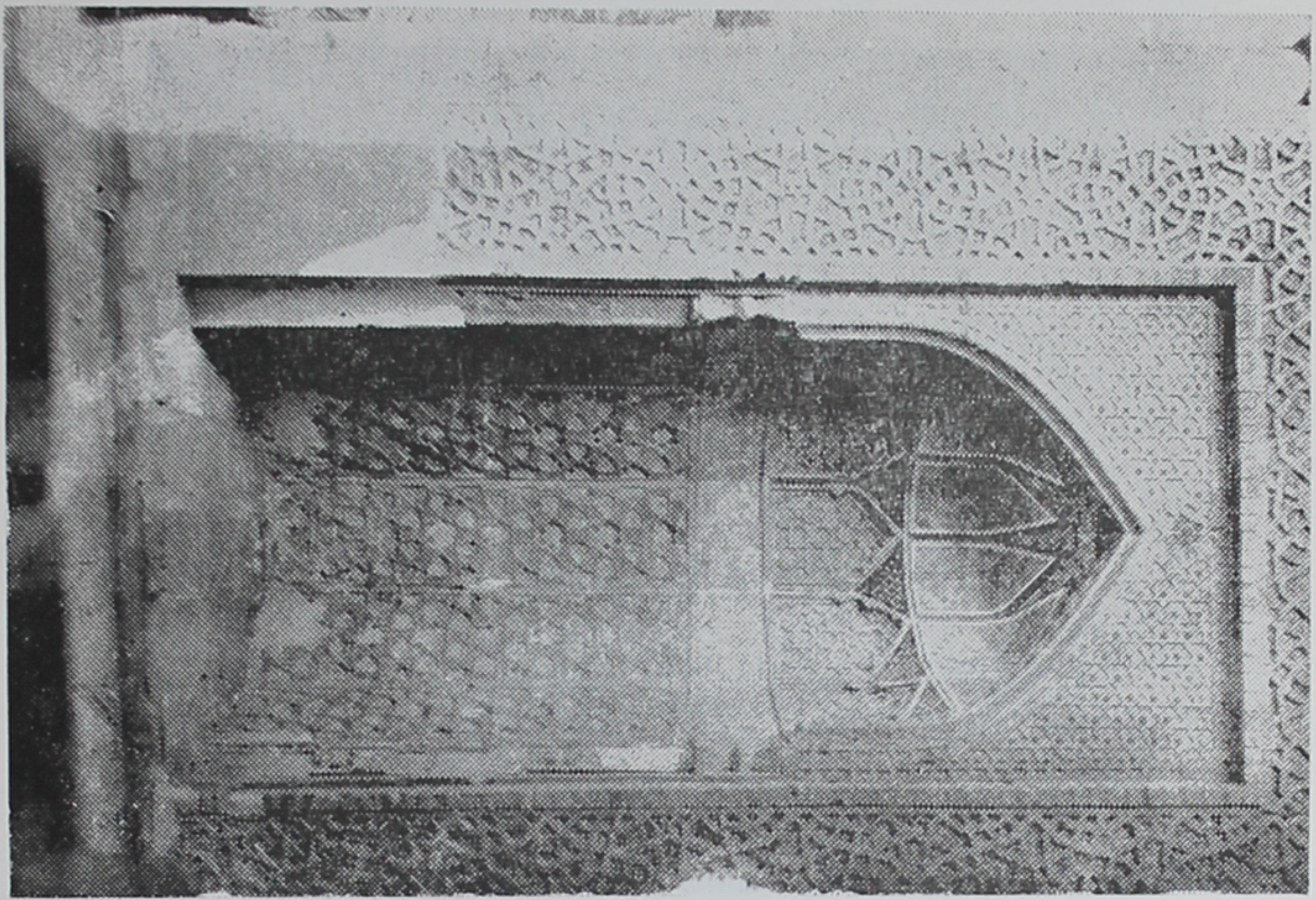
(ش۱۲۵) طفلان مسلم در مسیب



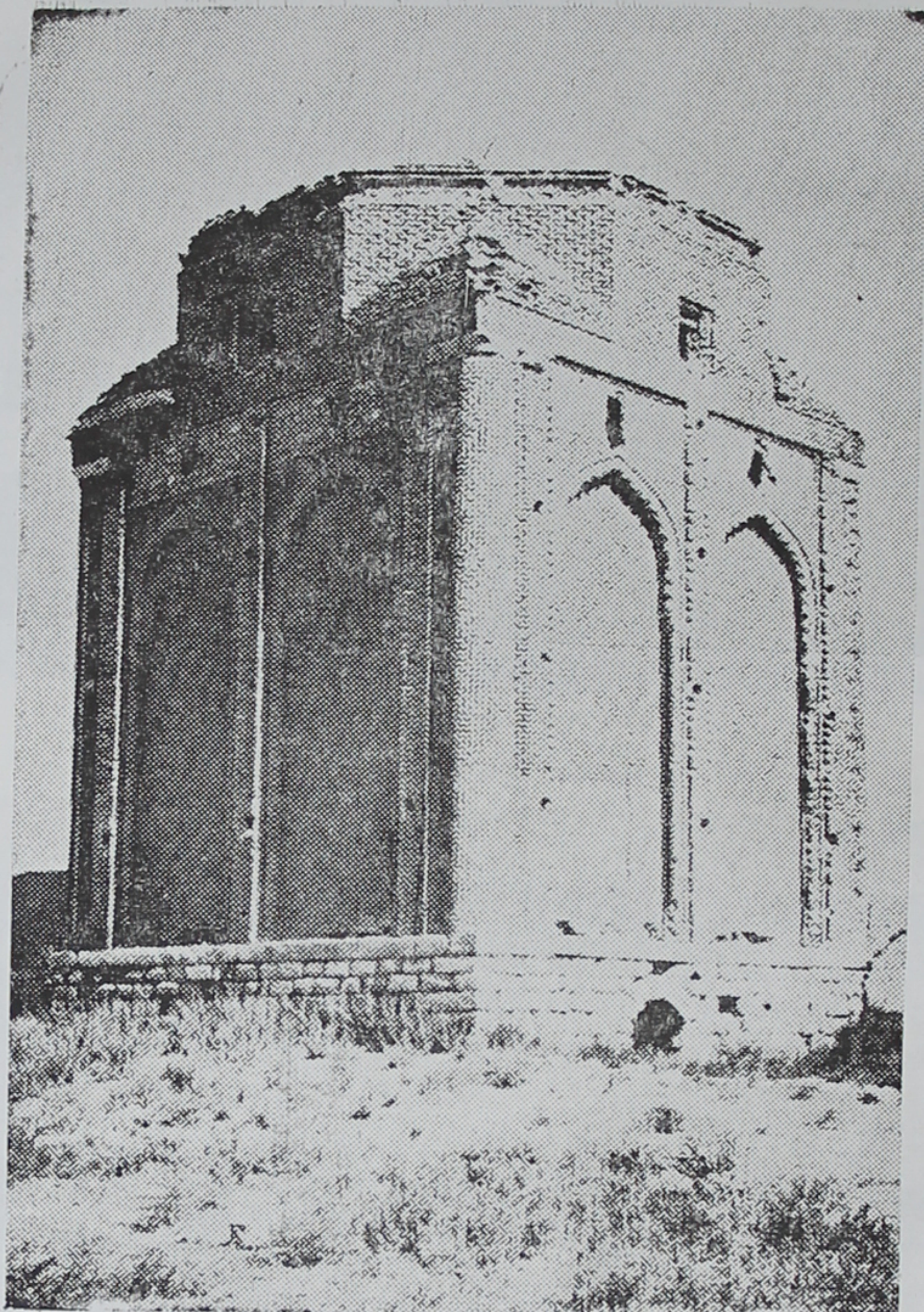
(ش۱۲۶) مسجد کبود تبریز



(ش۱۲۷)　مسجد جامع اصفهان



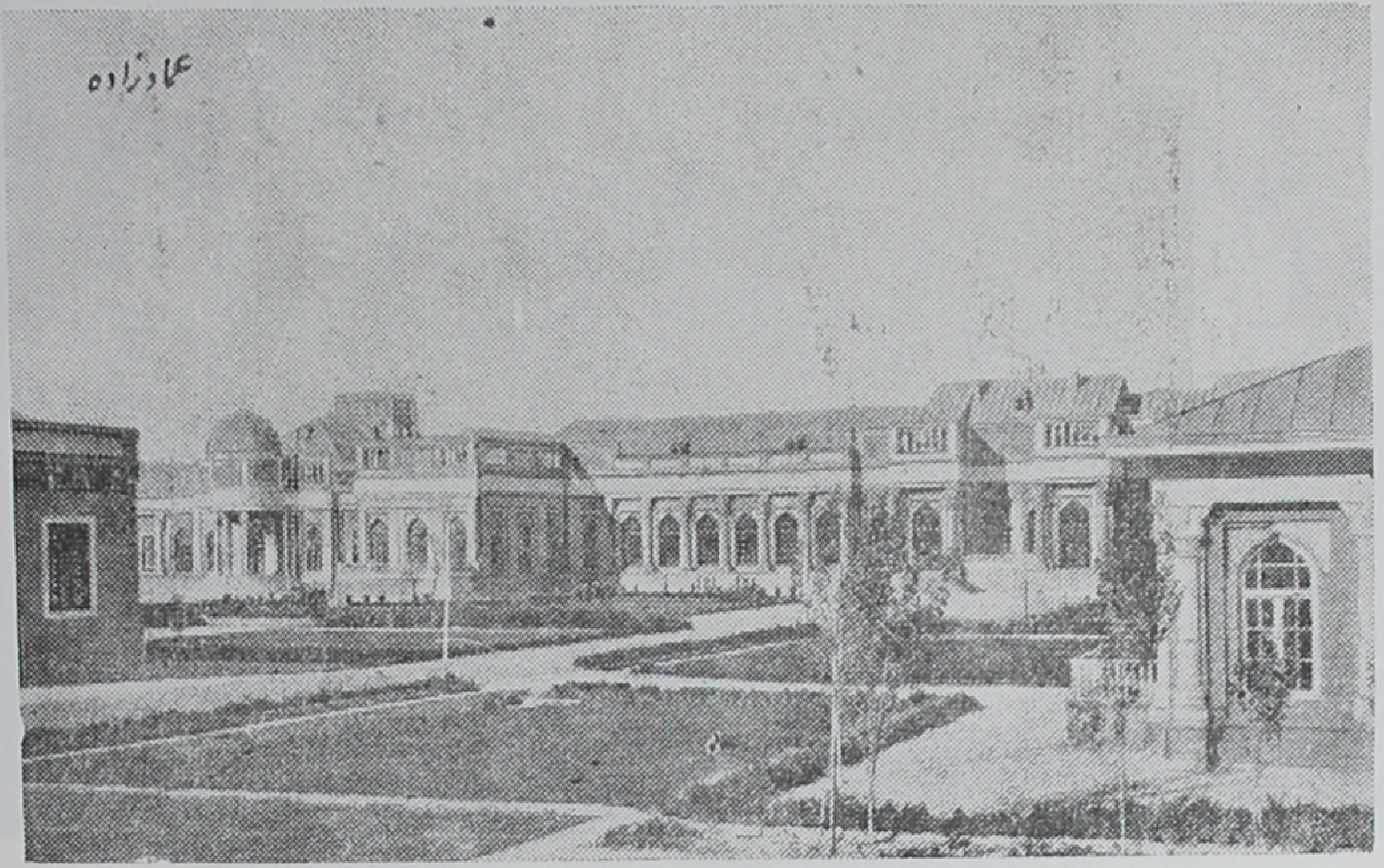
(ش۱۲۸)　مسجد کرمان



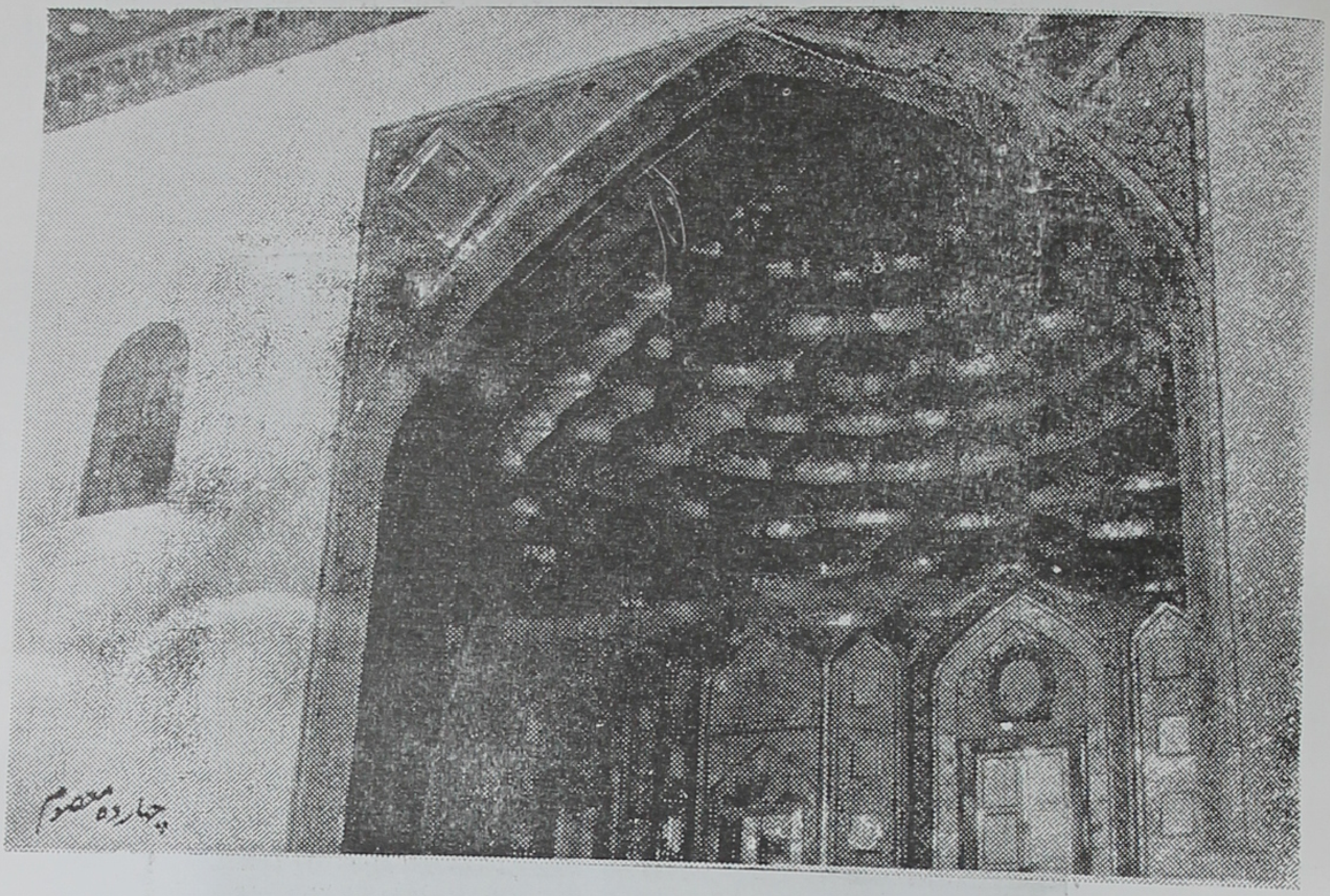
(ش(١٢٩ مسجد مراغه



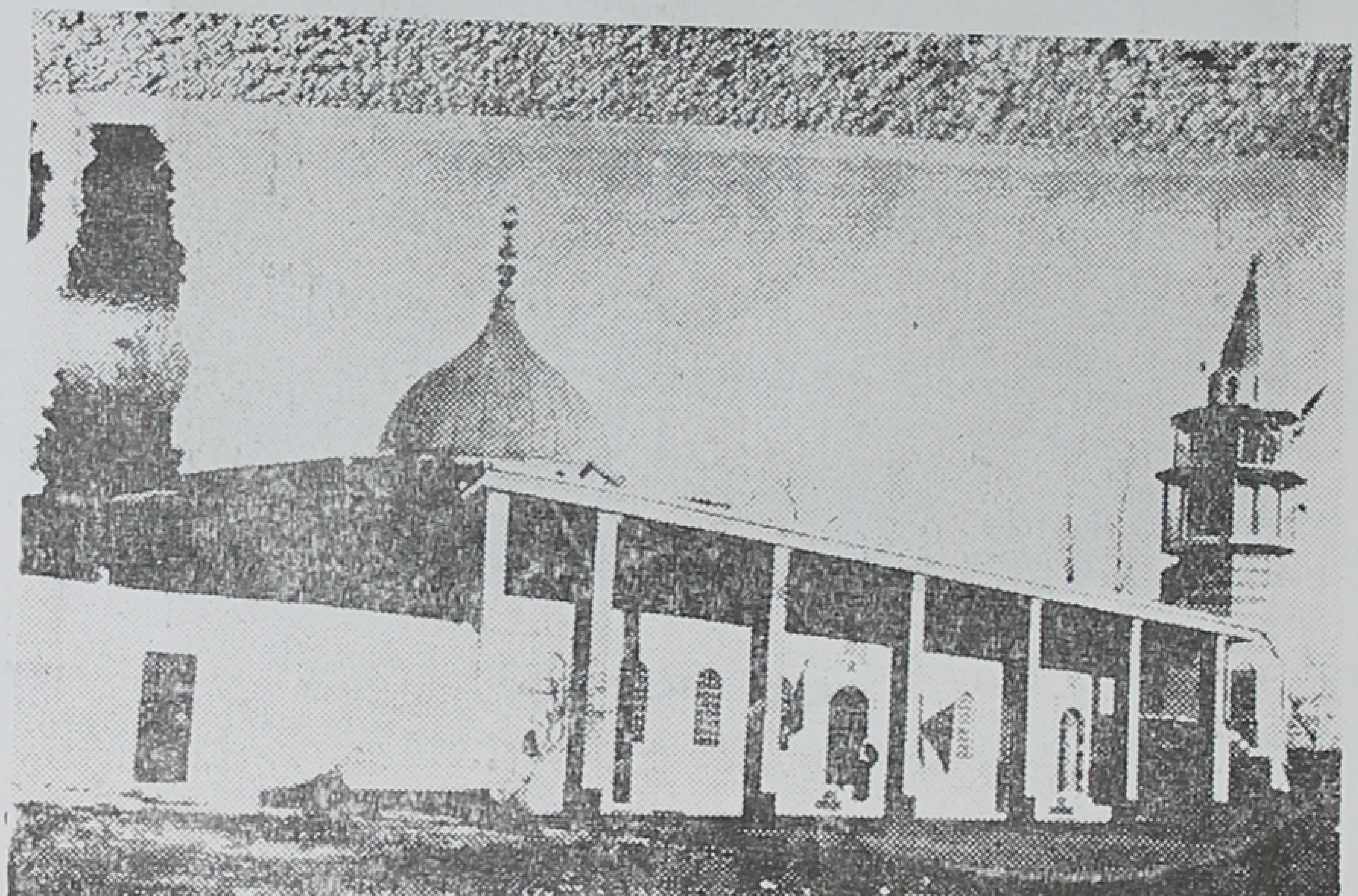
(ش۱۲۹) داخل مسجد گوهرشاد



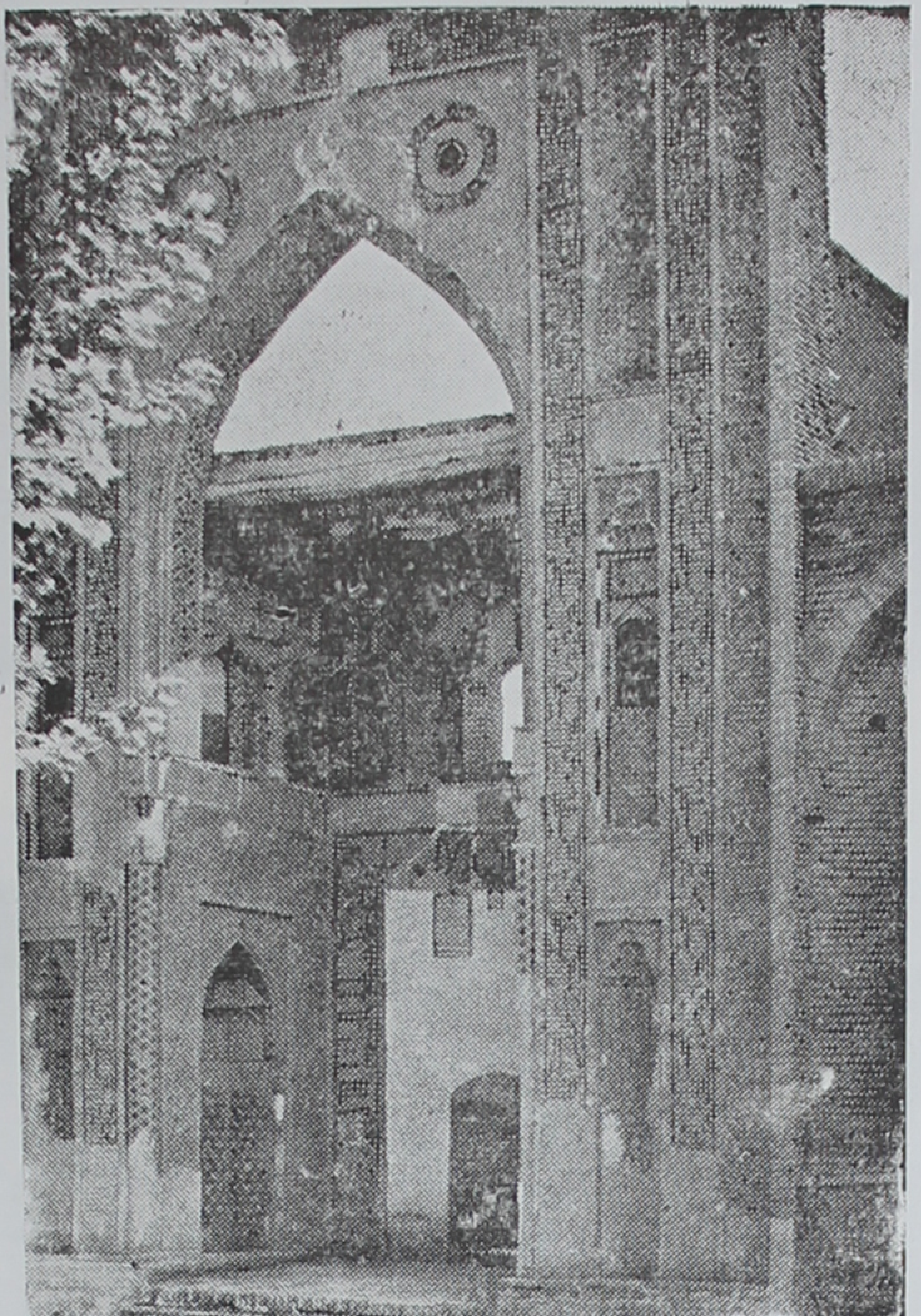
(ش۱۳۰) بیمارستان شاه رضا



مسجد گوهرشاد (ش ۱۳۱)



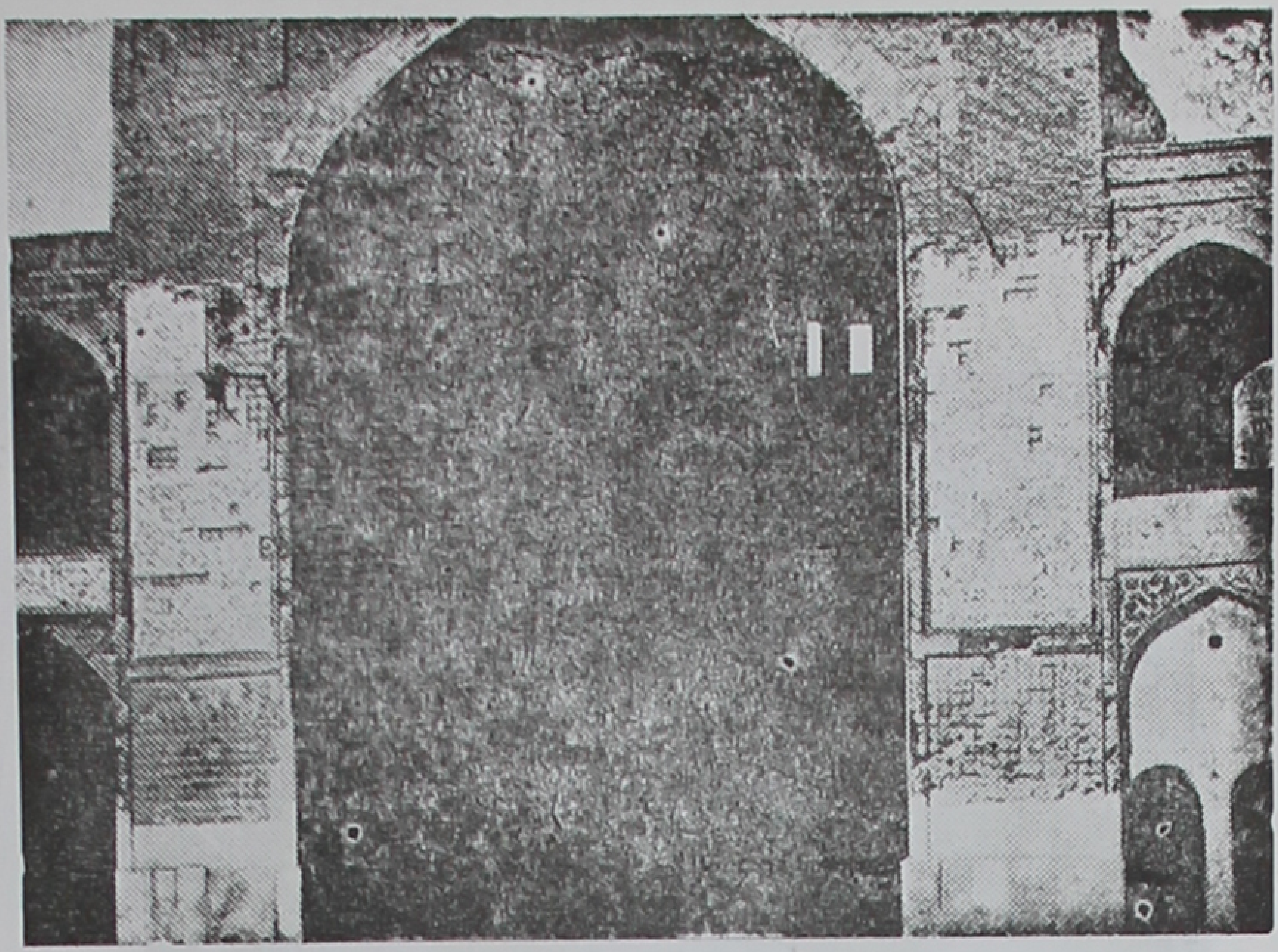
(ش ۱۳۲)



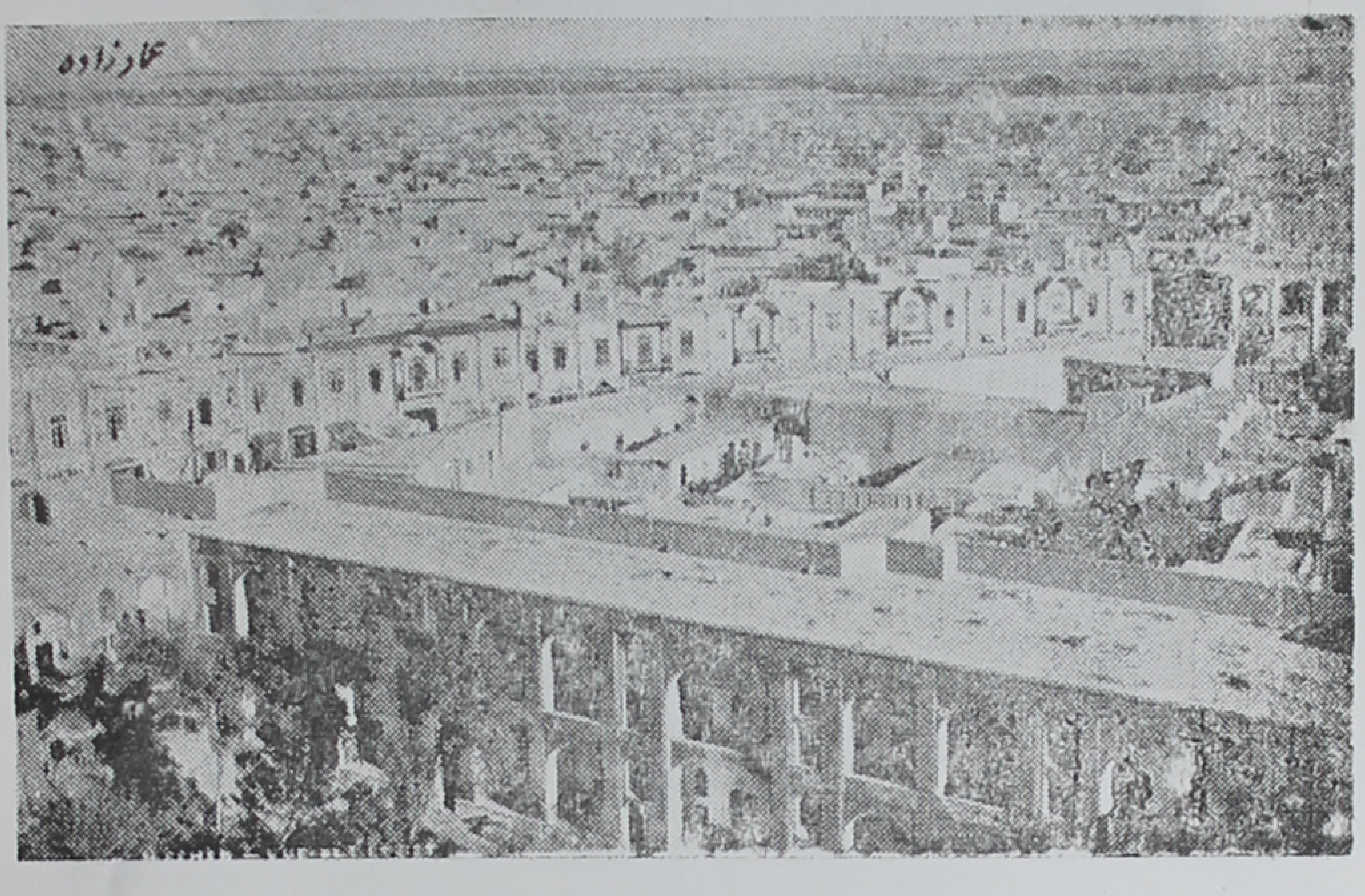
ش ۱۳۳ نطنز مسجد جامع



مسجد جامع شیراز (ش ۱۳۴)



(ش۱۳۵) مسجد جامع کرمان



(ش۱۳۶)

درترجمه رجال اسلامی اطبائی وجودداشته‌اند که درتمام فنون علمی حتی ادبیات وشعرقدرت ونبوغی نشان داده حکیم ـ فیلسوف ـ لغوی ـ طبیب ـ جراح ـ ادیب‌شاعر ـ فقیه متکلم بوده‌اند **ابوعلی‌سینا ـ ابوریحان بیرونی ـ ابوبکررازی ـ خواجه نصیرالدین طوسی ـ محمد نصیرالدین اصفهانی معروف بمحمد نصیرثانی ـ هاتف اصفهانی** و صدها نفردیگر اطبای بزرك اسلام که درتمام فنون نبوغ‌خودرا نشان داده‌اند وباکمال تاسف انحطاط سطح معلومات‌امروز اطبای بزرگی مانندگذشته اسلام نشان‌نداده است .

طب درمیان مسلمین

درباره‌طب که ازعلوم عمومی جهانست‌اقوال مختلفی هست و در هرحال مورد اتفاق است که مسلمین در طب دارای تحقیقات عالیه و اکتشافات مهم دارو سازی و افکار بی‌سابقه‌ای هستند .

جرجی زیدان مینویسد اماطب رامسلمین ازیونان وایران وهند کلدان گرفتند و ایرانیان بسیاری از آزمایش خویش را برآن افزودند و این علم را مبوب و مرتب و منظم نموده بطوری که همه کس میتواندآنرا بفهمد وبرای‌همه آسان باشد مسلمین بطوری علم طب را منظم کردند که برنك علم مخصوص تازهٔ جلوه نمود.

آنهابرقواعد وقوانین علمی ومعالجات و مداواها وطریق استعلاج و ادویه و داروهائی که اکتشاف واختراع نمودند وسبك تجزیه وتحلیل دارو وامراض ومعالجه يك طب اختصاصی‌شناخته شد ودراسپانیادانشکده پزشکی باوج ترقی‌رسید که اروپائیان ازآنهاآموختند ومیتوان گفت‌تاامروز چندان تغییرات مهمی درآن روی نداده است .

این‌نویسنده اضافه میکندکه طب اسلامی علم وسیعی ومخصوص مسلمین بود است

پیغمبر اسلام برای طب که مهمترین ارکان حیات است چنین فرمود

طب اسلامی معده راسبك ـ سررا خنك ـ پاراگرم نگاهدارید ـ کم بخورید و قبل از آنکه اشتها باقی است دست بکشید.

دست ودهان را قبل‌از صرف‌غذا خوردن بشوئید وپس‌از صرف غذانیز دست ودهان رابشوئید بعداز غذا دستی روی شکم بکشید که مجاری سیرغذا آسان گردد.

کتاب نفیس طب النبی که ازاحادیث نبوی جمع آوری شده تشکیل اساس‌بهداشت وطب اسلامی رامیدهد بعلاوه که مهمترین ارکان طب حفظ بهداشت است واسلام قبل‌از دستور علاج تعلیمات عالیه بهداشتی داده درباب مسواك کردن درطهارت مخرج وتاکید درنظافت مدخل و مخرج خیلی مفصل دستور داده‌اند بطوری که سعدی چنین مینویسد:

طبیبی بمدینه آمد مدتی گذشت کسی باو مراجعه نکرد شکایت نزد نبی‌مختار برد فرمود عادت مردم اینشهر این است تاگرسنه نشوند غذا نخورند وتا اشتها باقی است دست میکشند آن طبیب گفت سبب تندرستی همین‌است وازآن شهررخت بربست .

تاریخ تمدن جرجی زیدان صفحه ۱۸۱ ج ۳

دکتر گوستاولوبون می نویسد احکامی که درقرآن بنظر میرسد ازقبیل وضو ـ غسل ـ تحریم مسکرات ترجیح غذای نباتی بر حیوانی نهایت درجه حکیمانه و برای بهداشت مفید و نافع میباشد.

باز او مینویسد مریضخانه ها و دارالشفا های اسلامی موافق اصول بهداشتی بناشده بود واز بیمارستانهای امروزه ما بهتر بوده‌است.

این بیمارستانها خیلی وسیع و جریان هوا و آب در آنها زیاد بود وقتی که بمحمد زکریا دستور داده شد که بهترین نقطه‌ای را که از حیث آب وهوا دربغداد برای بنای مریضخانه انتخاب نماید واوبرای انجام این مقصود امتحانی که بعمل آورد محققین امراض سرایت کننده امروزهم آن راتصدیق کردند.

او نقاط مختلفه‌ایرا درنظر گرفته ودرهر نقطهٔ شهر پارهٔ گوشتی راآویزان کرد ودرآن نقطه‌ای که گوشت درآن دیرتر پوسیده و گندیده میشد اجازه داد که بیمارستان رابنا کنند بیمارستانهای اسلامی دارای سالونهای بزرك بیماران بود وهم دارای اطاقهای مخصوص دانش آموزان پزشکی ومقصودیکه ازاینکار داشتند این بود که دانشجویان ازمعاینه بیماران استفاده نموده وبوسیله‌مشاهده و آزمایش تحصیلات پزشکی خودرا تکمیل می‌نمودند.

مسلمین بقدری دانش‌آموزان رادر دیدن مریض وبیمار ومعالجات ترغیب و تحریص میکردند که بتدریس آنقدر اهمیت نمیدادند منظورشان درس‌عملی ازطب وپزشکی بود.

روشی که مسلمین درچند قرن پیش بکار برده‌اند متمدنین امروز ومترقی ترین کشورها همان رویه راعمل مینمایند و پیرامون آموزشگاههای مسلمین درآن‌عصر کتابها نوشته وهر بیمارستانی کتابخانه‌ها داشته ومدارس مجاور بیمارستان بود که عملا درس میگفته‌اند وملل غربی اعتراف‌دارند که درطب‌هم مسلمین بردنیا سیادت داشته‌واروپا طب‌راحتی جراحی‌را ازمسلمین فرا گرفتندبطوریکه دکتر گوستاولوبون مینویسد. (۱)

ترقی فن جراحی نیز از عرب شروع‌شد و مدارس طبی اروپا تاازمنه اخیر برروی‌نوشته‌ها و تصانیف آنها دائر بودند.

درقرن هفتم هجری مسلمین برای بیرون آوردن آب چشم برجراحان اسلام پائین آوردن ویا خارج ساختن جلدیه معلوم بوده است.

راجع بخورد کردن سنك مثانه «البقاس» شرح مبسوطی ذکر کرده است.

استعمال داروی بیهوشی وبی‌حس که ازاکتشافات خیلی‌تازه و جدید شمرده میشود چنین بر میآید که برجراحان‌مسلمین‌مجهول نبوده‌ودر کتب آنهامطلب‌تصریح وتشریح‌شده که‌درعمل‌های دردناك لازم است با **بذرالبنج** مریض را قبلا بیهوش کنند تا بکلی بخواب رفته حس و جنبش در او باقی نماند.

مسلمین درمعالجات اصول بهداشت را برسایر اصول مقدم داشته واز طبیعت بیشتر استفاده میکردند مسئله امساك وپرهیز که ازتعلیمات اخیرپزشکی اروپاست:

قرنها قبل دراسلام مجری ومعمول بود وروزه ازارکان عبادات بشمار رفته تاسلامتی مصون‌ماند یکی‌از دکترهای فرانسه مطابق حساب دقیقی که کرده ثابت‌نموده گفته بقدری که‌دکترهاوپرفسورهای

۱ ـ تاریخ تمدن گوستاولوبون ص ٦١٦

ما تلفات میدهند اطبای اسلامی خیلی کمتر تلفات میدادند.

از دستورات اسلام علاوه بردستورات بهداشتی و تأمین نیروی بدنی ازنظر طبی هم تعلیمات سودمندی دنیاپسند داده‌است مانند مسواك کردن دندان گرفتن ناخن استحمام یك روز درمیان – تنویر – غسلهای واجب ومستحب و تأکید درآن . مضمضه آب در دهان- استنشاق آب دربینی که اخیراً کشف‌شده‌آب‌سرد درمغزموجب کشتن‌مکروب‌حیوانات‌موذیه‌دماغ‌است‌ومخصوصاً قید باینکه‌آب حمام باید آنقدر پاك‌باشد که قابل خوردن باشد حتی حدیثی درباره غسل دراصول کافی ازفقه واخبار امامیه است که چنین‌تعلیم فرمود.

هرکس غسل کند درآبی که یکبار دیگر درآن غسل‌شده‌باشد اگرمبتلا بمرض پیسی یاخوره گردد- جز خویشتن کسی‌را سرزنش نکند.

باین‌ترتیب نمیدانم‌خزینه‌حمام‌هارا کی‌نسبت‌باسلام‌میدهد که باچنین شرایط کثافت مورد استفاده گردد

اسلام بذات خود ندارد عیبی هرعیب که هست از مسلمانی ماست

وبرای حفظ‌افکاروتمهید نفوس در روانشناسی مسلمین را موظف باذکاری کرده که روح‌ایمان و خداپرستی وتوحید وکار و کوشش درآن قوت گیرد- از غیر خدا ببردو بخدا امیدوارباشدوازسعی و جدیت درکار و کسب وهنروپیشه دست نکشد- توسل بارواح‌طیبه وقرآن که راهنمای حیات ابدیست و مشورت باخردمندان‌بحکم **فشاور هم فی‌الامر** و استخاره وطلب خیر از خدا همه برای تقویت روحی است.

مسلمین در طریق استعلاج اکتشافاتی داشته که ازآن جمله درتب – حصبه- آب‌سرد استعمال میکردند که پس‌از چندین قرن‌متروك مانده باز امروز معمول گشته است.

درقرابادین ازادویه بسیاری مانند فلوس – سنا – ریوندچینی – تمرهندی ، قرمز دانه معدنی کچوله -کافور- الکل درصنعت ترکیب داروسازی استفاده کرده بطوریکه کتب داروسازی مسلمین قرنها جزوبرنامه آموزشگاههای اروپا بود- تالیفات ابوعلی‌سینا که همه بزبانهای زنده دنیا ترجمه شده وتدریس میگردید.

مولفات محمدبن زکریای رازی ایرانی بااستعمال و طریق استعلاج او سرمشق اطبای اروپا میباشد.

کتاب علاج‌الاطفال اولین کتاب‌دنیا دراین فن و کتاب حاوی‌الکبیر مشتمل برتمام مسائل‌دانش پزشکی ازکتب بزرك مخصوص مسلمین‌است که نبوغ ودقت فکر وعمق اندیشه آنهارا درطب و دارو شناسی‌نشان میدهد-

مولفات «ملکی» که برای عضدالدوله دیلمی تالیف نمود و تمام مسائل و گفتگوهای پزشکی را بابهترین طوری درآن درج نمود او از طب یونان انتقاد کرده و در طریق معالجه سبکی نوینی دارد.

اطبای اسلام از فوائد آب وهواکاملا باخبربود سکونت در عربستان و حبشه را در زمستان برای مبتلایان بسل مفید میدانستند – امروز هم پزشگان حاذق مسلولین را سواحل نیل و حبشه میفرستند.

آموزشگاه سالن در ایتالیا که سرچشمه طب اروپاست مقلد مسلمین بود و شهرتش بجهت

پیروی طب اسلامی بود و حتی در تحولات این آموزشگاه را که مبنی براساس طب اسلامی بود حفظ کردند .

کتاب جراحی ابومروان عبدالملك بن زهر جامع جمیع مسائل مهم پزشکی سرچشمه علمی جراحان اروپا قرار گرفته وحتی داغ با(کی) وعملیات باچاقو وابزاردیگر ومعالجات دندان - چشم - شکافتن سنك مثانه همه ازعلوم و کتب اسلامی گرفته شده است .

شربت آلات ومشمعات واقسام روغن ومرهم وعرق وغیره همه را ازمسلمین فراگرفته‌اند که البته باترقی جهان وموجودشدن وسایل واختراعات بتکامل خودرسیده است .

مسلمین درهواپیمائی

وخلق لکم من مثله مایرکبون

مسلمین باتوجه بآیات قرآن وتفکر وتدبیر وتعقل درخزائن نهفته عالم طبیعت وعلم ودانش بهرکاری دست زدند و اخبار واحادیث آیات قرآن را تایید وتفسیروتصریح وتشریح مینمودند.

ازآیاتی که برایجاد واختراع انواع مرکبهادلالت داردآیه ۴۳ سوره یس میباشد که میفرماید آفریدیم برای ایشان ازمثل آنچه سوارمیشوند درصحرا ودریا وهوا وغیره و پیغمبراکرم ص درحدیث برهوت وصف طیاره راچنین فرموده است .

ازمسلمین عباس ابن فرناس که توجه باین آیات وحدیث داشت و میدانست امکان پرواز هست میخواست بابال خود حرکت کند بازحمتی تمام بالهائی دراطراف دستهای خود قرارداد و پرواز کرد تن اوازپر پوشیده شده بود ودوبال بزرك برآن افزوده مسافت زیادی راپروازمیگرد ولی چون خوب ازعهده این عمل برنیامده دچارآزار ورنج شدوآسیب دید.

این همان دانشمندمخترعی است که درخانه خودهیات آسمان راساخت ودرفن موسیقی وشیشه گری اختراعاتی کرد .

ومسلمین قبل از اختراع طیاره اروپائیان درایران بالن‌هائی هوامیکردند وباشمع وحتی یکنفر هم درآن می‌نشست ومقداری درفضابالامیرفت دردوره قاجاریه هم این عمل در تهران تکرارشد ولی موجبات موتوری ونقل آن هنوز بمیان نیامده بود مدتها بعد اتومبیل پیدا شد و «رنسانس» ونهضت علمی زندگانی موتوری را بوجود آورد و کم کم ملل اروپا باوسایلی که دردست داشتند باین حد کمال موفق شدند .

وغرض این است که مسلمین بیکارو بی‌فکر دراین فن واختراع هم نبودند ولی موجبات آن فراهم نبود که بکمال مطلوب خودبرسند .

یك درس از اسلام درخویشتن شناسی

حضرت علی ع بکمیل ابن زیاد بنقل سیدرضی درنهج البلاغه چنین فرمود:

ومن کلام له علیه السلام لکمیل بن زیاد النخعی قال کمیل بن زیاد اخذبیدی امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع فاخرجنی الی الجبال فلما اصحر تنفس الصعدا ثم قال - یا کمیل ان هذالقلوب اوعیة فخیرها اوعاها فاحفظ عنی مااقول لك

الناس ثلثه فعالم ربانی ومتعلم علی سبیل نجاة وهمج الرعاع اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریح لم یستضیئوا بنور العلم ولم یلجاء والی رکن وثیق. یاکمیل العلم خیرمن المال

العلم یحرسك وانت تحرس المال والمال تنقصه النفقه والعلم یزکو علی الانفاق وصنیع المال یزول بزواله یاکمیل معرفة العلم دین یدان الله به به یکسب الانسان الطاعه فی حیاته وجمیل الاحدوثه بعدوفاقه والعلم حاکم المال محکوم علیه یاکمیل هلك خزان الاموال وهم احیاء والعلماء باقون مابقی الدهر اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده ها ان هیهنا اعلما جماً واشار علیه السلام الی صدره. الخ

یکروزدست کمیل را گرفت از کوفه بیرون رفت وچون بیرون شهررسید نفس سردی از دل پردرد بر کشید فرمود ای کمیل این دلها وقلبها ظروفی است که بهترین آن ظروف آن است که بیشترظرفیت داشته باشد وبتواند دردریای علم وحکم خودهمه چیزرا حل وهضم کند ـ درخویشتن شناسی وتعریف علم النفس وظرفیت بشر برای کسب علوم بهترین درس است.

فرمود ای کمیل مردم ۳ دسته اند یکدسته عالم ربانی که علم ودانش را برای کمال نفس وتقرب بحق کسب میکنند ودسته دوم دانشجویان ومعلمین وطلابی که برای نجاح ونجات خود و دیگران کسب علم وفضیلت میکنند ودسته سوم همج الرعاع میباشند که باهربادی حرکت میکنند وباهرصدا هم آهنك میگردند و بنورعلم ودانش ضمیرشان روشن نمیگردد وتکیه گاهی ثابت وثیقه معنوی ندارند فرمود ای کمیل علم بهترازمال است علم تورا حفظ میکند ولی مال را تو باید حفظ کنی مال ببخشش نقصان می یابد اما علم بتدریس و تعلیم افزون میگردد علم بانفاق افزونی یابد و مال کسر میشود.

فرمود ای کمیل معرفت علم آشنائی بافریننده عالم است وکسب علم اززندگی شرافت آمیزو درآخرت رستگارخیزاست علم حاکم ومال محکوم است فرمودای کمیل کنجوران مال هلاك میشوند وخزان علم زنده وباقی هستند علماء تاآب را بودوبادرا بقاءِ جاودانند اگراجساد واعیان آنها مفقود است امثال آنهادرقلوب واذهان موجوداست.

آنگاه فرموداین اشاره بسینه خود مخزن علوم پیغمبراست و هر کس بخواهد هرچه بپرسد از من پرسد قبل ازآنکه مرا بیابد.

این درس خویشتن شناسی مسلمین را بمبانی علمی وروحی وجسمی واداشت وبفکرزندگی افتادند ودرباره شناختن روح وآثاررشد وکمال آن وهمچنین برای حفظ وبهداشت زندگی وبرای پیشرفت وآبادی دنیا وحفظ ومصونیت اجتماع ازآفات وعاهات وتامین وسایل تدافعی درتمام شئون اجتماعی بکار وکوشش افتادند وبذل همت نموده جنبش براساس علم وتقوی وهنروصنعت اختراع و ابداع و پیشرفت وترقی وتعالی نمودند تادردنیا سیادت وسروری کردند.

مسلمین دراجرای تعلیمات پیشوایان دین وائمه معصومین ازهیچگونه بذل سعی دریغ نمیداشته حداکثراستفاده را ازالتذاذ وتمتع شخصی بردند وحتی اکثرخدمت اجتماعی رانمودند و نام نیکی بجاگذاشته که امروزدنیای علم وفن بحکم الفضل للمتقدم درپیشگاه مسلمین سرتواضع خم میکنند و ازنظر کسب فیض روحی ونفسانی نیز برای آخرت خودخدمات اجتماعی کردند وبانواع عبادات مبادرت نمودند ـ درتمام ساعات شب وروز زندگی کاروکوشش نمودند دانستند که باید دراین دنیا جسمشان باتمام وسایل لازم زندگی محفوظ ومصون بماند و روحشان نیز بمدارج عالی کمال و ارتقاءِ برسد بهمین جهت علم ودین راباهم آمیخته وآموخته اند وفضیلت وتقوی راباهم عمل کرده نشردادند

فکر مسلمین درباره زندگی

تمام این عوامل علمی وفنی برای زندگی بشراست و علاقه بزندگی یك نكته اساسی روانشناسی و علم‌الاجتماع است که قابل توجه جهانیان قرار گرفته است ما برای بیان این مطلب اساسی ودور افتاده از فکر عادی از کتب اسلامی که تعلیمات اخلاقی معیشتی بیشتر میدهد صرف نظر کرده فقط عقیده یك نفر اروپائی را در این موضوع نقل میکنیم .

ژوزف ماك كاپ ازمستشرقین معروف‌جهان است که درباره عظمت مسلمین دراسپانیا کتابی نوشته است ودر آن یك فصلی گشوده بدین عنوان که «فکر مسلمین درباره زندگی» درآنجا مینویسد برجسته ترین خصایص تمدن مسلمین مرام حیات علمی و اجتماعی آنها درباره زندگی است زیرا هرجهانگردی راکه دربلاد وکشورهای اسلامی سیاحت کند مات ومبهوت میسازد و انگشت حیرت و عبرت بدندان میگیرد زیرا مظاهر جمال وجلال طبیعت راکه نمونه بارز علاقه مسلمین بزندگی است مشاهده میکند .

باغچه‌های پرازگل - موسیقی- شعر- درختهای خرما - موز و مرکبات بوستانها پرازگل و بلبل - فرشهای گرانبها - ساختمانهای زیبا - ظروف نقش ونگار شده سفالی وچینی وبلور برزیبائی وطراوت وحیرت همه میافزاید همچنین گردآوردن کتب خیلی مورد دقت مردم مسلمان بوده و صاحبان ذوق و سلیقه خیلی میل داشتند قفسه زیبا و گرانبها وجلد وکاغذپرارزش بدست آورده بازرگانان توانگران باغهای بزرك خیابانهای باصفاوپرنور وپردرخت باتمام وسایل آسایش درست کرده‌اند- آجرهای دیواراطاق راساده‌نمیگذاشته بلکه آنهارا باطلا تزیین میکردند سقفهای ساختمانها راصاف وساده نمی‌بستند بلکه مقرنس ساخته وشگفتیهای بسیاری دراین هنرازخود بیادگار گذاشته‌اند کف اطاقها پراز ریزه‌کاری و دروپنجره‌ها راخاتم وپرنقش ونگارمیساختند .

وبرای‌خلفاء بواسطه‌زیادی پول تمام این هنرها بکمال شکوه وزیبائی آشکار بود ابزار های جنك وغلاف شمشیر کلاه خود زر وغیره تمام دارای آثار زیبائی ومظهر ذوق وسلیقه مسلمین است .

هرچه آنها ازچرم وفلزوسفال وپارچه وغیره میساختند بی‌اندازه دقیق درزیبائی ورنك آمیزی وتناسب هریك چه ظرافت وزیبائی بکارمیرفته است .

این مورخ دقیق دریکقرن پیش‌مینویسد مسلمین دریك‌چیزدارای اهمیت بی‌مانندی وبرهرقومی برتری ورجحان داشته وهیچ ملتی بپایه آنهانرسیده است وآن عشق بگل و باغچه وچشمه وشعر و موسیقی وادب وپاکیزگی است که اکثر نویسندگان آنرا فراموش کرده‌اند .

مسلمین درنفوذ تمدن اسلامی وهنرهای گوناگون وسلیقه درتفریحات خود در اعیاد وجشنها واشاعه علوم وفرهنك برملل برتری دارند دارائی آنهادرشهرها برتروبیشتراز زمان‌رومیان است واین روحیه وعلاقه بزندگی برای یك‌دسته نبوده بلکه تمام طبقات دراین علاقه بزندگی وباغ و گلستان‌و گل‌وبلبل بهره‌مند میشدند.

نکته لطیفی که این نویسنده خواسته بیان کند این است که رومیان این وسائل را باشصت یا هفتاد ملیون غلام وبرده تهیه میکردند ولی مسلمین خود با کمال علاقه بدست خویشتن ساخته و پرداخته وازآن لذت میبردند.

تفریحات مسلمین خیلی ظریف وکم خطر بود کشتن گاو وحشی وشراب خواری و میگساری وزدوخورد وبازیهای خونین نداشتند باذوق وادب وسلیقه بشعر وادبیات ومضامین نغز ودلکش مشغول بودند افسانه گویان باکمال مهارت وصف عیش میکردند وقمار ومیگساری ودر میان مسلمین علنی هیچ کجا نبود اگر خلیفهٔ وشاهی چنین میکردند اورا میکشتند.

اشاعه ذوق ادبی وتحریك شوق شعری درحیات مختلفی درمردم ایجاد کرده و غلامان تربیت شده بشعر وادب وبذله گوئی ولطیفه سازی درنظم ونثر ترقی میکرد تابهای آن بدو هزار سکه طلا می‌رسید درحالیکه درسایر ملل ازغلامان فقط برای کار های سخت وناهموار استفاده میکردند.

درتمام ملل متمدن اقلیت متفکر وچیزفهم بر کنار بودند ولی دراسلام مخصوصاً درا ندلس متفکرین لایق وبا استعداد وبا نفوذ وبزرگتر بیشتر ازسایرمردم جهان داشتند وآنچه بیشتر جالب توجه بود اخلاق و پرهیزکاری مسلمین است که در میان مسیحیان وجود نداشته تقوی و زهد واخلاق حسنه مسلمین مخصوص خودآنها بوده‌است.

نگارنده گوید فاقد شیئی طالب شیئی است هر کس هرچه را ندارد بدان اهمیت میدهد وبعظمت یاد می کند.

این سطور برجسته نشان میدهد که دراروپا دردو قرن پیش بجلوتر این آداب ورسوم وشئون و علاقه بزندگی وذوق وسلیقه وایجاد گل وبلبل و طراوت وسبزی وصفا وغیره وجود نداشته است ودر سابق هرفردی ازمسلمانان کتابخانه داشته ودر درجه اول قرآن و کتب ادعیه واذکار واخلاق وتربیت وآداب آموزش وپرورش ومکارم اخلاق وحلیه المتقین وادب وسیره سیروسلوك وصول بحقیقت راداشته‌اند که با کمال تأسف امرور بتقلید مسیحیین سیرانحطاط اخلاقی رامی پیمایند.

مسلمین در کار و کوشش

اسلام با تنبلی وتن پروری وترك معاش وبیکاری سخت مخالف است.

شیخ صدوق درخصال ازپیغمبر اکرم ص روایت کرد.

که فرمود **البرکة عشره اجزاء تسعة اعشارها فی التجارة والعشر الباقی فی الجلود**

برکت ده درجه است که یك جزء آن درحیوانات و۹جزء در تجارت است.

امام جعفر صادق ع میفرماید **التجارة تزید فی العقل** تجارت و بازرگانی عقل را زیاد می کند وسبب آن مطالعه در طرق تجارت است ازتاریخ و جغرافیا در اقتصاد وتسعیر ارز وغیره که راه نفع وضرر رابرای نقل وانتقال امتعه ومال التجاره مطالعه وبررسی کنند.

وباز روایت میکنند **تعرضو للتجارة فان فیها غنی لکم وفی ایدی الناس** تجارت کنید تابی‌نیاز شوید وغنی وبی‌نیازی ازتمکن است که درسایه تجارت بدست میآید. وفرمود ترك تجارت کار شیطان است.

آیه **رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله** درباره پیغمبر نازل شد که بتجارت شام رفته ومردم را بتجارت وبرکات آن تشویق نمود. ودرعین حال ازذکر خدا برای جلب نفع غافل نبود

از امام محمد باقر ع روایت کرده که هر کس طلب دنیا کند از جهت تعفف برای کوشش عیالش وعطوفت برای همسایگانش روز قیامت خدا را ملاقات کند درحالی که رویش سفید باشد.

امام صادق ع فرمود آیا عاجزید که مانند مورچه باشید زیرا مورچه دانه به سوراخ خود میکشد.

پیغمبر خدا ص فرموده عبادت هفتاد جزء است که بیشتر از آن در طلب حلال است.

حضرت جعفر صادق ع فرموده **لاخیر فیمن لایحب جمع المال من حلال یکف به وجهه ویقضی دینه ویصل به رحمته**

خیری نیست در کسی که دوست ندارد جمع کردن مال از حلال راتا ابروی خود را نگاه دارد ودین خودرا ادا کند وصله‌رحم نماید.

امیرالمؤمنین ع ازدسترنج خود هزار بنده‌را آزاد کرد.

ابوحمزه ثمالی روایت ازحضرت موسی کاظم ع میکند که در زمین خود کار می کرد وقدمهای مبارکش درعرق فرورفته بود گفتم فدایت شوم کجا هستند مردان کار فرمود جدم علی بادست خود درزمین خویش کارمیکرد واو بهتر ازمن وپدرم بود.

فرمود تمام پیغمبران بزراعت اشتغال داشتند واجداد مانیز همه برزگر وزارع بوده‌اند.

امام صادق ع فرمود فلاحها گنجور خداهستند وهیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر اززراعت‌نیست و خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد مگرآنکه دستور زراعت باو داد مگر ادریس که خیاط بود ۱

حضرت امام موسی کاظم فرموده خداوند دشمن میدارد بنده پرخواب و بیکار و تنبل را

فصل چهارم

امپراطوری اسلام

آفتاب اسلام در افق مکه پرتو افکن شد و روز افزون توسعه یافت مسلمین در سال سیزدهم از بعثت با ۲۱۲ نفر از مکه بمدینه مهاجرت کردند و با ۸٤ جنك تمام جزیرة - العرب راگرفتند دولت اسلام با پنج ملیون مسلمان حکومتی بر اساس صفا و اخوت و وفا بر پایه دین که مشحون بر ایمان و عمل صالح بود تشکیل دادند و کمتر از یکقرن گذشت که قسمت اعظم آسیا و آفریقا و قسمتی از اروپا و کرانه‌های دریای خلیج فارس و مدیترانه و رود نیل دریای سرخ همه در زیر اهتزاز پرچم اسلام درآمد - و اکنون سیر پیشرفت و فتوحات و جهانگیری اسلام را از نظر خوانندگان میگذرانیم !!!

وحدت
تمدن وسیاست ممالك اسلامی

وهذا کتاب انزلناه مبارك مصدق الذی بین یدیه و لتنذر ام القری ومن حولها والذین یومنون بالاخرة یومنون به وهم علی صلوتهم یحافظون

آیه ۹۳ سوره انعام ۶

این است کتاب بابرکتی که تصدیق شده ونازل کردیم و اکنون مابین دست شماست برای آنکه بیمناك کنی مردم مکه را وآنها که درمحور کعبه قراردارند بدیهی است کسانی که بآخرت ایمان دارند بقرآن هم ایمان دارند وبرنماز خود مراقب ومحافظ هستند .

دراین آیه مبارکه نزول قرآن را درمکه محور عالم آفرینش روی کره زمین قرارداده تابشر را ازآینده خود بیمناك سازند وقرآن راسرمایه ایمان بخدا وآخرت قرارداده است که تمام مسلمین رو بقبله قرآن را پیروی نمایند - و وحدت زبان وحدت کلمة وحدت عبادت وحدت قبله ووحدت کتاب وحدت ایمان همه درسایه همین دین حقیقت است - ودرآیه دیگر میفرماید آنچه بشما وعده شده میرسد وشماعاجز بآوردن مثل آن هستید .

درفوز وترقی وپیشرفت مسلمین یك باب (۱۷) شامل ۶ فصل

فصل اول - ۱۸ آیه
» ۲ - ۲
» ۳ - ۱۲
» ٤ - ۹
» ۵ - ۲۷
» ٦ - ۱

جمع ۶۹

تمدن اسلام

معنی تمدن تمدن عبارت است ازتهیه ثروت ازراه مشروع - کمی خرج رفع نیازمندیهای عمومی - بالا بردن سطح فرهنگ - آبادی اراضی وعمران - ساختمان شهرهای بزرك - توسعه ونفوذدادن قدرت ولغت وقانون خود را در کشورهای دیگر جهان تمرکز قدرت نظامی وتمرکز قدرت علمی - وتقویت قوت ایمان درقلوب افراد وخلاصه آنکه بشر را ازجهت جسم وجان روبتکامل وترقی بالا برده وازهرجهت مضیقه معاش ومعاد را ازبین بردارد تابکمال مطلوب خود برسد .

انما توعدون لات وما انتم بمعجزین

آیه ۱۳۵ سوره انعام

اسباب تمدن چیست

تمدن دراصطلاح وعرف شهرنشین را گویند که دارای زندگانی اجتماعی باشد وزندگی اجتماعی اسباب ووسایل اجتماعی می-خواهد وباید بامشارکت افراد وابناء نوع درتهیه وسائل زندگی و دفاع ازموانع ومبارزه بامشکلات بذل مساعی شود تایك زندگی اجتماعی براساس مدنیت بوجود آید.

بهمین جهت است که گفته‌اند زندگی اجتماعی مرهون خدمات اجتماع است وچون انسان مدنی بالطبع است و بتنهائی نمیتواند زیست کند باید درجمع موجبات جمع را فراهم سازد واسباب

زندگی راهمه باید باهم بتشریك مساعی فراهم کنند ومهمترین مواد اسباب تمدن دربدایت امر - رفع نیاز اولیه زندگی است که درعرف قدماء بضروریات سته تعبیر شده و در اصطلاح امـروز ملل غربی پنج‌اصل اولیه‌زندگی مشهور گردیده است.

جذب - دفع - حرکت - سکون - خواب - بیداری که هریك موجبات و وسایلی لازم دارد بشر برای تغذیه وبدل مایتحلل خود ازنباتات وغلات وصیفی جات وفواکه و اثمار وحبوبات و بقولات ودهنات ولبنیات وغیره بایدرنج تهیه‌مواد اولیه رابنماید واجتماع بهمت مشترك دربسط عدالت برای توزیع ومصرف همت نمایند.

این مواد چه‌برای تغذیه یاملبوس - مسکن هرچه باشد مستلزم کاروکوشش فراوان است که یکنفر بتنهائی نمی‌تواند همه‌موادرا تهیه کند.

گندم - جو وگوشت - لبنیات وغیره هریك موادیست که بایدبهمت اقلا ششصد نفر وباشرط زندگانی موتوری امروز شش‌هزار نفرکار کنند تامن وتو نانی بکف آوریم وبغفلت نخوریم واین کار مشترك غیراز عناصر و موالید واقمار ومنظومه های شمسی است که بقول‌سعدی :

ابر وباد ومه خورشید وفلك درکارند   تاتو نانی بکف آری و بغفلت نخوری
همه ازبهرتو سرگشته و فرمانبردار   شرط انصاف نباشد که توفرمان نبری

اساس تمدن اسلامی

ازمواد تمدن بشردرجه اول علم وبعدقدرت وتوانائی براجرای علم وعمل وسعی وکوشش‌است که این موفقیت مبنی براطلاعات علمی وادبی وتحقیق درباره علوم طبیعی ومواد وخواص آنها واثر تجزیه وترکیب‌وتحلیل وتاثیرآنست.

مسلمین بدون شك بتصدیق همه مردم‌دانشمند جهان درتحقیقات علمی- درزبان وفراگرفتن فنون وحرف وعلوم درادب وآداب وادبیات درتاریخ وفلسفه درنثرونظم وشعروشاعری - درعلم‌رجال ودرایت‌وروایت‌وحدیث‌وتفسیروتبیان و اخبار‌درریاضیات واقسام مختلف آن مانندحساب - هندسه - جبر- مقابله - معادلات مثلثات - هیئت‌نجوم تقویم - تنجیم - ترصید - زیج‌رصدخانه‌اسطرلاب‌وهمچنین درجغرافیا ومسالك‌وممالك امصارو بلدان واکناف عالم وخواص‌آب وهوای وجمعیت ومحصولات نباتی-حیوانی آن درفیزیك وجراثقال شیمی وتجزیه وتحلیل وترکیب مواد داروئی و عنصری - در فنون واکتشافات فنی مانند باروت واسلحه‌ناریه - منجنیق - اسباب‌سنك‌اندازی- آتش افکنی - اختراع‌کاغذ -کشتیرانی - بحرپیمائی - استعمال قطب‌نما ودرتاریخ طبیعی و علم طب وفنون مختلفه مداوا ومعالجات وتشریح وداروشناسی وضبط اسامی داروها وخواص‌آن وتالیف کتب‌طبی‌وجواهرشناسی وحکاکی ونقاری‌روی احجاروجواهرات وسکه زدن برطلا ونقره وچرم وغیره .

استفاده ازتمام این مواد برای حفظ صحت انسان وتعالی وترقی اجتماع وتسهیل امور زندگی ورفاه وارتقاءِ مدنیت ومهم‌ترازهمه ایجاد آثار صنعتی و نمونه‌های بارز ادوار مختلف ملل واقوام و صنایع مستظرفه ومهندسی - معماری - قلمزنی - نقاشی - تذهیب‌کاری - جلدسازی - شیشه‌گری - زرگری - جواهرسازی - منبت‌کاری - ترصیع - مفرغ سازی - کنده‌کاری - حجاری - حصیربافی که

روی‌همه‌مواد چرم و چوب وفلز- سیم وزروغیره که فنون مسلمین درتمام اطراف واکناف دنیا نمونه بارزعلم وقدرت وفن وصنعت ومجموعاً نماینده تمدن عالی وراقی مسلمین است که بقول مستشرقین هیچ قومی ازاقوام جهان وهیچ ملتی ازملل عالم باینسرعت ترقی و تکامل نکرده وپایه‌های تمدن و امپراطوری آن بر پایه های آهنین استوار نگردیده که بتوانند برای همیشه در دنیا زنده و جاوید بمانند .

ابنیه ایران - مصر- سوریه ولبنان - پاکستان وهند - صقلیه - غرناطه - اندلس - اندونزی قفقازیه - عراق وحجازبالکان - آسیای صغیر - ترکیه - تبت و مغولستان وغیره همه شاهداین عظمت میباشند که پس‌از۱٤قرن تمدن‌مترقی‌مسلمین رابدنیا مینمایند.

ازاینهمه مواد تمدن که بگذریم روابط تجارتی واقتصادیات مسلمن دربازرگانی - صنعت و تجارت وفلاحت ومبادله ارزی وکالای تجارتی باچین وژاپن وروسیه - ملل‌غربی درافق فکرآن ملل آثاری عمیق ازامتعه ومال‌التجاره خود باقی گذاشته که صفحات تاریخ‌را بخودجلب نموده است‌و کتب تاریخ تمدن مفصل این حقایق راروشن ساخته است (۱)

اینها وعده‌ای بود که خداوند بپیغمبرش برای توسعه نفوذ واشاعه دین وجهانگیری داده و از زبان وحی بهمه عالم واقف گردیده وبرهمه‌چیزدانا وآگاه شدودرهیچ‌کاری‌عجزوناتوانی‌نشان نداد و اعجازقدرت‌موهبتی خویشرابرجهانیان نشان‌داد که هنوزهم‌اسلام درپیشرفت وتوسعه است ولی‌مسلمین ازقافله متمدن جهان عقب افتاده‌اند .

تمدن اسلام

مورخین اروپا همه اتفاق دارند که مسلمین‌در فکرواندیشه ممتازنددرآبادی وعمران‌شهرهای اسلامی نهایت جدیت راکرده‌اند پای‌تختهای اسلامی درآسیا - افریقا - اندلس - مظهرهنر وسلیقه مسلمین است - درعلوم وفنون وپیشه وهنردرصف‌اول هنرمندان جهان قراردارند - هنرمعماری‌مسلمین درمیان تمام ملل بی‌نظیراست همان ابنیه است که تاکنون ١٤ قرن است برپای خودروی امتیازهنری وسلیقه مخصوص مسلمین خودنمائی میکند اگرصفحه دنیای بشریت رامانند فیلم از نظر بگذرانیم برجسته‌ترین عمارت قدیمی بشررا که هنوزمظهرنبوغ علم وهنراست درممالك اسلامی یا از سرپنجه مسلمین می‌یابیم .

خاورشناسی نامی ماکس‌مایرهوف آلمانی درکتاب‌عالم اسلام فصلی برای تمدن مسلمین ازراه هنرمعماری اسلامی بازکرده است - باتفاق مورخین بغداد که درسال ۱۵۳ ساخته شده درقرن سیم هجری درتمدن وآبادی وثروت وآسایش مردم‌ازتمام شهرهای برتروزیادتر وبهتربود - هارون‌الرشید بزرگترین پادشاهان آن دوره است - عبدالرحمن ناصردرقرن چهارم ازتمام سلاطین غرب‌مسلمان وفرنگی برتر وترقی اندلس درآنروزگار ازتمام ممالك دنیابیشتربوده است .

امیرشکیب ارسلان درکتاب «لماذاتاخرالمسلمون»مینویسدکاربغداد که زمان منصور ورشید و مامون ازجهت متمدن وآبادی سرشار وبسیاری ثروت ومال ومنال بجائی‌رسید که‌هیچ‌شهری مانند آن نبود وتاکنون هم مانندش یافت نشده‌است .

---

۱ - تاریخ تمدن جرجی زیدان و تاریخ تمدن گوستاولوبون ازکتاب میراث اسلام بهترین معرف است .

شماره مردم آنجابه ۲،۵۰۰،۰۰۰ نفرمیرسید ـ بصره درمرتبه دوم بغداد وجمعیتش ۱۰۰۰۰۰۰ بیشتر بود ـ دمشق ـ قاهره ـ حلب . سمرقند ـ اصفهان سایرشهرهای فراوان ومشهور اسلامی همه نمونه تام وتمام وبرهان عمران وآبادی آندوره است ومیرساند که تمدن همه جارا فراگرفته و کشورپهناور اسلام درآبادی وعمران غرق بود ـ

قیروان فاس ـ تلمسان ـ مراکش در مغرب بزرگتر ومهمتر از این بودند که درجهان بشود همسری برای آنهاپیدا کرد یاکسی دراروپا بتواند عظمت آنهارا انکار کند وسخنی برخلاف گوید در اروپا قرطبه یگانه شهری بود که مانند نداشت ـ شماره مردم آنشهر باعظمت بالغ بر ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفربود این شهر ۱۷۰۰ مسجدجامع داشت غیرازمسجداعظم که گنجایش ۵۰،۰۰۰ نفرنمازگذار در شبستان و ۳۰۰۰۰ نفرنمازگذار درصحن داشت دراین مسجد شگفت انگیز ۸۰۰۰۰ نفر میتوانستند بنماز وعبادت پردازند ـ که باکمال تاسف وضع آن امروز تغییر کرده است.

کاخ الزهرا مانند شهری بود که ۹۰۰ مترطول و ۸۰۰ مترعرض آن بود اسپانیولیها آنجاراشهر الزهرا میگویند مامورین متخصص میگویند پنجاه سال کاوش آنجاوقت میخواهد.

غرناطه پایتخت کشور کوچکی بود که برای مسلمانان در پایان کارباقی مانده بود بااینحال در قرن ۱۵ میلادی « هشتم هجری » در اروپا هیچ شهری باوی برابری نمیکرد و نظیر آن یافت نمی‌شد ـ

هنگامیکه بچنگال اسپانیائی‌ها افتاد ۵۰۰،۰۰۰ نفرساکن داشت درحالیکه درآنعصر دراروپا شماره جمعیت هیچ‌شهری وهیچ پایتختی نصف این مقدارهم نبود.

کاخ الحمراء غرناطه گوهریکتای جهان است واین آثار بارزتمدن اسلام بوده و هست این‌ها نمونه مدنیت وآثار گرانبهای مسلمین است اینهامیوه‌های درخت تمدن اسلام است

شماره تمام آثارمسلمانان درروی کره زمین که همه زیبا و پربهاء است محتاج چندین جلد کتاب است . که ما درجلد دوم فشرده‌ایم

نویسنده میگوید دراین مساجدشخصاً رفتم گشتم مهندسین میگفتند درتمام اسپانیا برای کاوش به ۷۰۰۰ (دژ) قلعه وحصاربرخوردند که سه‌چهارم آنها ازبناهای مسلمانان وآثاراسلامی است ومعماری مسلمانان همه بریك نهج ویکنواخت بناشده است این ابنیه هریك مکمل دیگری و پشتیبان دیگری بود وهرخطی ازشهر بیك جانب آن امتداد داشت هرخطی‌ازشهر بیك پهلوی آن امتداد یافته وخطی دیگر ازآنطرف بوی منتهی میشود وهمچنین بارودرخط طوری واقع شده که برابر باروئی دیگر باشد ـ گویا قلعه وباروها سلسله متصلی است که منتهی میگردد بمرزفرنگیان ـ ص ۱۱۸

گلودوایر نویسنده نامی فرانسه درمقدمه مجموعه خود دروصف بناهای مسلمانان تونس ومغرب اقصی واوسط چنین مینویسد ـ کاخها ومسجدها وبناهای عالی وشهرها تمام این زمینهارا که پیغمبر اسلام ازبازماندگان رومانی پس گرفت پوشیده است یعنی بجای دیرها کلیساها ـ کنیسه‌ها ـ وغیره همه مساجد بزرك مدارس عالی ـ کاخهای عظیم مسلمین بناشده .

اومیگوید آری مسلمین مردمی بودند که جائی‌را ویران کنند وخرابه سازند بلکه خرابه‌ها و ویرانه‌ها را آباد وعمران کردند . تونس . طنجه . فاس . مکناس . مراکش . همانطور که درقاهره وقیروان نمایان است آثار بی‌مانند مسلمانان جهان است و برتمام آثار ملل غیراسلامی برتری و رجحان دارد !!!

درمغرب آموزشگاهی ازمسلمانان باقی است مانند آموزشگاه فاس که مانند قشنگترین عبادتگاه یونان قدیم بنا شده زیرا جمیع اصول و قوانین مهندسی را در ساختمان آنجا بانهایت دقت مراعات کرده‌اند .

دو نفر از نویسندگان نامی فرانسه که بافریقا و مغرب اقصی رفته‌اند بنام- ژیرم - وژال تارو مینویسند کسی که آرامگاه سعدیین را در مراکش تماشا نکرده نمی‌فهمید تمدن اسلام درزیبائی وقشنگی تاکجا رسیده بود .

من میگویم اکنون هم اگر کسی مسجد شاه اصفهان - مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان - مسجد جامع اصفهان مسجد چهارباغ اصفهان مسجد گوهرشاد مشهد - مسجد سپهسالار تهران - مسجد غرناطه و اشبلیه-مسجد اقصی مسجد کوفه - مسجد اموی دمشق - مسجد مدینه و کربلا ونجف وکاظمین وسامرا وقم وحضرت عبدالعظیم ومساجد جامع نائین - همدان - سمنان ندیده باشد هنرمسلمین راندیده وتمدن آنهارا نیافته است .

در کتاب الاستقصاءِ فی تاریخ الغرب الاقصی در آثار موحدین و آثار منصور سعیدی درمراکش وصف آنجارا که میکند چشم آدم روشن میشود وروح او نشاط میگیرد .

در کتاب اتحاف اعلام الناس بجمال حاضره مکناس تالیف علامة ارجمند شریف بن شریف امیرالعلماءِ وعالم الامرا مولای عبدالرحمن بن زیدان رئیس خانواده سلطنتی مغرب وصف بناهای جد خود مولا اسماعیل بزرك راشرح داده که ۶۵ سال سلطنت کرده و درمکناس وسایر جاها کاخهای و بناهای عالی و دژها ساخته باغها و بستانها درست کرده که از سایر سلاطین عالم کمتر دیده شده است .

گوستاولوبون نیزدرتاریخ تمدن خود ورینه گروسه درعلم تمدن خاور بیش ازسایرین ازأبنیه و وآثاراسلامی وصف کرده‌اند .

اخیرا درمغرب کتابی بنام «مراکش ومدن الفن - طنجه - فاس - مکناس - مراکش - رباط» بقلم پیرشامپیون منتشرشده که ۲۲۷ صورت از بناهای زیبای بلاد مغرب اقصی گرفته وازتواریخ مغرب مانند الاستقصاءِ وروض القرطاس وازتاریخ ابن خلدون زیاد نقل کرده و بیشتر توجهش ببناهای فرینین درفاس وموحدین وسعدیین درمراکش واندلسیها دررباط بود .

ابن خلدون مینویسد دردوره نخستین جهاداسلامی بپایداری و استحکام و محکمی مسلمین ممتاز بودند .

شامپیون مینویسد درقرن ۱۴ بناهای مسلمین روی نصف زیاد ازقرن ۱۶ بازرونقی گرفت درقرن ۱۷ دارای عظمت شد دراواخرقرن ۱۹ روی بانحطاط رفت .

این سطور که ازخلال کتب استخراج شده مبنی برتمدن اسلام ازنظر بناوعمارات وابنیه وهنرمندی معماری بود که جلب توجه ملل اروپارا کرده است ولی روح تمدن اسلام درجنبش علمی وتالیف وتصنیف کتب وآموزش وپرورش علم ودین وتقویت ایمان وعقیده بود که مظاهر کامل آن در کتابخانه‌های دنیا موجود است وازآن نیز بحثی خواهیم کرد .

جهانگیری اسلام و فتوحات مسلمین

سنریهم آیاتنا فی الافاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربك انه‌علی کل شیئی شهید.

بزودی نشان جهانیان خواهم داد در عالم کبیر و در نفوس مختلف کثیری که عالم صغیراست تاحقیقت بر آنها ثابت‌وروشن گردد آیا کافی‌نیست برای اثبات توحید که خدای شما برهمه چیز قادر است.

قل یاقوم اعملو علی مکانتکم انی عامل فسوف تعلمون.

آیه ۱۳٦ انعام ششم

بگو ای مسلمین عمل کنید باحکام شریعت اسلام تامکان ومرتبه خودرا به‌ببینید من عمل‌میکنم شما چگونه عمل میکنید.

فلا تهنو ولا تحزنو وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

تسامح وسستی وتکاهل نکنید محزون و مأیوس نباشید شما برای برتری برسایر بشر موظفید بشرط ایمان وعمل صالح.

فتوحات‌اسلام درجهان

آفتاب اسلام پس‌از طلوع درام‌القری ونشر درمکه ومدینه تمام شبه‌جزیره عربستان را فرا گرفت واز آنجا بریك‌یك از کشور های بزرك وشهرهای کوچك پرتوافکن شد تاهشتصد سال تمدن خودرا درجهان نفوذداد وحفظ کرد وبرتمام جهان حکومت میکرده تاقطعات مختلف آسیا ـ افریقا ـ اروپا همه‌جزء سلطنت عظیم‌الشأن وامپراطوری‌بااقتدار اسلام درحیطه تسلط مسلمین درآمد،

مسلمین ازشبه‌جزیره عربستان قیام کردند و از اقیانوس اطلس تارود سند و از دریای مدیترانه تاصحرای افریقا واز آنجا تادیوار چین واز جبل‌الطارق تاممملکت کل پیشرفتند وتمدن آنها درجهان اثری عمیق بخشید.

فتوحات قرن اول

بنقل فتوحات اسلامی و تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان و گوستاو لوبون خلفای اسلام ابتدا خطهٔ بابل قدیم پایتخت ایران و شام که مرکز حکومت روم شرقی بود فتح کردند؛

بعداز فتح بیت‌المقدس عمر بشام عزیمت نمود وآنجا که هفتصد سال تحت‌تسلط واقتداردولت روم‌بود درظرف هفت‌سال بدست مسلمین افتاد ازآن پس قشون اسلام در زمان عمر بسرعت بطرف عراق عرب وایران حمله‌برد وتاج‌وتخت پادشاه ساسانی را تصرف کرد این فتوحات دوماه بیشتر طول نکشید که بزرگترین کشوری که خراج‌گیر ازممالك بزرك جهان‌بود فتح کردند،

در همین اوقات مغرب عساکر اسلام بسرداری عمروبن عاص مصر ونوبه را فتح کرد درسال ٦٤٤ میلادی که عمر در گذشت سال هجری اسلام کشوری پهناور گشته وسعتی بسزا پیدا کرده بود.

عثمان پس‌ازعمر تمام ایالات ایران راتا قفقاز واز طرف دیگر تاهند بتصرف آورد.

امیرالمؤمنین علیع که داماد پیغمبر وخلیفه مخصوص او بود درسال ٦٥٥ میلادی مطابق با سال ۳۵ هجری برمسند حکومت نشست.

جهانداری وحفظ ممالک وسیع اسلامی واداره امور کشوری براساس عدالت و رأفت وتساوی حقوق وبرادری وبرابری سعی بلیغ فرمود.

پس از شهادت حضرت امیرع درسال ۴۱ هجرت معاویه نماینده حزب بنی‌امیه که اساساً از غلام زادگان رومی بودند وجز بر منطق شهوت و حکومت هدفی نداشتند زمام امور مسلمین را بدست گرفته ودر فرمانفرمائی مانند قیاصره روم تقلید ازسلطنت روم شرقی که درشام نفوذ داشتند کرده ومدت هشتادسال حکومت کردند.

دراین مدت قوای اسلام بطرف شمالی افریقا پیشرفت وتاسواحل اقیانوس رابه تصرف آوردند وبا ۱۴۰۰ کشتی دریای متوسط را دوره کرده وپس از تصرف تمام جزایر دریا بجزیره سیسیل رسیدند وآنجا راتصرف کرده تااروپا دست یافتند.

محاصره قسطنطنیه هفت‌سال طول کشید وقشون اسلام ازرود جیحون عبور کرده تابیرق‌اسلام را تابسمرقند برافراشتند.

پس از معاویه خلفای اموی رشته فتوحات راجاری نگاهداشته ودرقطعه آسیا تاچین ودراروپا تا اقیانوس اطلس دامنه‌آنرا وسعت دادند.

درسال ۷۱۲ میلادی مطابق سال ۹۲ هجری مسلمین از اینکه جبل‌الطارق که تاآنوقت کسی‌از آن تنگه عبور نکرده بود طارق عبور کرد و خود را باندلس رسانیدند وبنام او شهرت یافت اندلس که‌شهری مهمی‌بود ازدست نصاری «کت» گرفتند ویك حکومت باعظمت وجلالی تشکیل دادند که هشت قرن هشتصد سال دوام یافت.

در اواخر قرن اول هجری بود که از هندوستان گرفته تااقیانوس اطلس و از قفقاز تاخلیج فارس درتمام این ممالك پرچم اسلام در اهتزاز بوده است وازممالك مسیحی‌هم اندلس که از ممالك بزرك اروپا شمرده میشد تحت سلطه وحکومت اسلام درآمد واز مراکز مهم اسلام وپایتخت غربی مسلمین ودارای دانشگاه وسیعی گردید آثارابنیه ومساجد ومدارس و کاخها وتمدن پرافتخار آنهاهنوز باقی وبرقرار است.

فتوحات اسلامی درقرن دوم

جهانگیری اسلام درقرن دوم باوج عظمت رسید وجهان‌گیران اسلام اوقات خود را صرف حسن تمشیت وانتظام حکومت وسیعه اسلامی میکردند.

در این قرن **قشون اسلامی وارد خاك فرانسه** شد وتا رودخانه لوار پیشرفت.

دراین قرن پایتخت اسلام از دمشق ببغداد که المنصور درسال ۷۵۲ میلادی مطابق سال ۱۴۵ هجری آنرابنا کرد انتقال یافت وخلافت ازبنی‌امیه درسال ۷۵۲م و۱۳۲ه بنی عباس منتقل گردید. این خلفاکه اولاد عباس عموی پیغمبر بودند اولین اقدامی که که نمودند تمام خاندان امیه راکه در نظر آنها اجنبی میآمدند بغیریك پسر که اتفاقاً جان در بردودر سال ۷۶۵م و۱۳۹ه دراندلس حکومت مستقلهٔ تشکیل‌داد همه‌را بقتل‌رسانیدند «ص۱۶۶ تاریخ تمدن».

دراوایل قرن دوم هجری سلطنت اسلام تااین درجه توسعه پیدا کردکه دیگر جلوتر آن نرفت آنوقت حکومت اسلام ازجبال پیرنه و جبل الطارق تاهندوستان و از سواحل بحر متوسط تاریکستان افریقا وسعت و بسط پیدا کرده بود ویك قسمت معظم آسیا یعنی از کوهستان عربستان تاترکستان واز کشمیر تاتروس تحت فرمان خلفای اسلام بود.

ایران که سراسر فتح شده وازکابل تارودسند تماماً تحت بیرق اسلام بودند در اروپا اندلس و جزائر بحرمتوسط درافریقا مصر وتمام قسمت های شمالی آن تماماً مطیع قانون اسلام شدند.

دوران جهانگیری اسلام در این قرن بپایان رسید وعصر جهانبانی وکشور داری اسلام شروع شد واصلاح و انتظامات کشور پهناور بی‌نظیر اسلام آغاز گردید فاتحین اسلام تمام همه خود رابه ترقیات تمدنی وعمرانی وآبادانی معطوف داشتند اوایل‌عهد خلفای عباسی مسلمین درتمدن پیشرفت شایانی کردند.

ازجمله اسباب مختلفه ترقی وتعالی یك قوم خصایص عقلانی واخلاقی آنقوم میباشد که عوامل قوی شمرده میشود واین مجموعه خصال که ماآنراجبلت وفطرت نامیده‌ایم محرك اصلی افعال انسان است که درانسان از حین پیدایش موجود میباشد واین همان خصایص است که درقرون متمادی اسلام بمسلمین ارزانی داشت وبوسیله وراثت درآنها نقل وانتقال میشد وهیچ‌قوه نمیتوانست درآنهامقاومت کند - اسلام حکومت عقلانی بود ولذا ازهمان آغاز نشردین درزمان پیغمبر ص شروع بفراگرفتن زبانهای مختلف ولغات متداول گردید تادین وآئین اسلام را ممتازاً بجهانیان بیاموزند.

درقرون دوم قرن رشد علمی ورشدعقلی مسلمین است که علوم یونانی را اخذ کردندوشالوده یك تمدن باشکوه ومجددی ریختند که درادبیات وعلوم وفنون باوج کمال رسیدمخصوصا زمان‌هارون‌الرشید ازسال ۷۸۶ تاسال ۸۰۹ میلادی مطابق سال ۱۷۰-۱۹۳ هجری علوم وفنون ومعرفت وتجارت بآخرین درجه ترقی‌رسید - شعراء ادباء وسایرارباب فضل وکمال نام نامی این خلیفه راکه نمونه بارز شوکت وجلال‌او کتاب الف لیل ولیله است بتمام اقطارعالم رسانیدند.

شاهنشاه روم شرقی خراج گزارهمین خلیفه بود وقتی خطاب بابر کرد که ببارهر کجا بباری بکشوراسلام باریدۀاین ترقی‌تازمان مامون‌باقی‌بود ومدتی‌طولانی پرچم‌اسلام برفرازاین‌جهان‌پهناوری که تقریباً تمام دنیای متمدن آنعصر بود دراهتزاز بوده است.

فتوحات اسلام درقرن سوم

درقرن سوم کشورهای اسلامی از صورت وحدت و استقلال ملی مجزاشدوهریك ازممالکی که‌قدرت داشتند علم استقلال برافراشتند - اولین محلی که پرچم استقلال برافراشت قرطبه بود که‌خلافت مستقلۀ تشکیل داده.

بعدازقرطبه ایران وپس‌ازآن هندوستان مستقل‌شدند ودراثرعیاشی خلفای بنی‌عباسی‌حکام‌خود سراطراف دارالسلطنه اسلامی‌یعنی‌بغداد دعوی خودمختاری‌میکردند - طولون مصری حکومت‌مستقلۀ تشکیل داد - افریقا بکلی‌مطلق‌العنان شد استقلال خلافت اندلس بحد کمال رسید ولی‌اسلام‌بوسیله اخلاق واحکام عالیه مطلوب خود در تحت‌عنوان تبلیغ‌دینی و مبارزه کرد پیشرفت خودرا همچنان باطراف واکناف هرمنطقه ادامه میداد - وردهات وقصبات ومناطق دورازشهرجابازمیکرد،

قرن چهارم هجری

دراین قرن بدنباله تجزیه و تقسیم ممالك اسلامی دارالخلافه اسلام ازبغداد بمصرهم انتقال یافت واندلس هم مرکزیت یافت مدارس عالی طلیطله ـ غرناطه قرطبه قاهره ازدانشگاههای بزرك اسلام شد که تمام محصلین اروپا درآنجاتمرکزیافتند واسپانیول بزرگترین مرکز وحصه مرکزی دانشگاه وتمدن اسلام دز مغرب شناخته شد و قاهره درافریقا روزافزون توسعه یافت و فتوحات جنگی مبدل بنهضت علمی مسلمین گردید و از راه اشاعه علم و فضیلت اسلام باوج ترقی و تکامل رسید .

قرن پنجم

دراین قرن دوحادثه خیلی بزرك روی‌دادیکی هجوم اتراك‌سلجوقی بود ودیگرجنك صلیب که اجمالا شرح آن چنین است اعراب در فتح ترکستان جمع کثیری ازاتراك‌رااسیر کرده باخودبدارالخلافه بردند آنها جزو مستحفظین دربارخلافت مشغول خدمت شدند وکم کم قوت یافتند تازمام‌حکومت رابدست گرفتند ابتدا اطراف بغداد راگرفتند سپس قسطنطنیه را محاصره کردند وتمام شامات را فتح کردند این‌مردم ترك بجای حکومت اسلامی که اساس آن‌برانصاف‌ومروت همددی بودحکومتی پرتعصب وپرجور وظالمانه تشکیل دادند چنانکه از اشاعت دیانت مسیح بنای مخالفت و جلوگیری راگذاشته ونسبت بزائرین بیت‌المقدس ازهیچگونه اذیت وآزاری فروگذار نمیکردند ـ اروپا که ازیکمدتی مملکت‌گیری مسلمین‌رابنظرهیبت ورعب نگاه میکرد ازحالا بنای جنبش را گذاشت از یکطرف بوسیله تبلیغات وتحریکات‌ازطرف دیگراعلان عمومی‌بجهاد که ازطرف پاپ بعمل‌آمدبالاخره اسباب ومقدمات جنك‌اول صلیب را فراهم نمود که درسال ۱۰۹۵ میلادی مجاهدین نصاری بفلسطین حمله کردند وفتح کردند ودربیت‌المقدس تشکیل دادند ودرهمین قرن نصاری مسلمین را ازجزیره سیسیل خارج ساخته ودرخود اسپانبول هم تادرجهٔ کامیابی حاصل کردند وطلیطله راپس از چهارصد سال ازدست مسلمین گرفتند واین جنگها براساس سلطنت وحکومت بود امااروح اسلام درقلوب‌مردم جا بازمیکرد .

قرن‌ششم

دراین قرن‌برجسارت نصاری افزود ودرسال ۱۱۴۷ میلادی‌جنك دوم صلیبی شروع شد ولیکن دراین جنك وجنگهای دیگرهمه‌جا شکست بامسیحیان بود سلطان صلاح‌الدین ایوبی فلسطین را گرفت ونصاری رابیرون کردند .

درسال ۱۱۸۹ میلادی جنك سوم‌صلیبی شروع شد ولی باهمه کوشش از عهده صلاح برنیامدند وپیکارمسلمین ترك ونصاری برسرحکومت ادامه داشت وعلمای اسلام ودانشگاههای اسلامی‌دراشاعه ونشراحکام دین وعلوم اسلامی‌سعی بلیغ‌داشتند .

قرن هفتم هجری

درقرن هفتم چندین جنك صلیبی رخ داد ولی‌درتمام این‌جنگها فتح و پیروزی بامسلمین بود که مدافع بودند مخصوصا در جنك چهارم که درسال ۱۲۰۲ واقع شد وقسطنطنیه پایتخت مسیحیان وباسم روم شرقی حکومت جدیدی تشکیل دادند . ۹جنك صلیب ازقرن ۵ تا ۷ شروع شدوتحولاتی رخ داد ولی درعین حال همه‌جا پرچم اسلام دراهتزازبود .

باآنکه تلفات زیاد ازطرفین داده شد اسلام باعلم وتمدن وفرهنك دردنیا توسعه یافت چیزی

که برای مسلمین ناگوار آمد آغازقیام چنگیزخان مغول ازمشرق بود که مسلمین درعینحال ازطرف مغرب مواجه بادشمن سرسختی مانند نصاری وازطرف مشرق بامغول مواجه شدند واین ضربه برپیکر اسلام اگرچه سبب توسعه ونشردین وفرهنگ وعلوم اسلام دراروپا وسایرنقاط دوردست جهان شدولی برایران وعراق وماوراءالنهر خسارات جبران ناپذیری وارد آوردند .

چنگیزخان مغول ازدشت تاتارقیام کرد ودفعهٔ بممالك آسیاهجوم برد ـ چین ـ ایران ـ هندوستان ـ راقبضه کرد .

درسال ۱۲۵۸ میلادی مغول ببغداد رسیدند خاندان عباسی را که مدت پنج قرن سلطنت داشته بکلی منقرض کرد مغول هم مانند اتراك وحشی وبیرحم وستم پیشه بودند ولی صلاحیت قبول تمدنی را داشتند وچون بااسلام مواجه شدند تمدن اسلام راپذیرفتند ودرقلمرو حکومت خود تمدن و احکام اسلام بحال خودباقی ماند وتزلزلی درآن روی نداد ـ قدرت اسلام دراین قرن فقط درمصر واندلس تمرکز یافت .

قرن هشتم هجری

دوقرن هشتم ترك ومغول بهم مشغول پیکارشدند واین کشمکش برسرحکومت مشرقی اعراب بود که هر کدام میخواستند آنرا بخودشان تخصص دهند .

اعراب یامسلمین بدوره انحطاط افتادند ولی حکومت مقتدر اسلام همچنان درحال خود باقی ونفوذ داشت وباعلم واستدلال پیش میرفت وآثار صنعت وحرفت وتالیف وتصنیف روبکمال قوت گذاشت وتوسعه شگفتی نمود .

قرن نهم هجری

در قرن نهم اسپانیول ازدست اعراب خارج شد وحکومتی که در آنجادرمدت هشتصدسال باتمدن اسلام اداره میشد وخاتمه یافت ـ اسپانی درسال ۱۴۹۲ میلادی آخرین دارالسلطنه اسلامی را که درغرناطه بود ازدست داد وقتل عامی شروع شد که برحسب تاریخ تمدن گوستاولوبون عده مقتولین و منفی شدگان مسلمین دراینمدت بالغ برشش کرورمیشد وپرتوتمدن وترقی اسلامی که درمدت ۸۰۰ سال دراروپا روشنی میبخشید برای همیشه ازنظرها غایب گردید ولی آثارمعنوی اسلام که علم ودانش بود میراث اسلام دراروپا باقی گذاشته شد وتمدن ملل اروپا ازآن دانشگاه سرچشمه گرفت علوم و فنون اسلام که دراوج کمال رسیدنجوم وهیئت وافلاك و ریاضیات وطبیعیات و حکمت و فلسفه باروپا راه یافت .

قرن دهم هجری

درقرن دهم حکومت پهناورعرب یکسره خاتمه یافت ولی فقطدیانت تمدن زمان عرب وآداب ورسوم اسلامی که تاامروزهم درمشرق شایع است باقی مانده وازراه علم ودانش وحقیقت کامل قانونگزاری دردنیا نفوذ یافت وآمیخته باتمدن اروپاشد مثل اینکه قسطنطنیه بجای صلیب بیرق ماه و ستاره اسلام را برافراشته واین عمل دنیای مسیحیت را بمخاطره انداخت ـ دراین قرن اسلام دارای چندین دانشگاه بودکه بنیروی علم و منطق و استدلال پیشرفت خود را ادامه داد ولی کم کم اروپا بیدار شد ،!!

قرن یازده ـ سیزده

دراین دو قرن ممالك اسلامی دوره انحطاط راطی کرده وحتی خلافت عثمانی هم تجزیه شد و تمدن اروپا که از منابع علمی اسلام سرچشمه گرفته بود آثار وکتب ونفایس علمی و تمدن

اسلامی را سرمشق مدنیت خود قرارداده وممالك مسلمین‌را بانیروئی که داشته متفرق کردند وسرمایه تمدن ممالك اسلامی را گرفتند در کشورهای خود تمرکزدادند بهترین شاهد صادق ما مقدار کتب شرقی اسلامی‌در کتابخانه‌های اروپامیباشد که بالغ بر چندین ملیون میشود درحالی که درتمام کشور های اسلامی امروز کتابخانه صدهزارجلد کتابی نداریم همه را باروپابرده‌اند ـ دراین سه قرن اخیر اروپا موفق شد کلیه موجبات ترقی وتعالی مسلمین را ببرد ومردم خاورمیانه رادرخواب استعمارنمود ولی بازهم دانشگاه نجف وقم ومشهد وقاهره مشغول بود ،

قرن‌چهارده

درقرن چهاردهم که دنیاد گرگون شد و انقلابی عظیم دراثر دو جنك مهم بین‌المللی رخ داد واختراعات عجیبی‌بوقوع پیوست که قبل‌ازآن جزخواب وخیالی بیش نبود دنیابهم مربوط گشت واسلام نفوذ روحانی خودرا بجهانیان نشان‌داد واکنون بیش از ششصد ملیون مسلمان که دانشمندان آنها نسبت بسایرملل‌قابل‌مقایسه نیستند باسلام گرویده ودرنیم قرن اخیرروزافزون برتعدادمسلمین می‌افزود وعلمای بزرك جهان درتمام ملل عالم که بتمدن وعلوم اسلامی آگاه شدند درباره اسلام کتبی نوشته که تعداد آن ازهزارمیگذرد .

تذکر

مادرقسمت دوم این کتاب که وضع جغرافیائی هرشهرو کشور را توضیح میدهیم ظهور دین اسلام را درآن‌جلد معین کرده و سیر تطورتاریخی فتوحات اسلامی را درادوار مختلفه درهرشهر بیان نموده‌ایم ومقداروسعت خاك وتعداد نفوس و کیفیت تمدن وعلوم وهنر وصنعت را بامصادیق بارز آن نقل کرده‌ایم که انشاالله بزودی ازنظر خوانندگان میگذرد ـ وبدینجهت دراینجا فقط فتوحات‌اسلام را باجمال گفتیم تابهدف خودبرسیم .

ونا گفته هم نباید بگذریم که غرض ماازنگارش این کتاب بیان اهمیت تمدن و علوم اسلامی وسبقت علمی مسلمین درجهان است که هرموضوع این کتاب در خوریك تالیف مستقلی است که البته منظورما آن نبود بلکه معرفی جهان اسلام است تاخوانندگان توسعه و عظمت گذشته مسلمین را باسرمایه علمی وفنی که دراختیاردارند برای پیشرفت آتیه خودبکاربرند و بدانند که ایمان بکار و کوشش سرلوحه وجهه همت مسلمین بود وبی‌جهت بردنیاچیره نشدند وبدون‌دلیل هم عقب‌نیافتاده‌و زیردست نگشته وهرگاه بخواهند بآن سیادت وسروری برسند باید تجدید مطلع کرده راه تکامل را طی نمایند .

جهانگیری اسلام

امیرشکیب ارسلان مینویسد داستان جهانگیری‌اسلام باینسرعت‌درتاریخ بشر نظیر ندارد ـ اکثر مورخین نوشته‌اند اسلام درمدت هشتاد سال بیش‌ازآنچه‌مردم درظرف هشتصد سال جهانگیری کرده پیشرفت نمود ناپلئون میگفت مسلمین نصف دنیارادرنیم قرن تسخیر کردند .

علمای تاریخ‌وعلم‌الاجتماع دربیان علل واسباب‌کامیابی مسلمین وجهانگیری آنهاباین‌سرعت حیران گشته و سرانگشت عبرت بدندان گرفته‌اند و هریك اسبابی که درنظر آنها بزرك بود نگاشته اند ،

ناپلئون که مردجنگی و نابغه روزگار بود وحوادث گیتی را با نظر دقت‌مینگر بست معتقد بود که عرب پیش از اسلام بیش از آنچه مردم گمان میکنند درجنك مهارت داشته وجنگهای داخلی وفامیلی و قبیله موجب زبردستی آنها گشته بود که درصف اول ملل جنگجوی جهان قرار گرفته‌اند و ازیکطرف مللی که اعراب برآنها تسلط یافته‌اند مواجه بادردهای اجتماعی بوده‌اند که مورخین ننوشته‌اند

ناپلئون بااین عقیده شخص حضرت محمدص را بسیار محترم وبزرك میشمرد وانتشار اسلام‌را ازاومیدانست بقدری حضرت محمدص درنظراوعظمت پیدا کرده بود که چون درمصر بامظاهر قدرت وتعلیمات اسلام روبرو شد میخواست اسلام رابپذیرد وآرتش خودرا بقبول اسلام وادار کند «صفحه ۴۹ امروزمسلمین» .

لاکاز تاریخ نویس تاجزیره سنت‌هلن رفیق وهمراه ناپلئون بودآنچه ازاومیشنید مینوشت این موضوع را ازاوپرسید ـ ناپلئون اعتراف کرد که میخواست اسلام قبول کند ولی انتظارداشت بحوالی فرات برسد آنوقت اقدام نماید تاباسلام خودبرشرق سیطره یابد.

مسیو(ایتان‌دینه) مسلمان فرانسوی مدافع مشهوراسلام که درسال **۱۳۴۷** قمری برای ادای حج بمکه رفته در کتاب خود درشرح حج‌مکه ومدینه اسنادرسمی راجع باسلام ناپلئون نقل کرده که از آنجمله نوشته اوست بدینشرح ناپلئون نوشته ،

«من امیدوارم طولی نکشدکه عقلای هرجا ومتمدنین دنیاراگردآورده وبکمك آنها قوانینی مرتب سازم که همه بر مبادی قرآن بنا شده باشد زیرا قرآن یگانه مبدء حق وحقیقت است این کتاب بتنهائی عهده‌دار سعادت بشر میباشد .

امضاء بناپارت

ونیزازیادداشتهای‌اوست۔ مکرربشماگفته‌ام وآشکارآگهی داده‌ام که من مسلمان وخداپرستم من محمدص رسول‌خدارا بزرك میشمارم مسلمانان رادوست میدارم.

امضاء بناپارت

ناپلئون مردی عاقل وخردمند ومانند سایر نوابغ عالم دارای عزم و اراده قوی بوده است و باسلام علاقمند شده واوفهمید که جهانگیری اسلام درمدت کوتاه درتاریخ بشر واقعهٔ بی‌مانند وبینظیر وبیسابقه بود ـ اوحس کرداین پیشرفت سریع مرهون فضایل اسلام ومناقب پیغمبراسلام بودواصحاب او درآسمان حقیقت چون ماه وخورشید درخشان بودند .

موسیوگروسه درکتاب تمدنهای شرق که بیش ازهمه کس این بحث رابامدارك روشن نقل کرده دربخش متعلق بتمدن اسلام نوشته است .

دراثردونبرد اجنادین ویرموك کشوربیزانس ـ سوریه ـ فلسطین ـ مصر بتصرف مسلمین درآمد ودراثر دوجنك درقادسیه ونهاوند راه تسخیر کشورایران دربرابر مسلمانان بازگردید وبرای روم پس‌ازانتزاع سوریه ومصر وافریقا موقة آسیای صغیر (اناطول) برای آندولت باقی مانـد ولی دولت باعظمت ساسانی ایران تماما سقوط کرد .

درظرف چندسال اقتدارمسلمین ازافریقا وجبال توروس تارود سیحون وجیحون امتداد یافت طول نکشید که بماوراءالنهررسید ـ کشور ترکهای ایرانی را که تابع چین بودنـد نیز تسخیر کرد خلفای راشدین که دردوران حکومت آنهااین کشورهای پهناور ومسخرشده وآداب ودستور محمدص پای‌بست بودند ازجاه وجلال ظاهروکاخ وقصرشاهی خودرا بی‌نیازمیدانستند بلکه برخود بیش‌ازسایرین سخت میگرفتند آنهاچون دیگرمردم درخیمه بسرمیبردند . الخ

محققین مورخین جامعه‌بشرمعتقدند که این پیشرفت سریع این‌جهانگیری بی‌سابقه واقعه‌نهضت تمدن بود نه جنبش توحشی که برخی گمان کرده‌اند اعراب صحرانشین برای غارت هجوم کردند بکلی دراشتباه رفته‌اند . زیرا گروهی درمدینه گرد آمدندشیفته وفریفته دستورات پیغمبرشان‌بودند آنها جمیع همت وخیال خودرا بدین متوجه ساختند که جهانگیرباشند باخدا و رسول پیمان بستند که عقیده اسلام را دردنیای‌بشریت رواج دهند ـ مردمی که دراطراف بودند وبقرائت قرآن‌اشتغال داشتند این طبقه رایاری وحمایت میکردند .

این مردم باوحدت ویکرنگی باپایداری واستقامت بی‌مانندی‌کاخ اسلام راطوری بنانمودند که ازباد وباران وحوادث گزندی نیافت‌از گفتگوی کلام وفلسفه زیانی ندید این بود اسلام پاك وقرآن خالص صفحه ۱۵ ج ۱

علامه‌گود فراوا و مومنین استاد دانشگاه السنه شرقی درپاریس در صفحه ۱۴۰ج۷ تاریخ عالم خود مینویسد،

...این گروه متدین که درمدینه پرورش یافتندمسجد پیغمبررا درآنجا مرکززندگانی‌دینی خودقرارداده بودند این مرکزبنموورسبزی وعظمت خودشروع نمود.

علامه بلاتونوف که ازاعضاء آکادمی علوم روسیه است مینویسد:

در قرن هشتم مسیحی قرن دوم هجری ـ انوار معارف کلامی وفقها باطراف تابیده پیشوایان علم دین ظهور کردند بنابراین این‌مدینه درقرن‌هفتم‌مسیحی‌مرکز و مبدأ وبیخ دین وسرچشمه‌نموو عظمت اسلام بود.

روح اسلام در اثنای جهانگیری در اروپا میان افراد سپاهی نیرو گرفت درلشگر اسلام‌مردمی بودند که قرآن رادر خاطر داشتند معنی‌آنرا می‌فهمیدند این گروه مسلمان درمیدان جنك‌مجالس عبادت منعقد میکردند.

انجمنهای مردم زاهد و پرهیزکار تشکیل می‌یافت این جماعت مسلم پاك و پاکیزه بودند ـ اسلام آنهارا بااین عقیده وایمان مردی جنگی ومبلغ‌وقاری قرآن وحافظ ومفسر وصاحب شمشیر و قلم تربیت کرد وبرای اجر ومزد آخرت عمر خودرا صرف کار وعمل میکردند این مردم بودند که هر کجا میرسیدند در هر حال بهر کس برمیخوردند او را بگفتار و کردار خود بپرهیزکاری و کوشش درطلب سعادت ابدی تشویق میکردند و عقیده دینی خود را دوش بدوش شمشیر زدن را رواج میدادند .

در حقیت آنچه را خداوند بمسلمانان وعده فرمود پیش از آخرت در دنیا نمایان گشت.

جنگها بجنك مقدس وجهاد دینی که خدا برای رواج دین‌امر فرموده بود مبدلشد مردمی که روح مادی سراپای آنهارا فراگرفته بود پس‌از قبول دین اسلام جزپیروی عقیده خود واجرای احکام قرآن کاری نمیکردند تاجائی که خلیفه دوم و سوم ترسیدند باختلاف قرائت قرآن اختلاف شده رای عمومی ودینی اداره اموررا میکرد.

درجنك صفین یك‌نفر آمد ازخلیفه امیرالمومنین علیع مسئله نماز پرسید یکی‌از جنگجویان اعتراض کرد اکنون وقت سئوال مسئله است حضرت امیر براو برآشفت فرمود مابرای همین‌حقیقت

می‌جنگیم درهمین جنگ پس‌از ختم‌پیکار روز وشبها مجالس قرائت قرآن ونقل‌حدیث منعقدمیشد وهر کس بجای‌خود اطراف خلیفه می‌نشستند ومسائل خودرا میپرسیدند.

آری اسلام رواج‌نگرفت جزبقرآن وتهذیب جان ودل‌مرمان عقیده باطنی بقرآن بجائی‌رسید که مسلمانان زمامدار ملل شدند. همین نیروی باطنی بیخ دین اسلام بود وبدون آن نهضت ملت میسر نخواهد بود.

خلاصه عقاید وافکار اکثر خردمندان جهان این است که سبب نهضت مسلمین فقطقرآن بودو واین جهانگیری محیرالعقول نتیجه‌تربیت قرآن بود.

ازپیغمبر خداص روایت میکنندع‌ه فرمود »**شرق و غرب زمین را برای من گشودند و همه‌را دیدم وبزودی تاآنجاکه دیدم قدرت ونیروی ملت‌من خواهد رسید.**«

گولد سیهر درکتاب عقیده وآئین اسلام مینویسد آیا دعوت پیغمبرص برای عرب بود یا برای دنیا. آنگاه برهان اقامه میکند که پیغمبر مبعوث بر تمام مردم دنیا بوده وتمام بشررابرای همیشه هدایت و ارشاد کرده است ونمونه این حقیقت همین جهانگیری عجیب است اگر بخواهید عقاید بزرگان علمای مغرب وبینوایان مستشرقین رابنویسم محتاج یك کتاب‌است منظورمان عقایدو افکار اروپائیان دراین‌جهانگیری‌است که بااظهارنظر ولز انگلیسی‌خاتمه میدهیم.

ولز فیلسوف ونویسنده مشهور انگلیسی است درکتاب خودبنام‌مختصر تاریخ عمومی میگوید سیلاب اسلام بهترین نظام سیاسی واجتماعی بود که در روزگار نمایان ساخت وسیادت اسلام بهمین نسبت بود اسلام هر کجا گام‌زد ملتی‌دید افسرده - پژمرده - خاموش گرفتار ظلم‌وستم - دچارغارت وچپاول - جامعه آنها بهم‌ریخته - فاقد نظام وترتیب - اسلام جز حکومت های خود خواه که رابطه آنها بارعیت گسیخته بود دربرابر خویش چیزی نیافت.

اسلام درکارهای مردم نیرومند ترین افکار سیاسی راوارد ساخت نیکوترین فکر سیاسی را که بشر دانسته زنده کرد. بیاری بشریت شتافت. اسلام بانسانیت کمك داد.

اسلام که ظهور کرد دولت روم نظام او براساس بردگی وبندگی‌بناشده وبود ایران‌نیز با انحطاط اخلاقی وفقدان تربیت وتعلیم روباضمحلال میرفت باین جهت تاشروع بجهانگیری کرد نصف بیشتر دنیارا گرفت وهمه جنگجویان رابشگفتی انداخت.

فتوح و کشور گشائی درروزگار اموی بیشتر بود

زیرا در عصر بنی‌امیه ممالك سند - بخارا - سمرقند تاحدود چین اندلس را گشودند و فاتحین گروهی ازعلما رابرای تبلیغ دین‌همراه داشتند که اصول اسلام‌را تلقین و تعلیم نمایند بنابر این‌فتح تنهاجنك سیاسی‌نبود بلکه‌یك دعوت دینی وعلمی‌را همراه داشت:

اما بنی‌عباس ممالك اسلام‌را نگاهداشتند وجدیت کردند ازدست ندهند وموفق شدند گروه بسیاری ازمردم ممالك عالم را باسلام دعوت کنند ودر نشر دین وتعلیم آن بیش‌از بنی‌امیه همت گماشتند (باستثنای عمربن عبدالعزیز).

حکومت بنی‌امیه خودش یك رنك دینی نداشت اما حکومت‌بنی‌عباس حامی رسمی‌اسلام بود[1]

---

1 ص۳۷۵ ترجمه‌ضحی‌الاسلام

شهرهائی که مسلمین بنا کردند

منظورما ازشهر های اسلامی آن شهرهائی است که ازتمدن اسلام بوجود آمد ومسلمین برای خود شان ساختند وشهرهائی که ازدول دیگر گرفتند این شهرها که براساس تمدن اسلام بناشده بود در **عراق ـ شام ـ مصر ـ افریقا ـ اندلس و** غیره متعدد بود که اکنون مهمترین شهرهای نامی مسلمین‌را نام‌میبریم.

این شهر ها برخی هنوز معمور است مانند **بصره ـ بغداد ـ قاهره** و بعضی ویـران شده **مانند فسطاط ـ زهراء ـ غرناطه ،**

جرجی زیدان مینویسد مسلمانان اسلام اعراب خیمه‌نشین واهل اسب و مواشی بودند اقامت آنها درون برج‌وبارو ها بود در شهرها کراهت داشتند زیرا آزادی آنها مقید میشد پس‌از طلوع اسلام وفتوحات پی‌درپی مانند عراق ـ مصر پراکنده شدند چون شهری فتح‌میشد فرزندان خودرا همراه می‌بردند وچون شهر مفتوح میشد درخارج شهر خیمه‌ها برپا میکردند واقامت میگرفتندیعنی درلشگرگاه خود میزیستند.

عمر بن خطاب بالشگریانی که درشهرها اقامت می گرفتند شرط نمود تامکانی را محل خود نگیرندکه فاصله آنها رودی یادریائی حایل گردد تاهرزمان که بخواهند بـرراحله خویش برآمده بدیشان بپیوندند وعمربن عاص بهمین شرط درفسطاط مقیم گشت.

سعد بن ابی‌وقاص درکوفه وبصره اقامت گرفت این اراضی مفتوحه مسلمین بود ومحل خیام لشگریان بود وبنام رابطه معروف شده‌بود چون توقف آنهادراین امکنه بطول کشید همانجا بازارها ساختند وخانه‌ها وقصرها بنانمودند ـ بصره ـ کوفه فسطاط بدین‌ترتیب ساخته‌شد.

چون اسلام بردنیا فـائق‌آمد دولتهای اسلامی شهرهای بزرگی بنا کردندکه آثار فتح وظفر آنها بود یابرای آنکه از دشمن مصون بمانند شهر هائی باحصار محکم میساختند مانند بغداد که منصور بساخت وقاهره که فاطمیان بنا کردند و گاهی این شهرها برای ییلاقی وتفریح خلفا بناشد مانند سامرا که متوکل بساخت و زهرا کـه در افـریقا ساخته شد اینك معروف ترین شهرهای اسلامی رامینگاریم.

بصره

قدیم‌ترین شهرهائی که مسلمانان بنانمودند ودرشهریت ازسایر شهرها مقدم بود وتااین زمان بااهمیت است بصره میباشد:

عتبة بن غزوان درسال ۱۶ هجری این‌شهر رابناکرد اینجا محل‌اقامت لشگریان اسلام بود و ازآنجابمکه ومدینه ازراه خشگی‌میرفتند.

این‌شهر دارای چندین محله‌بود وهرمحله نامی‌داشت وهرخیابانی را۲۰ ذرع و کوچه‌ها راهفت ذرع عرض معین کرده بودند دروسط هرمحله میدانگاهی ساخته بودند.

چون بصره موفقیت مهم‌سوق الجیش داشت باسرعت عمارت‌یافت ودرزمـان بنی‌امیه مقرحکومت بود وآبادی فراوان پدیدآمد ومسافت آن‌شهر بدوفرسخ دردوفرسخ و۱۲ کیلو متر یعنی ۳۶ میل مربع درزمین هموار گردید واین مسافت امروز قاهره و تهران است درآن روز بسیار باعظمت وبـا اهمیت بوده است.

اصطخری مینویسدبصره درعهد بلال بن ابی‌برده سال ۱۱۸هجری۱۲۰۰۰۰ نهردراراضی آن

جاری بوده است، برای اطلاع بیشتری «معجم‌البلدان وفتوحات اسلام واصطخری مراجعه شود.

چون بنای ما در اینجا تاریخ بلدان نوشتن نیست بشرح و بسط جغرافیای تاریخی شهر ها نمی پردازیم بلکه فقطمیخواهم باجمال وبرسبیل فهرست خدمات و آثار تمدن مسلمین رادر علوم وفنون وغیره تذکردهیم لذا بهمین مقدار اکتفا کرده علاقمندان را بتاریخ مفصل اسلام و جغرافیای تاریخی مسلمین که ازآثار نویسنده است مراجعه میدهیم!!

کوفه

شهر کوفه بچندماه پس‌از بنای بصره در همان سال ۱۶ هجری بنیاد آن گذاشته‌شد وبانی آن‌سعد بن‌ابی‌وقاص بود.

چون‌سعد کشور عراقرا فتح کرد وبردولت عجم ظفر یافت درشهر مداین پایتخت ملوك عجم نزول نمود وچندنفر نزدخلیفه فرستاد که بشارت فتح‌عراقرا بمدینه برسانند عمردید رنك چهره آنها تغیر یافته علت آن راپرسید گفتند بدآب وهوا میباشد عمرفرمان دادتاسرزمین مناسب برای نـزول مسلمانان انتخاب کنند که هوای‌آن سازگار مزاج‌باشد.

بسعدنوشت‌سلیمان وحذیفه را مأمورکن تامکانی مناسب برگزینند که راه‌دریا وصحرا هردو داشته باشد ودرمیان من‌وشما حایل نباشد - سعد گفت زمینی کنار فرات مابین فرات وحیره اختیار کنند- نخست بصره راساختند وبعد کوفه‌را بنا کردند.

کوفه ازنظراینکه پایتخت حضرت‌علی شددرنظر مسلمین اهمیتی‌یافت ودرتاریخ کوفه‌مینویسند **بیش ازهشتصدهزار نفرجمعیت** داشت‌و برخی‌تایك ملیون نوشته‌اند هشتاد هزارنفر ایرانی‌درآن‌عصر مرکزیت داشته «درسال ۶۱ نوشته‌اند ۱۲ هزارنفرایرانی درکوفه بود وحتی یك‌نفر ازآنها درلشکر عبیدالله حاضر نشد«ص۱۳۸ ج۲ جرجی زیدان

تاریخ جغرافیائی کوفه مفصل نوشته شده والحق تاریخ نفیسی است که برای اطلاعات بیشتری میتوان بدان مراجعه کرد.

فسطاط

نخستین شهریکه درمصر بنا کردند شهر فسطاط است که عمربن العاص در سال ۱۷ هجری درزمینی که قاهره امروز ومصر کهنه بود بنانمود واکنون از آن‌شهرچیزی بجای نمانده جزآثار مساجد آنهامانند مسجدعمر و بعضی تل‌ها وخرابه‌ها که اطراف آن‌میباشد وقطعه بابل‌امروز درمصر کهنه بدیر نصاری ودیر مارجرجیس هنوز برپاست شعراء عرب و عجم اشعاری درمدح وتعریف فسطاط نوشته وسروده‌اند آنجا عمارات چندطبقه‌داشته‌است درتوانگری مردم آنجا نوشته‌اند مردی دارای سیصد رختخواب بود و هریك مخصوص یکی از همخوابه های وی بود ودرجامه ولباس‌و مانندفروشی‌بود.

قضاعی مورخ گوید ازجمله جهیزیه (قطرالندی) دختر حمارویه‌هزار بند شلوار بود که هر یك‌را راده‌دینار قیمت گذاشتند وبده‌هزار دینار میرسید.

مقریزی درذکراحوال فسطاط شرح تمامی ازاوضاع عمومی وثروت وماکولات‌ونشردیانت آنها داده است که برای اطلاع بدان مراجعه شود - تاریخ مصرقدیم وجدید وتاریخ تمدن اسلام و کتب بسیاری که درمنابع خود ذکر کرده‌ایم ازجزئیات اوبحث کرده است ،

بغداد

پایتخت دولت عباسی بغداد بود ابوجعفر منصورآن‌رادرسال ۱۴۴هجری بنا کرده وتاامروز ازشهرهای مهم اسلامی‌است درسبب بنای‌شهربغداد نوشته‌اند چون سفاح نخستین خلیفه عباسی بخلافت بیعت گرفت چون اکثریاوران وی

درعراق وایران بودند بابرادر خود منصور بکوفه منزل نمود پس‌ازآن درقرب شهر انبارشهری بنا کردند که آنرا هاشمیه نامیده‌اند زیراعلویان وعباسیان درنژادهاشمی شرکت داشتند وهردوبرادر بدان شهر منتقل شدند سفاح درآنجا درگذشت و همانجا مدفون شد منصور چندسال در هاشمیه بزیست تاجماعت راوندیه براوبشوریدند ومنصور از توطن آنشهر کراهیت داشت و در جستجوی محلی مناسب برآمد تاشهری بناکرد وبغداد نام داد.

بنای بغداد درساحل غربی دجله بشکل مدورنهاده‌شده این شهردرعصرمامون باعلادرجه‌اعتلا رسید مساحت آن بالغ بر۵۳۷۵۰ جریب بود بنقل خطیب درتاریخ بغداد ۴۳ شهرداشته حمام‌های آن ۶۵۰۰۰ بود و۳۰۰۰۰۰ مسجدداشته وجمعیت آن ۱.۵۰۰،۰۰۰ نفر میرسید. دانشگاه بغداد از دانشگاههای بزرك علم ودانش اسلام بود ومیباشد.

شهرهای دیگری مسلمین ساختند که ازمراکز بازرگانی وسوق‌الجیشی ومسکن علم وفضیلت و دانش وسکونت وآرامش است مانندسلطانیه - قم - تهران وغیره که درکتب بلدان معاصرمیتوان بنام آنهابرخورد وردردریاها جزایرجاوه وسوماترا ساختند وپایگاههای نظامی درکرانه‌های دریاهانمودند ودرتمام این شهرهاابنیه وآثارمهمی که دررأس آنهامساجد بزرك ومدارس عالی وتکایا وآب انبارها ورباط ها وغیره قراردارد ساخته‌اند طهران که امروزعاصمه وپایتخت کشورشاهنشاهی ومحل‌ری قدیم میباشد ازشهرهای بزرك خاورمیانه است که طول وعرض آن بالغ بربیست کیلومتر شده و دوملیون جمعیت کنونی است ودارای تمام مآثرتمدن جهانی ازشرق وغرب میباشد. وقم ازدانشگاههای‌علمی عالم اسلامی است که امروزبیش‌ازشش‌هزار طلبه فاضل دانشمند و چندین کتابخانه نفیس و مدارس عالیه وسیع دارد که مورد توجه جهان اسلام است و اکنون حضرت‌آیت‌الله آقای حاجی‌آقاحسین بروجردی دامت‌برکاته‌العالی ریاست حوزه روحانی این دانشگاه اسلامی را عهده‌دارمیباشند.

کانون هدایت‌افکاردراسلام

اولین عمران وآبادی که مسلمین درتحکیم مبانی تمدن خود نمودند این بود که شروع بساختن مسجدنموده و معابد گذشتگان رابصورت‌مساجد آباد وعمران‌درآوردند وبااین هنر معماری وصنعت مهندسی بناهای بسیارعالی بجاگذاشته که امروز از مفاخرعالم مدنیت اسلامی بشمارمیرود.

مساجدومدارس و پیوستگی آن

قال‌الله تعالی

انمایعمرمساجدالله‌من امن بالله والیوم‌الاخر

دراسلام ازآغاز دعوت وتربیت دینی‌وجنبش‌علمی ونهضت جهانگیری بنای مساجد با آموزش و پرورش اسلامی یکی بود وتفکیك نداشت‌هر کجا مسجد ساخته میشد همانجا مدرسه بود وهر کجا مدرسه بود همانجا مسجد بود - مساجد در آغاز دعوت وزمان پیغمبرص‌اکرم‌همان‌دانشگاه اسلامی‌بود که‌شخص رسول‌الله پس ازنمازوقبل ازنماز و اوقات فراغت درمسجد می‌نشست وقرآنرا بمردم تعلیم میفرمود ودانش وبیش را می‌آموخت درمدت ده‌سال آخرعمر پیغمبرص شروع بساختن مساجد شد وهر مسجدی یکصفه و مدرسی برای تدریس و تعلیم و تربیت داشت،

۱- تاریخ بغداد ج ۱ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان صفحه ۱۴۱ ج۲

تا کم کم امپراطوری اسلام قوت گرفت وباروح اشرافی ملل آمیخته گردید ومساجد را جدا ساخته مدارس را جدا ولی بهم متصل ومربوط وغیرقابل انفکاك بود دراین کتاب شاید بیش ازصدمسجد تاریخی رامشاهده میکنید که ازآثار مسلمین است واز ۱٤ قرن پیش باین طرف باقی وبنا وتعمیر و آبادان نگاه داشته است وهر کشوری مساجدی بسیار میساختند مثلا درری قدیم بیش از ششهزار مسجد بنقل حمدالله مستوفی بود ودرروسیه سابق دوازده هزارتاهیجده هزار مسجد نوشته‌اند که اکثر آن بصورت دیر و مدرسه و اماکن متبرکه و خیریه اختصاص داده شد و قسمتی ازآن هم هنوز موجود است .

درترکیه عثمانی دوازده هزارمسجد وجود داشته است که البته امروز از احصائیه صحیح آن خبر نداریم واکنون عکس مساجد ومدارس را که شاهد زنده تمدن اسلام ومعارف عالیه مسلمین است ونماینده ذوق وصنعت وهنرومهندس وابتکارآنها میباشد ازنظرخوانندگان میگذرد ،

مساجدی که عکس آن دراین کتاب ازنظرمیگذرد اکثرباقی وبرقراراست ودراین اواخر هم دراکثر کشورهای اسلامی که از۲٦ کشور تجاوز میکند مساجدی معتبر متناسب باوضع حاضر آنجا ساخته‌اندومافقط نشاندادن عکس آنها واشاره اجمالی بتاریخ‌وبانی آن اکتفا کردیم وگرنه بایدتاریخ مساجدعالم اسلامیرا مفصل دریك جلد مستقل نگاشت ۱

تمدن اسلام در مظاهر هنر وصنعت

درمیان ملل غربی وغیراز مسلمان بسیاری برای شناختن اسلام تحقیقات عمیقانهٔ کرده‌اند وکتبی نوشته‌اند که جامعتر ومفصل‌تر ازهمه کتاب تاریخ تمدن جرجی‌زیدان وتاریخ تمدن اسلام و عرب گوستاولوبون میباشد واینك خلاصهٔ از نظریات این مردمحقق را درتمدن اسلام مینگاریم که خوانندگان ازآن استفاده نمایند وعظمت تمدن اسلام رادرنظر بیگانگان دریابند .

گوستاولوبون پس‌ازمقدمهٔ جغرافیای‌عربستان رابانژاد عرب وتحولات تاریخی عرب‌رادراسلام وممالك اسلامی مانند عربستان ـ شام ـ مصر ـ افریقا ـ اندلس ـ چین نگاشته وشرحی اززندگانی پیشوای اسلام حضرت‌محمدص ازنظر عظمت روحی وتکامل عقلانی ودعوت اسلامی ووقایع زندگی و خصایص ذاتی ومزایائی شخصی نقل کرده درباره قرآن‌وفلسفه نزول آن وانتشارقرآن درعالم بشری وفتوحات اسلام درعصرخلفای راشدین واستیلای عرب برشام وسوریه . ایران ، هند . مصر . افریقا اروپا سخن رانده آنگاه حکومت اسلامی رادرمصر . افریقا . اندلس . سیسیل وغیره تحقیق کرده‌و جنگهای صلیبی رانوشته سپس درنظامات وعادات واوضاع‌سیاسی واجتماعی ومذهبی واخلاقی مسلمین وارد شده ودرتمدن اسلام ازنظرمنابع‌علوم واسلوب‌تعلیم وتحقیق وطرزتحقیقات علمی مسلمین‌وتمدن مسلمین درزبان ـ فلسفه . ادب . تاریخ . ریاضی . هیئت . جغرافی . علوم طبیعی و طریقه استعمال آن ، درفیزیك و جراثقال در فنون اکتشافات باروت جنك و اسلحه ناریه و ساختن توپ وکاغذ و استعمال قطب‌نما دردریا وتاریخ طبیعی وطب وترقیاتی که مسلمین درطب کرده‌اند وکتبی که دراین باره نوشته‌اند وتاکنون ملیونها ازاین کتب درکتابخانه‌های بزرك دنیا موجوداست وتمدن اسلام در

۱ـ درحین طبع‌ونشراین کتاب شنیدم درمصرتاریخ مساجد چاپ شده ولی هنوزبدست‌نگارنده نیفتاده واکثرهم مصریین‌ازآثارشیعه امامیه نقل نمیکنند .

صنایع مستظرفه واهمیت آثار صنعتی مسلمین درادوار تاریخی اسلام وسرچشمه صنایع عرب واهمیت زیبائی صنایع عربی - فنون عربی - نقاشی - حجاری - فنون متعلقه بفلزات واحجار کریمه وسکه و نشان و عملیات مختلفه بچوب وعاج - فن خاتمکاری - شیشه آلات - صنعت ساختن اشیاء و ظروف سفالی و بافتن قماش وفرش وچادر وخیام مفصل تحقیق کرده وعکسهای هریك از یك مظاهر تمدن را جمع و درج کرده که بسیار حیرت آور است زیرا قبل ازمسلمین این مظاهر تمدن باین کیفیت وجود نداشته است آنگاه تمدن اسلام رادرسبك عربی از کیفیت معماری ومصالح بنائی وستونها و سرستونها و طاقهای هلالی ومنارهها و گنبدها یاقیهها - بطارکاری ومقرنس - نقش ونگار عربی و انواع تزیینات و آرایش رنگارنگ در ابنیه وپارچههای بافته شده درشام ومصر - مسجدطولون - مسجدازهر مسجد فلاوون مسجد حسن - ابنیه اسلامی درافریقای شمالی . ابنیه عربی درصقلیه (سیسیل) ابنیه عربی در اندلس آثار وابنیه هند . ابنیه ایران . عراق . هند . وانواع بناهای مسلمین که پس ازتحقیق درآن نمونه های آنرا درج کرده که هرخواننده بی اختیار مفتون تمدن اسلام میگردد.

پس ازآن روابط اقتصادی وتجارتی مسلمین را بااقوام مختلفه جهان مانند هندی - چینی - افریقائی اروپائی تشریح کرده وانتشارتمدن عرب واسلام رادراروپا وتاثیر آنرادرشرق وغرب ازنظر علم وادب وهنرواخلاق بیان کرده است ،

پس ازبیان تکامل تمدن اسلام وعلل عظمت آن اسباب انحطاط تمدن اسلام رانیز دراسپانیا و اروپا ذکر نموده واسباب ترقی وانحطاط رانگاشته آنگاه حالت موجوده اسلام را مینویسد و مظاهر کامل تمدن اسلام راماننذ شهرمدینه . مکه . دمشق . قاهره مورد توجه قرارداده آثار اسلامی راماننذ قرآن سکهها - ابنیه مساجد ومدارس. دانشگاهها وآثار وعلائم باقی تمدن اسلامی درممالك مستقل اسلامی ذکر نموده است.

دکتر گوستاولوبون الحق درباره این کتاب عمری صرف کرده ومنابع مهمی درکتابخانه های مهم اروپامطالعه کرده تاتوانسته است این تحقیقات رشیقه را دررشته نظم و تالیف درآورد و انصافاً خدمتی بزرك کرده واسلام رابملل اروپائی وامریکائی وغیره معرفی کرده که چندین مرتبه بالسنه مختلفه درجهان چاپ شده است .

مشاهد مشرفه

یکی دیگر ازعواملی که درابقاء دین اسلام وتوجه جهانیان موثراست مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه وعتبات عالیات است که دراسلام ازاین اماکن وبقاع متبرکه بسیار دیده میشود.

امروز بشر ازروی همین ساختمانهای کهنه فصلی برای تاریخ باز کردهاند وازروی آثار وابنیه و سبك ساختمان ومعماری وحجاری ونقاشی وهنرنمائیهای گذشته بروحیه افراد ملل باستانی پرداخته افق فکر واندیشه وساختمان دماغی گذشتهگان را بامیزان تمدن وقدرت علمی وهنری آنهاروشن میسازد وبالاتررفته برای فداکارانی که درجامعه پدیدآمدهاند ودرراه خدمات بمیهن کشته شدهاند قبری وبنائی بنام سرباز گمنام ساخته وبزرگان اقوام وملل جهان نسبت بآن قبر ناشناس احترامات لازم تشریفاتی رابجا میآورند. وهرگاه یکقوم یاملتی دارای یك معبدبزرك یایك مشهدشریفی باشند نسبت بآن نهایت احترام ومافوق شعائرملی رامتظاهراً انجام میدهند بطوریکه اندك اندك جزوشعائر ملی خودشان میشود.

اما اسلام خود دارای پیشوائی هست که از بزرگترین و بهترین فامیلهای بشری و از لحاظ علم ودانش وشرافت وعزت وملکات وفضیلت مافوق همه افرادبشر بوده‌اند ودنیا باین حقیقت اعتراف کرده حتی‌دشمنان آنها نتوانستند نقطه ضعفی درآنها پیدا کنند جزآنکه بگویند الملك عقیم. اسلام باداشتن منجی بزرگی‌مانند حضرت‌محمدص وپیشوائی چون علی‌بن‌ابیطالب ویازده نفراولاد او که باهل بیت وعترت و یکی از ثقلین نامیده میشوند هریك دارای مشهدی عظیم وقبه و بارگاهی بزرك میباشند که درمحیط مسجدی‌عظیم‌بناشده یامجاورمدرسهٔ بزرك است که علاوه‌برتعظیم وتقدیرازرهبری وپیشوائی آنها‌هرشب وروزهزاران نفرازنفوس بشردراستان آنها وکرهی درآن عتبات بنماز وعبادت ویادرمدارس مجاوربیحث وفحص وتحصیل علم ودانش اشتغال دارند ۱۳ قرن است که درتمام‌مشاهد مشرفه وعتبات عالیات واماکن مببر که اسلام اینرویه معمول ومورد علاقه است حتی‌اگرمسجدی در هرگوشه باشد درآنجا درس‌فقه واحکام دین ودرس اخلاق وتهذیب نفس گفته میشود هرکجا که بنام امام‌زاده گنبد وبارگاهی ساخته شده وقبه وضریحی‌بناشده در آنجاصفوف نمازجماعت بسته میشود و حوزه درس تشکیل میگردد وگروهی از اخیاربشر گرداگرد این محورعشق ومحبت جمع‌میشوند و ترویج دین وتبلیغ مذهب وتنظیم شعائر اسلام میپردازند.

هیچ مذهب وملتی ازملل ومذاهب عالم بقدراسلام دارای بناهای تاریخی وقبه وبارگاه‌رهبران دین وفداکاران وشهدای مذهب ومسلمین دینی نیست.

اسلام علاوه‌برمساجدی‌بزرك که قبله اهل اسلام ومورداحترام آنهامیباشد مانند مسجدالحرام مسجدنبوی . مسجد کوفه . مسجدغرناطه . مسجدشاه اصفهان . مسجداشبلیه . مسجدشیخ‌لطف‌الله اصفهان . مسجداقصی . مسجددمشق، مسجدعلوی . مسجدحسینی . مسجدکاظمی . مسجد گوهرشاد رضوی، مسجدعسگری ، مسجدمهدی وصدهادیگرازاین مساجد که درکتب تمدن اسلام مندرج‌است مشاهدمتبر که مانندبارگاه باعظمت حضرت‌رسول‌الله‌ص‌درمدینه‌قبه طلائی رنك شاه ولایت‌امیرالمومنین علی‌ع درنجف . عتبه عالیه حضرت‌ابی‌عبدالله الحسین‌ع که هرسال ملیونها زائر دارد و گنبدبارگاه حضرت‌کاظم درکاظمین که ازنفیسترین ابنیه قرون تاریخی جهان است گنبد باعظمت وبی‌نظیر حضرت عسگری درسامرا وبارگاه عریض حضرت ثامن‌الائمه .

وهمچنین قبه وبارگاه اماهزادگان مانند حضرت‌عبدالعظیم و حضرت فاطمه معصومة.وحضرت ابوالفضل‌ع . حضرت‌سیدمحمد درسامرا. حضرت شاهچراغ درشیراز واکثربلاد اسلامی مخصوصاایران که پناهگاه سادات فاطمی وعلوی وموسوی ورضوی وغیره بود وهر کجا آنهاشهید شدند بپاس‌احترام پیغمبراسلام‌ص گنبدوبارگاه ضریح وحرمی بپا کردند بمسجد ومدرسهٔ مجاوران ساختند وهمه اینها دستگاههای اسلامی برای ابقاء دین وتبلیغ‌احکام اسلام وجلب‌توجه مسلمین اثری عمیق داشته و دارد که درهیچ یك ازمذاهب وملل راقیه جهان هم نظیرآن دیده نشده‌است وهریك گذشته ازاین مقامات معنوی خزائن ذخائرمادی کتب وجواهرات وطلاونقره وتریینات است .

این مشاهد زبان گویای اسلام است ـ این گنبدها مبلغین ساکت و آرام هستند یا داعیان متحرك که از پرتو عظمت خود همواره مردم را از اطراف جلب کرده و دعوت بحق و حقیقت مینمایند،

نجف و کربلا وکاظمین وسامرا ومشهد مقدس رضوی درهر سال بتحقیق بالغ بریك ملیون زائر دارد که همه‌این زائرین آثار وعلائم عظمت دین وشعائر مذهبی واستفاده های معنوی خودرا درجهان

پخش کرده بگوش همه میرسانند واین خود بزرگترین وسیله تبلیغ دین حنیف اسلام است که از روی ایمان وبدون بودجه وپیش‌بینی‌های لازم اینهمه تشریفات انجام میگیرد.

تجلیات روح ایرانی در مشاهد مشرفه

درجنبش علمی «رنسانس» درقرن اخیر گروهی ازروشن فکران بشر ودانشمندان محقق برای شناختن افراد ملل متنوعه‌جهان وپیدا کردن میزان تمدن ملل گذشته **فصلی در تاریخ باز کرده‌اند** که ازروی ابنیه وعمارات که بالاترین درجهٔ رقاء ملی وکاملترین رقیه تمدن بشری است میزان مدنیت مللرا بدست آوردند.

درحقیقت از آثار پی بمؤثر بردند بنای کاخها وبنیان‌ابنیه تاریخی وسبك‌معماری وساختمان بناء هرقوم وملتی نسبت مستقیمی باافق فکر وسطح اندیشه وقدرت علمی ونیروی دماغی وچگونگی سلیقه وذوق ملل دارد وبالنتیجه معرف سطح فرهنك ومعارف هرقوم وملتی است.

برای اینکه‌تاریخ پیدایش تمدن ملل وسیع تر و روشن تر بشود شروع بحفر امکنه تاریخی کرده‌اند ومقر سلاطین ایران وکلده واشور رامانند تخت‌جمشید- سامرا وموصل - شوش ومدائن وآسایشگاه فراعنه مصر وغیره‌را حفاری کرده وازآن ظروف وابنیه وطرح معماری و حجاری ونقاشی وسبك بنا ونقشه وتزیینات وتجملات آن کاخهای‌رفیع بروحیه ملل گذشته پی‌برده وعظمت مقام‌سلطنت ومیزان قدرت وعدالت ونیروی علم‌وادب هرجامعه وقومی رااز آثار آنهابدست آوردند.

دین اسلام که دین رشد عقلی ورقاء ملی‌است برای حفظ اجتماع خود ومصونیت سیاست ملی مسلمین دستور بنای مساجد ومدارس را داد تامرکز تجمع مسلمین باشد وبرای معرفی وارتباط اجتماعات بزرك دستور فرمود مسجد جمعه درهر مسکن وموطنی برپا کنند که‌تمام اهالی محلات وکوی وبرزنهای شهر درمسجد جامع برای نماز جمعه تجمع کنند ومرکزیت ارتباط افراد مسلمان باهم درنماز جمعه وجماعت باشد وبرای ارتباط مسلمین شهرها وکشور های اسلامی مسجد الحرام رادرمکه مقرر فرمود تاتمام ملل اسلامی شرقی وغربی - سیاه وسفید شمالی وجنوبی - درهر نژاد و هرنقطه از جهان هستند بشرط استطاعت دریکعمر یك‌بار درکنگره حج در مسجدالحرام شرکت کنند تاروابط علمی - اخلاقی - دینی - سیاسی - اقتصادی - ادب ورسوم و **وشئون ملی یکدیگر رامحکم کرده وباهم ازنزدیك آشنا شوند.**

این تعلیمات عالیه که باآخرین سطح تمدن بشری تطابق مسلمین را بساختن مساجد و مدارس وابنیه مهم تاریخی داشت وفرمان **انما یعمر مساجدالله من امن بالله والیوم الاخر**- مسلمین را ترغیب وتحریض دراستوار کردن بنیان‌مساجد وتعمیر وآبادانی وتزیین وتحمیل آن فرمود وبمسلمین منصب **کنتم‌خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن - المنکر** داد تادر این مراکز ثقل اسلامی اداء وظیفه‌بنمایند وبرای حفظ این کاخ اجتماعی اعلامیهٔ تشویق وتقدیر صادر فرمود که :

ومن یعظم شعائرالله فهو من تقوی القلوب - لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق.

این تقدیر مسلمین رابربناء مساجد والصاق مدارس بآن تجدید مجالس مجدوعظمت اسلام پس‌از فرایض وتدریس وتعلیم احکام دین درمساجد ومدارس اسلامی و توسعه دانشگاه اسلام تشویق و ترغیب کرد.

بطوریکه امروز بشهادت مورخین بزرك دنیا ابنیه وآثار مساجد و مدارس اسلامی در جهان بشریت ازتمام آثار وابنیه تاریخی سایر مللمجللتر ومزینتر ومعظمتر وفراوانتر راست مساجدو **مدارس - غرناطه واندلس واسپانیا ودر پاریس - درلندن وبرلن درمصر وسوریه و لبنان - درعراق وترکیه وافغانستان ومهمتر ازهمه درایران مانند مسجد شاه اصفهان- مسجد شیخ لطف‌الله - مساجد جامعیکه درکلیه شهرهای ایران مانند مسجد گوهرشاد مسجد جمعه اصفهان - مسجد جمعه شیراز - نائین ارقو - یـزد - کاشان - کرمان - خراسان - آذربایجان** وتمامی شهرهای ایران است نمونه بارزی ازسطح علمودانش - صنعت و هنر ذوق نقش ومعماری مسلمانان میباشد.

اسلام بازهم برای توجه‌دادن مسلمین بحفظ اجتماع وعلاقه بتشکیل اجتماعات اجازه‌داد تابرمشاهد مشرفه وعتبات عالیات واماکن متبرکه وزیارگاهها ومقابر قبه وبارگاه می‌بگذارند وهمان حکم مسجد ومدرسه رادرآن اجرانمایند وهرهفته بزیارت قبوربروند ودرمقابر اجتماع کنند وباارواح گذشتگان انس بگیرند تاعلل عظمت روحی وجاودانی نام‌وبقاء معنوی آنهارا دریابند،

دراین باره چون کتب تاریخ وجغرافیائی مکه و مدینه ونجف وکربلا و مشهد وکاظمین و سامرا وغیره رانوشته‌ام.

بیش‌ازاین شرحی نمیدهم ولی چیزی که باید ناگفته نماند این است که مشاهد مشرفه انبیا واولیاء وعلمای بزرك وشعله‌داران هدایت همیشه،مورد احترام وتجمع ملل واقوام بوده وحتی اخیراً ملل متمدن که ازاین ابنیه محروم هستند بنام سرباز گمنام آرامگاهی خیالی ساخته‌اند و سیاست ملی خودرا بوسیله آن‌حفظ میکنند.

اسلام مشاهد مشرفه و عتبات عالیات را کـه **در مکه-مدینه‌جنة‌المعلاء مکه-جنة البقیع‌غرقه مـدینه - نجف اشرف - کربلای معلی - مشهد مقدس - کاظمین - سامرا - قم حضرت عبدالعظیم تهران وسایر امام زاده‌های** صحیح النسب درهرشهر وکشوری مرکزنماز جماعت ودرس احکام دین وفضیلت ونشر اخبار آل‌محمد ص که سرمایه سعادت‌است میباشد ملاحظه کنید در کربلا یانجف یاهمین حضرت عبدالعظیم در تهران هر شبانه روز چه اندازه جمعیت در سال دائماً به‌نماز و روزه و تلاوت قرآن و ارشاد و هدایت و درس عملی فضیلت و کمال دوران مشغول هستند .

ایرانیان که ازفرقه برجسته اسلام یعنی شیعه امـامیه میباشند مقام شاخ‌دینی‌را بامنصب نبوت وامامت وخلافت بدرستی تشخیص داده‌اند بپاس خدمـاتی که خاندان پیغمبر یعنی امیرالمؤمنین علی باخاندانش بجامعه کردند.

بشکرانه نعمت علم ودانش بربقاء مقابر آنها گنبد و بارگاه مجلل از طلا ونقره درهای منبت وخاتم مکلل-بجواهر وضریح مشبك ار نقره وطلا و صندوق خاتم کـه بهترین نمونه ذوق و هنر ایرانی است باتزیینات نقاش وآینه کامل و سبك معماری و بناء مشاهدکه نود درصد آنها ازسرپنجه ایرانیان تراوش کرده بجاگذاشتند وهرسال ملیون‌ها مسلمان و شیعه امامیه اثنا عشریه برای تجدید سلام ومجد وعظمت صاحبان عتبات عالیات در روضه چون بهشت برین آنها باجان ودل میشتابند واز مال خالص خود درراه ابقاء اجتماع وتقسیم‌شعائر دین ازهیچگونه فداکاری دریغ نمیدارند.

بطوری این بناهای عالی بیان گویای پیشوائی وعظمت مقام هدایت دین اسلام و اگر جهان بشری راخانه مسکونی فرض کنیم این ابنیه برجسته رفعت مقام وبلندی رتبه صاحبان آن را که مشعلدار هدایت وقافله سالار ارشاد ورهبری بوده‌اند نشان میدهد.

ایرانیان مفتخرند که توانسته‌اند باخلوص نیت در ودیوار این مشاهد رازبان گویا و تاریخ مجسم ذوق وصنعت وعلم‌وهنر ونمونه بارز ارادت وعلاقه پیشوایان خود که منجی حقیقی عالم بشریت بوده‌اند معرفی کنند.

ایرانیان اعتاب مقدسه را بهترین وسیله تقرب بخدا و شفاعت بارگاه عدل الهی دانسته و برای تمسک وتوسل بدین آستان مقدس پیشوای اسلام و ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله اجمعین جسته‌اند ودراین راه از هیچگونه مجاهدت وفداکاری جانی و مالی دریغ نمی‌دارند ونهضت شیعه درمحرم وصفر بهترین نمونه این حقیقت است.

اسلام همواره درپیشرفت‌است

درمحیطی تاریك وسیاه . درفضائی جهل‌آمیز و فتنه‌انگیز انوار علم‌ودانش واشعه‌آزادی درزیرپرده‌های سخت ترین خرافاتی که بجان و دل مردم آمیخته بود ودر محیط تعصب دینی تابیدن گرفته است ،

آئین محمدی**ص** ازتمام آئینهای جهان از حیث قواعد ساده‌تر وآداب آن کمتر وآسان‌ترو رساتراست .

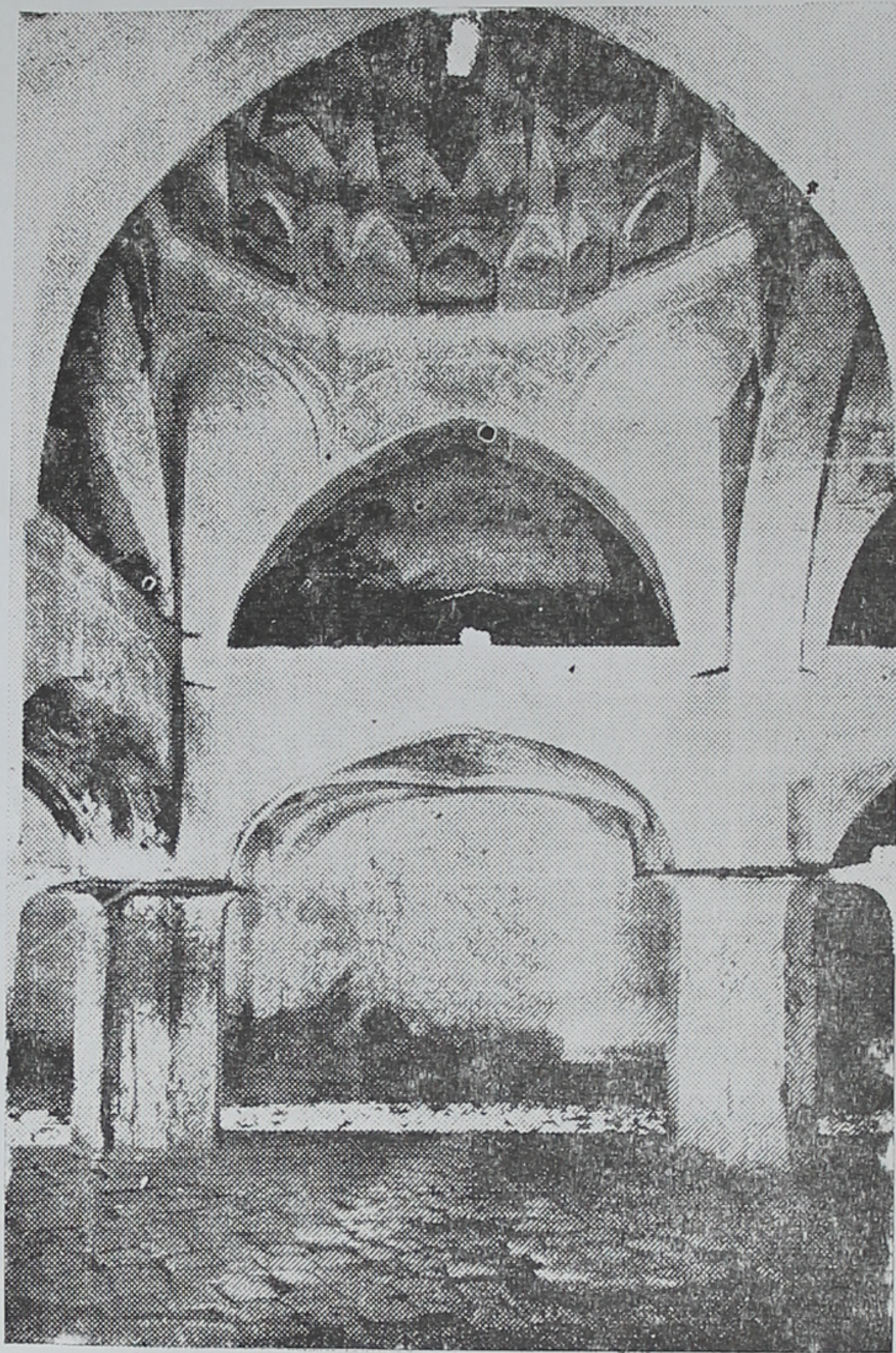
این آئین تمدنی بوجودآورد که تمام مورخین جهان رابشگفتی انداخت . تمدن اسلام انکار-پذیر نیست تمام مردم اروپا غیرازمورخین شرقی مانند آلمان . فرانسه ، انگلیس . ایطالیا و غیره کتابهای بیشمار درتمدن اسلام تالیف نموده‌اند . واین کتب روی تحکیم مبانی اصول تمدن اسلام وحقیقتی عالی بود که‌برنك وبوئی مخصوص‌مبنی بر کتاب خدا دست اسلام گذاشته شده، بقدری‌تمدن اسلام قوت وقدرت گرفت که حتی مخالفین اسلام وحتی آنهاکه بحمله و هجوم براسلام پرداختند نام تمدن اسلام را مکرر برده‌اندو تاریخ تمدن آن را شرح داده‌اند و قابل مقایسه باهیچ تمدنی نمیدانند .

این تمدن ازتمدنهای مشهوریست که تاریخ عمومی دنیابآن زینت یافته وبآثاردرخشانش تاابد تاریخ‌برساخته شهرهای اسلام‌درجهان نظیر نداشته وآثارمسلمین درهیچ کجای دنیامانندی پیدانکرده همه جابناها سربآسمان کشیده ملیون‌ملیون مردم بآسایش وزندگی میکردند ، دانش وفرهنك. علم وعرفان رواج‌کامل داشت . درخت پیشه وهنرسرسبز وشاخهایش ازمیوه سنگین‌بار بود.

آثارزیبای مسلمین وتمدن پهناوراسلامی باروزگاری خوش وخرم قرنها ادامه داشت و صدها کتاب بایدباشرح این تمدن رابدهند .

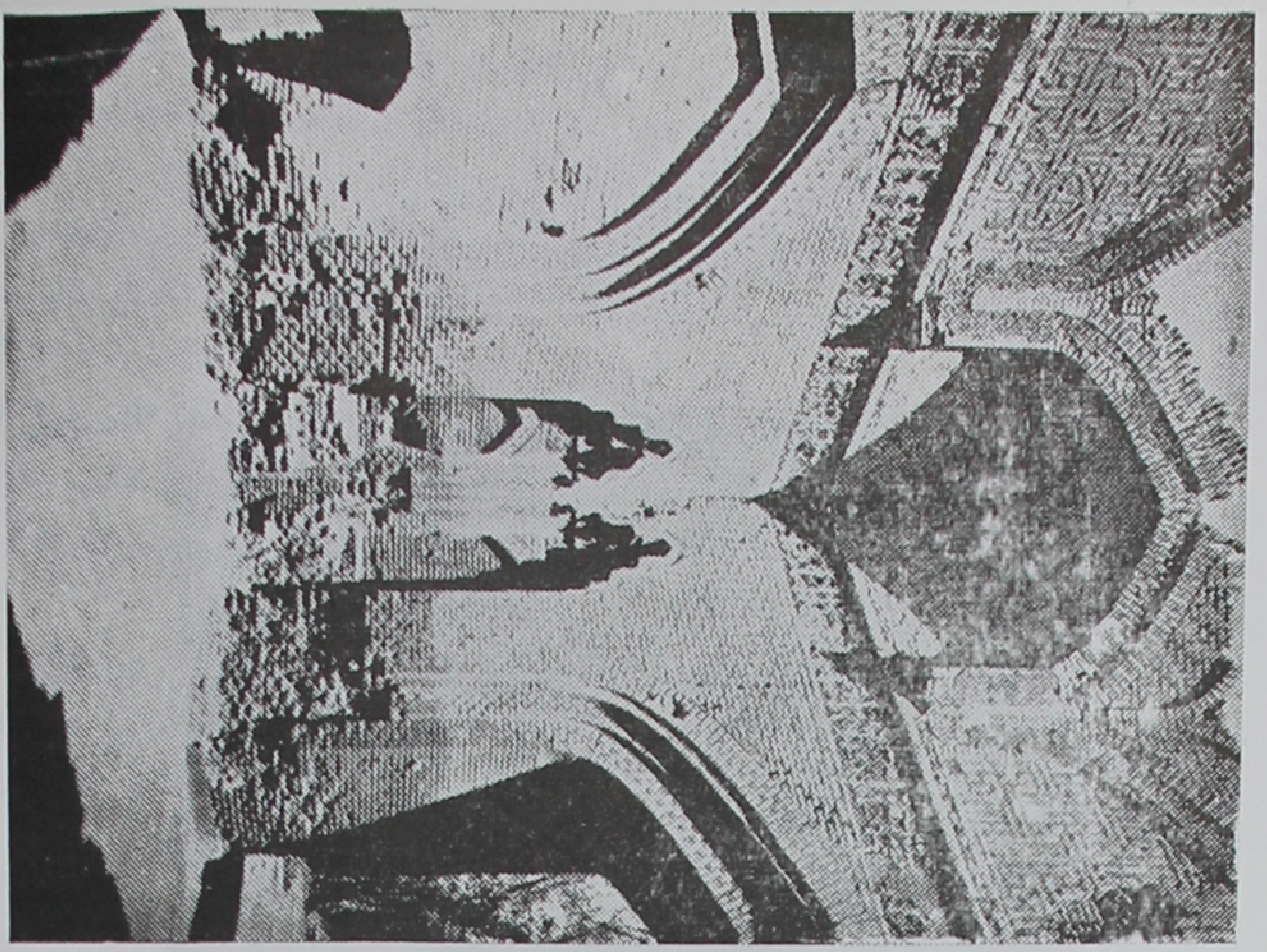
تاریخ نویس‌های اروپا زیرعنوان (تمدن اسلام) کتابهای گرانبهائی نوشته‌اند ــ دائرة‌المعارف های جهان بشریت نام اسلام‌ومسلمین وآثارزیبا وبناهای قشنك ومظاهر کمال تمدن آنهارابناگزیر زینت‌بخش صفحات خودساخته‌اند .

پس‌ازاسلام هیچ تمدنی بوجود نیامده که مسلمین درآن شرکت نداشته یاازمبانی اسلام برای تحکیم آن استفاده نکرده باشند نظری بقانون‌اساسی ملل راقیه جهان این حقیقت را استوارمیسازد مطالعه درصفحات تاریخ عمومی ملل‌عالم شاهد گفتار مامیباشد .

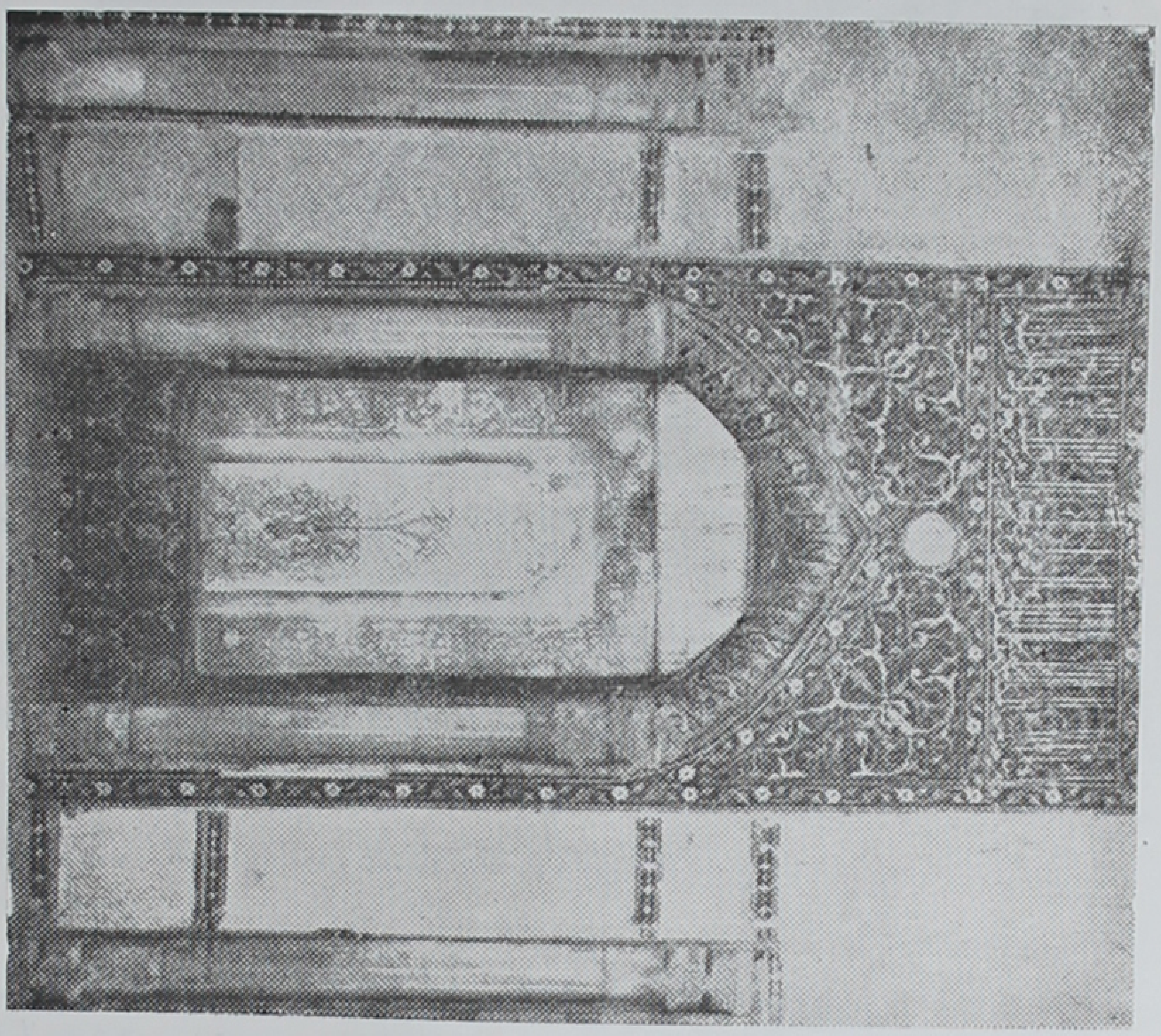


مسجد جامع ابرقو

ش ۱۳۷



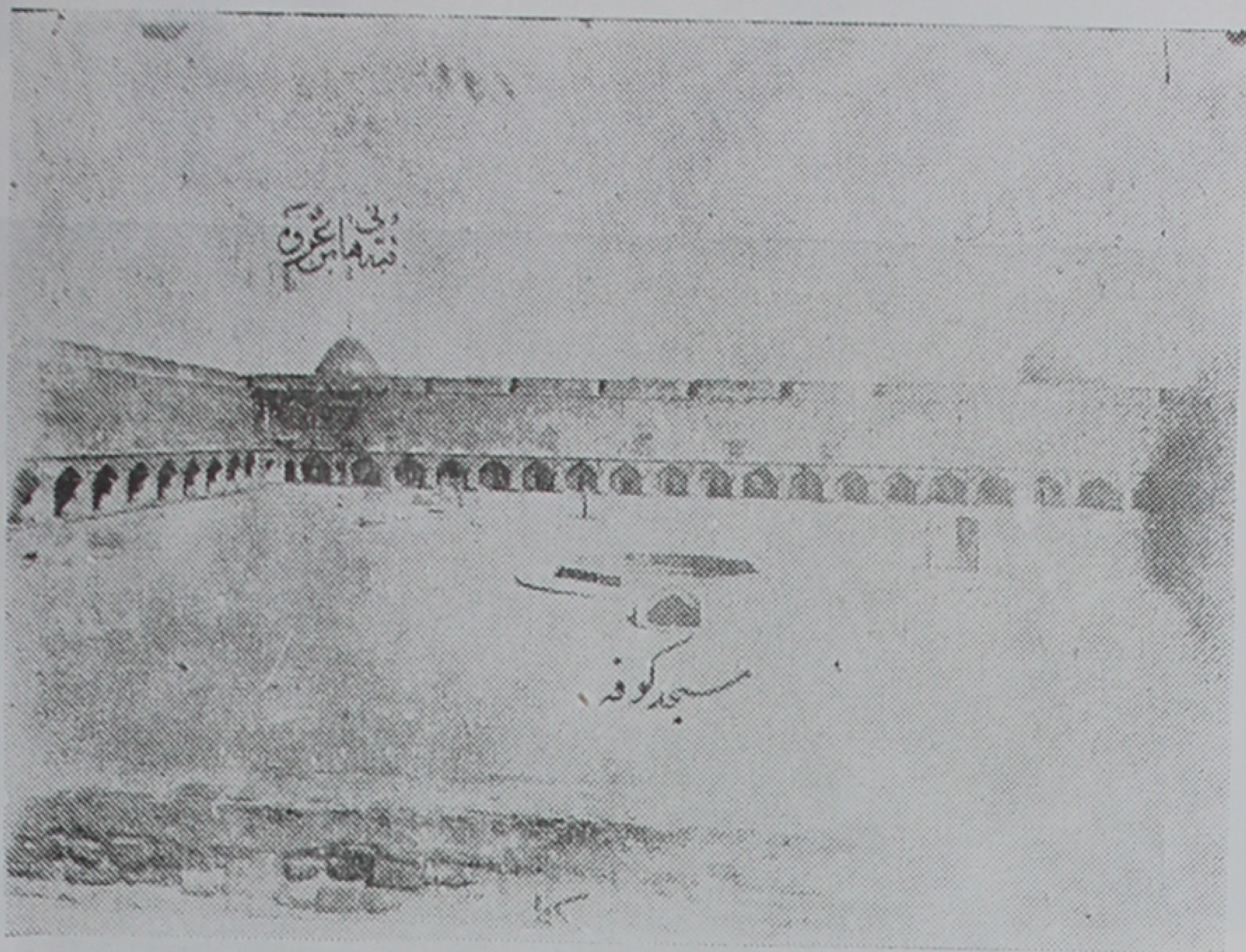
ش۱۳۸ مسجد حیدریه قزوین



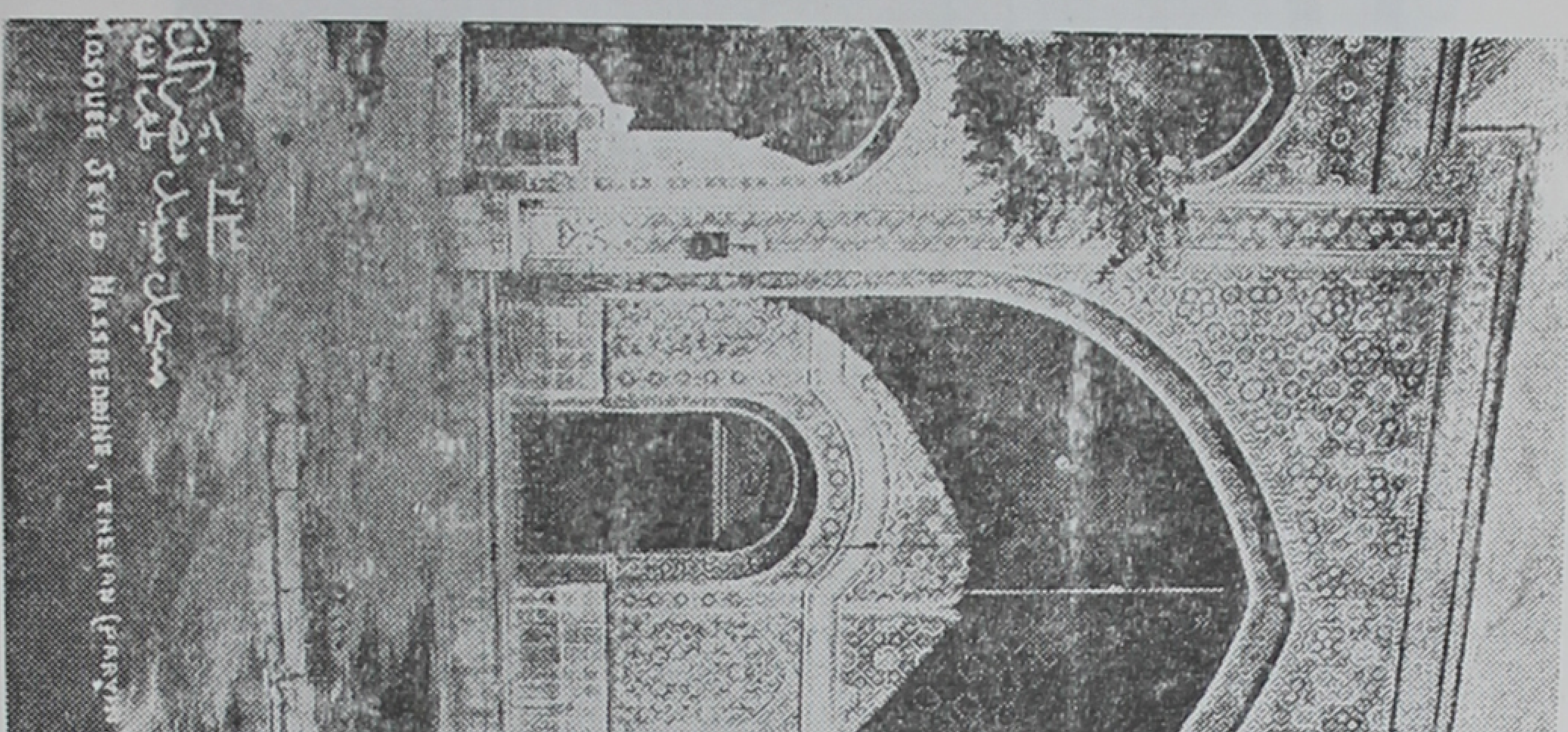
ش۱۳۹ درب مسجد جامع اصفهان



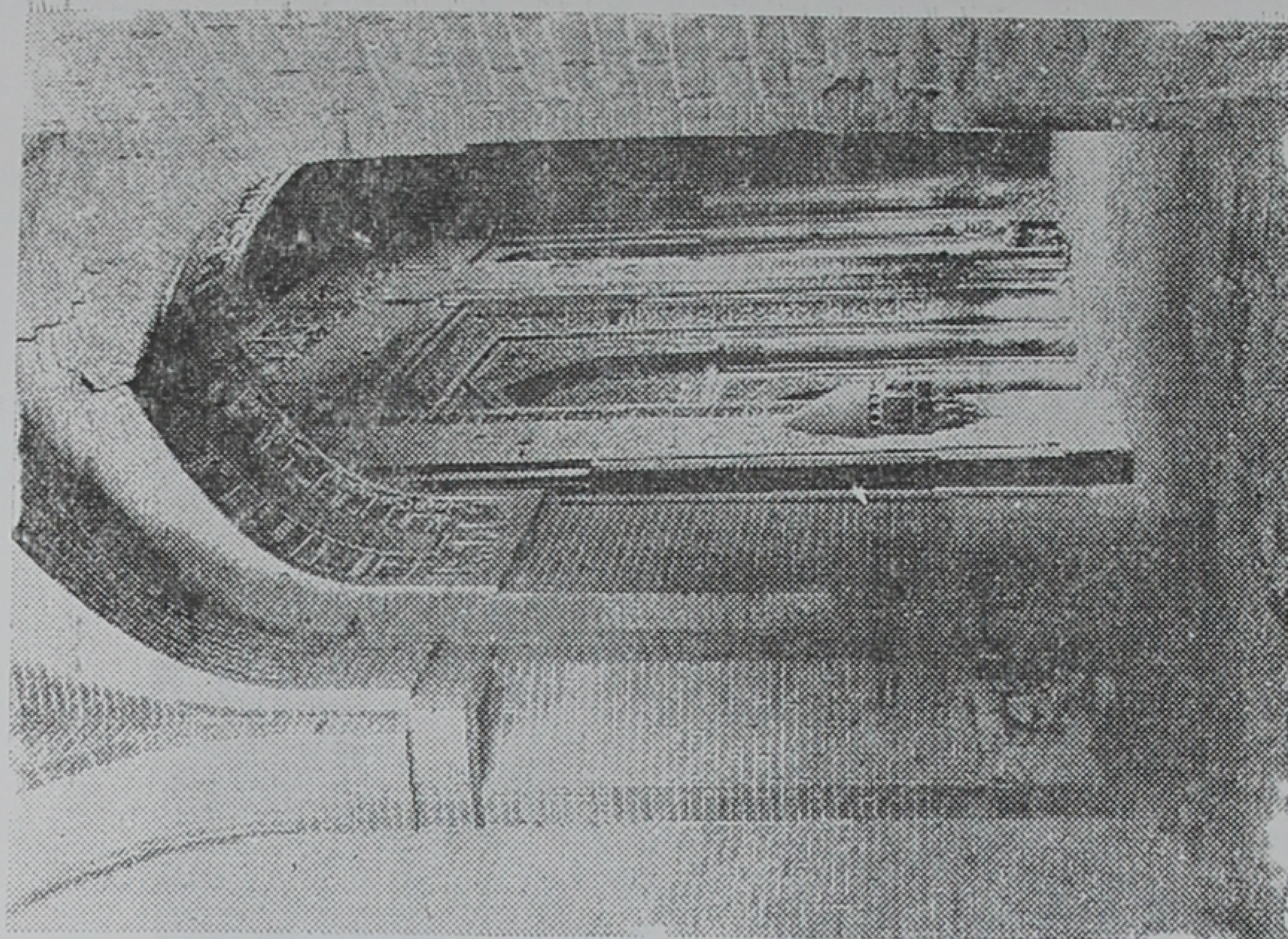
ش ١٤٠



ش۱۴۲



ش۱۴۱



مسجد جامع اردستان

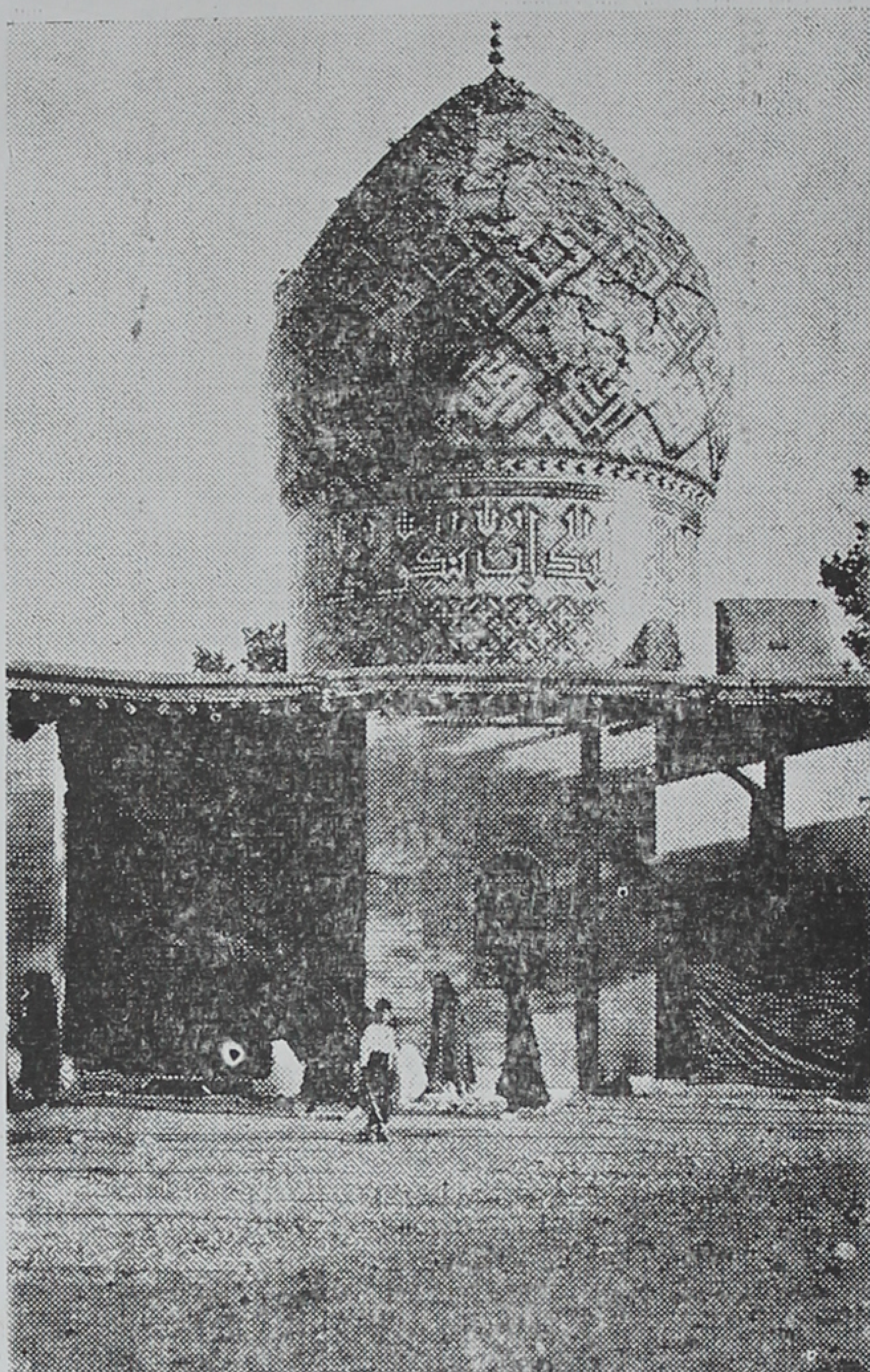
ش۱۴۳



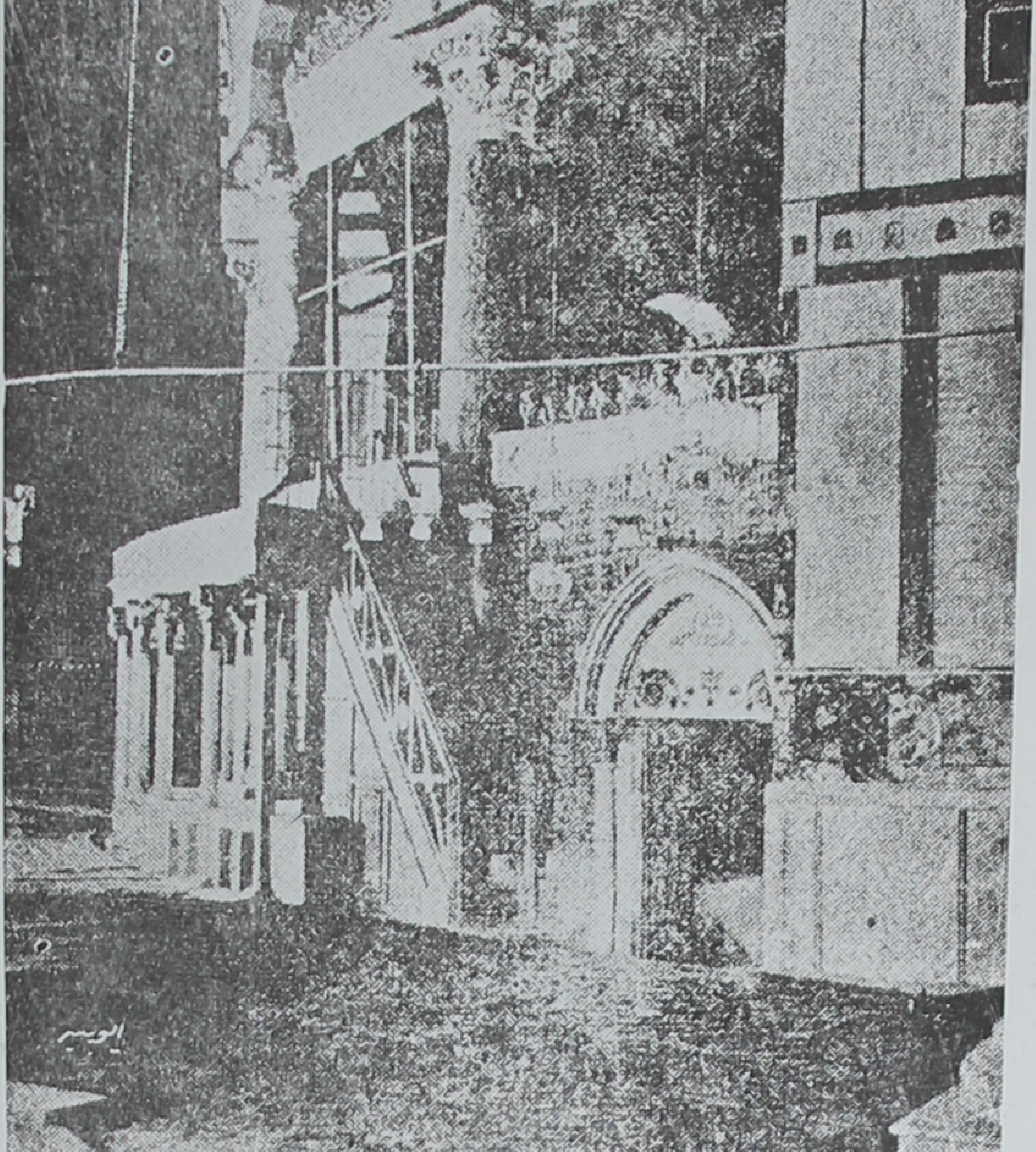
ش۱۴۴



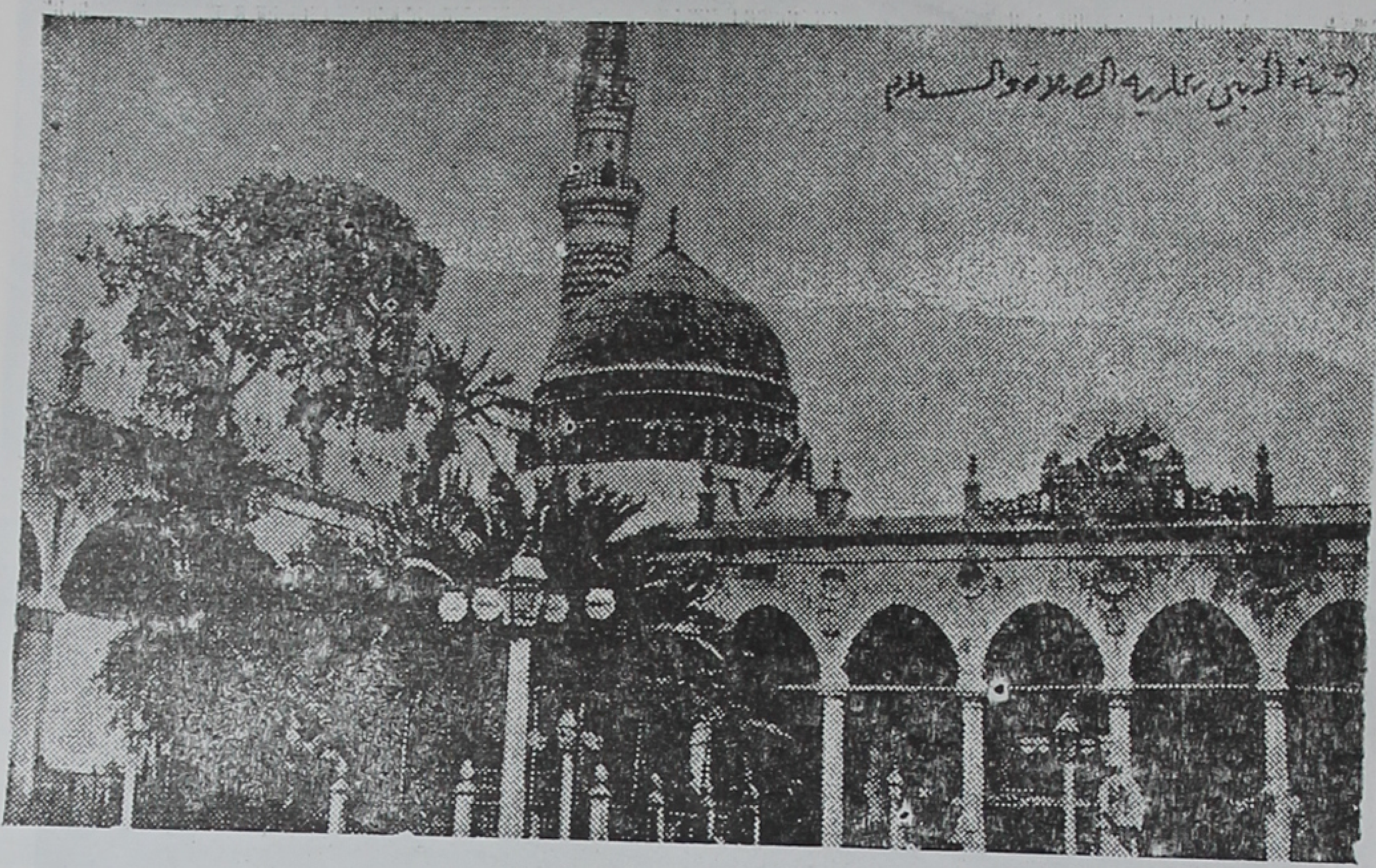
ش۱٤٥ قدمگاه مشهد



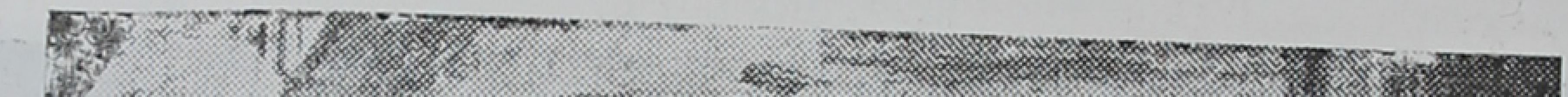
امام زاده قاسم شمیران



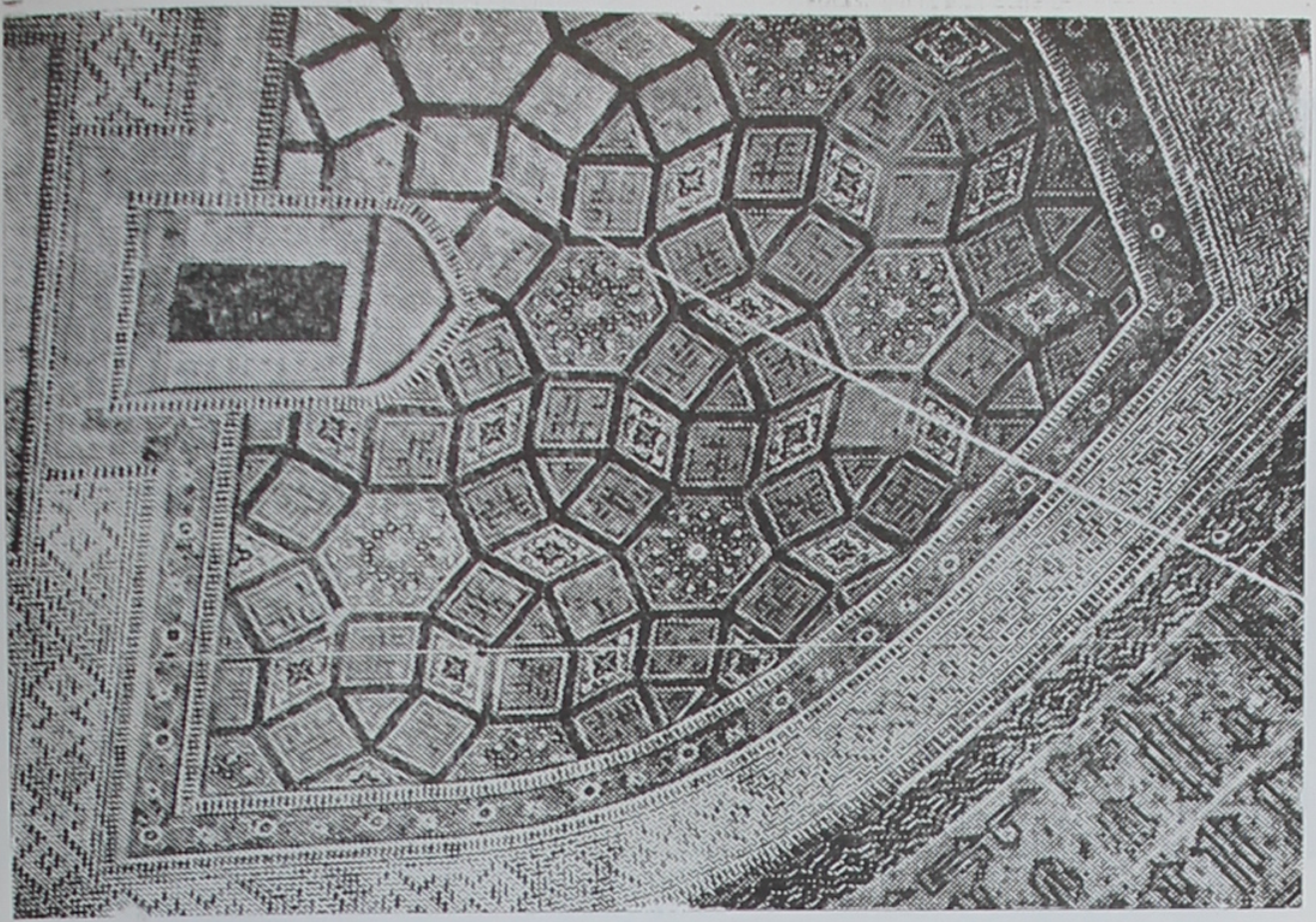
ش۱٤۷ داخل قبه صخره مسجد اقصی



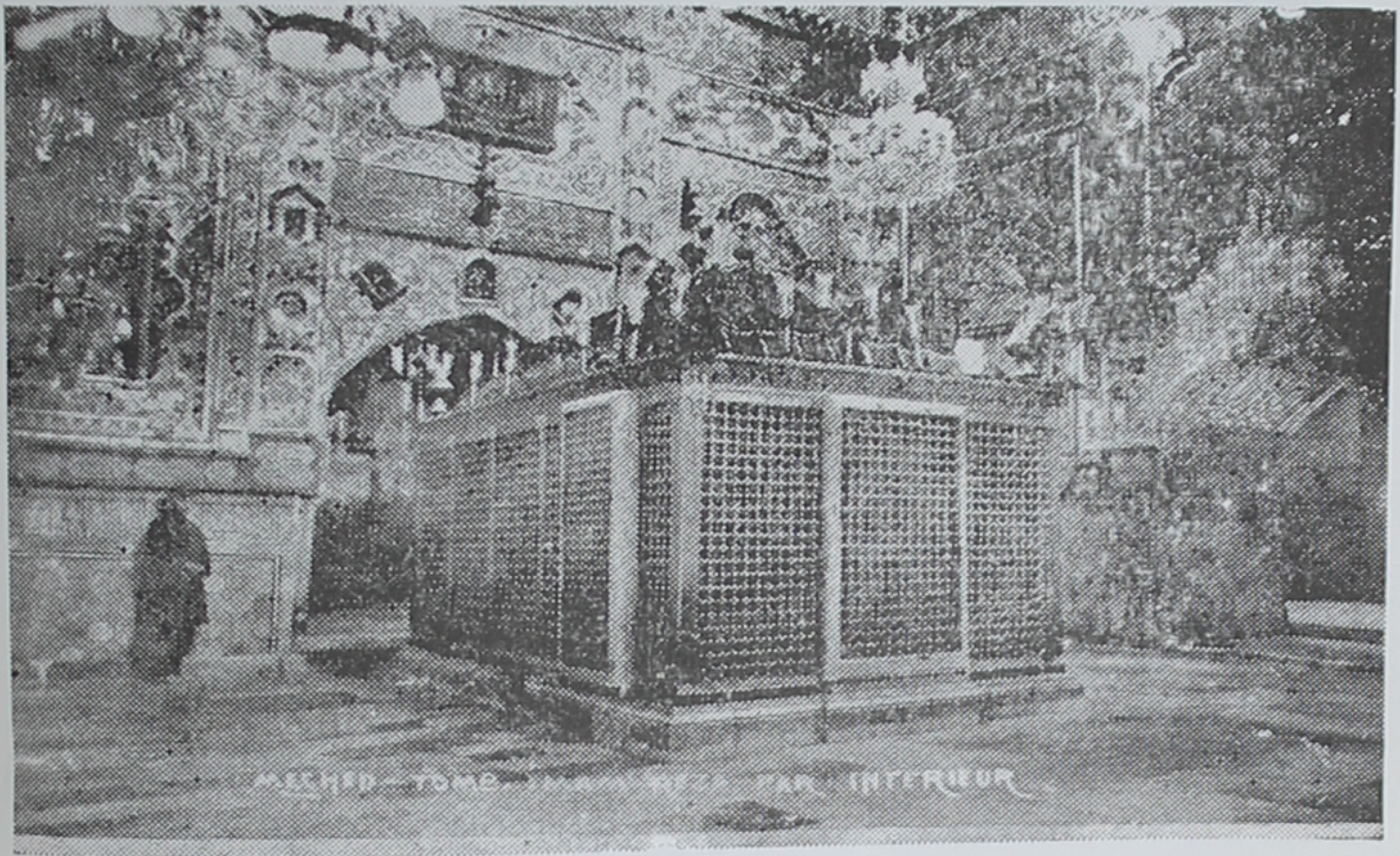
ش ۱۴۸ مسجد نبوی دو مدینه مجلل‌ترین مساجد جهان



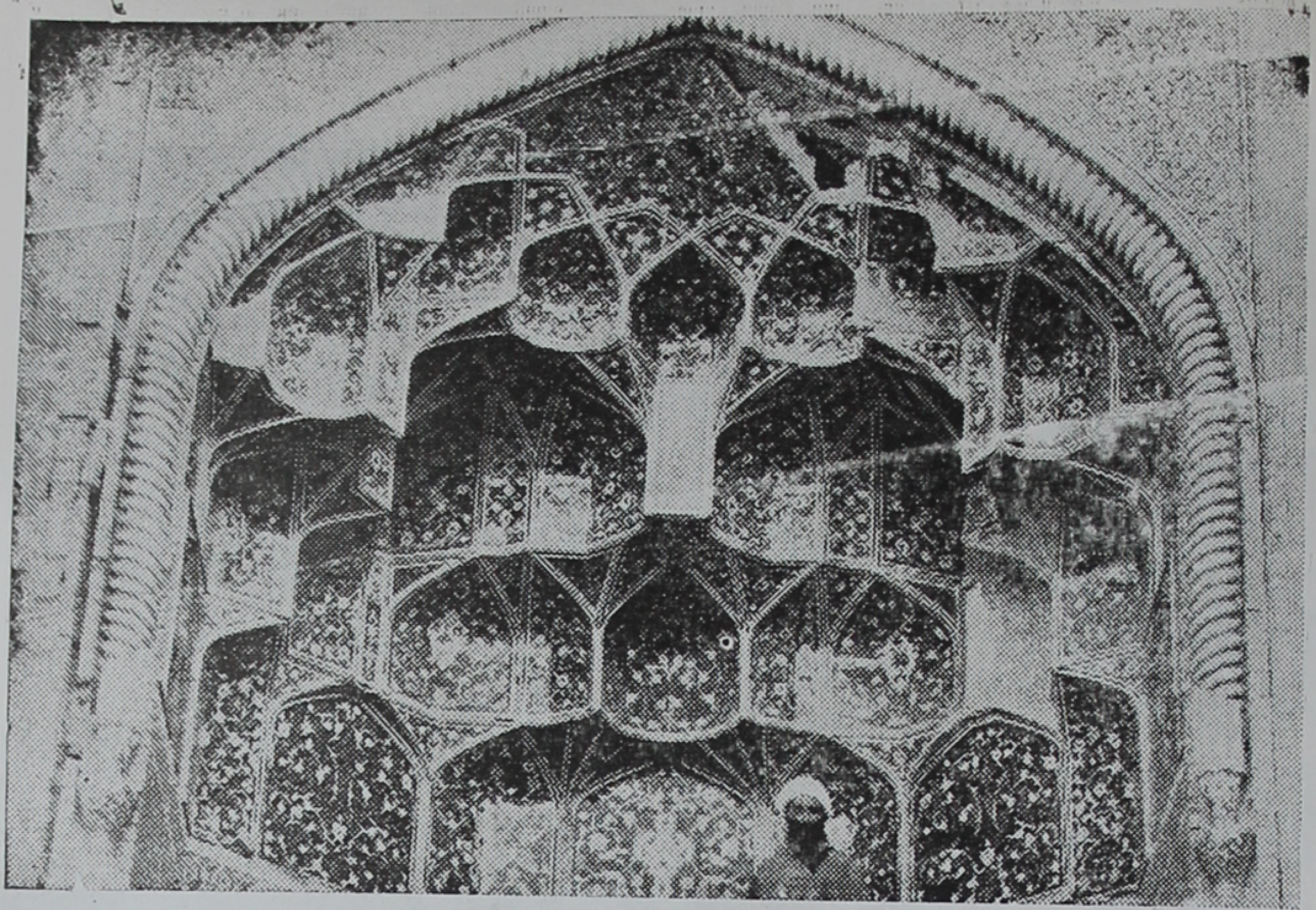
ش ۱۴۹ مسجد کبود تبریز



ش ۱۵۰ داخل مسجد کوهر ادشاه کار هنر و صنعت



ش ۱۵۱ ضریح امام رضا



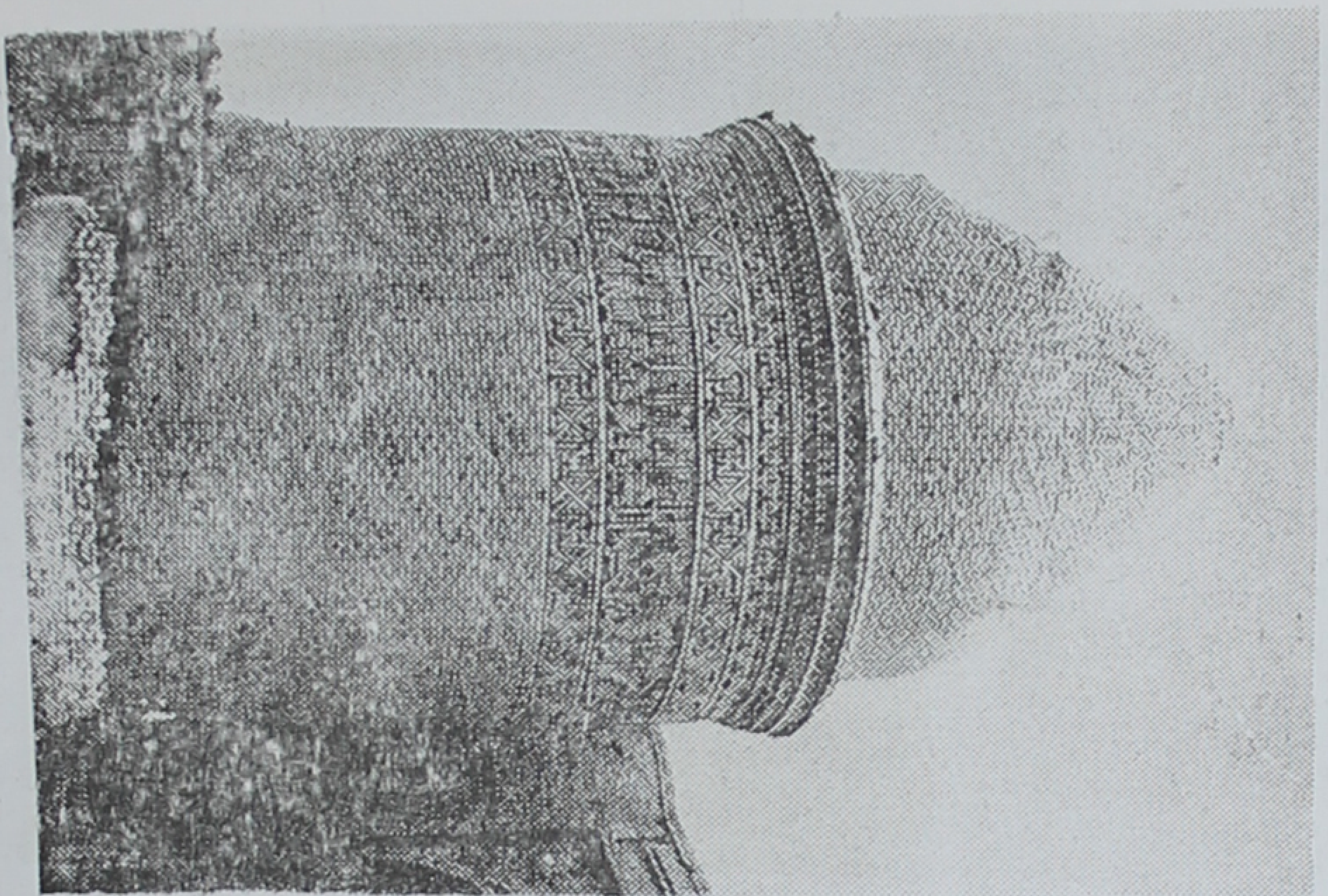
ش۱۵۲ مسجدشاه اصفهان



ش۱۵۳



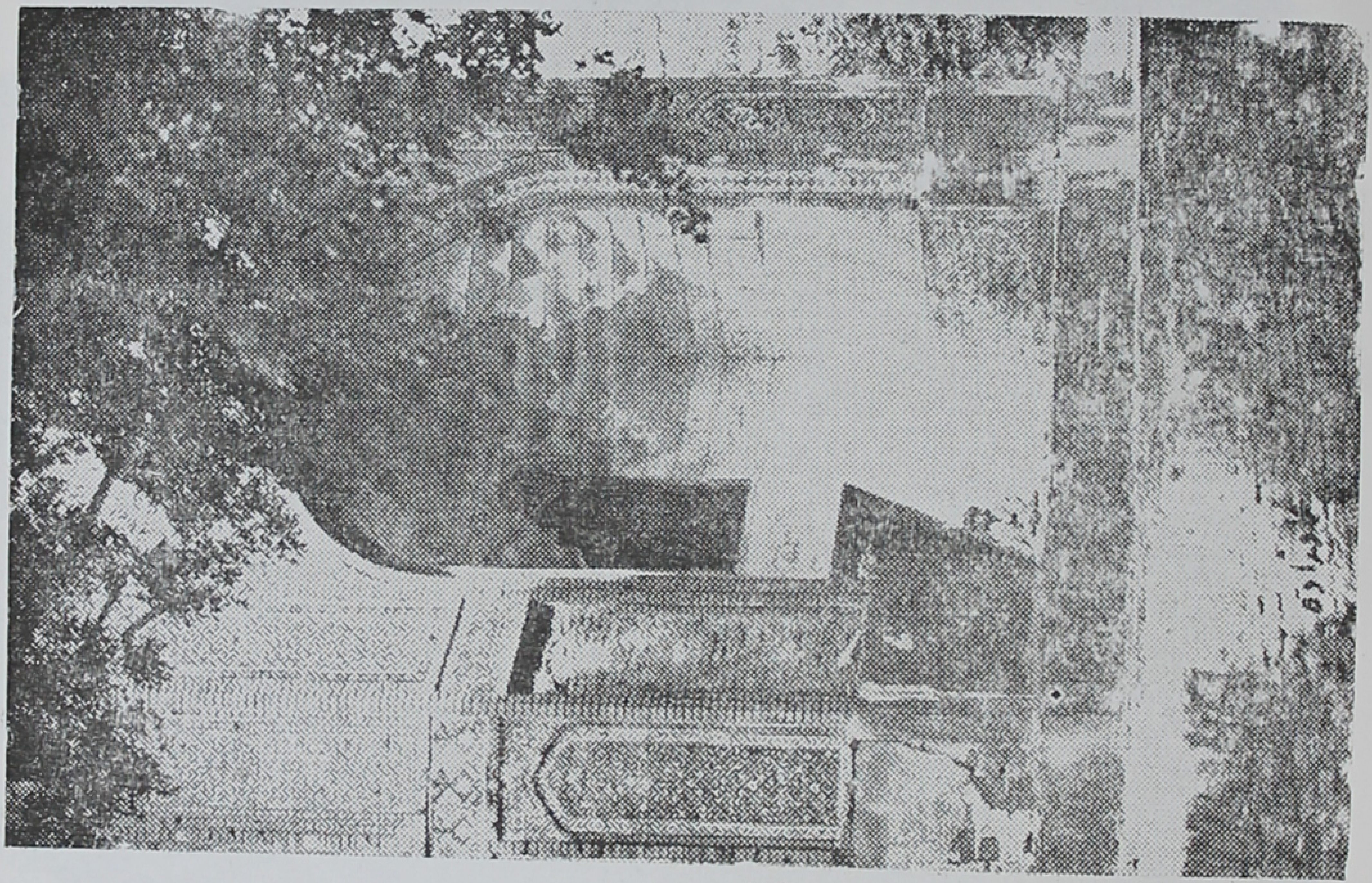
ش ۱۵٤ صحن جدید مشهد



۱۵۵ چهل دختران دامغان



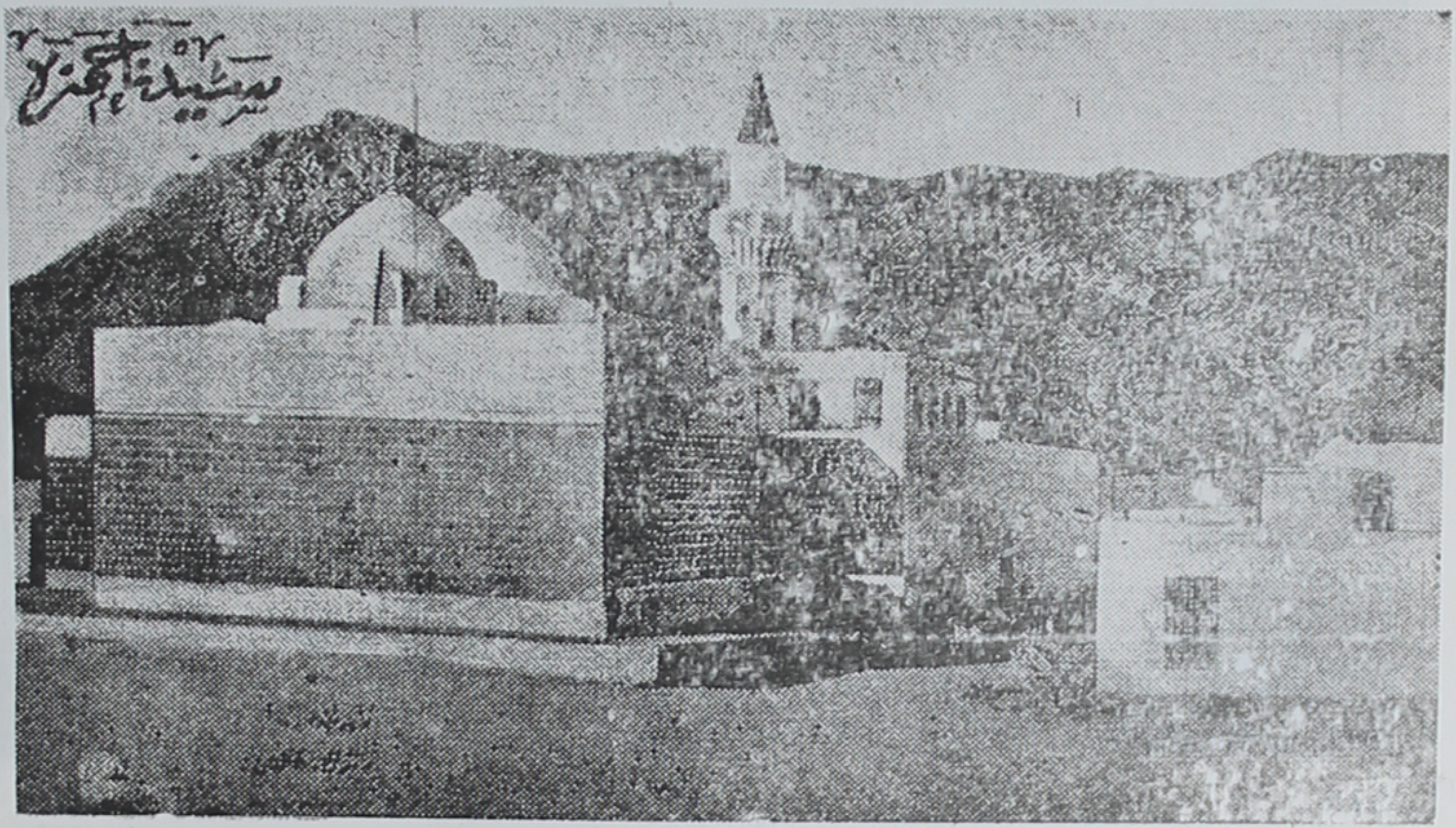
١٥٦ مسجد دیگر جامع اردستان



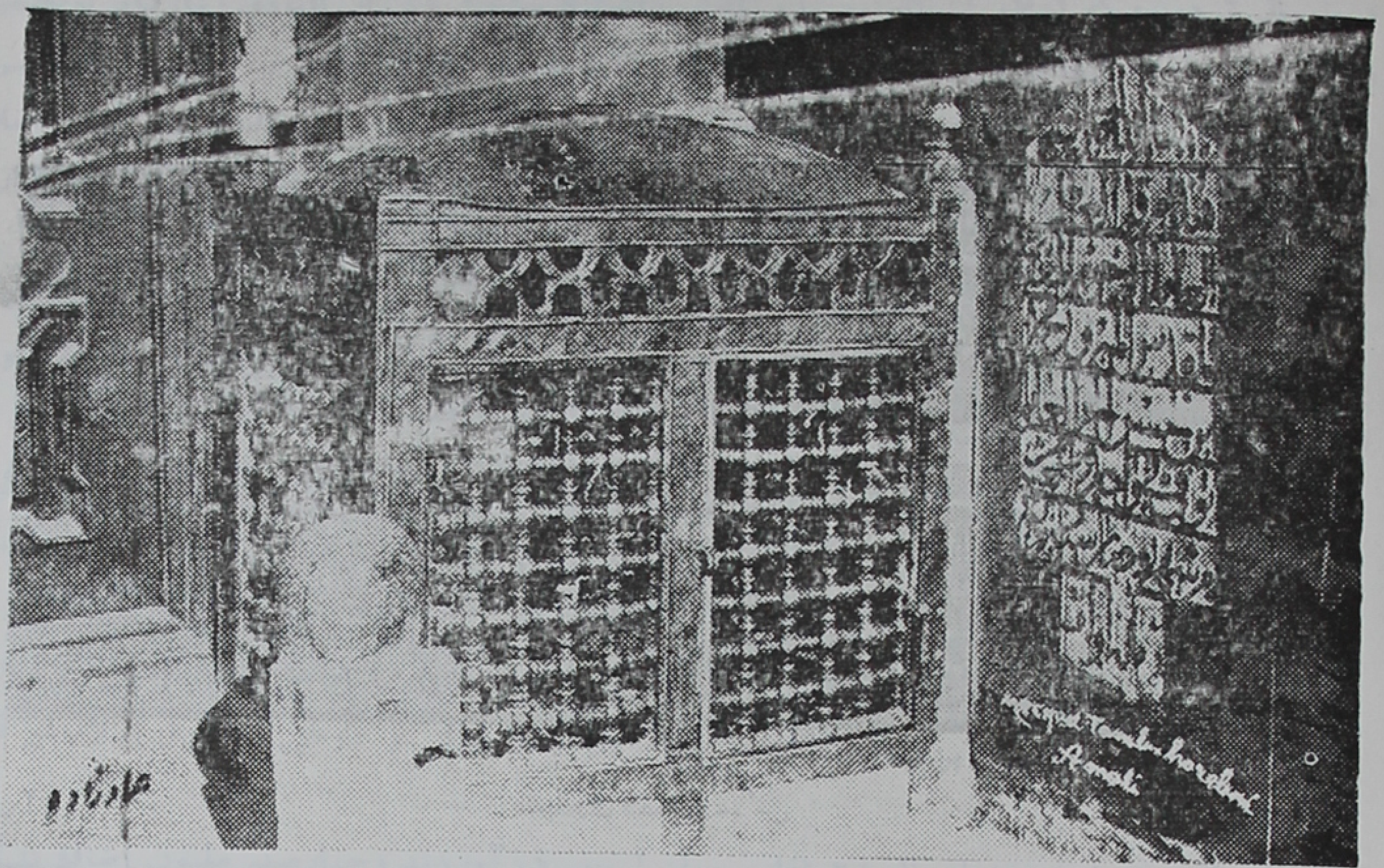
ش١٥٧ نیشاپور امام زاده محروق



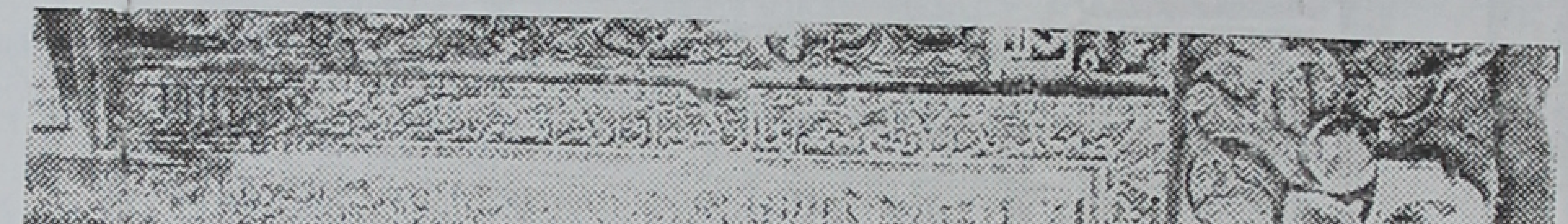
ش ۱۵۸ قدمگاه



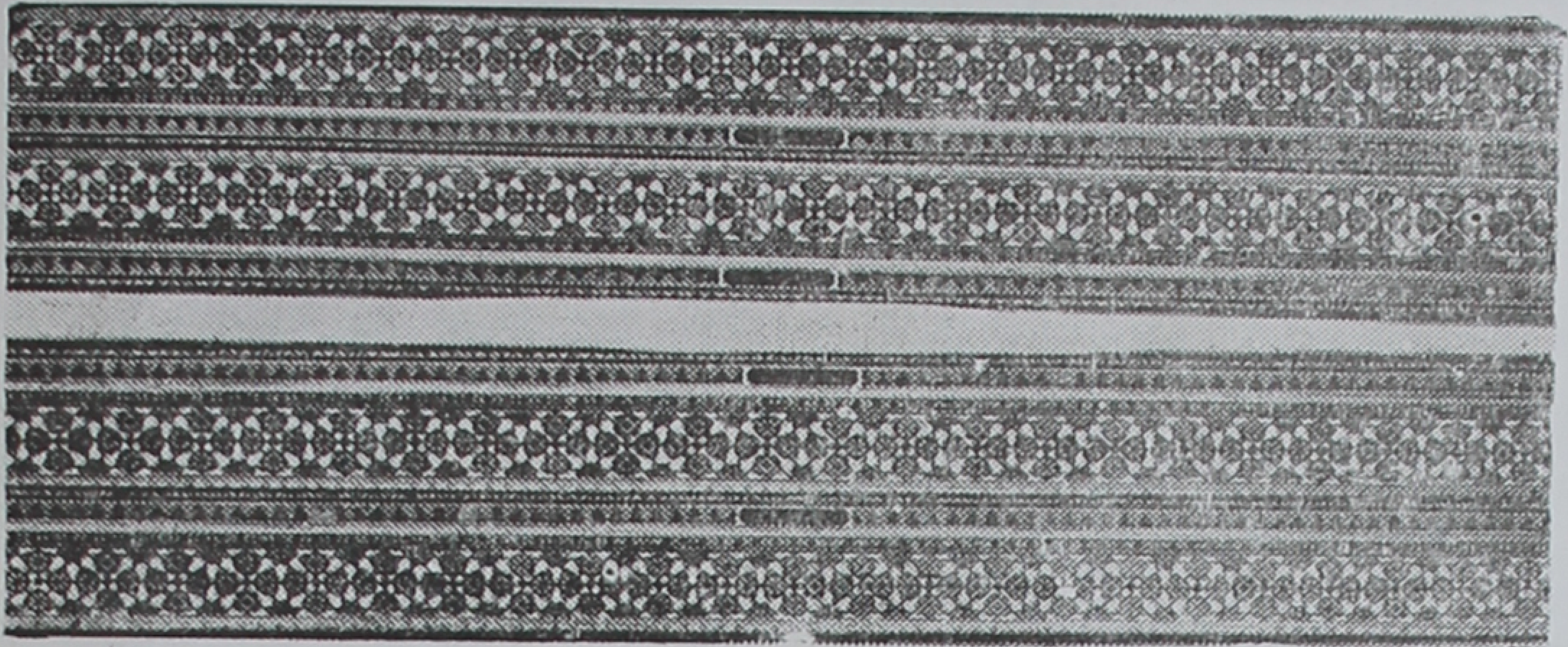
ش ۱۵۹ مسجد و گنبد حمزه در احد ـ قبر سرباز نامی اسلام



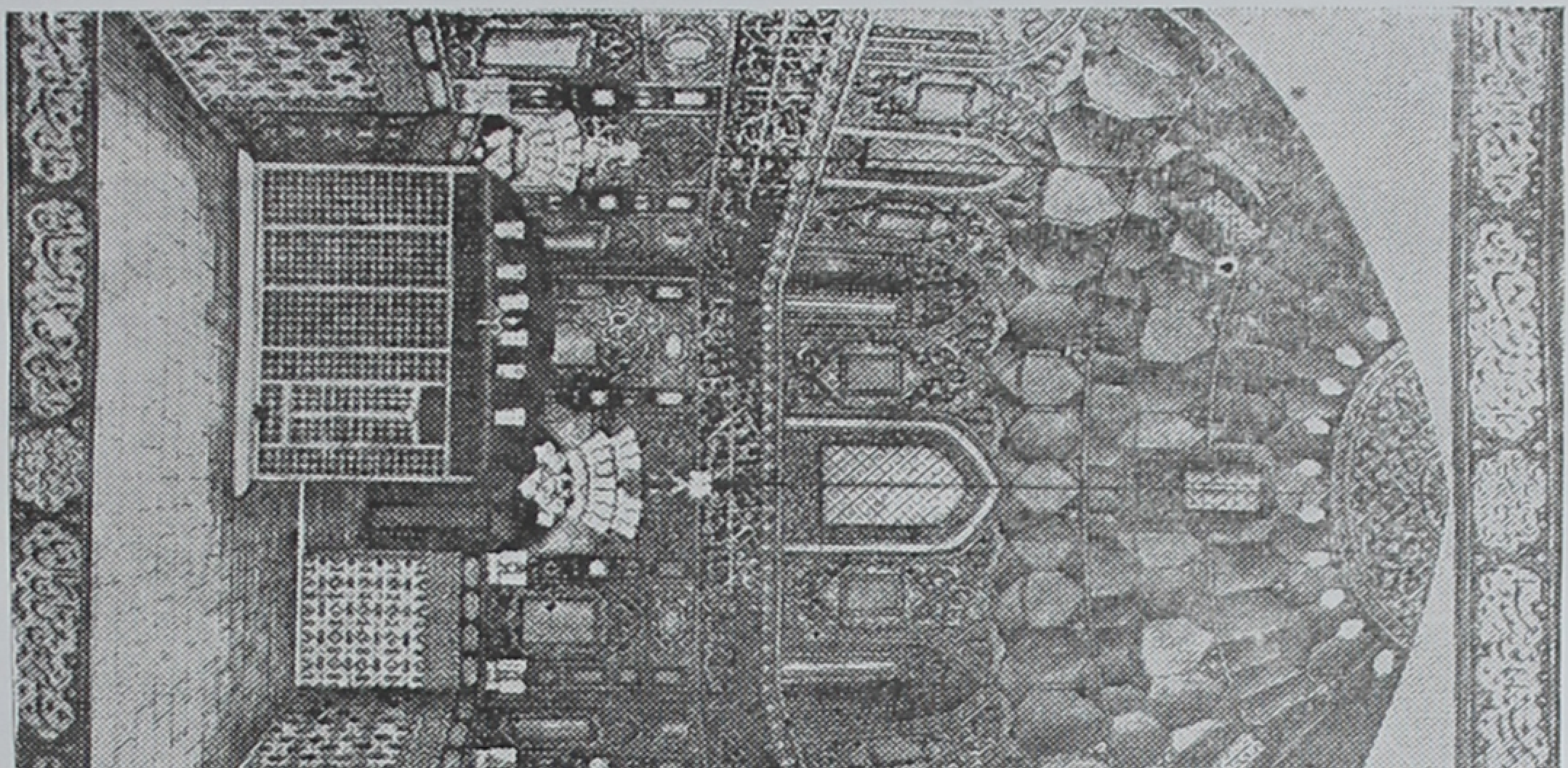
ش ۱۶۰ مقبره شیخ حر عاملی در مشهد



ش ۱۶۱ مسجد جامع ابوقو



ش۱۶۲ صندوق حضرت عباس



ش۱۶۳ ضریح امام رضا

گروهی معتقدند روزیکه خورشید اسلام درخشیدن گرفت روزگارتمدن شرق را درهم ریخت و پایمال کرده بود که اسلام آنرا ازنو برپا وآثارش رانمایان ساخت و پس از نابودی زندگانی نوبخشید وازقید وبند اوهام رها کرد ورنك وچرك را ازچهره آن شست . لباس اسلام برآن پوشانید آنرا بنور وزیور قرآن زینت داد وچون نورسپیده‌دم دربرابر مردم بینا آنرا نمایان کرد . لباس اسلام طوری بازیب‌وزیور بر پیکر تمدن شرق‌پوشیده‌شد که درخاوروباختربیابان وصحرا دربرابرهردشواری ازهم جدانشدند .

این عقیده بنظرما سخت وسست است زیراتمدن اسلام ازیك سرچشمه روشنی اتخاذ شده که شبیه ونظیر نداشته و تمدن اسلام بهیچوجه رونوشت ونسخه تمدن دیگری نیست بلکه از بیخ وبن قرآن روئیده وازعقیده توحید این رودسرشارسرچشمه گرفته است .

آنچه تمدن اسلامی ترجمه نمود وعلومی که ازغیراسلام گرفته و سودهائیکه دراثنای جهانگیری برد وآرائیکه ازدیگران آموخت، زیانی برای ابتکاراسلامی‌نداشت زیراتمام تمدنهای بشری‌موجب کمال تمدن دیگری است .

تمدن اسلام درجهان‌بشریت قرونیرا گذرانیده وملیونها مردمان جهان ازاین تمدن برخوردار گشته و هزاران کتاب دراین‌باره نگاشته‌اند . فتوحات عقلی و روحی و مادی اسلام غیر قابل انکار است .

مسلمین درظرف هشتادسال ۲۴ اقلیم جهانرا بتصرف آوردند وچهارصد ملیون اضافه درآمد دولت بنی‌عباس در عصر اموی بود در آنعصر (بیش از هشتصد) ملیون بشر پیرو دین اسلام بودند. هیچ پادشاه وامیر ونویسنده وپیشوائی این حقیقت تاریخی رانتوانست تکذیب کند ،

ناپلئون اول درجزیره سنت هلن‌مکررمیگفت تنهامسلمین هستند که دنیارا درنیم قرن تسخیر کردند این بیان کسی است که خودش از جهانگیران نامی بشمار میرفت بااینحال مسلمین را موفق میدید ،

کردارمسلمین دردوره صداسلام سرلوحه تاریخ شد. آنهابرکره زمین سیادت وریاست‌یافتند درچهارقرن یعنی چهارصدسال کسی نبود که باآنها برابری وهمچشمی نماید وقتی‌هم در شرق دولت آنها روبافول نهاد ستاره سعادتشان درمغرب طلوع کرد .

روزی که روی بضعف میرفتند نفوذ معنوی آنها باز قوت میگرفت . اسلام ضعیف نشد دولت مسلمین دراثرپیشواهای نادرست وفرزندان ناخلف مصیبتهائی برخود واردآوردند وخاك سیاه برسر خود ریختند ،

بنی‌امیه مخرب دین ودشمن اسلام بودنداساسی که پیغمبرص گذاشته بود اگر برسیره زمان خلفا وزمان حضرت‌علی(ع) وعمر بن‌عبدالعزیزچون‌دولت منصور وهارون ومامون پیش‌میرفت تمام کره زمین درزیرسلطه حکومت مسلمین ودولت اسلام‌برای همیشه محفوظ میماند ومادرآینده علت‌انحطاط مسلمین‌را نقل میکنیم.

باشکست وضعف دولت اسلامی وقتی‌بوضع مسلمین نگاه کنیم می‌بینیم ازنظرمذهب ودین یعنی اسلام بنفس دیانت مانند مذاهب یهود ونصاری ملل را ضعیف نکرده وبانحطاط ملل پیرواسلام‌نشد بلکه موجب رشد عقلی وارتقاء ملی واندیشه وحرکت فکری مردم جهان گردیدزیرامسیحیت بتثلیث کشید ولي اسلامیت بابت پرستی و شرك سخت مبارزه کرد بعلاوه تمدن مسیحیان‌هریك‌ملت‌پس‌از

هزارسال بلکه هزار و پانصدسال آغازشدآنهم از اسلام گرفتند ولی تمدن اسلام بلافاصله ازطلوع آن تا ۱۵۰ سال نهایت عظمت راطی کرد واین تفاوت خیلی قابل توجه است.

اسلام روی مبانی علمی و تسهیل عبادت ومعظم بودن بعلم وفضیلت وبالاترازهمه جنبه اخلاقی وفضایل نفسانی خودبخود دراعماق دل مردم جاباز میکند، ولذا مادرایران دراکثرجراید و مجلات دنیا میخوانیم که هرروز جمعی ازدکترها . مستشرقین ، فلاسفه ، علمای طب وهیئت کارگرها وزنان ومردان روشن ضمیر که بااسلام آشنائی پیدا میکنندباسلام میگروند و این پیشرفت درمیان ممالک آزاد بیشتر روزافزون است زیرا ذوق وقریحه سرشار مردم صافی ضمیر بااین دین سهل وسمحه اسلام انطباق فطری دارد ومانند جاذبه دلهای پاك را جلب مینماید و ماا کنون نمونه تاریخی را از هزاران خبر نقل میکنیم .

دوشیزگان تازه مسلمان

اخیراً دربندر «کاردیف» انگلستان چهاردختر جوان وزیبا باهم تصمیم گرفتند که بدین اسلام مشرف شوند . دختران جوان که میخواستند بامردان مسلمان ازدواج بکنند وبخاطر این عشق حاضرشدند ازدین مسیح دست برداشته مسلمان شوند باهم بمسجد مسلمانان کاردیف رفتند ودرآنجا تقاضا کردند که مراسم تشرف آنها بدین اسلام بعمل آید،

تقاضای آنها با استقبال شایان مواجه شد و مراسم توسط شیخ عبدالله الحکیم امام مسجد انگلستان انجام گرفت.

در عکسی ک. خواهید دید چهاردختر تازه مسلمان درمسجد کاردیف مشغول آموختن نمازهستند درپشت سر آنها شیخ عبدالله الحکیم امام مسجد ودرجلو علی محمدیکی ازکارمندان مسجد دیده میشوند.دوشیزگان مزبور کتابهائی راکه آیات نمازدرآن بحروف درشت انگلیسی نوشته شده باصدای بلند میخوانند شیخ عبدالله تلفظ آنهارا تصحیح میکند وعلی محمد حرکات رامیآموزد،

درجریان چندسال اخیر تعداد کسانیکه درمسجد کاردیف بدین اسلام گرویده اند چندبرابر شده است ونود درصد کسانی که دین اسلام را میپذیرند دوشیزگان جوان هستند علت این قضیه اینست که در کاردیف تعداد مسلمانان افزایش یافته و تقریباً یکی از مراکز مسلمانان در انگلستان شده است .

مردان وجوانان مسلمان که دراین شهر با دختران انگلیسی آشنا میشوند بشرط اینکه آنها دین اسلام رابپذیرند حاضربازدواج باآنها میشوند واگرعشق واقعی موجودباشد دوشیزگان مسیحی حاضر بقبول دین اسلام میشوند . در میان چندصد دوشیزه جوان انگلیسی که تاکنون بدین وسیله بدین اسلام گرویده اند، دختران دانشجو وکارمند دولت وپرستار ودکتر زیاددیده میشوند.

فتح آفاق و تملك نفوس

قال ص یفتح علیکم الافاق و یفتح علیکم مدینة یقال لها القزوین من رابط فیها اربعین لیلة کان له فی الجنة عمود من ذهب احمر الخ ۱

پیغمبر اکرم ص چندین بار از فتوحات اسلامی و چیره شدن آنها برجهان خبر داده است و چون مردم مسلمان معتقد بمقام وحی بود ویقین داشتند

---

۱ در کتاب اخبار البلدان ابن فقیه همدانی متوفی سال ۲۷۹ از صفحه ۲۹۱ تاص ۲۹۴ درذیل تاریخ ابهر وقزوین از حضرت رسول الله ص روایاتی نقل میکنند که ابو خالد صنعانی این روایت را درص ۲۹۴ نقل کرده است

آنچه پیغمبر اکرم ص فرمودند بمنطوق آیه **ماینطق عن الهوی ان هو الاوحی یوحی** همه ازمنبع علوم غیبی است درمقام سلطه وفتح آفاق بر آمدند درباره فتح شاهات وسوریه فرمود من درخواب دیدم که تمام طبقات زمین در نظر من پست شد تا بصری که شهریست درشام وشما مسلمانان باید علیه رومیان بجنگید وآنجا را بگیرید تا بدنیا دست یابید آیه کریمه **الم غلبت الروم** نیز آنهارا ترغیب بفتوحات کرد و احادیث دیگری که درضمن اخبار تاریخ فتوحات نقل شده ازآن جمله این خبر است که میفرماید بزودی آفاق برای شما فتح میشود تا بشهری میرسید که آنجا راقزوین گویند ومنظور پیشروی وجهان گیری مسلمین است که پیغمبر اکرم ص خبرداده وآنهارا بجهانگیری مژده فرموده است ویقین است که روزی میرسد زبان زبان قرآن ودین دین اسلام وتمام بشر مسلمان ودارای یك وحدت ملی خواهند شد ووعده های پیغمبر خدا دروغ نیست وخلف ندارد وبزودی چنین روزی خواهد آمد.

سیر جهانگیری مسلمین

حیدر بامات که نام اصلی او ژرژ ریوار بوده کتابی تحت عنوان چهره های اسلام نگاشته و در سویس منتشر ساخته است که در سال اول مجله نور دانش ترجمه ومنتشر شده است. این نویسنده خواسته است یك تفاهم بزرگی بین مشرق اسلام ومغرب آن تولید کند وآنها را بهم مرتبط سازد.

آنچه از نکات حساس آن شاهد بیان میباشد از آن استخراج کرده و با نظریه وعقیده خود مینگاریم.

دنیای اسلام امروز عبارت است از سرزمین های قدیمی اسلام تاافریقای غربی فرانسه واقیانوس اطلس تاآخرین حدود سیکیاتیك از کوههای اورال واز رود ولگا تامجمع الجزایر سند وفیلیپین دراقیانوس ادامه میبابد.

تعدا کلیه مسلمانان دنیای امروز بالغ برششصد میلیون نفرمیباشد که باوجود اختلافات بسیاری که درنژاد وزبان وشرایط اجتماعی وسیاسی دارند این دنیای اسلام یك اتحاد معنوی زنده و فعالی دارد.

دردنیای بزرك اسلام دوفرقه بزرك سنی وشیعه موجوداست که نسبت یك بر سه میباشد گذشته از سلیقه وافق فکر وذوق واندیشه ومذاهب وعقاید مختلفه که از آثار وابنیه هریك از ملل جهان است مانند تفادت ابنیه قاهره یاقرطبه وهردو باایران وهرسه باسمرقند وهرچهار بادهلی وغیره یك تربیت مهذب مشترکی بین مسلمین است که مابه الاجتماع آنها میباشد.

بعبارت ساده‌تر اسلام چنان درعروق وشرائین پیروان خود جا گرفت ولطایف رقیقه معانی خود رادر اندرون قالب وجودی مسلمین ریخت که هیچ تجزیه و ترکیبی نتوانست درآن اثر کند برای مثال کافی است بگوئیم که **چهره پاك اسلام پس ازتشکیل دولتهای مسیحی از بین نرفت و ممالك مستقلی که روی خرابه های امپراطوری بنی امیه و بنی عباس وعثمانی بناشد هیچکدام لطمه باتحاد معنوی دنیای اسلام وارد نیاوردند بلکه این تحولات پی درپی تاریخی دراهمیت معنوی اسلام اثر میبخشید.**

اتحاد عرب که ازهفت کشور عربی بالغ بر ۶۰،۰۰۰،۰۰۰ عرب میشد درتکامل عادی پیشرفت اسلام میکوشید.

نهضت ترك که درنهایت قوت گرفته بود واز ۵۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر دردنیا برپا شد که ۳۴ملیون آن درروسیه وشمال ایران وترکستان چین زندگی میکنند بتکامل اسلام پرداختند.

ایران باداشتن ۲۲ ملیون نفوس و افغانستان با۱۲ ملیون سکنه براه تجدید ملیت افتاده‌اند

۹۷ ملیون مسلمان مسلمان هندوستان باصرار وتقاضای تشکیل پاکستان رادادندوعملی‌شد.

۹۰ ملیون مسلمانان اندونزی استقلال خودرا گرفتند وبرسیر تکامل دین پیش‌میروند.

زنجیر های مذهبی اسلام که ملتهای اسلام رابهم نزدیك میسازد هنوز خیلی قوی‌تر ازآن است که کسی بتواند آنرا ازهم بکسلد.

این زنجیرها در زندگی عمومی ملتهای اسلامی وهمچنین در زندگی خصوصی آنها یك‌حس اتحاد وسرنوشتی رامتضمن است که مللاروپا هرگز نشناخته و نخواهند شناخت.

درتحولات دو جنك اخیر **اتحاد معنوی اسلام روشن شد** وقتی خواستند ترکیه راتحت رقیت درآوردند دنیای اسلام بیزاری خودرا اعلام کرد ودر نهایت تاثرابراز تنفر نمودند.

درهندوستان مردم سخت متغیر شدند و نمایشات متعددی بوقوع پیوست جمعیت های مسلمین هند بدولت‌انگلستان سخت شکایت کردند.

جمهوریت‌های مسلمانان قفقاز پرزیدنت ویلسون رئیس جمهور امریکا شکایت کردند واز هم‌مذهبان خود دفاع کردند.

در این اواخر که سیاست مقتضی شد دولت یهودی تشکیل دهند مسلمین جهان سخت از اعمال یهود فلسطین برآشفته و تظاهراتی علیه یهود کردند و بدنیا اعلام تنفر از اجرای این حکومت نمودند.

تأیید اخلاقی که مسلمانان تمام کشور های اسلام بعرب های فلسطین بریاست حاجی امین الحسین مفتی بزرك اورشلیم برای جنك بر ضد یهود. در کشورشان نشان دادند ثابت میکند که اتحاد اخلاقی اسلام نه‌تنها مورد شکست نشد، بلکه اتحاد و وحدت ملی‌مسلمین یك حقیقت زنده وفعال است.

درباب مسئله کشمیر یکملیون امضاء بجامعه ملل متحد فرستادند و ملیونها تلگراف کردند که باید کشمیر که **دارای ۸۵٪ مسلمان است** بپاکستان ملحق‌شود. (۱)

جنگی که درآناطولی برای استقلال ترکیه بوقوع پیوست انعکاس عظیمی درکشور های‌مسلمان بخشید ونامه‌های تشویق وتأیید وتیرگیها ازاطراف باریدن گرفت واین خود جنك احساساتی بود که در تمام کشور های اسلامی برانگیخت این جنك حقیقی دفاعی ویك نمونه از اتحاد معنوی اسلامی بود.

---

۱ - تعدی فرانسویان بمراکش جامعه عرب راکه بیش‌از هفت‌کشور و۶۰ ملیون نفوس است علیه‌فرانسه برانگیخت وروابط خودرا باآن دولت قطع کردند.

ملت ایران- ترك - افغان - هند - پاکستان - افریقای جنوبی وشرقی - اندونزی و سایر ممالك اسلامی سخت برفرانسه حمله کردند و او را متجاوز و مهاجم شناختند وهم اکنون ادامه دارد.

موقعی که وهابی‌ها قبور ائمهٔ بقیع‌را خراب کردند- درایران وتمام ممالك تشیع تعطیل‌عمومی شد سال ۱۳۰۴ واعلان تنفر وانزجار ازوحشیگری یکدسته بدوی نمودند.

در روسیه سکنه مسلمان که از ۳۵ ملیون تجاوز میکرد ناظر ابقاء تمام علائق مذهبی شدند دیدند که تقریباً تمام‌مساجد آنها وعلمایشان تارومار شد.

بالاتر وبرتر وحساس‌تر ازهمه این است که بیش‌از ۳۵ سال است اتحاد جماهیر شوروی برضد اسلام ومسیحیت فعالیت میکند وجز نتایج کوچك داخلی کاری ازپیش نبرده‌اند.

مشاهدات در کریمه وقفقاز درمدت اشغال آلمانها نشان میدهد که سکنه مسلمان این نواحی بسیار علاقمند باسلام مانده‌اند.

تعلیمات اسلام یك‌حزب قوی مسلمان تربیت کرده که همه‌تقریباً بیك‌شکل درتمام کشور های اسلامی دیده میشوند

م . د . لروژ میگوید هیچ چیز بدین اسلام لطمه نزده است باوجود درهم شکسته شدن کادر های سیاسی سابق‌افریقا وآسیا که تصور میشد جزء لوازم بقاء وحدود آن است امروزهم بیك‌مسلمان مؤمن آن شخصیت دینی‌را که بالاتر ازهر گونه غلامی وزیر دست بودن است می‌بخشد و آن غرور نجیبانه‌را که حتی‌درژنده‌پوشان گدایان نیزدیده میشود باومیدهند.

علاوه برrابطه مذهبی که بین‌ملل اسلامی است وباتفکر ووجدان دریافته وتقویت میشود همین شباهت بین تیپ انسانی که اسلام ایجاد شده در حال حاضر بنظرما قوه محرك کافی برای وحدت اسلامی خواهد بود،

فتوحات

روزی مسلمانان برای نشر دین قیام کردند که دوامپراطوری بزرك از جنك های بدون انقطاع خارجی قوایشان تحلیل‌رفته وبواسطه ناامنی‌ها واغتشاشات داخلی ناتوان شده راه ضعف وانحطاط را می‌پیمودند.

کشور قسطنطنیه یا بیزانس که کنترل آن برروی جنوب اروپا وآسیای نزدیك وشمال افریقا ومصر واقیانوس اطلس محفوظ بود هنوز قدرت عظیم خودرا داشت.

وضع ایران هم که خراجگیر عالم‌بود بهتراز روم نبود آنجا بیشتراز قسطنطنیه‌بوسیله جنگهای تازه وکهنه قوایش‌را ازدست داده‌بود شکست سختی که امپراطور هراکلوس درتابستان ۶۲۷ دررشت پیشوای سابق باورسانید درفش خسرو پرویز قطعه قطعه شد وشورشهای سختی بدنبال آن پدیدآمد توانائی ساسانیان رابکلی ازبین برد.

ایران ازیك طرف دستخوش تهاجمات پی‌درپی خزرها ازطرف قفقاز وتر کهابود ازطرف باختر وازجانب دیگر جنگهای داخلی وهرج ومرج اورا پاره‌پاره کرده بود و نمیتوانست مقاومت سختی بآن‌ضربت ترسناك که قشون اسلام بآن‌زد نشان بدهند.

تاریخ بشریت ندیده است که بیش‌از یکمرتبه قوائی که ازحیث کمیت‌ضعف وازحیث کیفیت و فنی‌مادون‌خودباشند دراین‌حال‌حریفان قوی را که از حیث عده خیلی بیشتربودند شکست دهند.

درچنین مواردی علت اساسی وقطعی‌ظفررا باید درروح فداکاری - درتحقیر حطام دنیوی ودرآن ایمانی که کوهها را ازجابرمیکنند جستجو کرد.

در این حیات که روح وماده فائق آمده باید اعتراف کرد که قشون اسلام ازمظاهر قدس و وتقوی وایمان ترکیب یافته‌بوده است.

قشون اسلام ۳۰هزار نفر بود که باامپراطوری روم بجنك برخواست بنام خداوند بخشنده مهربان قیام کرد فرمانی که پیشوای اسلام بآنها داده بود این است؛

ای مجاهدین اسلام بشنوید و بکار بندید حیله و مکر نکنید ـ دروغ نگوئید ـ اطفال را نکشید ـ هنگامیکه باارتش دشمن در سرزمین خودش میجنگید اهالی صلح طلب آنجارا اذیت نکنید ـ مزارع راپایمال نکنید باغهای میوه را ازبین نبرید درختان خرمای را ازجای برنکنید

پیغمبر اسلام ص قبل از آنکه پیروزی این جنك رابه‌بیند رحلت کرد ولی پرورش یافته گان اسلام اداره جهانگیری اسلام را درخارج بعهده گرفتند و بفتوحات محیرالعقو شروع کردند.

تاریخ چندین مورد را نشان میدهد که فتح وظفر مربوط بتفوق اسلحه بوده است اما کمتر مثالی برای ماباقی گذارده که یك نظمی که بوسیله زور تنها تحمیل وتمدید شده باشد بتواند قابل دوام وبارور باشد.

این نظم وترتیب وزور مولود ایمان اسلامی است که بشکل یك زبردستی عالی سیاسی ظهور کرده وباارتش نیرومندی که روبرو شدند دیدند چگونه تشنه عدالت وآرامشی هستند ولذا نیروی اسلام قبل ازهمه چیز وعده صلح وسلامت فتح وظفر رامقرون بعدالت وآرامش عملی میدادند.

پس از رحلت پیشوای اسلام جنك بزرگی که دوره فتوحات عرب را آغاز کرد جنك سوریه ومصر مخصوصاً ازلحاظ روش‌های عربی قابل توجه بود.

درزمان پیغمبر اسلام اقوام وقبایل پیابانی خودرا بحدود دنیای رم ودنیای ایران رسانیدند و ازسستی ورخوت دودولت استفاده کامل کردند.

نفوذ آرام عرب درقرن ٤ منجر بتشکیل دوامارت عرب شد یکی امارت غسانیه درحوران ودیگر امارت لخمیه درساحل راست فرات که ازامپراطوری ایران شد.

دراین تهاجمات عرب درایالات سرحدی امپراطوریهای همسایه فتح وظفر بیشتر از نظر اقتصادی بصورت مذهبی بود ـ این نفوذ تدریجی بقدری عمیق بود که سوریه جنبه عربی پیدا کرد.

در سرحدات امپراطوری شرق مسلمین بعنوان آزاد کنندهٔ سرزمین ملی وارد شدند و بسخنرانی سردار وفرمانده ارتش اسلام خالد مردی که دارای احساسات آتشین بود که تکانی بمردم داده خالد گفت:»

خدا این سرزمین رابپدر ماابراهیم واولاد اوداده وما فرزندان ابراهیم هستیم شما باندازه کافی مالك کشور مابوده‌اید».

فتوحات غیاوزین در سال ٦٣٤ میلادی ویرموك ٦٣٦ میلادی برای مسلمانان سوریه تسلط بفلسطین وسوریه راتضمین کرد دمشق را درسال ٦٣٥ واورشلیم را در سال ٦٣٧ انیفوش را در سال ٦٣٨ فتح کردند.

مصرهم مانند روم وایران دستخوش هرج ومرج بود عمروعاص درسال ٦٤٠ مصررا گشود ونفوذ اسلام دراین سه جانب بسیار اثرعمیق بخشید وتمدن اسلامی رابجهانیان نشردادند.

مسلمین ازطرف ایران و روم و مصرو قسطنطنیه بامغرب ارتباط یافتند ودر افریقا وارو پاهم پیش رفتند .

فتح اسلامی مخصوصاً فتح افریقای شمالی واسپانی درقرن هشتم م مرکز ثقل زندگی اقتصادی مسلمین دنیارا تغییرداد.

مدیترانه غربی مسلمان شد امپراطوری فرانك که تجزیه داشت دیدروابط تجارتی دریائی او با مصر وسوریه قطع شد.

بیزانس بین بنادر غرب وشرق رفت وآمد بازرگانی می کرد وهنوز تجزیه قوی داشت ناپل کانت وآمالفی نیزهنوز تجزیه داشتند ولی منافع آنها مستلزم نزدیك شدن بمسلمین بود وبالاخره باهم- دستی آنها اعراب توانستند سیسیل را بگیرند.

درقرن ۹ میلادی ۲ ه که جنگها خاتمه یافت فعالیت اقتصادی ولایات مفتوحه اسلام دارای عظمتی شده وراههای تازه برای معاملات اسلامی باز کردند.

دراواخر قرن سوم هجری اسلام دنیائی راتشکیل میداد که دیگرسرحدی بین ملل مفتوح وجود نداشت مال التجاره ها آزادانه ازچین تاجبال پیرنه همه جا درممالك اسلامی جریان داشت.

زندگانی اقتصادی امپراطوری اسلام بسوی بغداد پایتخت و مرکز باشکوه اسلام که زیبائی آن تمام دنیای مکشوف آنوقت راخیره ساخته بود متوجه گردید.

دراین امپراطوری بود که کاروانهای آسیا جاده بزرگی که از رودو لگابه دریای بالتیك منتهی میشد هدایت میکند ومحصولات ممالك اسلامی بسوی افریقا و آسیا منشعب میشد باآنکه مسلمین رشته تجارت دستشان بود راه رابرمسیحیان نبستند وآنهارا بمراکزتجارتی وبنادرآزاد میگذاشته تا بامسلمین ارتباط پیدا کنند وقبول اسلام نمایند.

این اهمیت بازارتجارتی ورونق آن پس از اسلام بنفع ایتالیا تمام شد.

فتح مسلمین بانتایج اقتصادی خودسند یك تکامل قدیمی رامهر کرد وبست

باری درکشورهای اسلامی که تمدن راتمرکزوپرورش داد ازبغدادپایتخت عباسی واسپانی مصر امویه تمدن عرب برای فتح اروپا حرکت کرد وکشورهای اسلامی متمدن ترین کشورهای اروپا و آسیای میانه بود.

بغداد وقرطبه باشکوهترین شهرها شدند که ثروتهای دنیا وعلوم ودانش جهان وصنایع در کمال اعتلا وترقی پیشرفت کردند این دوشهرمرکز یك زندگانی معنوی پرهیجان وکانون نورانی متمدن بشمار میرفت که ازآنجاشکوفه های بی نظیر علوم وصنایع وادبیات دانشمندان وصنعتگران زوایای عالم را بخود جلب کرد.

باید ازروی انصاف گفت پنج قرن اولیه اسلام دوران مشعشع تاریخ بین المللی بوده است.

که بوسیله صفات عقلانی وصنعتی اعراب وایرانیان که پیش آهنگان تمدن اسلامی بودند در انقلاب اسلامی وعلاقه مذهبی شناخته میشود. علم ودانش - فلسفه وحکمت علوم وفنون صنایع وادب ازدومرکز اسلام بجهانیان ارزانی شد.

بتاریخ تمدن اسلام مراجعه شود جزئیات رشته های مختلف را که بصورت برق پیشرفت میکرد نشان میدهد.

مراکز اسلام اندلس کجاست - کلیه نواحی اسپانیا را که تحت استیلای مسلمانان واقع گردید اعراب اندلس نامیدند.

تصرف این نواحی دراواسط سده اول هجرت مطابق با اوایل قرن هفتم میلادی بوقوع پیوست
درسال ۷۱۱ طارق برحسب فرمان موسی بن نصیر فرمانده قشون اسلام درافریقای شمالی ازتنگه جبل عبور کرد ونام خودرا بدانجا بخشید که «جبل الطارق» گویند ـ طارق در راس افواج بربری خود بشبه جزیره اسپانیا هجوم برد وبفاصله کوتاهی که از چندماه تجاوز نمیکرد همه آنحدود را تصرف کردند این استیلا هشت قرن دوام داشت ـ «تاریخ اسپانیا پاریس سال ۱۹۳۸» این نیروی فاتح بیشتر بربرهای مراکش بودند وقشونی که اسپانیا رانگاهداشته ازقبایل سوریه بودند ـ ازهمین قرن اول اختلاط قومی بین اعراب و اهالی بدوی شبه جزیره آغاز گردید و ازدواج هـای مختلط خیلی شیوع یافت .

زن آخرین پادشاه وزیکت دودریك چون ازبین رفت پسرموسی بن نصیر سردارقشون عرب بااو ازدواج کرد پس ازآن ازدواجهای زیادی بین اشراف مسلمانان بازنهای عیسوی مذهب بوقوع پیوست این وصلت‌هـا در آینـده جنبـه عمومی بخود گرفـت چنـانچه عیسویان ویهود که میخواستند از عنوان جزیه خارج شوند ودارای مقاماتی درجامعه فاتحین گردند تغییرمذهب داده‌وهمه‌مسلمان‌شدند ورهین منت عدالت ووفاداری اعراب گردیدند .

ارنست رنان فرانسوی میگوید هیچگاه جهانگیران پیش‌ازاعراب عدم تعصب‌مذهبی وبردباری نسبت‌بمغلوبین نشان ندادند .

دراین آمیزش واختلاط کارهای کلیسا ورؤسای آن باتصویب خلیفه قرطبه بود زبان عربی زبان رسمی شدکه بین هزارنفریکنفریافت نمیشدکه بتواند بطورشایسته بزبان لاتین بدوست خود نامه ـ بنگارد کتابهاجمع آوری وتالیف وتدوین میشد اشعار وادبیات عرب رونق یافت نوشته جات وحکماء الهی مورد مطالعه قرارگرفت تمام عیسویان جوان زبان وادبیات عرب رافرا گرفتند وبزبان عربی هزاران اشخاص بودندکه بهتراز عرب تالیفات خود را برشته تحریردر آوردند

تمدن اسپانیای اسلامی باتمدن خلافت بغداد دریکزمان رشد ونمو کرد رشته‌های سیاسی بین شرق وغرب دربدوامر گسیخته شد.

اندلس فقط ٤٤ سال‌تـابع دمشق بود جدائی وتفکیك درموقع قیام خلفای عباسی بوقوع‌پیوست اما اسپانیا انقراض‌بنی‌امیه راقبول نکرد واستقلال اندلس ازجلوس عبدالرحمن نوه‌هشام که ازایذای خلفای عباسی جان بدربردند سلطنت قرطبه رادرسال ۷۶۶ م بدست‌آورد شروع میشود . تمدن‌اسلام وعرب دراسپانیا بسیارسریع‌وعمیق وبادوام‌بود دراندك‌زمانی کلیه شئون‌زندگانی عیسویان ویهودیان را تغییرداد ومملکت رابرنك یك کشوراسلامی درآورد.

هدایت مسلمین در ظرف یك قرن زمین‌های بـایر آنکشور را قابل زراعت ساخته شهرهـای خـالی از سکنه را معمور و آبـادان و یا بناهای باشکوه و ایجاد روابط تجـارتی باتمام ملل برقرار نمودند .

محصولات معادن و کارخانجات اسلحه سازی ـ حریر ـ ماهوت ـ چرم ـ قند بتمام افریقا و بشرق فرستادند .

(تمدن عرب‌دراسپانیا چاپ‌قاهره ۱۹۳۸) «کتاب‌ابوالفوارس چاپ پاریس ۱۸۶۶م »

جاده‌ها - پلها - مهمانخانه‌ها - بیمارستانها - مساجد مدارس دانشگاه بزرك درهمه‌جا ایجاد شد۱
اسلام مردم مسلمانرا ایشطور تربیت کرد که بزودی دریك مملکت دوردست وبیگانه ازهرچیزدر فلاحت . تجارت ، زراعت ، صنعت ، قدرت نفوذمعنوی ، سازمان اداری ، اجرای عدالت واحکام‌دین موفق شدند، کشت برنج ، توت ، موز، پسته ، خرما نیشکررا دراسپانیا وارد کردند گلها ، ریاحین سبزیجات که دراروپا سابقه نداشت منتشر کردند . معادنی که‌از زمان فیقیها وررومی‌هامتروك مانده بود مجدداً استخراج کردند وکانهای تازه بدست اعراب کشف واستخراج وسبب ترقی آنهاشد - معادن زیبق ، نزدیك‌المعدن ، یاقوت نزدیك مالاگاو نژادکامارس ودرسواحل کاتالنینس مروارید ودر سواحل اندلس مرجان صید میشد. ترقی روزافزونی دربهبودوضع عمل دباغی چرم ونسج‌پنبه‌و کتان و شاهدانه حاصل شد ، اشیاءِ چرمی ، یراق اسب و زینهای قرطبه ، حریر قرناطه تیغهای تکده در آسیا و اروپا و بلور سنك ، گوگرد ، نمك ، زعفران ، زنجبیل بسواحل افریقا و بنادر شرق می بردند .

مشعشع‌ترین دوره سلطنت وحکومت اسلامی درآسیا بود که دوره مسلمانان مملکت پرجمعیتی بود که ۸۰ شهر بزرك و۳۰۰ شهردرجه ۲و۳ یافت میشد .

مسلمین درامورسیاسی باهم متفق ومتحد بودند کلیه بنادر آن مملکت برای اعراب اسپانیا بازبودکارخانجات آنها قدری وسیع بود که امپراطوری اسلام‌همه لزآن بهره‌مند میشدند ۲
چیزیکه بیشترتمدن اسلام را دراندلس درخشان میسازد و اهمیتی مترقی مادی آنها میدهد روحانیت وعلمیت‌افراد برجسته مسلمان است که اسامی ابن‌رشد «ابوالفوارس» ابن‌هاجا . ابن‌طفیل ابن‌عربی . ابن‌حزم و غیره شواهد دامنه وسیع وعمق روشنفکران و مظهرافکار و اندیشه علمای اندلس میباشند.

مسجد بزرك قرطبه که درسال ۷۸۶ هجری ساخته شد طولش ۶۰۰ پا وعرض ۲۵۰ پا۲۹رواق درطول و۱۹ رواق درعرض دارد دراین رواقها ۱۰۹۳ ستون مرمری وجود دارد وآثار بناهای صنعت تولدو - القصر - اشبیله - الحمراءِ - غرناطه - شواهد موجود عظمت معماری و صنعت‌کاری زیبای مسلمانان میباشد ،

۴۷۰۰ لامپا این مسجدرا روشن میساخت و مصرف سالیانه روشن آن بنقل «م گاردن» ۲۰،۰۰۰ پوند بود همه ساله ۶۰ پوند عود و ۶۰ پوند عنبر برای معطر ساختن فضای مسجد مصرف میشد .

۲۵ درب که روی آنها ازبرنج پوشیده شده‌بود وساعت عجیبی درهشت مدخل این مسجدبود درب عمده آن ازورق طلا پوشیده شده بود دربالای مرتفع‌ترین گنبد ۳ توپ‌طلا که درروی آن یك انار ویك گل ازطلا قرار گرفته بود مشاهده میشد . ۵۰۰ سال این مسجد بااین عظمت که بوصف قلم نیاید مرکزدعوت‌اسلامی بود - همین‌ملل‌اروپائی قصرالحمراءرا که نظیرقرطبه بود خراب کردند وبجایش محل‌موزیك ساختند،

ساختمان‌مدینة‌الزهرا که میتوان آنرا قصرورسای بنی‌امیة‌نامید دردوره سلطنت عبدالرحمن بعمل‌آمد واین قصورابنام محبوبه‌اش زهرا بنا کرد شاهکاری ازمعماری مسلمین محسوب میشد ولی

---

۱ « تمدن عرب گوستاولوبون »

۲ «تاریخ افریقا واسپانیا درزمان استیلای‌عرب چاپ پاریس‌سال ۱۷۶۵م »

متاسفانهٔ امروزاثری ازآن نیست «م گاردن»

این نمونه‌ها رابرای آن آوردم که مسلمین امروزبدانند چه دوره‌هائی را داشته‌اند وعوامل ترقی وعظمت آنها ایمان بدین بود وسبب انحطاط آنهادوری ازدین وایمان است تمدن اسلام بیش ازآن است که بیك یاچندکتاب خاتمه یابد مااین نقاط حساس آنرا برای تحریك غیرت و جمعیت مسلمین معاصرانتخاب کردیم شاید ازخواب خرگوشی بیدار شوند و مجدد عظمت دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس رادرشرق وبنی‌امیه رادراسپانیا وتمدن اسلام رادرسیسیل وامپراطوری مصر ودوره فاطمین را درقرن ۵ وممالك سامانی وآل بویه یاممالك مقتدرترك سلجوقیان . خوارزم‌شاهیان. مغول ، تیموریان راکه روی خرابه‌های دولت عباسی برپا کردند وتمدن اسلام را بهندوستان و چین انتقال دادند و دولت اخیرعثمانی که سلاطین بزرگش نسبت بکلیه امورمعنوی مساعدت داشته یادآور شده بدانند تمام این دول که وارث وادامه دهنده عمل خلفای عباسی هستند .

کانون علوم اسلام

درخشانترین ستارگان آنعصردانشمندان وروشنفکران و علمای اسلامی هستند که ارتباط معنوی این کشورها همیشه بدست آنها بوده است چون تمدن اسلام دراروپا رونق گرفت درسال ۴۳۱ نستوریها مدرسه معروف خودرا درارسن تاسیس کردند تاسال ۴۸۹ اینمدرسه کانون مقرراتی بود که علوم یونانرا بشرق پراکنده کرد چون که اکنون اینمدرسه راخراب کرد علمای آنجا بایران پناهنده شدند وساسانیان آنهاراحمایت کردند ازطرف دیگرفلاسفه مکتب افلاطونی ومدارس اسکندریه که ازحیث معروفیت دست کمی ازمدرسه نامبرده درفرق نداشته رتستین پادشاه اغلاس رابسته بودباستادان مذکوردرایران ملحق شدند .

دانشمندان نامبرده مصنفات ارسطو. جالینوس ومولفین دیگریونانیرا بزبانهای شرقی«سیریاك کلدانس» ترجمه کردند ،

چون اسلام مانندبرق لامع درجهان پرتوافکن شد اعراب مسلمان توانستند هنگام فتح سوریه وایران قسمتی ازذخائرعلوم یونانی وارمنی‌راکه دردولت زمین مشرق سلاطین جاهل ومتعصب ازبین برده بودند بدست آوردند .

روایتهای سیریاك بعربی ترجمه شد. مصنفات فلسفی وعلمی مولفین یونانی که درزبانهای شرقی وجود نداشت وتوانستند زبانها را در موقع ازدست انهدام تادز وژوستین نجات دهند بادقت زیاد ترجمه شد .

المنصورخلیفه عباسی اولین شخصی بود که دارای جدیت درترجمه ومطالعه مولفین یونانی گردید خلفای دیگر محمد الهادی ـ هارون الرشید مامون ـ سرمشق اورا باجدیت و ثبات پیروی کردند .

ملت حمایت این پیشوایان برجسته درمدارس مملکت علاوه برعبادت وتفسیرقرآن کتب ارسطو جالینوس سقراط ارشمیدس اکلیدس ـ بطلمیوس ـ اپولیوس وتمام فلاسفه یونان ترجمه وتعلیم داده میشد . علوم یونان ورم از فرات تا افریقای شمالی وگالداکیسویر منتشر و بفرانسه و ایتالیا داخل شد .

۱. همبلت «چاپ پاریس سال ۱۹۴۶» میگوید اعراب بطورعجیبی برای واسطه نشرعلم شدن استعداد داشته آنان دارای یك فعالیت بی‌نظیری بودند که درتاریخ دنیا دوره متمایز را نشان میدهد

تمدن اسلام علوم قدیمه را ازاندراس وگمگشتگی نجات بخشید وآنهارا از قدما بتمدن جدیدی تحویل داد اومیگوید مسلمین دارای متخلیله حاصلخیز وکنجکاوی ادبی سیرنشدنی بودند که بصرف امانت دارای علوم یونانی وارمنی قناعت نکردند بلکه همینکه ازمرحله شاگردی وجمع آوری دانش گذشته شاگردانی بتربیت خوداستاد شدند .

مدرسه بغداد سنت تمدن یونانرا که مدارس اسکندریه وآتن ازبین برده بود تجدید کرد و روی کارآورد افکارقدیمه ازاکتشافات جدیدمعمور وعمیق گردید . اکتشافات مهم درکلیه شعب علوم دوام وترقی تمدن راتامین کردند .

سدیو صاحب تاریخ اعراب چاپ پاریس سال ۱۸۵٤ مینویسد اعراب در قرون وسطی یگانه نمایندگان تمدن میباشند وبربریتی راکه دراروپا منتشرشد و متهاجمات ملل شمال تزلزل کرده بود عقب بردند ،

۸۰۰ سال نورعلم ودانش بوسیله اعراب درسرتاسر اروپا تابیدن گرفت اعراب در یکدست شمشیر ودردست دیگرقرآن داشته وپس ازرحلت پیشوای خود بفتوحاتی دست زدند که قسمت اعظم آسیا وافریقا واسپانیا تحت استیلای آنان قرار گرفت .

دانشگاه بغداد شرق وغرب رامنور کرد ، قرطبه ، وتلد ، قاهره ، فارس . اصفهان ، سمرقند باهمت‌های خلفای عباسی همسری میکردند - این افتخارات مسلمین است که در جهان بشریت و کتاب مدنیت گذاشته‌اند وهیچکس نمیتواند این حقایق را انکار کند این تمدن منبع تمدن کنونی جهان شده است . ۱

این نویسنده مسلمان غربی که در سوئس زندگانی میکند در ضمن کتاب تمدن اسلام خود رشته‌های علوم اسلامی‌را موردسخن قرار داده وچون بعلم حقوق میرسد مینویسد تحصیل حقوق نزد مسلمین ازتحصیل فلسفه سبقت گرفت زیرا آنهامعتقد بقرآن بودند وقرآن تمام قواعدی که برای راهنمائی زندگی خصوصی بشروسازمان سیاسی تشکیلات اجتماعی لازم است همه رادارا میباشد . و کلیه احکام را تلویحاً بحث کرده .

اسلام تا در دوشهرمکه ومدینه حکومت داشت محتاج بعدلیه و دادگستری نبود ولی چون فتوحات دامنه داری پیش آمد قرآن که منبع کلیه قوانین بود منشاء قضاوت وحکومت شد وبرای اینکار تفسیروحدیث ومباحثات قضائی بااستقدلال منطقی فقهارونق گرفت افکارمبتنی برحکمت اللهی و استدلال منطقی وراهنمائی قرآن ونقشه شد .

اصولا حقوق اسلام منجمد و بسته نیست باتکاء اصول دست نخوردنی یك مجموعه مقننه الهی که کمك احـادیث آنرا معمور کرده راه وسیعی برای ایجاد دستگاههای وسیع دائمی قضائی گشوده است .

ملل اسلامی برای آنهائیکه قوانین خودرا بااحتیاجات یکدوره تکاملی و ترقی وفق دهند ابداً احتیاج ندارند قوانین ملل‌مختلف اروپا راکه بکلی خارج از محیط اخلاقی آنهاست استنساخ کنند یاتقلید نمایندحقوق اسلام وسایل تغییرات لازمه رابرای موسسات قضائی‌شان دردسترس همه گذارده است -

---

۱ (چهره‌های اسلام آقای حیدربامات فصل علوم مراجعه شود) ،

چهره‌های اسلام فصل علوم سیاسی واجتماعی وحقوق

ارتش اسلامی

درزمان پیغمبر ص مسلمانان همه بتربیت دین آراسته بودند و تربیت دینی چنین بود که یك مسلمان درمسجد عابد و دربازار کاسب ودرمیدان جنك مبارز وجنگجو ودرمدرسه مدرس وفقیه‌و درکار وصنعت‌نیز استادماهری بودواین فضایل کم کم تفرقه یافت ودرمهاجرت بمدینه ۳۱۳ نفرمسلمان همه دارای این صفت بودند تاجنگها شروع شد وپیغمبراسلام هیچوقت مهاجم نبود وبرخلاف آنچه گفته‌اند مسلمین بکسی هجوم وحمله نمیکردند مگر دفاع مینمودند در۸۴ جنك و سریه که زمان پیغمبرص‌رخ داد همه‌جا جنبه دفاعی‌داشت وهیچ کجادیده وشنیده نشد مهاجم باشند ودراین موضوع کتابی مستقل نوشته شده است .

درسال اول هجری مسلمین هفتادنفرنظامی داشتند که‌کارشان فقط نظام بود برای تربیت وتنظیم جمع‌آوری قشون وتقسیم غنائم واموال وتهیه سلاح وغیره سال دوم وسوم بیکهزاروپانصد نفررسیدند وسال نهم درغزوه تبوك سی‌هزارمردجنگی مسلمان مبارزبودند .

درزمان ابوبکرشماره‌آنها بپنجاه ویکهزارنفررسید درزمان بنی‌امیه بیکصدوچهل‌هزار نفربالغ شدچون امیرالمومنین علی‌بن‌ابیطالب برای دفاع‌معاویه برخواست معاویه ۱۲۰هزارنفرقشون آراست وعلی (ع) نودهزارنفر وبشرحی که درکتاب‌امیرالمومنین ع نوشتیم تلفات سپاهیان علی یکسوم‌تلفات سپاهیان معاویه بود وفتح وظفرهم باآنهاشد که بحیله‌داستان‌حکمین‌را پیش‌آوردند .

بنی‌عباس که بجنك هرقل رفتند ۱۳۵ یکصدوسی‌وپنجهزارنفرسپاهی داشتند درسال۳۲۳ قشون اسلام بچهارصدهزارنفربالغ شد بشرحی که ابن‌خلدون نوشته است و درسالهای بعدجمعیت سپاهی مسلمین بنهصدهزارنفر درمصررسید وروزافزون همه‌جا قدرت مسلمین نمایان بود ،

نهضت مسلمین درجهان

مسلمین جهان که ازچهارملیون نفردرقرن ششم تجاوز میکردند و۴۴ کشور بزرك کـه بیش‌از ۴۰ ملیون کیلومترمربع‌اراضی پهناوردنیاارازیرحکومت خویش اداره میکردند وپرچم توحید رابرفراز همه پست وبلندیهای جهان در اهتزاز داشتند دراثر آمیزش باملل غربی اروپا وترسایان کلیساها نسل دیگری بوجود آوردند که ازتربیت دینی دورشده بودند وهمین اختلاط وامتزاج خونی واخلاقی ملل اسلامیرا بانحطاط واضمحلال دولت امپراطوری اسلام انداخت .

قریب سه قرن تحت‌تاثیر دشمنان سرسخت خود مسیحیان واقع شده وقدرت و دولت و ثروت وتمدن خودرا ازدست دادند ودرسراشیبی انحطاط رفتند تایکقرن بیش که ناگهان افرادی فکور و دانشمند مردانی غیور وجسور دراندیشه سرانحطاط فرورفته وبرای نهضتی اجتماعی وایجاد وحدت قیام کردند .

تاریخ‌گذشته‌را دیدید که تمدن ـ علم ـ ثروت ـ کتب ـ ذخائر ـ نفایس ـ عمارات ابنیه وقصوربی‌ماندی راه‌ـلمین باروپائیان مسیحی برایگان بخشیده وبجای آن همان عواملی که ملل اروپائی درقرون وسطی‌داشت پیش‌گرفته‌اند ـ عشرت ـ خوش‌گذرانی

بی‌قیدی - تن پروری - اعمال شهوات - بیحالی - جهالت - ناتوانی بیشه آنها شد

حس غیرت آنها را برانگیخت که باید وحدت اسلامی تجدید شود. نغمه‌های اتحاد اسلام وحدت اسلام - ایجاد خلافت مسلمین و انواع این کلمات ومعانی گفته شد وکتب و مجلات و رسائل و سخنرانیهای مهیج وتظاهرات اجتماعی برای بدست آوردن این شخصیت حقوقی بروزداده شد اما دشمن دیرینه بکار تقویت ریشه فساد و غرش تخم نفاق و برانگیختن حس تعصب‌های ملی جاهلانه و تحریکات سیاسی برای ایجاد حکومتهای ناجوانمردانه شروع کردند چنانکه در ایران، ترکیه، طرابلس. مراکش، تونس؛ مصر، هندوستان وغیره بانواع حیل و وسایل متشبث شده وملت را از از دولت وهندوراز همسایه‌های خود بدبین‌وبدخواه جلوه میدادند. جنگهای سنی، شیعی، وهابی بابی؛ بهائی. بوجودآوردن مهدیهامدعی امامت درشرق‌اقصی‌همه میوه افکارپلید دشمنان‌دین‌اسلام بود که مسلمین را ازهم جدا سازند و بموجب ضرب‌المثل خود (فرق تسد) بر آنها تفرقه انداخته حکومت کنند واموال وذخائرشانرا بتاراج ببرند وبجای آن رذایل اخلاقی از راه سینماها و نمایشات شهوات بگذارند.

مسلمین درقرن گذشته بیدار شدند تمام کشورهای مستقل اسلامی ونیمه مستقل یاممالك غیر اسلامی که تعداد مسلمین آن ۱-۵ مردم جهان داده بود جنبش کردند البته تمدن اسلام که درظرف ۸۰ سال بدنیا ارزانی ورایگان داده شد و ۵ قرن براساس آئین آن حکومت داشته ۵ قرن درحال خمود وجمود مانده بود یکدفعه ممکن نیست آن اعتلا ورقاء خودرا بدست آورد قرنها بااین وضع کنونی دنیا فرصت لازم دارد.

مسلمین درجنبش خودمتوجه شدند که درتمام این قرون متمادی اسلامی‌اگرچه ممالك‌اسلامی مضمحل شده اگرچه تمدن خودرا با اموال و ذخائر علمی وقیمتی ازدست داد ولی معنویت اسلام همچنان باقی وبرقراراست.

مسلمین حس کردند که‌اسلام درحدخود هیچگونه خدشه ومصیبتی ندیده زیرا اگرازافقی‌محو شده درافق دیگرمانندخورشید تابان طلوع کرده واین‌ازحقیقت دین است درهمان اوقات که ممالك اسلامی ازاندلس‌باآن عظمت ازدست میرفت در بومیهای جزایر آقیانوسیه وسرخ پوستان هندی و سیاهان افریقای جنوبی و شرق اقصی از راه فضیلت اخلاقی رخنه‌کرده و مانند آب تمام جوانب خود را میگرفت.

روح اسلام که روح اصلاح مفاسد اخلاقی بود دررك وریشه عالم اسلامی سخت جنبیدن گرفته وآنرا پی‌در پی پیش میبرد.

درخلال تاریخ خواندیم که یك افریقائی برهنه بومی سیاه بدشمن حمله کرد چون فائق‌آمد سراورا برید درآتش کباب کرد وخورد همان مردم چون اسلام رادیدند لباس پوشیده منظم شده در مساجد و مدارس مانند یك آدم حسابی تشکیل جامعه دادند این حقایق تاریخی مسلمین را برای دعوت باتحاداجتماعی برانگیخت وحس وحدت ملی راتحریك وبیدارنمود.

جامعه مسلمین یعنی پیکری که بمفهوم کلی وتمام معنی عبارت ازاحساس‌اتحاد عمومی واتحاد رشته‌پیوستگی ناگسستنی است که میتواند تمام این مردم متفرق رامانند صدراسلام بایك مابه‌الاجتماع معنوی که توحید ونبوت است بهم بپیوندد وبیخ وبن این اجتماع رابراساس عقیده و ایمان کامل اسلام

مجرد وبی پیرایه استوارسازد تاهمه این ملل مختلف واین مردم گوناگون در نژاد وآداب و رسوم و آب وهوامحیط وزمان ومکان باهمان‌مابه‌الاجتماع اساسی درحزن والم درعیش‌وسرور یکدیگرشرکت داشته باشند شرکت بتمام معنی که حمایت کنند ودرامریکدیگرمانند دوبرادر باهم اهمام داشته وحقوق برادری رامتبادلا وفاوادانمایند ،

درصدراسلام این بذراتحاد واتفاق بدست پیغمبراکرم‌ص در آئین دل مسلمین افکنده شد و باخون‌شهدای اسلام‌آبیاری گردیدمخصوصاخون پاك حضرت‌حسین‌بن‌علی‌ع وياوران او كه درتربیت‌و رشد این اصل و ریشه و شاخ و برك اثری عمیق بجا گذاشت واز همان‌وقت باطراف دنیا شاخه دوانید و تادرخت سرسبز وخرم شد ـ وشاخ وبرك آن بآسمان سربرکشید وباروركشته و میوه بی‌حساب بداد .

۱۳ قرن اسلام خود خود پیش‌رفت ودرزمین قلوب بشر جایگاه محکمی گرفت واز یکنفر به ۶۵۰ ملیون نفر رسیده است و دراینمدت هیچ‌حادثه وباران بلا و آفتی نتوانست باصل دین خللی وارد سازد .

هرچه برعمردین اسلام گذشت ومیگذرد اررش اجتماعی واثرات مفید آن روشن‌ترمیگردد. شدت علاقه علما ودانشمندان جهان برآن بیشترمیشود و برعظمت واحترام پیروان آن می‌افزاید ـ اسلام این نیت‌که ما داریم و مملکت اسلامی محدود بکشور مانیست نگاهی بدنیای اسلام و آثار مسلمین بنمائید .

خوانندگان عزیزبین‌خود وخداقضاوت کنید جامعه مسیحبن جامعه یهود، جامعهٔ هند ، جامعه کفسیوس ، با جامعه هنود جامعه های مادی ملل اروپا بسنجید ببینید چه از فضایل اخلاقی چه ازعلم ودانش‌که پرتو قرآن است چه ازطهارت وپاکیزگی که ملازم نهائی پنجگانه مسلمین است‌چه ازصفای باطن که ملازمه روزه یکماهه رمضان است چه ازاموراجتماعی که ملازمه عدالت اقتصادی و قضائی و احکام است تاچه اندازه فاصله دربین این ملت وسایرملل دنیاست .

این جنك وپیکار که درمیان مسلمین دراثرکینه‌توزی دشمنان است وگرنه مسلمانان باهم‌جنك وستیز وکینه وخصومت حتی‌ظن برندارند .

بگذارمسلمین بحال خود باقی بماند ببینید چگونه بزودی برتمام دنیا تسلط خواهد یافت ـ همانطورکه پنج‌قرن دنیارا راداره میکردند . مسلمان همان کسی‌است که درمیدان درموقع‌جاندادن بازخمهای فراوان‌چون آب باومیدهندمیگوید آن رفیقم ازمن تشنه‌تر بود باوحواله میکندواین‌حواله تاده دست پیش‌میرود آخرالامرهمه تشنه فدای اسلام میشوند .

مسلمان آنکسی است‌که چون برای اوهدیه فرستادند باکمال گرسنگی خود و عیالش تحمل کرد وگفت‌آن همسایه ازمن‌احتیاجش بیشتراست چنددست وخانه‌گشت تاباز باولی بازگشت نمود برای صفات فاضله مسلمین ومزایای اخلاقی آنهاکتب فراوان نوشته‌شده‌مانندکتب اسلام ایکاش این کتب بزبانهای‌خارجی‌ترجمه‌میشد مسلمانان بدنیا معرفی میشدند .

آئین اسلام افراد ملت‌وجوامع اسلامی‌را مانند دانه‌های تسبیح بهم‌پیوسته وبآنها یك حس‌دینی ویکروح اسلامی بخشیده که چون بیداربا‌شد راهنمای بشربسعادت وخوشبختی‌است مسلمین باهمین سجایای نفسانی‌ممالك وشهرهای بیشماری‌بدست آوردند وممالك بزرگی تسخیر کردند باهمین‌صفات فاضله‌کشورهای بزرك را ازچنگال مسیحي وبرهمائي بیرون کشیدند وچون درهند پای برجا شدند

تاجزایرجاوه وسوماترا دراقیانوسیه پیش رفتند وآئین برهما را نیزمنسوخ کردند و این دوجزیره بزرك بنای مسلمین است که مسلمین آنجاراساختند ۱

مسلمین شهرهای تاریخی اندلس وجزایراقیانوسیه همه مسلمان ، موحد ، باایمان ـ بافضیلت بودند ـ دولت اسلامی که مضمحل شد مسلمین مضمحل نشدند ، دست ازعقیده و ایمان پاك خود برنداشته بلکه شروع بدعوت کردند ومردم جهانرا بدین آئین پاك خواندند ـ حج وخلافت آنروز تنهادوپایه اتحاداسلامی بود که امروزخلافت آن ازبین رفت فقط حج برقراراست وآنرابمنزلـه یك کنگره اسلامی باید معرفی کرد .

اهمیت حج‌وخلافت درگذشته خیلی بیشترازامروزبود وبرخی ازبزرگان ممالك اسلامی‌امروز هم معتقدندکه خلافت تنهاوسیله اتحاد اسلامی است ـ ولی آیااین خلافت درمیان کدام یکی‌ازملل ایرانی ـ ترك ـ عرب ـ هندی ـ افغانی ـ سیاه افریقـا ـ مسلمانان اروپائی یاامریکائی بایدصورت بگیرد مورد اختلاف است .

پیدایش حکومت وهابی ، تصرف‌الجزایر بدست فرانسویها ، استیلاء روسی برقفقاز انگلیس برهند وسواحل خلیج‌فارس ، ایتالیا برطرابلس وغیره‌همه نقشه خائنانه دشمنان بودکه خلافت‌عثمانی رامضمحل کردند وممالك آنرابصورت مستعمره تصرف نمودند وشورشهائی مانند شورش مهدی در افریقا وشرق اقصی . بابی وبهائی درایران . سنی وشیعی درعراق وهابی مذاهب اربعه در حجاز و غیره برپاکردند وفرهنك فاسدی مشحون بررقص وشهوات الفاظ توخالی و پوك درعین‌حال زیبا و شیرین بنام تمدن در ممالك اسلامی بجاگذاشته بت‌پرستی که سالها مسلمین بپیروی پیشوای‌خود و امرقرآن باآن‌مبارزه میکردندبصورت‌قدردانی‌دایروه‌مجسمه‌ها برمیدانها نصب کردندومسلمانرا ازمعانی رقیق دین بازداشته غافل‌بودند که اسلام هدایت خود شایسته هراصلاحی‌استوآزادی‌آن‌بزرگترین منجی عالم بشری بوده ومبارزه بادوفتح ندارد .

نویسنده یقین دارد که چندصباحی‌کاخ تمدن مادی ملل اروپا دیگرمهلت ندارد وباید میدان را برای مسلمین خالی کند یااسلام را ازجان ودل قبول کند زیرا رفتارمنظم و معتدل جزدر اسلام دیده نمیشود وباید روش دینی مسلمین منطبق بااصل برنامه دینی‌شود تارقاءِ ملی ورشد عقلی‌واتحاد معنوی خودرابدست آورد،

دشمن هم دیگرتیرش بسنك خورده ونمیتواند قدمی مثبت بردارد آنها باید مانند اقوام عادو ثمود وفراعنه وقیاصره مضمحل شوند .

در قرن اخیر بودکه سید جمال‌الدین اسدآبادی از ایران برخواست و در شرق مردم را دعوت بوحدت اسلامی کرد و در اروپـا سخنرانی های مهیج نموده و حس اتحـاد مسلمین را بیدار کرد .

دردنباله اوشیخ محمدعبده وکواکبی وسنوسی درافریقا وخاندان او که بیش‌از هشتادبلـکه صدسال در افریقـا حکومت معنوی داشته وپشت هـر مستعمره طـلب را میلرزانیـدند و سیـاهی مسیحیت و بت پرستی را در بـرابـر آفتـاب اسلام محـو و نابود میکردند .

۱ـ عـالم نو اسلام ج ۱ ص ۳۲۰

درهمین اوقات تاتارهای روسی که از دست مسیحیت بتنگ آمده بودند باسلام گرویدند نهضت مسلمین درفنلاند درچین درژاپن درهمین قرن ۱۳ هجری و۱۹میلادی شروع شد وشهرت یعقوب بك پیشوای مسلمین چینی درجهان طنین انداز گردید سلطان عثمانی بشجاعت وهوشیاری ولیاقت و کاردانی او آفرین گفت .

نهضت مسلمین درژاپن بدست شیخ عبدالحسن آغاز گردید والحق خدمتی بزرك باسلام وملت ژاپن کرده‌همین جنبش درهندشروع شد و مسلمین از صدملیون تجاوز کرد تابالاخره پاکستان مملکت مستقل تمام رسمی اسلامی شد .

نهضت مسلمین درهند وهند پدیدار گردید ودولتهای غربی استعماری رامستاصل کرد چاره ندیدند جز آنکه مسلمین را ازنظردیانت آزاد بگذارند تادولت مستقل بزرك اندونزی بوجودآمد این نهضتهای بزرك که سبب استقلال ممالك اسلامی‌شد حس اتحاد رابیدار کردومسلمین رادعوت بوحدت اسلامی نمود که یکدل ویکزبان دست‌بدست هم داده رشته اتحاد و برادریرا محکم سازند تابدفاع اززندگی و حسیات خود توانا‌شوند وبتوانند خودرا ازچنگال مرك خلاصی ببخشند. باید این وحدت بوجودآید و حداقل ۳۵ ملیون مسلمانان چین و۳۵ ملیون مسلمانان روسیه بپیکر جامعه اسلامی ملحق شوند وسرنوشت خودرا بدست خود بگیرند .

نهضتها پس‌ازجنك اخیر دنباله نغمه آغازووحدت درتمام ممالك اسلامی بوجود آمد ملت ترك استقلال بتمام وحاکمیت مطلقه خود را گرفت و ایران برهبری علماء بزرك دست غاصب شرکت نفط را که در تمام شئون زندگی ایرانی مداخله مینمود کوتاه کرد - مصری‌ها کانال سوئز را پس گرفتند .

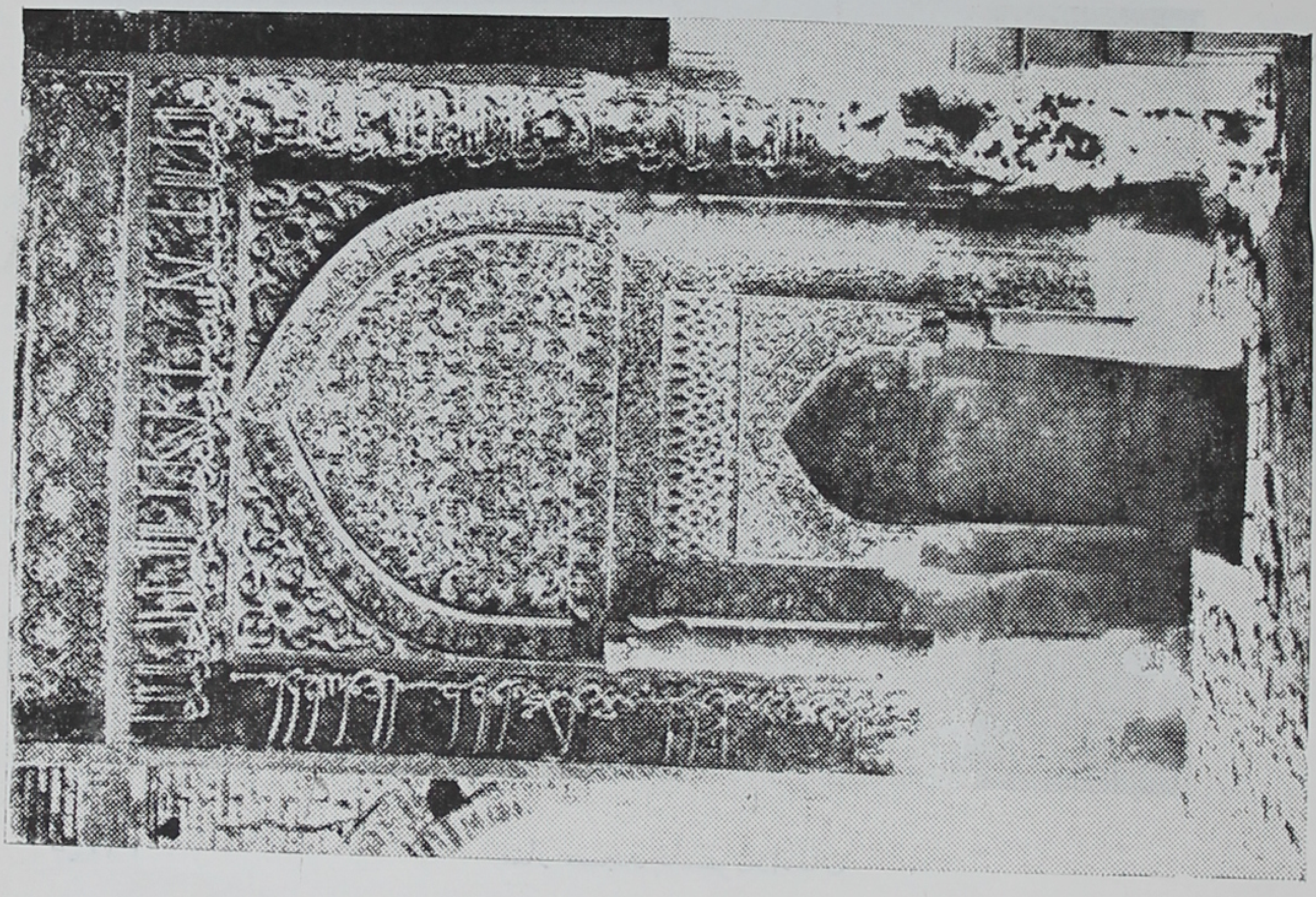
اتحاد وروابط فرهنگی وتجارتی واقتصادی وورزشی بین مسلمین شروع وتقویت شد رادیوهای جهان وتلاوت کلام‌الله مجید درتمام فرستنده‌های اسلامی وغیراسلامی بشرخردمند رابقرآن و حقیقت اسلام رهبری کرد .

مسلمانان ازممالك اسلامی ازملل اسلامی ازنژادهای مسلمان‌ازاوضاع واحوال برادران‌خود مطلع وواقف گشته این تطورات اجتماعی وتحولات سیاسی برای ممالك اسلامی ازجهت نژاد و ملل ترك ، عرب ، هند ، ایرانی ، مصری ، عراقی ، حجازی ، شامی یکروح جوانی در مردم مسلمان ایجاد کرده آتش انقلاب بهر طرف جست طوفان حوادث کشورهای اسلامی مستعمره طلبان را برخود لرزانید.

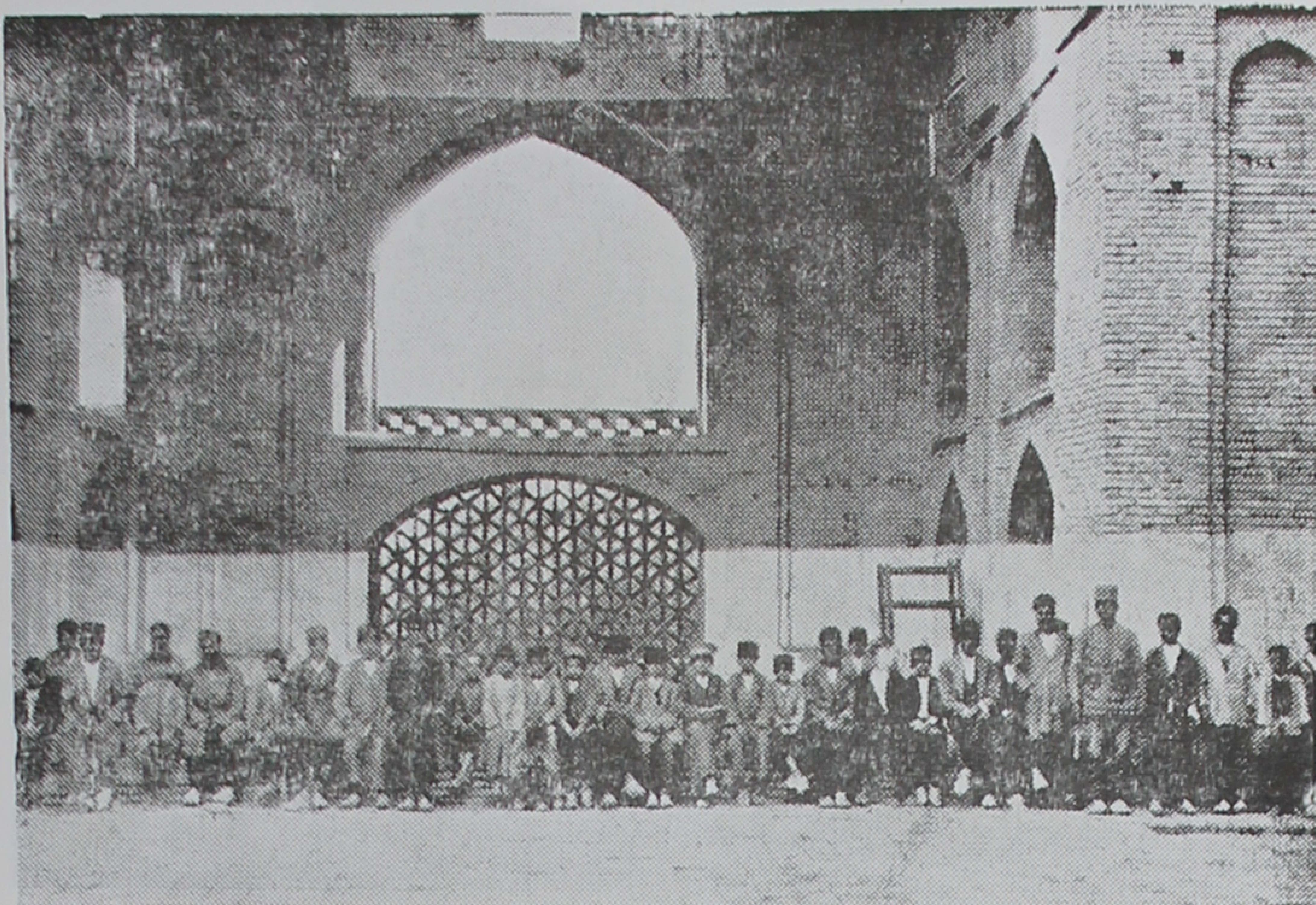
این مردم مسلمان بقایای عناصر واجزاء همان امپراطوری پهناور اسلامی بودکه بذرعقیده و ایمان درقلوب آنهامحفوظ مانده بود وبایك حس و حرکت قسری بیدار شدند وبرخود آمدند - اگرچه مدتی بانحطاط وخواب خرگوشی رفته بودند ولی ناگهان برخودآمدند حس کردند قافله تمدن گذشته وآنهاباتمام وسایلی که دراختیار دارند بخواب بود عقب افتادند چون بیدارشدندددیدند چگونه ملل غرب برآنها انواع جوروستم را روداشته ایتالیا راطرابلس راتصرف کرده بادول دیگر براضمحلال دولت عثمانی که روس وانگلیس ازبیم آن برخود میلرزیدند میگذشته ، نصرانیان دول بالکان راتصرف کرده‌اند ،



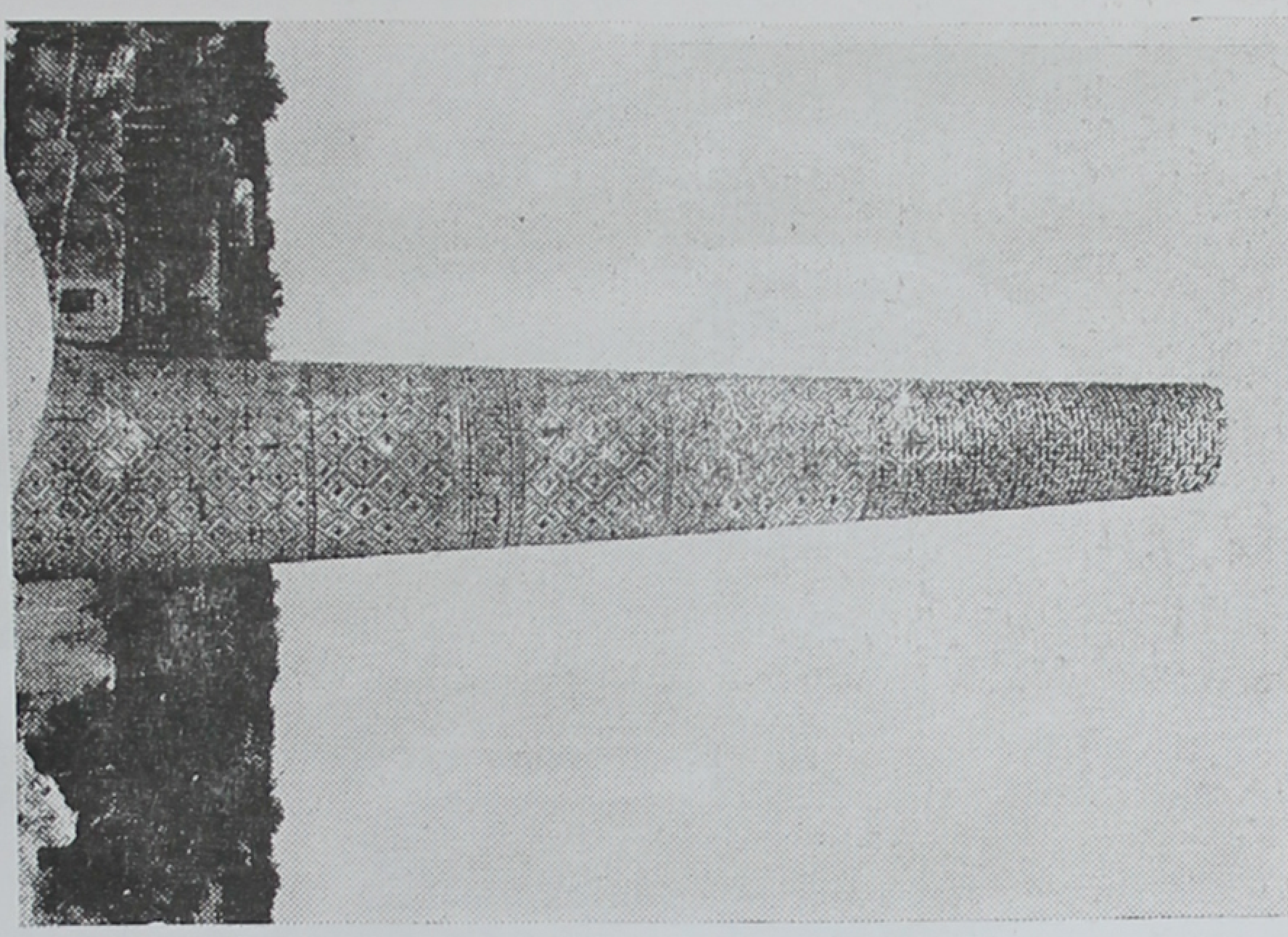
ش١٦٤ ۱ ـ فلکه استان‌قدس رضوی که‌بر‌محور گنبدطلائی دورمیزند
۲ ـ صحن‌ایون طلاکه فرودگاه عواطف مسلمین‌است



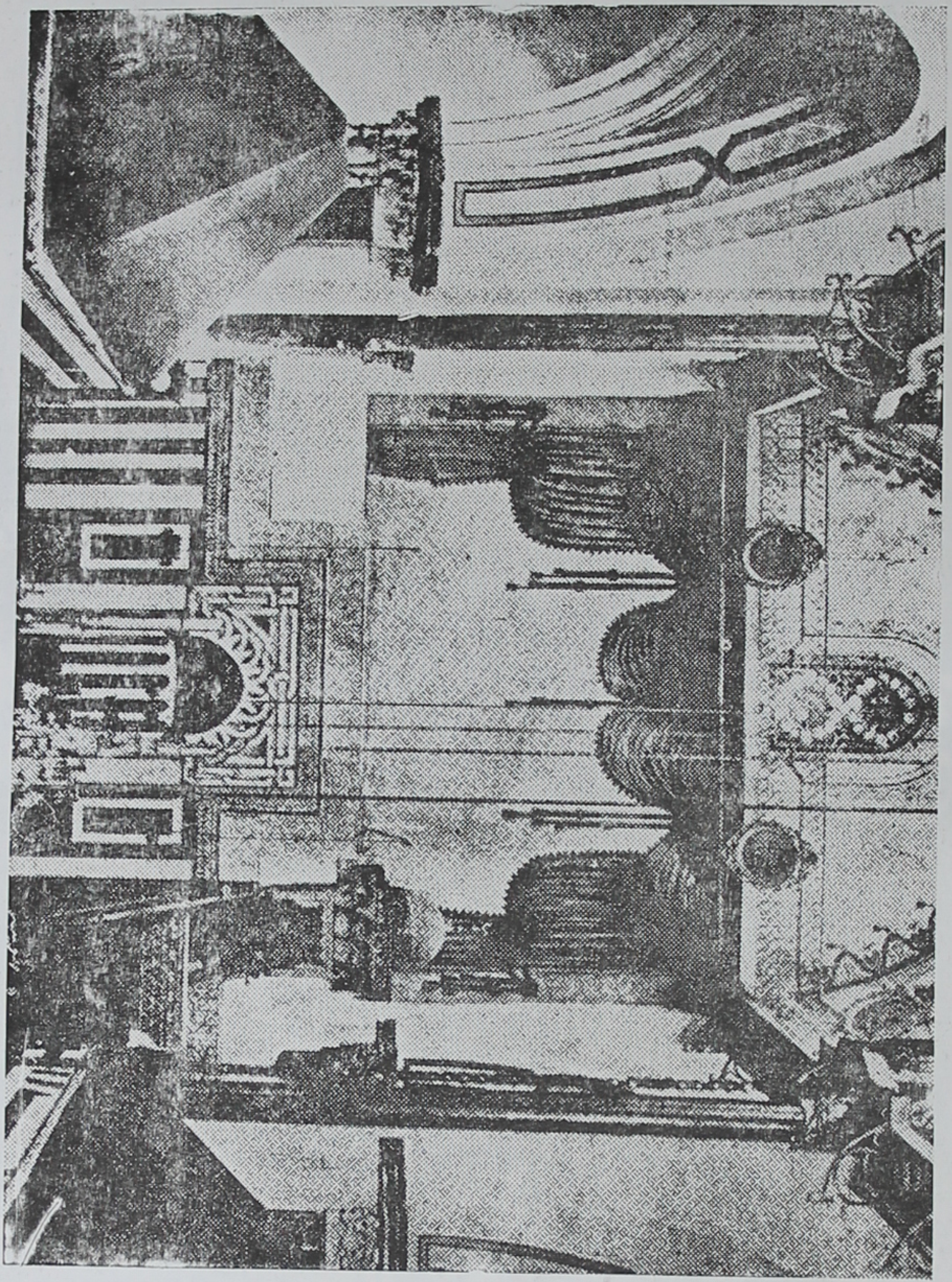
ش١٦٥ مسجدجامع اصفهان



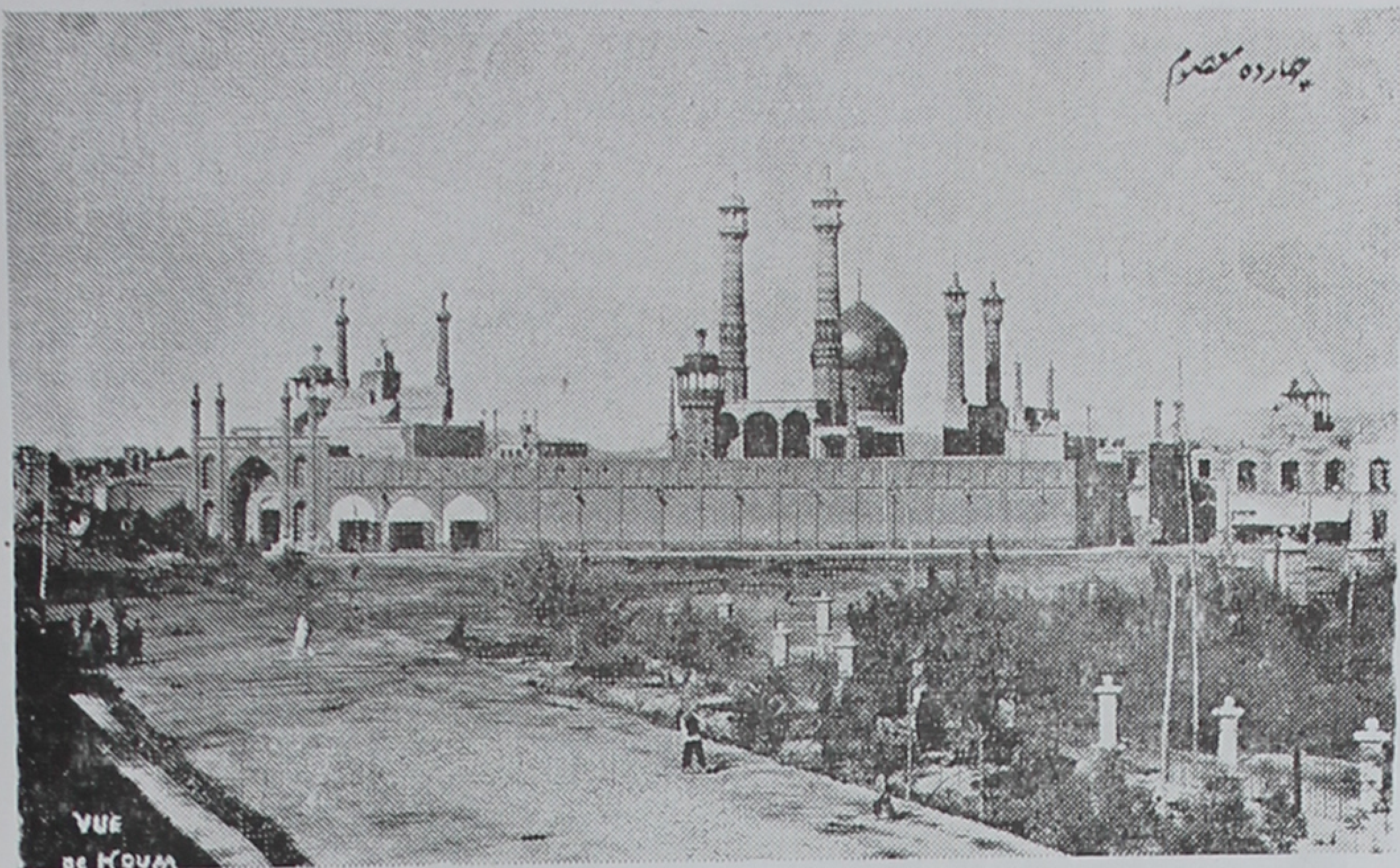
ش ۱۶۶ مسجد و مدرسه اردستان



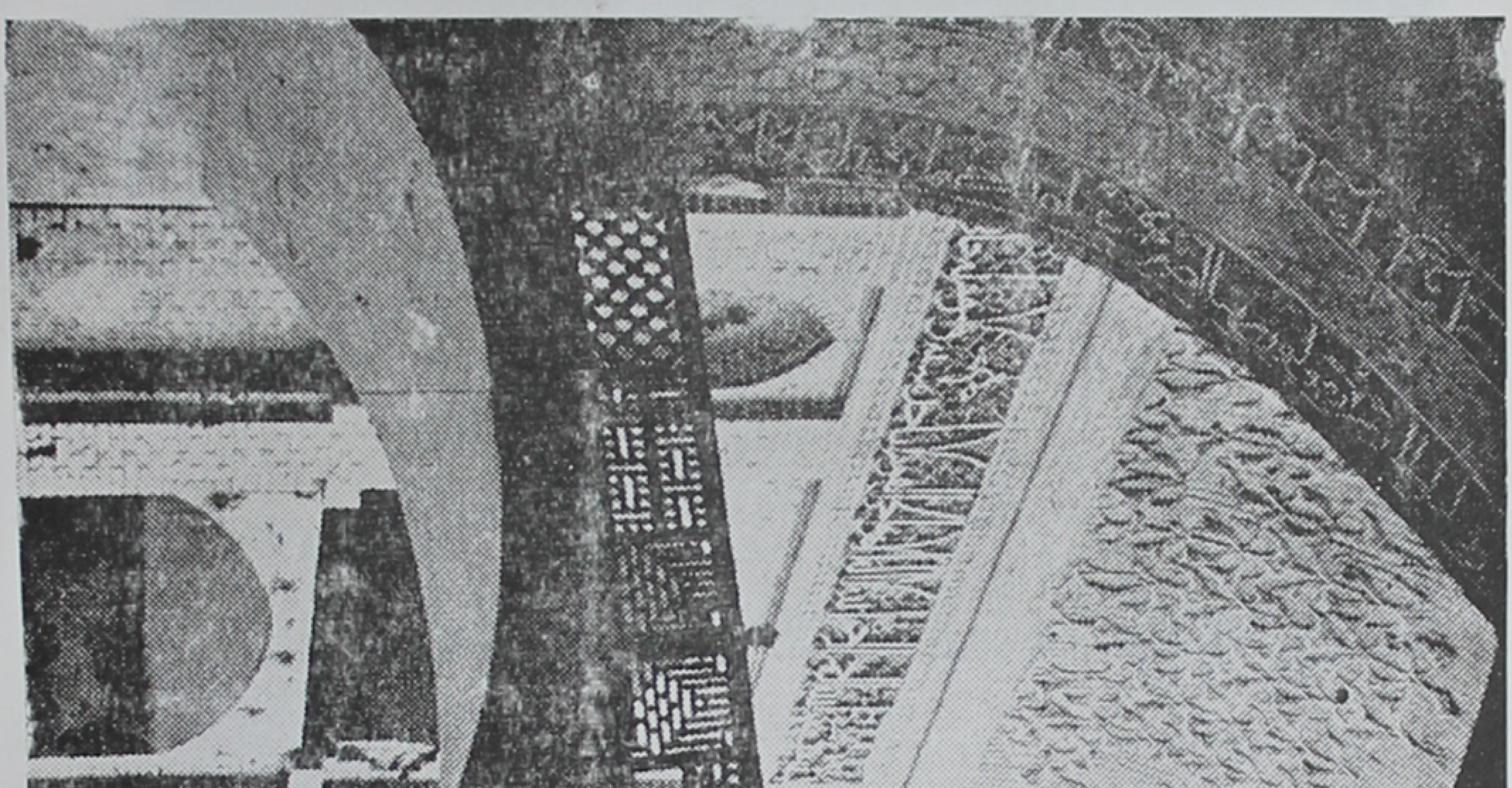
ش ۱۶۷ منار مسجد چلستون داماغان



ش۱٦۸ مزار قبر اسحق



ش۱۶۹ قم



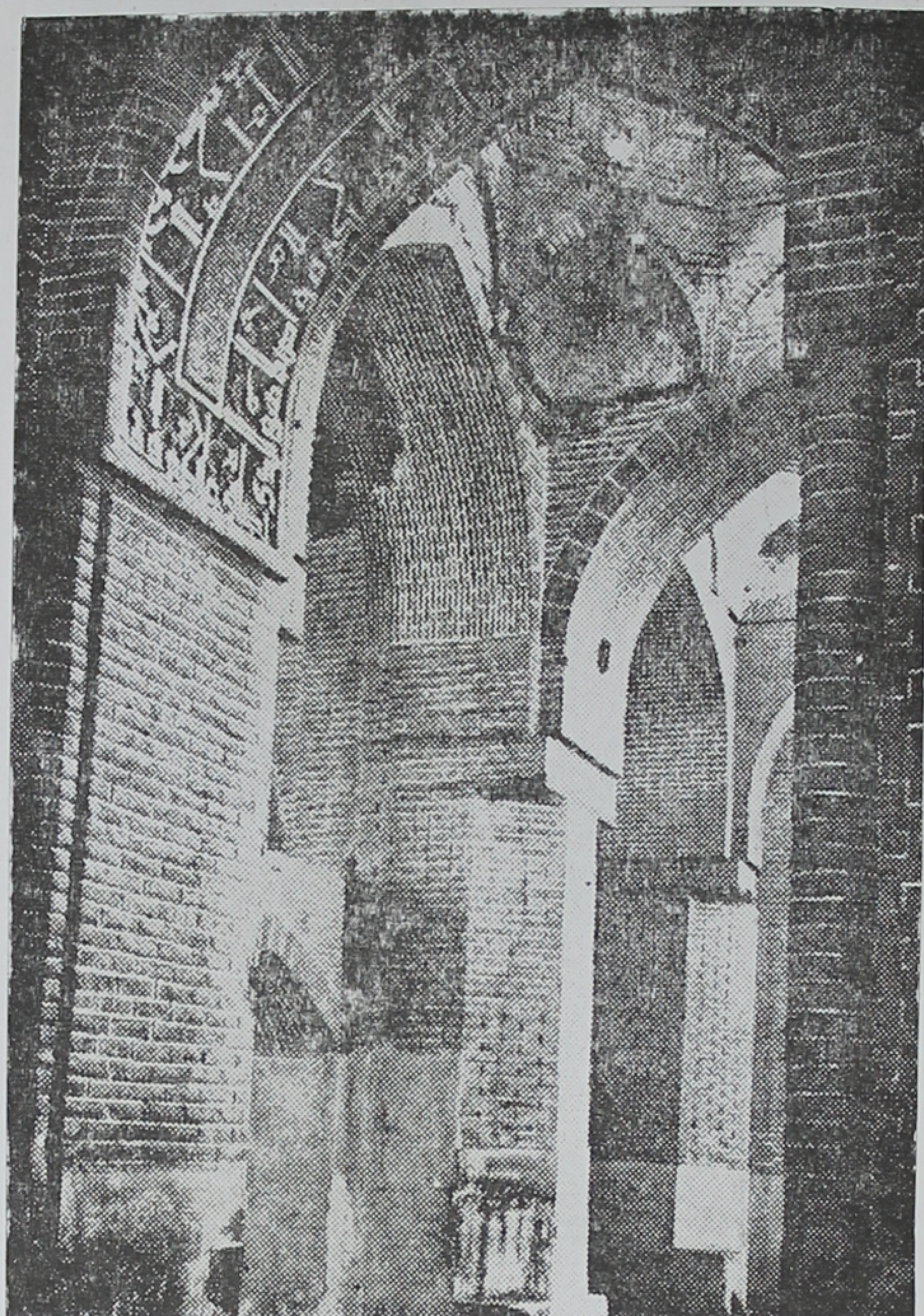
ش۱۷۰ مسجدالرقو



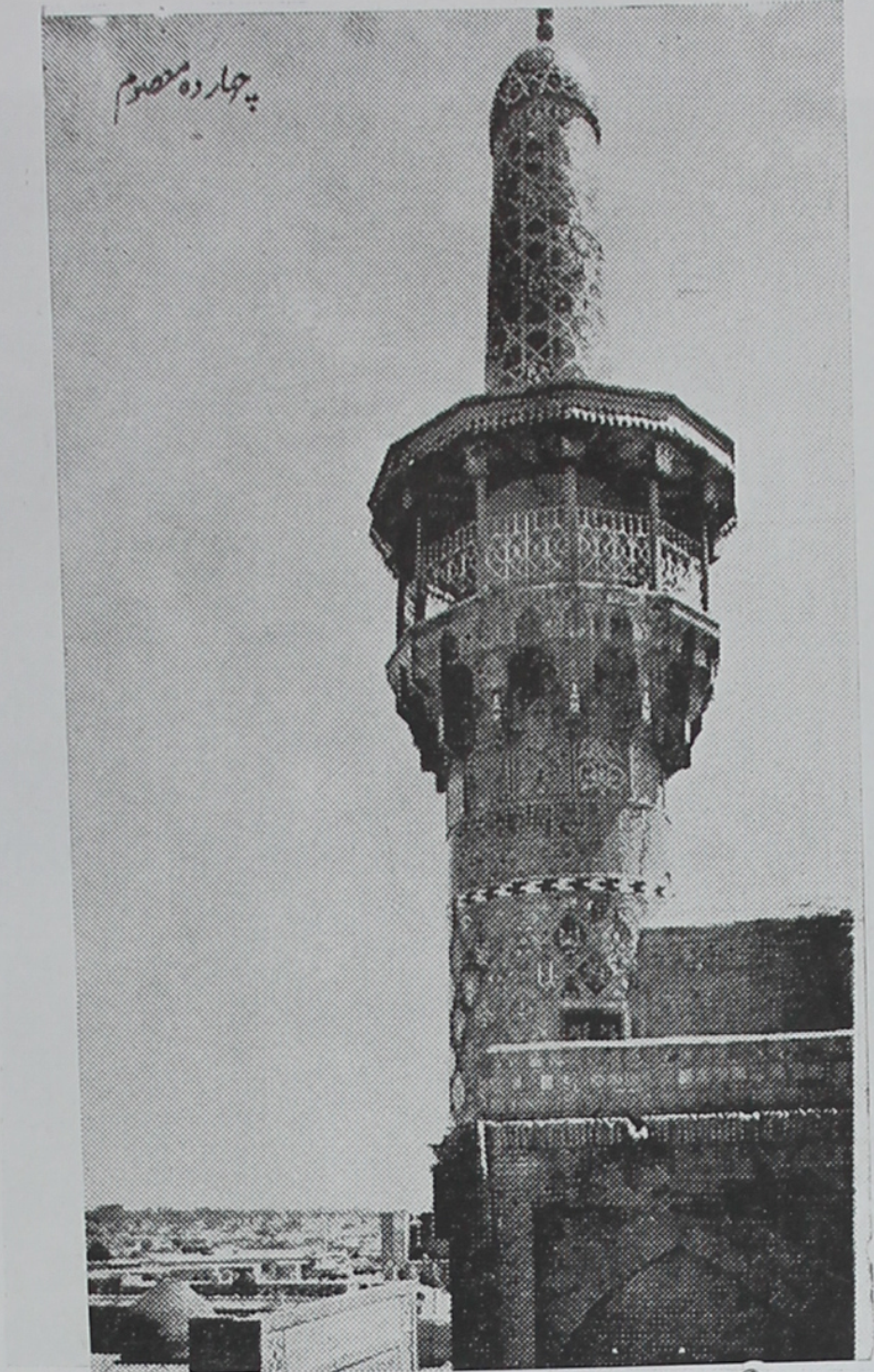
ش ۱۷۱ مسجد جدید ومجلل کاردیف وراه انداختن هیئت عزاداری بطرز شرق دریک بندر انگلستان



ش ۱۷۲ الله اکبر کلمه‌ایست که هر مسلمان در عبادت . تعب . غضب . شادی گوید
فدائیان کشمیر در جنگ علیه هندوستان



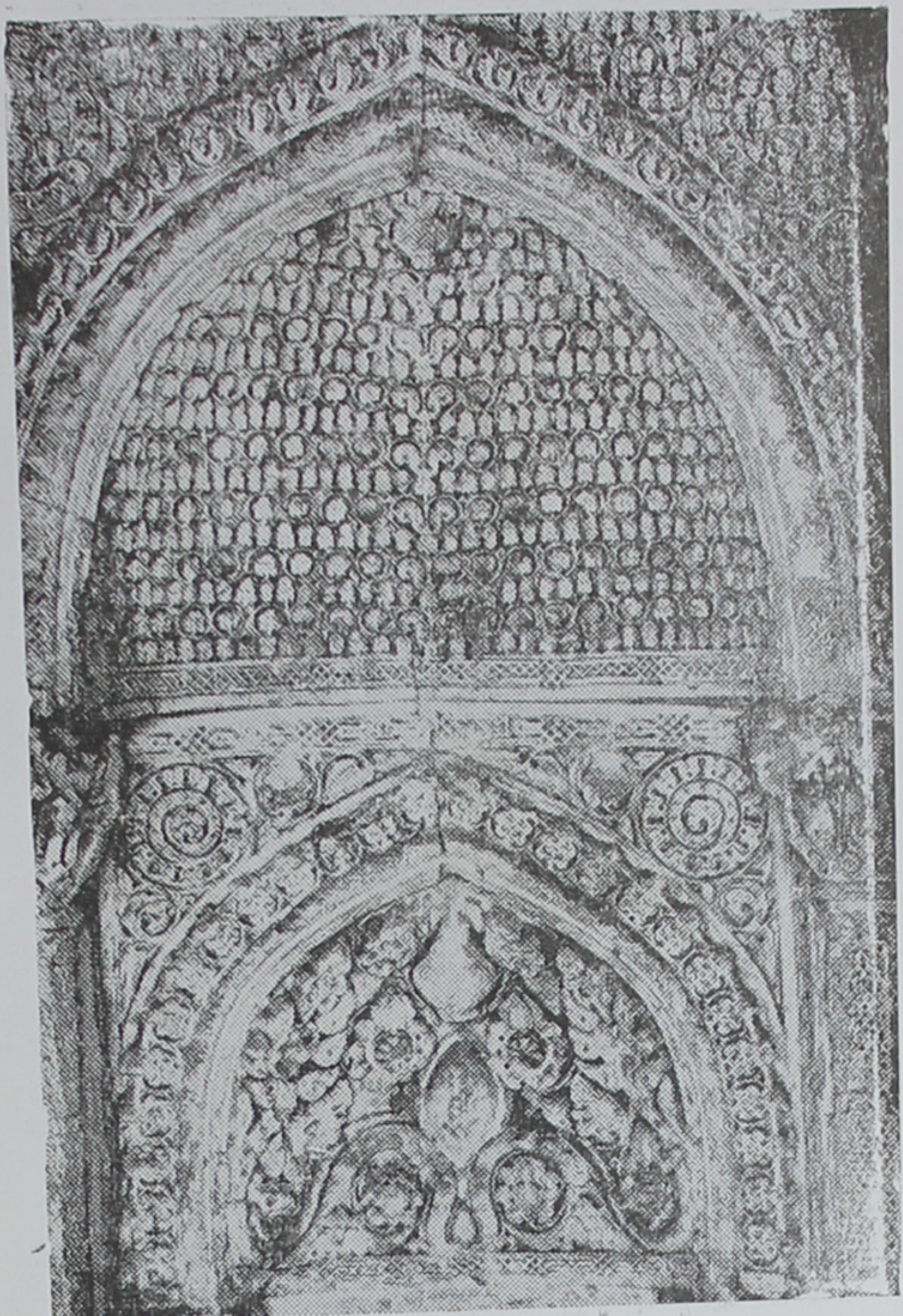
ش ۱۷۳ مسجد جامع اردستان



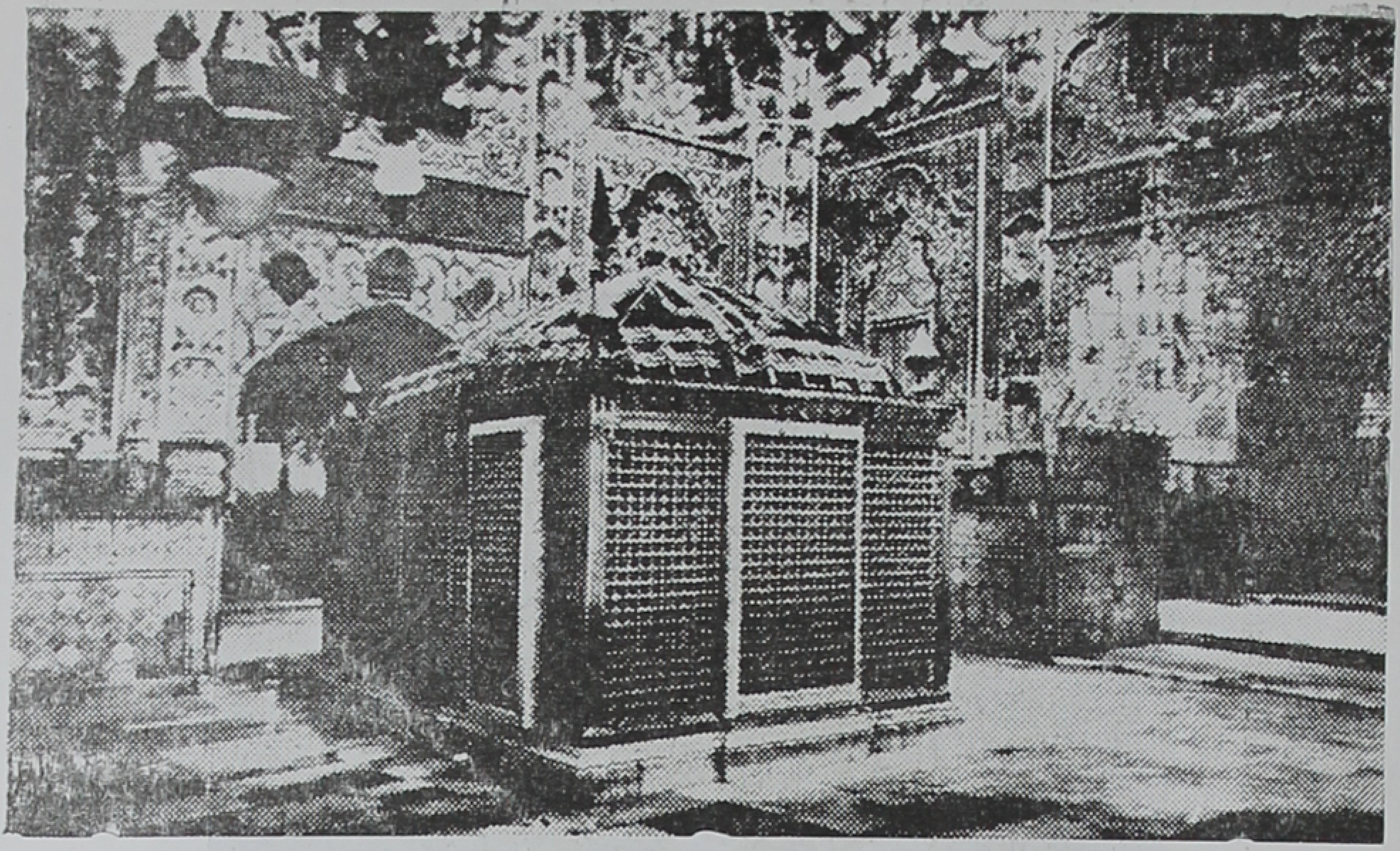
ش ۱۷٤ مأذنه امام رضا



ش ۱۷۵ مسجد ورامین



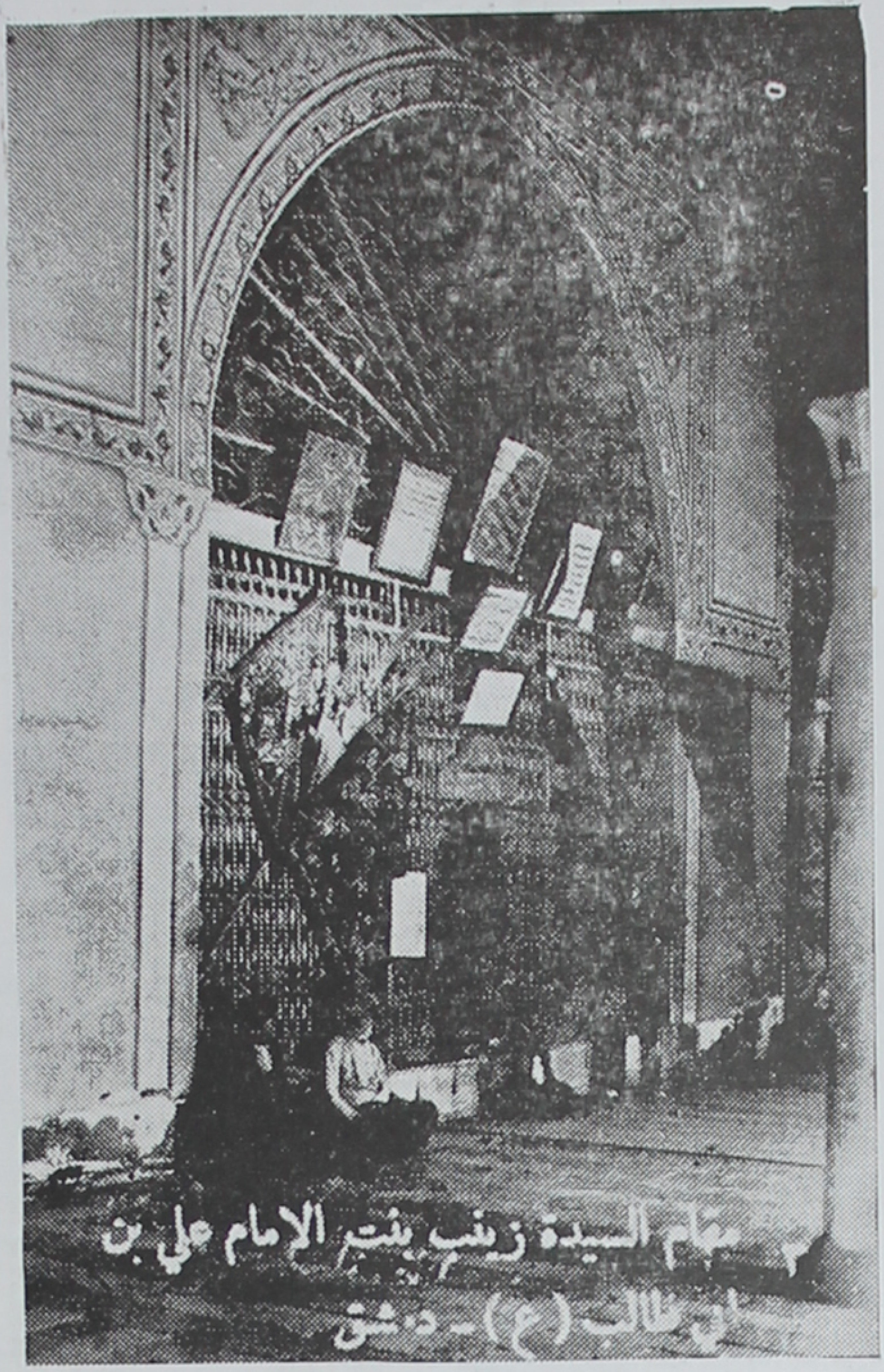
ش ۱۷۶ محراب مسجد جامع نائین



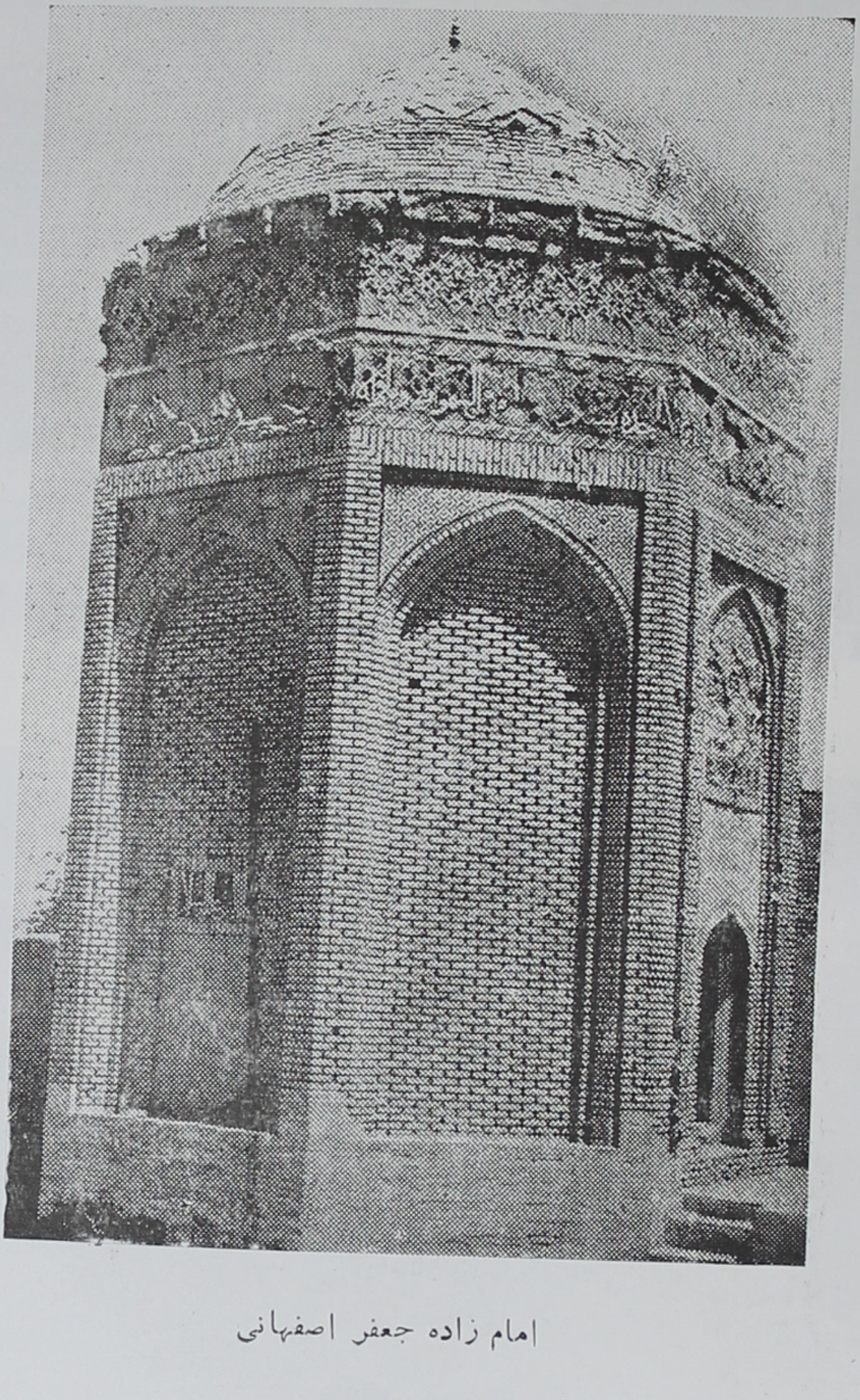
ش ۱۷۷ ضریح حبیب



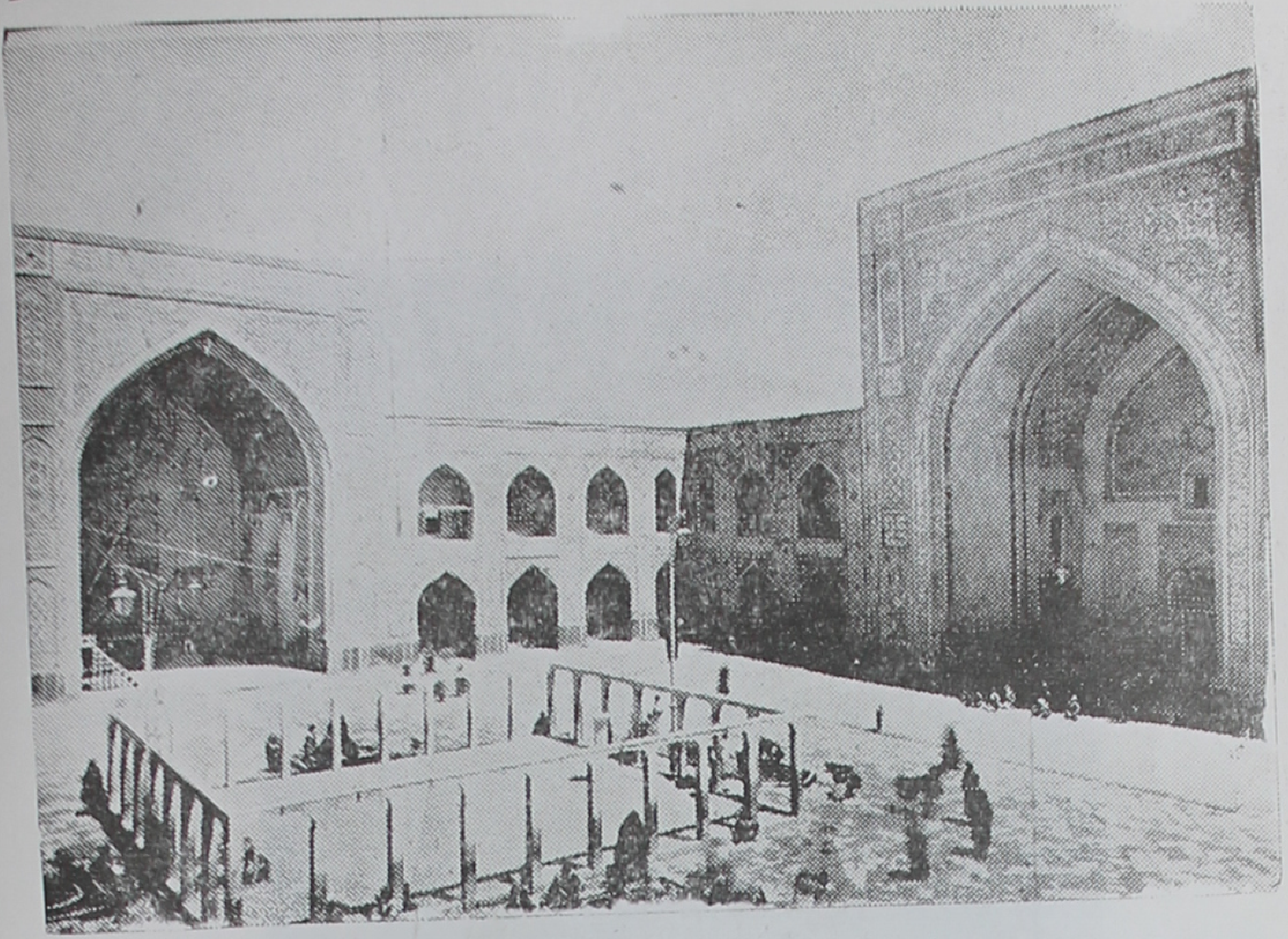
ش ۱۷۸ ۱ – جنة‌المعلا قبرستان مکه بوده که بدست وهابیها خراب شده



ش ۱۷۹ مسجد دروضنه حضرت زینب کبری دختر امیرالمومنین درشام



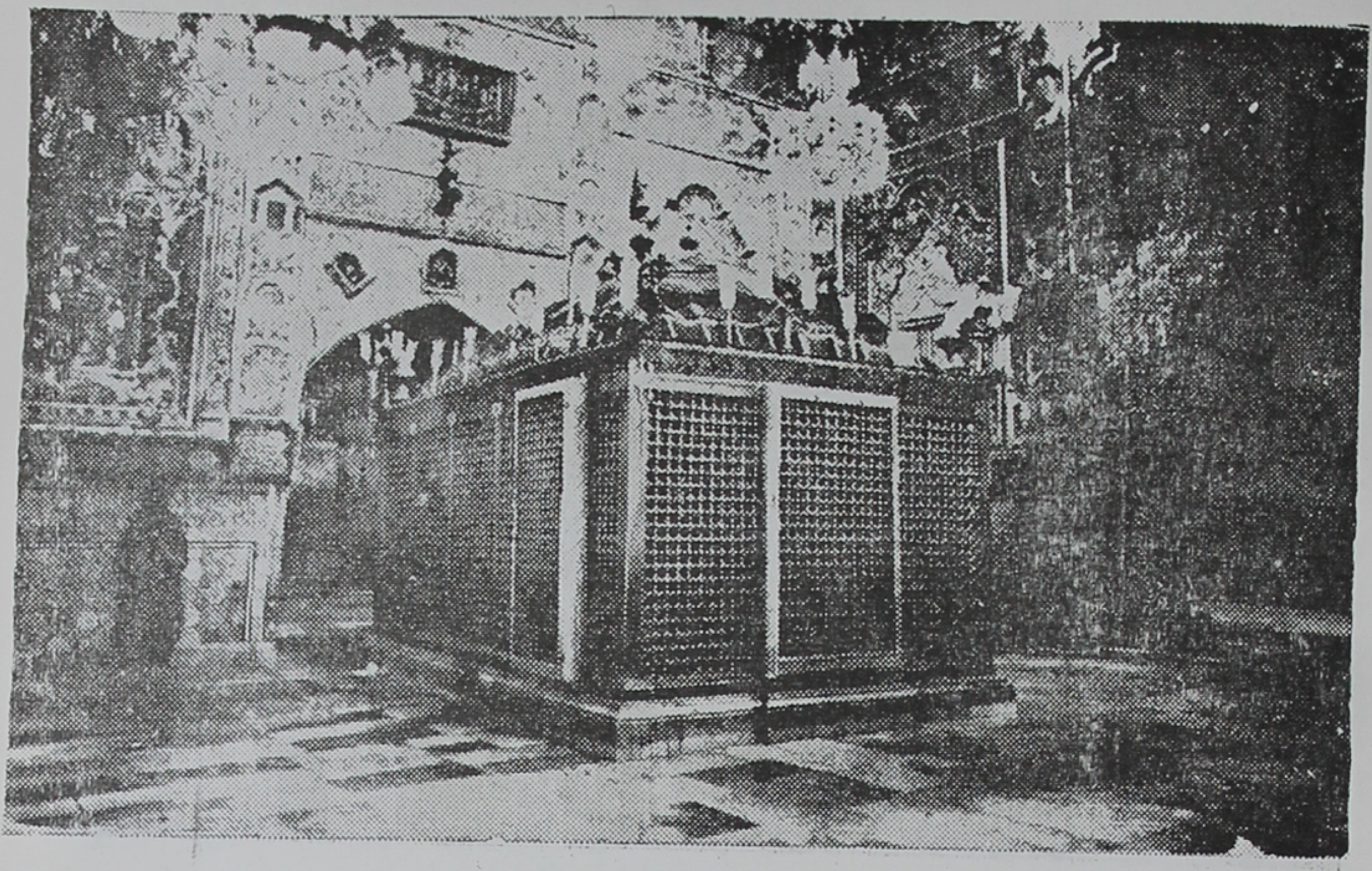
ش ۱۸۰ امام زاده جعفر اصفهانی



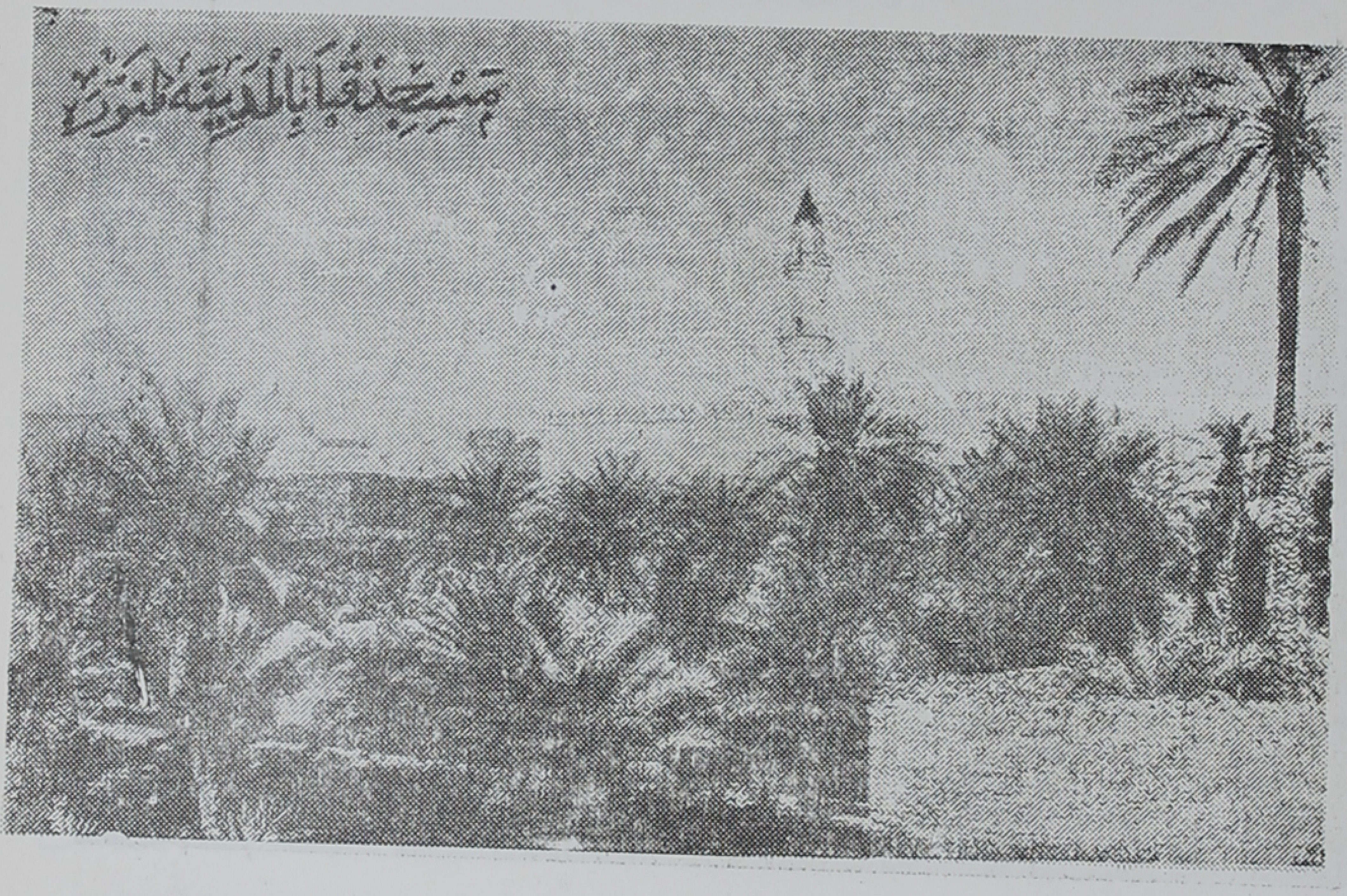
ش ۱۸۱ مشهد صحن امام رضا



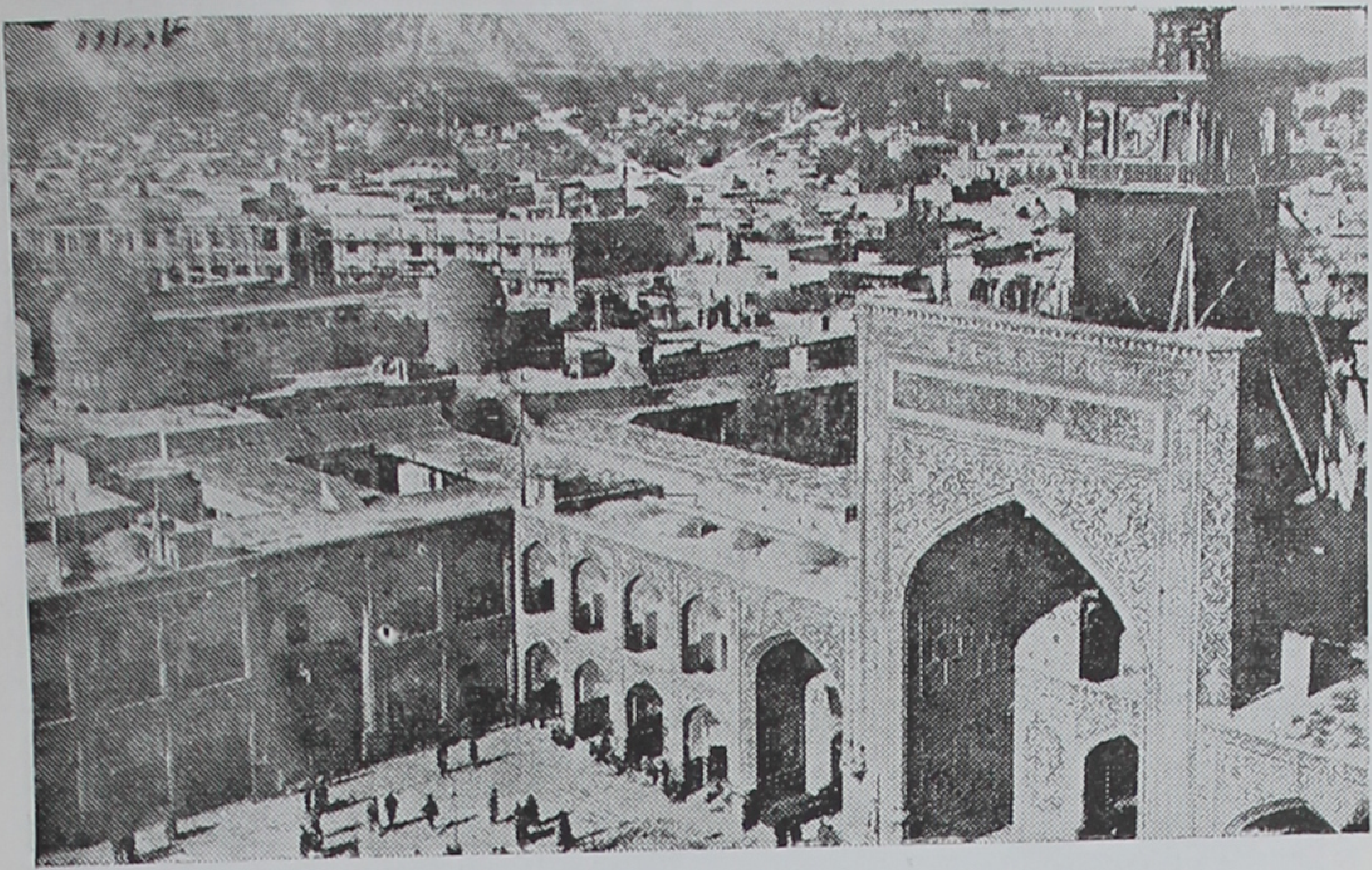
ش ۱۸۲



ش ۱۸۳ ضریح حضرت امام رضا ع



ش ۱۸٤ اولین مسجدی که پیغمبر اسلام در مهاجرت نماز خواند



ش ۱۸۵ صحن مشهد



ش۱۸۶ مشهد مقدس

ترك را تمام املاك خودرا جز قسطنطنیه ازدست دادند - روس انگلیس برای بلعیدن ایران آنها رافشرده است فرانسه مراکش رازیرچنگال قهرخود گرفت .

درظرف دوسال از ۱۹۱۱ تاسال ۱۹۱۲م مطابق ۱۳۳۲ هجری ممالك اروپابنابرتوطئه‌های قبلی نهایت فشاررا روی گرده ممالك اسلامی گذاشته وشروع بتجزیه کردند اماهمین فشارموجب شد ملل اسلامی رادرخاوروباختر بخشم وغضب انداخت بسرعت فعالیت بسیاری درمقام تجدیدمجدوعظمت خود وکوتاه کردن دست اجانب برآمدند وقیام کردند .

مردم برقه ، طرابلس ، تونس ، الجزایر؛ مغرب اقصی، سودان ، مصر، شام ، ترك همه بمیدان پیکارومبارزه وارد شدند چون دیدند ممالك اسلامی یکجا قیام کردند ناگزیر شدند درصورت ظاهر صلح کنند ومستعمره را بدست خود مردم مسلمان بدهند وازطریق دیگراستثمار نمایند .

دربروزجنك بالکان عالم اسلامی یکجاتکان خورد وکاسه صبرمسلمین لبریز شد مسلمانان جهان ازچین تاکنگو درانتظارخبرجنك بودند وبالاخره روسها در پطرزبرك (پطرگراد) پرچم صلیب را برگنبد مسجدایاصوفیه برافراشته ویکجامسلمین رابرآشفته وهنوزدرمقام انتقام هستند که مسجدرا ازدست منافقین وکفاربگیرند.

تادرجنك روس وژاپن درسال ۱۹۰۴م همینکه ژاپون دولت شرقی بت‌پرست کافر بردولت عزبی نصرانی چیره شد وتسلط یافت بیشتر مسلمین برای کامیابی ژاپن غرق شادی شدند این شادمانی از جوش وخروش اسلامی بودوازرجال دولت ژاپن تمنی میکردند که اسلام رابپذیرد سلاطین ژاپن هم باین تقاضا احترام گذاشته دین اسلام رادرژاپن رسما آزاداعلام کردند .

یکی ازبزرگان خاندان سلطنتی ژاپن بعهدسلطان عبدالحمید باستانه آمد و دراثنای صحبت باسلطان نامی ازآئین اسلام برده شد،

سلطان بوی گفت شنیدم شما ازآئین جستجومیکنید اگرچنین است من شمارا باسلام رهبری کنم امیرژاپنی گفت ماباآئین پای‌بستیم و دین اسلام رامحترم میداریم

درنتیجه عمل باین اقدام بزرك ایجادروابط برقرارشد عده‌ای‌را انتخاب نموده بژاپن فرستادند سلطان عثمانی باناوجنگی عده مخصوصی بژاپن فرستادعالم اسلامی ازاستقبال ملت ژاپن باسلام خوش - وقت گردید امابنقل روزنامه مصری سال ۱۹۰۶ دولت بریطانیای کبیر که شصت‌ملیون مسلمان زیر حکم اوبودند ازاسلام ژاپن سخت بیمناك گردید . زیرامجرای سیاست عمومی اسلام سخت آنها را دیگر گون میکردهمانطور که ازمسلمان شدن بعضی‌افراد ملت‌آلمان ترسناك شدند وروابط آلمان و ایران مسلمان موجب وحشت آنهاشد .

یکی ازدانشمندان‌چین که مشایخ مسلمین ومحترمین آنجابود آنهارا تشویق کرد که اگرژاپن بخواهد دارای رتبه ومقامی‌شود وجاه‌وجلال آسیارا ازسایرقطعات بالاتربرد جز باقبول اسلام و رسمی داشتن آئین‌دین اسلام موفق نخواهد شد،

ژاپن نمایندگان مسلمین را پذیرفت و احترام واکرام کرد ولی‌آشکارا نگفت میل باسلام دارد همین تمایل عملی ملل مسلمان وغیر مسلمان را درآسیا بهم مربوط ساخت ورشته اتحاد آنها را محکمترنمود .

باری جنبش جامعه اسلامی شگفتی‌محسوس دردنیا داشت واگراین جنبش اتحادی و اتفاقی و باروابط اسلامی‌بود اثرآن عمیق‌تر وبهتربود - زیرا جنبش مسلمین ازسرچشمه احساسات روحی و

معنوی ووجدانی آنها سیراب گشته وبرای حفظ اتحاد و استحکام رشته جامعه عمومی بوجود آمده و
این جامعه ازنظرعوامل مادی ومعنوی اجتماع بسیارمحکمترازجامعه نصرانیت وسایر مذاهب است
این حقیقت مغزو مقصود اجتماع و تعلیم و تربیتی است . قوانین و قواعد زندگی خانواده های
اسلامی همه جا یکنواخت و یکسانست درهیچ کشوری و هیچ قاره فرقی ندارند همه‌جابه‌تربیت
اسلام مربی هستند .

سرموریسون گوید حق وحقیقت این است وشك وتردیدی هم دراین گفته نیست که اسلام زیادتر
ازآنکه آئین وعقیده باشد نظام اجتماعی است تمام لوازم واحتیاجات رانیزدارد - تمدنی است که
تاروپودش تجربی وبحدکمال بهم پیوسته است وخود دارای فلسفه وتربیت وفنون مخصوصی است که
درهیچ دین وآئین نیست .

قرنها اسلام ونصرانیت باهم جنگهاداشته اند بااینحال هرگز باسلام از هیچ‌جهت سستی‌روی
نداده بلکه اجزای آن ومسلمین روزبروززیادترشده‌اند وبیکدیگر کمك کرده‌اند و عاقبت یك‌جامعه
بزرك گردیده‌اند ومانند تنی زنده وجاندار نمو کرده ترقی نمود و دراثر نظام ذاتی رو بکمال
مطلوب پیش رفته و میرود رشته این تمدن گسیختگی ندارد و محونخواهد شد تا آنکه بردنیا
سلطه یابد .

عبادات
نماز . روزه . حج

یکی دیگرازعوامل پیشرفت اسلام نمازاست که درپنج نوبت‌موجب
تذکر است وهرشب وروز آدمی راپنج مرتبه باید باالباس‌پاك و
حلال ومحل پاك وحضورقلب وشرایطی که درمقارنات و مقدمات
وواجبات نمازقید شده درپیشگاه‌عدل‌الهی حاضر نمایدوبلاواسطه
باخالق خود رازونیاز کند .

چنانچه دراحادیث است فرمودند هرگاه بخواهی باخدا صحبت کنی نمازبخوان وهرگاه‌میل
داری خداباتوصحبت کند قرآن تلاوت کن که‌هردواثری‌عمیق درتهذیب نفس‌ناطقه ونیل بکمال‌مطلوب
دارد وهردواین عمل علم ودانش وتقوی وفضیلت می‌آموزد .

نمازخودبخودمانع‌ارتکاب معاصی‌است نمازآدمی راازسهوونسیان ولغزش وخطا بازمیداردوچون
ماмفصل درکتاب‌زندگانی‌پیشوای‌اسلام‌ومکتب اسلام راجع بنماز و اثر آن در نفوس بشری و قوت
و قدرت این مابه‌الاجتماع مسلمین بحث کرده‌ایم اینجا تکرار مطالب نمیکنیم بهمین مقدار
اکتفا شد .

عبادات اسلام چون روزانه ومستمراست جالب‌توجه بشراست و مهمترین آنها پس‌از نماز روزه
وسپس کنگره حج است که جامعترین عبادات و بزرگترین کنگره اجتماعی اسلامی است که اذهان
وافکاربشررا باسلام‌جلب مینماید و درباره آن درمکتب اسلام مفصل بحث کرده‌ایم .

تبلیغات اسلام

تبلیغات اسلام برخلاف تبلیغات سایرمذاهب است - زیرا سایر
مذاهب برای‌تبلیغات خود دستگاه وسیعی بابودجه هنگفتی‌معین
میکنند ولی اسلام محتاج بدینگونه بودجه ودستگاه تشریفاتی
نیست - پیغمبراسلام هرفرد مسلمان را مسئول ورهبرمسلمان دیگر قرار داد و هرمومن راحق نظر
بردیگری داد وهرفرد را موظف کرده که احادیث‌رابگوید ودیگری راموظف بشنیدن کرده وبهشت‌و
سعادت رادرسایه این گفتن وشنیدن‌ها قرارداده است .

درمیان تمام ملل اسلامی معمول است که یکی متکلم ودیگری مستمع میشوند وهردو بدانند باز بنابدستور فذکرفان الذکری تنفع المومنین ازآن بحث و فحصی بهره‌مند میگردند واین تبلیغ در سرتاسر قلمرو اسلام درهشتصدصد ملیون مسلمان شایع است مخصوصا درایران وعراق وهند و سوریه وکشورهائیکه شیعه درآنجا هستند که درسایه تشکیل مجالس ذکر و تجدید مجدوعظمت حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین ع یکنفر متکلم وروضه خوان وواعظ ویکی نفر مستمع میباشند که احکام وشرایع دین درسایه تذکر مصائب حسین ع وفداکاری محیرالعقولی که اوبرای ابقاء این دین کرده گفتگومیشود ـ وبهمین وسیله بقول مستشرق آلمانی درهرسال ملیونها بلکه میلیاردها پوند طلا از طرف مسلمانان شیعه هزینه این مجالس است که **بالطوع والرغبة ازمال خالص خودباکمال اشتیاق دراین راه صرف میکنند،**

یکی از مبلغین بزرگ نصاری که یکقرن عمرصرف تبلیغ کرده و تالیفات وکتب و شاگردانی تربیت کرده مینویسد تمام این بودجه وخدمات مابرابراست باتشکیل یك مجلس سوگواری شیعهٔ بنام حسین بن علی ع که چقدر مردم جهانرا باسلام دعوت میکند و اضافه میکند که ماپس از دعوت یکفرد را بی‌دین میکنیم ولی در این دعوت مسلمین آنها بی‌دین را متوجه دین و حق و حقیقت مینمایند.

تبلیغات اسلام درسایه دواصل مسلم امر بمعروف ونهی ازمنکر که درضمن مجالس تذکرفدائیان اسلام خودبخود پیشرفته وپیش میرود واگرگاهی آلوده بمجاز واخبارخرافی هم میشود ولی درحقیقت درج همه فضایل را داراست وبنیروی خود جابازمیکند تالیفات وخطابه‌ها وسخنرانی‌ها ونظم ونثر و غیره همه موجبات تبلیغات اسلامی است که درسایه قرآن وذکرمجدو عظمت عترت منتشر میگردد. وآثارباقیه‌تبلیغات اسلامی درتمام ممالك اسلامی مخصوصا درایام محرم وماه صفرورجب ورمضان تجلیاتی شدید دارد که برهمه جهانیان مشهوداست.

تالیفات و کتب

عامل دیگر تالیفات وکتب علمی علمای اسلام است که دراطراف جهان پراکنده هستند وآثارخود را مانند آفتاب دردنیای بشریت پرتوافکن ساخته‌اند،

علمای اسلام که سهم بزرگی ازآنرا ایرانیان ومخصوصا شیعه داشته وتقدم وتفوق و ابتکار را همیشه دردست داشته‌اندملیونها کتاب تالیف کرده که اکنون تمام کتابخانه‌های دنیااز آثارآنهامشحون است و برای نمونه باید سه کتاب را اسم ببریم که بیش از ده قرن در تمام دانشگاههای دنیا مورد استفاده بود یکی «الجبرحکیم عمرخیام» دیگری «قانون بوعلی سینا» سوم «کتب ادویه ابوبکررازی» که اضافه بر کتب فقه وقوانین دین اسلام هزارسال توجه دانشمندانرا بخود جلب کرده وموردا ستفاده بوده است درریاضیات وطبیعیات وفلسفه وحکمت نیز مانند فقه واصول کتب بسیاری موجوداست.

تالیفات مسلمین بمراتب بیشتر ازتمام دانشمندان ملل دیگر دنیاست بااین تفاوت که آنهادرچاپ هربار ده‌هزار جلدچاپ میکنند وایرانیان ومسلمانان هزارجلد معذلك کتابخانه‌های بزرك دنیابیش ازچندملیون از کتب خطی مسلمین دارند - ومثلا درفن تاریخ مسلمین بفارسی وعربی بیش از دوهزار جلد تاریخ بتنهائی نوشته‌اند - که درمقدمه جلددوم کتاب تاریخ مفصل اسلام بیش ازصدها کتاب تاریخ نام برده شد و میتوان گفت درهیچ یك ازملل واقوام وادیان عالم این مقدارتاریخ که برای اسلام نوشته شده ننوشته‌اند. واین مقدارفارسی وعربی است بزبانهای عربی دیگرهم نوشته شده

درسایر علوم وفنون هم این مقدار کتب علمی دراصول و فروع هریك نوشته نشده است که کتب معجم المطبوعات و فهرست ابن ندیم . فهرست شیخ ، فهرست ابن شهر آشوب ، کشف الظنون حاجی خلیفه وذیل آن والذریعه الی تصانیف الشیعه وغیره وفهرستهائی که برای کتابخانه‌های مشهور نوشته‌اند وحتی فهرست کتابهای شرقی بریطانیای کبیر و کتابخانه پاریس وآلمان و امریکاء همه دلیل وسعت علم ودانش مسلمین بود که ملیونها کتب خطی از آن موجود است درصورتی که اولین کتاب خطی ملل مسیحی ازسال ۱۴۹۸ باقی است وخود این کتب وتالیفات فراوان فکر ایجاد کتابخانه‌های ملی و بزرك را ایجاد کرد وجهانیان را بتوسعه آن واداشت .

کتاب و کتابخانه در اسلام

گفته شد که قرآن اساس دین وعلوم واخلاق اسلامی است وتعلیم قرآن برهمه چیز مقدم شمرده شد و نخستین درس قرآن از پیغمبر باقرائت صحیح تعلیم اصحاب گردید وروی تعلیم قرآن ومبانی علل واسباب ونزول وحی شروع بتالیف وتصنیف ونوشتن کتاب گردید وچندنفر قرآن را درزمان خود پیغمبرص نوشته وپس ازرسول خدا سخن ازحدیث بمیان آمد که آن کلمات پیغمبر درتعلیمات عمومی مسلمین وحل مشکلات قرآن و تفسیر وتبین آیات بود سپس احادیث هم چون درتحول سیاسی قرار گرفت استماع حدیث و نقل آن وصحت وسقم آن خود علمی مستقل راتشکیل داد وازاین اختلاف مفهوم علم کلام بمیان آمد وعقاید مختلفه پدیدار شد و درنتیجه علومی درطریق یافتن آیات وحدیث صحیح پیداشد که بیست وپنج علم میشود ومجموع آنها مقدمات فهم آیات واحادیث راتشکیل میدهد.

درخلال همین تعلیمات دینی چون فقه اسلامی مبتنی بروقوف وآگاهی بعلوم وفنون دیگرهم بودمانند تاریخ وجغرافیا واعداد ونجوم وهیئت برای قبله شناسی ونباتات و حیوانات شناسی برای تشخیص حلال ازحرام وغیره وهمچنین علوم طبیعی و ریاضی برای توسعه طب و بهداشت وعلوم فلسفی برای تحکیم مبانی توحید بوجود آمد که ناچار همه علمای این فن شروع بنوشتن کتاب و تصنیف و تالیف نمود .

درنتیجه کتاب و کتابخانه ازصدراسلام اززمان خودپیغمبرص که صفحات مصاحف مختلف نوشته وحفظ میشد تاآنجا که دوره اموی عدهٔ کتابخانه ششصد هزارجلدی بوجود آمد و دوره عباسیان که علاقه مفرطی بکتاب نشاندادندودامنه کتاب نویسی وتنظیم کتابخانه وسعت یافت وهمه کتب دنیا بعربی ترجمه شدوباقرآن عرضه گردید ومازادان که بکار نمیخورد ازبین رفت ومسلمین ازاینجهت پیشروتمدن وقهرمان علوم ومعارف بشری میباشند .

درزمان خود پیغمبرص مدرسه عبارت ازهمان مسجد بود که پیغمبر ص پس ازنمازپشت بقبله رو بمردم می‌نشست وآموزش وپرورش اسلامی شروع وتوسعه می‌یافت وآنچه لازم بود ازحلال وحرام و مکروه ومباح منتخب همه رابمردم آموختند و هیچ نقطه ابهامی برای مردم باقی نمانده بود مگر آنکه پیغمبر گرامی حق درتحت عنوان بیست و دوهزار حکم آسمانی همه را در ظرف ۲۲ سال بمردم آموخت .

این مدرسه و مسجد باهم مربوط و متصل و غیر قابل تفکیك بود و بعد که مسلمین توسعه یافتند و جهانگیری نمودند مدارس و مساجدی بوجود آوردند که باید آنرا دانشگاه اسلامی نامید ـ

مدرسه مکه ومدینه وبغدادو کوفه وبصره وقاهره وشام وخراسان واصفهان وفارس وغیره همه جا وهمه مساجد مدرسه علما بود که علوم وفنون اسلامی را میآموختند ،

مشهورترین مدارس مخصوص نظامیه بغداد - مدرسه ابن فورك متوفی ٤٠٦ هجری . مدرسه بیهقیه منتسب بیهقی متوفی ٤٥٠ هجری ، مدرسه سعدیه از آثار سبکتکین غزنوی ، مدرسه اسماعیل استرآبادی واعظ صوفی. مدرسه استادابوالحق وهزاران مدارس دیگر که علمای بزرک بنامینمودند وامرا آنهارا دراین کار کمك میکردند وچون امراء بفرمان علماء بودند دربنای مدارس کوشا بودو صدها مسجد ومدرسه درهم یاجنب‌هم ساختند وبرای هریك کتابخانه‌ای تشکیل دادند -

که مدارس نورالدین زنگی‌را درشام‌سال ٥٧٧ وردمشق ، حلب‌حمص ؛ حما ؛ بعلبك، مینوك رحبه ونورالدین مهمانسراها و مسجدها و خانقاهای و موعظه‌خانه های بسیارهم ساختند و مدارس سلطان صلاح‌الدین ایوبی(کرد) متوفی٥٨٩ درمصر واسکندریه وبیت‌المقدس و مدارس مظفرالدین ازبکی متوفی٦٣٠ باضافه یتیم‌خانه‌هاودیوانخانه‌ها وتیمارستانها که ساخته ومدارس فرمانروایان‌ممالك درمصر که بهفتاد مدرسه میرسید .

ومدارس ایران که بزرگترین شاهکارعلم وهنر وقدرت وصنعت وظرافت است دراصفهان مشهد سمنان ؛ تهران ، فارس ، کرمان ، وغیره باآنکه مغولان اکثرمساجد و مدارس را خراب کردند هنوزمسجد شاه اصفهان بادومدرسه دراطرافش ومدرسه شاه سلطان‌حسین ومدرسه ملاعبدالله و صدها مدرسه دیگر که دراصفهان وفارس وسایرشهرهای ایران موجوداست نمونه این تمدن است و هریك گنجینه‌ها ازکتابها واوراق ومصاحف‌وادعیه واذکارداشته است .

شکی نیست که دراسلام کتابخانه‌ها اکثرخصوصی بود وهردانشمندی بلکه تاجر ومتمکنی چند کتاب ازقرآن وادعیه وآداب شریعت مینوشتند ودرمنزل مورد استفاده او وخانه‌اش بوده‌است‌چنانچه هنوزدرایران وعراق وافغان وهند وپاکستان وترکیه وغیره این روش معمول است و کتابخانه‌های کوچك درهمه‌جا فراوان است .

کتابخانه های بزرك

چون علم وهنر وترجمه کتب و ظرافت صنایع توسعه یافت کتاب مورد توجه پادشاهان قرار گرفت ودردربار خودیك مکتبه‌بوجود آوردند و جزء تشریفات و تحملات دربار هرپادشاهی گردید مخصوصا که آن امیرپاشاه اهل مطالعه وتحقیق کتب علم‌هم بوده بیشترتوجه کرده است .

دردوره اموی کتابخانه بمنظورتشریفات‌انجام میشد مثلاعمر بن‌عبدالعزیز کتابهای طبی‌هارون را ازکتابخانه که بیرون آورده وبصورت یك مکتبه مجلا تنظیم کرد وبیشتر کتب دوره‌اموی‌غیرازقرآن وحدیث‌کتب طب وفلسفه یونان وایران وهند بوده است .

کتابخانه‌های بغداد

خلفای عباسی دردوره نهضت علمی که ترجمه و نقل علوم دست زدندقهراً بتاسیس کتابخانه‌ها پرداختند و کتابخانه عمومی‌ایجاد کردند که‌دارالترجمه آن بنام‌بیت‌الحکما مرکز تجمع‌دانشمندان ومترجمین وفقها وعلماء واطباء وفلاسفه بود واین کتابخانه‌ها هم بهمت وزرای ایرانی که برمکیان بودند تاسیس شد واز اطراف کتب قبطی ، سریانی ، یونانی ، هندی ، ایرانی و غیره جمع‌آوری میشد وعمال‌دولت عباسی موظف‌بودند هر کجا کتابی سراغ دارند بهرقیمت میشود بارضایت‌صاحبش آنرا بیت‌الحکمه انتقال دهند واگرصاحبش هم دانشمندی بود اورا باکمال احترام دعوت بدربار

میکردند وموجبات رفاه وآسایش اورافراهم مینمودند .

مثلا ابن ندیم مینویسد ضمن کتبی که مردم بااین اعلان بخلیفه تحفه میدادند واهداء میکردند مکتوبی بخط عبدالمطلب جد پیغمبر اسلام ص بود که بمامون اهدا نمودند .

استنساخ کتب وتالیف وترجمه و انتقال بزبان عربی بسرعت شگفت آمیزی پیشرفت کرد و علان شعوبی ایرانی ازکاتبین بود که دربیت الحکمه استنساخ میکرد و خودش هم درنکوهش عرب کتابی نگاشته است .

محمدبن موسی خوارزمی ستاره‌شناس مشهور ویحیی بن ابی منصور موصلی متولی رصدخانه مامون فضل بن نوبخت وبنی شاکر اعضاء بیت الحکمه بودند . سهل بن هارون شعوبی فارس نیز از دشمنان عرب بود که درقدح اعراب کتابی تصنیف نموده است وباید گفت بیت الحکمه بدست ایرانیان اداره میشد این بیت الحکمه مقدمه تهیه کتاب برای کتابخانه عمومی بغداد گردید وخلیفه هم چون از کتاب لذت میبرد هر کس خدمت اومیرسید بهترین تحفه وهدیه‌اش کتاب بود .

مولفین ومصنفین وشعرا وهر کدام نیزازآثارخود کتابی تنظیم میکردند وبکتابخانه بزرگ خلیفه اهداء مینمودند بطوریکه درسال ۴۴۷ هجری کتابخانه بزرگ بغدادموقعی کــه طغرل سلجوقی وارد بغداد شد محله کرخ جای کتابخانه آتش گرفت و بعدالناصر عباسی سال ۶۲۲ کتابخانه بزرگی تربیت داد که ششصدهزارجلد کتاب داشته است وخواجه نصیرالدین ازآن کتابخانه بمراغه بسیار آورد که نوشته‌اند کتابخانه مراغه چهارصدهزارجلد کتاب داشته .

کتابخانه اندلس

کتابخانه اندلس درنهضت علمی سرمشق شد که ازمامون تقلید کردند ودرسال ۳۵۰ کتابخانه مفصلی جمع آوری کرد ــ وحکم پدرهشام اموی هزاردینار برای ابوالفرج اصفهانی که اوهم از امویان بود فرستاد وخواست کتاب یکدوره آغانی را قبل ازآنکه بخلفای عباسی بدهد بخلفای اموی اندلس تسلیم نماید .

دراین کتابخانه نوشته‌اند فقط فهرست دیوان اشعار ۴۴ جلد بود که بطور متوسط چهل و ــ چهارهزار دیوان شعر داشته است مقریزی و ابن خلدون کتابخانه آنجا را بچهارصدهزار مجلد تخمین زده‌اند .

درغرناطه هفتاد کتابخانه عمومی تاسیس شد بازار کتابفروشهای قرطبه مسابقه مزایده کتاب بود که همه کتب دارای جلدعالی ونقاشی وخط زیبابوده است که بنقل خصوصی مردی عاشق جلدان شده وقیمت آنرا بالابرد تاخرید .

مردم اشبلیه اهل عیش ونوش بود و هر کس در هرنقطه می‌مرد اموالش را در اشبلیه حراج میکردند وازآنجمله بازار کتابفروشی‌شده بود. واگرعالمی اشبلیه وفات میکرد درقرطبه کتابهایش را می‌فروختند .

کتابخانه العزیز مصر

العزیز دومین خلیفه فاطمی بود نخستین خلیفه مصر است که در تاسیس کتابخانــه و جمع آوری کتاب بخلفای بغداد واندلس تاسیس کرد واو اول جوانی سال ۳۶۵ خلیفة وزیرش یعقوب کلس مردی دانش‌پرور و کتاب دوست بود و خلیفه رابعلم دوستی و ترویج علم وادب تشویق میکرد وهمین تشویق سبب تاسیس کتابخانه بزرگی گردید که اول درکاخ اختصاصی بود وبعد درخزانةالکتب محلی مخصوص برای آن ساختند وبرای خرید کتب مامورینی

باطراف فرستادند که هر کس بیش از صد نسخه کتاب توانست خریداری کند جایزه داشت و نسخه کتاب العین خلیل بن احمد بدست آنها افتاد . وهر نسخه را صددینار میخریدند واز کتاب الجمره ابن درید تهیه نمودند وصلاح الدین ایوبی هم دنبال آنرا گرفت و ۱۲۰۰ نسخه تاریخ طبری و ۳۴۰۰ جلد قرآن جمع آوری نمود وتمام قرآنهارا بآب طلاو بخط زیبا نگاشته بودند.

کتابخانه مصر بالغ یکمیلیون وششصدهزارجلد ۱،۶۰۰،۰۰۰ کتاب داشت که هیجده هزار جلد درعلوم قدیمه بوده است و ۶۵۰۰ جلد کتاب نجوم و هیئت و هندسه وبقیه کتب فقه لغت ـ حدیث ـ تاریخ ـ شیمی ـ نجوم وغیره بوده است .

العزیز درکتابخانه اختصاصی دربارخود دویست و بیستهزار ۲۲۰،۰۰۰ تا صدو بیست هزار کتاب عالی قیمتی داشته است ولی متاسفانه مانند کتابخانه اسکندریه از آفات مصون نماند وقسمتی ازآن طعمه آتش گردید .

کتابخانه الحاکم بامرالله

پسر العزیز بالله بنام الحاکم بامرالله این علاقه را بوراثت بردو درسال ۳۹۵ نزدیك قصر خود کتابخانه‌ای ساخت که گویا دویست و بیست هزار جلد کتاب اختصاصی ازاو بود و برای آن موقوفات ومستقلاتی وقف کرد که پایدار بماند فرشها پرده ها ودرب و قفسه عالی ساخت و میخواست دارالحکمه را مانند بیت الحکمه عباسیان توسعه دهد در آنجا تازیان ـ ستاره شناسان ـ پزشگان ـ معلمین نحو و لغت و غیره جمع بودند ـ و آنجا بمطالعه علمی می پرداختند .

کتابخانه شام

شام از کتابخانه عمومی درعصر بنی امیه محروم بود زیرا امویان اهل علم وفضیلت بودند ـ خلفای فاطمی که درطرابلس کتابخانه دائر کردند فرنگیان درسال ۵۰۲ آن کتابخانه را غارت کردند چنانچه دراواخرهم کتابخانه‌های ایران را بغارت بردند ـ و بنقل گیبون مولف تاریخ امپراطوری روم مینویسد **سه میلیون کتاب ازکتابخانه طرابلس راآتش زدند . وسوزانیدند .**

نورالدین زنگی والی شام مدارس و کتابخانه‌هائی درشام دایر کرد که بگنجینه نوریه مشهور بود وصلاح الدین ایوبی هم کتابخانه تاسیس نمود.

کتابخانه های ایران

درایران کتابخانه‌های خصوصی مشحون بر کتب پهلوی فراوان بود وبزرگترین مرکز علمی اسلامی بشمارمیرفت ـ خراسان ـ فارس ـ اصفهان بیش ازتمام ممالك اسلامی مدرسه و کتابخانه داشت ولذا آنجارا دیارعلم وادب میگفتند .

یاقوت حموی مینویسد درسال ۶۱۶ درمروشاه جهان کتابخانه عمومی دیدم که مانندآن درهیچ کجای دنیا نبود دریکی ازآنها دوازده هزار جلد کتاب موجود بود که من ازآنجا اقتباس اطلاعات خود را نموده‌ام .

کتابخانه بخارا که مرکزومنبع معلومات ابن سینا بود ازآثار نوح بن منصوربود و کتب مهمی داشته است هولاکوخان مغول برای رصدخانه مراغه چهارهزارجلد کتاب فراهم نمود.

صاحب بن عباد دراصفهان چهارصد شتر کتاب داشته است . موفق الدین بن مطران ده‌هزارجلد کتاب ازخود باقی گذاشت کتابخانه امین الدوله بیست هزارجلد کتاب داشت ـ کتابخانه فتح بن خاقان

واین قفطی کتابخانه‌های بسیارداشت ،

آنچه جرجی‌زیدان از کتابخانه های مشهوراسلامی نام برده است ارقام جالب‌توجهی‌است

بیت‌الحکمه بغداد چهارملیون جلد	۴،۰۰۰،۰۰۰
کتابخانه شاپوردر بغداد	۱۰،۰۰۰
» دارالحکمه درقرطبه	۴۰۰،۰۰۰
« سلطنتی قاهره	۱:۰۰۰:۰۰۰
« دارالحکمه قاهره	۱۰۰.۰۰۰
« طرابلس شام	۳،۰۰۰،۰۰۰
« مراغه ایران	۴۰۰،۰۰۰
« استانبول	۳۰،۰۰۰

چون ما درباره کتاب و کتابخانه‌های اسلام کتاب مفصلی نوشته‌ایم بهمین مقدار قناعت میکنیم ومیگوئیم کتابخانه عراق وایران که بیشتر آثار قلم ایرانی شیعه امامیه است منبع کتب اسلامی گردیده آنهارا بیشترازهر کس درنشرمعارف دین مسلمین بسزاداشته‌اند کتب فهرست الذریعة الی تصانیف‌الشیعه مهمترین‌معرف این حقیقت است .

فلا اقتحم العقبة و ما ادریك ماالعقبة
فك رقبة اواطعام‌فی‌یوم‌ذی‌مسغبة
یتیما ذامقربة او مسکیناذا متربة
آیه ۱۱ـ ۱۷ ـ سوره‌بلد

آزادی بندگان دراسلام

یکی‌ازمزایای اسلام برسایرادیان عالم وهمچنین برتری مسلمین برسایرملل جهان این‌است نه تنها پیغمبراسلام آخرین وبزرگترین منجی عالم بشریت ازلحاظ روح ونفس بود بلکه از جهت آزادی تن وجسم وجسد هم بشررا آ[illegible]ی بخشید واین ازخصوصیات اسلام است که درسایرادیان‌نبود ونیست واین آیه کریمه این حقیقت راروشن‌میسازد میفرماید تکلیف خودرا دروصول بقیه انجام‌نداد ورنجی متحمل نشد تاخودرا بعقبه برساند وآزادی یابد ، چه نیل بعقبه مستلزم جهاد بانفس ورنج ومشقت بودکه بایداعمال صالحة رانشان داد واز رذایل اخلاقی‌پرهیز نمود وبامجاهدت نفس‌بنیکوئی عادت‌کرد تابعقبه رسید وخودرا ازممالك عالم طبیعت نجات داد.

علی‌بن ابراهیم درتفسیر خود میگوید مرادازعقبه ائمه دین علیهم‌السلام میباشند
آنها عقبه‌ای هستند که رسیدن بانها دشوار است اما هر کس خود را بآنها رساند آزاد است .

عقبه محلی بودکه اهل مدینه آمدند آنجا پیغمبررا ملاقات نمودند و بیعت کردند وآزادی یافتند وبمدینه مهاجرت کردند رسیدن بعقبه که دردامنه کوه درزیر سایه درختی بود سخت صعب و مشکل بود ولی هرکس خودرا بعقبه رسانید واین تحمل رنج را برخود هموار کرد توفیق یافت که بسعادت برسد .

اگرعقبه همان محل باشد احتیاج بمجاهدت داشته وهرکس رسیده آزادی جسم وجان یافته وبعدهم بفوزوفلاح رسیده واگرعقبه بنابرتفسیروجود ائمه باشند بازهم رساندن خودرا بآنهاباآنهمه مشکلاتی که آنروز ازنظرسدراه دشمن بود مشکل مینمود واگرامروز هم‌باشد بااینهمه عوامل‌شهوات

رسیدن بائمه دین وپیشوایان معصومین مشکل است .

زیرا کف نفس لازم دارد ومجاهدت درراه ریاضت نفس وبرخلاف تمایل شهوات رفتن تاآزادی رخ دهد قرآن میفرماید آیامیدانید عقبه چیست ؟ آن آزادساختن بندگانست ورهانیدن آنها از قید وبندهای مختلف وبندگی بتها وخودپرستی وغیره این است معنی عقبه یاعقبه اطعام بندگان مستمند است که خودآدمی گرسنه بماند وطعام خودرا بدیگران دهد.

روزی ایتام وبینوایان راحمایت کند که درنهایت صعوبت وسختی وباشرایط مشکلی میگذرانند یا یتیمی را که مقرب درگاه الهی است نوازش کند یامسکینی را که خاك نشین است تلطف و شفقت نماید اینها معانی عقبه است وآنگاه وصیت بصبر وشکیبائی ورحمت ومهربانی میفرماید.

این تفسیر قرآن است واماعمل پیغمبراسلام این بود که بندگان خدارا ازضلالت وجهالت و نابخردی نجات داد ازتاریکی گردانی وخطردریای ژرف نادانی بساحل نجات رسانید در فقه اسلام که احکام شریعت است چندین باب درآزادی بندگان درفروع مختلف مقررفرموده است وکفاره هر گناهی را آزادی گردن بنده‌ای قرارداده وچون درصدراسلام بشرحی که درتاریخ مفصل اسلام نگاشته‌ایم اکثرملل عالم بندگان خدارا بغلامی وخدمتهای سخت استثمار میکردند وآنها را چون حیوانات خرید و فروش مینمودند و یك رواجی داشت که مال‌التجاره معمول جهان بود - وپیغمبراسلام یك خدمتی داشت که بندگان خدارا بهروسیله‌ای ممکن باشد آزاد سازد و تاخود زنده بود در جنگها تمام اسرارا آزاد ساخت وبرای هرکاری وبشکرانه هرموفقیتی بندگان اسیر وگرفتار را میخرید و آزاد میساخت .

بپیروی نیات مقدس اوامیرالمومنین علی ع ودخترش فاطمه زهرا وفرزندانش حسین و اصحاب وفادارش چون سلمان وابوذرومقداد وعمار وحذیفه وغیره غلامان وکنیزانی میخریدندآزادمیساختند ودر عمل حج برای هرتقصیری بنده میخریدند آزاد میکردند ودرلغزش مفطرات و مبطلات روزه و غیره بازبرده‌هارا وغلامان وکنیزان ابتیاعی را آزاد میکردند ،

واین بزرگترین خدمتی بود که درمکتب اسلام نسبت بیشترشد وآنگاه همین بندگان آزاد را بتعلیم وتربیت وامیداشتند - نوشتن وخواندن بآنهامیاموختند وسایل معاش وسرمایه کسب آنهارا میدادند مسائل حلال وحرام مکاسب ومتاجررا بآنها تعلیم میکردند واینهاهمه ازخدمات برجسته اسلام بود ائمه معصومین ع که عقبه وملجاء و پناه مردم بودند خلق را در این راه‌هدایت وارشاد میکردند روزهای جمعه واعیادرسمی اسلام چون عیدفطرواضحی وهمچنین روزتولد خود وفرزندان و باوفیات پدر واجدادخود وبشکرانه نعم بی‌انتهای الهی بندگان رامیخریدند آزاد میساختند چنانچه درکتاب چهارده‌معصوم ع نوشته‌ام اگرغلام یا خدمتکاری لغزش یاخطائی میکرد بجای آنکه آنها را سیاست وسرزنش کنند آنهارا آزادمینمودند ودیگران راهم درآزادنمودن اسرا و بردگان و غلامان تشویق وترغیب مینمودند واحادیثی ازپیغمبرص درثواب آزادکردن بندگان خدانقل نموده‌اندکه درکتب مربوطه ثبت است .

آزادی بندگان دراسلام باآن شدتی که ملل‌دیگر دربرده وبنده ساختن خلق داشته موردتوجه خردمندان جهان کردید وبزرگان عالم بدینجهت درپیشگاه پیغمبرخاتم‌النبیین ص سرتعظیم فرود آورده‌اند که اوبزرگترین منجی‌عالم بشریت ازلحاظ آزادساختن برده وبنده بودکه هم جسماً وهم

روستا آزادی می‌بخشد ـ وهم زن را ازاین قیود بی‌خردی وجاهلانه نجات داد وحتی درقران تصریح فرموده که **من احیی نفساً فکانما احیی الناس جمیعا**

هر کس یك نفررازنده نگاه‌دارد وازکشتن ومردن رهائی بخشد مثل آنست که جمعی‌را زنده نگاه داشته است وچه حیات وزندگی بهترازآزادی خلق است که جسم آنهارا ازبندگی و اسارت و روح آنهارا بعلم ودانش‌آزاد کنی وحیات و زندگی جاودانی بخشی غرض آن است که اسلام باین خدمت بزرك مورد ستایش حکماء وفلاسفه بزرك جهان قرار گرفت .

حقوق زن

یکی‌دیگرازعوامل‌رشداسلام وتوسعه‌وابقای‌آن تعیین حقوق زن‌در اسلام بود که‌کاملا زن را ازاین رقیت وبیرده گی وا ارت‌ومتاعیت خارج کرد وبرای آن حقوقی وضع فرموده و عواطف متبادله با مردان برای آنهاقرارداده ودرعلم وهنروفضیلت آنهارادوش‌بدوش مردان پیش‌برد ویکی‌ازبزرگترین خدمات منجی عالم بشریت همین آزادی معنوی بود که بزنان ارزانی داشت‌که خود محتاج کتاب جداگانه‌ایست ودریك جلد نگاشته‌ام .

زن‌درقبل‌ازاسلام حکم متاع وبنده وبرده وحیوان اهلی راداشت انواع نکاح مقت وغیره که در جای خودمفصل نگاشته‌ام بازنده بگور کردن دختران وعادات وآداب رفتاربازن وغیره همه باحقوقی که دراسلام برای زن معین کرد واورا موجود متفکرصاحب حق ومالك ومرید ومختار وصاحب رای‌و فکروقابل استفاده جسمی وروحی قرارداده‌کاملا متباین ومتضاداست اسلام زن را ازنظرعفت وعصمت درحجاب مخصوص ودرسنواتی محدود برای حفظ گوهردانش بود واین حجاب نیز برای زن دراسلام پروانه مصونیت آنهامیباشد ولی چون مفهوم این دستور نسبت بادراکات اقوام وملل مختلف بود در اصل و کیفیت و کمیت آن هر کس چیزی گفت .

فعلا نمیخواهم بیان اینموضوع‌شود بلکه خواستم بگویم حقوق زن دراسلام موجب عظمت‌وتوجه ملل گوناگونی شد که زنانشان‌ازحقوق ومزایای اجتماعی‌محروم بودند همه باسلام گرویدند وامروز هم طبق‌آماری که دردست است فساد وفحشاء مللی که ازاین قانون سرپیچیده‌اند چندین صدبرابر ملل مسلمان است ودرممالك اسلامی‌هم که پرونده‌های جنحه وجنایت را آمارگیری نمایند معلوم میشود اکثریت ازکسانی است که بی‌بندوبارمیباشنددرحالیکه ازمسلمانان واقعی‌یکهزارم‌پرونده‌هم دردیوآن جزا وجحه وکیفری نیست واین خود ازمزایای اسلام بشمارمیرود.

اسلام گرفتن وعقد ونکاح چهارزن راتجویزنمودتااولا مردان درسفر ویامریض زنان‌یامشکلات دیگردرزحمت نباشند زنان هم برای محدودیت بفحشاء وفجایع نگروند تعدد زوجات باشرایط‌خود ازبزرگترین خدمت اسلام بجامعه بشرمیباشد .

عقد زن بشرط آزادی وعقل وبلوغ باحفظ حقوق‌مالی‌زن واحترام بمالکیت شخص‌اونیزخدمتی تمام بزن شد .

شرایط رضاع ونفقه وکسوت واستقلال فکری وآزادی آن نعمت غیرمترقبه‌ای بودکه پیغمبر خاتم‌النبین بیشترآموخت ـ درفقه اسلام ودر تفسیرآیات قرآن راجع باین حقوق فردی و مشیرك . بحث جامعی شده و آنقدر درباره زن دردنیا کتاب نوشته شده که حدوحصر ندارد .

پرچم دراسلام

ازسنن بشری‌این‌بود که‌برای‌امتیازومعرفی خود درانبوه‌اجتماعات واحزاب ومخصوصاً در جنگهابرای تمیزدادن لشگریان خود از سایرقشون علم وپرچمی‌تعبیه‌میدیدند که دسته وجمع آنهارا از

دیگران ممتاز ومجزا کرده‌اند .

این سنت کم کم درتمام قبایل وعشایرواقوام وامم حکمفرما گردید وهرملت ودولتی درهر نقطه ازجهان یك علامت‌ممیزه ومختصه داشت که بدان شناخته میشد تاباسلام رسید واکنون قبل‌ازآنکه پرچم اسلام رانشان دهیم از پرچمهای قبل از اسلام در ایران و ممالك زنده آنها که ازکتب و کتیبه‌ها و تاریخ و آثار باقی مانده باجمال تاآنجاکه خبر داریم برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز مینگاریم .

پرچم درتعریف پرچم گفته‌اند پارچه‌ایست سیاه ومدور که بر گردن نیزه وعلم نئی بلندمی‌بستند.

بیرق قسمتی ازحریررنگین است که برعلم‌ها ونیزه‌ها وکلاه خودهامی‌بستند وبیرق‌های دولتی رابربالای عمارات دولتخانه ومحکمه‌های قضائی واداری نصب‌میکردند.

علم بنقل یاقوت‌علم و رایة آن پارچه‌ای بود که برنیزه میبستند وبیش‌ازصدنفراطراف آن جمع میشدند واین علامت مشخص آنجمع بود .

قبل‌از اسلام هرصد خانواده یك علم داشتند که رنك مخصوصی داشت و درمحله آنها نصب میشد و در حقیقت مرز آن قبیله ازنظر خذم وحشم و نخبل وچاههای آب بود ومتبنی شاعر شهیر عرب گفته است.

طردت من مصر ایدیها بارجلها حتی مرقن بنا من جوش والقلم [1]

درفش درفش وعلم نشانه‌ای راگویند که درروزجنك برپا میکردند وبرق وفروغ و روشنی داشته است ودرفش‌کاویانی‌علم فریدون راگویند که منسوب بکاوه آهنگر اصفهانی‌است

اما تشخیص پرچم و بیرق و علم درگذشته خوب روشن نیست هرکس بتفوهات خود چیزی گفته است .

بیرق دولت پارت معلوم نیست چه بود ــ در دولت هخامنشی چنانکه گفته میشود عقابی از زر بابالهای گشاده بود .

دردولت اشکانی گویند که گاه بتقلید ازرومیها عقابی دوسراستعمال میکردند وگاهی باقتباس ازبابلیها علامت ماه وستاره راداشتند که درضمن معلوم میشود رومیها عقاب دوسروبابلیها ماه وستاره درپرچم آنهابوده است .

درتاریخ ایران باستان شرحی ازپرچمهای ایرانیان قبل ازاسلام وممالك مجاورآنها مینگارد که متکی بمأخذی نیست [2]

تاریخ پرچمهای اسلامی یکی ازنکات تاریخی که هنوزخوب ابداء و پیدایش و تحول آن روشن نشده پرچم‌است که درسابق‌بنام علم ورایت ولواء درکتب ذکرشده‌است آنچه که ازخلال تواریخ میتوان بدست آوردرایت وعلم درمیان مصریون قدیم شایع بوده ومعاصرین ازآنها گرفته‌اند درمیان عرب قدیم بنام لواء در هنگام پیمان جنك پارچه‌ای که شعارخود بود برسرچوبی بلند میکردند و این اعلان تجمع پیمان

۱ــ مرآت البلدان یاقوت ص ۲۱۱ ج ۶

۲ــ تاریخ ایران باستان ص ۲۶۶۳ ج ۳

کنندگان بوده وعمل هرقبیلهٔ یك رایت ولوائی داشتند لواء کوچك تر ازرایت بوده است وجمع آن الویه است .

چنانچه شیخ سعدی درپایان دعائیکه درحق اتابك سعدبن زنگی میکند میگوید :

لقدسعدالله نیابه دام سعده   وایده المولی بالویةالنصر

رایت قسمتی‌ازلواء بوده وهرقبیله ازعرب رابتی که ممیز آنها میبود داشتند که زیر سایه آن اجتماع میکردند برای پرچم‌اهمیت بسزائی‌درجنك قائل بوده‌اند زیرا تاپرچم در اهتزاز بوده مایه قوت قلب لشگریان‌شده وچون متزلزل‌میشد اسباب تزلزل‌خاطرقشون میگردیدواگرپرچم‌سرنگون میشد نمونه شکست واسباب فرارلشگریان میگشت ،

دردوره جاهلیت‌کارلواء وپرچم بجائی‌رسید که پرچمداری ازمناصب خاص و موجب افتخاربود وپرچمدار ملقب «العقاب» بود منصب اوشریفترین مناصب دوره قبل‌ازاسلام بشمارمیرفت اعراب ۱۵ منصب رابین‌قبایل بزرك تقسیم میکردند که ازآنجمله پرچم ومنصب‌اللواء بوده وباید قهرمان مردان عرب عهده‌دار این منصب باشد .

چون رایت برافراشته میشد باید همه سلام کنند وتسلیم پرچمدارباشند ونسبت باومطیع و فرماندار گردند .

چون بطرف میدان جنك میرفتند پرچم‌دار اول خارج میشد وافراد درپیرامون آن بوده چون درمیدان جنك جامیگرفتند پرچم درقلب لشگرجاداشت چه فتح وفیروزی یاشکست و تفرقه ازپرچم پدیدار میگردید .

این منصب درجاهلیت مدتی‌باقبیله بنی‌امیه بوده وزمانی برای‌دفع این اختلاف دراندیشه فرو رفتند مدتها گذشت تااسلام دراطراف شام وایران ومصر پیشرفت کردودول وقبایل‌ونژادهامختلف‌شدند وهریك شعاری داشتند که پرچم خودرامزین بشمارخود بالامیبردند **وانواع واشکال پرچم‌هابلند کوتاه - رنگارنك - بانقش - ساده درمیان مسلمین نمودارمیشد وهریك دسته‌ونژاد وقومی پرچم خودرا بنامی می‌نامیدند .**

ابومسلم خراسانی که قیام کردپرچمی بلندنموده که برنیزه بلندی وبدست ابراهیم نامی‌داده که بنام «دانطل» بطول ۱۴ ذراع «۷ذرع» بوده و این پرچم دعوت او بوده پس‌ازآن پرچمی بنام «السحاب» در۱۳ ذراع و۷٫۵ ذرع تهیه کرد آن برای راهنمائی مردم وارتش خود بود.

متوکل عباسی برای بیعت گرفتن لواء وپرچمی داشت که سیاه بوده پرچم عهدوپیمان نامیده میشد ولواء دیگری سفیدرنك داشت که درشهروتشریفات نصب میکردند .

بنی‌عبدالدار- آنها رایت خودرابنام العتاب بپیروی‌رومیان نام گذاشته ومدتی النسرمیگفتند که شعار رومیان بود .

دراین پرچمها رومیان بزرگترین آثاربنا وساختمان خودرا روی پرچم نقش میکردندواعراب هم ازآنها اقتباس کردند ،

پرچم دراسلام

درسیره‌حلبیه که نفیسترین تاریخ زندگانی رسولاکرم‌ص‌وجریان پیدایش وتمدن اسلام‌است«پس‌ازسیره ابن‌هشام» می نویسد غزوه بدر کبری که از قبایلی تشکیل یافته بود دارای ۳ پرچم گردید یکی سفیدرنك که دست مصعب‌بن‌عمیر بود دیگری‌سیاه رنك که بدست علی‌بن‌ابیطالب ها سپرده‌شده

ونام آن العقاب گذاشتند واین پرچم ازپارچه پشم‌وخزی بافته شده بود که روی سرعایشه میانداختند ویك پرچم هم دست انصاربود که آنهم مایل بسیاهی بوده اباسفیان که ازفرماندهان سپاه دشمن بود پرچمی بدست داشت که نام آنهاراهم «رایةالعقاب» گذاشته بود وهمانطور که گفتیم عقاب‌نام عمومی پرچم نزد عرب بود ودراین جنك بجهات تشابه رنك ونام نیروی اسلام بانیروی دشمن درجنك تن‌بتن ومغلوبه بهم اشتباه میشدند .

چون مامون بخلافت رسید وفضل بن‌اسمعیل‌را برامارت مشرق گماشت وریاست حرب وقلم را بدومفوض کرد واورا ذوالریاستین نامید «سنان» نیزه دوسرودوشعبه تعبیه کرد وپرچم خودرا برآن افراشت که یکی سفید ودیگری سیاه بود باری اشکال والوان پرچمها بمرورزمان در اسلام برحسب تمایل خلفا وسلاطین‌اختلاف یافت تابجائی که چون خلافت‌بالعزیز بالله فاطمی رسیدو برای شام‌خروج کرد ۵۰۰ رایت وپرچم داشت و۵۰۰ بوق وآهنك داشت براین‌رایت وپرچمها اسماء خلفاوسلاطین وامراء که فرمانده وفرمانفرما بودند یاریاست قشون را داشته نگاشته ونقش زد چنانچه ابن‌رائق در پرچم خود «الرائقی نقش زده بود .

رنگهای پرچمها

درقبل‌ازاسلام درعرب نسبت بر‌نك پرچمها اطلاعی دردست‌نیست جزرنك «رایةالعقاب» دراسلام پیغمبراکرم‌ص فرمان داد رایت اسلام راسیاهرنك کنند صاحب کتاب آثارالاول مینویسد پرچم سفیدی دراسلام بودتا اندك‌اندك‌اسلام پرچمهای اسلامی الوان‌ورنگهای مختلفی پیدا کرد که‌باختلاف دول اسلامی بود .

پرچم بنی‌امیه برای مخالفت بابنی‌هاشم سرخ رنك بود بنی‌عباس پرچم سیاه انتخاب کردند باحترام پیشوای اسلام و برای ماتمزدگی شهدای بنی‌هاشم وباهمین پرچم بربنی‌امیه می‌شوریدندو خونخواهی میکردند .

بنی‌علوی پرچم‌سفیدشعارخود قراردادند ـ بنی‌هاشمیون‌وطالبیون که بربنی‌عباس‌خروج کردند پرچم‌سفید انتخاب کردند وبنام «المبیضه» بالامیبردند .

بنی‌هاشم ودعاة شیعه رنك‌زرد را برای لواء خودبرگزیدند چنانچه مامون پس‌ازبیعت گرفتن ازمردم بولایت عهدی «حضرت امام‌رضا علیه‌السلام» فرمان داد قشون پرچم سیاه برافرازند و لباس سبز بتن کنند وچون ازبیعت عدول کرد همان رنك سیاه راحفظ کرده وشعارقرارداد .

ملوك بربردرمغرب چون ثروت بسیارهم داشتند رنك ثابتی اتخاذ نکردند بلکه برپارچه های حریرمخصوص که بالوان مختلفه بافته شده بود اززرخالص نام خودرا نقش میکردند :

دراندکی پرچمی‌ازحریرسرخ رنك مطرز بنقوش‌جمیله‌زیباو آیات قرآن داشتند که گوستاولوبون برایةالموحدین نامیده است .

پرچم الوان

در کتاب اولین امارت شیعه مینویسند:

اولین دفعه که بیرقهای الوان بکاربرده شد نماینده‌امارت هجده ماهه شیعه بوده و ارتباط تام وتمام بایران و افکار ایرانیان قدیم داشت .

بشهادت تاریخ بیرقهای بنی‌امیه سیاه بود و اولادزبیرهم بعداز تسلط برحجاز ویمن وعراق‌عرب «بین فوت یزید وجلوس عبدالملك» همان رنك را اقتباس نمودند .

جمعیت شیعه که در کوفه اغلب هم ایرانی بودند هنگام انقلاب بنام خونخواهی حضرت حسین بن علی الشهید ع برای اینکه شناخته شوند بیرقها را سبزوسفید و سرخ یا از دورنك ویاسه رنك فوق انتخاب نمودنـد ـ و بعقیده نگارنـده استعمال بیرق سه رنـك فعلی ایران از همان زمان منشاء گرفته است .

پیشوای این انقلاب وموجداین پرچم مختاربن ابوعبیده ثقفی بود که پدرش و چهار برادرش درجنك حلوان بوسیله فیلهای جنگی ایرانیان کشته شدند وبپاس تقدیر ازاین جانفشانی خلیفه دوم مختاررا بحکومت مدائن برگزید وتحت جماعت عمویش سعدبن مسعود که یکی ازرجال عالی‌همت شیعه است درمدائن حکمرانی مینمود . ۱

شیروخورشید درپرچم ایران

گفتیم که دراسلام پرچم سه رنك برای اولین دفعه ازطرف فرقه شیعه بسر کردگی مختاربن ابی‌عبیده ثقفی وهواخواهان‌ایرانی پرچم‌سه رنك بوجودآمد وبرافراشته گردید وانتخاب این‌پرچم برای آن بود کـه با هواخواهـان بنی‌امیه و هواخواهان زبیر اشتباه نشوند .

رنك این پرچم بانتخاب ایرانیان بود که هم اکنون باقی است اماشیروخورشید سرخ ازچه ـ زمان برآن‌نقش شده‌محتاج بتحقیق بیشتری است ناگفته نمیتوان گذاشت که ایرانیان قدیم‌زرتشتیان که آتش وآفتاب رامحترم میدانسته خورشید راروی سکه‌ها وپارچه‌ها نقش میزدند که نماینده‌قدرت ودرعین‌حال‌عقیده آنها باشد .

اما ازقبل‌ازاسلام آنها چیزی دردست نیست ولی محقق است که چون خورشید درخشان ترین جرم آسمانی وپادشاه ستارگان بود و ایرانیان قدیم چنانچه جد وعموی ابراهیم‌خلیل درسرزمین مکه وآشور بودند وخورشید را احترام میکردند و بتها را ازصورت خورشید میساختند وحتی‌خود ابراهیم هم‌بنابروظیفه ورشد توحید اول ستارگان رامعبود خود شناخت وبعدماه و سپس خورشید را وچون افول کرد گفت **انی لااحب الافلین شیرهم پادشاه حیوانات است و دلیرترین همه درندگان ودرنظرمردم بسنگینی وپابرجائی وصولت وصلابت وقدرت وقوت موصوف** است ـ ایرانی هم بنابرداستانهای تاریخی رستم وسهراب وامثال این حکایات بقهرمانی وپهلوانی و جرئت وجسارت شهرت ملل عالم بود ازاین دوجهت شیروخورشید رابرای نقش بردرفشها وسپرهاو ابزار واسلحه جنك زیباترین وبارزترین معرف شهامت وقدرت خود میدانستند نقش نمودند وبعدها برروی سکه‌های زروسیم وکاغذ وغیره نقش زدند .

درتاریخ‌ارمنستان ۱ وتاریخ مردم ارمنی۲ ایران قدیم ودواوین شعرا و ادبیات پهلوی قدیم شواهد تاریخی براین امردردست است که مورد بحث مانمیباشد .

دراسلام نقش شیردرروی سکه وپارچه معروف و معمول بود حتی‌برسنگها حجاری میگردند و سکه‌های فراوانی که ازدوره مغول ببعد دیده میشوداکثر نقش شیربران است و شعرانیز ازاین نشان

۱ـ اولین امارت شیعه تالیف دوست محترم آقای علی‌اکبرتشیدمدیرمحترم تاریخی

۱ـ ص ١٦٤ ج ۳ تالیف چامچیان

۲ـ تالیف دومرگان

ملی شواهدی آورده‌اند چنانچه مولوی فرماید -

ماهمه شیریم شیران علم حمله‌مان ازباد باشد دمبدم

وازرقی شاعرعصرسلجوقیان گوید:

پلنك وشیر بجنبند برهلال علم چنانکه شیرعلم روزباددرخفقان

ازاین اشعاروهزاران اشعاردیگرشعرای ایرانی معلوم میشود که صورت شیروخورشید وپلنك وهلال در پرچمهای اسلامی ازاوایل صدراسلام سابقه‌داشته‌است.

وفردوسی درباره‌درفش کاویانی گوید :

یکی زردخورشید پیکردرفش سرش ماه زرین غلافش بنقش

زده پیش او پیل پیکر درفش بنزدش سواران زرینه کفش

درفشش ببین اژدها پیکراست برآن نیزه برشیرزرین سراست

درفش پس پشت پیکر گراز سرش ماه سیمین و بالادراز

همه این شواهدتاریخی نشان میدهد که برسرنیزه های آهنین پرچمهای الوان بود که برآنها نقش شیروخورشید بسته ودراهتزاز میگذاشتند دراسلام برخی بعلل‌اهتزاز از خورشیدپرستی مردم عکس شیررا تنها گذاشته که نشانه پهلوانی‌است وخورشیدرا نمیکشیدند وبعضی بعلل امتیازملل‌ازهم نقش شیرویاخورشید یاماه یاستاره یاپلنك وغیره میکشیدند .

ابن عبری مورخ معروف در کتاب (مختصرتاریخ‌الدول) ۱ مینویسد غیاث‌الدین کیخسروپسر علاءالدین کیکاوس که ازپادشاهان آنخاندان ودومین کیخسرو ازایشان است ودرسال ۶۳۴ هجری بجای پدر بپادشاهی یافته بود او دختر پادشاه گرجستان رابزنی گرفت‌وچون این پیوند باغیرمسلم‌بود چنین اندیشیدند که صورت شیری نگاشته وروی چمن خورشیدآن شاهزاده زیبارا برفراز آن نقش کنند که هم دلخواه کیخسرو انجام گرفته وهم مردم پی‌بحقیقت امر نبرده ومقصودرا نقش‌صورت طالع پادشاه تصور کنند واین‌نقش برسکه‌های آن عصرموجود است ۲

بنابراین درقرن هفتم شیروخورشید بهم‌پیوسته نقش بربیرق سه رنك ایران شد واز دوره صفویه نشان رسمی کشورایران گردید وروی فلزات سکه زدند وهم اکنون معرف ملت ایران‌است ۳

بااین بیان پرچم سه رنك شیروخورشید سرخ نمونه سربفلك برکشیدن سلطنت و پهناوری و پرتوافکنی ایران بزرك باستان که سرتاسردنیارا درزیرنفوذ داشته وهمچنین دراسلام برعالمی‌پهناور سلطنت داشته وچون شیرقهرمان باصلابت ومهارت برهمه ملل برتری ورجحان یافته ولباس غضب که نمونه غیرت وهمت‌وعظمت است بخودگرفته است .

اقتصاد دراسلام **اصل مالکیت تعارض‌دوقانون سلطه ـ ولاضرر . اصول اقتصاد . اقتصاد در تمام شئون زندگی . همکاری ملل اسلامی، ارتباط ملل اجباری . ملل‌اسلامی . بازارهای عمومی جهان . کنگره اقتصادی . تاثیرروابط بازرگانی مسلمین درجهان .**

پس‌ازپیدایش بشرحس احتیاج‌اورابکار وفعالیت ودخل وتصرف‌درمواد اولیه جهان طبیعت‌واداشت

۱ـ ص ۴۴۷ چاپ‌بیروت تاریخ ابن‌عبری

۲ـ تاریخچه شیروخورشیدسرخ ص۱۶

۳ـ روضةالصفویه

تاازآب وخاك بكمك نور وهوا اول مسكنی بسازد وقوتی بدست آورد ـ حاصل کار محصول زحمت بشر را مال گویندونسبت کاررا باموجودات مالکیت نامند. گفته‌اند .

ملکیت یامالکیت رابطه‌ایست بین‌شخص ویك‌شئی که آندورا بهم مربوط میکند البته این‌ربط بمحض تحقق طرفین نیست بلکه حصول آن محتاج بدلیل است یعنی چون بشر بوجودآمد- عناصرهم وجود داشت دراثرکاراشیائی منتسب باشخاص شد ـ البته این رابطه درمورد زناشوئی اطلاق نمیشود زیرازن ومرد دوموجودی هستند عاقل‌وبالغ وآزادومتفکرومالك ومختاز هستند ولی ربط آنها بوسیله عقد وقراردادی تحقق پیدامیکند .

درهرحال مالکیت یك اصل‌مسلم غیرقابل انکاراست که تحولات تاریخی آن در کتب مربوطه ثبت است ومالکیت گاهی بصورت مالکیت شخصی ومدتی بصورت مالکیت نوعی واجتماعی حکومت داشت تااسلام پدیدآمد ومالکیت فردی وشخصی را روی اصل«الناس‌مسلطون علی‌اموالهم» مسجل وامضاء فرموده ،

یك قانون دیگری هم دراسلام هست که آن اصل‌لاضرر ولاضرار است که گاهی مالکیت و سلطه بالاضرر تعارض پیدامیکند واین تعارض بیشتردراموراقتصادی اجتماعی ملل صورت میگیرد که درفقه اسلام بطورمشروح فروع تعارض این دواصل حل شده است و چون ما کتابی دراین موضوع نوشته‌ایم اینجا موردبحث نیست ـ واین مقدمه رابرای آن آوردم که عرض کنم اقتصاد در تمام شئون زندگی بشرقهراً و طبیعة ضرورت دارد واسلام هم که دین‌طبیعی واجتماعی ودین عقل‌وخرد است اصول‌اقتصاد را درتمام موارد زندگانی‌اعاشی ومادی ازیکطرف ودرمعنویات و روحیات ازطرف دیگرمورد توجه قرارداد وروی آن قانونگزاری کرده است .

اسلام پایه حیات وزندگی راروی اقتصاد برده واقتصاد که تجارت نمونه بارزآن است ازارکان عوامل اجتماع شناخته است ،

هرمتفکر وخردمندی‌اگر بنظردقت وتحقیق یاتدبیروحسن‌نیت درتعالیم موجوده میان بشر توجه کند خواهد دید که ازرمان پیدایش انسان تاکنون قوانین ادیان گذشته وآنچه که تاکنون دردست بشراست وبکلمات‌فلاسفه ودستورات حکماء وعلمای حقوق‌جهان ودانشمندان اجتماع وعقایدفلکیین واطباء وزمین‌شناسان وعلمای طبیعی و ریاضی و گفته‌های سایر متفکرین روشن ضمیر توجه‌کامل کند می‌بیند هم‌آن قوانین‌وتعالیمی که ازمغزبشر تراوش کرده دارای نقایص ومعایبی‌است که بارشد ملی ورقاء مدنی بشری توافق ندارد و درموقع مقایسه اختلاف نظرزیادی بین طبقات آن عقاید وافکار از نظرقانون‌گذاری وجود دارد که تناسب اجرائی درهرعصر نداشته وبهمین‌دلیل منسوخ گشته است و هرزمانی قانونی نووضع شده ؟؟!

همه این قوانین را اگرباقانون اسلام مقایسه کنیم بدون‌آنکه از روی نظرخودخواهی و بیان تبلیغی باشدبشهادت اکثر فلاسفه بزرك جهان و خردمندان روشن ضمیر عالم بشریت اسلام ازنظر **قانونگذاری برتمام ملل وادیان وحقوق وقوانین موضوعه بشری تفوق وتقدم داردو** قانونی است که میتوان در هرعصر بابلندترین سطح اندیشه ورقاء ملی و رشدعقلی بشر آنرا تطبیق کرد و در جامعه بشر هراندازه و هر کجا و بهرنحو و هرصورت باشد زماناً و مکاناً اجرا نمود ـ

خوانندگان یقین کنند که این بیان مبالغه وحماسه نیست بلکه حقیقی‌است که ازروی مطالعه سی‌سال کتب ادیان وقوانین ملل‌متنوعه‌بشری وتطبیق باقوانین اسلام بدست‌آمد وصدها کتاب هم‌شاهد این گفتارازفلاسفه ادیان وملل‌دیگر موجودداریم .

ازآنجمله قوانین اقتصادی اسلام است که برتمام‌قوانین اقتصادی جهان بشری ترجیح‌دارد

قانونگزار اسلام تمام احتیاجات بشری را از نیازهای عقلی - روحی - جسمی - طبیعی - فردی - اجتماعی مورد توجه قرارداد وچون رشد عقلی بشر باید ازراه زندگی
مادی‌وحسن‌اداره امورمعیشت آن در سایه اقتصاد تامین شود و درموضوع اقتصاد بیش ازمسائل دیگر توجه کرده وکلیه فروع این نیازرا بادقت‌کامل آموخته است اسلام سداحتیاج بشرراچنان محکم و آهنین بسته که هرفیلسوف ماهر - هرمکتشف مقتدرهرطبیب حاذق - هرمعلم دانا وهرمربی‌توانا هر قانونگزاردوربین هرقاضی‌مصلح وهرکس که دراجتماع دارای وظیفه رهبری بوده وهست چون دراستان اسلام میرسدناگزیراست سرتعظیم وکرنش خم کنند واعتراف نماید که اسلام ازنظرقوانین احتماعی کاملترین ادیان بشری است .

فقه اسلام‌اقتصاد را ازتمام ملل‌وادیان روشن‌تر ومحکمترآموخته ودرتمام‌مبانی
معیشت وزندگی‌قابل رعایت دانسته که درهرکار بایدرعایت اقتصاد ومیانه‌روی بشود زیرا تمام‌جوانب کارهای مالی رابابنیه‌های اقتصادی وغرائزطبیعی واوضاع سیاسی و جغرافیائی که بهم پیوستگی تام دارد آمیخته ورعایت کرده است وروی دواصل مهم تولید وتوزیع پایه‌های آهنین اقتصاد اسلام را بنا گذارده واستوار ساخته است و مالیات اسلامی‌هم روی همین دواصل است .

این دورکن مهم که پایه‌های اقتصاد برآن استوارشده درهریك از ملل دارای نقیصه‌ایست که تاریخ اجتماعی آنهامظهرنقص اقتصادی آنهامیباشد **ولی اسلام اقتصاد که مایه حیات ملی و علت‌مبیقیه‌اجتماع است براساس تولید و توزیع برده ومالکیت را روی همین دخل و**
تصرف درعناصر وضع کرده وجلب منفعت ودفع ضررا براساس تولید وتوزیع گذاشته وگرنه ماهیت نفع وضررمفهوم خارجی ندارد .

اسلام اقتصاد را در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر برده که مافقط بطور فهرست بیان میکنیم .

اقتصاد درتولید - اقتصاد درتوزیع - آزادی درکاروملك - تحریم‌تمرکز ثروت غیرمملوك بودن اراضی - تحریم جمع کردن ثروت ازراه حرام - حفظ اصول مالکیت فردی - اقتصاد درزمان - اقتصاد درتمام اصول‌محاکمات وقوانین جزائی وحقوقی و مناکحات وتشکیل عائله - اقتصاد درلباس وخوراك وعبادات اقتصاد درحفظ امنیت عمومی درمعاشرت اجتماعی - درتربیت ملی درکسب صنعت وهنر وکاروپیشه درجنك و تبلیغات درآموزش وپرورش وتعلیمات و نشرعلوم که هریك از این موارد براهین و دلائل مستقلی دراسلام‌دارد که دراخبار هم نمونه های آن فراوان دیده میشود

اسلام ازیك طرف مسلمین راباهم برادروبرابر قرارداده وبرای هریك درمقابل دیگری حقوقی مقرر فرموده که هرمسلمان مسئول ادای‌آن است - و صریحاً اعلام فرموده - کلکم راع وکل راع مسئول عن رعیته .

درروایت دیگری فرمود هرمسلمانی رهبرمسلمان دیگری بایدباشد و افراد مسلمین راماننند خشت یك بنا یادانه‌های تسبیح بایك مابه‌الاجتماع محکمی پیوست وپایه‌دوستی آنهارا براساس محبت وحقوق متباداله تحکیم وتشدید فرمود .

دراین قوانین شرقی -غربی- سیاه- سفید- مدنی - بدوی -شریف- وضیع -مالك مملوك- قرار نداد .

بلکه تمام مسلمین دربرابر قوانین مواسات وبرابری دارند وهرکس تقوای اوبیشتر مقرب و نزدیکتر بآستان قدس ربوبی است .

بنابراین امروزکه ۱۶ کشور مسلمان جهان بهم‌نزدیك شده‌اند وبیش‌از ۳۰۰ ملیون مسلمان درده ملیون کیلومتر مربع زندگی نزدیکی باهم‌دارند شایسته است ازاین قوانین متین وازاین‌مابه الاجتماع وعوامل وحدت ویگانگی استفاده کرده مبانی دوستی خودرا روی تبادل احتیاجات فردی و ملی که دست قدرت پروردگار بقدر کافی در اراضی آنها بودیعت‌بازنهاده استفاده کنند و دستور **صریح قرآن را درابتکار کشف‌وابداع و اختراع واستخراج مواد و استخدام عناصر** بکار برند ومنابع وکانها ومعادن رابانیروی دانش‌وبینش وآموزش وپرورشی که در اسلام چهار قرن سابقه داشته استخراج کنند واز آب‌های فراوان وزمینهای مستعد ومهیا ومردان غیور وسلحشور و باسلیقه وذوق ومهارت استفاده نمایند وازاجانب قطع‌احتیاج نمایند.

قرآن صریحاً دستور میفرماید ای‌مسلمانان جهان **ولا تهنو اولا تحزنو اوانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین .**

ای پیروان اسلام سستی‌وتنبلی‌یأس‌و نومیدی‌و غفلت وخواب خرگوشی را کنار بگذارید محزون ومغموم نباشید آلت دست بیگانه نشوید شماهستید که میتوانید سیادت دنیارا احرازکنید وبرجهان آقائی و حکومت نمائید اما بشرط آنکه ایمان داشته باشید ایمان بخدا ایمان بپیغمبر ایمان به سزا وجزا - اگر آموزش وپرورش اسلام رابااین‌رویه‌بکاربردید آنوقت‌است که‌میتوانید مانندمسلمین قرن چهارم که‌میگفتند.

مائیم که از پادشهان باج گرفتیم — زان‌پس که ازایشان کمروتاج گرفتیم
دیهیم وسریر ازگهر وعاج گرفتیم — اموال و ذخایر شان تاراج گرفتیم
وز پیکرشان دیبه و دیباج گرفتیم — مائیم که از دریا امواج گرفتیم
و اندیشه نکردیم زطوفان و زتیار

درچین وختن ولوله از هیبت ما بود — در مصر وعدن غلغله ازشوکت مابود
دراندلس و روم عیان قدرت ما بود — غرناطه و اشبیلیه در طاعت ما بود
صقلیه نهان در کنف رأیت ما بود — فرمان همایون قضا آیت ما بود
جاری بزمین وفلك وثابت و سیار

خاك عرب‌از مشرق اقصی گذراندیم — وز ناحیه غرب بافریقیه راندیم
دریای شمالی رابر شرق نشاندیم — وزبحر جنوبی بفلك گرد نشاندیم
هند ازکف هندوچین ازترك ستاندیم — مائیم که از خاك برافلاك رساندیم
نام وهنر و رسم کرم را بسزاوار

امیدواریم رجال ممالك اسلامی- رجالی که استطاعت اجرای قوانین اسلام رادارند در کنفرانس های اسلام بازار های عمومی جهان را از ترشحات سر پنجه نیرومند و سلیقه و ذوق ومهارت قدرت مسلمین توده وانباشته نمایند واین بزرگترین خدمتی است که درشئون اقتصادی میتوان کرد وبنیه اقتصادی مسلمین رابراساس تولید وتوزیع استوار کنند و روابط بازرگانی و تجارت رابین ممالك اسلامی وبرادران اسلامی براساس تقوی وپرهیزکاری وبرادری وحقوق متبادله دوستی ومودت وتحکیم وتشدید نمایند تاهزاران استفاده های سیاسی واجتماعی دیگر درسایه این کنگره عظیم اقتصادی بنمایند وتشکیل روابط بازرگانی رامخصوصاً درکنگره حج تثبیت کنند که همه ملل مسلمان جهان از آن براصل برادری وبرابری استفاده نمایند.

ثروت در اسلام

اسلام برای اصلاح امور بشر ازراه تدین وایمان وکردار واطاعت وازراه عقل وبرهان وپندار ووجدان و از راه حکومت بعدل و قوت ازراه تکامل نفس انسانی برعظمت ونصیحت و ازراه تعدیل قوانین اجتماعی واقتصادی و مواساة ومواخاة درحقوق زن ومرد قدمهای بلندی برداشت که فوق آن متصورنیست وچون این مبانی براصل توانائی وتوانائی روی تمکن مالی وثروت ومنافع مشروع استوار است اسلام هم عبادت را دوقسم کرد ۹ جزو آنرا تحصیل رزق حلال ویك جزوعبادات دیگر قرارداده برای طرق کسب مال ورزق حلال وبدست آوردن ثروت ومنافع قوانینی وضع کرده تابشر اعتدال وسلامت وسعادت خود را ازدست ندهد.

اصلاح امورزندگانی فردی واجتماعی بشر وحفظ بهداشت وطی مراحل کمال ورفاهِ ملی بافقدان ثروت یاضعف بنیه مالی غیرممکن است وچون کلیه لذات زندگی جز بهمدستی عقل ودین دانش - حکمت - قدرت ثروت میسر نیست ولذا درملل راقی جهان قبل از هرچیز واقدام بهرکار بودجه و اعتبار مخارج انکاررا تامین وپایدار میکنند درقرآن درباره ثروت وغنی ۱٤ آیه نازل شده

قرآن نیزاموال رابنام آزمایش دردسترس بشرقرارداده زیرادارائی دراین جهان بهترین وسیله آزمایش نیکی وبدی است وبهترین سنك محك وجودبشری است که میفرماید «انمااموالکم واولادکم فتنه» این آزمایش که زینت زندگی مادی این جهان است مطلوب هربشری است تاجائی که برخی گمان کرده اند سعادت وخوشبختی یعنی ثروت وبرای بدست آوردن این مال ومنال ازهیچگونه عمل خوب و بد وزشت وزیبا خودداری نمیکنند یکی از ارگان اجتماع ثروت وتجارت است که اکثریت بشر بدین رکن اشتغال دارند وامرارمعاش میکنند وبرخی حتی نفهمیده اند که بقول سعدی :

خوردن برای زیستن پخش کردن است / تومعتقد که زیستن از بهرخوردن است

اسلام هم بیشترازهرچیز درقانونگزاری خود که بفقه معروف است درکسب وتجارت - مرابحه مضاربه - مزارعه ودادوستد وغیره کتبی بجاگذاشته است وعلماءِ وفقهاسالها بلکه قرنهابرای رهبری وراهنمائی بشر باین حقیقت سعادت انگیز تحمل رنج ومشقت نموده اند تاراه راست را بجهانیان ارائه داده وهرمسجد ومدرسه ومکتب دینی مسائل ضروری یومیه مسلمانان موردآموزش و پرورش بوده و و هست و قبل از همه گفته اند « الفقه ثم المتجر » اول فقه و علم بروش کسب و تجارت پس ازآن شروع بتجارت.

ملل اروپا اخیراً درباره ثروت وبودجه ومال ومالکیت کتبی نوشته‌اند و مباحثی گفته‌اند که هیچ شباهت بقانون اسلام ندارد .

اسلام میگوید «لتبلون فی اموالکم وانفسکم» سوره ۳ آیه ۱۸۶ ـ مال ونفوس بشردرراه تکامل وسیله آزمایش قراردادیم.

و درسوره سلیمان وتغابن و کهف درباره پیغمبران گذشته وسلاطین معاصر آنها این حقیقت با بیانی شیوا تشریح شده‌است که میفرماید .

المال والبنون زینة الحیات الدنیا والباقیات الصالحات خیر عند ربك ثواباً وخیر املا

سوره ۱۸ آیه ۴۶ انفاق مالرا درراه خدا وبذل آن را برای خدا درراه خدمت بخلق تعریف کرده مردم را بآن ترغیب میفرماید .

درسوره بقره ۱۹۲ ـ سعادت را انفاق مال درراه مشروع معرفی کرده وجمع و تمرکز آنرا موجب بدبختی وشقاوت دانسته ،

«وانفقوا فی سبیل الله ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکه»

درسوره لیل میفرماید که : فامامن اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره للیسری واما من بخل واستغنی وکذب بالحسنی فسنیسره للعسری ومایغنی عنه ماله اذاتردی

درآیات دیگر میفرماید دارائی نبایدموجب سرکشی وغرور بشودوبلکه اعطای مال برای خدمت بجامعه است وآنچه موجب خشنودی خداوند میگردد بذل مال وانفاق فی سبیل الله است وآنگاه وعده میدهد که هرکس مالی درراه خدا انفاق کند ده تادویست برابر خداوند باو عوض میدهد و چه اندازه بخل وخودخواهی و خودنمائی درداراِئی رامذمت کرده است .

اسلام دربیان مال مدح ثروت کرده وسعادت ورفاه ملی رادربدست آوردن مال حلال وبذل و صرف درراه خدمت بخلق مقررنموده است وچون ثروت و مال ناموس طبیعی است تمام مردم جهان از هرملت وهردینی وآئین باشند دروسایل روزی و بدست آوردن دارائی دردنیا شریك هستند و همه در کسب بین پیشه آبادی وبازرگانی پشتیبان هم هستند ورشته اموری دنیائی باهم مرتبط وپیوسته است درقرآن میفرماید ؛

کلانمد هولاء من عطاء ربك وماکان عطاء ربك محظوراً

یعنی بخشش خداوند نه بکسانی که لذت دنیا را میخواهند ممنوع است نه آنهائی که ازآن طالب سعادت وخوشبختی آن هستند و فقط برتری که این دوفرقه هم دارند طرز استعمال دارائی است مانند صرف درراه مشروع یا صرف لذت و شهوات نفسانی و اسراف در آن که موجب حق ناشناسی و نکوهش برکت موجب کسر مال است لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید

اسلام زینت وخوشی راحرام نکرده ولی برای آن حدی قائل شده ـ خوش گذرانی را تاحدی که موجب اسراف نشود اجازه داده ومباح دانسته میفرماید :

قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق الخ

اسلام آموخته که بایددارائی رانگاهداری کرد وازتباه شدن واسراف آن جلوگیری کرد وخود را بهلاکت نینداخت اعتدال ومیانه روی را درنظر گرفت در صفت مومن فرمود : والذین اذاانفقوالم

یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلك قواما سوره ۳۵ر۶۷

دراین آیه مردم را ازاسراف وتبذیر یا امساك وگرد کندن مال منع میکند وصفات میانه روی را میستاید قرآن مبذرین را برادران شیطان میخواند ـ وبدترین صفات راخوی اسراف وتبذیر میداند .

اگر مسلمین درآیات اقتصادی اسلام که سراسر حکمت وفلسفه ومصلحت است دقت کنند می فهمند که باراهنمائی قرآن تمام کتب اقتصادی درطرق نگاهداری ثروت خوشه چین آیات قرآن است واسلام ازکلیه کتب آن بی نیاز میباشد .

اینموضوع دامنه درازی دارد که باید چگونه کسب کرد وچه جورانفاق نمود وباید بکتب فقه و تجارت مراجعه کرد وکتب اقتصاد ملل اروپا را هم خواند تادید اسلام چه عظمتی در اقتصاد خود دارد .

اسلام انفاق مال را پس ازتشویق بدست آوردن مال حلال ستایش کرده که نمونه ایمان قرارداد حیات وزندگی ملیت وقدرت ونیروی دولت وسعادت بشری رادربذل وانفاق واکرام واطعام وبخشش جاداده است وفرموده است .

انما المومنون الذین امنوا بالله ورسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله اولئك هم الصادقون

سوره ۴۹ آیه ۱۴

جهاد وبذل دارائی را درصحت واستواری ایمان وتصدیق مدعی آنرا مقدم برجهاد وبذل نفس آورده وازهمین آیه اهمیت بذل مال معلوم میشود ودرآیات دیگر که تعریف بر واحسان رامیکند همیشه برونیکوئی رانشانه ایمان وملازم تقوی دانسته است فرموده :

تعاونوا علی البر والتقوی چنانچه عدل واحسان را هم بهم مزین کرده است مثل اینکه بربدون تقوی اجابت امررا نمیکند و احسان و عدالت بهم آمیخته وغیرقابل تفکیك است.

دربرخی آیات هم بذل مالرا بپاس دوستی حق تمجید کرده که میفرماید بذل کنید مال خودرا آنچه که بیشتر دارید وپاکترین وخالصترین اموال شما باشد درراه دوستی خدا که« **لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون**» آنگاه میفرماید این مالرا باحترام دوستی پروردگار بتهی دستان زیر بدهید و « یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً و اسیراً » وقتی دراسباب نزول این آیه مطالعه میکنیم میبینیم که چون خاندان رسالت(علی ـ فاطمه ـ حسن وحسین) بانهایت احتیاج بغذا درحال روزه سه روزمتوالی افطار خودرا بمسکین ویتیم واسیر ایثار فرموده واین آیه درمدح وتبعیت آنها ودرعین حال برای راهنمائی بشر نازل شده است ۱

ثروت دولتهای اسلامی

آثار ظاهر هرتمدن میوه های آن است که نصیب افراد آنملت گردد ـ هر کجا تمدن قوت گرفت ـ علم وثروت ـ جلالت ـ سیادت ادب . صنعت ـ تجارت ـ نظام هیئت اجتماعی وآداب ملی وشئون قومی مظاهر تکامل خودرا بروز میدهد .

جرجی زیدان میگوید حقیقت تمدن آن خیر یا شر یست که ازخوشبختی یا بدبختی اشخاص که درسایه آن تمدن بوده اند بدست می آورند .

---

۱ ـ وحی محمدی ص ۳۲۱ ـ تفسیر صافی

نویسنده میگوید تمدن حقیقی آن‌است که پایه تدین استوارشودوهرچه دارد خیرمحض وخوشی تمام باشد زیرا دین قبل‌ازعلم وتمدن بر بشرعرضه شده وهمدوش باخلقت بوده است واگر تمـدن براساس دین بناشود سرتاسرخوشی وموفقیت وثروت وعلم وفضیلت بوجودخواهد آورد .

تمدن اسلام‌روی این‌حقیقت استوار گشته ولذا محصول آن ثروت‌وعلم وادب وصناعت وتجارت ونظام هیئت اجتماعی و آداب و رسوم و شئون ملی پدید آمد واکنون راجع بثروت دولت اسلام سخن میرانیم ،

برای بیان ثروت اسلامی باید بدایتاً نکاتی‌رادرنظر گرفت که ازآنجمله مصادرثروت- موجبات ایجادثروت - تقسیم وتوزیع‌ثروت‌وتوجه‌باینکه درهرعصری ثروت بافرادی اختصاصی داشته یامنحصر درحکومت ورجال دولت بود وملحقات این ثروت که درحقیقت وصف و تعریف آن است ازشهرها و ابنیه‌های مرتفع وکاخهای مجلل ودهات‌آباد وقنوات‌وباغات وغیره که چون اکنون‌محل بحث‌ما نیست دراین جهات صحبت نمیکنیم فقط راجع باهمیت ثروت مسلمین وطریقه پیدا کردن وتقسیم وتوزیع آن دردولتهای اسلامی میپردازیم ،

مملکت اسلامی و دولت اسلامی

چون بحث روی‌ثروت است باید گفت مملکت اسلامی‌غیرازدولت اسلامی است زیرادولت اسلامی عبارت ازهیئت حکومت ورجال حاکمه بوده اما مملکت اسلامی مرادشهرها واهالی آنهاست و لذا دربیان سخن باید ثروت دولت اسلامی را ازثروت مملکت اسلام تفکیك کنیم‌ودرباره‌هریك‌ازاین‌دو باعتبار اعصاری که درآن دولتها‌حکومت‌میکردند‌بپردازیم‌وناگفته نباید گذاشت درتمام اعصارممالك اسلامی ثروتمندترین دولتهای اسلامی دولت بنی‌عباسی آنهم در عصرهارون ومامون نهایت قدرت وقوت و تمکن راداشته‌اند .

ثروت اسلام درعصر پیغمبرص

اکنون درباره ثروت و اقتصاد اسلامی سخنی نداریم زیرا در این باره رسالهٔ جداگانه نوشته‌ایم که برخی مقالاتش در مجله خرد منتشر شده .

اینك اگر مراد ازثروت زیادتی دخل برخرج باشد یامقصود مالی باشد که پس‌ازمصارف ونفقات درخزانه دولت باقی‌بماند یابالاتر بگوئیم ثروت عبارت ازبودجهٔ تشکیلات سازمان یك‌دولتی باشد که بعناوین مختلف بنام‌مالیات ازمردم میگیرند ودرخزانه دولت میریزند باشد دولت اسلامی در عصر پیغمبر ص دارای هیچ‌یك از این نحوه‌ثروت ها نبود.

درعصر پیغمبر ص دولت اسلام براساس ایمـان و اخوت سازمـان خودرا تشکیل داده وروی عقیده وایمان بدعوت بشربتوحید قیام کردند وجهاد نمودند و غنائمی بدست آنها افتاد کـه قرآن تکلیف آنرا روشن ساخت .

دولت پیغمبر اسلام بهیچ وجه ثروتی نداشته بلکه اموال بیکران حضرت خدیجه کبری را هم‌صرف پیشرفت امور دین کرده وهیچ‌نوع مال‌واموالی باقی نمی‌مانده وچون بمدینه آمدند وفرمان جهاد دریافت کردند وغنائمی پس‌از فتح‌بدست آنها افتاد بلادرنك فی‌المجلس بهرهٔ مسلمانان را میدادند ودرمیان مسلمین همانطور که قرآن تصریح فرموده تقسیم میکردند بیت‌المال وخزانه‌وجود

نداشت وثروتی تمرکز نمی‌یافت وصدقات راهم مابین اهل استحقاق متفرق وتوزیع میکردند واگر چیزی باقیماند زیرنظر شخص پیشوای اسلام بود تامستحقی پیداشود باوبدهند یاصرف امور خیریه وپیشرفت مسلمین بنمایند.

حضرت رسول ص شخصاً خود مقسم ومتولی تقسیم صدقات بود و اکثر اموال صدقه از گاو و گوسفند وشتر واسب جمع آوری میشد وآنهارا باداغی که مخصوص صدقات بود داغ ونشان میکردند تااز دیگر مواشی امتیاز داشته باشد.

پس ثروت دولت در زمان پیغمبر ص عبارت از باقیمانده زکوة بود که سرزمین مخصوص چراگاه آنها بود.

درزمان پیغمبر ص شماره صدقات بچهل‌هزار رأس رسیده بود که مرکب ازاسب و اشتر بود و اگر وجه نقدی درصدقات بود بمصرف جنگهای متوالی و پی‌درپی که درظرف ۱۰ سال ۸۴ جنگ کردند میرسید یابرای نگاهداری بینوایان و درویشان و اهل صفه و حاملان جمع آوری صدقات مصرف میشد.

این همه جنگهای متوالی که درواقع هریك ماه ونیم یکجنگ معدل جنگهای ۹ ساله پیشوای اسلام میشد وبرای این جنگها بودجه وارتش وسازمان و ستادی نبود بلکه چون جنگی پیش‌می‌آمد شخصاً پیغمبر آماده‌میشد ویافرمان میداد ومسلمین باتمکن خودموجبات واسلحه جنك راتهیه‌وجمع میشدند و جهاد میکردند وفتح‌هم باآنها بود.

مسلمین کمتر مهاجم بودند بلکه بیشتر مدافع شدند ولی در دفاع فتح نهائی همیشه باآنها بود و پیغمبر ص در ۲۶ غزوه شخصاً جهاد فرمود و بقیه را فرمان می‌داد ثروت دولت اسلام در عصر پیغمبر ص مفهوم خارجی نداشت جزآنچه گفته‌شد مفهوم حقیقی کلمات اخوت و برادری - مساوات ومواسات - عدالت اجتماعی درتمام شئون مالی ومادی وعواطف و روحیات و احکام مظاهر خودرا نشان‌میداد.

ثروت دولت اسلامی درعصر خلفا

پس‌از آنکه پیشوای اسلام رحلت کرد و اختلاف بین مسلمین ایجاد شد و سقیفه بدیدآمد خط سیرمسلمین مختلف‌شد معذلك عصر دادگری و پرهیزکاری بود که دولت‌خلفا براساس قانون و عدالت و استقامت و غیرت حقیقی دینی و ترك دنیا استوار گشت و جریان یافت وخود مسلمین آن عصر را ازنظر بسط عدالت تقدیس کرده‌اند.

ازحضرت امیرالمؤمنین علی‌ع هم‌روایت میکنند که فرمود در دوره خلفا ظلم فقط بآن حضرت میشد که غصب‌حق اورا نمودند:

واگر دولتی ازدولتهای اسلام ازجاده حق‌منحرف میشدعموم مسلمانان ازدرمطالبت برمیآمدند وجدا خواستار اجرای حق و عدالت بودند و تکلیف می کردند که باید برسیره پیغمبر یا خلفا سیر نمایند.

دراخبار حکومت‌خلیفه دوم می‌بینیم که چون خواست انحراف جوید یکی‌از مسلمین باو گفت باشمشیر برهنه ترابراه راست هدایت میکنم.

بیت المال

پس از رحلت رسول اکرم ص فتوحات اسلام شروع و قوت گرفت و غنائم زیاد شد و فزونی اموال مردم را بوحشت انداخت که چه کنند .

جرجی زیدان مینویسد گویند ابوهریره ازملك بحرین مالی برای عمربن الخطاب آورده بود عمر ازاو پرسید که هان‌چه بیاوردی گفت پانصد هزاردرهم عمرتعجب کرد و گفت آیا خودمیفهمی چه‌میگوئی گفت آری‌پانصد هزار درهم کرت عمر بمنبر آمد و گفت هان ای مردم مسلمان مالی بسیار از بهرما فراهم رسیده هم اکنون اگر خواهید آنرا باپیمانه درمیان شما تقسیم نمائیم اگر خواهید برشماریم.

در اینموقع ناگزیر برای اولین بارهم بیت‌المال فراهم شد وهم‌دفتر وضع کردند ومبداء تاریخ راگرفتند.

دراین دفاتر عطای هریك‌نفر مسلمان راباعتبار سابقه اسلام و خویشارندی باپیغمبر ص مقرر داشتند ولی‌از نگاهداشتن اموال وتهیه خزائن نهی‌میکرد تایکی ازمسلمین بااو گفت اگر دربیت‌المال چیزی ازاموال باقی بگذاری چون حادثه روی نماید ذخیره موجود باشد وبکار آید عمرآن شخص‌را از پیش راند و گفت این شخص شیطان است برتو فرار آمده و خدای‌مرا ازگزند آن محفوظ بدارد.

من‌از حادثهٔ که پدیدآمد جزفرمانبرداری خدا و پیغمبر چیزی ذخیره ننمایم واو خود ذخیره مابود وهرچه یافتم بدو یافتم.

دیوان محاسبات اسلام درعصر خلیفه‌دوم برقرار ومقرری عاملان وقاضیان معین‌گردید اما از ذخیره کردن مال و گرد آوردن املاك وزراعت وتراکم‌ثروت‌منع وتحریم کرداضافه‌بندگان‌وچارپایان و وجوه نقد را بخودش تعلق‌میداد و برای آنها مقرری وضع میکرد (۱)

ثروت خلفا و عمال آنها

خلفا شخصاً درطلب ثروت نبودند زیرا ابوبکر که درگذشت از مال دولت درنزد اوچیزی نیافتند بجزیك دینار که ندانسته بر زمین افتاده‌بود او هرچه بدستش میرسید به‌تساوی بین مسلمین تقسیم میکرد .

ابوبکر اموال خودرا هم که قبل‌از اسلام داشت بنقل جرجی زیدان درراه خدا انفاق کرد و چون مرض موت رسید وصیت کرد تازمینی که ملك شخصی‌او بود بفروشند ودرمقابل مقرری که از مسلمین گرفته بود بپردازند ودو جامه داشت که وصیت کرد آنرادو کفن‌او کنند،

روش عمر خلیفه دوم ازنظر ثروت اسلامی

خلیفه دوم اساس دولت اسلامی برپایه های آهنین سلطنت‌نهاد وبرداد گری و پرهیزکاری میرفت فتوحاتی که درعصر او رخ داد کشور پهناور اسلامی را رونق داده وثروتمند ساخت وبسبب آن فتوحات اموال وذخایر بی‌شماری مانند آب ناودان بسوی بیت‌المال مسلمین جاری گردید بااین ثروت عمر توجهی بدان‌نداشت وجز رسوم‌مقرره خود نمیگرفت اگر وقتی خرجش زیاد میشد یااحتیاج بیشتری پیدا میکرد نزد رئیس بیت‌المال می‌رفت و از او بعنوان وام‌وقرضه مبلغی میگرفت .

۱ـ تاریخ تمدن‌جرجی زیدان ص ۸ ج ۱ .

چون باخنجر اورا ازپای درآوردند ودانست که خواهد درگذشت بپسر خود گفت من هشتاد هزار درهم ازبیت‌المال قرض کرده‌ام وبعنوان مقرری خود بسلف گرفته‌ام ووامدار خزینه هستم آن مبلغ را باید از مقرری فرزندان من ادا کنی و اگر رسوم ایشان وفا نکند از مال تمامی آل خطاب بپردازند .

بیت‌المال مسلمین وثروت این دولت بقدری زیادبود که همه‌عرب درشگفتی فروماندند - عمال دولت اسلامی همچنان مانند خلفا اهل زهد و تقوی وعدالت وبی‌نیاز بودند.

منویسند عمرشخصی راعامل شهر حمص نمود نام‌او عمربن سعدبود پس‌از یکسال خلیفه نوشت بمدینه باز آی چندی گذشت که مردی پیاده - پابرهنه عصائی بدست داشت و انبانی توشه و ابریق آفتابه وکاسه چوبین برپشت داشت وارد برخلیفه‌شد.

عمر پرسید بدیدار ماآمدی یاملك حمص ترا بدآمد- جواب داد مگر خدایت نهی نفرمود که آشکارا بدنگوئی وگمان بدنبری - خودمن باتمام لوازم زندگی دنیا بسوی توآمده‌ام- گفت ازمال دنیا چه‌همراه داری ؟

جواب داد یك‌عصا که بدان تکیه کنم ودشمن خود را دفع کنم وتوشه دانی که خوراك خود درآن گذارم .

پرسید در حکومت خود چه کردی- گفت از صاحبان اشتر اشتر بستدم و از اهل ذمت جزیت **بگرفتم وتمامی آنرا در میان درویشان و بینوایان ومسافران پراکنده ساختم سوگند** بخدای که اگر چیزی باقیمانده بود بهرتو می‌آوردم - عمر چون این‌سخن بشنید گفت برسرخدمت خود برگرد .

درعصر ابوبکر وعمر مردم درفراهم کردن مال‌فعالیتی نداشتند وبمقرری وسهم غنائم زندگی میکردند واموال خودرا بین‌برادران ایمانی خود بطور تساوی وبرادرانه تقسیم میکردند وبهترین دوره اسلام بود.

بیت‌المال مسلمین درزمان عثمان ازسال ۲۳ - ۳۵

عثمان خلیفه سوم مانند ابوبکر وعمرسخت نبودو چون ازبنی‌امیه بود حزب‌اموی اطراف اوراداشته و عزت یافتند وازاوخواستند که عزت و اقتدار این حزب‌را که قبل‌ازاسلام‌داشته تجدید کنند- عثمان بیشتر والی‌ولایات راازحزب‌اموی وخویشان خود قرارداده وبرخی‌ازآنها بنقل جرجی‌زیدان‌اشخاصی بودندکه اسلام آوردنشان ازروی نومیدی واجازه فیروزی مسلمین بود درعصر اوهم فتوحات بسیارشد و غنائم بیشمار جمع‌آوری شد و عثمان سهم و مقرری خویشان خود را بیش از مقرری زمان عمر میداد .

درسال ۲۷هجری که مسلمین درجنگها بافریقا رسیدند وسردارایشان عبدالله‌بن‌سعدبرادررضاعی عثمان بودمقدارغنائم درآن جنك به ۲،۵۰۰،۰۰۰ دینار میرسید عثمان یك‌پنجم اموال را بمروان حکم داد ودختر خویش را نیزبدو عقدبست وحال‌آنکه این‌قسمتی ازحقوق بیت‌المال‌بود . عثمان ازعاملان حساب نمیگرفت زیراهمه ازحزب‌اموی وکسان خودش بودند . این‌بی‌اعتنائی

وعدم توجه بیت المال مسلمین عمال عثمان را بجمع کردن ثروت جسور کرد بخصوص معاویه بن ابی سفیان که عامل شام بود و درتزویر ومکر وحیله وغدر ازهمه برتری داشت .

چون مسلمین مملکت شام را فتح کردند اراضی مزروع را دردست صاحبان آن باقی گذاشته - چون رومیان مغلوب شدند املاك ایشان بلاصاحب بماند مسلمین آن املاك را بر بیت المال موقوف داشته وعاملان دولت زراعت میکردند و درآمد آن را بصندوق بیت المال میریختند

همینکه معاویه درایالت شام استقراریافت درتحملات ونگاهداشتن چاکران وغلامان واجزا مانند رومیان درباری تشکیل داد که بعدازاستیلای خود بسلطنت تبدیل گردانید درایام حکومت شام برای غلامان وخدمه خود مقرری ازبیت المال میگرفت . چون معاویه عثمان را دست انداخته بود و حس کرد که اومرد ضعیف وبی آزاراست بدونوشت که مقرری من تکافومخارج غلامان و بندگان را نمیکند واردوگاهان شام ونمایندگان رومی را باید پذیرائی کنم اجازه دهید مزارع بطریقان را که پس ازکشته شدن آنها - بیت المال واگذار کردند- بتیول وی درآید ومقرری او که درهرسال هزار دینار بود افزون کنند .

عثمان نوشت مقرری اورا افزودند و تمام آن املاك مزروعی را تیو معاویه کردند - معاویه دست انداخت وتمام آن اراضی را تصرف کرد واموال فراوانی ازاین راه بدست آورد وبمصرف قدرت ونفوذ خودبکار برد ؛ جرجی زیدان

برخی دیگرازاعمال دولت عثمان نیزمانند طلحه وزبیر وسعد وغیره همین تقاضا را کردند و توانگرشدند . حتی خودعثمان برخلاف خلفای سلف ضیاع وعقارفراوان بیندوخت واموال بسیار ذخیره نموده بطوری که پس ازمرك او ۱،۵۰۰،۰۰۰ دینارو ۱.۰۰۰،۰۰۰ درهم نزد خازن وی بیافتند و بهای اموال اودروادی القری وصنمین وجاهای دیگر بنابرنقل جرجی زیدان بیك ملیون دینارمیرسید واسب و شتربسیاری ازوی بجای ماند - وبحکم الناس علی دین ملوکهم - عمال ابوبکر وعمرچون خود آنها دلبستگی بدنیانداشته ولی عمال عثمان که دیدندخلیفه این اندازه از بیت المال مسلمین ثروت جمع کرده بنیروی نیات اوهمه ثروتمند ومتمول شدند .

عثمان بسیاری ازاملاك مزروعی رابعنوان اجاره بیتول اشخاص نزدیك خود داد که ازبابت تقبل چیزی مختصربیت المال بردارند وبسیاری ازافراد حزب اموی متمول شدند و بجائی رسید که درسال ۸۲ فتنه اشعث پدیدآمد ودفاتر سوخت و حاشیه‌ها نابود شد اماهرکس هر زمینی دست‌اوبود ملك خود او شد .

باری مسلمین ازعملیات عثمان ناراضی بودند وبراو سخت خورده گیری میکردند وباشهامت ترین صحابه ابی ذرغفاری بود که علنا برخلاف خلیفه قیام کرد وسرزنش نمود وگفت مردمسلمان نبایدبیش ازقوت یکروز ویکشب را مالك باشد مگرچیزی که درراه خداانفاق کند یابشخص کریمی وعده‌داده باشد - این مرد شریف درمدینه وشام برپای ایستاد وگفت :

ای گروه توانگران بادرویشان مواسات ورزید. وگفت ای مردم قرآن بشمابشارت میدهد که اگرطلا ونقره ذخیره کنند ودرراه خدا انفاق ننمایند بداغهای آتشین پیشانی وپهلو وپشت آنهارا داغ همی کنند .

الذین یکنزون الذهب والفضة ولاینفقونهافی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم

ابی ذر آنقدر پافشار درراه مواسات کرد که بینوایان همه توانگران شعب گرفتند و برمعاویه و عثمان شوریدند وبالاخره بقتل عثمان منجرشد .

معاویه قصری بسیارمجلل وزیبا بنام «قصرالخضراء» دردمشق بنا کرد و از ابوذر پرسید این قصررا چگونه می بینی ابوذر گفت اگرازمال خدابنا کردی از خیانتکارانی واگر ازمال خویش بپایان بردی ازاسراف ورزیدگان این پاسخ برمعاویه سخت گران آمد خواست اورا بوسیله دامی محاکمه کند هزاردینار برای فرستاد که فریبش دهد ابوذردینارهارا گرفت وفوری بین مستمندان وبینوایان تقسیم کرد - صبح معاویه فرستاد گفت که این مال اشتباه بنزدتوآورده‌اند باید بازپس بدهی - ابوذر گفت همان ساعت همه رابمستحقین دادم ،

معاویه ازراه تهمت براابوذرسخت گرفت وبعثمان نوشت ابوذر درشام اخلال میکند عثمان اورا بمدینه خواست چون ابوذربمدینه رسید سرسختانه باعثمان مخالفت کرد واورا ازکردار خودش و معاویه عاملش سرزنش میکرد - لاجرم عثمان ناگزیر اورا بربذه تبعید کرد تا جهان را وداع گفت ،

حرکات ناشایست عثمان وعمالش دربیت‌المال مسلمین و خودسری آنها دراموال مسلمین بقتل او خاتمه یافت .

روش حضرت ع دربیت‌المال مسلمین

حضرت امیرالمومنین‌علی علیه‌السلام مظهرعلم و زهد و تقوی و مصداق حقیقی‌عدالت ونصفت ورهبری حق وحقیقت‌بود
حضرت‌علی‌ع فرمودچون حضرت فاطمه زهرادختر‌پیغمبررا‌تزویج نمودم مرا بستری نبود جز پوست گوسفندی که شب برزیر آن همی‌خفتم و در روز علوفه اشتر خویش برفراز آن همی دادم و خدمات خانه جز فاطمه دیگری نکردم .

درزمان خلافت آنحضرت یك موقعیتی‌بسیارحساس وسیاستی بسیار باریك بود که حزب اموی برصندوق بیت‌المال مانند‌درندهٔ که برلاش مرده افتاده باشندهمی‌خوردند وبردند وتوجهی‌بمسلمین نداشتند امیرالمومنین‌علی‌ع دراین‌موقع مجبوربود که بیت‌المال راحفظ کند وحق و عدالت را اجرا نماید البته دراینکار دشمنان بسیاری پیداخواهدکرد زیرادست دشمنان راباید کوتاه کند و حکومت رابدست مردمان باتقوی بسپارد وهمین عمل موجب شد که معاویه باهمهٔ ستایش بجنك برخواستند و جنگهای جمل وصفین و نهروان رابوجودآوردند .

درزمان خلافت امیرالمومنین ازاصفهان مال فراوانی‌آوردند فوراً آنرا برهفت‌سهم کرد وگرده نانی درمیان آن مال درافتاده بودآن یك گرده نانرا نیز برهفت قسمت کرد وامرای هفت گانه‌راطلبید درمیان ایشان قرعه درافکند تانخست بکدام یك عطافرماید ودرمدت خلافت آجری بر آجری یا خشتی برخشتی ننهاد حتی‌ازنی‌بوریانیز کلبهٔ برای خود نساخت و غذای خودرا همیشه درانبان خود بردوش داشت .

مینویسند اوراشمشیری بودبباز‌ار برده بفرخت‌وفرمود‌اگرچهاردرهم بهای‌آزادی داشتم وهرگز شمشیرخویش نمی‌فروختم - جرجی‌زیدان مینویسد مناقب امیرالمومنین علی‌ع بشمارنیاید .

بعدازآنکه عثمان درسال ۳۵ کشته شد در خلافت ازطرف حزب‌اموی فتنه برپاشد و معاویه

باموالی که از بیت‌المال برده بود وقدرتی یافته دعوی خلافت کرد ونظرش برای انـدوختن مال بود تا بدان وسیله هواخواهانی بوجودآورد . آری مال برای تامین قوت وقدرت عامل موثری‌است.

اگرامیرالمومنین علی‌ع پس‌ازحکومت عثمان وحزب‌اموی روی‌کار نمی‌آمد وپنج‌سال باعدالت واجرای‌حق وانصاف حکومت نمیکردشاید برای مسلمین مفهوم حقیقی‌حکومت اسلامی روشن نمیشد وهمچنان درابهام بود . ولی‌حضرت امیرع هزارها گره راکه باتعمدبسته بودند بنیروی علم وقضاوت و شمشیروحق‌وعدالت گشود ـ وچون درتمام‌مدت خلافت بیش‌از۱۳من نان‌جو وخرما نخورد واندوخته بهیچ‌وجه نداشت ثابت کردکه حکومت برحق وانصاف میسراست ولذاعموم مردم همان مردمی که ازجوروستم حزب‌اموی بستوه‌آمده‌بودندباالاتفاق «غیرازحزب‌اموی» درب خانه آنحضرت جمع شدند وتمنی داشتند که خلافت ظاهری راقبول فرماید ودست ستم‌پیشه‌گان رابرکند .

صفحات زندگی پنج ساله امیرالمومنین علی ع بهترین نمونـه حکومت عدالـت پرور و دادگستر است .

ثروت دولت اموی از۴۱تاسال۱۳۲ هجری

دراین فصل باید از دوموضوع سخن گفت یکی ثروت دولت اموی ودیگرعملیات بنی‌امیه برای‌جمع ثروت

دولت بنی‌امیه از دولت خلفای راشدین این امتیاز را داشت که اقتداردولت از خلافت دینی بسلطنت سیاسی تبدیل شد و حال آنکه درزمان ابوبکر وعمروحتی عثمان و مخصوصا حضرت‌امیرع حکومت و سیاست ودین یك امر واحد بود .

این دولت ازبنی‌عباس هم امتیازی داشت وآن تعصب جاهلیت عربی بودکه بنی‌امیه میخواستند فقط حکومت باعرب باشداینهم بابنی‌امیه وبیت‌المال صندوق اختصاصی‌آنها باشد ولذا نسبت بموالی وعجم وایرانیان وشیعیان آل‌علی‌ع نهایت بدرفتاری وستم وظلم راکردند که بالاترازآن متصورنیست درحالیکه بنی‌عباس ایرانیان را مصدرکارکرده و وزرای آنهـا ایرانیان بودند و تعصب عرب و عجم نداشتند .

مسلمین ازبنی‌امیه وعمال آنهارنج فراوان دیدند وسختیها کشیدند چه خوانواده‌ها که پریشان کردند چه فامیلها که تبعیدنمودند افرادیرا مصلوب‌الحق نمودند ـ اموال گروهی رامباه ساختند غیرعرب وموالی رادرحکم برده وغلام‌برده باآنها نهایت بدرفتاری رانمودند ، مال سرشاری ازموالی میگرفتند ـ سرها ودستها وپاها میبریدند ـ اکنون شمهٔ ازآنچه جرجی‌زیدان نگاشته درجلد دوم تاریخ تمدن خودص۲۲ـ۱۴ باجمال یادآور میشویم .

امویان تعصب عربی‌داشتند باموالی وعجم‌بدرفتاری‌رابحداعلا رسانیدند آنهـارا درصف اول نماز جماعت راه نمیدادند اگرجنازهٔ بلندمیشد میپرسیدند ازکدام طایفه است اگـر میگفتند از قریش‌است‌میگفتندواقوما مما ـ اگرمیگفتند ازعرب است میگفتند وابلدتاه اما اگرمیگفتندازموالی وایرانیان است‌حکم میدادنداموال اومال‌خداست هرکه هرچه‌خواهد برگیرد . آنها اجازه‌نمیدادند که موالی لقب وکنیه برخودبگذارند حق نداشتند دوش‌بدوش و دریك صف بابنی‌امیه راه بروند ایرانیان وعجم راعلج‌میگفتند یعنی گبر.

ص۱۵ ج۲ تاریخ تمدن جرجی‌زیدان

جاحظ در کتاب موالی مینویسد حجاج موالیان را که با پسر اشعث بجنك او آمدند بگرفت و کف دست هریك نام شهری نقش نمود تادیگر جمع نشوند و مباشر این نقش مردی از قبیله بنی‌عجل بود و شاعر گفته :

وانت من نقش العجلی راحته و فرشیخك حتی عاد بالحکم

درحکومت بنی‌امیه مسلمین باهم امتیاز داشته - تساوی واخوت از بین رفت گوئی که پیغمبر و احکامش راف اموش کردند کار بجائی کشید که ممالك مفتوحه‌را امویان باتمام اموال ومراتعش مایملك خود وروزی حلال خویش میدانستند ،

سعدبن‌عاص عامل عراق گفت همانا مملکت سواد جز باغی از بهر قرشیان نباشد که هرچه‌خواهیم از آن فرا گیریم وهرچه راخواهیم برجای گذاریم .

عمرو بن عاص درپاسخ‌صاحب «اخنا» که از آنها جزیه میخواستند پرسید چه مبلغی باید پرداخت گفت شماها برای ما خزینه هستید که اگر مارا نفقات بیشارشود وجزیه ازشما بیشترخواهیم گرفت واگرخرج ماکم‌شد جزیه شماسبکتر سازیم - اینرویه موجب بود که عمال اموی هرچه میخواستند از هر کس میگرفتند .

معاویه عمال راجسورساخت بطوریکه برخی ازولایات طعمه چرب بعضی‌ازعمال شده بود و نسبت ببرخی ازشهرهااختیارتام بعمال‌خودمیداد وازآنها مبلغی ثابت میگرفت - بااین عمل عمال‌را به‌نصرت خویش ترغیب میکرد و علیه بنی‌هاشم تقویت مینمود . نصرت ویاری هم‌جزازراه مال و گرد آوردن قشون نبود لذا عمال‌بنی‌امیه برجان ومال مردم حکومت وسلطه داشتند وهرقدرمیل داشتندبعناوین مختلفه ازمسلمانان میگرفتند .

سخت‌ترین عمال اموی حجاج‌بن یوسف عامل عبدالملك مروان بر مملکت عراق بود وچون عبدالملك چندین دشمن سرسخت‌داشت مانند عبدالله‌بن زبیر در مکه و مختاربن ابی‌عبیده درعراق ناچار حجاج را تقویت میکرد تادرنصرت ویاری او بردشمنان حمایت کند او هم برجان و مال مردم افتاده آنقدرازمردم کشت واموال آنهارابرد که تاریخ ازنقش آن شرم دارد.

ستمکاری عمال اموی

جرجی زیدان مینویسد عاملان بنی‌امیه برمالکین اراضی واهل ذمه بسی‌ستم روامیداشته‌آنها باکی نداشته که برای صاحب ملك ازمحصول‌چیزی باقی‌بماند یاخیر «درآنعصرخراج بمقدارمساحت زمین گرفته میشد» حجاج بعبدالملك مروان نوشت اجازه دهید بقایای سهم مالك را بگیریم خلیفه نوشت ازدرهمی که برجای مانده حریص‌تر مباش گوشتی برتن ایشان باقی گذار کــه برزیرآن پیه بسته گردد .

همین سخت‌گیری سبب شد که بسیاری ازاهل قریه باسلام گرویدند و درحمایت دین درآمدند باآنکه مسلمان شدند حجاج ازخراج گرفتن صرف‌نظرنکرد وبـآنهاسخت‌فشار میآورد تاجائی کـه بسیاری ازاینمردم جلاء وطن کرده اراضی خودرا گذاشته بشهررفتند بازهم حجاج دست برداشت فرمان داد آنهارا برگردانند ومطالبه خراج نمایند .

آنقدراین مرد سفاك لجوج برمردم سخت گرفت که مردم دهات آب وملك‌را رها کرده بشهرها رفتند و از شهرها بیابانها پراکنــده شدند و اطراف پسر اشعث جمـع شدند و بـا حجاج

بجنگ برخواستند .

نمونه‌های دیگر در تاریخ اسلام دیده میشود مثلا یزید بن ابی مسلم که از طرف یزید بن عبدالملک عامل افریقیه بود همین نحو عمل میکرد - جراح عامل خراسان در ماوراء النهر مثل او عمل میکرد مینویسند چون اهل سمرقند باسلام گرویدند که جزیت ندهند جراح باز از آنها جزیه میگرفت ناچار بدین خویش برگشتند .

برخی از نصاری که دیدند از رهبانان جزیه نمیگیرند بلباس رهبانیت در آمدند عبدالعزیز بن مروان عامل مصر فرمان داد تا آماری از نفوس رهبانان بگیرند و برراهبی دیناری زر سرخ جزیه نهاد ،

اینها درسی بود که معاویه بدودمان اموی داد - معاویه به «وردان» غلام عمرو بن العاص امیر مصر نوشت که برهر یکنفر قبطی قیراطی سیم (نقره) برجزیه آنها بیفزای - وردان نوشت در امان نامه آنها قید شده که نباید برجزیه آنها چیزی افروده گردد .

بنی امیه پشت پا بر آن امان نامه زدند و هرچه خواستند از خراج مصر افزودند - از کسانیکه خراج مصر را زیاد کرد عبیدالله بن حبحاب بود که از جانب هشام بن عبدالملک متولی امر خراج بود از سال ۱۰۵ تا سال ۱۲۵ ودراین مدت برهر دینار از جزیه قبطیان یك قیراط نقره افزود تا کار بجائی کشید که قبطیان شورش کردند وجنك در گرفت وگروهی دراین میان کشته شدند .

درعهد اسامة بن زید تنوخی متولی امر خراج این واقعه رخ داد که جمعی از نصاری را بقتل رسانیدند واموال آنهارا ضبط کردند - اسامه دید رهبانان روز افزون میشوند احصاء وشماره کرد ودست هریك دستبندی زد ونام آن راهب ونام دیری که در آن میزیست تا تاریخ برروی آن حلقه آهنین نقش بسته و هر کس از راهبان این حلقه دردست نداشت دستش رامیبریدند وهریك از نصاری راملزم داشت که قبضی از دیوان دردست داشته باشند تامعلوم شود جزیه خود پرداخته‌اند - بعمال خود مینوشت هر کس حلقه دردست ندارد یاقبض جزیه ندارد اورا ده دینار جریمه کنند بازرسان میرفتند وگروهی را بدینعنوان آنقدر میزدند که درمیگذشتند یاسر از بدن آنها جدا میساختند . گ. چه هشام بدین عمل راضی نبود وفرمان داد که طبق قانون قدیم زمان خلفا باآنها رفتار کنند ولی چون عمال بنی امیه جسور ومتهور و بخلیفه مدیون بودند باز پس از مدتی بظلم وستم خویش برگشتند .

حنظلة بن صفوان مبالغی برجزیه وخراج افزود وچهارپایان رامیشمرد و برهر نصرانی نشانی میاویخت که صورت شیری بر آن نقش بود - آنگاه که بازرسی میکرد هرکس نشان نداشت دستش رامی بریدند .

از اینگونه جنایات بنی امیه وعمال آنها زیاد در تاریخ ۹۰ ساله بنی امیه فراوان دیده میشود عبدالملك مروان برای افزودن خراج عراق فرمان داد که عامل عراق سرشماری کند و همه کارگر محسوب نماید ومالیات سرشماری از آنها بگیرد دراین مالیات جمعه‌ها وعیدها مستثنی بود و حسابی ساخت ودستور داد از هریك نفر درسال چهار دینار دریافت کنند .

این مالیات مخصوص عجم وموالی واهل ذمه نبود بلکه شامل مسلمین هم میشد

محمد برادر حجاج که والی یمن گردید بدسیرتی آغاز کرد و بر رعایا ستم فراوان نمود اراضی مردم رابدون حق میگرفت وخراجی برای یمن که همه مسلمان بودند گذاشت و بنام وظیفه از آنها

میگرفت و این روش ادامه داشت تاعمر عبدالعزیز بخلافت رسید بوالی یمن نوشت وظیفه را موقوف دارد .

عاملانی که ازجانب بنی‌امیه درفارس بودند ـ میوه باغات مردم را تخمین زده وبقیمتی غیرعادلهٔ تقویم میکردند وصاحب باغ رامجبور میکردند بهای میوه رابپردازد .

بنی‌امیه مخصوصا زمان معاویه براراضی لم‌یزرع و بایرمالیات بستند ، مردم را مجبور کردند روزعید باید هدایائی تقدیم کنند ودریکسال روزعیدنوروزهدایای اجباری دربارمعاویه بالغ برده‌ملیون درهم رسید ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ معاویه مقرر کرد هر کس زن میخواهد باید مبلغی بحکومت و دیوان محاسبات بپردازد .

هر کس عرض‌حالی‌دارد بایدمبلغی ضمیمه عرض‌حال‌خود کند که‌امروز ازآن رویه‌پیروی‌میکنند

چون موقع تقسیم مقرری بودپیمانه مخصوص برای کارگران وموالی کیل میکردند وبرای‌حزب اموی وکسان وخویشان خلیفه پیمانه دیگری که چندبرابرمیگرفت ـ نوشت بعمال خودبایدمخارج عاملین رازرعایا بدهند ـ بایداجرت حمل‌اطعمه وبهای‌کاغذ ودفترازرعایا گرفته شود ـ مقرری‌مباشرین سنجش غله وکیل کردن بعهده رعایابود . چون رعایا درهمهای مالیات اراضی را نزد مباشرمالیات می‌آوردند مقداری ازآنهارا قبلا برای‌مخارج خودبرمیداشتند وبقیه رابحساب مالیات‌میگرفتند این ستم‌کارها البتهٔ خودسرانه نبود بلکه بامر خلیفه اموی بود ـ معاویه مخصوصا عمال خودرا برجمع کردن مال تحریص وترغیب وحمایت میکرد . سایرخلفای بنی‌امیه هم ازاین دستورپیروی کردند ـ عبدالملک‌مروان که حرصش بیش‌ازمعاویه بود مانند حجاجی رابرای جمع ثروت انتخاب کرد

هیچوقت درزمان عمرچنین بیعدالتی‌ها ممکن نبود ـ معاویه نوشت اموال مردم رانصف کنند و نصف آن را برای خلیفه بگیرند چون ازدنیابرود نصف‌اموال وارث اورا هم میگرفتند ـ بحکم‌الناس علی دین‌موکهم عمال او هم چنین کردند ـ

بنی‌امیه جمع‌ثروت‌را برای ابقای دولت اموی‌ضروری شناخته‌وازهیچ‌وسیله دراین باب‌فروگذار نمیکردند معاویه بعمالش نوشت هر کس‌ازخراج ومالیات خودداری کرد اورا درحرارت آفتاب برپای دارند وبسختی بزنند وخمره‌های گران برایشان بیاویزند ودست وپایشان بقیدوکند وبندنموده و ازنمازشان مانع گردند ـ این جنایات بود که سبب نهضت‌حسین بن‌علی‌ع شد واوقیام کرد تاابن‌مطالب رابرمسلمین جهان روشن سازد واگرقیام اونمی‌بود کسی امروزباورنداشت که معاویه ودودمان‌اموی چه کردند وچه خیانتی باسلام نموده‌اند واسلام رااز‌پیشرفت سریع خود بازداشته . **هیچ‌وقت‌اسلام باین اعمال شنیع اجازه نداده ونبایدکردارزشت این خیانتکاران رابحساب دین مقدس اسلام گذاشت .**

ازمیان بنی‌امیه فقط یکتن رامیتوان بشرافت وتقوی نام برد وآن عمربن عبدالعزیزخلیفه‌سال ۹۹ هجرت بود که مردی پرهیزکار وباانصاف‌بود وهمه این اعمال ناشایست رامنع کرد وفرمانهاصادر کرد که آن ستمکاریهای گذشته را باطل کنند و دشنام بعلی‌بن ابیطالب ع را بر فراز منبرها موقوف سازند .

تنها این خلیفه بود که اعلامیه صادر کرد هر کس راستمی‌رسیده بازآید و دادخواهی کند ـ

ستمدیدگان که بیشترموالی وایرانیان - یهود ونصاری بودند همه بردربار او شتافتند وعمرهمه رابحق وعدل انصاف ودادگستری ودادگری قضاوت نمود حتی فرزند خودش نسبت بپنی‌اعمامش ستم کرده بودند آنهارا محکوم کرد .

یکی ازبنی‌امیه بدو گفت مال نیندوزی ازبهرمعیشت فرزندان خودرا چه‌سازی - عمربن‌عبدالعزیز بگریست وگفت آنهارا بخدا می‌سپارم .

این خلیفه برعکس معاویه نوشت هرکس نمازمیخواند جزیه ازاومطالبه نشود این فرمان سبب شد که باسلام گرویدند وقتی عامل مصرحیان بن شریح بعمر نوشت مردم باسلام آوردند جزیه نمیدهند من بیست هزاردینار وام گرفته‌ام تاعقرری اعضای ایران بپردازم اگرصلاح باشد فرمان دهیداین وام ازمحل خراج اداشود .

عمربن عبدالعزیز نوشت من هنگامی که ایالت مصر بتودادم ازضعف رای تو آگاه بودم اکنون فرستاده خود رافرمان دادم تابیست تازیانه برسرتو بزنند تا بمسلمین اذیت نرسانی وهرکس اسلام آورد جزیه ازاو مطالبه ننمائی - این رای تو زشت است و خدایتعالی محمد رابرای راهنمائی خلق برانگیخت نه برای وصول مالیات - این سعادتی است برای من که مردم بدست من باسلام بگروند .

بنی‌امیه ازعمرسخت درغضب شدندزیرا اساس سلطنت وحکومت آنهارا متزلزل میکرد تاآخرپس از سه سال بسم مسمومش کردند .

بنی‌امیه پس ازگردآوردن اموال وقدرت مست ومخمور شدند همواره درعیش وعشرت وشراب سخت فرورفتند دراختیارعاملین ونگاهداری جانب دلهای مردم هیچ‌توجهی نداشتند گاه میشدبرای هدیه کسی که جاریهٔ برای آنهافرستاده ایالتی راباومیدادند همانطور که هشام باجنیدبن عبدالرحمن کرد - گاه میشد بخواهش یك مغنیه و رقاصهٔ دوستی‌رامیکشتند ودشمنی رامینواختند .

درعهدهشام بهای یك جاریه به ۱،۰۰۰،۰۰۰ درهم رسید ودرسال ۱۱۱ هجری این‌جاریه بنام ذلفاء بود باین مبلغ خریداری شد .

مقرری عمال وفرمانداران برای همین توقعات وهدایا که میباشد برای خلیفه بفرستند بالارفت یزیدبن عمربن هبیره امیرعراق دراواخر دولت بنی‌امیه ۶۰۰،۰۰۰ درهم میگرفت - خالدبن‌عبدالله قسری امیرعراق درخلافت هشام ۱۱۳،۰۰۰،۰۰۰ درهم غله املاك اوبود ونوشته که حیان نبطی کاتب او گفته ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ درهم بمردم بخشیده است .

بنی‌امیه ازفرط حرص براموال باآنکه وسعت مملکت بسیاربود جزبعراق . شام . مصروایران توجهی نداشتند .

مالیات عراق درعهدبنی‌امیه ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم بود

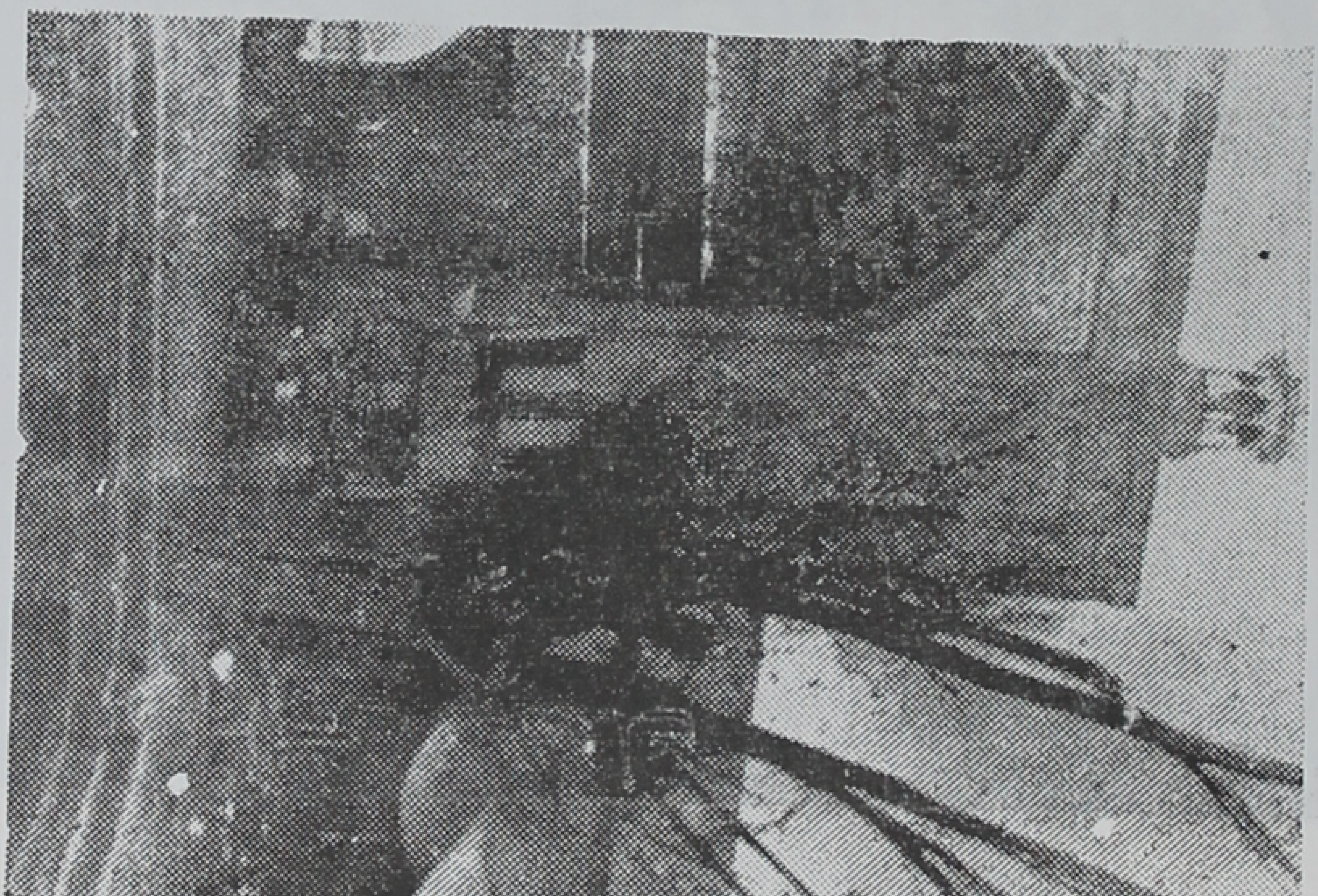
» مصر ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ درهم

» شام ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم

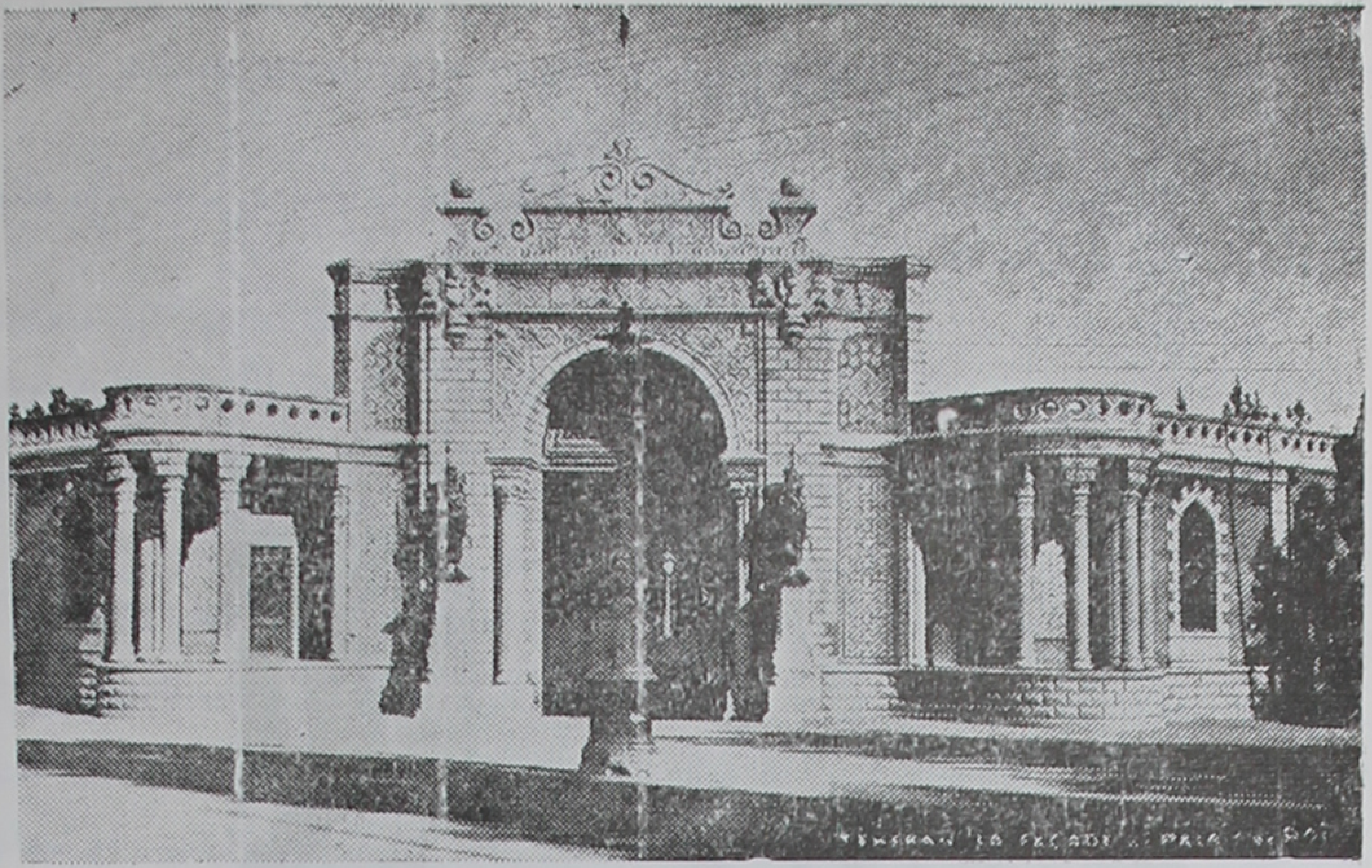
ص۷۲ ج ۲ جرجی زیدان



ش ۱۸۷ سلطانیه



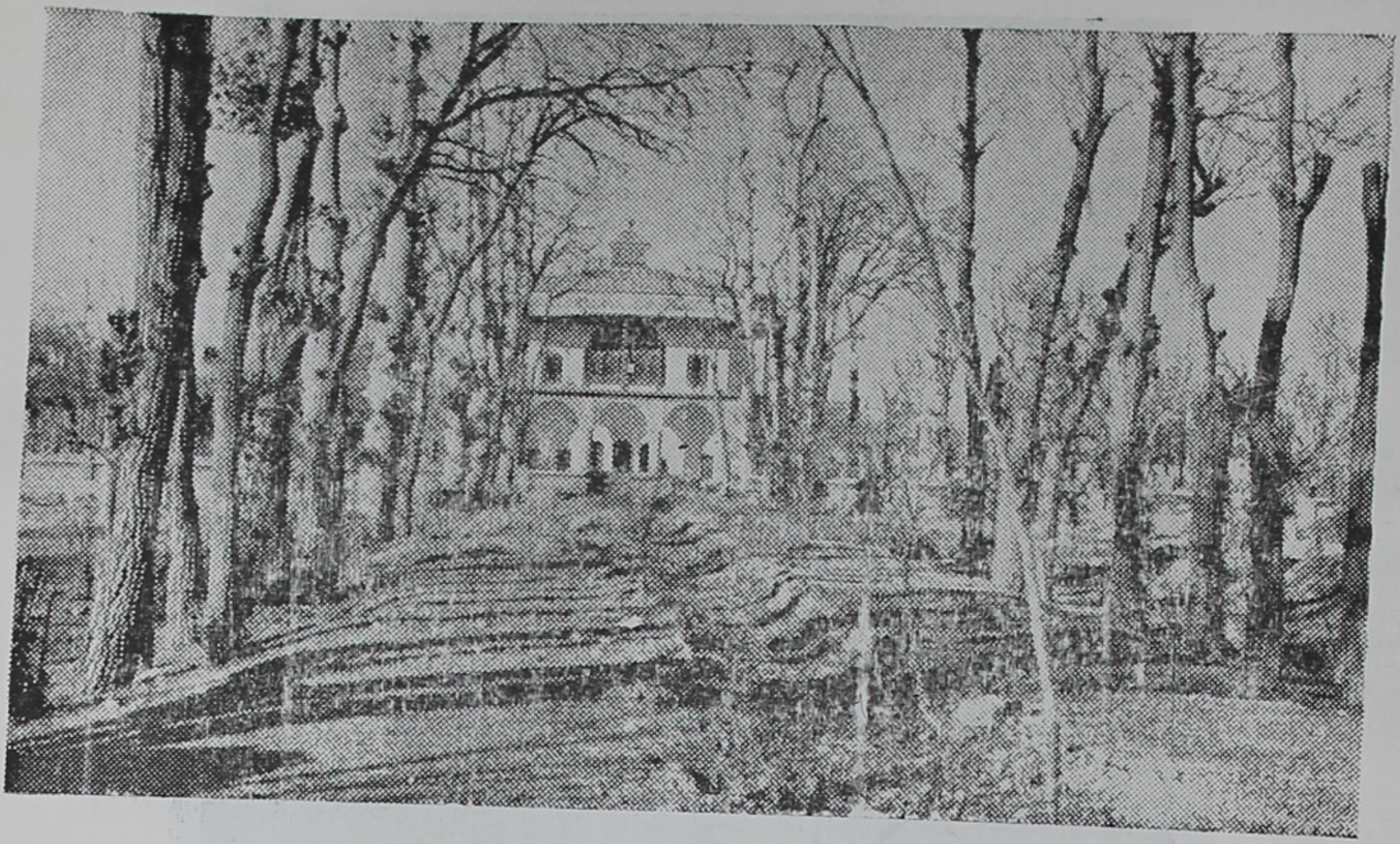
ش ۱۸۸



ش۱۸۹ دروازه شهر مدینه

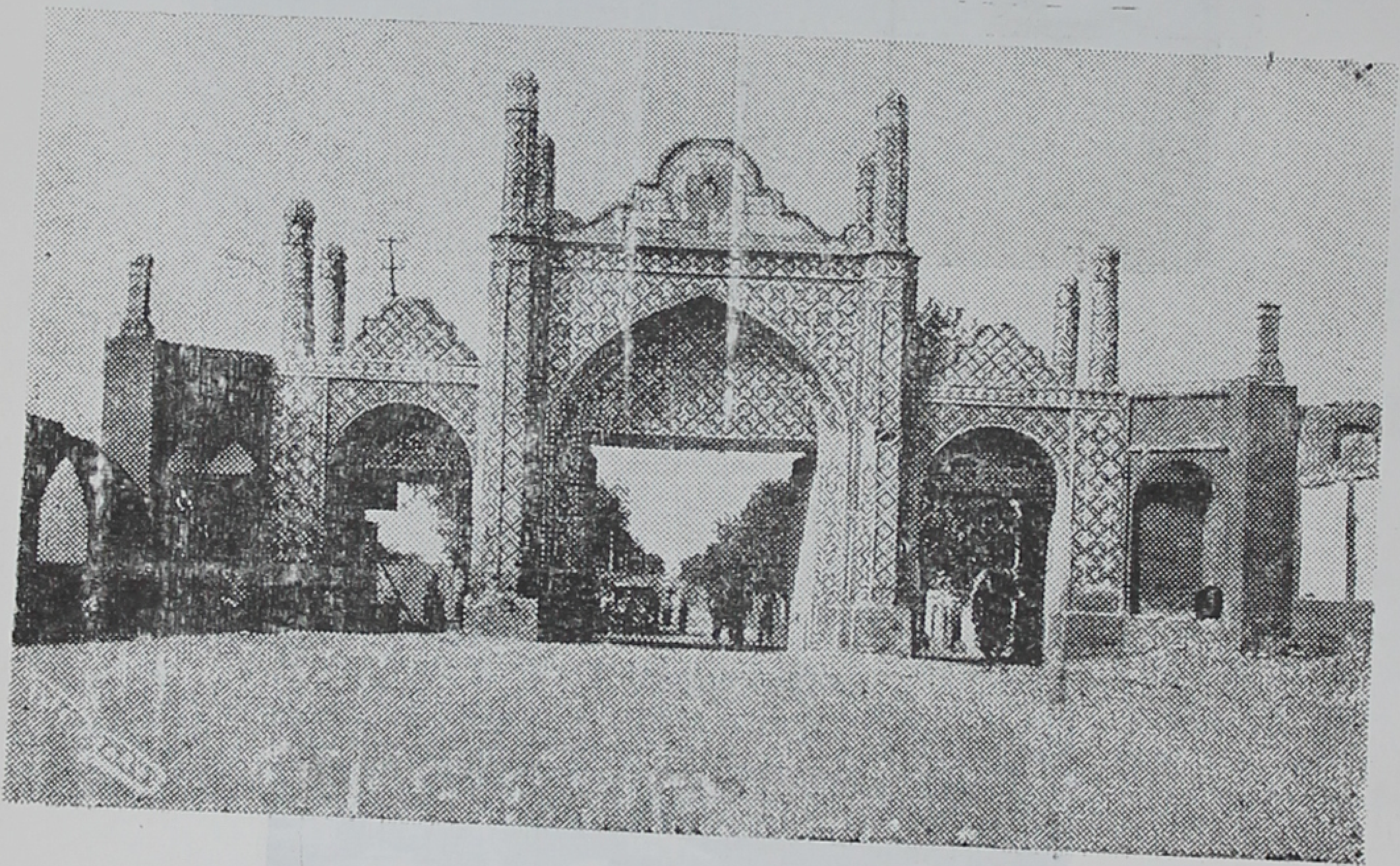


ش۱۹۰ بیمارستان شهسوار



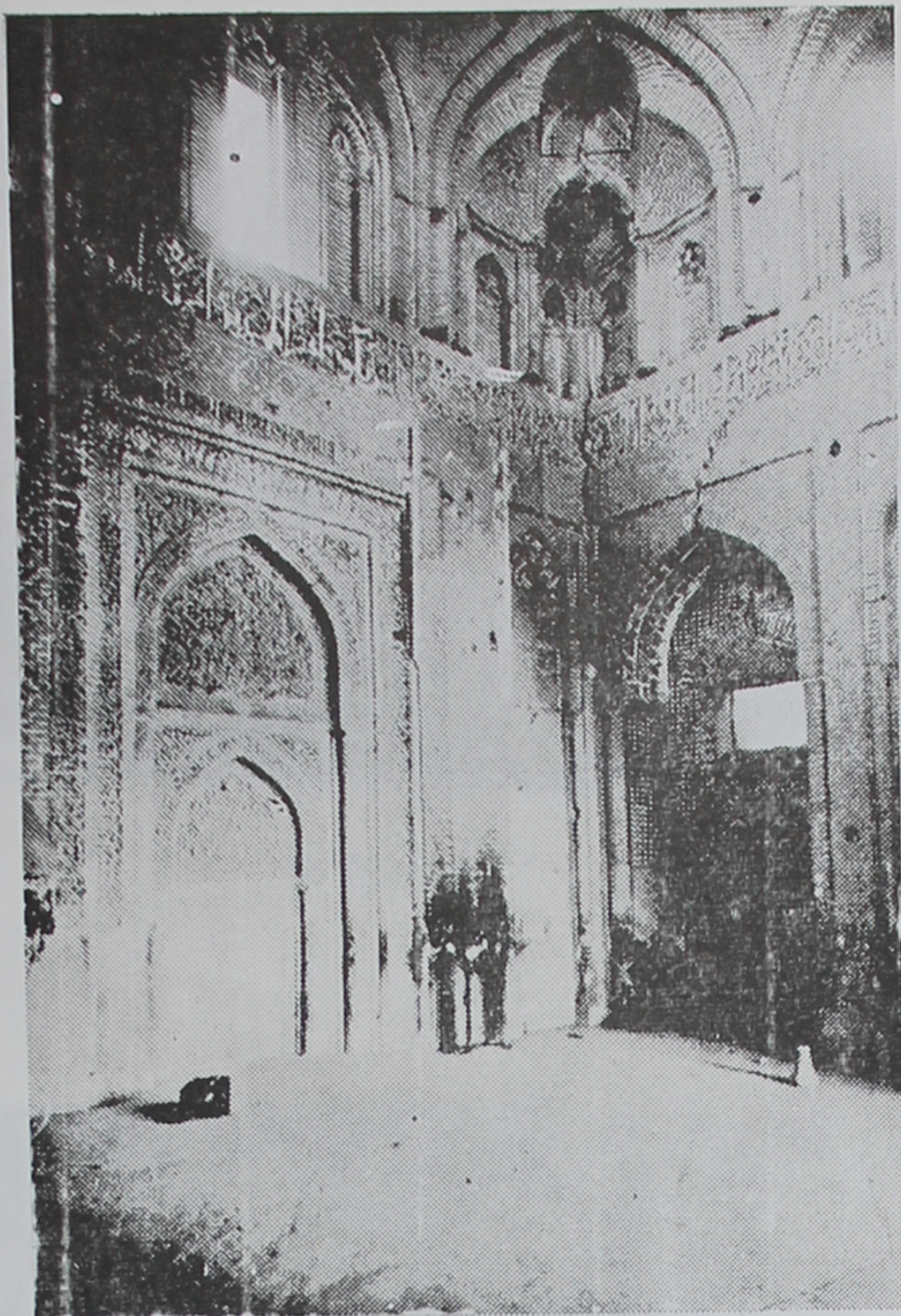
فرمانداری قزوین

ش۱۹۱

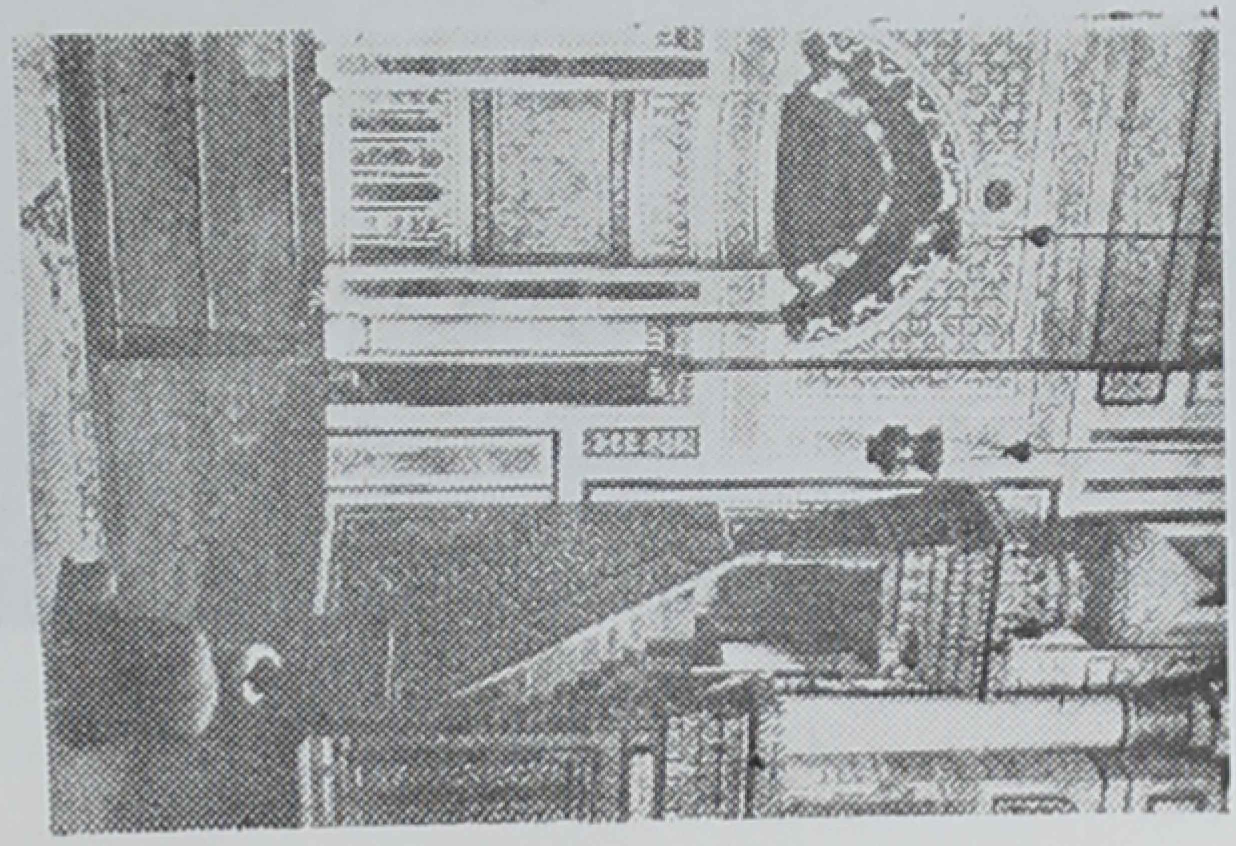


دروازه‌قزوین تهران

ش۱۹۲



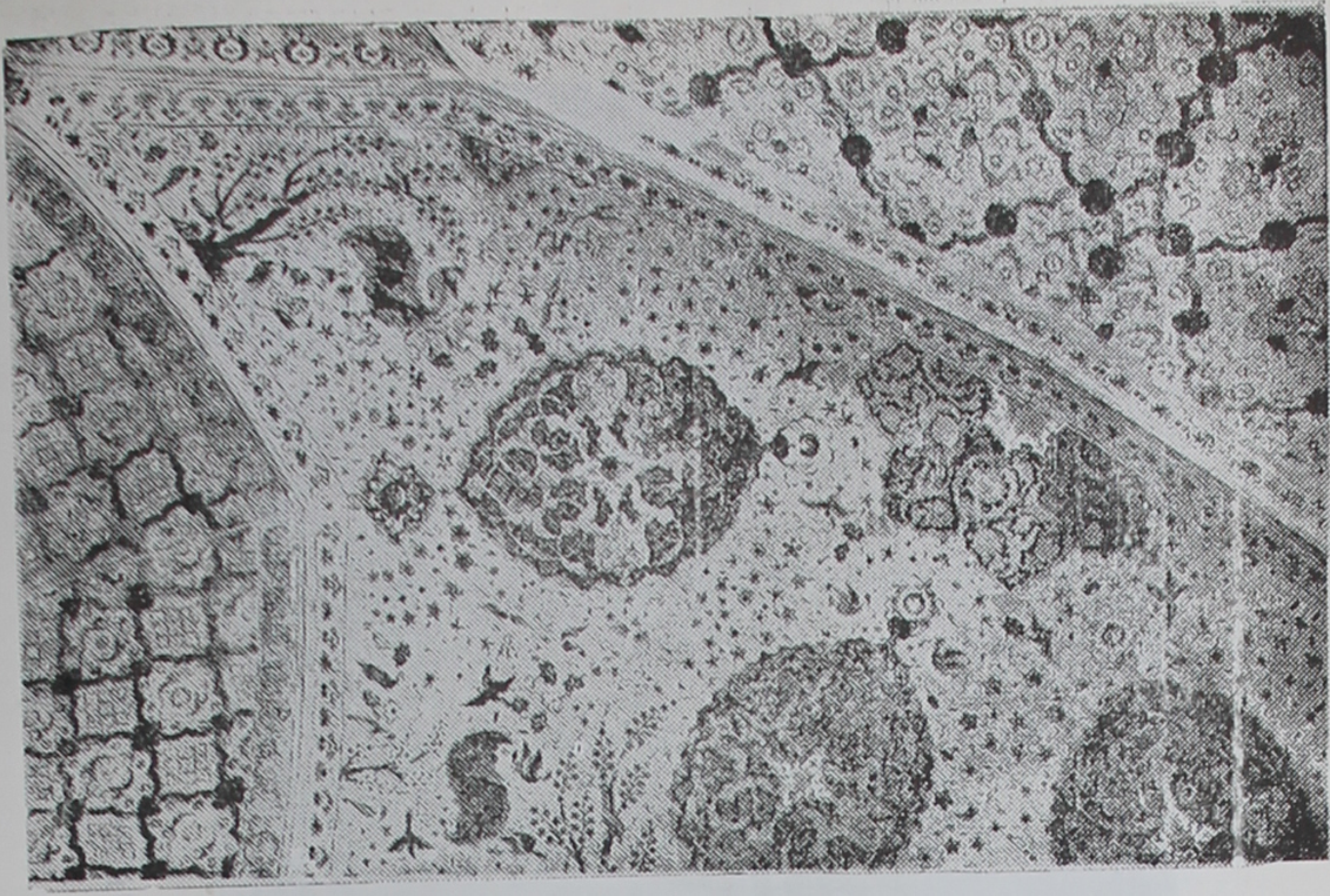
ش۱۹۳



ش ۱۹٤ مسجد بزرگ بغداد



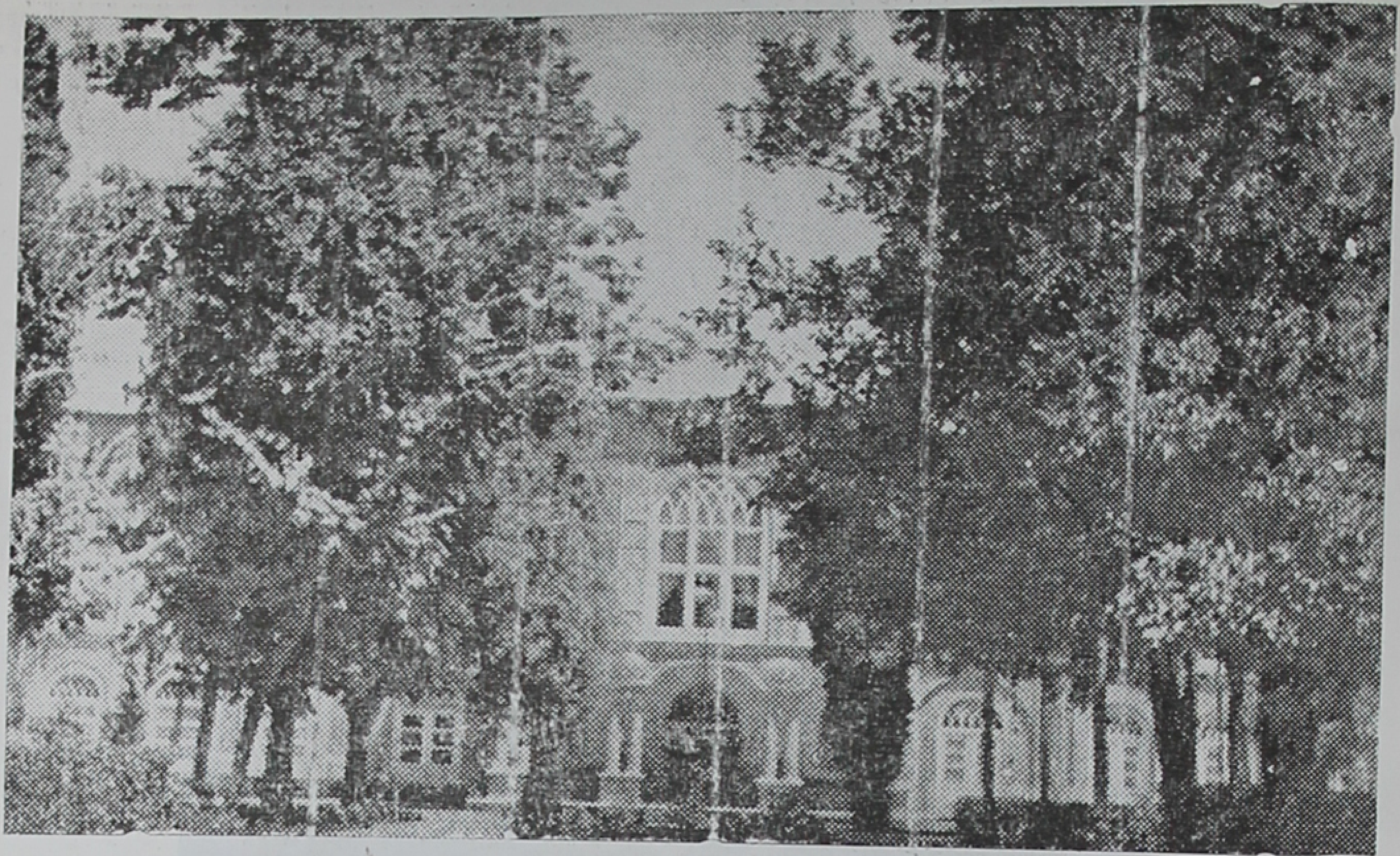
ش ۱۹۵ چهل‌ستون قصر صفویه اصفهان



ش۱۹۶ عالی قاپو

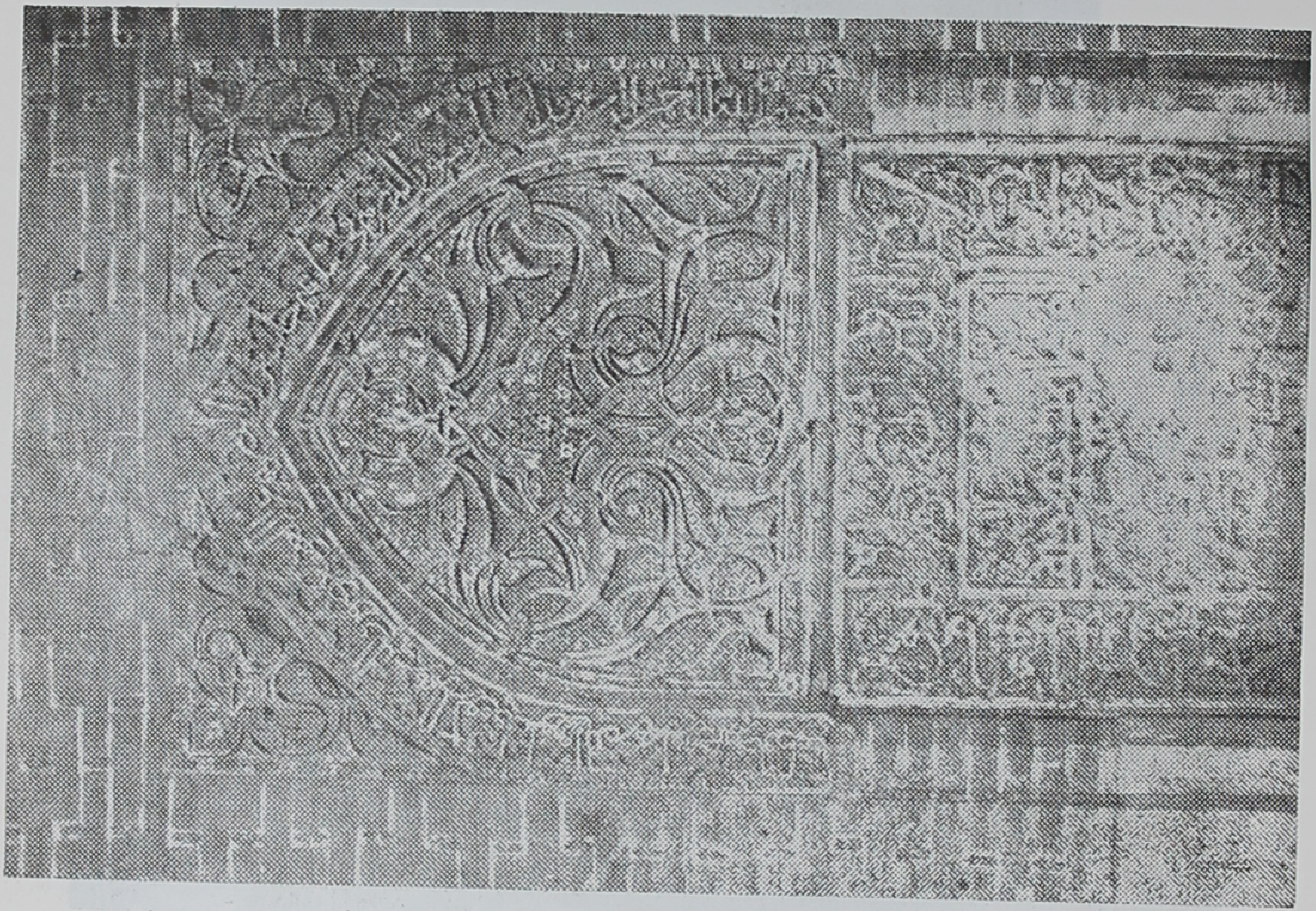


ش۱۹۷ کرج



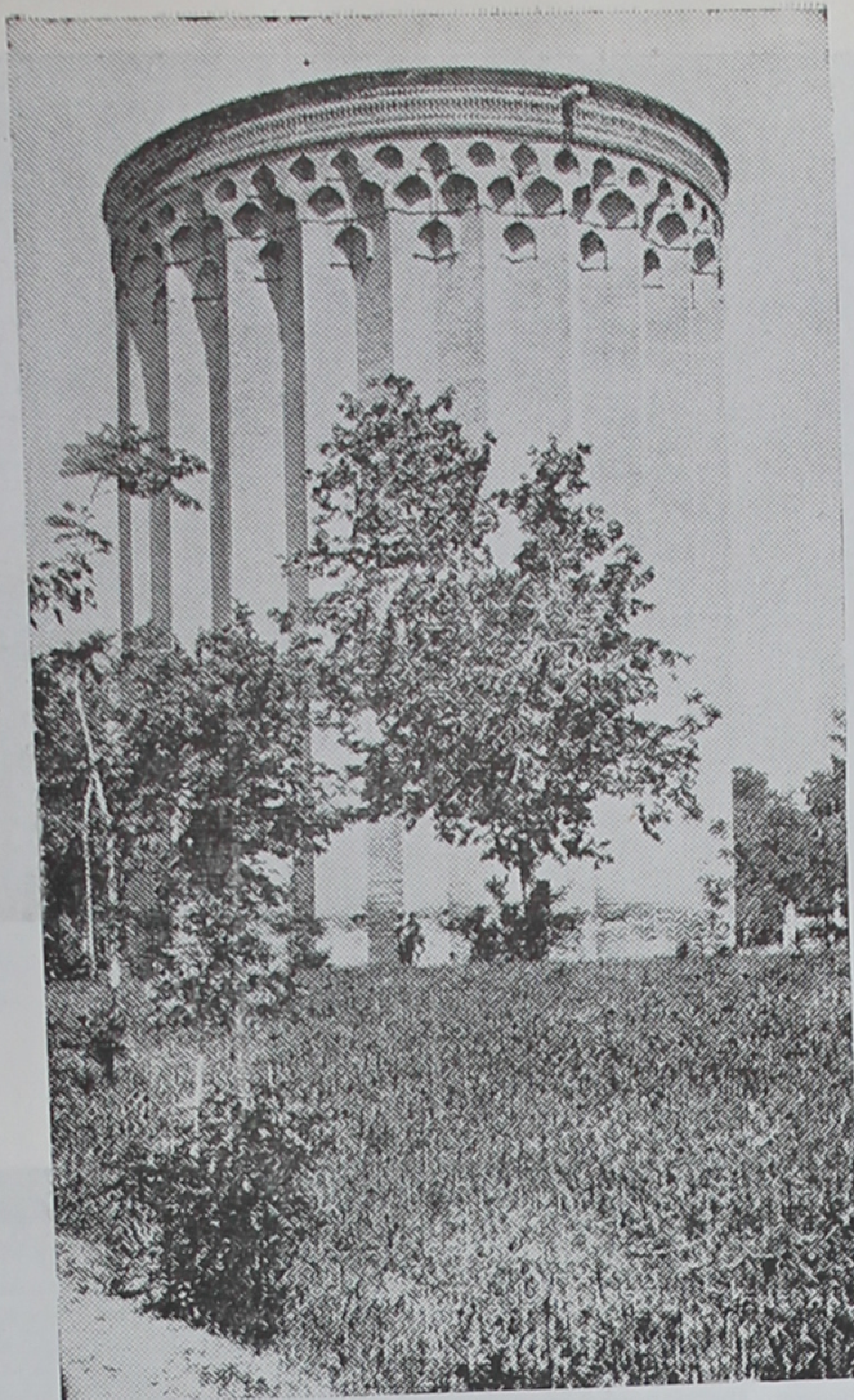
مدرسه شاهی

ش۱۹۸



مسجد اردستان

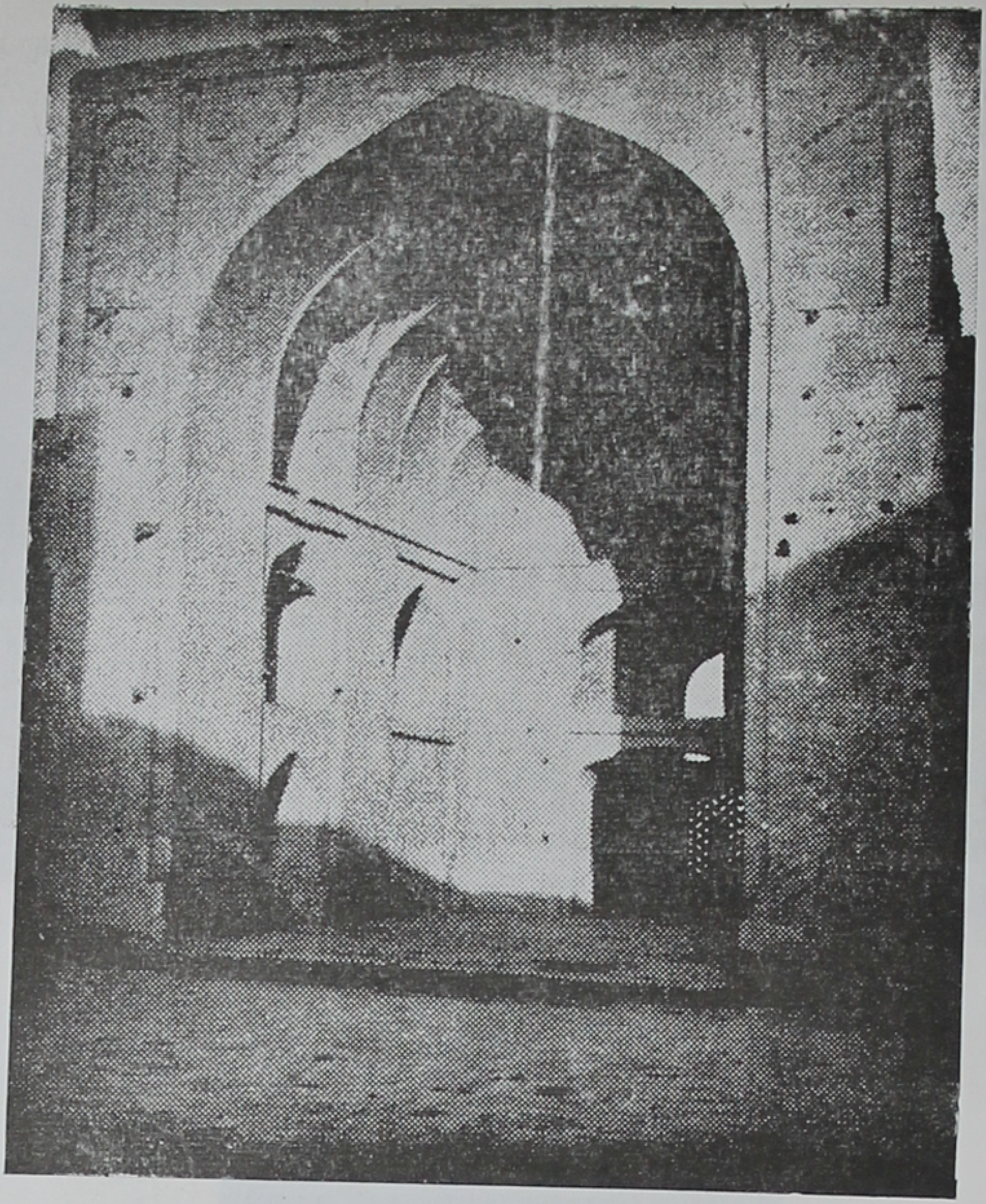
ش۱۹۹



ش ۲۰۰ برج طغرل حضرت عبد العظیم



ش ۲۰۱ بیمارستانهای شهسوار و نوشهر



مسجد جامع سمنان

ش۲۰۲

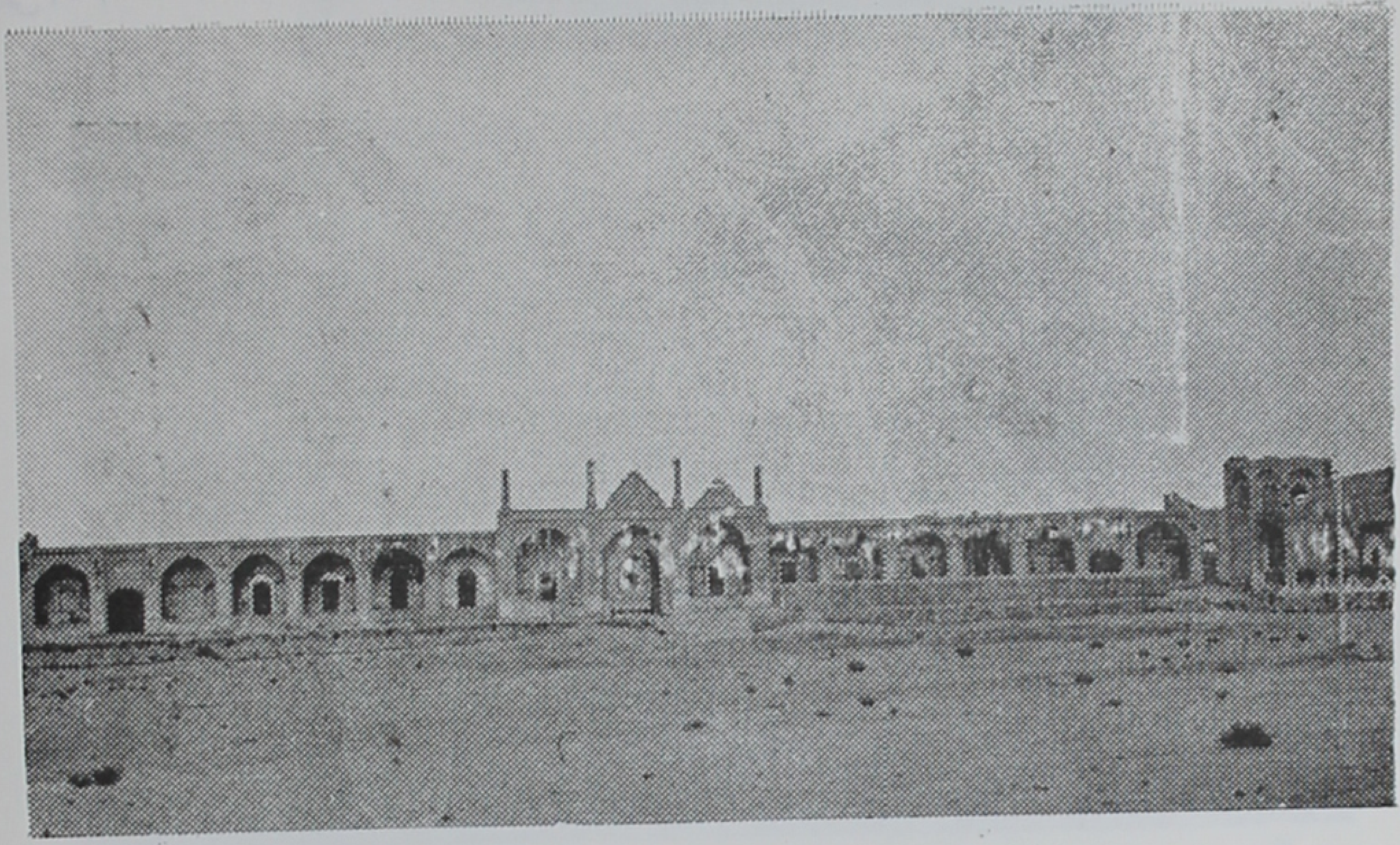


بیمارستان بوشهر

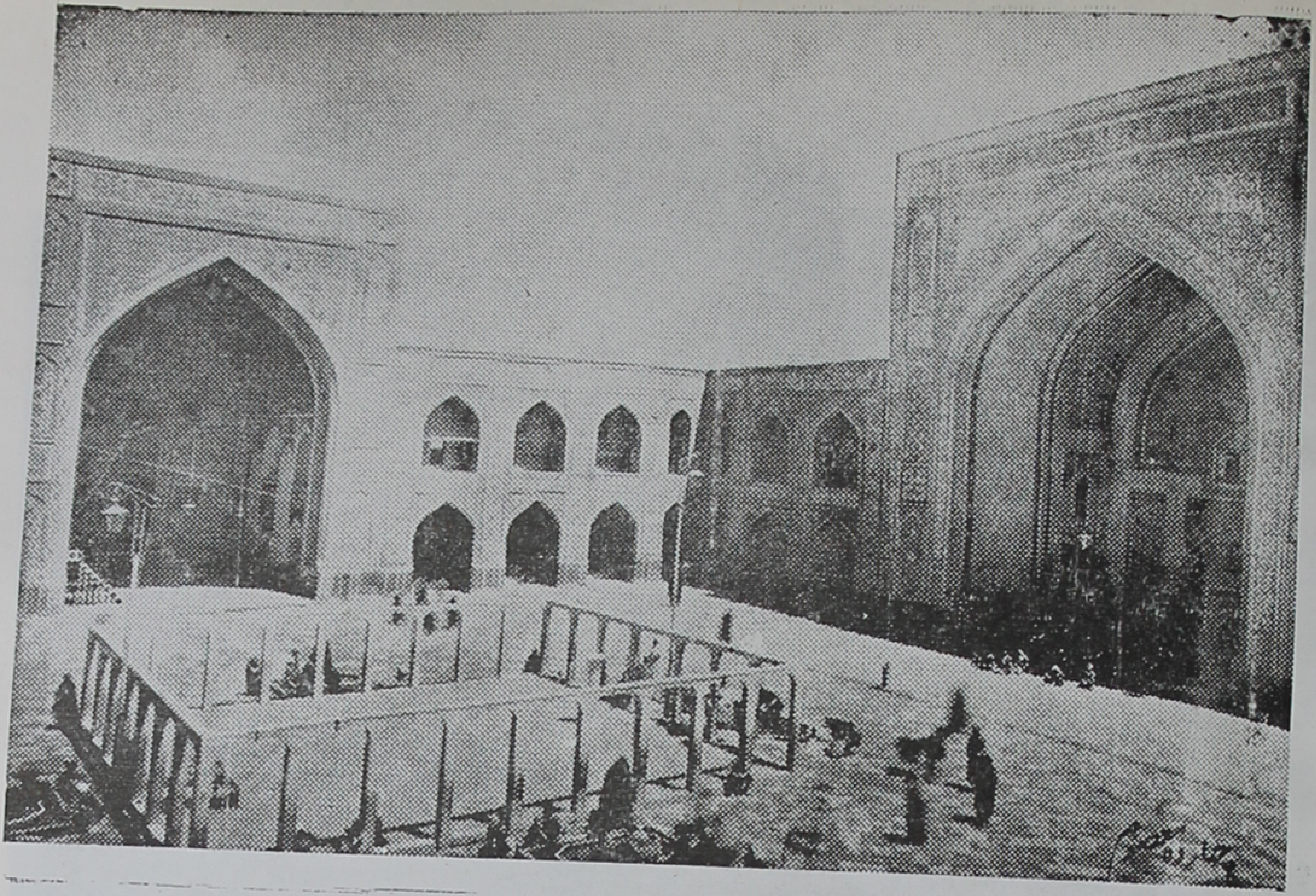
ش۲۰۳



ش۲۰٤ جده مدخل مکه معظمه

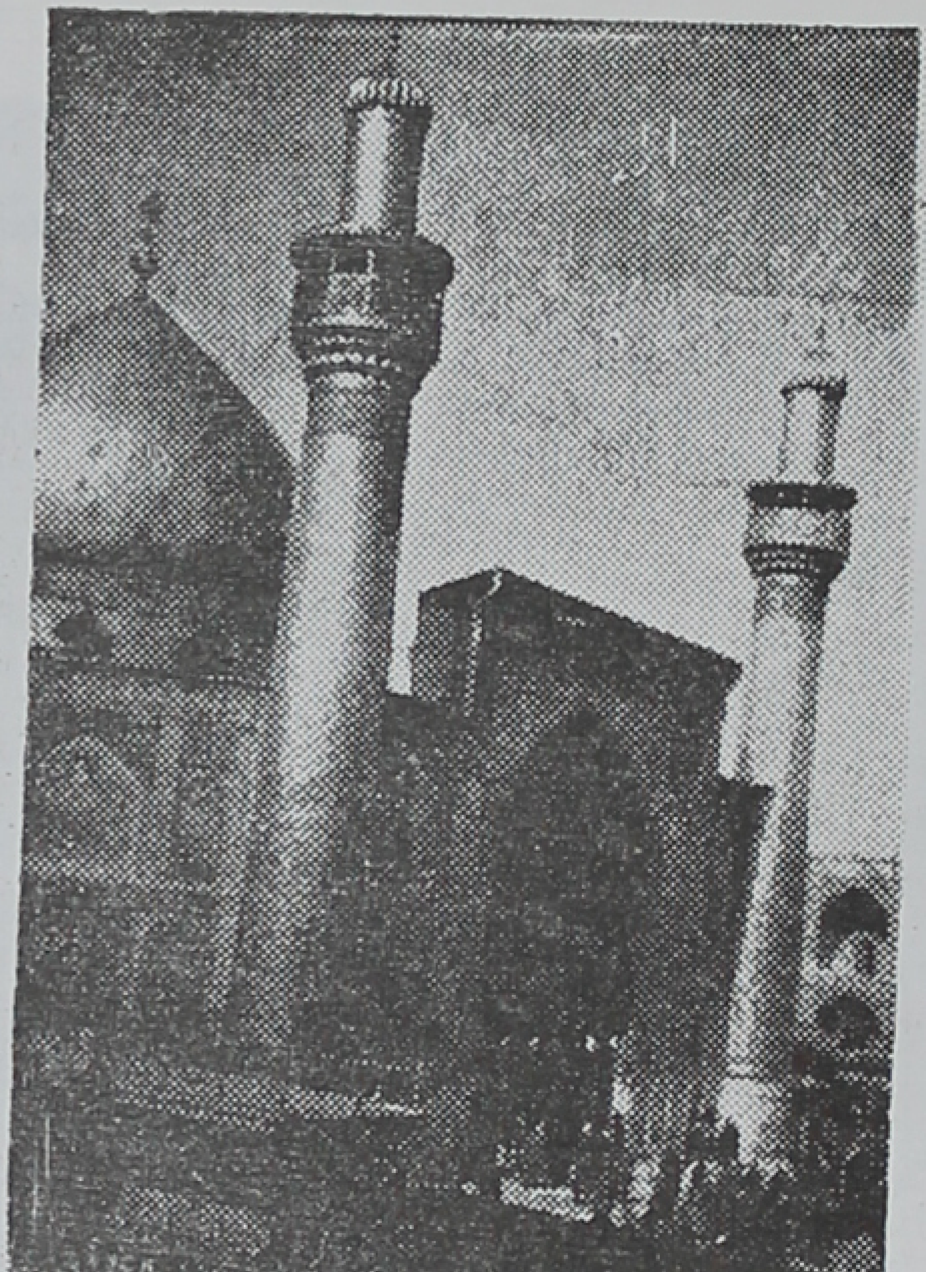


ش۲۰۵ کاروانسرای شاه‌عباس

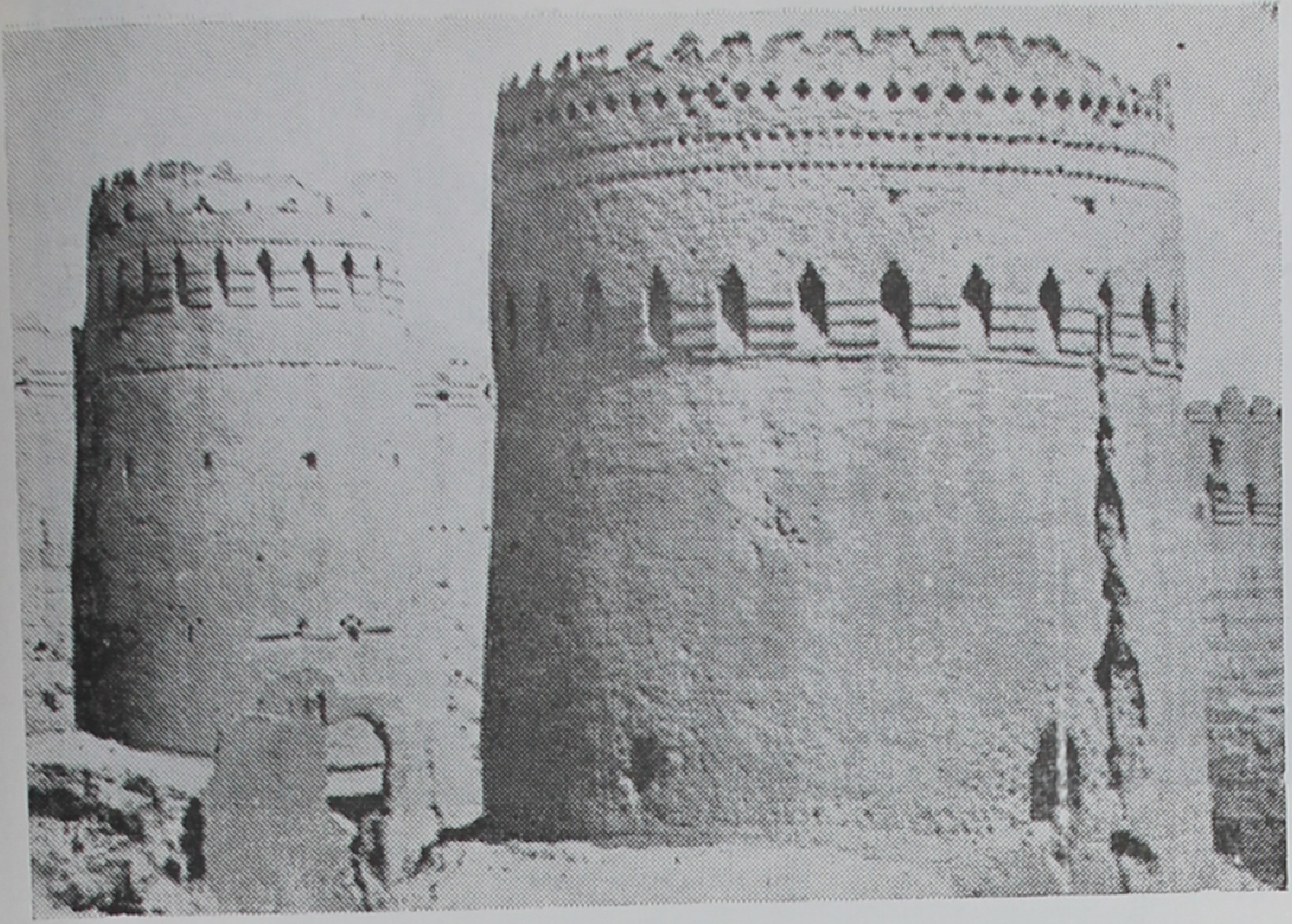


صحن مقدس امام رضا

ش۲۰۶



ش۲۰۷



ش۲۰۸ برج ارك تبریز



ش۲۰۹ بندر پهلوی



ش۲۱۰



ش۲۱۱ باغ فین کاشان



ش۲۱۲ هارونیه طوسی



ش۲۱۳



ش۲۱٤ یک سپر چرمی



ش ۲۱۵

مجموع این ولایات قریب ۱۸۶،۰۰۰،۰۰۰ ولی این درآمدها بیشتر بظلم وستم گرفته میشدو صرف جنگ‌ها میگشت وهرچه باقی بودبعیش وعشرت خلفا میرسید .

درزمان یزیدبن عبدالملک مسلمة بن عبدالملک عامل عراق آنچه خراج گرفت به برادرخودنداد و اوهم شرم داشت مطالبه کند وازنافرمانی بیم داشت ،

یزیدبن مهلب پس‌ازفتح جرجان درسال ۹۸ مالی بالغ برشش‌ملیون درهم حق بیت‌المال‌راجمع کرد ویزیدخبردا شد ازاومطالبه کرد اماهیچ‌چیزازآن مال بخلیفه نداد .

جرجی زیدان در ج ۱ ص ۹۵ تاریخ تمدن اسلامی در ذیل وسعت کشور های اسلام مینویسد درایام عمر تاآخر خلفای راشدین معاویة ابن ابی‌سفیان عامل شام بود و پس از جنگها با علی‌ها بخلافت رسید ومرکز خلافت رااز کوفه بدمشق انتقال داد ولی تمام مردم جزیرة‌العرب از بیعت اوسرباز زدند وسال ۷۲ هجری که حجاج بقتل‌عام پرداخت ضمیمه ممالک بنی‌امیه‌شد.

معاویه ۲۰سال حکومت شام‌را داشت . و ۲۰سال خلافت نمود .

ثروت دولت بنی‌عباس

در سال ۱۳۲ تا سال ۲۱۸ از سال ۲۱۸ تا سال ۳۰۶ دولت بنی‌عباس درسال ۱۳۲ هجری تاسال ۶۵۶ ادامه داشت. ترقی و قوت آن دربین سالهای ۱۳۲ تاسال ۲۱۸ بود که این دولت باوج مجدوعظمت رسید وتمدن اسلام را توسعه داد وثروت دولت اسلام دراین عصر نهایت ترقی را نمود بطوری که درهیچ عصری از اعصار تاریخی بشر این عظمت دیده نشده است . پایان خلافت مأمون تا انقضای دولت عباسی ثروت و عظمت دولت رو بضعف رفت تا اجزای آن درهم پاشید .

اسباب وعواملی که دولت بنی‌امیه رامضمحل کرد اگرچه زیاد است ولی بازگشت همه آنها بیک‌امر بود وآن ظلم وستم بررعایاواانحراف دادن مسلمین ازقوانین دین وبعیش وعشرت گرائیدن خلفا بود .

مخصوصاً تعصب جاهلانه عربی وقتل‌حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین‌ها که بیشتر ازهرچیز دراضمحلال دولت بنی‌امیه اثر بخشید وهواخواهان آن‌حضرت یعنی ایرانیان در اطراف پرچم های مخالف اموی تجمع کردند تابالاخره ابومسلم خراسانی راحمایت نمودند ودولت عباسی راتشکیل دادند.

ازکسانی که علیه‌دولت اموی برای اولین‌بار قیام کرد وبخونخواهی فرزندزاده پیغمبر خاست مختار بن ابی‌عبیده ثقفی در سال ۶۶ هجری بود ازآن پس پرچمها بمخالفت برافراشته شد بطوری که درظرف‌قریب‌ده سال‌چهارصدهزار نفر بنام‌خونخواهی کشته‌شدندودرسال ۱۳۲ بحمایت موالی‌وایرانیان که‌ازدست بنی‌امیه سخت‌درفشار بودندخلافت برای بنی‌عباس‌مستقر گردید .

ثروت اسلام دراین عصر بارتفاع قابل‌توجهی رسید که درزمان ابوالعباس سفاح اولین خلیفه‌هر چه وصول میشد بمصرف جنگها رسید واضافه درخزینه دولت باقی‌نماند،

ولی درعصر منصور از۱۳۵ تا۱۵۸ در مدت ۲۳ سال حکومت درآمد زیادی داشت که پس‌از مردن او ۱۴،۰۰۰،۰۰۰ دینار و ۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم که تقریباً مطابق ۸۱۰،۰۰۰،۰۰ بود در خزینه دولتش باقیمانده وهنگام مردن بپسرش گفت آنقدر برای تومال بیندوختم که اگر ده سال خراج مملکت کسر نماید تومحتاج نباشی‌وهزینه دولت رابتوانی پرداخت.

مهدی معزی که بحج رفت ۳۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم بایك پرده زربفتی برای کعبه بمکه برد وبین اهالی تقسیم کرد.

چون بمدینه رسید ۳۰۰:۰۰۰ دینار ازمنال مصر و۲۰۰،۰۰۰ دینار ازیمن برای او آوردند تمام آنهارا باهل مدینه داد.

دولت بنی عباس دارای ممالك پهناور بود و ستم هـای بنی‌امیه را نمی کرد و درخرج هم خودداری نداشت.

در جنك افریقا بالغ بر۶۳،۰۰۰،۰۰۰ درهم بمصرف جنك خراج رسانیدند برای بنای شهر بغداد ۴۸۳۳،۰۰۰ درهم بداد.

در يك سال عطایای اوبده مليون درهم رسید بااینهمه بذل وجنك وساختمان درمدت خلافت منصور بالغ بریك‌میلیارد درهم بخزانه دولت اضافه ریخته شد.

این ثـروت نسبت بزمان هارون‌الرشید اندك بود زیرا هارون هنگام وفات درسال ۱۹۳ مبلغ ۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم در خزینه داشت وخود او باندازه اسراف و بخشش داشت که شخص مشهور تاریخ است،

هارون دریك سفر سال ۱۸۶ بحج رفت ۱،۰۵۰،۰۰۰ دینار درآن سفر اکرام وبخشش کرد درسخایای‌مفرط هادی خلیفه مینویسند بعبدالله مالك چهارصدبارقاطر درهم بیکبار بخشید با اینگونه سخاوت این‌اندازه ذخیره درخزینه دولت عباسی دیده‌شده است.

پس‌از درگذشت هارون سال ۱۹۳ میان امین‌ومأمون زدوخوردی شد و پس‌از جنك وپیکار امین درسال ۱۸۹ کشته‌شد خلافت درشرق وغرب مملکت یکسره برمأمون مسلم گردید.

مأمون بنقل‌وترجمه علوم وزنده کردن زبانهای علمی پرداخت وبذل فراوان میکرد. مالیات دولت عباسی درعصر مأمون بنابر استخراج جرجی زیدان از ابن خلدون و ابن حرداذ بهبالغ بر ۳۹۰.۸۵۵،۰۰۰ درهم‌رسید که‌پس‌از دادن‌مرسوم بلشگریان‌ومصارف تحصیل مالیات واصلاح امورات زراعت وغیره مخارج ادارات ومصارف‌دربار ورجال دولت ونویسندگان بنقل ابن‌خلدون بصندوق‌بیت المال مسلمین ریخته‌میشد. ۱

درعهد مأمون خلیفه عباسی چهارصد مليون درهم غیراز اجناس وغلات که بهای‌آن معلوم نیست و اجناس و امتعه وجـه نقدی دریافت می گردید این مبلغ درهیچ يك‌از دولت های جهان سابقه نداشته است.

اکنون ممالك اسلامی رامی‌بینم که درعصر عباسی تاچه حد پیشرفته است. ج ۲ تاریخ تمدن جرجی زیدان ص ده.

جغرافیای ممالك اسلامی درعصر مأمون

حدود ممالك اسلامی درعصر مأمون پهناور ترین ممالك مترقی جهان بشری رانشان میدهد که ازآن پس‌در هیچ دولت وتمدنی نظیر آن رخ نداده است.

مملکت اسلامی ازجانب‌مشرق سرزمین هند ومقداری ازچین و دریای فارس بود.

از طرف مغرب مملکت روم که دریای‌سیاه می گویند وآسیای صغیر ودریای‌روم وممالك روسیه وبلغارستان بود.

ازطرف شمال بلاد بربر و ممالك خزر ولان درآسیا و کوهستان بیرین دراروپا که درنقشه امروز تعبیر بسیبریه ودریای قزوین وبحرالروم میکنند.

از طرف جنوب دریای فارس وتوابع مصر ازبلاد نوبه بود که مساحت اراضی وعده نفوس سکنه آن بشرح زیر میباشد.

ممالك اسلامی درآن عصر ۲۷ اقیم بود که هفت اقلیم آن درمغرب و بیست اقلیم درمشرق اقلیم های مغرب.

دیارعرب - شام - دریای فارس- بحرالروم -دیار مغرب - جزیره - مصر- اقالیم مشرق عراق - بلاد جبل - خوزستان - دیلم ، فارس ، طبرستان، کرمان، جرجان، مکران-قومس ،طوران، بیابان خراسان‌سنه. سجستان. ارمنیه . خراسان آدربایجان،ماوراءالنهر، بلاذران: خوارزم.

شرح‌هریك را ابن‌حوقل واصطخری مفصل بیان کرده‌اند وجرجی زیدان‌نیزازآنها گرفته است جرجی زیدان در ج اول ص ۹۷ میگوید کشور های اسلامی به۴۴ مملکت بزرك میرسید که غرناطه واشبیلیه و اندلس ازآن جمله‌بود و پس‌از بیان حدود ممالك اسلامی می گوید آن ممالك اسلامی که درسال ۱۹۱٤ برخی دست نصاری و دول غیر اسلامی است بالغ بر۹۶ ملیون نفر جمعیت دارد پس‌از بیشتری که در احصائیه نفوس ممالك آنعصر کرده و نقل عقیده مقریزی ج ۱ ص ۱۰۰ میگوید هیچ استبعادندارد بگوئیم نفوس ممالك اسلامی در عصر هارون و مأمون با اندلس بالغ بر ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ تا ۳۰۰ ملیون بود زیرا ساکنین اروپا درآن عصراغلب مسلمان شدند وجمعیت اروپاهم فراوان بوده است وآن جمعیت راباجمعیت آسیا وافریقا وجزائر باهم حساب کنیم بجرئت میتوان گفت که درزمان هارون ومأمون قریب ۳۰۰ ملیون مسلمان بوده‌اند ص۱۰۲ ج ۱

ثغور و حدود ممالك اسلامی

مرزهای ممالك اسلامی که بنام ثغور وحدود خوانده میشد ودر عصرهارون‌الرشید بنام (العواصم) نگهبان سرحدی میگفتند در دریا وخشکی «براً و بحراً» عبارت بود ازمرکزیت شام که از آنجا بطرف دریا وخشکی‌ازچهارطرف پیشرفتند.

پس‌ازفتح شام ازطرفی بصحرا و مرزروم‌ودرسواحل دریای روم وپس‌ازامتداد فتوحات‌خشگی‌ودریائی از بیروت - صیدا - جبیل- ازشام بطرابلس- انطاکیه - اسکندریه طرطوس-سواحل دریای مدیترانه ازجهت خشگی از یکطرف بخاك فارس و ازطرف دیگربخاك روم که از طرف دریا آب و خاك دولت ممالك اسلامی را بهم مرتبط و پیوست ساخته بود - ازجهت دریا - شام - مصر- طرطوس - مصیصه - زربه - کنیسه هارونیه - بیایس - تقابلس - عریش - امیاط - اسکندریه وازشمال شام جزیره عراق مرعش - شمیشاط - ملیطه وازیکجهت دیگر بلاد هند وشرق تاچین و ژاپن رسیده بود این بود حدود ممالك اسلامی درقرن دوم هجری که هارون‌الرشید بابرخطاب کردبابر که هرکجا بباری بکشوراسلامی باریدهٔ

این عزت وعظمت - این رقاء ملی ورشداجتماعی - این سیطره و حکومت و این اهتزاز در پرچم اسلام این پیوستگی دریاهاوصحرا وکوهها وممالك این‌آشنائی ملل متنوع ونژادهای مختلف این وحدت ملی وروح توحید درکالبد اجتماعی تاموقعی که فرمان پیغمبراسلام ص و احکام قرآن

بتمام معانی اجرا میشد برقرار بود وچون تعلل وتسامح ومجامله وتکاهل وتعیش درکار پدیدار گردید نفاق جای تفاق وتشتت جای وحدت را گرفت واضمحلال ممالك اسلامی ظاهر گردید و دولتها ازهم منزع وجدا شدند ولی جای خوشبختی است که اسلام همان نفوذ معنوی خودرا درمکتب افراد بشر برای همیشه حفظ کرده ودرتمام مدت ۱۴ قرن ازاین اثرخالی نبوده است .

مالیات دولت عباسی نمونه ثروت آنعصر است

درمیان مورخین کمتر نظیر براین نکات بوده‌است ازمیان مورخین اسلامی کسی که صورت حساب در آورده ابن‌خلدون است که در مقدمه خودمیگوید آثار هردولتی نمونهٔ ازقوت آندولت‌است دربیان ممالك‌اسلامی واسامی آنها که درنسخدها وچاپ‌هاتحریف شده یا غلط نوشته‌شده ویااعدادرا نتوانسته‌اند درست مینویسند یاشبیه بهم خوانده شده که مقداری ازآن جرجی زیدان تحقیق کرده اینست خلاصه بنویسد .

ماءون ۲۲ سال‌ازسال ۱۹۶ تاسال ۲۱۸ حکمرانی‌داشت‌ودرجنك بین‌اووامین‌صورت‌حساب‌بیت‌المال بغداد سوخت پس‌ازآن بدفاتر جدید ثبت کردندازسال ۲۰۴ تاسال ۲۱۸ که‌ثبت شده بدینقرار بوده است که‌این خلدون ۳۴ قلم‌راتمام بریده که‌مبلغ ۳۹۰،۸۵۵،۰۰۰ مطبون‌درهم‌نقد درعصرمامون‌بود وبالغ بر مقدار ۱۱۵،۶۰۰۰ کیل گندم‌و ۱۲۳،۹۲۱ جوو ۸،۸۲۱،۸۰۰ درهم نقدبود که درعهدمعتصم‌ثبت شده ۱

ممالك اسلامی در عصر عباسیان عبارت از ۱۸ مملکت و۳،۳۲۸،۰۱۴ میل‌مربع بودتقریباً بمساحت تمام اروپاگوئی تمام ممالك اسلام‌باجمعیتش مسلمان ومالیات پردازاسلام بوده‌اند

این ممالك عبارت بود از:

ایران بتمامه	۶۲۸۰۰۰	مترمربع
افغانستان	۲۱۵،۰۰۰	
بلوچستان	۱۳۰،۰۰۰	
سند	۴۸،۰۰۰	
ترکستان	۲۵۷،۰۰۰	
قفقاز	۱۵،۳۰۰	
ارمنستان‌کردستان	۷۲۵۰۰	
عراق وجزوه	۱۰۰،۲۰۵	
سوریه فلسطین	۱۰۹،۵۰۹	
جزیرة‌العرب	۲۰۰،۰۰۰	
مصر	۴۰۰،۰۰۰	
نوبه وسودان	۳۰۰،۰۰۰	
طرابلس غرب	۳۹۸،۰۰۰	
جزایرغرب	۱۸۴،۰۰۰	
تونس	۵۱،۰۰۰	
مراکش	۲۱۹،۰۰۰	
جمع	۳،۳۲۸،۰۱۴	میل مربع

۱ــ ص ۴۱ ج ۲ جرجی‌زیدان

۱ـ درتنظیم حساب مالیات وتقسیم آن ازمالیات سواد و مالیات افقهای دیگر درشرق وغرب اسلام بااختلافاتی جزئی که‌ازنظر کیل‌وتسعیردرهم ودینار بین‌ابن‌حرداز به وقدامةبن‌جعفر وابن‌خلدون موجود است باگندم وجوو ابریشم وعسل وغیره نه بحدی است که بشودآمار صحیحی از آن بدست آورد منظورما فقط بیان عظمت دولت اسلام درقرن دوم وسوم است .

علل ارتفاع مالیات در دوره عباسیان

درممالك اسلامی بیش‌از هرچیزعدالت وفضیلت اخلاقی‌حکمفرما بوده‌ولی ازنظرعلمی واسباب مادی موجباتی اسباب فزونی‌خراج ومالیات بودم که اکنون‌اجمالا اشاره میکنیم .

۱ـ وسعت ممالك اسلامی بود که درهر کشور از روی مساحت زمین حاصلخیز مالیـات میگرفتند در آنعصر اسپانیا از ممالـك مهم حاصلخیز اسلام بشمار میرفت .

۲ـ اشتغال مردم بامرزراعت بود و چون در دوران خلافت بنی‌امیه مردم سخت در فشار ظلم و ستم بودند زراعت وفلاحت شکست فاحشی‌خورد ولی بنی‌عباس نسبتاً رایت عدل‌بکستردند وباذمیان وموالی‌حسن‌معاملت ومجاملت پیش گرفتند وجان‌ومال مردم مصون ماندوزراعت وآبادی روبعمران وترقی ومصونیت گذاشت .

۳ـ سنگینی خراج روی مساحت اراضی بود وازگندم وجو ومویز وخرما و نیشکر ومالیات سرشماری ازهر کس۱۲درهم درسال میگرفتند بطوری‌که در زمان عمر۱۲۰ ملیون درهم از سی‌ملیون جریب اراضی زراعتی میگرفتند[1] ومالیات مستقلات وبازارها وآسیاها که مردم براراضی دولتی بنامیکردند ودر دوره عباسی به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ درهم رسید.

۴ـ صدق وراستی و درستکاری عاملان درگرفتن مالیات و تحویل آن بیت‌المال بود که بعکس دوره بنی‌امیه که‌عمال خودشان خراج رامیخوردند ومبلغی‌ناچیز بیت‌المال میدادندامامال بنی‌عباسی هرچه میگرفتند جزحقوق ومقرری خود بقیه رابیت‌المال میفرستادند ـ امراء و وزرای بنی‌عباسی چون ایرانی بودند دررای و عزم وانفاق نظرمتفق وعمال را از مردمان درست و متقی و باایمان انتخاب میکردنـد و مخصوصا خواستند عکس‌العمل بنی‌امیه را نشان دهند .

۵ـ اندك بودن مخارج و بی‌نظیری خلفا در رفاء ملی اسلام اندك بودن مامورین برای وصول مالیات و انجام اداره امور کشوری بوده .

۶ـ قرض نداشتن دولت برعکس دولتهای جدیدامروز واندوختن ذخائر واموال زاید دربیت المال مسلمین .

۷ـ اقتصاد وصرفه‌جوئی خلفا بعکس خلفای اموی چنانچه سفاح پس‌ازچهارسال جزچندجامه در بیت‌المال نداشت وجنگها وفتوحات بسیار کرد.

۱ـ تاریخ تمدن ص۶۵ ج ۲

منصور در دوره حکومت خود ۸۱۰ ملیون درهم ذخیره اندوخت هارون‌الرشید با داشتن وزرائی مانند برامکه که روزانه باده‌ملیون درهم بخشش میکردند بازهم ملیونهاپس ازهارون ومامون باقی مانده

همین عوامل که قدرت‌خودرا ازدست داد وبعکس اعمال شدسبب ضعف وانحطاط دولت بنی‌عباسی گردید.

عوامل انحطاط دولت عباسی

خلفا اسراف ورزیدند درعیش وشهوترانی - زنان خلفاثروتهای بی‌شمار اندوختند ولباسهای قیمتی میپوشیدند برخلاف خلفای اولی‌بنی‌عباسی - مثلا مادر محمدبن واثق دوملیون دینار درآمداملاك شخصی اوبود ص۹۹ج۲

کنیزکان وغلامان ثروتهای فراوانی اندوختند وغلامان وخدمتگذاران متمکن گشته وشماره آنها ازصدها درهردربار گذشت . معزبالله دربغدادخانه بساخت ۱۳ ملیون درهم خرج آن شدوامین درخزرانیه قصری بنا کرد که ۲۰ ملیون درهم صرف آن شد واین اسراف و تبذیرها موجب ضعف و اضمحلال گردید خزانه دولتی‌سفره مرتضی‌شدبهرکس بی‌حساب بخشش میکردند ومرسومی‌میدادند که هیچ قابل‌مقایسه باعهد خلفا نداشت تشریفات نویسندگان-وزیران - قضاة - درباریان-حواشی دربار وغیره ازحساب بیرون بود ،

مثلا محمدبن سلمان عامل بصره پنجاه ملیون درهم و علی‌بن‌عیسی ماهان ۸۰ ملیون درهم جمع کرد .

حتی برای تبعیت گرفتن مصارفی میکردند برای مزید اطلاع بتاریخ تمدن جرجی‌زیدان مراجعه شود .وتاریخ‌تمدن دکتر گوستاولوبون

فصل پنجم

بسط و توسعه اسلام

مسلمین باعواملی که دراختیارشان گذارده شد پیشرفت کردند

منشاء تربیت مسلمین قرآن بود.

قرآن علوم وفنون رابمنظور شناختن احکام اسلام آموخت ائمه دین

اسلام مربی ومبین قرآن بودند.

قرآن را باتمام علوم مربوطه آموخته و خودشان در علوم و فنون

تالیف و تصنیف کردند وشیعیان و پیروان آنها درهرعلم وفنی ابتکار تفوق و

تقدم را دردست داشته مسلمین دیروز بفتوحاتی بزرك نائل شدند و آثار و

مآثرتمدن اسلام درجهان پهناورگیتی ریشه دوانید واسلام خودبخود رو

بسط و توسعه پیش رفت.

عوامل ترقی بطرف تکامل

تاریخ اسلام داستان سرگذشت مردم نیست که فقط مدتی وقترا بگیرد ومانند رمانها وحکایات قصص انسان راسر گرم کند بلکه تاریخ اسلام راقیترین تمدنی که بشرتا کنون نظیرآنرا ندیده و سرعت انتشارنفوذ معنوی کتابی که نظیروشبهی نداشته باعلل ارتقاء ومدنیت یا اسباب انحطاط وتنزل بیان میکند تاعبرت آیندگان گردد وسرمشق زندگی‌را بشر بیاموزد .

۱- وسعت ممالك اسلامی

۲- علاقه بزراعت وفلاحت وباغبانی وآبادی اراضی

وتوجه باینکه هر کجامسلمان بوده‌اند درموضوع زراعت وآباد کردن اراضی سعی بلیغ داشته و درممالك دوردست مانند جاوه افریقای شمالی و جنوبی - ژاپن وچین‌مسلمین دست یافته‌اند قبل ازهر کارآباد کردن اراضی پرداخته واین فن رادراقطار عالم ترویج کرده‌اند .

۳- صدق راستی ودرستی عاملان مسلمان در وصول گرفتن مالیات و خراج وریختن تمام آن بخزانه دولت - «بیت‌المال‌المسلمین» بدون خرج‌تراشی وتشریفات بی‌جا

۴- حسن‌انتظام‌مالیات (زکوةوصدقات غنائم‌سهم امام) غیره

۵- کمی مامورین

۶- وام نداشتن دولتهای اسلامی

۷- صرفه‌جوئی و کم‌خرجی خلفای اسلامی

مافرطنافی الکتاب من شئی آیه ۳۷ سوره ۶

منشاء تربیت مسلمین قرآن است

قرآن حاوی تمام علوم وفنون مترتب بردین و دنیاست وکلیه علوم رسمی وغیررسمی دخیل درغرض و غایت ازبعثت انبیاست یعنی ازراه همین‌علوم رسمی مانندحساب- هندسه - جبر- مقابله - فیزیك - شیمی - میکروب‌شناسی چنین‌شناسی- جانورشناسی - طب - بهداشت - علوم‌طبیعی - مکانیك فنون وصنعت مانند کشتی‌سازی کشتیرانی تاریخ جغرافیا ادبیات علم جواهرات واحجار وعناصر وموالید همه دراحاطه علمی‌طریقی توحید قرآن‌قراردارد ولذا تصریح‌فرمود که **ونزلناعلیك الکتاب تبیانالکلشیء** آیه۱۱۱ سوره۱۲ قرآن را بر تو ای پیغمبر که عقل اول هستی‌نازل کردیم تاهمه چیزرا برای توروشن نماید یعنی‌تمام عالم وجود ازمبداءِ تامعاد باتمام مختصات وممیزات درقرآن برسم طریقت نه موضوعیت اشاره شد موضوع قرآن‌فقط هدایت وارشاد بتوحید است که تمام احکام وعقود وایقاعات وقصاص وقانون‌ودیانت وقصص وحکایات که علوم و فنون درخلال آن بطریقیت بحث شده برای بیان توحیداست تا مردم مسلمان باشند .

بااین بیان‌علم قرآن وعلم پیغمبر که تمام آن بائمه معصومین رسیده است تنهاعلم دین نیست ومحدود بعلم شریعت نیست دلایلی براین گفتارهست که علوم قرآن که علم پیغمبررا تشکیل‌میدهد علم‌دین ودنیاوآخرت است وشامل تمام علوم‌اولین وآخرین است زیرا کلیه علوم ازحکمت‌منشعب میشود وحکمت سرچشمه خیر کثیراست چنانچه فرمود :

۱-ص۱۷۹ ج ۱ تاریخ‌تمدن جرجی‌زیدان

ومن یوتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیرا

قرآن سرچشمه خیر کثیر است وتمام علوم وفنون وصنایع وحرف درتجارت وصنعت وفلاحت و حتی علوم طبیعی وریاضی ازعلوم حکمت الهی سرچشمه گرفته است واحکام قرآن بیش از پانصد آیه نمیشود چنانچه درکتب بیان الاحکام نقل شده و آیات الاحکام مقدس اردبیلی، و سیدجزائری شاهد مدعای ماست .

درحالی که قرآن بیش از ششهزار آیه دارد وپنجهزار وپانصد آیه دیگر مربوط بعلوم وفنون و قوانین اجتماع بشریست که اتم واکمل ادیان آسمانی است

قرآن نه تنها معارف بشری را ازنظر دین وشریعت بکمال رسانیده بلکه بتمام شاگردان مکتب خود علوم وفنون بشری راآموخته است.

قرآن روزیکه برقلب مبارك خاتم النبیین ص نازل شد ازحقایق اشیاء وازمبداء عالم بحث کرد تا بمعاد و علت العلل راکه وجود واجب تعالی باشدتا خطسیر بشراز مبداء تامنتها همه را بمنظورتعظیم توحید ودرس یکانکی حق آموخت وثابت فرمود که مافرطنا فی الکتاب من شیئی تمام علوم اولین و آخرین است نه تنها علم دین وشریعت چه اگر بنا باشد پیغمبر تنها علم دین را بداند قهراً بین او و سایر علوم دنیا که بستکی کامل بزندگی دارد فاصله خواهد افتاد واسلام آموخته که علم از دین بطور اطلاق مجزا نیست وعلم ودین مطلقاً غیرقابل تجزیه وتفکیك است و آنها که خواسته اند دین را ازعلم جدا کنند بروش کلیساهای نصاری بود که علم را منافی بادین میدانستند درحالیکه اسلام علم را مؤید دین میداند ودر این چهارده قرن هم هر چه علم پیشرفت کرده دین را تأیید نمود و نیرو بخشید .

درحالیکه ماگفتیم علمای نصاری جبهه مقابل و دشمن سرسخت کلیسا بودند و روحانیون و وسونیان کلیساها بدخواه ودشمن علما بودند وچند هزاران علماء که بفتوای کشیش ها کشته شدند درحالی که اسلام دین مقدس عقل وعلم واستدلال و برهان است و روحانیون وعلماء یکصف دارند دو جبهه نیستند.

علم ودین درمرجع فتوای بصورت واحد است نه بتفکیك وعلماء بابرهان عقلی وارکان اربعه علم عقل - کتاب وسنت بردلها سلطنت میکنند وراسخین فی العلم مفتیان اسلام بوده اند وتفسیر این آیه را همه درکلمه شیئی بعلم کرده اند یعنی هیچ علمی درقرآن فروگذار نشده است چنانچه آیات دیگرهم تأئید فرمود .

دشمنان اسلام که سرحلقه آنها اموین بودند آیات را بمیل خود برای حفظ حکومت غاصبانه خویش تاویل کردند چنانچه درذیل آیه که جاسوس انصاری دردولت آنها وزیر مشاور بوده وبرای تشدید اختلاف باشیعیان علی بمبارزه برخواستند گفتند منظور از این آیه چیست اگر میگفتند همه علوم است می پرسیدند چرا مسلمین همه علوم را نمیدانند اگر میگفتند نیست می پرسیدند پس معنی **لا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین** چیست؟

تا آنکه اهل علم براسخین درعلم مراجعه نموده جواب دادند مراد همه علوم است وهمه علوم در نزد کسی است که قرآن درخانه او نازل شد.

روزی معاویه در محضر امام حسن مجتبی از روی سخریه و استهزاء پرسید شما که میکوئید **لارطب ولایابس الافی کتاب مبین** کجای قرآن است که ریش من کوسج محاسن توانبوه است

امام مجتبی فرمود در آن آیه که میفرماید **والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه و الذی خبث لایخرج الا نکدا .**

زمین شوره سنبل برنیارد در آن تخم عمل ضایع مگردان

این پاسخ مستدل دماویه را ساکت نمود وهر کجا چنین سئوالی میشد ائمه معصومین از قرآن آیهٔ مستدل تلاوت میکردند ـ ومولوی معنوی در اینکه قرآن مشحون همه علوم است واختصاص بعلم دین ندارد ابیاتی نظم نمود ـ گوید :

خوش بیان کرد آن حکیم غزنوی بهر محجوبان مثال معنوی
که زقرآن گر نبینند جز که قال این عجب نبود زاصحاب ضلال
کز شعاع آفتاب پر ز نور غیر گرمی می نیابد چشم کور
زیر آن باطن یکی بطنی دیگر خیره گردد اندر او فکر و نظر
همچنین تا هفت بطن‌ای بوالکرم می‌شمر توزین حدیث معتصم
تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین دیورا آدم نبیند جز که طین
ظاهر قرآن چوشخص آدمی است که نقوشش ظاهر وجانش خفی است

آیات قرآن ظاهری وباطنی دارد که علوم وفنون عالم درظاهر وباطن آن مشحون است و لذا امام جعفر صادق ع درمکتب جعفری فرمود هرچه را ازقرآن نمی‌فهمید ازمن پرسید تاشرح دهم وامام محمدباقر ع درچندحدیث فرمودقرآن صعب مستصعب است ازاهلش برسید تامشکلات رابرای شما حل کنند وقرآن خود فرموده است ؛

بل کذبوا بمالم یحیطوا بعلمه ولما یاتهم تاویله کفار ومنافقین هدفشان تکذیب قرآن بود ولذا همه چیزرا انکارمیکردند میفرماید آنها بودند که تکذیب میکردند آنچه را که احاطه نداشته وچون برای آنها گفته شده تاویل کنند یاخودرا بگوش کری میزنند .

تقسیم علوم عالم

حکماء گفته‌اند علم یابحث ازماده ومدت میکند آنرا علم طبیعی گویند یاازکم و کیف آنرا علم‌ریاضی گویند یابحث آن درماده و مدت نیست آنرا علم‌الهی گویند .

بعبارت دیگرموضوع علم اگردرماده است طبیعی است واگردر کم است ریاضی است که بین علم طبیعی وعلم الهی‌است واگردرهیچیك از ماده ومدت نیست علم‌الهی گویند .

وحکمت علمی بردوقسم‌است : **علم‌نظری ــ علم‌عملی**

علم نظری چهارقسم میشود : علم‌الهی ـ علم‌ریاضی ـ علم‌طبیعی ـ علم‌ادبی

علم‌الهی عبارتست ازعلم بمبدء ومعاد ومسیران .

علم ریاضی‌چهارقسم است : هندسه ـ حساب ـ هیئت ـ موسیقی

علم طبیعی‌هشت قسم‌است : نجوم ـ فیزیك ـ شیمی ـ طب ـ تشریح ـ زمین‌شناسی ـ گیاه‌شناسی روان شناسی ـ

علم‌ادبی شش قسم است ۱. علم‌لغت ۲. نحو ۳. معانی ٤. بیان ٥. فصاحت ٦. بلاغت ۷. وعظ خطابه. شعر. عروض قرائت. تجوید.

اصول علم عملی یا اخلاق

این علم که متعلق بمعاش است ۳ قسم میباشد سیاست بدن ـ سیاست مدن تهذیب اخلاق .

اصول علم معاد علم سیر . سلوك . تصفیه باطن ، بریاضیات و غیره وچون راه قطعی ویقین برای انسان منحصر بردوراه است یکی ادراك ازراه حس ووجدان دیگر ادراك از راه دلیل و برهان با حس بعلوم طبیعی و با برهان بعلوم‌ریاضی میرسیم قرآن‌برای درس علوم وفنون بشری‌نیامده زیرا تعیین‌موضوع علمی‌ازوظایف علماء ومدرسین است واز وظیفه شارع مقدس اسلام خارج است بلکه بسبب‌طریقیت یانتیجه نهائی علوم وفنون راموردِ بررسی قرارداده و گرنه دراصل‌موضوع‌یابحث دررؤس ثمانیه علمی‌وارد نشده . شارع اینهدف مقصدش بالاتر ازپرورش این ذوق‌های خصوصی است بلکه اومیخواهد استعداد صاحبان همه ذوقها و سلیقه‌ها وعلمها وفن‌ها را پرورش بتهذیب نفس‌دهد وبکمال مطلوب فطری خود که توحید است برساند ولذاصریحاً پس‌ازبیان حکایات وقصص ونقل‌احوال گذشته گان میفرماید : **افی الله شك فاطر السموات والارض** آیا بازهم شك دارید دراینکه خدای‌یکتا آفریننده آسمانها وزمینهاست .

اواذهان واندیشه‌ها را متوجه تحقیقات علمی وتعظیم وعلم ودانش نمود تاخود علم‌پرده ازروی ظلمات جهل بردارد وبکمال خودبرسند وبدینجهت است هرروز دردایره علوم وفنون اکتشافی رخ دهدتعظیم دین قوت‌میگیرد وخردمندان علماء نسبت بساحت دین کرنش وتواضع میکنندودرپیشگاه مذهب سرتواضع قهری وطبیعی فرودمیآورند وبااکتشافات علمی‌اسرار و رموز دیانت مکشوف و مشهود میگردد زیرا هرچه را کشف کنند می‌بینند پیغمبراسلام درقرآن وحدیث باعجازغیب گوئی کرده و کشف آنموضوع را خبرداده بدون آنکه درباره اصل موضوع وارد شود مثلا ازظهوربنی‌امیه و بنی‌عباس وچنگیزومغول وجنگهای‌صلیبی وجنگهای جهانی وپیدایش طیاره وبمب‌اتمی وغیره برای‌مثال بآنهااشارة نامی برده است چنانچه درخلال مطالب نگاشتم .

قرآن برنامه ترقی وتعالی وبیدارکننده حس‌کاوش علمی‌بشراست با این احساسات وادراکات آدمی تقویت‌میشود تا اورا ازکدورات طبیعت نجات داده وازنشئه عالم طبع بفضای روحانی‌وروشن‌تر حق برسد وبهمین مقصد تمام علوم رادرضمن قصص و حکایات پیغمبران و اختراعات ابداعات و ابتکارات گذشته گان نقل فرموده حکایت کشتی‌سازی ودریانوردی سیرسفر و توجه بحیوانات دریائی عظمت ماهیهای اقیانوس‌پیما وبلع‌حضرت یونس وسیرمعراجی اودراقیانوسها همه درس تکامل عقل‌است یاجلب‌توجه بآسمانها وزمین واخترشناسی برای معرفت بقبله وجغرافیای آنکه وجهت‌شناسی که‌قبله درکدام سمت واقع است یاحرکت زمین وگردش منظومه‌ها پیدایش آفتاب وماه وتوالی شب‌وروز واثر گردش آفتاب وتاثیران درزمین و حتی درس وزن آب وهوا وباد وزن مخصوص عناصر وسرعت سیروحکمت تجزیه وتحلیل مواد عالم‌طبع همه برای رشددادن افکار وتقویت عقول بود که نتیجه نهائی آن توحید باریتعالی عزشانه میباشد .

و بیان و لقدعلمتم النشاءَ الاولی فلولا تذکرون افرایتم ماتحرثون أنتم تزرعونه ام نحن الزارعون ـ لو نشاة لجعلناحطاما فظلتم تفکهون **آیه ۶۱ الواقعة**

ماهستیم که نشئه دیگررا از راه کشاورزی میآموزیم تامتذکرشوند وآن سبزشدن ونشوونما وزرد شدن وخشکیدن ومیوه‌دادن‌است که هرسال تکرارمیشود ومینماید که بشرهم برای عالم‌دیگری

حکم نباتی دارد وبازمیفرماید:

آیاشما حرث وزرع میکنید؟ آیاشما زراعت میکنید یاماهستیم که اززمین میرویانیم وباابروباران آبیاری میکنیم واگر بخواهیم آنرا بی فائده وخشك نموده درهم شکسته قرارمیدهیم **أنتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون** آیا شما ازابر باران می بارانید یا ماهستیم که حرارت دریاها را بالابرده ابرها تشکیل داده وباران می باریم واین حقیقت تاچندقرن پیش هم مکتوم بود که اسلام برای جهانیان روشن نمود وسپس ازحدیدوآهن وفوایدآن بحث میفرماید تاافکار راجلب نماید.

وهو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم مایلج فی الارض ومایخرج منها وماینزل من السماء ومایعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعلمون بصیر

آن خداوند است که آسمانها وزمین را درمدت زمانی که شش روزاست آفرید درحالیکه روزو شب درمنظومه شمسی حاصل میشود آن خداوند است که استیلای برعرش دارد او میداندآنچه در زمین میروید وخواصی که دارد ومعادن وعناصر مواد وباران که صعود ونزول میکند ودنباله همین آیات سوره حدیدمیفرماید.

آن خداوند است که شبرا ازروز بیرون می آورد وباندیشه‌های شما واقف است تاآنجا که میفرماید ماهستیم که آهن رانازل کردیم وتجزیه وتحلیل شیمیائی عناصررا که ترکیب آهن میدهد وشدت و استحکام قرارداده‌ایم تابشر ازمنافع بیشمار آن استفاده کنند.

دراین آیه اهمیت آهن رادرشئون زندگی وتوجه بمعادن آهن وذوب فلزات جلب فرمود ودر قصه بنای مسجد اقصی وبنای قصرشداد ذوب فلزرا برای ساختمان ومهندسی عمارات تلویحاً تدریس فرموده است.

منظوراین است که قرآن دربیان تعلیمات عالیه روحانی خودفنون مساحی و مهندسی معماری نقاشی، رنگرزی. فنون صنایع طریقه وعلم بجواهر واحجار ونباتات وحیوانات فیزیك وشیمی ونجوم وهیئت وغیره رابرای رشد عقلی بشرتعلیم فرموده است ومربی این علوم ومبین وشارح ومفسر آن که باجمال درقرآن بیان شده ائمه دین واهل بیت پیغمبرسیدالمرسلین میباشند که درطول ۳ قرن ملل و اقوام وعشایر وقبایل دور و نزدیك و متمدن وغیر متمدن را ازحضری وبدوی باین تربیت اسلامی پرورش دادند.

ائمه دین اسلام مربی ومبین قرآنند

درکتب شرح حال ائمه معصومین «چهارده معصوم» فصلی درمقام و مرتبت واهمیت ومنزلت امام که محورعالم وجوداست نوشته‌ایم که اینجا تکرار نمیشود فقط میخواهیم بگوئیم قرآن علوم خود را بسینه پیغمبرص جاداد و رسول خداص علوم ودانش خود را باوصیاءِ خود که اول آنها امیرالمومنین علی بن ابیطالب باب مدینه علم بود سپرد و اوبفرزندان خود کتباً وشفاها آموخت وزندگانی چهارده معصوم تمام دریك سطح ازفرهنك ویك افق ازمعارف آسمانی ویك تربیت مهذب قرارداد که درسطور تاریخ مورد اتفاق همه جهانیان گردیده وآنها هریك بمقتضای زمان ومکان وشرایط محیط علم ودانش راابراز وتعلیم فرموده.

ائمه دین بصورت صحائف وخطب واحتجاج وپاسخ مسائل علمی ومناظره وتعلیم وتفسیر وغیره مرتب ابراز علم وفضیلت نموده‌اند وهر کس درهر قسمت ازعلوم استعداد درك مطلبی را داشته باو اسرار و رموز معارف وفرهنك عالم راتعلیم فرموده‌اند وخودشان قبل ازتعلیم ترجمان گفتار خود بوده‌اند که اکنون نقاط حساس رایاداور میشویم .

اول کسی که قرآن راجمع آوری کرد امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع بود

اول کسی که نقطه گذازی کرد ابوالاسود دئلی بفرمان امیرالمومنین ع بود.

اول کسی که درقرائت قرآن کتاب نوشت ابان بن تغلب بود .

اول کسی که درفضایل قرآن کتاب نوشت ابی بن کعب بود.

اول کسی که درمعانی قرآن کتاب نوشت ابان بن تغلب بود .

اول کسی که درغریب القرآن تصنیف کرد ابان بن تغلب بود.

اول کسی که درمجازات قرآن کتاب نوشت فزاریحیی بن زیاد بود.

اول کسی که دراحکام قرآن کتاب نوشت محمدبن سائب کلبی بود.

اول کسی که درعلم تفسیرقرآن کتاب نوشت سعید بن جبیر بود وبعد عبدالله بن عباس و جابر بن عبدالله انصاری وابی بن کعب ویحیی بن یعمر وابوصالح بصری وطاووس بن کیسان ومحمدبن سائب کلبی وجابر بن یزید جعفی وسدی کبیر وابوحمزه ثمالی وابوبصیر یحیی وغیره .

اول کسی که درعلوم قرآن کتاب نوشت وتفسیر وتاویل وتبیین آنرا میفرمود امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع که بنقل ابن ندیم درفهرست مبتکر این فن آنحضرت بوده است وسیوطی دراتقان وسیدحسن صدر درتاسیس الشیعه و سیدمحسن امین عاملی در اعیان الشیعه مفصل دراینباره بحث کرده‌اند - و ابوالاسود دئلی بامر آنحضرت نقطه گذاری راوضع نمود .

اول کسی که صحیفه نوشت امیرالمومنین وپس ازاو فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها یگانه دختر باقی‌مانده پیغمبرخدا بود وسپس فرامین ونامه‌ها وقرآنهائی که بخط سبطین درمیان است میباشد.

اول کسیکه صحیفه را مقرون باسرار ورموزعلم وفرهنك نمود وبمناسبت تاریکی محیط نکات علم وفن را درقالب الفاظ اذکار وادعیه برد وتاریخ را بصورت رازونیاز بیان کرد واسرارعالم طبیعت را درتحت عنوان دعاوتقاضا نام برد حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین بود.

اول کسیکه تاسیس مکتب حدیث رانمود امام محمدباقرع بود که علم را ازهم شکافت ومطالب راتجزیه وتحلیل نمود ومامفصل درشرح حال آنحضرت نوشته‌ایم.

اول کسیکه فقه راه‌بوب ومنظم وتاسیس وتجزیه وتحلیل فرموده و دوازده‌هزار فقه وغیرفقه دانشمند وچهارصدمولف تربیت کرد امام جعفر صادق ع بودکه موسس مکتب جعفری است .

ابن عروه خلیلی درتفسیرقرآن کتابی نوشت که ۱۴۰ جلدبزرگ گردید .

سیدیو مورخ فرانسوی مینویسد ؛

بعضی ازعلمای مسلمان آنقدر کتاب تالیف کرده‌اند که بیشترازفرنگیها درتمام عمر نمیتوانند

آنهارا بخوانند مانند ابوعلی سینا ـ خواجه نصیرالدین طوسی ـ علامه حلی ـ سیوطی ـ علامه مجلسی فیض کاشانی ـ شیخ بهاءالدین وغیره

در کتاب رجال بسیاری راشرح داده‌ایم که بیش ازسیصد جلد کتاب ورساله تالیف وتصنیف نموده‌اند والحق نظیر آنها نه تنها درسایر ملل وادیان نیست بلکه باین تعمق فکروتعقل وحدت ذهن که همه مولود مکتب اسلام است کمتردرعالم دیده شده است .

مهارت امام درقرائت و تجوید وتفسیر و بیان حلال وحرام قرآن

چون وظیفه اصلی پیغمبران واوصیای آنها هدایت وارشاد بندگان خدا بودباید بزبان آسمانی آشنائی کامل داشته باشند تا باحکام وشرایع ازجهت خصوصیات وحلال و حرام واقف گردنـد والبته پیغمبران ص برکار خود تسلط داشته وتربیت شده مکتب ربوبی بودند وآنچه خود اززبان وحی گرفته بودند باوصیای خود آموخته تاآنها درازمنه وامکنه مختلفه میتوانند مردم را بصلاح وفساد عالم از روی مبانی دینی هدایت ورهبری نمایند وشکی نیست که طریقه ارشاد ورهبری برحسب مقتضیات زمان و مکان مراتب مختلف داشته ودارد ولی هدف اصلی بیان توحید ومراتب یگانگی و مقصد تهذیب نفوس بشری از لوث کدورات طبیعت ماده است ائمهٔ معصومین ما نیز بکتب آسمانی مخصوصاً قرآن وطریقه قواعدخواندن ونوشتن واعراب گذاشتن وتجوید وصرف ونحوومعانی وبیان واشتقاق وعروض وقوافی وبحوروالحاق وصناعات خمس . قیاس . برهان . خطابه : جدل . مغالطه ومنطق هرطایفـه وهر کس درفهم قرآن واقف وکاملا آگاه بوده‌اند وازسرچشمه علوم آسمانی سیراب گردیده‌اند وعلوم اسلامی مخصوصاعلوم قرآن بشرحی که درسیرتحول تاریخی قرآن نوشته‌ایم بیش ازپنجاه علم بود که تمام آنرا امیرالمومنین علیع واولاد کبارش بمسلمین آموخته‌اند وقراء ۱۴ نفربودند که همه سلسله حدیث قرائت خود را بامیرالمومنین ع برسانندوعاصم که شاگردابی‌عبدالرحمن سلمی واوشاگرد مستقیم امیرالمومنین ع بوده است معتدل‌تر ومعتبرتراست ،

امام ع درادبیات ونحو

ادب وآداب وادبیات درهرملتی حاصل مقصود ومطلوب احساسات وادراکات ملی مردم است که بزرگان واصحاب رای و متفکرین ودانشمند قوم می‌نشینند وقواعدی برای سخن گفتن ملی و ادب قومی تشکیل میدهند که روی آن مبانی تغییرحروف «علم صرف» وتغییراعراب «علم نحو» ومعانی و بیان و اشتقاق و ترکیب و تجزیه و تحلیل وجمع وتفریق کلمات والفاظ و حروف ازآن قواعـد شناخته میشود .

چون درمیان السنه عالم زبان عرب بشرحی که سابق گفتیم بسیط ترین ووسیع‌ترین لغات جهان است وهریك ازالفاظ آن گاهی تاهفتادمعنی دارد . ظاهروباطن . منطوق . مفهوم . کل وجزء وغیره که هفت طبقه آن بسبعة احرف نامیده شد احساسات شاعرانه عرب از قریحه سرشار آنها در درجه اول ادبیات عالم قرارگرفته وقرآن بدین جهت بزبان عربی نازل شد که مردم خوب تعقل و تدبر نمایند امام امیرالمومنین علی ع که خود فرمانده حروف والفاظ وکلمات است و نهج البلاغه مجموعه خطب مهیج آنحضرت بهترین دلیل این حقیقت میباشد از مبتکرین و متفکرین وموسسین قواعد ادبی است کـه مخصوصاً در علم نحو ـ بابوالاسود دوئلی دستور تدوین و تنظیم قواعد نحو را تعلیم فرمود ،

چنانچه در کتاب البیان والتبین واوصاف الاشراف مینویسند ان علیاً اشعر الصحابه و افصحهم واخطبهم امیرالمومنین درادبیات عرب وسایر السنه جهان بنیروی ولایت مطلقه خود اشعرشعرا وافصح فصحا واخطب خطباء عالم بود . ابوالاسود اول کسی است که علم نحورا وضع کرد و گفت من ازامیرالمومنین علی ع دستور گرفتم که فرمود :

کل فاعل مرفوع - کل مفعول منصوب - کل مضاف الیه مجرور

وخلیل بن احمد عروض که علم عروض راوضع کرد میگوید علی بن الحسین سجاد ع این علم را بمن آموخت و حضرت امام محمد باقر ع نثر مسجع و مقفی و موزون ، مرسل را باصحاب خود تعلیم فرمود .

بااین مقدمه امام ع درفن ادب وادبیات هم طبق مصادیق نثر ونظم موجوده ومرویه برسایر خلق تقدم وتفوق داشته وهر کس درهرفن درمانده وحیران میشد یامواجه بامشکلات و معضلات میگردید مفتاح حل سخن دردست قدرت علمی ائمه معصومین علیهم صلوات الله اجمعین بوده است .

علم امام در لغات عالم

در کتاب امیرالمومنین ع درباره علائم امامت وعظمت درجه ومقام او گفتیم که ازشرایط امام این است که اعلم خلق باشد ویکی از علوم وقوف بتمام السنه وزبانهای طبقات مختلف بشر است وحتی علم بمنطق حیوانات است که ولی مطلق باید زبان سایر موجودات را در نظام عالم بداند -

نطق آب و نطق خاک و نطق گل — هست محسوس حواس اهل دل
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم — با شما نا محرمان ما ناخوشیم

امام دارای قوای درونی وبیرونی است که برتر وبالاتر ازنیروی روحانی سایر بشر است واین همان روح القدس است . که بدان برسرایر عالم واقف میگردند .

ائمه معصومین ما که اوصیاء پیغمبر ص خاتم النبین و معصوم ازهر خطا و لغزشی بوده اند بتمام لغات عالم آگاهی داشته چنانچه علامه مجلسی ازحضرت امیرالمومنین علی ع نقل میکند که براهل نهروان وارد شدجماعتی ازاهالی «بادوباد» خدمتش شرفیاب شدند وشکایتی ازسنگینی خراج نمودند امام ع بلغت نبطی باآنها سخن گفت وباآنها بمکالمه پرداخته آنهارا راضی بر گردانید وهمچنین چون دختران یزدجرد راآوردند آنها بفارسی سخن گفتند عمر نفهمید و گمان کرد بآنها دشنام میدهند در خشم شد امیرالمومنین گفتار آنهارا ترجمه فرموده تارفع سوءتفاهم شد .

حریری که ازبرجسته گان علماء لغت است درکتاب درة الغواص فی اوهام الخواص وابن فیاض درشرح اخبارچنین مینویسد که عموم اصحاب درمعنی کلمه مؤوده درتفسیر آیه واذ المؤودة سئلت اختلاف کردند حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع فرمود ،

مؤاوده آن فرزند دختریست «اناثی است» که مراتب هفتگانه ترقیات انسان راپس ازولادت طی کرده باشد وپس ازتولد بصدا گریه درآمده باشد ودراینوقت ازروی احساسات جاهلیت اورا زنده زنده زیرخاک کنند .

اخبار واحادیث وتواریخ بسیاری دردست است که امام ع باهرمردی که ازهر کشور وشهری میآمد وبلهجه آن شهرسخن میگفت امام ع بزبان او بااوتکلم میفرمود وهمچنین راجع بزبان بهائم وحیوانات

ائمه وقوفی کامل داشته بطوریکه علامه مجلسی درشرح حال هریك فصلی دراینخصوص باز کرده وروایات آنرا نقل نموده است .

مهارت امام ع درعلم زمین‌شناسی

امام که دارای مقام علم وعصمت است ودرزمین‌شناسی‌هم مهارت داشته ودستوراتی که صادرفرموده حاکی‌از وقوف‌واطلاع‌امام برعلم زمین‌شناسی است .

مرحوم علامه شیخ‌محمدحسین کاشف الغطاء درکتابی که بنام «الارض والتربة» نگاشته‌اند خواص وطبقات خاك‌را بیان کرده وازدحوالارض که آغاز گسترش زمین است تشریح‌نموده‌اند ود. کتاب‌مکارم الاخلاق درپاره حفرقنوات دستور داده‌اند که باید چاه بالوعه باچاه‌آب درشهرهائیکه بایدازآب چاه بخورند بایدفاصله بسیاری داشته باشد واقلا هفت‌ذرع فاصله باشد تابهم سرایت نکند .

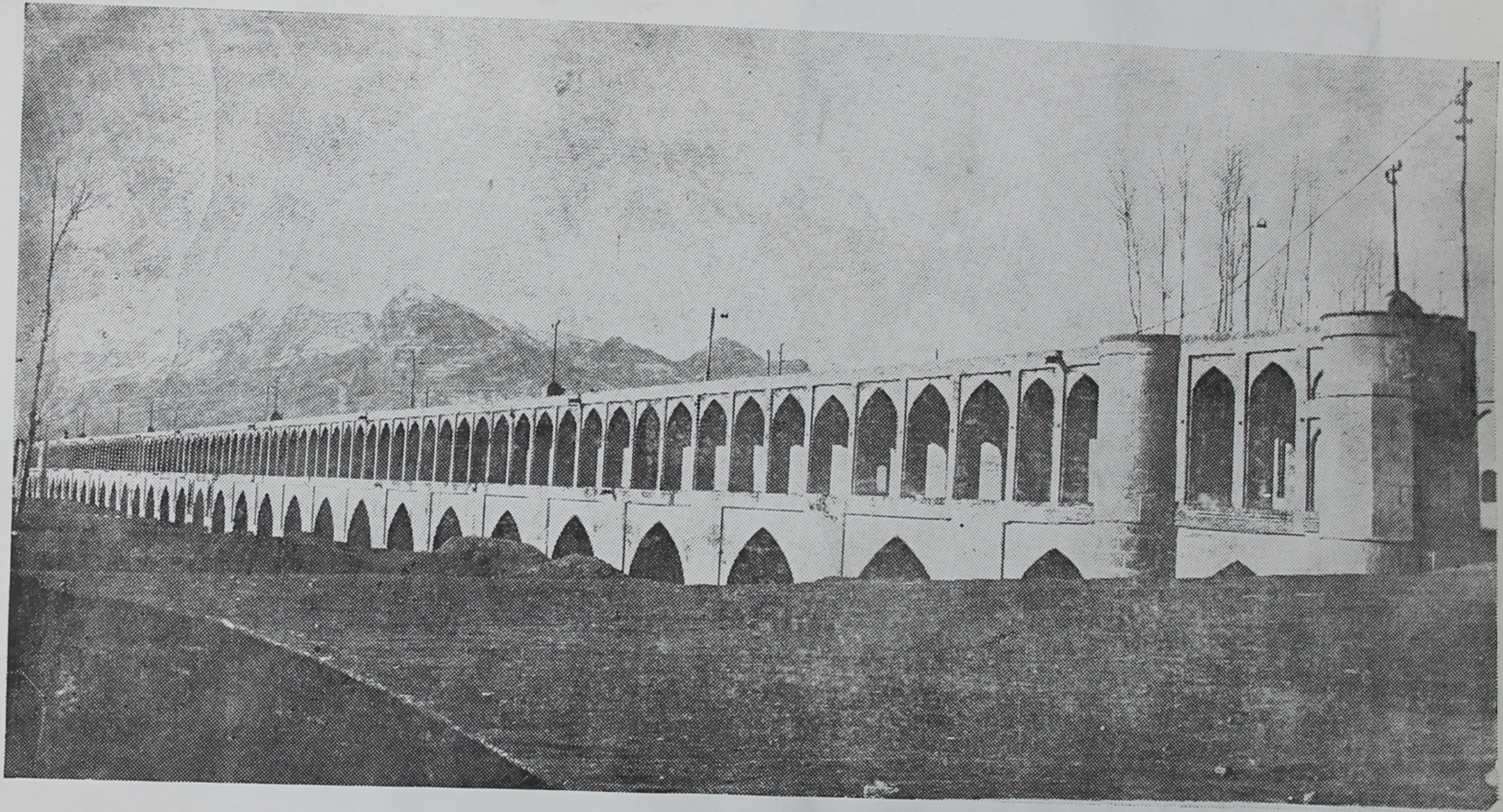
و دربیان حکم شرع میفرماید **لان مجاری العیون من مهیب الشمال** که بطبقات زمین و سیر مجاری آبها مطلع بود وعلم وتجزیه ثابت کرده که بیشتروزش بادها ورگهای تحت‌الارضی که مسیرآب رامعین میکنند ازجانب شمال زمین‌است وبطرف جنوب جاری میگردد وعموم چشمه‌سارهاو قنوات از شمال روبجنوب جاری است که اکنون‌درایران قنوات روبقبله گفته‌اند که علم‌زمین‌شناسی این‌مباحث راحل کرده وبعدازاین‌حل خواهد کرد وامام‌سجادها دروزن‌زمین وخاك وآب دردعاها اشاره‌میفرماید تاعقلا دریابند که هریك وزن مخصوصی دارد وازخواص خاك این است که خاك کشنده مکروب‌است‌و حتی مکروبهائی که درآتش‌ازبین نمیروند درخاك فانی ومتلاشی میگردند وبعکس دانه‌ها درخاك‌زنده میشوند ومبداء تکون نبات درخاك است و همچنین درباره جواهرشناسی وتکامل احجار باز روایاتی نقل شده که امروزازآن استفاده کرده‌اند الماس همان زغال سنك است که درطول زمان از حرارت مرکزی زمین واشعه خورشید کمال یافته باین ارزش میرسد[1]

الوان عالم طبیعت برای چشم مفیداست که آسمانها برنك آبی ونباتات برنك سبزمفیدبحال بشراست - تاخوب دریابد وقوت گیرد .

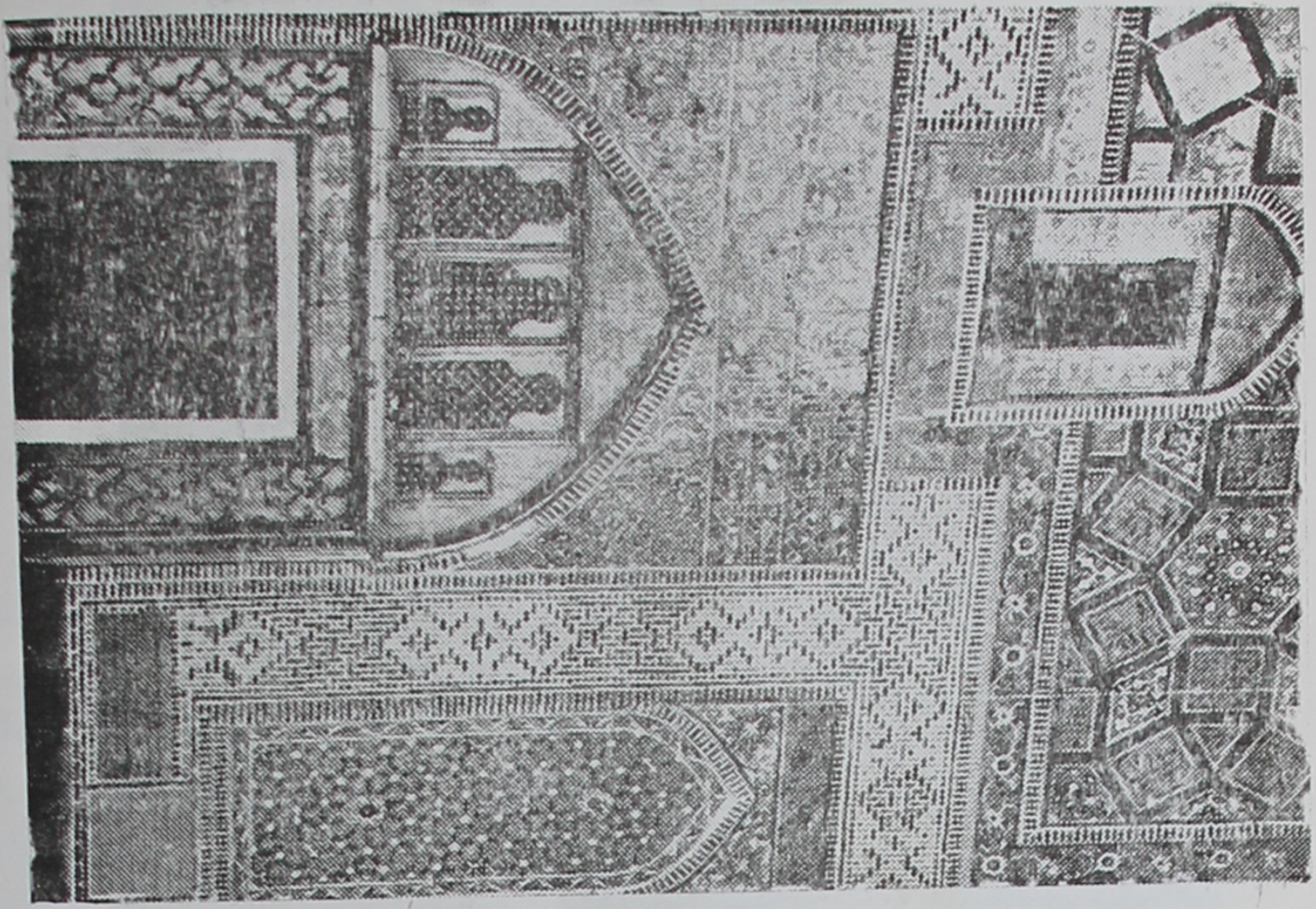
علمای فیزیك گفته‌اند . اگر درختهای دنیاهمه قرمزبود یکماه طول نمیکشید که‌همه ساکنین کره زمین دیوانه میشدند .

علمای اسلام بدین حقایق واقف شده‌اند ولذا دراخبار ازپوشیدن‌لباس سرخ‌رنك‌منع نموده‌اند وازرنك سبزبسیارمدح کرده‌اند - ورنك سیاه را درکفش منع نمود . رنك زرد را نمونه غصب ورنك سفید رانمونه تسلیم وصلح وسلامت شناخته ومعرفی کرده‌اند دستورداده‌اند باآهن مسواك نکنیدوخود باچوب های الیافی خلال مینمودند - ظروف سفالین راقابل غذا خوردن نیست ظروف کلوائی و بندزده زیان‌آوراست .

۱- مرحوم علامه آقاسیدعلی اصغرلاری رساله‌ای درباره‌اینکه مراد ارعلم ابدان همه علوم است‌و ائمه‌مهارتی درهمه‌علوم‌داشته‌اندو کتاب‌دیگرمرحوم اعتضادالاطباءدرعصر ناصری نگاشته که‌اوهم‌مرادازعلم ابدان‌همه‌علوم‌را میداندودر کتب‌مستشرقین‌هم‌مسلمین‌را درهمه علوم ماهرشناخته وآنهارا صاحب‌نظر درکلیه‌علوم دانسته‌اند-منظور آنست که این فکردر دیگران هم بوده که مراد ازعلم‌ابدان همه علوم جهانی‌است وعلم ادیان هم باعلم ابدان پیوستگی‌کامل دارد .



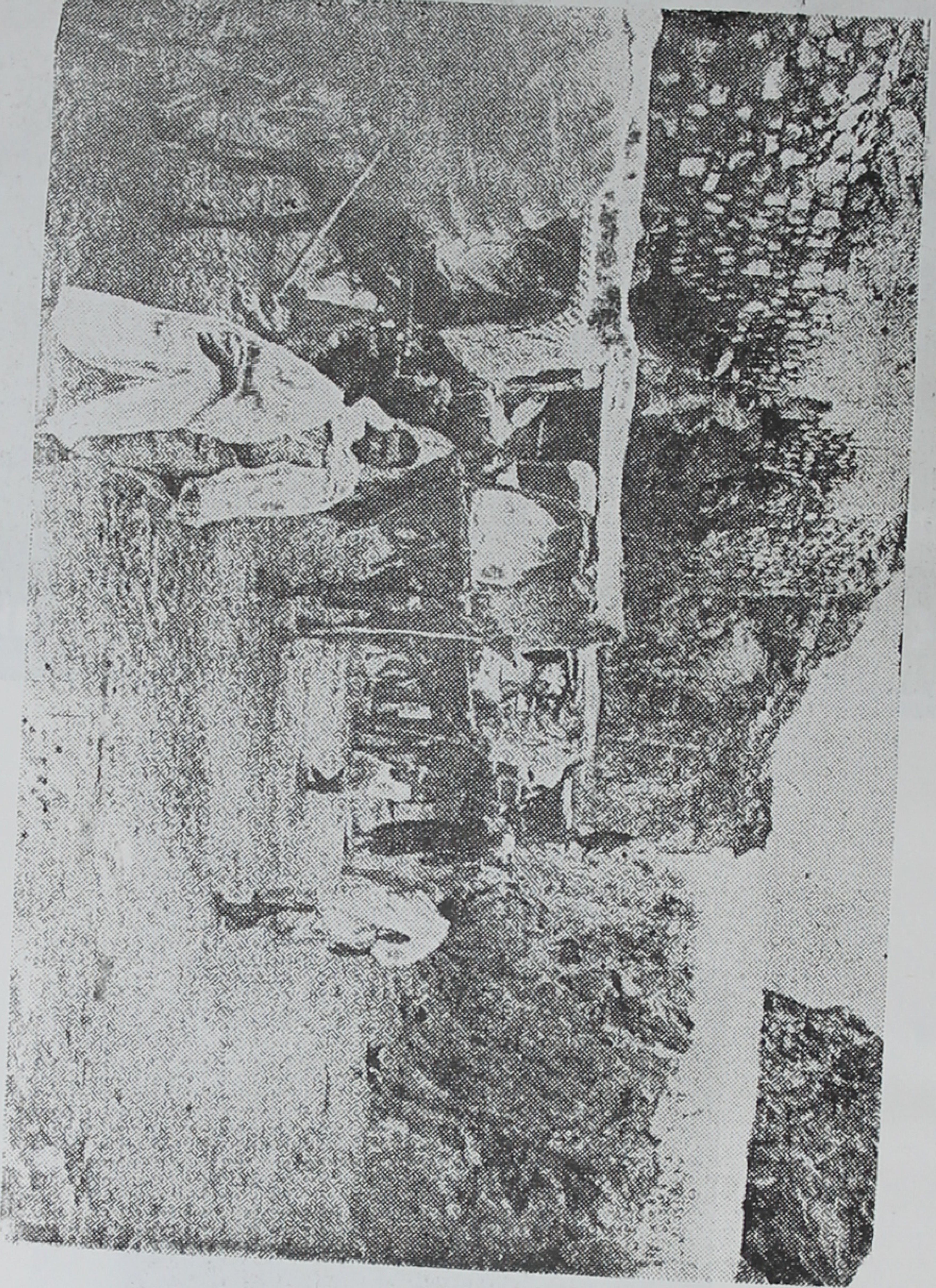
ش ۲۱۶ پل تاریخی اصفهان



ش ۲۱۷ مسجد گوهرشاد



ش ۲۱۸ برج جسر بغداد



حجاج در طریق عرفات

ش۲۱۹



ش ۲۲۰ مشهد



ش ۲۲۱ قبر کلینی بغداد



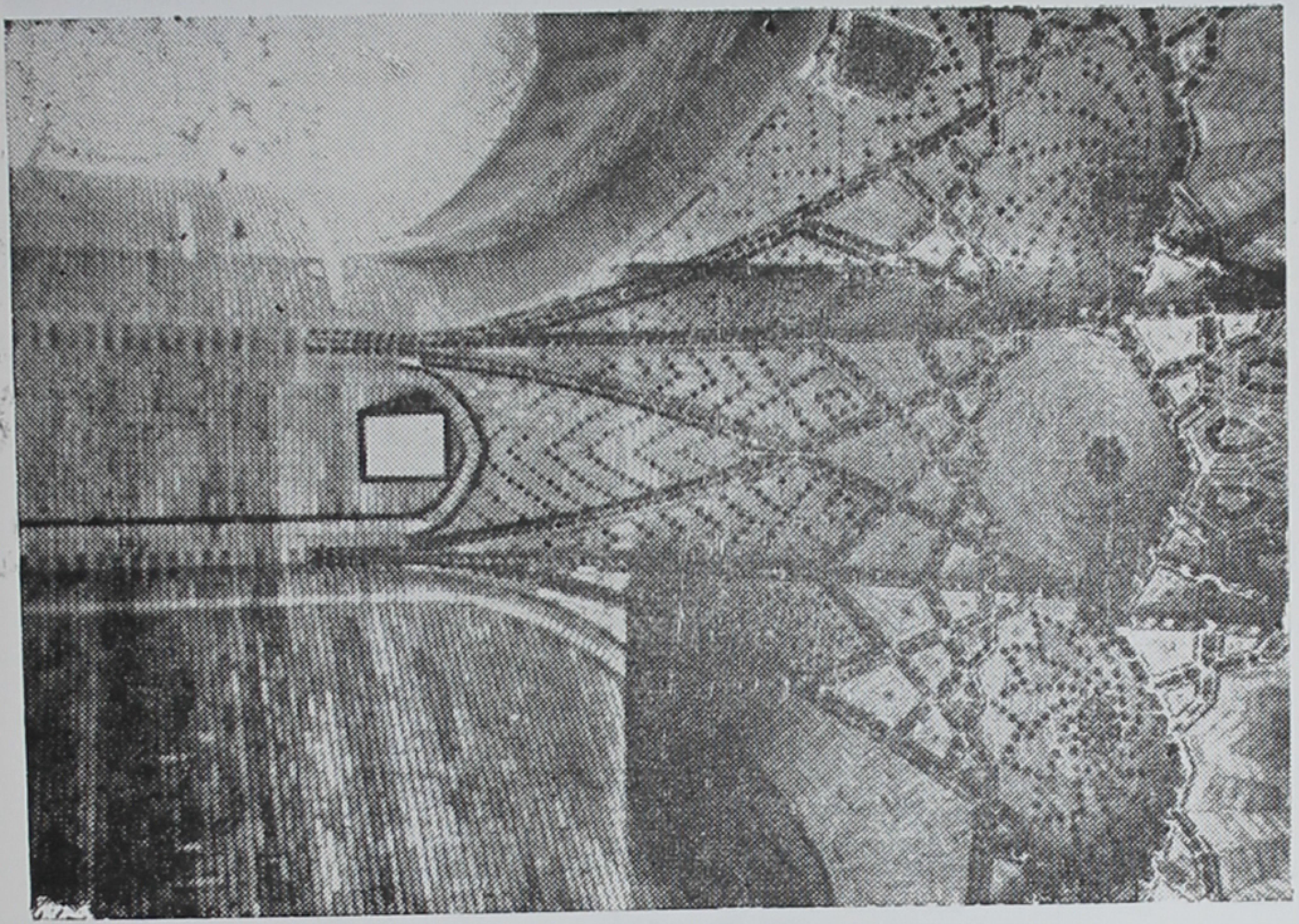
ش۲۲۲ ولکه مشهد



ش۲۲۳ قم



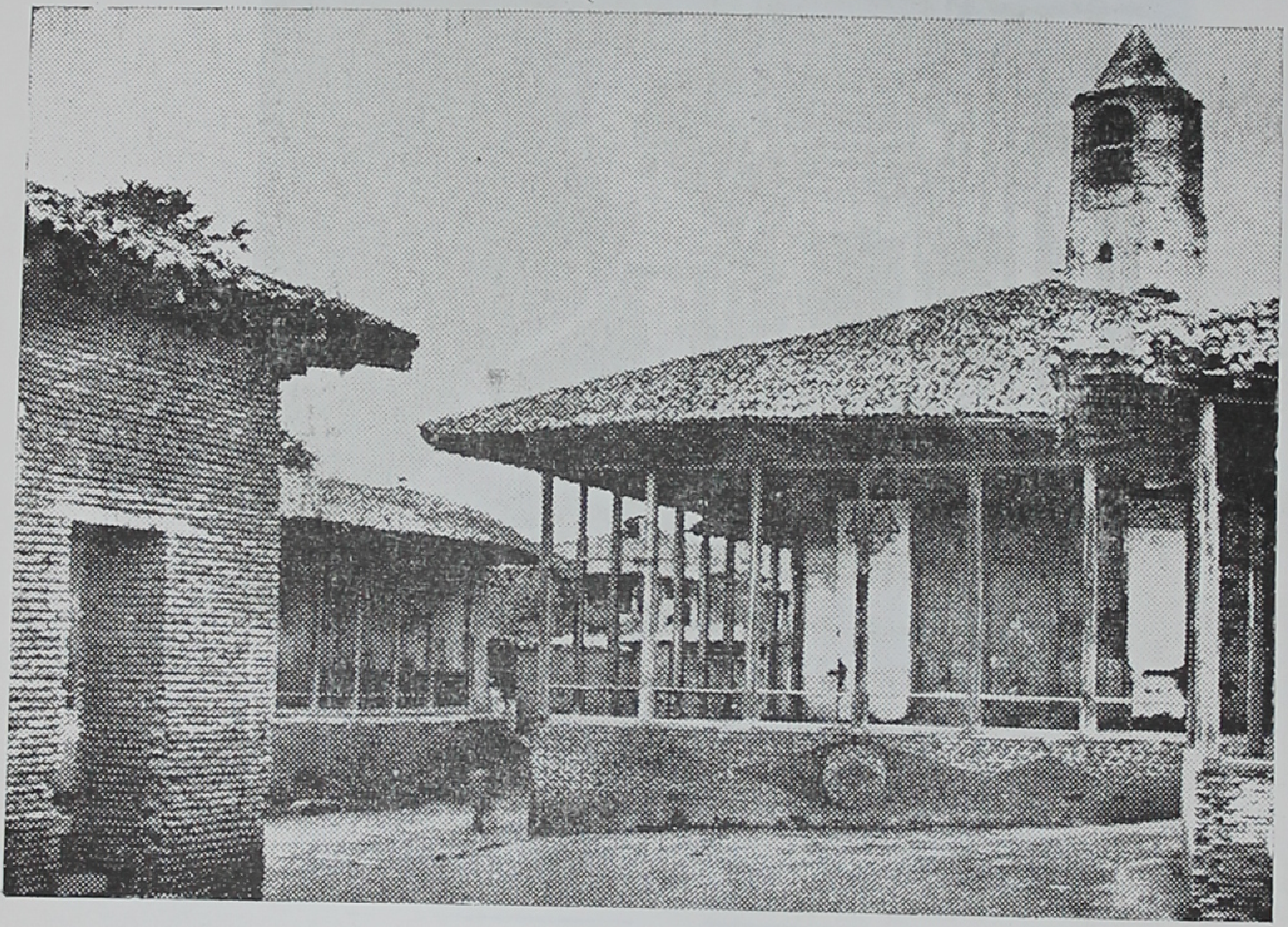
ش۲۲٤ مسلمین بریطانیا درحال نماز



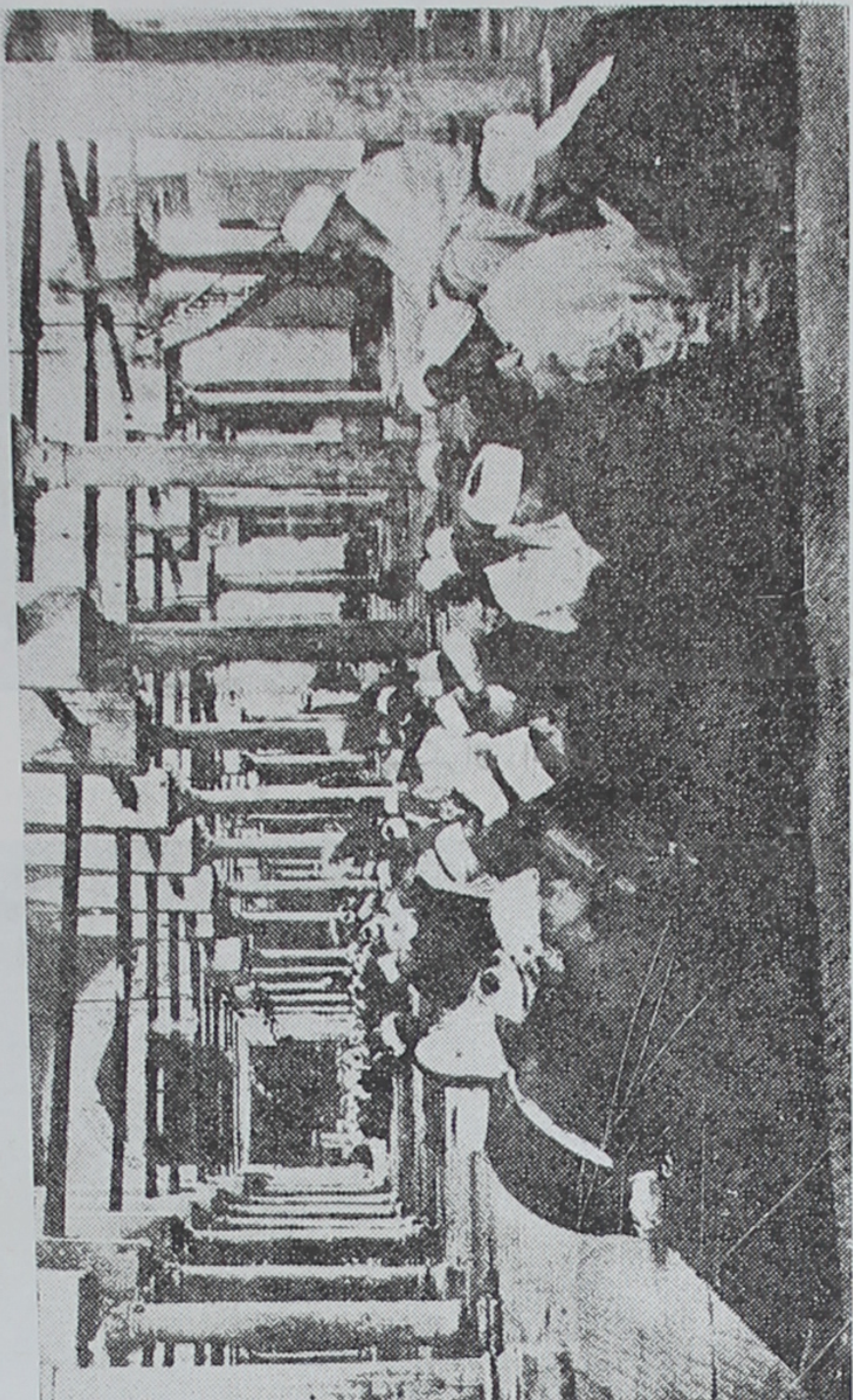
ش۲۲٥ مسجد علویان همدان



ش۲۲۶ پریکران دامغان



ش۲۲۷ مسجد لاهیجان



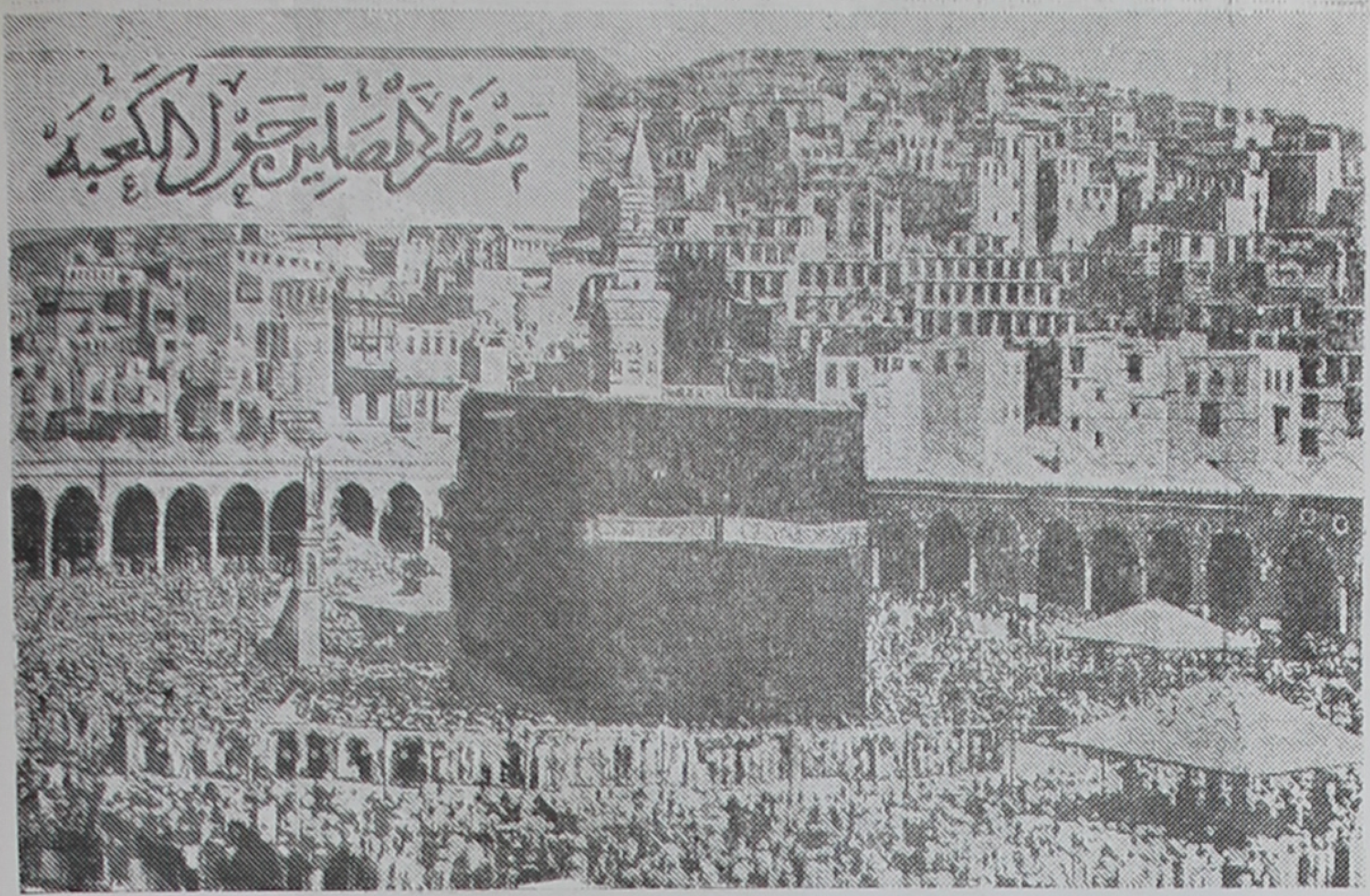
ش۲۲۷ یکی از حوزه‌های تدریس جامع الازهر



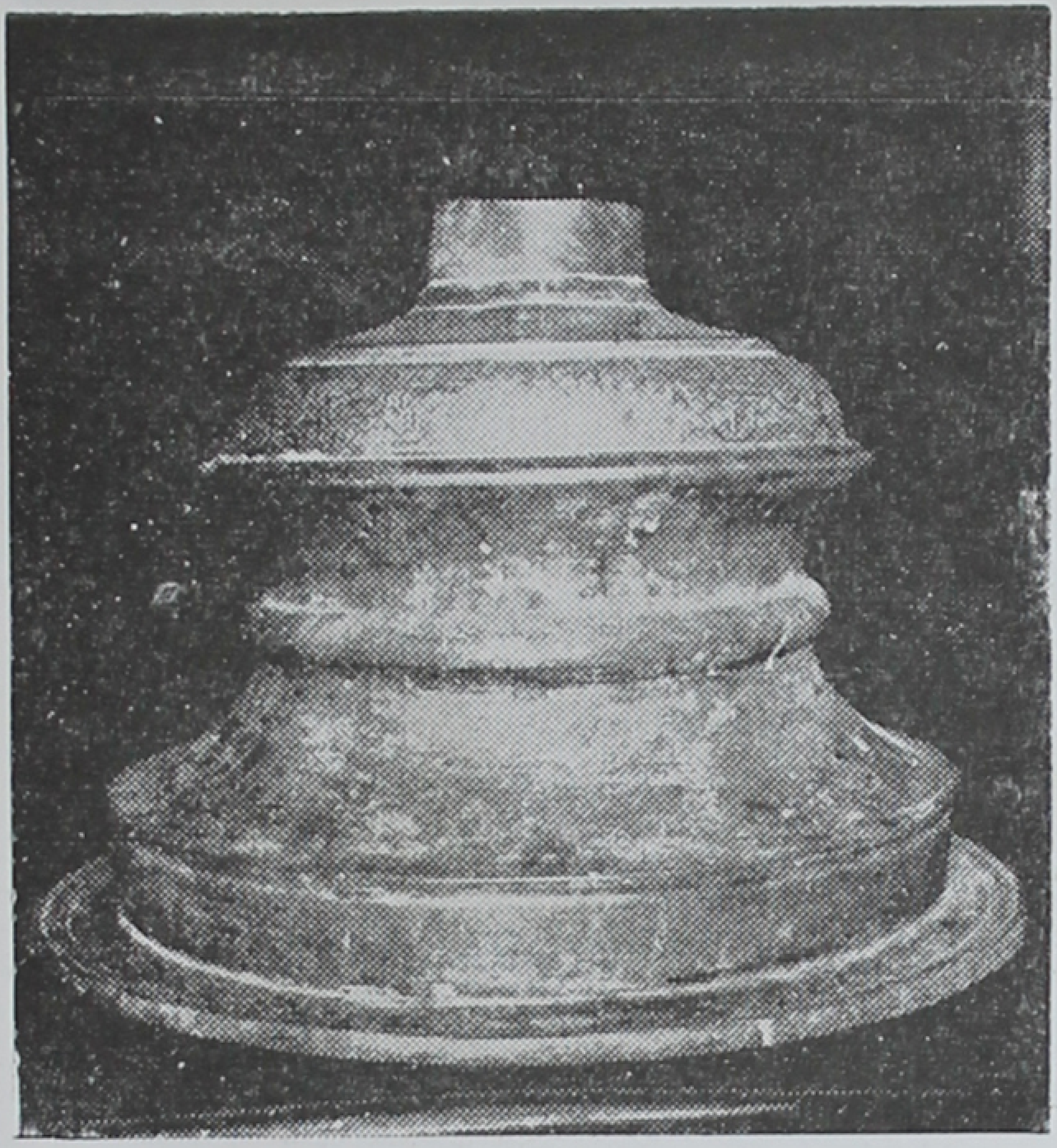
ش٢٢٩



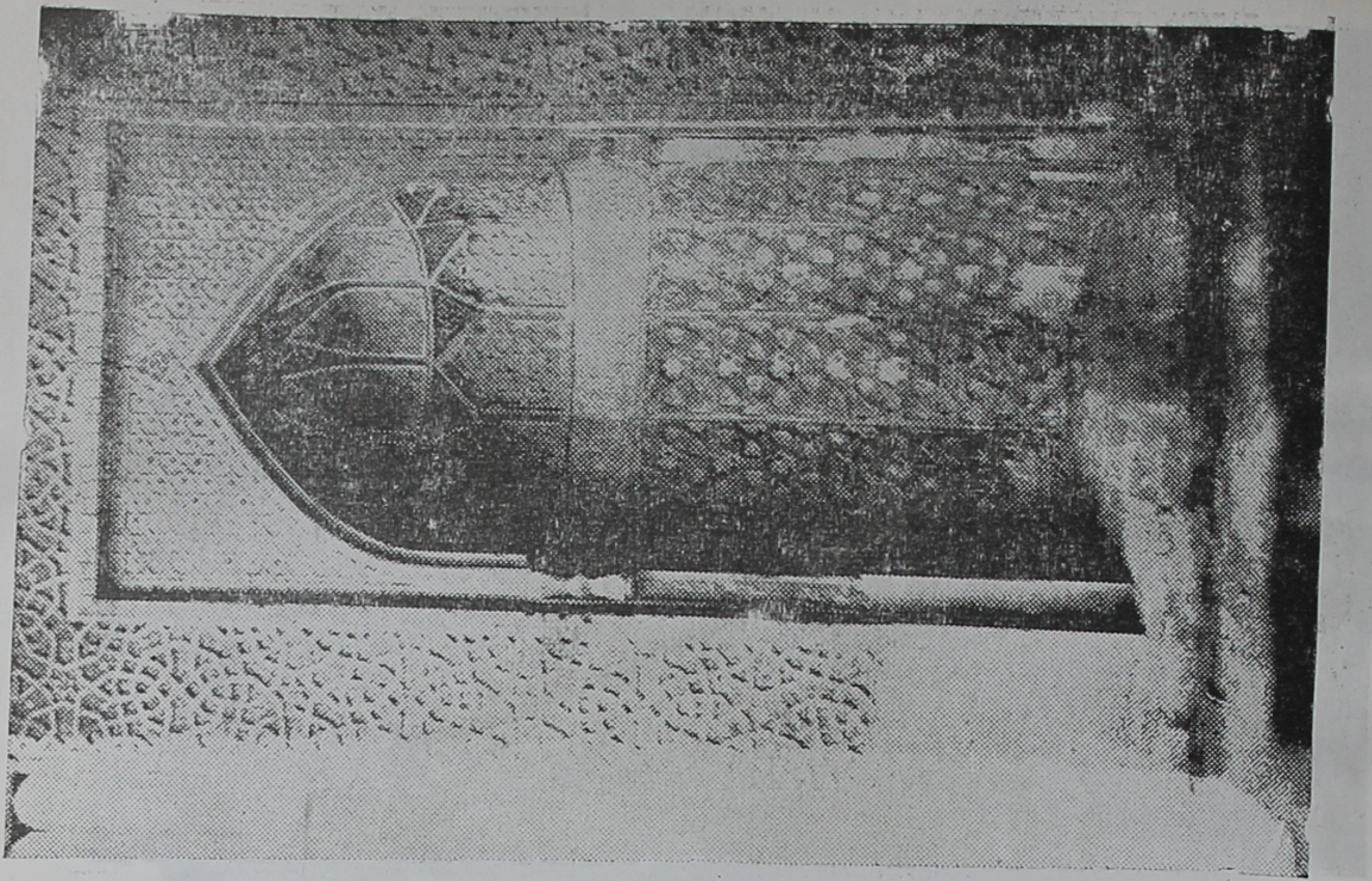
ش٢٣٠



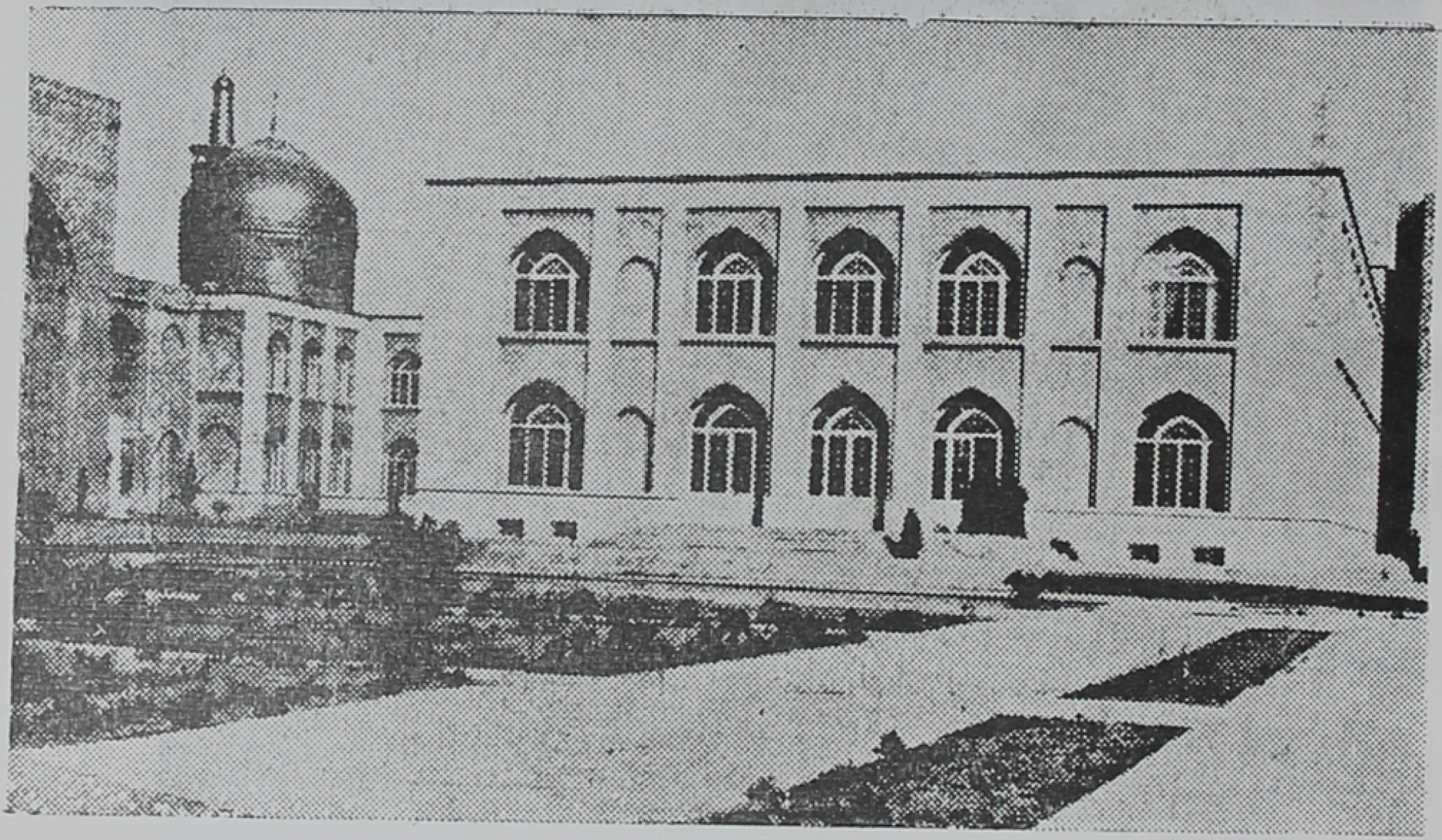
ش۲۳۱ مسلمین درحال نماز درمسجدالحرام



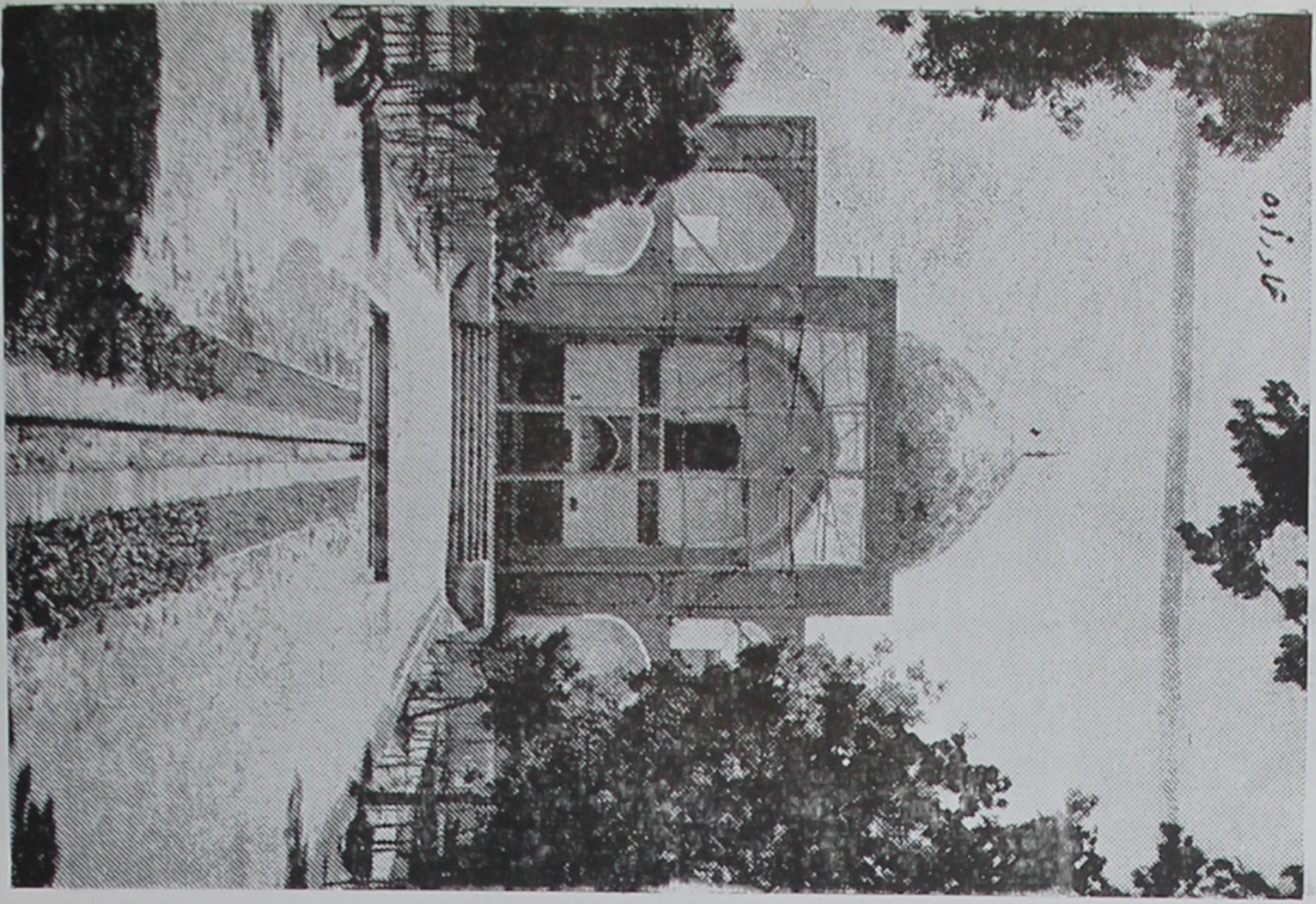
ش۲۳۲



ش۲۳۳ مسجد جامع کرمان



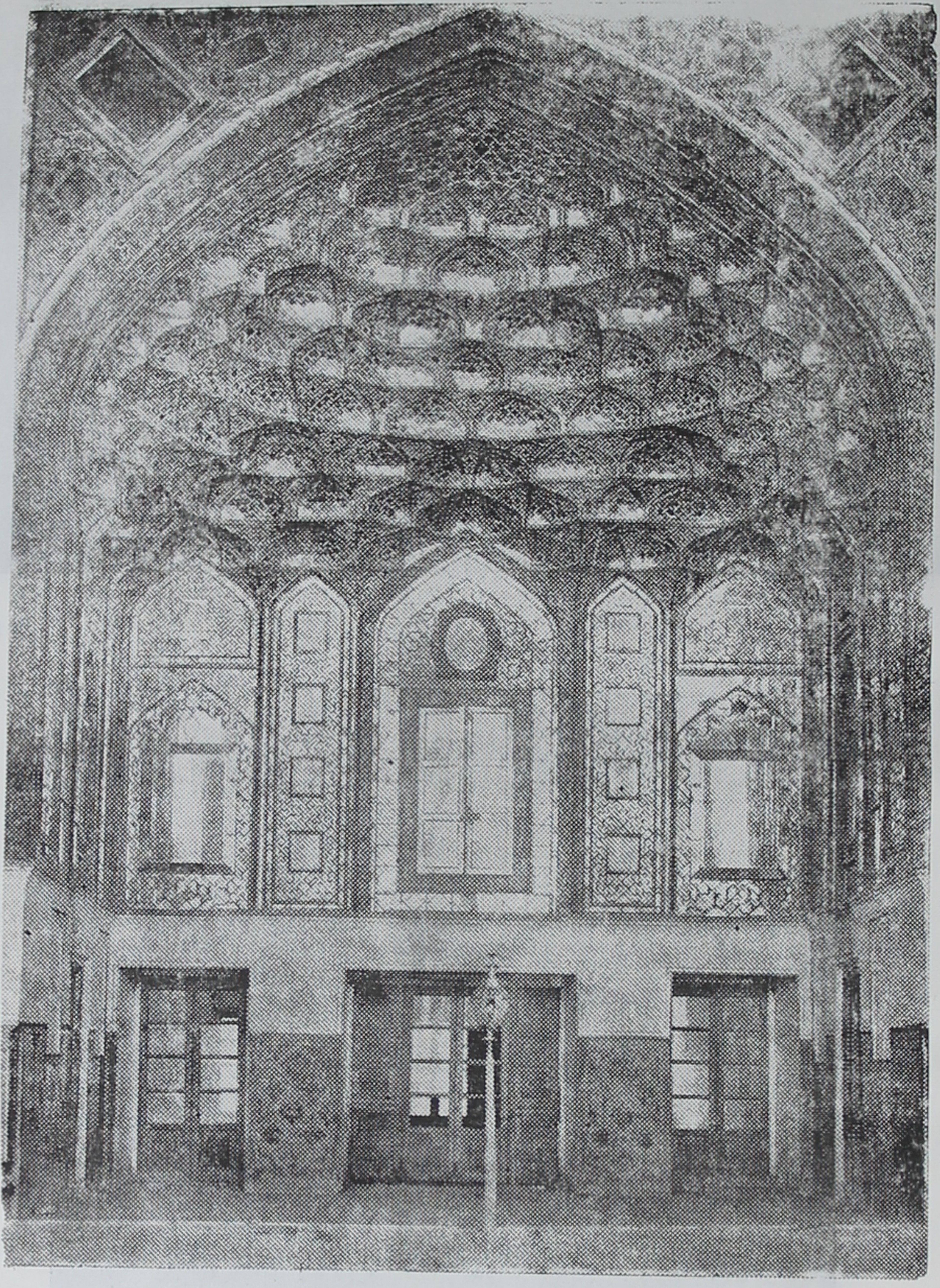
ش۲۳٤ موزه مشهد



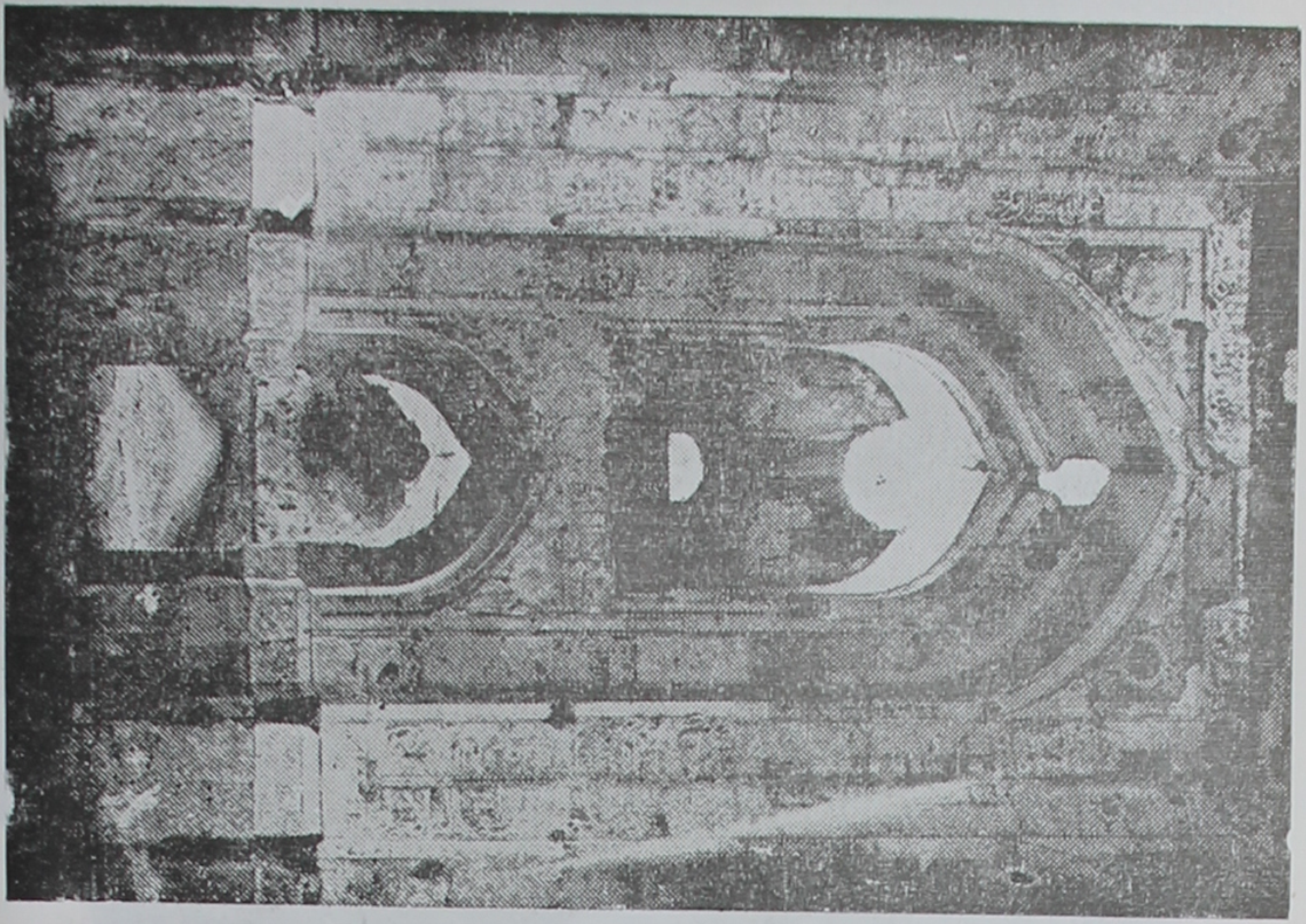
ش۲۳۵



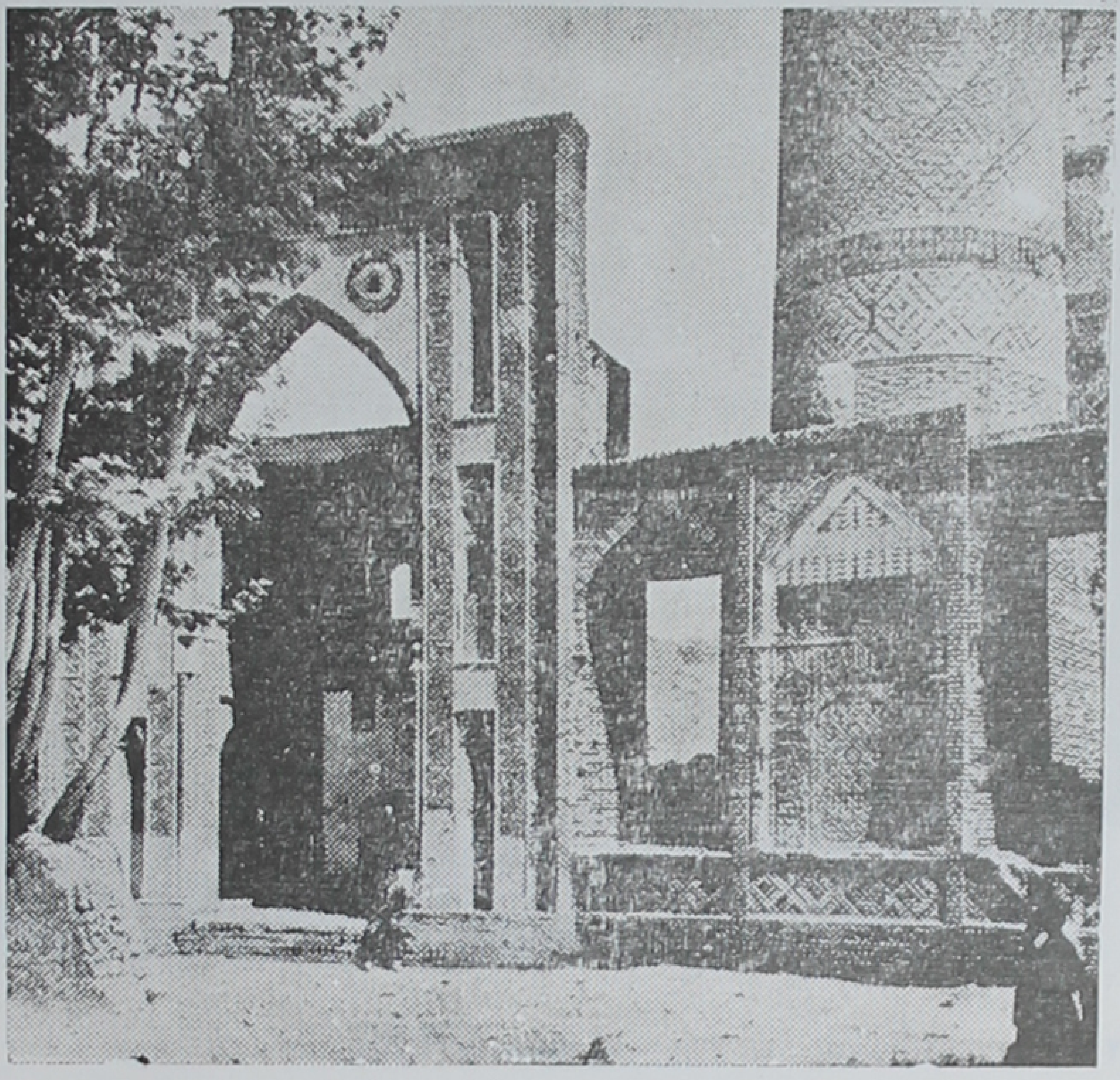
ش۲۳۶ مسجدی در گیلان



ش۲۳۷ عمارت عالی چهلستون اصفهان



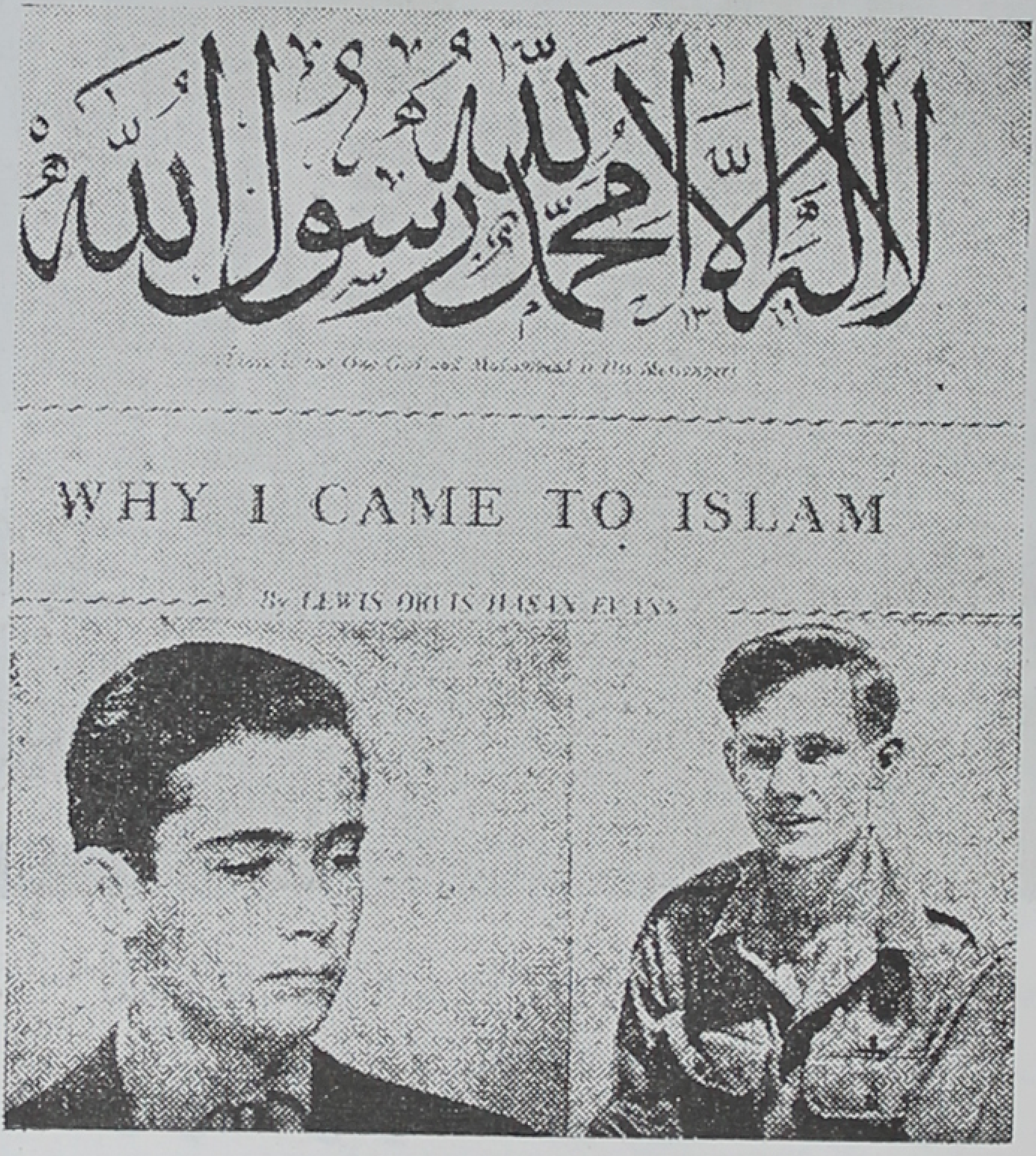
ش۲۳۸ سلطانیه



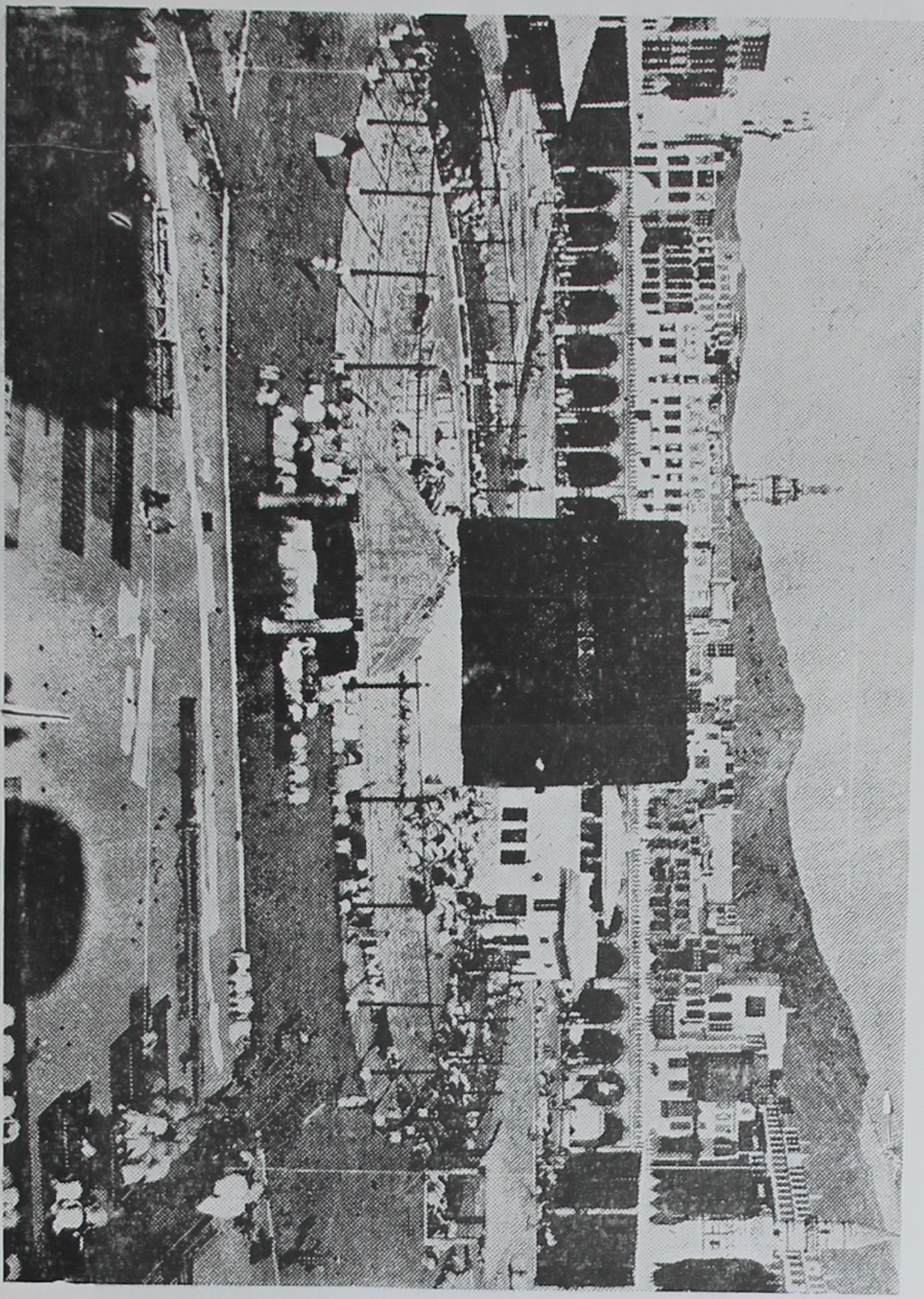
ش۲۳۹ مسجد نطنز



ش۲٤۰ خانقاه ارقو



ش۲٤۱ چگونه یك روزنامه نویس آمریکائی مسلمان شد



ش٢٤٢ کعبه وسط مسجدالحرام درحال طواف مردم

درعلم امام درباره شیمی روایاتی هست که ازآنجمله ازحضرت امام‌المتقین ع روایت کرده‌اند که مردی آمد پرسید شیمی چیست؟ و کیمیا کدام است و باید چگونه بدست آورد امام ع درپاسخ آن فرموده .

انه من لزیبق الزجزاج و اسراب و الزاج والحدید الزعفر زنجار النحاس الاخضر فاجعلوا ابعض ارصاء واجعلوا البعض ماء وافلجوا الارض بالماء

امیرالمومنین ع دراین دستورچند فلزرا باخواص آن بیان فرمود که امروزه درفن تلفن وتلگراف وسایرفلزات بکاربرده شده وتعلیمات حضرت امام جعفر صادق ع بجابربن حیان هم ازهمین بیان تعلیم میکرد واوبود که گفت استادم امام جعفرصادق پانصدعلم بمن آموخت که درهزار ورق نوشته ؟!! و روی آن مبانی اکتشافاتی کرد ونادش افتخارعالم علم‌است .

درکتاب خزیدة‌العجایب سراج‌الدین ابی حفص عمرابن‌وردی درباب جبال مینویسد :
جامعه سال ۱۳۱۵ قمری

جبال‌سبلان بقرب مدینه اردبیل آذربایجان و **هومن اعلی جبال الدنیاقال رسول‌الله ص من قرأ فسبحان‌الله حین تمسون وحین تصبحون و کذلك آخرجون کتب‌الله له من الحسنات بعدد کل ورقة ثلج تقع علی جبل سبلان قیل و ما سبلان یارسول‌الله قال ص جبل بار منیه آذربایجان علیه عین من عیون الجنه وفیه قبر من قبور الانبیاء ص ۱۲۳**

مسلم‌است که پیغمبر بآذربایجان وسبلان نیامده بود ولی ازعلوم الهام ووحی وضع جغرافیای تاریخی ومحصولات آنجا وآب گوارا وقبریکی ازانبیارا خبرداده وازاین معجزات درکلمات خاتم - النبین ص زیاد دیده میشود .

مهارت امام درعلم طب وگیاه‌شناسی

ائمه دین ما باسرار وحقایق وخواص وآثار نباتات وجمادات و حیوانات ونفوس ناطقه انسانیت کاملا واقف وآگاه بودند واین علوم رادرضمن پاسخ مسائل یاطریقیت تهذیب نفس‌میآموختند چنانکه گفته‌اند:

من لم یعرف التشریح والهیئه فهوعنین فی معرفة‌الله

من لم یعرف الطب والهیئه لم یعرف‌الله

کتاب طب‌النبی وطب‌الرضا واهلیلجه امام جفر صادق واخبار و علل امراض ابوعلی درقانون وغیره نیروی امام‌را دروقوف بعلم‌طب وگیاه‌شناسی و حیوان شناسی نشان میدهد خردمندان عالم‌از کلمات آنها موفق باختراع واکتشاف بسیارشده‌اند.

چنانکه پاستور گفت میکرب شناسی رامن از کلمات علی بن الحسین امام شیعیان فراگرفتم که فرمود واشرج میاههم بالوبا واطعمتهم بالدواء

ودرباره میکرب سفلیس وسوزاك وخوره وجذام و امراض مقاربتی حضرت امام موسی کاظم ع می‌فرماید پرهیز کنید ازآبی که دیگران درآن رفته وحال آنها برای‌شما مشکوك است ومنع فرمود از غسل درآب عمومی که همه درآن میرود .

وحضرت علی‌بن‌الحسین ع میفرماید **قال من اغتسل من الماءالذی اغتسل منه فاصابه الجذام فلایلومن الانفسه.**

یعنی هر کس درآب خزینه حمام عمومی غسل کند ومبتلا بجذام - خوره گردد نباید کسی‌را ملامت کند بلکه خودش راسرزنش کند که چنین عملی‌را نمود.

دراین خبردوسه موضوع‌معلوم میگردد یکی‌آنکه خزانه‌های عمومی برای استفاده ومنبع آب گرم عمومی‌بود نه برای آنکه هر کس درآن فرو رود ولذا در حمام های صدراسلام چندین حوضچهٔ کوچك بود که هر کس برای استفاده خود از خزانه بزرك آب برمیداشته وبوسیله مجاری جداگانه آب درآن حوضچه‌ها میریخته است که مورد شستشو وغسل افرادبود.

موضوع دیگر اینکه دولتهای استعماری مردم مسلمان رادرفقر نگاه داشتند وآنهارا باین‌وضع نامطلوب که ازآنجمله تریاك کشیدن وسیگار وتنباکو وغیره بود وخزانه های آبهای آلوده وآنگاه اینکار های ناپسند رانسبت بمسلمین دادند.

درحالی که اسلام ازاین آلودگیها منزه است و تعلیمات ائمه‌ما دستمال مشترك - حوله حمام مشترك آب‌استعمال مشترك رامنع کرده‌اند.

دوستی میگفت در حمام های سابق برای تنویر رفتم پس‌از فیصله‌عمل لنگ‌من بالنگ همسایه آن جااشتباه شد وچون اوآلوده بمیکرب سفلیس‌بود وهمینکه نوره‌محلی‌رازخم کرده‌وازآن‌میکربی‌تصادم نمود اورا مبتلا کرد وبدین‌قصد فرموده تاوارد شدید بحمام ازآن آبی که میخواهید استحمام کنید قطرهٔ ازآن بخورید که منظور امام ع این‌بود آب بقدری باید تمیز وپاك باشد که قابل خوردن باشد چه‌آبهای آلوده ناقل میکرب است وباید ازاستعمال آن‌خودداری نمود.

ائمه دین علومی رامورد بحث‌قرار میدادند که طریقیت برای تهذیب نفس‌از نظر اجرای احکام شریعت‌دارد مثلاآب وبهداشت وطهارت لباس وزمین شناسی برای نماز و عدم غصبیت بـرای مسکن وجغرافیا وجهات شناسی برای قبله‌شناسی وحلال وحرام اغذیه ازراه نبات شناسی و حیوان شناسی وحتی صیدماهی وانواع حلال وحرام آنها وتاآنجا که عقودوایقاعات وقواعداجتماعی و احکام حدود ودیات‌رابرای حفظ وانتظام اجتماعی بیان‌وتعلیم فرموده‌اند که اگر دوره فقه‌کامل و کتاب وسایل - الشیعه شیخ حر عاملی کـه اخبار مربوطه بفقه جعفریست بخوانید این حقایق بـرای خواننده ثابت میگردد.

مهارت امام ع در اوضاع علویات وسفلیات وحرکات ماه‌وخورشید وزمین وسایر منظومه ها

چنانچه بیان شد تمدن کنونی دنیا مظاهر خود را از ملل غربی واروپائی یامسیحی گرفته وآنها ریشه تمدن را ازاسلام گرفته‌اند که در جنك های صلیبی ممالك اسلامی راه یافتند. ملل اروپائی تا ۳۵۰ سال قبل نامی از حرکت زمین نبرده‌اند ودراین موضوع از اسلام بی‌خبر بودند که مسلمین در علوم علوی واقمار ومنظومه‌ها چگونه واقف بودند.

حضرت امیرالمؤمنین‌ع درحرکت زمین فرمود :

وعدل حرکاتها بالراسیات من‌جلامیدها.

یعنی تعدیل وموزون نمود میان حرکت های گوناگون زمین بوسیله کوههای محکم بنیان که ازجنس سنگها ساخته شده‌است.

کتاب طبی النبی - طب الرضا - کتاب اطعمه و اشربـه - کتاب اهلیلجه امام جعفر صادق ع - کتاب قانون بوعلی. و غیره

ازاین عبارت کشف میشود زمین دارای حرکات متعدد بوده و هست و منحصر بیك حرکت نیست چنانکه اخیراً علمای افلاك هشت نوع حرکت برزمین اثبات کرده‌اند.

امام ع دریکی از سخنرانیهای دیگر خود در نهج البلاغه بافتخار شیعیان بافی چنین میفرماید

والجو المکفوف الذی جعلته مغضیاً للیل و النهار و مجری للشمس و القمر و مختلفاً للنجوم والسیارات.

یعنی آن جوهر لطیف بی‌وزن محفوظ ازریزش رامحل فروبردن روز وشب یعنی نور وظلمت و میدان‌جریان وسیرخورشید وماه ومحل آمدورفت ستارگان وسیاره قرار داد این کلام بزرك دلیل صریح بچهار کشف مهم ازاکتشافات عصرحاضر میباشد.

۱ ـ وجود جوهر سیال که مادةالمواد وحامل نور و محل گردش سیارات میباشد ونام های مختلف دارد که در اصطلاح اروپا اتر ودر عرب اثیر وجومکفوف یاماء مکفوف ـ بحر مکفوف ـ موج مکفوف ودخان میباشد.

۲ ـ دربر گرفتن اثیراست که مقداری ازنورنیرین وسایر کواکب رادرشب و روز میکرد واز کلمه‌مغضیاً للیل‌والنهار استفاده میشود،

۳ ـ حرکت شمس بخط افقی بسمت ستاره ویکا ـ «نسرواقع»

٤ ـ حرکت قمربطرف همان ستاره منبع منظومه‌شمس است.

مهارت امام در علم و طالع شناسی

یکی‌از علوم مورد توجه بزرگان بشر علم نجوم و هیئت وطالع شناسی است که اطلاع برآفرینش آسمانها و زمین وکواکب و انجم وستارگان ووقوف برحرکات منظم آنها و برخورد تصوری اقمار وافلاك است.

موضوع این علم چون درعالم بالا ودر حرکت منظومه شمسی عالم است تصور واحساس آن بصری وفقط ازفضاست.

و لذا مردان آسمانی بهتر از مردان خاکی باین علوم واقف و آگاه میباشند ـ خاصه کسانی که خداوند آنها را درمکتب ربوبی تربیت کرده و مشعلدار هدایت نمود و نقشه عالم رازیر نظرآن گذاشته وخوب ازمنظومه های‌شمسی وعنصر و جودی آنها اطلاع دارند وبهمین جهات بود که امیرالمؤمنین‌ع فرمود ـ ازراه آسمانها ازمن پرسید که داناترم بزمین.

سعیدبن جبیر میگوید موقعی که علی‌ع بعزم‌جنك نهروان ودفاع ازخوارج حرکت فرمود یك نفرطالع شناس‌از اهل‌مدائن برسر جسرنهروان جلومرکب آنحضرت را گرفت عرض کرد امروز برای عزیمت جنك موقع بسیار خطرناك است زیرا وقت مقارنه نیرین بازحل است ودر نهایت درجه نحوست میباشد.

حضرت امیرالمؤمنین‌ع براو تبسمی کرده وچندمسئله نحس‌وسعد ازمواقع نجوم ازاو پرسید درپاسخ درماند وعاجز ومتحیرشد ونیز چندحادثه ازحوادث مهمه جهان که درشب گذشته در کشور های دور دست اتفاق افتاد از او سئوال فرمود که آیااز آنحوادث چیزی در استخراج خود ظاهر نموده‌ای عرض کردخیر؟!

امام‌ع فرمود که علم‌تو خیلی ناقص است و نسبت بعلم من ناچیز است اینك من هم‌باین قسمت

خطرناك حركت ميكنم تو مترصد باش كه ما بافتح و فيروزى بخواست خداوند مراجعت خواهيم كرد وصدق فرمايش او معلوم گرديد.

اخبار مفصل كتاب بحارالانوار در جلد ١٤ «السماء العالم» بهترين معرف علم امام در فلكيات است.

مهارت امام در علم هيئت وجغرافيا

هدف اصلى اسلام توحيد است و توحيد مستلزم اطاعت و عبادت است وعبادت جهت ميخواهد كه آن كعبه است و كعبه اول بنائى است كه آدم ابوالبشر اولين پيغمبر مبعوث بنانموده ودانستن كعبه مستلزم علم جغرافيا وهيئت وهندسه است.

كعبه منبع يك سلسله اخبار تاريخى است كه شناختن آن مبنى بردانستن علوم وفنون مختلفى است وبرهر مسلمان واجب است كه آنعمورا بداند و كعبه را باجهت جغرافيائى وهيئت وهندسه آن بشناسد وبسوى آن عبادت كند.

قبله‌شناسى وشرايط اداء وظيفه حج مستلزم دانستن احكام حلال وحرام وصيد وذبيحه وحيوان شناسى وغيره است.

بانسبت آب وهوا و مناطق جغرافيا وغيره از نظر هيئت و جغرافيائى حضرت اميرالمؤمنين ع باهالى بصره فرمود:

ارضكم قريبة من الماء بعيدة من السماء يعنى زمين شما بآب نزديك واز آسمان دور است كه علماى علم‌هيئت درصدور پيشگاه اين كلام بزرگ سرتعظيم‌وتكريم فرودآورده واز روى قواعد هيئت وموازين رصد تصديق كرده وتشخيص داده‌اند كه پست‌ترين مواضع زمين بصره است كه از دايره معدل‌النهار زمين «ابله» كه پست‌ترين قصبه در نواحى بصره است ابن ابى‌الحديد در شرح نهج‌البلاغه درذيل خطبه مزبور ميگويد:

اما قوله ع «بعيدة من السماء فان ارباب علم الهيئة و صناعة التنجيم يذكرون ان البعد موضع فى الارض عن السماء الابله ومعنى البعد من السماء هيئتها هو بعد تلك الارض المخصوصة عن دائرة معدل النهار والبقاع البلاد تختلف فى ذلك و قددلت الارصاد والالات النجوميه على ان البعد موضع فى المعمورة عن دائرة معدل النهار هو الابله و الابله - هى القصبة البصرة وهذا من خصايص اميرالمومنين لانه اخبر عن امر لاتعرفه العرب و لا تهتدى اليه و هو مخصوص بالمدققين من الحكماء و هذا من اسراره و عجائبه .

اين شارح چنين ميگويد كه از خصايص علمى اميرالمؤمنين ع اين بود كه بتمام اسرار و نكات علمى واقف بود- وحتى اشتباه علماى قبل‌وبعد بابيان علمى اميرالمؤمنين رفع گرديده است چنانچه درجلد ١٤ بحار مشروحاً بيان‌شده است.

مهارت امام درعلم حساب

يكى ازمبانى تعليمات عاليه اسلامى جلب توجه‌مردم بحساب است كه مبانى تمام علوم‌وكارهاى‌دنياوآخرت است وائمه‌دين دراين‌فن مهارتى كامل داشته كه‌درخلال اخبار فراوان ديده ميشود.

یکنفر یهودی که‌درعلم‌حساب مهارتی‌داشته بمنظور آزمایش امیرالمومنین آمدیك مسئله‌ای پرسید آمدن یهودی مصادف شد باوقتی که امیرالمومنین پای بلند کرده دررکاب اسب گذارده میخواست سوارشود گفت یاعلی چه عددیست که تمام کسور تسعه رابروجه تمام وبدون کسردارا باشد.

حضرت بلادرنك فرمود - **اضرب ایام اسبوعك فی ایام سنتك فماحصل فهومقصودك**

یعنی ضرب کن ایام هفته رادرایام سال حاصل ضرب تمام کسور تسعه رادارد باین تفصیل:

$$۷ \times ۳۶۰ = ۲۵۲۰ = \frac{۱}{۲} ۱۲۶۰ \; \frac{۱}{۳} ۸۴۰ \; \frac{۱}{۴} ۶۳۰ \; \frac{۱}{۵} ۵۰۴ \; \frac{۱}{۶} ۴۲۰ - \frac{۱}{۷} ۳۶۰ \; \frac{۱}{۸} ۳۱۵ -$$

$$\frac{۱}{۹} - ۲۸۰ \; \frac{۱}{۱۰} ۲۵۲$$

وتمام این ارقام دارای کسورتسعه میباشد و کسورتسعه آن همه‌جا تمام است،

سائل برای آزمایش گفت یاعلی نفهمیدم روشنتر بیان کن فرمود

اضرب ایام اسبوعك فی ایام سنتك باز گفت نفهمیدم فرمود اضرب شهورك فی ایام اسبوعك باردیگر گفت نفهمیدم فرمود **اضرب مخارج الکسور التی فیهاصرف العین بعضهافی بعض** یعنی ضرب کن مخرج کسرهائی که درآنها صرف‌عین واقع شده مانند سبع - اربع - عشر دریکدیگر آنها ۲۵۲۰ میشود واین پاسخهای دندان‌شکن یهودی راباسلام آورد وآنرا مسئله رکابیه گویند ونظایر آن‌مسائل معروف بدیناریه. منبریه. رغیفیه. بئریه و غیره در مهندسی. طراحی. حفرقنوات. سطح گیری حساب‌اعداد. هندسه تعلیم شده که حدوحصر ندارد.

سائل دیگری همین سئوال را کرد امام ع فرمود «خذالارنب وجزراسه وارفع جده» ارنب خرگوش است‌یعنی‌لفظ ارنب رابگیروسرش‌را بینداز که همزه‌باشد باقی‌مانده که‌رنب‌است آنگاه‌یکمرتبه بالاببر یعنی‌حروف آنرا بحساب‌ابجد ۲۵۱ میشود - به ۲۵۲۰ بالاببر

مهارت‌امام درعلم‌هندسه

روزی یکی‌ازاصحاب بادیگری شرط بندی کرد که وزن فیل را معین کنددرمقام وفاء بعهد اقدام کرد اما نمیدانست بچه‌وسیله وزن فیل رابدست‌آورد تا اورا راهنمائی بحضرت‌امیرالمومنین کردند حضرت‌علی‌ع اول اورا توبیخ کرد بعلمی که قدرت برانجام آن‌نداشته چراشرط‌بندی کرده پس ازآن‌فرمود یك کشتی که حامل باربود وهنوز گنجایش‌بیشتری داشت کنارشط نگاهداشتند آنگاه‌فرمود مقدارفرورفتگی آنرا درآب علامت بگذارند. سپس فرمود مقداری باروزن کنند درآن بگذارند و علامت معین کنند آنگاه بارها را بیرون‌آورند وبجای آن فیل رادر کشتی‌بگذارند تا کشتی بهمان مقدار که درآب رفته معین نمایند وبابار موازنه نمایند تامقدار فیل معلوم گردد.

این عمل را سه طریق نقل کرده‌اند.

اول آنکه کشتی رابامقدارفرورفتگی آن درآب معین کنند وبعد فیل را درکشتی‌ببرند وباز علامت بگذارید وسپس بیرون‌آورده معادل آن باروزن شده بگذارند تابهمان مقدار پائین رود وزن فیل رابدست آورند.

دوم آنکه کشتی درهرحال باشد فیل رادرآن برند وبعد معادل فرورفتگی آب باروزن کرده درآن بریزند تاوزن فیل‌بدست‌آید.

سوم آنکه کشتی باهرمقدار بار باشد معادل آن جنس وزن کرده در آن بریزند وبعد وزن فیل را بامقدار فرورفتگی آب دراثر بار بسنجند ووزن فیل رابدست آورند .

درهرحال وزن فیل بدین تعلیم درهزاروسیصدسال پیش بمسلمین آموخته شد وباتوزین آب وزن مخصوص هرچیزی رامیتوان بدست آورد .

همین سئوال را ازامام محمدباقرع نقل کرده‌اند همان دستوررا فرمود که کشتی راخالی کنندو فیل را درآب فروبرند وسپس جنس وزن شده درآب بریزند تابهمان مقدار فرو رفتگی برسد ـ و بدین ترتیب وزن فیل را معین فرمود وباقیاس بدان اوزان سایر اجناس رامیتوان معین کرد.

وازحضرت سجاد وفرزندانش درباره اوزان مخصوص آب وهوا وکرات وحرکت اقماردرقالب دعا تعلیماتی فرموده‌اند .

مهارت امام درعلم فیزیك

گفته شد علم فیزیك علم بخواص اجسام وفلزات است که ازتجزیه وترکیب آن درصنایع جهان استفاده شده ودرقرن اخیرفیزیك باعلم ریاضی مرتبط شده که بدون وقوف برریاضیات وحساب وهندسه وجبرومقابله فیزیك نتیجهٔ نمی بخشد وبرای تمدن کنونی دنیا مخصوصاً این اختراعات عظیم ازفیزیك وریاضی استفاده کرده‌اند .

ائمه دین ما بشرحی که دادیم مستقیماً درس فیزیك نمیدادند ولی ازنظر نتیجه نهائی این علم تعلیماتی آموخته‌اند که مینماید درآن علم مهارتی داشته اند زیرا تاکسی علم چیزی را نداند خواص واثروفواید آنرا نمیداند .

امام ع دستورداده‌اند برای حفظ چشم نباید درنورغروب آفتاب چیزی خواند ویانوشت ودوختن ونظایرآن را ممنوع دانسته‌اند وروشنائی شب راباید بقدرکافی وثابت تهیه کرد ودرنور گفته‌اندافراط نیست هرقدرچراغ بیشترباشد مفیدتراست اصراف درافزونی آن نیست ومدارس رابایدروبقبله ساخت وروبآفتاب تاازنوراستفاده کنند .

این کشف علمی که درمجلات قرن اخیرملل غربی درطب وبهداشت نموده‌اند ودرباره علم فیزیك نوشته‌اند پیشوای اسلام آنرادر۱۳قرن پیش دستورداده چنانکه درکتاب مکارم الاخلاق ومکتب اسلام مفصل نوشته شده که فرمود « من احب کریمتاه لم یکتب بعدالعصر» هرکس بدیده گان خودعلاقمند است درنور کم متزلزل غروب وشب چیز ننویسد و فرمودند « لااسراف فی السراج » درنور چراغ اسراف نیست .

وهمچنین درالوان علمای فیزیك نوشته‌اند . رنك سرخ وقرمززننده است وبرای چشم بداست ورنك سبزبرای چشم سودمنداست چه رنك سبزوابی رنك طبیعت است .

مهارت امام ع درعلم النفس و روانشناسی

چون وظیفه امام ع پس ازپیغمبرارشادو هدایت مردم بکمال نفس است وکمال نفس باید در راه اجرای احکام شریعت حاصل شود ونفس موردتوجه بود تابشررا ازماهیت نفس وعلم نفس و معرفت کامل بنفس وآثارنفسانی که بروانشناسی تعبیرشده امام ع دراین وظیفه خاص تعلیماتی عالیه دارد که حدوحصر ندارد وقسمت مهم « نهج البلاغه وصحیفه سجادیه » روانشناسی راتشکیل میدهد.

موضوع نفس - ازاول موردتوجه امیرالمومنین ع بود چنانچه درحدیث بکمیل بن زیاد وعربی دیگر فرمود نفس بر پنج قسمت است واقسام آنرا که در کتاب علم النفس شرح داده‌ایم بیان فرموده است و بیان امام ع موردتوجه بزرگترین علماء وحکماء وروانشناسان جهان گردیده است . وادله و براهین متقن درا ثبات مطلب آورده‌اند .

نفس . قلب . دماغ . روان . جان . عقل. علم. کلماتی است که درمراحل مختلفه نفسانی یاد شده ودرسیر تکامل انسانیت هروقتی نامی بآن اطلاق گردیده وائمه ماع بیش ازهرحیث درباره علم النفس وروانشناسی بحث کرده‌اند زیرا تربیت وتعلیم روی محورنفس بود واسلام است که مبداء تمام حواس را نفس میدانسته درحالیکه تااواخر علمای جهان گمان میکردند حواس دربدن انسانی استقلالی دارند وهنوز درکتب روانشناسی غربیها این اشتباه محسوس است درحالیکه فیلسوف اشراقی شرق ملاصدرا استدلال نموده وحاجی سبزواری گفته :

النفس فی وحدة کل القوی　　　وفعلها فی فعلها قوانطوی

بنابراین آنچه که روانشناسان اروپا درباره استقلال عاطفه ووجدان وغیره گفته‌اند صحیح نیست بلکه مبداء تمام احساسات وادراکات نفس است وارتباط نفس باجسم وروح و روان ارتباط متصرف در شهراست وبقدری این ارتباط سریع وقویست که ازبرق وباد سریعتراست بمحض اراده اعضاء حرکت مینماید و در هرمرحله حرکتی خواه احساس یا ادراکی باشد نامی دارد که باید درعلم النفس شرح آنرادید .

عربی ازحضرت امیرالمومنین ع می‌پرسد یاعلی خلقت عالم بالاچگونه است .

امام ع فرمود عالم بالادارای یک صورواشکالی واشباحی است که ازمواد عاریه این عالم خالی است یعنی ازیک عنصری غیرازعناصر قابل فهم شماميباشد وآن مواد دارای قوا ونیروی شگفت آمیز واستعداد عجیبی است که درعالم تجلی میکند واشراق مینماید ودراثر گردش منظم خودطلوع وافول میکنندو دراثر تلاقی نوری باهم ظاهرمیگردند وآثار وافعالشان روشن میگردد . وانسان که دارای نفس ناطقه است اگرآن نفس‌را تزکیه بعلم وعمل کنند بعناصر وافلاک وانجم وشموس واقمار وثوابت وسیارات بهترواقف میگردند وهرگاه علل وعوامل تعدیل مزاج آدمی که عالم صغیراست باعالم کبیر منطبق گرددوظیفه مشترکی بین اووعالم کبیرخواهد بود که آن تسبیح وتحلیل و تقدیس حق تعالی میباشد آنگاه درباره نفس ناطقه توضیحاتی برای کمیل میدهد وتمام اعمال وافعال راناشی ازنفس میدانند و میفرمایداگرنفس مهذب شودتمام اعمال صالحه پاداش ثواب میگیرد .

درمیان هیچیک ازاقوام وملل عالم علم النفس وروانشناسی باین عمق که دراسلام موردکاوش وتحقیق وتجزیه وتحلیل قرار گرفته وجود ندارد - چه هدف اصلی اسلام برای تکامل نفس بود وتمام نیروهای مادی واثروخواص طبیعی عناصرومواليد برای تهذیب نفس است ومسلمین از تمام مواد ثلاثه عالم بدین منظور استفاده نموده‌اند .

علماء وحکماء عالم ازدوراه بکمال رسیده‌اند ودرک حقایق نموده‌اند یکی ازراه ریاضیات شاقه وغیرشاقه وديگردراستدلال وبرهان علمی ومنطقی اسلام این دوراه را بیک تعلیم آموخته و آن کلمه ایمان است که ایمان رابعقیده وعمل تعبیر کرده‌اند یعنی هرمسلمان باداء فرائض شرعی که فروع دین باشد منطبق برعقاید توحید واصول مبانی اسلام است وبدین پرورش بکمال لایق خود که درک حقایق ونیل بکشف حقیقت باشد میرسند .

حضرت امیرالمومنین دربیان روح میفرماید :

ان الله تبارك وتعالی جعل فی النبی خمسة ارواح روح الحیوة فیه دب ودرج وروح القوة فیه نهض و جاهد وروح الشهوة فیه اکل وشرب واتی النساء من الحلال وروح الایمان فیه آمن وعدل وروح القدس لاینام ولایغفل ولایلهوولایزهو

خداوند عالم در پرورش یافته گان مکتب ربوبی خودپنج روح قرار داده اول روح حیوة است که حس وحرکت بدان میکند دوم روح القوه است که ازآن نهضت میکندوجهادمینماید سوم روح شهوت است که ازآن میخورد ومی آشامد وبصورت مشروع مباشرت بازن میکند وروح ایمان است که امانت وعدالت میوه آنست وروح القدس است که موجب میگرددکه خواب وغفلت ولهو وهوی را از بین ببرد و این روح مخصوص انبیاست .

غیرفهم جان که درگاووخراست آدمی راعقل وجان دیگراست

باز غیرعقل و جان آدمی هست جانی درنبی و درولی

یاایها الذین آمنو اطیعوالله واطیعوالرسول واولوالامر منکم

مهارت امام در جهانگیری وجهانگردی

شکی نیست که سلطنت مطلقه الهیه ازلیه ابدیه بدست قدرت او است وبرای مصلحت مخلوق قدرت حکومت وسلطنت راپیغمبران خود داده وآنها را باوصیاء منصوب ومخصوص خود سپرده اند و دیگران باید از آنها اجازه حکومت داشته باشند تاغصب مقام نکرده وبقهروغلبه ومظالم ستمکاری که نتیجه آن عذاب اخرویست گرفتارنشوند.

درتفاسیر قرآن اغلب بلکه کلیه مفسرین اولوالامر را امام منصوص ومنصوب آسمانی میدانند که اطاعت آن مقرون باطاعت پیغمبر ومبتنی براطاعت خداست وبدیهی است ائمه در حکومت خود حکومت شرعی وآسمانی داشته وهمانطور که ولایت مطلقه بحضرت سلیمان برای سلطنت وحشمت او کلیه جن وانس وملك وفرشته رادر اطاعت اومامور فرمود وحیوانات عموما ازچرنده وپرنده درفرمان اوآمدند امام نیز باولایت مطلقه خود برتمام موجودات عالم کون وفساد حکومت دارد وباعلم وقدرت خود میتواند همه را دراداره امور صلاح وسلم وصلح خود پناه دهد.

جهانگیری وجهانداری ازوظایف سلاطین است که البته دراسلام سلطنت مطلقه باپیغمبر خداص بود که همه چیز درفرمان اوسر تعظیم فرود میاوردوبعد که سقیفه بنی ساعده مجاری حکومت رابرگردانید . سلطنت مجازی بدست خلفاافتاد وآنهاهم در مضیقه حکومت خود باامیرالمومنین علی بن ابیطالب که باب مدینه علم ووصی آسمانی منصوب ومخصوص پیغمبرص بود مراجعه میکردند و مشکلات بفرمان او حل میشد.

منطوق لولا ابوالحسن لهلك ابوبکر ولولا علی لهلك العمر ولولاابوتراب لهلك العثمان که جزو امثال سائره زبان عرب شد شاهد این مدعاست.

بابیان دیگر

چون در اسلام تقسیم علم چنین شده که حکمت بردوقسم است حکمت علمی وحکمت عملی وحکمت عملی رااخلاق دانند گویند حکمت عملی درشخص باخلاق ودر خانواده بتدبیرمنزل ودراجتماع بسیاست مدن تعبیر شده و علی اعلمکم وعلی اقضاکم بهترین شاهد مدعی

استکه درعلم اخلاق خود ترجمان علمی فضایل بود ودرتدبیر منزل کافی‌استکه زنی چون فاطمه زهرا وفرزندانی چون حسنین وزینبین تربیت کرده که هریك آفتاب درخشان آسمان وجود انسانیت بوده‌اند ودرسیاست مدن‌کافی است نامه‌ای که درحال حرکت برای فرماندار خود مالك‌اشتر نخعی بطرف مصر نوشته واورا ازاسرار ورموز حکومت وفرمانداری آگاه فرموده است ونکاتی دقیق‌دراین منشوراستکه منشورملل متحدومتفق باآنکه عقول خردمندان مللرا برسرهم گذاشته‌اند نتوانسته‌اند یك‌منشور مورد قبول‌جهانیان که شامل‌علم وعقل و آزادی کامل باشد منتشرنمایند واین فرمان که باکثر زبانهای زنده ترجمه شده مهارت امام‌را درجهانگیری وجهانداری ثابت مینماید ،

این منشوربود که جورج جرداق مسیحی درکتاب « الامام‌علی صوت‌العدالة‌الانسانیه » نوشت امیرالمومنین خود ندای عدالت آسمانی بود وعملا این فضیلت رابدنیا تعلیم کرد وعلم‌الاجتماعی که اونوشته محرك بوجودآمدن علمای علم‌الاجتماع جهان گردید - زیرا اسرار نفوس و روانشناسی را هیچکس چون علی‌ع نمیدانست ،

خطبی که درباره جهاد نوشته پشت مردان جنگی رابرخود لرزانده وخطبی که درتقوی‌وعدالت برای همام بیان کرده قدمهای پرهیزکاران را برخود لرزانده و درس سیاست و جنك و جهانگیری و جهانداری او باسطور برجسته‌ای درعالم فرهنك ومعارف جهان بشریت ثبت گردیده است

ائمة دین اسلام ومربیان مکتب‌جعفری استعدادها را تحریك نمودند ولیاقتها راپرورش‌دادند وباتعلیم غذاهای حلال و حرام وراه تقوی و پرهیزکاری استعدادها را براه تکامل تقویت نمودند و مسلمین بااستعدادواحساسات وادراکات‌عمیق‌شدنددست‌بعلوم وفنون زده‌دامنه فرهنك ومعارف راتوسعه دادند وکاخ تمدن اسلام را روی علم و فرهنك وحرفت وصنعت اسلامی بنا نهادند که موجب شد متفکرین جهان سرانگشت عبرت بدندان گرفته وازاین سرعت ترقی و تعالی آنها مات و مبهوت گشته‌اند .

شیعه درتمام آثار وعلوم واخباردرعصرخلفا ابتکار وتقدم وتفوق را دردست داشته استودرکلیه علوم تالیف وتصنیف کرده است .

وبادقتی که تمام محققین بکاربرده‌اند ثابت نموده‌اند ابتکارعلمی در دست شیعه امامیه بود و ایرانیان هوشیاردرآن‌سهمی بسزاداشته‌اند ودرتمام علوم‌وفنون دست داشته وحتی‌ایرانی عجم درزبان عرب وادبیات وآداب ولغت عربی کتابها نوشته وتالیمات وتضیفات کرده‌اند وبخصوص درتفسیروفقه و حدیث درصف‌اول مصنفین ومولفین اسلام قرارگرفته ومقتدای فرهنك ومعارف جهان متمدن میباشند جابربن حیان ابان‌بن‌تغلب وچهارصد مولف دیگر که کتب اربعماة رانوشته‌اند همه شاگردان مکتب جعفری هستند .

واضع علم نحو- ابوالاسود دئلی‌است متوفی ۶۹ه که ازکبار تابعین وازشیعه امامیه بوده است برخی‌اورا ازسربازان جنك بدرنوشته‌اند «مانندابن‌حجر» اول کسی‌است که درباره نحو کتاب نوشت

۱- کتاب‌الاوایل سیوطی - تاسیس‌الشیعه لعلوم‌الاسلام سیدحسن صدر

۲- الفنون‌الشیعة الامامیة - قاموس‌اللغه

۳- روضات‌الجنات درضمن احوال ابوالاسوددئلی ظالم‌بن‌عمرو- ۳۴۵

وآنرا ازتعلیمات حضرت امام امیرالمومنین ع فرا گرفت ۱

واکنون ما باجمال نام کسانی که درعلوم اسلامی مبتکر ومبدع واول موسس وواضع آن بوده اند برای اطلاع خوانندگان عزیز نقل میکنیم .

این طبقه فاضله بشری همه ازشیعه امامیه بوده وازمکتب امیرالمومنین واولادطاهرینش درعلم و فضیلت فرا گرفته واول مصنف ومؤلف وواضع ومبتکرعلمی دراسلام میباشند .

اول کسی که درآثار کتاب نوشت ابوعبدالله سلمان فارسی بودو بعدابوذرغفاری و سپس اصبغ بن نباته وسپس عبدالله بن ابی رافع بود .

اول کسی که درعلم لغت عرب کتاب نوشت خلیل بن احمد ایرانی دانشمند معروف بود که سیوطی وابوالطیب لغوی وغیره تصریح کرده اند که اوازشیعه امامیه بود واول کسی است که درلغت عرب وعلم لغت کتاب نوشت .

اول کسی که درفنون شعر وشاعری واختراع ادب وغیره کتاب نوشت بنقل ضیاء الدین یوسف بن یحیی بن حسین الموید بالله الزیدی یمانی نابغه جعدیست که ازشیعیان امامیه بود .

اول کسی که درعلم تاریخ کتاب نوشت در اسلام عبدالله ابن ابی رافع غلام رسول الله بود کتاب «تسمیة من شهدمن الصحابه را باشاره امیرالمومنین ع » نوشت و کتاب قضارا نوشت و او از شاگردان امیرالمومنین ع بود .

اول کسی که درعلم مغازی وغزوات وجنگها کتاب نوشت محمدبن اسحق مطلبی مدنی بود بنقل کشف الظنون متوفی ۱۵۱

اول کسی که درعلم رجال کتاب نوشت ابومحمدعبدالله بن جبلة بن حیان بن ابحر کنانی است چنانچه درفهرست اسماء مصنفین شیعه دررجال نجاشی نام او برده شده خاندان جبله در کوفه مشهور بودو اوفقیه محدث رجالی بوده است .

اول کسی که درفرق اسلام کتابی نوشت حسین بن موسی نوبختی بود که ازشیعه امامیه وازعلماء کبارقرن دوم بوده است واکثرمورخین نام اورا درصف مصنفین شیعه درفرق اسلامی نوشته اند.

اول کسی کـه درعـلم حدیث کتاب نوشت ابورافـع بود و سیوطی اورا از مصنفین شیعه معرفی میکنند .

اول کسی که درعلم درایه وحدیث کتاب نگاشت ابوعبدالله حاکم نیشابوری امامی شیعی بود که بنقل کشف الظنون مبتکراین فن بوده است نیشابوری متوفی ۴۰۵ کتابش درپنج جزو مشتمل بر پنجاه نوع است که بعدابن صلاح ازاو پیروی نمود .

اول کسی که درعلم فقه کتاب نوشت علی بن ابی رافع بود که ازفقهاء بزرك شیعه امامیه است و نجاشی اورا ازمصنفین طبقه اول امامیه شمرده است

۱- ابن قتیبه متوفی ۲۷۶ درکتاب الشعر والشعراء ص ۱۷۱ ابن فارس درفقه اللغة سیوطی در المزهر ص ۱۷۷ - المعارف ص ۲۱۱ - مراتب النحویین عبدالواحد کتاب الاوایل ابوهلال عسکری متوفی ۳۹۵ هـ تاسیس الشیعه سیدحسن صدر ص ۴۰

۱- الشیعه والفنون - تاسیس الشیعه ص ۴۰ تا ۱۸۲

۱- تاسیس الشیعه ازص ۱۸۲ تا ص ۲۲۹

۱- تاسیس الشیعه ص ۲۳۲

اول کسی که اصول فقه را نوشت ودراین فن کتاب تصنیف کرد امام ابوجعفر محمد باقر ع بود و هشام بن حکم شیخ متکلمین از آنحضرت فرا گرفت ومباحث این علم را تنظیم ووضع نمود.

اول کسی که در کلام بحث کرد ابوحذیفه معتزلی است واول کسی که در تشیع سخن منظوم گفت کمیت شاعر معروف است :

اول کسی که در علم اخلاق بحث کرد امیرالمومنین ع بود که ازمنجیات ومهلکات ووسایل ترقی وکمالات خطبی مهیج ایراد فرمود وسیدشریف رضی در نهج البلاغه شرح وتوضیح داده است وابواب علم اخلاق را خطاب بپسرش نگاشته و مکارم اخلاق را شرح داده واول کسی که ازاین درس استفاده کرد وکتابی نوشت اسماعیل بن مهران سکونی ـ سلمان فارسی ـ ابوذرغفاری ـ عمرو بن حمق خزاعی عمار بن یاسرعنبسی ـ ربیع بن الخثیم وغیره در آن کتاب نوشتند.

ابن شهرآشوب در معالم العلماء مینویسد:

اول کسی که دراسلام تصنیف کرد حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع بود وبعد سلمان فارسی وابوذر غفاری واصبغ بن نباته بود پس ازاو عبدالله بن ابی رافع است که در احادیث اهل بیت از احکام تصنیف نمود .

اول کسی که صحیفه را نوشت حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین السجاد بود.

» » برمذهب امامیه کتاب نوشت علی بن اسماعیل بن شعیب کوفی ازمتکلمین اصحاب بود

» » درعلم میزان «شیمی وفیزیك ومنجنیق» مکانیك کتاب نوشت جابر بن حیان صوفی شاگرد امام جعفرصادق ع بود

اول کسی که درباره تاریخ تشیع قصیدهٔ سرود کمیت بن زید اسدی شاعرمشهور بود .

» » درفقه امامیه تصنیف کرد علی بن ابی رافع تابعی بود که درباره وضو وغسل وسایر ابواب فقه کتاب نوشت.

اول کسیکه درباره شیعه تصنیف نمود کتاب عبیدالله بن شعبه حلی از شاگردان امام جعفر صادق ع بود .

اول کسیکه درباره کتب فقه امامیه کتاب نوشت ابن جریح بود.

» » درفقه دراندلس کتاب تصنیف نمود عبدالرحمن بن موسی هواری بود که ازاصحاب اصمعی است وسپس ابی زید انصاری وسفیان بن عینیه ومالك بن انس بود.

اول کسیکه درعلم صرف کتاب نوشت معاذبن مسلم انصاری کوفی شیعی نحوی ملقب بهراء استاد فراء بود،

اول کسی که دراختلافات کتاب نوشت ابوزید عبدالله بن عمرفقیه حنفی شاگرد ابوحنیفه بود

» » درعلم مناظره کتاب نوشت ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل قفال بود

» » دراحکام قرآن کتاب نوشت قاسم بن اصبغ بن محمد بن یوسف بیانی قرطبی اندلسی اخباری لغوی بود ـ متوفی ۳۴۰ ه

اول کسیکه علم حکمت رامنقح نمود. ارسطو شاگرد افلاطون بود.

۱ـ تاسیس الشیعه ص ۳۱۰

اول کسیکه علم مجسطی نوشته وحرکت وسیرافلاك وبراهین هندسه را نوشت واسطرلاب را وضع کرد بطلمیوس بود .

اول کسیکه علم طلسمات رانوشت بلیناس حکیم بود .

» » درعلم موسیقی کتاب نوشت . فیثاغورس حکیم بود

» » علم الحان راوضع کرد اقلیمون حکیم بود،

» » هندسه راوضع کرد اقلیدس بود.

» » علم اعداد را وضع کرد ارشمیدس بود.

» » درعلم طب کتاب نوشت بقراط بود.

» » حدشرعی راباطل گذاشت معاویه بود ،

» » حکمت راپذیرفت ودرآن تفکر نمود وقواعدی نگاشت ابونصرفارابی بود

» » بین همه علوم جمع کرد ابوعلی سینا بود

» » تسخیرجن نمودفخرالائمه ابوالفضل محمدبن احمدطبسی صاحب کتاب الشامل فی علم التسخیر معاصرغزالی است

اول کسی که درملل ونحل کتاب نوشت محمدشهرستانی بود.

» » خط عربی رانگاشت مرارة بن مره انباری بود

» » خط کوفی رابحجازنقل نمود حرب بن امیه بود ،

» » خط شکسته رانوشت شفیع فارسی بود .

» » دریش وصوفیگری رارواج داد ابوهاشم کوفی بود

» » سرتراشید آدم صفی بود ـ واو اول کسی بود که طواف خانه کعبه رانمود.

» » ختنه کرد ابراهیم خلیل بود

» » آبله گرفت فرعون بود .

» » خانه ساخته شدروی کره زمین مکه بود ـ وچهل سال بعدبیت المقدس ساخته شد

» » نوره رابرای ازاله مواختراع کرد سلیمان بود

» » حمام راوضع کرد جمشید بود .

» » وثیقه ازغیر گرفت ابوبکر بود

» سکه‌ای که دراسلام ضرب شد سال ۷۵ھ بود .

اول کسی که نام وزارت گرفت ابومسلم همدانی بود .

» » ازوزیری بصاحب شهرت گرفت صاحب بن عباد بود .

» » دراصول فقه کتاب نوشت شافعی بود .

» » زبان بعربی گشود اسماعیل بود ۱

» » بعربی سخن گفت هود ویایعربن قحطان بود

» » علم نحورا وضع کرد علی بن ابیطالب ع

» » قواعد علم عربی راوضع کرد ابوالاسود دوئلی بود

» » علم صرف وتصریف رانوشت معاذهراء بود.

» » علم لغات وحروفرا نوشت خلیل بن احمد بود

اول کسی که علم عروض را نوشت خلیل بن احمد بود،
» » قصاید مهلهل راسرود امرو القیس بود.
» » شعر فارسی سرودا بو العباس مروزی بود - وقبل از اسلام بهرام گور بود یا بوجعفر بن خوص سعد بن سمرقندی بود.
اول کسی که در بدیع تصنیف نوشت بدیع عبدالله بن معتز بود
» » درمعانی و بیان کتاب نوشت عبدالقاهر جرجانی بود.
» » در فلسفه و حکمت شهرت یافت روم نامی بود که روم بنام اوست درزمان موسی کلیم بود
» » بفلسفه مشهورشد فلوط جنسی مصری بود،
» » درریاضیات تصنیف کرد و آنرا بصورت علم درآورد اقلیدس بود،
» » درهیئت افلاك وهندسه کتاب نوشت بطلمیوس بود.
» » منطق را وضع کرد اسطاطالیس اهل اصطخر زمان اردشیردارا بود.
» » طب رابصورت علم مدون نمود بقراط بود
» » تاریخ هجرت را وضع کرد باشاره امیرالمومنین علی بن ابیطالب - عمر بن خطاب بود سال ۱٦ ه
اول کسی که اسم دیوان گذاشت ودفتر دولتی تدوین وتنظیم نمود ذوالنون مصری بود
» » تغنی کرد ابلیس بود که زمزمه نمود.
» » درترکیب افلاك وسیر کواکب وکشف آثار جوی کتاب نوشت ادریس پیغمبر بود
» » دررمل وجفر وملاحم واسطرلاب واختیار السنه وغیره کتاب نوشت دانیال پیغمبر بود
» » خیاطی را آموخت و خیاطت و سوزن ونخ و علم حساب و نجوم را نگاشت ادریس بود.
اول کسی که خط کوفی را بصورت خط نسخ درآورد ابوعلی بن مقله بود.
» » بفارسی کتاب نوشت طهمورث بود،

سیوطی درکتاب الاوایل مینویسد،
اول بلااول خدای عالم است واول چیزی که خلق شده قلم است کلمهٔ که نوشت **انا التواب اتوب علی من تاب** ودر روایت دیگر است که اول عبارتی که نوشت **اناالله لااله الاانامن رضی عنه والداه فانا عنه راض ومن سخط علیه والده فانا علیه ساخط.**
اول قریه که بناشد سوق الثمانین بود که اصحاب نوح ساختند.
اول حائط وسوری که کشیده شد سورحران است دردمشق
» شهری که بنای نوح است شهرحران است
» ساعتی که نوح بسفینه رفت ساعت نماز بود
اول کسی که برمنبر خطبه خواند ابراهیم خلیل بود.
» » منبرساخت تمیم داری بود که برای پیغمبر ساخت
اول آیه‌ای که نازل شد **بسم الله الرحمن الرحیم** بود
اول جمله‌ای که پیغمبر ص درمدینه فرمود این بود که فرمود **ایها الناس اطعموا الطعام و افشوا السلام و صلوا الارحام و صلوا باللیل والناس نیام تدخلوا الجنة بسلام**

اول کسی که امت خود را نصیحت کرد پیغمبرص بود.
» » خواجه‌ها را برای خدمت استخدام کرد معاویه بود
» » برای قضای چهارقاضی ازچهارمذهب برای قضاوت برگزید بیبرس درمصر بود پس از ۶۷۰.
اول کسی که همزه وتشدید وضع کرد خلیل بن احمد بود
» » درغریب القرآن تالیف نمود ابوعبیده معمر بن مثنی بود
» » درغریب الحدیث کتاب نوشت نضر بن شمیل بود
» » دراحکام قرآن کتاب نوشت شافعی بود
» » درحدیث کتاب پرداخت ابن شهاب زهری بود
» » درمختلف حدیث تالیف کرد شافعی بود
» » درانواع کتاب نوشت ابن صلاح بود
» » درمغازی وغزوات کتاب نوشت عروة بن زبیر بود
» » درفقه کتاب نوشت ابوحنیفه بود
» » درکلام کتاب نوشت ابوحذیفه واصل بن عطا بود
» » پس از بسم الله صلوات پیغمبر را نوشت هارون الرشید بود
» » کاغذ را بوجود آورد حضرت یوسف بود
» » دیوان حساب دولتی ساخت خالد بن برمك بود
» » آجر ساخت هامان بود
» » نوروز را روز عید گرفت جمشید بود- که طوس را ساخت و آنجا نوروز را عید گرفت
» » عیدمهرگان راوضع کرد فریدون بود
» » درآخرخطبه گفت ان الله یامر بالعدل عمر بن عبدالعزیز بود
» » درآخرخطبه خواند **ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما مهدی عباسی بود.**
اول کسی که درخطبه ارتجاء میکرد عثمان بود.
» » خطبه را نشسته خواند معاویه بود
» » درخطبه روز جمعه مدتی استراحت میکرد عثمان بن عفان بود
» » درعیدخطبه راقبل ازنمازخوانده عثمان بود درحالیکه بایدپس ازنماز بخواند
» » خراج را بمردم بخشید عثمان بود.
اول کسی که تمنی مرك نمود یوسف بود
» » درعلم کیمیا استفاده کرد قارون بود
» » لباس سرخ پوشید ولباس بلند دوخت قارون بود
اول زنی که بپغمبر ازدواج نمود خدیجه بود.
اول فرزند آدم قابیل بود
اول فتنه وآزمایش بنی اسرائیل درزنان بود
اول کسی که ردپیغمبر را درقضاوت کرد معاویه بود

اول ذلتی که درعرب رخ داد بکشتن سیدالشهداءِ ع بود
اول هاشمی که ازدوطرف هاشمی متولدشد مادرعلی بن ابیطالب ع فاطمه بنت اسدبود
اول کسی که زندان ساخت علی بن ابیطالب ع بود
» » خمرراساخت وسك رابرای حراست گرفت زمان نوح بود
» » همسایه‌رابجرم همسایه‌ودوست رابجرم دوست دیگرسیاست کردمروان بن حکم بود

اول گناهی که موجب عصیان شد حسد بود.
اول کسی که اسلحه برای جهاد تهیه کرد ادریس بود
» » درراه خداجهاد وقتال کرد ابراهیم خلیل الرحمن بود
» » ازحیوانات مرکب گرفت اسماعیل بود ـ وقبل ازاو حیوانات آزاد بودند
» » سربریده راحمل کرد ودرشهرها گردانید سرمحمدبن ابی بکر برای معاویه بود

باراس عمروبن حمق بود که بامرمعاویه اورا کشتند.
اول جنگی که پیغمبرص شخصاً نمود غزوه ودان بود.
اول کسی که سراویل پوشید ابراهیم بود.
» » قبا پوشید سلیمان بود
» » عمامه بسر گذاشت ذوالقرنین بود
اول کلمه که ابراهیم درحین فرودبآتش گفت **حسبی الله‌ونعم الوکیل بود**
اول چیزی که ازامت اسلام میبرند حیاء و امانت است
اول کسی که لباس آتشین می‌پوشید ابلیس است
اول کسی که درسایه عرش جامیگیرد آدم صابردرحال دست تنگی است
اول چیزیکه اززمان روزقیامت سئوال میشود ازنمازآنها بعدازشوهرداری آنهاست
اول چیزی که درمیزان سنجیده میشود حسن خلق است
اول چیزی که ازاعضاءِ آدم درحساب بسخن می‌آید بازوان اوست
اول کسی که واردبهشت میشود بازرگان راستگو ودرست کاراست
اول خوراکی که اهل بهشت میخورند جگرماهی است

اگرنگارنده یاهرمؤلفی که دارای تتبع وتحقیقاتی باشد بخواهد بشایستگی اخبار عالم اسلامی راشرح دهد حداقل سی مجلد خواهدشد وما اخبار کشور های پهناور اسلامی‌را بقدری فشرده‌ایم تا باجمال دردو مجلد یکی اخبار مربوط بطلوع وتحول وتطور ونشو وارتقای اسلامی است. (جلد اول) و دیگر وضع جغرافیائی ممالك کنونی اسلامی است باآمار و احصائیه مسلمین جهان واخبار فرهنك ومعارف آنها. «جلددوم»

اسلام خود نشو وارتقایافت نه‌ملل اسلامی

پرنس ژاپوانی بورگیز ایطالیائی کتابی نوشته ودیموکرات فرانسوی نیز کتابی بنام **«پیشرفت عقل بشری»** نوشته آنجامی‌گوید آئین محمد ص از سایر آئینها از حیث قواعد ساده‌تر و آداب آن کمتر از سایر ادیان انقلاب دیده ولی اکثر مسلمین

۱ـ سیوطی بنقل روضات الجنات ص ۳۴۵

دراین عصر بصورت بندگی در آمده‌اند اما انوار علم و دانش واشعه آزادی فرهنك ومعارف وتمدن آنها جهانگیر شده است.

این شهادت دشمن است اما بنظر انصاف در صفحات تاریخ که مینگریم می‌بینیم علوم وفرهنك اسلامی سهم بزرگی در کتابخانه های دنیا دارد ومسلمین اگرچه انحطاط اجتماعی و سیاسی پیدا کرده‌اند ولی ازلحاظ دین ومزایای مذهب سخت پابرجا ومحکم مانده استقلال شخصی خودرا حفظ کرده‌اند باآنکه نفوذ مظاهر شهوات واعمال سیاست مفاسد اجتماعی ملل غربی درظاهر ممالك اسلامی شایع گردیده ولی درحقیقت مسلمین اثری نکرده اختلاف دره عمیقی استکه بین متجاهرین بفسق و پیروان مکتب شهوات ملل غربی متدینین واقعی و مسلمان حقیقی ایجادشده ومسلمین خود درراهی جداگانه بسیر تکاملی خود ادامه میدهند.

وباین مظاهر تمدن غربی سخت بدبین میباشند در کشور ایران وسایر ممالك اسلامی اگر صد سینماسخت بفعالیت نمایش مظاهر شهوات بپردازد.

هزارها محافل درس قرآن وفقه وعلم دین وفضیلت درسایه نام حسین بن علی ع وخاندان آل محمد برپامیباشد که شاید بقاء ملیت درااثر حسن عقیدت آنهاباشد.

مسلمین شرق دراثر ضربه‌سخت وناگوار چنگیز ومغول بیعد استقلال سیاسی وامپراطوری خود راازدست دادند وبصد سال فاصله امپراطوری عثمان روی کار آمد که ازفارس تامراکش وسرتاسر شبه‌جزیره بالکان‌را درتصرف آورد.

مملکت وسیع ترکهای عثمانی اسباب رعب وبیم ملل غربی گردید وچون اروپائیان ازخواب غفلت سر برداشته بودند مراحل ترقی و تمدن مسلمین را بسرعت گرفتند و در مقام تضعیف مسلمین برآمدند.

اکتشافات امریکا وراه بحری هندوستان نیز باین منظور کمك کرد که مسلمین درتفرقه افتادند ولی اسلام خود بخود درآنها رسوخ یافت ودر اروپا وامریکا وقاره هند پیشرفت سریعی نمود مانند آبیکه جاری شود وجای خودرا درسایه قرآن علم وفضیلت وتمدن وفرهنك باز کرد.

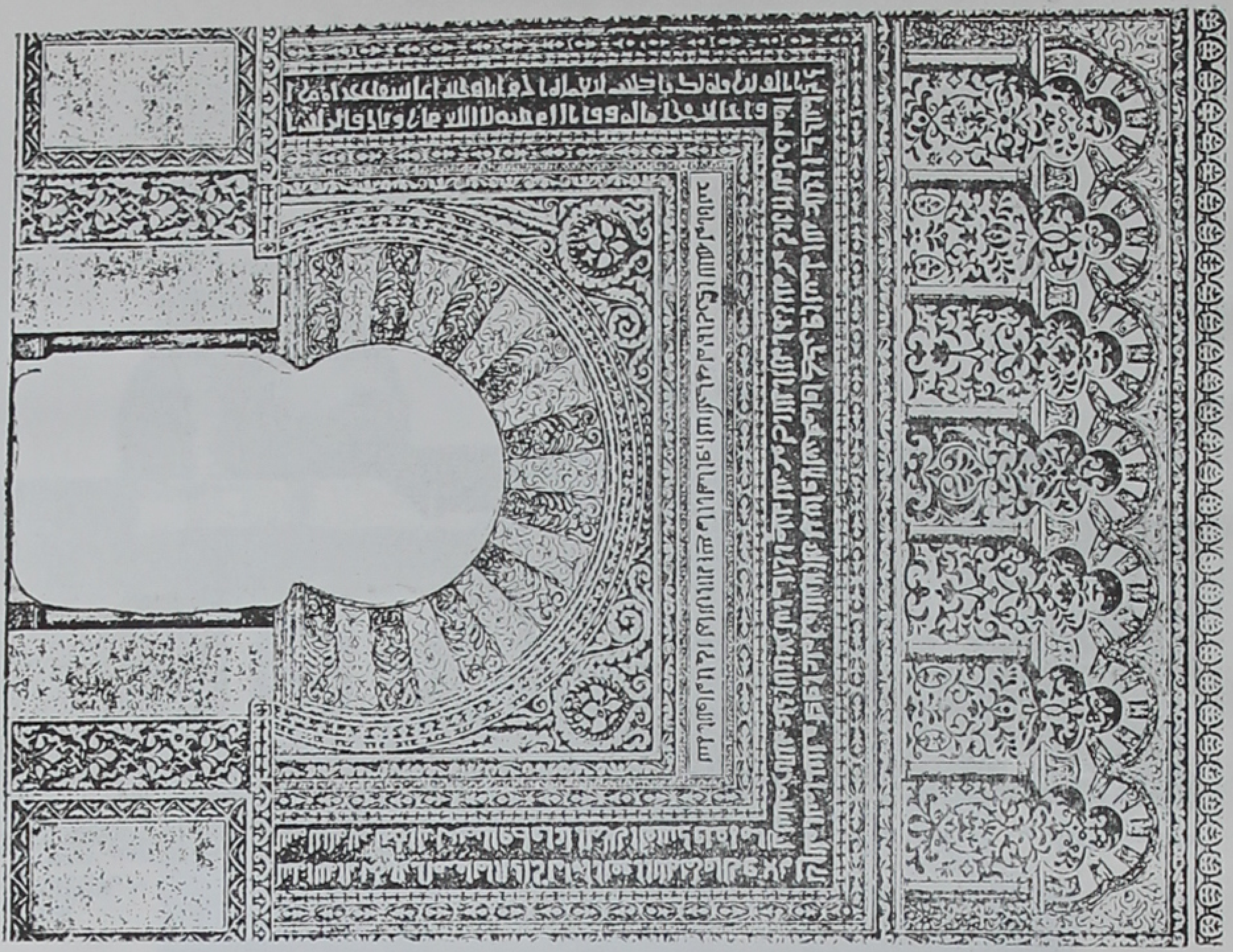
اسلام ضعیف نشده بلکه مسلمین ازحیث سیاست کشور داری تضعیف شده‌اند واسلام بنیروی علم وفرهنك جای خودرا باز کرده که حق این است که بگوئیم درفتوحات اسلام اهل تسنن سهم بزرگی دارند ودرتعمیم ونشروبسط معارف اسلام شیعه امامیه سهم بسزائی دارد.

قرآن برای هدایت همه بشر نازل شد	و هذا کتاب انزلناه مبارك مصدق الذی بین یدیه و لتنذر ام القری و من حولها والذین یومنون بالاخرة یومنون به وهم علی صلاتهم یحافظون.

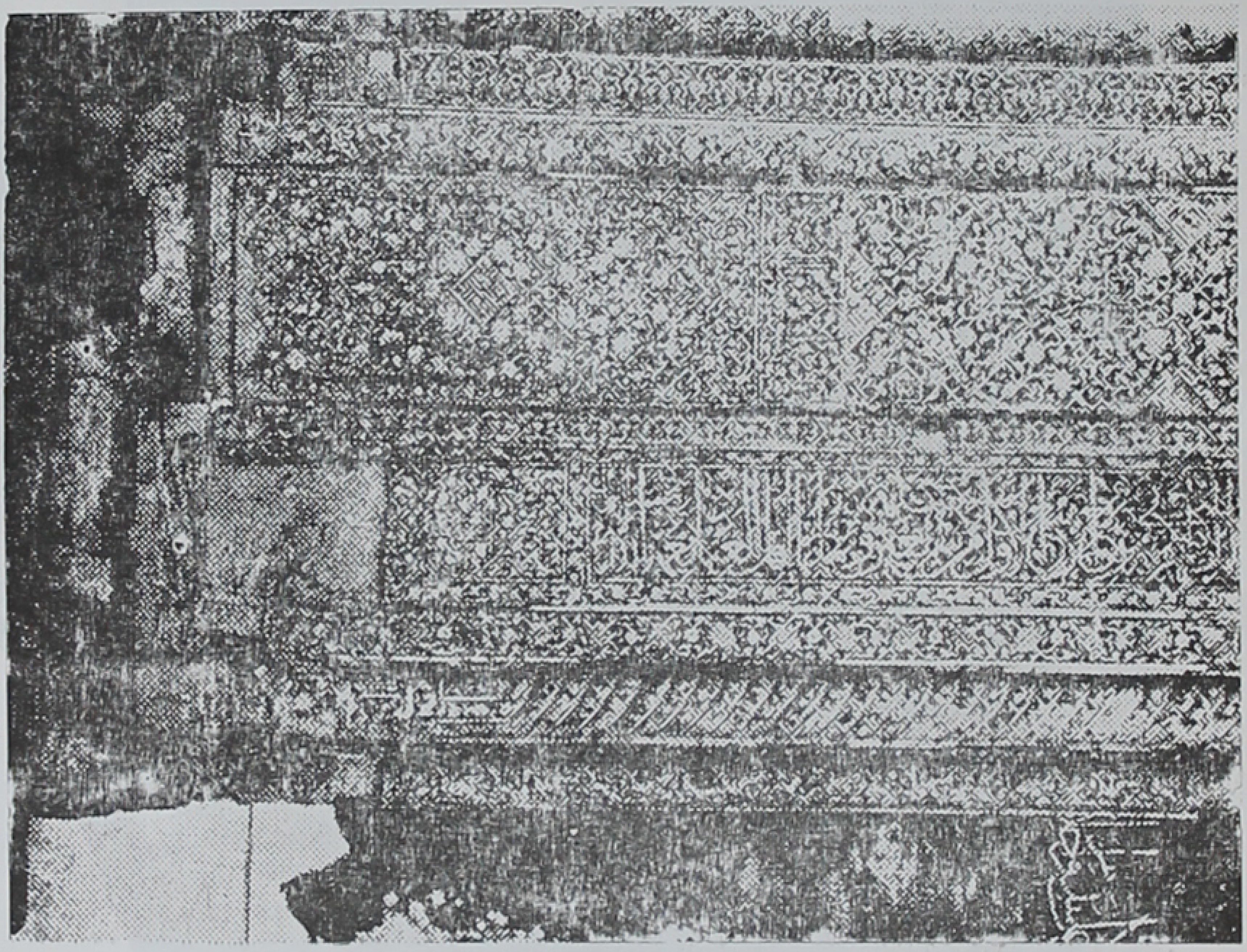
سوره انعام آیهٔ ۹۶

این کتاب (قرآن مجید) است که فرو فرستادیم باابرکتی شگفت‌انگیز که مورد تصدیق و قبول واعتراف همه‌جهانیان خواهد گردید برای آنکه تومردم مکه اول سرزمین مسکونی روی کره زمین‌را باتمام اطرافیانش بیمناك گردانی؛

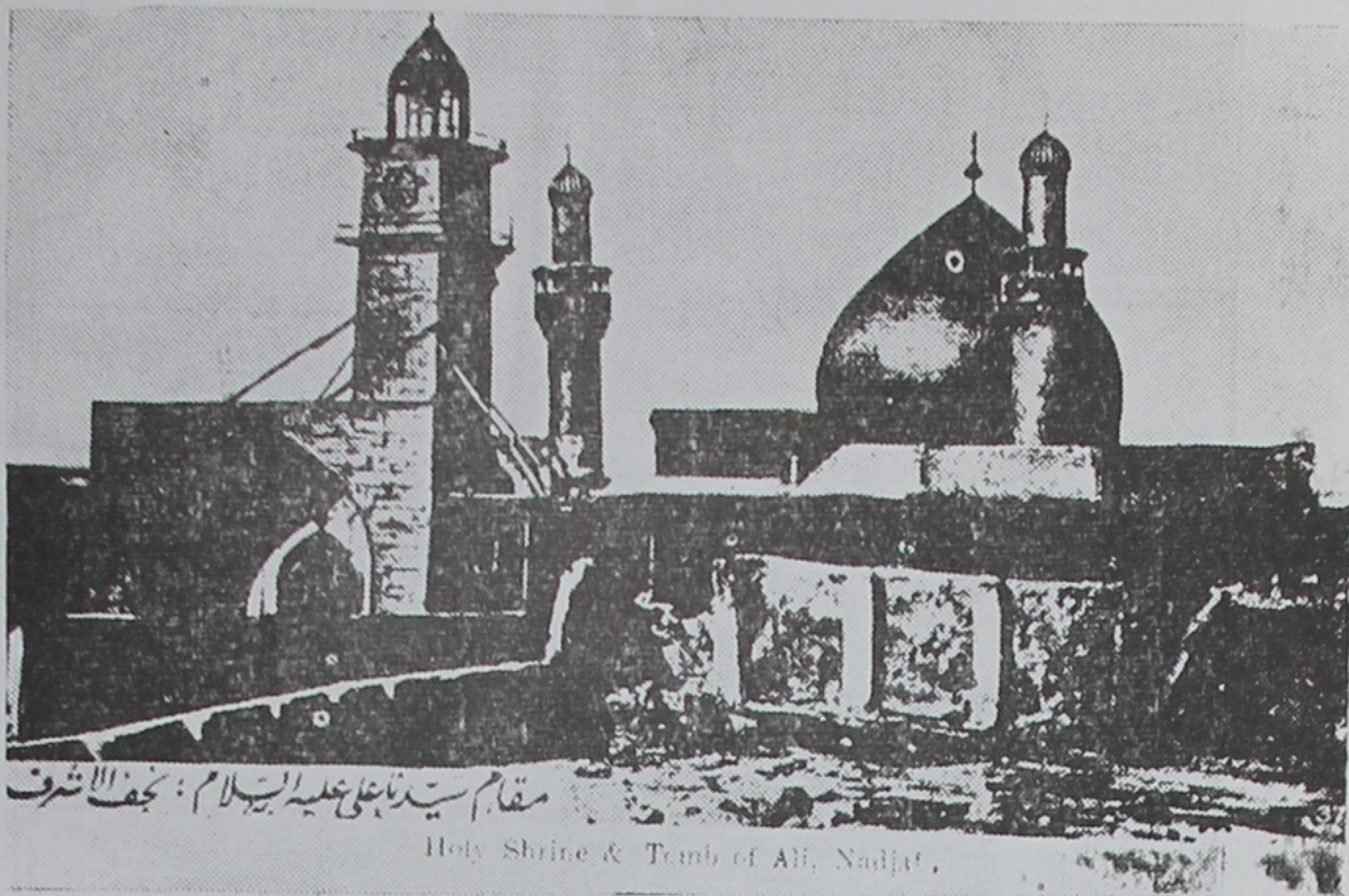
کسانی که ایمان باخرت دارند ایمان باین قرآن خواهند آورد وآنها برنماز خود محافظت مینمایند تابمقام قرب وحد تکامل خودبرسند.



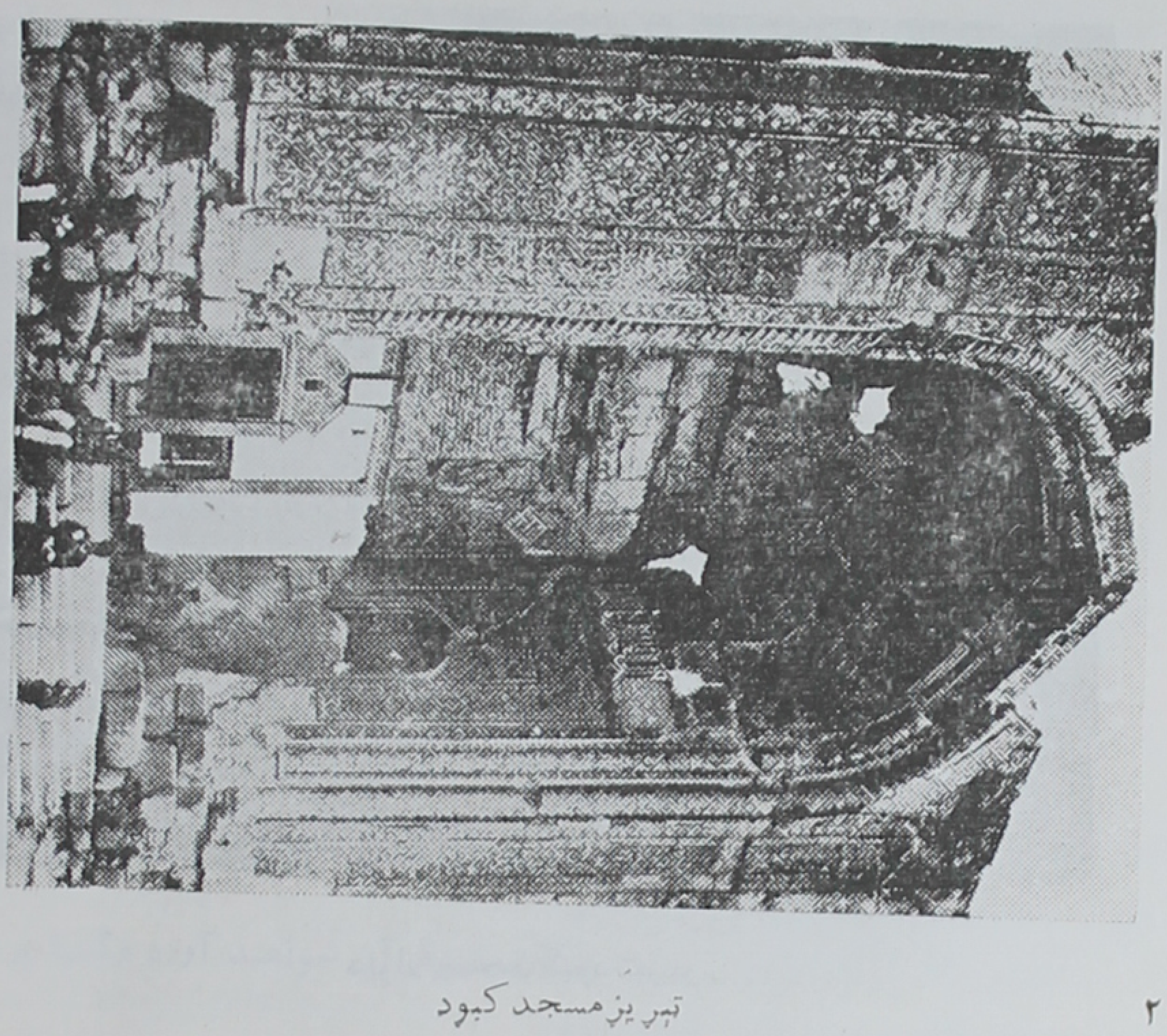
ش۲۴۳ محراب مسجد مقدس قرطبه



ش۲۴۴ دیوار مسجد کبود تبریز



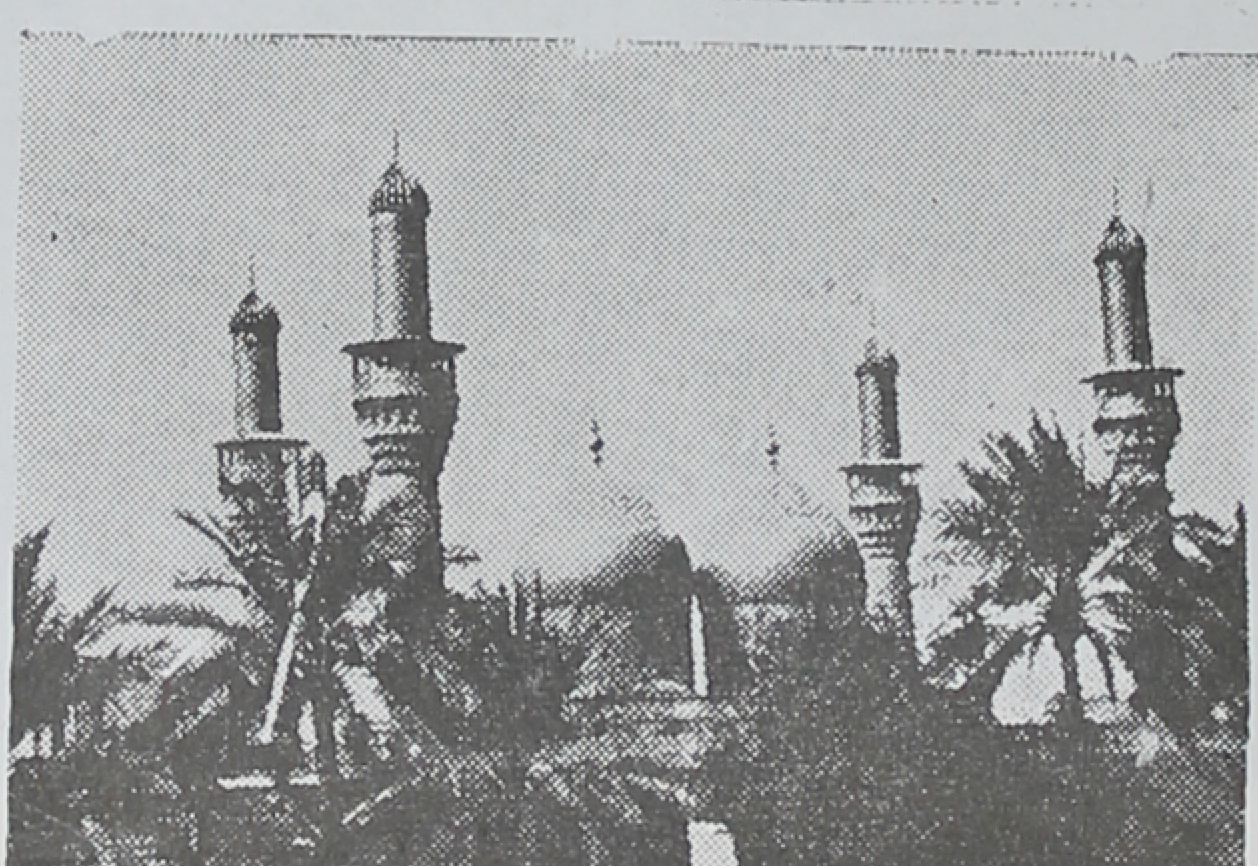
ش ٢٤٥



ش ٢٤٦ تبریز مسجد کبود



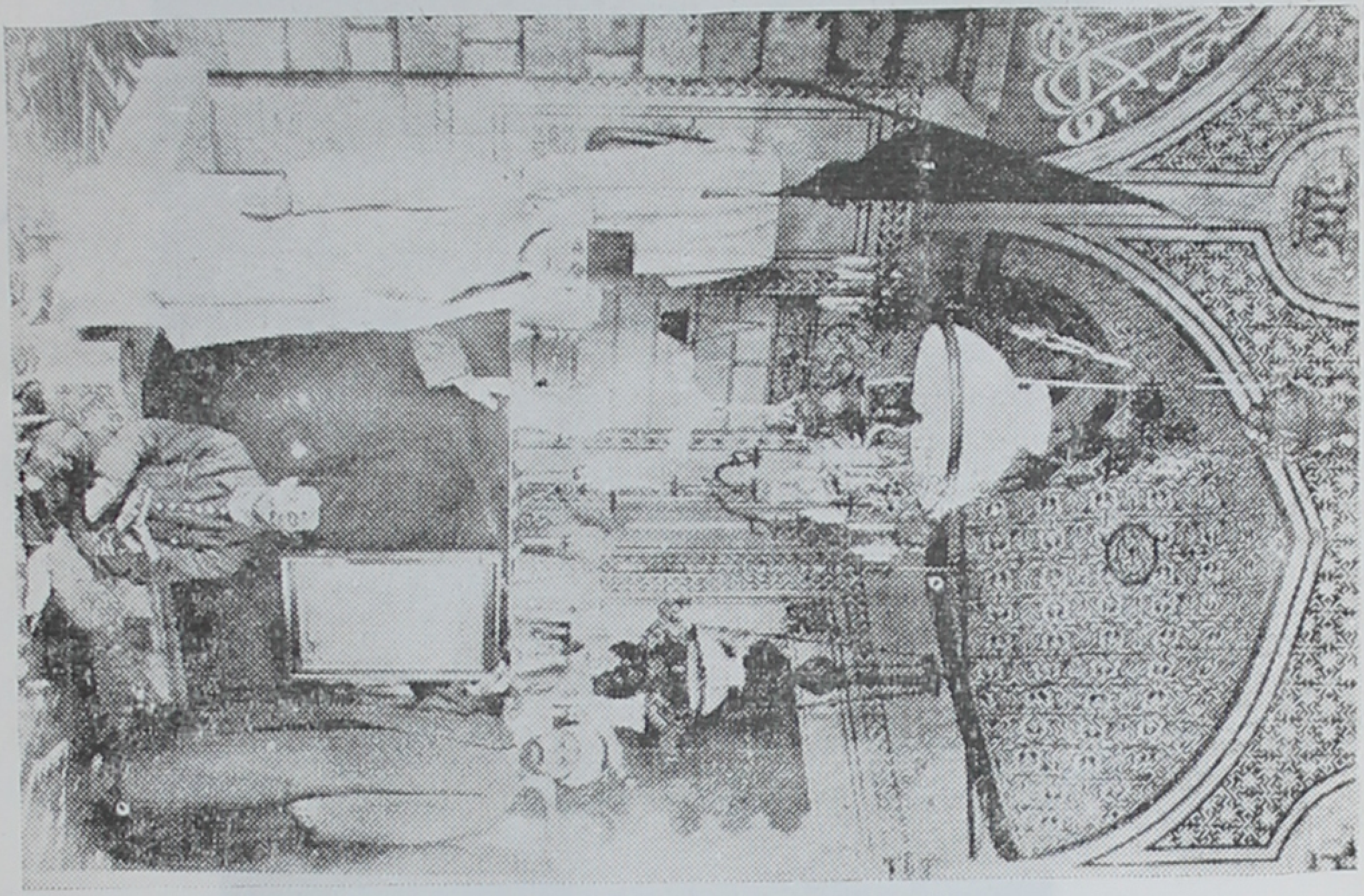
ش۲۴۷ قسمتی از مسجد تاریخی اصفهان



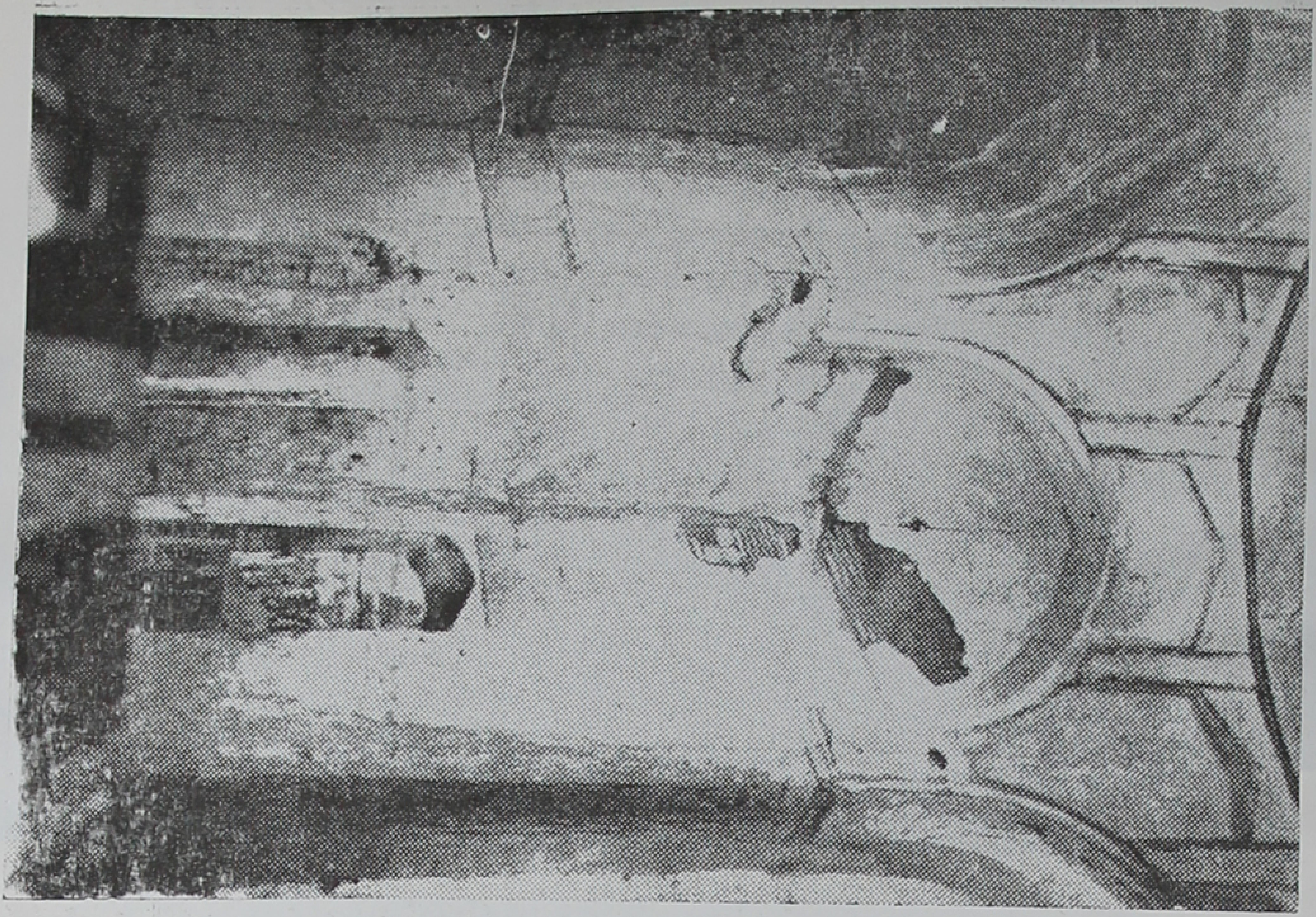
ش۲۴۸ کاظمین



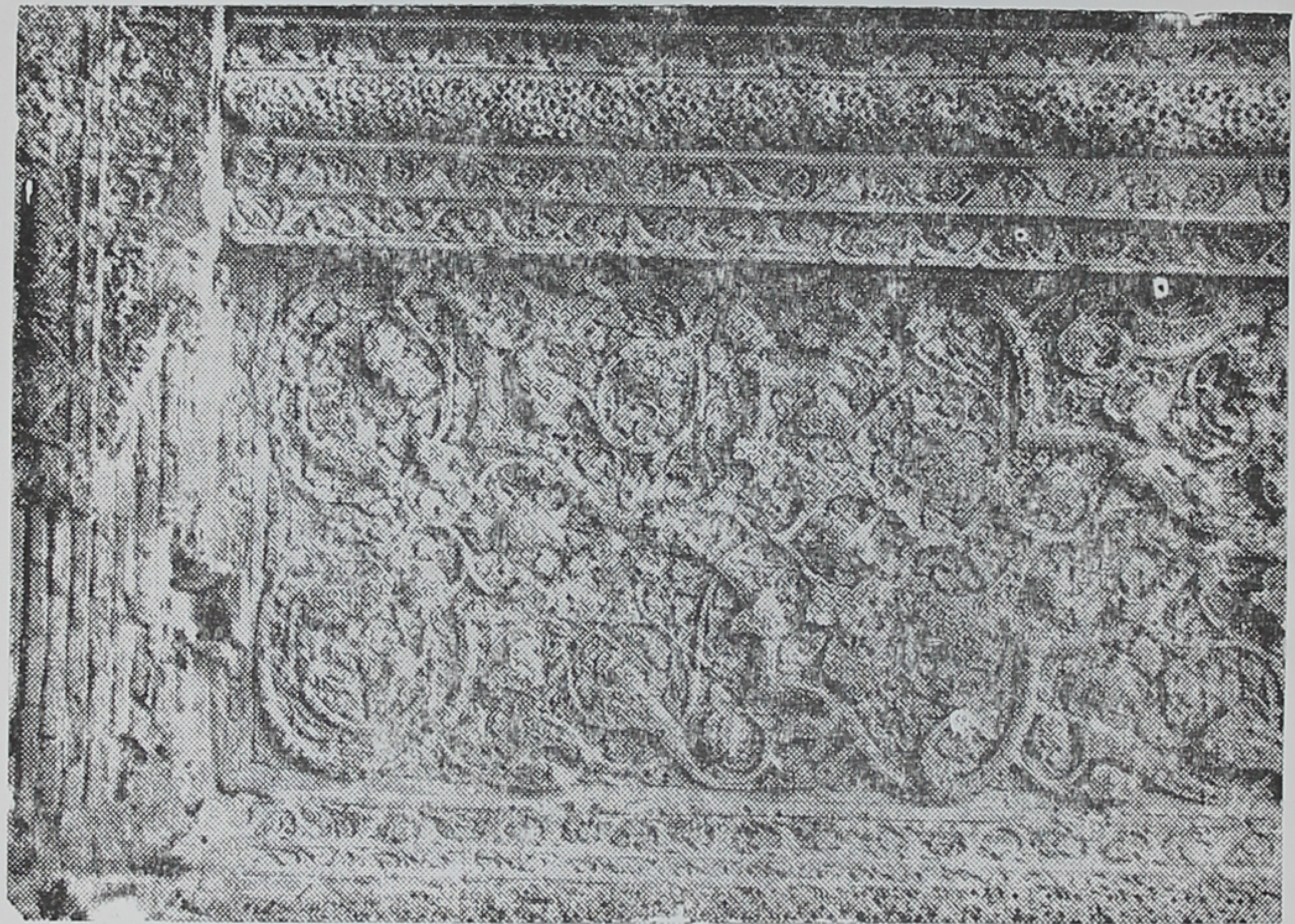
ش۲۴۹ کندوی عسل تهران



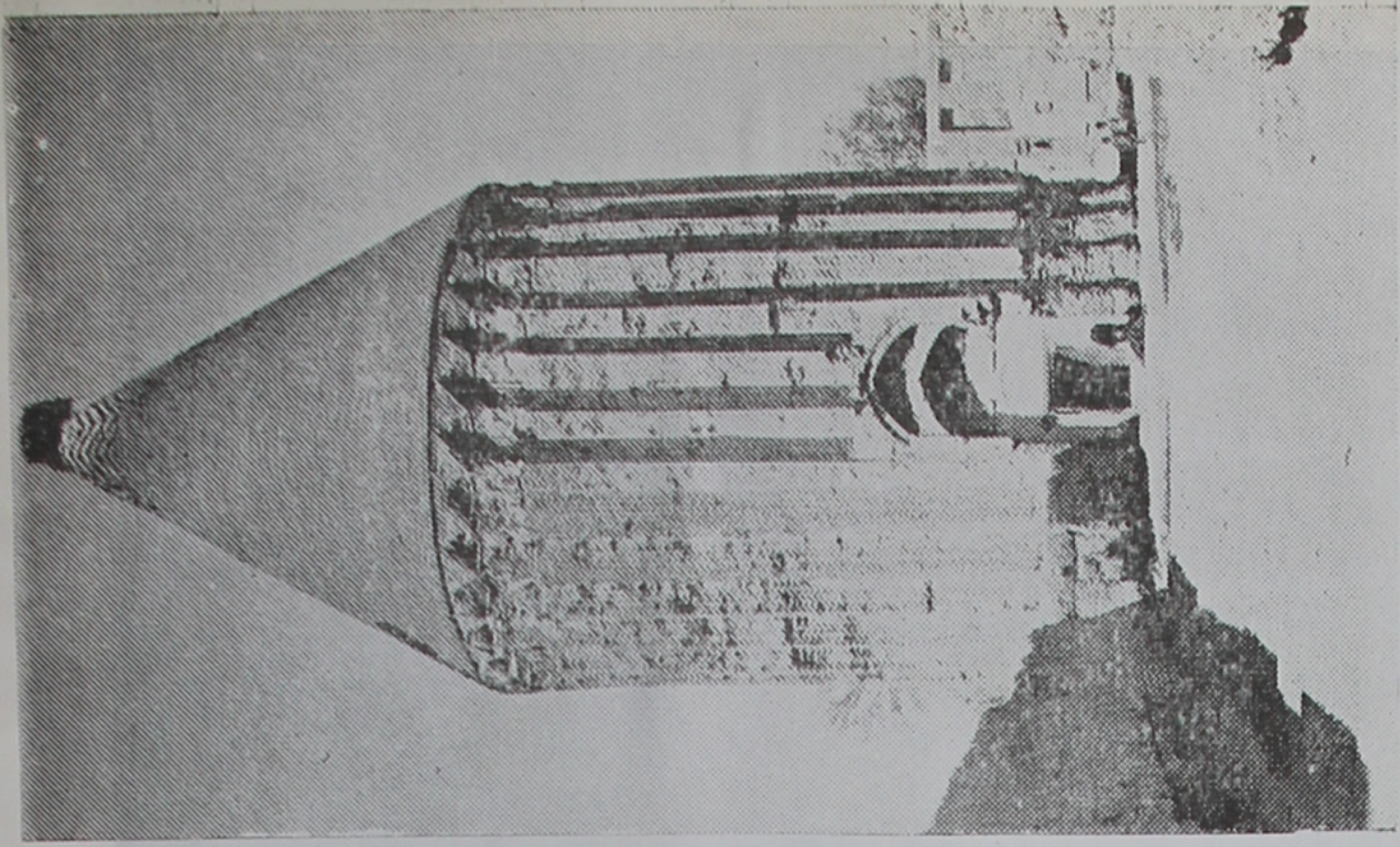
ش۲۵۰ مشهدالحرمین دمشق



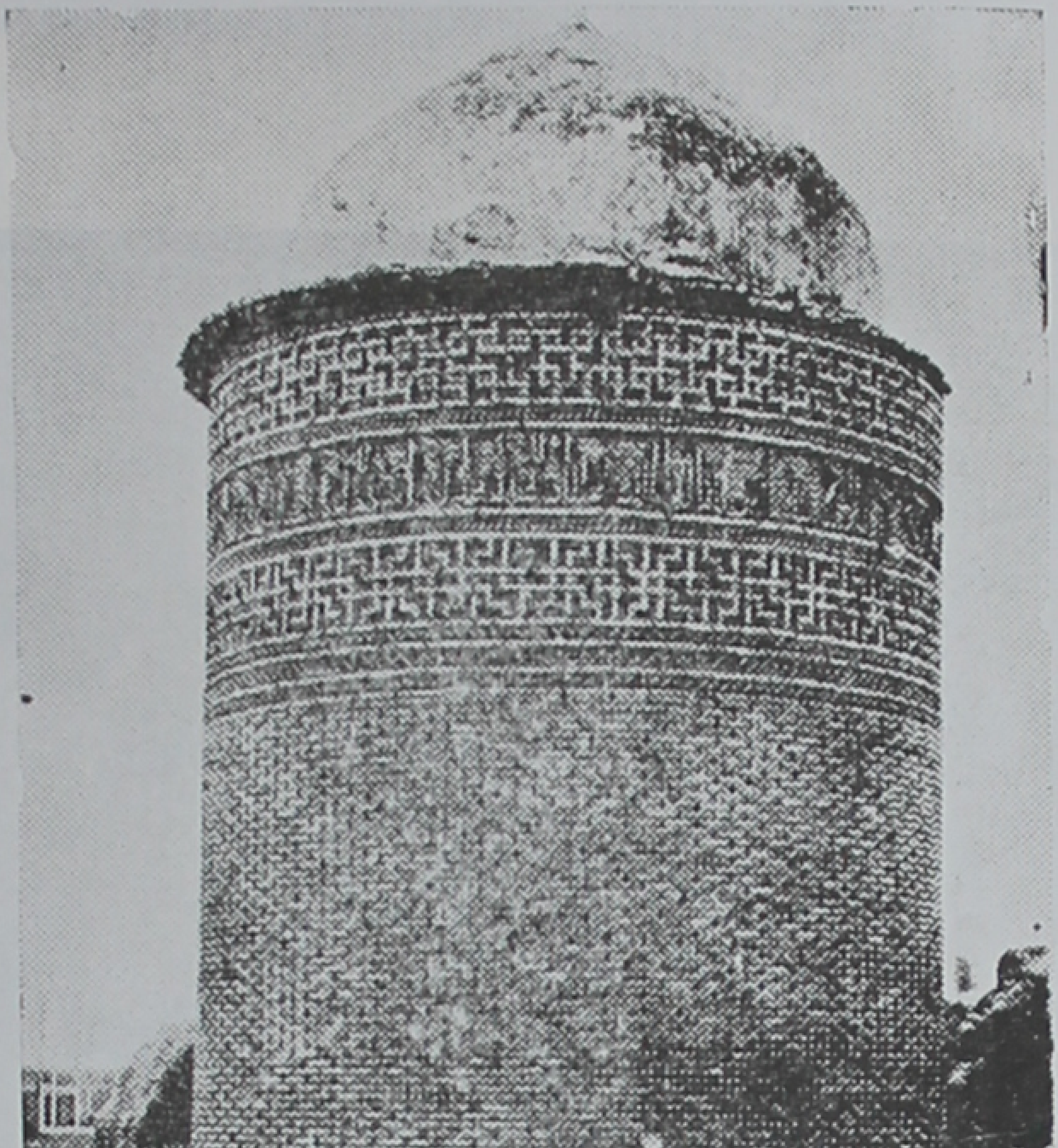
ش۲۵۱ مسجد گلپایگان



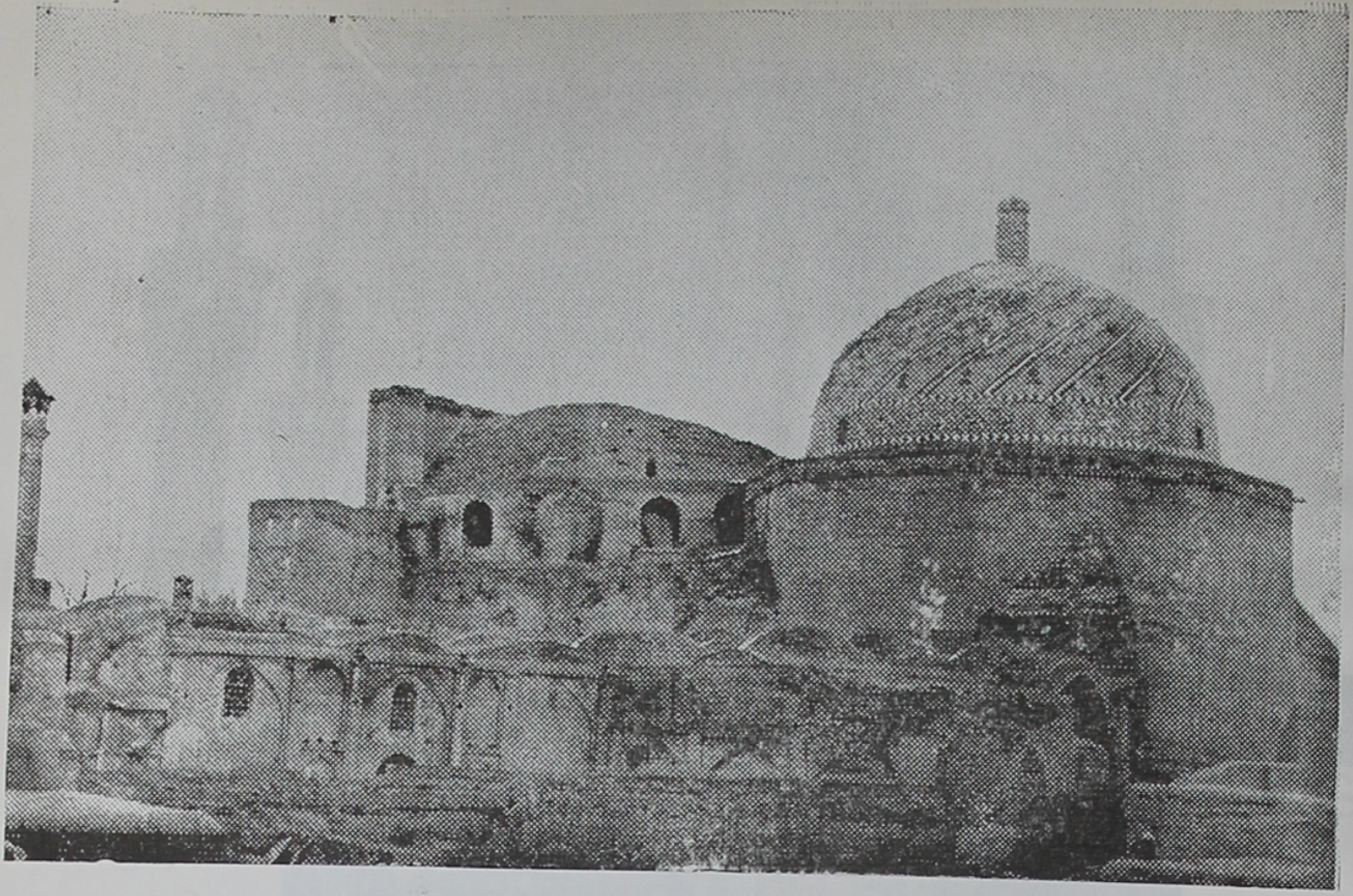
ش۲۵۲ علمدیان همدان



ش ۲۵۳ مسجد ورامین



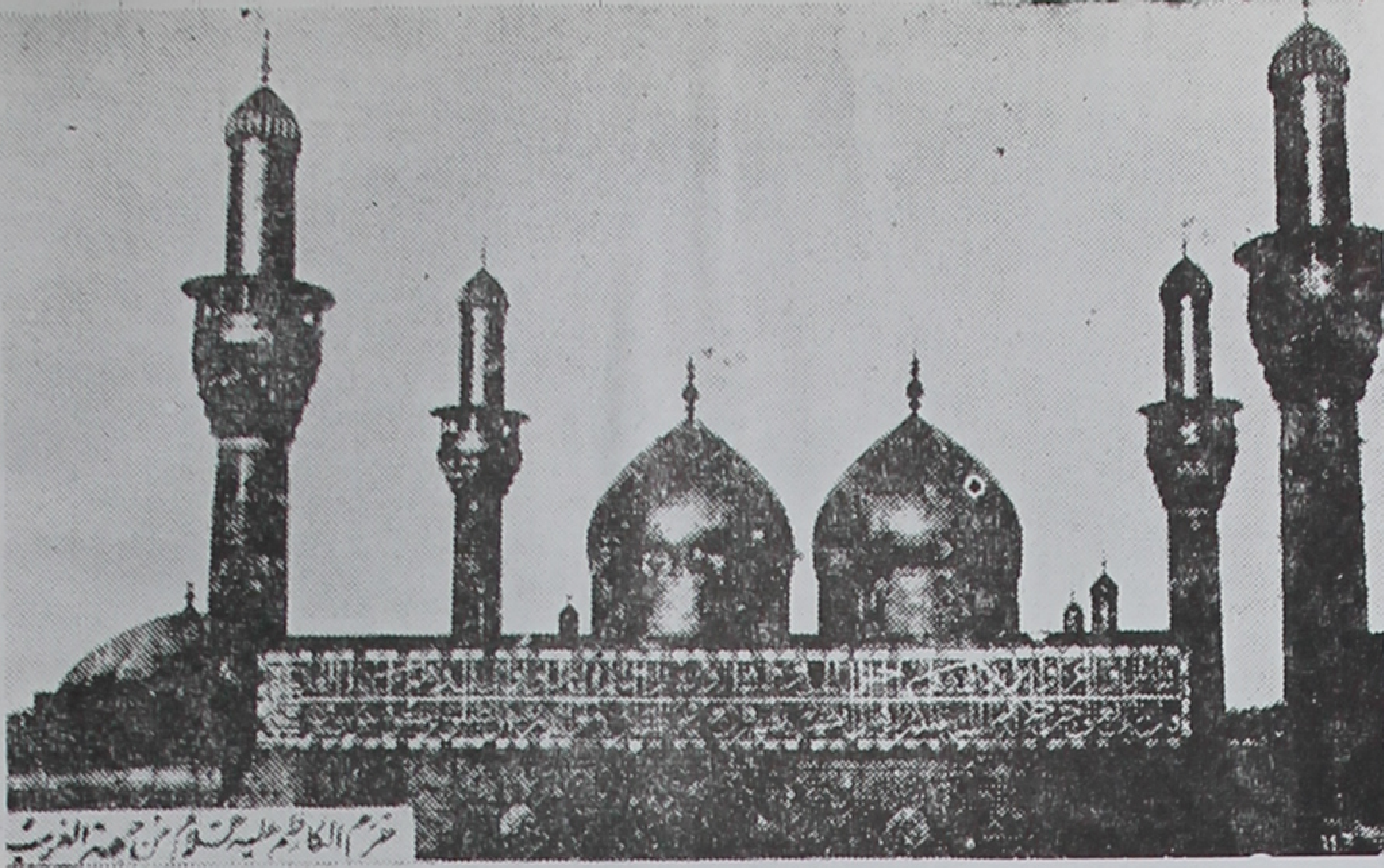
ش ۲۵٤ مسجد پیر علمدار دامغان



ش۲۵۵ مسجد حیدریه قزوین



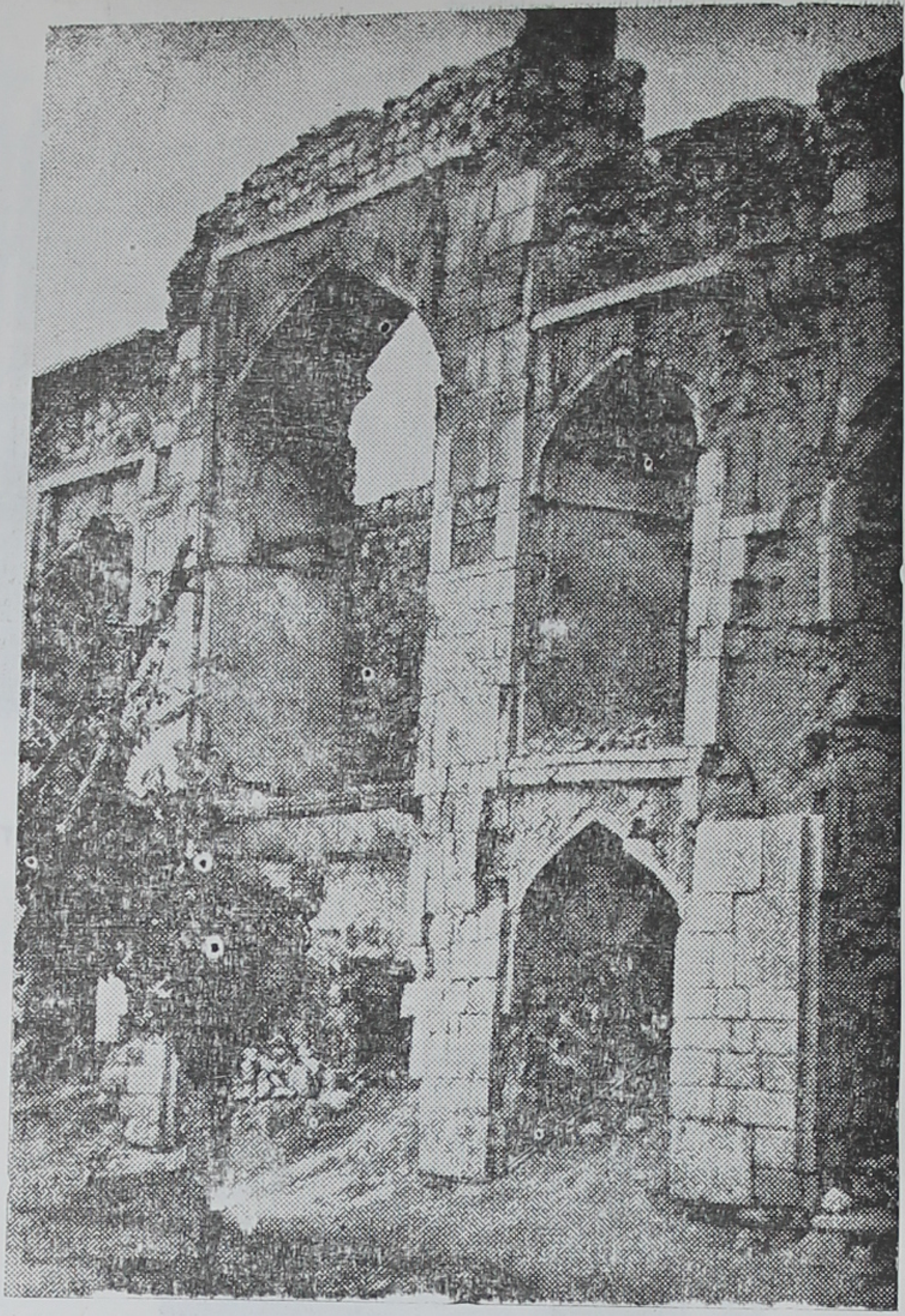
ش۲۵۶ دانشگاه لاهور



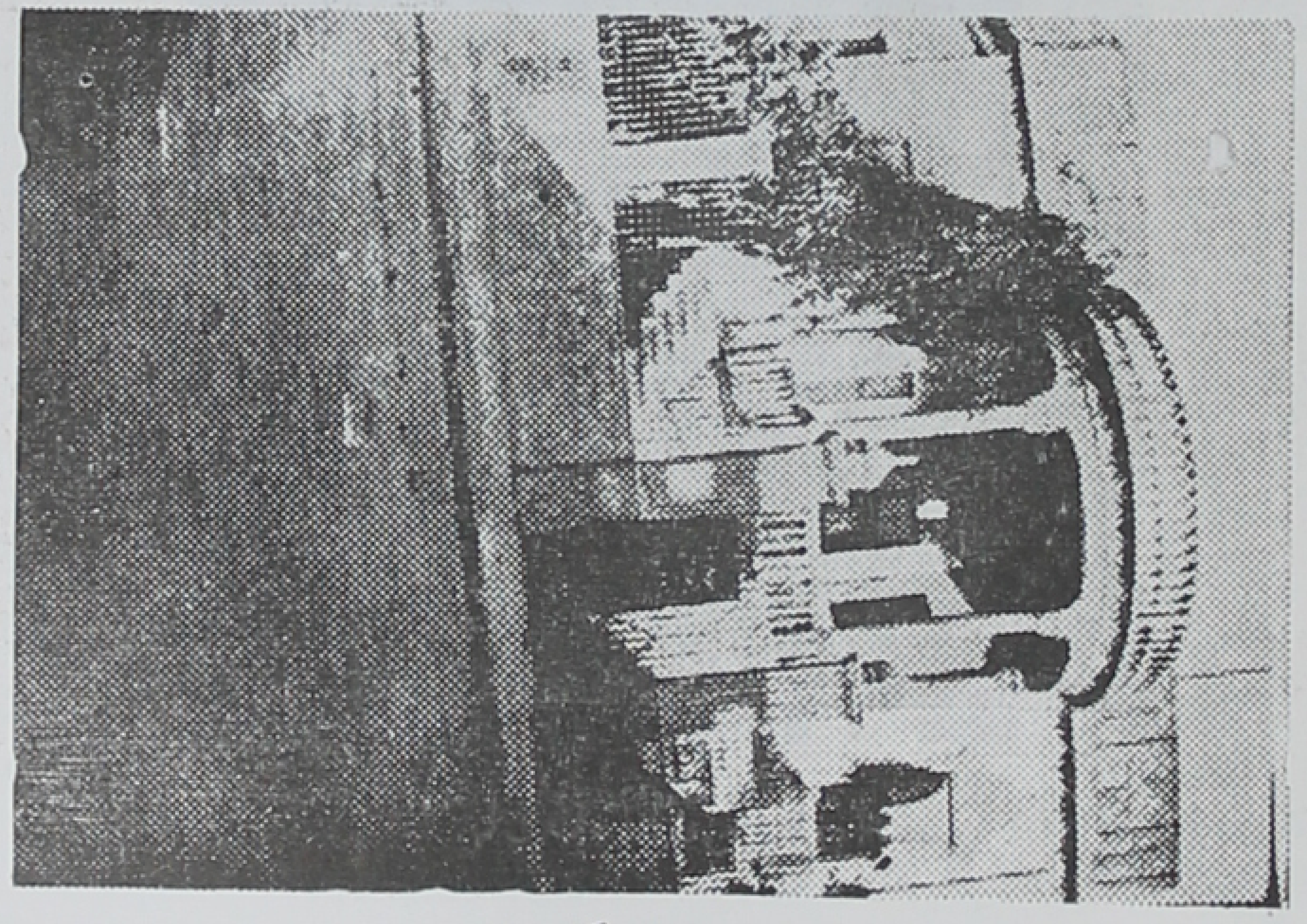
ش۲۵۷ گنبد و منارهٔ کاظمین



ش۲۵۸ مسجد قدمگاه

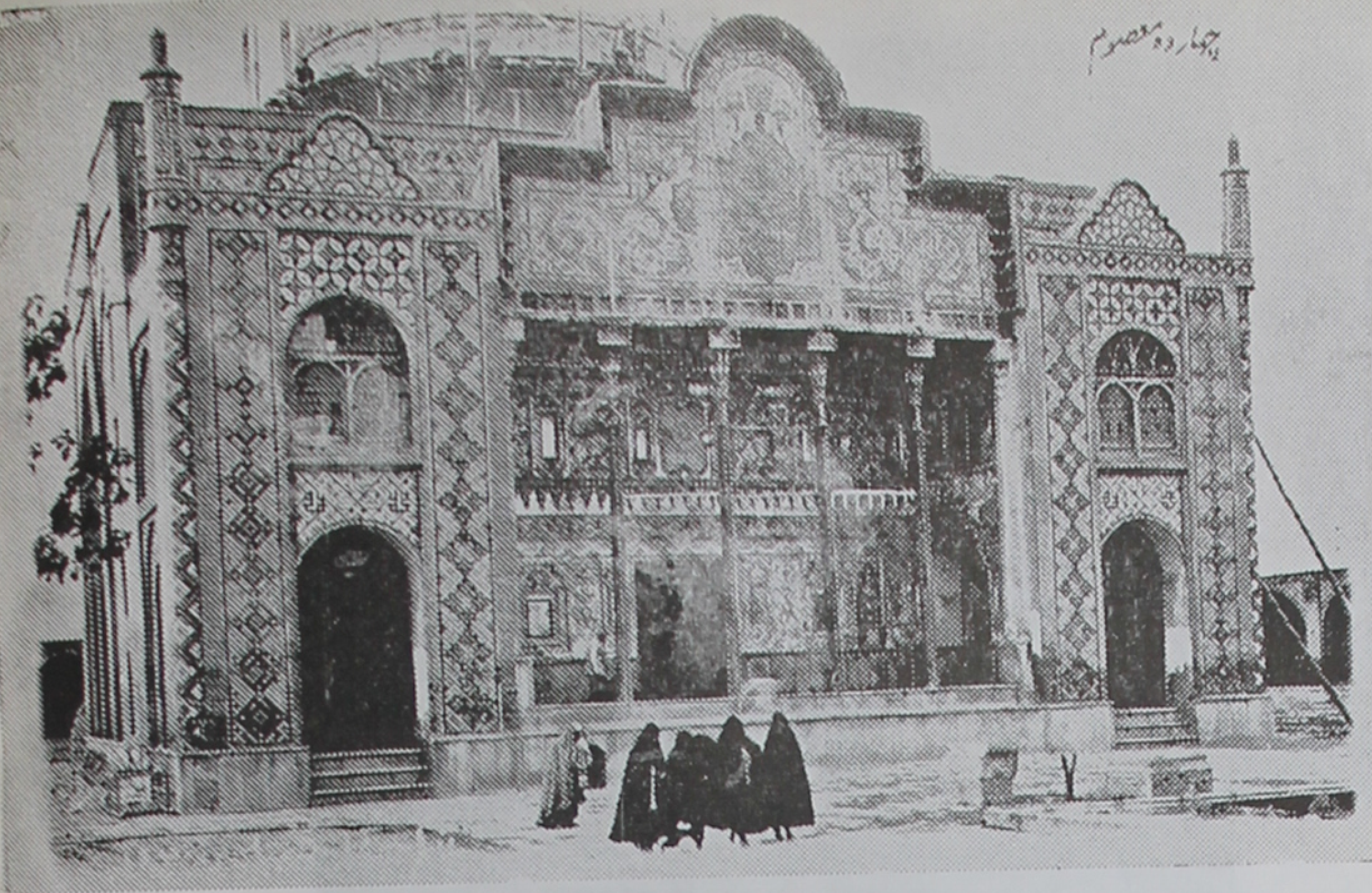


ش۲۵۹



خیابان کربلا

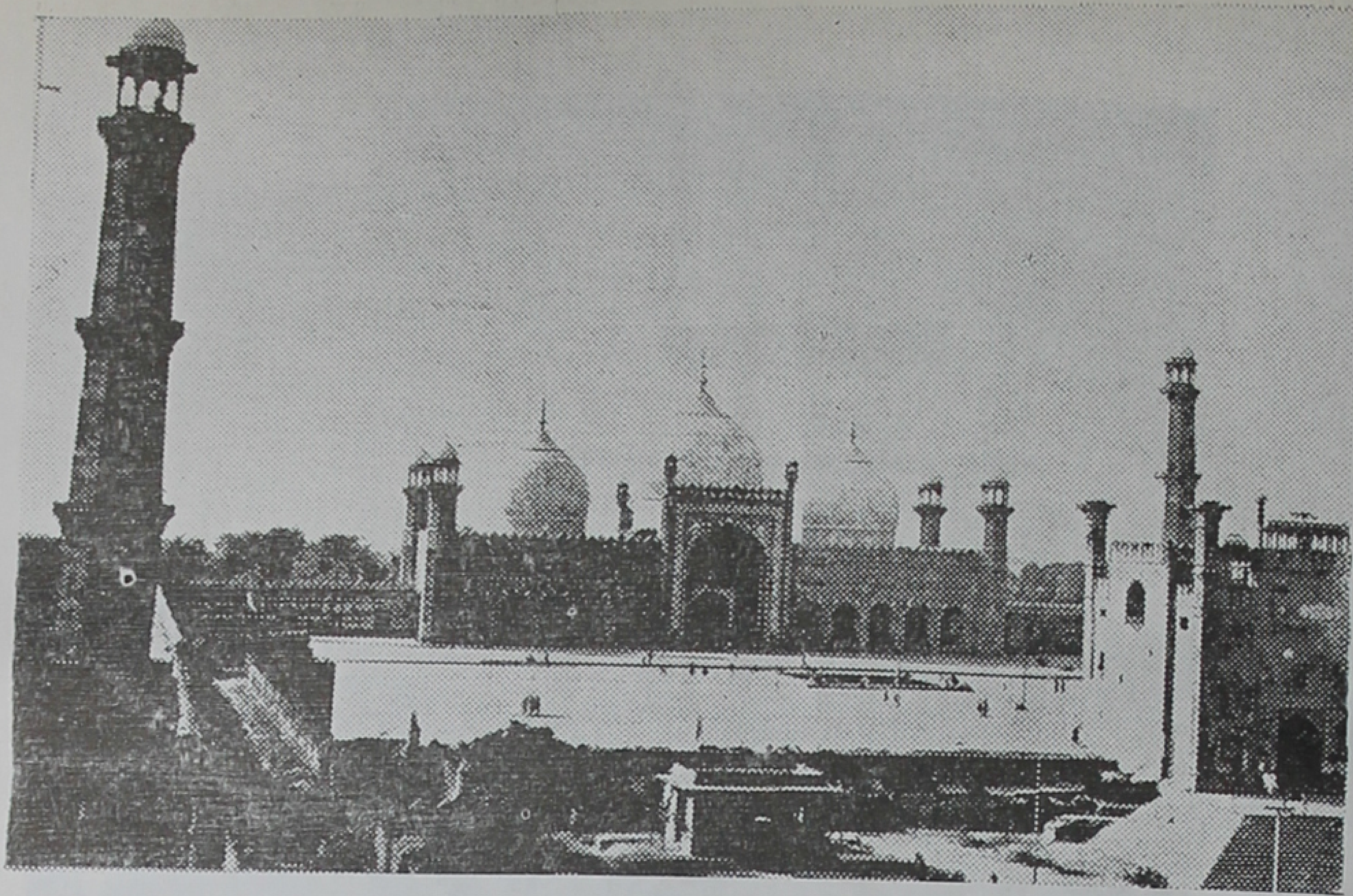
ش۲۶۰



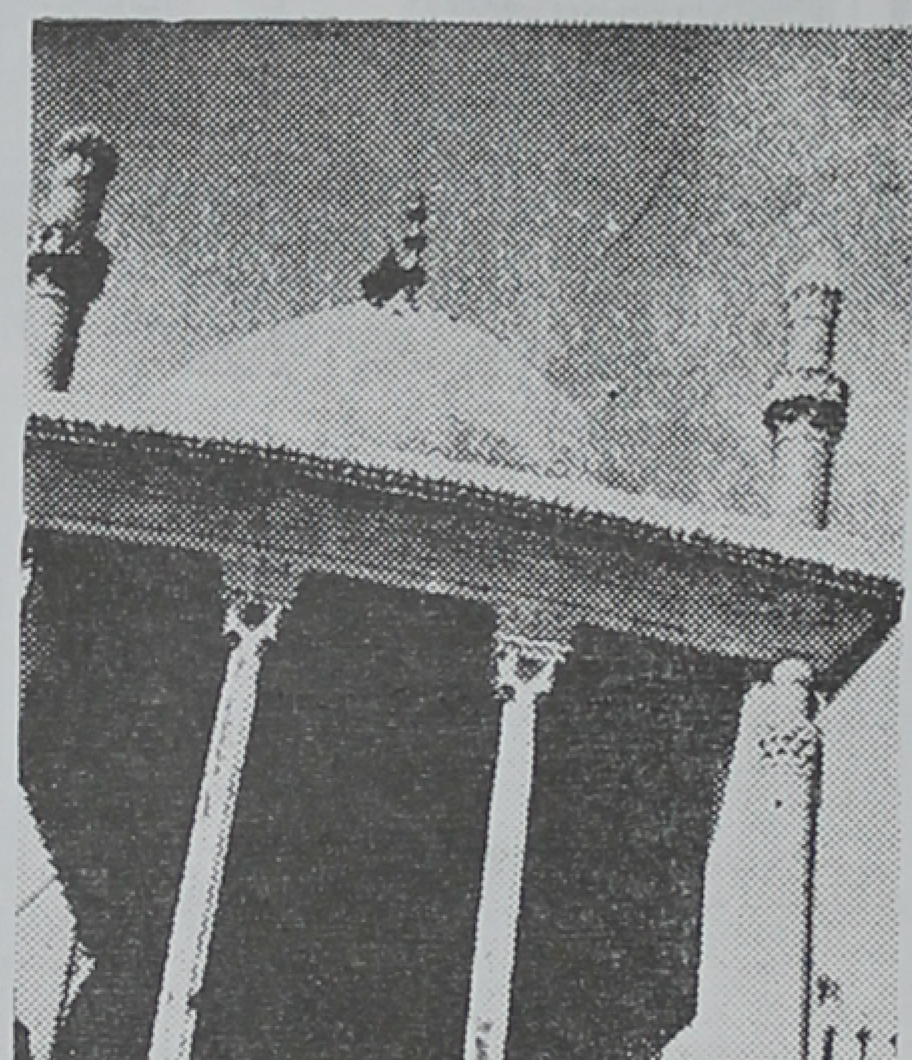
ش۲۶۱ قم قبه وبارگاه وایوان آئینه مجلل حضرت معصومه قم



ش۲۶۲ بارگاه حضرت ابوالفضل

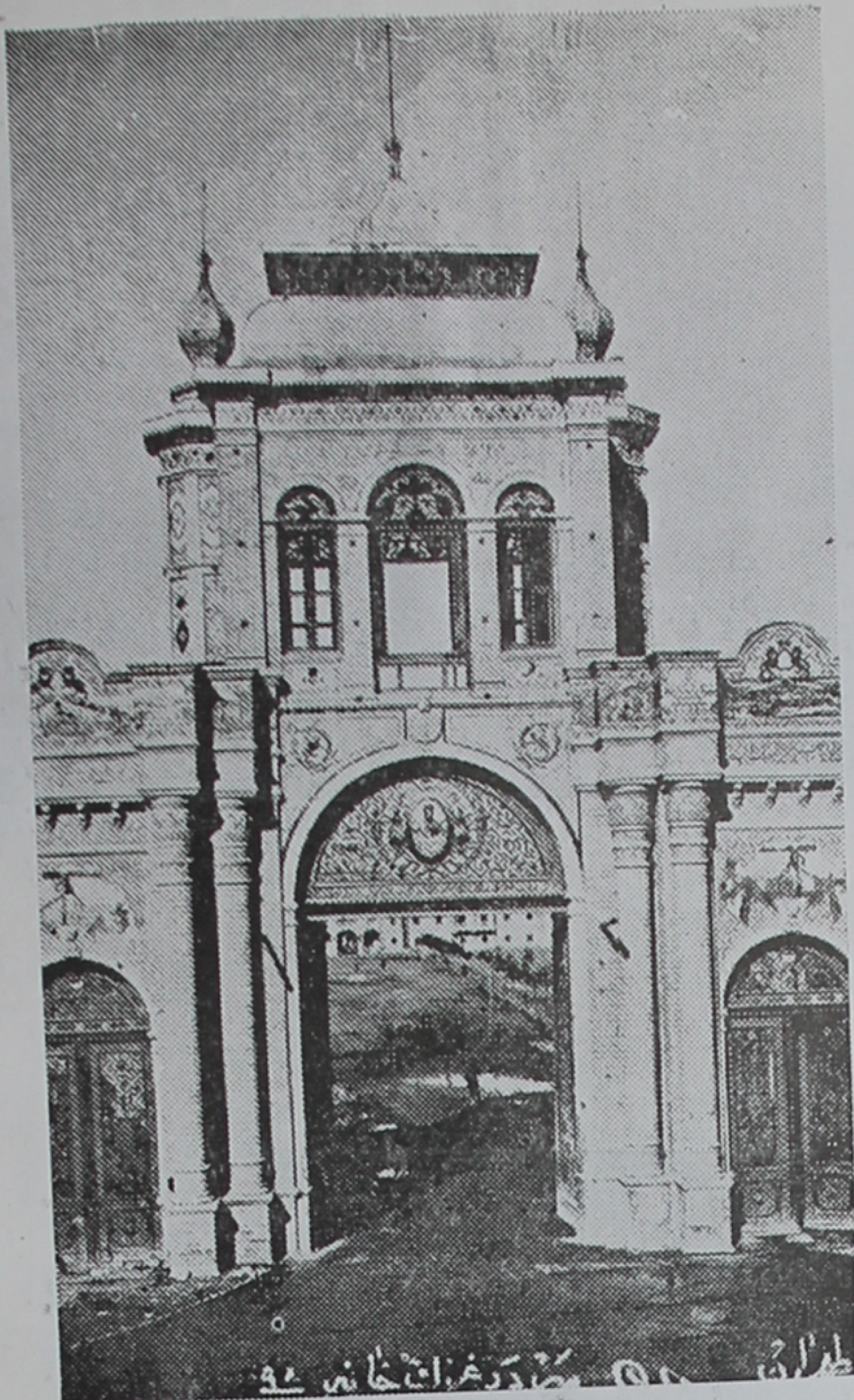


ش٢٦٣



حرب

ش٢٦٤



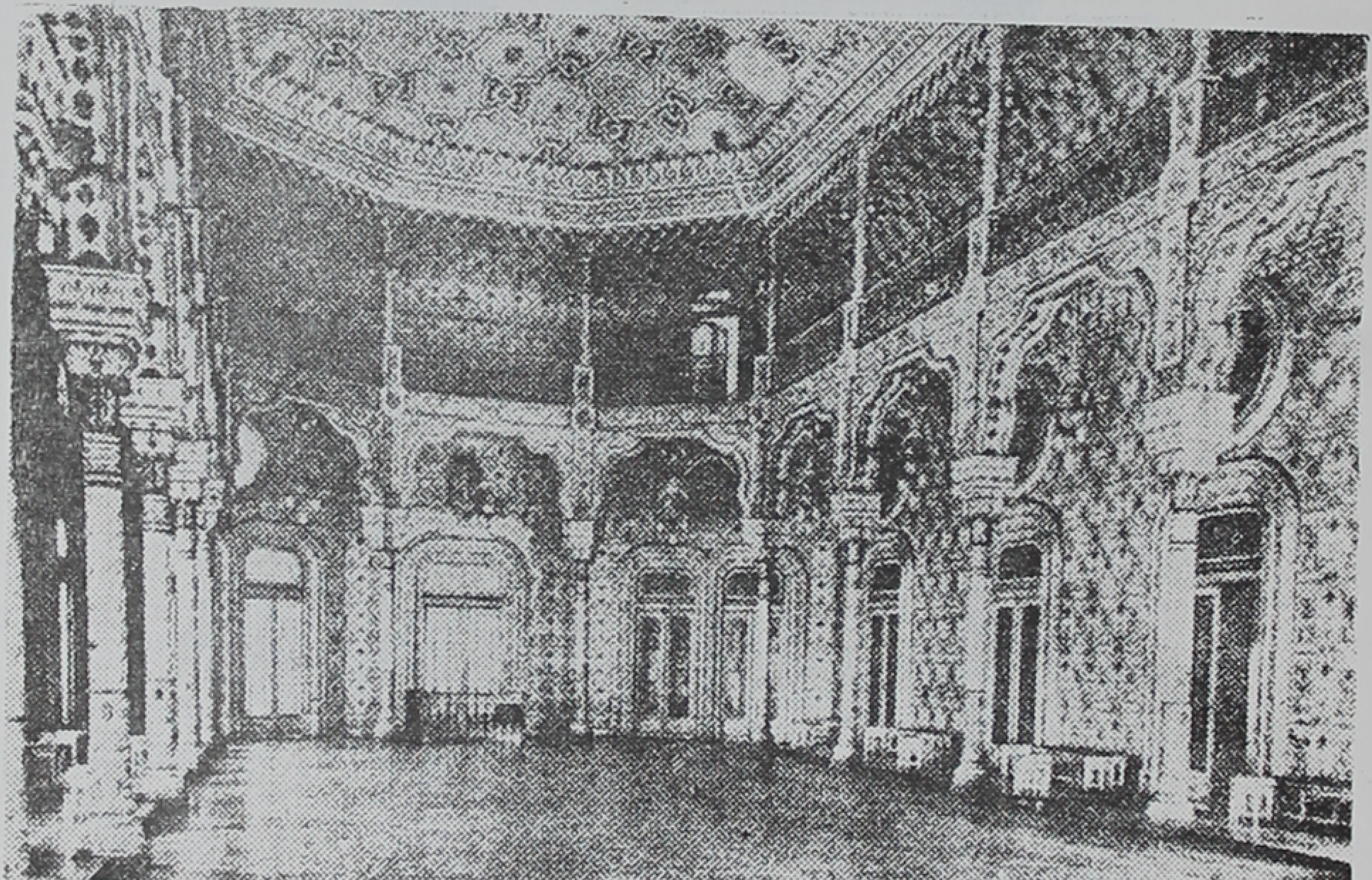
ش۲۶۵ سردر میدان مشق تهران



ش۲۶۶ خیمه گاه



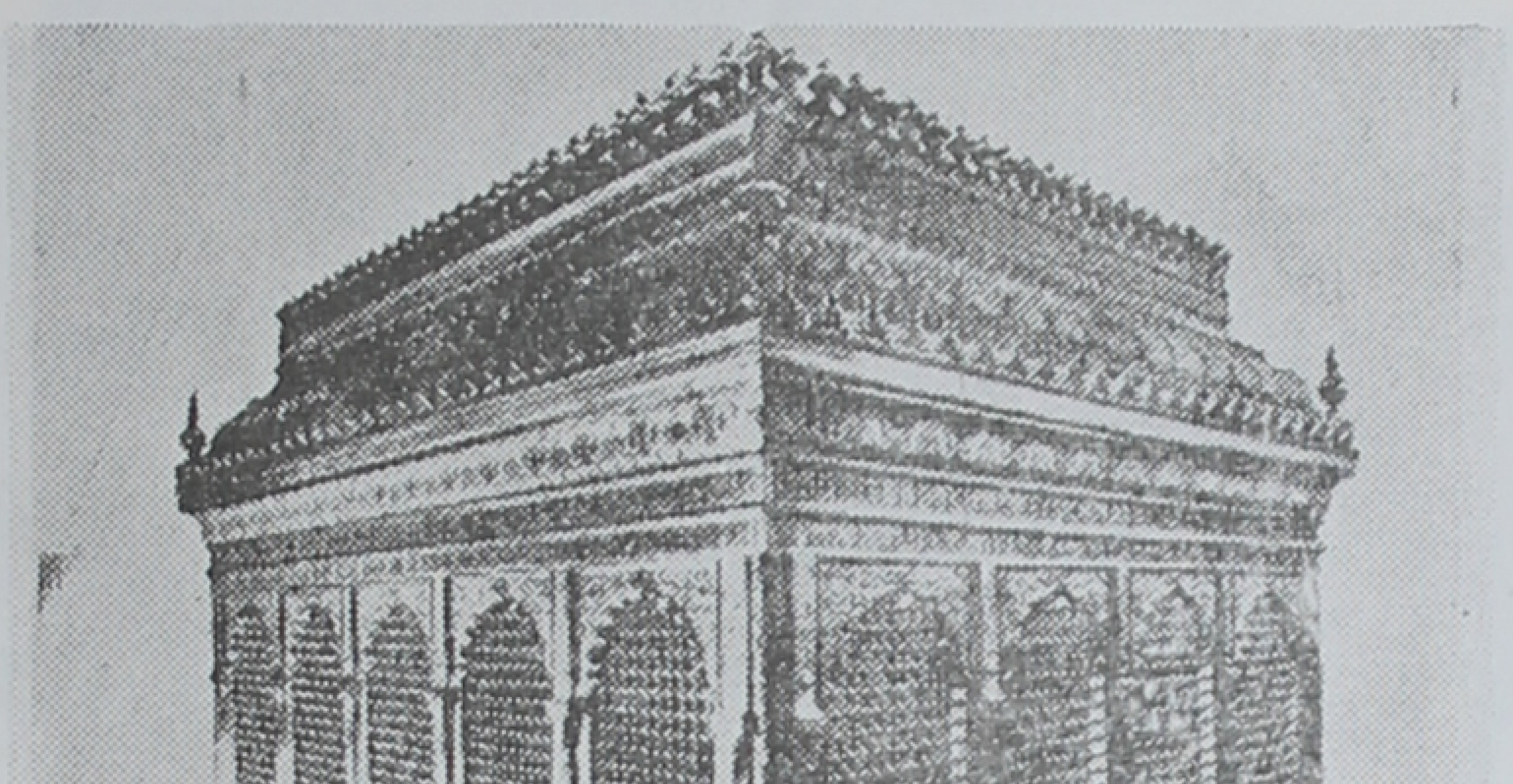
ش۲۶۷ لاهیجان



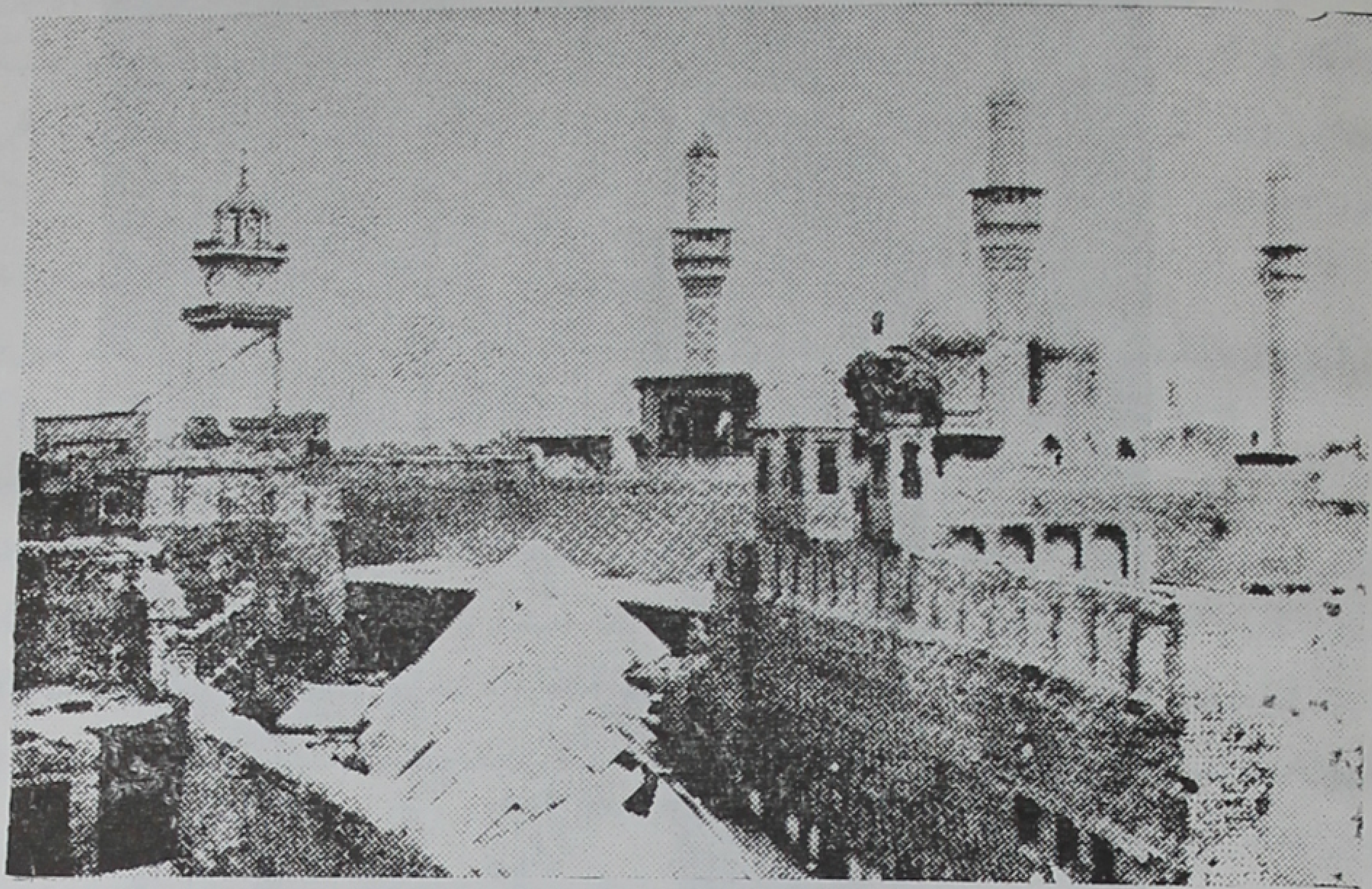
ش۲۶۸ مسجدجنوب اسپانیا



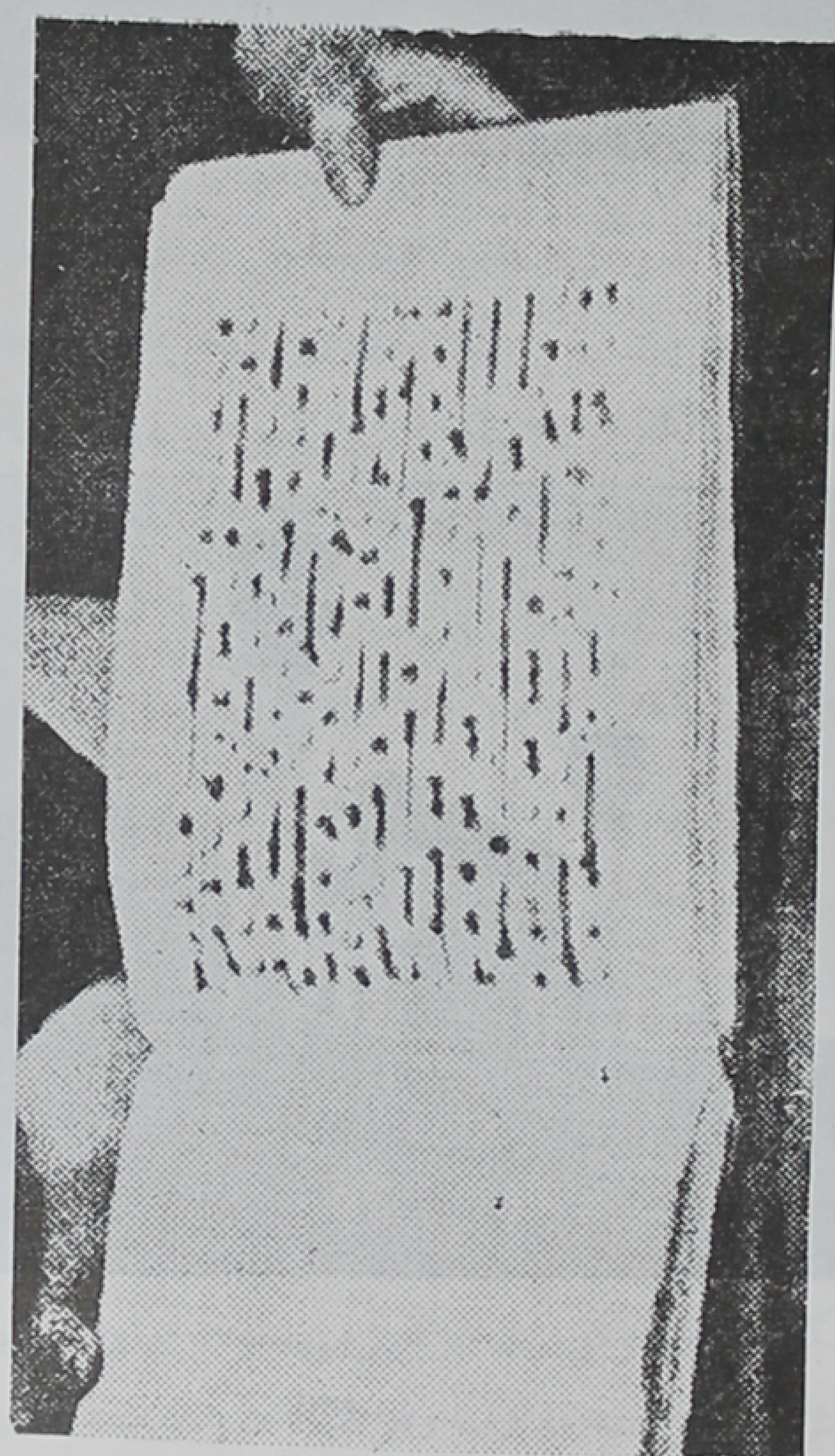
ش۲۶۹ مسجدو مدرسه کرج



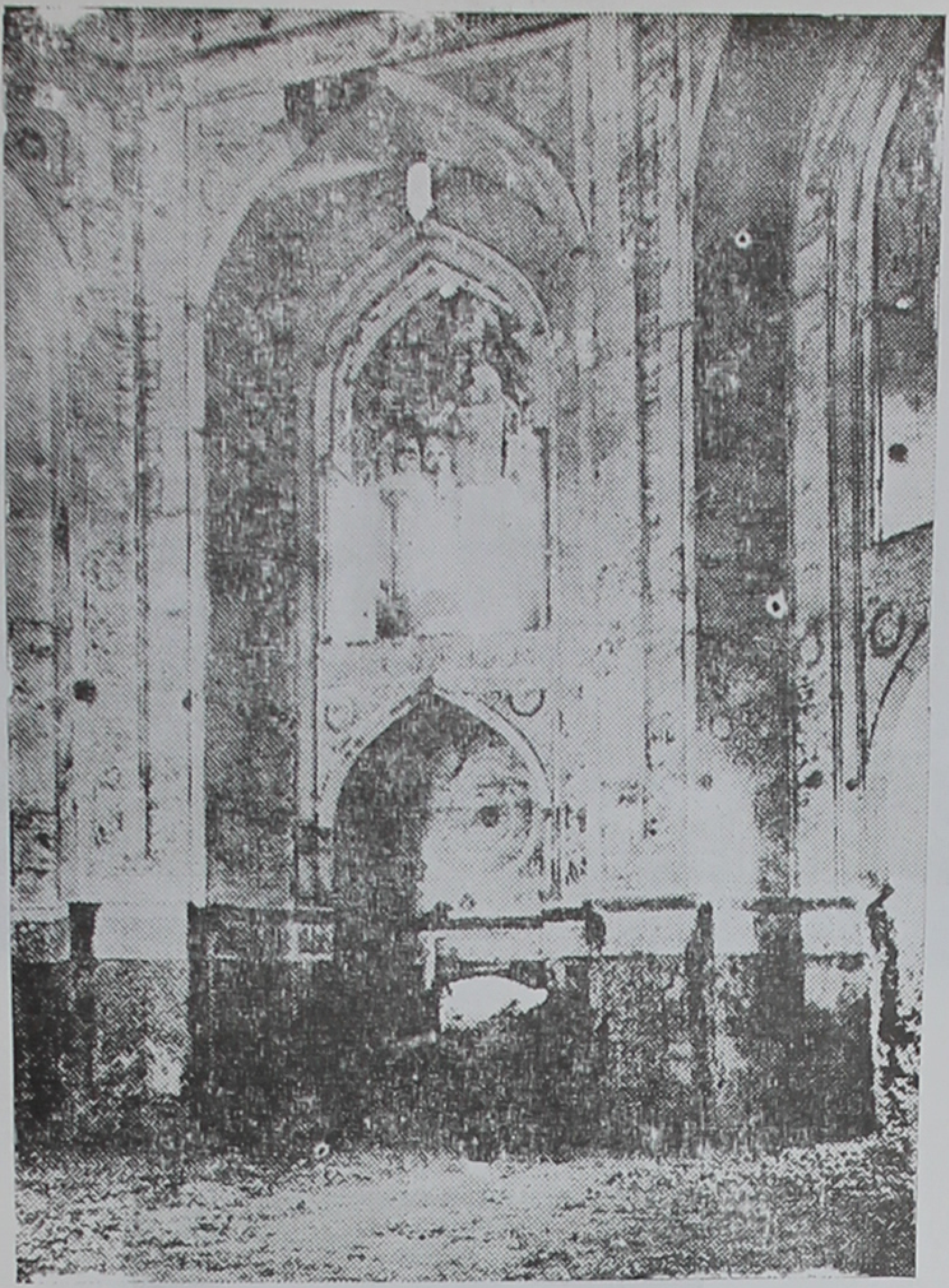
ش۲۷۰ ضریح نجف



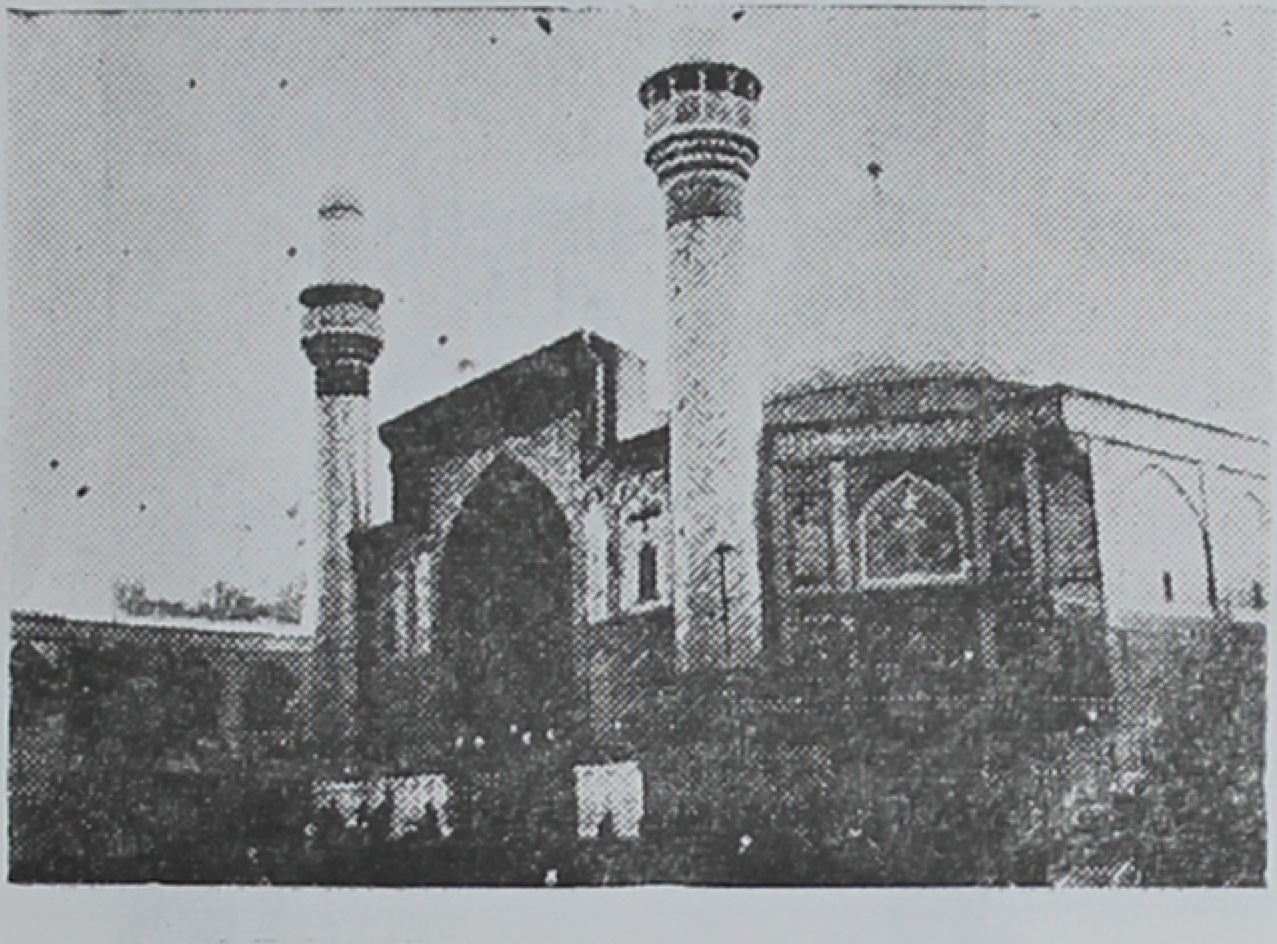
ش۲۷۱ کاظمین



ش۲۷۲ ۱ ـ یك صفحه ازقرآن بخط حضرت امیرالمؤمنین



ش۲۷۳ سلطانیه



ش۲۷٤ نجف

ام‌القری چنانچه در کتاب فاطمه زهراص نوشته‌ام **ام** بمعنی مادراست ومکه اولین سرزمین است که در کره‌ارض کشیده شدوخانه خدا در آنجا بناشد وین ام‌القری محور عالم مسکونی بشر است برروی کره‌زمین که‌ازهرطرف‌باشد برابن محور که قبله است باید توجه کنند وقرآن‌دراین محور همه‌بشر راهدایت خواهد فرمود.

دیروزمسلمین یانشوو ارتقای اسلام

در تاریخ بشر شرح نشو و ارتقای اسلام از تمام اخبار جهان شگفت‌آمیزتراست زیرا دولتهای بزرك وملتهای کهن‌سال باطول قرن‌ها آمده وتمدن خودرا برقرار کرده ورفته‌اند واکثرآنها در مدنیت ورقاء غالب آنها دارای یك آثارعلمی وصنعتی وارتباط ارکان اجتماعی بوده‌اند که توانسته‌اند جهانگیری نمایند ودنیای راقی ومتمدن چیره گردند امااسلام درملتی ظهور کرد که ارکان وجودش بهم‌ریخته وازهرجهت ناتوان بود و درجهان بشریت هم‌ازجهت حیثیت اجتماعی رتبه ومنزلتی‌پست وناچیزداشت آفتاب اسلام در میان چنین‌ملتی پرتوافکن شد و باظهورخود کمتر ازیکقرن برنیمی‌از کره زمین غالب گردید وصیت‌وشهرتش دراقطارعالم انتشاریافت وطنین‌انداز گردید.

کشورهای پهناوری را گرفته وسلطنتهای‌بزرگی رامتلاشی کرد وقاره‌ها راقطعه قطعه‌نموده‌پیمود وآئینهای قدیمی را که قرنها وسالیان درازی دوام داشت زیر وزبر ساخت و سلاطین جهانگیر و خراجگیررا درزیرفرمان آورد وروحیه ملل وطوایف رامطیع اراده خود نمود ـ بطوری که انصاف دهیم هرچه در پیشرفت اسلام وبرتری‌آن بیشترکاوش کنیم وزیادتر تحقیق وجستجو نمائیم برحیرت و شگفتی ماافزون‌تر میگردد چنانکه دیدیم پهلوان نصرانیت قسطنطین بودوبودائی را «اسوکا» رواج‌داد وهردو قهرمانی توانا وقاهربودند وآئین خودرا باتمام قدرت وشجاعت باجرا گذاشته ولی اسلام آئین خود را بااعلام کلمه «قولوالااله‌الاالله‌تفلحوا» درمیان یك ملت بیابان‌گرد وطوایف خانه‌بدوش ظاهرساخت وچون سیل‌مهیبی که ازرگبارهای کوهستانی با قهروغلبه جاری گردد همه صحنه نیم کره زمین را زیر سایه دعوت خود گرفت و شگفت‌آورتر ازنظرمورخ محقق این است که مشگلترین و دشوارترین مسائل اجتماعی جهانگیری وجهانداری‌برای مسلمین چنان سهل وآسان مینمود که‌همه‌جا باپیروزی وفتح وظفرهمدوش بود و بسرعت ازبیرا س تا هیمالیا واز اواسط آسیا تااواسط افریقا را زیرپرچم خود گرفت.

آنچه که اسباب تعجب وشگفتی است آن نیروی معنوی ایمان است که پیشوای اسلام در مردم مسلمان ایجادکرد ونیروئی بودیعت درمیان آنهاباقی گذاشت چون باد وبرق مردم رانشووارتقاداد وبایك جوش وخروش عرب رابرتمام ملل‌حکومت داد وبت‌پرستی ومذاهب زنده دنیای عصررادرزیر پرورش مخصوص خودگرفت ـ وحالات روحی وعقلی‌آنانرا منقلب نمود یك حرکت عمیق فکری برای‌مردم جهان بوجودآورد وحس‌حکومترا دربشربیدار کرد.

روزی که اسلام پرتوافکن شد دنیای آشفته ودرهم وبرهمی بود که نیازبیك مصلح بزرگی‌داشت ولذا مردم ناراضی درمقابل‌طوفان اسلام همه سرتعظیم فرودمی‌آوردند وعرب مسلمان‌هم‌با دستورقائد خود بامردم خوب رفتارمیکرد وازخونریزی پرهیزمی‌نمود چپاول وویرانی نمیکرد ـ ملتی‌پاك‌سرشت نیکخو ـ شیفته دانش وبینش ـ فریفته معارف وفرهنك ـ شایسته نعمت وسروری نوع‌دوست ومهربان

بود - خوشرفتاری - زودمانوس - آمیزش‌اخلاقی - معاشرت اجتماعی - نداشتن توقع - قطع نظراز ثروت ومکنت - زن وتجمل - رهبری بکمال انسانیت - تعمیم عدالت وامنیت - علو ومعرفت سبب پیشرفت اسلام ونشو وارتقای آن درجهان وقبول آن ازطرف مردم رنجدیده ومصیبت کشیده و فقیر وبی‌نوا گردید .

اسلام آن دین روشن وصریح وآشکار عقل مردم راقید وبند ننهاد برخردآنها پرده نمیکشید عرب رادرحالتی که مهیای نهضت و کوشش بودبمنتهی‌درجه بزرگواری‌رسانید وآتش غیرتش راشعله‌ور ساخت وبانواع دانش وبینش وعلم وفرهنك ترقی‌وتکامل داد عربی که بیابان گرد - مستمندوبی‌بضاعت بود روحاً وجسماً درفقرمادی وفقد معنوی میگذرانید یکباره‌ازدنیا ودین‌کامیاب‌شد وبانواع نازونعمت رسید وبااینهمه‌نعمت غروروتکبر آنهارا نفریفت‌و کوشش خودرا درتوسعه ونشرعلوم‌ومعارف‌بکاربردند و آراء وآداب تمدنهای قدیم را تکمیل وتهذیب‌نموده‌رواج داد وهرچیز خوب را ازهر کجا بودبدست آورده‌ورونق داد وبصورت پرورده اسلامی‌بجهان برایگان اهدا کرد و بهمین جهات بود که پرورش اسلام برای غرب ومسلمین سبب درخشش عقول‌آنهاشد وبدان افتخار ومباهات‌کردند و کلمه اسلام چون‌گوهرتابناکی برتارك حکومت آنها پرتوافکنی می‌نمود وتمدن عمیق وپرثمر مفید آنها کامهای جهانیان وملتهای‌مختلف راشیرین کرد وآزادی وسیادت بخشید . وبمسلمین بشرحی‌که در پیشوای اسلام نوشته‌ام دستورداد درجنگها برافت ومهربانی‌عمل کنند هیچوقت دست تعدی واجحاف وتجاوز و چشم خیانت بکسی ندوزند .

پیغمبرخاتم‌النبیین ص دفاع کرد نه‌جنك

یکی ازنکاتی که درتاریخ بصورت عکس مفهوم بیان شده موضوع غزوات وجنگهای پیغمبراسلام است که برخی ازنصاری‌مخصوصا گمان کرده‌اند پیغمبر اسلام در سایه جنك پیش رفت کرد در حالی که درمیان غزوات وسرایای اسلام که بالغ‌بر ۸۴ جنك‌بود هیچ‌وقت خاتم‌النبیین ابتدا بساکن‌وبی‌خبربکسی حمله نکرد ودعوت اسلام روی مبانی علم وفضیلت وعقل‌وخردبوده است وهر کجا باوحمله میکردند اودفاع میکرد . **وبرای اصلاح دین وبرقراری تمدن واقامه قوانین‌عدل‌وداد ورفع ظلم وعادات متوحشانه ظالمانه وبیرحمانه زمان جاهلیت قیام مینمود - ودعوتش راباسلاح حکمت و موعظت وپند واندرز و نصیحت شروع کردچنانچه درسوره نحل تصریح شده است وجهادش برای دفاع بود نه‌حملات فتح وظفر - مثلا درجنك بدرکه مشرکین آنهارا سخت درمضیقه وفشارقراردادند.** و رنج داده‌واذیت مینمودندآنهارا تهدیدبتعرض مال‌التجاره کرد تاتنبیه شوند ومتعرض مسلمین نگردند معذلك قافله آنها بمسلمین حمله‌کردند مسلمین هم بدفاع برخواسته وباتحولی که درجنك رخ داد فتح و ظفرنهائی نصیب مسلمین شد .

درجنك احد قریش حمله بمدینه آوردند که ناچارمسلمین بدفاع برخواستند

درجنك احزاب احزاب قریش وقبایل نجدوغطفان بابیست هزارنفر حمله کردند که مسلمین ناچاربدفاع برخواستند .

درجنك بنی قریظه

نقض عهد کردند و برخانه‌های مدینه بغارت حمله بردند که پیغمبر فرمود بدفاع آنهارا محاصره کنید واگر خواستند جلاء وطن کنند مساهله کنید وهمین نظر درجنك قینقاع وبنی النضیر اعمال شد که مهیای جنك شدند مسلمین پیش‌دستی نمودند - درجنك خیبر

درجنك بنی المصطلق

چون یهود درجنك بنی نضیر جلاء وطن کردند یهودیان خیبر را برانگیختند تا بمسلمین حمله کنند و لذا پیغمبر مسلمین را بپیشدستی فرمان داد و فتح وظفر نصیب آنها شد .

درجنك موته

لشگریان روم وعرب بدشمنی برخواستند که قشونی انبوه حمله کنند پیغمبر ص مسلمین راپیشدستی ودفاع دامور فرموده وبصلح خاتمه یافت ومسلك پیغمبر درجنگها بدواً دعوت بتوحید وبسط عدل بود ، وتامیشد بصلح ومعاهده وپیمان عدم تعرض خاتمه میداد مگر ناچار بجنك میشد امر بجهاد ودفاع میداد وهیچوقت آغاز بحمله نمیکرد مگر پاسخ حملهٔ دشمن رابدهد ،

امیرالمومنین ع وامام حسن درجنگهای جمل وصفین ونهروان ومدائن هیچوقت مبادرت بآغاز حمله نکردند مگر بدفاع برخواستند .

ممالك اسلامی درقرن اول

پس ازطلوع اسلام درظرف ۲۳ سال تا ۱۱ هجری مکه ومدینه و سرتاسر حجاز درسلطه اعراب درآمد ومسلمین درحدود پنج - ملیون بودند که پیشوای آنها ازجهان رحلت کرد وتاآخر قرن اول که اواخردوره بنی‌امیه است وآل مروان حکومت داشتند فتوحات بسیاری که مهمترازهمه آنها فتح دو کشور خراجگیرجهان قدیم ساسانیان «اکاسره» رومیان «قیاصره» بودند که مرکز حکومت چندین قرن آنها بامستعمرات آنها همه بدست مسلمین افتاد - ویورشهای مسلمین در اواخرقرن اول بآسیای صغیر وماوراءالنهر وافغانستان وسعت یافت وحکومت آنها حکومت عربی بود - بعد که بدست ایرانیان افتاد توسعه شگفت‌انگیزی کردند وقرآن باپرچم اسلام طلیعه پیشرفت مسلمین بود ومردم فاقد علم وفضیلت وامنیت وآسایش ومحروم ازتمدن حقیقی مسلمین را ازجان و دل استقبال میکردند وآنها ازراه تعصب جاهلیت خودداری ازقبول دین میکردند وبجزیه دادن یاامهاجرت راضی میشدند چون سلم وصلح اسلام را میدیدند و فضایل عملی مسلمین راباخوی نیکو و پسندیده آنها مشاهده میکردند باقیافه روشن استقبال نموده و برای قبول دین تسلیم مسلمین میشدند .

واکنون وضع ممالك اسلامی را ازطلوع دین تاامروز باجمال بیان میکنیم تاوضع کنونی اسلام را درجهان مشاهده کنیم .

ممالك اسلامی درقرن دوم

خلفای اموی در پیشرفت خود باطراف جزیرة‌العرب مخصوصاً سواحل دریای مدیترانه موفق شدند و مرزهای حکومت اسلامی مرکزسپاهیان مسلمین شد که درسال ۱۱۴ روم شرقی بدست مسلمین افتاد وماوراءالنهر وافغانستان وسند درحکومت مسلمین قرار گرفت .

درشمال افریقاهم روبخشکی پیش‌رفتند واگرچه بین خلفای اموی نفاق وشقاقی رخ دادوخلفای عباسی هم بدستیاری ایرانیان زمام را ازامویان گرفتند ولی در پیشرفت دین اسلام موجبات سرعت بیشتری پدیدگردید ،

امپراطوری اسلام باوج عظمت رسید : درغرب وشرق بنی‌عباسی و بنی‌امیه کاخ تمدن اسلامی را براساس استواری تحکیم نمودند .

چیزیکه دراین سرعت کمك بسزائی کرد دخالت ایرانیان دروزارت عباسیان بود که دایرهٔعلم وفرهنك رابنهایت‌بسط خود رسانده وامپراطوری‌اسلام‌کارش بجائی رسید که هارون‌الرشیدبابرخطاب کرد ببار هر کجا بباری بکشور من باریدهٔ - بآفتاب میگفت بتاب هر کجا بتابی بمملکت اسلام تابیده‌ای وزبان عربی را بینهایت بسط دادند و برتمام شئون اجتماعی و سیاسی و علمی جهان چیره گشتند .

ابوتمام شاعرمعروف دروسعت کشورهای اسلامی‌میگوید:

الصین‌منظوم باندلس الی جدران‌رومیة فملك‌زمار

یعنی حکومت اسلام ازسمت مشرق تاچین وازطرف مغرب تااندلس‌وازشمال تاروم وازجنوب تابلا دیمن وجنوب بحراحمررابهم پیوسته است .

وحقیقت این‌است که این مملکت‌ازنظر اقتصادهم پیوستگی‌کامل داشته‌که موادخام وموادطبیعی ونتایج حاصله استخراج محصولات دینی ودرختی ومنابع معدنی را هرکجاکسربود بجای دیگر که مورد نیازبود میفرستادند و هیچگاه درمضیقه مالی واقتصادی و مواد غذائی و مسکن و ملبوس وغیره نبوده‌اند - زیرا وحدت حکومت مطلقه و امپراطوری باعظمت معنوی اسلام آنهارا بی‌نیاز از این جهات نموده بود ،

ممالك اسلامی دقرن سوم

سپاهیان نیرومند عرب در این قرن بدریاها دست یافتند و از دریای مدیترانه بحدودپروانس وصقلیه و کرت پیش رفتندواگر چه امپراطوری‌عباسی تجزیه شد ولی قدرت مسلمین درپیشرفت وقفه نیافت دولتهای کوچك درهرمنطقه شروع بپیشرفت کردند وایران مستقل شدوبدنبال آن‌ممالك دیگرهم تجزیه یافت ولی ازنظردین وحدت ملی خودرا حفظ کردند .

موضوع مهم‌نهضت علمی مسلمین بود- که ترجمه کتب قبل‌از این قرن سبب تاسیس کتابخانه های عمومی گردید وعلوم یونانیان سریانیان - هندیان - ایرانیان - قبطیان - رومیان همه بعربی ترجمه‌شدوتوسعه یافت.

بیت‌الحکمه - دارالحکمه - دارالترجمه - کتابخانه های بزرك اختصاصی وعمومی درکاخها و مدارس ومساجد وشهرها تشکیل گردید.

علوم ریاضی مثلثات نجوم - هیئت و هندسه - فلسفه - طبعیات و ادبیات معدن شناسی - نبات شناسی - شیمی وچشم پزشکی - جراحی وغیره همه بصورت کتب مدونه درآمد وتنظیم وتدریس و تعلیم وتعمیم یافت،

از همه مهمتر روابط تجارتی بین ملل اسلامی بود که تحکیم‌یافته الفت وارتباط سیاسی وعلمی مشترکی پیدا کردند .

ممالك مسلمین درقرن چهارم

مسلمین دراین قرن بافریقا راه یافتند و در کشور های دیگر وحدیث ولغت پرداختند.
خلفای فاطمی درتونس - وخلفای اموی در اسپانیا تمدنی بزرك تشکیل وفرهنك ولغت اسلامی را توسعه دادند.

درقرن چهارم قدرت سیاسی ولشگری مسلمین غرب وشرق را احاطه کرد ومسیحیان رابعقب راندند ودرافریقا پیشرفت نمودند.

فرهنك معماری را بعظمت و جلال رسانیدند علماء راتعظیم کردند - خلفای فاطمی که شیعه بودند داعیه خودرا درسایه شمشیر حمایت میکردندقرامطه را بیرون کردند.

معارف وفرهنك اسلامی مردانی بزرك چون مسعودیجغرافی دان طبری مورخ متنبی شاعر - فارابیحکیم و فیلسوف - ابوالفرج اصفهانی - ابن ندیمرجالی ابوالوفاء منجم وریاضیدان - ابوالقاسم جراح - علی بن عباس طبیب ، اشعری متکلم وبزرگانی ازفقها مانند سیدرضی - سیدمرتضی . شیخ صدوق بظهور رسیدند ویك نهضت عمیقی در علم ودانش بوجود آوردند و دنیارا بخود متوجه کردند درتمام علوم وفنون بکمال تمدن رسیدند.

ممالك اسلامی درقرن پنجم

جنبش جهانگیری و نهضت علمی مسلمین در این قرن درنهایت قوت و قدرت پیشرفت نمود مسلمین ازدوجانب دنیای اسلام از طرف عشایروقبایل و شورشها و جنبشهای سخت ایجاد کردند وپیشرفت نمودند.

قبیله نقابدار طوارق که درناحیه صحرا سکنی داشتند مسلمان شدند ونام مرابطین را اختیار مراکش رافتح نمود ارتنگه جبل الطارق گذشته مسیحیان اسپانیا راد سال ۴۷۹ درزلاقه شکست دادند امرای کوچکی را که وارث دولت امویان اسپانیا بودند مطیع ساختند سپس بجنوب پیشرفتند امپراطوری سیاهان غانه را سرنگون کردند وافریقای باختری روز افزون بدین اسلام گرویدند

ارطرف دیگر سلاجقه ازسمت جنوب پیشرفت نمودند ودشتهای ترکستان وسراسر ماوراءالنهر وآسیای صغیر مسلمان شدند.

ازجانب دیگر محمود غزنوی بطرف هندوستان پیشرفت وبتشکنی اوآغازشد واسلام درقاره هند نفوذ یافت.

ازناحیه دیگر علماءِ بزرك بظهور رسیدند ابن سینا : غزالی ، ابن یونس منجم ، فردوسی طوسی حکیم عمرخیام و کرخی ریاضیدان وغیره بانهضت علمی پیش میرفتند.

ممالك اسلامی در قرن ششم

دراین قرن تحول داخلی سلاطین اسلامی شروع شد بطوری که موحدین جای مرابطین وایوبیان جای فاطمیان وخوارزمشاهیان جای سلاجقه و غوزیان جای غزنویان را گرفتند و صلیبیون هم بکوشش بیهوده خود ادامه میدادند.

گرجستان رامسیحیون وماوراءالنهر رابت پرستان ازتصرف مسلمین درآوردند که درقرن بعد هردو قسمت مسلمان شدند دراین قرن مسلمین درافریقا پیشرفتی شایان نمودند.

دراین قرن دراسپانیا مسلمین نهضتی بزرك براساس علم وفضیلت بوجود آوردند که تمدن و

فرهنك دنيا را روشن نمود و برنهضت عادی مسلمانان شرق تفوق وبرتری يافت زيرا پيشوای اين نهضت پزشكان و فيلسوفانی مانند ابن‌رشد وابن طفيل وابن زهره بعهده داشتند و مترجمين متعدد مانند ابن‌ميمون وابی‌بن عزرا كه هردو حكمی بودند دست پرورده مسلمين بود وخدماتی شايان بد معارف وفرهنك نمودند وصقليه واسپانيا مظهر تمدن اسلامی مغرب گرديد.

ممالك اسلامی درقرن هفتم

آغاز حمله مغول وويرانی و كشتن وسوختن و آتش زدن ورفتن بود چون مغولان مسلمان شدند دين‌اسلام بافتوحات آنها توسعه يافت وسلسله‌ها برافتادند تاآنها سلطنت مطلقه‌يافتند. مسلمانان در غرناطه، قرطبه بشمال افريقا تسلط داشتند كه صليبيون چشم‌برآنها دوخته وقسطنطنيه راغارت كردند وبمصر تاختند ولی مايوس برگشتند سلاجقه روم سپاهيان روم‌شرقی رااخراج نمودند.

دراين قرن آشوب فراوان‌در كشورهای اسلامی رخ داد وضربه های محكمی برپيكر ممالك خاورميانه مخصوصاً ايران وماوراءالنهر وارد شدكه بايد گفت هنوزهم جبران‌نشده‌است فقطچيزی كه اهميت يافت موضوع پيشرفت علمی مسلمين وتحكيم مبانی مدنيت آنها بودكه بااستعداد كافی مغزی خود درعلوم طبيعی وبيطاری وطب و گياه شناسی ورياضيات وفيزيك وشيمی وتاريخ و جغرافی عرفان ، ادبيات باوج كمال رسيدند،

ممالك اسلامی درقرن هشتم

مغول در قرن هشتم بممالك خاور و مناطق مسلمين حمله كرد و چون درحمله خود هدف نداشت جز ويرانی و كشتار نتيجه نگرفت بعد هم در قرن هفتم آنها همه مسلمان شدند وتاحدی جبران آن وجبران آن ويرانی و انهدام را نمودند مغولان و وايلخانان ايرانی بروسيه تاختند وآنجارا متصرف شدند واسلام‌را درروسيه بسط دادند وتركستان مسلمان‌شد وباآنكه چندبار مظاهر اسلاميت رامتروك گذاشت بازباسلام برگشت.

ماوراءالنهر رسماً مسلمان‌شد تحولات سياسی اسلام جزپيشرفت سريع چيزی‌نداشت.

ابوالفدا مورخ معروف و نويری دانشمندان عصر و العمری جغرافيا نويس مينويسد از فنون مختلف علمی مسلمانان اوج گرفتند و رياضيات ، طب بكمال ترقی رسيد و مسلمين بتمدن جهان خدمات شايانی نمودند.

ممالك اسلامی‌در قرن نهم‌هجری

غلبه اميرتيمور كوركانی پس‌ازحملات چنگيز وخانان مغولی بار ديگر ضربه بسيار سختی بر كشورهای اسلامی زدوهمچنين ادامه داشت تاظهور صفويه كه آنها تاحدی تدارك و جبران كردند و ويرانی‌های تيموری راوتعميرواصلاح نمودند اميرتيمورامپراطوری عثمانی را دراسيای صغيرمنكوب نمود وقسطنطنيه رادرسال ۸۵۷ گرفت و دراروپا نيزمتصرفاتی بدست آورد كه اورا بزرگترين مهاجيم جهان ميخوانند اين قرن تركان وتركمانان ـ مغولان ـ تيموريان برخاور وقسمتی ازباختر غلبه وتسلط داشتند.

ازبكان برای صفويه پس‌از تيموريان زحمتی فراهم كردند ولی شاه‌عباس آنهارا تار ومار كرد از نكات برجسته اين قرن ظهور سلطنت رسمی تشيع در ايران بزرك است كه بدست صفويه تجديد شد.

درنقاط دیگرجهان حوادث مهمی رخ نداد غرناطه درسال۸۹۷ بدست مسیحیان افتاد وسلطنت درخشان مسلمین درآن ناحیه درهم پیچید.

مصرزیرفرمان‌ممالیك اداره میشداسپانیا وپرتقال‌درسواحل مراکش درپایگاههامستقر گردید بالکان نصیب عثمانیان شد وبجای تیموریان حکومت آنرادست گرفتند.

ممالك اسلامی درقرن دهم هجری

درقرن‌دهم اروپا مسخرعقاید وافکار وعلوم وفنون اسلامی گردید وبقول یکی از مستشرقین «هاری‌هازارد» میان تمام مسلمانان مردی که اروپائی را بیش‌از همه تحت‌تاثیر خویش قراردادسلطان سلیمان قانونی دهمین پادشاه عثمانی است پدرش سلیم‌خان اول ممالیك را متلاشی و نابود ساخت ومصر وعربستان باختری را بامپراطوری عثمانی ضمیمه کرد.

وخودش روس ـ مجارستان را دراروپا وعراق وشمال باختری ایرانـرا درآسیا مسخر نموده برالجزایر وتونس وطرابلس‌وسربانیك‌درافریقا حکومت یافت ـ پسرش‌سلیم‌خان دوم قبرس‌بفتوحات خود اضافه کرد امپراطوری عثمانی دراین قرن درقدرت وشهرت باخرین نقطه قوس صعودنائل گردید وملل مسیحی را بوحشت انداخت‌درعین‌حال روسیه هم رقیب امپراطوری عثمانی شد صفویه هم‌قدرتی یافتند وعالم تشیع‌رابجهانیان معرفی کردند ـ ثروت وقدرت وعلم وهنروصنعت دست مسلمین بنهایت رسید وحوزه اسلامی آبروئی یافت ودرهندوستان اسلام توسعه وپیشرفت نمود درروسیه هم‌روزافزون مسلمین افزونی‌یافتند.

ممالك اسلامی درقرن یازدهم

عصر آرامش مردم مسلمان درممالك اسلامیرا باید قرن یازدهم دانست زیرا ترکهای عثمانی وبقول اروپائیان ترك وحشتناك‌در نظرداشت اروپارامتصرف گردولذا بممالك‌آسیائی‌خیلی‌مزاحمت نمیکرد ولذالهستان راگرفت وین رامحاصره نمود. مجارستان و پوزولیا را مطیع ساخت ـ اماروسیه بآنهاچشم طمع دوخت وافریقاهم کم کم ازاطاعت عثمانی‌خارج شد ـ وقسمتی‌هم باصفویه برسرایران مصاف دادند تاصلح کردند.

ممالك دوردست آسایش داشتند وکمترضرردیدند مراکش ـ صحرا ـ افریقای مرکزی حبشه الجزایر ـ هرموز ـ سقوطره ـ عمان وسواحل‌خاوری افریقاهم درآسایش بودند وبسیاری ازقبایل‌خاور مغولها وازبکها وعشایر وطوایف قزاق‌وقرغیز وغیره باسلام گرویدند.

درقرن یازدهم اسلام‌بدون هیچ تبلیغ خودبخود مانندآب جای خودرا بازکرد وقوانین طبیعی او که باعقل وبرهان وآسایش ورفاه انطباق داشت‌مورد قبول بسیاری ازمردم دوردست ازتمدن‌درآسیا وافریقا قرارگرفت.

ممالك اسلامی درقرن دوازدهم

ممالك اسلامی درقرن دوازدهم باممالك مسیحی همسایه بودندو ارتباط ازنزدیك پیدا کردند وتقریباً دراین قرن آرامشی بود ـ عثمانی‌هاقدرتی داشته وتاتارهاازروسیه بیرون‌رانده شدندعثمانیها آنچه ازبالکان ازدست داده بودند پس‌گرفتند. مصررا ناپلئون فتح کرد ولی‌جداً تحت‌تاثیر تمدن وقدرت وعلم اسلامی قرارگرفت و مصمم شد که مسلمان شود و چون مسلمان شدن اوباآن قدرتی که داشت موجب بیم انگلستان شد بانهایت کوشش اورا گرفتند

درجزیره سنت‌هلن زندانی کردند وملل اروپائی متفق شدند برتلاش وشکست و اسقاط امپراطوری عثمانی که جای خلافت عباسی را گرفته بود ـ و لذا بهانه‌های رقابتی ملل اروپائی از یکطرف وسازشهای سیاسی ازطرف دیگر مقدمه جنگهای بین‌المللی وبرانداختن عثمانی‌ترك شد.

دراین قرن ایران هم پرآشوب گردید و افغان وماوراءالنهرهم انقلاب شد و نادرشاه تاحدی باین سروصداها خاتمه داد ولی چون هدف ثابتی نداشت وکارش بجنون کشید ازاین لشگرکشی و جهان‌گیری استفاده نکرد بلکه عواقب وخیم‌تری نشان داد.

یکی‌دیگر ازضربه‌های غیرقابل جبران که بر پیکرممالك اسلامی وارد شد تاخت وتاز روسیه در حوزه‌های اسلامی بود که دراروپا و آسیابسط دادوقسمت اعظم دشتهای‌قرغیز راتسخیر کردو گرجستان ضمیمه روسیه شد وبعدهم قفقازیه راتصرف کردند.

ازپدیده‌های سیاسی این عصر نامهای تازه‌ایست که درخاورپیداشد وپدیده افکار ملل مسیحی برای استعمار واستثمار بود مانند ـ غلزانی ـ درانی ـ درافغانستان ـ وهابی در عربستان ـ اتاترك درترکیه ـ وغیره ـ

ممالك اسلامی درقرن سیزدهم و چهاردهم

ممالك اسلامی دراین تحولات اخیر پس‌ازجنك دوم جهانی‌بیدار شدند وآنهارا میتوان بدودسته تقسیم کرد یکقسمت کشورهای همدوش ملل اروپائی درتمدن و یك قسمت کشورهای عقب‌مانده وتوسعه نیافته‌ازتمدن کنونی جهان که زندگی‌آن مبنی‌بر گردش چرخ متوریست میباشد.

کشورهائی که خواستند همدوش باکشورهای مترقی شوند لیاقت وقدرت وعلم وصنعت خود را بروزدادندوباهمه دشواری که درتغییرخط سیرخودبود باملل راقی همدوش شدند وا کنون‌نمیخواهم بگوئیم که این قبول تحمل برای همدوش شدن درست بود یاخیر در هرحال دوش بدوش قبول همه تعهدات مسیحین وغیر مسیحی رانمودند تااز مزایای تمدن کنونی بهره‌مند باشند وبرای نیل باین مزیت کشور های خاور نزدیك مستقل شدند ودر سیاست جهان مقامی که باسایر ملل جهان یکسان مینماید ولی درحقیقت خطیر و لغزنده است بدست آوردند ولی عوامل مختلفی مانع‌وحدت دینی آنهاشد.

اتحادیه عرب که درسال ۱۳۶۵ تاسیس گردید بمنظور هماهنگی برای ضد اسرائیل‌است که سیاست اروپائی آنرا بوجود آورد تاپایگاهی برای جلوگیری از خطرات احتمالی باشد و همین اتحادیه هم بسبب دسایس سیاسی حفظ منافع اروپائی هنوز وحدت واقعی بدست نیاورده‌است.

کشورهای دیگر اسلامی اندك اندك از ترقیات بزرك بهره‌مند میگردندوسبب‌آن‌وجودنفتی است که‌درسرزمین آنها بدست آمده اگرچه‌علوم وصنایع را از دست دادند وایمان بکار و کوشش در آنها ضعیف شده ودشمن‌هم عوامل نفاق وتفرقه راتشدید میکنند تابتواند حکومت خودرا برآنها در سر وعلن ادامه دهد.

اما باهمه این مشکلات تاآنجاکه قدرت داشته و شرایط زمان ومکان ومقتضیات بآنها اجازه داده دررفع موانع وابراز هنروصنعت وتعمیم وتعلیم وتربیت واحساسات وغرایز فطری مبارزه کرده ونهضتی براساس حرکت تکاملی نموده‌اند.

علت بی‌نصیب ماندن آنها ازهمه شرایط ترقی وسبب عدم موفقیت کامل توالد وتناسل روز-
افزون بدون تقویت بنیه‌اقتصادیت که آنهارا بکندی پیش‌میبرد وباید متحمل رنج فراوان برای‌امرار
معیشت زندگانی‌خود بشوند ویك‌نکته قابل‌توجه دیگر است که سیاست مرموز غیرمرئی مانع‌ازآزادی
وفراغت وترقی وتکامل آنها میگردد.

ودشمن بانواع وسایل نیروی کاررا درآنها عقیم‌میسازد تا نفوذ سیاسی برقرار بماند- آنچه حس
میشود درایران وممالك‌فارسی‌زبان این سیاست بشدت حکمفرماست که ازمنطوق فرق **تسد** سرچشمه
گرفته وبهرنحو میسر است دامن رجال وخدمتگذاران راآلوده بتهمت ودروغ ودزدی‌وافترا میکنند
وتهی‌مغزان فرومایه رادر صف آنها بلکه برآنها سلطه میدهند تاوضیع وشریف شناخته نشود وبا
بهانه‌های خرافی نسبت بعقاید وافکار مذهبی هرطایفه راعلیه دیگری تحریك نموده وشعائر ملی‌هر
دسته‌را بنام‌دسته دیگر مسموم کرده درتاریخ وادب آنها سمپاشی نموده‌اند وبا مجموع این حرکات
که برای معاصرین خردمند روشن وآشکار است.

مسلمین خاورمیانه ومخصوصاً ممالك فارسی‌زبان‌را ازاستعداد ولیاقت ذاتی خود محروم‌داشته
ومیدارند ونیروی کفایت ذوق آنهارا عقیم نموده‌اند ودرنتیجه از فضایل دین اسلام و تعلیمات عالیه
اسلامی محروم مانده که‌نه‌مانند ملل اروپائی از نعیم‌دنیا بهره‌مند هستند و نه‌چون مردان روحانی
آسمانی مسلمین ازنعیم دنیاوآخرت بهره‌میبرند.

اماسرمایه اجتماعی و اقتصادی کشور های اسلامی امروز نفت است که آن‌هم کاش‌نبود زیرا
برای دیگران نان‌وسعادت است وبرای‌ما وبال‌ونکبت شده زیرا برسر این طلای سیاه چه‌خونها که
ریخته‌شده وچه‌خاندانها که متواری وتبعید وبرافکنده گردید وچه سلاطین نامداری که زندگی‌آنها
ملکوك‌شد وبدنام ومحروم ازدنیارفتند ودرنتیجه سیل‌منافع بتدابیر حیله‌آمیزی تحت عناوین قوانین
نفت که قسمت اعظم‌آن دست خودشان است ببانك های انگلیس وامریکا رفت‌ومیرود ورنج‌ومحرومیت
آن‌نصیب اینملت‌هامیگردد

مناطق نفت‌خیز عراق که دست انگلیس وامریکا وفرانسه وهلند است.

نفط ایران کـه درسال ۱۳۳۰ می‌شد و دست کنسرسیوم که شرکت مسیحی و اروپائی است
اداره می‌شود.

نفت کویت که بدست انگلیس وامریکا میباشد.

نفت عربستان سعودی وبحرین که بدست امریکاست.

نفت‌باد کوبه که بدست روسهاست.

این‌چند معدن‌نفط نصف‌نفت دنیارا تشکیل میدهد که اگر استخراج صحیح باشد قسمت اعظم
نفط‌جهان راتأمین مینماید.

ولی چون کار دست‌ملل اروپائی بود بخل‌ولئامت ورزیده‌اند که مسلمین دراین استخراج‌معادن
راه‌یابند یااز اسرار وروش ونیروی آن استفاده کنند وحتی از استخراج معادن فلزات وعناصرهم در
بآطن جلوگیری میشود که خود مسلمین عمل‌نکنند مبادا روزی قدرت اقتصاد ونیروی اختراع ازدست
آنها گرفته شود،

لغات ممالك اسلامی

ممالك اسلامی از گذشته دارای ۳٤ کشور بود که شامل ملل عرب ، فارس ، ترك - کرد : مغول ، تاتار - افغان ، هنود - ارمنی سریانی، کلمان‌روهی، قبطی، بوئة ، بربری ، سودانی و غیره گردید که بعربی وفارسی و پهلوی وهندی‌وسریانی وترکی و کرری وارمنی وقبطی وبربری وغیره تکلم میکردند ولی‌لغت عرب دردرجه اول بود ودرشام ومصر ومغرب اقصی‌لغت رسمی گردید.

سایرملل‌هم لغت‌عربی رابلغت خودشان آمیختند مانند لغت‌فارسی، ترکی، هندی ، افغانی که اکثریت لغت آنها عربی است .

مثلا درفارسی بیش‌از ٦٠درصد درارد‌و ٤٠درصد درافغانی وترکی ٥٠درصد بهمین ترتیب‌لغت عرب برلغات اصلی‌آنها غالب‌آمد.

اکثر ملل آسیا و افریقا مکاتبات خود را بحروف عربی مینویسند و هنوز هم این لغت ادامه دارد .

چنانچه ملت‌هند، افغان، بومی، سیامی، چینی، تبتی،ژاپونی، کردی ، ملقی- فارسی - ارمنی وعربی همه درسیطره‌اسلام‌بودند .

اسلام در تاریخ

الاسلام یعلوا ولایعلی‌علیه حدیث نبوی

روزیکه آفتاب اسلام پرتو افکن‌شد محیط تاریك وپرآشوبی سرتاسر جهان بشریت را گرفته بود- علم‌ودانش کمتر وجود داشت بیشتر‌مردم پیرامون سحروجادو جن گیری، رمالی، اخبار رهبانان وکهنه میکشتند،

بارزترین فضیلت علمی نظم ونثر درعرب بود، ایران وروم هم‌در ریاضیات وطب دستی داشتند ولی آلوده برذالت اخلاقی وفساد گشته‌بود.

ملل اروپاهم تمدنی نداشتند از امریکاهم نامی‌نبود و مردم افریقا هم چون بدویان اولیه زندگانی‌میکردند.

کاخ تمدن بشرمتزلزل وویران ومنهدم شده‌بود کشور آسیاخاورمیانه بیشتر دستخوش‌تمایلات جنحه وجنایت ومخصوصاً عربستان که مسیر قافله تجارت ازشرق بغرب بود محیط غارت و چپاول و ناامنی وجهالت وگمراهی وضلالت گردیده مردم‌بهم بدبین‌بودند هیچکس اطمینان بدیگری‌نداشت اگردو زارع میخواستند درزمین زراعتی خود کار کنند از بیم‌آنکه مبادا دیگری پیشدستی کند و اورا بزند همواره مراقب یکدیگر بودند.

همین محیط بود که دختران رازنده زنده بگور میکردند وبرای نبل‌بیك چیزی یاه‌قاهی‌پسران راقربانی بتهاهی نمودند،

همان محیط تاریك بود که علمای آنها کهنه ومرتاضین یهود ونصاری‌بودند وسرنوشت خودرااز آنها میخواستند دراین ظلمات پرآشوب وافق تاریك خطرناك ناگهان نوری تابیدن گرفت وازمشرق شعب ابوطالب پرتوافکن گردیده وبایك زندگی روشن وبافضیلتی که ازنیکوسیرتی واخلاق فاضله و سجایای ملکوتی سرچشمه گرفته بود چهل‌سال ناظر محیط‌زندگی اجتماعی مردم بود و پس‌ازآنکه مامورشد بمردم اعلان خطر کند وعاقبت‌این زندگی تدریجی رابرای آنهاتشریح نماید شروع بتعلیم وتربیتی‌نمود ومکتبی ازفضیلت واخلاق کشور که روزگارندیده‌وگوش بشر نشنیده همان مردم‌بوجهل

۱ـ تاریخ تمدن جرجی زیدان ص۹۸ ج۱

صفت راکه عناد ولجاج میورزیدند وبااختلاف ونفاق آتش فتنه را دامن میزدند درائرانفاس قدسیه آسمانی خود چنان رام وتربیت نمود که همان مردم رهبرسایرین ومشعل‌دار تمدن جهان گردیدند آموزش وپرورش اسلام براساس فضیلت وتقوی بود - تربیت دینی اسلام روی حضورقلب وعقیده برمبداء ومعادبود وهرکس دراینراه پرهیزکارتر واستوارتر باشددربارگاه الهی مقرب‌تر ودارای مقامی رفیعتر خواهد بود .

ده سال گذشت تا۳۱۳نفرازاین مکتب بیرون آمدند وبراستی ودرستی درعقیده وایمان استوار ونیرومند گردیده بودند دراین تاریخ مهاجرت بمدینه کردند وآغازفعالیت تبلیغاتی دین اسلام شروع شد فرمان جنگ صادرشد ولی شمشیر باموعظه واندرزونصیحت که بنام امربمعروف ونهی ازمنکردرسایه کلمه «قولوالااله‌الاالله» تفلحوا تعلیم میشد پیشرفت کرد ازاول هجرت تاسال هشتادم اسلام روزافزون درحال پیشرفت بود وحقیقت هشتادسال مسلمین مانندیك جامعه غیر قابل تزلزل واراده تغییر ناپذیر بجهانگیری وپیشرفت ادامه دادند تاقسمت مهم دنیای بشریت آنروزرا تصرف کردند این جهانگیری اسلام مانند سایرملل فاتح نبودبلکه درهر کشور وسرزمینی مسلمین قدم میگذاشتند **درسایه فضیلت اخلاقی وتربیت مهذب پاك آسمانی وحسن نیت ونیکخواهی برقاب آنمردم جامیگرفتند** سلطنت مسلمین برمسند قلوب مردم بود وسریر فرمانروائی آنهادلها بود زیرا آنچه راکه آورده بودند چیزی بود که بشرمانند گمشده درتفحص وجستجوی آن شهر بشهر ودیار بدیارمیگردید سلمان فارسی ازاین طبقه است مسلمانان جانب آنهارا همیشه داشتند وسپاه خودرا از دلهای مردم تشکیل میدادند - بشرسرگشته وحیران که درآن فضای تاریك وسطح ضلالت بارقه ازعلم ودانش میدیدوستارهٔ ازاخلاق وفضیلت مشاهده میکرد بی‌اختیار تسلیم آن میشد وآئین پاك دین اسلام‌را دردل خود چون جان شیرین پذیرفتند وحفظ کردند.

پرفسورتوین بی استاددانشگاه لندن درکتاب تحولات خاورمیانه مینویسد دین اسلام بردنیای مغرب چندین بار غالب گردید وآنکشورهارا تحت سیطره عوامل خود اداره میکردند اولین برخورد بین اسلام ومغرب‌زمین زمانی بوقوع پیوست که هنوزتمدن مغرب مراحل طفولیت خود را می‌پیمود و بسیاری ازمردم آنکشور بحال توحش میزیستنددین اسلام کاخ تمدن خودرا براساس آئین علم وفضیلت استوار کرده ودنیای عرب تمدن ومذهبی مشخص داشت ودراوج قدرت بود .

اعراب بتازگی مهدتمدن خاورمیانه راکه ایران وروم بود فتح کرده بودند وبامتحد ساختن آن دورقیب ودشمن خونی که سالهاباهم می‌جنگیدند درصدد برآمدند امپراطوری بزرك روم‌وایران را بدولت خلافت اسلامی پیوسته یك دولت واحدی تشکیل دادند دراین‌راه موفق شدند وبر کلیه عالم حکومت کردند دراولین برخورد مسلمین تقریبا نیمی ازمسکن وماوای مغرب‌زمین‌را فتح کردند وفقط کمی باقی‌مانده بود که زیرسلطه خود درآورند .

درهمان روزگارافریقای شمالغربی- شبه جزیره ایبری«یعنی‌شبه‌جزیره‌اسپانیا وپرتقال کنونی» رامسخر نمودند وتحت‌اراده وزیرنظراداره اسلام گذاشتند- دومینایار مسلمانان دریکقرن ونیم‌پس‌از این پیشرفت هنگامی که‌تمدن مغرب درائرسقوط امپراطوری «کارولژین» دوچار وقفه شد بازمسلمان ازراه دیگری که پایگاه محکم‌افریقابود باروپا حمله کردند وچیزی نمانده بود که ایطالیا رامسخر کنند- دراین دوحمله اسلام آئین‌پاك خودرا بافضیلت‌اخلاقی وروش‌پسندیده دردل مردم اروپا گذاشت وقرنها باهم آمیزش داشتند .

دراین آمیزش آثار برجسته کاخ تمدن اسلام که بصورت مساجد ومدارس ودانشگاه های بزرگ مشحون ازقدرت علم وصنایع مسلمین بود در کشورهای اروپا بپا داشتند که تاکنون هم مانند ستاره درخشان زیبائی خودرا حفظ کرده ونمونه بارزی ازعلم و تمدن وفضیلت ومقام انسانیت مسلمین رانشان میدهد .

ملل اروپا تمدن اسلام را گرفته وعلوم ودانش آنهارا سرمشق زندگی قرارداده شروع بتوسعه دادند وچون تمدن آنها ازخطرخاموش شد ودارای نیرو و قدرت گردیدند و ازطرفی عوامل ضعف دولت امپراطوری اسلام پدیدار گردید و ازاوج عظمت روبانحطاط گذاشت مردم مغرب در امتداد جبهه‌ای ازسرتاسرمدیترانه تاشبه جزیره‌ایبری وسیسیل تشکیل دادند وبمسلمین تاختند و جنگهای صلیبی درگرفت باآنکه مسلمین ازدوجبهه باروپا حمله کرده بودند ازبین رفت امادرنتیجه این جنگها چون اسلام بافضیلت علمی واخلاقی دردل مردم جاگرفته بود و خردمندان تشخیص داده بودند سرموفقیت بشر درقبول اسلام وتقویت ونشرآئین اسلام است بسیاری ازمهاجمین مغرب وآسیای مرکزی مسلمان شده وفرنگیها را بعقب راندند فقط نتیجه جنگ این شد که سیسیل واندلس جزوخاک مغرب زمین شدولی دنیای اسلام نفوذ معنوی خودرا بیشتر توسعه داده ونتایجی بزرگ اقتصادی و فرهنگی گرفت که بسیار مهم وقابل توجه گردید.

دراین جنگها مسلمین ازنظر امپراطوری شکست خوردند ولی ازلحاظ اقتصادی وفرهنگی فیروزی بزرگی نصیب مسلمین گردید زیرا نفوذمعنوی اسلام درقیافه صنایع وعلوم وکتب وآداب درسرتاسر مغرب جاگرفت ودنیای اروپا زیرسلطه معنوی مسلمین وعلوم وفنون آنها اداره میشد . وهرقدر بمرور ازمنه ملل اروپا برای محوونابودی اسلام کوشیدند نه تنهاسودی نبردند بلکه موجب بیداری افکار جهانیان وتوجه بتمدن وفرهنگ اسلام گردید - سرزمین مسیحیان قرنها درسلطه امپراطوری اسلام بود - قرنها هم درزیرنفوذ معنوی علوم وفنون اسلامی بود .

«وتادوسه درنسالس اخیرازهمان منابع کاخ تمدن خودرا استوار کردندودرکتاب (میراث) دوازده نفرازعلمای بزرگ اروپا تایید کرده‌اند که سرمایه مدنیت اروپاازاسلام است وملل متمدن غرب وارث علوم وفنون اسلامی میباشند»

این مستشرق مینویسد بارسوم که جنگ بین اروپا و ملل اسلامی شروع شد دررود دانوب بود که مسلمین حمله کردند ومسیحیان وضع دفاعی بخود گرفتند دراینموقع دول مغرب تفوق خودرا بر دریاها تسجیل نمودند بردنیاسلطه پیدا کردند- مسیحیین پیش‌بینی میکردند که باتفوق و جهانگیری شگفت‌آوری که مسلمین نمودند ممکن است از سلطه که بردریاها دارند امریکارا هم کشف کنند و باتسلط بردریاها خودبراین کشف موفق شدند واندك‌اندك بمیراث مسلمین یعنی‌هندوستان اندونزی افریقای استوائی‌روآورده وبمحاصره‌مسلمین پرداختنداین‌حمله بین تمدن اسلام وتمدن دنیای‌جدید که هنوزهم ادامه دارد مواجه بمبارزه سختی گردید وملت غرب درمقام برآمدند که دنیارا فرنگی- مآب کنند ودولت واحدی درزمین وهوا ودریا بوجودآورند وبردنیا سلطنت کنند .

ملل مغرب‌زمین همان رویه مسلمین را گرفتند وممالك اسلامیرا تحت‌سیطره آوردند و باتخم نفاق واختلاف آنهاراازهم جدا کرده وبرسایرممالك وارث تمدن اسلامی شدند وبرمانندهندوستان دست یافتند- مستشرق مزبور میگوید کاملا مشخص و معین شده که اروپائی بمعنی اعم قصد دارد

دنیا را (اروپائی نماید) و اینموضوع شایان اهمیت فوق العاده است و کاملا این مطلب جالب - توجه می باشد .

ازاین لحاظ مجدداً اسلام بامغرب‌زمین که این بار پشت بدیوار دارد مواجه گشته است ولی اینددفعه اوضاع واحوال بروفق مراد دنیای اسلام نیست زیرا مغرب زمین نه فقط از لحاظ تسلیحات بلکه درفن زندگی اقتصادی که نیروی نظامی متکی بدانست وبالاتر ازهمه از لحاظ فرهنگ یعنی‌همان قوه درونی که موجد تعلیمات خارجی است وتمدن نامیده میشود براسلام تفوق دارد .

مردم مورد حمله مدنیت غربی دودسته بودند یکدسته آنهائی که قبول تمدن جدید را میکردند ویکدسته آنهائی که حاضر نبودند وقعی باین تمدن بگذارند - دراین حملات فرق مهاجمین غربی بامهاجمین اسلامی این است که مسلمین تمدن وعلم وفرهنگ وفضیلت بجاگذاشتند ومال غربی رذایل اخلاقی وشهوات وتخیلات ونتایج وخیم وآثاردردناکی ازخود باقی گذاشتند .

ترکیه ازآنهائی بود که قانون اساسی خودرا تغییرداد وضمانت دفاع دین اسلام را انکار کرد و پشت‌سراو حجاب زنان رابرداشت لباس را فرنگی نمود وحروف عربی رابلاتین عوض کرد وایرانرا بدنبال اوبردند وافغانستان را ازتعصب ملی منصرف کردند ودوعامل قوی برای اضمحلال این ملل بکاربردند که عبارت بود ازقمار والکل - ولی چون روح اسلام که بااین مواد مخالف بودتمام اعمال آنهارا خنثی کرد بنابراین اختلافات غربی واسلامی روح معنوی دین‌اسلام باتمدن مادی غرب باهم قرنهاست مبارزه میکنند وغیرقابل تردیداست که درگذشته وآینده نزدیکی اسلام نفوذمعنوی وموثر خودرا برجامعه متمدن مادی مغرب‌زمین وارد خواهد کرد وممالك اسلامی بازبحال اول باز خواهند گشت واین یك حقیقتی است روشن که اکثرمنورالفکرهای ملل غربی ودوربینهای سیاسی پیش‌بینی کرده‌اند واسلام رامورد قبول کلیه ملل عالم دنیامیشناسند ۱

مسلمانان درحدود هفت‌قرن برتمامی دنیا سلطه وامارت یافتند سرتاسر آبهای گیتی درطول چهارصدسال درفرمان مسلمین بود .

فرهنگ اسلام دراتمام دنیاپرتوافکن وافاضه میشد. ولی چون مسلمین انحطاط اخلاقی پیدا کردند وازخاوراسلام باختر نصرانیت بنوراسلام روشن شد وجنگهای صلیبی درگرفت - بدبختی - سیه روزی مسلمین شروع شد ودرطول ۳ قرن فرهنگ و مدنیت خودرا بجهان نصرانیت داد و بسیر نزولی بازگشت کرد .

مورخین - فلاسفه - خردمندان عالم بدون شك و تردید اعتراف میکنند که فرهنگ و معارف اروپاوجهان مدیون ومرهون اسلام‌است ازقرون‌وسطی‌ممالك اسلامی تحت‌سلطه وسیطره ترك‌ونصرانی شرقی وغربی اروپائی وافریقائی تفرقه یافت وهنوزروبانحطاط است .

جهانگیری اسلام باینسرعت درتاریخ مانند ندارد‌مورخین بزرك مینویسند اسلام درهشتادسال زیادترازآنچه روم درهشتصدسال جهانگیری کرد پیشرفت نمود.

ناپلئون میگفت مسلمین نصف‌دنیارا درنیم‌قرن تسخیر کردند . لاکازتاریخ نویس جزیزه‌سنت‌هلن که رفیق وهمراه ناپلئون بود مینویسد اوچون بمصررسید بقدری محمدص درنظرش عظمت یافت که

۱- ص۱۴ مجله اطلاعات شماره ۴۶ سال۳

میخواست مسلمان شود وارتش خودرا بقبول اسلام وادار کند. ولی انتظار داشت بحوالی فرات برسد آنوقت اقدام کند تا باسلام خودبرشرق غالب گردد .

آری روح اسلام در اثنای جهانگیری درارد و میان افراد سپاهی نیرو گرفت ـ

درلشکر اسلامی مردمی بودند که قرآن رادرظاهرداشته ومعنی آنرا میدانستند این گروه درمیدان جنك مجالس عبادت منعقد میکردند وانجمن‌های مردم زاهد وپرهیزکار تشکیل می‌یافت این‌جماعت اسلام‌را پاك وپاکیزه نگاهداری میکردند وتنها برای اجرومزد اخروی عمرخودرا صرف‌کار و عمل میکردند مسلمین مردمرا بگفتار و کردار خود بپرهیزکاری‌وکوشش‌درطلب وسعادت ابدی‌تشویق و عقیده دینی را رواج میدادند .

درحقیقت آنچه را خدا بمسلمانان وعده داده بودبیش‌ازآخرت دردنیا نمایان گشت

درجنك صفین درهنگامی که‌کارزار سخت درحملات دشمن ودفع آن میپرداخت یکی ازصحابه ازدیگری مسئله پرسید راه میخواست تا ازحضرت علی ع پیشوای جنك و امیرالمومنین سئوال کند دیگری درجوابش گفت این چه وقت سئوال است صدا بگوش امیررسید همان هنگام که ضرب شمشیر خود رانشان میداد روبر گردانید اول فرمود مابرای نشرهمین مسائل می‌جنگیم سپس جواب مسئله اورا داد وبازبجنك شروع کرد .

جنگهای اسلام درنزد خارجیان بجنك مقدس وجهاد دینی معروف است که خدا برای رواج دین امرفرمود .

اسلام رواج نگرفت جزبآموزش قرآن وتهذیب جان ودل مردمان ـ تامسلمین بقرآن توجه دارند تااحکام قرآنرا عملامقدس ومحترم میشمارند بردنیا سیادت میتوانند کرد وچون درعقایدآنها تردید وتزلزل راه یافت ذلیل وزبون خواهند شد .

روایتی ازپیغمبرخداص نقل میکنند که فرمود ؛

شرق وغرب زمین برای من فراهم شده وهمه رادیدم وبزودی تاآنجاکه دیدم قدرت و نیروی ملت من خواهد رسید .

ولز فیلسوف انگلیسی مینویسد اسلام بهترین نظام اجتماعی و سیاسی بود که روزگار نشان داد ـ سیادت و عظمت اسلام باینجهت بود که هرجاگام زد وپای نهاد ملتی دید افسرده وپژمرده ـ خاموش ـ گرفتارظلم وستم ـ دوچارغارت وچپاول ـ جامعه آنها بهم ریخته ـ فاقد نظام و تربیت ـ آنگاه نیرومندترین افکارسیاسی را وارد ساخت : نیکوترین فکرسیاسی راکه بشردانسته و شناخته زنده کرد بیاری‌بشریت شتافت وبانسانیت کمك داد ـ هنگامی که اسلام ظهور کرد ـ بندگی‌واسارت وعادات زشت شایع بود تعالیم عالیه اسلام آنهارا زنده کرد روح‌تازه داد ـ بادستورات اسلام بترقی‌و جهانگیری واداشت .

این پیشرفت باتحکیم عقاید توحید نسبت مستقیم داشت اسلام وقتی روبانحاط نهاد که بشر درراستگوئی زمامداران وپیشوایان اسلام بشك افتادند و تردید کردند ـ مسلمین بطرف انحطاط اخلاقی شروع کردند ـ اسلام ازرفتارمسلمین بدکردار که اسلام را خوب جلوه نمیدادند بری و متبری است آری

اسلام بذات خود ندارد عیبی　　　　هرعیب که هست ازمسلمانی ماست

اسلام و تاثیر تاریخی آن در تمدن بشر

در بیداری ملل غربی چون دیدند تمدن اسلام در جهان ریشه دوانیده وبهیچوجه نمیتوانند انکار کنند دست بفعالیت تبلیغاتی خصومت آمیزی زدند تا ملل شرقی و مسلمین را ازهم بتفرقه اندازند تابتوانند آثار آنها را ببرند وملت اسلامی را تضعیف نمایند وتمدن‌خودرا بجهانیان‌معرفی کنند این مدلول مقالات خود ملل غربی است که برخی‌ازروی انصاف ووجدان علیه یکدیگر بازمتمسك بتمدن اسلام شدند و یاخواسته‌اند هریك خودرا برتر و- بالاتر ازدیگری معرفی کنند درنتیجه بازهم اسلام چهره تاریکی را که برصورت اوافکنده بودندعقب زده تمدن عمیق وفرهنك بسیط خودرا بدنیانشان‌داد و بالنتیجه مورخین منصف جهان اعتراف کردند که تاثیرات تمدن‌اسلام ازنظرتاریخ درتمدن جهان غرب اثری‌عمیق بجاگذاشته است واکنون‌مقاله مستشرق معروف روژه‌کارودی رابنظرخوانندگان میرسانیم .

برسردانشگاه هایدلبرك نوشته شده بود که این دانشگاه بفرهنك جهانی احترام میگذارد . هنگامیکهٔ هیتلرروی‌کارآمد دستورداد که این لوحه رابردارند و برجای آن بنویسند : دانشگاه فقط برای فرهنك آلمان احترام قائل است . این نشانه جداکردن بشرازفرهنك بود.

«ماین‌کامف» فرانسویان را درردیف سیاهان وسیاهان را آخرین وپست‌ترین نژادها میشمرد و زورمیزد که ثابت کند میان نژادها اختلاف اصولی وبیولوژ یکی وجود دارد و میخواست باینوسیله بشریترا پس‌ازسی‌قرن تمدن بتوحش جنگی برگرداند .

هیچ‌چیز بیشتر ازاین عقاید جداکردن‌وجدائی‌افکندن ودسته‌ای ازمردم راعاری ازصفات‌انسانی شمردن ، سیرقهقهرائی اخلاقی وارتجاع‌سیاسی واجتماعی رامشخص نمیکند کارل‌مارکس گفته‌است «هرسیاستی که باعث نفاق شود ، یك سیاست ارتجاعی‌است .»

امروز جای سیاست فاشیستها شکل های تازه‌ای از جدائی افکندن و محروم داشتن نشسته است .

آنها که دردیپلماسی طرفدار«بلوك غربی» و درسیاست هواخواه «دموکراسی‌غربی» هستند . همان نیروهای اجتماعی ارتجاع وتجاوز و کمین کننده‌ای هستند که برپاکننده « نظم‌نوین غربی و اروپائی» فاشیسم بودند، همان ترست‌های امپریالیستی هستند.

اینها همانهائی‌هستند که درخاورمیانه‌بعلتهای«نفتی» واستراتژیکی میلیتاریستی کوشش‌میکنند یك «بلوك‌خاوری» درست کنند .

آنها بکمك این بلوك‌امیدوارند که همچنان‌نفت وسودهای‌هنگفت بدست‌آورند وملل گوناگون اسلامی را زیرسلطه امپریالیستی خویش نگهدارند .

جوانمردان جهان تصمیم خودرا گرفته‌اند : نه ازلحاظ دیپلماسی ، نه ازلحاظ سیاسی ، نه از لحاظ‌فکری واخلاقی، نباید جهان بخاور وباختر تقسیم‌بندی‌شود ، نباید میان‌ملل نفاق ونقارحکمروا باشد ونباید تمدن وفرهنك بشری تجزیه گردد .

جوانمردان جهان راضی‌نیستند که خاور یا باختر همچون جزیره‌ای شود . همچنین جزیره بریتانیائی شود .

توطئه علیه افتخارات اسلامی

یکی ازصورتهای این سیاست جدائی افکندن‌های نژادی. اینستکه امپریالیستها میکوشند تاثیر عمیقی را که تمدن اسلامی در برپا ساختن دنیای جدید داشته است انکار کنند.

باتوطئه‌های سکوت یاهتاکی‌های منظم وازروی نقشه کوشش میشود که یك حقیقت بی‌چون وچرا، تکذیب. **آن حقیقت اینست که در شرائط تاریخی کاملامعین، درفاصله میان دوران عتیق وعصر رنسانس، ملل اسلامی سهم غنی وموثری در پیشرفت بشریت درتمام زمینه‌های فکروفن داشته‌اند.**

هنگامی که یك دانشجوی اروپائی با کنجکاوی فراوان میخواهد پیروزی‌های صدراسلام وبعداز آن را مورد مطالعه قرارداد وبکتابهای درسی خویش مراجعه کند، خویشتن را در برابر اسرار و معجزات می‌یابد.

هیچیك ازاین کتابها بدانشجو علل و نتائج این گردباد عظیم بشری راکه درسالهائی معدود ازدریای چین تااقیانوس اطلس رادرنوردید، نشان نمیدهند.

این گناه ازنویسندگانی است که در خدمت امپریالیسم هستند و میکوشند که افتخارات ملل اسلامی رادرحجاب نمایند.

اگرما نخواهیم بگفته‌های امپریالیستها ومتعصبین نژادی که نیمی‌از ملل اسلامی‌روامنکوب‌خود کرده و نیم دیگر را بفقر ونکبت میکشانند گوش فرا دهیم این حقیقت ابتدائی در برابر ما ظاهر خواهد شد که:

اسلام حتی‌قبل‌ازاین که تمدن وفرهنگ‌مخصوص بخودش شکوفه دهد، باوسعت فتوحاتش‌شرائط لازم جهت تجدید تمدن وجوان کردن جهان رافراهم آورد.

پیروزی اسلام

اسلام باپیروزی‌خویش، هرج ومرج‌های‌ملوك‌الطوایفی رابرانداخت وبساط طفیلی گری را درهم نوردید وازاین راه شرائط اقتصادی واجتماعی جدیدی را بنیان افکند.

درسال ۱۷۶۱، پیش‌ازاین که غارتگریهای آغازجابرانه شود.

در زمانی که تاریخ نویسان اسپانیائی ازمفتخرداشتن میراث اسلامی پاك نداشتند شرق‌شناس‌شهیر «دوزی» درکتاب خودبنام «تاریخ مسلمانان دراسپانیا» (جلددوم صفحه ۱۴۳ نوشت.

«پیروزی اسلام برای اسپانیا - خیر بود: انقلاب اجتماعی‌مهمی ببارآورد، قسمت اعظم بلیاتی راکه قرنهاکشوراسپانیا ازآن‌رنج میکشید برطرف ساخت.»

همین نویسنده باکمال وضوح مینویسد:

«مسلمانان بموجب این اصل حکومت میکردند: مالیات را ازمیزان سابق کمتر کردند. زمینراکه میان شوالیه‌ها تقسیم شده وبوسیله سرفها وغلامان ناراضی کشت میشد ازاغنیا بیکاره گرفتند وبتساوی‌میان کسانی که روی زمین‌کار میکردند تقسیم نمودند. مالکین جدیدباشوق بسیاربکارزراعت پرداختند وحاصل‌نیکو وفراوان‌بر گرفتند. تجارت ازقیدمحدودیتهای فراوان وخراجهای سنگین آزاد شد واز ورشکست نجات یافت وبترقی گرائید. «قرآن» بغلامان امکان می‌بخشید که باپرداخت غرامت اندکی‌خویشتن رابازخرند وازاین راه انرژی ونیروی جدید بخدمت ترقی وفرهنگ بگذارند. تمام این اقدامات چنان حالت رفاه عمومی‌را بوجودآورد که‌علت پذیرائی گرم توده اسپانیا ازمسلمانان شد.»

فاتحین اسلامی قیود فئودالی اقتصاد را درهم شکستند ودائرامکان مبادله امتعه وعقاید را بیش از میزان رومیان وسعت بخشیدند وامپراطوری متحد ومتمرکزی بوجود آوردند که قانونی مدون بر آن حکومت میکرد ودستگاه قضائی آن منظم بود وباینترتیب شرائط پیدایش آن افراد بشهود آن عقاید لازم جهت دوره های خلافت بشریت بوجود آمد.

تمدن عتیق و عقیم مانده « بیزانس »، برفراز کشور جهان گیر نوین پرواز خویش را ادامه داد.

اثرات نیکوی پیروزی اسلامی درسوی دیگر دریای روم نیز محسوس است. من دراین باره میکوشم برای قضاوت پیروزیهای اسلام، ازنویسندگان اروپائی شاهد آورم. یکی از اعاظم دین مسیح، «من سینوردوشن» درمطالعاتی که روی وضعیت کلیسا درقرن هفتم درسوریه کرده است، عبارتی از «میکائیل سوری» نقل میکند. «میکائیل سوری» پس ازذکر مشقاتی که بر «یعقوبیون» درصورت افتتاح آنها از اتحاد باهراکلیوس (هرقل) وارد میشده نتایج خیرحمله مسلمین را چنین توصیف میکند.

«خداوند منتقم هنگامی که هم رومیان را درهرجا که نفوذ داشتند دید، دید که کلیساها وصوامع علم را تاراج میکنند وبدون شفقت مارا محکوم میسازند، ازسرزمینهای جنوب پسران اسرائیل را برای نجات ما ازچنگال آنان روانه ساخت ... این امر برای ما فقط یك فرصت محدود جهت نجات از دست رومیان وازدست مظالم آنها، ازدست نظام آنها، ازدست خشم آنها وازدست حسادت مخوف آنها نبود بلکه این امر سبب شد که بکلی ما براحت وآسایش برسیم.»

سیاه پوستان و تمایل آنها باسلام

اخیراً مقاله از مطبوعات امریکا نقل شده که با آنکه بصورت ظاهر قریب ۲۰ ملیون سیاه پوستان امریکا مسلمان نیستند ولی بصورت مهارت که چون تبلیغ اسلام میشود واز اسلام بهره مند میگردند نکات جالب توجهی دارد که امکان دارد بسرعت تمام ۱۹ ملیون سیاه پوستان امریکائی همه مسلمان شوند. ومافعلا از نظر اطلاع جز این مقاله را نقل میکنیم. وعکسهای آنرا درحال حجاب زنان ودعا ونماز از نظر خوانندگان میگذرانیم.

رهبر نهضت (معبد اسلامی) اظهار میدارد که پیروان او ۲۵۰ نفراند وباید دانست که سیاه پوستان آمریکائی ۱۹ ملیون و ۳۰۰ هزار نفرند ودر ۳۹ شهر آمریکا سازمانهای مربوطه به (معبد اسلام) فعالیت میکنند واعضای معبد بشدت ازانضباط ودیسیپلین برخوردارند وبسفید پوستان غیراسلامی اجازه شرکت درمراسم مذهبی وکنفرانسهای خود نمیدهند اگر تبلیغی شایسته شود همه آنها مسلمان واقعی خواهند شد.

فصل ششم

علل عقب افتاد گی

انحطاط سیاسی مسلمین و بیداری آنها

امروز مسلمین

اسباب انحطاط

خصومت مسیحیت علیه مسلمین

علل عقب افتادگی

کینه توزی دشمن

اسلام درعصرما

حالت کنونی اسلام

ملوك وممالك اسلامی

بیداری مسلمین واتحاد ملل اسلامی

دارالتقرب وکوشش برای تقریب مسلمین

زمانه دگرگون شود دم بدم

امروز مسلمین یا انحطاط آن

شود جمله نابود هر بیش و کم
که تا ز استخوان دیگر رفتگان
برون آورد نامه باستان

نهضت اسلام پس‌ازجنك عمومی موجب ایجاد یك عالم‌نو اسلام گردید زیرا درسرتاسر عالم اسلامی اسباب انقلاب تاسرحد امکان فراهم آمده و هرطرف ریشه دوانیده وهمه‌جا تبدلات وتغیرات عمیقی رخ داد .

ازمراکش تاچین وازترکستان تاکنگو قریب هفتصدملیون مسلمان ازانحطاط وغفلت وخواب خرگوشی‌خودمتاسف ومتاثر بود وبجنب وجوش افتادند وبایك حرکت فکری وآرزوهای نوینی‌بسوی بسط کمال تمدن خود نهضت نموده‌اند.

انقلاب شگفت‌آمیزی که مسلمین پس‌از جنك جهانی اول نمودند سبب رشد و توسعه آنها شد مسبب این نهضت ترك عثمانی بود که دنیای نصرانیت را تکان داد و آنها برای تلاش عثمانی ترك قیام کردند و جنك بین‌المللی اول رخ داد و امپراطوری عثمانی تلاش یافت وبین چند کشور تقسیم گردید .

اسباب انحطاط مسلمین

ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

شرع تورا در پی آرایش‌اند
درپی آرایش و پیرایش‌اند
بسکه براو بسته‌شده برك‌وساز
گرتوبه‌بینی نشناسیش باز

درقرن سیزدهم هجری مصادف باهجدم میلادی ضعف وناتوانی مسلمین در عالم اسلامی بجهات عدم توجه بفرهنك‌وفقراقتصادی وجنگهای متواتر و متوالی‌داخلی وحس‌استبداد وخودخواهی‌متاخرین مرحله انحطاط وپستی رسید- هوای محیط ممالك اسلامی تیره‌وتارشد اخلاق وآداب عشایر بدوی در هرکشورجایگیر آداب دینی شهری ومدنی شد آثارتمدن ازهم پاشید ملل اسلامی غرق هوا و هوس شدند - اخلاق فاضله اسلامی نابود گردید - جهل وضلالت فرماندهان که اکثر آنها از راهزنان و عیاران وعشایر صحرانشین و کوهستانی‌بودند چیره شد وآنها خودازعلم وفضیلت خالی بودندقدرت وسفاکی‌هم مانع بود کمی‌ازعلماء خودرا نزدیك نماید مردانی‌هم مانندخواجه نصیرطوسی یاشیخ بهائی نبود که رهبرسلاطین باشد .

دولتهای اسلامی براسب استبداد سوارشده باخدعه و حیله و هرج ومرج میتاختند - سلاطین ترکیه - مغول هند وقاجارایران ووهابی عربستان وامرا وحکام محلی‌یاغی که مستقل شده بودند - ولذا بجای امنیت وآرامش چپاول وغارت حکومت داشت - تنبلی وتن‌پروری وبی‌ایمانی وسست‌دائی آنهاعقل‌وکسب وآزادی‌را سلب کرده‌بود دشمن‌هم‌ازاین نقاط ضعف برای تضعیف‌مسلمین وتقویت‌خویش استفاده میکرد بطوریکه آئین مقدس توحیدمنزه رابخرافات‌صوفیگری ودرویشی واختلاف حیدری‌و نعمتی وشیعه‌وسنی مالك مستحدثه تقویت میکردند وتفرقه میانداختند تاآنجا که هرفقیر ومستمند بصورت درویشی باخرمهر و تسبیح وطلسم برق وبوغ و باقطعه پوست گوسفندی آمیخته باوهام و خرافات وورد وذکر بی‌جا وبی‌مورد بر گردن مردم سوارمیشدند.

محاسن ومزایای تعلیمات قرآن‌متروك وفراموش شده بود نوشابه وحشیش وتوتون چپق‌تریاك

شیره وسیگار شیوع یافته که البته ارمغان دشمن اروپائی بود واعمال قبیحه بجای زن گرفتن وتشکیل زندگی خانوادگی وکاروفعالیت وسعی و کوشش دامن عفت وعصمت رادریده مصائب درونی وبیرونی و مشکلات اجتماعی واقتصادی وفقد مالی وفقد علمی سبب ضعف مسلمین گردید و حقیقتی که قرآن در چهارده قرن پیش اعلام فرمود که خداوند نعمت خودرا برای بندگانش تغییر نمیدهد مگر آنکه بدست خود و کردههای خویش نعمت رابرخود تقمت سازند وازراه فضیلت منحرف گردند و بردین وعلم آنقدر برك وساز وپیرایه بستند که دیگر نمیتوان اسلام رابااین مسلمین شناخت.

محمدرسول الله والذین معهم اشدأءعلی الکفار رحماء بینهم

آنروز که این برنامه رادردست گرفتند وعمل کردند دردنیا فائق برهمه چیز آمدند ولیچون بر کفار سخت نگرفتند وبرخویشان بدبین وشدید شدند اتحادواتفاق بنفاق وشقاق مبدل شد وسلطه باضمحلال تبدیل گشت روبضعف وانحطاط نهادند درحالیکه قرآن فرموده یهود ونصاری را دوست خود نشناسید آنها کینه توزی دارند ودشمن بداندیش هستند که دردوستی سهپاشی خواهند کرد در فضایل نفسانی قابل مصاحبت نیستند.

یاایها الذین امنو الاتتخذو االیهود والنصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدی القوم الظالمین آیه ۵۷ سوره بقره

ای کسانیکه ایمان آوردهاید یهود وترسایان رابدوستی نگیرید که آنهابرخی دوست برخی دیگرند وهر کس ازشما آنهارا بدوستی بگیرد از آنها خواهد بود خداوند مردم ستمکار را هدایت نمیکنند - دراین آیه کریمه ستمکاری ودشمنی و کینهتوزی آنها ثابت میگردد. راست استکه یهود لجاج وعناد داشته ودارندونصاری کمتردراین صفت پست اصرارمیورزند ازطرفی احکام شریعت‌حضرت موسی مشکل‌است ولی‌ازحضرت‌عیسی احکامی نماندکه مشکل باشد عیسویان فارغ‌البال و خود سر هستند هفته یکروزدر کلیساها آنهم بتفنن وبیشتر روی منطق شهوات میروند ومسلمین رامیخواستند ومیخواهند برعدم تکلیف وبی‌دینی خودبکشانندودرنتیجه این دنیاوآنهم اخرت آنهاکه خسرالدنیا والاخره خواهند بود قرآن دوستی و معاشرت باآنهارا منع فرمودهشاید از شر آنها مسلمین در امان بمانند.

خصومت و دشمنی ملل اروپا با اسلام

یکی ازمسائل مسلم‌تمدن سرعت‌انگیز اسلام‌این‌است که دنیای بشریت راتکان داد و دانشمندان بزرك جهان سرانگشت حسرت بدندان گرفتند واسباب تزلزل پاپها و کلیساها شد ازاین‌رو بتحریك آنها علناً برخلاف اسلام کتابها نوشتند ونسبت‌هادادند وتهمت‌ها زدند که کلمات آنهادرتاریخ ضبط شده ونمونه بارزی از دشمنی آنها با اسلام است ما بذکرچند کلمهٔ ازآن که ازچند مردنامی اروپا صادرشده اکتفا میکنیم.

کلادستون رئیس‌الوزرای اسبق‌فرانسه درخطابه خودچنین گفت:

تاقرآن درنزد مسلمین است راحتی برای مسیحیان نمیتوان یافت براروپا لازم‌است که این کتاب رادرنقاب‌زنان‌شرقی بپیچند - یعنی‌حجاب آنهابرداشته‌شود.

عین‌این بیان‌رالرد گرزن‌درمجلس اعیان انگلیس گفت‌وعملا هم درتفرقه ملل اسلامی کوشیدند اناتولیکوس کشیش گفت:

مهمترین وسایل که فریضه برذمه مبلغین است که بدان‌وسیله درنفوذبرروحیه مسلمین پیشرفت کنندازاین قراراست:

۱- نشراناجیل دربلاد اسلامی

۲- جلب توجه آنان بوسیله تداوی و وسایل بهداشتی که دراثر اخلال ماها بسیار بآن نیازمندهستندوبدین‌منظورمریضخانه‌های مرسلین راتشکیل‌دادند

۳- اعمال تهذیبیه وتربیتی‌مثل تاسیس مدارس وبدینترتیب کالج‌ها را تاسیس کردند

۴- اعمال نسائیه مثل‌رفتن مبلغات بمنازل زنان مسلمان والقاء شبهات برآنها

۵- توزیع کتب مخصوص دربلاد اسلامی

خوانندگان عزیزملل نصاری (اروپا)هرچه بنظرشان رسیدبموقع اجرا گذاشتند ولی‌بتصدیق یکی ازبزرگترین مبلغین آنها «رئیس کلیسا وبیمارستان‌ودانشگاه بیروت» باآنهمه فعالیت که درراه تخریب اسلام کردند وملیونها کتب بدست مسلمین برایگان بازروزیور وصورت زیبا بخشودند همه برمعنویت‌اسلام وترویج دین‌افزود زیرا نه تنهایك نفرمسلمان‌رابدین مسیح برنگردانید بلکه‌ملیونها مسیحی را هرروز باسلام دعوت کرد واگرهم تبلیغات آنها فعالیت میکرد یکنفررا بی‌دین میکردند نه‌آنکه مسیحی کنند.

ناپلئون بناپارت پس‌از فتح اسکندریه و قتل عام اهالی مسلمانان آنجا در پشت میز خطابه بلشگریان گفت: اگر میخواهید اسلام و مسلمین را ریشه کن کنید بایستی اذان و قرآن را ازآنها بربائید،

ملاحظه کنید این دشمنی تاچه حد بنفع اسلام تمام شد زیرا تمام دستگاههای تبلیغی جهان بشریت مجبوراست قرآن بخوانند واذان بگوید تاجلب توجه مسلمین مسکونی کشورهای اسلامی را بنماید - تمام ممالك اروپا وامریکا ومخصوصا دشمنان اسلام - فرانسه - ایتالیا - انگلیس‌بزرگترین دشمن اسلام - وامریکاء در رادیوهای دیگر برنامهٔ ثابت تلاوت قرآن دارند.

کینه توزی‌دشمن

اسلام ازهمان روزها که پرتوافکن شد جمعی از یهود لجوج و عنود ونصارای بداندیش کینه‌توزباآورنده آن‌بدشمنی پرداختند و بتحریك کفار قریش وبت‌پرستان را برانگیختند وگاهی علناً خودهم شرکت میکردند وزمانی بحیله ومکر وغدرپنهانی کمك مینمودند و بیست‌سال مسلمین را بانواع رنج وشکنجه عذاب دادند و پس‌از رحلت پیشوای اسلام ایجاد اختلاف نمودند و سقیفه بنی ساعده را بوجود آوردند و سپس ازراه دسیسه بنی‌امیه راتحریض نمود دردربار آنها راه یافتند و وانواع جنایت وخیانت رادراصول وفروع دین بکاربردند تاخلافت بنی‌عباسی منتقل شد دردربارآنها نیزرخنه کردند تادین رابرخلاف آنچه هست بنمایند.

درهمه‌این احوال یامسیرتاریخ اقوام وملل نیرومند رابرکشتار مسلمین تحریك کردند و بدین ومذهب وقرآن ورجال علم وفضیلت اسلام انواع واقسام تهمتها وافتراها ودشنامها ،ونسبتهاداده‌اند تاجنگهای صلیبی رابرپا کردند وچه کشتاری که ازمسلمین‌شد وباتعصب مذهبی‌رؤسای‌روحانی‌مسیحی وبیسوادی و بی‌اطلاعی آنها مقابل حقایق واصول ومزایای دین اسلام ومقام رفیع پیغمبر اکرم ص را

مشحون ومحتوی بود وازطرفی برای حفظ دکان رهبانیت خود اغاب مسیحیان بآئین و پیغمبر اسلام بنظر بغض ودشمنی وحقارت نگریسته اسلامرا درردیف کیشهای باطل تصور کرده ودعوت آنرا برضد دعوت مسیح و برخلاف مصالح جامعه انسانیت میپنداشتند ولذا دست تبلیغاتی در کتاب خود علیه مسلمین زدند وهرچه دلشان خواست گفتند و نوشتند غافل ازاینکه آفتاب بیش ازچند روززیرابر پنهان نخواهد شد و بالاخره روزی آشکار میشود که حقیقت اسلام چهره خود را بنماید و بداندیشان را رسوا سازد .

جمعی در کتاب «تاریخ آداب فرانسه وبیزینتیه» که جمعیت مبلغین مسیحی درقازان روس برضد اسلام تالیف کردند افتراها ونسبتها بمقام مقدس پیغمبرص دادند واورا یك مردضد تعلیمات مسیح جلوه دادند .

ولتر متولد ۱۶۹۴ درتکذیب پیغمبرص رسالهٔ محتوی افتراهای بزرك نوشت وبواسطه آن از پاپ ایطالیا درخواست بخشایش گناهان خود را نمود یعنی این کتاب را کفاره سایر جنایاتش قرار داد .

تیورمن کتاب رومانی تالیف نمود که محمدص را بهیئت بتی که درقاوس ستایش میشدتصویر کرده وچون آن بت منفورمسیحیان بودبشنیدن نام پیغمبراسلام آن بت رادرنظرمیگرفتند و دلهای آن‌هاپراز کینه وحقد وحسد وغضب‌میشد .

دانتی مشهوروقتی که محمددا درصف صاحبان مدارك عالیه و مصلحین جامعه بشری شمرد و خواست این اشتباهات رابرطرف کند میخواستند اورا زنده زنده بسوزانند ازشدت بغض که نسبت بپیغمبرص پیدا کرده بودند از اینگونه کتب زیاد بود که این منظور بیان مطلب است نه تالیف کتب‌ضد اسلام،

این کینه‌توزی وخصومت در طول سیصدسال جنگهای صلیبی که تمدن و علوم و معارف اسلام را بردند و درسایه آن جنبش علمی و قدرتی کردند اسلام چهره حقیقت خودرا بر خردمندان آنها نمود .

نمایش چهره حقیقت دراواسط قرن نوزدهم‌میلادی‌درنتیجه ترجمه قرآن کریم بزبانهای اروپائی واتصال غرب بشرق دایره نفوذ شعاع علم وسعت یافت و روشنائی خود را بتاریخ زندگانی شرق انداخت .

میل اروپائی ونهضت علمی آنهابتحقیق واستقراء نظردانشمندان اروپا را جلب کرد و بآئین زندگی واحوال واخلاق روحی و معارف وفرهنك شرقی وعلل وعوامل نهضت جهانگیری محیرالعقول مسلمین توجه نموده راه انصاف ووجدان راپیمودند ودرضمن بحث وتحقیق عاری ازغرض و بدون پیروی ازتعصب وهوی وهوس تعلیمات‌عالیه اسلام ودعوت پیغمبراکرم ص عطف‌توجه نمود فکروتحقیق وتجزیه نمودند همانطور که یك بحث فیزیکی وشیمیائی‌را تجزیه وتحلیل میکردند این بحث‌تاریخی رانیزتجزیه نموده وارتقاء وتطور وتعالی مدارك دعوت و پیشرفت مسلمین‌را بصورت یك‌مطلب علمی نگاشتند وزنك اوهام وخرافات وخصومتهای تعصب‌انگیز دیرین مسیحی را ازدیده‌ها زدودندوباکمال صراحت‌اشتباهات گذشته را منصفانه اعتراف‌واقرار کردند ـ وسیرافکار واندیشه عامه رانسبت‌بلغزش های مغرضانه گذشته برگردانیدند بطوریکه مستشرق انگلیس **ماکس‌موللر** نوشت نزدیك است

مسیحیان بفهمند که محمدص پیشوای اسلام یکی‌ازمصدقین ویاری کنندگان آئین و تعلیمات مسیح بود و آنوقت دهشت‌خواهند کرد ازدشمنی‌های گذشته وخصومتی که بنام‌دین درقرنهای ماضیه مسیحیان مرتکب شده‌اند .

تولستوی متوفی ۱۹۱۰ فیلسوف مشهوراخلاقی روس برای دفاع وتکذیب افتراهای مبلغین نسبت بمحمدص تالیفی نمود و کلمات حکیمانه پیغمبراکرم را جمع‌آوری کرده وثابت نمود که او منجی عالم بشریت بود .

نفوذ روح‌اسلام درپرتو نورحقایق قرآن ومقام ارجمند نبوی در مقدمه مستشرق دیگری بنام **فس‌ج‌م رودویل** که برقرآن نوشته عظمت این کتاب آسمانی و مقام رفیع آورنده آن را درجهان ثابت کرد ونوشت که این کتاب همان روح قویست که یك ملت فقیر ونادان را منقلب نموده و آنهارا نیرومند ساخته بطوریکه از طرف غرب باسپانیا و ازطرف شرق بحدود هند دست انداخته ودراندك زمانی مملکت امپراطوری بزرك تاسیس کرد.

این نویسنده میگویدقرآن مقام ارجمندی دارد که نام‌یگانه خداوند آفریننده را درمیان‌ملت بت‌پرست نشر واعلان نمود وباید اروپا فراموش نکند که مدیون این کتاب است زیرا آفتاب علم را درمیان تاریکی قرون‌وسطی دراروپاطلوع دادهمانطور که درتاریکی عربستان طالع گردید.

مسیحیت علیه جهان اسلام

اوضاع واحوال تاریخ اسلامی درخاورمیانه ودور و نزدیك نشان میدهد که ملل‌مسیحی واروپائی درقرن ۱۹ پیشرفت های‌بموفقیت آمیزی رسیدند وهدف اصلی آنها ازطلوع اسلام بشهادت تاریخ اعمال‌سیاست ضداسلامی بود که میخواستند مسلمین رادرخواب غفلتی که ازدوران جنگهای صلیبی بافسانه های خود فروبرده دراغفال نگهدارند و لذا میکوشیدند تابهرنحو میسرشود استقلال سیاسی باقیمانده مسلمین را تزلـزل ومحو نمایند وخود برآنها سلطه یابند ولی چیزیکه مانع اجرای چنین قصدی گردید اختلاف داخلی خود ملل مسیحی بود که با رقابتهای سیاسی‌خود ازاین مقصد بازآمدند وخداوند بمنطوق **الهم اشغل الظالمین بالظالمین واجعلنا بینهما سالمین غانمین** . صورت ظاهر را محفوظ نگاه داشته شاید از خواب خرگوشی بیدار شوند .

درنهضت اخیر اروپا که درقرن نوزدهم‌رخ‌داد «رنسانس» انقلاب فکری بوجود آمد ورقابتی‌بین ممالك اروپائی رخ‌داد.

دراین رقابت سیاسی فرانسه قسمت‌عمده افریقای‌شمالی راباممعاهداتی تصرف کرد که مراکش هنوز نیم مستقل ودر شورش است.

ایطالیا چشم طمع بطرابلس عثمانی دوخته بود ـ مصر کانال سوئز راکـه درحیطه قدرتش بود میخواست سواحل مسلمان‌نشین افریقای خاوری بین‌انگلیس وفرانسه وآلمان وپرتقال تقسیم‌شد.

عربستان ویمن بدست وهابی که پرورش یافته های سیاست اروپائی بودند درآمد.

ایران سخت تحت الحمایه انگلیس وروس قرار گرفت ورقابت روز افزون آنها درایران و افغانستان که سنگر شمال هندوستان است همچنان ادامه دارد.

روسیه اراضی پهناوری درآسیای مرکزی بدست آورد خان‌نشین های بزرك ازبکستان بـدست

روس افتاد وهمسایه پردردسر ایران وافغانستان شد.

قفقازیه رابلعید- دولت‌عثمانی رامتلاشی نمودند وبین‌خود تقسیم کرده یك‌قسمت آن‌بنام‌ترکیه مستقل گردید وآنهم‌باسیاست انگلیس اداره‌میشد.

مصر ولبنان وسوریه ازخواب بیدارشد وباتأسیس دانشگاه وروزنامه وکتب مطبوعاتی فراوان بایك نهضت‌فکری ومعنوی درگرفت.

دولتهای مستبده فارس زبان تغییررژیم دادند ومقدمه جنگهای بین‌المللی گردید.

دولتهای مسیحی دراثر همان حس بدبینی که در میان آنها نسبت بمسلمین ایجاد شده‌بود به دشمنی علیه مسلمانان برخواستند و اولین اقدام آنها بوجود آوردن جنگهای صلیبی بود تاقدرت مسلمین‌را درهم بشکنند وبین سلاطین ایران مسلمان ومشرکین وبت‌پرستان ومنافقین وغیرمسلمان آتش‌فتنه وفساد راروشن میکردند تاآنکه مسند خلاقت عباسی را برچینند ولی خلافت عثمانی بجای آن‌نشست وبقول‌ژنرال سایکس مورخ انگلیس ازقول **انیاس ساویوز** نقل‌میکند که دنیای مسیحیت مانند بدن بی‌سر وجمهوری بدون قوانین یاهیئت دادرسان بود.

ترکان عثمانی نه‌فقط بزرگترین ومقتدر ترین دولت اسلامی بشمار میآمدند بلکه بواسطه تسخیر قسطنطنیه درسال ۱۴۵۳ میلادی دنیای مسیحیت زیادتر از تمام ازمنه و دوره های قبل مورد تهدید قرارگرفت.

این‌عبارت نشان میدهد باآنکه اروپائی درتمام ادوار قدرت و قوت مسلمین بانواع واقسام حیله وغدر متوسل میشدند که دولتهای اسلامی راتضعیف نمایند ولی‌باز نیرومندی اساسی خودرا از دست نمیداد.

حتی‌ملل مسیحی باکی نداشتند که دختران خودرا دراختیار سلاطین مقتدر بگذارند که از قدرت وسطوت مسلمین ونیروی اسلام بکاهند ودرتاریخ مفصل‌اسلام دیدیم که چندین امپراطوردختران خودرا برای سلاطین مختلف مسلمان و تسلط برملل‌اسلامی میفرستادند که باخویشاوندی مسیحیان برتضعیف مسلمین وتحقیرآنها تبهکاری نمایند چنانچه درعصر مغول وتیمور **وسلسله آق‌قوینلو و قراقوینلو وازبکان** اینعمل درتاریخ تجدید وتکرار شده است:

ولی باتمام این خصومتهای حیله‌آمیز اسلام درخود اروپا رخنه کرد وبقول مورخین اروپا باز شدن پای‌علماء ومخصوصاً صنعتگران وهنرمندان فلزی درونیس وبردن کتابها درآنجا جنبش عظیم برای طلوع اسلام دراروپا وشناختن مسلمین ونشرمعارف اسلام بوجود آمد.

یك مقایسه بین مسلمین ونصاری

پیغمبر اسلام ص پیروان خود را برأفت و مرحمت ومهربانی و عطوفت‌توصیه‌وتعلیم وتأکید فرمود که درجنگها پیشدستی نکنند دشمن را تعقیب ننمایند وبااسیر بمهربانی رفتارنمایند اعیان و اشراف را در خور مقام نگهداری کنند پیرمردان سالخورده و خرد سالان ضعیف و زنان را متعرض نشوند بناموس دشمن چشم خیانت ندوزند و آنها را غافلگیر نکنند.

مزارع و باغستانهای آنها را لگدکوب ننمایند درختان را نشکنند میوه هارا نریزند - در صورت تسلیم امان‌دهند وفای‌بعهد درامان نشان‌دهند دشمن مغلوب رامثله نکنند اذیت وآزار باسراء وتسلیم شدگان ننمایند.

آب را بروی دشمن نبندند مساکن آنهارا خراب نکنند وفقط در جنك دفاع وجهاد کنند ودشمن رابدین دعوت نمایند چه هدف نشر دین است- این روش جنگهای مسلمین بود چه درحضور پیغمبر یا بفرمان امیرالمؤمنین یادرعصر خلفاوغیره،

امااین خبر راهم از خود غربیها نسبت بحملات نصاری ومسیحیان ایطالیا که بافرانسوی - انگلیسی وآلمانی وغیره حمله بطرابلس والجزایر وتونس کردند نقل میکنیم:

خبرنگار اطریش چنانچه درنامه های **فون کنبرك** مینویسد حاضر بود ومشاهده میکند وچنین شرح میدهد.

... دیدم دستهٔ سرباز ازعقب خانه‌ها بیرون آمدند همینکه نزدیك شدند دیدم بازوی پنج تن عرب‌را ازپشت بسته باخود میآورند دراین اثنا آواز ناله‌ای شنیده‌شد دیدم چندتن دیگرعربی رابروی زمین میکشند سپس هرشش تن‌را تیرباران کردند معلوم شد دادگاه ومحاکمه نظامی درآنجا وجود ندارد بلکه آنجا کشتارگاه است.

ایطالیائیها چهارصدزن وکودك وچهارهزارمرد را دراین چندروزه کشته‌اندوقتی که زنانرا میکشتند میگفتند پنداشتیم مرداست.

درسال ۱۹۱۱ م خبرنگار جریده تمس در آن هنگام گوید:

نبایست فراموش کنیم که هجوم ایطالیا بطرابلس باموافقت فرانسه وانگلیس بود تاایطالیانیز درواقعه روز دوشنبه بنام انتقام نشان داد بهتراست قتل عام نامید زیرا بسیاری بیگناه راکشتند بدین ترتیب که جریده **دالی گودنیکل** انگلیسی گوید:

ارتش ایطالیا تاسه روز بهرعربی برمیخورد گلوله میزد زن وکودك فراوان راکشتند از روز دوشنبه تاجمعه بچهار هزار رسید.

خرمن خرمن لاشه پیرمرد وزن وکودك را بالباس پشمین آتش‌زدند- یك خانواده را برسر سفره طعام تاآخرین فرد آنها کشتند.

ایطالیا درروز ۷ نوامبر ۱۹۱۱ م چهارهزارنفر راکشتند که چهارصد زن درآن بودمردی پیررا دیدم که سربازها اوراکشته بودند یا سیك‌ها وهندوها مسلمانان هندوستان رابوضع فجیعی میکشتند آنها را بدرخت بسته ازهم جدا میکردند و افراد را مثله می‌نمودند دست و سروپای آنهارا جدا وقطعه قطعه میکردند این بود یکی از هزارجمله ازکشتار ملل غربی ازمسلمین (کتاب علم نو اسلام یا امروز مسلمین - کتاب جنایات هند و مسلمین).

علل عقب افتادگی مسلمین

مسلمانها پس از آنکه از کودکی بدانشگاه اسلام خومیگرفتند وآنجا تربیت میشدند ورشدملی پیدا میکردند اجتماع آنها بر پایه آهنین تعلیمات برآن استوار بود وهیچ حادثهٔ از حوادث جهان یاسانحهٔ ازسوانح عالم قدرت نداشت اندك تزلزلی درارکان اجتماعی اسلام بنماید. **کالجبل الراسخ لایتحرکه العواصف.**

چنان پابرجا وباهیبت وسطوت وصولت بود که مقتدر ترین سلاطین جهان ازهیبت همان اعراب پابرهنه بیمناك بودند وبقول حکیم نظامی گرچه اعراب برپیکر تمدن ملل راقیه روم وایران **تاختند** ولی دین پاك ومهذبی که ضامن سلامت دنیا وسعادت آخرت بود بجامعه بشرارزانی **داشتند.**

گرچه عرب زد چوحرامی بما	داد یکی دین گرامی بما
گر چه زجور خلفا سوختیم	زال علی معرفت آموختیم

وتاآن دین وقانون را بتمام‌معنی حفظ کردند عزیز ومحترم ومترقی وحاکم ودارای همه گونه مظاهر افتخار شدند وهمینکه مانند یك‌اشراف‌زاده تکیه برثروت‌مادی ومعنوی کرده ودیگر به‌تنبلی وتن‌پروری پرداختند اموال وذخایر شان را بتاراج بردند وریشه‌های مفاسد رادر آنجامعه پراکنده وتقویت نمودند.

اینك آنچه که بنظرما رسیده ومعتقدیم باید مسلمان بتنهائی فرد بفرد برای ریشه‌کن کردن این مفاسد قیام کنند وواجب عینی است که برمحوان بکوشند بنظر خوانندگان برسانیم تانسل آینده چنانچه طالب سعادت باشند جنبش براساس اخلاق وشهامت نمایند وحق از دست رفته خود را بگیرند که حق گرفتنی است.

عوامل انحطاط

چون احکام وآیات قرآن یك‌یك فراموش شد حس‌بدبینی وشقاق ونفاق‌تقویت گردیدتاآنجا که امپراطوری باعظمت اسلام‌همانطور که سریعاً بوجودآمد مضمحل گردید ودشمنان نیزعلاوه‌برایجاد تفرقه وتشتت درمیان اهل علم وحدیث عوامل‌دیگری که موجب خصومت ومناقشه وتنبلی‌وتسامح‌میشد بوجود آوردند وهریك رابردیگری تحریك نمودند وگفتند فرق تسد تفرقه بینداز تاسیادت کنی - الکل وتریاك ودخانیات وفقرعمومی واحتیاج مادی و معنوی بزرگترین ضربهٔ بود که دشمنان دین برپیکرجامعه مسلمین زدند وبیش‌از ۵۰۰ ملیون مردمیکه بیك سوی بایك توجه بیك مبداء ویك‌خدا ویك قرآن ویك قبله ویك هدف که تهذیب اخلاق‌بود میزیستند همه را دسته دسته قبیله قبیله - دولت دولت کوچك کردند وبرجان ومال وعرض وناموس وروح‌معنوی آنها سلطه یافتند وآنقدر از خون این ملت نجیب این جامعه عفیف - این قوم پاك وبی‌باك مکیدند و آثار وخزائن آنها را ازعلم و کتاب وفرهنك‌وصنایع واموال وذخائرشان‌بتاراج بردند که‌خزائن‌چند کشوراروپا وامریکاء ازملیونها کتب ونفایس اموال قیمتی مسلمین انبوه گشت وفضایل وتعلیمات عالیه آنهارانیز گرفتند وبجای‌آن رذائل اخلاقی وموجبات غنج ودلال واسباب وعوامل فحشا و شهوات بآنها داده‌ند - مانند کودکان باعروسکهای رنگارنك واسباب تجمل زندگی آنهارابیازی گرفتند.

اما باتمام این مطالب اسلام نفوزمعنوی خودرا ازدست نداد - قرآن بزبانهای بسیاری‌ترجمه شد کتب فقه اسلام فلسفه اسلام - عرفان ومعارف دین مانند مثنوی وگلستان سعدی وغیره الجبر و قانون بوعلی وکتب رازی همه ترجمه شد واسلام را دردنیا معرفی کرد درحقیقت یك دستهٔ ازمسلمین را سست عنصری کردند ازبین بردند ولی‌آفتاب اسلام چون ازاین ممالك‌شرقی افول کرد درممالك غربی واروپا وامریکا طالع گردید وسریع‌السیر نفوذ معنوی خودرادراعماق قلوب مردم فهمیده‌جهان جای داد وبجهانیان تعلیم دادکه پایداری ودرستکاری جامعه‌های بشر وابسته بدین وآئین است

انحراف فکر

ملت اسلام امروز رفتار یکحالت روحی وکسالت فکریست گو آن‌این‌است که بجای‌آنکه گذشته راوسیله نیل کمال آینده‌قرار دهد بیشتربگذشته عطف توجه‌کرده وابداً درفکر آینده خود نیست نه ازجهت‌دنیانه‌وازلحاظ آخرت ولذا باامراض روحانی گاهی حق خودرا بیش‌ازآنچه هست

ادعا میکنند و گاهی حقوق مسلم ملی ودینی واجتماعی خودرا فراموش کرده ابدأ قدمی درراه احقاق حق برنمیدارد این حقیقترا بایك مثال بهترمیتوان روشن کرد . ایرانی مسلمان یامسلمانان خاورمیانه درسابق تمدن جهانگیری داشته ودرتمام علوم ومعارف نوابغ ومتخصص ودانشمندانی بجهان معرفی کرده است ولی با کمال تاسف باید گفت امروزمقلد ملل اروپائی که بگواهی خودشان وارث تمدن اسلام ورهین منت علمی وعملی میباشد گردیده اند .

مسلمین امروزچشم وگوش خودرا بمغرب دوخته تاصنایع اروپا رابینند وبشنود اماخودش که در این تمدن سهمی بسزاداشته درفکر واندیشه یك صنعت واختراع وابداعی نیست - مسلمین مشرق غرق یك سلسله عادات اروپائی شده وازتکامل مادی عقب افتاده وآن عشق وعلاقه وشوق وحرارت وسعی وفعالیت گذشته خودرا بکلی ازدست داده اند بیك زندگی شبیه اشرافی بطورمادی بهرجهت به مسامحه وتکاهل وتسامح میگذرانند .

دانشمندان اروپا بشرحی که در کتاب میراث اسلام نوشته اند اصول علمی وصنعتی وفرهنگی ومعنوی امروز اروپا ازدنیای اسلام گرفته شده وازجهان عربی سرچشمه گرفته اند آنچه ازاین تمدن کنونی نصیب ملل مغرب واروپائی شده ازملل اسلام اتخاذ کرده اند وعلوم وصنایع رابایکدیگر بهم ترکیب نموده وآنرا بصورت کامل دنیائی امروز بجهان علم وصنعت اهداء کرده اند .

اسلام درحوادث بزرك

حوادث بزرك وانقلابات عظیم وجنگهای دامنه دار وعمیق گذشته قتل وغارت وویرانی و تلاشی وانهدام یك نتیجه هم دارد وآن تحول افکار وجنبش اقوام و ملل است که دراثر آن حوادث میتواند ملتهای خودخواه وخودممتاز تنبل وتن پرور را از بین برد و یابجنبش و کشش و کوشش برانگیزد وتمدنها واصول دسته ورقاء ملی رابراقوام وملل نشان دهد و علوم رسمی وعمومی رادرضمن جریان حوادث وانقلاب بمردم تعلیم کنند مثلا درجنگها مردم بتاریخ و جغرافیای ممالك غالب ومغلوب یامهاجم و مدافع عطف توجه کرده خوب این درسرا از محیط فرا میگرفتند وموجبات تمدن را ازیکدیگر میگیرند .

فتوحات اسلامی مردم عربستان راکه جزسرمایه ایمان واخلاق چیزی نداشتند بتمدن جهان آشناساخت وباحملات وپیشرفت اطراف عربستان تاشرق وغرب وشمال و جنوب علوم وصنایع قدیم جهان راگرفتند وبایك روح تازه وسبك نوینی وسلیقه مخصوصی متضمن دستورات اسلامی بیك تمدن بزرك بی نظیری براساس دین وعلم وفضیلت استوار کردند تاباوج کمال رسیدند وچون هشت قرن گذشت مغرور آن پایه مدنیت وعلم وصنعت وثروت وقدرت شدند راه تعلل وتعطیل قوای روحی وفکری راپیش گرفته ازعلوم وصنایع کناره گرفته مثلا ازپانصد علمی که حضرت امام جعفرصادق ع بچهارهزار شاگردانش آموخت منحصربه ۲۵ علم گردید وراه انحطاط وتنزل مقام سیاسی راپیش گرفتند چون تمدن اسلام درسرتاسرجهان مظاهرخود را بمنصه ظهوروبروزگذاشته بود وعلوم ومعارف اسلام درهمه کتابخانه و کشورها نمودار بود ودرهمه بازارهای دنیامتاع مسلمین درنظرتجلی داشت ملل غربی که آنهمه مظاهر وآثار مدنیترا دیدند بفکر استقلال خود افتاده وازخواب غفلت مسلمین استفاده کرده شروع بحمله وهجوم کردند و جنگهای صلیبی را بوجود آوردند تاآنکه تمام مبانی تمدن مسلمین راگرفتند ودراین جنگهای دویست ساله

موجبات انحطاط اخلاقی مسلمین رافراهم کرده وسرمایه علم وتمدن واخلاق وفضیلت آنهارا بردند و در ممالك اسلامی رخنه کـرده هرچه از نفایس و خزائن داشته بهرقیمت و بهر سیاست میسر شد گرفتند ،

این حقیقت تاریخی مارابیك معنی که ازحدیثی ازائمه شیعه امامیه نقل شده متوجـه میسازد که گفته‌اند درهرقرنی باید ازپیکراجتماع فصدی‌شود هماطور که ازپیکریك فردباید خونهای کثیف گرفته شود ازپیکراجتماع باید خونهای فاسد خارج گردد ولذا این جنگها یاتواریخ طبیعی مـانند خسف وزلزله ـ قحطی ـ آتشفشانی وغیره گاهی بمورد است تاملتها ازخواب بیدارشوند وغافلها بهوش آیند وبسعادت لایق خودبرسند .

جنگهای صلیبی که ازدشمنی‌مسیحیان‌ونصاری علیه اسلامی ازهمان اوایل طلوع دین اسلام‌ریشه گرفته بود ودرقدرت مسلمین نمیتوانست‌کاری انجام دهد بمحض ضعف مسلمین و غفلت وبیهوشی‌آنها شروع بحملاتی کردند وباآمدن‌بمشرق وممالك اسلامی‌تمام ذخایررا بردند وامروزهم اقراراعتراف مینمایند که درتمدن کنونی وارث مسلمین درعلوم وصنایع میباشند ،

ملل‌اروپائی مخصوصادرهنرهای زیبا ونقاشی‌وصنایع ظریفه ـ ادبیات‌وبالاخص درعلوم طبیعی وطب مرهون‌خدمات عالیه مسلمین‌هستند چنانچه دکترماکس‌میرهوت کتابی دراین فصل نوشته‌که قابل توجه است .

ریشه‌های مفاسداجتماعی

دروغ ، نادرستی ، خیانت بامانت ، بی‌ثباتی در ایفـای بعهد ، تربیت فاسد که رشدعقلی ورشدبدنی را ازدست داد وضعف‌نفس بوجود آورده است . مفاسد فرهنك اروپائی که تحمیل برملت اسلام شد اوهام وخرافات ونظریه های حدس وتخمین رامیپروراند وایمان بحقیقت ویقین را مکتوم میدارد ـ آزادی فکر واندیشه راروی اوهام ونظریه‌های فاسدمیبرد نه‌ازروی‌حقایق مسلم‌عالم وجود،. فرهنگی که شهوت‌انگیزاست نه تقوی‌آمیز ـ فرهنگی که رذیلت‌پروراست‌نه فضیلت‌اور ـ فرهنگی که حقایق علمی‌را زیرپا گذاشته وتئوریهای سفسطه وجنون‌آمیزرا تقویت کرد .

معارفی که نیازهای اولیه بشر راکنارگذاشته احتیاجات احتمـالی را تقویت میکند . معارفی که آتش شهوات را برمی‌انگیزد و بدنهای لخت وعریان زنـان بی‌عفت را بنـام آزادی درمعرض مخاطرات ونسل آینده می‌اندازد .

نکارنده می‌اندیشد که هر کس‌بگوید زن ومرد ازنظرحقوق‌غرائزطبیعی مساوی است‌جزمنطق شهوت نگفته وهیچ‌آمیزشی عفیفی بایك خاندان اصیل و نجیب نداشته تا یقین کند که غرائز طبیعی قوای درونی‌زن بتحقیق ضعیف‌ترازمرداست واینهمه غوغای آزادی زن برای متمع‌شدن ازشهوات‌همان مردان زن صفت است وگرنه مردخردمندی کـه علاقه بملیت ونسل‌آینده داشته بـاشد ارحام یك جامعه راکانون مکروب امراض نمیسازد وافکار یك معصوم رابمشتهیات نفسانی‌نمی‌آلاید .

آری این‌کارها بود که فضایل راکشت ورذائل را ایجاد وتقویت کرد ـ دیگرقبح‌کاربرداشته شده ولذت زیبائی‌زن ازمیان رفته است ،

تفوبراین مغزها ومشاعر کودکانه شهوت‌آمیز که پای‌بند ومشتهیات نفسانی‌میشود و برای‌قرنها یك جامعه رابدبخت ویك ملت رابدنام میکنند .

وای بر آن زن‌صفتانی که برای حفظ مقام وکالت ووزارت دختران معصوم مسلمین را عریان و برهنه درمعرض استیفای شهوات جوانان جلف وبی‌تجربه ومقامات ناآزموده گذاشتند قرنهاجنایات و معاصی‌اینمردم بحساب این‌افراد گذاشته خواهد شد؟

مرتکبین‌این جنایت‌خواه وزیر یاوکیل‌ایرانی یاوزیرمصری وهندی یامجمع ملل متفق‌یاجامعه ملل متحد ویاناشرین‌منشور اتلانتیك یاهرکس باشدضامن این جنایت‌دامنه‌دار است که قرنهاشریك جرم شناخته شده ومورد لعن‌وطعن جهانیان است همانطورکه یکمرد خیرباحداث یك قنات آب‌قرنها ازثواب مصرف کنندگان آب بهره‌مند میگردند.

همانطوریك مرداحمق نابخرد باارتکاب یك‌جنایت دامنه‌داری شریك جرم وهرگناهی‌هستند که مرتکبین آن بدعت عمل میکنند.

نعوذبالله من‌شرالشیطان ومن شرنفس‌الاماره

رواج مشروبات الکلی و مسموم کننده و جنون انگیز موجب اضمحلال و انحطاط اخـلاقی جامعه شده است.

استعمال دودهای خطرناك وکشیدن وافور وتریاك وسیگار وغیره ازآثار تمدن جدید اروپائی است اسلام باهمهٔ این بدبختی‌ها مخالف است وصریحاً میگوید: **ولاتلقوا بایدیکم‌الی التهلکه**

مرد خردمند اموال خودرا آتش نمیزنـد و دودان رادرچشم وگلوی خود فروبرد ـ این فقط یك نوع جنون مستانه نابخردانه ایست کـه سوقات ملل غرب بود و بجای ذخائر اسلام که بردند بجا گذاشتند،

قماربازی که تمام قوا و مشاعر واموال وذخـایرومیراث وتمکن وحتی‌تمام قوای طبیعی‌وغرائز معنوی راباباخت خواهد داد وفقرومسکنت، مرض وکسالت وانحطاط ورذالت بوجود میاورد، نظم زندگی را از دست میدهد.

قماربرد ندارد چنانکه ازاول قماربازی گفتند نی‌قماربری

مفاسد اجتماعی

یکی‌از عواملی که ملل اروپا برای ترقی ورشد عقلی خودشان اختراع کردند سینما ونمایش‌خانه وتصنیف کتب قصص‌وداستان ورمان وتصانیف و اشعار موهوم بود ولی دراین مملکت عکس ـ العمل آن‌صددرصد بضرر وزیان اخلاقی جامعهٔ ایرانی تمام‌شد.

این دام‌هائی بودکه ملل غربی ودشمنان دین اسلام برای انگیختن شهوات و ارتکاب جنایات در دسترس مسلمین گذاشتند رمانها ـ اشعار ـ تصانیف شهوت انگیز و جنایت آمیز کتب **لوند ـ جلف ـ لوس**: وغیره که اخلاق جوانان معصوم ودانش آموزان مسلمین رادر معرض خطر انداخته و تمام اوقات آنهارا گرفت.

ده‌سال اینکار درایران انجام‌شد قرنها ملت‌نجیب ایران‌را باانحطاط اخلاقی عقب‌راندند وملیونها پرونده دزدی وجنائی وجنحه وقتل وسرقت وفحشاءِ ومنکرات در **دادگستری کشوری که پیغمبر اسلام پادشاه آنرا بدادگستری یاد فرموده بوجود آوردند.**

دروس ومعارف دین متروك ماند ـ قرآن راپشت‌سر انداختند ـ اشعار وآثار شعرای اسلام که

سرتاپا فضایل واندرزها ونصایح وتعلیمات اخلاقی وتجربه خاص عمومی بود همه را کنار گذاشتند و رمانهای عاشقانه وسینماهای مستانه وعکسهای زنان بی‌عفت لخت‌وعریان رادرانظار جوانان گذاشتند وآنهارا باین بدبختی وذلت‌وفقر ومسکنت انداختند که اگریك مردصدساله قبل‌از نیم‌قرن ایران‌را دیده‌باشد و پس از ۶۰ سال باز بایران آمده هرگز این‌ملت راباشعائر ملی‌نخواهد دید تأثیری که سینما درایران کرده ومیکند قرنهامسلمانان رااز حقیقت دور گردانید .

نمایشاتی که بنام‌معاشقه وغنج ودلال جوانان راراهنمائی بشهوات و کیفیت معاشقه کرده وحس شهوات آنهارا بیدار وتحریك نمود بنحوی که امروز هرشخصی ازوزیر ووکیل واشراف واعیان که دختران وپسران خود را آزادانه باین دستگاه های شرم آور فرستاده‌اند جزفقر ومسکنت‌ومرض و کسالت‌وپرونده‌های‌جنائی‌وبدنامی‌چیزی بیادگارنگذاشته وجزابواب‌افتضاح وبی‌آبروئی راکه بسوی خود وخاندان وفامیل وملت ایران باز کرده‌اند وانفعال وشرمندگی چیزی باقی‌نمانده است

این نغمه‌های ناهنجار این‌آهنك های شهوت‌انگیز این صداهای نامطبوع همه‌برای سستی‌اعصاب وبیدار کردن غرایز وشهوات ایجاد فاصله طبقاتی‌بود.

بریدگیهای طبقاتی همه‌زیاد شده جزضعف نفس وضعف بنیه‌مالی واداری و انحطاط اخلاقی و تشدد امور اجتماعی ونسل مریض وفقیرچیزی بجانگذاشت این‌ارمغان رابما دادندکه همه چیز مارا بآسانی ببرند ونفس نتوانیم کشید .

تمدن اسلام که شامل سعادت دنیا ورقاء اجتماع ورستگاری آخرت وسیاست بود ازما گرفتند و بصورت یك فرنگی بی‌نصیب و بی‌علاقه تمدنی مادی بوجود آوردند دروغ و چاپلوسی های بیجا مداحی های فضیلت کش ـ مجامله وتسامح بمنظور حفظ منافع شخصی و ترجیح آن برمصالح عمومی درمجلس شورای ملی درپیشگاه مقامات غیرمسئول درروی منابر وتبلیغات درجراید ومطبوعات ورادیو وسخرانیها آنقدر دروغ وچاپلوسی شد که حقیقت پشت‌پرده مخفی ماند ـ آنقدر مجاز گوئی شد که چهره زیبای حقیقت برنسل جوان مکتوم ماند.

امروز نوباوگان ازشعائر ملی ودین وآداب گذشتگان نیاکان‌خودجزقصه‌ها نمیشنوند وجز خواب وخیالی‌نمی‌بینند زیرا زندگی ایرانی امروز نمونه مستعار تمام زندگی اروپاست واسباب و عوامل زندگی همه‌صنایع خارجی است.

حکیم نظامی خطاب به‌پیشوای اسلام کرده عرض میکند دین را باشهوات آمیختند وشیوائی براو بستند که دیگر شناخته نمیشود .

دین تورا درپی آرایشند — درپی آرایش و پیرایشند

بسکه فروزند براو برك‌ساز — گرتو ببینی نشناسیش باز

علل انحطاط واضمحلال

۱ ـ ناچیز گرفتن‌وسهل‌انگاری درگرفتن مالیات

۲ ـ عمال واصول مالیات خراج مملکت رابخود اختصاص میدادند.

۳ ـ اشتغال مردم بفتنه وباز ماندن ازکار زراعت وآبادانی اراضی بایر شدن قنوات ولم‌یزرع ماندن دهات .

۴ - انتقال املاك دولتی باملاك شخصی وتزیید تشریفات وتکثیر مخارج وتقلیل درآمد.

۵- اسراف وزیاده روی خلفا ووامراء وسلاطین زنان ایشان وتلف کردن اموال بیت المال به مصارف شهوات آنان.

۶ - ایجاد راههای مخارج مختلف برای دولت.

۷ - افزودن رسوم‌ها ومقرری مستخدمین بیکار مانند عاملین کاتبین وزیران ، قاضیان و کسان خود ، اعضای مخصوص دربار ولشکریان ودبیران آنها.

۸ - برای حفظ مقام خویش گروهی را بموافقت مقرراتی میدادند که براصول رویه دین مخالفتی کنند وفتاوی علیه دشمن ندهند وعلمای درباری باشند وآنها مخارج شان بعناوین مختلفه از بیت المال داده‌میشد چنانچه هنوز ادامه دارد.

۹ - ازمردم درموقع بیعت پول میگرفتند وآنها را به مخارجی موظف میکردند واین خلاف رویه ودعوت اسلام بوده؟

۱۰ - مخصوص داشتن رجال دولت واموال بیت‌المال برای خلفا ودرباریان ووزراء و خالی داشتن خزانه دولت تاآنجا که وزراء رامصادره کردند واموال آنهارا بغصب گرفتند نفاق جای‌تفاق را گرفت تشتت بمسند اتحاد نشست.

مسلمین مساجد بزرك اندلس رااز دست دادند و کلیسا شد یا کنیسه گشت - همان سرزمینها که‌رلد مردانی دلیر وباشهامت ومسلمانی غیور وباهمت دانشمندانی بزرك وباعظمت بوجود میآورد و عبادتگاه مسلمین بود جای‌رقص وموسیقی نصاری شد.

مسجد بزرك سومنات که بدست سلطان محمود غزنوی ساخته شده بود وقرنها محل عبادت و تعلیم وتربیت ودارالتبلیغ بزرك مسلمین بود که انگلیسها بدست هندوها دادند وبجای پرستش‌خدای یگانه فعلا درآن عبادت بت‌ها میشود.

شهر دهلی که قرنهای متمادی مرکز سلطنت‌پادشاهان اسلام بودبدست سیك‌های‌هنداسیرشدند یهود که هزارسال است خراج‌پرداز اسلام میباشد دوره تربیت الیهود را آغاز کرده ومیخواهند در مقابل اسلام آن‌قانونی اجتماعی بشری عرض اندام کنند.

سستی، تنبلی، کاهلی، بی‌علاقگی ، بی‌دینی تقلید کورکورانه، لاقیدی شرب مسکرات ، قمار عراق،شراب، تریاك؛ زنا،سینما، وتآتر وغیره تحمل وطاعت، قناعت، سازگاری، مبالات، مآل‌اندیشی رااز انسان‌دور میسازد.

فقر ومسکنت عمومی‌را بوجود میآورد افراد وطبقات بیچاره وبیکاره حیران وسرگردان وبی - خابمان وبی‌سرپرست میگردند چرخهای زندگی اجتماعی ازکار میایستد - نزاع و مناقشه‌ها عموماً روی فقر واحتیاج است اختلاف کارگر وکارفرما عموماً روی بی‌عدالتی است - فحشاء وسرگردانی زنان کثرت امراض مقاربتی که میوه کوچکش قطع نسل و مرك جنین یـامولود است رشوه خواری عمومی - رباخواری، رشاء وارتشاء اداری و بازاری - کسب در معابر که حرام است ، معامله‌بیع لم‌یوخذ ثمنه.

معاملات‌سفته وغیره مردم را متفرق ساخته ، همه‌از هم‌پاشیده‌اند، همه بهم بی‌اعتماد وبدبینند دولت ازملت ملت از دولت هردو ازطبقه دیگر هرسه از عوامل وبالاخره آتش فساد دوروئی، شهوت

دروغ ، خیانت، بی‌ناموسی، هرزگی ، رذائل اخلاقی افراد رافرا گرفته و محیط را سیاه ساخته و تاریك نمود .

طریق اصلاح جامعه مسلمین

۱ ـ تشکیل سازمان روحانیت براساس تقوی

۲ ـ ترتیب حوزه علمی و امور تدریس طلاب علوم دینیه براساس عدالت اجتماعی وتقویت و پشتیبانی ازدین وشعائر ومصونیت دین ازخرافات واوهام

۳ ـ تهذیب منابر تبلیغی ومجالس روضه ووعظ وتذکرازمداحی های بی‌مورد خواندن اخبار جعلی وقصص موهوم وبی‌اصل وتقویت استعداد های‌لایق وتربیت غرائز معنوی واعزام مبلغ بنقاط دور قراء و قصبات، مرزها،ممالك‌دیگر، میان‌ملل منحطة، میان‌اقوام وعشایر بدوی.

٤ ـ ایجاد صندوق بیت المال مسلمین ازروی عدالت وانصاف وصرف وجوه حقه اوقاف. سهم امام، خمس، زکوة، صدقات، خیرات وغیره وتأمین زندگی وعاظ ، مبلغین، پیشوایان روحانی که در اطراف برهبری میپردازند .

تعظیم شعائر مذهبی وتجدید مجد وعظمت اسلام وآل‌محمد که بزرگترین فداکاری رابـرای نشردین نمودند ومصون داشتن اجتماعات شعائر ازاوهام وخرافات.

۵ ـ آبادی وعمرانی مساجد بتناسب باعصروفرش گستردن، نظافت روزانه برق‌مرتب، حوض خانه ومستراح تمیز؛ کفش کن وموجبات بخاری وبادبزن وتشویق مردم بجمعه وجماعت.

۶ ـ تنظیم برنامه صحیح برموازین علم ودین برای مدارس که دراطراف ممالك اسلامی بحد وفورهست وهیچ کشور وملتی باندازه مسلمین مساجدومدارس واوقاف ندارد.

۷ ـ تشیید مبانی دوستی بین‌افراد، قبایل، طوایف، ممالك اسلامی، کشورهای‌بزرك وقاره‌های مسکونی‌مسلمین وتحکیم‌مبانی‌الفت‌ومحبت‌ودین و نشرعدالت دراجماعت‌وفضیلت اخلاقی که مخصوص مسلمین بوده‌است.

۸ ـ حذف وطرد سینماها، رمانها ، رقص‌ها، موسیقی های طرب‌انگیز وشهوت آمیز وتهدیـد این دستگاهها ازخرافات واوهام وغیره

۹ ـ کوتاه کردن دست‌اجنبی واجنبی پرست ودقت درطبع وتألیف ونشر کتب اخلاقی

۱۰ ـ دردست‌داشتن‌فرستنده‌رادیوو‌وتلویزیون‌نصب‌بلند گودرتمام‌قری‌وقصبات‌وسرهر کوی‌وبرزن شهروده‌وحتی کوهستانها‌برای‌ایلات‌وعشایر ودعوت آنهابدین ومفاخرملی‌اسلام. وتدریس علم‌وفضیلت

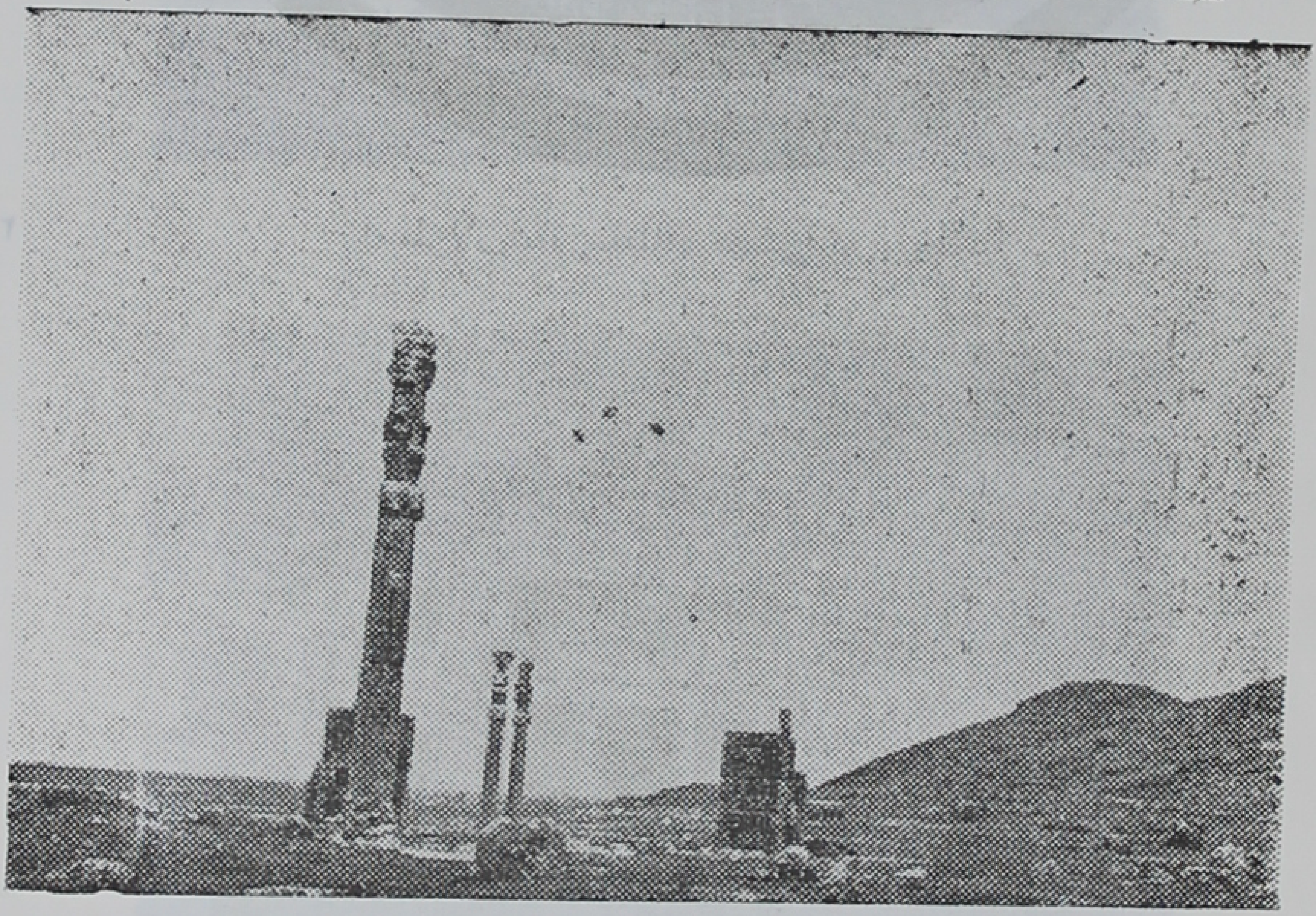
۱۱ ـ تجدید نظر درجراید ومجلات ومطبوعات وجلوگیری ازمطبوعات مضروفاسد وکتب‌ضاله وآنچه‌که سبب‌غنج ودلال وشهوات وفحشاء میباشد.

۱۲ ایجاد نمایش خانه‌های اخلاقی دینی علمی بجای سینماهای شهوی وتهیه فیلم‌های جالب‌ـ توجه از شعاعر اسلام ومفاخرملی مسلمین که بحد وفور در قلمرو اسلام موجود است وتعلیم تمدن اسلام و تاریخ جغرافیائی ممالك اسلامی ازهر کشور بکشور دیگر و مخصوصاًترویج کشاورزی و وصنعتی که تقویت بنیه مالی‌مسلمین رابنماید وکاربرای بیکاران بوجود آورد.

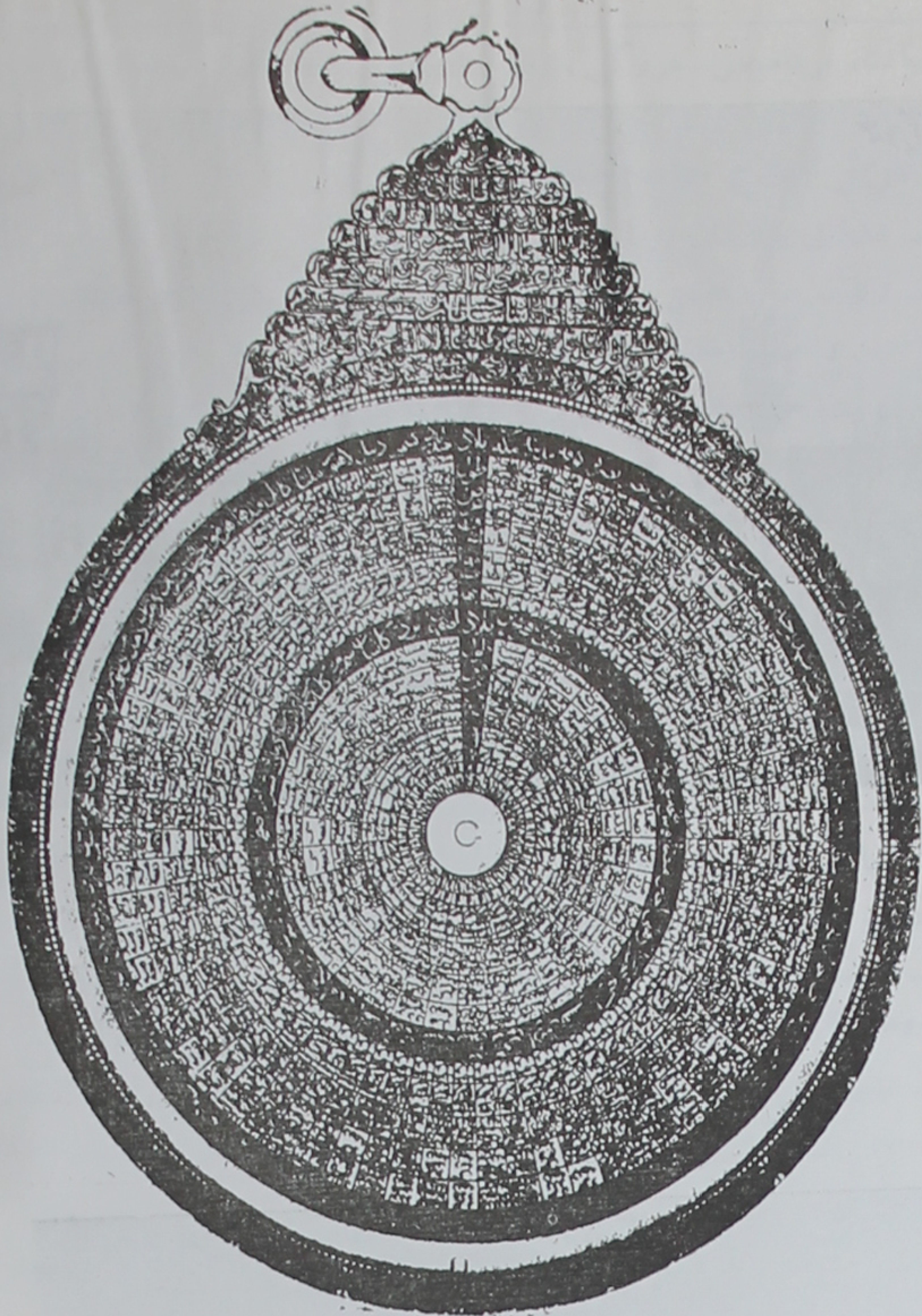
۱۳ ـ باید درتعلیم وتربیت مسلمین از راه تقویت دماغی وفکر و اندیشه ونیروی علم ودانش ایمان‌را تقویت کرد ومبانی الفت ومحبت برادری را تحکیم نمود و عظمت اسلام رادر روحیه دقیق



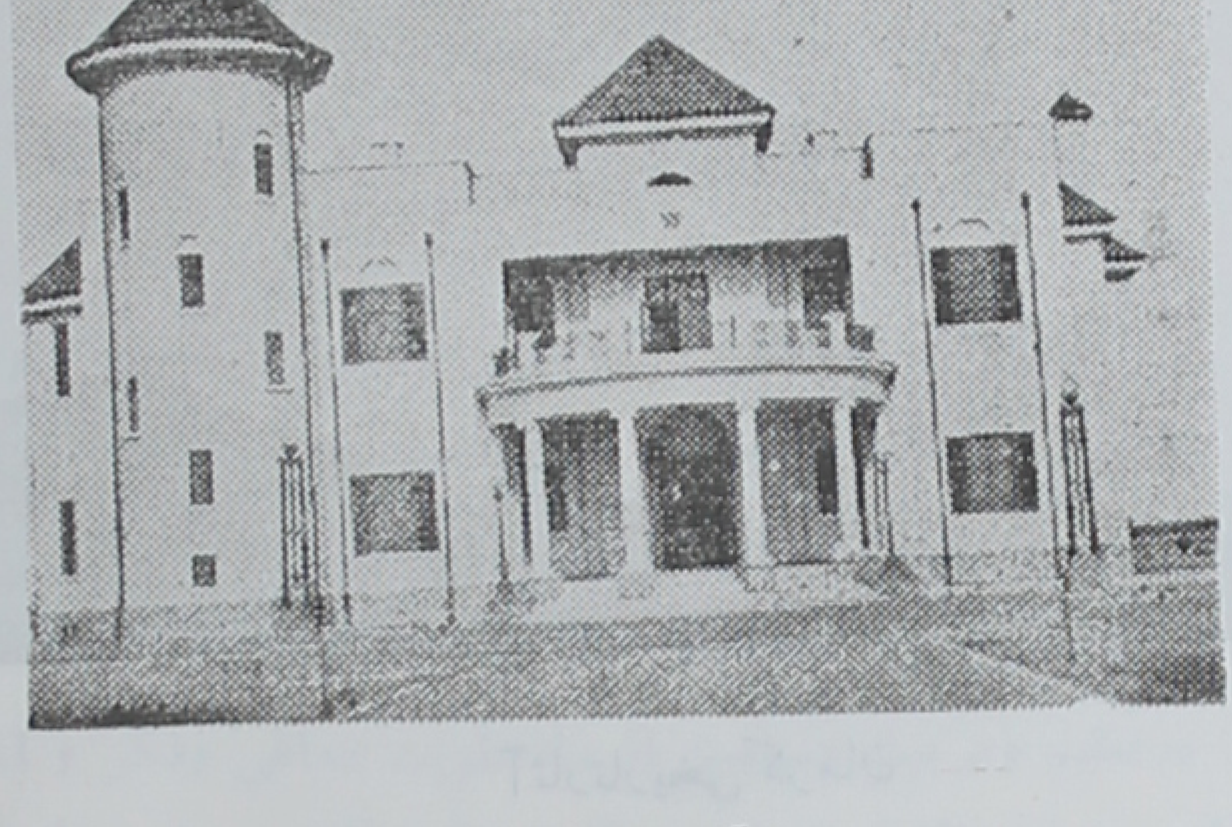
ش۲۷۵



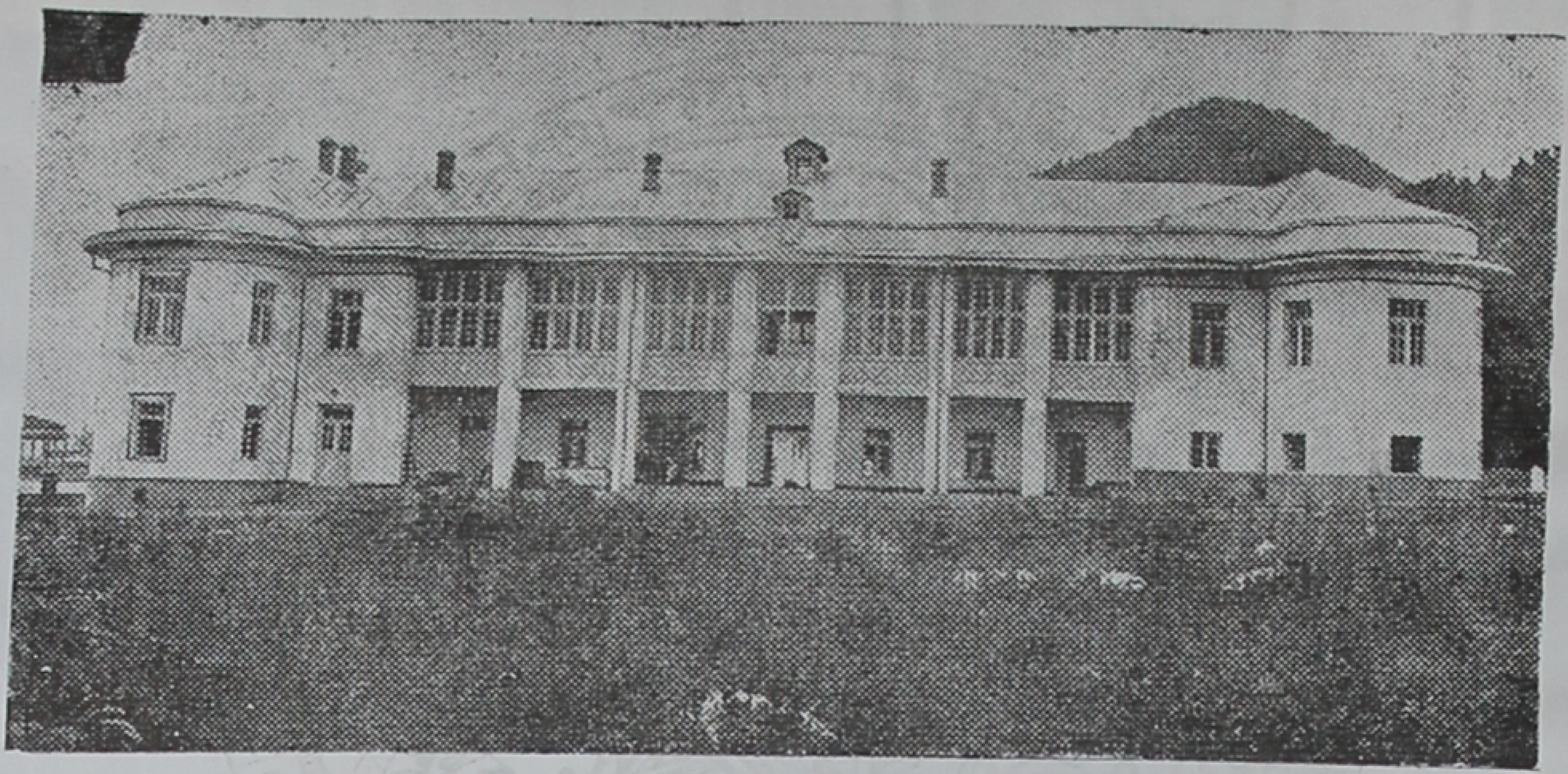
ش۲۷۶ آثار تاریخی کرمان



ش۲۷۷ اسطرلاب شاه سلطان حسین در بریطانیا

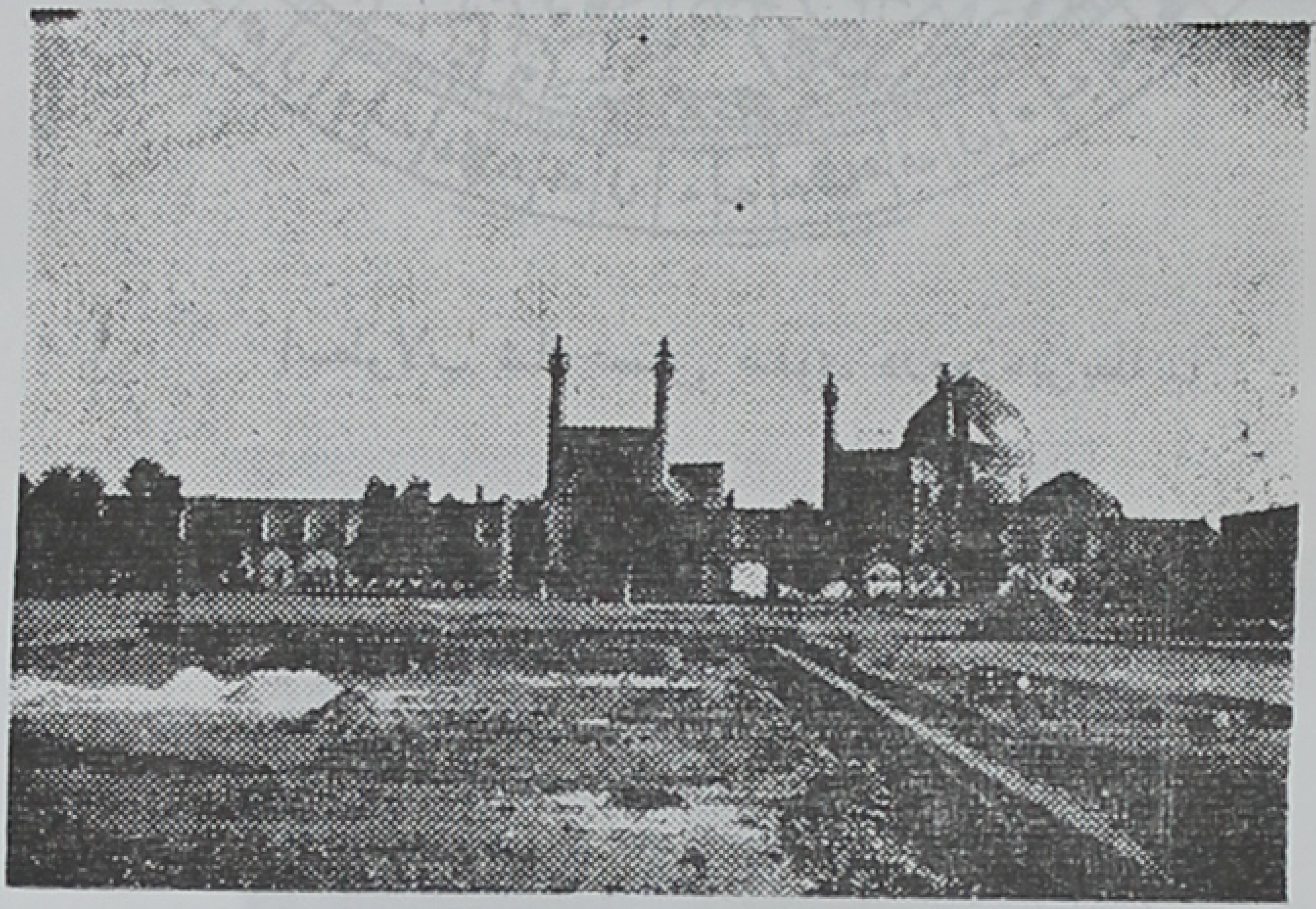


ش۲۷۸ قصر بغداد



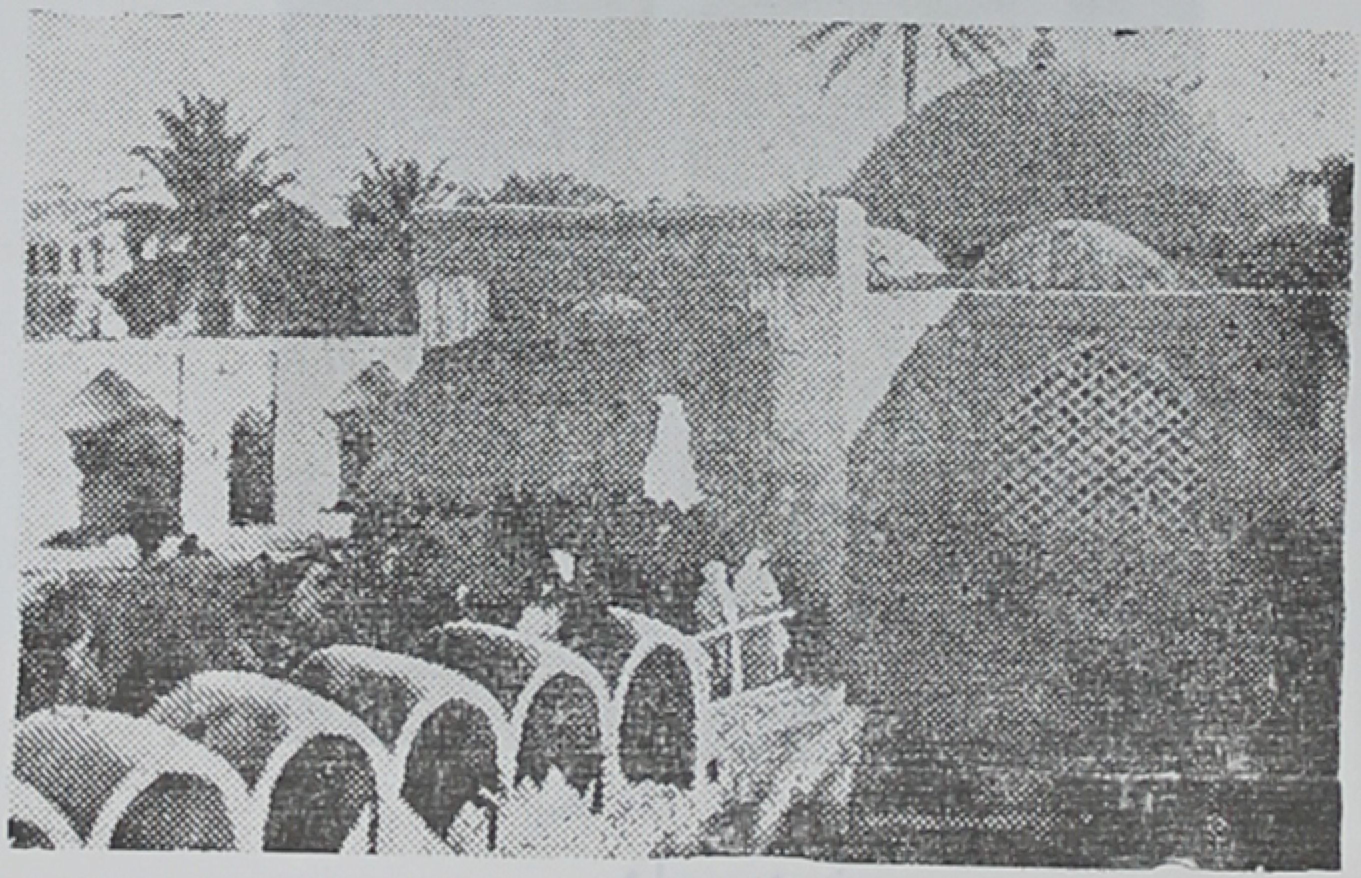
بیمارستان شهسوار

ش ۲۷۹



مسجدشاه اصفهان

ش ۲۸۰



خیمه گاه

ش ۲۸۱



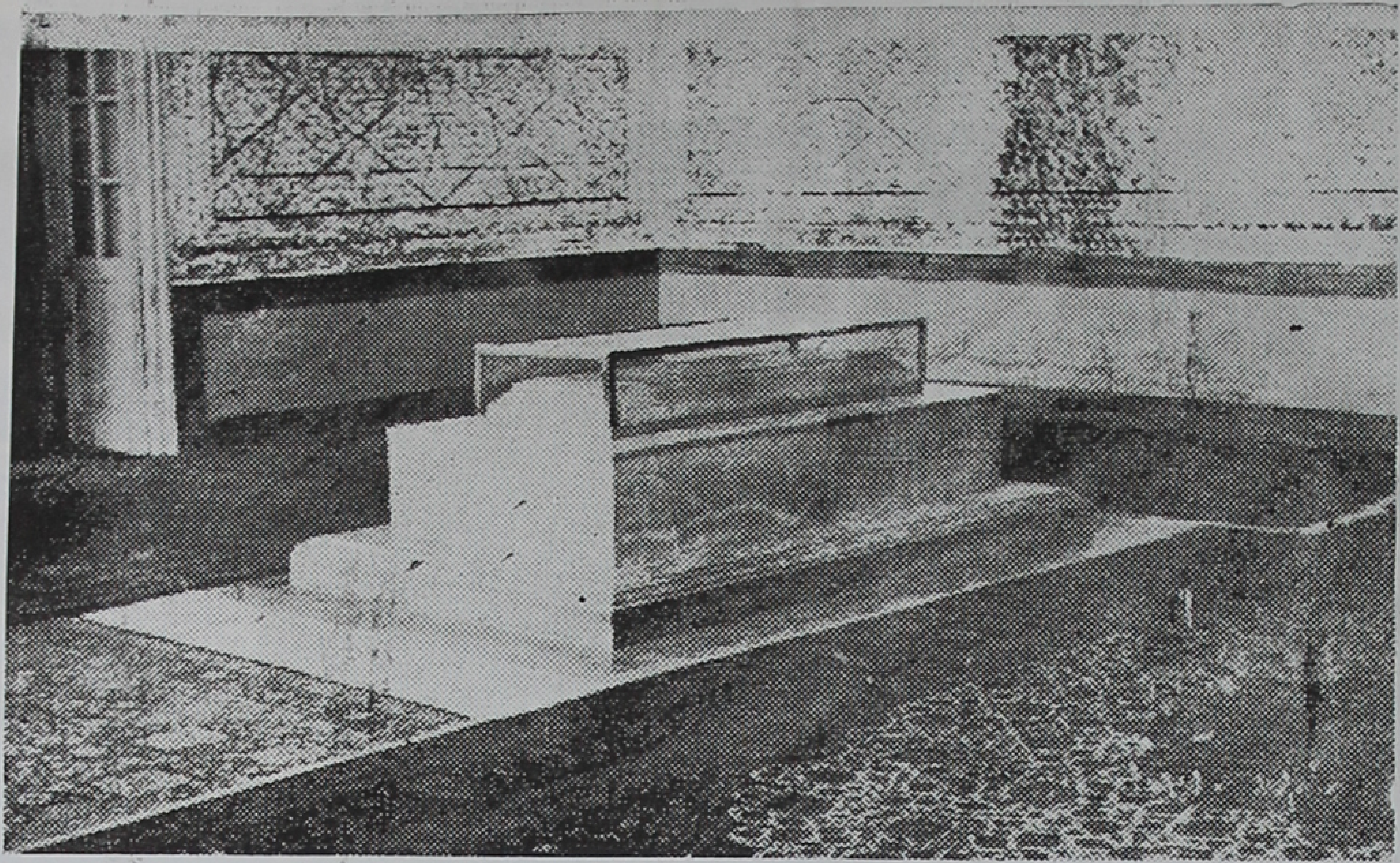
ش ۲۸۲

اسطرلاب شاه‌حسین صفوی درموزه بریطانیا



ش ۲۸۳

مشاهد مشرفه



ش۲۸٤ قبر شیخ بهاء الدین



ش۲۸۵ بارگاه حر



ش۲۸۶ مهمانخانه شاهی



ش۲۸۷ آقای اردبیلی در صحن مطهر رضوی در حال نماز



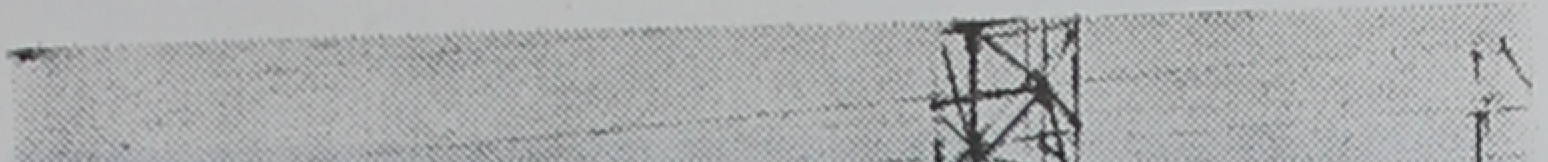
ش۲۸۸ نمونه از مسلمانان چین ملی



ش۲۸۹ علاقه بانجام وظائف مذهبی بین بانوان اندونزی عمومیت دارد



ش۲۹۰ آقای شاهرودی درحال نماز



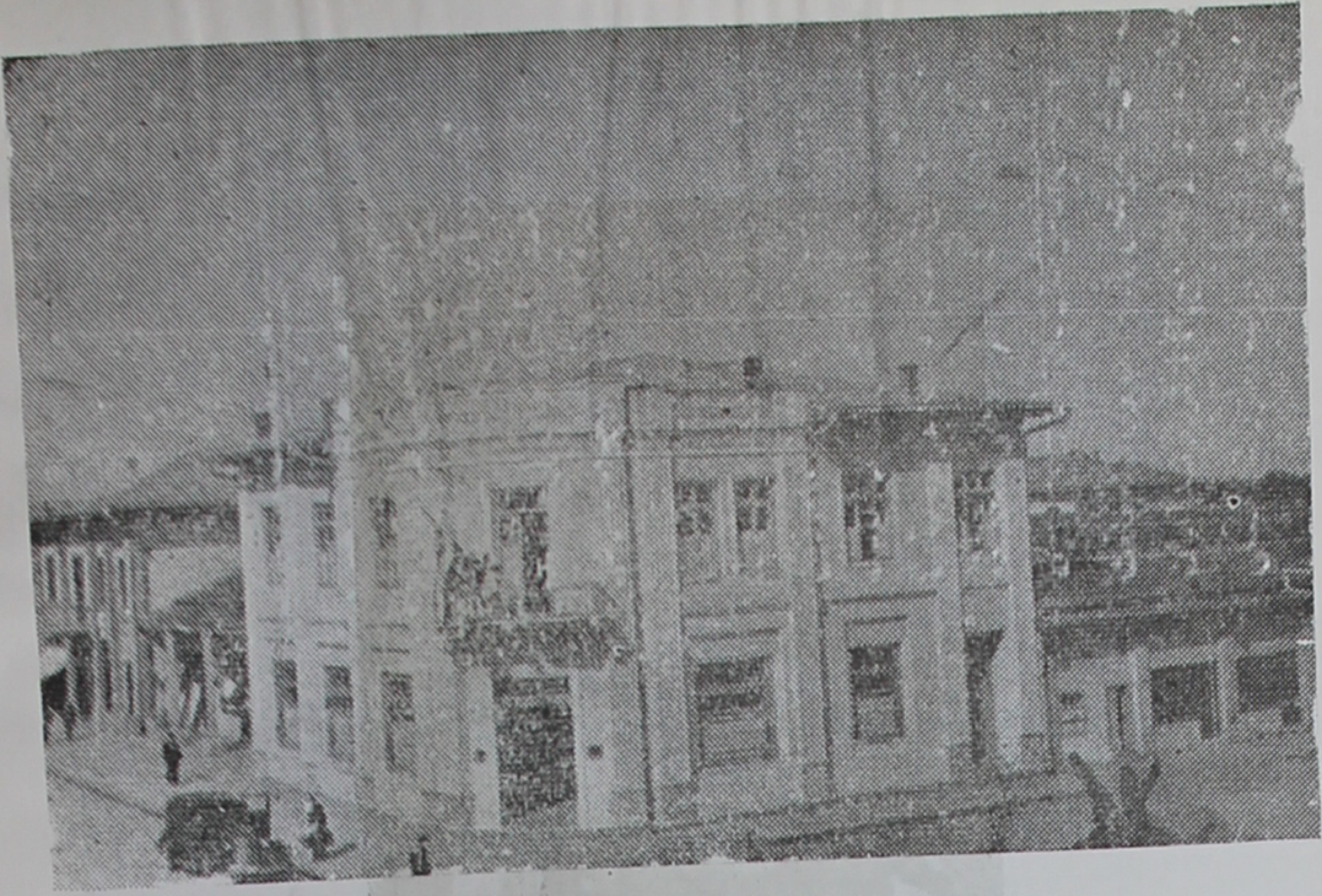
ش۲۹۱ مسجد کتابچه



ش۲۹۲ دسته‌از مسلمین آلمان درحال نماز

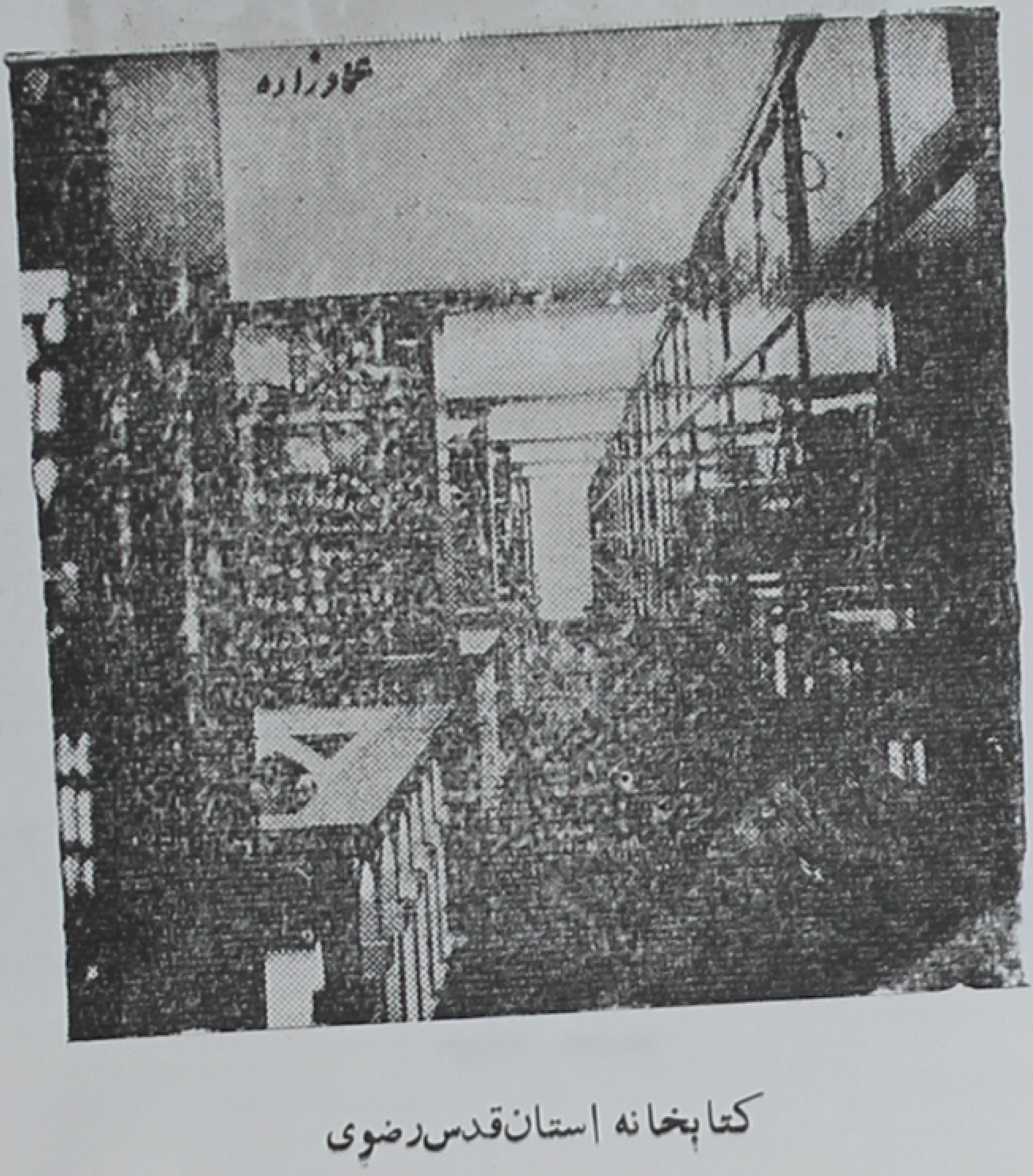


ش۲۹۳ درمسجد جدید فرانسه



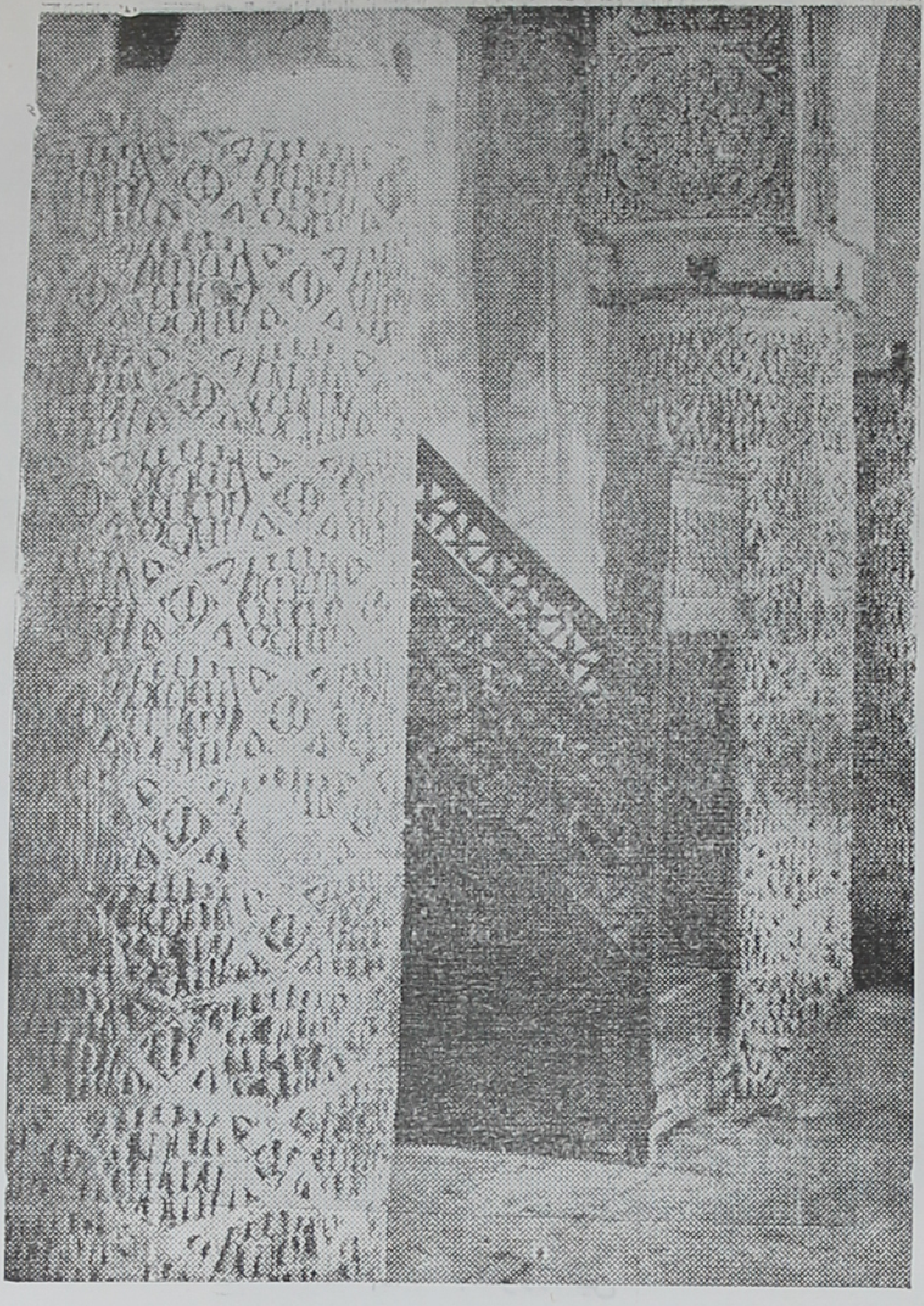
ش ۲۹۴

شاهی

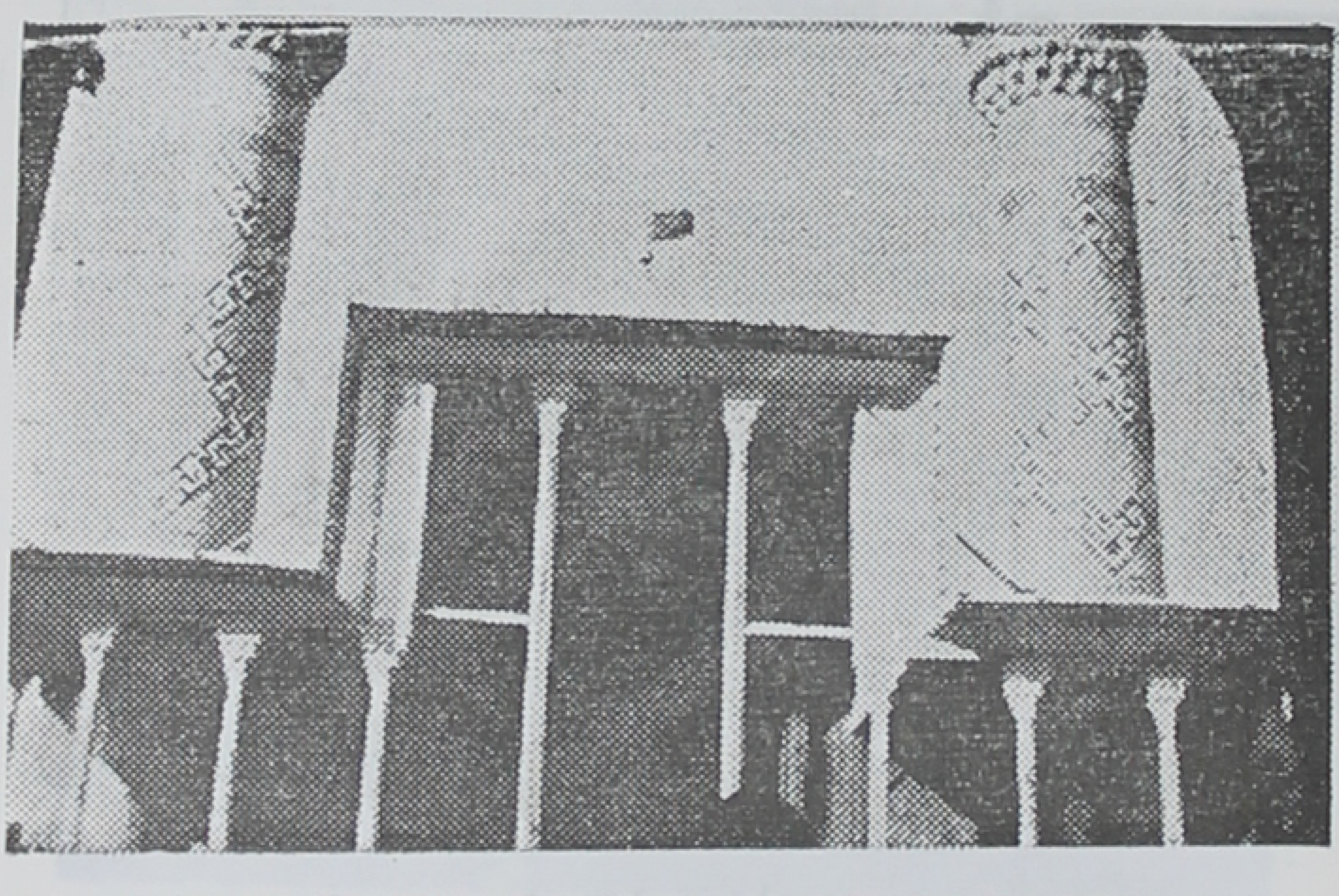


ش ۲۹[illegible]

کتابخانه استان قدس رضوی



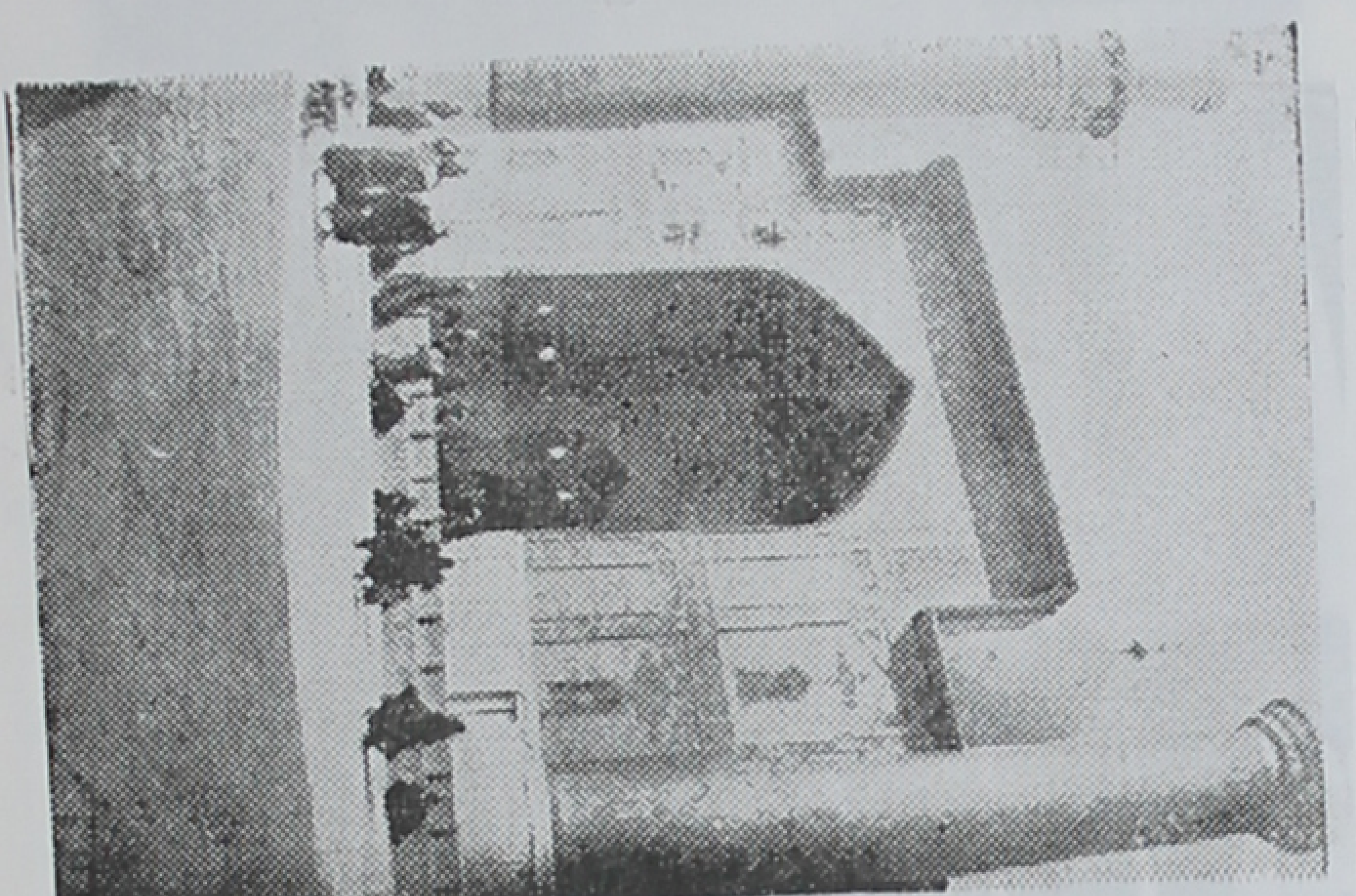
ش۲۹۶ نائین مسجدجامع



ش۲۹۷ حضرت عباس



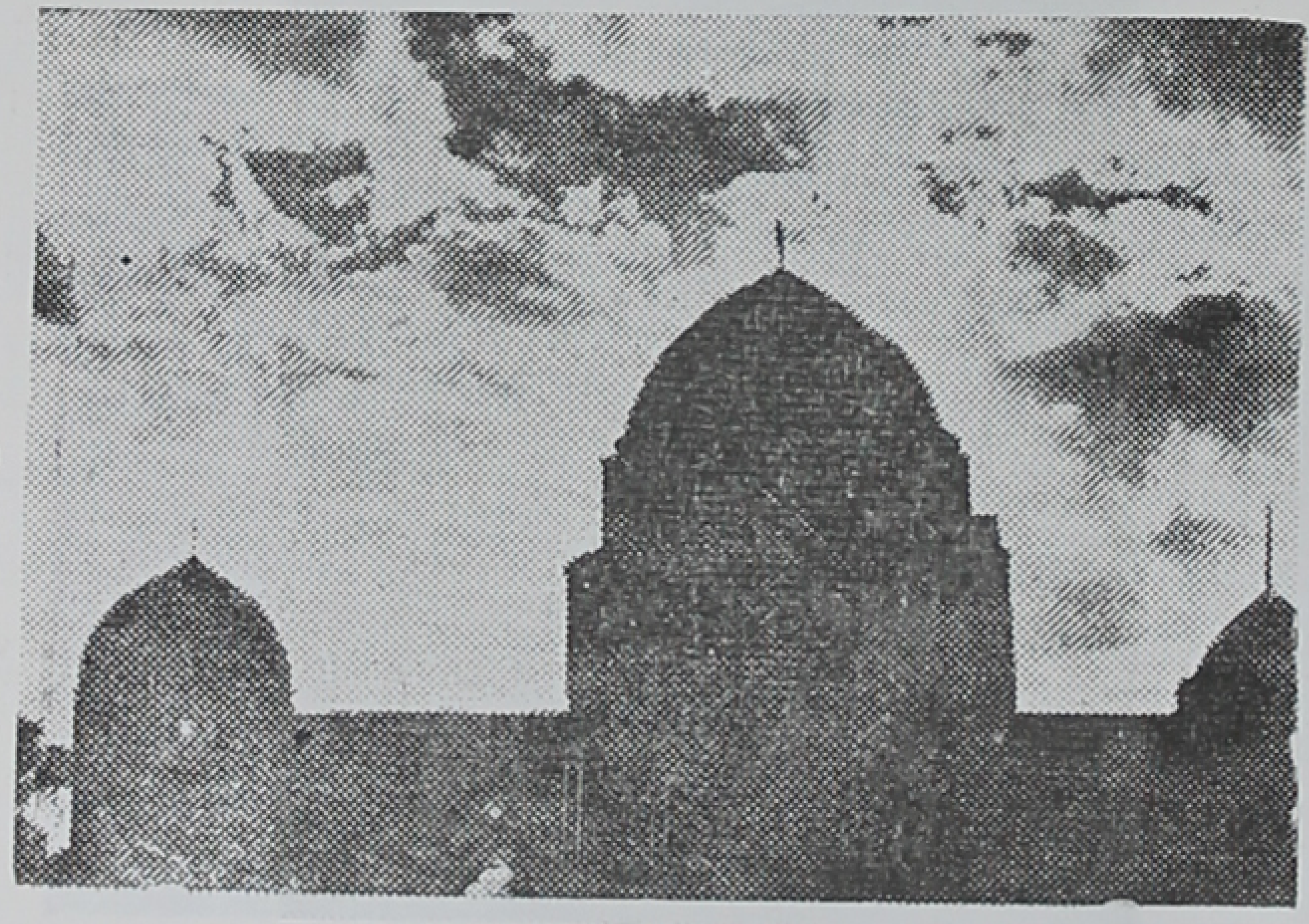
ش۲۹۸ امام‌زاده جعفر ورامین



ش۲۹۹ مسجد بغداد



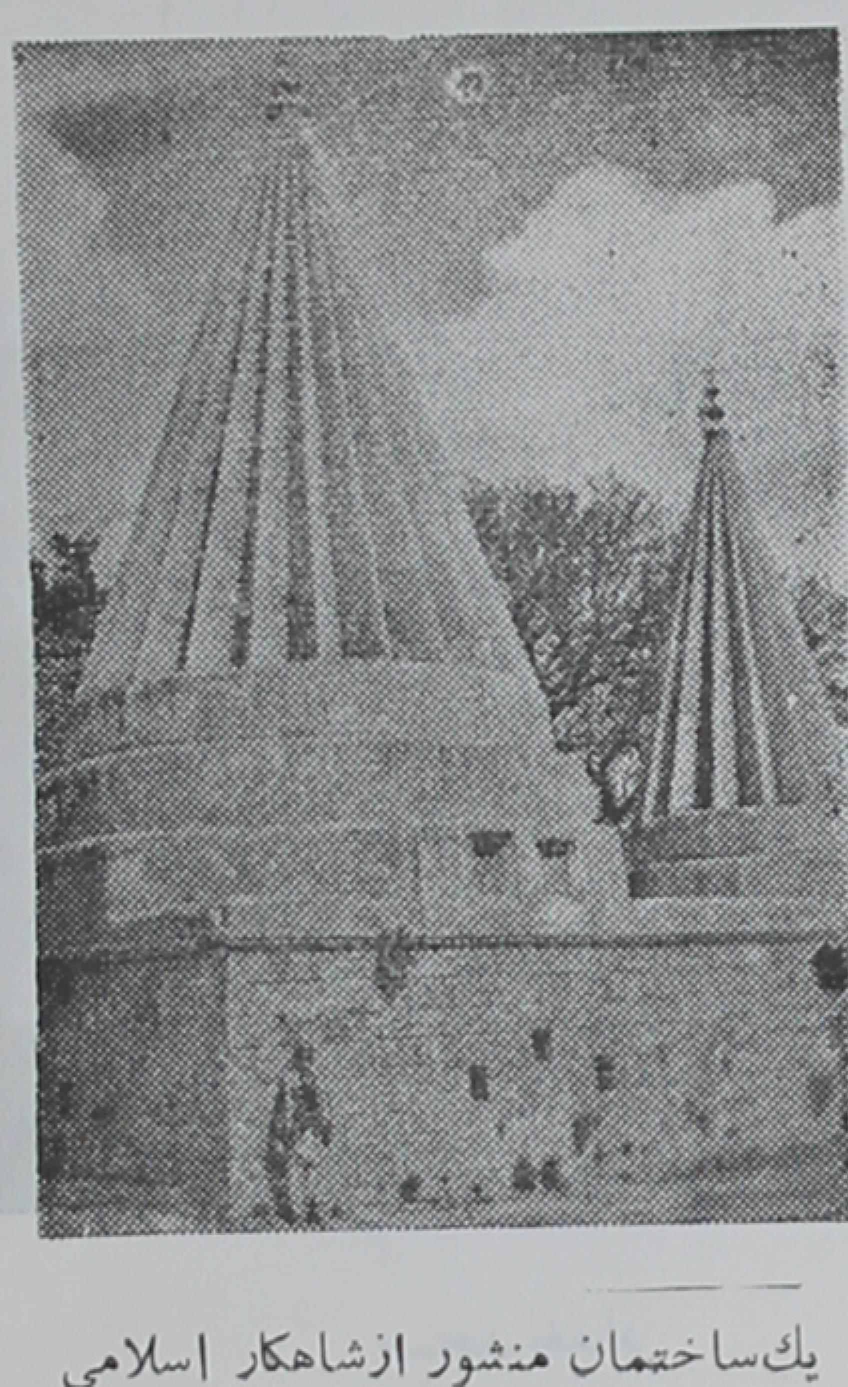
ش ۳۰۰ هارونیه طوس



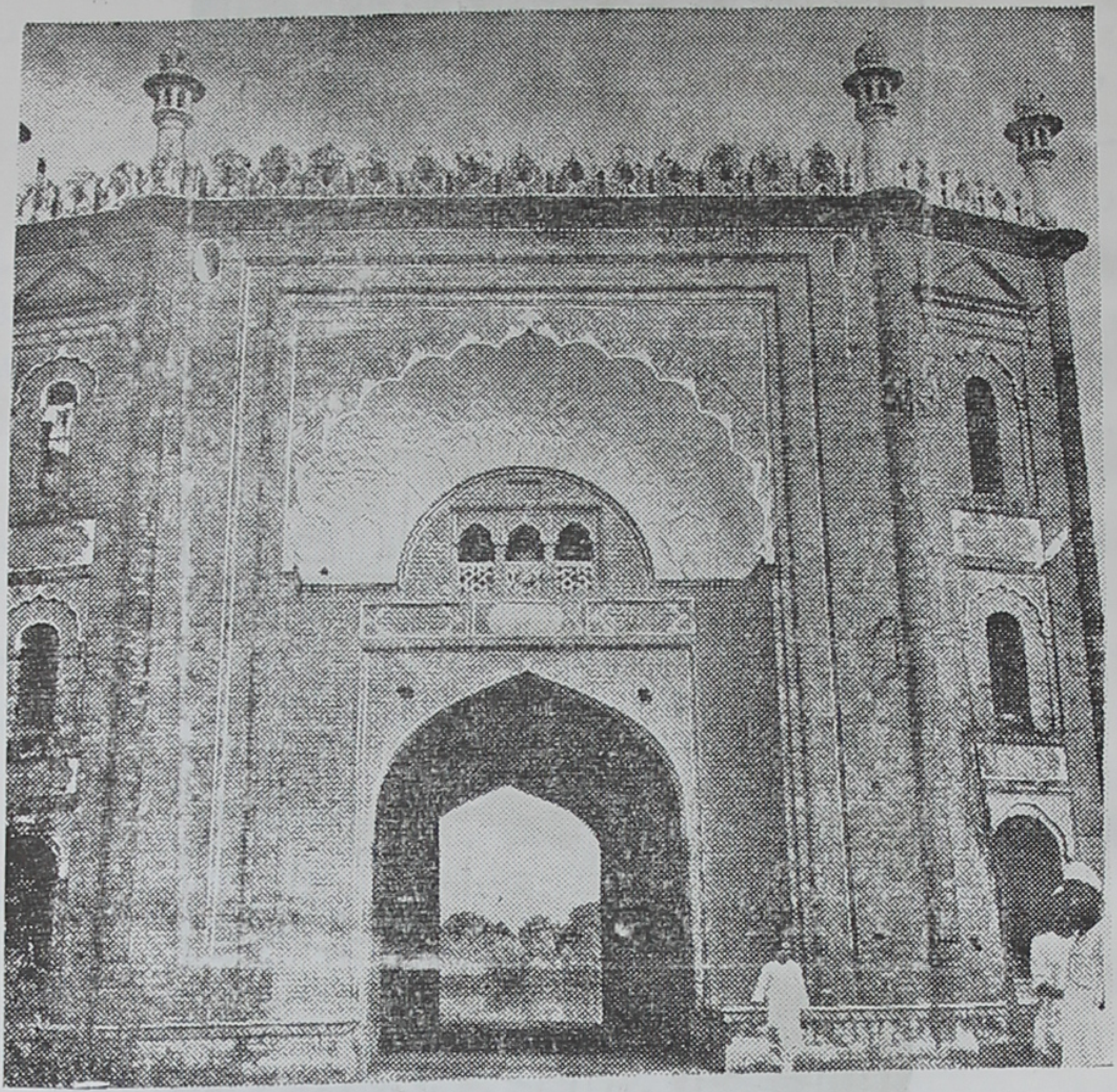
ش ۳۰۱ مسجد بغداد



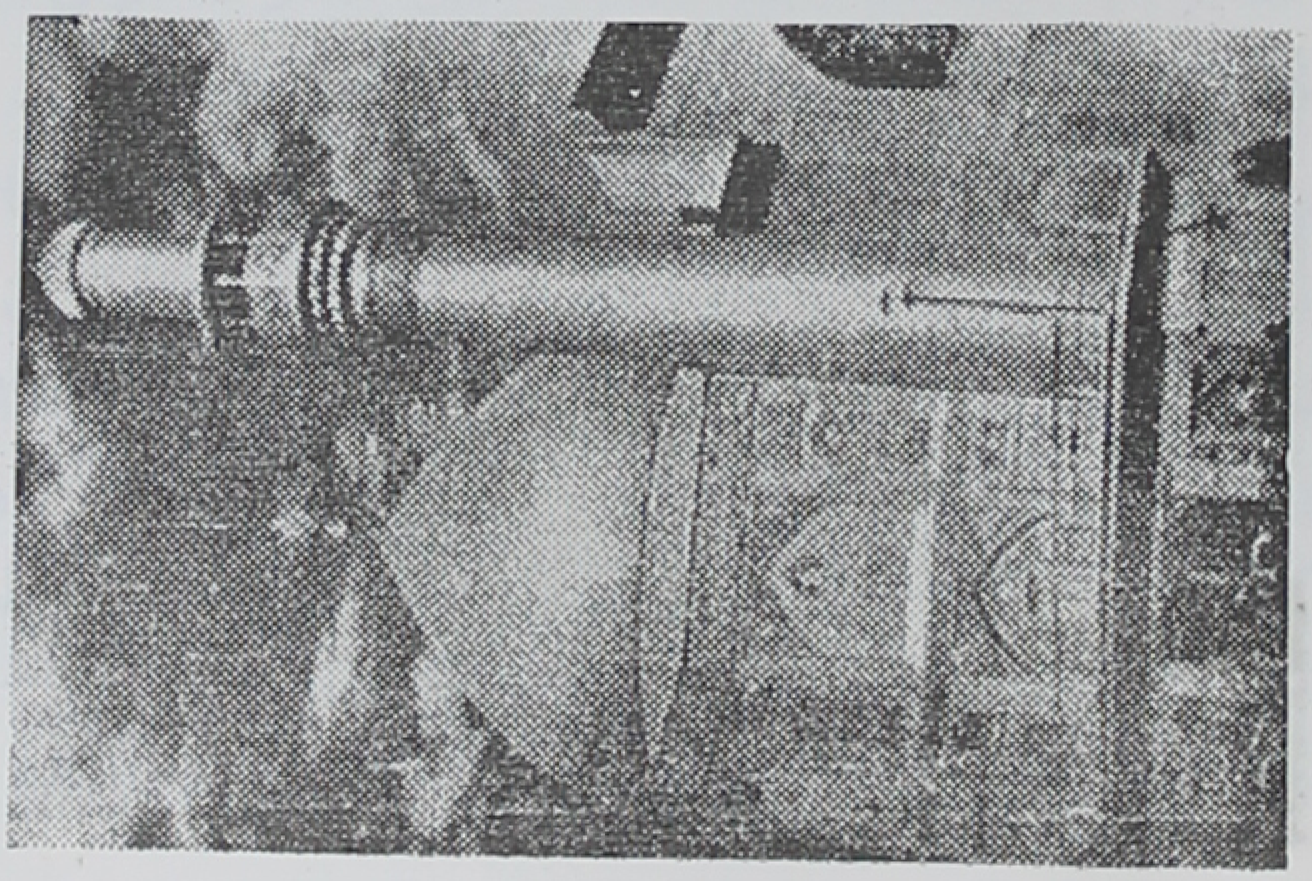
ش ۳۰۲



ش ۳۰۳ یک ساختمان منشور از شاهکار اسلامی



ش ۳۰٤ دارالعلوم بویاندتاسیس ۱۸٦٦ میلادی یکی ازدانشگاه‌های هند تدریس علوم اسلامی

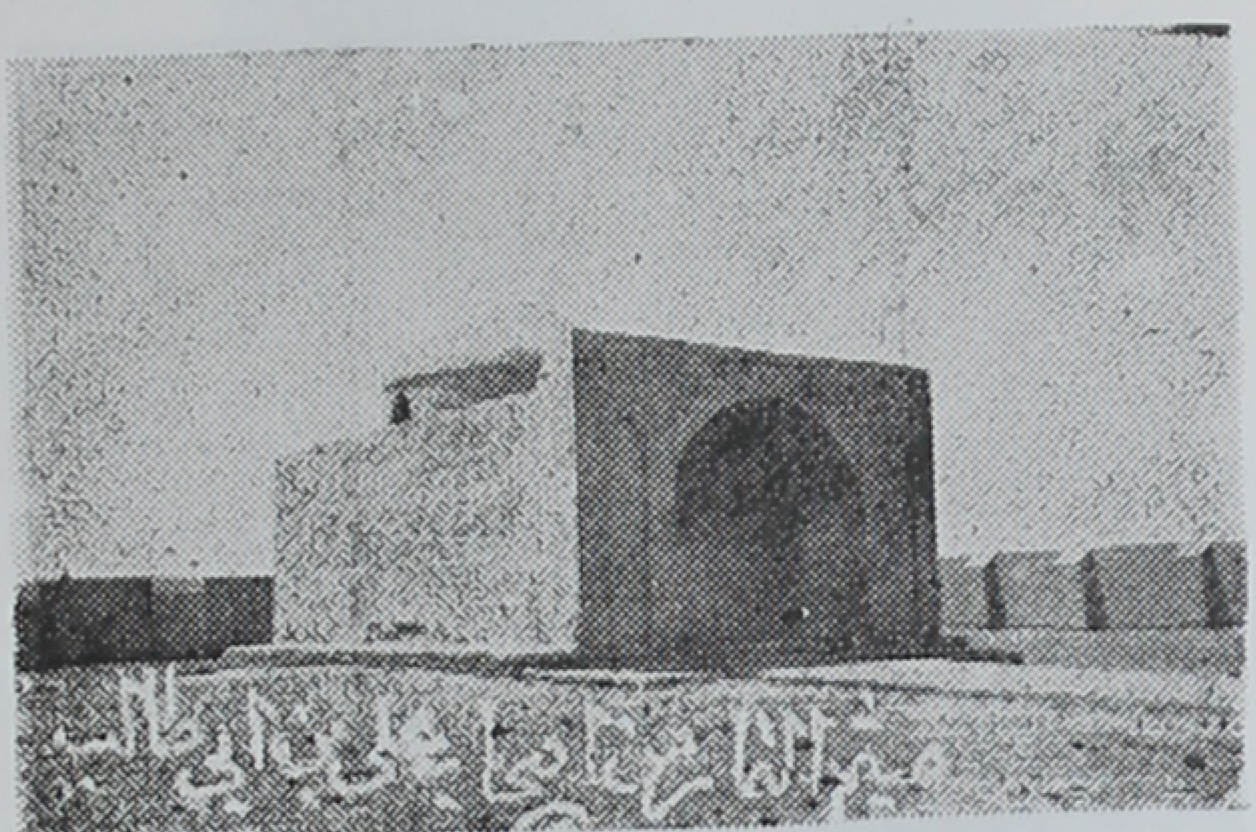


ش ۳۰۵ نجف



ش ۳۰۶

۲- یك صفحه قران از بایسنقر میرزا در کتابخانه استان قدس رضوی



ش ۳۰۷

وصنعت وعلم ودانش جستجو کرد وغرائز طبیعی بشررا برانگیخت تااز تمام قوا وغرائز حداکثر استفاده را بنماید واین قوای درونی وبیرونی صرف رفاء ملی ورشدعقلی مسلمین بشود نه‌صرف شهوات وفحشاء و غیره .

همانطور که اسلام تربیت نفوس رادر آن‌عصر روی سمع‌وبصر برد وامروز ملل‌غربی فهمیده‌اند بهترین راه‌تربیت عمومی سمعی‌وبصری است.

۱۴ - پیدا کردن حس‌نوع دوستی حفظ امانت وتقویت اعتمادبنفس واتکاءبدین وتسلیم شدن با سعی‌وکوشش دراسلام بسرنوشت دین که خطسیر وروش انسانی رامعین کرده است و تحکیم مبانی دوستی والفت افراد باارتباط فرهنگی وزبان‌ولغت وآثارملی و کتابت وآداب وشئون اجتماعی اسلام وروابط معارف اسلام بامعارف دنیاوتبلیغ شعائرعلمی دین‌اسلام بجهان ونشرقرآن و تعلیمات آن‌با مفاخر آثاراسلامی بجهان‌بشریت،

۱۵ - جمع آوری کتب اسلامی درهریك ازممالك بزرك اسلامی ونشروطبع آن کتب که میراث اسلام بجهان بشریت است تامیزان معارف وعظمت علیت مسلمین برجهانیان روشن گردد.

۱۶ - ایجاد یك‌دارالتبلیغ بزرگی که اقلاهرسال صدنفر مرد ورزیده درفقه واصول مبانی دین وکلام احتجاج وادبیات دوياسه‌زبان‌حاضر الذهن وباحافظه قوی بممالك غیراسلامی برای‌تبلیغ بفرستد که‌بتوانند خدمتی بزرك بعالم‌اسلام بنمایند. ۱

۱۷ - اصلاح امور مالی و اجرای احکام اسلامی و قانون مجازات دینی (۲) وسپردن رشته قضاوت بدست حاکم شرع کـه **من‌لم یحکم بما انزل‌الله و الخ** و تسریع جریان امور قضائی همانطور که درسابق‌معمول بوده‌است.

ثبت اموال ملکی واتخاذ موقوفات ازدست مردم متعدی وجابر - تقسیم اراضی موات بین‌مردم فقیر مسلمان برای احیای امر کشاورزی تاروح واقف وجسم مباشرراهم سیر نموده بمطلوب برسند.

۱۸ - تحکیم مبانی ازدواج وطلاق طبق کتب نکاح اسلام که محکمترین قوانین زناشوئی‌ملل جهان است .

برطرف کردن آئین خودسری وتجاهر بفسق وازبین بردن عادات‌شوم وسنگین مهریه وصداق وجهازیه وآداب که همه‌موجب اضمحلال ملیت‌است - تسهیل درامر زناشوئی وتشویق جوانان و کمك بکسانیکه فرزندبیشتر دارند .

اگراین مبانی اصلاح شود تحقیقاً دارالمجانین خالی خواهدشد - دارالایتام بی‌معنی میشود - شهرنو وفواحش ازبین میرود وعمران وآبادی کشور وآزادی امور وفراوانی امور معیشت وتشکیل کارخـانجات وعمومیت امتعه وطنی وتشویق صنایع دستی وکشاورزی وصادرات وخودداری ازخرید تجملات لوکس وبکاربردن سرمایه هائی که دراروپا وامریکا خوابیده‌است وتبادل عواطف بین‌مسلمین وبالارفتن سطح‌زندگی وپائین آوردن‌قیمت اجناس ونورانی‌شدن افق‌فکر واندیشه ورشدعقلی وترقی

---

۱ - روش پرورش‌را مادرمکتب اسلام درپنج‌مجلد نوشته‌ایم که دوجلد آن تااین تاریخ چاپ شده است .

۲ - درباره مجازات دراسلام کتابی دردست است که درحدخود مبتکر است.

ورفاه ملی وحفظ بهداشت که با کمال توجه درفرامین اسلام رعایت وتعلیم داده شده است.

۱۹ ـ حفظ مسلمین ازمصرف ماکول ومشروب ملل غربی که اکثر آلوده بپلیدی است مانند روغن نباتی که ازحیوانات حرام چون خوك وغیره گرفته شده وآغشته است وخوراکهائی کـه مواد آن برمسلمان ازنظر حرمت وحلیت معلوم نیست.

۲۰ ـ تحکیم مبانی عقیده واخلاقی سربازان رشید ایـرانی ومسلمان بفتح وفیروزی وثواب فداکاری درراه دین وملت ومیهن وبیدار کردن حس عقاید واقامه نماز وروزه وامر بمعروف ونهی ازمنکر وتعظیم شعائر اسلام درلباس نظام و درستی وراستی وعاطفه وفای بعهد وغیره.

همانطور که مسلمین فاتح صدر اسلام داشته اند وبالنتیجه پر کردن دره عمیق وفاصله طبقاتی بین افراد بهترین وسیله تحکیم مبانی اجتماع است چه امروز جامعه متفرق داریم نه جامعه متشکل بهمین تربیت بایدتمام دستگاههای حاکمه وقاضیه ومقننه ومجریه وروحانیت ومطبوعات وسازمانهای اداری مهذب وپاك گردد ودرهرکارخدارا ببینند تاموفق ورستگار گردد.

اگرچنین شد آنوقت است که همای سعادت بالای سر هرمسلمان بالوپـر میگشاید واعتلای از دست رفته بدست میآید ومفهوم **الاسلام یعلو ولا یعلی علیه** ظاهر میشود.

اسلام درعصرما

اسلام در۱۳۷۹ سال قبل که ازهجرت پیشوای عظیم الشان ومنجی اعظم عالم بشریت میگذرد شروع بپیشرفت کرد وروح مدنیت وتوحید وفضیلت را دراطراف عالم پراکنده ومنتشرساخت تابوضع کنونی رسیده است.

حالات حاضره اسلام درجهان بسیارجالب توجه است ـ راست استکه قرنها میگذرد امپراطوری عظیم اسلامی وخلافت عرب انقراض یافته وآن تمدن وترقی بی نظیر که قرنها بردنیا حکومت داشت دستخوش فنا وزوال گردید ولی هیچکس نمیتواند انکارکند که تمدن اسلام قسمت اعظم تاریخ عالم بشری را فرا گرفته است ـ اگر چه دولت پهناور اسلامی از بین رفت ولی مسلمین و پیروان این دین وآئین نه تنها نمرده اند بلکه بمراتب پیش اززمان صدراسلام و دوره اعتلا وعظمت میباشند.

اکنون مسلمین درتمام صحنه پهناوردنیا سکونت دارند ودراکثردول عالم نفوذ واعمال قدرت مینمایند امروز بیش ازعروج حکومت اسلامی دردنیا شایع ومنتشرهستند.

ازمراکش تاهندوستان زبان عربی شایع است وترقی دین اسلام روزافزون میباشد باآنکه احوال مسلمین چین وافریقای مرکزی وروسیه ربرما درست معلوم نیست امایقین است که دیانت اسلام گذشته از عربستان حالیه درمصر ـ شام ـ روم ـ آسیای صغیر ـ ایران قسمتی ازروسیه ـ افریقا ـ چین ـ هندوستان و حتی اروپا ـ اقیانوسیه ـ امریکاء نفوذ یافته اندچنانچه در ماداگاسکار وافریقای جنوبی وجزایر مالزی وجاوه وسوماترا شایع گشته و بحبشیهای افریقا تاگینه جدید وامریکاء خودرا رسانیده اند.

دنیای اسلام امروز دارای بیش از۵۳۸ ملیون مسلمان میباشند که در۱۴ کشور مستقل اسلامی بیشتر آنها در۳۸ ملیون کیلومترمربع زندگی میکنند.

گوستاولوبون ـ جرجی زیدان و ۱۴ نفرازمشاهیرمستشرقین که نویسندگان کتب میراث اسلام

هستند ودرتاریخ تمدن اسلام هم تایید کرده همه اعتراف میکنند که اسلام بایك طریق ساده وسهلی پیش میرود که واقعاً حیرت انگیز است وباید آنرا جزء اختصاصات وامتیازات اسلام شمرد.

هر جائی که مسلمین قدم گذاشته اند اسلام در آنجا ریشه دوانیده و برای همیشه باقی مانده است.

اسلام درچین وافریقای مرکزی وروسیه وژاپن واقیانوسیه بطریق حمله وکشور گیری نرفته بلکه بالباس تجارت وارد شده و هم اکنون ملیونها مسلمان دراین نقاط جهان موجود هستند و آثار وابنیه مساجد ومدارس آنهامشهور وکتب دینی وقرآن مجید زبانهای بومی وعربی میان آنها شایع است.

سکنه این بلاد امروزقریب یکصدملیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) مسلمان استکه درآنجازندگی میکنند وآنهابطور تهدید ویاتطمیع اسلام نپذیرفته‌اند بلکه باختیار وازروی رضا ورغبت داخل ن اسلام شده‌اند وتا کنون شنیده که نیروئی بکمك این تجاراعزام شوند وشگفت آور این است که هر کجا تخم این مذهب ریخته شده بعد خودبخود بنای رشد ونمو را گذارده‌اند برای مثال باید گفت این مذهب درروسیه ازچندین قرن پیش شایع شده وباهمه مشکلات وسختگیری که بآنهامی کنند نتوانسته‌اند آنهارا ازمیان بردارند. و هم اکنون هم مینویسند بیش ازسی ملیون مسلمان در روسیه و متصرفات روسیه است. **(حاضر العالم الاسلامی)**

درهندوستان که فعلا بیش ازصد کرور ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ملیون مسلمان موجود می باشد و کشیشهای پروتستان بامبالغ هنگفتی که درآنجا تبلیغات مینمایند هنوز نتوانسته‌اند پیشرفتی حاصل کنند در - حالی که عده مسلمین روزافزون است باآنکه ازطرف دیگر سیکها سخت بمسلمین اذیت میکنند باز ازدوجانب تحت فشار هستند معذلك باسلام بیشتر میگروند.

عده مسلمین افریقادرست معلوم نیست همینقدر گفته‌اند که درافریقای جنوبی بیش از ۳۸ ملیون مسلمان درسال ۱۹۳۹ بوده است وسیاحانی که آن حدود راسیاحت کرده‌اند نقل کرده‌اند که درهر نقطه بیرق اسلام دراهتزازاست.

اسلام اقوام افریقاء درحقیقت تمدنیرا انتشارمیدهد که اهالی درا خذآن منتهادرجه احتیاج را داشته‌اند. خلاصه هر گوشهٔ اززوایای افریقاء بساط فیض اسلام گسترده است.

مسیو ژدوال مینویسد، خدایانیرا که درافریقا ازسنك وچوب تراشیده پرستش مینمودند تمام ازبرکت دیانت اسلام ازبین رفته ونابودشده‌اند. آدم خواری وقربانی نمودن انسان که قدیم معمول بوده بکلی منسوخ شده - حقوق برای زنان مقرر میباشد. احکام اسلام اجرا می‌شود باب آزادی مفتوح گشته نماز، روزه، زکوة، مهمان نوازی آنها ازهمه اقوام بهتر وپاکیزه‌تر شده است - حس عدل وانصاف خیرات ومبرات بجای ظلم وستم و آدم خوارگی حکومت می کند خلاصه آن است که اسلام مواهب وعطایائی غیرقابل زوالی باین وحوش مبذول داشته و آنها راآدم ساخته است

همین مورخ مینویسد درچین قریب چهل ملیون مسلمان میباشند درسال ۱۹۳۹ درپکن تنها صد هزارنفر مسلمان بوده‌اند - و باهمه تبلیغات کشیشهای اروپائی و باتمام وسایل که در دست داشته اند صریحاً بعجز خود اعتراف کرده‌اند در حالیکه اسلام مبلغی ندارد بلکه خود بخود درپیشرفت است،

ص ۸۱۹ تاریخ تمدن اسلام وعرب گوستاولوبون

پروفسور روازیلی یف مینویسد . مذاهب اسلام از راهی که وارد چین شد مذهب بودا هم از همان راه ودرهمان سالها وارد چین شد وتعجب این استکه مذهب اسلام برمذهب بودا درچین غلبه یافته و عقیده مسلمین چین این استکه پس ازچندی اسلام مذهب بودا را ازمیان خواهدبرد ،

خوانندگان عزیز باید درانتظار آن باشند که بزودی کشور چین که قسمت بزرگ مملکت نوع بشررا تشکیل میدهد تمام آن تحت لوای توحیددرآید ومذهب اسلام ازجبل الطارق تااقیانوس کبیر وسعت خواهدیافت ومذهب تثلیث را درمخاطره هولناکی خواهدانداخت . این صرف آرزواستکه بولشویک بتواند بردنیاسیطره یابدمگرآنکه درسایه اسلام درآید.

امروزهم دردنیا کمتراز اقوام یافت می‌شوند که ازجهت تمدن برپیروان اسلام تفوق حاصل نموده باشند وترقیات حیرت‌انگیزی که مسلمین بفاصله کمی درعلوم حاصل نمودند برای هیچ‌قومی چنین امری میسر نگردید : مسلمین ازنظر مذهبی‌هم درمیان مذاهب تشکیل مذهب بزرگی داده‌اند که هنوز زنده‌ترین مذهب دنیا شمرده میشود زیرامسلمین بیش‌از ۵۳۸ ملیون‌نفرمی باشد درحالی که‌کاتولیکها بیش‌از ۴۵۰ ملیون نیستند .

ازنظرسیاسی هم حکومت بزرگی دارند که دردنیای بشریت اهمیتی بسزا دارند و از جنبه‌های عقلانی واخلاقی بنقل اکثرمورخین کافی است که اروپارا تربیت کرده و داخل تمدن نمود ودرظرف ده سال اخیر بیش‌ازده ملیون مسلمان دراروپا خودبخود پیدا شده و بالاخره در عالم خیلی کمتر قومی یافت میشوند که چنین مقام شامخ بلندی را برای خوداحراز کرده باشند واکنون بایدعوامل انحطاطرا باسباب وعلل ترقی تبدیل کرد .

حالت کنونی اسلام

اسلام درعصر کنونی همان نفوذ ورسوخ را که سابق در پیشرفت معنوی خود داشته دارد ودرشرق بحالت ضعف افتاده اما درغرب درافکارخردمندان ودانشمندان جای باز کرده وروزافزون مردانی باسلام گرویده‌اند که ارزش اجتماعی دارند ومحافل ومجامع مسلمین درغرب افزونی یافته ومساجد بزرگی ساخته وجمعیتهائی تشکیل داده‌اند .

نکته‌ایکه باید ازنظردور نداشت اینستکه حساب اسلام را ازحساب مسلمین باید تفکیک کرد چه مسلمین درهر کشوریك‌حالتی بخود گرفته‌اند که نمی‌توان اسلام‌را از آنهاشناخت چه اسلام‌همانست که برپایه واساس اطاعت دربرابرقدرت بناشده‌بود وباعلم وتمدن وعقل ومنطق واستدلال وبرهان و درعین‌حال دین سهل سمحه همه‌جا نفوذ داشت وامروزملتها که سابقه مسلمانی دارند بنابراوضاع و احوال سیاسی ازجهت وضع جغرافیائی وهمسایگان صورتی‌خاص بخود گرفته‌اند که باید سطح‌اسلام را درافق فکر وعمل آنها درحضیض واوج شناخت که درجات مختلفی‌دارند ،

اما روی هم رفته‌آرامی درممالك اسلامی حکمفرماست که درسایر مللها این آرامش نیست ومادرجلددوم حالت کنونی اسلام امروزی واوضاع واحوال عمومی مسلمین راباعکسهای‌جالبی روشن میکنیم ، انشاالله‌تعالی

بنقل رسالة‌الاسلام ج۱ سال۳

ص۸۲۰ تاریخ تمدن

ص۸۲۱ تاریخ‌تمدن

وحدت موجب
موفقیت است

کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البینات بغیاً بینهم فهدی الله الذین امنوا لما اختلفوا فیه من الحق باذنه والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم.

آیه ۲۱۳ بقره

همه بشر اولاد یك پدر و یك مادر بودند و یك ملت هستند چون پراکنده و مختلف شدند پروردگار پیغمبرانی برای آنها برانگیخت تا راه صواب را ازخطا بآنها نشان دهند وازلغزش و تخطی بیمناك سازند و بعقاب و کیفر و پاداش وعده دهند ـ برای اینمردم کتب واحکام آسمانی نازل شد شرایع و ادیان تعلیم گردید ، راستی ودرستی، حقیقت ، فضیلت بآنها آموخته شد قوانین اجتماعی برای آنها وضع شد تادرموارد اختلاف آنقانون آسمانی حکومت کند ، آنهائی که از یهود ونصاری تحریف در کتاب خدا کردند باآنکه آیات الهی بر آنها آشکار وروشن بود تعدی وتجاوز کردند یعنی عنادورزیدند پروردگار عالم موارد اختلاف آنهارا بازهم بوسیله پیغمبر آخر روشن ومبرهن ساخت تاهر که بخواهد هدایت شود آن راه راست رابگیرد وطی کند . هر کس ایمان آورد وتسلیم فرمان حق شود باذن خدا رستگار وهدایت گردد وراه مستقیم رادریابند:

سنت خالق متعال در آفرینش جهان بشریت این استکه تمام مخلوق خودرا بیك مابه‌الاجتماع عمومی ویك وحدت فطری پیوسته است جماد ، نبات ، حیوان ، انسان ، افلاك ، عناصر، موالید ، معادن ، ستارگان ومنظومه‌های شمسی همه وهمه ازیکنوع مصالح ساخته شده اند ویك جاذبه عمومی درتمام عوالم کون حکومت دارد که درهر طبقه وهر نوع ازمخلوق بنامی مشهوراست درانسان این جاذبه عمومی باسم اخلاق معرفی شده که تمام بشرعالم دارای آن غرائز هستند ومایه یگانگی همه افراد بنی آدم است . همه ملل فضایل رادوست دارند همه رذایل رادشمن میدارند ـ این قوای درونی باقوای بیرونی فردی وابستگی تام دارد وهردوسلسله غرائز بشری فردی باغرائز نوعی واجتماعی ملل عالم ارتباط و پیوستگی غیرقابل محدودارند ـ وتنهادین است که میتواند معرف وواسطه ارتباط واتصال این غرائز طبیعی شده وملل مختلفه عالم بشری رابهم پیوند معنوی داده آن مایه یگانگی آنهاراتقویت کرده ورشد فضیلتی واخلاقی برای آنها ایجاد نموده بمدنیت حقیقی سوق دهد .

اتحاد واتفاق جز باین مابه‌الاجتماع عام غیرمیسر است چنانچه دردین فطری ومعنی حب وطن واتحاد خون بیان شد این مابه‌الاجتماع درفطرت بشروخلقت آن دراستعداد وقابلیت نهفته شده اما عواملی میتواند ازقوه بفعل آورد واین رازدرونی رابفضیلت اتحادبیرونی متصل ومرتبط سازد فقط دین است و غیرازدین هیچ نیروئی ازعوامل طبیعی بشرقدرت انجام این وظیفه راندارد بنابراین بایدازراه دین اتحاد فطری واتفاق خلقی ومابه‌الاجتماع عمومی که سرمایه یگانگی ووحدت تمام افراد بشراست تقویت گردد وموانع ازسرراه برداشته شود

اخلاق پرورش قوائی است که درآدمی بودیعت بازنهاده شده وباید بدین تربیت گردد وتقویت شود بهمین دلیل ادیان آسمانی همه برای تهذیب اخلاق عمومی بشر وضع شده وپیغمبران جهان بقصدتزکیه نفوس بشری مامور بوده‌اند وحتی بزرگترین منجی عالم بشریت یعنی پیغمبر خاتم النبیین فرموده بعثت

من برای تکمیل وتتمیم مکارم‌اخلاق است واصولی که برای روش و پرورش اجتماع دادبهترین و منزهترین اصول تعلیم وتربیت است .

واگراین وحدت بصورت حقیقی درآید راه نیل بمقصوداست وهمین مدلول را قرآن آموخته که ای مسلمانان متحد شوید وحدت پیدا کنید و راه تکامل و تربیت اسلامی را طی کنید تابکمال مطلوب فطری خودبرسید وهمای سعادت وفوز ورستکاری بالای سرشما سایه افکنند ،

اتحاد ملل اسلامی چگونه میسراست **وحدت اسلام در عصر پیغمبر ص ـ منابع اختلاف ـ علل اختلاف در امپراطوری اسلام ـ اختلاف چگونه مرتفع میشود ـ اتحادمذهب وعقیده ـ اتحاداقتصادی ـ اتحاد فرهنگی ـ اتحاد صنعتی ـ اتحادکشاورزی ـ اتحادعرب اتحادکشورهای اسلامی ـ ایران دراتحاد اسلام ـ عقاید پیشوایان بزرك ـ نظریه‌ما:**

برای کسانی که صفحات تاریخ اسلام را ورق زده‌اند روشن وآشکاراستکه اسلام دین اجتماع و دین رشد ورقاء ووحدت‌است وتمام شرایط وحدت اجتماعی درغرائز طبیعی‌بشر بودیعت سپرده‌شده لذا اسلام رادین فطری وطبیعی گویند زیرا قوانینش برحسب احتیاج فطرت وطبیعت بشروضع شده وبهمین جهت حضرت‌محمدص‌پیغمبر وخاتم‌انبیاء ودین اوخاتم ادیان ومتناسب بارشد عقلی‌بشراست دراین دین خدا قرآن ، ایمان بمبدأومعاد . نماز . روزه . حج . زکوة . فضائل اخلاقی در میان تمام افراد مسلمان عقیده راسخ غیرمتزلزل وتغییرناپذیراست هیچ مسلمانی نیست که بمبادی دین‌و مابه‌الاجتماع زندگی وعقیده مبداء ومعاد شك وتردیدی داشته باشد .

وحدت اسلام درزمان حیات پیغمبرص عبارت از تسلیم بدین بودبا گفتن کلمه **لااله‌الاالله محمداً رسول‌الله** واداء نماز وزکوة وحج‌وعقیده بمبدأ و معادبود.

درطول **۲۳** سالدورهٔ نبوت خاتم‌النبیین‌ص پیغمبر اسلام تمام‌شرایط اسلامیت رابمردم آموخت وکلید وحدت رابدست خلافت منصوص سپرد و فرمود انی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض .

خاندان نبوت‌را که درقرآن آیت بیشماری درمناقب وفضایل آنهانازل شده شارح ومبین‌دین وآیات احکام قرارداده وبدیهی است که اهل‌البیت ادری بما فی‌البیت آنها بیش‌از هر کس درخاندان نبوت تعلیم‌وتربیت یافته وباسرار واحکام ورازدین اسلام واقف‌تر بودندولذابمسلمین قبل‌از پیدایش سقیفه بنی‌ساعده‌خط‌مشی اسلام‌را فقط‌همین رویه عصر نبوت می‌دانستند که باید پس‌از پیغمبر بدست امیرالمؤمنین علی‌ع اجرا گردد .

همانطور که درپنج سال خلافت ظاهری علی ع اجراشد وتمام اختلاف عقاید وافکار مسلمین روی مسئله امامت و خلافت است و برخی عقاید دیگر در اقسام توحید و صفات چنانچه قدریه جبریه، اشعریه، معتزله قائل‌هستند واختلاف فروع احکام که سیاست خلفای‌عباسی ائمه‌اربعه رابوجود آورد وخط مشی حقیقی مسلمین رامنحرف نمود و مرور زمان وعلم‌ودانش حقیقت راآشکار نمود و عقاید مبدعین راروشن ساخت.

درهرصورت دراین که اسلام یك‌رنك ثابتی‌بملل عالم‌داده ونژادها وقبایل وامم وملل مختلف‌را همه‌را ازرنك ملی‌خود خارج کرده وخط مشی آنهارا عوض نمود برنك اسلام وبوحدت دینی تبدیل

ساخته وآئین وآداب ورسوم ملی وشئون اجتماعی همه مردم مختلف ترك، تاتار، عرب وعجم، رومی، قبطی. شرقی وغربی، سیاه وسفید همه را بیك وحدت اسلامی تعلیم وتربیت نمود شکی نیست صبغة الله و من احسن من الله صبغة ونحن له عابدون (۱۳۳ سوره بقره) این رنك برای بشر بهترین رنك موجودیت است خودرا در انحطاط دیدند وپس از چند قرن که دست استعمار آنهارا بحال دیگر منقلب ساخت ناگهان بیدارشده در اندیشه تجدید مجد و عظمت خود بر آمدند.

امروز طرق اتحاد گوناگون است که باید باشرایط زندگی دنیای کنونی مورد توجه قرار داده- اتحاد اقتصادی وتحکیم روابط تجارتی براساس احکام تجارت اسلام- اتحاد معارف وفرهنك دین براساس قرآن وتفسیر وحدیث وزبان عرب (اقران) ونشر اخبار آل محمد ص که سرمشق زندگی و راهنمای وحدت اجتماعی است محکم ساخت.

اتحاد مردم تنوع مسلمان براساس تقوی وبرادری وبرابری دردین و شرایط فضایل اخلاقی و بنکات دینی که بهترین زینت مرد مسلمان وامتیاز آنها ازسایر ملل است.

اتحاد صنایع دستی وماشینی واستخراج معادن ومنابع زیرزمینی وتبادل باممالك اسلامی ورفع حوائج ملی یکدیگر بدست برادران مسلمان از مواد اولیه باید برنامه مسلمین دنیا شده وباید براساس عواطف مسلمانانه متبادلا معامله شود- اراضی مسلمین جهان امروز پرنعمت ترین وپرثروت ترین ممالك واراضی روی زمین است

منابع نفط وطلاونقره وفلزات عنصری ومواد طبیعی ومعادن آهن وسرب وفولاد وسایر عناصر و موالید طبیعی واحتیاجات بشری در کشور ایران، اندونزی، پاکستان، افغانستان، مصر، ترکیه، عراق، حجاز سوریه، سواحل دریای مدیترانه وبحراحمر واقیانوس کبیر وافریقای جنوبی بحد وفور موجود ودردست استخراج واستفاده است.

اسلام آن دینی است که امروز تمام (رژیم) مسلك های سیاسی جهان اسلام راباقوانین خود تطبیق میکنند.

دیموکراسی میگوید اسلام دین دموکراسی است کمونیسم میگوید دین اسلام منطبق بامرام ماميباشد- منشور اتلانتيك پس از ۲۰ قرن میلادی تساوی حقوق اسلام را تأیید کرد و اعتراف نمود که حفظ حقوق مالکیت شخصی وفردی وتأمین آزادی ازمختصات اسلام است.

همچنین احزاب سیاسی ومسالك دیپلوماتی همه میکوشند اسلام را باقوانین خود تطبیق دهند و طرفدار ملیونها مسلمانان جهان بشوند که آنها مانند خط زنجیری ازسواحل اقیانوس اطلس تامجاورت اقیانوس کبیر رابمذهب اسلام امتداد وپیوسته ساخته ودرآداب واخلاق وشئون اجتماعی ملل متنوعه ساکنین این حدود نفوذ معنوی کرده وهمه را پیروقوانین دین ساخته است ودنیا درجنك وصلح نمی- تواند بدون موافقت این ممالك اسلامی توفیقی درفتح وفیروزی حاصل نماید.

اسلام که هم قانون است وهم اخلاق، اسلام هم سیاست است هم مذهب وهم عبادت وتقوی درعین حال بیش از هرچیز درقوانین اقتصادی که اساس تمام شئون زندگی بر آن استوار است دقت وتوجه کامل داشته بنابراین بایداز این طرق ایجاد وحدت نمود.

این حدیث رااز پیشوای اسلام ص نقل میکنند که فرمود **هم يد على من سواهم** دست بدست یکدیگر بدهید واسلام را حفظ کنید.

درملل دنیا اصول اعتقادی، تربیتی دینی برخط مشی تجارت واقتصاد استوار است وسیرتکامل زندگی اقتصادی است وعوامل مختلفه ملی همه تحت‌الشعاع اقتصادیات آنملت است واسلام‌هم یك ملت اقتصادی بودکه توانست بزودی جهانگیری نماید و جنبش علمی ونهضت دینی خود رادر دنیا منتشر سازد.

اکنون‌نیزجزاین‌چاره‌نیست که بنیه اقتصادی کشور اسلامی را تقویت کنند مابه الاشتراك اقتصادی رابرسایر نیازها مقدم‌دارند وچون توانائی وقدرت پس‌از علم‌ودانش باثروت است اول‌ثروت ملل‌اقتصادی رابراساس تبادلات ممالك اسلامی تقویت کنند وآنگاه روابط فرهنگی، عقیدتی، تعلیم وتربیتی- کلاس درس ، وتهذیب اخلاق عمومی وتنویر افکار مسلمین را ازراه ارتباط کامل دانشگاه های الازهر مصر، زیتون، ایران، بغداد، نجف، بیروت، قم، مشهد، وپاکستان واندونزی ترکیه ، افغانستان؛ ژاپن، چین، افریقای شمالی ووسطی وسایر سواحل اقیانوس شروع و برنك واحدی درآورند اگر اتحاد اقتصادی براساس راستی ودرستی عواطف دینی متعادل شود مهمترین عامل برای اتحاد ملل اسلامی خواهدبود.

آنگاه که بنیه‌مالی مسلمین تقویت شد ومحصولات صنعتی وطبیعی و کشاورزی آنها میان هم متبادل گردید وقدرت یافتند علم‌دین هم‌سرمایه تکامل اخلاقی وتهذیب نفسانی ورشد عقلی آنهاست همان مزایای اسلام راکه درصدر اسلام براساس توحید وعمل پیغمبر وائمه دین علیهم صلوات‌الله اجمعین بمردم میآموختند ورشته اتحاد رامحکم نمودندخواهد داشت.

این‌اتحاد باید باحفظ حق وعدالت صورت گیرد ومسلمین تااز محیط پهناور خود ومزایای عقیده ومذهب خود اطلاعی ندارند 'این‌حق وعدالت براثرتساوی وبرادری اجرانمیگردد زیرادشمن تخم‌تبلیغ نفاق وشقاق رابین ملل‌اسلامی بذرکرده وتقویت‌میکنندومسلمانان راازهم جداساخته‌است بطوریکه ایرانی بهندی، مصری بشامی- افغانی بترکی وآسیائی، باروپائی و افریقائی بامریکائی یا ژاپونی بچینی بهمون ترتیب بدبین هستند باید مسلمان بهم‌خوشبین بود وبرادر وبرابر باشند وچون اسلام مابه الاجتماع "اینملت است تمام تعصبات ملی را کنار گذاشت چون برادر بهم آمیخت .

پیغمبر اسلام در حق مسلمانان چنین فرموده است:

المؤمن مرآت المؤمن مؤمن آئینه سرتاپا نمای‌مؤمن است.

المؤمن یسیر المؤمنه مؤمن کم مؤنه و کم خرج است.

المؤمن اخوالمؤمن مؤمن برادر مؤمن است درتمام شئون زندگی.

المؤمن الذی یخالط الناس و یصبر علی اذاهم اعظم اجراً من المؤمن الذی لا یخالطهم ولا یصبر علی اذاهم.

مؤمن کسی است که بامردم بیامیزد وبرآزارشان شکیب کند تابیشترمزدبرداز آن مؤمنی که باآنان نیامیزدوبرآزارشان شکیب ننماید

المؤمن الف مألوف مؤمن الفت میگیرد وباو الفت وخو میگیرند یعنی زود آشنا ودوست داشتنی است .

المؤمن من اهل الایمان بمنزلة الرأس من الجسد ـ مومن نسبت بیکدیگر مؤمنان بمنزله سر است از تن.

المؤمن یوم القیمة فی ظل صدقته ـ مؤمن درروز رستاخیز درسایه صدقه‌اش باشد.

المؤمن کفارة لکل مسلم ـ مؤمن پرده پوش جرم هرمسلمانی است .

المؤمن امنه المسلمون علی اموالهم ودمائهم ـ مؤمن آنست که‌مسلمانان اورا براموال و خونهایشان امین بدانند.

المؤمن دعب ولعب والمنافق قطب و غضب ـ مؤمن شوخ‌وشیرین است‌منافق تندوخشمگین

المؤمن یأکل بشهوة اهله والمنافق یاکل اهله بشهوته ـ مؤمن هرچه خانواده‌اش میل کند ازغذا میخورد ومنافق هرچه میل‌دارد بخانواده‌اش میخوراند.

وحدت‌مسلمین

همای سعادت‌اسلامی مابین‌نقطه غرب‌اقصی‌ازطرف تونکانی‌تاحدود چین ودرعرض مابین‌قازان ازجهت شمال وبین سراندیب زیرخط استوا ـ بر اقطار متصل ودیارو وممالك متعدده‌سایه‌افکن‌شد مسلمین یعنی ساکنین این نقاط‌ونواحی سلطنت پای برجائی‌استوار کردند وشوکت وعظمتی یافتند‌که درروی کره زمین‌نظیرآن درتاریخ بشریت دیده نشده است

قشون اسلام هیچ کجاشکست نخورد ـ علوم‌اسلام هیچ‌نقطهٔ نکس وضعف‌پیدا نکرد ـ رشته‌های آهنین متصل آنها بهم پیوسته محکم کشته ریشه‌های درخت دین درقلوب بشر‌بهم‌اتصال پیدا کرده و تاقعراعماق فکرواندیشه افراد بشررا فراکرفته است ـ دست مسلمین درآبیاری دین منتهـای‌بذل وسعی رابکاربرده بطوریکه ستاره‌های‌درخشان‌اسلام درهمای‌وجود خودنمائی میکند ـ ازمظاهراین‌نبوغ میتوان فارابی ـ ابن‌سینا ـ وابن‌راشد ورازی ملاصدرا درشرق وغرب نام برد .

وحدت اسلامی درحکمت وطب هیئت وهندسه علوم عقلیه ـ نقلیه در جمع طبقات ملل اسلامی معمول است سلطه مسلمین ازبحرابیض وبحراحمر ودریای محیط و دریای هند قریب چهار صدسال امتداد یافت ،

امروزهم مسلمین این کشورهای‌پهناور را دره قاره زمین وصحنه دریاهای پهناور عالم رابمیراث کرفتندوهیچ ازنظر‌نفوذدینی حتی‌یك‌وجب ازاراضی خودراازدست ندادند اکر کشورآنهاهم‌مستعمره شد نفوذ ومعنویت اسلام‌تحکیم یافت وباعث نشراسلام گردید.

مسلمین درهمه نقاط جهان علاقه خودرا بمعنویت وروحانیت فضیلت اظهار کرده وبآیات‌محکم قرآن ایمان واعتراف دارند افکار واندیشه آنها نمونه بارزحق وحقیقت است درهیچ یك ازملل‌عالم این اندازه‌حق وحقیقت متجلی‌نیست وبعکس‌درهیچ‌یك‌ازملل‌های جهان غیراسلامی خرافات‌این‌اندازه محدود نیست که دراسلام است ـ نظری بمعتقدات وآداب‌ورسوم وشئون ملی ملل‌جهان وطبقات‌الامم بشری افکندید‌میبینید تاچه حد پابست خرافات واوهام واباطیل هستند درحالیکه مسلمین بااعتقاد بمبداء ومعاد وراه روش دین باینکونه موهومات وخرافات عقیده ندارند .

همه آنها ازچشمه سارقرآن سیراب شده یکنوع علم ودانش وفقه و روش فرا کرفته که بطرف کمال مطلوب آنهارا سوق میدهد همین وحدت عقیده و اندیشه آنهارا حفظ‌کرده ومانع از سلطه دیکران است .

واگردرسلطه یکی ازاجانب واقع شدند دراثرخرق وتفرقه است نه ازجهت عقیده وایمان .

معارف ولغات وعلوم وفنون آنها بقدری پابرجا میباشد که فرهنك جهان میراث اسلام است

عقاید اسلامی درقلوب مسلمین حکومت دارد ودر اراده آنها سخت موثر است وتحکیم مبانی فضیلت واخلاق است امروز برمسلمین بیش ازهرچیز واجب است که در مابه الاجتماع اسلام ووحدت کلمه پیوستگی وعلاقه خودرا شدیدابراز کنند تا بتوانند دشمنان رادفع نمایند ووحدت نوعی رادر زندگی اجتماعی و همچنین پس ازمرك پای برجا و استوار سازند تاملیت وسعادت برای همیشه محفوظ بماند -

بایدمسلمین بکوشند تشتت آراء - تفرقه وتسامح - تکاهل و حزن واندوه‌را برطرف سازند و بسوی اعتلا واعلا کلمه توحید و برتری وافضلیت وا کملیت کوشش نمایند تا بتوانند جمعیت بزرگ اسلام را ازپرا کندگی دورجهان ودوری وجدائی حفظ کنند مسلمین دارای قواعد وقوانین اجتماعی هستند که محتاج بمشاور فنی واستمداد فکری نیستند چنان راه برآنها روشن شده و گذشته گان رفته‌اند ودرآغوش سعادت جای گرفته‌اند وبرجهانیان سلطه وحکومت کرده‌اند که قرنها ادامه داشته وتاریخ بشریت شاهد گفتاراست که هیچ محتاج برهان نیست .

اسلام تمام امورزندگی رابمسلمین آموخته مشکلی ومکروهی برای آنها نگذاشته دین اسلام عریان وبرهنه ازهمه شوائب وبیراهه‌ها میباشد - خرافات واوهام بدین اسلام راه ندارد

مسلمین باید درحرکت فکری و حس مشکلات وجدانی بمرجعی دانشمند و مقتدر ومطلع براوضاع جهان واراضی مسکونی مسلمین اتکاء داشته باشند باید در اعیاد و جشنها - درجمعه و جماعت درکنگره اسلامی - درتشکیل کنگره‌های نژادی اسلامی ارتباط کامل نژادهای مسلمان براساس تقوی وفضیلت برقرار گردد - باید درروزهای بزرك دین - درموالید وفیات پیشوایان دین متفقاً تعظیم شعائراسلام نمایند وعظمت اسلام رابجهانیان برسانند - باید تمام مسلمانان جهان اطاعت‌هم‌آهنگی را برگردن بگیرند درنهضت‌های اجتماعی اسلام تشریك مساعی وشرکت نمایند .

باید علما ودانشمندان‌رجال سیاسی- نویسندگان خطباء گویندگان - مولفین - مصنفین کتب روابط معارف وفرهنك خودرا تحکیم نمایند ونزدیك کنند ودرنشر زبان‌عرب زبان قران وزنده داشتن نماز وشعائردین وعمران مساجد وتقویت مدارس و دانشگاههای اسلام کوشش کافی مبذول دارند اسلام برای شرقی وغربی سیاه ، سفید ، دریائی ، صحرائی ، اروپائی آسیائی‌نیست اسلام برای بشر است اسلام برطبق غریزه فطری بشراست اسلام برای سعادت بشراست بایداین عقاید درتمام بشر رسوخ یابد بایدتمام بشراین حقیقت رادرك کنند .

خصوصاً ایرانیان که در این راه قدم بزرگی برداشته‌اند و مثل بخاری - مسلم - نیشابوری - ترمذی - طبری - اصطخری - قزوینی - بسطامی- ابن عربی- ابوداود - بغوی - ابو جعفر-بلخی - کلینی- تفتازانی - سید شریف - ابی‌وردی - قطب شیرازی-صدوق - مجلسی- ابوبکررازی -امام‌فخررازی- میرفندرسکی-شیخ‌بهائی- زمخشری -بیضاوی- خواجه نصیرالدین‌طوسی شهاب الدین - سکاکی-سیبویه - ابوعلی‌فارسی - ابوالفرج اصفهانی - ابونعیم اصفهانی - سیدرضی سیدمرتضی - شیخ‌مفید- بدیع‌الزمان همدانی همه نمونه‌های بارزی از ایرانیان میباشد که اسلام در مفاخرخود ناگزیرازنام آنهاست .

درحدیث هم‌فرموده **قال ص لو کان العلم فی الثریا لناله رجال من الفرس**

بقلم علامه آیت الله کاشف الغطاء

اتحاد ملل اسلامی

یکی از نویسندگان بزرگ شیعه که از مفاخر اسلام واز نوابغ علما اعلام میباشد آیت الله حاجی شیخ محمد حسین کاشف الغطاء مقیم نجف اشرف بود نکات ودقایق لطیفی از اتحاد ملل اسلامی را در این مقاله مورد بحث قرارداده وراه حلی که مسلمین بتوانند اتحاد خود را حفظ کنند بارای خود بیان کرده‌اند کاشف الغطاء از بزرگان نویسندگان و گویندگان و ازفحول خطبای اسلام است که امروز جامعه مسلمین بوجود او مفتخر میباشد ـ وچون مقاله ایشان بسیار مورد توجه گردید خلاصه آنرا از نظر خوانندگان میگذرانیم ،

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره اول سال دوم مجله درخشنده رسالة الاسلام را که ازطرف جماعت (دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه) در قاهره انتشار پیدا میکند زیارت کردم و باندازه‌ای که وقت وفرصت بمن اجازه میداد ، مقالات بزرگان علم وفضیلت مندرجه در آنرا خواندم و آنچه بنظرم رسیدهمه را نافع ومفید دیدم ، در این شماره وبعضی ازشماره‌های سال اول بنکته مهمی برخوردم که باید آنرا رو ن کرد. بعضی ازارباب دانش وفضل تاکنون بنقطه نظراساسی (جماعت دار التقریب) پی نبرده وراه را گم کرده‌اند وتصور کرده‌اند که انجام مقصود وغرض جمعیت تقریب از محالات است .

اگر غرض ومقصود جماعت تقریب این باشد که اختلاف بین فرق ومذاهب اسلامی را بکلی برطرف نماید وباین نظر باشد که تمام مسلمانان دارای مذهب واحد شیعه یاوهابی شوند البته انجام این نظر وغرض اگر ازمحالات عقلی نباشد ازمحالات عادی است زیرا اختلاف در رای وعقیده بطور کلی یکی از حالات طبیعی وارتکازی بشر است وشاید آیه شریفه (**ولایزالون مختلفین الامن رحم ربك و لذلك خلقهم**)

یعنی اختلاف بشر همیشگی است مگر کسانیکه مورد رحمت پروردگار باشند و برای همین هم خلق شده‌اند ـ اشاره بهمین معنی باشد ولذا باید آقایان عزیز بدانند که بطور قطع ویقین مراد ومنظور جماعت تقریب این نیست که اصل وریشه اختلاف بین مذاهب اسلامی را برطرف سازد بلکه منتهای مقصود برطرف ساختن فواصل ودوری مسلمانان ازیکدیگر ودشمنی بین مسلمانان ورفع آن که از اختلاف ناشی شده است وآنها را ازیکدیگر دور ساخته ازبین بردارند یعنی **فاصله بین فرق مسلمان را کوتاه سازند** و دوری ودشمنی ولجاج وعناد آنهارا بدوستی وبرادری اسلامی مبدل نمایند .

بدیهی است مسلمانان اگر دربعضی ازاصول وفروع اختلاف داشته باشند در یکدسته از امور مطابق احادیث معتبره ومسلم الصدور باهم اتفاق دارند مثلا هر کس شهادتین خودرا اداء کند واسلام رادین خود بداند جان ومال وعرض وشرف او دربین مسلمانان محترم است ویامسلمان برادر مسلمان است ویاهر کس بطرف قبله ما نماز بخواند وازذبیحه ما بخورد ودینی غیراز دین ما نداشته باشد، ازماست درخیر وشر وضرر ونفع بااو مساوی هستیم این دسته ازامور متفق علیه تمام مسلمانان است.

مسلمانان درهرچه اختلاف داشته باشند اتفاق آنها در مورد قرآن کریم کافی است که تمام آنها درزیرلوای اسلام و قران جمع شوند زیرا قران بهترین وسیله و بزرگترین جامع بین فرق مسلمانان میباشد ،

قرآن در بسیاری از اصول و فروع رابطه بین عموم مسلمین بوده و مخصوصا در مهمترین ومحکمترین رشته ارتباط که توحید و نبوت وقبله تمام فرق اسلامی را بهم مرتبط ومتحد میسازد وبنظر ما اختلاف مسلمین در بعضی از فروع و غیره درحقیقت نظر اختلافی است که دررای و استنباط حکم ازقران کریم پیش میآید واختلاف دراجتهاد هیچگاه نباید موجب دشمنی و یادوری مسلمانان ازیکدیگر شود ،

آری بزرگترین فرق اساسی بلکه یگانه موجب افتراق بین دودسته از مسلمانان شیعه وسنی همان قضیه امامت است که دوفرقه شیعه وسنی دراینباب دوطرف خط واقع شده‌اند ،

شیعه معتقداست که امامت یکی‌ازاصول‌دین ودرردیف توحید ونبوت بود. ومعتقداست که‌امامت باید ازطرف خدا ورسولش (ص) منصوص باشد وامت اسلامی‌هیچگونه اختیاری درتعیین امام ندارد چنانکه درتعیین نبی‌هم هیچگونه اختیاری نداشته.

درمقابل عقیده شیعه، برادران سنی‌ما معتقدند که امامت ازاصول دین‌نیست بعضی میگویند باید بوسیله اجتماع بررعیت معین گردد وبعضی دیگر میگویند امامت یك‌مسئله سیاسی واداری است وابداً ارتباطی بدیانت ندارد، نه‌از اصول‌دین است ونه‌از فروع.

ولی بااین فاصله زیادی که بین‌عقیده سنت موجود است آیادیده شده که یکنفر شیعه امامی بگوید **کسی که معتقد بامامت نباشد مسلمان نیست** ابداً ومعاذالله حتی‌یکنفر شیعه چنین حرفی نزده واز آنطرف آیادیده شده‌است که یکنفرسنی بگوید کسی که قائل‌بامامت است مسلمان‌نیست ابداًواصلا حتی‌یکنفرسنی‌هم چنین‌حرفی نمیزند.

بنابراین امامت چه‌از اصول‌دین باشد چه‌نباشد علاقه وارتباطی بجامعه اسلامیت ندارد وجان ومال‌وعرض وشخص مسلمان محترم وبرهر مسلمانی واجب استکه احترام برادر دینی خود را نگاه دارد وحتی‌غیبت کردن مسلمانی ازمسلمان دیگرحرام است چنانکه حقوق بسیاردیگری هم‌هست که عموم‌افراد مسلمان بایدنسبت بیکدیگر رعایت نمایند.

بااین شرح وبیان انصافاً موضوعی که مانع اساسی جمع فرق اسلامی‌باشد بنظر نمیرسد.

بلی، باتمام این‌احوال یك‌چیز هست که من‌دراینجا میخواهم درآن باب صریح‌تر صحبت کنم تاهیچ نقطه ابهامی که ممکن‌است درذهن ومخیله خوانندگان عزیز خلجان کند باقی‌نماند وآن این است که شاید گفته شود سبب‌دشمنی بین‌شیعه وسنی آنست که شیعه‌توهین بخلفای راشدین ویاطعن آنهارا جایزدانسته وبعضی‌از شیعه‌بالاتر رفته وخلفای راشدین را سب و قدح می‌نمایند و درنتیجه عواطف طائفه دیگر از مسلمین‌را تحریك می کنند واین‌عمل موجب دشمنی آنها میگردد.

اگر چنین تذکری داده‌شود جوابش آنست که‌اگرقدری تأمل کنیم وباحکام‌شرع وعقل‌مراجعه کنیم، این‌عمل برفرض صحت بدلائل‌ذیل نبایدموجب دشمنی فرق مسلمان گردد.

اولا- شیعه چنین حرفی نمیزند واگر چنین چیزی باشد قطعاًاز ناحیه‌فرد یاافراد متفرق و معدودی بوده واکثریت کامل‌شیعه باآن مخالف است زیرا دراخبار واصله از ائمه شیعه‌از این عمل نهی‌ومنع شده است ودراینصورت نمیتوان برای چندنفر نسبت بتمام شیعیان امامیه دشمنی نمود.

ثانیاً - برفرضی که شیعه‌چنین عملی‌را جایز بداند، هیچگاه اینعمل موجب تنفروخروج ازدین نمیگردد وحداکثر یکی‌از معاصی و گناهانی است که افراد هریك ازدو فرقه‌اسلام مرتکب میشوند

وبدیهی است که معصیت یکفردمسلم نباید موجب قطع‌رابطه بین‌عموم مسلمانان گردد.

ثالثاً- باز برفرض صحت‌اگر چنین‌عملی ازطرف یك‌فرد ویاافراد معدودشیعی جایز باشد جواز مزبور برمبنای اجتهاد وعقیده‌است ولواجتهاد ورأی مزبور خطای محض‌بنظر برسد زیرا قدر متیقن درنزد تمام‌فرق اسلامی این است که اگرمجتهد دراستنباط خود خطا کرد یك‌اجر دارد و اگر خطا نکرد ومصیب‌بود دواجر خواهد داشت وبرادران سنی ما **اختلاف وجنگهای بین صحابه در صدر اول اسلام ازقبیل جنك‌جمل وجنك‌صفین وجنگهای دیگررا دراین‌طریق تصحیح کرده** ومیگویند طلحه وزبیر مطابق اجتهادخود عمل کرده‌اند ولو اجتهادآنها مبنای درستی‌نداشت وخطا کردند وخطای آنهاموجب سلب عدالت ازآنها یا موجب شکست درشخصیت و موقعیت آنها نخواهدبود بنابراین پس‌ازآنکه اجتهاد خطئی بعضی از صحابه، ریختهشدن خون هزاران نفر مسلمان‌را جایز نماند؛ اجتهاد بعضی‌از افراد درجواز هتك‌بعضی ازصحابه بطریق اولی گناه ومعصیت نیست ولواجتهاد مزبور خطاباشد.

مقصود این است که اگردراین باب‌منصفانه تعمق‌ودقت نمائیم وباروشنائی وهدایت ادله‌شرعیه وعقلیه دراین مسئله غور کنیم وخودرا ازهوی وهوس وبعضی‌تعصبات فارغ‌سازیم بخوبی درك میکنیم که نباید اینمعنی موجب شقاق ودشمنی بین‌مسلمانان گردد ودائمادایره اختلاف را وسیع‌تر سازد تمام اینمراتب دروقتی‌است که این‌مسئله‌را ازلحاظ نفس‌موضوع مورد بررسی قراردهیم.

ولی اگرازلحاظ آثاری که براین اختلاف بارشده باین مسئله نگاه کنیم می‌بینیم چه‌مصائب و چه بلایائی براین یك‌امرغیراصولی بارشده وچه خون‌هائی که باین جهت‌ریخته شده وچه‌گونه ممالك متعدد اسلامی ازاین راه ازدست مسلمانان خارج گردید، **اندلس وقفقاز وبخارا وسایر اقطار اسلامی فقط ازجهت اختلاف مسلمانان وعدم اتفاق ازدست آنهارفته است واگرمسلمین** اتفاق واتحاد داشتند ، یکوجب ازخاك متصرفی آنها ازدست نمیرفت واگرقضایای تاریخ برای‌عبرت ما‌مسلمانان‌کافی نیست لااقل از قضایای اخیرکه بچشم‌خود دیدیم ومصائبی که برسربرادران ومادران فلسطین آمد وصدهاهزار افرادمسلمان وعرب را ازخانه وزندگی وآب و ملك خود بیرون کرده و دربیابانها بدست تقدیر وطبیعت سپردند بایدعبرت گرفت. مردم فلسطین را ازخانه آباء واجدادی خود بانهایت قساوت وبیرحمی اخراج کردند ودرحقیقت ایندست مرموز بر۷ کشور اسلامی تسلط و وخانه وملك واثاث واموال مردم محل رابیغما بردند وقشون دولت عربی ازهم‌پاشیدند

دولتهای اسلامی‌عربی جزالفاظ توخالی وآه وحسرتهای غیرحقیقی چیزی تحویل‌آنها ندادند بعقیده‌ما اگراین هفت‌کشوراسلامی دفاع ازخاك فلسطین رابخودمردم فلسطین واگذارمیکردندودر کارفلسطین کارشکنی نمینمودند ممکن نبود که یهودیان باین‌آسانی حتی‌یکی ازقراء آنجارا ازدست مردم فلسطین بگیرند ومتاسفانه علاوه ازآنکه بآنها کمك نکردند بعکس بیهودیان کمك کرده و می کنند وتمام مایحتاج یهودرا بوسائل متعددغیرقانونی فراهم میسازند وکمك‌هائی بآنها نموده و مینمایند که خودیهود ازتهیه آن وسائل عاجزمیباشند .

تمام این‌مصائب وبلایا دراثراختلاف وعدم اتحاد واتفاق مسلمانان پیش‌آمده ومیآید وتاوقتی که وحدت‌کلمه وحسن رابطه بین‌ملل اسلامی‌نباشد وتاوقتیکه‌افراد و کشورهای اسلامی‌نسبت بیکدیگر بیعاطفه باشند، وضع بهمین‌منوال خواهد بود وشایدهم بدتربشود ازاین‌شرح بخوبی‌این معنی‌بدست

می آید اموریکه درواقع ونفس‌الامر وبخودی خود ارزش ندارد وموجب آثارشوم اجتماعی میشود ، نبایددستاویزجوامع اسلامی گرددوبهرحال بازباصل مطلب بر گشته ومیگوئیم جماعت تقریب میخواهد طوائف وفرق اسلامی رابهم نزدیك کند ودشمنی سختی که بین آنها موجوداست برطرف سازدومسلمانان را دعوت میکندکه بآنچه خدای جلیل درقرآن مجید بآنهاامر کرده عمل نمایند،

خداوند کریم میفرماید:

«ای مسلمانان همگی برشته اسلامیت که رشته الهی است محکم بچسبید وباهم نزاع نکنیدکه مشت شما بازشود وهیبت شما ازدل دشمنان برود»

ضمناً میگوئیم که جماعت تقریب اولین جماعتی نیست که دست باین اقدام بزرك ومنظور عالی زده‌است بلکه در سابق هم یکعده از بزرگان اسلام ازقبیل مرحوم «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» دوشاگرد بزرگواراو مرحوم شیخ‌محمدعبده وسیدعبدالرحمن کواکبی وجماعت بسیاردیگری که حمیت وغیرت اسلامیت آنهاراتحریك کرده‌بود. دست‌باین اقدام‌زده بودند نهایت دعوت آنهاواقداماتی که میکردند بصورت فردی بود ولی جماعت تقریب بصورت هیئت باین‌کاردست زده‌است و امیدواریم خداوند متعال درصورت صدق‌نیت وخلوص‌عقیده‌اثرمفیدی بدعوت آنهابدهد . امامن عاجزازمدتها پیش برادران مسلمان خودرا باتفاق واتحاد دعوت کرده وفریادها زده وناله‌ها کرده‌ام ومؤلفات‌چهل ساله اخیرمن ازقبیل کتاب‌دین‌واسلام ومراجعات‌ومؤلفات دیگر ومقالات بسیاری که درجرائد ومجلات انتشارداده‌ام ونطقها وسخنرانیهائی که دراین باب داده‌ام ، شاهدمدعای من است .

خطابه تاریخی مربوط بفلسطین که دومرتبه بطبع رسید وسخنرانی راجع باتحاد واقتصاد که درمسجد کوفه دادم و کنفرانس‌های چهارگانه معروف این بنده وتمام مؤلفات وانتشارات من همه باین قصدونیت بود که شایدملل اسلامی وبرادران دینی خودرا ازخواب غفلت که مثل‌سایه مرك بر آنها افتاده‌است بیدارسازم .

من بوظیفه خودعمل کرده ومیکنم ولی‌مثل اینست که خداوند دلهای ماراامهر کرده است‌وآثار حیات را ازما گرفته ومارا درتاریکی وسرگردانی رها کرده است.

آری جماعت تقریب میخواهد فرق‌اسلامی رابهم نزدیك کند ومسلمانان راتحریص و ترغیب باتحاد ودوستی وبرادری چنانکه خداوند جلیل خواسته وامر کرده است بنماید، وبرای تامین‌این منظورعالی وشریف باید بنویسندگان وارباب‌قلم مصرسفارش‌نمود وتاکید کرد که بیجهت‌ببرادران امامیه، خودنیش نزنند وازآنها بدگوئی نکنند زیرا سالی نمیگذرد مگردیده وشنیده‌ایم رساله یا کتابی درمصرچاپ شده که مشتمل‌برطعن وتهمتهای ناروا بشیعه است وابن‌عمل موجب شده که‌شیعه امامیه بحکم ضرورت درمقام دفاع ورفع‌تهمت ازخودبر آیند ودرنتیجه‌دوری بین‌مسلمانان زیادترشود ودشمنان اسلام واستعمارطلبان استفاده کنند .

برتمام افراد مسلمان اعم ازشیعه وسنی واجب است که باب مجادلات مذهبی را بسته ودست باقدامی که موجب تحریك طرفین میشود نزنند واگر مجادله دراین باب بالذات محرم نباشد دراین اوقات وبااوضاع حاضره ازبزرگترین محرمات است زیرادشمنان اسلام ازهرطرف برما احاطه نموده‌وحتی ازمدعیان‌اسلام درداخله کشورهای اسلامی درصدد بزرگترساختن شکاف اختلاف وافتراق بین مسلمین هستند وضرردشمنان داخلی بطورقطع کمتراز ضرر دشمنان خارجی نیست .

درخاتمه نمیدانم این تذکرات صمیمانه که ازروی کمال حسن نیت بود برای تنبه برادران مسلمان کافی بود یا خیر من آنچه شرط بلاغ است باتو گفتم و بآیه شریفه (**قل هذه سبیلی ادعوالی الله علی بصیرة اناومن اتبعنی سبحان الله و ماانامن المشرکین**) تمثل میجوییم . یعنی ای محمد صلی الله علیه واله بگواین است راهی که من وپیروان من ازروی بصیرت باین وسیله مردم را بطرف خدا میخوانیم والسلام علیکم .

سخنرانی آقای میرزامحمدتقی قمی در جماعت دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه

آقای میرزا محمدتقی قمی درصف کسانی قرار گرفته که برای نزدیك کردن ملل اسلامی بهم واتحاد واتفاق آنها تمام عمرخودرا بانیرو وفعالیتی که داشته صرف کرده شایدبتوانند این بریدگی هارا ازمیان بردارد ومسلمین بسعادت خودکه اتحاد و اتفاق است برساند اینك ترجمه سخنرانی ایشان برای اطلاع عموم نقل میشود .

آقایان معظم - درتاریخ فقط اوقات معدودی یافت میشود که جاودانی است اینوقت یکی از آن اوقات است تاریخ اشخاص معدودی رابصورت اشخاص جاودانی نشان داده وثبت می کند وشمااز آن اشخاص هستید .

آری این ساعت تاریخی است که شمااز بزرگان تاریخی که می خواهید یك تحولی رادرتاریخ بوجود آورید .

رفع اختلافات بین مسلمین و ایجاد اتحادبین آنها یعنی ایجاد عظمت اسلام واین همان قسمتی است که شما دراینموقع که این تفرق وتشتت ها حالت اسلام ومسلمین را ازاین صورت عظمت باینصورت تأثرآور رسانده عهده دار شده اید واین همان تحولی است که درسیر تاریخ ایجادمیکنند .

آقایان - این هیئت وظیفه بسیار سنگین ودشواری راقبول کرده وبخوبی میداند که دراین راه صعوبات بسیاریرا درمقابل خواهددید ولی البته این نکته رادرنظر دارد که ۴۰۰ ملیون مسلمان از اطراف عالم باین مجمع نظردوخته وازنتایج افکاروتصمیمات آن بهره مند میشوند .

امروز این مجمع هریك بااعضائی ازمذاهب مختلفه اسلام افتتاح شده ومیخواهند بین برادران دینی که بیك خدا ویك کتاب ویك پیغمبر ویك دین معتقد ودارای یك نماز ویك قبله هستند آشنائی و حسن تفاهم ایجادوآن بدبینی هائی نسبت بیکدیگر رااز بین آنها برداشته وبرادری ویگانگی راجای - گزین اختلافات موجود سازد حال دراین اولین قدم باید ببینیم مشکلترین و درعین حال مهمترین کاریکه باید انجام گیرد چیست ؟

بعقیده اینجانب مهمترین و حساسترین مشکلی که امروز درعالم اسلام وجود دارد که اگر بحس آن موفق شدید خدمتی بزرك باسلام ودنیای اسلامی کرده اید قضیه بر کنار بودن یك خمس از جمعیت مسلمانان دنیاست ازیك اکثریت مهم اسلامی که هرچه می بینیم ازاین عدم ارتباط وبریدگی است که بین این اقلیت واکثریت بوجود آمده است .

امااین اقلیت که ازآن نام بردیم یك اقلیت قسمتی درعالم اسلام بود که عالیترین خدمات رادر راه این دین کرده وبهترین فرهنگهارا بعالم اسلامی تقدیم داشته است .

درتوحید وعقاید - تفسیر - حکمت - فقه ومبادی فقهیه وحتی درنحو وصرف ومعانی وبیان خدمات پرقیمتی کرده وتألیفات مهمی را بوجود آورده است وبزرگترین رجال دینی ومحققین اسلامی را در

خود داشته و پرتقوی‌ترین مردان را پرورانده‌اند ولی مع الاسف هنوز در دنیای اکثریت شناخته نشده واصولا یك خمس از پیکر اسلام فلج وغیر مرتبط باسایر اعضاء مانده است که نه تنها آنرا عضو زائدی تصور کرده‌اند ودر اجتماع خود نپذیرفته‌اند بلکه بهترمناسبت بمبارزه باآن پرداخته وقطع آنرا خواسته‌اند

آقایان این اقلیت شیعه وآن اکثریت اهل سنت باستی خوانده میشود والبته این تسمیه ایست اصطلاحی والاشیعه هم عامل بسنت رسول اکرم است وهم پیرو سنت واما اینکه گفتیم اقلیت مقصود یك اقلیت کوچك نیست بلکه یك اقلیت بـزرگی است کـه یـك مسلمین را تشکیل میدهد و بعبارت دیگر ۷۰ الی ۸۰ ملیون مسلمان تخمین زده میشوند وخیلی متاسفم اظهاردارم که در عالم اسلام نه تنها حقوق این اقلیت بزرك شناخته نشده بلکه بعقاید آنها چیزها نسبت داده شده وبصورتی عقاید اینددسته را باکثریت مسلمین نشان داده‌اند که هنوز عده بزرگی در اسلامیت اینعده شك میکنند .

اگر حقوق آنهارا نشناخته‌اند و فقه آنها را رسمیت نداده‌اند ، اگر در دانشگاهی چون جامعه الازهر که متعلق بتمام عالم اسلامی معرفی نشده اند هنوز شیعه وفقه شیعه رادر آن راهی نیست، اگر درمکه معظمه شهرامن وامان جایگاه بیت الحرام وقبله مسلمین وخانه هر مسلمان درایام حج که مردم بدعوت خدا برای اداء فریضه وراز ونیاز بآن درگاه رحمت وامیدروی میآورند و ریختن خون طیور وحوش بلـکه حشرات در آن تجـویز نشده خون یکـنفر شیعه را میریزند و این را عبادتی تصور میکنند .

تماما برای آنست که اصولا بعقاید شیعه چیزها نسبت داده شده ومذهب و عقیده اورا طوری جلوه داده‌اند که اکثریت اسلام را نسبت باین طائفه دراشتباه انداخته تابحدیکه بعضی قربة الی الله مبارزه باآن‌را ازفرائض دینی دانسته‌اند .

ولی آیا شیعه اینطوراست که آنرا نمایش داده‌اند؟ یادارای این عقایدی است که باو بسته‌اند؟ البته خیر!! ماازین نمی‌نالیم که چراحقوق مامحترم نیست وچرا برای ماحقوقی قائل نیستند بلکه ازاین شکوه داریم که این خرافات واوهام راچرا بمانسبت میدهند! چراپیشوایان عالم اسلامی اجازه داده‌اند که این تبلیغات سوء برعلیه یك اقلیت باین اندازه جای خود را باز کند - چرا مصنفین مؤلفین که خواسته‌اند دراطراف شیعه چیز بنویسند اگرخودهم مغرض نبوده‌اند ولی بدون تحقیق و رسیدگی بدون آنکه عقاید شیعه رازمصادر معتبره خود شیعه بگیرند ازمصادردشمنان شیعه گرفته وصورت بدی را ازشیعه درافکارعمومی مجسم کرده‌اند!

اینها شکوه‌های ما - اینهاست نقاط حـاس که اساس مشکلات را در آنها باید جست وبرفع آنها پرداخت ویقین داریم که اگراین عقایدنسبت بشیعه ازاذهان رفع شدقطعا حقوق متساوی درعالم اسلامی بدست خواهیم آورد ونه تنها کسی درآن راه باما معارضه نخواهد کرد بلکه خود مسلمین ازهرطایفهٔ که باشند ازآن نظر که پیرودینی هستند که برحق وعدالت استوارشده سعی خواهند کرد که این حق بما برسد - پس هرچه هست ازآن است که مارا مغرضانه معرفی کرده‌اند وماخودهم نتوانسته‌ایم خودرا معرفی کنیم - ۱

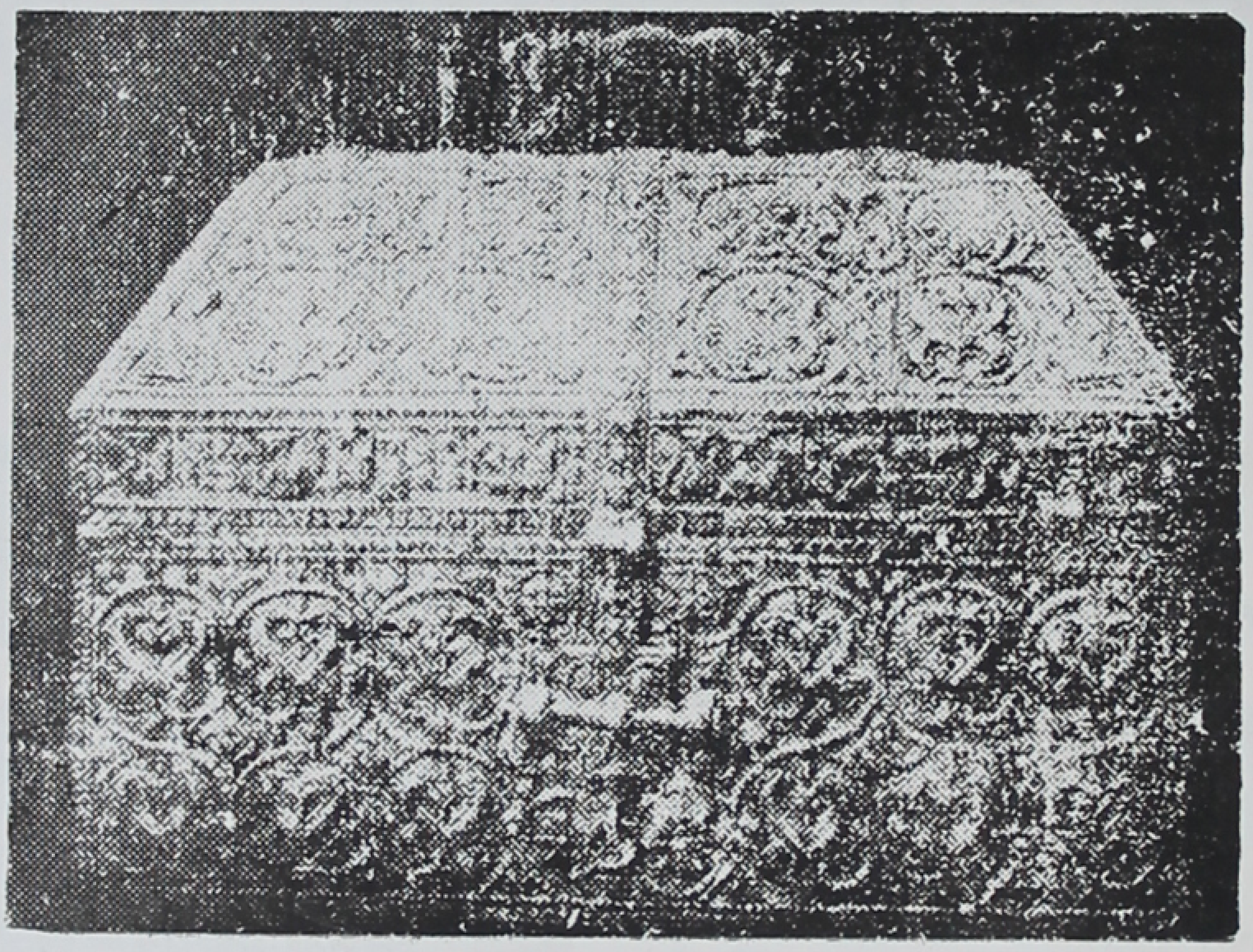
---

۱ - معرفی یاشفاهی است یابوسیله تـالیفات - ماتاآنجاکه توانسته‌ایم خودرا معرفی کنیم جلب خواطرشـوندگان را کرده‌ایم ولی دولتهای برادران ما گذاشته‌اند کتب ما که بااقلیت آن همه کتب اکثریت می‌چربد محیط اهل تسنن راه یابد ودردسترس آنها گذاشته شود درحالیکه کمتر خانه یك شیعه فاضل هست که درچندجلد کتاب او یکمشت آن ازسنی نباشد،

مترجم



ش۳۰۸ در رومانیا



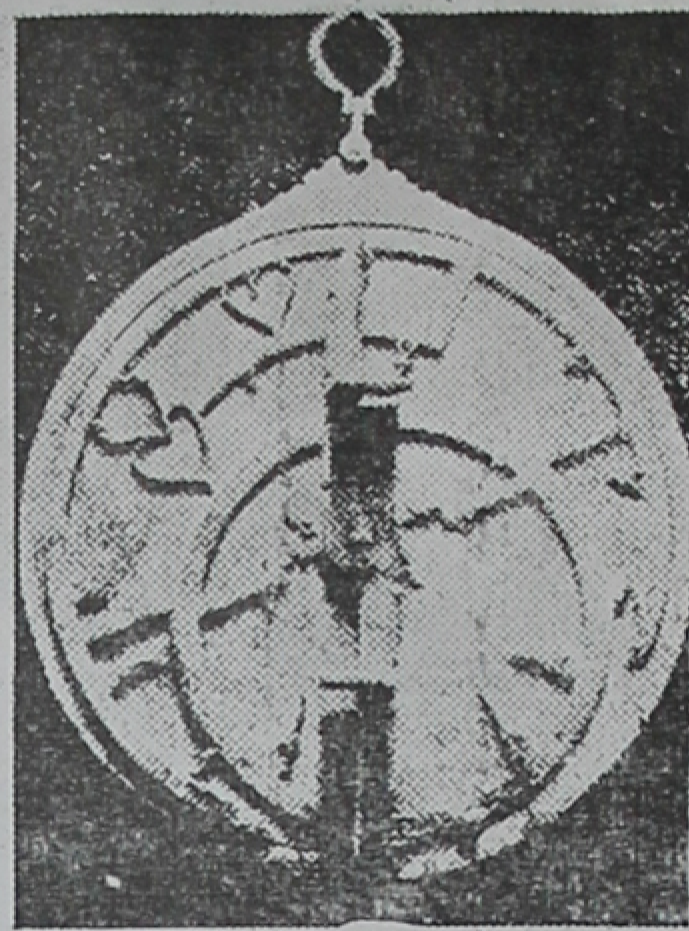
شکل ۳۰۹

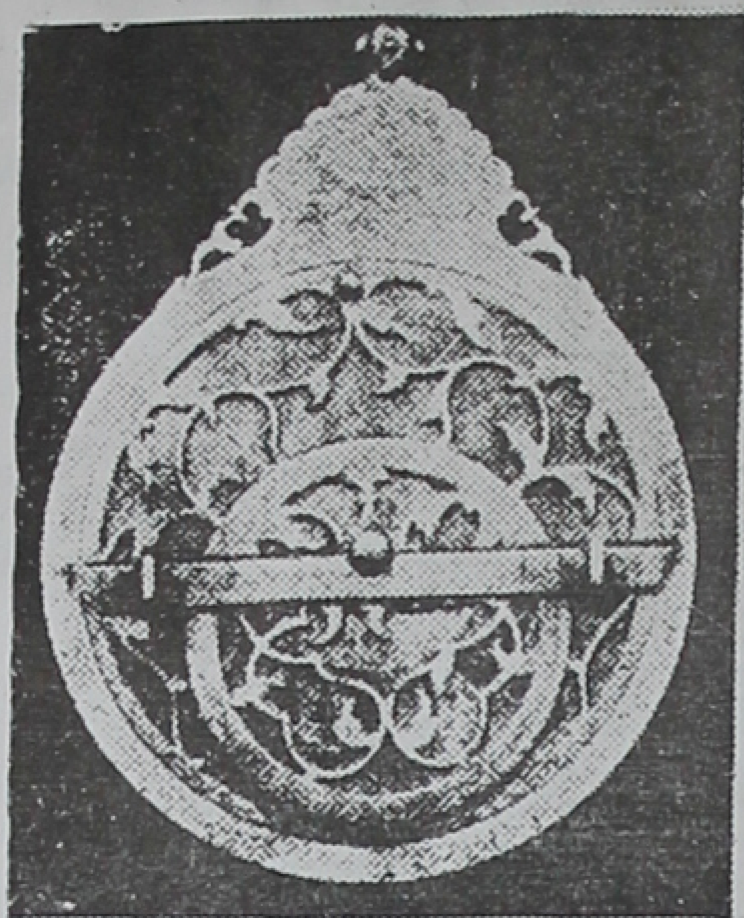


ش۳۳۰



ش۳۳۱



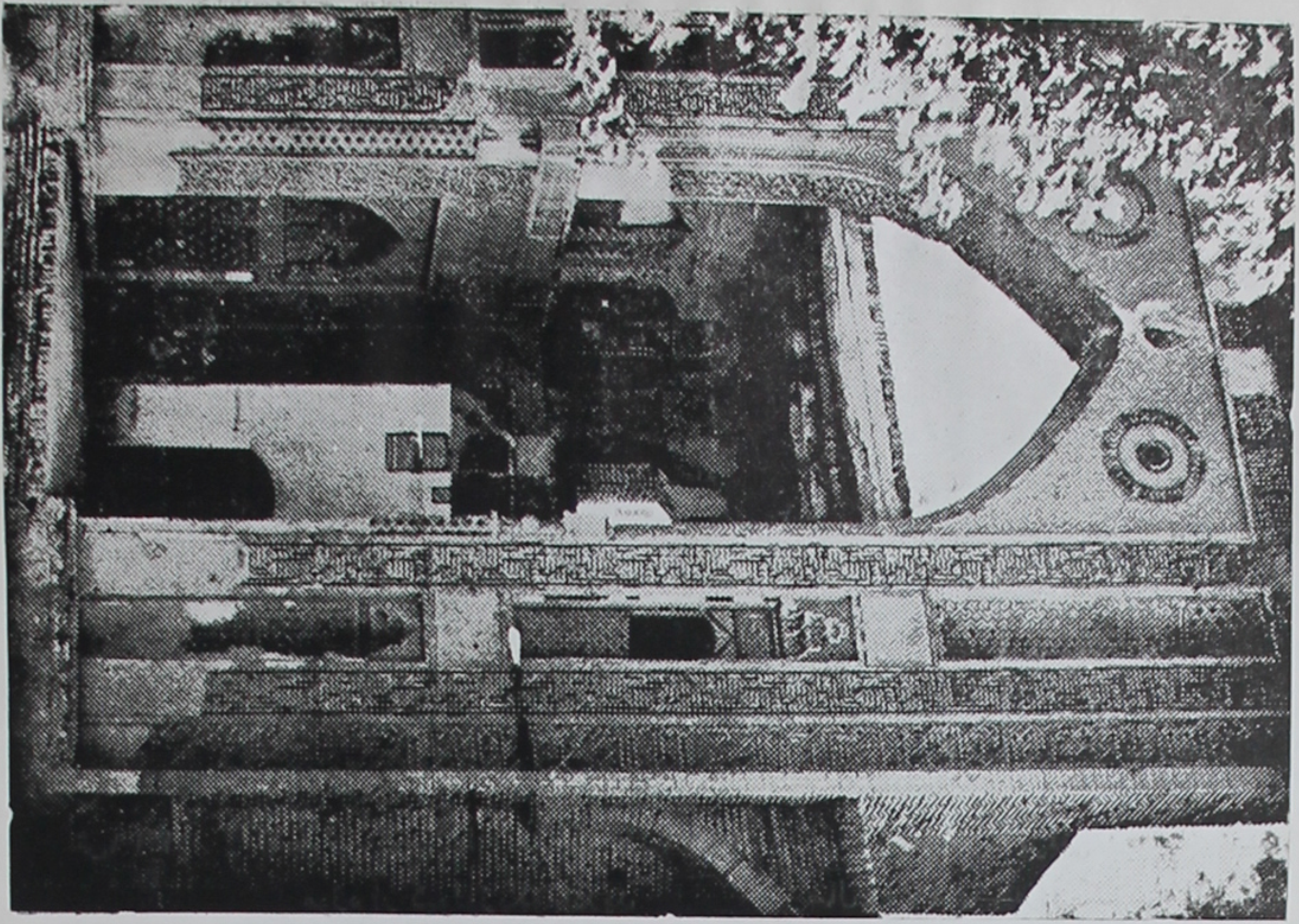


ش۳۱۶ اسطرلاب ـ طليطله ـ سال ۱۹۶۶ـ۷
موزه ارکیولوژیکو مادرید

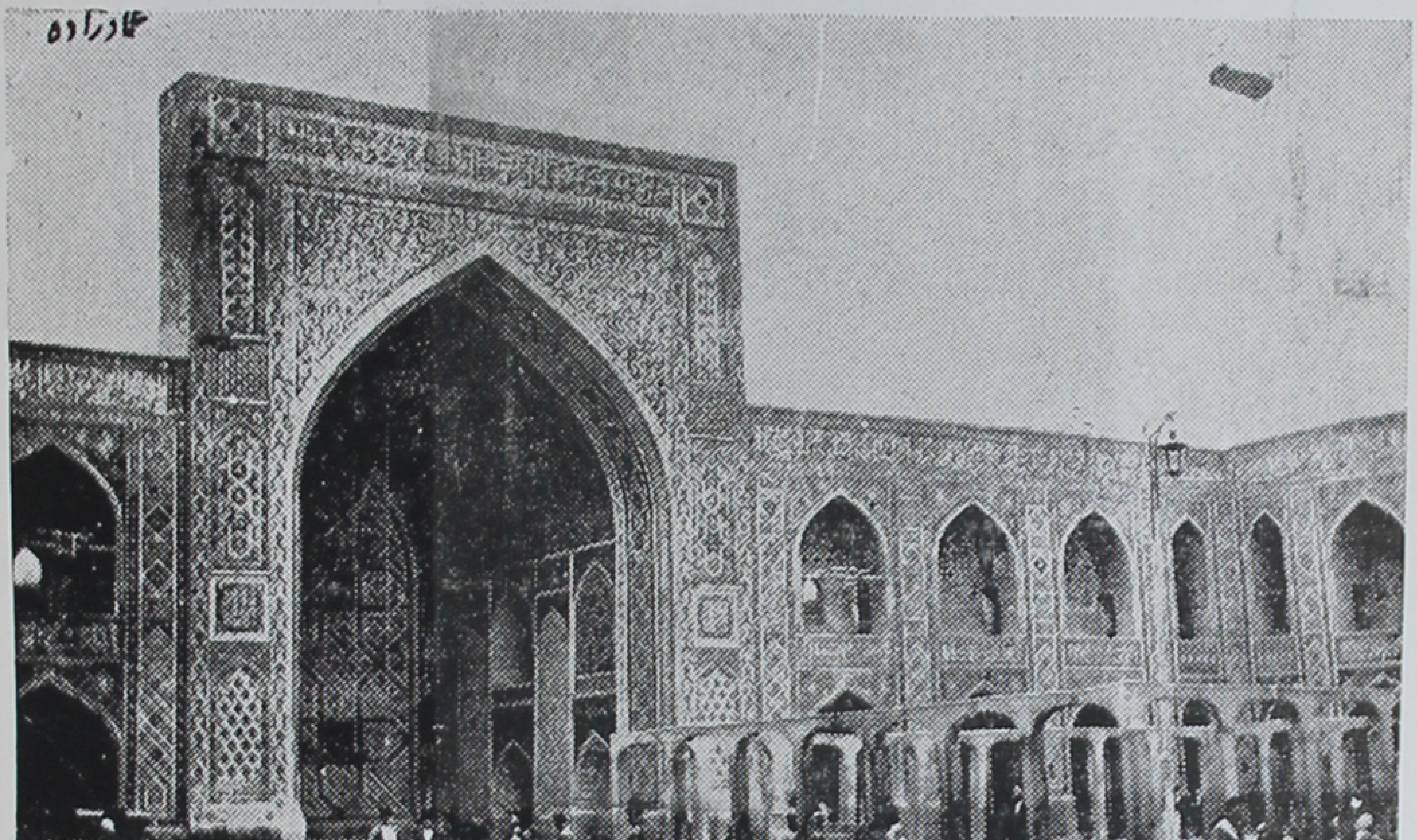
اسطرلاب ایرانی
سال ۱۷۱۵ ـ موزه ویکتوریا و البرت



ش۳۱۷ عون کربلا



ش ۳۲۲



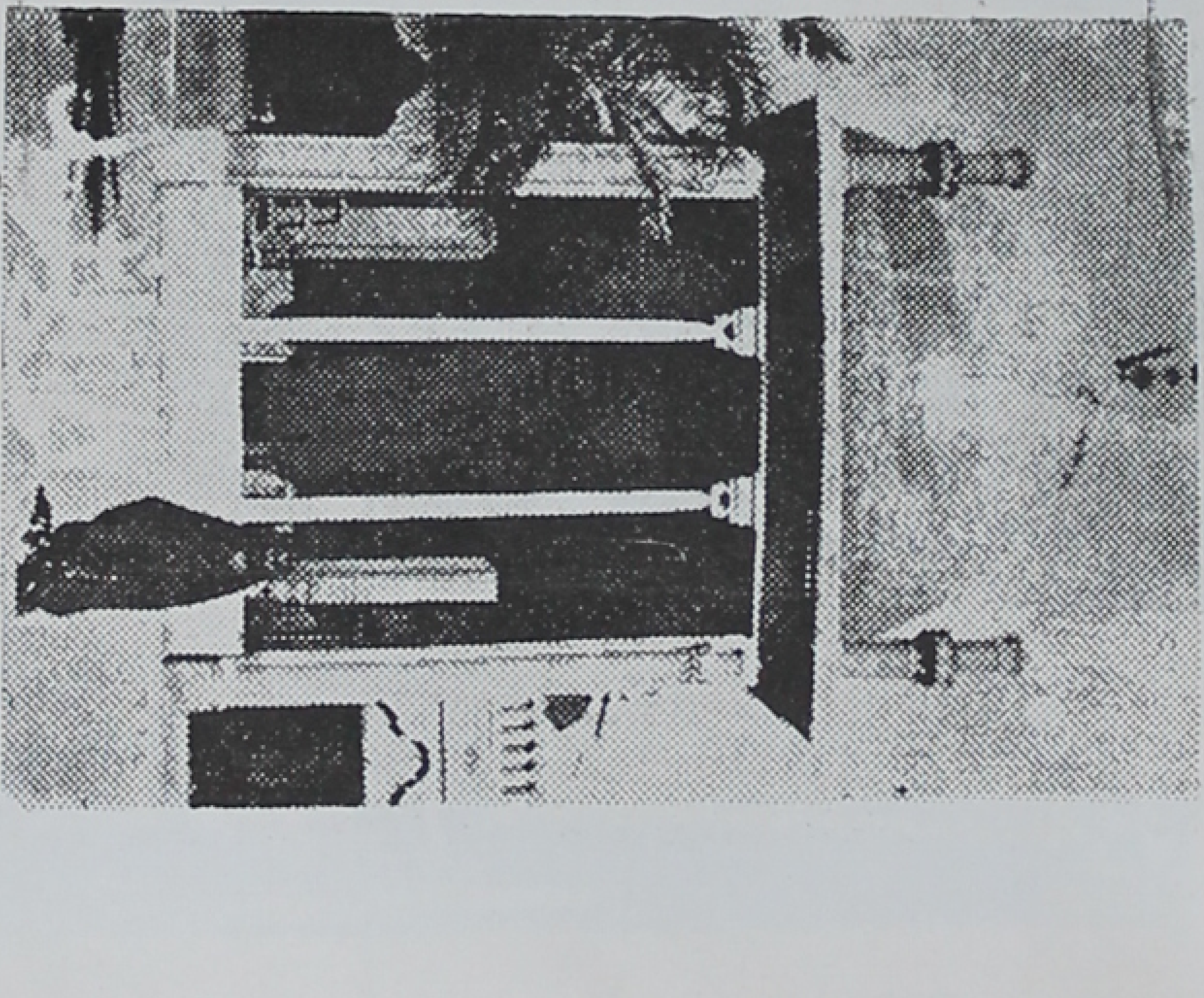
ش ۳۲۳



بسم الله الرحمن الرحيم
اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة
معرضون ۝ ما يأتيهم من ذكر من ربهم
محدث الا استمعوه وهم يلعبون
لاهية قلوبهم واسروا النجوى الذين
ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم افتأتون

السحر وانتم تبصرون قل ربي يعلم القول
في السماء والارض وهو السميع العليم
بل قالوا اضغاث احلام بل افتريه
بل هو شاعر فليأتنا باية كما ارسل
الاولون ما امنت قبلهم من قرية
اهلكناها افهم يؤمنون وما ارسلنا
قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل
الذكر ان كنتم لا تعلمون وما جعلناهم
جسدا لا ياكلون الطعام وما كانوا

ش۳۲۶



ش۳۲۷



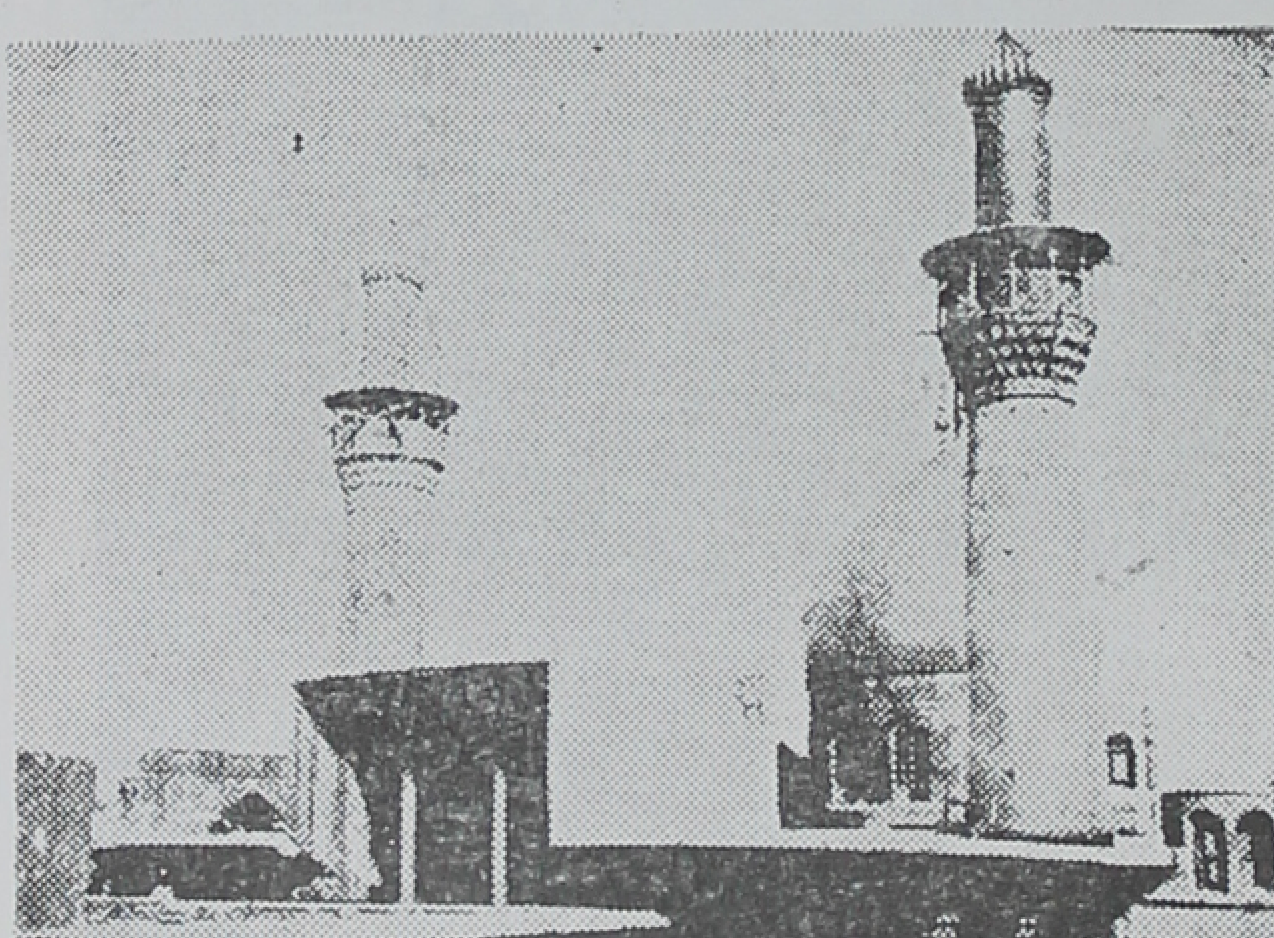
ش ۳۱۸ غار حراء که پیغمبر اسلام قبل از بعثت در آنجا عبادت میکرد



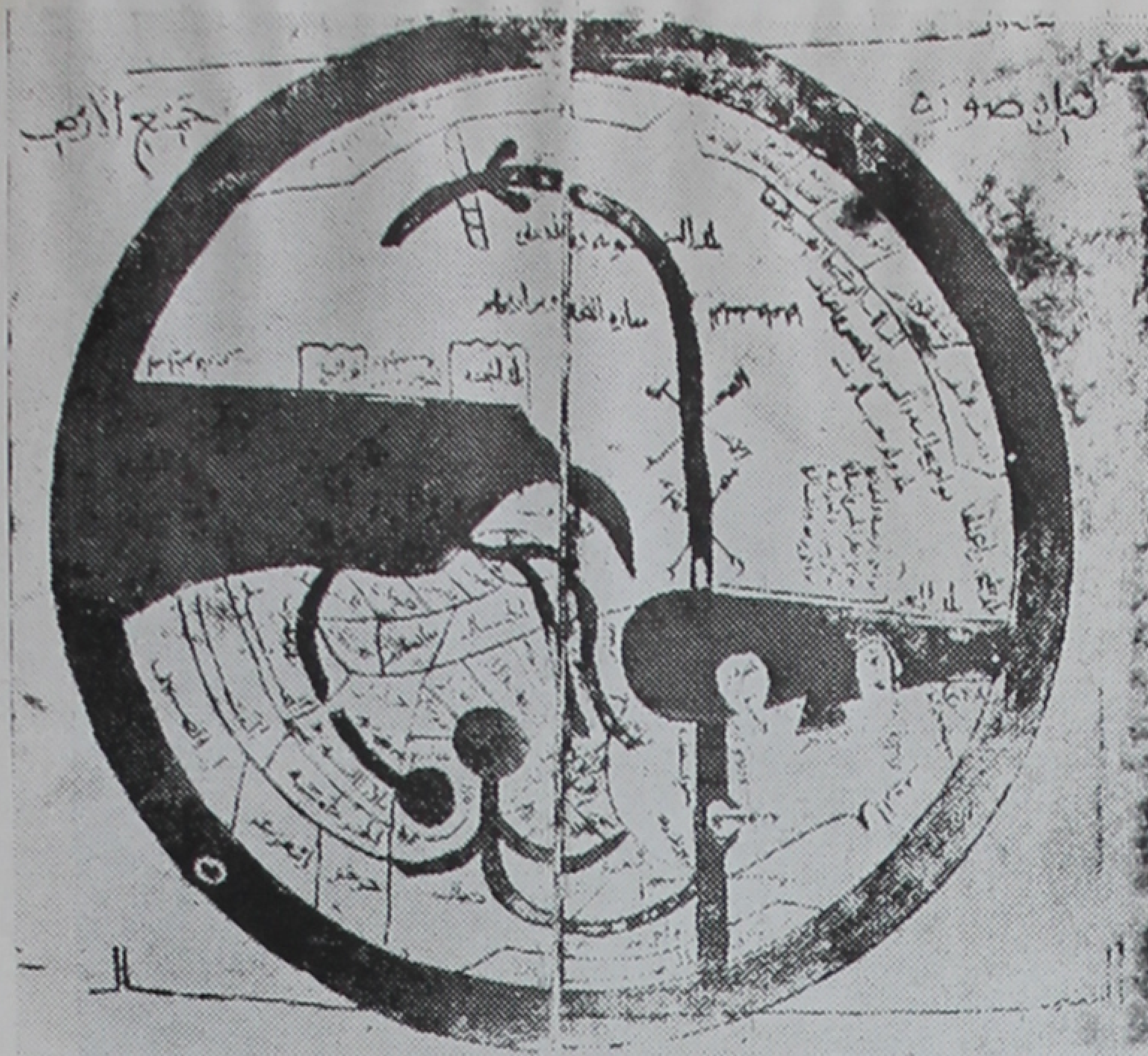
ش ۳۱۹ خیمه گاه



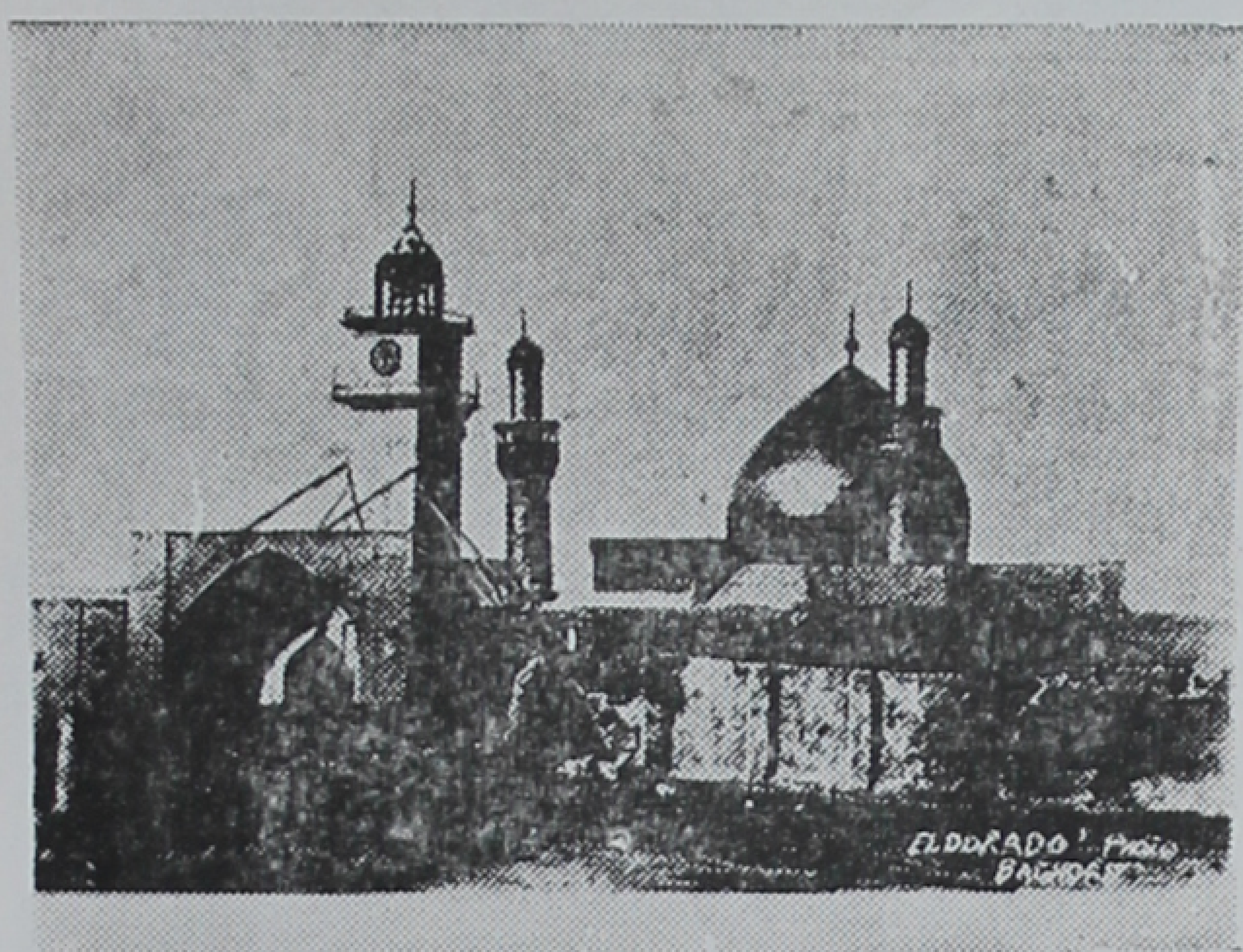
ش ۳۲۰



ش ۳۲۱ قبه حضرت عباس



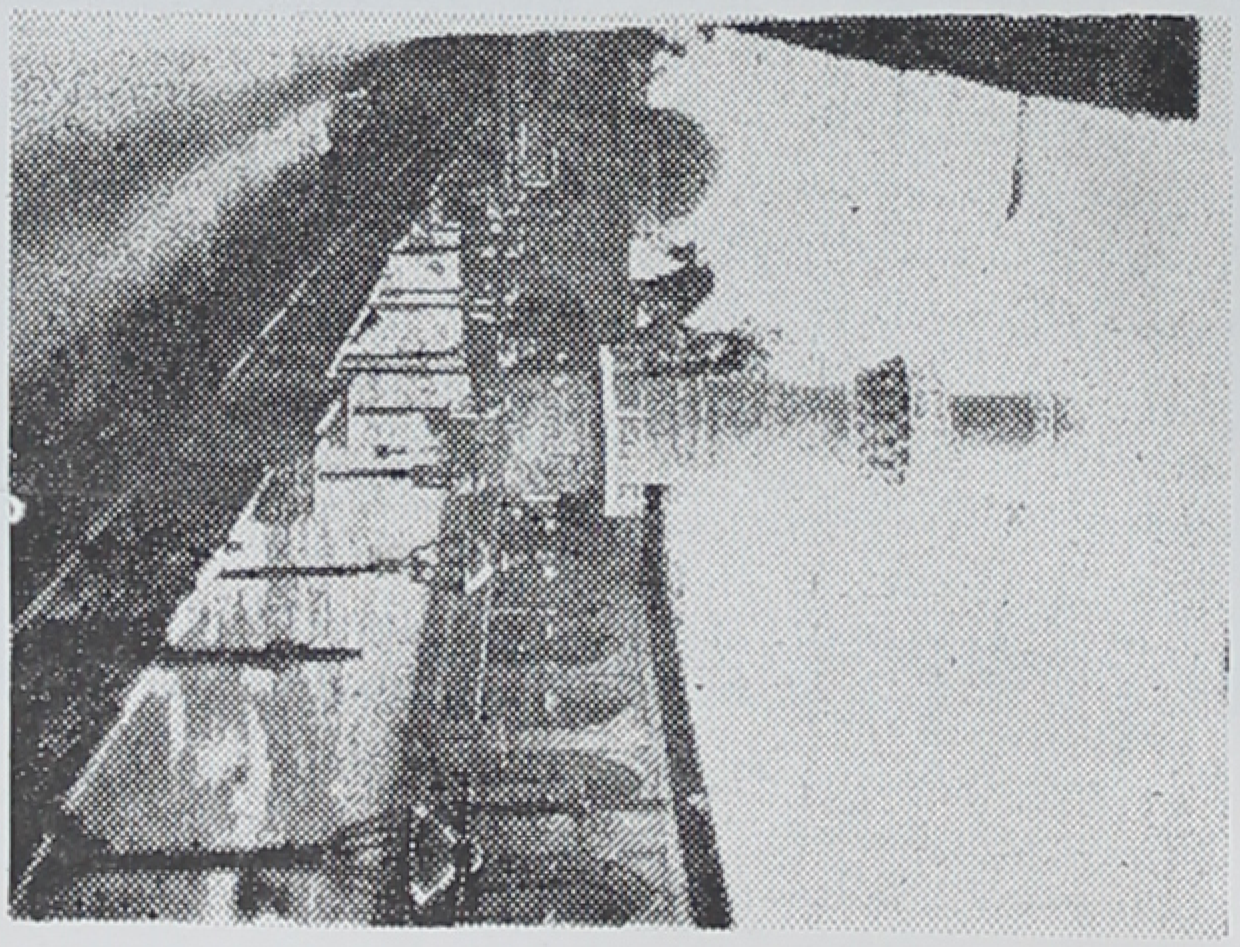
ش ۳۱۲ نقشه عالم از رساله ابن حوقل (۲۹۷۵) از روی نقشه اصلی کوپیه شده



۳۱۳ نجف قبه و بارگاه شاه ولایت حضرت امیر المؤمنین در نجف اشرف



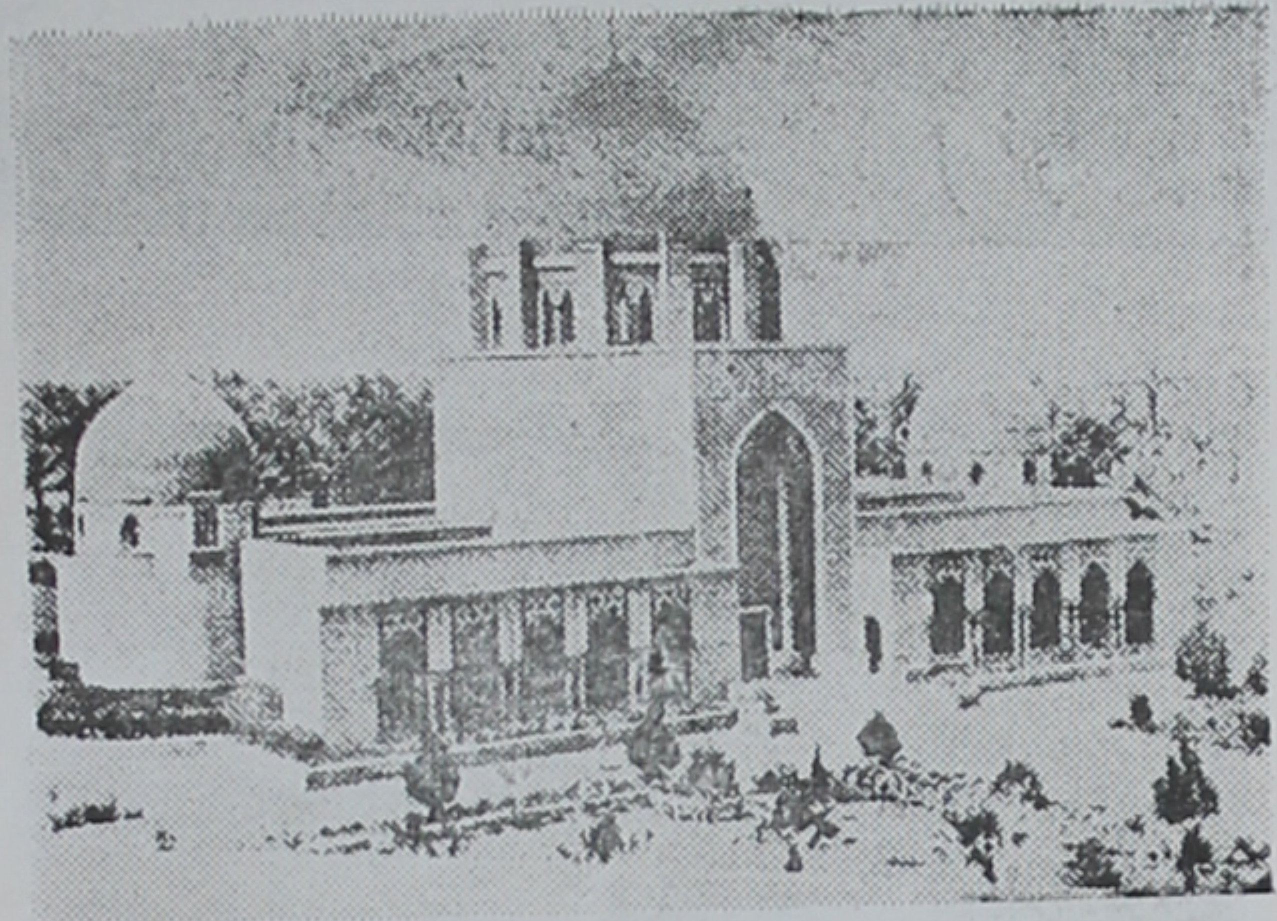
ش٣٢٤



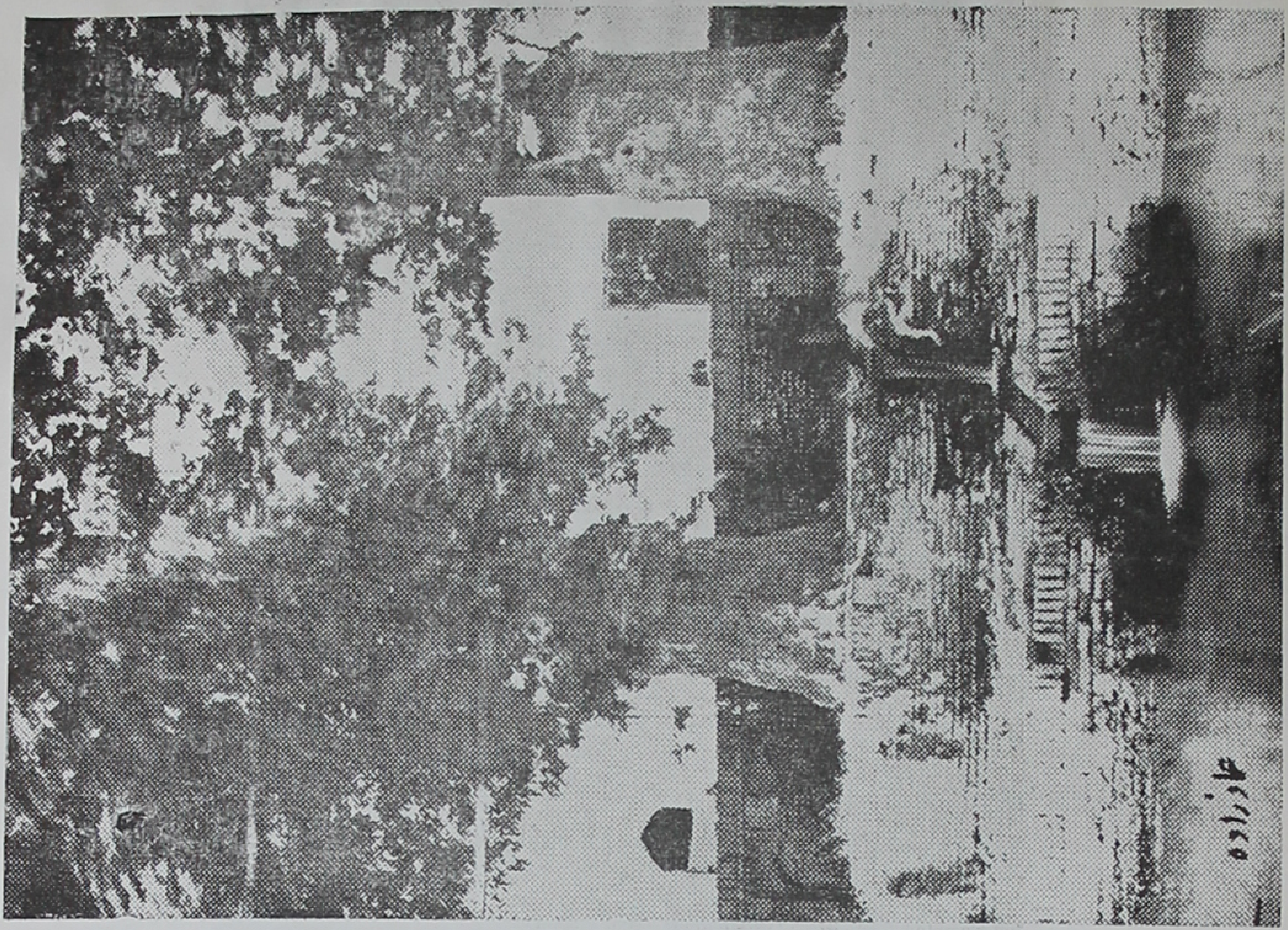
ش٣٢٥



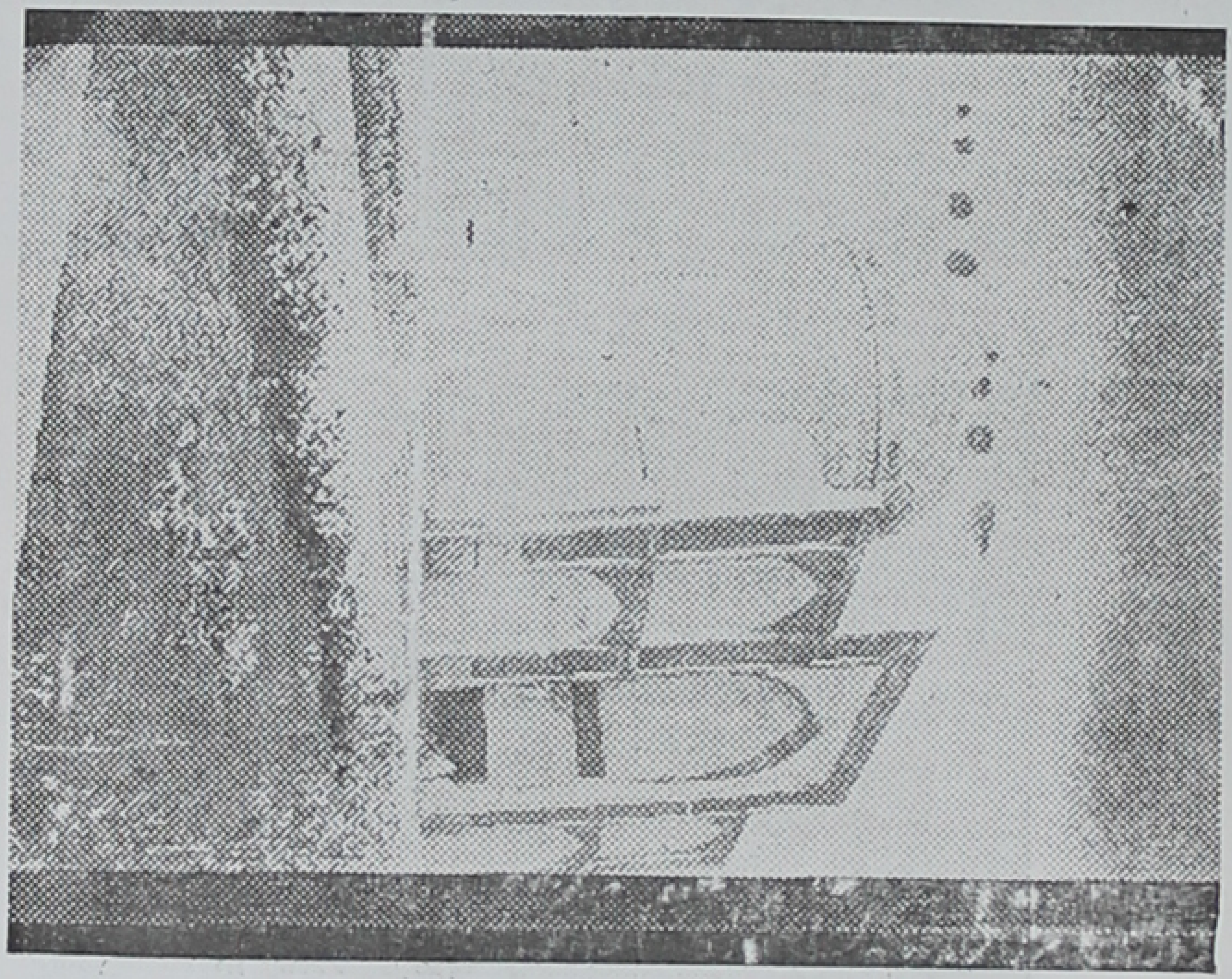
ش ۳۱٤ ملك حسین پادشاه اردن در مسافرت خود بجمهوری چین ملی از گنبد ومسجد مسلمانان در تایپه که در دست ساختمان است



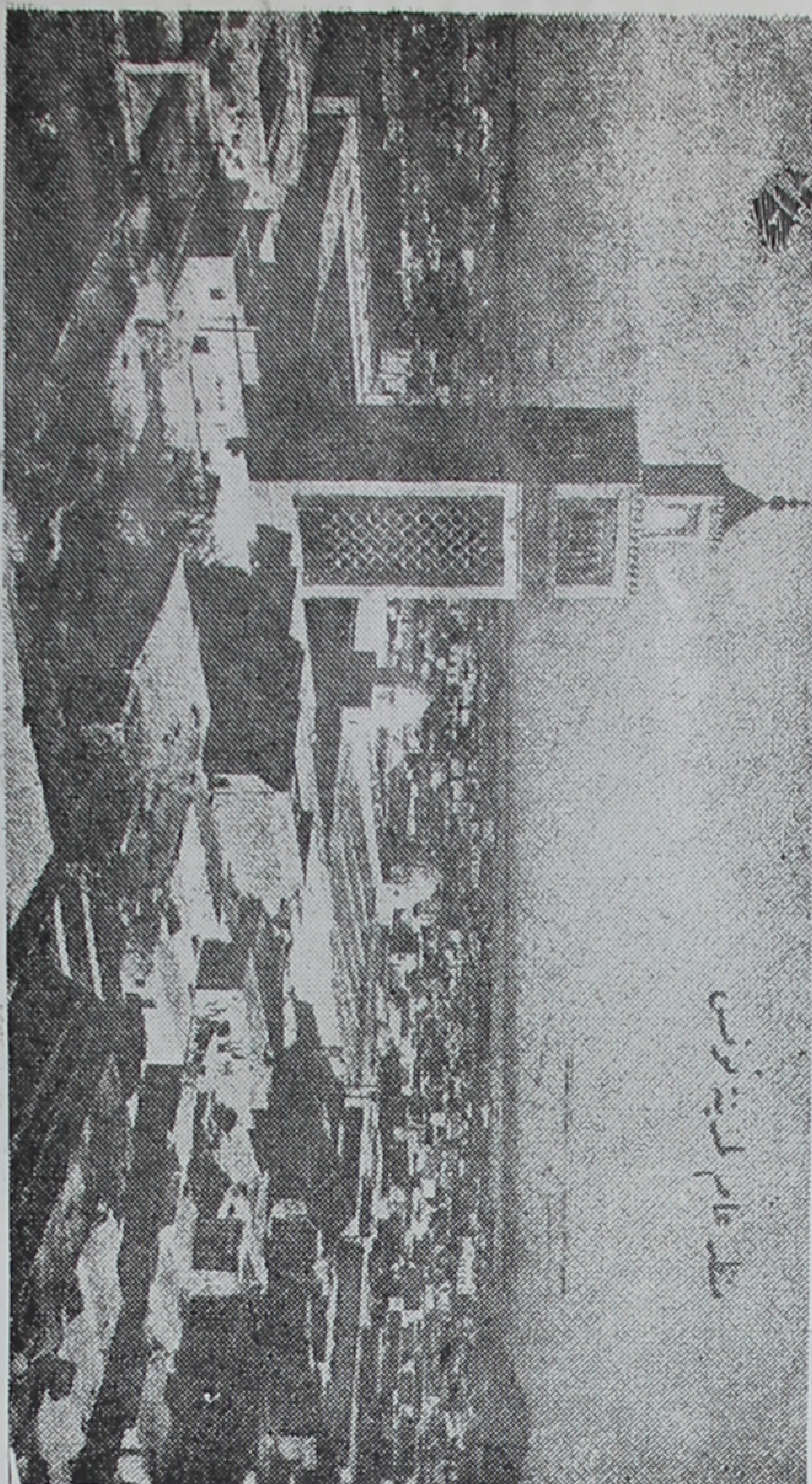
ش ۳۱٥ حر کربلا



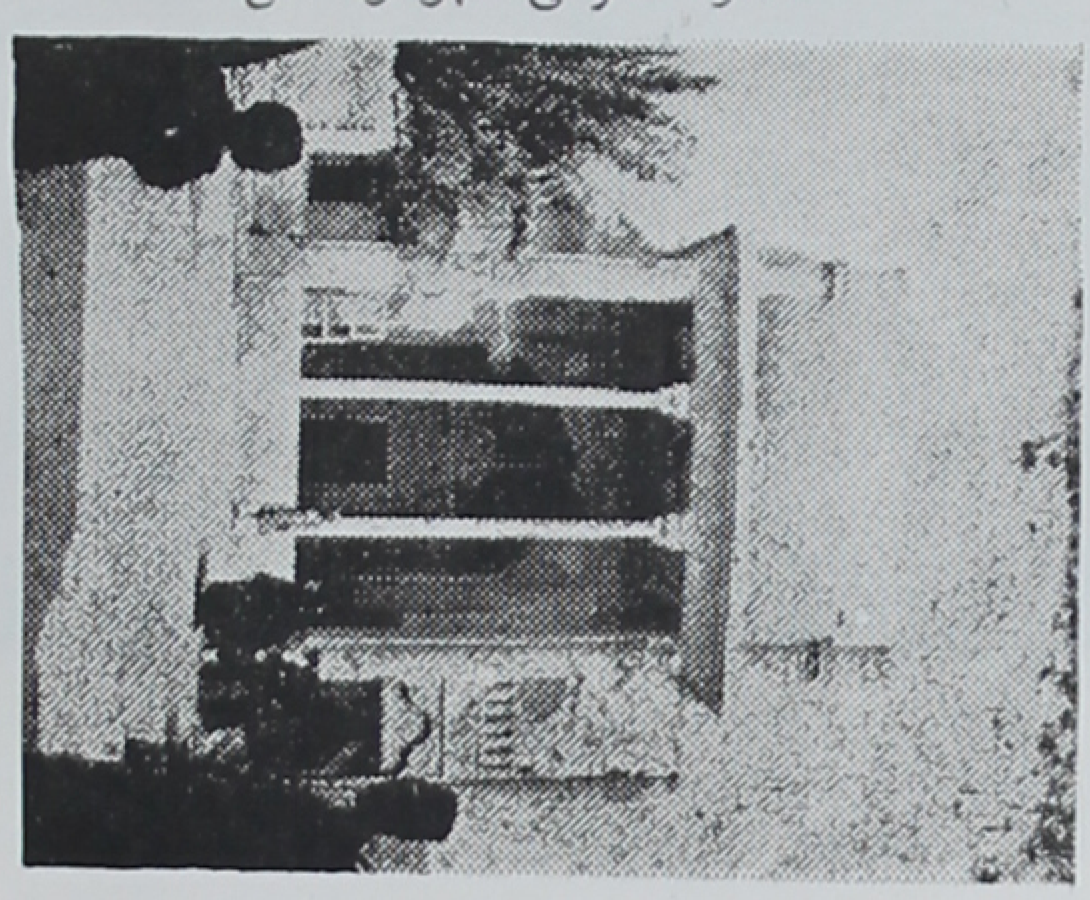
ش۳۲۸



ش۳۲۹



ش ۳۱۰ منظره عمومی شهر مرا کش



ش۳۱۱ حر شهید

بدیهی است چنانچه عقاید شیعه را آنطور که هست بمردم میگفتند آنوقت همه میدیدند که عقاید شیعه دراصول جزعقایدعموم اسلامیان نیست ودرقسمتهای ما به‌الافتراق هم چیزی ازخودابداع نکرده‌اند وجز پیروی ازدودمان نبوت وخاندان‌وحی وتنزیل که اینهم همان عقیدئی است که بعضی از خواص صحابه رسول‌اکرم صلی‌الله علیه‌واله وسلم بدان معتقد بوده‌اند معتقداتی ندارند و هرگونه تصوری هم دراین عقیده شودتازه چون مربوط باصول وایمان بمعنای اعم‌نبود بجائی ضرر نمیرساند واما دراحکام فرعیه هم اختلافات ماباهل سنت‌اختلافات فتوائی‌است که نظیرآنرا دربین خود مذاهب‌اربعه اهل سنت بسیارمی‌بینیم،

ازهمه اینهاگذشته درتمسک بدین و احترام کتاب‌الله دارای خصائصی هستند و بارها هم نشان داده‌اند که محترمترین چیزها نزدآنها دین ومقدسات دینی‌است .

بیانیه‌جماعت التقریب بین المذاهب الاسلامیه

این بیانیه که از طرف این هیئت دینی خطاب بعالم اسلامی صادر شده مشتمل بردوقسمت‌است درقسمت اول ازبساطت اسلام در صدر اول بحث کرده‌واثبات میدارد که چگونه در ابتدای اسلام‌باب تعقل یعنی اجتهاد ونظر در جلو اهل فکر ونظر باز بوده وچگونه هرحکمی را از کتاب الله وادله استنباط مینموده وتاچه حدی منطق وبرهان حکومت داشته واختلاف در عقیده واستنباط ابداً موجب دشمنی ودوئیت نمیشده و تعصب را بکلی در آنها راهی نبوده است - وبعداً که کم کم پای تعصبات دربین آمده و پیدایش چهار مذهب حنفی - مالکی - حنبلی- شافعی دربین اهل سنت از این اصل سرچشمه گرفته که‌پیروان فقهای مخصوصی‌نسبت بافکاران‌فقهاء تعصب بخرج داده بطوریکه باب‌اجتهاد را بروی خود بسته وفقط وظیفه تبعیت را بگردن گرفتند وچون هرجمعی از فقیه مخصوصی از فقهاء اربعه پیروی کردند چهار مذهب دربین اهل سنت بوجود آمده وبا آنکه در زمان خود این فقها ویا بین شاگردان برجسته آنها این اصول تعصب واینکه هردسته فقط حق را منحصر بخود دانسته باشد ودیگران برباطل دانند جاری نبوده ، بلکه هرفقیه بافکار فقیه دیگر احترام میگذاشته معهذا نوبت برپیروان که رسید پای تعصب درکار آمد بطوریکه پیرو هریك از این چهار نفرپیرو دیگری‌تیری جسته وحق را منحصرا در مذهب خود میدانسته ودراین تعصبات بقدری راه اسراف پیموده شد که درهمین مذاهب پیروانی بودند که پشت سردسته دیگرنمازنمی خواندند ویا وصلت باپیروان دیگری را جایز نمیدانستندودرخوردن‌ذبیحه‌فرقه دیگر احتیاط میکردند چرا ؟

برای آنکه او پیرو مذهبی از اهل سنت است ودیگری پیرومذهبی دیگر از اهل سنت .

در اثر این اختلافات واین سد باب اجتهاد که سد باب فکروتعقل است .

فقه‌اسلامی از آنکه باحوائج دنیای تمدن پیش رود عقب ماند ویکصورت جمود ور کودی‌بخود گرفت ودرنتیجه کم کم مسلمین احساس کردند که برای اداره زندگی اجتماعی‌خود احتیاج بقوانین دیگری دارند ونوعاً بسراغ قوانین موضوعه بشری رفتند ونهایت برای مسلمان حقیقی‌درد بوده که بچشم خود ببینند که در بلاد اسلامی غیراز قوانین‌اسلام قوانین موضوعه دیگران حکمفرما باشد :

ولیك بحمدالله مادر عصر خود موفق شدیم که تاحد بعیدی ازاین تعصبات رهیده وآن بدبینی - ها وجفاکاریها که مثلا بین پیروان مذهب حنفی باپیروان چهار مذهب دورهم جمع میشوند وفقه‌تمامی چهار مذهب درالازهر تدریس کنیم .

از طرفی جای بسی خوشوقتی است که این احساس در مسلمین پیدا شده که چرا باید قوانین غیر اسلامی بر آنها حکومت کند و من می بینم که هر روز صدائی از طرفی برخاسته و ندای علمای حقوق ورجال مطلع بقوانین اسلامی بگوش میرسد که چرا از احکام فقه اسلامی استفاده نمی کنیم ـ ؟

وحتی در کنگره بین المللی که در سال ۱۹۳۷ میلادی در شهر **(لاهای)** باحضور رجال حقوقی دول عالم ونماینده جامعه الازهر تشکیل یافت بقیمت این فقه و صلاحیت آن اعتراف گردید.

این توجه بفقه از آنجا پیدا شد که ماتوانستیم تاحد زیادی تعصبات را دربین خود کنار گذاشته ودر عوض تقیدبان چهار مذهب وافکار آنها نظر بادله را باحریت بحث شعار خود قرار داده ونشان دادیم که فقه اسلام متناسب بازندگانی است بهر مقدار که از جمود خارج شدیم بیشتر مسلمین بموقعیت قوانین توجه کنند

واین اختلافات در بعضی مواقع هم بشدت خود می‌افزوده در اثر سیاستهای گوناگون که در آن دست داشته ویا فرهنگهای مختلفی که در آن تأثیر میکرده در می‌آمده است:

همین‌طور دائره آن اختلاف بزرگتر میشده تامسلمین را بصورت فرقه فرقه وطائفه طائفه در آورده بطوریکه می‌بینیم‌یك امت بفرقه های مختلف تقسیم شده که هریك ازدیگری دوروهر یك بجانبی مخالف وبدیگری طوری نگاه میکنند که گویا پیروان دودین هستند نه همکاری نه ازدواج ونه تبادل فکری این‌طوائف ازهم دورند وفرضاً دریك شهر یایك مملکت هم بایکدیگر جمع شوند بایستی‌همیشه باهم در تصادم بوده وچه بسیار خون هائی که دراین‌قبیل معارك ریخته شده وچه خانه هائی که‌خراب وچه عداوتهای بنیان کنی که دربین خانواده ها وطوائف از آنجا سرچشمه گرفته وچه حوادث ناگواری را بوجود آورده اند که قسمتی از آنها را بچشم خود دیدیم وگاه بگاه هم نظائری از آنها را هنوز می‌شنویم.

دستهای استعمار آتش این اختلافات را دامن زده تاکار بجائی رسید که هرطایفهٔ طایفهٔ دیگررا زمانی بکفر وگاهی بفسق ودر بعضی موارد بزندقه وخروج از دین و این گونه اتهامات که نتیجهٔ جز ایجاد کینه وبغض نداشت نسبت میداده وبدینصورت میدانی را برای سیاست دیگران بر خود خالی میکرده اند.

اگر چنانچه فواصل از بین برده شد ونزدیکی ایجاد شد باز مجدداً صورت یك است واحدهٔ وقویم را بخود خواهند گرفت که دینشان اسلام وکتابشان قرآن وپیغمبرشان محمد ص وعقایدشان بطور عموم ایمان بخدا وملائکه‌و کتب آسمانی‌و پیامبران است‌وروز جزا که هر کس میتواند روی جهل از مواردیکه ماجراجویان استفاده میکنند در این همینکه دیده اند بساط تکفیر وفحش‌وقیل‌وقال گسترده‌شده‌است‌اصولادست‌ازدین‌شسته ویك‌سره بسراغ علمای‌غرب‌وافکار آنها رفته‌وغذای‌روحی‌وفکری خود را از علوم اجنبی‌ومنابع بیگانه گرفته‌اند وشاید‌چنین‌فکر میکنند که‌بسرچشمه‌اصلی‌علوم‌وحقایق رسیده‌اند و چیزی‌بهتروعالیتر ازدین یافته‌اند همانطور که نظر این افکار را نسبت بفقه اسلام درادوار اخیر دیدیم ونتیجه آن شد که نوعاً بسراغ قوانین اروپائی رفته بدون آنکه وارد این میدان شوند تا

---

۱ ـ علامهٔ استاد آقای شیخ محمود شلتوت که ازاعضاء موسس‌جماعة التقریب میباشد درآنموقع نماینده جامعه الازهر در کنگره وارد بود

حقیقت ومیزان ارزش این سرمایه هنگفت ومفید را در یابند ودر اثر این اندیشه که این فقه بارقاء عصری سازش ندارد مفیدترین ثروت دینی و اجتماعی را متروك داشتند .

اینها بود قسمتی از مضار این تفرق که متأسفانه امروز مسلمانان بدان مبتلا ودر نتیجه آن ضعیف شدند وطبع دشمنان را بجانب خود جلب کردند بلکه دشمنان را برخود مسلط داشته خود را ذلیل ومحکوم آنها قرار داده وعزت وعظمت را برای آنان خواستند درصورتیکه عزت فقط برای خدا و رسول مؤمنین است . **فان العزة لله وللرسول وللمؤمنین** پس همهٔ آنها نتاج تشتت است

آن قرانی که توانست نجات دهنده آن گروهی از مردم باشد که باقبول اسلام از ظلمات جهل بنور ایمان داخل شوند .

آن قرانی که توانست آن اختلافات را از بین آنها بردارد وائتلاف را بدانها بخشد .

آن قرانی که توانست مردمی را که دراثر آن تعصبات جاهلیت درمعرض سقوط ونیستی بودند راهنمائی نموده قائم مقام سیادت وبفرمانفرمائی عالم برساند .

همان قرانی که هنوز این صلاحیت را دارد که بار دیگر این امت را نجات داده وازاین صورت اختلاف و تشاجر واز این گودال بدبختی رهائی بخشد .

آری حق نخواهدمرد و عظمت اسلام بدوی باز خواهد گشت .

این وعده ایست که رسول اکرم فرموده وخبرداده است که خداوند هرچند یکبار مجددی خواهد فرستاد که عظمت این دین را تجدید وراه راست را بدو باز نماید .

باشد که بااشعه طلوع این صبح امید را برعالم اسلامی مشاهده کنیم وشاید اشخاص از غفلت بخود باز گشته واز خواب بیدار شوند وماآن تجدید موعود را انتظار داریم .

ماامیدواریم که این خورشید عظمت پس ازاین مدت مدید که مسلمین ازآن محروم بوده‌اند در مصر عالم اسلام طالع گردد

بااین عقیدت وامید این هیئت راکه بنام «جماعة التقریب بین المذاهب الاسلامیه» خوانده میشود بعالم اسلام که سالیان درازی را در زیربار تفرقه وتشتت بسر برده معرفی ومسلمین را بشارت میدهم که دوره جدیدی را درجلو داریم که امیدواریم دراین دوره ابرهای تیره اختلاف کم کم ازآسمان اسلامی رخت بربسته واقداماتی که در این راه بعمل آید باسرعت وموفقیت توام باشد «انشاء الله» این هیئت در مصر مرکز عالم اسلام که محل تلاقی افکار مسلمین وجنبشهای اسلامی است وجایگاه جامعهٔ الازهر جامعه ای که قلوب مسلمین از شرق وغرب بجانب آن متوجه وبطرف آن میشتابند ـ میباشد : برقرار گردیده که بعداً شعباتی در بلاد مختلفه اسلامی داشته باشد که باهمین خدمت که ایجاد هم‌آهنگی بین مسلمین باشد شروع بکار کنند

نقل از نشریه جماعة التقریب مورخه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۶۶ چاپ قاهره

ترجمه اجمالی

الی اخواننا المسلمین

مقالهٔ آیةالله محمدصالح مازندرانی مقیم سمنان

شماره‌های مجله رسالة الاسلام نشریه صادره دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه را مطالعه کردم وحق این است که بگوئیم یك مجموعه علم وادب است و فلتقی لؤلؤ مرجان است که بزبان عربی شیرین وجذاب منتشر میگردد.

درشماره اول سال سوم بیان فاضل علامه شیخ الاسلام شیخ عبدالمجید رادر راه تقریب مذاهب اسلامی خواندم که تألیف علوم وفرهنك وتقویت ایمان درمیان مسلمین یك مابه الاجتماع نیرومندیست که‌چون سد آهنین استوار وامیدواریم که همه هفتادودوفرقه دیگراین دستوررا بشنوند وباجرا گذارند چه خداوند بملت اسلام ازانواع نعم بزرك خود که علم وفضیلت باشد دریغ نفرموده وشرح صدری با روح ایمان بنام تاج کرامت بسر این ملت بخشیده است وبمتعاقب آن دستور **فاصدع بما تؤمر** واعرض عن المشرکین واستقم کما امرت و ایقیظ الغافلین داده ، وپیغمبراکرم پاس وپاداش رسالت خود را ازملت اسلام احترام ومودت ذی القربی خواسته وشکی نیست که ذوی القربی اهل بیت عترت طاهرین اومیباشند وشیعیان ودوستان مستقیم آنها باین دستورعمل میکردند.

تقریب باید این لغت معنوی ودستور آسمانی را وجهه همت قرارداده ودرتمام اقطار عالم اسلامی دستوردهد که همه مسلمین نسبت باهل بیت عترت وطهارت ابرازمودت نموده تاشکرانه هدایت وارشاد پیغبر ص خودرا کرده باشد. واین بهترین مذکریست که میتوان مطمع نظرهمه مسلمین قرار داد و پیغمبر وخاندان اورا راضی نمود.

اماسواءالکلمة

آنچه بین مسلمین بمواسات ومساوات مابه‌الاجتماع همه میباشد ایمان بخدا وملائکه و کتب ورسل آسمانی است که بوجود مقدس سید الرسل وخاتم الانبیا تاروز قیامت باقی وبرقرار است واین حقیقت را خود پیغمبر ص درپاسخ شیخ بنی عامر بمیان گذاشت

شیخ بنی عامر آمد حضور رسول‌الله پرسید توچه میگوئی فرمود من شهادت بریگانگی خداوند میدهم شیخ بنی عامر گفت من چند سؤال میکنم پاسخ آن را بگو تاتکلیف خود را اعلام کنم

یابن عبدالمطلب چه چیز علم را زیاد میکند یاعامر تعلم و کسب علم آموختن وپرورش دادن است یابن عبدالمطلب چه چیز برشرور می‌افزاید یاعامر تمادی وتجاوز بحقوق دیگرانست یابن عبد-المطلب ایابرو نیکوئی پیش از فسق وفجور لطفی دارد ؟

یاعامر آری توبه است که گناه را پاك میکند وحسنات است که سیئات را محو می‌نماید یابن-عبدالمطلب بچه دلیل هروقت بنده برای گرفتاری بدربارالهی برود خداوند بلارا ازاودفع میکند

یاعامر بدلیل قوله تعالی وعزتی وجلالی لااجمع ابداً لعبدی آمنین ولااجمع علیه ابداً خوفین ان هو آمننی فی‌الدنیا آمننی یوم اجمع عبادی فی‌حظیرة القدس فیدوم له امنه ولاامحقه فیمن امحق یعنی هیچ بنده نمیتواند در دنیا وآخرت میان امن وخوف جمع کند اگر در دنیا از من خائف و

بیمناك باشد در امان است واگر در دنیا در امان باشد در آخرت خائف خواهد بود

یابن عبدالمطلب بچه چیز دعوت میکنی یاعامر بنده گی خدای یگانهٔ عزوجل که شریك وشبه ونظیر ندارد وتکذیب لات وعزی واقرار بآنچه خدای عالم بربندهٔ برگزیدهٔ خود نازل فرموده یعنی اقرار وایمان بقرآن ونماز پنجگانه و ادای زکوة وتطهیردل وتهذیب نفس و روزهٔ ماه رمضان ویکبار حج در تمام عمر بشرط استطاعت وغسل جنابت وایمان بمرگ ووجود بهشت وجهنم یابن عبدالمطلب فاذا فعلت ذلك فمالی وقتی این کار ها را کردیم چه میشود

یاعامر بهشتی بروی که درختان سرسبزی وآبهای جاری در زیر آن است برای همیشه در آن بهشت جاویدان خواهی بود واین جزای کسانی است که تزکیه کنند وپرهیزکار باشند

یابن عبدالمطلب آیا بااین ها که گفتی چیزی دیگری هم دردنیا است !

یاعامر سیر در بلاد که مایهٔ زندگانی دنیا است عامر مسلمان شد وتوبه از بت پرستی کرد

اما طریق دیگر که میتوان مذهب را بتقریب واحد آورد بازگشت بعقائدسلف حکماء ومسلمین اول که در عقائد پاك خود صاف وبی الایش بود وفقط بمحکمات عمل میکردند ومتشابهات را برای خواص میگذاشتند واز آن پس صحابه وسادات وتابعین آنها نیز بهمین سیرهٔ عمل میکردند ودر عقائد آنها جبرو تفویض وغیره نبوده ودروحدت ویگانگی حق بتجسم وتشبیه وترکیب ذات وصفات وغیره وجود نداشت و کلماتی که موجب تفرقه باشد وجود نداشت چنانچه خلفای راشدین واصحاب کرام و اهل بیت رسالت بدین عمل میکردندو باهل بیت که راسخین فی العلم بوده اند وازسرچشمه علوم نبوت سیراب شده اند مراجعه کرده وهرچه آنها میگفتند بجان ودل می پذیرفتند .

واین راه مستقیم وحدت کلمه شیعه وسنی است که درتمام ممالك و اقطارعالم باجرا بگذارند تا اوهام وخرافات داخل علوم نگردد وحق وباطل ازهم مشخص شود .

امافقه

شکی نیست که همه مسلمین دروجوب عمل بکتاب وسنت معترف و مقرند و برای عمل خودلابدند که ازسنت حقیقی پیروی کنند وهمه مسلمین برای تحکیم مبانی جهت اعمال خود بعلماء مراجعه مینمایند واین مراجع دودسته اند یکی اهل بیت طهارت ودیگر علمای اصحاب وبدیهی است که اهل البیت بعلومی که درآن خاندان نازل شده بهترواقف هستند تادیگران وحق این است که همه صحابه وعلماء باهل بیت مراجعه نمایند وازآنها پیروی کنند واهل بیت مقتدای شیعه امامیه ومطاع ومنبع علوم آنها میباشند که بامراجعه بکتب آنها این حقیقت ثابت میشود دقت نظر و کثرة التفات ومراعات همه جوانب یك فرعی از فروع درفقه امامیه کاملا مورد توجه قرارگرفته است ولطف قضیه این است که فقه امامیه اززمان رحلت پیغمبر ص تاامروز هیچ تغییری نکرده است درحالی که فقه سایرین درهرعصری پیرو وتابع یکی از فقها بود مثلا درزمان هارون مقلد ومقتدی قاضی ابایوسف یحیی بن اکثم وامثال آنها بود دردولت ایوبیه مقلد شافعی ومالکی بود واز زهری وثوری ومعمر بن راشد وابن صریح مکی واوزاعی شامی وغیره تبعیت میکردند ولی امامیه از سابقین اولین ومقلدین عقلی وفطری آل محمد ص میباشند .

اماطریق صلح بین شیعه وسنی درامامت وخلافت

معلوم است که اهل سنت خلافت راملاك دانسته نه امامت مخصوص و منصوب آسمانی را ولی درعین حال اعراض از علوم اهل بیت ندارند .

وتشیع کامل یعنی امامیا باامامت منصوص و منصوب بعدازعلی

یازده نفر ازاولاد علی بن ابیطالب معتقدند و آنها مخالف منصب خلافت عامه نسبت بمصالح بشرط عدالت نیستند وعظمت واعجاز ائمه هم مکتوم نبوده است وبنابراین دومبحث خاص مستقل شده که طریق صلح وسلم آنها این است که تکذیب یکدیگر رانکنند ودراصطکاك وبرخورد وتماس معارض و مبارزه یکدیگر نشوندچنانچه حضرت امام رضا درخلافت مامون پیشوای علم وفضیلت بود واوهم حکومت داشت اجرای این راه پس ازوحدت علمی وعملی این است که کرسی تدریس فقه جعفری در دانشگاه ازهر تدریس شود تااینکه صفا ودقت علوم اهلبیت که منبع وحی اند نقل شده ثابت گردد.

بنابراین ای برادران اسلامی این سه راه برای تقریب باز است یکی وحدت معارف وفرهنك و دیگر احترام متبادل بین فریقین وسوم همکاری نزدیك درنشرعلوم ومعارف اسلام که درهرسه قسمت در احادیث واخبارروایاتی داریم که مسلمین موظف باجرای آن میباشند زیرا درنماز وقبله وقرآن وحدت نظرموجود است درفروع هم میتوان این وحدت را بوجود آورد.

بهترین راه تصالح بین سنی و شیعه - زیدیه

شیعه وسنی دردوصف متقابل پیروامامت وخلافت قرار گرفته اندو غافل ازفرق دیگری هستند که درپشت سر آنها میباشند - مانند زیدیه ازفرق شیعه و ائمه اربعه ازفرق تسنن وشکی نیست که امامیه پیرو اهلبیت عصمت ونص واعجاز منزله ازاهل بیت رسالت هستند که هیچکس باآنها مخالف نیست وقابل انکارهم نمیباشد.

خلافت خلفای راشدین هم که منزلت مقدس غیرامامت بود وریاست عامه خلق است دره۲ سال معارضی نداشته وخلیفه عادل مرضی موردتراضی مردم است واین هردو گذشته بحث درآن جز نفاق اثری ندارد باید برای آینده خود ازتعلیمات عالیه که مورداتفاق است استفاده کرد ودرباره احتیاجات بین امامت وخلافت هم آنقدر گفته و نوشته شده که دیگرجای ابهامی باقی نمانده و لزومی بتکرار مطالب نیست وبهترین طریق اطاعت ازروش پیغمبر وسیره ائمه معصومین میباشد.

اما مصالحه بین امامیه وزیدیه

شکی نیست که خلافت ملی مزاحم امامت نیست و تکذیب نص هم نمیتوانند بکنند زیدیه میگویند امامت باخروج شمشیراست واین امامت است که باخلافت مزاحمتی دارد ولی در اواخر همه جا امامت زیدیه خروج بشمشیر نداشته و لذا باید همان صلح وسلمی که بین شیعه وسنی شدبین امامیه وزیدیه برقرار گردد زیرا هردو بمقام مقدس حضرت زین العابدین احترام میگذارند ودیدیم که خودآنحضرت نشست و خروج نکرد ودستور بخروج هم نداد وائمه پس ازاوهم قیام وخروجی نکردند. تابمهدی امت برسد که البته اوخروج میکند ومامور بشمشیراست وبگفتار سیدمرتضی که مراجعه کنیم خواهیم دید مصلحت امت در قعود وسکوت بوده بخروج شمشیر ودلیلی برخلافت وامامت زید نبوده ونیست اگر امر بمعروف و نهی ازمنکرباشد که هرعالم متقی وهرمسلمان مکلف است بشرایط عصرامربمعروف کند وبرفرض چون غصب حقی مسلم شد همان طورکه امیرالمومنین ع بنابرمصالح امت سکوت نمود بایدآنهاهم سکوت کنند تاملت اسلام رشد عقلی وعلمی خودرا بکمال برساند واین عقیده مبنی بردستور وسنت وعمل پیغمبراست که در غزوات ومقتضیات سکوت میکرد تااسلام رشد نمود.

امامروز باید معارف وعلوم وفنون اسلامی درسایه وحدت قرآن وقبله ونماز تقویت و بسط داده شود وهم فرق دراین اصل اساس مشترك المنافع بذل سعی نمایندواین آرزوی دارالتقریب مذاهب - الاسلامی است .

واماکتب فریقین

۱- حجاج سته
صحیح اول محمدبن اسماعیل بخاری متولد ۱۹۴ متوفی ۲۵۶ آخرین کسی است که استماع حدیث کرده وشانزده سال ازششصدهزارحدیث این کتاب را پرداخته بخاری بنقل محمدبن یوسف فربری ازنودهزارمرد یاهفتاد هزاردانشمند این روایات را شنید وابوعیسی ترمذی گفته احادیث صحیح بخاری بنقل شهیددرذکری وابن حجردر ۷۳۹۷ حدیث است که مکررات بسیار دارد و احادیث و نص بلاتکراران ۲۶۰۰ حدیث میباشد و متون معلقه مرفوعه آن ۱۵۰ حدیث است .

۲- صحیح مسلم
مسلم بن حجاج نیشابوری متوفی ۲۶۱ احادیث بدون تکرارآن ۴۰۰۰ و بامکررات ۷۲۷۵ حدیث بنقل کشف الظنون

۳- صحیح ابی داود
ابی داود سجستانی سلیمان بن اشعث متولد ۲۰۲ متوفی ۲۷۵ بنقل پسرش که از حفاظ بزرگ بغداد بود متوفی ۳۶۱ احادیث آن ۴۰۰۸ حدیث است و احادیث نبوی آن بنقل ابن خلکان ۶۰۰ حدیث بیشتر نیست .

۴- صحیح ترمذی
محمدبن عیسی بن سوره ترمذی متوفی ۲۷۹ که شاگردبخاری بود وباقتیبة بن سعید وعلی بن حجر وابن بشار شرکت داشتند.

۵- صحیح نسائی
احمدنسائی متوفی ۲۳۳ ه

۶- صحیح ابن ماجه
محمدبن یزید بن ماجه ربعی قزوینی متولد ۲۰۹ه متوفی ۲۷۳ بنقل ابن خلکان ابن ماجه امام حدیث وعارف بعلوم بود که بعراق وبصره و کوفه وبغداد ومکه وشام ومصروری رفته وتفسیری برقرآن نوشته .

۷- صحیح دارمی
صحیح دیگری درمیان آنهاهست بنام صحیح عبدالله دارمی سمرقندی متوفی قرن سوم وموطامالك که جمع بین صحاح سته کرده ومبارك بن اثیرجزری نیزجمع بین صحیحین مسلم وبخاری کرده ومسعودبن فراء بغوی احادیث حسن وصحیح را جمع کرده واستخراج نمود و سجستانی متوفی ۵۰۵ نیزاحادیث صحاح رابیرون آورده - ابی بکر مغازی متوفی ۵۴۳ معاصر فخر رازی وکتاب فتح بای در شرح صحیح بخاری را ابن حجرعسقلانی نوشته است .

اماکتب امامیه

کتب صحاح امامیه هشت کتاب که هفت کتاب آن محمدین سبعه نوشته اند ۳ جلدازآن را ۳ محمد ازاوایل و چهارجلد آنراچهارنفر ازمحمدین ازاواخر باین شرح .

۱ - کافی دراصول وفروع واخلاق واحوال انبیاء وائمه وسما وعالم وآنچه متعلق بدین است تالیف شیخ ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی متوفی ۳۲۹ معاصر وکلاء مهدی است وسفراء اربعه درغیبت صغری بود این کتاب خلاصه در کتب اربعمائه» یعنی چهارصد کتاب تالیفی چهارصده مؤلف ازچهارهزارشاگردان امام جعفرصادق ع میباشد . وابن عقده متوفی ۳۳۳ه درکتاب خودش نام چهارهزارنفر ازشاگردان

امام ششم را نقل کرد که چهارصد نفر آنها مولف بوده‌اند و کتب اربعمائه از آنها مشهور و در دسترس کلینی بوده است .

این کتاب ۱۶۱۹۹ حدیث دارد که همه صحیح است ۵۰۷۲ حدیث موثق و ۱۱۱۸ حدیث قوی و ۳۰۲ حدیث معتبر و ۹۴۸۰ حدیث صحیح قدمائی

۲- کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی متوفی ۳۸۱ که سیصد کتاب تالیف نموده است .

۳ و ۴ - تهذیب و استبصار تالیف شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی متولد ۳۸۵ متوفی ۴۳۰ که دارای تالیفات عالیه مفیدی بوده است .

۵ - کتاب وافی که بین کتب اربعه جمع کرده تالیف محمد بن مرتضی مدعو بمحسن کاشانی متوفی ۱۰۹۱

۶- کتاب بحار الانوار در ۲۵ مجلد تالیف محمد باقر مجلسی متوفی ۱۱۱۱

۷- کتاب وسایل محدث محمد بن حسن حر العاملی متوفی مشهد رضوی

۸- کتاب مستدرکات وسایل در سه مجلد محمد حسین نوری محدث اخیر متوفی ۱۳۲۰ قمری

پایان

فهرست مندرجات جهان اسلام و اسلام در جهان

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فهرست عکسهای کتاب جهان اسلام

بها ۲۵۰ ریال